بسمه تبارک و تعالی

جلد سیم کتاب منتظم

ناصری تاریخ قاجاریه از مؤلفات

جناب صنیع الدوله محمد حسن خان وزیر

انطباعات و دار الترجمهٔ همایونی از سال

هزار و صد و نود و چهار الی سال

هزار و سیصد هجری

[illegible]
فی شهر
سنه ۱۳۰۰

بسم الله الرحمن الرحیم و به ثقتی

بارخدایا از بیان حمد و ثنا شکر سزای درگاه کبریای تو باشد درمانده و قاصریم و از ادای شکر نعما و آلای بی منتهای
که عطا فرموده ناکرده و مقصر چنانکه نزدیکان و مقربان حضرت در بعجز و ناتوانی اقرار است و ضعف بشریت مایه عجز
و مانع استکمال اطوار از ما نیاید نه ستایشی که باید نه پرستشی که شاید کمال عبادت و عبودیت ما اینست که رسول
کریم و پیمبران را که بهتر از روی قلب و لسان بمهر و امتنان بپوییم و بدین دست در دو سینه و بندگی زنیم آل و اولاد
ایشان را گرامی داریم و وسایل و وسایط رستگاری شماریم پس دست آویز ما در این عالم جهولی و نادانی و شدت خمول
و تولای دل کرامت و ظل حمایت و شفاعت پیغمبر برگزیده و رسول مرسل مختار است و ولای عترت طاهره بزرگوار علیهم صلوات
الله و سلامه ما دامت الشمس شارقة فی رابعة النهار **اما بعد** بر رای زرین مطلب و مراد نکارنده که بتوفیق خدا در متعال العز اسمه
همت حصول می یابد و امیدوار است که بعز قبول ولی نعمت قدر همایون شاهنشاه جمجاه خسرو عادل کارآگاه السلطان بن
السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان بن الخاقان **ناصر الدین شاه** قاجار ایده الله تعالی بنصره العزیز مقرون شود
نگارش تاریخ سلسله جلیله قاجار و این طبقه از سلاطین با تمکین تاجدار است چه جمله مولفان که بتحریر آن پرداخته و در
سنوات ماضیه مرتب و مدون ساخته نسبت باین تالیف منیف در حکم مقدمات است و این مجلد که نام نیک و مآثر معظم له را با
فروغ مشار الیهم خلد الله ملکهم را محل امتیاز و بمنزله نتیجه میباشد چونکه چنین است و فایده ترتیب آن صغری و کبری این میتوان
گفت که بمنتهای آرزو و مأمول خود نایل آمده و مسئول و مقصود خویش را حاصل کرده لهذا از بخت شکر دارم و از روزگار هم
و اگر این تاریخ قاجاریه که جلد سیم منتظم ناصری است بوضع مجلدات سابقه سال بسال ولی مفصل و مبسوط چنانکه شروع
نموده بعون الله تعالی بپایان رسد عنایتی است که از الطاف خفیه خداوندی شامل حال و موجب ازدیاد خوشبختی و اقبال این
بیمقدار گشته و بنحو اختصار و اجمال دینی که از سلاطین بزرگوار قاجار بواسطه بذل نعم وافره و عواطف متکاثره بر ذمت
و رقبه این بنده و آبا و اجداد است ادا شده و ارباب خبر دانند که پدران و نیاکان مولف نیز چون خود در این دودمان خلافت
نشان همواره با عزت و شان بخدمت مشغول و باحسان و اکرام مشمول بوده اند و در مقابل آن نعمت بی قیاس این خدمت
قلیل را عرض تشکر و سپاس را است

پوشیده نیست که جلد دویم منتظم ناصری بشرح وقایع سنهٔ هزار و صد و نود و سه که سال انتقال کریمخان زند است ختم
شد و این مجلد میبایست بحوادث سنهٔ هزار و صد و نود و چهار را ابتدا شود اما اگر قبل از شروع بآن و تتابع تمهید مقدمه
ننماید چنانکه باید و شاید کتاب جامع نباشد و مرام کامل نگردد چه ذکر نسب جلیل فرخنده ایل قاجار و بیان سیر و آثار معظمه
اسلاف و آبای ملوک کامکار این سلسلهٔ علیه با تمکین و وقار در این محل و مقام از رؤس مسائل و معظمات مطالب و مهام است
تا اهمالی در این باب نشود و اغفالی در فتح ابواب و بسط اسباب بکار نرود بدوا بایراد مقدمه مبادرت ورزد تا کار را بر مطالعه
کنندگان سهل و آسان سازد این تألیف بدرستی و راستی وافی گردد و فقط همین مجلد برای استدراک کلیه منظور و مقصود
کافی باشد
همچنین مخفی نماند که در این کتاب نیز همان سبک و طریقه را که در مجلدات سابقهٔ منتظم ناصری اختیار کرده ایم ملحوظ و مرعی
خواهیم داشت یعنی پس از اتمام و تحریر وقایع داخلهٔ ممالک محروسه و نگارش سیر ملوک معظم هر سال حوادث مهمه و اتفاقات در تمام
روی زمین و اقطار کرهٔ ارض را مسطور خواهیم نمود و صاحب نظران که تتبع و تصفح صحایف کتب اخبار یکی از شئون و افکار
پسندیدهٔ ایشان است دانند که اتفاقات و سوانح عظیمهٔ مائه نوزدهم مسیحی یا قرن سیزدهم هجری چندان اهمیت دارد
و جاذب نظر دقت و اطلاع است که شاید آن نیز بر وجه حسن و محسنات این کتاب بیفزاید و فی المثل چون یاره و خلخال دست
و ساعد شاهدان بدیع الجمال باشد و من الله التوفیق فی کل الاحوال

مقدمه

مورخین معتبر و مصنفین محترم مائهٔ سیزدهم هجری در اصل اصیل و نسب نجیب ایل جلیل قاجار و امرای این سلسله
باشوکت و اقتدار هر یک بقدر مساعدت کتب و اسباب و جمع آوری دفاتر و اسناد و بذل الجهد و اجتهاد استقصائی
نموده اند و شرحی نوشته بنا بر این پسندیده و بهتر آنست که ما اولاً بعضی مسطورات ایشان را عیناً و برخی را بطور
خلاصه و تنقیح عبارت ذکر و ایراد کنیم بعد از آن هر دو براه تحقیق و تدقیق بپوئیم و آنچه را صواب و موضح تصدیق
اولی الالباب است و مطابق با واقع دانسته و سنجیده ایم بر زبان قلم آورده و گوئیم پس شروح مزبوره از قرار ذیل است
در کتاب ملوک الکلام که مرحوم آقای میرزا تقی علی آبادی از رجال معظم از قول خاقان خلد آشیان مغفور فتحعلی شاه طاب
ثراه نوشته چنین مسطور است
نخست گوهر پاکم بیش از آلایش آب و خاک از صلب پاک ترک بن یافث بن نوح تا زمانیکه مقتضی ظهور گشت شاناً بشأن
حالاً بحال تکمیل ترتیب پذیرفت تفصیل این اجمال آنکه ایل جلیل قاجار از دوغ میمون آق قوینلوی ترکانست و آن قبیلهٔ نبیله
از اولاد ترک بن یافث بن نوح که بیافث اغلان مذکور و بکثرت اولاد و احفاد مشهور قبایل و عشایر نتیجهٔ یک نسل
و فرع یک اصل از هم منشعب گشته پس از تسخیر ممالک مشرق و شمال در ترکستان و چین و صقلاب و ختا و ختن جای گیر شدند
دو طایفه از آن ملقب به آق قوینلو و قراقوینلو اکثری از بلاد روم و شامات و دیاربکر را بحیطهٔ تصرف در آورده بعزیمت
ایران مصمم و در اندک زمان ایران را مسخر و آنرا بسه قسمت کردند که متون تواریخ و بطون اخبار از آثار و کردار سلاطین با اقتدار
آن دو طایفه حاکی و حاوی است جمعی در گنجه و تبریز و ایروان ساکن و رایت سلطنت در ممالک آذربایجان و گرج و عراق و فارس
افراختند آبای کرام و اجداد ما عدل و داد ما در استرآباد و گرگان بعد از استیلای بر ترکمانان دشت قبچاق تمکن و بهره در
مرو شاهیجان توطن جستند بر اکثر بلاد خراسان حکمران و فرمان روا شدند شاه قلیخان پدر نجم که سر خیل آن انجم بود
پس از انقضای مدت حکمرانی ازین جهان فانی در گذشت و زمام اختیار آنخود و بفرزند ارشد خود فتحعلی خان باز گذاشت

ادامی بود پادشاه نشان بمعاضدت شمشیر و مساعدت تدبیر دولت علیه صفویه را استقامت و استحکام تمام حاصل
بود پس از شهادت او مظهر جلال خداوند قهار نادرشاه افشار چندی بهتك و فتك و حرق و خرق ممالك ایران و ترکستان
و هندوستان را بر آشوفته ایران را ویران گذاشته در گذشت بر حسب فاعتبروا روزگار که (بنوبت اند ملوك اندرین سپنج
سرای) نوبت سلطنت موروث بمحمد حسنخان فرزند رشید خان سعید رشید و او پادشاهی مؤدب بنفس مجرب عقل
بود خصایل ملکی با کمال انسانی جمع داشت بطیب خلق و زیب خلق و عقل کافی و عدل وافی در اندك مدت ممالك عراق و
فارس و آذربایجان چون قلوب جمهور ناس مسخر و مغلوب ساخت پس از انصرام مهلت و انصرام مدت بر عادت زمانه نا
پایدار زمانش بسر آمد و زمانه پدر بضمان پسر آمد و از آن پادشاه هفت پسر خلف ماند هر یك در افتخام و اصطلام
مقاتل لشکری و مقابل کشوری پدر تاجدارم حسینقلیخان ملقب بجهانسوز شاه و عم تاجدارم محمد شاه که در روضه
رضوان قرار و دم بدم رحمت یزدان بر روح پاکشان نثار باد اختر یك برج و گوهر یك درج در عرصه ممالك شایان تخت
و تاج و از سلاطین زمان ستاننده رخت و باج مانند یوسف و ابن یامین از یعقوبیان محسود برادران گشتند تا دل ظلم و عنا
زندوار و چهره عدل و انصاف در پرده متواری ماند عم تاجدارم در شهر شیراز چون بیژن اسیر چاه و پدر شمشیر
گذارم تا از چاه بجاهش نشاند مغفر سر بر تاج زرکان و کمند بر حمایل کمر نطاق شمشیر بر کیانی کمر بمدتی بر خسروانی بستر
بر گزیده دستان وار داستانهای مردی و مردانگی در روزگار بیادگار گذاشت

برای اختلاف چنگ او و سلطنت
و استیلای بر ممالك مهمل و کار
دولت و مملکت مختل ماند آخر
ایرانیان ترویه شمنا چیره

بروز و شب پی رزمش نه روز بود و نه شب | زماه و خور پی بزمش نه خواب بود و نه خور
بچابکی و دلیری چنو سوار نبد | اگرچه پور پشنك و اگرچه رستم زر
همیشه تیرش پیش از خیال در دل خصم | بفرق تیغش پیش از نهادن مغفر

عاقبت جهان اختلاف بشهادت سعادت یافت پس از تبدل چندی از لیل و نهار و تحویل این دو شتابنده بمدار
(اقبال را بوعده مهلت کرده روزگار) کریمخان زند که باعث آن کار ناپسندیده بود آزادمان شراب ایمان خراب چون نقش بر
آب و موج سراب از هستی ناچیز ماند از تخت بتخته رفت و از گاه بخاك سیاه خفت

از محاق قضا برون شد ماه | وز عری خطر برون شد شاه

عم تاجدارم از شهر بند شیراز چون شاهباز با آشیان بپرواز آمد و استرآباد و مازندران گرفت انتهی
مرحوم میرزا ابو القاسم قایم مقام از وزرا و ارکان دولت خاقان علیین مکان فتحعلیشاه طاب ثراه در کتاب شمایل
خاقان که و مدایح جلیل قاجار را نسب بترك بن یافث و اغوزخان میرساند و شرح مبسوطی در این باب مینگارد که خلاصه آن
از قرار ذیل است
واقعی که بترك بن یافث با کیومرث بن جهان ایران معاصر بوده و هر دو در یك عصر واضع رسم سلطنت شده اند
بعد از آن بعضی از اولاد سام و حام در ممالك یمن و هند و حبشه و شام دارای داعیه اقتدار و احتشام گردیدند
بنا بر مسطورات تواریخ ترك بن یافث اول خاقان ملك مشرق است و از نسل او چهار فرزند بوجود آمد بزرگتر از همه تونك بود
که در کودکی در ساحل رود سلوك صید ماهی نمود لقمه چند تناول فرمود اتفاقا پاره گوشت بریان از دست او در قطعه
زمینی شور افتاد چون آنرا بر گرفته آلوده به نمك شده بود ذائقه او را از طعم نمك خوش آمد وقت شام صورت حال را بعرض
پدر رسانید و خاص و عام را بعد از آن میلی تمام باستعمال نمك حاصل شد و معدن نمك از ترکان پدید آمد بالجمله رایت اقتدار
ترك در تمامی ممالك پدید و املاك برادران چنان افراخته گشت که با آنکه ایشان مانند غز و خلج و چین و سقلاب بر ممالك

بودند

بودند وحدود وسنور شان با یورت مخصوص هر ایشان آشکارا و معلوم باز اکنون در تمام ربع مسکون جلکی را در حکم
یک ملک میدانند و بنام ترک خوانند و او مهتر فرزندان خویش را برای ولایت عهد برگزید لاجرم مقالید ملک را باو عطا
کرده ایلیسنجه خان لقب داد تا کارهای خطیر کند و بر جمله امیر باشد و خود شهریاری ما در ظاهر بود که بر عموم ابلاغ و
احتشام واقارب و بنی اعمام از فرط کیاست مهتری و رایت یافت و بنفس خویش در محل موسوم بور سوق و فار قوم و جبال
اورتاق و کورتاق ییلاق و قشلاق میکرد و آن دو کوهی است شامخ و عظیم که از مشاهیر عالم است خواجه رشید الدین فضل الله
طبیب نام آن شهریار را در جامع رشیدی ابولجه خان ضبط کرده است و بعضی این لقب را مخصوص ترک بن یافث دانسته قومی
دیگر بر آنند که این خود بی واسطه فرزند نوح نبی است و علی ای حال اختلاف در این نیست که حضرتش واسطه طلوع انوار
حسن از ناصیه جمال دیب باقوی خان بوده و این اسم علم مرکب منقول است چه در اصطلاح اتراک دیب مقام وجا و تخت
باشد و باقوی خداوند پیروز بخت و در انتقال جمال حسن از مظهر وجود او به پیکر شهود قراخان اختلاف روایات است
بنا بر مسطورات تاریخ رشیدی قراخان بی واسطه غیر از صلب دیب باقوی خان بوجود آمده لیکن در تواریخ مشهوره چنین
مسطور است که بعد از دیب باقوی فرزند مهین او کیوک مهتر ترکان بود و ولایت عهد ملک را بفرزند خود النجه خان
تفویض نمود مغول و تاتار از او بوجود آمدند و هر دو را وارث تخت و دیهیم کرد و ممالک خویش بدیشان تقسیم نمود از صلب
مغول نیز چهار فرزند مذکور موجود که پدید هر چهار کافر و نابکار بودند از جمله قراخان بود که در عهد او احدی را مجال
اقرار توحید و خیال تقدیس و تمجید ممکن نمی‌شد و از قراخان اغوزخان بوجود آمد و ترکان را در ولادت او اعتقادی
چند است که اسناد آن جز با نبیا و اولیا شایان نیست از آن جمله گویند پس از تولد تا سه روز کام و دهان بشیر مادر نیالود و
هر شب در عالم خواب بمادر خطاب میکرد که شیر تو وقتی خواهم خورد که مؤمن و حق شناس باشی و بعد از آنکه مادر او داخل دین حنیف
کرد بدا غوز لب بپستان او گذاشت و شیر نوشید و آن دین داری پنهان بود تا عمر کودک بیکسال رسید قراخان برسم ترکان جشن
تشخیص اسم پسر آراسته جمیع حضار از آن بزرگ و پیران در آن سن و سال تعجب کردند و در تعیین اسم پسر مشورت میکردند که طفل
رضیع خود بزبان فصیح گفت اسم من اغوز است خلاصه اغوز روز بروز در چشم پدر گرامی تر میشد تا بسن بلوغ رسید بحکم پدر
دختر عم خویش کورخان را در حباله نکاح در آورد و عرض ایمان باو کرد او را نهایت منکر دید برای اینکه عم و پدر و قوم
و حضار این راز باخبر نشوند ترک او و قطع گفتگو کرده دختر عم دیگر را که اور خان نام داشت بخواست او را نیز همان
عقیده چشم از وصال او پوشید بعقیده اتراک لفظ الله را تنگری خوانند در دین و لغت عرب اغوز و ورد زبان کرده و تسویلکا
معنی آنرا نمیدانستند خلاصه چون اغوز مؤمن بود و قوم را مشرک میدید غالبا از خدمت پدر مفارق بود و با اقوام موافق نمیشد
وقتی از شکار بشهر باز میگشت از حوالی سرای عم خود گذشت اتفاقا بجوقی از جواری برخورد که بر لب جوی جامه میشستند
و دختر عم او یوزخان بر لب جوی ایستاده مشاهده جمال او اغوز را مفتون ساخت بی اختیار از اسب فرود آمد و با آن محبوب
در گوشه ابواب گفتگو باز کرد و گفت از ماجرای من و دختران عم باخبری و میدانی که اکنون جمال تو را عاشقم ولی آنگاه تو را آمد
خواهم داشت که دوست خدا شوی دختر نیز چون دل با غوز داده بود زبان باقرار گشود اغوز او را بزنی بگرفت و زنان پیشین
حسد برده وقتی که قراخان جشنی عظیم داشت او را از بابای اغوز از دین آبا خبر دادند آتش خشم قراخان مشتعل شده فورا اغوز را
قتل پسر گشته چون موکب اغوز در صحرا بود با گروهی از ترکان بی باک از شهر بیرون شد خاتون اغوز نیز پیکی را بجانب او
روان کرده ماجری را اعلام نمود اغوز چون راه گریز ندید دست بستیز گشوده آن روز تا شام با پدر نبرد کرد و در اثنا تیری بر
مقتل قراخان رسید و در حال درگذشت بعد ها فوجی از خیل مغول بجنبش اغوز پیوستند مدت هفتاد و پنج سال با اعمام و بنی

اعمام و سایر طوایف و اقوام جنگ میکردند تا بر ایشان غالب آمد و تاتار و مغول چاکری او را قبول کردند از شهر ایناج و
بحر خلوک تا حد خوارزم و رود جیحون در قبضه تصرف او آمد و عقیده ترکان اینست که از آب جیحون نیز گذشته اکثر ربع مسکون را
بضرب شمشیر عرصه تسخیر ساخت و در مرز توران و ایران و خطه هند و سند و روم و فرنگ هیچ جا مقام نکرده بطرف مسقط الرأس
نهضت نمود و حدود اورتاق و کرتاق را که یورت آبا و اجداد او بود مقر خلافت نمود و با حضار رؤس الوس و معارف طوایف
فرمان داد تا خلقی کثیر از ترک و تاجیک جمع شده باتفاق آغا و ابنی بر تخت خانی نشست و جشنی عظیم بگرفت و هر کس از اقارب
و خویشان که در روم فراخان بوکبا و پیوسته بود ایغوز لقب داد اقوام قنقلی و قارلوق و قپچاق و آقاجری از نسل
ایشانند

بالجمله در تواریخ مغول مسطور است که اغوز خان را شش پسر بود و از هر پسر چهار فرزند بوجود آمد که از نسل هر یک در
قلیل زمانی جمعی کثیر پدید گشته چنانکه ایشان از نام پدر نشان یافته اکنون بهمان اسم معروف و مشهوراند گویند روزی پسران
اغوز عزم شکار کرده کمانی زرین با سه چوبه تیر در شکارگاه یافتند و نزد پدر بردند اغوز خان کمان را سه پاره کرده به پسرهای
بزرگ داد و سهام ثلاثه نیز حصه پسران کوچک شد پس پسران بزرگ را بوزوق لقب داد و پسرهای کوچک را اوچوق
خواند و لشکر دست راست را بمهتران سپرده و دست چپ را بکهتران و فرمود که چون تیر در حکم سفیر است و کمان بمنزله امیر تخت
پادشاهی از بوزوق خواهد بود و بر وفق این وصیت بعد از وفات او گون خان که مهتر بوزوق بود بر تخت پادشاهی نشست
و هفتاد سال سلطنت کرد و اورا بیکی نام را از قبیله جورجه منصب وزارت داد و خواجه عاقل و هوشیار بود در بدایت
جلوس گون خان عرضه داشت که اغوز پادشاهی بزرگ بود و ممالک مسخر نمود و خزاین و اموال گذاشت دریغ است که آن مال
بیقیاس پامال روزگار گردد و آن نام نیک بزشتی گویا شود صواب آنست که این بیست و چهار پسر را خیل و حشم و مال و دواب
و یورت و مقام مفروز باشد و هر یک را تمغائی علیحده و انقونی جداگانه مخصوص کردند تا هیچوقت بخیال خلاف نیفتند
گون خان این رای را پسندیده قسمت هر یک از احفاد اغوز را معلوم و مفروز کرد و مهر و نشان ایشان را که تمغا و
انقون گویند معین فرمود و چون وقت انتقال رسید برادر خود آی خان را قایم مقام نمود و زان پس بر تخت نشسته
فرزند خویش منکلی خان را ولیعهد ساخت چون او در گذشت تخت پادشاهی از نسل بوزوق بقوم اوچوق رسید
و تنکیز خان که فرزند ششم اغوز بود وارث ملک پدر گشته یکصد و ده سال بر تخت خسروی بود بعد از آن عابد و
منزوی شد و اکبر اولاد خود را قایم مقام کرده ایلخان لقب داد و چون نام و نشان اولاد اغوز و طوایف اغوز بروجه
تفصیل در تواریخ مشهور نیست و هر جا که هست بتدریج ایام تصحیف شده لازم آمد که در اینمحل مذکور و درج شود

ذکر فرزندان اغوز خان

فرزندان اغوز خان بیست و چهار نفر اند و اقوام بوزوق سه طایفه و طایفه گون خان چهار شعبه پس شعبه اول از
طایفه گون خان قای است که فرزند مهین گون خان بود و از بس در فیصل امور سختی مینمود او را قای گفتند که
در اصل لغت بمعنی سختی و شدت است و اکنون بالمجاز کمرهای کوه و سنگهای سخت را بدان نامند یورت او و اولاد
او تا عهد ایلخان در دریا رصیطل و کنار سیحون بوده و پس از تسلط تورا از یورت و وطن دور مانده اند و در
عهد محمود با آل سلجوق متفق گشته و از آب جیحون گذشته در حدود دشبرغان و مرغاب مقام کردند اکنون نیز ساکن
حدود دشت و داخل طوایف ترکان و در خیل جان نثاران دولت ابد نشان میباشند شعبه دویم بایات که
فرزند دویم گون خان است اتابیکی او با اورابیکی مفوض بوده و در دار وزارت نشو و نما نموده بسعی و تدبیر مهتر

برادران و سرور بهادران نگردید و بر ساحل قراموران یورت گرفت که با موطن اصلی نزدیک و قریب جوار داشت و چون
در وفور نعمت و علو همت بر همگنان تقدم یافت و نام نیکو بتفصیل وجود بر آورد اورا بای آت گفتند که آت بمعنی
اسم است و اکنون آت گویند و بای بمعنی بزرگی و شکوه و مال و نعمت انبوه است و معلوم نیست که احفاد او در چه
عهد بایران آمده اند چه تا عهد تیمور هیچ جا نام و نشانی از امرای و طوایف ایشان مرئی و مشهود نگردید بلی همین قدر
مسموع و مشهود است که طایفهٔ از اینقوم بر حسب حکم تیمور بغزو شامات مأمور گشته چندی در آنجا بودند و چون باز معاودت
نمودند در حدود دشت گرگان نشستند با ایل جلیل قاجار پیوستند که اکنون بنام بیاتی موسوم اند و در جمع طوایف
قاجار محسوب ولیکن از عهد دولت صفویه تا زمان ابد دولت علیه سران سپاه و یلان کارآگاه از اینقوم در رکاب
پادشاهان بوده و در سفر و حضر خدمتهای نیکو نموده اند اینزمان چند تن امیر بزرگ از بیات مطلق و بیات شام در معسکر
شاهنشاه اسلام موجود است یکی از آنجمله امیر کبیر محمد علیخان که در حد عراق عرب سالار سپاه است و برادرش اسمعیل خان
عاکف حریم درگاه دیگر امیر دلیر پیر قلیخان که اکنون در جرگهٔ پیران است و با چنگ شیران و فرزند ارجمندش محمد باقر خان
که در حضرت نیابت سلطنت و ولیعهد دولت چاکر جان نثار است و فوج نظام را سالار بار و این چهار از قوم بیات شام اند و در
سلک خوانین و امرای قاجار و از قوم بیات مطلق نیز در ممالک عراق و فارس و آذربایجان و خراسان امرا و خوانین نامدار
و نجبای بیشمار موکب اقدس را در ظل رایات و حضرت اعلی را مشغول خدمات اند اقدم ایشان امیر عظیم الشان ابراهیمخان
که در عهد پیش عمر خویش در بندگی خاقان مغفور (آقا محمد شاه) و چاکری دارای منصور صرف کرده و اکنون باقی عمر را
بخدمت درگاه ولیعهدی وقف و برادرش اسمعیل خان که امیر هزاره الوار است و دلیر معارک پیکار و دیگر مقرب الحضره
علیخان که چندی ثغر اردبیل را مانند ژنده پیل حراست میکرد و بر آنجا را آن ثغور و بلاد تا آخر و دریاست یافت و برادرش
رحمن خان که چاکر خاص شهریار است و صاحب عزت و اعتبار دیگر از اینطایفه بزرگان بسیار در سلک خدام دربار سپهر
غلام است که ذکر ایشان موجب اطناب خواهد بود و تخصیص این چند نفر از آنست که ذکر ایشان در وقایع دولت روز
افزون که من بعد بتوفیق خدای بیچون در ذیل این کتاب مسطور خواهد گشت بیشتر ایراد خواهد شد بهتر آن بود که نام
و نسب ایشان بیشتر معلوم و باجمال مرقوم گردد شعبه سیم انغر اولی نام این شعبه در هیچ تاریخ نیست مگر جامع التواریخ
و او را فرزند سیم گون خان نوشته اند و یورت او در سرحدات ممالک شرق بوده و در سلطنت اروغ چنگیز و سایر
سلاطین اتراک امیری معتبر و بزرگی نامور از اینقوم در وجود نیامده اکنون نیز نشانی در دست از ایشان که در بلاد
ممالک محروسه نیست و اگر هست خامل و مطموس است شعبه چهارم قرا اولی که پسر چهارم گون خان است یورت او
در حدود کوکانا بود که آنسوی شهر اینانج و چندین مرحله از قراقرم بالاتر است هوایش بشدت سرد و جبالش بغایت
سخت خلق آنموضع در عهد قدیم ابلا ندیده بوده اند و در خیمه سیاهی نشستند این پسر را قرا اولی نام کردند یعنی صاحب
خیمه سیاه و چون در موکب هلاکو لشکری تمام مأمور شد که بر ممالک طوایف و اقوام حوالت رفت فوجی از اینقوم نیز
باینولایت رسیده در کوهسار جغتو که اکنون داخل محال ساوجبلاغ است مسکن گرفتند و چون ازدحامی چندان در
احشام آنها نبود رفته رفته بطوایف افشار پیوستند که بالفعل جزو طایفهٔ افشار اند و فوجی از مردان کار در
سواران نظام و سربازان خون آشام دارند در عشایر ترکان نیز از این شعبه چندی هست که در خیل سایر شعب داخل
گشته و ذکرشان خامل مانده بالجمله از اینقوم شخص معروفی که نام قابل ذکر و حالش در خور شرح باشد مسموع
نگردید بلی هرچه هستند هرجا نشستند در جرگهٔ رعیت و ایل و خدام این حضرت جلیل میباشند

فرزندان آی خان که دوتیم پسر اغوزخان است چهار نفر اند اول یازر که ناسش مشتق از یارشماق و بمعنی برازنده است بورتش او در حدود بلاس و قاری صیرم بود در تاریخ مغول نوشته اند که قاری صیرم شهر عظیم قدیم است که چهار دروازه داشته و از بدایت تا نهایتش آن یکروزه راه بوده در عهد قبلاقاآن تعلق باولاد اوکتای قاآن و مسکن الوس قایدو و قوبجی گشته اتراک مسلمان در آنجا می نشسته اند و از نسل یازر امیری جلیل و بزرگی برازنده که نام او در تواریخ مانده باشد نسبت دوتیم دوکسا آرکه بمعنی کرد آورنده است یعنی جامع الشتات یورت الوس او در بیابان تاوور بوده و تا عهد منکوقاآن نام و نشان ایشان در افواج هزاره و صده هست و فوجی بر حسب قسمت در جرگه سپاه هلاکو بایران آمده اند و در نواحی اردبیل مسکن گرفته است که در غایت ضانت تمام بوده اند و تاووزکولی نام کرده بمرور ایام خرابه و ویرانه مانده بود تا در این عهد سعید بامر و فرمان حضرت ولیعهد دولت قاهره تجدید عمارت یافته و مزرع آن بمهتر جلیش نظام ابراهیمخان سرتیپ تفویض رفت و بخلیل آباد موسوم گشت سیم دودورغه که بمعنی ملک گیرنده است یورت قدیم او معلوم نگشته از نسل او خیلی عظیم در دشت قبچاق هست و اسامی ایشان را جنسی جدا کانه است که اغلب جابک و توانا باشند نه چندان نازک و زیبا چهارم یاپرلی که در بادیه یاشقر یورت و مقام داشته معنی نام او صحرانشین است و اولاد او تا عهد ایلخان در همان حدود ییلاق و قشلاق مینموده اند و اکنون از اعقاب ایشان جمعی فراوان داخل ایل ترکان است و حکام استراباد را بنده فرمان

فرزندان یلدوزخان نیز چهار نفر اند اول اوشر که در اصل اشتقاق ماخوذ از اوشماق است یعنی پریدن و لیکن در اینجا کنایه از چستی و چالاکی و جلدی و بی باکی است آلی و اولاد او در موضع اوین راحت گزین بودند که نزدیک بکلور نسمت کلورن آنجاست که یورت چنگیز خان بود و چون کار دولت او در آن مقام بالا گرفت قوم مغول را بفال نیکو آمد و بعد از آن هر که را تخت سلطانی بود و بر تخت قاآنی مینشست بالضروره در همان مقام قوریلتای عام میشد چنانکه بعد از مرگ کیوک با توکه مهتر شاهزادگان بود و عارضه درد پای داشت لاجرم برای تحمل کنکاج باستدعای سایر شاهزادگان واستحضار سایر امراء و نوئینان ایلچی فرستاده فرزندان جغتای و اوکتای را بنمودند که یورت میمون و تختگاه چنگیز خان اوین و کلوران است و تمهیدات قوریلتای در دشت قبچاق خلاف یوسون و یاساق پس منکوقاآن با برادران جانب دشت شتافته حضرت باتو را دریافت و چون خواست که بر تخت نشیند باز جانب کلوران رفته چندی آنجا بماند تا اجتماع شهزادگان دست داد و در همان یورت میمون بسعی باتو قاآن شد پس بوقتیکه برادر خود هلاکو خان را بمرز ایران میفرستاد اقوام اوشر قسمت خود را از هزاره و صده بیرون کردند و جمعی غفیر از اینقوم بدین ملک رسیده در ممالک آذربایجان که تختگاه هلاکو خان بود توطن گرفتند و رفته رفته بزرگان نامدار و امیران باوفا از ایشان پیدا شد و خیل ایشان را چندان ازدیاد و انتشار پدید آمد که در فارس و عراق و خراسان جای جسته هر جا تمکن کردند و پایه تمکین یافتند و چون بحضرت ملوک بصدق نیت سلوک میکردند گروهی از ایشان در زمان صفویه و سایر ازمان بپایه امارت رسیده بعضی از اوقات در تمامت آذربایجان صاحب امر و فرمان بوده اند و سالهاست که ولایت ارومی و سلدوس مسکن ایل و الوس ایشانست و همواره بیگلربیگیان جلیل الشان داشته و رایت جلال میافراشته اند تا در این عهد فرخنده مهد لوای اعتلای اینقوم باوج کمال رسیده بعزت قرب دولت پیوند بارگاه بلند و آستان ارجمند خسروانی ممتاز گشته و سه شاهزاده باوقار که باغ دولت را بهار رند و کاخ شوکت را نگار از بطن بنات افشار در وجود آمده اند اکنون از سراة این خیل سران با فر و جاه چاکر درگاه همایون اند که

چندین مثل اغوز و ییلد و زرا بندۀ چا و چاکر درگاه خویش دانسته مهر نشان امیر الامراء حسینقلیخان که خال
و میان شهزادگان نسب و داش و رئیس آزادگان و فخر الکبراء فرج الله خان که یکچند در حضرت خلد بوجهان سالار نسقچیان
بود و چندی سردار سپاهیان شد و برادرش علیخان که در حضرت شهزاده ولیعهد دولت قاهره صاحب بال اعتنا
است و صاحب یاساق بارد یکر از کماة اینقوم قایدان سپاه و غازیان کین خواه در ظل لوای منصور است که حصن کرهرون
را گشایند و تاج کیوان را ربایند از آنجمله عالیجاه محمدعلیخان که در تیغ خاصه همایون داخل امرای هزاره است و قاید افواج
سواره و عبدالصمد خان که سرهنگ سواران نظام است و ضرغام معارک انتقام قوم و یکر نیز در سلک سربازان خونریز
منسلک میباشند و چون نام این ایل از کثرت استعمال مشهور با فنا راست هرجا ذکری از ایشان شود باین نام مسطور
خواهد گشت و هم بیگدلی این لفظ از اعلام مرکبه منقوله است اصل آن بیوک دیل بوده بو یوک بمعنی بزرگ است و دیل
بمعنی زبان و لی از ادوات نسبت میباشد اکنون بحذف و تخفیف از وضع اصلی تحریف یافته به بیگدلی مشهور است چنانکه
تازیان عبد شمسی را عبشمی خوانند و پارسیان شاهان شاه را شهنشاه گویند الغرض در اوایل حال یورت اینقوم در جبال
اولنای بود که آنسوی قراصو روم است در عهد چنگیز تا زمان غازان منسوب باقوام نایمان گشته بودند تموز نیشترها
سبز و چشمه ها نغز دارد و در فصل شتا چندان باد سرد و برف سخت آید که از جنس شجر و نوع ثمر رسم و اثر نماند و چون این
مقام بموقف جلال ایلخان نزدیک لشکر بود را پایمال ستور آمد و آتش قتل و غیبا در قوم بیگدلی افتاد هرکه از تیغ بیداد
رست بقوم تاتار پیوست و چندی با بیوا سلطان تاتار و نشستان در جرگه ایشان بودند تا لشکر مغول جهانگیر شد و اکثر
اقوام ترک داخل سپاه و خادم درگاه ایشان گشتند در عهد اوکتای قوچی از اینقوم نیز در جرگ و هزاره تایمان بتومان
تابجو پیوسته و مصحوب لشکر جورماغون بممالک ایران رسیده و شعبه از آن در طی اوقات بممالک شامات افتاد که مشهور
بشاملو شد و از روی تحقیق معلوم نیست که در چه هنگام از ایران بشام رفته اند و چه وقت باز معاودت نموده
مجملا در دولت صفویه و نادری اعیان امرا و اشراف و کبرای اینقوم مشهور و معروف بوده و هریک در زی خویش
کسب کمال نموده اند از آنجمله مصطفیخان که از جانب نادرشاه بسفارت روم مامور شد و حاجی لطفعلی بیک که در
عهد خویش بیمثل و یگانه بوده و در فن شعر استاد زمانه کتابی جامع در ذکر شعرا نگاشته چون آذر تخلص داشت آتشکده
نام نهاد دیگر خلف الصدق او حسینعلی بیک مانند شرر زادۀ آذر است و متخلص بشرر و اکنون در سلک عادتخاد دربار
و چاکران سرکار شاهنشاهی در تبۀ انخراط دارد و پایۀ شعر شبارک شعری گذارد دیگر از ارباب مناصب اینقوم محمد
خان نایب است که در همین سال از موقف جلال همایون مامور بتفلیس بود و خدمت نیکو نمود و افواج بسیار از
پیاده و سوار در خیل جنود مسعود دارند که بعضی داخل جنود عراق اند و اکثر حافظ ثغر آذربایجان و اکنون ایل
والوس ایشان گرد و خام بیع و مقام است که ناحیۀ مرزدقان که نزدیک دار الخلافه طهران است و دیگری در نواحی
مراغه که از ملک آذربایجان است و چون زراعت عام در اینعهد مقدر بود اینقوم نیز نام گذشته خود را باز جسته
از هر جهت در خصب عیش اند و امن و آسایش خصوصا از رهگذر یورت و مقام که کوی در ازای آن تنگی عیش و سنجه
جبال که اجداد و آبای ایشان در شتا به اولنای بود روده بار حقیقی و کوهستان مزدقان قسمت و نصیب ایشان شد
که از باغ و گلشن و آب روشن غله و کشت غیرت بهشت است چندانکه در یورت قدیم بی علف و میوه ذره و جهی
گریوه میگذشتند اکنون ثمار الوان در دوثاق و ابواب چینه بناز و عزت میل و رغبت نمایند بسیم قرق بکسر اول
وثانی و سکون ثالث یعنی قوچپال یورت تاود و موضع قالدون بود که در عهد چنگیز داخل مغولستان شد

علف‌زار و منبع رودخانهٔ عظیمی است و اولاد قرقی از سایر فرق بیشتر بوده و در عهد ایلخان کثرت بقیاس داشته‌اند
وچندی با لشکر تور و تاتار در این جنگ و پیکار افراشته بعد‌ها که لشکر تور بر بلاد ترک تسلط یافت از بیم جان تفرقه یافتند
و بهر جانب منتشر شدند بعضی داخل اوبغوز شده اند که هم حال داخل ترکمانان اند و هر سال فوجی از سواران خزار
بموکب منصور مقرر شسند بعضی که از آب جیحون گذشتند ساکن سپنجاب گشته در اواخر بخراسان افتادند و بقوم او شیر
پیوسته اکنون از شعب افشار محسوب اند و بقرخلو مشهور و تا عهد شاه طهماسب ثانی نام ونشانی از مغارفا بیقوم
در سیر و تواریخ نیست ولیکن در آخر دولت صفوی که خزان باغ خسروی بود قهرمانی قادر مانند نادر از این شعبه
پیدا شد که از حد موصل تا رود جیحون مسخر کرد و بر هند و سند و روم و روس مظفر گشته احفاد او وراء ملک و
دولت برقرار بود تا طلیعهٔ دولت پایدار پدیدار شد و باغ خسروی را فصل بهار آمد پس امیرالامرا حسینخان سردار که آن
وقت حارس خراسان بود بیک رکضت خیل و نهضت میل جملگی را مقهور و مغلوب کرد و ملک مغصوب باز گرفت و جمعی
از مغارفا احفاد ونتایج اولاد او را ببند که حضرت [illegible] رسانید که هر یک چاکر یکی از ابنای ملوک گشته بخراسان کونه چاکری
در نسل احفاد نادر ماند چهارم قازقین یعنی هنده آتش بیلان وخواجه خوان لوان یورت او در حد و اسپرسین
بود و بعد از تسلط تور معلوم و مذکور نیست که قوم او را چه پیش آمده و در کدام زمین منزل گزین گشته‌اند
فرزندان کوک خان که چهارم پسر اغوز است اول توم اوجوق چهار نفر بوده اند اول بایندر که در اصل بای اندر
بوده بای بمعنی بزرگ با شکوه است و اندر مکان مرتفع مانند پشته و کوه یعنی بزرگ بلند قدر جای او در حوالی یورت
قای بوده و احوال فرزندان او در فتنهٔ تور و فریدون مشخص نگشته و معلوم نیست که در چه عهد بایران رسیده
لیکن یورت ایشان در این ملک معلوم است و تا اکنون به بایندر بودنی مشهور در نواحی سهند مقامی دلپسند است
که مرغزار بدیع و کوهسار رفیعش از خضرت طلل و رفعت قلل با گلشن خضرای چرخ و جنت علیای خلد برابر است و از
تارک گردون پیر و طارم برجیس و تیر فراتر شعابش لاله زار است و سحابش ژاله بار نسیمش عطر بیز و زمینش مشک
خیز هنگام تموز که از تاب سورت هوا و شدت گرمای در سایر اماکن براحت ساکن نشاید بود رودهای ژرف از کوهها
برف روان دارد که آب زلالش چون شهد وصال روان آرد و بالجمله در عهد دولت مغول قضا این یورت مقام این
ایل بوده در آن جنت عدن نشو و نما مینموده اند تا بصروف ایام در حد و قراباغ ونخجوان منتشر گشته روزگاری
دراز است که در ملک مربع یورت و مربع گرفته اند و بعضی جانب مرز کروس رفته بالفعل در آن سرزمین ساکن
قراء و رباع اند و مالک عقار و ضیاع و در ذکر جغرافیقوم و شرح ملح این ایل همین بس باشد که فاضل عهد فاضل
خان و خواجه خلد مکان محمد علی بیک از ایشان برخاسته یکی در عهد خاقان مغفور (آقا محمد شاه) منصب کلانتری
داشت و این یک با یک در حضرت خدیو جهان پایهٔ قرب و رتبهٔ اختصاصی دارد که محسود دور و زمان و مغبوط
اوج آسمان است دویم پچینه که اسم و رسمی از وی در ممالک ایران نیست و در تاریخ مغول نیز نامی از خیل و سپاه او ایل
والوس او بنظر نیامد همینقدر از جامع التواریخ مستفاد گردید که این لقب بر کسی نهند که ساعی در مهمات امور
باشد و انجام مهام نزدیک و دور دهد انتهی
اینست آنقدر دیگر از کتاب شمایل خاقان دیده شده و عقیده بعضی اینست که این کتاب را مرحوم قایم مقام باختتام
و انجام رسانیده است
میرزا صادق وقایع نگار مروزی از اعاظم نویسندگان عهد خاقان خلد آشیان (فتحعلی شاه) طاب ثراه در تاریخ

جهان

جهان آرا گوید
جماعت اتراک عموماً و سلسلهٔ سلاطین و خوانین ترکستان خصوصاً منسوب باغوز خان پسر ششم ترک بن یافث بن
نوح علیه السلام اندکه در میان اتراک بجمشید ترک اشتهار داشته است و بعضی دیگر از مورخین اتراک را منسوب
بقالی خان که پسر ستیم عیص بن اسحق علیه السلام است دانسته اند و برخی را نیز اعتقاد اینکه قالی خان همان عیص بن اسحق
است قائلین قول اول را دلیل اینکه بعد از وقوع طوفان نوح علی نبینا و علیه السلام سه پسر که حام و سام و یافث
باشند باقی ماندند و هر یک از ایشان بتعمیر رکنی از ربع مسکون مامور آمدند سام بتعمیر اقلیم ثالث و رابع که مملکت ایران
عبارت از آن است همت برگماشت حام روی بولایت سودان و هندوستان آورد یافث عزیمت بلاد شرقی و سمت شمالی
را کرد بنات و اولاد و احفاد یافث بمناسبت اسمی ترک بن یافث مسمی بترک آمدند و اول کسیکه در آن سلسله صاعد مراتب
برتری و عارج معارج سروری آمد اغوز خان بود که سلاطین و خوانین ترک منسوب بوی میباشند و او ابو الملوک
سلاطین اتراک است چنانکه در سلاطین عجم کیومرث ابو الملوک بود جمعی دیگر از مورخین که اینطایفه را منسوب بقالی
خان دانسته اند چنین گفته اند که اسحق نبی علی نبینا و علیه السلام را از یک بطن دو پسر توام متولد گردید اول عیص بود
و ثانی یعقوب و وجه تسمیه یعقوب اینست که در حین ولادت پاشنهٔ عیص را گرفته قدم در عرصهٔ وجود نهاد بعد از چندی
که برادران بمرتبهٔ کمال و درجهٔ جلال رسیدند نظر بکثرت اولاد و احفاد و عشایر و قبایل عیص بن اسحق روی ببلاد
مشرق و نواحی شمال آورد و حضرت یعقوب نبی در بلاد عرب توقف نمود و در آن سلسله اول کسیکه رایت حکمرانی
برافراشت قالی خان بود که بزعم بعضی پسر ستیم عیص بن اسحق است بقول جمعی دیگر همان عیص بن اسحق است که در
میان اتراک بقالی خان اشتهار یافت علی ای تقدیر بعد از تتبع در اقوال خلاصهٔ مطلب اینست که علم ازلی تعلق
براین گرفت که نبوت و سلطنت در آل ابراهیم علیه السلام باشد بنا براین انبیا و رسل سوای حضرت خاتم انبیا صلی الله علیه
و آله که از نسل حضرت اسمعیل علیه السلام میباشند کلاً از آل یعقوب علیه السلام اند که نسلاً بعد نسل رایت رسالت
افراشتند و خوانین از سلسلهٔ عیص بن اسحق اند انبیا را ظهور رسالت در دیار عرب و ام القری بود و سلاطین را طلوع
نیر سلطنت از بلاد مشرق و ترکستان عرب را بر عجم تسلطی و ترک را بر عرب استیلائی نبود تا بمرور دهور و اقتضای
گردش ماه و هور سلاطین عجم را دولت قدیم سپری شده در عهد خلفا عرب را بر ولایت عجم و برخی از بلاد ترکستان
سمت سروری و برتری دست داد عرب با عجم مختلط آمدند و از اختلاط ایشان و توطن عرب در خاک ایران بعضی
از طوایف دیگر مثل قاعینه که منسوب به بنی خالد اند و اکراد که مجتمع از پراکنده و متفرقهٔ عرب و عجم اند نام برآوردند تا آخر
سلطنت سلطان محمود غزنوی طایفهٔ سلاجقه که منسوب اند بسلجوق بیک که وی بقولی از احفاد افراسیاب ترک است
بجهت اختلاف سلاطین ترکستان از آب جیحون عبور نموده در ولایت خراسان با دعای سروری سر برآوردند و نظر بشهامت
فطری بر مجموع ایران و روم مسلط آمدند چندیکه براین منوال گذشت کاخ دولت آن طایفهٔ جلیله متزلزل گشت و
ارکان سلطنت بی قوام گردید هر کس در قطری از اقطار عالم علم حکمرانی برافراخت چون سلاطین خوارزمشاهی و اتابکان
عراق و شام و فارس و یزد و کرمان و دیار بکر و آذربایجان و این اتابکان غلام ترک سلاجقه اند که بمنصب اتابکی
سرافراز گردیده و هر یک در مملکتی بخدمتی مامور بوده اند و بعد از انقراض آن سلسله خود بنای سروری نهادند
در خلال این احوال فتنهٔ چنگیزی آشکار شد و زمانرا شیوهٔ دیگر پدیدار در اوانی که هلاکوخان بدیار عراق
و حدود روم روی آورد از آنجا که این نواحی باصطلاح مغول علف خوار سپاه او را معین بود موازی بیست هزار

خانه کوچ با بیشتر از ایلات اتراک و طوایف خود همراه آورده در آنجا توطن و سامان سکنی دادند چون زمان دولت چنگیز خان بسر آمد و اوضاع روزگار از اختلاف و پریشانی بوضعی دیگر و اهیب منت زمام سلطنت را بکف کفایت امیر تیمور گورکان داد و آن سلطان کامکار از قراریکه در تواریخ مسطور است بر اقطار عالم مسلط آمد هنگامیکه بر ولایت روم ترکتاز آورده بود و ایلدرم بایزید خان را گرفتار کرده ساکنین دیار شام و حلب و سایر بلاد عرب و آذربایجان را نظر بر عمارت ابنیه و عمارت خطه آبادی بلاد ترکستان خواست بخطهٔ مشرق کوچانیده از رود جیحون عبور دهد چون سالها بود که آن طایفه را در ولایات مزبوره توطن و استقرار دست داده و بنای تمدن در آن مداین نهاده این حرکت بر ایشان شاق مینمود و اینمرحله تکلیف مالایطاق لهذا بعضی الجا بجانب ترکستان روانه آمدند و پاره ببهانهٔ چند متوقف در آن میانه و بعد از چندی که استیلای تیموری بانتها رسید و روزگار دولت فتنه‌جوئی پیش گرفت برادر بتیغ برادر کشته آمد و پدر بخنجر پسر بخون آغشته فلک قانون ستم ساز کرد و آسمان ترانه جفا بلند آوازه هر کشوری را لشکر زیر و زبر نمود و هر بومی را قومی مسخر طایفه ترکمان آق قوینلو و قرا قوینلو در حدود دیار بکر و خلاط و آذربایجان حکمران آمدند و اوزبکیه ماوراء النهر و ممالک خراسان و بعضی از عراق جهانبانان حاکم علی الاطلاق را بر عباد پریشان روزگار رأفت آمد و بر بندگان عاجز رحمت برای رواج اسلام و آرام انام شاه اسمعیل بر سریر سلطنت برآمد و زمان آشوب بسر آمد و حسام آتش فتنه فرو نشانید نواحی آذربایجان را از رومیه و حدود خراسان را از اوزبکیه پرداخته حوزه مملکت را امن ساخت بعد از چندی او نیز در گذشت و سلطنت را بحکم وراثت بارشد اولاد واگذاشت و در نوبت سلطنت شاه عباس ماضی که صفحه ایران کلیه از وجود اشرار پاک آمد باقتضای تدبیر صایب جمعی از متخصصین طایفه قاجار را با برخی دیگر از ایلات مامور بتوقف ثغور و سرحدات ایران که عبارت از ایروان و استراباد و مرو شاهیجان باشد نمود که حوزه آن ولایات از شر مخالفین مصون ماند و اما نسب سلسله علیه قاجاریه آنچه از تتبع سیر و اخبار معلوم و مستفاد است و دانشوران ترکان ساکن دشت قپچاق را نیز خلفاً عن سلف در یاد است اینستکه در نواحی ترکستان قصبه بود مسمی بترکستان این طایفه جلیله با اتباع خود در آنجا سکنی داشته‌اند و ایشان پنج برادر بوده و بمقتضای اشتهارات پیوسته زبان بمضمون این منظوم میگشاده اند .

ما پنج برادریم که از یک پشتیم | در پنجهٔ روزگار پنج انگشتیم
چون فرد شویم در نظرها علمیم | چون جمع شویم درد هم مشتیم

برادر مهتر ایشان را که در میان آن قوم رتبه سالاری و سروری بود قاجار خان نام داشته و این طایفه در افواه اتراک مشهور بطایفه قاجارخانی شده و این رسم در طایفه اتراک شایع و مطرد است که طایفه خود را باسم بزرگ سلسله مسمی سازند و برای بقای نام جمله را بآن اسم برخوانند چنانکه طایفه سلاجقه را باسم سلجوق بیک و اتراک اغوز خان و قتلی خان باسم قتلی خان و جغتائی باسم جغتا خان پسر چنگیز خان و بکدلی باسم بکدلی خان و افشار باسم افشار خان پسران یلدوز خان که او پسر چهارم اغوز خان است مسمی و مشهور کردیده اند را وانیکه اغوز خان برای تسخیر ولایات ایران از ترکستان بسبک عنان آمد این طایفه جلیله آن سلطان کامکار را در موکب ظفر کوکب سپاه آمدند و بدفع مخالفین نیز در کنار ییلاق و قشلاق ایشان در دیار بکر و خلاط و حدود بردع و اران بود بعد از جنگی که اغوز خان عازم مراجعت ترکستان کردید نظر بعلاقه که در آنجا داشتند و بهم رسانیده بودند در همان نواحی متوقف کردیدند و از خیال معاودت بوطن مالوف منصرف نسلاً بعد نسل در ولایات مزبوره بشهامت

ودلاوری قراری داشتند و بامارت و استیلا استقراری در زمان سلطنت سلطان مرادخان پادشاه ممالک روم
حسنخان ترکمان آق قوینلو که طایفه قلیل بعبارت ازایشانند لب با دعای سروری بر گشاد و قدم بر سریر حکمرانی
نهاد از قراریکه در کتب مسطور و مذکور است حضرتش را با سلطان مرادخان منازعات و مجادلات بسیار روی نموده
بالاخره حسنخان را بخت یاری کرده دماجه لوای بختیاری و سریر شهریاری آمد تا اواخر دولت تیموریه و اوایل
سلطنت شاه اسمعیل صفوی این سلسله جلیله در ولایات خلاط و دیار بکر و آذربایجان و عراق و فارس باستقلال
سلطنت مینمودند باقتضای انقلاب دوران دولت ایشان بسر سپری گردید و سلطنت بشاه اسمعیل صفوی که
هم از جانب مادر بآن سلسله جلیله متصل بود رسید بعد از آنکه چندی رایت اجلال این پادشاه بذروه استقلال افراخته
مبسوط او نیز بحکم اجل درگذشت و سریر سلطنت با رشد اولاد بگذاشت در عهد دولت شاه عباس صفوی باقتضای
تدبیر و امضای احکام تقدیر هر فرقه از این طایفه جلیله در یکی از ثغور مملکت ایران حکمران آمد چنانکه قبل اشاره شد
جمعی باسترآباد و گروهی بایروان و فرقه بمرو شاهیجان و سلسله سلطنت نهاد خاقان گیتی ستان (فتحعلی شاه)
منتهی است بقاجاریه قوانلو که در خطه استرآباد از باده سروری خرم و دلشادی بوده اند و در اواخر عهد سلطنت
شاه سلطان حسین صفوی که افاغنه فتنه ها بتحریک بپا کرده، و محمود افغان بمحاصره اصفهان پرداخته و عرصه را بر شاه
و سپاهش تنگ ساخته بودند نواب فتحعلی خان قاجار که اعلی جد این خدیو عدالت شعار است اعانت شاه را با فوجی از
دلیران قاجاریه روی بدار السلطنه اصفهان نهاده بعد از ورود و با تحدود جلادت مردانه با افاغنه برده سر و زنده بسیاری
از ایشان بدست آورد چون امنای آن دولت را که در حقیقت خائنان آن خاندان سلطنت بنیان بودند از این قضیه
آگاهی حاصل گردید از سوء تدبیر یا باقتضای تقدیر صورت ماجری را بکلک بی فکری بدینگونه بر ورق اظهار مرتسم نمودند
که طایفه قاجاریه دلیران خونخوارند و شیران بیشه پیکار و نواب فتحعلی خان نیز دعوی شهریاری را در میدان ادعا پا نهاده
و بحسب استعداد پایه سروری و مرتبه خسروی را مهیا و آماده است هرگاه در ازای این رانکی نمایان مورد تحسین و اختصاص گردد
دیگر ضبط عنان ایشان در قبضه اقتدار و سر رشته اختیار ما نخواهد بود خلاصه شاه سلطان حسین اگر روز دولت مانند
شام نکبت سیاه بود و کوکب اقبال در عین وبال افول یا طلعت آن غوایت پیشه کالنقش فی الحجر در صفحه ضمیر جای گرفته
آن طایفه جلادت شعار را که وجود هر یک در رفع چنان حادثه عظمی بمنزله جنود غیبی امداد آسمانی بود باحسانی راضی نساخته
و بتحسینی نواخته همان باجای مراسم نکبت شعاری که مقدرات الهی را اسباب بود که خود ولایق پرداخت نواب فتحعلی خان چون
نهال اعانت را ثمر این دید و تدبیر اعیان دولت را فایده چنین با جبین حزین از دار السلطنه اصفهان روی بولایت استرآباد
نهاده با انتظام مهام خود کوشید انتهی
عبدالرزاق بیک دنبلی که از مورخین عهد خاقان مغفور (فتحعلی شاه) السلطان الله جلال النور بوده در کتاب مآثر سلطانیه
که باسم حضرت نایب السلطنه زمره انجابکاه (عباس میرزا) طاب ثراه نوشته گوید
اهل جلیل حسن و نبیل از اعزه و اجله اتراک جلایر و جلایر از نیرون و سابانویان از جلایر است و سرتاق پسر سابانویان و قاجار پسر
سرتاق نویان است و در میان طوایف ترک قاجار سه طایفه بوده است یکی از سلدوس و یکی از تنکقوت و یکی از جلایر
آنکه از سلدوس است با ایران نیامده اند و آنکه از تنکقوت است طایفه جزئی بوده بقدر سی چهل خانه و بسایر طوایف معمول
پیوسته در میان آنها بی نام و نشان شده و آنکه از جلایر است صاحب دولت و شوکت شده اند و از کنار رود جیحون تا حدود
نخجوان در زیر حکم و فرمان سرتاق بوده و او بفرمان اباقاخان باتابکی ارغون خان معزز و ارغون خان تربیت شده او است

و مملکت استراباد که مخصوص او بوده از قزل آغاج مغان تا حدود نیشابور راست و در جرجان می‌نشست و نسلش در جرجان
و مازندران زیاد شد و در عهد غازان خان و سابق بر آن از هزاره خاص از تومان تابجو بوده بعد از آنکه غازان خان
سرتابجو را بیاسا رسانید تومان تابجو را بقاجار مفوض کرد و هنگامه عزت و اعتبار را پیدا نمود و ولایات پدرش در دست
او بود و در قدیم فرزندان جلایر را کویانک میگفته‌اند و کویانک بلغت ختاییان یعنی خان بزرگ و پادشاه باشد و طرف
دست چپ لشکر قیامت اثر چنگیزخان را ایشان داشته‌اند در تمام کشایی و خصم افکنی معروف و مشهور بوده‌اند و در عهد
چنگیزخان بزرگ ایشان موقلی کویانک و در زمان اوکتای قاآن پسر او بوغول کویانک بر جای پدر بود و آثار شهامت
ظاهر مینمود و در مدت دولت قبلای قاآن هنتون نویان از ایشان امیر بزرگ بوده و ایلوکه پسر بزرگ قدان از قوم جلایر
بالسکر بیکران که در ظل رایت او بود بفرمان چنگیزخان بر سبیل اتابکی اوکتای قاآن نایل گشته و اتابیک یعنی لله باشد و
امیر ارغون را که از امرای بزرگ بود براه نوکری و خدمت با ایلوکه داد که تابع امر و نهی وی باشد چون امیر ارغون مردی
نصیح و عاقل بود و دلاور بود کار او بالا گرفت و از مرتبه اقران بگذشت و در عهد منکو قاآن منکسار نویان از جلایر بزرگ
یارغوچیان که یعنی امیر دیوان باشد بود و حکم یاسا و سیاست مقصرین بفرمان او میگذشت و اروق و بوقا پسران
کلای با هلاکوخان بایران آمدند و ملازم خدمت اباقاخان بودند و بتربیت آن پادشاه هر یک امیری بزرگ گشتند و سرتاق
نویان پسر سابا نویان که در کودکی ارغون خان در خراسان و مازندران امیرالامراء بود پسری داشت قاجار نام نسل
قاجار از او است و ابتدای توالد و تناسل این سلسله علیه در مازندران و استراباد و خراسان از فرزندان قاجار
شد و وقتیکه مرکیت فرصت یافت و خانه چنگیزخان را غارت کرد خاتون چنگیزخان را که بجوجی آبستن بود پیش اونک
خان فرستاد چون اونک خان با بیسوکا بهادر پدر چنگیزخان از قدیم رابطه دوستی داشت و آنرا فرزند میخواند آن
خاتون را چون عروسان پسر خود بنظر مهربانی دیده احترام او را منظور داشته مشمول تفقد کرد امرا گفتند خاتون را
مبایست بزنی گرفت او جواب داد که عروس من است نشاید بچشم خیانت باو نظر کرد چنگیزخان چون این مردمی از او دید و
ملاحظه حقوق و بزرگ منشی از اونک خان مشاهده کرد سابا نویان پدر سرتاق جد قاجار را نزد اونک خان بطلب
خاتون فرستاد اونک خان سابا نویان را بنظر جلالت و احترام دیده مقدمش را گرامی شمرد و خاتون چنگیزخان را
باو سپرد و او عازم مقصد شد از اتفاقات خاتون را در راه درد زادن بگرفت و جوجی خان بوجود آمد چون راه مخوف
بود مجال توقف و ترتیب گاهواره و لباس نیافتند قدری آرد خمیر کردند و طفل نوزاییده را در خمیر گرفتند و در بغل باحتیاط
تمام نزد پدر بردند تا اعضای او بدرد نیاید و متالم نشود و نام او را بدان سبب جوجی نهادند یعنی ناگاه در وجود آمده
چون دولت چنگیزخان و شوکت مغول بسر آمد شیخ حسن نویان و پسرش سلطان اویس از قوم جلایر که نسبت خویشی
با سلطان غازان و سلطان محمد خدابنده داشتند مدتی در ایران سلطنت کردند و مآثر ایشان در تواریخ مسطور است
القصه طایفه قاجار بشهامت و صرامت مشهور شدند و در ایام سلطنت شاه اسمعیل صفوی و شاه طهماسب
بجلایل امور سپهسالاری و سرحدداری مشغول و در عرصه جهان ببلندی همت و شوکت اشتهار یافتند چون نوبت سلطنت
بشاه عباس ماضی صفوی رسید از کثرت و عدت آنجماعت اندیشه برو غالب گشته جمعیت ایشانرا متفرق ساخت
جمعی را بمرو و گروهی را در برابر ازبکیه بازداشت و بعضی را بگنجه و ایروان مامور کرد و برخی را در استراباد که
موطن اصلی آنها بود در مقابل ترکمانان متوطن نموده که آن ثغر محروس ماند فتحعلی‌خان جد اعلای خاقان سلیمان مکان
جماعتی از طایفه یوخاری باش را برداشته بر سر قلعه مبارک‌آباد رفت و از دروازه اصلمس بیک قاجار ترک کشیکچی باشی که

با فتحعلیخان

با فتحعلیخان آشنائی تمام داشت داخل قلعهٔ مبارک آباد شده بر سر محمد خان ترکان و میرزا احمد وزیر او تاخته
هر دو را به یکبار عدم فرستادند بعد از آن کار آن بلند اقبال بالا گرفته شهر استرآباد را جایگاه امارت خود قرار داد
در آن اوان شکر بیک نام کرد جهان بیکلو که بفندرسک و زامیان استقلال داشت و تعدی و اجحافش بی منتها
و مرتکب اتلاف جمعی از اشراف میشد سران قاجار از مشاهدهٔ این حالات بخدمت آنحضرت شتافته مستدعی قبول
ایالت و امارت از ایشان نمودند آنحضرت از این امر تحاشی کردند بالاخره فضلعلی بیک شامبیاتی و محمد حسینخان
قراموسانلو و محمد تقی بیک سرکشیک با سایر عظما و رؤسا آنحضرت را بر مسند امارت نشانیدند و در رکاب نواب
فتحعلیخان بدفع شکر کرد راه سپار اهل نصرت و اقتدار گشتند و بعد از مقاتله و محاربهٔ بسیار او را کشتند بعد از
آن فضلعلی بیک و محمد تقی بیک در حق نواب فتحعلیخان بد اندیشیده سزای خود را دیدند و رخت بدیار عدم کشیدند
نواب فتحعلیخان بعد از دفع دشمن و استیصال بدخواه متوجه ساختن مهمات استرآباد و حوالی و حواشی آن
خطهٔ ارم بنیاد گردید انتهی

میرزا حسن زنوزی خوئی از معارف اهل سلوک و عرفان و دانشمندان عهد خاقان مغفور فتحعلیشاه طاب ثراه
در کتاب ریاض الجنة گوید

اصل ایل جلیل قاجار از طایفهٔ مغول و از ترکستان است در زمان استیلای تیموری بنا بر پاره تفرقهات از آن ولایت
کوچ کرده بمملکت روم رفتند و مدتها در آن دیار بسر میبردند بعد از آنکه چون زیاده از حد عنود و با جلادت و
رشادت و صاحب حمیت بوده و به آسانی زیر بار اطاعت کسی نمیرفتند از روم کوچیده بولایت گنجه که گنجهٔ آذربایجان
بود ساکن شدند و بسبب شتافتن بروم بقاچار موسوم گردیدند و همیشه با جماعت گرجیه در آن دیار جنگ و
جدل میکردند و از آنها بسیار میکشتند و اسیر میکردند چون نوبت سلطنت بسلاطین صفویه رسید و آن
طایفهٔ جلیله را صاحب شدت و زور دیدند متوهم گشتند چه ایشان زیاده از چهل هزار خانوار و همه صاحب
جرأت و جرار بودند بنابراین قصد کردند که آنها را چند دسته کرده هر دسته را بثغری و سرحدی مأمور کنند که
سرحدات از حملهٔ خارجه محفوظ باشند و آن جماعت و سلسلهٔ علیه هم بیکجا و در یک محل ساکن نباشند پس بدین سبب
آنها را بپای تخت احضار کرده کمال مهربانی و ملاطفت را نسبت با ایشان مبذول داشته محافظت ثغور و سرحدات
را با ایشان تکلیف کردند جمعی از ایشان بسرحد گرگان و بعضی بمرو شاهجان و برخی بایروان مأمور گشتند و قلاع
و حصون آنجاها را بتصرف ایشان داده مشغول محافظت شدند و پادشاه نیز خانه کوچ هر دسته را از گنجه نزد
ایشان فرستاد که مادام العمر در آن سرحدات متوطن و ساکن باشند اعیان و اشراف آنقوم که از گنجه بدربار شاهی
نزد شه بودند در آن ولایت بحکم پادشاه بفرمانفرمائی نشستند خلاصه از آنوقت تفرقه میان آن طوایف افتاد
و نتوانستند بیکجا جمع شوند ولی از غایت رشادت و جلادت هر دسته سرحد و ثغر سپرده بخود را در کمال خوشی
حراست کردند و بدین واسطه نزد سلاطین نهایت عزت و اعتبار را داشتند و حکومت و لایات سرحدات بتوسط
با امرای قاجار بود و از هر یک از طوایف امرای نامدار و حکام با اقتدار پدیدار آمد ولی امرای استرآباد زیاده از
سایر طوایف صاحب حشمت و شوکت و برتری بوده اند و اوله در سرحد گرگان سکنی داشته اند شاه عباس صفوی
ماضی در آن اراضی قلعه برای ایشان ساخته مبارک آباد نام نهاد و باقی قلعه شهرت کرد مدتها در آن قلعه بودند
و با ترکمانیه همیشه جنگ و جدل میکردند و چون فیما بین خودشان نزاعی اتفاق افتاد در سنهٔ هزار و صد و چهل

هجری

هجری همگی از آن قلعه کوچیده باسترآباد آمده در این شهر ساکن شدند و آن قلعه را ویران نهاد و از آن طرف زیاده از بیست سال است که این سلسلهٔ جلیله زمام سلطنت ایران را بدست اختیار و اقتدار خود آورده اند و با استقلال هرچه تمامتر در تمام ولایات و ایالات ایران فرمانفرمائی و حکمرانی میکنند و اول کسیکه از این سلسلهٔ جلیله پا بر سریر حکمرانی نهاده شهریار تاجدار محمدحسنخان بن فتحعلیخان قاجار است که بعد از قتل نادرشاه جنگی با شاهرخ شاه نادر کرده بسر برد چون در وی آثار رشد و سلطنت ندید از وی جدائی نموده باسترآباد آمده بنای فرمانفرمائی گذاشت و نواب فتحعلی خان پدر شهریار مبرور بعد از استیلاء افغان باصفهان در نزد شاه طهماسب ثانی در کمال عزت و اعتبار بلکه صاحب اختیار و مدار امور سلطنت بود و با شاه طهماسب بخراسان رفته در ارض اقدس بتحریک نادرشاه در ماه صفر هزار و صد و سی و هشت هجری شهید و در خواجه ربیع مدفون شد خلاصه نواب محمدحسنخان در سمت آذربایجان با آزادخان افغان جنگ کرده او را شکست داد ولی آنحضرت نیز بدست یکی از غلامان خود بدرجه شهادت رسید و کریمخان زند بر ایران مستولی شده اولاد نواب معظم طاب ثراه را بعراق و فارس کوچانیده و حضرت آقا محمدخان اکبر اولاد نواب محمدحسنخان را در شیراز نزد خود نگاه داشت اما شهریار خلد مکان حسینقلیخان خلف دیگر نواب محمدحسنخان در استرآباد بنای طغیان را گذاشته بفرمانفرمائی مشغول شد و از بلندی همت سر باطاعت زندیه فرود نیاورد و در آن سرزمین بود تا بدست ترکمانیه شهید شد پس از چندی در ماه صفر سنه هزار و صد و نود و سه کریمخان در شیراز درگذشت و حضرت آقا محمدخان از شیراز بطرف طهران رانده و خود را باسترآباد رسانیدند و سرکشان آن ولایت را مطیع ساختند و علم کشورگشائی برافراشته اکثر بلاد دارالمرز و گیلانات را بتصرف در آورده از آنجا عازم عراق گردیده مدتی با امرای زندیه کر و دار نمودند چون علیمرادخان زند که از سایر زندیه بمزید شوکت اختصاص داشت در سال هزار و صد و نود و نه درگذشت بر تسلط و اقتدار حضرت آقا محمدخان افزود و مختصر در سال هزار و دویست و شش جمیع ممالک عراق و فارس و کرمان و یزد و بنادر مخصوص حضرت پادشاهی گردید انتهی

سیرژن ملکم که از جانب حکومت هندوستان بسمت سفارت بدربار خاقان مغفور فتحعلیشاه طاب ثراه آمده در تاریخ ایران که تألیف نموده گوید

سیرژن ملکم در ظرف پانزده سال سه مرتبه از جانب حکومت هندوستان بسفارت بایران آمده سفر اول او در هزار و هشتصد مسیحی بوده که مطابق است با هزار و دویست و پانزده هجری

طایفه ترک قاجار که مدتی متمادی در شامات سکنی داشتند و امیر تیمور گورکان آنها را از شامات بایران آورد یکی از هفت طایفه میباشند که باهم متفق شده شاه اسمعیل اول پادشاه صفوی را بتخت سلطنت ایران جلوس دادند و از آنجا که با وجود کثرت عدد بوصف شجاعت و جلادت موصوف بودند شاه عباس بزرگ آنها را بسه شعبه منشعب نمود شعبه اول را در گنجه سکنی داد تا جلو تاخت و تاز لگزیها را بگیرند شعبه دویم را در مرو ساکن ساخت که مانع تجاوز و تخطی اوزبکها بسرحدات خراسان باشند شعبه سیم را در استرآباد مقیم کرد تا ترکمنها یکه در امتداد ساحل و دشت طرف مشرق دریای خزر مسکن دارند بواسطه جلوگیری ایشان باعث اسباب خسارت و اضرار رعایای ایران نشوند چه ترکمن بوده بواسطهٔ جلادت ذاتی و بواسطهٔ صحراهای کویر که در اوان مخاطرات بدانها پناه میجستند و کسی نمیتوانست آنها را تعاقب کند همواره نواحی گرگان و استرآباد و آن حدود را غارت مینمودند خلاصه شعبهٔ اولی که در گنجه سکنی داشتند با نادرشاه پیوسته بدینواسطه آنها را قهر افشار نامیدند و بعد از فوت نادرشاه این شعبه رو بتنزل و هبوط گذاشتند شعبه دویم که از هر طرف دشمن آنها را احاطه کرده بود همواره در کار بودند که ولایت مرو را از حمله محروس و در تصرف داشته باشند شعبه سیم مایل و مستعد بودند که بتخت سلطنت ایران تصاحب نمایند چیزیکه مانع نیل این مرام میشد

نفاق بود که رؤسای آنها با یکدیگر داشتند این شعبه از قاجار نیز بود و طایفه منقسم شد طایفه موسوم به یوخاری باش
و طایفه دیگر معروف باشاقه باش گردیدند و رؤسای یوخاری باش رئیس کل بودند تا زمان نواب فتحعلی خان که از رؤسای
طایفه اشاقه باش بود نواب فتحعلی خان چون سردار قشون شاه طهماسب شد اقتدار کلی بهم رسانیده ریاست یوخاری
باش و اشاقه باش هر دو برا و مقرر آمد تا نادرشاه نواب فتحعلی خان را بکشت و چون میخواست نفاق و تفرقه میان ایندو طایفه
اندازد یکی از بزرگان طایفه اشاقه باش را که زمان بیک بن محمد نام داشت حکومت استرآباد داد نواب محمد حسنخان برای حفظ
جان خود در میان ترکمنها بیکدر در حوالی استرآباد گله های خود را میچرانیدند رفت و با امداد اینطایفه و بعضی دیگر از
هواخواهان خود در ایام حیات نادرشاه بعضی اوقات حمله ببلاد متصرفی نادرشاه مینمود ابتدا چند فقره فتح کرده ولی غالباً
مغلوب گردیده میان طوایف ترکمان رفت و در آنجا میزیست

خلاصه نواب محمد حسنخان تقریباً مدت بیست سال در میان تراکمه بسر بردند تا نادرشاه درگذشت چون از فوت نادرشاه
خبردار شدند از میان تراکمه معاودت فرموده و چند ماهی نگذشت که قشون معتبری در اطراف خود جمع کردند و لشکر عظیم احمد
شاه افغان را که بمازندران آمده بودند شکست دادند مقارن سال هزار و هفتاد که کریمخان شیراز را مالک شده بود
نواب محمد حسنخان در آذربایجان مشغول جنگ با آزاد خان افغان بودند بدینواسطه کریمخان وقت و موقع بدست آورده
تمام فارس را مسخر کرد و اصفهان را نیز بگرفت و قسمت عمده ایالت عراق را نیز متصرف شد ولی بعدها مجبور گشت که بیشتر
از این متصرفات را واگذارد زیرا که نواب محمد حسنخان پس از آنکه آزاد خان را شکست دادند و مازندران را ضمیمه بلاد متصرفی
خود نمودند لشکری عظیم بطرف اصفهان کشیده و فی الحقیقه بعد از فوت نادرشاه چنین لشکر کشی در ایران نشده بود کریمخان
هر چند کوشش را بعمل آورد که جلو استیلای نواب محمد حسنخان را بگیرد اما تمام کوشش او بیفایده شد و معاودت بشیراز
نمود و نواب محمد حسنخان مصمم شدند که برا اثر او رانده شیراز را محاصره نمایند

نواب محمد حسنخان بعد از آنکه در اصفهان تهیه و تدارک خود را دیدند هشت هزار نفر از لشکریان خود را در اصفهان گذاشته
با سی هزار نفر بطرف شیراز رانده اینشهر را محاصره کردند و این در سال هزار و صد و هفتاد و یک بود اسباب دفاع
اینشهر انحصار داشت بیک باروی خاکی و چند برج مدور که جلو آن برجها خندق عمیق بی آبی بود اما در ایران در اینزمان
علم حمله و یورش بقلعجات درجه ناقص میباشد که علم مدافعه بنابر این مختصر ترین استحکامات بنظر محاصرین که عمده لشکر سواره
بودند خیلی مستحکم میآمد و توپچیها که هیچ مهارتی در توپ اندازی نداشتند هر روز بزحمت چند تیر از توپهای بسیار سنگین
خود می انداختند مع ذلک هیئت مجموعه اسباب اطمینان محاصرین بود و حمله در فصلی شروع شد که صحراهای اطراف شیراز با صفا
و خرم و دشتها پر از حبوبات و اراضی پر حاصل بود و بمحاصرین چنین وانمود مینمود که از آذوقه در تنگی نخواهند کشید و
میتوانند بسهولت ذیل محاصره را امتداد دهند اما این امیدواری بزودی مبدل بیاس گردید محاصرین بمحض اینکه شروع
بکار کردند و چهار حمله محصورین شدند دسته های قشون متوالیاً از قلعه بیرون آمده نایره قتال را اشتعال میدادند
عساکر نواب محمد حسنخان با این دستجات قشون کریمخان مشغول زد و خورد بودند که یکدسته سواره عمده بسرداری شیخعلی
خان سردار رشید زند با روی آنها تاختند و بنهب اموال آنها پرداختند سکنه نواحی مجاور نیز مزارع و حاصل خود را آتش
زده اهل و عیال و اموال خود را برداشته بکوههای آن حوالی قلل جبال را ملاذ و مأمن خود ساختند لهذا آذوقه
در اردوی نواب محمد حسنخان نایاب شد و لشکریان شکایت و خودسری را گذاشتند خستگی و طول محاصره غالباً
عساکر منظم را شاکی مینماید و بطغیان و نافرمانی وا میدارد تا چه رسد بلشکری که تمام نظم و اسباب پیوستگی

آن بهم زور یکنفر از شاهزادگان آسیائی باشد بدتر از همه آنکه بسیاری از این قشون را تازه گرفته و از فنون نظامی و جنگ یکباره بیخبر بودند و عیب دیگر آنکه مابقی که جنگ دیده بودند تا زمان فرار آزاد خان مدتها با همین شاهزاده بجدال اشتغال داشتند و پس از فرار مشار الیه در زیر رایت این شاهزاده در آمده و متقبل خدمت گردیده خلاصه کریمخان که عساکر او پیوسته محاصرین را عقب مینشانیدند شهر شیراز را کما کان بخوبی نگاهداری کرده بعلاوه کمال جهد را میکرد که بی نظمی و تفرقه در لشکر نواب محمد حسنخان اندازد چنانکه آخر الامر باین مقصود نایل آمد و هر روز یکدسته از عساکر نواب محمد حسنخان راه فرار را پیش گرفته و اینفقره بر نواب معظم معلوم مینمود که باید دست از محاصره کشیده معاودت کنند بنا بر این ترک محاصره گفته باصفهان باز گشتند و قشونیکه در اصفهان گذاشته بودند از عدم پیشرفت کار شاهزاده با خبر گشته و متفرق گردیده ناچار راه مازندران پیش گرفتند و در هنگام ورود بمازندران مجموع عساکر نواب محمد حسنخان دوازده هزار نفر بود کریمخان بعد از آنکه بر استعداد خود افزود و ایالت فارس را آرام کرد متوجه اصفهان شد و اهالی اصفهان با کمال شعف او را پذیرفتند بیشتر از شهرهای عراق نیز اقتدا باهالی اصفهان کرده مقدم کریمخان را گرامی شمردند و کریمخان که این مساعدت مردم را دید بنای حسن سلوک را با ایشان گذاشت

پوشیده نباشد که حالت نظامی و عسکری کریمخان چندان تعریفی نداشت و قتیکه سودای سلطنت بسر او افتاده چندان بفتوحات نایل نگردیده بلکه اغلب طوری شکست میخورد که حالت یاس باو دست میداد اما چون اهالی ایران همواره او را بر رقبائی که داشت ترجیح میدادند از یک فتح مختصر منفعت کثیره عاید او میشد و تلافی شکستها او را مینمود و این از بابت خوش رفتاری او بود که از روی کمال بزرگ منشی با مردم مینمود و از آنجا که از اوایل حسن سلوک را موجب فوزهای عظیم و سبب ازدیاد شوکت و اقتدار خود دیده بر خود حتم کرد که همواره براه عدل و انصاف رود و از این مسلک عدول ننماید

همان وقتیکه کریمخان در ایالات بکر تازه تصرف کرده بود به برقرار کردن نظم اشتغال داشت شیخعلیخان را با بهترین دسته جات قشون خود بمازندران فرستاد که نواب محمد حسنخان را کاملا منقاد نمایند و اگر طوایف قاجاریه باهم اتفاق داشتند ظن غالب اینکه این مقصود کریمخان بعمل نمی آمد پیش از این مذکور شد که قاجاریه منقسم بدو طایفه شدند یوخاری باش و اشاقه باش رئیس سلسله یوخاری باش که محمد حسینخان نام داشت با نواب محمد حسنخان که سالها بود ریاست هر دو طایفه را داشتند بنای مخالفت و معاندت را گذاشت و بعقیده بعضی این خلاف و عناد بتحریک کریمخان و بسبب وعده های او بود و شاید که بواسطه کینه قدیمی که نواب محمد حسنخان سبب شده که رئیس سلسله یوخاری باش از ریاست خود محروم مانده این منافرت حاصل شده بهر حال چون حالتی مشار الیه و سایرین نواب محمد حسنخان را گذاشته بلشکر شیخعلیخان پیوستند نواب معظم بواسطه این خیانت جمعی از طایفه یوخاری باش را براه عدم فرستادند و اینفقره کینه دیرینه فیمابین یوخاری باش و اشاقه باش را تجدید نمود و شیرازه اتفاق قاجاریه از نو گسسته گشت و نواب محمد حسنخان بدین جهت از غلبه و ظفر مایوس گردیدند مع ذلک بمقابله و مقاتله دشمن پرداختند شیخعلیخان و عساکر او میدانستند که نواب محمد حسنخان دلیرانه جنگ خواهند کرد اما چه ثمر که بعضی دسته جات قشون تازه کار در جنگ آمده و از رسوم و آداب حرب بیخبر بودند و بمحض شروع بقتال راه هزیمت پیش گرفتند باقی عساکر نیز آنها را پیروی کرده گریختند و نواب محمد حسنخان شربت شهادت نوشیدند

گویند اگر اسب نواب غفران مآب بزمین نخورده بود جان خود را بسلامت از میدان جنگ بدر میبردند چون اسب افتاد دشمن فرصت یافت و اول کسیکه بآن بزرگوار رسید رئیس سلسله قاجاریه یوخاری باش بود که بواسطه عداوت زیاد

و دشمنی

و در شیخی سابق‌الذکر دیگر ایشان را امان نداد و چون روح نواب معظم راه غرفات بهشت گرفت قاتل فتح کریمخان و غلبهٔ او را
بر شهریاری که اسباب تزلزل و مانع آرامش او بود اعلام نمود

مسیو ژان ملکم در جای دیگر از همین کتاب گوید وقتیکه یک شعبه از قاجاریه در مازندران سکنی داشتند مساکن آنها در کنار
یکی از رودخانه‌های این ایالت بود بعضی در طرف بالا مرتع داشتند و برخی در طرف پائین آنها که در طرف بالا مرتع
داشتند موسوم به یوخاری باش شدند و آنها که مرتعشان در سمت پائین بود اشاقه باش نامیده شدند و اینمعنی سبب
انقسام آنها شد و علاوه براین باز هر طایفه بچندین شعبه منشعب و منقسم گشتند بعضی از خانواده‌ها باسم یکنفر رئیس
یا بنام بلد یا محله که در حوالی آن مرتع داشتند موسوم شدند مثلا طایفهٔ دولو چون در ایروان مدتها در حوالی قریه دولو که
نزدیک بشهر ایروانست اقامت داشتند معروف به دولو گردیدند

مؤلف گوید قریه دولو همچنان بحال خود برقرار است چنانکه بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه در سفرنامه مبارکه سفر
دوم فرنگستان در سال هزار و دویست و نود و پنج میفرمایند (جمعه هفتم جمادی الاولی باید رفت بایروان همه جا رانده تا
رسیدیم بده دولو ده کده معتبریست طایفه قاجار قدیم دولو اینجاها می‌نشستند آب این رودخانه از کوه دست راست می‌آید
دهات بخود و باغات و اشجار زیاد دارد)

بعد از آنکه ایل جلیل قاجار بممالک ایران آمده و پادشاه صفویه آنها را در اماکن مختلفه جای داد شعبه عمده آنها که اشاقه باش
و یوخاری باش بودند در استراباد سکنی گرفتند تا زمان نواب فتحعلیخان رئیس سلسله یوخاری باش با هر دو طایفه
را داشت نواب فتحعلیخان که از سلسله اشاقه باش بود منصب سرداری لشکر شاه طهماسب را یافته بدینواسطه بر اقتدار
او افزوده در میان قاجاریه اول شخص و رئیس کل گشت اما از آنجا که طایفه یوخاری باش قلباً بریاست نواب معظم راضی نبودند
بعد از آنکه آن بزرگوار بدست نادرشاه شهید شد بدخواهی کار پسر واحد او نواب محمد حسنخان هم گشتند ناچار
نواب معظم بمیان ترکمه که در طرف مشرق دریای خزر سکنی داشتند رفتند و قسمتی از خانواده و اقارب ایشان نیز همراهی کردند
که از آنجمله یکی علی‌وردیخان (اللهوردیخان) پدر نوروزخان ایشیک آقاسی باشی خاقان خلد آشیان فتحعلیشاه طاب ثراه بود
خلاصه نواب محمد حسنخان فی الفور استعدادی بهم رسانیده که بتوانند با دشمن خود یعنی سلسله یوخاری باش مجادله پردازند
و ممکن بود که بر آنها غلبه کنند اگر نادرشاه و سلاطین بعد از او حمایت از سلسله مزبوره نمیکردند

عادلشاه برادرزاده نادرشاه و جانشین او وقتیکه حکومت مازندران را داشت و طفل نواب محمد حسنخان را گرفته
حبس کرد دو پسر بزرگتر را یعنی نواب آقا محمد خان را که آنوقت میانه پنجسالگی و شش سالگی بود مقطوع النسل نمود و مقصودی
که از اینکار داشت حاصل نشده بلکه برعکس نتیجه داد پادشاه آینده ایران که از بسیاری از تمتعات خود بی‌بهره ماند آنچنان
تمتعاتیکه در مشرق زمین برای بزرگان بهیچ مانعی حاصل میباشد یعنی میتوانستند زوجات عدیده در حبالهٔ نکاح خود
درآورند و مباشرت با آنها اسباب وهن و فتور حواس و قوای آنها گردد خلاصه این حرمان از تمتعات این شاهزاده را
بر آن بداشت که حظ و لذاید خود را از راه دیگر حاصل و تحصیل نماید این بود که نواب آقا محمد خان از طفولیت بخیال
سروری و عظمت و شوکت افتادند و در تمام مدت عمر خود در این اندیشه و قصد بودند و با رسوخ تمام همین منظور
را پیروی مینمودند و از همان وقت یعنی از ابتدا معلوم بود که چه قدر استقلال رای دارند

بعد از مردن عادلشاه نواب آقا محمد خان از حبس آزاد شده بپدر بزرگوار خود پیوستند و در تمام انقلابات روزگار
با ایشان همراهی داشتند بعد از آنکه نواب محمد حسنخان مغلوب عساکر کریمخان و شهید شدند نواب آقا محمد خان

بجبال

بجنگ کریمخان نیافتادند ولی کریمخان با ایشان بنحو خوبی رفتار کرده سرموئی از حرمت و احترام فروگذار نمیکرد در تمام مدتیکه
در شیراز با کریمخان بودند بتحصیل معارف میپرداختند و از عقلا کسب دانش میکردند و از مطالعه کتب بر بینش خود میافزودند
تا بتوانند شغل خطیری را که بایستی روزی متقلد گردند بدرستی از عهده بر آیند بنابراین حسن تدبیر و اصابت رای ایشان
بدرجه رسید که کریمخان در مهام معظمه دولتی غالبا با ایشان مشورت مینمود و ایشان را پیران ویسه مینامید زیرا
که پیران ویسه وزیر افراسیاب اول وزیر دانشمند قابل ترک بوده است خلاصه نواب آقا محمد خان با کمال عداوتیکه با تمام
زندیه داشتند در مشورتیکه کریمخان با ایشان مینمود خیانت نمیکردند و رای صایب خود را باو اظهار میداشتند
زحمات و غم نواب آقا محمد خان با ایشان حالت تحمل داد چنانکه در همان زمان که گرفتار کریمخان بودند توانستند شمه‌ئی
خود را با او و با زندیه در دل نگاه دارند و طرف اعتماد آن پادشاه گردند و از این راه بود که کریمخان پول زیاد بنواب
معظم میداد که بمصارف خود برسانند و ایشان را مرخص کرده بود که در هر جای شهر شیراز میخواهند بگردش بروند
بلکه اذن داده که بر بهترین اسبهای او سوار شده روانه شکار شوند و در صحراهای حوالی شیراز مشغول صید باشند
گویند طوری نواب آقا محمد خان طرف اعتماد کریمخان شده بودند که وقتیکه حسینقلیخان برادر ایشان در مازندران رایت
شورش برافراشته بود کریمخان میخواست نواب معظم را مامور دفع این فتنه کند و بمازندران فرستد میرزا جعفر وزیر
کریمخان او را از اینکار مانع آمد و وقتیکه نواب آقا محمد خان پادشاه ایران شدند از روی کرامت نفس با کسان میرزا جعفر
نیکی نمودند و فرمودند تکلیف میرزا جعفر این بود که باقای خود خدمت کند بعلاوه مرا هم ضمنا از مهلکه نجات داده چه اگر من
بمازندران میرفتم وضع طوری بود که میبایستی علم سرکشی برافرازم و شوکت کریمخان زیاده از آن بود که من بتوانم او را
مغلوب سازم

پیش از این ذکر شد که پس از فوت کریمخان چگونه حضرت آقا محمد خان خود را از شیراز باصفهان رسانیدند و با چه
عجله بمازندران آمدند در اینوقت سن مبارک ایشان سی و یک سال بود و اگرچه ضعیف اندام بودند اما بواسطه
کم خوردن و پرکار کردن قوه ایشان زیاد بود و در کمال خوبی تحمل امور شاقه را میتوانستند نمود چه از بس در
شیراز مداومت در سواری و شکار کرده معتاد شده و جوارح و اعضا حالت سختی بهم رسانیده هیچ چیز ایشان را
خسته نمیکرد و از بس در شیراز در مواقع فرصت مداومت در صید و رکوب فرموده میتوان گفت زندگانی ایشان
بر پشت اسب بوده در مدت هیجده سال جنگ که برای تحصیل استیلای کامل نمودند قدری از سختی مایل بنرمی گردیدند
و اینفقره لازم بود زیرا که در این هنگام میبایستی بدوستان خود مهربانی و ملاطفت نمایند نیز صدماتی را که سابق
متحمل شده فراموش کنند و دشمنان خیلی قدیمی خود را مشمول عفو و احسان نمایند هیچ چیز درجه بلندی عقل حضرت
آقا محمد خان را مثل این ثابت نمینماید که در وقت قدرت و اقتدار از رؤسای سلسله قاجار که با ایشان دشمن بودند
انتقام نکشیدند و از جرایم آنها درگذشتند مخصوصا کسانیکه در خون پدر و اقارب ایشان شرکت داشتند بلکه
آنهائیکه ایشان را در طفولیت بعادلشاه تسلیم کرده و مبتلا ببعضی بلیات نموده بودند مورد عفو و احسان شدند
و این قبیل کرمهای آنحضرت اختلاف و کینه دیرینه را از میان طوایف قاجار که با یکدیگر خونی بودند ختم نمود نفع سا
تاج و تخت سلطنت ایران را بایشان تسلیم و مخصوص نمود و چون بدرستی بر فواید اتفاق و اتحاد واقف شدند همان اشخاص
را که پیش از این بجهت صدماتشان آنها را مبغوض داشتند بنوازش و الطاف خود امیدوار ساخته طرف اعتماد نمودند
خلاصه وقتیکه حضرت آقا محمد خان از شیراز حرکت کردند هفده نفر با ایشان بودند و با وجود میل همراهان باصفهان

درنات نمودند فقط یکشب در طهران ماندند و از جانب حکام طهران از ایشان پذیرائی خوبی شد پس از آن راه مازندران را پیش گرفته و در راه یک مبلغی از مالیات مازندران را که بشیراز میبردند تصاحب نموده در مازندران بسیاری از طوایف ایلات دور آنحضرت جمع شده و بآسایش را اسباب نیکبختی خود دانستند اما فی الفور حضرت آقا محمد خان از جانب طوایف قاجار بلکه از طرف خانواده خود اشکالات در جلو راه خویش دیدند یکی از برادران ایشان برضد آنحضرت برخاست مرتضی قلیخان از اخوان ایشان قشونی برای خود جمع کرده و خود را پادشاه نامیده و جنگ مختصری فیمابین حضرت آقا محمد خان و برادر در مدت چهار سال در کار بود گاهی بخت این را یاری و زمانی طالع آنرا امداد کار انتهی

میستر مارخام انکلیسی در کتاب تاریخ ایران که تالیف نموده گوید

سلسله علیه قاجار یکی از طوایف ترک توران زمین میباشند که برخی از آنها بهمراهی عساکر چنگیزخان با ایران آمده و در این مملکت سکنی گرفتند امیر تیمور گورکان چون بر مملکت ایران استیلا یافت آنچه از این طایفه جلیله را که در این مملکت ساکن بودند جلای وطن داده بسوریه فرستاد (سوریه عبارت از مملکت شام است سور که اسم کلی است یا سوری که کل سرخ است چون در شام زیاد میروید این مملکت را سوریه نامیده اند) پس از مدتی باستدعای مقتدای اردبیلی که از اکابر امامیه بوده امیر تیمور این طایفه جلیله را رخصت معاودت بایران داد و این طایفه یکی از طوایف سبعه قزلباش بودند که اتفاق کرده اولین پادشاه سلسله صفویه یعنی شاه اسمعیل را بتخت سلطنت ایران نایل نمودند

مقصود از مقتدای اردبیلی میر سلطانعلی صفوی است که از معارف بوده

از رؤسای ایل جلیل قاجار اول کسیکه اسم او در تواریخ ثبت و مسطور است پیریاقوخان قاجار است که در زمان سلطنت شاه طهماسب اول بحکومت قندهار یافت چون سلطنت ایران بشاه عباس بزرگ رسید چنان صلاح دید که بعضی از قاجاریه را در مرو و برخی را در ایروان و قسمتی را در قزوین و بقیه را در استراباد مکان دهد ایالت و شهر استراباد در سمت جنوب شرقی بحر خزر واقع است ایل جلیل قاجار به پنج طایفه منقسم بوده اند اول یوخاری باش دویم اشاقه باش سیم دولو چهارم شامبیاتی پنجم قزوینی در ایام قدیم رئیس طایفه یوخاری باش رئیس تمام ایل جلیل قاجار معظم بوده تا وقتیکه نواب فتحعلی خان رئیس طایفه اشاقه باش که سردار قشون شاه طهماسب ثانی بود رئیس سلسله علیه گردید و از آن بعد ریاست تمام طوایف قاجار خانواده نواب فتحعلی خان گردید نادرشاه نواب فتحعلیخان را شربت شهادت چشانید و نواب محمد حسنخان بعد از آنکه متواری بودند در میان ترکمنها بسر میبردند در زمان سلطنت نادرشاه با چند هزار سوار ترکمان بشهر استراباد حمله کردند و آنجا را مسخر نمودند لکن در ثانی قشون نادرشاه این شهر را مفتوح ساخت و نواب محمد حسنخان بترکستان رفتند بعد از قتل نادرشاه نواب معظم بایران معاودت فرموده و در جنگ با قشون کریمخان زند شربت شهادت چشیدند

نواب آقا محمد خان ولد ارشد نواب غفران مآب معظم در زمانیکه پدر بزرگوار ایشان شهر استراباد را محاصره کرده بودند بدست لشکر نادرشاه گرفتار گشتند پس از آنکه نادرشاه را یکی از خدمتگذاران او در حوالی مشهد مقدس بقتل رسانیدند علیقلیخان برادرزاده نادرشاه که در هرات بود بر تخت سلطنت جلوس کرده و ملقب بعادلشاه گشته بحکم وحشیانه او نواب آقا محمد خان مقطوع النسل گردیدند بعد از قلیل مدتی نواب معظم از حبس عادلشاه بدر رفته بخدمت پدر بزرگوار خود شتافتند و وقتیکه نواب محمد حسنخان در جنگ با قشون کریمخان زند شهید شدند نواب آقا محمد خان تمکین عساکر کریمخان نموده و آنحضرت معظم را بشیراز بردند کریمخان آنحضرت را زیاد الوصف محترم میداشت و از آنجا که ایشان شخص بسیار زیرک قابل با کفایت و درایتی بودند کریمخان ایشانرا پیران ویسه مینامید (پیران ویسه

وزیر

وزیر صاحب تدبیر افراسیاب است) بعد از فوت کریمخان حضرت آقا محمد خان معجلاً بمازندران تشریف فرما
شدند و در آنجا قشونی جمع و تجهیز کرده پس از مدت شش سال جنگ و جدال آخر الامر شهر کرمان را مسخر کردند
و لطفعلیخان زند را که دعوی رقابت با آنحضرت داشت براه عدم فرستادند و در سنهٔ هزار و دویست و ده هجری
مستقلاً شاهنشاه ایران گردیدند و چون حاجی ابراهیم کلانتر شهر شیراز خدمت نمایان با آنحضرت کرده
و اسباب استقلال و استیلای ایشان شده یعنی دروازهٔ شیراز را در زمان غیبت لطفعلیخان بروی عساکر
حضرت آقا محمد خان باز نموده او را با پاداش این خدمت منصب وزارت دادند
نیز همین مؤلف گوید نواب آقا محمد خان قبل از آنکه اقتدار کامل در ایران بهم رسانند بر روسها غلبه نمودند و شرح این
گفته در محل خود بیاید
نیز گوید را اینکه حضرت معظم برای حصول استیلای کامل شمشیر میزدند چند سال در ساری اقامت داشتند
و در آنجا قصری برای خود بنا فرمودند که عبارت از حیاطهای حوضدار و چندین طاق عالی قشنگ و معابر تاریک
بود و دیوانخانه آن قصر را از پرده‌های نقاشی که تصویر فتوحات شاه اسمعیل و نادرشاه در آنها نقش شده
بود مزین ساخته بودند مردم اهالی ولایات با مکنت گیلان و مازندران و استراباد بخصوص مایل بتبعیت حضرت آقا محمد خان
و تفوق بر ایشان بودند و بعد از آنکه لطفعلیخان زند مقتول شد و حضرت معظم اقتدار کامل حاصل نمودند طهران را
پای تخت خود قرار دادند و جهت اینکه اینشهر را بدار الملکی اختیار کردند نزدیک بودن آن بمازندران و استراباد بود و بعد
از آنکه دشمنان خود را که از طایفهٔ زندیه بودند مقهور و نابود ساختند بعضی اقارب خود را که براه سرکشی و طغیان
میرفتند و چندان میلی بانقیاد و اطاعت حضرت پادشاهی نداشتند بسزای خود رسانیدند و کلیه قصد و منظور این پادشاه
این بود که تخت و تاج سلطنت ایران مسلم برای برادرزادهٔ آنحضرت (خاقان مغفور فتحعلی شاه طاب ثراه) باشد
حاجی ابراهیم وزیر حضرت آقا محمد شاه در ضمن محاوره و مفاوضه با سرجان ملکم گفته بود روزی حضرت پادشاهی مرا مخاطب
ساخته فرمودند آیا شخصی بکفایت و درایت تو میتواند صحه بر این بگذارد که من عساکر و لشکریان خود را با توپها و
سپاهیان منظم دولت روس برابر و مقابل نمایم و آنها را در معرض خطر در آورده اسباب خرابی عساکر خود را فراهم آورم
البته اینکار دیگر فوق درایت و دانش نیست من آنها را در میان بیابان محاصره خواهم کرد انتهی
نواب مستطاب الاحاجی معتمد الدوله ابن مرحوم ولیعهد رضوان جایگاه نایب السلطنه عباس میرزا طاب ثراه در کتاب
جام جم میفرمایند
طایفهٔ قاجار از نسل قراجار نویان است این سلسله از گنجه باستراباد آمده اند و اول کسیکه از گنجه آمد شاهقلیخان بود که
در اواخر دولت شاه سلیمان صفوی باستراباد آمد و در استراباد دختر یکی از اعیان را گرفت و بدان واسطه در آنجا
رحل اقامت افکند و از او دو پسر شد یکی مسمی بفتحعلیخان که جد سلاطین قاجار است و دیگری فضلعلی آقا که جد
خوانین کبار است و پس از وفات شاهقلیخان پسر بزرگ او فتحعلیخان رئیس قوم و بزرگ طایفه گشت
و در فتنهٔ افغان هزار نفر سوار از اعیان قاجاریه باعانت شاه سلطانحسین برده و در اصفهان بخدمت شاه
سلطانحسین مشرف شد و زحمات و بواسطه اینکه او را در خدمت شاه متهم کردند که خود داعیه سلطنت دارد
مقبول نیفتاد و ملاباشی و حکیمباشی که در قلب شاه رسوخی داشتند پیوسته از او سعایت داشته میگفتند
افغان دشمن خارجی و غریب است میتوان چاره او نمود ولی فتحعلیخان که از خود هزار سوار دارد و بی اذن شاه
باصفهان آمده اطمینان حاصل نمیتوان کرد تا شاه ساده لوح را آن کلمات واهی مقبول افتاده شمشیر جهانگشا را

[illegible] صنو او طرح حرم را
[illegible] مصالح اینکار [illegible]
[illegible] نمود قشون [illegible]
[illegible] اهل [illegible]
آنها [illegible] خواهد
[illegible]
[illegible]

باو عنایت

باو عنایت کرده اذن انصراف داد و آن شمشیر در سلسلهٔ قاجاریه بشگون و میمنت معروف است القصه
رفتن چنان لشکر را افغان از نتایج اقبال خود دانستند و الحق چنان بود و آخر الامر فتحعلی خان باز از راه اخلاص
که بدودمان صفویه داشت و بلشکر شاه طهماسب ثانی بطهران آمد بخدمت او شتافت و خدمتها کرد و در رکاب او بخراسان
رفت و در خراسان وجود او را نادرشاه مخل خود میدانست و در نزد شاه طهماسب وسوسه کرد و از آن ملول حکم قتل او را
صادر نمود و در چهاردهم صفر سال هزار و صد و سی و نه هجری در گرد و در مشهد مقدس بدست مهدی بیک قاجار دولو بتحریک
نادرشاه و اجازهٔ شاه طهماسب کشته شد و در مقبرهٔ خواجه ربیع مدفون است و چهل و دو سال از عمر او گذشته بود و از
فتحعلی خان یک پسر باقی ماند مسمی بمحمد حسن خان و در استیلای نادرشاه در دشت ترکمان فراری و متواری بود و هر قدر
نادرشاه خواست که او را بدست آرد ممکن نشد و پس از کشته شدن نادرشاه از دشت ترکمان باسترآباد آمده بخیال سلطنت
افتاد و اکثر ولایات عراق و آذربایجان و اصفهان را مسخر کرد و آزاد خان افغان را که او نیز داعیهٔ سروری داشت از ارومیه
بیرون نمود و بمحاصرهٔ شیراز شتافت و کریمخان را محصور نمود و در آن محاصره قاجاریهٔ یوخاری باش و غیره از حقد قدیم و
کینهٔ دیرینه خیانت کرده اردو را شکسته فرار کردند محمد حسن خان را مجال توقف نماند باسترآباد آمد و اگر خیانت قاجاریهٔ
یوخاری باش و غیره نبود هر اینه قلعهٔ شیراز بزودی مفتوح میشد چرا که قلعگیان بجهة آذوقه و علوفه کمال تنگی را داشتند
و کریمخان متعاقب او لشکر کشیده روان شد و خود در طهران ماند و شیخعلی خان زند را بمازندران فرستاد و در مابین استرآباد
و اشرف جنگی فیمابین آن دو سردار واقع گشت محمد حسن خان شکست خورد و در جر کلباد در شهر جمادی الاخره هزار و صد و
هفتاد و دو هجری بدست سبزعلی بیک نوکر خود بتحریک قاجاریهٔ یوخاری باش بدرجهٔ شهادت رسید و سر او را در طهران
بخدمت کریمخان آوردند و در تاریخ زندیه نوشته است که سر او را با مشک و گلاب شسته سه روز در نزد کریمخان بود
بعد او را با حرمت باسترآباد فرستاد که بجسد او ملحق ساختند و قاجاریه گویند سر آن امیر نامدار در بقعهٔ شریفهٔ حضرت
عبد العظیم مدفون است و از محمد حسن خان نه پسر باقی بود اکبر و ارشد اولاد آقا محمد خان است و دیگران حسینقلیخان و جعفر
قلیخان و مصطفی قلیخان و مرتضی قلیخان و علیقلیخان و رضا قلیخان و مهدیقلیخان و عباسقلیخان است که در خردسالی
در گذشت و کریمخان زند پس از شهادت محمد حسن خان که مملکت ایران بیمانع او را مسلم شد آقا محمد خان و حسینقلیخان
والد خاقان را که از یک مادر بودند بشیراز برسم نوا برد و برادران دیگر را بقزوین فرستاد (والده شاه شهید آقا
محمد خان و حسینقلیخان دختر اسکندر خان قاجار قوانلو بوده است که خواهر محمد خان و عمهٔ سلیمان خان است) کریمخان
آقا محمد خان را حرمت زیاد میکرد و او را پیران ویسه میگفت و در کلیات امور از او مشورت مینمود و در سال هزار و صد و
هشتاد و چهار هجری حسینقلی خان برادر گرامی آقا محمد خان را حکومت دامغان داده فرستاد و حسینقلیخان
بدامغان رفت و در سال هزار و صد و هشتاد و پنج هجری خاقان مغفور از آن امیر نامدار بعرصهٔ ظهور آمد چون
سمی جد امجد بود لهذا در عهد آقا محمد خان ایشان را باباخان میگفتند (والدهٔ خاقان خلد مکان و نواب حسینقلی خان
دختر محمد خان عز الدینلو است) و حسینقلیخان از دامغان بمازندران شتافت و محمد خان داد و حاکم مازندران را
بازه کمان خود خفه کرد و در آن ولایت بنای آشوب گذاشت و کریمخان بدفع او لشکر فرستاد تا در سال هزار و صد و هشتاد
و هشت هجری در حوالی فندرسک سه نفر از طایفهٔ ایلکدی یموت از طوایف ترکمان بتحریک کریمخان او را کشتند
و در تاریخ میرزا فضل الله شیرازی متخلص بخاوری شهادت حسینقلی خان را در بیستم صفر سال هزار و صد و نود
و یک هجری ضبط کرده است و در تاریخ محمدی که ملا محمد ساروی نوشته است دوازدهم صفر هزار و صد و نود و دو
هجری نوشته است و ما تاریخ شهادت را از تاریخ زندیه نقل کرده ایم و اعتبار این قول در نزد من زیادتر است و با آن

همه انقلاب و اختلال که از حسینقلی خان در امور ولایت ظاهر شد کریمخان از سماحت خلق هیچ از آقا محمدخان مؤاخذه نکرده بود در وقت شهادت حسینقلیخان پسرش در بطن مادر بود که پس از ولادت باسم او خواندند و کریمخان سالها سال بناخوشی سل مبتلا بود و در ماه صفر هزار و صد و نود و سه هجری شدت کرد و عمه آقا محمدخان که زن کریمخان بود برادرزاده را از ناخوشی او اعلام کرد و بعضی نوشته اند که خاله آقا محمدخان زن کریمخان بود و آقا محمدخان بعزم شکار مهارلو بیرون رفته روز سیزدهم صفر هزار و صد و نود و سه هجری که بشهر برگشته دروازه را بسته دید دانست که کریمخان در گذشته است و زندیه از تفریق کلمه که در میان خود داشتند بخیال او نیفتادند که صبح از قید ایشان رها شده است و آقا محمدخان از همانجا بازتر داد و باز دولت را بپرواز آورد دو اسبه با دو نفر تا طهران تاخت و در کاشان خزانه کریمخان را که از رشت میبردند و پانزده هزار تومان نقد و جنس میشد غارت نمود و روز هفدهم صفر بورامین وارد شد و در آنجا سران قاجاریه و خوانین ایلات بحلقه اطاعتش درآمدند با زندان رفته در مازندران مدتی با برادران خود کاوش و سازش داشت و علیمرادخان زند که پس از کریمخان بسلطنت نشست بخیال دفع او افتاده بطهران آمد و لشکر بمازندران با پسر خود و پسر مرادخان و سرداری محمدظاهرخان فرستاد و ایشان شکست خوردند انتهی نزد نواب مستطاب الاحاجی معتمدالدوله در کتابی که روزنامه سفر مدینة السلام و بیت الله الحرام موسوم بهدایة السبیل و کفایة الدلیل نسب همایون اعلیحضرت شاهنشاهی را چنین مسطور فرموده اند

السلطان ناصرالدین شاه ابن السلطان محمد شاه ابن ولیعهد الاعظم عباس میرزا ابن السلطان فتحعلی شاه ابن حسینقلیخان الشهیر بجهانسوز شاه ابن السلطان محمدحسن خان ابن الامیر فتحعلیخان ابن الامیر شاهقلی خان ابن محمد ولیخان بن مهدیخان بن محمدقلی آقای قاجار از طایفه اشاقه باش از تیره قوانلو و در دولت صفویه از همه امرای بزرگ از طوایف استاجلو و شاملو و تکلو و ذوالقدر و غیره جنایت ظاهر شده و مورد سخط سلاطین شده اند از طایفه قاجاریه که مصدر خدمات بزرگ بوده اند و چند بار بسفارت روم و هند و ترکستان رفته اند هیچ خلاف بسر نزده است انتهی

مرحوم رضاقلیخان امیرالشعرا متخلص بهدایت روح الله روحه که از معارف اکابر مصنفین و نویسندگان این زمان مرتبه فرزانه است در کتاب روضة الصفای ناصری مینویسد

اصل اصیل ایل جلیل قاجار بترک بن یافث بن نوح علیه السلام می پیوندند و قاجار طایفه از طوایف ترک اند و گفته اند چون این ایل جلیل از اولاد قاجار نویان بن سرتاق نویان بن سابا نویان بن جلایر بن تیرون بوده اند باسم جد اعلی شهرت نموده و قاجار منقسم بسه طایفه شده سلدوس و تنکقوت و جلایر طایفه سلدوس اصلا با ایران نیامده اند و طایفه تنکقوت بی چهل خانوار بوده بطوایف مغول پیوسته اند و جلایر در اکثر بلاد توران و ایران مکنت و حشمت یافته اند و مانند قاجار و سایر طوایف معروف شده اند اما سرتاق نویان پدر قاجار نویان بفرمان اباقاخان مغول باتابیکی ارغون خان معزز و منصوص و مکرم و مخصوص بوده و بوکالت و نیابت آن پادشاه در بنگاه از کنار نهر جیحون تا حدود دریای حکمرانی و فرمان گذاری مینموده و از قزل آقاج مغان تا حدود نیشابور مملکت خاصه او بوده و کسی در آن تصرف و شرکت نداشته و غالبا سرتاق نویان در ولایت گرگان میزیسته و اولادش در استرآباد و مازندران زیاد شده بعد از فوت سرتاق نویان در زمان غازان خان ولایت سرتاق به پسرش قاجار نویان مفوض شد و قاجار نویان امیری با حشمت و شجاعت و لشکرکشی با شهامت و مناعت بوده و این قبیله بنیاد نام

قاجار نویان معروف شده و اولاد نامدار و احفاد کامکارش در گرگان و ایروان ملجاء بزرگان و امیران شده اند
و روز بروز بر تعداد و زایش و علت و قرابتش بوده اند تا بساط دولت آل چنگیز پیچیده و برچیده گشته و بعضی از اولاد او
در ماوراء النهر بر مسند خانی بخارا متکی بوده اند و بعد از ضعف دولت گورکانیه و قوت سلاطین ترکمانیه قراقوینلو و ابو
النصر حسن بیک آق قوینلو که در نسب با سلسله جلیله قاجاریه مشارکت داشتند لوای کشورستانی برافراشته با جمعی
بارادت و قرابت اختصاص جستند و شاه اسمعیل صفوی که از طرف پدر موسوی و از جانب مادر آق قوینلو بود با قاجاریه
طریقه یگانگی و امنیت سلوک مینمود لهذا بزرگان قاجار در موافقت دولت صفویه کاملا مساعد بوده اند و ولایات بزرگ و
مناصب عالیه مییافتند و در سنه نهصد و شصت و نه شاهقلی بیک قاجار جد اعلای نواب فتحعلیخان قاجار ابن شاهقلی
خان از جانب شاه طهماسب صفوی بسفارت دوم دفعه با سلطان سلیمانخان قرار عهد مودت و صلح داده مراجعت کرد
بالجمله در تمام دولت صفویه غالبا امیر الامرائی قراباغ و گنجه و حکومت خراسان و مرو و استراباد با طایفه قاجاریه
زیادلو و قوینلو بوده همینکه نوبت سلطنت بشاه عباس ماضی رسید چون مادر او از آن طایفه بوده از کثرت شوکت و
حشمت قاجاریه توهم نموده آنها را سه فرقه کرده قسمتی را بمرو و خراسان بحکومت فرستاد و جمعی را در قراباغ
گذاشته فرقه را بگرگان و استراباد روانه نمود و بارها این طایفه شجاعت آثار در ثغور و سرحدات ثلاثه ایران جنگها کرده اند
تا زمان غلبه افاغنه بر شاه سلطانحسین نواب فتحعلیخان بن شاهقلیخان بن مهدیخان بن محمد ولیخان بن شاهقلیخان
قاجار قوینلو حاکم گرگان و استراباد و مازندران بحمایت شاه طهماسب با افاغنه رزمها کرده و بنیان سلطنت و کاخ
دولت مخصوص گشته شاهزاده بتسخیر ارض اقدس و محاصره مشهد مقدس برده و بغدر نادر و قضای صادر بشهادت یافت
و نادر بملاحظه مآل مهدی نام قاجار را که دخیل در خون نواب غفران مآب بود و پدرش بدست خان والا شان کشته شد بکشت
همچنین شاه طهماسب را بدست محمد حسینخان قاجار مقتول ساخت تا خود بی مدعی بر النصر باشد و سلسله قاجاریه صفویه
با یکدیگر خونخواهی کنند بعضی از ارباب سیر برآنند که اصل این قبیله جلیله از ترکستان بروم افتاده اند و در آن ولایت
مینشستند در سال ششصد و پنجاه و سه که هلاکو خان از جانب برادر خود منکوقاآن بروم رفت بامر برادر از هر ده
خانوار مغول دو خانوار با او برفتند و بر این قرار صد و بیست هزار کس از ایلات ترکستان در رکاب او مامور آمدند
که از سرحد ترکستان الی اقصای مصر و شام بمحافظت ثغور پردازند از آنجمله ایل جلیل قاجار بسرحدات شام متوقف و مامور
شدند و در ایامیکه امیر تیمور گورکان بتسخیر شام رفت و آن بلاد را مسخر کرد ایلات ترکستان را که قریب بصد هزار نفر بوده اند
مصلحت ندید که در روم باشند ایشان را کوچانیده مامور ترکستان کرد بعضی از آنها بترکستان شدند و جمعی در
آذربایجان بماندند ایل جلیل قاجار نیز در گنجه و ایروان ساکن گشتند و برخی گفته اند چون بتوسط و تشفع جناب میر
سلطانعلی صفوی امیر باطلاق اسرای روم فرمان داد این طایفه جلیله و جمعی از ایلات روم مانند بیکدلی ملقب بشاملو در
آذربایجان و دیار بکر متوقف شدند و ارادت طوایف شاملو و روملو و تکلو و قاجار و غیرهم بسلسله صفویه و
اجتماع ایشان از دیار بکر بدور شاه اسمعیل صفوی بجهت این منت بوده در هر حال ایل قاجار از ایلات ترکستان و در
ایران متوقف بوده اند و شاه عباس صفوی جمعی را در قراباغ و گروهی را در گرگان و خراسان و مرو حکومت و
الکای داد و در سال یکهزار و هشت هجری که شاه عباس باستراباد رفت و قلعه مبارک آباد بر ساحل گرگان را که
از بناهای شاه طهماسب ماضی بوده و ترکمان خراب کرده بودند تعمیر کرد حسینخان قاجار زیادلو را از گنجه کوچانید
با قاجاریه در آن قلعه سکنی داد که ترکمانان صاحبخانی نتاخته تا از استراباد نیابند و تطاول نتوانند و طایفه

مذکوره قاجار علی التناوب در آن ولایت بحکومت و سالاری میپرداختند تا در عهد دولت شاه سلطان حسین صفوی نوبت سروری قاجار و ریاست ایل مزبور در استراباد بنواب فتحعلیخان قوینلو رسید انتهی

میرزا محمد تقی متخلص بسپهر ملقب بلسان الملک از مورخین معتبر این عهد ابد مهد در کتاب ناسخ التواریخ یعنی در جلد متعلق بسلسله جلیله قاجار گوید

در سال ششصد و پنجاه و سه هجری سلطنت ایران بفرمان منکوقاآن بن تولی خان بن چنگیزخان مخصوص هلاکوخان شد و منکا عازم عراق و برانداختن دودمان خلفای بنی عباس گردید از جانب منکوقاآن حکم شد از هر ده خانوار مغول دو خانوار برای حراست و حفظ حدود و ثغور از مکان خود بیرون شده از سرحد ترکستان تا اقصای مصر و شام در اماکن مختلفه اقامت کنند بنابراین حکم صد هزار خانوار حرکت کردند و در امکنه منظوره جای گرفتند سرتاق نویان بن سابا نویان بن جلایر بن ترون یکی از نوئینان و سرداران هلاکوخان و ملازم رکاب او بود چون در سال ششصد و شصت و سه هلاکوخان درگذشت و پسرش اباقاخان بجای او نشست سرتاق نویان را مورد مرحمت نموده باتابیکی پسرش ارغون خان برقرار کرد و از کنار جیحون تا قزل آغاج مغان را بحکومت او واگذار و مفوض داشت اباقاخان نیز بعد از هفده سال پادشاهی بمرد و بعد از او نکودار خان برادرش دو سال سلطنت نمود و ارغون خان فرزندش هفت سال و کیخاتوخان برادر دیگرش سه سال و بایدوخان هشت ماه و در سال ششصد و نود و چهار هجری غازان خان بن ارغون خان بر تخت پادشاهی جلوس کرد و سرتاق نویان نیز درگذشته بود و پسرش قاجار نویان که سلسله جلیله قاجاریه بدو می پیوندد کمال رشد داشت غازان خان بنابر حقوق اتابکی پدر قاجار نویان را درجه اختصاص داده آنچه در تحت حکمرانی سرتاق نویان بود باو واگذاشت و قاجار نویان اولاد زیاد بهم رسانید و عشیره او روی بفزونی نهاد و آن جماعت را بنام جد و پدر قاجار خواندند و در قدیم الایام رسم و قانون ترکان این بود که هر طایفه بجلالت و جلادت مشهور میشدند سایر طوایف مردمان خود را بدان طایفه ملحق ساخته بنام آن طایفه معروف میگشتند بالجمله قبیله قاجار شوکت و عدتی حاصل کرده بشهامت و شجاعت معروف گشتند و چون سلطنت چنگیزیه در ایران منقرض شد و حکومت سلطان ابوسعید بن الجایتو در سال هفتصد و سی و شش هجری بسر رسید سلسله قاجاریه نیز باقتضای خویشاوندی ایلیا اندک اندک بقبایلی که در حدود شام سکنی داشتند پیوستند و آن اراضی را موطن خود دانستند تا امیر تیمور گورکان در سنه هشتصد و سه هجری که سال دوازدهم پادشاهی او بود بسفر مصر و شام رفت حکم کرد طایفه مغول از حدود شام که اراضی بیگانه است کوچ کنند و بایران آیند و از اینجا بترکستان که وطن اصلی ایشانست عزیمت نمایند بنابراین آن قبایل بایران آمده اکثری راه ترکستان پیش گرفتند و بعضی خاصه طایفه قاجار در آذربایجان و حدود گنجه و ایروان رحل اقامت افکندند چون دولت گورکانیه ضعیف شد حسن بیک بن علی بن عثمان اول سلطان از طایفه آق قوینلو که نسب بقاجار میرساند در سنه هشتصد و هفتاد و یک بتخت سلطنت نشست و چهل و سه سال در خانواده او پادشاهی بماند در سال نهصد و نود و پنج که شاه عباس اول بسلطنت رسید حکم کرد قبیله قاجار از گنجه و ایروان باراضی استراباد روند و در قلعه مبارک آباد در کنار گرگان که تازه بحکم پادشاه ایران ساخته شده بود ساکن شوند ایشان بدانمحل رفته آنها که بر بالای قلعه جای گرفتند معروف بقاجار یخاری باش شدند طایفه که در پایین قلعه بودند اشاق باش نام یافتند جماعت دیگر از قاجار نیز بحکم شاه عباس بمرو شاهجهان رفته در آنجا منزل نمودند و مقصود شاه عباس از این فرمان محفوظ ماندن نواحی استراباد و مازندران از تاخت و تاز ترکمن و محروس بودن اراضی خراسان از مزاحمت قبایل اوزبک بود نیز میخواست سلسله جلیله قاجاریه که بجلادت و جلالت موصوف و معروف اند در یکجا جمع باشند خلاصه این طایفه تا اینکه از حیثیت شماره

ونیز

وعدد قلیل بودند بواسطه شجاعت و مبارزت بر تمامی ایران غلبه کردند و حکایات در رشادت و دلیری و شجاعت شنیده
و دیده شده و بعد از ورود باستراباد پیوسته با ترکمانان جنگ میکردند و پدران فتحعلیخان قوانلو همیشه بزرگ این سلسله
بودند و با کمال اقتدار هرگز با سلاطین صفویه براه مخالفت نرفتند و حال بر اینمنوال میگذشت تا نوبت فرمانگذاری قاجار
بفتحعلیخان رسید انتهی

مؤلف گوید از جمله این منقولات و مسطورات مصنفین مذکورین تغمدهم الله بغفرانه و رضوانه چنین مستفاد و
محقق میگردد که نسب سلسله علیه قاجاریه منتهی بقاجار نویان بن سرتاق نویان از امرای بزرگ غازان خان مغول
میگردد و نسب قاجار نویان باغوزخان پادشاه خداپرست بزرگوار ترک می پیوندد و آخر الامر بترک بن یافث بن نوح علیه السلام
پیوستگی می یابد و کلیه قبایل منشعبه از این اصل در اقطار عالم خاصه در صفحات ترکستان رتبه خانی و خاقانی داشته
و قدم برگاه و مسند حکمرانی گذاشته اول شوکت ایشان آنکه ایلخان چندین ایل و امیر و حکمران چندین قبیله بوده اند و
از این سوانح آنچه تعلق بزمانهای بسیار قدیم دارد چون در طی اقوال مؤلفین مزبورین ذکر شده تکرار آنرا غیر لازم دانستیم
اما آنچه متعلق بازمنه آخره است بعضی را بطور اشاره ایراد مینمائیم تا ادعا و مدعا ثابت و مدلل باشد

از سوانح سال نهصد و چهل و سه هجری یکی اینست که شاه طهماسب بعد از انقضای فصل زمستان بقصد تسخیر قندهار
و زمین داور از هرات حرکت کرده بکنار آب هیرمند و از آنجا بقندهار آمده این ولایت را تصرف نمود و حکمرانی آنرا بعهده
بداق خان قاجار موکول داشت

از حوادث سال نهصد و پنجاه و سه آنکه شاه طهماسب که بعزم گرجستان انتهاض نموده بود کوچ بر سر کوچ بگنجه آمد و از گنجه
حرکت کرده بموضع پولاقارد و زد و از آنجا کوکجه سلطان قاجار و ابراهیم خان ذو القدر و حسینخان سلطان روملو
و شاهوردی سلطان زیاد اوغلی را با پنجهزار سوار جرار بطور ایلغار بطرف شماخی که القاس میرزا در آنجا بود روانه
کرد و یکسال بعد از آن که شیروان در تحت تبعیت شاه طهماسب در آمد حکمرانی آنرا بپسر خود اسمعیل میرزا داد و کوکجه سلطان
قاجار را به پیشکاری او برقرار داشت

در سال نهصد و پنجاه و نه چند نفر از سرکردهای شاه طهماسب مأمور جنگ با عساکر عثمانی شده و همه فایق آمدند و از آن
جمله بهرام بیک قاجار و طوبقون بیک قاجار بودند

در سال نهصد و شصت و دو که ابای ترکمان بخیال طغیان افتاده چند نفر از سرداران شاه طهماسب باطفای
نایره این فتنه مأمور شدند از جمله کوکجه سلطان قاجار بود که پیش از حسم مادهٔ فساد در همین سال درگذشت

در سال نهصد و شصت و هفت سارو قورغان با جمعی اوزبک بفرمان علی سلطان والی خوارزم به نیشابور آمدند که
این ولایت را غارت کنند بداق سلطان قاجار و ملکن اوغلی ذو القدر با جمعی بدفع اوزبکان از شهر بیرون آمدند
و با ایشان جنگ کردند و سارو قورغان و بسیاری از همراهان او را کشته بقیة السیف فرار کردند

در سال نهصد و نود و شش الله قلی بیک قاجار منصب قورچی باشیگری شاه عباس اول یافت

در سال هزار و یازده هجری شاه عباس قلعه ایروان را محاصره و فتح کرد و حکومت آنرا بامیرگونه خان قاجار داد

در سال هزار و پانزده هجری شاه عباس قلعه گنجه را که در تصرف دولت عثمانی بود بقهر و غلبه فتح کرد و حکومت گنجه را
بمحمدخان زیاد اوغلی قاجار داد

در سال هزار و صد و بیست و شش هجری که امیرگونه خان قاجار بیگلربیگی و حکمران ایروان بود محمد پاشا وزیر اعظم

سلطان احمد خان اول سلطان عثمانی با لشکر زیادی از دیاربکر و ارزن الروم آمده عازم فتح ایروان گشت و امیرگونه خان طوری بممانعت و محارست قلعه ایروان پرداخت که محمد پاشا بعد از کوشش بسیار و کشته شدن چهل هزار نفر از عساکر عثمانی از فتح ایروان مایوس شده باز گشت

در سال هزار و سی و یک هجری شاه عباس چلبی بیک قورچی قاجار را بسفارت بدربار دولت عثمانی فرستاده و در ضمن نامه مهر علامه سلطان عثمانی را از فتح قندهار و جزیره هرموز خبر داد

در سال هزار و سی و دو امیرگونه خان قاجار بیگلربیگی چخور سعد بتسخیر اخسقه و تدمیر گرجیه رفت

در سال هزار و سی و پنج امیرگونه خان قاجار بیگلربیگی چخور سعد بگرجستان رفته جنگ سختی کرده چند زخم برداشت بعد از آن بایروان مراجعت کرده مشغول معالجه شد ولی چون زخمها کاری بود درگذشت

در سال هزار و چهل و دو هجری شاه صفی حکمرانی مرو را بمرتضی قلیخان قاجار ابن محراب خان قاجار داد و محمد قلیخان زیاد اوغلی قاجار بامیرالامرائی قراباغ و حکمرانی آن نواحی برقرار گشت

در سال هزار و چهل و سه اکراد محمودی و کردستان و قارص و دیاربکر با هم اتفاق کرده بتاخت چخور سعد آمدند طهماسبقلی خان قاجار امیرالامراء و حکمران چخور سعد و ایروان بسیاری از اکراد مزبور را بکشت و باقی را متفرق ساخت و در همین سال شاه صفی کلبعلی خان قاجار دوانلو را با خان احمد اردلانی و سپاه قلمرو علیشکر بجانب موصل و جزیره و عمادیه فرستاد و آنحدود را بتاختند نیز در اینسال مرتضی قلی پاشا بیگلربیگی دیاربکر که داعیه وزارت داشت در قلیل زمانی سپاهی از دیاربکر و کفه و مرعش و آلبستان و اناطولی و قرامان جمع کرده بکمک حاکم وان رفت خلیل پاشا بیگلربیگی ارزن الروم نیز باو پیوست و با پنجاه هزار نفر حرکت کردند شاه صفی مطلع شده طهماسبقلیخان قاجار بیگلربیگی ایروان با چند نفر سردار دیگر و جمعی بامداد سپهسالار خود که مامور بفتح وان بود روانه نمود

در سال هزار و پنجاه و هفت هجری شاه عباس ثانی مرتضی قلیخان قاجار ولد محراب خان حاکم مرو و ارض اقدس را منصب سپهسالاری داد

در سال هزار و پنجاه و هشت شاه عباس ثانی قصد زیارت مشهد مقدس و تسخیر قندهار نمود و مرتضی قلیخان قاجار سپهسالار از پیش بصوب قندهار روانه گشت

در سال هزار و شصت مرتضی قلیخان قاجار سپهسالار قورچی باشی شد

در سال هزار و هفتاد و پنج کدا علیخان بن محراب خان قاجار که حکومت ولایت دورق داشت درگذشت

در سال هزار و صد و چهارده گرگین خان والی گرجستان از اطاعت شاه سلطان حسین سر پیچیده شاه سلطان حسین کلبعلی خان قاجار حاکم گنجه را با لشکر گران بتادیب او فرستاد کلبعلیخان بر گرگین خان غالب آمده وارد تفلیس شد و بزرگان و رعایای آنجا را بانعام و حسن سلوک استمالت و رام نمود

در سال هزار و صد و بیست و چهار که امرای قزلباش صلاح در این دیدند که شاهزاده طهماسب میرزا برای چاره کار افغان از اصفهان بیرون رود طهماسب میرزا با هشت نفر سوار گزیده از طایفه قاجار از اصفهان بطرف قزوین حرکت کرد بالجمله بر اینمنوال امرای معظم قاجار در هر دوره و عهد ساعد دولت و مساعد سلطنت بوده و سلاطین با تمکین آنها را متقلد اشغال عمده و مهام بزرگ و مناصب عالیه مینموده اند چنانکه در دولت صفویه چند بار بسمت سفارت کبری بدربار دولت عثمانی و سلاطین هندوستان رفته و خدمات بزرگ و نمایان کرده و از آنجا که هرگز منشا خلف و خلاف

نموده اند

بوده اند و جز طریق صداقت و درستکاری راهی نپیموده همیشه کمال اعتماد و اطمینان پادشاهان را جالب و متقلد
و متکفل معظمات مهام و جلایل امور را شایان و لایق گشته تا مجدد اسلطنتی که در اصل ایشان را بود روی توجه باین
دودمان نمود و فی الحقیقه ابتدای این شروق و طلوع و ضیا و فروغ از سال هزار و صد و چهار هجری است که درین سال
نواب فتحعلی خان قاجار قوینلو جد سلاطین بزرگوار قاجار در استراباد متولد شد و بعد از بلوغ و رشد در آن نواحی
استقلالی بکمال یافت و کوکب اقبال و رایت اجلال نواب معظم میل باوج و اعتلا کرد بر جلالت و فروغ و فروغ دودمان و
سلسله جلیله قاجار افزود و ابواب حکمرانی و کشورستانی را بمفاتیح بخت سعید و تایید آسمانی او گشود

کم من اب قد علا بابن له شرف کما علا برسول الله عدنان

در سال هزار و صد و بیست و چهار که افاغنه شاه سلطان حسین را در اصفهان محصور کردند نواب فتحعلی خان با
هزار سوار از طایفه قاجار از استراباد بامداد شاه سلطان حسین شتافت و جنگهای سخت با لشکر افغان
کرد و هر روز بسر و غنیمت بسیار از آنها گرفته بنظر شاه میرسانید اما شاه سلطان حسین ساده لوح و امرا و نزدیکان او
خاین و بی عقل بودند و امرای مزبور که میبایست این امر را از تاییدات آسمانی دانند از فرط نادانی بر خلاف دانسته و غرض کرده
و نزد شاه بنای سعایت را گذاشتند و بجای تمجید و تحسین و ترغیب آفرین با فساد و تفتین نمودند و گفتند طایفه قاجار
بجلادت و شجاعت موصوف و بدلیری و رشادت معروفاند و نواب فتحعلی خان خود داعیه سروری و مملکتداری دارد
اگر چه او افاغنه را دفع میکند ولی بعد از آن دفع خود او خارج از حیز امکان است آخر الامر ملا باشی و حکیم باشی که زیاده
از دیگران در قلب شاه رسوخ داشتند چندان وسوسه کردند که شاه سلطان حسین را بوسواس انداختند ناچار او
شمشیر معروف بجهانگشا را بنواب فتحعلی خان عنایت کرده رخصت مراجعت داد بنا بر مسطورات عبد الرزاق بیک در
کتاب مآثر سلطانیه نواب معظم نیز بواسطه اینکه اقوال امرای شاه سلطان حسین را در حق خود شنیده بود آزرده خاطر
شده سواران خود را برداشته راه استراباد پیش گرفت افاغنه بر اصفهان استیلا یافتند و کار بآنجا کشید که جمعی کثیر
باشاره اشرف افغان بطهران و تسخیر این سامان شتافته این بلد را ویران کردند نواب فتحعلی خان باز با سواران قاجار
در ابراهیم آباد و رامین یکروز از ظهر تا شام با سپاه افغان جنگ کرده شام دو لشکر بآرامگاه خود رفتند در همان شب
بنواب خلد مکان خبر دادند که شاه طهماسب را که پیش از تسخیر اصفهان برای چاره کار از این شهر بطرف قزوین فرستاده اند
بمازندران آمده و در بلده اشرف است نواب فتحعلی خان که ارادتی بخانواده صفویه داشت از ابراهیم آباد راه مازندران
پیش گرفت و این در هزار و صد و سی و هفت بود از آنجا که کوکب اقبال صفویه رو بهبوط بود درین راه مسموع نواب
فتحعلی خان شد که امرای شاه طهماسب او را نسبت بنواب معظم بد دل کرده اند لهذا عنان مرکب را از جانب اشرف
منعطف و بطرف استراباد راند و امرای مشار الیهم بر اغوا و تحریک افزوده تا فیما بین جنگ در گرفت و شاه
طهماسب گرفتار شد نواب فتحعلی خان باز براه ارادت رفته شاه طهماسب را از اشرف باستراباد برده و تجهیز لشکر
عظیم نموده در رکاب شاه طهماسب عازم خراسان گردید و در سال هزار و صد و سی و هشت در دامغان شاه
طهماسب نیابت سلطنت و امیر الامرائی ایران را بنواب فتحعلی خان داد و عازم مشهد مقدس شدند در سال هزار
و صد و سی و نه نادر قلی بیک افشار حاکم نسا و ابیورد بخدمت شاه طهماسب آمده ملقب بطهماسب قلیخان گردید و
منصب قورچی باشی یافت و مامور جنگ ملک محمود سیستانی و تسخیر ارض اقدس گشت و در همین اوان نادر قلی بیک
وجود نواب غفران مآب را اسباب عدم پیشرفت کار خود دانسته در پیش شاه طهماسب باغوا و تحریک مبالغت

نمود

نمود و او را بقتل نواب فتحعلیخان راضی کرد شب بیست دهم ماه صفر در منزل خواجه ربیع ندر قلی بیک بحکم نادرشاه
طهماسب و موافقت مهدیخان نام قاجار دولو بطور خدعه و تزویر نواب فتحعلیخان را شربت شهادت چشانیدند
و در بقعه خواجه ربیع بخاک سپردند

از صلب نواب غفران مآب فتحعلیخان دو پسر بعرصه وجود آمدند یکی نواب محمد حسنخان که در سال هزار و صد و
بیست و هفت هجری متولد شد و دیگری محمد حسینخان که در طفولیت بدرود زندگانی گفت نواب محمد حسنخان که خلف
مهین و فرزند ارشد با تمکین بود بعضی اوقات در استراباد و گاهی در میان طوایف ترکمان میزیستند بموجب مسطورات
مورخین در ایام جوانی و اوقات کامرانی روزی با محمد زمان بیک ولد محمد حسینخان قراموسانلو بر سر اسب دوانی منازعه
کرده آزرده خاطر و مکدر گشته روی باحشام تراکمه نهادند و جمعی از اتراک و ترکمانان را دور خود جمع کرده بر سر استراباد
رفتند و شهر را بگرفتند محمد زمان بیک که از جانب پدر در آن شهر حکمرانی میکرد بگریخت و خود را به بهبود خان که در آن اوان
از جانب نادرشاه سردار و سرحد دار استراباد و مازندران بود رسانید بهبود خان با شش هفت هزار نفر که با خود داشت بعزم
رزم و جدال از کنار رود اترک حرکت کرد ولی صرفه از جنگ و قتال نبرده منهزم و فراری شد این خبر در موصل بنادرشاه
رسید محمد حسینخان قاجار را مامور استراباد نمود و او با قشون ابوا جمعی بهبود خان و مردم استراباد بشهر رفته این بلد
را خراب و جمع کثیری را بقتل رسانید و عده از قاجاریه نیز در این هنگامه مقتول شدند نواب محمد حسنخان مجال و امکان توقف
و بلاد نیافته باز عنان بطرف دشت معطوف ساختند نادرشاه نهایت ساعی بود که نواب معظم را دستگیر کند چنانکه بحسینعلی
خان معیر الممالک میگفته است یاقوت چهارده مثقالی دیده او در جواب گفته ندیده ام نادرشاه گفته یاقوت چهارده
مثقالی محمد حسنخان است که از چنگ ما بیرون رفته و براو دست نیافته ایم خلاصه چون نادرشاه سر را در سودای قهر و
خشونت بباد داد نواب محمد حسنخان از دشت ترکمان باستراباد تشریف نزول ارزانی داشتند و این بلده را مقر دولت
و حکمرانی خود قرار دادند و مازندران و گیلان را نیز مسخر ساختند و تقریبا بیست هزار لشکر منتظم ترتیب دادند و کار
ایشان در کمال قوام و قرین ترتیب و انتظام بود تا کریمخان زند با چهل هزار پیاده و سواره از جانب عراق بخیال تسخیر آن ولا
عزیمت استراباد نمود نواب محمد حسنخان در تحمل قدرت و شوکت خداداد را ظاهر ساخته چنانکه هر روزی جمعی از
لشکریان را بر سر قشون کریمخان فرستاده فوجی از آنها را اسیر کرده می آوردند و در عرض چهل روز تقریبا بیست و پنج
هزار نفر از سپاهیان وکیل مقتول و دستگیر عساکر فیروزی مآثر حکمران قاجار بل تاجدار فرخنده آثار گردید شجاع
الدین خان زند طعمه شمشیر غازیان شد و کریمخان قرین یاس و حرمان ناچار بنه و آغروق و توپخانه و زنبورکخانه و سایر
اسباب سلطنت را رها کرده از ساحت استراباد بجانب اصفهان عطف عنان کرد و غنایم کثیره بدست ملازمان و لشکریان
نواب محمد حسنخان افتاد و نواب معظم مصمم سفر عراق گشته از استراباد باشرف مازندران توجه فرمودند وقتیکه
جماعت کریمخان لشکر باستراباد کشیده بود جمعی از لاریجانی باظهار خدمتگذاری بسپاهیان الوار پیوسته بعد از مراجعت
کریمخان نیز سر از اطاعت پیچیده طبل یاغیگری میکوفتند نواب محمد حسنخان محمد ولیخان و مقیم خان سارویی را مامور
تنبیه لاریجانیها کردند و فوجی از عساکر منصوره بر سر آمل رفت ولی پیش از آنکه بالاریجانیها نزاعی اتفاق افتد
محمد ولیخان بواسطه شرارت فطری بنای بدسلوکی را نهاده دست بطرف ناموس و عیال اهالی آمل دراز کرد اهالی
مازندران از حرکات محمد ولیخان منزجر گشته او را گرفته حبس کردند و جمعیتی فراهم آورده نزد مقیم خان رفتند و
او را بر خود امیر کرده راه طغیان پیش گرفتند و در ساری رحل اقامت انداختند و بخود نمایی پرداختند نواب محمد حسنخان

برین

بدون بنه و احمال از اشرف حرکت کرده بر سر مقیم خان و اهالی مازندران تاختند مقیم خان بزخم زنبورک از پا در آمد
دستگیر و نابود شد و اهل مازندران متفرق گشتند و چند نفر از معارف اهل این ولایت مورد مواخذه و مصادره
گردیدند بعد از آن احمد شاه ابدالی که در قندهار رایت اقتدار برافراشته بود بارض اقدس آمده این ولایت را مسخر
کرد و پانزده هزار نفر از افاغنه را بسرداری شاه پسندخان افغان مامور فتح استراباد کرده و آنجماعت بسبزوار
آمدند ابراهیمخان بیات یاری و عیسی خان کرد و علیخان قلیچی و جمعی دیگر از خوانین خراسان با اهل و عشیرت خود کوچ کرده
بدامغان رسیدند نواب محمد حسنخان دولوی قاجار را که از اعاظم امرا بود با خوانین خراسان و چهار
هزار نفر لشکری بدفع شاه پسندخان مامور فرمودند و بعد از تلاقی فریقین افاغنه شکست خورده راه هزیمت پیش
گرفتند بعد از این فتح نمایان نواب محمد حسنخان با قشون نصرت نمون بقصد جنگ با کریمخان از مازندران حرکت کرده
محمدخان بیگلر زند را که بعد از کریمخان در این سلسله کسی از او شجاع تر نبود با هفتاد نفر از امرای زند گرفته بشهر ساری
فرستادند و محمدخان را از آن بیگله میگفتند که مقدار یک دست از کله او را شمشیر بریده بود آخر الامر نواب محمد
حسنخان اصفهان را متصرف شده در کلون آباد با کریمخان مصاف داده او را نیز منهزم ساختند پس از آن بعزم
تسخیر آذربایجان رایت انتهاض برافراختند آزاد خان افغان که این مملکت را مسخر کرده و در ارومیه سکنی داشت
با بیست هزار نفر از افاغنه روی بمیدان کارزار و عرصه پیکار نهاد و از آنجا که اهل و عیال این بیست هزار نفر در ارومیه
بودند برای حفظ ناموس خود آنها سخت میجنگیدند و از روی غیرت مردانه میکوشیدند مع ذلک عساکر نصرت مآثر
نواب محمد حسنخان ایشان را مقهور و مغلوب نمودند آزاد خان با اهل و عیال و معدودی بصوب تفلیس رفت نواب
معظم بجمع آوری افاغنه پرداخته هزار خانوار از افاغنه و ازبک کوچانیده آنها را از راه گیلان بمازندران فرستادند
و با لشکری وافر و شوکتی زیاد از عراق بفارس آمده کریمخان زند را در شیراز محاصره کردند در این هنگام قاجاریه
یوخاری باش وغیره بواسطه کینه دیرینه راه طغیان و خیانت پیش گرفتند و اردوی با عظمت معتبری را شکسته
فرار کردند و از آنجا که آذوقه محصورین رو بتمامی نهاده بود اگر این طغیان و خیانت از طایفه مزبوره بظهور
نمیرسید بزودی شیراز مسخر عساکر نواب محمد حسنخان میگردید بالجمله چون نواب معظم حال را بر اینمنوال دیدند روانه
استراباد شدند و کریمخان از عقب ایشان لشکر کشیده روان شد و خود در طهران مانده شیخعلیخان زند را بمازندران
فرستاد و فیمابین استراباد و اشرف جنگی بین فئتین واقع شده در اینجا نیز کاری از لشکر پاین نواب محمد حسنخان ساخته
نشد بالاخره در ماه جمادی الاخره هزار و صد و هفتاد و دو هجری در جر کلباد بتحریک قاجاریه یوخاری باش
آنحضرت معظم بدست یکی از ملازمان خود که موسوم بسبزعلی بیگ بود بدرجه رفیعه شهادت رسید بعد از آن
کریمخان استقلالی بهم رسانیده بمازندران و طبرستان راند و بر استراباد استیلا یافت و از پسرهای حضرت غفران
مآب معظم که نه نفر بودند و پیش ذکر ایشان شده حضرت آقا محمدخان (شاه شهید طاب ثراه) که اکبر و ارشد اولاد
بودند با حسینقلیخان (جهانسوز شاه) والد آقاخان مغفور (فتحعلیشاه طیب الله مضجعه) بشیراز برد و این
دو برادر معظم برادر صلبی و بطنی بودند سایر برادران را بقزوین فرستاد و احترامات وکیل نسبت بحضرت
آقا محمدخان معروف است و فی الحقیقه قدر آن گوهر پاک را میدانست و در مشکلات امور و معضلات مهام از رای
رزین ایشان استمداد و استعانت مینمود و کمال اطمینان را بوفور عقل و راستی و امانت آنحضرت در مشورت داشت
در سال هزار و صد و هشتاد و چهار هجری نواب حسینقلیخان معروف بجهانسوز شاه بحکمرانی دامغان رفتند

وازآنجا بمازندران شتافته تبعیت و متابعت کریمخان را برکنار گذاشته محمدخان نامدار وحاکم مازندران را بزه کمان
خود خفه کردند واین از آن بود که ملک خود را در تحت ممالک دیگری نمیتوانستند دید بخلاصه کریمخان لشکر بدفع نواب
جهانسوزشاه فرستاد ولی حالت احترام او نسبت بحضرت آقا محمدخان مطلقاً تعرضی نکرد وهیچ این فقره را بروی
ایشان نیاورد نواب حسینقلیخان جهانسوزشاه دست وکیل را ازکار کوتاه میکرد تا اینکه در حوالی فندرسک از دست
نفر غدار از طایفه ایکدر یموت از طوایف ترکمان شربت شهادت نوشیدند ورخت از سرای فانی بجهان جاودانی ببردند
در سال شهادت نواب جهانسوزشاه اختلاف کرده گویا سال هزار وصد وهشتاد وهشت هجری را باید اختیار کرد
وصحیح دانست بهرحال چندان از شهادت حضرت جهانسوزشاه نگذشت که حق بمرکز خود قرار گرفت ونوبت اعتلای لوای
دولت جاوید شوکت قاجار در رسید واگرچه گاهی ظهور این دولت که مصون از زوال باد بقول مشهور تاخیر شد مهلتی
بایست تا خون شیر شد بخلاصه کلام حضرت آقا محمدخان باکمال عزت وشان در شیراز انیس وجلیس وکیل بودند تا دهم
ماه صفر هزار وصد ونود وسه کریمخان بناخوشی سل درگذشت وحضرت معظم دو اسبه بطرف طهران شتافته
روز هفدهم ماه صفر بورامین وارد شدند ودر اینجا سران قاجار وخوانین ایلات برکاب بشیروزی انتساب
پیوسته عزیمت مازندران کردند

سنه ۱۱۹۳ هجری — سنه ۱۷۷۹ مسیحی

آسیا (ایران) در وقایع سال قبل در آخر جلد دویم منتظم ناصری ارتحال کریمخان وکیل وتشریف فرمائی
حضرت آقا محمدشاه را از شیراز بمازندران اجمالاً ذکر نموده ایم ولی بسبب کمال پیوستگی حوادث سال قبل با این
سال کلام را ضرورتاً اعادت داده گوئیم حضرت معظم که مدت شانزده سال در شیراز بمصاحبت وکیل اشتغال
داشتند در اوان ناخوشی وکیل خاصه اوقاتی که علایم انتقال ظاهر شده بود براه حزم رفته غالباً در بیرون شهر
شیراز ببهانه شکار گردش مینمودند ومستعد بودند که بمحض فوت وکیل راه مازندران واسترآباد را که دارالملک
نیاکان بزرگوارشان بود پیش گیرند وسلیمانخان قاجار ابن محمدخان خالوی خود را که در آن زمان ده ساله بود دائماً
بحرم وکیل فرستاده پنهانی از عمه خود که در حباله نکاح کریمخان بود از حال پادشاه زند وضعف وشدت
بیماری او استعلام میفرمودند بعقیده بعضی خاله حضرت آقا محمدشاه با وکیل سمت ازدواج داشته واز او
جویای حالات بوده اند سپهر وسرجان ملکم در تاریخ خود گوید همشیره حضرت آقا محمدشاه در سرای سلطنتی بوده
وساعت بساعت برادر بزرگوار خود را از حالات وکیل مستحضر میساخت تا وقتیکه خبر انتقال پادشاه زند
را بآنحضرت داد در حال شب سیزدهم ماه صفر سال هزار وصد ونود وسه حضرت آقا محمدشاه در بیرون شهر
شیراز بسر بردند باینمعنی که هنگام غروب نزدیک دروازه آمده که بشهر ورود کنند اما محمدحسینخان احمدبیگی
وعبدالله خان دماوندی که در سلک هواخواهان آنحضرت بودند باشاره بایشان معلوم کردند که وکیل
محتضر است لهذا آن شهریار معظم بازی را که در دست داشتند عمداً از دست رها کرده وببهانه اینکه آن را
بچنگ آرند از دروازه دور شده ودر محله شاه میرعلی ابن حمزه که از محلات بیرون شهر شیراز است در خانه
رضاخان قاجار شب را صبح کردند وانتظار داشتند که نواب علیقلیخان برادر آنحضرت ومحمدامین آقا ولد حاجی
فضلعلی بیک برادر نواب غفران مآب شهید فتحعلیخان وسایر اقارب بدیشان بپیوندند واز آنطرف زندیه
ملتفت شدند که امرای قاجار در خیال حرکتاند بنابراین موسیخان وعیسیخان برادرزادههای حضرت آقا محمد

شاه را

شاهزاده میان دروازه کرفته باز کردانیدند سلیمانخان را بواسطه صغر سن نکشتند و موسی خان و عیسی خان حکیم
ابو الفتح خان بن وکیل چاکر شیراز بدست محمد طاهرخان زند مقتول شدند خلاصه چون صبح چهاردهم صفر
شد و امرای مزبور بخدمت حضرت آقا محمد شاه پیوستند حضرت معظم صلاح در توقف ندیده با چهارده نفر از
خویشان خود روی براه نهادند و مرکب آنحضرت در اینسفر اسبی بود که نواب جهانسوز شاه پیش از این برای برادر
والاکهر هدیه ارسال داشته و ظاهراً اخاص اینسفر بوده چنانکه در دو شبانه روز با این اسب خود را باصفهان
رسانیدند و در منازل خوانین قلیچی منزل کزین کشتند و خوانین مزبور با برکشاطی و بغابری تعهد کردند
که از دنبال آن شهریار روانه استراباد و مازندران شوند جهانکیرخان و رشید بیک پسران فتحعلیخان افشار
اظهار موافقت نمودند ولی از التزام رکاب حضرت انتساب تخلف جستند و رضا قلیخان برادر آنحضرت که
در اصفهان بود ایشانرا همراهی نمود روز سه شنبه بیستم شهر صفر که شب عید نوروز بود براه رفته مقدسه
حضرت عبد العظیم رسیده بزیارت این امامزاده لازم التعظیم فایز آمدند و در عرض راه آنچه مالیات شیراز
میبردند بتصرف ملازمان حضرت در آمد و حاجی محمد علی آبادی نیز آنچه فراهم آورده بود بمیل خویش کرده و
مژده قدوم شهریاری را بمازندران رسانید و عموم اهالی از این بشارت قرین مسرت فوق العاده کردیدند
روز چهارشنبه بیست و یکم صفر که عید نوروز بود در صحبت برادران و هواخواهان بسر بردند و خان
ابدال خان و نقد علیخان و سایر خوانین مدانلو و جهان بیکلو جبهه اطاعت و عبودیت در آنحضرت بر زمین
نهادند در این اثنا تقیخان زند سردار طهران و مازندران از فوت کریمخان باخبر شده جمعیتش متفرق و
خود روانه شیراز شد حضرت آقا محمد شاه مهدیقلیخان را با یکصد سوار از سواران اکراد و قاجار از عقب او
روانه فرموده آنها تقیخان و همراهان او را دستکیر کرده بحضور مبارک آوردند و تقیخان پس از تنبیه و مواخذه مرخص
شد و موکب شهریاری بعد غوث مجنون خان بوزامین و خوار آمد و خوانین دولو و قاجار بتقدیم هدایا
پرداخته مشمول عنایت کردیده بعواطف حضرت پادشاهی مستظهر کشتند و بتوسط جعفرقلیخان برادر
آنحضرت داخل در دایره هواخواهان شدند موکب منصور دو روز در دولاب طهران توقف کرده و خویشان
و بستکان شهریاری که در قزوین اقامت داشتند راه استراباد پیش کرفتند و از حوادث غیر مترقبه آنکه مرتضی
قلیخان برادر حضرت شهریاری پس از استماع فوت وکیل با سپاهی از استراباد ببارفروش آمد و اکرچه از
استخلاص برادر بزرکوار اظهار شعف مینمود ولی میکفت مازندران را من بشمشیر خود مصفی نموده ام
و این مملکت خاص منست و اکر دیکری طمع در آن نماید کار به پیکار خواهد کشید و جمعی را با مصطفی قلیخان
برادر خود بسوادکوه فرستاد که مانع عبور حضرت آقا محمد شاه شوند مقارن این حال رضا قلیخان برادر
دیکر آنحضرت از دولاب طهران بمازندران رفته بمرتضی قلیخان پیوست حضرت آقا محمد شاه پس از بذل
نصایح که سودمند نیامد جعفرقلیخان را مامور دفع آنها کرده پس از مبادرت بجنگ ابتدا رضا قلیخان
مغلوب و مقهور کردیده ببارفروش راند و مرتضی قلیخان عزیمت استراباد نمود و مصطفی قلیخان بموکب
معلی ملحق شد حضرت آقا محمد شاه بعلی آباد ساری و بارفروش تشریف فرما کردیده خاقان صاحبقران فتحعلی
شاه که در اتوقف با عم خود مرتضی قلیخان در مازندران بودند بحضور مبارک آمده مصطفی قلیخان باستمالت
مرتضی قلیخان مامور استراباد شد و والده خاقان معظم را که در آن وقت سی ماه از ولادت فرزند کرامیش

حسینعلی

حسینقلیخان ثانی ابن جهانسوز که شش ساله بود نیز همراه بود و خان ابدالخان کرد جهانبیکلو بحکومت شهر ساری
منصوب گشت و رضا خان قاجار قوانلو بحراست آمل و لاریجان محکوم شد
نیز از وقایع این سال آنکه زکیخان زند برادر امی کریمخان که بدست آویز ابو الفتح خان بن وکیل با سایر خوانین زند
مخالفت نموده و بر آنها غلبه کرده همه را مقتول ساخته بود علیمرادخان خواهرزاده خود را بحراست اصفهان
فرستاد و از آنجا مامور بنظم امور ری و قزوین و دار المرز کرده در این اثنا ذو الفقار خان خمسه بدعوی سروری
از خمسه بقزوین آمده و پس از مقاتله با علیمرادخان شکست فاحش یافته منهزما معاودت نموده و علیمرادخان
مظفر و منصور بطهران بازگشت و محمد قلیخان سیلا و محمد قلیخان سفید از خوانین لاریجان نزد وی آمدند و علیمراد
خان آنها را با محمود خان افغان بتسخیر مازندران روانه کرده مشار الیهم به تنگه عباس آباد آمده مهیای قتال
و مستعد جدال شدند حضرت آقا محمد شاه برادر خود جعفرقلیخان را با لطفعلی بیک سرکرده لشکر سوادکوهی
بدفع ایشان فرمان داده پس از جنگ سخت در آن کوهستان پر درخت زند تیر منهزم و بسیاری از آنها مقتول
شدند علیمرادخان زند غفور خان نامی را در طهران گذاشته خود روانه اصفهان شد و حضرت آقا محمد شاه
عزیمت طهران فرمودند و مجددا رضا قلیخان و مرتضی قلیخان بنای مخالفت را گذاشته خواستند با خوانین دولوی
ورامین همدست شوند حضرت شهریاری جعفرقلیخان را از پیش روانه نموده بنه و آغروق را بمهدیقلیخان سپرده
بعد از آن نهضت فرما گردیده بسعدآباد ورامین بخانه محمدخان ولد رفیعخان که با آن حضرت نسبتی داشت نزول
اجلال فرمودند و میرزا محمدخان و مصطفیخان و رحیمخان و محمدخان و سایر بزرگان دولو مجددا بر خدمت و
سلطنت حضرت پادشاهی اتفاق کرده و عذر رضا قلیخان را خواسته او را روانه نمودند ناچار سایر خوانین و
بزرگان دولو از در معذرت و انقیاد در آمدند و موکب شاهانه بفیروزآباد طهران توجه فرمودند هم در این اوان
ذو الفقارخان افشار خمسه بتسخیر طهران شتافت و جعفرقلیخان قاجار در قریه قشلاق او را جلوگیر شده
بجنگ پرداختند آخر الامر ذو الفقارخان مغلوب شده بقزوین فرار کرد و جمعی از لشکریانش اسیر و مقتول
شدند و ذو الفقارخان بعدها با هدایت الله خان گیلانی در انداخته و بجدال پرداخته اینجا فقیر نیز مقهور
شد و عاقبت بحکم علیمرادخان مقتول و روانه دیار عدم گشت و موکب پادشاهی در ری توقف داشت و محمد
قلیخان سیلا و سفید لاریجانی اظهار عبودیت میکردند ولی رضا قلیخان باغوای آنها کوشیده بر مخالفت
ترغیب نموده در هزار جریب بتهیه سروری پرداخت لهذا موکب منصور بعزم مازندران از ری انتهاض
فرموده در بین راه دسته قشون جعفرقلیخان با سپاهیان مرتضی قلیخان قتال نمودند و جعفرقلیخان بعباس
آباد رفت و مرتضی قلیخان در یکی از قرای فیروزکوه بماند و اسرای طرفین را مرخص کردند بعد از آن
جعفرقلیخان در علی آباد بموکب معلی پیوست و مهدیقلیخان ناچار با مرتضی قلیخان روانه استرآباد شدند
ولی در ضمن فرصتی بدست آورده فرار نموده و بملازمان حضرت سلطنت پیوست و عید نوروز سال
هزار و صد و نود و چهار را شهریار تاجدار در ساری گرفتند و مهدیقلیخان و محمد قلیخان قوانلو از
بند شیراز متخلص شده بحضور مبارک مشرف شدند و رضا قلیخان با جمعی بمانعت ملازمان حضرت آمد جعفرقلیخان
بمدافعه او مامور شد و طایفه مدانلو باو پیوستند رضا قلیخان باصفهان نور و کجور رفته بر سپاهیان خود
بیفزود و در محل موسوم به خواجک با جعفرقلیخان مصاف داده شکست خورده دستگیر شد و جعفرقلیخا

اورا

اورا با آقا سیخان و اسمعیل خان قوانلو بحضور پادشاهی فرستاد و بنا بر شفاعت علیقلی خان او را عفو فرمودند
و نور و کجور نیز در تحت تبعیت ملازمان حضرت درآمد و محمد قلیخان بن سیا و سفید لاریجانی بار دیگر در چمن دریاوک
و آن نواحی جنگ سختی کرده از جعفر قلیخان منهزم شدند و جمعی مقتول و گرفتار گشتند چون جعفر قلیخان با فتح و نصرت
بحضور حضرت آقا محمد شاه آمد آنحضرت معظم این شعر شاهنامه را در توصیف او بخواندند (پنجشنبه بر بوم گرگان گنر
همی پرورانند بجای دلیر) همدرینسال در بیست و هشتم رمضان موکب حضرت آقا محمد شاه از ساری عزیمت استراباد
نمود و ابتدا با لکای چهارده هزار جریب نزول اجلال فرمود اما از آنجا که ابنا و نفات هزار جریب از اعمال استراباد
و تعلق بمرتضی قلیخان داشت و از جانب مشار الیه پذیرائی نشد آنحضرت از او رنجیده و رضا قلیخان و خان ابدال خان
را که مامور به توقف مازندران فرموده بودند احضار کرده که به پیکار مرتضی قلیخان پردازند ولی کار با صلاح
گذشت و رضا قلیخان باستراباد رفته از رنجش خاطر مبارک پادشاهی شرحی برای مرتضی قلیخان تقریر نمود مرتضی
قلیخان برادر اعیانی خود مصطفی قلیخان را بمعذرت فرستاد و موکب منصور از رفتن باستراباد عطف عنان کرده
از اشرف حرکت نموده روز هیجدهم ذیقعدة الحرام ببار فروش تشریف فرما شدند و در عمارات شاه عباسی
مشهور بارم نزول اجلال فرمودند اروپا (روس) اتحاد دولتین روس و اطریش بر ضد پروس (اطریش)
مصالحه فیمابین دولتین اطریش و پروس بعد از وقوع منازعه (ایطالیا) طغیان و آتش فشانی کوه وزوو
و جریان مواد محترقه از آن امریکا (اتازونی) امداد دولتین اسپانیول و هلاند با تازونی ینگی دنیا

سنه ۱۱۹۵ هجری سنه ۱۷۸۰ مسیحی

آسیا (ایران) از وقایع اینسال آنکه حاجی جمال فومنی با آنکه خدمات نمایان بحضرت آقا محمد شاه کرده بود پسرش
هدایت الله خان متوسل بزندیه شده و بدینواسطه از خدمت حضرت شهریاری روگردان بود و در ربقه انقیاد را
بر ربقه عبودیت ننهاد لهذا جعفر قلیخان و مصطفی قلیخان مامور تسخیر گیلان شدند و مهدیخان تنکابنی
مامور امداد ایشان و رضا قلیخان باستمالت محمد قلیخان سیا و محمد قلیخان سفید و سایر لاریجانیها روانه کردید
اما بعد از ورود برشت با مخالفان موافق شده و با هزار نفر بطرف بار فروش راندند و حضرت پادشاهی را محصور
نمود خان ابدال خان نیز با جماعت پیوسته بواسطه عدت و کثرت آنحضرت معظم را بگرفتند و قصد جان آن یگانه
دوران نمودند حاجی جان خان بندپی معروف بجلال الخور تدبیری اندیشیده آن قصد را مانع آمد یعنی درخواست
کرده گفت او را بمن بسپارید تا محارست و نگاهداری نمایم آنها قبول کردند و شهریار معظم را مقیداً با مهد علیا
و نواب جهانبانی (فتحعلی شاه) و برادر کهتر ایشان حسینقلی خان به بندپی روانه نمودند و رضا قلیخان استقلالی
یافت نواب جعفر قلیخان که در لاهیجان بود از این مقدمه باخبر گردیده بر جناح استعجال مراجعت نموده مصطفی قلیخان
را باستراباد فرستاد و بمرتضی قلیخان واقعه را خبر داد و خود بکجور رفت مرتضی قلیخان بمازندران آمده با خان
ابدال خان کرد نشر را در رسید برضا قلیخان مصاف کرد و بر وی غالب آمد و محمد قلیخانین را بگرفت رضا قلیخان چشم از
شهریاری ساری و بار فروش پوشیده از بیم تیغ مرتضی قلیخان به بندپی در ظل عاطفت حضرت شهریاری گریخت
و قبل از ورود او باتفاق میرزا فریدون مشهور بحاجی جانخان و آقا سیخان برادرش که حضرت معظم را حارس و
نگاهبان بودند اقدام بتکلیف حقیقی خود نموده آنحضرت را از بند نجات داده بر اریکه جلالت نشانده کمر خدمت
و ملازمت آن آستانرا بر میان بستند حضرت شهریاری رضا قلیخان را بحضور نخوانده و او چون دور مانده قصد

خدمت علیمرادخان کرده روانه اصفهان شد و در آنجا نیز مقامی ندیده بمشهد مقدس مسافرت کرد و در آنجا بزودی درگذشت و
خلاصه بزرگان بندیچه حضرت سلطنت را با جمعی وانه بار فروش نمودند و رضاخان قاجار بنواب جعفرقلیخان که
در بجنورد بودند نیز ده فرستاد و خود با برادران و تمامی خوانین ملانلو باستان معظم پیوست و مرتضی قلیخان محض
استرضای خاطر مبارك خان ابدالخان طاغی را بکشت و مصطفی قلیخانرا بمعذرت و تشکر خلاص و سلامت مزاج همایون
بدربار شهریاری روانه نمود و آنحضرت برای استیناس مرتضی قلیخان تشریف فرمای ساری کردیدند و با او ملاقات
فرمودند ولی رفع خیال مرتضی قلیخان نشد علیقلیخان و مهدیقلیخان ملتزم رکاب ظفر بضاب شهریار با اقتدار
کردیده و مرتضی قلیخان تخلف جسته و بعدها براه مخالفت رفته لکن کاری از پیش نبرد
روز شنبه پانزدهم ماه ربیع الاول اینسال عید نوروز سلطانی در رسید هم در این اوان کلبعلیخان دامغانی از
قادرخان عرب بسطامی شکایتی بدربار شهریار بعرض و انفاذ داشت حضرت معظم نواب جهانبانی را بتنبیه قادرخان
مامور فرمودند نواب شوکت مآب با اسمعیل خان قاجار قوانلو و جمعی از سواران جرار بایلغار بر سر قادرخان عرب
تاختند و وقتی رسیدند که قادرخان بر کلبعلیخان غالب شده و دامغان را کرفته تاخت و تاراج مینمود عساکر نواب
جهانبانی لشکر قادرخان را شکستی فاحش داده و او را مقهور ساخته صورت حال را باستان مبارك معروض داشتند
و دامغان بسیورغال نواب جهانبانی مقرر آمد نیز از وقایع اینسال آنکه پس از جنك و جدال با مرتضی قلیخان و طول
محاصره شهر ساری این بلد را عساکر منصوره شهریاری فتح کردند و مرتضی قلیخان بمصالحه و حکومت استراباد و
هزار جریب و کرکان راضی شده بلبان ساحت شتافت وفات حاجی لطفعلی بیك آذر بیکدلی صاحب تذکره موسوم باتشکده
اروپا (المان) فوت ماری ترزا امپراطریس المان و اطریش بعد از چهل سال سلطنت استقلال امپراطوری ژزف دویم
در امپراطوری المان و اطریش (انکلیس) معابد و کلیساهای کاتولیکی که در لندن و سایر شهرهای معتبر انکلیس بود
باغوای لرد کردن رئیس متعصبین پرتستان غارت شد اختراع اولین چرخ بخار در برمنکام از شهرهای انکلیس ایجاد
روزنامه مرنک هرالد اعلان جنك مابین اینکلند و هلاند (فرانسه) فوت ژیلبیر از شعرای معروف (روس) در ممالك روسی
در ظرف اینسال تقریبا یکصد و سی هزار نفر بناخوشی وبا هلاك شدند

سنه ۱۱۹۵ هجری — سنه ۱۷۸۱ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال امیرکونه خان افشار طارمی که علیمرادخان در هنکام عزیمت فارس او را مامور نظم
مازندران کرده بود باغوا و امداد محمد قلیخان سیاه و محمد قلیخان سفید لاریجانی عازم مازندران و مصمم قتال با
عساکر منصوره حضرت آقا محمد شاه کردید و با شش هزار نفر بحوالی آمل آمد علیقلیخان قاجار که در آن حدود بود
چون دید از عهده جمعیت امیرکونه خان بر نمیاید بدوا مراتب را بعرض آستان شهریاری رسانید حضرت آقا محمد شاه بنفس
مبارك مصمم مقاتله با امیرکونه خان شده روز دوشنبه دوازدهم جمادی الثانیه در رجب باغ شاه آمل جنك در کرفت
میسره دارالمرز و لشکریان قاجار بر همراهان امیر افشار حمله کردند ابتدا محمد قلیخان سفید مقتول و بعد محمد قلیخان سیاه
اسیر شد و پسر امیرکونه خان بزخمی کاری از اسب افتاد امیرکونه خان افشار فرار بر قرار اختیار کرد و در این جنك سخت
بیمهرها بر سردار رفتا رفت محمد قلیخان سیاه را نیز از بالای عمارت باغ شاه برود خانه آمل انداختند و همان دم جان
بداد و پسر امیرکونه خان که زخمی شده بود بمرد و لاریجان را ملازمان حضرت شهریاری متصرف شدند و هزار نفر
لاریجانی بشرف التزام رکاب مبارك سرافراز آمدند و امیرکونه خان در حوالی کیلان درکذشت هم در این اوان امیر محمد

حسینخان ارجمندی و عبدالله خان دماوندی که در شیراز بودند برکاب همایون پیوستند و در دهم ماه رجب موکب
معلی عزیمت سمنان فرموده حاجی فاضل سمنانی و سایر معارف این بلد بحضور مبارک تشرف جستند پس از آن بطرف بسطام
توجه فرموده نواب مستطاب جهانبانی (خاقان مغفور) و کلبعلیخان دامغانی بفیض حضور شهریار کامکار مستسعد
گشتند بعد بجانب چمن نکه انهاض نموده جانمحمد خان قاجار دولو متعهد خدمات گردید قادرخان عرب بمعاونت
ترکمن و بعضی از اهالی سرحدات خراسان بخیال سرکشی افتاد ولی علیقلیخان قاجار جمعیت او را متفرق ساخته و او را
محصور نمود آخر الامر مصحف کریم را شفیع نموده باضراعت بعتبه علیه آمد و مقرر شد که با اهل و عیال بمازندران
رود هم در این ایام خوانین قلیچی و برکشاطی و افشار با پانصد سوار از عراق آمده باردوی مبارک پیوستند و حضرت
شهریاری حکومت سمنان را بعلیقلی خان و حکمرانی بسطام را بجعفرقلیخان مفوض داشته در بیستم شعبان بمازندران
عطف عنان فرمودند مرتضی قلیخان نیز بخدمت آمده بحکومت استرآباد منصوب شد و بگیلان مامور گردید و
هدایت الله خان چون خود را مقهور دید بدادن مالیات تمکین کرده لهذا ایالت گیلان را باو واگذار فرمودند هم در این
اوان علیقلیخان بخوار و ورامین رفته این ناحیه را تصرف نمود و غفورخان حاکم طهران را نیز محاصره کرد ولی کاری
از پیش نرفت و حضرت شهریاری امر بمراودت او فرمودند و در استرآباد بحضور آنحضرت مشرف شد و برادران
نامدار شهریار کامکار از اطراف و باسترآباد عودت نموده در این بلد جمع آمدند و در مضجع خلد آشیان محمد حسنخان
و رضوان جایگاه جهانسوز شاه انار الله برهانهما بمراسم تعزیت قیام نمودند و عمارتی در آنجا بنا کردند نیز در این
اوقات بزرگان و اعیان گیلان و یموت و فندرسک و کبود جامه و کتول در سلک خدام آستان حضرت
سلطنت منسلک گردیدند پس از انتظام امور آن سامان موکب شاهانه بساری معاودت فرمود و هدایت الله خان از
دریا و خشکی استعدادی فراهم نموده بخیال سرکشی افتاد حضرت شهریاری نواب جهانبانی را برسم نیابت در مازندران
گذاشته با تمامی برادران متوجه گیلان شدند و هدایت الله خان را مقهور ساختند و گیلان مفتوح شد پس از فتح
گیلان جعفرقلیخان را بمقاتله رمضان خان زند که بامداد غفورخان حاکم طهران آمده بود مامور فرمودند و او رمضان
خان را منهزم و جمعی از همراهان او را مقتول نموده بقزوین آمد و مولاویردی بختیار را گرفته مقید کرد ولی بحکم همایون او را مرخص
کرده پسرش را حکومت قزوین داد و بکوران دشت بموکب ظفر کوکب پیوست هم در این اوان مصطفی خان دولوی
قاجار مامور تنبیه علیخان خمسه افشار گشت علیخان بآذربایجان گریخت و مصطفی خان مظفر و منصور بقزوین
آمد نیز در این ایام سلیمانخان قاجار خالوزاده شهریار کامکار از شیراز بآستان مبارک آمده مشمول عواطف
ملوکانه گردید

هم در اینسال صادقخان زند برادر وکیل که بعد از مراجعت از بصره بواسطه استیلای زکیخان در شیراز راهی
باین بلد نداشت روانه کرمان شد و از آنجا که علیمرادخان زند در اصفهان رایت استقلال برافراشته بود زکیخان
ابوالفتح خان پسر وکیل را با لشکری جرار بطرف اصفهان حرکت داده در منزل ایزدخواست خانعلیخان ماقی زکیخان را
در جامه خواب بکشت سرجان ملکم در تاریخ خود گوید زکیخان چون بمنزل ایزدخواست رسید معادل هفتهزار و
دویست فرانک از سکنه اینمحل مطالبه نمود باین عنوان که شما این مبلغ را از وجوه خزانه دزدیده اید سکنه انکار کردند
و بعلاوه اظهار داشتند که ادای این مبلغ فوق وسع و استطاعت ما است زکیخان حکم کرد هجده نفر از اعیان محل را از بالای
قلعه ایزدخواست بزیر انداختند بعلاوه یکی از سادات محترم مقدس را گرفته که تو از این تنخواه باخبری و قسمتی از آن

بنور سید ه سید بیچاره آنچه در برائت ذمّهٔ خود ابرام والحاح کرد ثمری نبخشید عاقبت چند زخم کارد بسینهٔ او زدند او را با هیجده نفر سابق الذکر از بالای قلعه بزیر انداختند بدین هم قناعت نکرده زن و دختر سید مقتول را گرفته بدست بعضی از قراولهای خود که مافی بود دادند تا دست اندازی بعصمت آنها نمایند قراولان با وجود حالت وحشیگری که داشتند از این حرکت زکیخان برآشفته و منقلب گردیدند و با یکدیگر مواضعه نموده زکیخان را بکشتند و سر او را از بدن جدا نمودند انتهی

پس از کشته شدن زکیخان ابوالفتح خان مستقلاً بشیراز مراجعت کرده و صادقخان نیز از کرمان باو پیوست ولی ابوالفتح خان بواسطهٔ افراط و ادمان در شرب خمر از رسیدگی بامور ملکی غافل ماند و هر چه عمش صادقخان او را نصیحت کرد سودمند نیفتاد ناچار او را خلع کرده خود بر مسند حکمرانی متمکن گردید و فیما بین او و علیمرادخان که در اصفهان بود جنگ در گرفت و صیدمرادخان زند که سردار علیمرادخان بود در خارج شیراز با علینقیخان پسر صادقخان بمقاتله پرداخته شکستی فاحش خورد و صاحبمنصبان او در راه اصفهان گرفتار شدند علیمرادخان بقلمرو علیشکر کرمانشهان رفته قریب سی هزار جمعیت جمع کرده باصفهان آمده از آنجا راه شیراز را پیش گرفته صادقخان را در این بلد محصور نمود جعفرخان پسر صادقخان که برادر مادری علیمرادخان بود و اکبرخان پسر زکیخان زند بعلیمرادخان پیوستند و علینقیخان هر روز از شهر بیرون می‌آمد و با آنها مصاف میداد آخر الامر پس از نه ماه محاصره چون قلعگیان گرفتار قحط و غلا شده بودند دروازهٔ شهر را باز کردند و علیمرادخان در دوّیم محرم وارد شهر شیراز شد صادقخان و پسران او را مجروح و مقتول ساخته ابوالفتح خان و پسران وکیل را مکحول نموده در حکمرانی استقلالی بهم رسانید و صیدمرادخان بنی عم خود را که سابقاً اصفهان داده بود بشیراز خواسته ایالت این ولایت را بدو تفویض کرد و خود راه اصفهان پیش گرفت و جعفرخان زند را بحکومت کردستان فرستاد **اروپا** (المان) هرشل منجم معروف هانوری ستارهٔ اورانوس را که یکی از سیارات است که دور این آفتاب حرکت مینماید انکشاف نمود (اطریش) بواسطهٔ مداخلهٔ امپراطور ژزف دوّیم در امور دینیه پی ششم پاپ با او در مقام زعم میباشد مسافرت بامپراطور بپاریس (فرانسه) نکر وزیر مالیه دخل و خرج دولت را بطبع رسانیده منتشر ساخت و بدین واسطه معزول گردید و فلری نام بجای او منصوب شد استقلال ملکهٔ فرانسه خواهر امپراطور اطریش در این مملکت و عدم رضایت مردم از این استقلال **امریکا** (اتاتونی) منازعات اهالی اتاتونی با عساکر انگلیس و فتوحات آنها

سنه ۱۱۹۷ هجری — سنه ۱۷۸۲ مسیحی

آسیا (ایران) در اول فصل تابستان این سال وُوانوویچ نام روسی با چند فروند کشتی از حاجی طرخان باسترآباد آمد حضرت آقا محمد شاه آنوقت در نواحی استرآباد تشریف داشتند وُوانوویچ از ملازمان آنحضرت درخواست نموده رخصت طلبید که روسها در سواحل استرآباد در محل مناسبی دارالمعامله بنا نمایند که تجار روس در آنجا بسهولت مشغول امور تجارتی باشند حضرت شهریاری قبول فرموده اذن ساختن دارالمعامله دادند روسها در عوض دارالمعامله در دوازده فرسنگی شهر استرآباد قلعهٔ بسیار محکمی بنا کردند و هیجده عراده توپ و قورخانه در آنجا گذاردند بعد از اتمام قلعه حضرت شهریاری بتماشای قلعه روسها تشریف بردند و از وضع با خبر گشتند چون از قلعه مراجعت فرمودند وُوانوویچ و صاحبمنصبان روس را بشام دعوت کردند وقت شب که صاحبمنصبان و وُوانوویچ بمحل دعوت رسیدند حضرت شهریار بگماشتگان حکم بگرفتن آنها کردند و فرمودند که اگر قلعه که ساخته‌اید

فوراً

فوراً خراب نکنند و توپها خود را با آنچه در ساحل استراباد دارید بتبریخان و مال شما در خطر خواهد بود
و وانوپیچ چون میدانست فرمایشی که حضرت شهریاری میفرمایند هرگز تخلف از آن راهی نیست از همانجا بکار
گذاران خود دستور العمل نوشت که توپخانه و لوازم میکرد دارند بکشتی حمل کنند و قلعه را خراب و منهدم سازند نظر لا
حضرت آقا محمد شاه چون تهدید زیادی با آنجاعت فرمودند آنها از استراباد خارج شده بمملکت خود باز گشتند
برخی اینوا قعه را ابسال قبل نسبت داده اند هم در این سال حضرت شهریاری صبیه فتحعلیخان قاجار دولو را که
سابقا خواستگاری شده بود در عقد ازدواج نواب جهانبانی (فتحعلی شاه) در آوردند و او را در هودج
نشانیده بسرای رسانیدند و مراسم جشن و شادی کامل بعمل آمد پس از آن موکب منصور بعزم تسخیر طهران تشریف فرما
شمیران شد و غفور خان طهرانی بقلعه داری پرداخت و محصور شد در این اوان علیخان افشار خمسه از آذربایجان
مراجعت کرده بموکب معلی پیوست و بحکمرانی خمسه منصوب گشت و مرادخان زند از جانب علیمرادخان سرداری یافته در
صفحات همدان استقلالی هم رسانید حضرت شهریاری نواب جعفر قلیخان و میرزا محمد خان قاجار دولو و علیخان افشار
خمسه را بجنگ مرادخان فرستادند و در حینی که علیخان مقدمة الجیش بود جنگ در گرفت مرادخان گرزی بر سر علیخان
زد و نزدیک شد که علیخان از اسب بیفتند که نواب جعفر قلیخان رسیدند و بضرب شمشیر مرادخان را دو پاره کردند لشکر
الوار که این بدیدند فرار بر قرار اختیار کردند و غنایم و اسیر بسیار بدست عساکر منصوره افتاد بعد از این فتح بطهران
مراجعت نموده در محاصره کوشیدند بواسطه طول محاصره و ظهور غلا و قحط در طهران غفور خان که سنه جان بداد
و برادر زاده اش محمد خان بجای او علم دعوی برافراشت و از آنجا که هوای ری مستعد عفونت شده بود و بائی شدید
بروز نموده و جمعی از محاصرین و محصورین را تلف کرد و این بلای و خیم مستعقب بطاعون عظیم شد ناچار موکب همایون بطرف
چشمه علی دامغان نهضت فرما گردید بدهمین سال در سارای خانه آتش گرفت و در اطفای آن تعلل کرده با مداد باد
آتش باماکن مجاور رسیده کار بجائی کشید که یک ثلث شهر بسوخت و هفتاد و دو نفر در این حریق در دریای هلاک غریق
شدند حضرت شهریاری حکم بتجدید آن ابنیه فرمودند و بر عمارات این بلد افزودند و فات میرزا خود شاعر نورحی مازندرانی
(هندوستان) فوت پادشاه میسور حیدرعلی خان بهادر و جلوس پسرش تیپو صاحب بجای او و این پادشاه بعد از
جلوس اعلان جنگ با نکلیس نمود (اروپا) (انکلیس) عزل لرد نرث و نصب مارکی دو کنکام بصدارت که بعد از چندی
میمیرد و پیت بجای او صدراعظم میشود انتزاع نمودن اسپانیولیها جزیره مینرک را از انکلیس (فرانسه) انعقاد
مجلس کنفرانس در پاریس برای استقرار مصالحه در تمام دنیا بترغیب امپراطور اطریش و امپراطریس روس (اطریش)
مسافرت پاپ به وینه و مراجعت کردن او بی نیل مقصود (روس) پل از شاهزاده های روس که بعد با مپراطوری
خواهد رسید بفرانسه سفر میکند شورش تاتارهای قرم بخان خود که دوست روسها بود

سنه ۱۱۹۸ هجری — سنه ۱۷۸۳ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال علیمرادخان زند که شیراز را مسخر کرده و باصفهان آمده بود با چهل هزار نفر عزیمت
طهران نمود که بر مازندران و استراباد استیلا نماید و شیخ و یسخان ولد ارشد خود را با معدودی از پیش روانه
ساخت بنابراین بعرض حضرت شهریاری آقا محمد شاه رسید که محمد علیخان خواری و بعضی از دماوندیها و فیروزکوهیها
و نوریها و لاریجانیها شیخ ویس خان را بتسخیر مازندران ترغیب کرده اند و او تا صحرای کلار آمده و چراغعلیخان
زند را با دو هزار سوار بلاریجان فرستاده است حضرت شهریاری رضا خان قاجار را بمقابلت و مقاتلت سپا

زند

زند مأمور فرمودند و او جمعی را مقتول و جماعتی را اسیر کرد در این اثنا علیمرادخان زند نیز دلیر شد و پانزده هزار سوار
با پسر خود از راه فیروزکوه و دو پسر مرادخان زند را با محمد رضاخان نوری از راه نور و اسمعیل خان بن شجاع الدین
خان را با محمد علیخان خواری از راه خوار و دامغان روانه مازندران نمود حضرت شهریاری نیز جعفرقلیخان و مهدیقلی
خان را با لشکری موفور روانه نور و کجور فرموده و علیقلیخان را با محمودخان و علینقی خان و لطفعلی بیک داودی
سوادکوهی به دوآب سوادکوه فرستاده سرداران مذکور باغوای مهدیخان سوادکوهی بزندیه میل کرده حضرت
شهریاری چون از این واقعه خبردار گردیدند خدام حرم جلالت را روانه استراباد کردند و روزی چند در ساری اقامت فرموده
بعد از ورود برادران خود نیز بدانسان و دارالملک آبای عالی جلالت و شان نهضت فرما گردیدند شیخ ویسخان و سرداران
زندیه با آمده دست تطاول بطرف اهالی دراز کردند و شیخ ویسخان محمد ظاهرخان بختیاری را با ده هزار لشکر
مازندرانی مأمور استراباد نمود و او بصحرای وسیع کراودین رسید حضرت شهریاری جعفرقلیخان را با حمزه سلطان
انزانی بدفع زندیه فرستاده و در این حیص و بیص مرتضی قلیخان و رضاقلیخان برادران حضرت معظم از راه صواب
منحرف شده بزندیه پیوستند و نزد شیخ ویسخان پسر علیمرادخان رفتند و علیمرادخان حکم کرد شیخ ویسخان در ساری مقیم
توقف نماید و محمد ظاهرخان با عساکر فراوان بتسخیر استراباد رود محمد ظاهرخان با لشکری جرار راه استراباد پیش
گرفت و از جر کلباد گذشته بظاهر استراباد نزول کرد جر کلباد عبارت از خندقی عمیق است یعنی جر بمعنی حفره است
و چون این خندق در حوالی قریه کلباد است معروف بجر کلباد شده این خندق را برای قطع راه ترکمن بامر شاه عباس
ماضی در مازندران حفر کرده اند و از حوالی کوه متصل باشرف است تا ساحل دریای خزر که طولا چهار فرسنگ میباشد
و دو طرف خندق را درختهای قوی گرفته و عبور از آن متعذر و راه مازندران باستراباد منحصر بمعبر آن است و چون
آن معبر را بگیرند یکباره راه مازندران باستراباد مقطوع است خلاصه محمد ظاهرخان استراباد را محاصره کرد اما از این
طرف حمزه سلطان انزانی و مازندرانیان کرد نیکخواه حضرت شهریاری بودند با سپاهی جرار راه جر کلباد را مسدود
کردند و آذوقه باردوی محمد ظاهرخان نرسیده کار بقحطی انجامید و ترکمن و قاجار و اهالی دارالمرز از اطراف دشت
بنهب اردوی الوار و اسرای آنها مشغول شدند و حضرت شهریاری نیز با قشون نصرت نمون از شهر بیرون آمده حملهها
سخت بر آن سپاه بدبخت مینمودند در هر حمله جمعی مقتول و جماعتی دستگیر میشدند و قتل و غارت ترکمن نیز بر بدبختی
اهالی اردوی الوار میافزود تا محمد ظاهرخان اسیر شد و چون در شیراز باعث قتل موسی خان و علیبیک خان قاجار قوانلو
ابن اسکندرخان خالوزادگان شهریار اعظم الاقتدار شده بود بحکم حضرت شهریاری براه عدم روانه شد و شیخ ویسخان
بعد از اطلاع از این واقعه دیگر نتوانست در ساری زیست نماید لهذا با کمال رعب بطرف طهران گریخت و مطرود و مردود
پدر گردید علیمرادخان زند رستمخان زند را مأمور مازندران کرد اما لشکر او نیز بعضی از عرض راه فرار کردند و
برخی بمازندران رسیده شکست خوردند و منهزماً نزد علیمرادخان آمدند و خود نیز جماعتی از آنها را بکشت و حاصل
آنکه کار او بپریشانی و اختلال کشید باقرخان خراسکانی اصفهانی که از جانب علیمرادخان حاکم اصفهان بود نیز بر
این پریشانی افزود یعنی فراریان لشکر علیمرادخان را باصفهان راه نداده و خود طبل یاغیگری زد علیمرادخان با
شیرازه گسسته راه اصفهان پیش گرفت و بواسطه اکثار و مداومت در شرب خمر بمرض استسقا مبتلا شد همچنین جعفر
خان زند پسر صادقخان برادر امی علیمرادخان که از جانب او حاکم خمسه و زنجان بود رایت خودسری برافراشت و با استعداد
کامل از طرف همدان متوجه اصفهان شد چون علیمرادخان بمورچه خورت اصفهان رسید بدرود زندگانی گفت و جعفرخان

بیمنازعی

بهنا زعم وارد شهر اصفهان شده بلا عبه شهریاری برخاسته و شیخ ویسخان را دستگیر و کور کرده و مرتضی قلیخان و رضا
قلیخان برادران حضرت شهریاری که از برادر تاجدار خود در و کردان و برندیه متوسل شده بودند کار را از دیده یأس
بر آنها غالب آمد مرتضی قلیخان بقزوین و گیلان و طالش و قبه و بادکوبه و خاک روس رفته در آنجا و حیات را وداع
نمود و رضا قلیخان بسمت خراسان رفته در آن سامان درگذشت تولد حاجی میرزا عباس مشهور بحاجی میرزا آقاسی
ولد مرحوم حاجی میرزا مسلم ایروانی وفات آقا سید احمد هاتف اصفهانی صاحب ترجیع مشهور **اروپا** (انگلیس)
جنگهای عساکر انگلیس با تیپو صاحب در هند (فرانسه) ایجاد و روانی یکدسته کشتی مخصوص از سواحل فرانسه با تونی
بیکدیگر با اختراع بالن بدست منگلفیه ابداع کشتی بخار در فرانسه (روس) کاترین دویم امپراطریس روس قریم و گوبان
را متصرف میشود (هلاند) اغتشاش داخله در این مملکت (ایطالیا) زلزله سخت در مسینه و خرابی آنجا (اطریش)
ژوزف دویم امپراطور اطریش به رم رفته با پی ششم پاپ ملاقات میکند (عثمانی) ابتدای تنزل شوکت دولت عثمانی
در ممالک خود **امریکا** (اتازونی) سیزده ایالت اتازونی از انگلیس جدا و مفروز شده و موسوم به ایالات متحده گردیده
بموجب عهدنامه که در گرد ورسایل منعقد شد جمیع دول این سیزده ایالت را از انگلیس موضوع و مستقل شناختند

سنه ۱۱۹۹ هجری — سنه ۱۷۸۴ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال جعفرخان زند که بعد از علیمرادخان زند داعیه سروری داشت نجفخان زند را سردار
داده بالشکری مأمور طهران نمود که با عساکر منصوره حضرت شهریاری که طهران را محاصره کرده بودند مصاف
دهد حضرت شهریار کامکار مجنون خان پازکی را در طهران گذاشته بطرف زرند ساوه راندند و از آنجا بتسخیر قم
انهاض فرموده بالشکریان نجفخان تلاقی روی داد پس از کشش و کوشش نجفخان در قلعه قم محصور شد لشکر
نصرت اثر قلعه را مسخر نمودند و نجفخان باصفهان گریخت و موکب منصور عازم کاشان گردید جعفرخان احمدخان
ولد آزادخان افغان را با نقیخان زند و ده هزار سوار باستقبال عساکر شهریار کامکار فرستاد و دو لشکر در حوالی
نصرآباد کاشان باشتعال نایره قتال پرداختند بعد از جنگ سختی احمدخان شکست خورده فرار کرد و نقیخان گرفتار
و مقتول شد چون بقیة السیف لشکر جعفرخان منهزماً باصفهان رسیدند و او از واقعه با خبر شد ناچار از اصفهان
بشیراز گریخت و عساکر نصرت مآثر شهریاری بسیاری از اموال آن جماعت را متصرف شدند و موکب ظفر کوکب حضرت
آقا محمد شاه با جنود شوکت و جلال باصفهان نزول اجلال فرمود و علما و اعیان و اعاظم و اشراف بلد باستقبال
شتافتند و کمر عبودیت بمیان انقیاد و اطاعت بستند و اموال جعفرخان بتصرف ملازمان حضرت در آمد و فتحنامها
باطراف نوشتند و چهل روز موکب معلی در اصفهان اقامت نمود و در این اوان معروض داشتند که ابدالخان و
حبیب الله خان بختیاری و بزرگان فراهانی و کلپایگانی با دوازده هزار جزایرچی از توابع زندیه در چمن قهیز جمع و مهیای
کارزار شده اند حضرت شهریاری باقرخان خراسکانی را بایالت اصفهان منصوب فرموده از اصفهان انهاض کرده
بمنزل آتشگاه تشریف فرما شدند و از آنجا با عساکر منصوره بقریه عسکران آمده اینمحل معسکر سپاه ظفر همراه شده با
معاندین مشغول جنگ و جدال شدند تابعین زندیه بسنگر گریختند ولی سنگر را بزودی از دست دادند و ابدالخان
گرفتار و مقتول گردید و حبیب الله خان و سایر سرکردگان بختیاری بشفاعت چراغ خان بختیاری نجات یافتند
و متقبل خدمت گشتند پس از آن اردوی همایون بچمن سنگباران آمد و در اینجا معروض شد که مجنون خان پازکی
طهران را فتح کرده است و مهدیخان سوادکوهی و محمدخان حاکم طهران و علینقیخان سوادکوهی گرفتار شدند

وبایسا رسیدند حضرت شهریاری امر بمرمت ابنیه طهران وبنیاد عمارات عالیه در اینشهر فرمودند موکب معلی بطرف
قلمرو علیشکر و بقصد تسخیر لرستان و کردستان انهاض نمود اسمعیلخان و خسروخان ولات آنولایات از در اطاعت
درآمده مخلع شدند و حضرت شهریاری در بیست و هفتم شوال اینسال بمقر سلطنت یعنی طهران مراجعت کرده مجنون خان
فاتح طهران را مورد مراحم خاصه نمودند و مهدیخان سوادکوهی و محمودخان و علینقیخان سوادکوهی چشم خود را در
راه هواخواهی الوار بباد دادند و محمدخان طهرانی کشته شد و برخی از اعیان طهران که براه خلاف رفته بودند تنبیه
شدند و برحسب امر اعلی نواب جهانبانی (فتحعلی شاه) و مهدعلیا و رضاخان و حاجی رضاخان قاجار و تمامی عمال مازندران
باشعف فراوان بحضور حضرت شهریار رکاب تشرف جستند و مصطفی قلیخان که بخیال مخالفت با بیگلربیگی سردار نموده بود کرات
ساز شر کرده و در حدود استرآباد بفتنه و فساد میپرداخت اظهار پشیمانی کرده بشفاعت برادر کاردان خود نواب
جعفرقلیخان معفو شده بموجب امر اعلی با اهل و عیال در بارفروش ساکن گردید همدر اینسال جعفرخان زند بیست
هزار سوار جمع کرده از فارس رو باصفهان نهاد و باقرخان اصفهانی در قلعه طبرک متحصن و آخرالامر مقتول شد و جعفرخان
بر اصفهان استیلا یافت و حاجی علیقلیخان کازرونی را با سه هزار نفر بقم و کاشان فرستاد و خود در آن قلمرو و کلپایگان
گردید شهریار ایران برای دفع جعفرخان احکام قضا نظام بخسروخان والی کردستان و محمد حسینخان قراگوزلو و خوانین
کروس و علیخان افشار خمسه صادر فرموده سرکردگان خلج و بیات بدفع حاجی علیقلیخان کازرونی مامور شدند و خسروخان والی
و سرکردگان در همدان اجتماع کرده از اینجا بمقاتله جعفرخان شتافتند و جنگ سختی در گرفت و در روز دویم قتال ابتدا
وهنی بسپاه ابواجمعی محمد حسینخان قراگوزلو و علیخان خمسه رسیده ولی صفوف خسروخان والی و خوانین کروس غالب
آمدند و لشکر جعفرخان را شکست دادند آنها پناه بسنگر برده سه روز محصور بودند روز چهارم سنگر را خالی کرده
بطرف اصفهان گریختند و صورت این فتح را بآستان مبارک ارسال داشتند خسروخان والی کردستان مخلع و مفتخر گردیده
استقلالی بهم رسانید خلاصه جعفرخان بفارس رفته در ایلات قشقائی و الوار ممسنی شولستان آتش پریشانی گردش میکرد
وحاجی علیقلیخان کازرونی که از قضیه فرار جعفرخان باخبر شده او نیز هزیمت را عزیمت نمود و عبدالرزاق خان از جانب حضرت
شهریار عظیم الشان در حکومت کاشان مستقل گردید **اروپا** (انگلیس) هفتاد و یک بسته از پنبه امریکا در این
سال وارد بندر انگلیس شد و این اول پنبه ایست که از ینگی دنیا بانگلیس حمل شده است معاهده دولت انگلیس با تیپو صاحب
که بعد از این معاهده تیپو صاحب پادشاه مستقل میسور میگردد همدر اینسال چرخ بخار داوات تام در انگلیس تکمیل
میکند (اطریش) منازعه ایندولت با هلاند کمک معنوی فرانسه بهلاند (فرانسه) در اینسال زمستان در فرانسه
خیلی سخت شد و جمعیت فرانسه در اینسال چهل و هشت کرور بود (سوئد) مسافرت گوستاو سیم پادشاه سوئد بفرانسه

سنه ۱۲۰۰ هجری — سنه ۱۷۸۵ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال در روز عید نوروز فیروز که روز یکشنبه یازدهم جمادی الاولی بود حضرت آقا محمد شاه
در دارالخلافه طهران رسماً جلوس بر تخت شهریاری ایران فرموده شاهزادگان و امرا و بزرگان و اعیان همه در پایه
سریر سلطنت آنحضرت را تبریک و تهنیت گفتند و بکمرهای زرین و شمشیرهای مرصع و عطیات لایقه مفتخر و نایل گردیدند
سکه و خطبه رونق تازه یافت رضاخان قاجار قوانلو بایالت استرآباد و گرگان و حفظ ثغور خراسان مامور و منصوب
گردید محمد حسینخان قوانلو بحکومت مازندران سرافراز شد و قاسمخان دولوی قاجار با هزار نفر مازندرانی بکوتوالی
طهران برقرار گشت و میرزا محمدخان قاجار را حکومت قزوین دادند همدر اینسال جعفرخان زند که هنوز طمع از

مملکت

مملکت داری منزبده بود با جمعی پریشان بطرف قصبهٔ قمشه و سمیرم آمد حضرت شهریاری نواب جهانبانی (فتحعلی شاه)
را که نایب السلطنه داشتند در طهران بجای شخص همایون خود گذاشته خود بنفس مبارک با لشکری جرار در روز هفدهم
ماه رجب از راه فراهان روانهٔ اصفهان شدند قلعهٔ میغان را خراب کرده به دهق شتافتند در اینجا معلوم شد که
جعفرخان زند بمحض اطلاع از توجه موکب منصور از حوالی عراق بفارس گریخته است حضرت سلطنت وارد اصفهان شد
بازماندگان باقرخان خراسکانی را بعواطف و تفقدات سلطانی مستظهر داشتند در این اثنا خبر رسید که بکلک سردار از ترکمه
یموت یکصد و سی هزار جریب تاخته بعضی نهب و قتل در آنجا نموده جانمحمد خان قاجار و کاظمخان هزار جریبی در صدد منع و دفع بر
آمده ولی از عهدهٔ آن خبر سر بر نیامده اند و طوایف گکلان مطلع شده با پنجهزار سوار راه بر سردار یموت بسته بکلک
و جمعی را مقتول ساخته و بعضی از چنگ آن طوایف رسته اند حکم محکم پادشاهی صادر شد که حکام استراباد و مازندران
و هزار جریب بتادیب طایفهٔ یموت پردازند و بعد از انقضای ماه روزه نواب جعفر قلیخان ۷ در اصفهان مانده موکب بالشکر فراوان
ظفر کوکب شهریاری بقصد چمن سنگبادان انتهاض فرمود و اسمعیل خان زند که از جانب جعفرخان زند به بروجرد و
آن صفحات بعضی دست اندازیها نموده بمحض اینکه دانست عساکر منصوره متوجه و عازم تدمیر او میباشند راه فرار پیش گرفت
ولی در حوالی اصفهان او را دستگیر کرده بحضور همایون آوردند و چشم خود را بر سر خود سری گذاشت پس از آن اردو روانه
طهران کردند و از آنجا راه دیار علم پیش گرفت همدر این اوان نواب سلیمانخان قاجار به تنبیه طوایف بختیاری رفته دستهٔ
از سرکشان و طاغیان آن طوایف را بکشت و جمعی را اسیر کرده باستان مبارک آورد همدر این اوقات علیخان افشار
خمسه را خیال و داعیهٔ سری و دعوی سروری در دماغ جای گرفته موکب منصور برای دفع هوای او راه خمسه و زنجان پیش گرفت
او از استماع این خبر خایف و هراسان شده وسایل و وسایط برانگیخت و خدمات کرد تا از جرایم خود معفو شد نیز در
این سال در چمن گوران دشت بحسب هدایت الله خان گیلانی حکمی صادر شده او بموجب تسویلات نفسانی اطاعت نکرده
نواب مصطفی خان را بدفع او تعیین فرمودند هدایت الله خان ابوالیخان نام گرجی را در منزل رستم آباد باستقبال
لشکر با استعداد مصطفی خان فرستاده آنها در جلو آن سیل هایل زیست نتوانستند کرد لهذا لشکریخند و مصطفی
خان شهر دار المرز را بگرفت هدایت الله خان بر پیر بازار که عمدهٔ استعداد جنگی او در آنجا بود برفت و ده شبانروز
در پیر بازار میان هواخواهان او و عساکر شهریار قاجار جنگ و پیکار در کار بود آخر الامر هدایت الله خان مغلوب
شده بقلعهٔ عالی که در ساحل انزلی داشت رفته با چند فروند کشتی و جمعی سپاه در آنجا پناه جست مصطفی خان باستقامت
خود را بآنجا رسانیده باز نایرهٔ قتال بنای اشتعال را گذاشت هدایت الله خان در ثانی مقهور گردید و بوسایل زوارق
فرار نمود اتفاقا دریا متموج بود و باران میبارید سفینه که خزینهٔ نفایس و جواهر او بود غرق شد و هدایت الله خان
نیز بزخم گلوله از پا در آمده در آب افتاد ملاحان حبل او را از آب بیرون آوردند و در ساحل انزلی بجا کشش سپردند
و تفصیل این فتوحات را بعرض آستان شهریار عظیم الشان رسانیدند همدر این اوان نواب علیقلیخان قاجار و علیخان خمسه
افشار بتدمیر سرکشان لرستان و اهواز و خوزستان و نظم و تصفیه آن حدود و سامان روانه شدند و موکب همایون
بعد از آنکه نواب مصطفی خان ولی راه گیلان پیش گرفت و نواب علیقلیخان و علیخان خمسه افشار روانه محل مأموریت
خویش شدند بمقر سلطنت معاودت فرمود و سلیمانخان قوانلو بعد از تصفیهٔ گیلان بحکومت این ایالت منصوب گشت
و نواب علیقلیخان نیز مظفر و منصور از لرستان و خوزستان بازگشت وفات آقا قاجاری متخلص بسایل وفات فتحعلی شاه
اصفهانی پدر نور علیشاه از عرفای معروف اروپا (انگلیس) فرمانفرمای هندوستان بجهت بعضی تاکید در این

مملکت

مملکت نموده مغضوب دولت میشود جمعیت ممالک انگلیس در اینسال بیست و چهار کرور و سی و سیصد و شش هزار و نهصد و
سی و دو نفر است (هلاند) شورش مردم بر ضد والی میانجیگری دولت فرانسه مابین دولت هلاند و اطریش (ایطالیا)
سفاین جنگی و نیز بسواحل تونس حمله میبرند.

سنه ۱۲۰۱ هجری — سنه ۱۷۸۶ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال بعد از عید سعید نوروز موکب فیروزی کوکب حضرت شهریاری از مقر سلطنت بجانب
اصفهان انهاض فرمود و در روز عرض لشکر علیخان خمسه بنا بر جرایم و خلافی که از او بظهور رسیده بود از حلیه بصر
عاطل گردید و قشون ابوابجمعی او را بعبدالله خان اوصانلو محول و مفوض فرمودند و پس از آنکه چندی توقف در حدود
عراق نواب جهانبانی (خاقان مغفور) را مامور خراسان فرموده نواب معظم با سه هزار نفر قشون بفیروزکوه
آمدند و اردوی همایون بقیه ایام بهار را در چمن کندمان رحل اقامت افکنده حضرت شهریار کامکار غالبا بتفرج و
شکار اشتغال داشتند در این اوان ذکریا بیک نام گرجی که از اشراف و نام آوران اینطایفه بود و در دربار ارکلی
خان والی گرجستان بوکالت اشتغال داشت باردوی همایون آمده عرض بندگی و تهنیت نموده مشمول مراحم
ملوکانه گردید جواب او صادر شده رخصت انصراف یافت هم در این ایام نواب جعفرقلیخان مامور انتظام امور
بختیاری شدند و اردوی همایون شهریاری از راه بروجرد بطرف همدان حرکت کرد و خسروخان والی کردستان
مالیات دو ساله اینولایت را باستان مبارک انفاذ داشت و یکی از پسرهای جوان خود را بحضور همایون فرستاده
که ملتزم رکاب اعلی باشند و لطفعلیخان عم او که مالیات مزبوره و بعضی هدایا و این پسر را آورده بود مورد عواطف
گردیده اجازت معاودت یافتند و در بیست و پنجم ماه ذیقعده اینسال دارالخلافه طهران بنزول اجلال شهریار بیهمال
فرح تازه و رونق بی اندازه گرفت هم در این اوقات بعرض آستان مبارک رسانیدند که باقرسلطان نوری که از اردوی
کیوان شکوه تخلف جسته و بمازندران رفته در بلده آمل بفتنه و فساد و خودسری و عناد پرداخته حکم همایون صادر شد
که نواب جهانبانی که در حدود فیروزکوه بودند در صدد دفع او برآیند نواب معظم پانصد سوار برای معاونت محمد
حسینخان قاجار بیگلربیگی مازندران روانه کردند و محمد حسینخان بعد از زد و خورد با باقرسلطان نوری بر او
غالب آمده مشارالیه بدست عساکر منصوره اسیر و دستگیر شده مغلولا او را بطهران آورده از آنجا براه عدم
فرستادند هم در اینسال جعفرخان زند بکازرون و بهبهان رفته و از آنجا مراجعت نموده بر سر نقیخان یزدی تاخت
نقیخان محصور شده از میرمحمدخان عرب نکوئی استمداد جست میرمحمدخان با هزار نفر بامداد نقیخان آمده با جعفرخان زند
مصاف داده او را منهزم کرد و توپ و توپخانه و تجملات جعفرخان بتصرف میرمحمدخان طبسی درآمد و خان زند
بفارس گریخت میرمحمدخان بعد از این فتح بهوای سروری و خیال فرمانروائی افتاد و هوس تسخیر اصفهان کرد محمد
حسینخان و اسمعیلخان عرب عامری که از جانب حضرت شهریار عظیم الشان حاکم نطنز و اردستان بودند خیال
میرمحمدخان طبسی را تشویق و تایید کردند و اطاعت او نمودند و او بسلوک رودشت آمد و در اینوقت عده سپاه
میرمحمدخان بهفت هزار رسید نواب جعفرقلیخان اگرچه در این ایام در شکار از اسب افتاده و درد پا داشتند با
با برادر خود مصطفی قلیخان بدفع و حرب میرمحمدخان شتافته چهارده روز علی التوالی نایره قتال فیمابین گرم
اشتغال بود آخرالامر میرمحمدخان منهزم شده بطبس گریخت و پس از قلیل زمانی هوای تسخیر خراسان در سر او
جای گرفته بسبزوار راند و الله یارخان سبزواری را محاصره نمود ولی در این جنگ و یورش روزی از اسب افتاد

وجان

وجان بیاد محمد را این سال مرتضی قلیخان که بصفحات قبه و طالش رفته بود با مصطفی قلیخان طالش و فتحعلی خان
حاکم قبه و شیخعلی خان بیکلربیکی باکو به سازش نموده غفلة بگیلان تاخت و چاولها را انداخت نواب سلیمانخان قاجار
کس فرستاده واقعه را بعرض نواب جهانبانی که در فیروزکوه بودند رسانید نواب حشمت نصاب معظم مهدیخان
تنکابنی و بعضی از اهالی خلخال و خمسه و طارم را بمعاونت و امداد سلیمانخان مامور فرمودند ولی قبل از وصول
آنها بگیلان مرتضی قلیخان مراجعت نمود همدرا این سال جعفرخان زند پسر خود لطفعلیخان را با لشکری و میرعبدالله
خان و محمدخان ولدان نصیرخان لاری که از قدیم با زندیه سر نداشتند بلکه از هواخواهان نواب غفران مآب شهید
محمدحسنخان طاب ثراه بودند فرستاده آن دو برادر لار را بمهرعلیخان نامی سپرده بیرون رفتند و جمعیتی فراهم آورده
بجنگ لطفعلیخان مبادرت نمودند اما کاری از پیش ایشان نرفته و قلعه لار را زندیه مسخر ساختند و لطفعلیخان
نزد پدر خود جعفرخان آمد **اروپا** (فرانسه) لوی شانزدهم پادشاه فرانسه به بندر شربورگ میرود
معاهده تجارتی اینمملکت با انگلیس که صرفه با دولت انگلیس است لبن نام اختراع چراغ کاز مینماید (پروس)
فوت فردریک کبیر پادشاه پروس جلوس فردریک گیلیوم برادرزاده او در سن چهل و دو سالگی

سنه ۱۲۰۲ هجری **سنه ۱۷۸۷ مسیحی**

آسیا (ایران) در این سال بعد از عید نوروز فیروز در روز بیست و پنجم ماه رجب موکب ظفر کوکب حضرت شهریاری
از دارالخلافه طهران نهضت فرمای اصفهان گردید و نواب جهانبانی را با پنجهزار سوار جرار مامور بتنبیه تقیخان
یزدی و نظم و انتظام آنصفحات فرمودند بعد از آن اردوی معلی متوجه فارس شد ولی جعفرخان زند حصن شیراز را
حصین دانسته از مقابل با سپاه منصور تقاعد نمود عساکر ظفر مآثر پادشاه ایران مدت یکهفته در مشهد
معروف بام البنین اقامت نموده چون از جعفرخان جرأت و جسارتی بظهور نرسید نواب جعفرقلیخان و علیقلیخان که آنرا مرغاب نیز میگویند
بعضی از بلوکات شیراز را غارت کردند و با غنیمت وافر باردوی معلی پیوستند و موکب همایون حسب المصلحه بعراق
معاودت فرمود و نواب جهانبانی بجانب یزد راندند تقیخان چون خود را مرد میدان ندید از در عجز و استکانت
درآمده متقبل دادن خراج گردید و برحسب تقبل خود رفتار نمود لهذا نواب شوکت مآب معظم مراجعت کرده
با عمال یزدی بحضور مبارک مشرف شدند و منشور حکمرانی یزد باسم تقیخان یزدی شرف صدور یافت نواب علیقلی
خان با دو هزار نفر از سپاه منصور بتوقف اصفهان مامور شده موکب شهریاری تا جدا رید دارالخلافه طهران بازگشت
همدرین سال دراواپل ذیحجه باز مرتضی قلیخان با هفتهزار نفر بگیلان رانده در کسکران فرود آمد نواب سلیمانخان
قاجار حاکم گیلان تاب مقاومت نیاورده بقزوین آمد و مرتضی قلیخان بر گیلان استیلا یافت حضرت شهریار
کامکار چون از واقعه خبردار گردیدند سلیمانخان را احضار فرموده تفصیل ماجری را استفسار فرمودند پس از
تحقیق باحضار قشون حکم همایون شرف صدور یافت و کوچ و بنه مرتضی قلیخان را از بارفروش بطهران بردند و محمدحسینخان
قاجار قوانلوی ناظر با دو هزار سوار مامور گیلان و مقرر شد که بعضی دسته جات دیگر قشون با وی بپیوندد محمدحسینخان
ملاحظه آخرکار را نکرده منتظر سایر دسته جات قشون نشده سبقت بجنگ نمود و شکست یافت پس از آن نواب سلیمان
خان قاجار و امیر محمدحسینخان فیروزکوهی و میرزا محمدخان لاریجانی با ده هزار نفر در رسیدند و دگرباره فرسخی
گیلان قدم در میدان محاربت گذاشتند مصطفی خان طالش ابتدا پای جلادت پیش گذاشت و لیکن هزیمت یافت
نشست روز سیم نواب سلیمانخان با افواج باطراف شهر رفته و مرتضی قلیخان نیز با نه هزار نفر بمقابله او شتافته

ابتدا

استرآباد در مصطفی خان طالش با صفوف میر محمد حسینخان فیروزکوهی مصاف داده امیر پنجم کلولراز پا در آمد و فیروزکوهیها
کرجی سردار ماندند کاری از پیش نتوانستند برد و این فقره اسباب شکست سایرین نیز گردید میرزا محمدخان لاریجانی و
نجفقلیخان نوری بعد از مجادله و مقاتله بطور جنگ گریز بازگشتند و مصطفی خان و لشکر شیروان بسیاری از این سپاه را
بکشتند و نواب سلیمانخان عاجلا مراجعت کرد و نواب علیقلیخان قاجار نیز از جلو جعفرخان زند عقب نشسته باصفهان
و از آنجا بکاشان آمد حضرت شهریار با اقتدار چون مطلع گشتند نواب جعفرقلیخان را با قشون استرآباد و بسطام
بگیلان فرستادند و دیده برادر خود مصطفی علیخان را میل کشیدند و نواب جهانبانی را بحراست قزوین و معابر دارالمرز
بمازندران مامور فرمودند و خود بنفس نفیس با سیصد سوار نامدار بطرف اصفهان حرکت کردند که سی هزار نفر
سپاه الوار را دفع نمایند در عرض راه بعضی سپاهیان بلشکر نصرت اثر پیوستند این فئه قلیل کثیر شد جعفرخان که هزیمت
معتاد بود و با سرعت باد از ورود موکب منصور بکمنزلی اصفهان خبردار شد بجانب شیراز گریخت و مصطفی خان
دولوی قاجار با دو هزار سوار او را تعاقب کرده چون بیرا ازطی دو منزل بجعفرخان نرسید بازگشت اما نواب جعفرقلیخان
چون بمنزل رستم آباد گیلان رسیدند مرتضی قلیخان به بندر انزلی فرار کرده در آنجا قرار گرفت و از جانبین پیغامها
داده شد و در ساحل دریای خزر دو برادر ملاقات و گفتگوها کردند آخرالامر مرتضی قلیخان در کشتی نشسته راه
سار و پیشه و سالیان پیش گرفت و جعفرقلیخان وارد شهر رشت شدند و مراتب را مجرراً بعرض حضرت شهریار
رسانیدند حضرت نوپیشوکت معظم در جواب ایشان را بمراجعت امر فرمودند و نواب سلیمانخان در گیلان مستقل گردید
همدراین اوان موکب همایون بدارالخلافه طهران معاودت فرمود و بیرا ازده روز توقف عزیمت سفر طبرستان نمودند
و نواب جهانبانی بمراسم پیشرائی مقدم مبارک قیام و اقدام کردند و نواب جعفرقلیخان بحضور مهر ظهور تشرف جسته
مورد مرحمت و مخلع گشتند چندی در بلده ساری بشکار و سواری گذشت و چند گاهی در اشرف بعیش و تدابیر مملکت
داری در این اوان رضاخان قاجار بیگلربیگی استرآباد با ترکمان یموت و گکلان خراج و هدایا لایقه گذرانیدند و موکب
اعلی بساری بازگشته بمشهد سر بیخبر اکبرخان خلد آشیان محمدحسنخان طیب الله مضجعه بساختن آن اقدام کرده و بسبب
شهادت ایشان ناتمام مانده بود حکم بساختن فرمودند و حاجی اسمعیل قولر آقاسی بسرکاری این کار حرکت کردند این
شد با دوازده هزار تومان مخارج آنرا اصولتا بانجام واتمام داد همدرین سال بعضی از امرای زندیه از قبیل صید مرادخان
و ویس مرادخان و شاه مرادخان و دیگران که در حلیس جعفرخان زند بودند یکی از خدمه حرم او را فریفته بواسطه
او سمی بجعفرخان چشانیدند و او بدین واسطه مریض شده روز فوت او بضعف مبتلا گردید شیخ محبوسین نیز بودند
بد بسیاری بعضی از حلیس مستخلص شده بر سر جعفرخان تاختند جعفرخان بمدافعه برخاسته یکی دو نفر را بضرب
شمشیر زخمی کرد آنها هجوم آورده کار او را با چماق و تیغ و تیر و چوب و سنگ و خشت و جاروب و پاروب بساختند
و با همان شمشیری که او در دست داشت سر او را از بدن جدا کردند و بمیدان ارک انداختند و صید مرادخان بجای او
بحکمرانی نشست لطفعلیخان فرزند ارشد جعفرخان که بطرف بنادر و عمان رفته بعد از استماع این خبر دو اسبه
بشیراز راند همینکه باین بلد نزدیک شد شیراز بها صید مرادخان را دست بستند و دروازه را بروی لطفعلیخان
بگشادند و او فوراً بقتل قاتلین پدر کمر بست و بر تخت سروری بنشست و علم استقلال برافراشت امنای حضرت
شهریاری چون از واقعه آگاه شدند موکب فیروزی اثر از مازندران انتهاض فرموده در پنجم جمادی الثانیه
بدارالخلافه طهران نزول اجلال فرمود اروپا (انگلیس) در پارلمنت انگلیس گفتگو از بیع و شرای برده شد

مبالغه وتاکید زیاد در موقوف نمودن این رسم مینمایند فرستادن مفتشین ایندولت را بسمت استرالی واین اول
آبادی است که انکلیسها در استرالی مینمایند (فرانسه) ایجاد مالیات جدید بعضی اراضی خاصه باملاک کشیشها
نفاق وکلای ملت با پادشاه واخراج نمودن آنها را از ورسایل (اطریش) ژوزف دویم امپراطور اطریش با کاترین
دویم امپراطریس روس در قرم ملاقات میکنند (روس) مسافرت کاترین دویم امپراطریس روس بحوالی ولکا
وخرسن اعلان جنگ فیمابین عثمانی و روس ودویست هزار قشون از عساکر اطریش بکمک روس وارد سرحدات عثمانی
میشوند معاهده دولتی فیمابین دولتین روس وچین (هلاند) جنگ داخلی وشورش اهالی آمستردام معاونت پروس
بوالی امریکا (اتازونی) واشنکتن بریاست جمهوری اتازونی منصوب میشود

سنة ١٢٠٣ هجری — سنة ١٧٨٩ مسیحی

آسیا (ایران) در اوایل اینسال حضرت شهریار کامکار نواب جهانبانی را با پنجهزار نفر از لشکر نصرت اثر بتوقف
فیروزکوه وانتظام امور مازندران وخراسان مامور فرموده خود بنفس همایون با جمعی از عساکر ظفر نمون از ری بعراق
وازعراق بفارس ایلغار نمودند ومنزل بمنزل بیضا مضرب خیام سپهر احتشام معلی کردیده اینجا را محل بنه وآغروق معین
ورکاب علی قرار دادند وعلیقلیخان را امر بتوقف در آنجا فرمودند وبا تمامی لشکریان بنظام شیراز نزول اجلال
کردند لطفعلیخان با بیست هزار سوار لاری وفارسی قدم جلادت در میدان مجادله نهاد مصطفی خان قاجار که
نکاهدار میمنه سپاه فیروزی شعار بود با فوجی از دلیران شیر شکار دیوار باغی را کمینگاه قرار داده جمعی از لشکریان
لطفعلیخان را بخاک هلاک انداخت لطفعلیخان از فرط تهور متعرض آنها نکردیده با دوهزار سوار زبده خود بر
قلب دوچندتن را از پای در آورده متوجه میسره که در حراست نواب جعفرقلیخان بود مشد نواب جعفرقلیخان
قصد او کرده از قضا روی عمود در میانه بود نواب معظم رکاب بر اسب کشیده از آن رو درگذشت وبعضی از دلیران
نیز بایشان پیوستند وجنگ دیگر در گرفت بعد از کشش وکوشش وهنی در سپاه لطفعلیخان پدیدار آمده در این اثنا
جماعتی بکمک سپاه همایون آمدند ودیگر باره نایره قتال اشتعال یافت وکار جنگ سخت شد شهریار کامکار
محمد ولیخان قاجار را با فوجی بمعاونت وامداد نواب جعفرقلیخان فرستاده ولی قبل از وصول محمد ولیخان نواب
جعفرقلیخان جمعیت دشمن را متفرق وآنجماعت را منهزم کردند لطفعلیخان نیز از قفای ایشان بقلعه شهر
شتافت دوهزار نفر از لشکریان او مقتول وهشتصد نفر اسیر ودستگیر شدند علی الصباح رایت ظفر آیت وارد وی
کیوان شکوه بکفر سخی شهر شیراز آمد ودو ماه این بلده را در بند محاصره داشتند وبلوکات حوالی عرصه نهب و
غارت بود وعرصه بر مردم تنگ حضرت شهریار نصفت آثار صواب در مراجعت دیدند لهذا روز پنجشنبه بیستم شهر
ذیحجه عنان بکران دولت را بطرف اصفهان منعطف فرمودند ومصطفی خان قاجار دولو را با سه هزار نفر در آنجا
کذاشتند وزمام حکمرانی اصفهان را در دست محمد حسینخان پسر باقرخان خراسکانی اصفهانی کذاشته موکب معلی
از اصفهان بدار الخلافه طهران تشریف فرما شد هم در اینسال نهال آمال شهریار ایران بارور کردیده
یعنی حضرت قادر متعال نواب جهانبانی (خاقان خلد آشیان فتحعلی شاه) را پنج پسر والاکهر کرامت فرمود اول نواب
محمدعلی میرزا که از بطن کرجیه تفلیسیه متولد شد در ششم ماه ربیع الثانی دویم نواب محمدقلی میرزا در بیست وسیم شهر
رمضان متولد شد از بطن صبیه محمدخان قاجار پدر سلیمانخان قاجار قوانلو سیم نواب محمدولی میرزا که در
غره شوال از بطن مستوره اصفهانیه متولد شد چهارم حضرت نایب السلطنه عباس میرزا که در [illegible] شنبه چهارم

ذیحجه از بطن صبیه محترمه امیر کبیر فتحعلیخان دولوی قاجار متولد گردیده جهانرا از یمن قدوم خود فروغی تازه بخشیدند پنجم نواب حسینعلی میرزا که در روز عید اضحی از بطن صبیه محمد جعفرخان عرب حاکم بسطام متولد گردیده و مولد این شاهزاده آزاده قصبه نوای از توابع دماوند بود که در آنجا به ییلاق رفته بودند حضرت شهریار کامکار آقا محمد شاه از طلوع این ستارگان سعادت آثار زاید الوصف مبتهج و مسرور گردیده یکهفته در دار الخلافه طهران امر به بسط بساط سور و سرور فرمودند پس از آن سه نفر از این پنج نفر مولود مسعود را بفرزندی خود قبول فرمودند و آنها نواب عباس میرزا و نواب محمد قلی میرزا و نواب حسینعلی میرزا بودند که در ساعتی سعد آنها را بحرم سرا خاص بردند و بدایگان با اختصاص سپردند و بتربیت ایشان پرداختند و هر یک را مشمول مرحمت ساختند هم در اینسال خسرو خان والی کردستان عزیمت تشرف نمود و بحضور حضرت شهریار تاجدار را نموده ولی در حوالی قزوین شنید که دو هزار نفر از طایفه بلباس که غالباً بنهب و غارت و سرقت میپرداختند فرزند ارشد او مهدیقلیخان با آنها جنگ درانداخته و بدست آنجماعت مقتول گردیده است استماع این خبر وحشت اثر اسباب اختلال دماغ او گردیده و این ناخوشی معالجه پذیر نشد تا آنکه خسرو خان مرحوم شد پس از او لطفعلیخان در کردستان نیابت داشت تا امان الله خان بولایت کردستان منصوب و برقرار گردید

اروپا (انکلیس) ایجاد روزنامه طیمس (فرانسه) اعتشاش در پاریس و بمیل عموم مردم نسبت بپادشاه تقسیم مجلس پارلمنت بسه فرقه نجبا و روحانیین و کسبه فوت بوفن از علمای معروف مفقود شدن لاپروز سیاح معروف که بدریاهای جنوب رفته جمعیت فراسه در اینسال بیجاه کرور است (روس) در حینی که دولت روس مشغول جنگ با عثمانی است قشون سوئد غفلةً بمملکت روس حمله نمودند و اگر اختلاف و شورشی در میان صاحبمنصبان قشون سوئد بهم نمیرسید و برپا نمیشد او را مجبور بمراجعت نمیکردند یقیناً پادشاه سوئد بسیاری از بلاد روس را متصرف میشد پادشاه دانمارک برای امداد بروس بعساکر سوئد حمله نمود و میانجیگری انکلیس و پروس مانع این معنا زعم شد شکست سفاین جنگی روس در سواستاپول (اطریش) عساکر اطریش که از رودخانه ساو عبور کرده بودند و داخل خاک عثمانی شده مغلوب گردیده عقب نشستند ژوزف دویم امپراطور اطریش وحشت از برپا شدن شورش در مجارستان دارد شکست سخت عساکر اطریش از عثمانی در تمسوار (اسپانیا) فوت شارل سیم پادشاه اسپانیا و جلوس شارل چهارم پسرش بجای او (هلاند) معاهده اتحاد دولت با انکلیس و پروس

سنه ۱۲۰۴ هجری — سنه ۱۷۸۹ مسیحی

آسیا (ایران) در اوایل بهار اینسال حضرت شهریار تاجدار آقا محمد شاه قاجار نواب جهانبانی (خاقان مغفور) را بانتظام بلاد قزوین و سرحدات خمسه و زنجان مامور فرمودند و مقرر شد که حاجی رضا خان دولوی قاجار با پنجهزار سوار جرار ملتزم رکاب ظفر نصاب نواب معظم باشد و پس از روانگی ایشان از طهران در بیستم ماه رمضان موکب نصرت اقتران شهریاری بقصد تسخیر فارس و تدمیر لطفعلیخان زند از دار الخلافه انتهاض فرمود و در منزل کناره گرد معلوم شد که در حوض سلطان که آبش از باران است آب وجود ندارد لهذا مقرر فرمودند که در حوض سلطان اردوی معلی توقف ننمایند و دو منزل را یکمنزل کرده تا بآب برسند شباهنگام حرکت کردند و بواسطه تاریکی شب و جمعیت و ازدحام عساکر منصوره راه قم را گم کردند و تا طلوع صبح در شوره زار و کویر راه پیمودند و تحمل زحمت عطش نمودند علی الصباح تشنه در آن سراب ماندند بحکم شهریار مرحمت شعار سقایان تشنگان را آب دادند و بعضی روزه داران برای حفظ جان روزه گشادند و افطار کردند اما نفس نفیس شهریاری برای پاس اوامر مقدسه حضرت باری جل ذکره

تا شام

تا شام افطار نفرمود در روزه را بسر رسانید خلاصه چند روز در ظاهر بلده قم توقف اتفاق افتاد بعد از آنجا روانه اصفهان و
تشریف فرمای چمن کندمان شدند در اینجا خبر رسید که لطفعلیخان زند بمحض اطلاع از حرکت اردوی کیوان شکوه بهانه استمداد
از مشایخ بنادر و انتظام بلاد گرمسیر بجانب دشتی و دشتستان رفته و فی الحقیقه باین بهانه گریزی هنگام کرده مقارن این
حال امراء و رؤسای شیراز پنهانی تحف و هدایای لایقه باستان همایون انفاذ داشته بزبان عجز و تملق عرضه داشتند که ما
مطیع فرمان و در ربقه اطاعت حضرت شهریار عظیم الشانیم ولی بمحض مصلحت تسخیر بلده را بوقت دیگر باید گذاشت فرستادهای شیراز
بمراحم شامله و خلعت شاهانه مشمول و باجوبه شافیه نایل و اذن مراجعت یافته و نواب علیقلیخان با محمد قلیخان قاجار قوانلو
و هفت هزار نفر از قشون ظفر نمون مامور و روانه تسخیر کوهگیلویه شدند اهل آنحدود دارد را طاعت و تمکین درآمده خود را در
سلک رعایا منسلک داشتند و علیقلیخان با منال دیوانی باردوی سلطانی معاودت نمود هم در این سال در اینکه نواب
جهانبانی در چمن کوران دشت متوقف بودند محمد حسینخان حاکم خلخال و سران کرد و احمد خان مراغه و حسینخان دنبلی بیگلربیگی
خوی در ربقه اطاعت و عبودیت بگردن گرفته پیشکشهای شایان فرستادند و موکب حضرت شهریاری از چمن کندمان بطرف قزوین حرکت
کرده و نواب مستطاب جهانبانی و سلیمانخان قاجار حکمران گیلان با عمال این ولایت بعضو موکب منظفر پادشاهی تشرف جستند
و نواب سلیمانخان بلقب اعتضاد الدوله ملقب و مفتخر گشته و باردوی معلی بمقر خلافت عظمی آمد هم در اینسال نواب حسینعلی میرزا
برادر کهتر نواب حسنعلی میرزا از بطن صبیه جعفرخان عرب عامری بسطامی متولد گردید بنا بر مسطورات تاریخ جهان آرا در این
سال حضرت آقا محمد شاه نواب مستطاب جهانبانی (فتحعلی شاه) را بولایت عهد برقرار فرمودند هم در اینسال ضریح زر
اندود برای مرقد مطهر حضرت امیرالمؤمنین و یعسوب الدین علیه السلام بامر همایون ساختند و بدان ساحت خلد نزهت ارسال داشتند
اروپا (انگلیس) منازعه عساکر انگلیس با تیپو صاحب (اطریش) شورش اهالی بلژیک بر ضد اهالی اطریش که در مملکت
بلژیک سلطنت داشتند (روس و سوئد) منازعه قشون سوئد با روس شکست یافتن سفاین جنگی سوئد از عساکر روس سواروف
سردار روس در والاشی جنگ سختی با عثمانیها میکند و از آنطرف عساکر اطریش بمعاونت روس بلگراد را در خاک عثمانی فتح مینماید
پتامکین سردار دیگر روس بندر را از عثمانی منتزع میسازد (سوئد) گوستاو سیم پادشاه قدرت و اقتدار کامل خود را از رعیت
طلب مینماید (فرانسه) شورش سخت در پاریس اهالی شهر دکاکین معتبر را غارت میکنند مارسیل نیز در شورش است اجتماع وکلای
ملت و هتیم یادکردن آنها بر ضد سلطنت که از سلطنت قانون آزادی میطلبند تشکیل مجلس پارلمنتی در ورسایل بتوسط پادشاه
منعقد که اجزای آن دویست و سی و یکنفر از علمای دینی و دویست و هفتاد نفر از اعیان مملکت و پانصد و هشتاد و چهار نفر
از سایر طبقات رعیت بودند معاهده شورشیان در تالار یکه موسوم بتالار گوبازی میباشد خطبه‌های شورش انگیز میراب
عزل نکر وزیر معروف باستیل را که از قلعه‌جات وسط شهر پاریس و محبس دولت بود اهالی پاریس بغلبه گرفته محبوسین را
آزاد کرده قلعه را منهدم و ویران مینمایند نجبا و اعیان علی الخصوص برادر پادشاه ببلاد خارجه فرار میکنند اهالی
پاریس با فیته سه رنگ که سفید و آبی و سرخ باشد بکلاه خود میدوزند انقلاب و شورش مجدد مجلس پادریها و امتیازاتی
که نجبا و خانواده سلطنت داشتند از آنها سلب میشود آزادی مطبعه‌ها بروز قحطی و غلا در شهر پاریس شورش نسوان
ازدحام مردم بدور ورسایل و شکایت بی‌نانی شاکیان بقصر سلطنتی ورسایل داخل شده جمعی از قراولان این عمارت را
بقتل میرسانند پادشاه مجبوراً از ورسایل بشهر پاریس معاودت میکند که شورشیان را ساکت نماید مجبور شدن
پادشاه ببرقرار کردن نکر را بوزارت جمهوری طلبان املاک موقوفه معابد را از دست علمای دین منتزع ساخته خود
متصرف میشوند ایجاد روزنامه مونیتور که روزنامه رسمی است (عثمانی) فوت سلطان عبدالحمید خان اول و جلوس

سلطان سلیمخان سیم خاقان او درسن بیست و هشت سالگی امریکا (اتائونی) جمعیت اتائونی در اینسال هفت کرور و
چهارصد و سی هزار نفر است

سنه ۱۲۰۵ هجری — سنه ۱۷۹۰ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال نواب جعفرقلیخان که برادر و سپهسالار حضرت شهریار کامکار بود درخواست ایالت اصفهان
از آنحضرت معظم نموده بنابر مصلحت مستدعیات او بدرجه قبول نرسید لهذا بجانب خلاف برخاست و چندی در بسطام
ماند مجلس مبارک نیامد آخر الامر با محمدخان و محمد زمانخان عزالدینلوی قاجار پسران خال خود بدربار شهریاری رو
نمود و آنها در خلوت از او سعایتی کرده چنین بعرض رسانیدند که داعیه خود سری دارد و با خوانین خراسان معاهده
و مواضعه نموده است خلاصه حضرت شهریاری را با برادر رشید خود بدل نموده شبی در هنگام مراجعت از حضور همایون
چند نفر از خدام خاص آن سردار با اختصاص را از او به معبر دیگر انتقال دادند ولی بعد از قضای صادر ملازمان
حضرت پادشاهی قرین ندامت و افسوس کامل کردیدند و سودی نداشت هم در اینسال مرتضی قلیخان از عمای برادر خود مصطفی
قلیخان باخبر گشت چه مدت یکسال که مصطفی قلیخان محبوس بود این واقعه نیز مستور بود این وقت که از مجلس خلاص
شد این خبر مشتهر کردید مرتضی قلیخان که در باکویه و طالش و شیروان با استعداد تمام میزیست نیز بشنید و بار دیگر
هیجان آمده بطرف کیلان راند و میرزا بابای رشتی نایب کیلان هراسان شده ماجری را بعرض عاکفان حضور شهریار منصور
رسانید حاجی رضاخان دولوی قاجار خال مرتضی قلیخان و عباسخان و محمدخان دولو که هم از منسوبان او بودند با
عبدالله خان اوصانلوی حسنه میرزا محمدخان لاریجانی و چهار هزار نفر از سپاه ظفر همراه مامور کیلان شدند و هرچه
مرتضی قلیخان را نصیحت کردند سودمند نیفتاد ناچار بنای جنگ و خونریزی شد شبی شاه پلنک نام طالشی بر لشکریان
حاجی رضاخان شبیخون زده در اینمقدمه سردار با سایر خوانین گرفتار شدند و تفرقه در میان سپاه افتاد و مرتضی قلیخان
غلبه کرد ولی بعد از چندی همه گرفتاران را رها و روانه دربار معلی نمود سوای خال خود را که با سوء احوال نگاه داشت
با کلاب و ذباب ردیف و حریف نمود میرزا بابای نایب کیلان مراتب را معروض آستان مبارک داشت حضرت شهریاری مصطفی
خان دولوی قاجار را مقدمة الجیش قرار داده از پیش روانه کردند و موکب همایون مستعد انتهاض گردید مرتضی قلیخان
و مصطفی خان طالشی از عزیمت شهریار کامکار خبردار گردیده دانستند که در جلو سیل هایل مقام نتوان نمود ناچار
بگیلویه رفتند و در آنجا نیز چون کاری نتوانستند کرد مرتضی قلیخان خایب و مایوس پناه بجانب روس برد و حاجی رضا
خان و عباسخان را با مادر خود بطهران فرستاد هم در اینسال لطفعلیخان زند استعدادی فراهم کرده قصد تسخیر
اصفهان نمود حضرت شهریار تاجدار از عزیمت او مستحضر گردیده نواب مستطاب جهانبانی را بدفع او مامور فرمودند
نواب معظم با بعضی از دستجات قشون نصرت نمون [illegible] تشریف فرما شدند و موکب همایون بکودان دشت نزول
اجلال نموده مصطفی خان قاجار شرفیاب حضور مبارک و مورد التفات شده مقرر فرمودند با پنجهزار نفر بخدمت نواب
جهانبانی روانه شود و اردوی کیوان شکوه بعزم تسخیر آذربایجان حرکت کرد و نواب اعتضاد الدوله سلیمانخان قاجار
با ده هزار سوار در منزل طارم مامور تسخیر ماسوله و تنبیه طایفه طالش کردند و او بخوبی این خدمت را انجام داد و محمد حسینخان
حاکم خلخال و محمد حسینخان حاکم کروس از در اطاعت و انقیاد در آمدند و صادقخان شقاقی در حوالی قلعه سراب
اقدام بجنگ کرده شکست خورده و پناه با براهیم خلیل خان ابن پناه خان جوانشیر برد عساکر منصوره قلعه سراب را
خراب کرده باردبیل شتافتند و این شهر را نیز مسخر نمودند و یکهفته در آنجا اقامت کردند احمدخان حاکم مراغه

باحسینعلی‌خان افشار برادر محمد قلیخان بیگلربیگی ارومی و جمعی با آستان مبارک آمدند و ولی محمد قلیخان را دغدغه دامنگیر شد
کرهند در قلعهٔ اشنو متحصن شد و محمد خان عزالدینلو و حسینقلیخان افشار با دستهٔ قشون ارومی را بکرفتند و اموال محمد
قلیخان را متصرف شدند همدر این ایام مصطفی‌خان قراجه داغی بتقبیل عتبهٔ علیه آمد و حاجی محمدخان قاجار مامور بتنبیه مصطفی
خان طالش کردید و نواب اعتضاد الدوله با پیشخانه اردوی معلی بساحت قراجه داغ توجه نمود و قلعهٔ اهر (اهاد) را
مسخر ساخته بعزم کلیبر رفت و از آنجا بالنک سبزه آمده رحل اقامت افکندند در اینجا حسینخان دنبلی بیگلربیگی خوی بحضور
مبارک آمده مخلع و حکومت اردبیل و تبریز را باو نیز مفوض داشتند و او روانهٔ تبریز شد و حضرت شهریاری کار خنیدن
روز در اینجا بصید و شکار گذرانیدند همدر این اوان محمدخان عزالدینلو که بعد از جعفر قلیخان داخل در امر ایلی و برادر
محمد زمانخان حکومت بسطام مینمود با محمد ولی آقا و جمعی دیکر اتفاق کرده اندیشهٔ مخالفت با حضرت شهریاری نمودند و محمد تقیخان
شاهسون پسرزادهٔ محمد علیخان جوجوق نیز با آنها همدست شده ملازمان آستان همایون از این مواضعه مستحضر کردیده محمد خان
و محمد زمانخان و محمد ولی آقا چشم دیده از راه بی بصیرتی کذاشتند و محمد تقیخان و محمد علیخان جوجوق نیز بامر اعلی در کذشتند و محمد قلیخان
بیگلربیگی ارومی بشفاعت امرا معفو شده که عنوان بیگلربیگی بستند بحکومت ارومی منصوب کردید همدر این ایام موکب همایون عزیمت
تبریز فرموده حسینخان بیگلربیگی و اعاظم و اشراف بلد باستقبال و پذیرائی مقدم مبارک شتافتند اما لطفعلیخان زند با بیست
هزار سوار بسیمرم علیا آمده و نواب مستطاب جهانبانی بطرف قمشه راندند و جنگ در گرفت لطفعلیخان پناه بلشکر برد و عبدالرحیم
خان شیرازی برادر مهتر حاجی ابراهیمخان کلانتر که وزارت و امارت جمع داشت بعهد ارادت بنواب مستطاب جهانبانی بشبی در اردوی
لطفعلیخان آشوب درانداخت و اردو را متفرق ساخت ناچار لطفعلیخان فرار کرد و مصطفی‌خان قاجار دولو او را تعاقب
نمود اما بوی نرسید و نواب مستطاب جهانبانی باصفهان آمدند از آنطرف حاجی ابراهیمخان شیرازی دروازهٔ شهر شیراز را
بروی لطفعلیخان بست و او گرفتار سرگردانی شد و مراتب را مسموع نواب مستطاب جهانبانی و معروض آستان پادشاهی
داشتند حضرت همایون شمشیر مرصع و خنجر مکلل برای نواب مستطاب معظم اعطا و ارسال داشتند و میرزا رضاقلی
نوائی منشی الممالک مخلص سلطانی مامور نظم اموال لطفعلیخان و نظم آنسامان شد و حاجی ابراهیمخان شیرازی
در ازای خدمتی که کرده بود مخلع کردید و حفظ و حراست شیراز بعهدهٔ او موکول کشت و مصطفی‌خان قاجار برای امداد
او روانهٔ شیراز شد همدر این اوان ابراهیم خلیل‌خان جوانشیر از صادقخان شقاقی شفاعت کرده جرایم او را معفو
داشتند و موکب اعلی در پنجم ذیحجه بمقر سلطنت معاودت فرمود و میرزا رضاقلی منشی الممالک مصطفی‌خان قاجار را
با سه هزار سوار در آباده گذاشته خود بشیراز شتافت حاجی ابراهیمخان بخوبی او را پذیرائی و استقبال نمود
در این اثنا لطفعلیخان با رالخان خشتی معاهده نموده با هزار نفر متوجه شیراز شد و در محل موسوم بکوه جای
کرفت حاجی ابراهیمخان مصطفی‌خان قاجار را از آباده بشهر شیراز بخواند و باغ جهان نما را اردوگاه عساکر نصرت مآثر
قرار داد لطفعلیخان بحوالی شیراز آمده در بیشه که متصل بشارع بود کمین کرد و جمعی را بکازرون فرستاده آنها آن
محل را غارت کرده بازگشتند مصطفی‌خان قاجار با فوجی انبوه از آنکار بیخبر راه طی کرده با لشکر انبوه که از کازرون
میآمدند تلاقی نموده به پیکار پرداخت با بعضی که جمعی را بدفع آنها فرستاده خود در پناه کوهی بایستاد ابدالخان عبد
الملکی از سرکردهای لطفعلیخان مقتول کردید در اینحال لطفعلیخان با پانصد سوار از کمین بیرون آمده بر سپاه ظفر
همراه حمله کرد مصطفی‌خان قاجار نیز فورا از کوه بزیر آمده متوجه قتال و اشتغال نایرهٔ جدال کردید لطفعلیخان تاب
مقاومت نیاورده راه گریز پیش گرفت ولی دست از کار نکشیده گاه گاه از طرفی روانه می‌شد و بشیراز میآورد و فتنه

فرستاده

فسادی برپا میکرد برای اینکه مواد شرارت او بکلی منحسم کردد حاجی محمد خان قاجار نیز با پنجهزار سوار بمعاونت و امداد مصطفی خان مامور شد و در هنگامیکه لطفعلیخان استعدادی بهم بسته در مسجد بردی قریب بشهر شیراز بود حاجی محمد خان مصطفی خان پیوست یکهفته تمام مشغول جنگ و جدل بودند و در این جنگ بعض بکر و بنابر حیله و خدعه رضا قلیخان دو لواز لشکر دور افتاده کرفتار کردید بالآخر الامر لطفعلیخان مغلوب شده بطرف نرمان رفت همدر این سال حضرت همایون را سکته عارض شده بسعی میرزا مسیح طهرانی و میرزا احمد طبیب منفها بعد از سه روز صحت یافتند و بعضی این واقعه را بسال بعد نسبت داده اند نیز در این سال قصد تجدید قبه منوره حضرت خامس آل عبا علیه التحیة والثنا فرمودند و عبد الرزاقخان حاکم کاشان را با جمعی بتعمیر و توسیع قبه مبارکه آنحضرت و تذهیب آن مامور کردند و حاجی سلیمان صباحی ماده تاریخ آنرا چنین کوید

(کلک صباحی از پی تاریخ آن نوشت — درکنبد حسین علی زیب یافت زر)

همدر این اوان میرزا رضا قلی نوائی منشی الممالک با اموال لطفعلیخان بحضور شهریار عظیم الشان شرفیابی جست و از آنجمله مبلغی جواهر و هزار راس مادیان بود همدر این سال مصطفی آقای عثمانی از جانب سلیمان پاشا والی بغداد بدربار همایون آمد و از بلاد آذربایجان و عراق و فارس انواع هدایا و تحف حتی جرغها و شنقارها پیشکش دربار سپهر آثار کردند وفات آقا محمد باقر بهبهانی از اجله علمای امامیه اعلی الله مقامه در رشت بود و سالکی اروپا (اطریش) بلژیک آزادی خود را از تحت سلطنت اطریش اعلان میکند دولت اطریش از پاپ دول انکلیس فرانسه و پروس استعانت برای امن کردن بلژیک میطلبد فوت ژوزف دویم امپراطور اطریش که این کلمات از انشای خود او بر سنک قبرش نوشته میشود (اینجاست مقبره ژوزف دویم که در تمام ارادات و مقاصد یکه داشته بدبخت بوده است) برقرار شدن برادرش لئوپلد دویم بجای او در رشت چهل و سه سالکی (پروس روس و سود و عثمانی) سوءظن پروس بر ضد اطریش و روس او را مجبور باتحاد با عثمانی مینماید فتوحات عساکر اطریش در سواحل دانوب قشون عثمانی که در ارسوا بود ند چون زلزله در آنجا شد و آن زلزله را از قضاهای آسمانی دانستند قلعه را تخلیه کرده فرار نمودند فتوحات و غلبه سفاین جنکی سود بر کشتیهای روس در دریای سوئد چون انکلیس و روس بلت و لت اطریش وعده میدهند که اکر ترک منازعه با عثمانی نماید در امن کردن بلژیک او را کمک نمایند نه ما هو فیما بین اطریش و عثمانی متارکه میشود و سود با روس صلح مینماید منازعه روس و عثمانی فتح کردن سووارف سردار روس شهر اسمعیل عثمانی را و قتل نمودن اهل این شهر را (فرانسه) شورش و انقلاب در اکثر بلاد میزان و مفاد بر در تمام فرانسه بلک وزن میشود مواجب پادشاه بریخ کرده و تومان ایران مقرر میشود و زیاده بر این حق تصرف در وجوه دولتی ندارد اجزای فانونیکه شاه و وکلا در تحت آن قانون مساوی الله سلطنت مستقله در فرانسه متروک و سلطنت مشروطه برقرار میکردد تخطابات شاهزادکی و خانی و بیکی از اعیان و نجبا سلب و برداشته میشود علمای دین را از تمام مداخله ها دولتی ممنوع میکردند نکر از وزارت استعفا مینماید امریکا (اتازونی) فوت فرانکلن و عزای عمومی طلبه دو ماه

سنه ۱۲۰۵ هجری — سنه ۱۷۵۱ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال حضرت شهریار بیهمال نواب مستطاب جهانبانی را مامور بتوقف طهران فرموده و برادر کهتر والاکهر ایشان حسینقلیخان را با پنجهزار نفر از عساکر نصرت مآثر بحراست اصفهان معین و امر کردند و موکب همایون بقصد تدمیر لطفعلیخان زند از طهران حرکت و اهتمام نموده ابراهیمخان سرکرده دامغانی را مقدمة الجیش قرار دادند و چون اردوی معلی بچمن ابرج (ابرج) رسید معروض شد که لطفعلیخان از زرقان بعزم

شبیخون حرکت کرده و بحوالی اردو آمده است حضرت شهریاری قدغن فرمودند که اگر علایم شبیخون بظهور رسد مشغول
ظفر نمون بی امر همایون حرکتی نکنند هنگام شب لطفعلی خان در تنگ ابرج با ابراهیم خان دامغانی تلاقی نموده جنگ در گرفت
و ابراهیم خان بعد از اظهار جلادت مقتول شد لطفعلی خان عبدالله خان و محمد خان اعمام خود را باطراف اردو فرستاد
و خود با هزار سوار در مقابل اردو آمد و اقدام بیورش و حمله نمود عبدالله خان زند نیز قصد سراپرده و خیام
گردون احتشام سلطنتی کرده آقا خان کشول قوللر آقاسی و میرزا محمد خان لاریجانی جلو او را گرفتند و میرزا فتح الله خان نامی
اردلانی نیز مژده فتح بلطفعلی خان داد لطفعلی خان در خارج اردو قرار گرفت وقت صبح یا بسبب استماع صدای اذان
یا بواسطه طبل جنگ دانست که فتح دوشینه محض وهم و خیال بوده و اردوی شهریاری با کمال نظم برای قتال حاضر است
پشت دست تأسف گزیده و یقین حاصل نمود که مقاومت با عساکر پادشاهی امری محال است لهذا راه گریز پیش گرفت
و دویست نفر از همراهان او اسیر شدند و موکب ظفر کوکب شهریاری متوجه شیراز گردیده حاجی ابراهیم خان شیرازی
و سرداران و اعیان فارس باستقبال و پذیرایی مقدم مبارک شتافتند و حضرت همایون در عمارات وکیل نزول
اجلال فرمودند و نواب حسینقلی خان را از اصفهان بشیراز طلبیده و نیابت فارس را بحاجی ابراهیم خان دادند و اهل
عیال لطفعلی خان را با دوازده هزار خانوار از کلهر و مافی و خواجه وند و عبدالملکی کوچانیده باسترآباد فرستادند و
موکب معلی بطهران معاودت فرمود و میرزا فتح الله سابق الذکر گرفتار شده زبانش مقطوع گردید بالجمله در اینسال دختری از
دوده حسینخان دولوی قاجار در حباله نکاح نواب حسینقلی خان در آمد و ابراهیم خان بن مهدیقلی خان نیز بشرف ازدواج
بزرگترین دختران نواب مستطاب جهانبانی نایل گشته و والده ابراهیم خان را نیز سابقا بعقد نواب مستطاب معظم
درآورده بودند اما لطفعلی خان بعد از فرار بطرف کرمان راند میرزا ابوالحسن خان حاکم کرمان او را از ورود بشهر مانع
آمد ناچار ببراور آمد میرزا محمد خان داودی نیز بمعارضه او پرداخت و چند تن از همراهان او را دستگیر ساخت لطفعلی خان
از روی اضطرار از راه چهل پایه لوط بطبس آمد و امیر حسنخان حاکم طبس سیصد نفر سوار بکمک او مامور کرد و او با
این لشکر قلیل باز بسودای سلطنت از راه یزد عزیمت فارس نمود و با تقیخان یزدی مصاف داده از آنجا با برقوه شتافت
حاجی ابراهیم خان مراتب را بعرض حضرت شهریاری رسانده محمد حسینخان قوانلوی کشیکچی باشی خالو زاده حضرت
شهریاری با هشت هزار سوار مامور دفع لطفعلی خان شد و محمد آقای قاجار نیز با سه هزار کس از عقب او روان گردید
لطفعلی خان چون از ماموریت و حرکت محمد حسینخان خبردار شد بطرف بوانات رفت همینکه محمد حسینخان بشیراز رسید
لطفعلی خان راه دارابجرد پیش گرفت و این ناحیه را مسخر کرد محمد حسینخان بطرف او راند و براه نیریز رفت محمد حسینخان
بنیریز آمد لطفعلی خان از نیریز حرکت کرده و محمد حسینخان او را تعقیب نموده در پای خرمن کوه بدو رسید یازده
روز یا پانزده روز در اینجا نایره قتال بسختی اشتعال داشت با وجود کمال جلادت عاقبت لطفعلی خان منهزم شده
بطبس رفت و محمد حسینخان مظفر و منصور بشیراز بازگشت در اینسال نواب محمد تقی میرزا ابن نواب مستطاب
جهانبانی از بطن مستوره بختیار بیگم متولد گردید و مشتاقعلی شاه از عرفاء در کرمان مقتول شد اروپا (المان)
فوت موتزارت موسیقی‌دان معروف (انکلیس) ایجاد مجلس پارلمنت در کانادای ینگی دنیا (اطریش و عثمانی) انعقاد
عهد مصالحه مابین دولتین عثمانی و اطریش در زیشتوا (فرانسه) شاهزاده‌ها خانواده سلطنت فرانسه که
بجانب المان فرار کرده بودند در شهر کبلانز قشونی بر ضد شورشیان تشکیل میدهند هجوم و حمله اهالی پاریس بقلعه
و تسخیر و خراب نمودن آن موقوف نمودن تکرار در دروازه‌های پاریس فوت میرابو معروف مجلس نظر به پادشاه موقوف

شدن منصب مهرداری و وزارت دربار یکی از آن طبیب چرخی اختراع میکند که بواسطه آن سر انسان بسهولت از بدن جدا میشود فرار پادشاه و ملکه و اولاد آنها از شهر پاریس و گرفتار شدن آنها در بین راه و مراجعت دادن آنها را بپاریس و حبس کردن در قصر سلطنتی پادشاه پروس با امپراطور اطریش وعده میدهد که کمک بپادشاه فرانسه و شاهزاده هائی که فرار نموده اند بنماید لقب اعلیحضرت از القاب پادشاه در مملکت فرانسه محو میشود گوستاو سیم پادشاه سوئد بر ضد شورشیان فرانسه تصمیم عزم میدهد

سنه ۱۲۰۷ هجری — سنه ۱۷۹۲ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال موکب حضرت شهریار کامکار مصمم سفر کرمان و فارس گردیده روز هشتم ماه رمضان اردوی معلی حرکت و انهاض فرموده در چمن آسپاس حاجی ابراهیمخان و عمال فارس بحضور مبارک مشرف شدند و چون هدم قلعه شیراز مکنون خاطر همایون بود حاجی محمد خان قاجار را بانجام این قصد واثر فرمودند و نواب مستطاب جهانبانی را بتسخیر قلعه کرمان امر نمودند و مصطفی خان دولو با ده هزار نفر از عساکر ظفر مآثر و عبدالرحیمخان و جمعی از سپاهیان فارس ملتزم رکاب فیروزی انتساب نواب مستطاب معظم گردیدند و در این وقت میرزا ابوالحسنخان حاکم کرمان درگذشت وارد شد نواب جهانبانی بشهر بابک رسیده و قلعه کران واقع در سیرجان را فتح کردند و مصطفی خان و عبدالرحیم خان بتسخیر قلعه بم و نرماشیر مامور گشتند و این دو ناحیه را مسخر نمودند نواب مستطاب جهانبانی ملا عبدالله فقیه را با مرتضی قلیخان ولد شاهرخ خان افشار بدربار همایون فرستادند و مرتضی قلیخان بحکومت کرمان برقرار گردید پس از آن حضرت جهانبانی نیز در چمن کوشک زرد باردوی کیوان شکوه پادشاهی پیوستند و از آنطرف حاجی محمد خان قاجار نیز قلعه شیراز را خراب کرده و خندق آنرا انباشته معاودت نمود و موکب منصور شهریاری باصفهان بازگشت و محمد رضا خان کرائی که فرار کرده بود گرفتار شده بیاسا رسید همدر این سال نواب امیر کبیر سلیمانخان قاجار مامور نظم آذربایجان گردید واردوی همایون از اصفهان بدار الخلافه طهران آمد همدر این اوان رضا خان قاجار که بحکومت استراباد و داروغگی یموت و گکلان برقرار بود درگذشت و طوایف ترکمان باهم اتفاق کرده بنای مخالفت و خودسری را گذاشتند محمد علیخان داشلوی قاجار بآن نواحی مامور شده ترکمه تمکین واطاعت ننمودند مهدیقلیخان دولو و محمد ولیخان و محمد حسینخان قوانلو با ده هزار نفر از سپاه ظفر همراه بتدمیر و تنبیه آنجماعت مامور شده ترکمانان را مقهور و مطیع نموده باستان معلی باز گشتند و اما مقلیخان پسر رضا خان قاجار بحکمرانی استراباد و داروغگی یموت و گکلان برقرار شد همدر این اوان چون نواب سلیمانخان قاجار بتبریز رسید صادقخان شقاقی و احمدخان مراغه و حسینخان دنبلی و کلبعلیخان نخجوانی و نصیرخان شاهسون و محمد قلیخان ارومیه و عسکرخان افشار از در اطاعت در آمدند و جوادخان و محمدخان قاجار بیگلربیگی گنجه و ایروان و اسحق پاشای حاکم بایزید ربقه انقیاد بگردن گرفتند و نواب امیر کبیر سلیمانخان فرستاده بشوشی فرستاده با ابراهیم خلیلخان نوشته نوشتند و او را باطاعت و خدمت دعوت کردند مشار الیه پس از مشاورت با خویشان خود عبدالصمد بیک بنی عم خود را با هدایا و تحف بتبریز فرستاد و نواب سلیمانخان عبدالصمد بیک را با خود بطهران آورد همدر این سال والده نواب مستطاب جهانبانی عازم زیارت نجف اشرف گردیدند و عظام سلطان سعید شهید و نواب جهانسوز شاه انار الله برهانهما را از قدمگاه خضر که در استراباد داشت جداجدا در صندوقها گذاشته بنجف اشرف بردند و در جوار حضرت امام همام امیرالمؤمنین علی علیه السلام مدفون نمودند و در اینموقع سلیمان پاشای وزیر بغداد بعضی خدمات کرده بتوجهات پادشاهی مباهی گشت همدر اینسال نواب علینقی میرزا ابن نواب مستطاب جهانبانی

متولد گردید وفات حاجی سلیمان صباحی کاشانی اروپا (المان) اتحاد پروس واطریش برضد جمهوری فرانسه فوت لئوپلد
دوم امپراطور اطریش وجلوس فرانسوای دوم در سن بیست وچهار سالگی (انگلیس) منازعه سخت عساکر انگلیس در
هند با تیپو صاحب وغلبه نمودن بر او فوت رینلدس نقاش معروف (فرانسه) قوت شورشیان عزل وزرا ومجبور شدن پادشاه
بتعیین وزرا از شورشیان منع نمودن شورشیان علمای دینی را از ملبس بودن بلباس مذهبی اعلان جنگ شورشیان
بپادشاه اطریش ربسپیر ودانتن ومارات رئیس شورشیان میشوند هجوم وحمله مردم بقصر سلطنتی وهدف بقتل پادشا
نمودن تخلیه کردن عساکر پروس که بکمک پادشاه فرانسه حرکت کرده بودند از سرحد فرانسه حاضر کردن شورشیان چهارصد
پنجاه هزار نفر قشون برای مدافعه انشاد تصنیف مارسیلز که از این پس شورشیان وبعد جمهوری طلبان آنرا ورد زبان خود نمایند
در وقت جنگ واوان صلابت وخصومت با وضع سلطنت میخوانند امپراطور اطریش وپادشاه پروس بشهر ماینس آمده دوک
دبرونسویک را سردار کل قشون دو دولت نموده بدفع شورشیان فرانسه مامور میکنند دوک مشار الیه با عساکر خود
تا ساحل رود موزل میراند وبدانجا ورود مینماید اهالی پاریس بقصد کشتن پادشاه بقصر سلطنتی حمله میبرند فوج سویس که قراول
خاصه پادشاه بودند تماما مقتول میشوند پادشاه اضطرارا خود را بمجلس شورشیان میاندازد لوی شانزدهم وزوجه او را
در تامپل حبس مینمایند پادشاه پروس با عساکر خود بطرف پاریس حرکت میکند قتل جمعی از هواخواهان سلطنت در پاریس
قنادیل طلا ونقره وصلیبهای مرصع وتجملات ونفایس معابد را شورشیان بدار الضرب فرستاده آنچه فلز بود مسکوک نموده
بقشون تقسیم مینمایند عساکر پادشاه پروس بایالت شامپانی ورود کرده در والمی دوموریز سردار شورشیان با بیست
وچهار هزار قشون هشتاد هزار تن از عساکر پروس را شکست میدهد مجلس وضع سلطنت را محذوف ومتروک میسازد
واعلان جمهوری دولت فرانسه را نموده مسکوکات ومهر دولتی بلفظ جمهوری منقوش میگردد اعلان جنگ جمهوری فرانسه بپادشاه
ساردین که برضد جمهوری بود ومنتزع ساختن نیس وساووا را از پادشاه ساردن مراجعت نمودن عساکر پروس
مغلوبا از خاک فرانسه ومتصرف شدن سردار فرانسه کوستین نام مایانس وفرانکفورت را که از شهرهای المان میباشد فتوحات
عساکر دولت جمهوری فرانسه در بلژیک ومسخر نمودن بروکسل پای تخت این مملکت را خطاب آقا وخانم برجال ونسوان
فرانسه داده نمیشود برای اینکه مساوات کامل معمول شود ودر مخاطبات وعنوانات همشهری بیکدیگر میگویند ومینویسند
مجلس شورای جمهوری لوی پادشاه فرانسه را بجهة استنطاق بمجلس احضار میکند (پرتوغال) ماری ملکه مملکت پرتوغال
دیوانه شده پسرش بنیابت او سلطنت میکند (روس) فرانسه وانگلیس وپروس واسطه مصالحه فیمابین دولتین روس و
عثمانی شده معاهده موسوم بعهد یاسی بین الطرفین منعقد میگردد ودر این معاهده اُزی وقرم وکوبان متعلق بروس
میشود (سوئد) قتل گوستاو سیم پادشاه سوئد در یکی از مجالس جشن بدست یکی از اعیان جلوس پسرش گوستاو
چهارم بجای او در سن طفولیت

سنه ۱۲۰۸ هجری — سنه ۱۷۹۳ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال حضرت شهریار کامکار آقا محمد شاه قاجار عزیمت خراسان فرمودند ولی بعضی اتفاقات
مانع تصمیم این عزم شد بتفصیل آنکه اهالی کرمان بر حاکم خود مرتضی قلیخان ومحمد ابراهیم آقای قاجار بشوریدند وحاکم
را از شهر بیرون کردند وبا لطفعلیخان زند که در فارس بود عهد متابعت بستند لطفعلیخان که قلوب اهالی این ایالت
را بخود مایل دید با جمعی از افاغنه بنرماشیر آمده واز آنجا بشهر کرمان رانده مرتضی قلیخان در ارک تحصن جست
ولی در اینجا نیز نتوانست بیست کند بنا بر این لطفعلیخان شهر کرمان را متصرف شد وجهانگیرخان سیستانی نیز باهمرا

سوار با و پیوست حضرت شهریاری چون از این واقعه آگاه گردیدند فسخ عزیمت سفر خراسان فرمودند و نواب مستطاب
جهانبانی را با پنجهزار سوار از پیش روانه کرمان نموده موکب همایون نیز روز چهارم شوال برای دفع لطفعلیخان
نهضت کردند نواب مستطاب جهانبانی چون بحدود دارالجرد رسیدند شنیدند که اهالی جیرفت طغیان کرده‌اند
لهذا دسته لشکری بآن ناحیه مأمور نموده آنها پس از زد و خورد جیرفت را مسخر کردند بعد از آن نواب مستطاب
جهانبانی بتسخیر قلعه هرود توجه فرمودند و محمد تقی بیک و اللهیار آقاسی با جمعی حمله بقلعه نمود از آن طرف نیز ده هزار سوار
هرودی از قلعه خارج شده بمدافعه کوشیدند و در این زد و خورد محمد تقی بیک بضرب گلوله مقتول شد و همراهانش
شکست خوردند نواب مستطاب جهانبانی خود با عساکر ملتزم رکاب ظفر نصاب اقدام بیورش نموده قلعه هرود را
گرفته منهدم نمودند و جمعی را براه عدم فرستادند در این اوان موکب منصور شهریاری از راه یوانات بطرف کرمان راندند
و در یکفرسخی شهر بابک اتراق نمود و نواب علیقلیخان برادر آنحضرت با چند عراده توپ بتسخیر شهر بابک مأمور شد
شهر بابک مفتوح شد پس از آن علیقلیخان و همراهان او بتسخیر قلاع سیرجان پرداختند و حضرت همایون بسر قلعه
مشیز تاختند و آن قلعه را بغلبه گرفتند اتباع لطفعلی خان را بسرای دیگر روان کردند و راه کرمان را پیش گرفتند
نزدیک بشهر شدند لطفعلی خان بمقابله عساکر نصرت نشان آمد و جنگ سختی درگرفت ولی بعد از کشش و کوشش
زیاد مقهور و منهزم شده پناه بقلعه برد و قشون ظفر نمون شهر کرمان را محاصره کردند در این وقت بعرض حضور حضرت
پادشاهی رسانیدند که مقصود لطفعلی خان رسیدن فصل زمستان و تا بنیاوردن لشکر قضا توان در سرما می‌باشد
امر همایون شرف صدور یافت که در خارج کرمان شهری بنا کنند دارای دروازه و بروج و بیوتات و از اطراف
آذوقه و لوازم معاش در آن جمع آورند مأمورین مباشر و مشغول کار شدند و در این وقت نواب علیقلیخان از تسخیر
سیرجان فراغت یافته بار دوی معلی پیوست و دیگر بار بنظم کوهکیلویه او را روانه فرمودند و نواب مستطاب جهانبانی
نیز بلوکات بم و نرماشیر و راه برو نواحی لار و بنادر تشریف فرما شدند و بعضی قلاع مسخر کرده و آن صفحات را منظم
ساختند و بلاد را نیز عبدالله خان لاری نیز گرفته شکذاری پرداختند اما کار محاصره کرمان بطول انجامید و بعضی
تدابیر قلعه‌گیری از حفر نقب و غیره بیفایده شد و کار بر محصورین تنگ شده دوچار قحط و غلا گردیدند ناچار ده
هزار نفر از فقرا و کسبه و عجزه را از شهر بیرون کردند و پنجاه دیگر پای ثبات افشردند پس از آن بحکم قضا و فرمان قدر
اقتضا نوبت غلبه و فتح در رسید خان احمد خان سوادکوهی با عساکر ابوالجمعی خود نردبانها بر دیوار حصار گذاشتند
و بالا صعود نمودند سایر امرا نیز با و اقتفا کرده تمامی بروج را گرفتند لطفعلیخان چون علایم خذلان را مشاهده
نمود بر اسب غران سوار شده از روی تهور راه را باز کرده از شهر بیرون آمد و اسب خود را از خندق جهانده راه بم را
پیش گرفت و در یکشبانه روز سی فرسنگ راه طی کرده بدین شتاب خود را ببم رسانید و از آنجا که اهالی کرمان
خود براه خلاف رفته و میل بمتابعت لطفعلی خان کرده بودند بعد از ورود جنود نامعدود بشهر بقتل عام اشارت
رفت خلاصه چون لطفعلیخان ببم رسید و محمد علیخان برادر جهانگیر خان سیستانی او را مشوش دید و برادر خود را
بالوند بیگمان کرد که جهانگیر خان دستگیر و در بند ملازمان حضرت شهریار عظیم الشان است قصد کرد لطفعلیخان را
گرفته بآستان همایون فرستد تا بدینوسیله برادر را مستخلص شود لطفعلی خان این معنی را تفرس کرده خواست از دروازه
بم بیرون رود و فرار بر قرار اختیار کند سیستانیها دور او را گرفتند و اسب او را پی نمودند و دو زخم بسر و دست او
زدند تا چار با تسلیم و مقید کردیده مراتب را بعرض حضور مبارک رسانیدند حضرت پادشاهی محمد ولیخان قاجار را

باحضار

باخصائل او دانسته فرموده مشار الیه لطفعلیخان را بدربار سپهر اقتدار آورد و چشمی که بتخت و تاج ایران دوخته بود
از او دور نمودند و قطعه الماس مشهور و معروف بتاج ماه و دریای نور از جواهرات نواب غفران مآب محمد حسنخان
طاب ثراه که نزد لطفعلیخان بود بوارث حقیقی آن یعنی حضرت آقا محمد شاه رسید پوشیده نماند که اکثر مورخین
فتح کرمان و ورود سپاه نصرت توامان را بان شهر و گرفتاری لطفعلیخان را از وقایع اوایل سال هزار و دویست و نه
دانسته اند و نگارنده نیز این عقیده را مرجح میشمارد و اینکه در خاتمه اینسال نوشته بواسطه پیوستگی حوادث است
خلاصه لطفعلیخان روانه طهران و از آنجا بسرای آخرت روان شد و جسد او را در امامزاده زید دفن کردند و
موکب منصور شهریاری از کرمان بشیراز عطف عنان نمود و نواب مستطاب جهانبانی و علیقلیخان نیز از لار معاودت
کردند و نیابت حضرت سلطنت عموماً و حکمرانی فارس و یزد و کرمان خصوصاً بکف کفایت نواب مستطاب امجد
جهانبانی (اعلیحضرت فتحعلیشاه) مفوض شد و حاجی ابراهیمخان شیرازی بر شیوه وزارت حضرت همایون سرافراز
و از شیراز ملتزم رکاب ظفر انتساب گردیده ملقب باعتماد الدوله شد و عبد الصمد بیک برادرزاده ابراهیم خلیل
خان چون از سفر کرمان فرار کرده بود در حدود طهران دستگیر شده بیاسا رسید و این معنی مجدداً اسباب
خوف و خشیت ابراهیم خلیل خان گردیده از شرفیابی آستان مبارک تقاعد ورزید و با امرای آذربایجان در
تقبیل عتبه علیه موافقت و همراهی ننمود هم در این سفر خیریت اثر امر اعلی شرف صدور یافت که درب و قطعه ستون
عمارت وکیل را که از نفایس ابنیه است از شیراز بطهران نقل و در دیوانخانه دار الخلافه نصب کنند مخفی نماند که سلسله
زندیه چهل و سه سال در فارس و عراقین و آذربایجان و کرمان حکمرانی کرده اند اول محمد کریمخان وکیل که سی سال در
مقام سلطنت کرده و سایرین یعنی ابوالفتح خان و صادقخان و علیمرادخان و جعفرخان ولد صادقخان و لطفعلیخان
ابن جعفرخان در ظرف سیزده سال در بعضی از ایالات و ممالک مزبوره حکومتی متزلزل داشته اند و این حکومت
با سال هزار و دویست و هشت چنانکه ذکر شد بسر رسید اروپا (المان) ایجاد صنعت چاپ بتوسط سنفلدر
در مونیک (انگلیس) انکشاف اراضی جدیده در شمال امریک بتوسط وانکوور سیاح انگلیس (فرانسه)
در مجلس استنطاق پادشاه چهار فقره سؤال مینمایند اولا میپرسند آیا لوی نام معروف بلوی شانزدهم نسبت
بقاطبه اهالی فرانسه مخل راحت بوده و برضد آسایش و رفاهیت رعیت اسباب فتنه و فساد بوده است یا نه تمام
وکلا بدون استثنا جواب میدهند بلی بوده است ثانیاً میگویند کسیکه نسبت بدولت و رعیت منشأ چنین خطا و
جنایتی شود حد تنبیه و جزای او چیست جمیعاً جواب میدهند جزای چنین شخصی قتل است ثالثاً اظهار میدارند که
در باب قتل این شخص آیا باید با عموم رعیت مشورت کرد یا نه بالاجماع جواب میدهند که نه رابعاً سؤال میکنند که آیا
باید باو مهلت داد یا نه همگی میگویند نه باید بعد از بیست و چهار ساعت کشته شود بنابراین در بیست و یکم ماه
ژانویه لوی شانزدهم مقتول شد اگرچه مجلس استنطاق مزبور لوی شانزدهم را سبب شورش و اختلال کار فرانسه
قرار داد ولی حق اینست که او سبب شورش نبود چیزی که هست اینست که بعد از بروز شورش لوی شانزدهم بواسطه
ضعف نفس نتوانست اسباب دفع شورش را فراهم آورد و دیگر اینکه وضع سلطنت مستقله مختل و بنای جمهوری
شد نه شخصاً قابلیت نداشت که بریاست جمهوری برقرار گردد خلاصه در اینوقت پسر پادشاه با مادرش در حبس
بود و جمعی که با سایر سلطنت طلبان از خاک فرانسه فراری و بمملکت المان مهاجرت نموده بودند این پسر را لوی
هفدهم نامیده و شاهزاده محبوس در فرانسه را در خارج پادشاه فرانسه خواندند و در بلاد ممالک اروپا اسباب مخاطرات

کلی برای دولت جمهوری فرانسه فراهم آمد و ایلچی دولت جمهوری فرانسه را از لندن بیرون کردند اعلان جنگ دولت جمهوری فرانسه با انکلیس و هلاند و اسپانیول سیصد هزار نفر قشون را و طلب برای جمهوری فرانسه حاضر میشود اعلان جنگ اطریش با فرانسه روس و پروس اگرچه در باطن با دول متحده بر ضد فرانسه مشارکت دارند لکن در ظاهر بواسطه تقسیم نمودن لهستان را در میان خود اعلان جنگ علنی با جمهوری فرانسه ندارند انکلیسها جزیره تاباک در بنکی دنیا و بندر پتدشری را در هند از تصرف فرانسه منتزع مینمایند در ایالت واندیه که از ایالات داخله فرانسه است سلطنت طلبان بر ضد جمهوری جنگ میکنند ژنرال دموریز سردار فرانسه از دولت جمهوری متنفر شده با دو پسر و سپاهیان پناه میبرد در شهر پاریس ما بین خود جمهوری طلبان نزاع سخت میشود مارات که یکی از رؤسای جمهوریت مقتول میگردد قشون اسپانیول بخاک فرانسه ورود مینماید پادشاه ناپل با سلاطین متحده بر ضد جمهوری فرانسه اتفاق مینماید عدد قشون جمهوری زیاد و کرور میرسد فتوحات و غلبه عساکر فرانسه بر پروس و انکلیس و سلاطین قلیم فرانسه را که در سن دنی بود ندا از قبر بیرون آورده دور میاندازند ماری آنتوانت ملکه فرانسه را بقتل میرسانند دین و ایمان و خداپرستی متروک و در معابد رب النوع عقل را ستایش میکنند تقویم معمول منسوخ شده سال را بسیصد و شصت روز و ماه را بسی روز قرار میدهند و روز بیست و سیم ماه سپتامبر را که روز بیست و یکم دولت شروع جمهوری مینماید روز اول سال مینامند ناپلیون بناپارت که یکی از صاحب منصبان جزو توپخانه است در بندر تولن با انکلیسها جنگ میکند قابلیت بظهور میرساند (لهستان) تقسیم شدن مملکت لهستان ما بین روس و پروس بنکی دنیا (اتازونی) واشنگتن مجددا بریاست جمهوری منتخب میشود

سنه ۱۷۹۴ مسیحی   سنه ۱۲۰۹ هجری

آسیا (ایران) در این سال حضرت شهریار کامکار میرزا محمد خان دولوی قاجار حاکم قزوین را بدربار کردون آثار احضار فرموده منصب امیر الامرائی و بیکلربیکی کری طهران را با و مفوض و مخصوص داشتند و مهدیقلیخان قوانلوی قاجار بحکومت قزوین منصوب شد نیز در ماه شوال اینسال موکب همایون پادشاهی تشریف فرمای چمن سلطانیه کردیده چندی در اینساحت خلد نزهت بتفرج و شکار پرداخته بعد بطرف اردبیل توجه فرمودند و محمد حسینخان قوانلوی قاجار را امر فرمودند که پل خدا آفرین واقع در شش فرسخی شوشی را که بر روی رود ارس است حراست و نکاهبانی کند و وقتی مشار الیه باین محل رسید که آن پل را ابکفنه ابراهیم خلیل خان جوانشیر حاکم شوشی خراب کرده بود لهذا نواب اعتضاد الدوله سلیمانخان قاجار قوانلو با مراعلی بمرمت و ساختن پل مزبور پرداخته و سنکری محکم نیز برای مستحفظین پل در آنحوالی ساخته و نواب علیقلیخان بنظم و حراست حدود و نواحی ایروان مامور کردید و مصطفی خان قاجار بتدمیر و تنبیه مصطفی خان طالش محکوم کشت پس از آن موکب بصرت قران از رود فراسوی اردبیل عبور کرده در آدینه بازار اقامت جست و نواب امیر کبیر سلیمانخان و محمد حسینخان قوانلو با لشکری جرار بمعاونت مصطفی خان قاجار رفتند جماعت طوالش احمال و اثقال خود را بسفاین کذاشته بساحل سالیان فرستادند اهل سالیان آنها را راه ندادند لهذا آن احمال بتصرف عساکر فیروزی مآل در آمد و پس از غلبه بر طوالش و مغلوب شدن مصطفی خان و شاه پلنک خان اهل و کوچ جماعتی از آنطایفه را بمازندران کوچانیدند و مصطفی خان پس از انکه حصون محکمه آن سامان را با خاک یکسان نمود مظفر و منصور بار دوی همایون معاودت کرده شاه نواز پسر شاه پلنک خان طالش را که جرم و سابر اسرا بدربار معلی آورده بود بتقبیل عتبه پادشاهی فایز ساخته او مورد عنایت کردیده شاه نوازخان لقب یافت هم در اینسال در غره ذیحجه

موکب شهریار منصور از پل خدا آفرین که مجدداً ساخته و مرمت شده بود عبور نمود و ارامنه قراباغ بحوالی شوشی رسیده
محمد قلیخان قوانلو و مصطفی خان قاجار بر سر آنها تاخته جمعی را مقتول و برخی را اسیر کرده بحضور همایون آوردند
بعد از آن موکب اعلی از پل ملا نصر الدین واقع در سه فرسنگی شوشی عبور کرده قلعه شوشی را در کمال سختی محاصره نمودند
مهدیقلیخان برادر حسینقلیخان باکوئی و جمعی از بزرگان آنسامان از در عبودیت در آمده با آستان مبارک شتافتند
اما ابراهیم خلیلخان با ده هزار سوار از قلعه بیرون آمده بمجادله و مقاتله پرداخت و بعد از جد و جهد زیاد منهزم
شده باز بقلعه پناه برد پس از انهزام ملازمان سپهر احتشام نامه با براهیم خلیلخان نوشته او را باطاعت دعوت
کردند و ضمناً باو نگاشتند (ز منجنیق فلک سنگ فتنه میبارد   تو ابلهانه گریزی در آبگینه حصار) ابراهیم خلیلخان
که هنوز غروری در سر داشت در جواب نوشت (گر نگهدار من آنست که من میدانم   شیشه را در بغل سنگ نگه میدارد)
بالجمله محمد بیک و اسد بیک برادرزاده‌های ابراهیم خلیلخان که در بیرون قلعه مأمنی داشتند بدستیاری قلیچخان و
عبدالله خان از ملازمان حضرت شهریار عظیم الشان اسیر شدند و اینفقره عزم ابراهیم خلیلخان را بکاست و عریضه
ضراعت بدرگاه رعیت پناه عرض نموده متقبل عبودیت و خراج شد و تحف و پیشکشی تقدیم نمود و ضعف و پیری را علت تقاعد
از شرفیابی قرار داده مستدعی شد که ایشان از اینمطلب معاف باشد و وقت دیگر باینکار قیام نماید و این مسئول او مقبول
گردید نیز در این ایام موکب منصور عزیمت تفلیس نمود و فرمانی بوالی گرجستان ارکلی خان مرقوم فرمود و او را باطاعت و انقیاد
دعوت فرمود ولی او براه خودسری مایل شده با سپاهی بمقابله لشکر نصرت اثر شتافت پس از اشتعال نایره جدال و تحمل
مقاساة قتال تاب مقاومت نیاورده راه گریز پیش گرفت و بتفلیس آمده خواهر و زوجه خود را برداشته بکاردیل رفت
و عساکر منصوره تفلیس را متصرف شدند و پانزده هزار نفر را در اینجا اسیر کردند و از تفلیس رایت انقیاض بطرف گنجه
افراشتند و از گنجه بمغان آمدند همدر این اوقات مصطفی خان دولو که مامور دفع مصطفی خان شیروانی بود شیروان را
مسخر نمود و باو امر فرمودند که محمد حسنخان حاکم شکی که با برادرش سلیمخان کدورت و نزاعی کرده و پناه بحضرت همایون
آورده اعانت و امداد نماید و او را در حکومت خود مستقل سازد و مقارن ورود مصطفی خان باتداشر حاجی سعید
و جمعی از اعیان آن نواحی بدربار همایون از دست مصطفی خان قاجار شاکی شدند که بکدخدایان شیروان تعدی نموده
و بدون جرم اموال آنها را گرفته لهذا مصطفی خان را معزول و احضار فرمودند و علیقلیخان را بجای او مامور نمودند
و مصطفی خان را در مراجعت در عرض راه سواران خان چوپان بکشتند حضرت شهریاری در دفع فساد شیروانیان
بعلیقلیخان تاکید فرمودند و مصطفی خان شیروانی چون چاره جز اطاعت ندید بقبول بندگی را بگردن گرفته متقبل
خراج و مالیات گردید و علیقلیخان پس از انتظام امور شیروان باردوی همایون معاودت نمود و موکب ظفر کوکب
حضرت شهریاری نیز عزیمت بازگشت بطهران فرمود (افغانستان) در اینسال تیمور شاه ابن احمد شاه افغان بعد از
سی سال سلطنت وفات یافت و شاه زمان پسرش بجای او بامارت نشسته استقلال بهم رسانید (اروپا) (المان)
هانمان طبیب ساکسی معالجه امراض را بمثل قرار و رواج داد و فرنگیها این قسم معالجه را هومیوپاتی مینامند این
قسم معالجه شبیه است بدفع فاسد بافسد (سایر ممالک اروپ) انگلیسها جزایر مارتینیک را از تصرف فرانسه‌ها
خارج ساختند جزیره کرس متعلق بفرانسه را نیز پاولی نام برضد فرانسه‌ها شورانیده میخواهد از تصرف آنها
منتزع کرده بتسفاین انگلیس بعضی بنادر این جزیره را متصرف اند عساکر اسپانیول که بخاک فرانسه ورود و تخطی
نموده بودند آنها را میدوانند و از خاک خود بیرون میکنند ژنرال هش سردار فرانسه معسکر خود را در کنار

فرانسه‌ها

همدر این اوان عریضه سلیمان
پاشا والی بغداد را با هدایا
بحضور موکب منصور ظهور
پادشاهی آوردند

روددرین سمت المان قرار میدهد پیشگرو سردار دیگر فرانسه بلژیک را متصرف میشود عساکر فرانسه بسرداری ماسینا
بخاک ایطالیا ورود میکند قشون فرانسه هلاند را میگیرند در جزایر متعلقه بفرانسه جنس سیاه پوستان که در بند
رقیت بودند آزاد میشوند در ایالت واندیه فرانسه فیمابین جمهوری طلبان و هواخواهان سلطنت جنگ سخت در کار است
دانتن که یکی از رؤسای جمهوریست متهم و مقتول میشود در مدت سه ماه بر سبیل استمرار در فرانسه از بجا بلا استثنا
هرکس را بجنک می آورند میکشند و بر صغیر و کبیر و اناث و ذکور و شیخ و شاب بجا ابقا نمیکنند الیزابت خواهر لوی
شانزدهم در بار پس مقتول میشود روبس پیر نیز از رؤسای جمهوری بقتل میرسد و بعد از کشته شدن او و قتل بجا و
اعیان و هواخواهان سلطنت تشدد تا اول نیست وضع جمهوری تغییر کرده از شدت و حدت که در خون ریزی داشتند
افتاده قدری علایم میل صلح مینمایند قحط و غلای سخت در فرانسه ایجاد مدرسه پلیتکنیک ژافروا سنت هیلر حکیم
طبیعی درس علم طبیعی حیوانات بمتعلمین میدهد اختراع تلگراف در مملکت فرانسه بواسطه علایم نه بواسطه سیم
معمول حالیه (ایطالیا) ولتا نام اختراع چرخ الماس میکند طغیان کوه آتش فشان وزو و شهر تور را معدوم میسازد
(لهستان) شورش اهالی لهستان و منازعه آنها در چند نقطه با عساکر روس کشته شدن جمعی از عساکر روس در
ورشو فتوحات عساکر پروس در لهستان و تصرف نمودن کراکوی را که از شهرهای لهستان است سوواروف سردار روس
قتل و نهب زیادی در لهستان مینماید شهر ورشو را مجددا متصرف میشود استانیسلاس از خانواده سلطنت لهستان
که داعیه سلطنت لهستان را دارد بحکم کاترین امپراطوریس روس از حقوق سلطنت استعفا مینماید یکسال در باب تقسیم لهستان
درمیان دول روس و پروس و اطریش گفتگو در کار خواهد بود

سنه ۱۷۹۵ مسیحی — سنه ۱۲۱ هجری

آسیا (ایران) در این سال فرخنده فال حضرت همایون شهریاری با مسئلت سران و بزرگان قاجار و علما و
اعیان و حکمرانان ارادت شعار قبول تاج گذاری فرمودند و در دار الخلافه طهران تاج کیانی از فرق مبارک سلطانی
فرقی بود و فروغی تازه یافت بازو بندهای گوهر مرصع و مکلل بالماسهای دریای نور و تاج ماه شده بود از بازوی با
نیروی پادشاهی بی قدر و قیمت خود فزود شرایط و لوازم این جشن سعید را ملازمان حضرت و هواخواهان
وجود مسعود مبارک بلکه عموم رعایای ایران کاملا مرعی و منظور نمودند و در جمیع بلاد و ممالک محروسه بر منابر
بنام همایون خطبه را مطرز و سکه را مزین داشتند عالی و دانی بعرض تهنیت و تبریک پرداختند و عیش و شادمانی
را بجامع و محافل ساختند و بعضی از مورخین تاج گذاری اعلیحضرت شهریاری آقا محمد شاه را در آخر سال هزار و دویست
و نه نوشته اند بهر حال بعد از تاج گذاری چندی عساکر منصوره را آسوده و راحت گذاشتند تا از مشقت و خستگی
اسفار بیرون آیند چون چند گاهی بر این منوال گذشت امنای حضرت علیه را مسموع شد که نادر سلطان افشار و بعضی
از اهالی مشهد مقدس اموال و نفایس از خزینه حضرت رضوی سلام الله علیه بیرون آورده تصاحب میکنند نیز
معروض داشتند که اوزبکهای بخارا بر خراسان استیلا یافته و مرو را قتل و غارت نموده اند لهذا موکب همایون در هفتم
ذیقعده اینسال از طهران انتهاض فرموده ابتدا تا که استرآباد را تنبیهی نیز نموده پس از آن بطرف جاجرم
راندند و از آنجا مصمم مشهد مقدس گردید بدین نزدیکان خراسان از قبیل الله یارخان قلیچی حاکم سبزوار و ابراهیم خان
کره شادلو حاکم اسفراین و امیر گونه خان زعفرانلو حاکم خبوشان و ممش خان زعفرانلو حاکم چناران و لطفعلیخان
حاکم ادک و جعفرخان بیات حاکم نیشابور و صفر علیخان بغایری همراه با فوجی برکاب علی پیوستند جعفرخان نیشابوری

با اهل و عیال مأمور طهران شد میرزا مهدی مشهدی از اجلهٔ علما بهمراهی شاهرخ میرزای افشار و قهار قلی میرزا پسر
شاهرخ میرزا بحضور مبارک تشرف جسته مشمول عنایت و احترام موفور گردیدند و شاهرخ میرزا اذن جلوس یافت
نادر میرزا ولد شاهرخ میرزا عریضه عرض کرده استدعا نمود که او را مرخص فرمایند با متعلقان بهرات رود مسئول او
مقبول افتاده رخصت یافت ابراهیم خان شادلو مورد مؤاخذه گشته با کوچ روانهٔ طهران شد آنگاه اعلیحضرت شهریاری
با خضوع و انکساری تمام از دروازهٔ خیابان پیاده بروضهٔ مقدسهٔ رضویه علی ساکنها الف سلام و تحیه آمده
بزیارت و ضراعت و مراسم عبادت قیام نمودند پس از آن بامور و مهام ملکی پرداختند و تمامی خزینه و جواهر ثمینه
و لآلی آبدار و دراری شاهوار نادرشاه افشار که در تصرف شاهرخ میرزا پسر نادر بود چون تعلق بسلطنت
داشت بملازمان آستان همایون رسید بعد از بیست و دو روز توقف در مشهد مقدس شاهرخ میرزا را با اولاد و
احفاد امر برفتن مازندران فرمودند و شاهرخ میرزا در راه درگذشت شاهمراد بیگجان اوزبک که در مرو بود
صیت شوکت و توجه ملازمان حضرت شهریاری را بساحت خراسان استماع نموده از مرو راه بخارا پیش گرفت خوانین
خراسان نیز بعد از اظهار عبودیت هریک بحکومت ایالات و اوطان خود منصوب و مرخص شدند و بعضی از کسان آنها
مأمور طهران گردیدند و محمد حسنخان قراگوزلو را نزد شاه زمان پسر تیمورشاه افغان امیر کابل فرستادند که بلخ را
که یکی از بلاد خراسانست و در تصرف گماشتگان او میباشد واگذار و تفویض بملازمان حضرت شهریار اعظم اقدس نماید
و اسمعیل آقای مکری برسالت نزد شاهزاده محمود برادر شاه زمان رفت همچنین رسولی نزد حیدرخان بخارا فرستادند حاکم هرات بود
که شهر مرو را خراب کرده و اسیر برده و بیرام علیخان را که با قاجاریه نسبت داشت هلاک کرده اسرا را بفرستد یا مهیای
جنگ باشد و مهیای فرستادن اسرا و هدایا بود که حرکت لشکر روس بطرف آذربایجان و انتهاض اعلیحضرت همایون
از خراسان او را از خیال انداخت هدایای اوان خبر دادند که قشون روس بدربند و مغان آمده و قصد تسخیر
آذربایجان دارند و اهالی بادکوبه و طالش و سالیان اطاعت آنها نموده بنابراین محمد ولیخان قاجار بسرداری
خراسان مأمور شده با ده هزار سوار در این مملکت اقامت کرده و فتحعلیخان کتول را بحراست قلعهٔ مشهد مقدس و تعمیر روضهٔ
مقدسه و دریافت مالیات فرمان دادند و موکب ظفر اقتران از خراسان عزیمت طهران فرمود عساکر روس نیز
از میان ولایت داغستان گذشته قلعهٔ دربند را محاصره نمودند و چون در این ایام حکمران دربند پیرمردی صد و بیست
ساله بود خود داری و نگهداری قلعه نتوانست نمود لهذا قلعهٔ دربند را قشون روس متصرف شد اما در این اوان کاترین
امپراطریس روس که سلطنت داشت درگذشت و چون سپاه روس خبر فوت او را شنیدند ممالک شیروان و دربند و
آن نواحی را تخلیه کرده بمملکت خود بازگشتند نگارنده گوید مورخین ایران اینواقعه را از حوادث سال هزار و دویست
و ده دانسته اند اما چون مورخین فرنگ فوت کاترین امپراطریس روس را در سال هزار و دویست و یازده نوشته اند
باید اینسانحه را بسال بعد نسبت داد هدایای این اوان یعنی در اواخر سال هزار و دویست و ده محمد حسنخان قراگوزلو
که نزد شاه زمان برسالت رفته بود از افغانستان مراجعت کرده سفیری کدو خان نام از جانب شاه زمان با او همراه و
عریضه داشت مبنی بر تشیید مبانی ارادت و تفویض بلخ از ذکر قابل میل هدایا بساط حضرت مستطاب جهانبانی را که
بحکومت فارس مشغول بودند پسری از بطن صبیهٔ شیخعلیخان بوجود آمد و موسوم بشیخعلی میرزا گردید (چین)
استعفای خیان لونگ خاقان چین از سلطنت بعد از پنجاه و نه سال پادشاهی و برقرار شدن پسرش کیاکن بجای او
که بیست و پنج سال سلطنت خواهد کرد و بسط مملکت خیان لونگ تا سرحدات ایران و ساحل جیحون بوده و تمام ترکستان

و تاتارستان

وتاتارستان را مسخر نموده این پادشاه از دانشمندان بزرگ و مروجین علوم و صنایع شمرده میشود و تالیفات عدیده
از او باقیمانده است اروپا پیشگرو سردار فرانسه مملکت هلاند را کلیةً متصرف میشود و والی هلاند بخاک انگلیس
پناه میجوید اسپانیول با فرانسه در صدد مصالحه میباشد مابین پروس و فرانسه در شهر بال عهد مصالحه منعقد میشود
اما منازعه اطریش با فرانسه کماکان بحال خود برقرار است کاترین دوم امپراطریس روس سفاین جنگی خود را با انگلیس
ضد فرانسه متحد میسازد انگلیس در صدد مخاصمه با مملکت هولاند که دوست فرانسه و در زیر حمایت او است میباشد
و در دماغه امید افریقه و سیلان هند و سایر جاها حمله بمتصرفات هلاند میبرد عساکر اطریش با لشکر جمهوری فرانسه در
المان مشغول جنگ میباشند در اواخر اینسال مابین اطریش و فرانسه متارکه میشود لهستان را روس و پروس
و اطریش بالسویه قسمت میکنند و سلطنت لهستان را از نوشتجات رسمی و نقشه جغرافیا بوضع استقلال حذف مینمایند
و بعدها این مملکت مجزی شده دولت منفرده و سلطنت مستقله نخواهد بود استانیسلاس پنیاتوسکی که آخر پادشاه
لهستان بود گوشه کبری و انزوا اختیار کرده موظف بوظایف دول ثلاثه روس و پروس و اطریش خواهد بود (فرانسه)
موت لوئی هفدهم پسر لوئی شانزدهم در سن ده سالگی در محبس تامپل گویند بزجر او را مقتول نمودند بهر حال ایشان
فوت او عم او که در خاک المان بود خود را لوئی هیجدهم نامیده بسلطنت فرانسه و حقیت خود در این دعوی معترف میباشد
ژنرال هش سردار جمهوری در بریتانی با بعضی از سلطنت طلبیان فرانسه که انگلیس آنها را مسلح نموده و محرک شده
و از خاک انگلیس بخاک فرانسه ورود داده جنگ کرده سلطنت طلبیان مذکور را شکست میدهد وضع دولت فرانسه
بدست پنجنفر رئیس خواهد بود که این وضع را دیرکتوار مینامند شورش سختی در پاریس ناپلیون بناپارت که
توپخانه پاریس در تحت ریاست او بود این شورش را رفع مینماید ایجاد مدرسه مخصوص علم طب که علوم دیگر در آنجا
تدریس و تحصیل میشود همچنین مدرسه بیطاری تعیین مقادیر بوضع مخصوص که در صحت آن تردیدی نمیباشد
باین معنی که از قطب تا خط استوا مسافتیکه بخط مستقیم مابین نقطتین است به بیست کرور قسمت متساوی تقسیم
میشود و هر یک قسمت را متر قرار میدهند همینطور اوزان را نیز مقیاس معین مینمایند که بصحت کامل مقرر است
ایجاد وزیر احتساب در پاریس خبر لوئی شانزدهم که در حبس بود با اسرای جمهوری که در المان بودند مبادله میشود

سنة ۱۲۱۱ هجری   سنة ۱۷۹۶ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال اعلیحضرت شهریار تاجدار آقا محمد شاه قاجار عزم تسخیر مملکت خراسان نمودند ابراهیم خلیل
خان حاکم قراباغ که تقاعد از خدمت داشت فرمودند و قبل از انتهاض موکب اعلی نواب مستطاب جهانبانی را از شیراز بدار
الخلافه طهران احضار فرموده بیش از پیش بتفقدات کامله در رتبه اختصاص داده آنحضرت را در مجلس خاص خواندند و در
حضور مبارک نشاندند و بکمال عقل و وفور حزم و لیاقت مملکتداری و رعیت پروری و سایر خصایص شهریاری ستودند
و فرمودند در تصفیه ممالک و بلاد و کشورستانی و لشکرکشی رنج بسیار دیده و زحمت بیشمار کشیده ام و تورا برای تخت
و تاج سلطنت ایران برگزیده ام اینک سفری سخت در پیش دارم و چنین میپندارم که این آخرین ملاقات من با تو باشد لهذا بواسطه
نور البصر احضار کردم که هم دیده بدیدار تو روشن کنم و هم بعضی وصایای خود را بتو اظهار دارم حضرت مستطاب جهانبانی از
استماع اینکلمات منقلب گردیده گریستند و وجود مسعود همایون را دعا و ثنا گفتند شنیدنیها شنیدند و بمراجعت بمقر
حکمرانی و مملکت فارس مامور گردیدند نگارنده گوید بنا براین مقالات است که بعضی از محققین گویند حضرت مستطاب
جهانبانی در همین سال بولایت عهد برقرار گردیده اند اگر چه بزعم بعضی در هزار و دویست و نه و بعقیده برخی در هزار و دویست

وچهار

و چهار بانیمفا رهنی پل شده اند خلاصه موکب همایون در اول بهار بطرف چمن سلطانیه نهضت فرما شده و از شاهزادگان
نواب ابو میرزا و محمد تقی میرزا و حسینعلی میرزا و حسینقلیخان برادر حضرت مستطاب جهانبانی ملتزم رکاب اعلی
بودند میرزا شفیع صدر اعظم با میرزا محمد خان قاجار دولو بحراست دار الخلافه طهران مامور گشتند و حاجی ابراهیم خان
اعتماد الدوله میرزا اردوی همایون همراه شده راه کنار رود ارس پیش گرفتند و در سلطانیه لشکار رحرکم بر داختند اما
از آنطرف ابراهیم خلیل خان بعزم اینکه راه عبور موکب منصور بر بندد پل ارس را شکسته بود و آب بر صحاری میبستند
اعلیحضرت همایون اردوی کیوان شکوه را در آدینه بازار گذاشته و نواب امیر کبیر سلیمانخان و حسینقلیخان و حاجی
ابراهیم خان را بمحافظت اردو گماشته خود بنفس مبارک با صادقخان شقاقی و جمعی از سپاه ظفر همراه از آب عبور فرمودند
اگرچه بعضی از سفاین شکسته و برخی از لشکریان غرق شدند از وضع عبور لشکر منصور هراسان شده قلعهٔ محکم پناه آباد را ابراهیم خلیل خان
گذاشته بداغستان گریخت و قلعه را عساکر نصرت مآثر پادشاهی متصرف شدند و اموال و اثقال و خزاین و دفاین
زیادی از این قلعه بدست آمد ولی بعد از این فتح و غلبه کوکب حیات شهریار عظیم الاقتدار ایران میل بافول و غروب نمود
تبیین این مقال آنکه سه نفر از ملازمان حضرت و چاکران خلوت مصدر جرم و جنایتی شده اعلیحضرت همایون آنها را
بوعید قتل تهدید فرمودند و چون بتجربه برآنها معلوم شده بود که آنچه را شهریار تاجدار بیان و اظهار فرماید لابد
بعمل خواهد آمد و شفاعت و ضراعت ثمری نخواهد بخشید بنابراین زندگانی خود را منحصر بشهادت پادشاه ذیجاه
ایران دانستند لهذا در شب شنبه بیست و یکم ذیحجه هنگام سحر بر سر بالین آن شهریار تاجور آمدند و روان آن بزرگ یگانه
جهان نیکبخت را روانه غرفات جنان نمودند و تاج و کمر و بازوبندهای مشهور و صندوقچه جواهر را برداشته نزد
صادقخان شقاقی بردند مدت سلطنت شاه شهید آقا محمد شاه طاب ثراه از فوت کریمخان وکیل هیجده سال و دو ماه
بود که تقریباً در ظرف یازده سال کمال استقلال را داشتند نگارنده گوید که جمیع مورخین ایران و فرنگ شهادت
شاه شهید سعید را در سال هزار و دویست و یازده نوشته اند مگر لسان الملک که در شب شنبه بیست و یکم ذیحجه
هزار و دویست و دوازده نگاشته است هر حال از مآثر مشهوره ملوکانه این پادشاه تعمیر بلدهٔ طهران و تذهیب
قبه حضرت سید الشهداء علیه آلاف التحیة و الثنا و ضریح نقره مطلای نجف اشرف و مرمت و ضریح مقبره رضویه علیه السلام
و مسجد جامع قزوین است ملت عمر شریف پنجاه و هفت سال و الحق از سلاطین با عزم و حزم و اهمیت و مهابت
بود و در مدت سلطنت و کشورستانی اقدامات بزرگ فرموده است
پس از آنکه شهریار معظم آثار بسعادت شهادت فایز گشت و آنشب بسر آمد علی الصباح انقلابی در اردو پدیدار شد
محمد حسینخان قاجار کشیکچی باشی و میرزا رضاقلی نوائی منشی الممالک سر اسیمه بخوابگاه پادشاه ذیجاه شتافته و
پیکر مبارکش را غرقه بخون یافتند آنچه از اسباب سلطنت باقی بود برداشتند و از راه نخجوان روانه طهران شدند
و اهل آن ولایت بقیه اردو را غارت کردند و چون این خبر وحشت اثر بادوی بزرگ رسید لشکر متفرق شدند حسینقلیخان
و نواب سلیمانخان در رکاب شاهزادگان عظام روانه رشت گردیدند و از رشت راه دار الخلافه پیش گرفتند حاجی
ابراهیم خان اعتماد الدوله با جمعی از نفنگچیان مازندرانی از راه اردبیل و زنجان بطرف طهران روان گشت و
نجفقلیخان شاهسون در راه با ایشان همراهی نمود نواب علیقلیخان از راه خوی و مراغه و تبریز بدار الخلافه آمده
در چهار فرسخی طهران اقامت کرد امرا در قزوین بیکدیگر رسیدند و باتفاق بقریه دولاب طهران شتافتند در اینحال
بماندند نواب حسینقلیخان ثانی برادر کهتر حضرت مستطاب جهانبانی خواست بشهر طهران ورود نماید میرزا محمد خان

دولت فاجعان بیکلربیگی طهران بنا بر وصیت شهریار مغفور نور الله مضجعه احدی را بشهریاری نداده منتظر وصول وارث بالاستحقاق تخت و تاج سلطنت ایران کردید و میرزا محمد شفیع صدر اعظم که چندی وزارت اعظم حضرت آقا محمد شاه طاب ثراه را داشت بعد از آنکه حاجی ابراهیم خان باین مقام رسید و از این رتبه عاطل و این اوقات در دار الخلافه بود در این باب با امیر معظم همراهی کرده برج و باره قلعه طهران را نیکو محافظت نمودند تا زمانی سپرده در برج تمامی ابرا بستند و بر مرصد انتظار نشستند و هم در این سال نواب عبدالله میرزا و نواب محمد رضا میرزا و نواب امام وردی میرزا فرزندان حضرت مستطاب جهانبانی متولد شدند نیز در اینسال قبل از شهادت شاه سعید شهید انار الله برهانه فرستاده که نزد شاهزاده محمود حاکم هرات فرستاده بودند باز گشت و شاهزاده مشار الیه اظهار خلوص و ارادت نموده و معروض داشته بود که اگر قبول افتد من نیز یکی از حکام پادشاه فلک خرگاه ایرانم اگر احکام و فرامین شهریاری شرف صدور یابد میان بخدمت خواهم بست و عملا زمان حضرت خواهم پیوست و بعضی این واقعه را بیسال قبل نسبت داده اند

نواب مستطاب والا حاجی معتمد الدوله در جام جم میفرمایند که در شوال المکرم هزار و دویست و ده هجری حضرت آقا محمد شاه بسمت استراباد و گرگان روان شدند طوایف ترکمان را تاخت و تاز کرده از دهنه قراتیغ بخراسان روان گردیدند کل امیران خراسان بر تلثیم عتبه همایون شتافتند و شاهرخ شاه اعمی را جناب میرزا مهدی مشهدی بحضور آورد و که در خراسان تشریف داشتند که خبر قزل ایاغ و فتنه گرجستان بسمع شریف ایشان رسید دفع و رفع آن طایفه را اهم دانسته مراجعت کردند و فصل زمستان در طهران بر تهیه لشکر پرداختند در اواسط ذیقعدة الحرام هزار و دویست و یازده هجری بجانب گرجستان رایات همایون بحرکت آمد پس از فتح آنجا و در قلعه شوشی در شب شنبه بیست و یکم شهر ذیحجة الحرام هزار و دویست و یازده هجری بدست صادق نام فراش خلوت شهید شدند و لفظ تاریخ تاریخ او است و حاکم قراباغ ابراهیم خلیل خان جوانشیر که از اکابر آن ولایت است از شدت باس آن پادشاه روگردان شد و پس از شهادت ایشان خاقان مغفور عنایت کرده وحشت او را براحت و اطمینان مبدل ساختند و صبیه او را بعقد ازدواج خود در آوردند. القصه ولادت آن پادشاه در روز یکشنبه بیست و هفتم محرم الحرام هزار و صد و پنجاه و پنج در قصبه استراباد اتفاق افتاد و از عمر شان پنجاه و شش سال گذشته بود انتهی

(ترکستان) هم در اینسال ایلتذر بن عوض اتالیق بن محمد امین اوزبک قنقرات در خوارزم خروج کرده با ترکمن یموت و غیره جنگ و جدالها انداخته بر آنها غالب آمد پوشیده نباشد که در این اوان میر معصوم مکنی بشاه مراد ملقب به بیجا در بخارا حکمران بود و نیاز علی در ولایت شهر سبز سمرقند داشت و امیر عالم بیک در خوقند و دار الملک فرغانه حکمرانی میکرد و ولی نعمت خان در انده خود حکومت مینمود (هندوستان) تیپو صاحب بر ضد انکلیسها با فرانسه عهد میکرد (اروپا) ارلند که وضع جمهوری فرانسه را دیده و پسندیده میخواهد از انکلیس مجزی شود و بوضع فرانسه جمهوری باشد عساکر جمهوری فرانسه بسرداری ناپلیون بناپارت که در این وقت بیست و هفت ساله میباشد در ایطالیا بر ضد عساکر اطریش فتوحات مینماید ژنرال ماسنا نقاط دیگر ایطالیا را متصرف میشود مرو سردار دیگر فرانسه در سواحل رن قشون اطریش را که بسرداری آرشیدوک شارل بودند شکست میدهد ژنرال بناپارت در ایطالیا بیست هزار اسیر و پنجاه عراده توپ از اطریش میگیرد و شکستهای سخت بر قشون و سردار اطریش میدهد و باسان را مسخر کرده فتوحات دیگر نیز مینماید غالب ایالات ایطالیا که جزو اطریش بودند و والی و سلطنت مستقلی داشتند همچنین بعضی از ممالک المان یا تبعیت فرانسه را قبول میکنند یا با دولت جمهوری عهد و بستگی میبندند (اسپانیول) اتحاد این دولت با جمهوری

فرانسه

فرانسه که بواسطهٔ این اتحاد اعلان جنگ با نکلیس مینماید (فرانسه) ناپلیون بناپارت که سردار عساکر فرانسه مامور جنگ
ایطالیا برقرار شده بود ژوزفین نام را که بیوه بود در هشتم ماه مارس در حبالهٔ نکاح خود در می‌آورد شوهر اول
ژوزفین بهادر نیز بوده و دو فرزند ازا و داشته یکی پسر موسوم به اوژن و یکی دختر مسماة به هرتانس لاپلاس منجم
کتاب نجومی تصنیف کرده که هیئت عالم را بوضعی غیر از وضع بطلمیوس دانسته و سبک جدید هیئت را انتشار میدهد
(هلاند) دولت هلاند من بعد موسوم و معروف بجمهوری باتاو خواهد بود و دولت انگلیس متصرفات هلاند را در
هندوستان و افریقا بغلبه میگیرد (ایطالیا) و بکتور آمده سیم بعد از بیست و سه سال سلطنت وفات نموده
پسرش امانوئل چهارم بجای او بتخت سلطنت جلوس کرد (روس) هراکلیوس پادشاه گرجستان در تحت حمایت روس
در می‌آید کاترین دویم امپراطریس روس در سن شصت و هفت سالگی بمرض سکته وفات میکند مدت سلطنت
کاترین سی و پنج سال بوده است و پس از فوت او پسرش پل اول بجای مادر در سن چهل و دو سالگی با امپراطوری
روس برقرار میگردد

سنه ۱۲۱۲ هجری — سنه ۱۷۹۷ مسیحی

آسیا (ایران) روز دوم محرم امینا الخبر شهادت شاه شهید سعید آقا محمد شاه طاب ثراه در شیراز بحضرت
مستطاب جهانبانی رسید و حامل خبر بابا یوسف شاطر بود که در پیاده روی با باد دعوی همقدمی داشت جلوس حضرت
اجل اعظم بر تخت خاقانی و اریکه سلطنت در روز عید رمضان این سال الخیر مآل است چنانکه ذکر خواهد شد ولی بزعم
بعضی از مورخین در هیجدهم محرم در شیراز سلطنت خود را اعلام و جلوس نیز با تمام تشریفات تاجگذاری فرمودند
و احکام و فرامین بحکام و ولایات و ایالات مرقوم و صادر کردید بلکه در وقت معین بدار الخلافه طهران حاضر شوند
بعد از آن نواب شاهزاده محمد علی میرزا را بنیابت شیراز داده در اواخر ماه محرم موکب مسعود خاقانی از شیراز باصفهان نمود
روز بیستم ماه صفر بدار الخلافه طهران نزول اجلال فرمودند بعضی حرکت موکب خاقانی را از شیراز روز بیستم محرم
و ورود بدار الخلافه را در چهارم صفر نوشته‌اند ولی روایات اول طرف اعتماد است چنانکه نواب والا حاجی معتمد
الدوله در کتاب جام جم همینطور مرقوم و ضبط فرموده اند خلاصه در کناره کرد نواب حسینقلیخان و حاجی ابراهیمخان
و سایر امرا بار حضور همایون یافتند و نواب حسینقلیخان با آوردن علیقلیخان عمو که سودای سلطنت در سر داشت مامور
شده علیقلیخان دو روز بعد از ورود بدار الخلافه از حلیهٔ بصر عاری کردیده او را در بارفروش موقوف
بداشتند نیز از اشخاصی که بعد از شهادت شاه سعید شهید بخیال خودسری و سربلندی افتاد صادقخان
شقاقی بود بنیین انکه قاتلین شاه جنت جایگاه پس از ارتکاب این شناعت اول کسی را که از این غایله هایله خبر
کردند صادقخان شقاقی بود و او چون این واقعه را باور نمود قاتلان بالین شهریار رضوان مکان شتافته
جواهر گرانبها و لآلی و دراری ثمینهٔ مخصوص شخص سلطنت را برداشته نزد صادقخان آورده باو تسلیم کردند
و او یقین بر ماجری نموده و تشعشع جواهر شاهوار و لآلی آبدار در دماغ او سودای سلطنت تولید کرد لهذا
بتأمل از قلعه پناه آباد بیرون آمد و مصمم عراق شد یعنی ابتدا بسراب آمده برادر خود جعفرقلیخان را بحکومت
قراچه داغ مامور و برادر دیگر را که محمد علی سلطان نام داشت بدار و غکی تبریز فرستاد و خود بقزوین رانده این
بلد را محاصره نمود چون اینجمله معروض آستان حضرت خاقان شد ابتدا حسینخان قاجار قزوینی تولرئیسی را مامور
قزوین کردند در این اوان محمد ولیخان قاجار که مامور حراست مشهد مقدس بود بدار الخلافه آمد و موکب

منصور شهریار عظیم الشأن حضرت خاقان با عساکر غرا از آن متوجه قزوین شد صادقخان شقاقی نیز با بیست و
پنجهزار قشون آذربایجان در محل موسوم بخاک علی از حومه قزوین مهیای جدال شد پس از تلاقی دو لشکر و جنگ
سخت صادقخان شکستی فاحش یافت و ده هزار نفر از همراهان او مقتول و مجروح و دستگیر شدند و خود بطرف
سراب گریخت و این در اواسط ماه ربیع الاول بود پس از غلبه عساکر منصوره حضرت خاقان شهر قزوین را بورود
مسعود مزین فرمودند و در اینجا چند تن از غلامان و دو نفر را که در قتل شاه شهید دخالتی داشتند براه عدم روانه نمودند
و چون نواب حسینقلیخان در جنگ با صادقخان جلادتی بکار برده بودند بحکمرانی ایالت فارس نایل گردیدند و رایات ظفر آیات
همایون متعاقب صادقخان روانه آذربایجان گردید بعد از ورود بزنجان معلوم شد که در آنحدود و سامان اطاعت
بروز کرده اینواضحه اسباب معاودت اردوی معلی بدار الخلافه گردید و در ماه جمادی الاخره اینسال موکب همایون
بطهران معاودت فرمود همدر اینروان محمدخان قوانلوی قاجار ایروانی را که چندی مغضوب بود بایروان مامور
فرمودند و اسمعیلخان قاجار شامبیاتی را بکوتوالی قلعه مزبور فرستادند و جعفرقلیخان دنبلی حکومت خوی و تبریز یافت
و صادقخان شقاقی ربقه انقیاد را بگردن گرفته جواهرات سلطنت را بحضور موهبت ظهور خاقانی انفاذ داشت و بحکومت
سراب که مرجو بود نایل گردید و ابراهیم خلیلخان نیز که از اطاعت عصیان بسته و حسینقلیخان عزالدینلوی قاجار بحمل نعش شاه شهید
سعید نورالله مضجعه که در شوشی امانت گذاشته شده بود مامور گردیده جسد مطهر آن شهریار عظیم الاقتدار
را بدار الخلافه آوردند هنگام ورود حضرت خاقان و جمیع شاهزادگان و امرا و اعیان و علما و معارف بالباس
سیاه تا یکمنزلی دار الخلافه نعش را استقبال کردند و در حضرت عبدالعظیم امانت گذاشتند و شرایط فاتحه
خوانی و خیرات و مبرات کامل بعمل آمد بعد از آن همراهی محمدعلیخان قوانلوی قاجار و ابراهیمخان عزالدینلو و ملا مصطفی
قمشه و میرزا موسی منجمباشی گیلانی و جمعی قرا و سایر لوازم و تهیه تمام آن نعش شریف را بطرف عتبات عرش درجات
حرکت دادند و ولاة و حکام عجم و عرب باستقبال شتافته احترامات و تعظیمات لایقه نمودند خلاصه روز بیستم
شهر رجب جسد مطهر شاه شهید در نجف اشرف در محلی خاص مدفون شد همدر اینسال یا تصدهزار تومان از
بقایای ولایات ممالک محروسه را بتخفیف دادند و در روز عید رمضان اینسال که تحویل آفتاب از برج حوت بحمل نیز
در این روز اتفاق می‌افتاد حضرت خاقان بساعتی سعد و شمایلی بختی کیانی و سریر جهانبانی جلوس فرمودند و تشریفات تاج
گذاری بوجه اکمل بعمل آمد و آنروز فی الحقیقه برای عموم اهالی ایران سه عید سعید بود عید رمضان و روز نوروز و جلوس
خاقان گیتی ستان و فتحعلیخان ملک الشعراء متخلص بصبا از اعاظم اهالی کاشان و فحول شعرای زمان قصیده فریده
در تهنیت جلوس همایون بعرض آستان مبارک رسانید که ماده تاریخ جلوس خاقانی را در آخر آن قصیده بدین نحو انشاد
کرده (زبخت آقا محمدخان شد و بنشست باباخان) و نواب والاحاجی معتمدالدوله نیز لفظ بابا را بطوریکه خود نواب
معظم اختراع فرموده اند تاریخ قرار داده اند باین نحو که کلمه بابا را عبارت از دو بای موحده و دو الف و چون هر یک نیز بترتیب
باینشکل (ب ا ب ا) با ارقام هندسی مطابق شود عدد هزار و دویست و دوازده میشود که سال جلوس حضرت
خاقان کشورستان است همدر اینسال تقیخان یزدی در خدمت تعلل نموده محمدحسینخان برادرزاده حاجی ابراهیمخان شیرازی
نیز دارای اینولایت سرافراز شده مبلغی اضافه و وجوه مالیات دو ساله را با ابوالهادیخان ولد تقیخان گرفته بدار
الخلافه آورد و پس از چندی حکومت کرمان نیز بتقیخان مفوض گردید همدر اینسال محمدخان زند که پس از استیصال و
انقراض زندیه در اطراف در بدر بود مقارن فتنه صادقخان شقاقی موقعی بدست آورده با جمعی از الوار باصفهان آمد

وازآنجا

و از آنجا که حاجی محمد حسینخان بیگلربیگی اصفهان در دربار همایون بود رضاقلیخان از عهدهٔ نسق کردن محمدخان بر نیامد
و او بر اصفهان استیلا یافت و میرزا عبدالوهاب مستوفی اصفهانی که دخیل در امور ولایتی بود اعلیحضرت خاقان فتحعلیشاه
قاجار حسینقلیخان دولو و مهرعلیخان داشلو و الله‌ویردیخان عزالدینلو و حسینخان قاجار قزوینی را با لشکری بر سر محمد
خان زند فرستادند و عساکر منصوره محمدخان را مقهور و منهزم ساختند میرزا عبدالوهاب مستوفی را نیز از نور بصر
محروم و معیوب ساختند و مقرر بود محمدعلیخان قاجار اصفهان را بجرم اطاعت محمدخان قتل کنند ولی بشفاعت علما و سادات
اهالی معفو گردیدند و یوسفخان بختیاری محمدخان زند را گرفته بآستان مبارک فرستاد و او بسزای [illegible]
روانهٔ دیار عدم گردید همدر این سال جعفرقلیخان دنبلی و صادقخان شقاقی با یکدیگر مخالفت کرده صادقخان بمعا
و شیروان گریخت و آخرالامر با هم دست موافقت داده محمدقلیخان افشار حاکم ارومی را نیز فریفته بنای خودسری
گذاشتند حسینقلیخان افشار برادرزادهٔ محمدقلیخان از پیش عم خود گریخته بدربار گردون آثار آمد و واقعه را
عرض رسانید و خود او با محمدعلیخان عرب بسطامی که یوزباشی غلامان بود باطفای نایرهٔ این فساد مأمور گردید
و محمدولیخان قاجار بدفع محمدخان زند بسیلاخور و بروجرد رفت و نواب امیرکبیر سلیمانخان قاجار مامور آذربایجان
شد همدر این سال محمود میرزا و فیروز میرزا پسران تیمورشاه بن احمدشاه افغان ابدالی حکمران کابل و قندهار از [illegible]
در افغانستان هراسان شده بآستان اعلیحضرت خاقان آمدند و سبب وحشت آنها این بود که شاه زمان برادر
کهتر شاهزاده همایون که ولیعهد تیمورشاه بود خروج نموده او را بگرفت و کور کرد و در بالاحصار کابل بند نهاد
این معنی سبب خوف و هراس محمود میرزا و فیروز میرزا شده بدربار اعلی روی نهادند اسمعیل آقای مکری نایب ایشیک
آقاسی باشی بمهمانداری آنها مأمور و روانهٔ یزد شد و آنها را بطهران آورد چراغعلیخان نوائی که امیری سنجیده
و دبیری فهمیده بود بمصاحبت ایشان و امیرزاده و کامران میرزا ولد محمود میرزا مقرر و محکوم شد و بعدها
بتوقف آنها در کاشان اشارت رفت و اسدالله خان ولد ابراهیمخان اعتمادالدوله بمهمانداری آنها پرداخت
و بشمول عنایت خاقانی گردیدند همدر این سال موکب اعلیحضرت خاقان گیتی‌ستان متوجه سلطانیه شد و روز هیجدهم
ذیحجه بدان ناحیه نزول اجلال فرمود و صادقخان شقاقی نواب امیرکبیر سلیمانخان قاجار را شفیع جرایم خود
قرار داده و جعفرقلیخان باکراد بایزیدی پناه برد و محمدقلیخان افشار ارومی پس از قلعه‌داری دستگیر گشت
همدر این سال محمدهادیخان والد رضاقلیخان امیرالشعرای متخلص بهدایت صاحب مؤلفات جلیله که بواسطهٔ
هدیهٔ شاه شهید سعید انارالله برهانه بعتبات عالیات رفته بود بحکم اعلیحضرت خاقان کشورستان با اهل و
عیال بدارالخلافه معاودت کرده و ریش سفیدی عمله خلوت پادشاهی بر عهدهٔ او موکول شد وفات آقا سید
مهدی طباطبائی بروجردی مشهور به بحرالعلوم از اجلهٔ فضلا و مجتهدین در سن پنجاه و هفت سالگی گذشته شد
سید معصومعلیشاه دکنی از مشاهیر عرفا رحلت نورعلیشاه اصفهانی از عرفای معروف در موصل وفات [illegible]
حسین رفیق شاعر اصفهانی اروپا اسپانیولیها که با فرانسه متحد میباشند با انگلیسها [illegible] جنگ
هستند عساکر اطریش با قشون جمهوری فرانسه در ساحل رود رن زد و خورد میکنند فتوحات
ناپلیون بناپارت با جمعیت قلیل در ایطالیا که از آنجمله فتح ریولی و مانتو بود عساکر اطریش کلیةً از ایطالیا
خارج میشوند در عهدنامه [illegible] ناپلیون بناپارت پنجاه هزار نفر قشون فرانسه علاوه بر غلبه بر
عساکر ایطالیا [illegible] عساکر معتبر اطریش را شکست دادند و ناپلیون با کمال رشادت [illegible]

اطریش حرکت کرده و تا پانزده فرسخی اینشهر تاختند و مقدمات صلح را مابین جمهوری فرانسه و دولت اطریش ترتیب
داد بنابراین بلژیک را دولت اطریش بفرانسه واگذار میکند و ایالت لمباردی را در ایطالیا تخلیه مینماید جزایر
یونین که از جمهوری ونیز بود جزء فرانسه میشود مراجعت ناپلیون بناپارت مظفر و منصور بفرانسه
(انگلیس) بانک انگلیس بقدری بی اعتبار میشود که مدت بیست و دو سال وجه مسکوک برات دارنداده
فقط اسکناس میدهد (فرانسه) اغتشاش در وضع دولت تفتین سلطنت طلبان بابف نام که ایجاد طریقه
کمونیست کرده بحکم دولت مقتول میگردد فوت هُش از سردارهای معروف در سن بیست و نه سالگی (پروس)
فوت فردریک گیلیوم دویم پادشاه در سن پنجاه و سه سالگی و جلوس فردریک گیلیوم سیم پسرش بجای او
(عثمانی) عساکر عثمانی بوضع و طرز قشون فرانسه ملبس شده مشق میکنند ایجاد مطبعه در اسلامبول حاکم سربستان
بدولت یاغی شده شکست سختی بعساکر عثمانی میدهد و با شرایط مفیده برای سربستان مجدداً اطاعت مینماید
امریکا (اتازونی) واشنگتن از ریاست جمهوری خلع و ژن آدامس بجای او منصوب و برقرار میگردد

سنه ۱۲۱۳ هجری — سنه ۱۷۹۸ مسیحی

آسیا (ایران) در ششم محرم اینسال موکب همایون خاقان کشورستان بظاهر شهر ارومی نزول اجلال
فرموده بنظم آن صفحات پرداختند و در هفدهم محرم رایت عزیمت بجانب خوی و سلماس افراشتند و حسینخان
برادر جعفرقلیخان دنبلی خدمات نموده مورد مرحمت گردید همدر اینسال حسینقلیخان برادر اعلیحضرت خاقان با وجود
رعایت مخصوصه که از او فرموده بودند یعنی حکومت فارس را که بشاهزاده محمدعلی میرزا تفویض شده بود باو عنایت
کردند باز براه نفاق میرفت و سودای سلطنت در سر داشت و بدین جهت میرزا نصرالله علی آبادی مازندرانی را که در
عهد شاه شهید سعید بوزارت حضرت خاقانی برقرار بود و در اینوقت از جانب اعلیحضرت همایون وزارت و
پیشکاری فارس داشت با آقا محمد زمان که کلانتر فارس و برادر حاجی ابراهیمخان اعتماد الدوله بود و میرزا اسمعیل
کوتوال قلعه شیراز را گرفته کور کرد و جمعی را بگرفتن جان محمدخان قاجار سردار لار فرستاد و او بطرف کاشان
گریخت و حسینقلیخان برادر او شتافته اما باو نرسید لهذا در آباده توقف کرده رستمخان بیات را بمحافظت شیراز
روانه نمود و بنه را با میرزا علی کرابلی سپرد که بیزد خواست برد و خود باصفهان راند حاجی محمد حسینخان بیگلربیگی
اصفهان قبل از ورود او عیال و پسر بزرگش عبدالله خان را بیزد روانه کرد و خود با محمدعلیخان قاجار در خارج
اصفهان نشست و اینخبر وقتی بملازمان حضرت همایون رسید که از ظاهر خوی حرکت کرده عازم شیروان و داغستان
بودند بنابراین نواب امیرکبیر سلیمانخان اعتضاد الدوله را مأمور آذربایجان نموده و موکب معلی بطرف عراق
عطف عنان فرموده و در منزل ارونق تبریز محمدخان زند را مقیداً بحضور مبارک آوردند و بموجب امر اعلی از حلیه
بصر عاطل نمودند و او بجانب کوه کیلویه و گدائی ببصره رفت و در آنجا درگذشت و در منزل میانج ابوالفتح خان ولد
ابراهیم خلیل خان شرفیاب آستان همایون شد و از نواب امیرکبیر سلیمانخان اعتضاد الدوله سعایتی نمود در چمن — جوانشیر
سلطانیه ملاعلی اصغر هزارجریبی ملاباشی حکم فرمودند شاهزادگان عظام نواب عباس میرزا و محمدقلی میرزا و حسینعلی
میرزا در هر منزل از منازل عراق که باشد باستقبال حضور مبارک نایل سازد بنابراین در منزل درجزین شاهزادگان
معظم شرفیاب و از حضور حضرت خاقان اعظم کرده بدند و پس از توجهات شاهانه راه دارالخلافه پیش گرفتند اما
حسینقلیخان بکر از و فراهان آمده ولیخان قاجار که در توقف بعراق معتقد دلتنگی شده بود بوی پیوست و موکب

معلی

معلی روزی چند در منزل ساروق فراهان اقامت فرمود و در این وقت مهد علیا والده خاقان کشورستان باصلاح
ذات البین در رسیدند اما خطا سلی نبخشید و در بیست و هشتم شهر صفر در صحرای کره مستعد مقاتله شدند ملازمان
حضرت خاقان محض ملاحظه رعایت برادری میرزا موسی منجم باشی را نزد حسینقلی خان فرستادند که او را نصیحت نماید
حسینقلیخان از نصایح میرزا موسی که فرمایشهای خاقان کشورستان بود شرمنده شده برکاب اعلی آمد و میدان
رزم بایوان بزم مبدل گردید و ولیخان قاجار که محرک او بود سیاست شد لشکر حسینقلی خان بمعسکر همایون آمدند
و محمد علیخان قوانلو سرداری فارس یافت و نوروزخان عزالدینلو ایشیک آقاسی باشی بیکلربیگی کوه گیلویه سرافراز و
حسینقلی خان دولو بسپهداری کرمان مفتخر گشت و موکب مسعود خاقانی در ماه ربیع الاول بدار الخلافه طهران نزول
اجلال فرمود و نواب امیر کبیر سلیمانخان اعتضاد الدوله که بعضی از نزدیکان او محرک وی شده که اگر بعراق فتنه برپا
شود او نیز بتسخیر دار الخلافه آید چون دانست که موکب خاقانی با تائیدات یزدانی وارد دار الخلافه شده ترک هوا و
سودا نمود و علی همت خان کلیائی و پسر شیخ حسین وخان بابای زنگنه که او را باغوا اغوا میکردند تا خود نواب معظم آنها را گرفته
مقیدًا باستان مبارک فرستاد و خود از راه باصطبل پادشاهی پناه برده معفو گردید علی همت خان کلیائی و پسر شیخ براه
عدم رفتند و خان بابای زنگنه و عبدالله خان اوصانلو دیده در راه بی بهره گذاشتند هم در این سال محمود میرزای افغان
که پناه باستان مبارک آورده و در رکاب شان میزیست و از هرات و کابل بهشده حکم همایون شرف صدور یافت که امیر حسینعلی
عرب جاکرطلبی و میر علیخان حاکم قاینات بمعاونت او امداد نمایند هم در این سال اسمعیل میرزا ابن بهرام میرزا ابن شاه اسمعیل
که از احفاد خلیفه سلطان مازندرانی داماد شاه عباس ثانی و در رسالی در کردستان زندانی بود و بتوسط اشرف خان
دماوندی مستخلص شده باصفهان رفت و اسحق میرزا آن کسی است که کریمخان زند باسم او مملکت ستانی میکرد و در غایله
هایله شاه شهید سعید الوار بختیاری نیز او را دست آویز کرده باین بهانه راه زنی و غارت و تاراج میکردند و بدین
منوال ملعبه جهال بود لهذا او را حبس کرده بودند هم در این سال جعفرقلیخان دنبلی که در میان اکراد بزرگی بود جمعی را
باخود متفق ساخته بخوی و سلماس آمده برادر خود حسینخان را محصور نمود حضرت همایون ابراهیم خان قاجار
دولو را بدفع او مامور فرمود و پس از زد و خورد جعفرقلیخان مغلوب و لشکریان او بر هزیمت گشته بعضی مقتول گردیدند
و ابراهیمخان بتوقف تبریز مامور شد و چون گذشت که حسینخان درگذشته جعفرقلیخان بخوی آمده باولیای دولت
علیه متوسل شده حکومت خوی و آن نواحی یافت هم در این سال زیاده از صد هزار تومان از زر و اشرفی حضرت خاقانی به عتبات
عالیات یعنی نجف اشرف و کربلای معلی و کاظمین علیهما السلام و حضرت عسکریین و میر احمد بن موسی [illegible] بجهت چراغ
اهالی و ارسال داشتند هم در اینسال بامر اعلی شروع به ساختن قصر قاجار در حوالی طهران نمودند و حسینقلیخان
بایالت و ولایت سمنان برقرار گشت و چون باین ولایت قناعت نداشت بحکومت کاشان منصوب گردید و شاهزاده
محمد تقی میرزا بصاحب اختیاری روانه آن ولایت شد و حکومت سمنان بنواب شاهزاده محمد ولی میرزا مفوض آمد و حکومت
قزوین را بنواب شاهزاده محمد علی میرزا مرحمت فرمودند و از آنجا که حضرت شاهزاده معظم عباس میرزا بموجب وصیت
وامر شاه شهید سعید نور الله مضجعه بپایه ولایت عهد ابد دولت جاوید عدت برقرار گشتند بجغه مرصع و خنجر و شمشیر
مرصع و خلعت آفتاب طلعت همایون مخلع و بارتبه ولیعهدی و نیابت سلطنت بحکمرانی آذربایجان منصوب گردیدند
و اتابیکی نواب امیر کبیر اعتضاد الدوله سلیمانخان قاجار و با پانزده هزار سوار جرار رو بجهت حکمرانی نهادند
و میرزا عیسی فراهانی مشهور بمیرزا بزرگ از سادات کرام که آبا و اجدادش بشهر و دار [illegible] بودند [illegible]

حضرت ولیعهد نایب السلطنه اختصاص یافت و ملازم خدمت ایشان گردید و ابراهیم خان قاجار سردار که در
تبریز بود بمتابعت و اطاعت حضرت شاهزاده مامور آمد و بعضی ولایت عهد حضرت شاهزاده معظم
و تشریف فرمائی بآذربایجان از حوادث اوایل سال هزار و دویست و چهارده دانسته اند خلاصه مقارن
این احوال نواب ابراهیم خان بن مهدیقلیخان بنی عم و داماد اعلیحضرت خاقان کشورستان با جمعی از عساکر ظفر مآثر
مامور بتوقف چمن کندمان و حراست عراق و فارس گردید همدرین اوان محمد آقای دیوان افندی از جانب سلیمان
پاشا والی بغداد با هدایا و عرایض باستان اعلی آمد همدرین سال موکب همایون بقصد قلع و قمع نادر میرزا ابن
شاهرخ میرزا و تصفیه خراسان متوجه آنسامان گردید و مقرر شد حسینقلیخان که در کاشان متوقف بود
بکاب مبارک بپیوندد پیش از آن در چمن فیروزکوه اعلیحضرت خاقان سپاه منصور را سان دیدند و حسینقلیخان
[illegible] در دارالمرز بماند و جانمحمدخان دولو برسم منقلای بطرف خراسان روان شد و اردوی
[illegible] جاجرم و اسفراین بطرف [illegible] بقصد انتهاض فرمود و صادقخان شقاقی و حسینخان قزلر آقاسی
[illegible] شاهرخ خان مامور و روانه گشتند و موکب معلی بناحیه نیشابور ورود کرد و علیقلیخان
[illegible] خان با حاکم نیشابور که پدرش ملتزم رکاب مبارک بود بحضور همایون مشرف شد و بجهت انجام خدمات
بشهر مذکور رفت حکم شد جز برج چهار برج و باروی شهر جای کبری را از نقره اسباب توهم علیقلیخان شده بنای مخالفت را گذاشت
حسینقلیخان از بنی اعمام جعفرخان باردوی پادشاهی آمده مشمول مرحمت گردید جعفرخان باستمالت پسر خود بشهر رفته ولی
او نیز عصیان ورزید بنابراین پسر دیگر جعفرخان که در اردو بود بسیاست رسید و چاپار آمد و حکم بیورش و محاصره قلعه دادند الآخر الامر
بتوسط شفعا اهالی معفو گردیدند و جعفرخان نیز مجدداً متقلد خدمت گردید و حسینقلیخان عمزاده او بنیابت ولایت نیشابور
یافت همدرین اوان صادقخان شقاقی و حسینخان قاجار قزوینی که مامور تسخیر و استمالت میرخان کرد شده بودند صادقخان
بر حسینخان سبقت گرفته با میرخان ملاقات نمود و او را باطاعت نادر میرزا تحریض کرد چنانکه از مضمون عریضه او این فقره
مفهوم میشد اعلیحضرت خاقانی این نکته را تفرس فرموده ولی در قلب مبارک پنهان داشتند و حکم شد صادقخان بحاجی محمدخان
ملحق شود و بمحاصره مشهد مقدس بپردازند نگارنده گوید بعضی از مورخین توجه موکب خاقانی را بخراسان نیز از وقایع سال
هزار و دویست و چهارده شمرده ولی بعد از تصفح مسطورات مختلفه معلوم میشود که در اواخر اینسال رایت ظفر آیت
پادشاهی بعزم تصفیه خراسان باهتزاز در آمده اما سوانح عمده اینسفر و محاصره مشهد مقدس از حوادث سال
هزار و دویست و چهارده میباشد انتهی
وفات میرزا ابوالقاسم جابلقی مشهور بقمی اعلی الله مقامه از اجله علما و وفات آقا سید علی طباطبائی مجتهد و عالم معروف
(ترکستان) درین سال ایلتزرخان خوارزمی ابن محمد امین اتالیق ابن فاضل اتالیق ابن ابوالغازی بیک ابن اسفندیار ابن
عرب محمد سلطان ابن حاجم خان ببخارا یورش برد و جمعی را اسیر و دستگیر کرد اما در هنگام عبور از رود آمویه یعنی
جیحون غرق و هلاک شد مدت ملکش در خوارزم تقریباً دو سال بوده بعد از آن پسرش محمد رحیمخان توره بجای او
برقرار گشت (ارو پا) در شهر رم پای تخت ایطالیا مردم بر ضد پاپ شوریده اعلان جمهوری مینمایند پی ششم پاپ
که هشتاد سال داشت از شهر رم اخراج میشود شورش در سویس و اعلان جمهوری سویس مصمم شدن دولت فرانسه
برای فرستادن قشون بمصر بقصد خلل رسانیدن بتجارت انگلیس تا ایرلند و نیز خارجه جمهوری بسفارت باسلامبول
روانه میشود عساکر فرانسه بسرداری ژنرال ناپلیون بناپارت عزیمت مصر مینمایند و ناپلیون جمعی از علما و حکما و نقاشان

فرنگ را

فرنك را با خود بمصر میبرد و بعد از حرکت از بندر طولون بطرف مصر جزیره مالت متصرف میشود و ورود ناپلیون به بندر اسکندریه و حرکت کردن او بسمت قاهره جنك معروف بجنك کبند هرمان غلبه ناپلیون بر قشون مصر که در تحت سرداری مرادبیك بودند و فتح قاهره نلسن امیرالبحر انکلیس سفاین فرانسه را در بندر ابوقیر میشکند دولت عثمانی بتحریك انکلیس بفرانسه اعلان جنك مینماید ژنرال بناپارت تمام مصر را متصرف میشود اتحاد و اتفاق دول مجلله بر ضد فرانسه باغوای انکلیس و بود عساکر فرانسه در ثانی نجاك ایطالیا اتحاد روس و عثمانی بر ضد فرانسه و آمدن نیك اید و از عساکر روس بامداد معاندین فرانسه با ایطالیا (انکلیس) شورش در ارلند و اعلان جمهوریه در آنجا (فرانسه) ایجاد مدرسه حرف و صنایع مستظرفه از قبیل نقاشی و موسیقی و غیره ایجاد اکسپوزیسیون صنایع در پاریس (روس) جلوس آخر پادشاه کرجستان هراکلیوس در زیر حمایت روس امریکا (هایتی) در جزیره هایتی در دریای محیط پاسیفیك توسن نام برهینا پوشان ریاست کرده تمام مهاجرین فرانسه را که در آنجا بودند بیرون میکند

سنه ۱۲۱۴ هجری سنه ۱۷۹۹ مسیحی

آسیا (ایران) در اوایل بیسال اردوی کیوان شکوه خاقانی بدور مشهد مقدس بود و عساکر منصوره شهر را در بند محاصره داشتند و بملاحظه احترام مشهد و مرقد مطهر حضرت امام ثامن ضامن علیه السلام چندان بتخریب نمیکوشیدند و معذلك کار بر محصورین سخت شده بود و چاره غلا کرده بودند نادر میرزا اظهار ضراعت و اطاعت نمود و قرار داد یکی از بنات خود را در حباله نکاح یکی از شاهزادگان اولاد امجاد خاقان در آورد و مفارقت بلد بموافقت کرد بنابراین ضراعت و رعایت حرمتی که ذکر نموده شد در پانزدهم ماه ربیع الاول بیسال موکب منصور اعلیحضرت خاقان گیتی ستان فتحعلیشاه از محاصره شهر مشهد دست کشیده بمنزل چناران آمد و امیر گونه خان کرد زعفرانلو حاکم خبوشان رخصت معاودت بمحل حکمرانی خود یافت و میرزا محمد شفیع مازندرانی وزیر با او همراه شد که صبیه او را که نامزد شاهزاده حسنعلی میرزا بود به بار معلی آورد و جعفرخان بیات حاکم نیشابور نیز مخلع و روانه نیشابور شد و در چمن بسطام نواب حسینقلیخان که بسبب نقاهت از التزام رکاب معاف شده بود صحیح و سالم بحضور همایون مشرف و بعد از آن عزیمت دامغان فرموده و به میرآخور و قراق و اهالی جرم علاء الشرا با مهدیقلیخان قاجار و میرزا محمد شفیع مازندرانی وزیر بدار الخلافه نموده موکب معلی در چمن علی بولاغی بشکار مایل کردید و از آنجا رحمند و نوا پیش کرفت و در فیروزکوه نیز شکاری شایسته اتفاق افتاد و در اواسط ربیع الثانی دار الخلافه بقدوم مبارك خاقانی مزین آمد و هم در این سال در ماه محرم حضرت ولیعهد نایب السلطنه عباس میرزا وارد تبریز شدند و بعد از ورود جعفرقلیخان دنبلی حاکم خوی را احضار کردند مشارالیه باطاعت مبادرت ننمود لهذا حضرت والا بنفس نفیس بسلماس توجه فرمودند و بطرف قارص و بایزید کریخت و پناه باکراد برد و پانزده هزار نفر فراهم آورد و عزم رزم حضرت شاهزاده معظم کرد ولی ملازمان حضرت قبل از وصول او بقلعه هود که جایگاه نقابس و اقارب خانه جعفرقلیخان بود یورش برده قلعه را مسخر و اموال او را کلیه متصرف کردیدند مردان قلعه مقتول و نسوان و صبیان دستگیر عساکر نصرت اقتران کردیدند جعفرقلیخان این خبر را شنیده دیوانه وار بمقابله لشکر شاهزاده کامکار با اقتدار شتافت و در قریه سوغانجوق در هفتم ربیع الثانی فریقین تلاقی نمودند پس از کوشش بسیار جعفرقلیخان چاره جز فرار ندید و آخر الامر با تاسف و پریشانی بخاك عثمانی رفت و قلعه ماکو که از قلاع حمور سعد است پناه باکراد بایزیدی برد و حضرت اسعد والا ولیعهد بخوی ورود فرمودند و بر حسب امر اعلی حکومت ولایت محمودخان دنبلی نواده شهبازخان دنبلی بحکمرانی خوی و سلماس برقرار شد و سرداری این صفحات را

بپسر علیخان شاهسون دادند و بتبریز مراجعت فرمودند و صبیهٔ ابراهیم خلیل خان حاکم قراباغ را که حسب المقرر [illegible]
داخل در خدام حرم سلطنت کرده از شوشی روانه دار الخلافه گردیدند همدرا اینسال محمود میرزای افغان که با میر
حسینخان طبسی برادر علیمرادخان قاینی متوجه هرات گردیده بود و قصد مقاتله شاه زمان و تسخیر کابل و قندهار داشت
قیصر میرزا نورا شکست داده منهزم بطرف هرات بازگشت و در دور هرات نیز افاغنه اندکی او را غارت کردند ناچار بایران
آمده عرض حال خود را بعریضه بدربار خاقان بیمثال انفاذ داشته مقرر شد باصفهان آید و معززا در آن شهر اقامت نماید
تا موقع [illegible] بسر رسد همدرا اینسال صبیه امیر گونه خان در حباله نکاح نواب شاهزاده حسینعلی میرزا در آمد و در
پانزدهم ماه جمادی الآخره باین سور پرداختند و زیاده از صدهزار تومان خارج این عیش شد همدرا اینسال مهدی علی
خان ملقب به بهادر جنگ از جانب حکومت هندوستان انگلیس با تحف و هدایا بدربار معلی آمده سلطنت اعلیحضرت
خاقان کشورستان را تهنیت و تبریک بگفت و نیز فرستاده تیپو صاحب پادشاه دکن با سه زنجیر فیل و چند نفس غلام
غریب مطبوع و [illegible] مکلل بجواهر بدار الخلافه طهران آمده هدایای خود را تقدیم حضور مبارک نموده مورد تفقدات ملوکانه
گردیده با جوایز لایق و انعامات شایان مراجعت کرد همدرا اینسال حکمرانی مازندران بنواب شاهزاده محمدقلی میرزا مفوض
شد و فرمانفرمائی فارس را بنواب شاهزاده حسینعلی میرزا دادند و میرزا نصرالله علی آبادی که نواب حسینقلیخان
را از [illegible] بود بوزارت مازندران و پیشکاری نواب شاهزاده محمدقلی میرزا برقرار گردید و چراغعلی
خان نوائی هم که در این سال نیز به پیشکاری فارس مفتخر گشت همدرا اینسال حضرت نایب السلطنه ولیعهد از آذربایجان
بدار الخلافه آمده شرفیاب حضور اعلیحضرت خاقان کشورستان گردیدند و پس از چندی باز بآذربایجان معاودت
فرمودند و نواب امیر کبیر سلیمان خان اعتضاد الدوله و رضاقلیخان و ابراهیم خان قاجار همراه آنحضرت مأمور گردیدند
همدرا اینسال الله‌یارخان قلیچی که براه خودسری میرفت عریضه مشتمل بر اظهار اطاعت و انقیاد بدربار معلی انفاذ
داشته و مصمم گردید که صبیه خود را جهت خدام حرمسرای سلطنت فرستد و میرزا اسدالله مستوفی نوری بانجام این مهم
منتخب گشت همدرا اینسال عساکر منصوره از اطراف در رکاب همایون احضار شدند و همراه اطاعت [illegible] نمودند مگر دسته
شقاقی که بتسویلات صادقخان شقاقی تقاعد و تخلف کردند و چون پیش از این خلاف و نفاق صادقخان معلوم شده
بود مغضوب و مورد سخط اعلیحضرت خاقانی گردیده و او را در خانه [illegible] موقوف و محبوس داشتند تا از [illegible] راه
عدم پیش گرفت و محمدعلیخان برادرش سرکرده شقاقی برقرار آمد و برادر دیگرش [illegible] و حسن بیگ طایفه
مزبور از کشته و پسرش در سلک [illegible] حضور [illegible] گردید همدرا اینسال نواب حیدرقلی میرزا از بطن صبیه
نواب مرتضی قلیخان [illegible] اعلیحضرت خاقان کشورستان متولد گردید همدرا اینسال نواب محمود میرزا قدم بعرصه
عالم نهاد و وفات حاجی عبدالوهاب نائینی از مشایخ و کاملین عرفا در سن نود و شش سالگی و وفات آقا محمدعلی اصفهانی
متخلص [illegible] شد و وفات [illegible] شاعر [illegible] (هندوستان) تیپو صاحب بواسطه [illegible] امداد فرانسه او مغلوب
انگلیس شد و بعد از هفده سال سلطنت مقتول میگردد و مملکت میسور هند را انگلیس تصرف مینمایند [illegible] با عساکر
متحده روس و عثمانی جزیره کورفو از جزایر یونیان را از فرانسه منتزع مینمایند اعلان جنگ فرانسه با اطریش بعد از یکسال
و نیم صلح دول انگلیس و اطریش با المان و ناپل و پرتوگال و روس و عثمانی بر ضد جمهوری فرانسه متحد میباشند
شکست عساکر فرانسه در [illegible] از قشون اطریش [illegible] روس در ایطالیا [illegible] عساکر متحده
روس و اطریش است که بر ضد فرانسه میباشند قشون فرانسه چندین مرتبه از لشکر روس شکست میخورند

ملینا

ماسینا سردار دیگر فرانسه در سویس فتوحات میکند و با سواره سردار روس ملاقات نموده او را نیز شکست میدهد
بعد از این شکست امپراطور روس عساکر خود را احضار مینماید در هولاند کشتیهای جنگی روس و انگلیس از سفاین جنگی
فرانسه شکست خورده نه هزار نفر از قشون روس بدست سردار فرانسه اسیر میشوند ناپلیون از مصر و شام حرکت
میکند و بندر یافا (یافه) را متصرف میشود و عکه را محاصره نموده بدون نیل مقصود بمصر مراجعت مینماید و از آنجا که
اخبار یکی از فرانسه باو میرسد مشاهده با خیالات و ترقیاتیست که در خاطر دارد در یاست عساکر فرانسه را در مصر به کلبر
واگذاشته خود بسمت فرانسه روانه میشود (فرانسه) انقلاب و اغتشاش شدید در پاریس و سایر بلاد فرانسه
و ورود ناپلیون بناپارت بحال فرانسه و پذیرفتن او را با نهایت شعف بعضی رود بناپارت بپاریس ریاست قشون
پاریس باو تفویض میشود و اندک اندک در خیال و صدد ریاست کل است مجلس وکلا بر ضد ناپلیون بناپارت مشغول میباشند
ولی بناپارت با قشون مسلح وارد مجلس میکند و با وجود اینکه او را اهل بقتل مینمایند غلبه بر وکلا میکند و
وضع دولت را تغییر میدهد تا از این ببعد دولت فرانسه بوضع کنسولا میباشد و ناپلیون بناپارت رئیس دولت
تعیین اینکه ریاست در دست سه نفر کنسول مقرر است ناپلیون کنسول اول است که کامباسرس و لبرون دو کنسول
دیگر او را مساعدت خواهند بود و در وقت سلطنت تولید متزلزل خواهند کرد ایجاد روزنامه ها از ایطالیا) فوت پی
ششم پاپ (روس) فوت تذ ذیار دهم پادشاه گرجستان که بعد از فوت او گرجستان مستقلا در تحت تصرف
روس در آمد امریکا (اتاژونی) فوت واشنگتن معروف

سنه ۱۸۰۰ مسیحی — سنه ۱۲۱۵ هجری

آسیا (ایران) در اینسال موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه مصمم تسخیر سبزوار و نیشابور گردید
تعیین آنکه اللهیارخان سبزواری قلیچی که پیش از این عریضه ضراعت بدربار کرده و بنا عرض کرده و بعرض رسانید
بود که صبیه خود را بخدمت خدام حرم جلالت خواهد فرستاد و میرزا اسدالله مستوفی بودی با انجام این خدمت مأمور گردید
بعد از رسیدن میرزا اسدالله بسبزوار اللهیارخان پشیمان شده بنای مسامحه را گذاشت بنابراین ابراهیم‌خان قاجار
عمزاده خاقان کامکار با مهدیقلی‌خان دولو و حسینخان قاجار قزوینی بده هزار سوار و پیاده بجانب آن فلعه
روانه شدند و با میرگونه‌خان زعفرانلو حاکم خبوشان و ابراهیمخان شادلو حکمران اسفراین نیز حکم شد که با ابراهیمخان
پیوسته و موکب منصور خاقانی نیز از پنهان فیروزه در حین نکه نیز از پیشابان سپاه ظفر همراه پرداختند و در پنجم محرم بیرون
خارج قلعه نیشابور حضرت خاقان جم احتشام کرده بود و نواب حسینقلی خان برادر کهتر خاقان بمحاصره قلعه سبزوار مأمور
آمد اهالی بعضی قلعه که از مستحفظان اللهیارخان قلیچی بود خود داری نموده لشکر نصرت اثر یورش برده بحصار راه یافته
مفتوح و اموال ایشان منهوب شده از در استیمان در آمدند آقاخان ولد مصطفی‌خان عمزاده خاقان کشورستان حسب الحکم را ند
بحراست قلعه محکوم گردید موکب همایون خاقانی تشریف فرمای حوالی سبزوار شد و از آنجا که جعفرخان بایات از
براه خلاف رفته حکم همایون شرف صدور یافت که نواب حسینقلی خان بمحاصره نیشابور و تنبیه جعفرخان روانه شود — مرسوم
اما اللهیارخان قلیچی که موکب ظفر کوکب را نزدیک و درهای چاره را بسته دید میرزا اسدالله مستوفی را واسطه
قرار داده و صبیه خود را با او بار دوی معلی فرستاد جعفرخان نیز اظهار ندامت نمود ولی عساکر نصرت نهیب
بنواحی سبزوار و نیشابور مشغول شدند مقارن این حال طرموز خان فرستاده شاه زمان افغان با نامه
و هدایای بیکران باستان مبارک آمده شاه زمان بشفاعت جعفرخان و اللهیارخان پرداخته و معاودت

موکب ظفر کوکب خاقانی را درخواست کرده و اظهار داشتند که بعد از بازگشت قشون نصرت نمون جعفرخان و اللهیارخان بحضور همایون مشرف خواهند شد ملازمان آستان پادشاهی حسب المصلحه تمنیات و مسؤلات شاه زمان را قبول فرمودند و محمود میرزا ولد تیمورشاه که در این سفر ملتزم رکاب اعلی بود با برادر و پسر خود فیروز و کامران عازم قندهار و کابل شد احکام بامرا و حکام خراسان شرف صدور یافت که رعایت جانب او را منظور دارند و موکب خاقانی بطرف دار الخلافه عطف عنان فرموده نواب حسینقلی خان در اسفراین و ابراهیم خان عمو اوغلی در نزدیکی آق قلعه یار دی و معلی یوسف آقاخان قاجار از نکی قلعه مزینان احضار شد و ابراهیم خان عرب بادسته عرب و عجم مامور محافظت آن نواحی و حدود گردیدند و موکب اعلی بچمن کالپوش نزول اجلال فرموده مدت پانزده روز در آنجا اقامت کردند پس از آن آنجا ببسطام و دامغان و علی بولاغ توجه فرموده قشون فارس و عراق مرخص شدند و موکب همایون از راه چشمه علی دامغان بسمنان تشریف فرما گردیدند مدت پنج شبانه روز در اینجا بعیش و سرور و عروسی نواب محمد ولی میرزا والی سمنان مشغول بودند آنگاه بطرف دار الخلافه نهضت فرموده در چهاردهم ماه ربیع الثانی شهر طهران از مقدم مبارک اعلیحضرت خاقان کشورستان رشک و ضمیر رضوان گردید بعد از انتظام امور ممالک محروسه عزیمت تسخیر گیلان فرمودند و در قزوین صبیه احمدخان مراغه را در سلک ازدواج نواب شاهزاده محمدعلی میرزا حاکم قزوین در آوردند و نواب ابراهیم خان عمزاده خاقان کشورستان بنظم ولایت گیلان رفته لهذا موکب همایون بدار الخلافه معاودت فرمودند در این اوان نواب شاهزاده عباس میرزا نایب السلطنه و ولیعهد دولت علیه بحضور مبارک آمده مورد توجهات کامل گردید هم در این سال سر جان ملکم از جانب حکومت هندوستان انگلیس با نامه مودت ختامه و هدایای لا یقه وارد بندر بوشهر گردید و فتحعلی خان نوری بمهمانداری او رفت بعد از ورود بدار الخلافه در سرای حاجی ابراهیم خان منزل یافت و لوازم احترامات او بعمل آمد و قرار اتحاد دولتین ایران و انگلیس بشروط معتبر با او داده شد و حاجی خلیل خان قزوینی با جواب نامه مهر علامت که سر جان ملکم حامل بود باتفاق او مامور بسفارت شد اما اللهیارخان قلیچی و جعفرخان بیات چون بعد از شفاعت شاه زمان باز خلاف قرارداد کردند و بتقبیل عتبه علیه مبادرت ننمودند نواب ظهیر الدوله ابراهیم خان عمزاده خاقان کشورستان با بیست هزار نفر بمحاصره سبزوار مامور و مقرر شد محمدخان و ابراهیم خان دولو و پیرقلیخان شامبیاتی و حسینخان قاجار قزوینی با آن سردار با اقتدار همراهی کنند و نواب امیر کبیر اعتضاد الدوله سلیمانخان قاجار با پانزده هزار سوار مامور نیشابور گردید و بجوانین خراسان احکام قضا نظام شرف صدور یافت که بمعاونت و معاضدت نواب ظهیر الدوله و نواب اعتضاد الدوله کمر خدمت بر میان بندند و مهدیقلیخان دولوی قاجار بسرداری آذربایجان و توقف در قلعه خوی محکوم گشت و محمد صادقخان دنبلی ایالت خوی یافت و محمودخان دنبلی بآستان اعلی آمده با مارت تبسیاولان حضور برقرار آمد هم در این سال چون برادران و پسران حاجی ابراهیم خان اعتماد الدوله هر یک در ناحیه حکمرانی داشتند و ملازمان حضرت گردون بسطت همایون نفرت خاطر از آنها فرموده مقرر شد همه را در یکروز معین گرفته تنبیه نمایند و چنین کردند و خود حاجی ابراهیم خان نیز معزول و چندی در قزوین و طالقان محبوس تا درگذشت و میرزا محمد شفیع بندپی مازندرانی اصفهانی الاصل بوزارت اعظم نایل آمد ولادت رضاقلیخان معروف بلله باشی که متخلص بهدایت و امیر الشعرا و صاحب مصنفات جلیله مشهوره و از امرای بزرگ میکردد و وفات میرزا محمد تقی کرمانی ملقب بمظفر علیشاه از ... مشهور و علمای معروف صاحب دیوان مشتاقیه و بحر الاسرار و خلاصة العلوم و کبریت احمر و ... الجامع ... در کرمانشاهان و مدفون شدن او در بیرون دروازه مشرق این شهر که موسوم بدروازه اصفهان است — علی بولاغ مقصود چشمه علی دامغانست

اروپا بعد از مراجعت ناپلیون از مصر بفرانسه وضع قشون فرانسه در مصر مختل میگردد جنگهای کلیبر سردار فرانسه در مصر با عساکر عثمانی و تعاقب نمودن آنها را تا سرحد شام اهالی شهر قاهره که در غیاب کلیبر بر فرانسه شوریده بودند پس از مراجعت این سردار این شهر را متصرف میشود یکی از مسلمانان متعصب کلیبر را در قاهره مقتول میسازد مرو سردار قشون فرانسه از رودخانه رن عبور کرده با قشون اطریش برابر میشود و آنها را شکست میدهد ملاس سردار اطریش که با صد و سی هزار نفر از ایطالیا گذشته و پیش آمده که با قشون فرانسه مقابله کند ناپلیون با چهل هزار لشکر در ظرف چهل روز با او برابری نموده از کوه آلپ گذشته ملاس را شکست داده تمام ایطالیا را متصرف میسازد و در مارانگ نیز شکست سختی بعساکر اطریش میدهد هنگام مراجعت ناپلیون بفرانسه مظفر و منصور انگلیس بر ضد فرانسه با اطریش تجدید عهد کرده آلات و ادوات جنگ و پول باو میدهد مرو از طرف ناپلیون مامور بسمت وینه میباشد و جنگ سختی با قشون اطریش کرده تا حوالی وینه میرود اطریش استیصالا از جمهوری فرانسه طلب صلح مینماید انگلیسیها جزیره مالت را از فرانسه ها میطلبند ناپلیون این جزیره را به پل اول امپراطور روس میبخشد انگلیس این بخشش را مقبول نداشته خود میخواهد مالت را متصرف شود امپراطور روس چشم از دوستی انگلیس پوشیده دول سوئد و دانمارک و پروس را با خود متفق ساخته بر ضد انگلیس با فرانسه متحد میشود والحاق ایرلند بپارلمنت میرسد (انگلیس) ارلند پارلمنت مخصوصی ندارد و وکلای خود را بپارلمنت لندن میفرستند بلاد غربی مستوده هند متصرف انگلیس در می آید (فرانسه) دولت جمهوری بریاست ناپلیون بر ضد فتنه انگیزانست یکی از خواهرهای ناپلیون در حباله نکاح مورا که از سردارهای معتبر ناپلیون است در می آید ایجاد بانک در فرانسه عهد دوستی و تجارتی فرانسه با آناتولی در ظرف اینسال در فرانسه دو سه رتبه قصد قتل ناپلیون مینمایند (ایطالیا) پی هفتم بعد از پی ششم پاپ میشود (عثمانی) جزایر سبعه یونیان که فرانسه ها از ونیز گرفته اند سفاین روس و عثمانی معا آنها را از فرانسه منتزع میسازند و بوساطت روس این جزایر وضع جمهوری پیدا کرده از تحت سلطنت عثمانی خارج میشود ولکن در سال یک مبلغی خراج باسلامبول میفرستند علی پاشا که هیجده سال بود از طرف دولت عثمانی حکومت البانی را داشت و مرکز حکمرانی خود شهر یانینا را قرار داده بالتمام اطراف البانی را حکمرانی و سلطنت بوضع استقلال قرار میدهد (امریکا) (جزیره هایتی) توسن رئیس یاغیهای هایتی میشود

سنه ۱۲۱۶ هجری — سنه ۱۸۰۱ مسیحی

آسیا (ایران) در ششم ماه صفر اینسال موکب همایون اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه تشریف فرمای قصر قاجار گردیده یکشب در اینجا اقامت کرده بعد روانه شکارگاه جاجرود گردیدند و از آنجا بچمن مشایخ ماوند و سایر اماکن متنزهه آنساحت خلد مانند رانده چندی تفرج مینمودند و در اواخر ماه مزبور شرحی از خیالات حسینقلیخان بعرض حضور موفور الظهور خاقان رسانیدند و معلوم شد که مشار الیه از کاشان باصفهان و از اصفهان بعراق رفته تهیه جمعیت و لشکر مینماید و سودای سلطنت در سر دارد بنا بر این بموجب امر اعلی حاجی محمد خان دولو قاجار روانه قم و کاشان گردید و حسینقلیخان بن فتحعلیخان برادرزاده او بحوالی اصفهان راندند و آقاخان قوانلو بسیلاخور رفت و فرمان همایون عز نفاذ یافت که هر جا حسینقلیخان را بدست آرند ماخوذ دارند و باستان مبارک روانه سازند همدانرا ابراهیمخان عمزاده خاقان بدیار رجلات اتابک و سپهر نشان آمده و نواب امیر کبیر سلیمانخان اعتضاد الدوله از سبزوار و نیشابور با عباس میرزا برادر نادر میرزا ابن شاهرخ بن رضاقلی میرزا بحضور همایون تشرف جستند و عباس میرزا را نادر میرزا بوسیم بگرگان فرستاده بود نیز همراه او اعلیحضرت خاقان کشورستان حضرت

نایب السلطنه ولیعهد عباس میرزا را با میرزا محمد شفیع صدر اعظم در دار الخلافه طهران سفارش مهام ملکی فرمود موکب
اعلی در دویم ربیع الثانی از طهران عزیمت اصفهان فرمود و حاجی محمد حسین خان بیگلربیگی اصفهان از نائین بچاپاری به نطنز
آمده در اینجا بتقبیل رکاب معلی فایز گردید حسینقلیخان چون از حرکت اردوی همایون خبردار شد بجانب کرمانشاهان
شتافت و اختلالی در امور و اوضاع او بهم رسیده محمد قاسم نام که محرک حسینقلی خان بود به بغداد فرار نمود و حسینقلی خان
که راه عراق عرب را بر او بسته بودند نادم و پشیمان در قم به بقعه مبارکه حضرت معصومه سلام الله علیها پناه برد اعلیحضرت
خاقان کشورستان بجانب قم عطف عنان فرمودند حسینقلیخان شمشیر بگردن گریان در صحن مقدس بحضور مهر
ظهور خاقان آمده پس از اظهار ندامت و طلب عفو و استکانت استدعای اقامت و توقف در قم نمود اعلیحضرت همایون
او را محصور و مأذون فرمودند و موکب منصور بقصد معاودت بدار الخلافه طهران نهضت فرما گشت همه رؤسا و اعوان
و انصار حسینقلی خان را از هر ناحیه و مکان گرفته مغلولاً باستان عرش بنیان فرستادند و هر یک بقدر جرم و جنایت
دوچار عقوبت و سیاست شدند پس از چندی بشفاعت میرزا ابوالقاسم مجتهد گیلانی از علمای معروف حسینقلیخان
بعد از آشوب بطهران آمده در اینجا متوقف گشت و آخر الامر بواسطه خودسری چشمان بین خود را بدرود نمود و در دز آشوب
بعبادت مشغول بود تا دست اجل نقد حیاتش را از او در ربود هم در این ایام اللهیار خان قلیچی حاکم سبزوار به علاوه حضرت
نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه عباس میرزا متوسل شده و با اهل و عیال بدار الخلافه آمده اطمینان یافت و میرزا
محمد خان قیاقلوی قاجار بحکومت سبزوار رفت اما نادر میرزا با وجود فرستادن عباس میرزا برادر خود را بگروگان
در شرفیابی آستان مبارک تعلل و تقاعد نمود لهذا ابراهیم خان عمزاده خاقان کشورستان با ده هزار نفر مأمور
خراسان گردید و اعلیحضرت همایون نیز بنفس نفیس مصمم آن صفحات گردیدند و چون در اوایل سال بعد انصراف فرمودند
در محل خود شرح آن بیاید ولادت نواب شاهزاده همایون میرزا وفات میرزا عبدالله متخلص بشهاب شاعر ترشیزی وفات
میرزا مهدی شهرستانی از فضلای معروف اروپا معاهده بین اطریش و فرانسه که موافق این معاهده کلیه بنادر فرانسه بود
اسپانیول و ایتالیا بجز ملت فرانسه بپرتوغال که با انگلیس متحد بود اعلان جنگ نمودند پادشاه ناپل مجبوراً با فرانسه متحد گردید
انگلیس متحدین فرانسه اعلان جنگ میکند و سفاین جنگی او تا پای تخت دانمارک میرود پل اول امپراطور روس که با فرانسه
متحد شده بود باغوای انگلیس مقتول میگردد و جانشین او الکساندر اول برخلاف سیاست پدر با انگلیس متحد میشود
هیجده هزار نفر از عساکر انگلیس بمصر ورود کرده قشون فرانسه را بعد از آنکه سه سال این مملکت را متصرف بودند از
مصر میرانند عهد صلح مابین فرانسه و عثمانی و روس و گفتگوی مصالحه فرانسه و انگلیس (انگلیس) اغتشاش
داخله و قلت نقود بواسطه جنگ هشت ساله با فرانسه قرض دولت انگلیس در اینسال از دوازده میلیارد فرانک
زیادتر است که هر میلیارد معادل دویست کرور تومان پول ایران است تنگی سخت و شورش مردم که بلاد و قرا را
غارت مینمایند شورش مردم برضد پیت صدر اعظم و این صدر اعظم باهالی ایرلند وعده رفاهیت میدهد اما از آنجا
که اهالی ایرلند کاتولیکی مذهب هستند و پادشاه پروتستانی مذهب نهایت عصبیت را در اینطریقه دارد از دادن رفاهیت
بایرلندیها امضا نمینماید پیت بعد از هفده سال وزارت از شغل خود استعفا مینماید و آدینگتون نامی صدر
اعظم میشود بروز سخت پادشاه متابعه نمودن کمپانی انگلیس ناحیه آرکات را که در مغرب مدرس واقع است در مجلس جنون
پارلمنت گفتگوی ساختن راه آهن در میان میباشد تعداد نفوس جزیره انگلیس تنهائی در اینسال هفده کرور و
سیصد و هفتاد و دو هزار نفر و کسری میباشد و جمعیت اکس بیست و دو کرور داشت (فرانسه) مردم قصد قتل

ناپلئون

ناپلیون را گرفته و صد و سی نفر از جمهوریه طلبان بچنگ آمده اخراج بلد میشوند و حکم قتل بعضی صادر میگردد
چنانچه ایالات از ایالات مفتوحه در سنه ساحل رن جزو سایر ایالات فرانسه شده و حکام برای آنها تعیین میشود آداب و
رسوم دینی که جمهوریان حذف نموده بودند مجدداً ناپلیون آن آداب و رسوم را برقرار مینماید دولت فرانسه با والی
الجزایر معاهدهٔ تازه منعقد مینماید ایجاد اکسپوزیسیون صنایع در پاریس اول اختراع چرخ بخار در فرانسه
تعداد نفوس تمام فرانسه در اینسال پنجاه و چهار کرور و سیصد و چهل و نه هزار نفر است (روس) بجا
از قانونیکه امپراطور پل برای نظام ترتیب داده بود رنجیده و متغیر اند امپراطور پل نهایت دوستی را با ناپلیون
دارد باین واسطه ایلچی انکلیس مقیم دربار دولت روس کنت دو پالن سردار عساکر موقوفه در پطرزبورغ را محرک
است و بنابرین بتحریک شب بیست و ستم ماه مارس روسای قشون امپراطور پل را هلاک نموده پسر ارشد او الکساندر
اول را بجای او جلوس میدهند کتب فرانسه که ورود آن بخاک روس ممنوع بود امپراطور جدید آوردن آنرا باین مملکت
اجازه میدهد و مطبعه‌های روس را بالنسبه آزاد مینماید گرجستان کلیةً ضمیمهٔ مملکت روس میشود در داغستان جنگ در
کار است (سوئیس) دولت سویس که بتحریک ناپلیون جمهوری شده سایر دول این وضع جمهوری را میشناسند امریکا
(اتازونی) ژفرسن بریاست جمهوری معین و برقرار میگردد

سنه ۱۲۱۷ هجری   سنه ۱۸۰۲ مسیحی

آسیا (ایران) در اول اینسال یعنی روز دوشنبه هفدهم ماه محرم موکب منصور اعلیحضرت خاقان کشورستان
فتحعلی شاه بقصد خراسان انهاض فرمود و تشریف فرمای چمن رادکان گردید اسحق خان قرائی که تاکنون با افاغنه
روی داشت این اوان دانست که جز اطاعت و خدمت خاقان کشورستان هرچه کند زیانست و دل بجانب این آستان
نموده برای اظهار عبودیت و استرضای اولیای حضرت به نیشابور آمده باستمالت جعفرخان بیات پرداخت و او را
با خود بحضور موهبت ظهور خاقانی مشرف ساخت و سایر خوانین آنحدود نیز ربقهٔ اطاعت و انقیاد حضرت گردون
بسطت سلطنت را بگردن گرفتند و نواب امیر کبیر اعتضاد الدوله سلیمانخان قاجار و حسینخان قاجار قزوینی
قوللر آقاسی بتسخیر چناران مامور شدند و نواب شاهزاده محمد علی میرزا و اسحق خان کرد قرائی مقدمة الجیش موکب منصور
شاه بمحاصرهٔ مشهد مقدس روانه شدند روز نهم ربیع الاول رایات ظفر آیات خاقانی از چمن رادکان متوجه مشهد
مقدس گردید و دور اینشهر را سپاه نصرت همراه احاطه کرده و مدت محاصره بطول انجامید و قرا و آبادیهای حوالی بغارت
رفت و در شهر مشهد آتش قحط و غلا بالا گرفت میرزا محمد مهدی مشهدی از اجلهٔ علما باردوی معلی آمده بشفاعت پرداخت
و معاودت موکب اعلی را استدعا نمود و امرای خراسان متعهد شدند که پس از عود اردوی همایون شهر را مستخلص کنند
و نادر میرزا را گرفته بعتبهٔ علیه آورند لهذا حسینخان قاجار قزوینی حاکم نیشابور و سردار خراسان بتوقف و تسخیر
ارض اقدس مامور شد و موکب ظفر کوکب خاقان کشورستان معاودت را انهاض فرمود پس از رسیدن بمنزل علی بولاغ
دامغان بصید و شکار مشغول شده بدینمنوال بسمنان که مقر حکمرانی شاهزاده والا تبار محمد ولی میرزا بود نزول
اجلال فرمودند هم درین اوان قیصر میرزا پسر شاه زمان افغان با یک زنجیر فیل باستدراک حضور مبارک شتافت
و در هفتم ماه جمادی الاولی موکب منصور بدار الخلافه بازگشت هم در اینسال صبیهٔ مرضیهٔ امیر نامدار میرزا محمد خان
بیکلربیکی قاجار در سلک ازدواج حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه عباس میرزا منسلک گردید و
شاهزادگان و امرا و اشراف از اطراف و اکناف مملکت در موقع این جشن بزرگ و سور لازم السرور بدار الخلافه

حضور

دفعه بهم رسانیدند و تا یک هفته بسمت جور کند رانیدند اما محمود میرزای افغان که با مداد ملازمان آستان خاقان کشور
ستان بقندهار و کابل تاخت آورده و ولایت را مسخر ساخته شاه زمان را از حلیه بصر عاری نمود و فیروز میرزا برادر
خود را بهرات فرستاد پس از آمدن قیصر میرزا پسر شاه زمان بدربار مکرمت آثار خاقان حقوق این آستان را از یاد برده
براه عقوق رفت افاغنه نیز از وی شاکی و بقیصر میرزا راضی شدند اعلیحضرت همایون قیصر میرزا را بخنجر مرصع و خلع و کمربند
شمشیر مکلل مباهی فرموده بتسخیر ملک موروثی خود روانه داشتند همدر اینسال پس از جشن نوروز فیروزی و عید سعید
خاقان کشورستان بمهمانی حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه عباس میرزا تشریف فرما شده حضرت
معظم یکهزار قطعه جواهر الوان و چند راس اسب و استر و مبلغی وجه نقد و مقداری امتعه و اقمشه برسم پیشکشی
و شکرانه قدوم بهجت لزوم پادشاهی تقدیم حضور مبارک نمودند همدر این سال بتوسط خواجه داود نام ارامنه
و مقیم بغداد نامه از ناپلیون بناپارت کنسول اول فرانسه بحضرت خاقانی موصول گردید خواجه داود لقب خانی یافته
حامل جواب آن نامه گردیده بفرانسه روان شد همدر اینسال عبدالعزیز نامی از مشایخ نجد که پیرو طریقه وهابی بود
و داعیه استیلا بر عیه مبسوط در درعیه قلعه محکم بساخت و چند بار بحرمین شریفین زادهما الله شرفا و تعظیما بنجف اشرف آمده
بغارت پرداخت و از آنجا که بسعیش نیز در عید غدیر در آخر سال گذشته بکربلای معلی تاخته و چندین هزار از نفوس
زکیه و جمعی کثیر از علما و سادات و فضلا و غربا و محققین را در ظرف هفت ساعت شربت شهادت چشانیده که از آنجمله
عارف کامل و عالم فاضل ملا عبدالصمد همدانی صاحب بحر المعارف بود که چهل و چهار سال در آن ارض خلد نشان
مجاور و بریاضت اشتغال داشت خلاصه بعد از سفک دما آن قوم شقاوت نشان باوطان خود باز گشتند و این خبر مسموع
ملازمان حضرت خاقان کشورستان گردیده اسمعیل بیک بیات را نزد سلیمان پاشا والی بغداد فرستادند و امر
فرمودند که بطرد و دفع این جماعت پردازد سلیمان پاشا قبول کرده ولی چیزی نگذشت که درگذشت و این امر بعهده تاخیر
ماند ولی شخصی از عجم عبدالعزیز را براه عدم روانه نمود ولادت نواب اسمعیل میرزا و وفات ابراهیم خان متخلص بانو فرزند
کریمخان زند اروپا انعقاد عهد مصالحه مابین فرانسه و انگلیس در امین در این مصالحه انگلیس آنچه را از فرانسه در
خاک فرنگ گرفته و متصرف شده حق او میداند و جزایر فرانسه را که در دریاها متصرف شده بود باو مسترد میسازد
و از آن طرف فرانسه جزیره سیلان را که مال هلاندیها بود حق انگلیس میداند معاهده مابین فرانسه و عثمانی
(فرانسه) بواسطه صلح عمومی تجارت و صناعت رواج دارد و طرق و شوارع و سایر لوازم و اسباب سهولت
مراوده ساخته و آماده میشود ناپلیون هرتانس ربیبه خود را در سلک ازدواج برادر خود لوئی بناپارت
منسلک میسازد کد ناپلیون یعنی قانون فقهی فرانسه که ناپلیون ترتیب داده بود رواج میگیرد نشان لژیون
دونور ایجاد میشود تمام مهاجرین فرانسه که در ایام فترت و جمهوریت از خاک فرانسه رفته بودند اذن و حکم
معاودت میدهند اهالی فرانسه کنسول اول بودن ناپلیون را در تمام مدت حیاتش امضا میکنند بلکه کنسول
اول حق تعیین جانشین خود را نیز دارد و قصر تویلری و سن کلو را بجهت منزل ناپلیون تعیین مینمایند مملکت
پیمون ایطالیا جزو انفکاک ناپذیر فرانسه میشود (ایطالیا) شارل امانوئل چهارم پادشاه ساردن از سلطنت
استعفا کرده و یکتور امانوئل اول برادرش بجای او منصوب و برقرار میگردد (روس) تعیین دوایر دولتی هر
دایره بدست یک نفر وزیر مخصوصی است ایجاد وزارت داخله و وزارت علوم طغانرق در ساحل دریای آزوف از بنادر
معتبر تجارتی میشود امریکا (اتازونی) ایجاد مدرسه نظامی فولتن نام از تبعه اتازونی در پاریس ایجاد کشتی

بجاروبینابد (هونی) سردار فرانسه لکلرک که با بیست هزار نفر وارد این جزیره شده بود توسن رئیس یاغیها را مغلولاً بفرانسه فرستاده و توسن در آنمملکت بمرض تب زرد و هوای نامساعد که در هایتی است اسباب خسارت و زحمت قشون فرانسه شده و لکلرک وفات مینماید و مجدداً شورش در این جزیره در میگیرد

سنه ۱۲۱۸ هجری

سنه ۱۸۰۳ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال بیگلربیگی استراباد از شرارت و فساد ترکمن صاین خانی بدربار حضرت خاقانی شرحی و شکایتی معروض داشت لهذا در هفتم شهر صفر المظفر موکب منصور اعلیحضرت خاقان مملکت ستان فتحعلیشاه از دار الخلافه طهران بطرف ساری و فراشته حرکت کرد و در موقف فراشته متوقف گردید و عساکر منصوره بنهب اموال و اسر طوایف مزبوره دست دراز کردند ترکمانان چون کار را سخت دیدند از در استیمان و استکانت در آمدند بنابراین موکب همایون از فراشته بجز کالپوش راند و مشغول تفرج و شکار شدند و حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه عباس میرزا در علی بولاغ بتشرف حضور همایون مشرف گردیدند و بعد از بیست روز موکب اعلی بدار الخلافه طهران معاودت فرمود و هم در اینسال در عشر آخر شعبان والده معظمه حضرت خاقان کشورستان راه غرفات جنان گرفته و در نجف اشرف مدفون گردید هم در اینسال حسینخان قاجار سردار خراسان بمعاونت نواب محمد ولیمیرزا صاحب اختیار سمنان و موافقت خوانین خراسان یعنی اسحق خان قرائی و محمد خان هزاره و امیر قلیچ خان تیموری و امیر گونه خان زعفرانلو و لطفعلیخان درجزی و هفت هزار سوار رکابی قلعه مشهد مقدس را محاصره کردند نادر میرزا بجهة فقدان مسکوک و مال بخزاین و اموال الحضرت رضوی سلام الله علیه پرداخته و خود را هدف سهام ملامت ساخت هر حال کار بر محصورین سخت شده و در شب غرة رمضان شهر مشهد بتصرف عساکر قضا توان در آمد نادر میرزا گمان کرد که قلعه داران باشاره میرزا محمد مهدی مجتهد مشهدی تقصیر و کوتاهی در قلعه داری کرده و اینمعنی اسباب غلبه سپاه ظفر همراه گردیده لهذا بر در روضه مقدسه شتافته برخلاف حرمت در آنجا با شمشیر زدین شکسته چند زخم کاری بآن سید مزبور زده و بیرون آمده از شهر خارج شد و فرار کرد پس از خروج او نواب شاهزاده محمد ولی میرزا بشهر ورود نمودند و نادر میرزا را در چهار فرسخی شهر طایفه از ایلات گرد بگرفتند و خدمت شاهزاده معظم آوردند و در همین ایام میرزا محمد مهدی مشهدی از اثر زخمهای نادر میرزا بجوار رحمت الهی پیوست و نواب شاهزاده محمد ولیمیرزا والی خراسان شدند و نادر میرزا را مغلولاً بدار الخلافه طهران فرستادند و بقصاص سید بزرگوار میرزا محمد مهدی مشهدی مقتول گردید

نواب مستطاب الحاجی معتمد الدوله در کتاب جام جم میفرمایند در رمضان هزار و دویست و هیجده شهر مشهد مقدس نیز مفتوح گشت و نادر میرزا پسر شاهرخ شاه گرفتار گردید و او را با جمعی از احفاد نادری در اواخر ذی قعدة الحرام اینسال بطهران آورده بسیاست رسیدند و خاقان بلفظ گهربار فرمودند حمد خداوند را که قصاص باسم کرد نادر شاه فتحعلیخان را کشت و فتحعلیشاه نادر میرزا را سیاست نمود انتهی

خلاصه پسران و کسان نادر میرزا بعضی از حلیه بصر عاطل و برخی بصدمات عاجل و آجل گرفتار گشتند چند تن بتوقف مازندران مامور و چند نفر باقامت فارس محکوم گردیدند هم در اینسال قشون روس بطرف برده و قراباغ آمدند و جواد خان زیادلوی قاجار حاکم گنجه مراتب را بدربار سپهر آثار همایون معروض داشت و سعید خان دامغانی مامور بتحقیق و تبیین مطلب گردیده روانه گنجه شد هم در اینسال چون حسن خان

پسر نعیمخان یزدی به حکومت کرمان استقلالی نداشت نواب ابراهیمخان داماد و عمزاده اعلیحضرت خاقان
بحکومت آنسامان برقرار گردید و نواب شاهزاده حسینعلی میرزا ایالت و حکمرانی دار الخلافه یافت و حضرت
مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه بحکمرانی و انتظام مهام آذربایجان تشریف فرما شدند و میرزا
عیسی فراهانی مشهور بمیرزا بزرگ در وزارت قایم مقام صدارت عظمی گردید همدر اینسال قشون روس که بسرداری
سیسیانوف متوجه قفقاز شده بودند بعد از استیلاء بر تفلیس بگنجه تاختند و انشهر را مسخر ساختند و بسران
شمشیر سپردند و بقتل عام پرداختند و جوادخان گنجه نیز با یک پسر خود مقتول شد و اهل قراباغ و ایروان نیز خایف
شده با سردار روس بطریق مدارا حرکت میکردند (سیسیانوف سردار روس همان است که عوام اتراک او را
ایشپخدر میگفته اند) اما محمدخان قوانلوی قاجار والی ایروان باغوای جعفرقلیخان دنبلی و کلبعلیخان نخجوانی
با سردار روس بساخت چون این وقایع بعرض آستان خاقان عظیم الشان رسید حضرت مستطاب نایب السلطنه
ولیعهد دولت علیه را با اردو مامور دفع فرمودند و کسانیکه بالتزام رکاب مبارک مقرر و معین گردیدند از اینقرارند
میرزا شفیع صدر اعظم مازندرانی نواب امیرکبیر اعتضاد الدوله سلیمانخان قوانلوی قاجار و مهدیقلیخان قوانلو
و رضاقلیخان و مهدیقلیخان دولو و ابراهیمخان دولو و پیرقلیخان شامبیاتی قاجار و از سرکردگان پیاده ولایتی
اشخاص مسطور در ذیل ملتزم اردوی حضرت شاهزاده معظم گردیدند

میرزا محمدخان لاریجانی اشرفخان دماوندی عبدالله خان ارجمند صادقخان سنگابنی احمدخان سواد کوهی علی
اصغرخان بندپئی آقا اسمعیل و آقا مهدی بالا رستاقی حسن سلطان کلبادی باقر سلطان اززانی با بعضی سرکردگان
دیگر و سی هزار نفر پیاده و سوار جرار

چون این اردو در خارج شهر دار الخلافه تشکیل یافت اعلیحضرت خاقان کشورستان بوداع فرزند دلبند و سایر
سپاه و سرداران کاردان آگاه از شهر خارج شده بعد از بازدید معسکر حضرت شاهزاده معظم و القای فرمایش و
اوامر مخصوصه بدار الخلافه معاودت فرمودند و روز دوشنبه بیست و هفتم ذیحجه اردوی حضرت شاهزاده آزاده بطرف
آذربایجان روان گردید ولادت نواب احمدعلیمیرزا و نواب علیرضا میرزا

پوشیده نباشد که بعد از نادرشاه افشار که تقریبا مدت شانزده سال در بلاد و ممالک ایران سلطنت داشت
پنجنفر از امیرزادگان نادری در خراسان تا اینسال حکمرانی [7] این سلسله کلیه منقرض گردید فسبحان الذی لا یدوم
الا ملکه امروپا (انگلیس) بموجب عهد صلح با فرانسه انگلیس باید جزیره مالت را تخلیه کند ولی بتعلل و تسامح میگذرانید
بنابراین فرانسه نقض عهد کرده عساکر خود را هلاند و هانوور وارد مینماید و مصمم منازعه با انگلیس میشود
و در بندر بولنی تدارکات دیده میشود اسپانیولیها و پرتوغالیها با فرانسه در ضدیت انگلیس مشارکت دارند
شورش در ارلند (پروس) دولت پروس در منازعه انگلیس و فرانسه بیطرف هست (روس) عساکر بری
و بحری روس و نیز ابتدا است ایجاد مدارس در ممالک روس برای تعلیم و تعلم (عثمانی) طایفه وهابی بعد از
آنکه مکه معظمه را فتح کردند بمصر و قاهره میروند و در مصر کاری از پیش نبرده مراجعت میکنند و بغلبه مدینه
طیبه را میگیرند. امریکا (اتاتونی) ایالت لوئیزیان که متعلق بفرانسه بود بوجهی معادل دوازده کرور
تومان پول ایران ابتیاع شده جزو اتاتونی میگردد (هایتی) بقیه قشون فرانسه از شورشیان این جزیره
شکست خورده فرار میکنند

[7] متزلزل داشتند و اسامی آنها
از اینقرار است علیشاه که
خود را عادلشاه مینامید
برادرزاده نادر و ابراهیم
شاه شاهرخ شاه شاه
سلیمان ثانی نادر میرزا و
در اینسال که حکمرانی

سنه ۱۲۱۹ هجری

سنه ۱۲۱۹ هجری — سنه ۱۸۰۴ مسیحی

آسیا (ایران) در وقایع سال هزار و دویست و پانزده نگاشته شد که حاجی خلیل خان قزوینی بسفارت هندوستان مامور و روانه شد ایلچی مشار الیه تا سال گذشته در بندر بمبئی با کمال اعزاز اقامت داشت سال گذشته در میان قراولان هندی و ملازمان ایرانی حاجی خلیل خان نزاعی در گرفت سفیر ایران باصلاح آمد و گلوله سهوا باو رسیده کار او را بساخت لهذا فرمانفرمای هند چهار نفر کاپیتان و دویست نفر سرباز را که منشاء این فتنه بودند گرفته حبس کرد و نامه مبنی بر معذرت و افسوس بدربار اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه نگاشته با هدیه و بعضی از اعیان انگلیس را حامل نامه و مامور بعذرخواهی کامل از این قتل غیر عمد نمود و چون در اوایل امسال موکب خاقانی تشریف فرمای چمن سلطانیه گردیده بود مامورین حکومت هندوستان در اینمحل بحضور موهبت ظهور پادشاهی مشرف شدند و مراتب را معروض داشتند و از آنجا که معین و ثابت بود که این قتل عمداً نبوده عذر مامورین پذیرفته شد و بر هدایای محبوسین اشارت فرمودند و محمد نبی خان خواهرزاده سفیر مقتول را بجای او مامور کردند و مبالغی خونبها بمحمد اسمعیل خان پسر حاجی خلیل خان داده شد و محمد نبی خان بعد از معاودت از سفارت هندوستان بوزارت نواب حسنعلی میرزا فرمانفرمای فارس مباهی گردید هم در این سال محمد خان قوانلوی قاجار بیکلربیکی ایروان که باغوای جعفر قلیخان دنبلی و کلبعلیخان نخجوانی با سیسیانف سردار روس ساز مخالفت داشت از حرکت و توجه اردوی حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه بطرف ایروان خبردار شده سردار روس را بایروان خواند و ایلات حوالی ایروان را کوچانیده بعضی را بقلعه آورد و برخی را وادار بفرار صوب وان و بایزید کرد حضرت معظم ایلغار کرده در کنار رود زنگی واقع در نیم فرسنگی ایروان نزول فرمودند مهدیقلیخان دولو را با شش هزار سوار بجانب عثمانی فرستاده که ایلات کوچیده را باز آورد و مشار الیه ایل کنگرلو و قاجار را باز آورد و سردار روس که بروفق دعوت محمد خان با بیست هزار سوار و سی عراده توپ بایروان میرفت بعرض راه بمهدیقلیخان و ایلات مزبوره برخورد و دو روز تلاقی زد و خورد کرده مهدیقلیخان باردوی حضرت نایب السلطنه پیوست و سردار روس نیز در چهارشنبه هجدهم ربیع الاول بحوالی اوچ کلیسا سه فرسنگی ایروان رسیده جمعی از لشکریان روس عزم ورود بشهر نمودند جزایرچیان قلعه آنها را دفع کردند روز بعد حضرت مستطاب نایب السلطنه محافظت اردو و لشکر را بعهده میرزا محمد شفیع صدراعظم و احمد خان مقدم موکول داشته و دسته از لشکر با توپخانه روانه اوچ کلیسا شده و سه روز در اینجا نایره قتال بین فریقین اشتعال داشت سردار روس مصمم تسخیر ایروان گردید و در اینحال محمد خان بیکلربیکی از مداهنه و سازش با سردار روس پشیمان شده بتوسط میرزا رضای مروزی (وقایع نگار) از میرزا محمد شفیع صدراعظم اطمینان حاصل نمود و حسینعلی خان پسر خود را با پیشکشی فراوان باردوی خاقانی فرستاده و در این اوان سردار روس حیلتی بکار برده غفلتاً با افواج و توپخانه خود بجانب اردوی حضرت مستطاب نایب السلطنه راند و بانوضع خود را بمسجد جامع شهر رسانیده بمحاصره قلعه پرداخت هم در این ایام موکب اعلیحضرت خاقان مملکت ستان از چمن سلطانیه انتهاض فرموده و در دار السلطنه تبریز مسموع ملازمان حضرت سلطنت گردید که سردار روس قلعه ایروان را محاصره نموده لهذا اسمعیل خان دامغانی بطور مقدمة الجیش روانه شده و اردوی همایون نیز بکنار رود ارس آمد و از آب عبور نمود و روز نوزدهم ربیع الثانی یکفرسنگی ایروان مضرب خیام گردید و نار احتشام معلی گردید سردار روس لشکرهای متعدد در محاصره ایروان نشسته بود. و خود در

شهر

شهر نشسته چندگاهی از معسکر همایون توپها بشلیک پرداختند و سنگرهای قشون روس را یورش برده بسنگرها ریختند و بیکباره
آن جمعی مقتول و سنگرها خالی شد سردار روس توپخانه را بر سر تلی بلند برده بجانب عساکر منصوره بنای شلیک را
گذاشتند آنها سنگرها را رها کرده باردوی معلی بازگشتند سردار روس افواج خود را مجدداً بسنگر جای داد وقت شب
جعفرقلیخان دنبلی با ده هزار پیاده و سوار مصمم شبیخون باردوی همایون شد حسینخان قاجار قزوینی که آنشب مشغول قراولی
اردو بود از قصد جعفرقلیخان آگاه شده مراتب را بعرض ملازمان حضور حضرت پادشاهی رسانید لهذا مقرر فرمودند
لشکریان از اردو بیرون رفته در دامنه کوهی مترقب و مترصد باشند که اگر لشکر روس شبیخون آرند از خارج اردو و
دامنه کوه برایشان حمله نمایند قشون روس راه را گم کرده وقت صبح باردو رسیدند و جای را خالی یافتند بجانب عساکر
منصوره و دامنه کوه شتافتند چون قدری صعود کردند حرارت آفتاب و تشنگی برآنها غالب شد ناچار راه معاودت
پیش گرفتند سپاهیان آنها را تعاقب نموده جمعی را از پای درآوردند همچنین کسانیکه از جانب سردار روس بطلب آذوقه
باطراف میرفتند اغلب بدست سرداران ایرانی گرفتار و روانه دربار معدلت میگشتند ناچار سیسیانف سردار روس از دور ایروان
کوچ کرده عازم تفلیس شد و محمدحسینخان قاجار سرکشیکچی باشی او را دنبال نمود و بعضی از همراهان او را مقتول ساخت
پس از بازگشت سردار روس محمدخان ایروانی که در قلعه بود دیگرباره بحکمرانی ایروان منصوب گردید هم در این اوان
ابوالفتح خان جوانشیر بنظم قراباغ مامور و روانه شد و الکساندر میرزا والی گرجستان را رخصت فرموده بنخجوان بفرستادند
و در اول زمستان موکب خاقان کشورستان بدار الخلافه بازگشت هم در اینسال امیرناصرالدین توره حاکم مرو بملازمان حضرت
خاقانی توسل جست پوشیده نباشد که میرمعصوم معروف بشاه مراد ملقب به بکجان ولد دانیال اتالیق ابن رحیمخان
اتالیق بن حکیم اتالیق که در بخارا ابوالفیض خان چنگیزی را مقهور کرده و خود سلطنت مینمود در عهد شاه شهید سعید
آقا محمد شاه طاب ثراه بر بیرامعلیخان قاجار عزالدینلو که از زمان صفویه تا آن عهد حکومت مرو با آبا و اجداد او بود
غالب شده او را بکشت و مرو را خراب کرد شاه شهید سعید او را تهدید کردند و بخیال تلافی و دفع او بودند که غایله
هایله شوشی آن مرام را عایق آمد خلاصه بعد از فوت بکجان دو پسر او ماندند امیرحیدر توره که حکمرانی بخارا داشت و
امیرناصرالدین توره که در مرو حکومت میکرد در اینسال امیرحیدر توره قصد استیصال برادر نموده لهذا امیرناصرالدین
توره بواسطه گماشتگان نواب شاهزاده محمدولی میرزا والی خراسان بعتبه علیه متوسل گردید اعلیحضرت همایون او را
فرزند خود خوانده افسری مکلل برای او فرستاده و بنواب شاهزاده محمدولی میرزا حکم شد او را تقویت و اعانت
نمایند فرستاده امیرناصرالدین توره با کمال خرسندی بمرو معاودت نمود هم در اینسال محمدخان غلجائی افغان ولد
اعظم خان که سالها پدرانش در بم و نرماشیر کرمان بودند و بعد از حکومت نواب ظهیرالدوله ابراهیمخان عمزاده
خاقان بکرمان از روی اضطراب بدربار مکرمت آثار آمد و دیگرباره بحکومت بم و نرماشیر و آنحدود برقرار گشت پس از
استقلال بنای خودسری را گذاشت نوروزخان قاجار عزالدینلو که حاجب بزرگ و امیر بار بود بقلع و قمع وی مامور
و روانه آندیار گردید وفات میرزا جعفر صافی اصفهانی اروپا (انکلیس) بیت محبت دانشمند برقرار میکرد و نیز
نام الملوک روشنائی چراغ گاز را رواج میدهد (فرانسه) کادودال از معاندین ناپلیون بناپارت با پیشگرو
و مرو که هردو از سرداران فرانسه میباشند بر ضد ناپلیون متحد شده و هردو محبوس میگردند دوک دانگن از
شاهزادهای خانواده سلطنت قدیم بجنگ ناپلیون افتاده مقتول میگردد پیشگرو در حبس خفه میشود ناپلیون مخاطب
بخطاب ناپلیون اول شده و در قصر سن کلو بامپراطوری فرانسه برقرار میگردد در علائم سلطنتی عقاب قیاصره روم

قدیم

قدیم را نقش میکنند هیجده نفر مارشال یعنی سپهسالار تعیین میشوند که اسامی آنها از اینقرار است
(بِرتیه) (مُورات) (مُنسِیئی) (ژُورْدان) (ماسِنا) (اُژِرُو) (بِرنادُت) (سُولْت) (بِرُون) (لانْ)
(مُرتیه) (نِی) (داوُوسْت) (بِسیِر) (کِلِرمان) (لِفِبْور) (پِرینیُن) (سِرُورِیه) مُرْوَازخاک فرانسه
اخراج شده باتانُونی مرود پی هفتم پاپ از رُم بپاریس آمده تاج سلطنت بسر ناپلیون میگذارد خرج فرانسه در
اینسال هفتصد ملیون فرانک و دخل پانصد و شصت ملیون بوده است (سایر ممالک فرنگ) امپراطور روس
جدا شدن بلاد المان را که در تصرف فرانسه بود و نیز مفروز بودن بعضی از ممالک ایطالیا را که در تصرف این دولت
بود از فرانسه مطالبه مینماید بعد از آنکه خطاب امپراطوری بناپلیون دادند امپراطور المان که سلاطین اطریش خود را
باین لقب ملقب میداشتند لقب امپراطوری اطریش را تنها برای خود اختیار میکند ناپلیون در بولنی مستعد حرکت
بطرف مملکت انکلیس است قطع مراوده دوستی مابین فرانسه و روس اتحاد سوئد با انکلیس دولت انکلیس سه فروند
کشتی اسپانیولی که مملو از شمش نقره میباشد و از امریک برای اسپانیولها میآورند ضبط میکند اعلان جنگ
اسپانیول با انکلیس احضار نمودن دولت عثمانی سفیر خود را از پاریس (عثمانی) شورشهای اهالی سربستان بر عثمانی (امریکا)
درهایتی ژاک نام خود را امپراطور لقب میدهد

سنه ١٢٢٠ هجری — سنه ١٨٠٥ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال نوروزخان قاجار عزالدینلو که بمحاصره محمدخان افغان ولد اعظم خان بم و نرماشیر رفته بعد از
رسیدن بآنحدود بدفع محمدخان مبادرت نمود محمدخان بم را رها کرده بنرماشیر رفت عساکر منصوره در اینجا او را
محاصره کردند محمدخان ناچار بمجادله پرداخته در اثنای جنگ زخم باو زدند چون بیش از این مقاومت نتوانست کرد
بسیستان و بلوچستان گریخت و آنچه در تحت حکمرانی او بود ضمیمه کرمان شد همدر اینسال حضرت مستطاب نایب السلطنه
ولیعهد دولت علیه عباس میرزا با میرزا بزرگ قائم مقام متوجه آذربایجان گردیدند و موکب همایون خاقان کشورستان
فتحعلیشاه تشریف فرمای چمن سلطانیه گردیدند و اسمعیل خان دامغانی با جمعی سوار برکاب شاهزاده جلالت آثار پیوست
و نواب شاهزاده علیخان ظل السلطان که برادر کهتر صلبی و بطنی حضرت مستطاب نایب السلطنه بود در زنجان توقف
نمود و حضرت معظم در منزل میانج مهدیقلیخان و اسمعیل خان قاجار را بایروان مامور کردند و اسمعیل خان
شامبیاتی قاجار حاکم خوی را نیز همراهی او فرمان دادند در پنجشنبه شانزدهم ربیع الاول از چمن سلطانیه حرکت کرده — موکب خاقانی
بچمن اوجان نزول اجلال فرمود ابراهیم خلیل خان جوانشیر از توجه عساکر منصوره باین حدود وحشت نموده جعفر
قلیخان نبیره خود را نزد سیسیانف سردار روس که در گنجه بود فرستاد و استمداد نمود سیسیانف محمد حسنخان
ابن ابراهیم خلیل خان را که پدر جعفرقلیخان مذکور بود با جمعی از سواران قراباغ و سیصد نفر سرباز روس بحفظ
پل خدا آفرین فرستاد که راه عبور لشکر منصوره را مسدود نمایند از اینطرف اسمعیل خان دامغانی بدفع اینجماعت
مامور گشته بعد از کشش و کوشش سواران قراباغی و پیاده های روسی مغلوب شده محمدحسنخان بجنگل فرار
کرده و قبل از آنکه براو دست یابند خود را بقلعه شوشی رسانید پس از آن موکب خاقانی از چمن اوجان انتهاض
فرموده از رود ارس عبور کردند و در منزل معروف بتخت طاوس که در ده فرسنگی شوشی است اقامت نمودند و
حضرت مستطاب نایب السلطنه فتحعلیخان کروسی را با جمعی همراه اسحاق آقا اغلان گذاشته خود از راه چناقچی بطرف
شوشی راندند ابراهیم خلیل خان دوچار رعب و هراس شده بسردار روس پیغام داد که من در پناه آباد محصور و عساکر

منصور را مقهور کرد سیسیانف یکی از پولکونیکهای روسی را با توپ و سردار و غیره بمدد حاکم شوشی فرستاد
(پولکونیک بزبان روسی بمعنی سرهنگ است) پولکونیک و همراهانش بمنزل عسکران آمدند حضرت مستطاب
نایب السلطنه نیز بدانجا شتافتند و فیما بین دو عسکر در عسکران جنگ در گرفت و جمعی از طرفین مجروح و مقتول
شدند و لشکر روس مقبره که در آن حوالی بود دفنه قلعه بنا ساختند و بشلیک توپ پرداختند در این اثنا حسینعلی
خان دولو با ذو الفقار خان دامغانی و چهار عراده توپ از اردوی بزرگ خاقانی بامداد لشکریان حضرت شاهزاده
معظم آمدند پس از شش روز جنگ عساکر ایران غلبه کردند و سرکرده روسی دو زخم برداشته خود را بقلعه ترناوت
سه منزلی گنجه رسانید حضرت مستطاب نایب السلطنه او را محاصره کردند مشار الیه عریضه نوشته شش روز مهلت
خواست و نیم شبی بکوه چپرق که سغناق ارامنه قراباغ است گریخت مهدیقلیخان قاجار بقلعه ایروان رفته آن قلعه را
گرفته تصرف نمود پس از این مقدمه سیسیانف یک نفر سرکرده روسی را با چند فروند کشتی جنگی روانهٔ انزلی گیلان نمود
خاقان کشورستان میرزا یوسف خان زندلانی را که اصلا گرجی بود بمعاونت گیلانیان مأمور فرمودند سرکرده روسی
انزلی را بگرفت میرزا موسی منجمباشی گیلانی جمعی را به پیره بازار برده در کمین نشستند سردار روسی بجانب پیره بازار
روانه شد ناگاه تفنگچیهای گیلانی از جنگلها شلیک کردند و جمعی را مجروح و مقتول نمودند بقیة السیف بکشتیها
نشسته بجانب بادکوبه گریختند همدر این اوان موکب خاقانی از منزل تخت طاوس انتهاض فرموده باصلاندوز
آمد و اسمعیل خان دامغانی حسب الامر از رود ارس عبور کرد و حضرت مستطاب نایب السلطنه بمقابله سیسیانف
از منزل عسکران بگنجه شتافتند و این بلده را متصرف شده جمعی را کوچانیده بشمکور فرستادند پس از آن متوجه منزل
زگم شدند و در بین راه با فوجی از قشون روس تلاقی کرده آنها را مقهور ساختند و از منزل زگم بعضی از اهالی گنجه را
با پیر قلیخان قاجار روانه تبریز فرمودند و حضرت معظم با خسعه و از اینجا بایروان شتافتند از خسعه تا ایروان که
هیجده فرسخ است همه جا سواران قزاق بقصد دستبرد با ردو خبر که میکردند تا در حوالی یشمه در وقتیکه حضرت
مستطاب نایب السلطنه مشغول نماز بودند از درون جنگل تفنگی بطرف ایشان خالی کردند گلوله آن تفنگ موزهٔ
حضرت شاهزاده را خراشید و بنا بر حفظ خداوندی گزندی بوجود مبارکشان نرسید خلاصه بعد از ورود
بایروان شرح زحمات حضرت مستطاب نایب السلطنه بتوسط حاجی محمد خان قراگوزلوی همدانی که مردی زیرک و دانا بود
معروض ملازمان آستان همایون گردید اعلیحضرت خاقان کشورستان از حد قپلان کوه تا دربند را در تحت فرمانفرمائی
حضرت شاهزادهٔ معظم نایب السلطنه قرار دادند و موکب خاقانی از اصلاندوز بچمن اوجان تشریف فرما گردیده
راه دار الخلافه را پیش گرفتند بعد از مراجعت موکب معلی سیسیانف بقلعهٔ شوشی رفت و ابراهیم خلیل خان
جوانشیر حاکم شوشی در قلعه را برویش گشاد سردار روس تا ماژوری در شوشی گذاشته روانه گنجه شد نیز از وقایع
ایروان آنکه شیخعلی خان بیگلربیگی قبه و دربند و حسینقلیخان حاکم بادکوبه و سرخای خان لکزی باحتیاط آنکه مبادا
سرکرده روسی که در گیلان شکست خورده قصد محاصره بادکوبه کند از ملازمان آستان خاقانی استمداد نمودند
و عسکرخان افشار ارومی بامداد آنها رفت سرکرده مزبور برای محاربه در برابر بادکوبه لنگر انداخت حسینقلی
خان و عسکرخان با او جنگهای سخت کردند و چون چند فروند کشتی روس در ساحل دریا از توپ اهالی بادکوبه
شکست سرکرده روس از دریا بخشکی آمده در برابر قلعه بادکوبه بنای شلیک را گذاشت در اینحال شیخعلی خان
قبه و نوح بیک ولد سرخای خان لکزی با لشکریان خود بمعاونت حسینقلیخان آمدند و سرکرده روس را منهزم

ساختند

ساختند و او به پشت ساری طالش رفت و سیسیانف بجهة استمالت مصطفی خان شیروانی از گنجه با بنوالات آمد از
این طرف پیرقلیخان شامبیاتی با امداد مصطفی خان شیروانی مأمور شده و در کنار رود کر معلوم نمود که مصطفی
خان را سیسیانف فریفته و مطمئن نموده و او با امداد سرکرده روس بطرف پشت ساری رفته سرکرده مزبور نیز قوت
قلبی بهم رسانیده و آماده کارزار گردیده است بالجمله مصطفی خان ایلات و احشام شیروان را کوچانیده بجبال
شاخه فرستاده خود در قلعه موسوم به کلستان کرفته نشست حضرت مستطاب نایب السلطنه حسینقلیخان
قاجار دولو را بحمایت مصطفی خان و حفظ بادکوبه روان فرمودند و احمدخان مقدم بیگلربیگی تبریز را نیز با توپخانه
و بعضی دسته جات پیاده از عقب او فرستادند و خود از تبریز باردبیل تشریف بردند اعلیحضرت خاقان کشور
ستان نیز جمعی را از دار الخلافه بامداد روانه آذربایجان فرمودند سیسیانف چون خود را از هر جهة محاط و
محصور سپاه ایران دید با حسینقلیخان بادکوبه بنای مراوده و مماشات را گذاشت حسینقلیخان بظاهر
اظهار سازش با او نموده و برای مشورت سیسیانف را دعوت بحوالی قلعه طلبیده مشغول مکالمه شدند
در اینحال ابراهیمخان بنی عم حسینقلیخان از پشت سر سیسیانف را هدف گلوله ساخته بعالم دیگر روانه
ساخت و عساکر منصوره بار دیگر روس را تاختند بقیه لشکر بی سردار در سفاین نشسته براه پشت ساری رفتند
از قرار معروف حاجی میرزا محمد اخباری نیشابوری از علمای بزرگ اخباری پیش از وقت از کشته شدن سیسیانف
خبر داده بود خلاصه بعد از کشته شدن سیسیانف سرکرده دیگر روس با قشون روس به پشت ساری رفته
باامید موافقت مصطفی خان طالش چندی در آن ناحیه ماندند بعد مأیوس شده بروسیه بازگشت هم در اینسال چون
تراکمه سرخس و طرشت و اخال برحسب عادت بشرارت و فساد و راه زنی میپرداختند نواب شاهزاده محمدولی میرزا
بتدمیر و تنبیه آنجماعت مأمور و بعضی از سرکردگان سپاه منصور نیز بهمراهی شاهزاده معظم محکوم گردیدند و در
حوالی و طرشت در ماه ربیع الثانی اینسال باتراکمه تلاقی دست داد بسیاری از آنها را بکشتند و اموال زیاد بدست
قشون ظفرنمون افتاد هم در اینسال احمد چلبی با عریضه علی پاشا والی بغداد بحضور همایون آمد تبیین آنکه قلعه
سلیمانیه در خاک ولایت شهرزور که تقریباً یکصد سال قبل سلیمان پاشا وزیر بغداد بنا کرده و اکراد در آن سکنی دارند
وچون بر وفق تعیین حدود که در قدیم شده آن ولایت داخل کردستان و ضمیمه ایران بوده و گاهی دولت عثمانی آنرا
تصرف مینموده و اینمعنی اسباب حدوث خلاف فیمابین دولتین میگردید و بالجمله این اوقات عبدالرحمن پاشا ساکن
سلیمانیه که بعد از مخالفت و منازعه با علی پاشا والی بغداد بسنندج آمده و پناه یافته علی پاشا احمد چلبی را با
عریضه بدربار معلی فرستاده واسترداد عبدالرحمن پاشا را استدعا نمود بنابراین میرزا محمد صادق وقایع نگار
مروزی با جواب علی پاشا مأمور بغداد گردید و مقرر فرمودند که عبدالرحمن پاشا را بحکومت شهرزور برقرار دارند
هم در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه مهدیقلیخان دولو بیگلربیگی ایروان را بدفع جعفرخان دنبلی مأمور
فرمودند و کلبعلیخان نخجوانی را بتدمیر ابراهیم پاشا حاکم بایزید روانه کردند و حسینقلیخان افشار و اسمعیل خان
قاجار بتاخت و تاراج میانه گنجه و تفلیس رفتند و همگی با نیل مرام مراجعت کردند هم در اینسال میرزا رضاقلی نوائی
منشی الممالک و ناظم امور دربسرای سلطنتی گردیده و اختیار مهر مهر آثار و مفاتیح انتظام مهام خزانه عامره
را بکف کفایت او واگذار فرمودند وفات نواب امیرکبیر سلیمانخان اعتضاد الدوله قاجار اروپا را انگلیس
استعمال زغال سنگ در این مملکت رواج دارد (روس) دولت روس از دولت عثمانی آزادی کشتی رانی

در روُد خانهٔ فاز را که در حوالی ینی مصب دارد میطلبد (سایر ممالک فرانک) ناپلیون علاوه بر امپراطوری
فرانسه لقب پادشاهی ایطالیا را ضمیمهٔ القاب خود مینماید و در میلان تاج آهن سلاطین ایطالیا را بسر میگذارد
و بسبب خود اژن را نایب السلطنهٔ ایطالیا میخواند مراجعت ناپلیون به بولنی و در اینجا با صد و شصت و دو هزار پیاده
و پانزده هزار سوار و دو هزار کشتی مصمم ورود بخاک انگلیس است و متصل میگوید اگر دوازده ساعت آب دریا
با من موافقت کند جزیرهٔ انگلیس را معدوم مینمایم اطریش با انگلیس در ضدیت فرانسه مشارکت دارد و بواسطهٔ
ناپلیون از بندر بولنی مراجعت میکند که بمنازعه با اطریش بپردازد دولت روس قشون خود را با عساکر اطریش
همراه و متفق مینماید ناپلیون لشکری را که در بولنی برای جنگ با انگلیس حاضر کرده بود بجهت مقابلی با عساکر متحدهٔ
اطریش و روس بساحل رن میآورد فتوحات قشون فرانسه در خاک المان شکست سفاین فرانسه در ترافالگار بدست
نلسن امیر البحر انگلیس که مقتول میشود ولی فتح میکند ناپلیون بعد از فتح مشهور اولم بسمت وینه پای تخت اطریش حرکت
میکند و با عساکر متحدهٔ روس و اطریش در استرلیتز جنگ کرده آنها را شکست میدهد اطریش با فرانسه عهد صلح
موسوم بعهد پرسبورگ را می بندد ولات باویر و ورتمبرگ بملاحظهٔ خصوصیت با ناپلیون ملقب بپادشاه باویر و
پادشاه ورتمبرگ میشوند پادشاه ناپل فردیناند چهارم بحکم ناپلیون از سلطنت خلع میشود تقویم جمهوری
طلبان فرانسه محو و تقویم قدیم برقرار و روز اول ژانویه روز اول سال میگردد

سنه ۱۲۲۱ هجری — سنه ۱۸۰۶ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه زمام مهام و امور معظمه دولتی مملکت
ایران را بکفایت چهار نفر وزیر دادند یکی میرزا محمد شفیع که بمنصب صدارت عظمی نایل بود دیگری حاجی محمد
حسینخان بیگلربیگی اصفهان که از اسخیای زمان بود ملقب بامین الدوله شده و منصب استیفای ممالک محروسه بعهدهٔ
او مفوض گردید و میرزا رضا قلی نوائی متخلص بسلطانی منشی الممالک بوزارت رسایل برقرار گشته و میرزا هدایت الله
تفرشی وزارت لشکر یافت هم در اینسال عبد الله خان ولد حاجی محمد حسینخان امین الدوله بحکومت اصفهان منصوب
گردید و حسینخان قاجار قزوینی که سرداری خراسان و حکومت نیشابور داشت بدربار معلی احضار شد بر منصب
سرداری و سپهسالاری فایز آمد و محمد خان قاجار دولو حاکم سابق کرمان از و ملازم بسرداری خراسان و نیابت آستان
مباهی گشته بخدمت شاهزاده محمد ولی میرزا والی خراسان رفت و موکب همایون خاقانی از دار الخلافه طهران انهاض
فرموده روز جمعه بیست و پنجم ماه ربیع الاول بچمن سلطانیه نزول اجلال فرمودند هم در اینسال سفیری از جانب ناپلیون
امپراطور فرانسه مامور دربار دولت علیه گردیده پاشای حاکم بایزید و حاکم وان بجهت اتحاد دولتین عثمانی و روس موسوم به مسیو ژوبر
بر ضد فرانسه سفیر مزبور را گرفته حبس کردند و اموالش را ضبط و دو نفر از ملازمانش را مقتول نمودند حضرت
مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه عباس میرزا از واقعه خبردار گردیده مامور بطلب سفیر فرستادند
سفیر مستخلص شده با پذیرائی و احترام شایان در چمن سلطانیه بحضور همایون تشرف جست و غرض ناپلیون از
فرستادن این سفیر دو چیز بود یکی اتحاد و عهد مودت با دولت ایران و دیگر بضدیت متحد نمودن با امپراطوری او
حامل اصل جواب نامهٔ امپراطوری را میرزا رضا قزوینی منشی دیوان اعلی حامل و بسفارت مامور فرانسه شد هم در این
سال ابراهیم خلیل خان که بعد از کشته شدن سیسیانف از خود سری و سازش با سردار روس پشیمان شده بود
بتوسط حضرت مستطاب نایب السلطنه عرض کرده معذرت خواست و برای دفع ماژر روسی که در شوشی

اقامت

اقامت داشت استمداد نمود لهذا حسینخان سردار و اسمعیل خان دامغانی و امان الله خان افشار را که حسب الامر با لشکر عراق و
او مامور شدند و قبل از مشار الیهم فرج الله خان شاهیسون و ابو الفتح خان جوانشیر پسر ابراهیم خلیل خان عزیمت آن
ابو الفتح خان صفحات نموده بودند جعفر قلیخان بن محمد حسینخان که با عم خود عداوتی داشت وجود او را اسباب اختلال کار خود
می پنداشت شبی ماثرروس را با سیصد نفر سرباز روس از قلعهٔ شوشی بیرون برد چون خود ابراهیم خلیل خان که در خارج قلعه
بود برد و آنجا بخبر پسر ابراهیم خلیل خان رنجیدند و او را با سی و یکنفر از اهل و عیال و نسوان او بکشتند و بازماندهٔ
فتنه در قراباغ میل باشتعال نمود خلاصه بعد از قتل ابراهیم خلیل خان ماثرروس ضبط و امن کردن قراباغ را
بمهدیقلیخان ولد ابراهیم خلیل خان محول کرده خود مشغول حراست قلعهٔ شوشی شد حضرت مستطاب نایب
السلطنه چون از اختلال کار قراباغ خبردار شدند از تبریز حرکت فرمودند در منزل آق اغلان معروض ملازمان
حضرت معظم داشتند که یکی از سردارهای روس از تفلیس حرکت کرده و با سپاه کینه بطرف قراباغ رانده و در منزل
عسکران مانده و مهیای جنگ است نیز در عرض راه عریضهٔ سلیم خان شکی رسید که از سازش با سپاه روس معذرت
خواسته و استمداد و قبول خدمت دولت علیه را نمود حضرت مستطاب نایب السلطنه فرج الله خان
شاهیسون را مامور بامداد سلیمخان شکی نمودند و چون اکثری از ایلات قراباغ این اوقات استدعا نموده بودند
که از این ناحیه کوچیده در قراجه داغ متوقف شوند عطاء الله خان شاهیسون بانجام اینخدمت رفت و حضرت معظم
نایب السلطنه از آق اغلان بمنزل خانشین تشریف فرما شدند در اینجا دو لشکر باهم تلاقی کرده جنگیدند و جنگ
و کارزار سخت درکار بود آخر الامر از گرمی هوا و فقدان آب عساکر روس درمانده دست از جنگ کشیدند و بمنازل
خود شتافتند از آنجا که در اردوی حضرت نایب السلطنه نیز آذوقه وجود نداشت از پل عبور کرده بچمن حسن و حسین نزول
نمودند و در این وقت حسنخان و حسینخان قاجار قزوینی و اسمعیل خان دامغانی و امان الله خان افشار که از دربار
همایون بخدمت حضرت نایب السلطنه مامور بودند برکاب حضرت معظم پیوستند و چون مصطفی خان شیروانی با روس
ساخته بود اسمعیل خان سردار و امان الله خان افشار بتنبیه او روانه شده آنحدود را نهب کرده و تمام ایلات آنجا را
کوچ داده بقراجه داغ و موغان آوردند و حضرت مستطاب نایب السلطنه بتبریز معاودت فرمودند هم در اینسال چون
علی پاشا والی بغداد نصب عبد الرحمن پاشا را در شهرزور و ولایت از میرزا صادق وقایع نگار فرستاده اعلیحضرت خاقان
کشورستان استدعا نمود پذیرفته امنای حضرت گردون بسطت علیه عبد الرحمن پاشا را بدار الخلافه احضار کرده خلعت و منشور
ایالت شهرزور را باو مرحمت فرمودند و با امان الله خان والی کردستان حکم شد عبد الرحمن پاشا را تقویت نماید لهذا
خالد پاشا که در شهرزور بود ببغداد گریخت و عبد الرحمن پاشا در شهرزور استقلال یافت علی پاشا بعد وقت
استیذان از دولت عثمانی بخیال جنگ با عساکر ایران افتاد و از اینطرف نواب شاهزاده محمد علی میرزا مامور شدند
و ایالات مجاور خاک عثمانی شده از حدود بصره الی خرم آباد و از کرمانشهان تا خاک بغداد بحکمرانی نواب شاهزادهٔ
معظم مقرر گشت از امرای دربار ابراهیمخان دولو قاجار و محمد علیخان شامبیاتی و جمعی دیگر ملتزم رکاب
نواب شاهزاده شدند و در دهم جمادی الاولی از چمن سلطانیه حرکت کردند علی پاشا با سی هزار سوار و پیاده بمنزل
زهاب آمد و سلیمان پاشای کهیا همشیره زادهٔ خود را بدفع عبد الرحمن پاشا فرستاد عبد الرحمن پاشا تاب مقاومت
نیاورده بکردستان رفت و این معنی بر جسارت علی پاشا افزود و از زهاب باعلیحضرت همایون نوروزخان قاجار بیزحمتی علی نمود
امیر بار و ایشاخت بغداد فرمان دادند عساکر منصوره روانه شده بمنزل کرند رسیدند علی پاشا بکار درو سیروان
رفت

رفت نوروزخان و محمدعلیخان با دو هزار سوار از زهاب تا مندلیج را تاختند فتاح پاشا بمقابله لشکر ایران آمده شکست
خورد و بعلی پاشا پیوست فرج الله خان افشار نسقچی باشی و محمدولیخان افشار قاسملو و صفی یارخان کرد بجهة از دار
الخلافه مامور بنصب عبدالرحمن پاشا در شهرزور شدند سلیمان پاشا و خالد پاشا از جانب علی پاشا بکنار دریاچه مریوان
آمده بمقابله و مقاتله پرداختند و بعد از جنگی سخت و کشته شدن سه هزار نفر از عساکر عثمانی منهزم گردیدند و علی
پاشا ببغداد گریخت و شیخ جعفر نجفی را که از اجله علما بود واسطه و شفیع قرار داد و اسرای لشکر علی پاشا بتوسط شیخ
اجل همه مستخلص شدند مگر سلیمان پاشای کهیا که او را مغلولا ببلد بارخاقانی آوردند پس از آن او نیز بتوسط جناب
شیخ جعفر معفو و مرخص شد و موکب همایون اعلیحضرت خاقان کشورستان از سلطانیه بدار الخلافه طهران معاودت
فرمود همدراین سال دو دسته اهل بادکوبه را بر حسینقلیخان بادکوبه بشورانیدند و او با اهل و عیال بتبریز آمد
و شیخعلیخان قبه در عالم مستی با یکی از سرکرده های روس بنای درشتی را نهاده و او را بقلعه دربند راه داد آخر الامر
سوء سلوک آنجماعت او را متاذی ساخته بجبال داغستان رفت و سردار روس تسلیکی راند و سلیمخان بنا بر مخالفت اهالی
شکی بتبریز آمد و مصطفی خان شیروانی دارالسلطنه شیروان را بروسیه تسلیم نمود که علیخان سالیانی را که با او عداوت
داشت از میانه بردارند و بدینوتیره سالیان هم بتصرف عساکر روس درآمد و مصطفی خان ثمری از این خیانتها
ندید بهر صفت داعی دفتر همدراین اوان حسینخان قاجار قزوینی بسرداری ایروان مامور گردید و ولادت نواب کیقباد
میرزا و بهرام میرزا **اروپا** (انگلیس) فوت پیت در سن چهل و هفت سالگی صدارت گرانویل (فرانسه) اینسال
بجزو سنوات سلطنت ناپلیون است ازدواج دختر پادشاه باویر با پرنس اوژن دبیمنا پلیون بعد از مراجعت ناپلیون
با فتح و نصرت بپاریس لقب اعظم بر القابش افزوده میشود از بلاد مفتوحه کسر عمل خزانه فرانسه جا بجا میشود ایجاد
بانک در فرانسه در میدان واندم در پاریس مناره از توپهائیکه از دشمن گرفته شده و ذوب نموده انشا میکنند
جمعیت فرانسه امسال پنجاه و هشت کرور و صد و هفت هزار نفر و کسری میباشد (سایر ممالک فرنگ) تصرف مملکت
ناپل بدست ژوزف برادر بزرگ ناپلیون سلاطین و ولات و دوکهای المان و ایطالیا در عداد ملتزمین رکاب ناپلیون
اسامی خود را ثبت میکنند ژوزف بناپارت برادر ناپلیون بپادشاهی ناپل برقرار میگردد لوئی بناپارت برادر
دیگر ناپلیون پادشاه هلاند میشود امپراطوری المان بعد از هزار و ششصد سال استدامت و بقا بدست ناپلیون
نابود میگردد منازعه فرانسه با پروس شکست خوردن پروس فتح معروف ینا بدست ناپلیون و ورود ناپلیون ببرلن
و تصرف نمودن او این شهر را و ورود عساکر فرانسه بلهستان مؤازات سردار فرانسه ورشو را میگیرد والی ساکس
که با فرانسه متحد بود بحکم ناپلیون بپادشاهی ساکس برقرار میشود ناپلیون بورشو میرود مغایرت مابین روس
و عثمانی در باب ایالت افلاق بغدان ژاسی و بوخارست را قشون روس از عثمانی منتزع میکند شورشیان صربستان
بلگراد را از تصرف عثمانی خارج مینمایند **افریقا** محمد علی پاشا در مصر اقتداری حاصل مینماید پوشیده نباشد
که اصل محمد علی پاشا از رومیلی خاک عثمانی بوده اما نه از نژاد اعاظم بلکه از اهالی سوق و کسبه در طفولیت کسب علمی
ننموده در سن رشد داخل در دزدان دریائی شد بعد بتیپ کیطانی بقدر راه زنی کرد بالاخره بسبب عزم و
جرات و جلادتی که داشت بولایت مصر رسید

سنه ۱۲۲۲ هجری **سنه ۱۸۰۷ مسیحی**

آسیا (ایران) در اینسال بنا بر اینکه خلل با روس بانتها رسیده بر حسب امر اعلی عساکر منصوره از اطراف و جوانب

حرکت

حرکت کرده راه دارالخلافه را پیش گرفتند و موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه عزیمت سلطانیه
فرموده در اوایل اینسال نواب علینقی میرزا بحکمرانی قزوین منصوب شد هم در این سال چون دولت روس خیال
جنگ با عثمانی داشت غراف کداویچ سردار روس که مامور قفقاز بود اسپیانف نامی را با نامه که امپراطور روس بمیرزا
محمد شفیع صدر اعظم نوشته بود بدربار دولت علیه فرستاده طلب مصالحه نمود امنای دولت ایران مصالحه را
منوط باسترداد بلاد جزو ایروان و آذربایجان که عساکر روس متصرف شده بودند نمودند و فرستاده را خرسند معاودت
دادند و حسینخان قوللر آقاسی برادر حسینخان قاجار قزوینی را که حاکم سردار آذربایجان و ایروان بود مامور همان صفحات کردند که
بمعاضدت برادر خود پرداخته و اشرفخان دماوندی و جمعی را بمحارست حصار ایروان محکوم ساختند هم در این سال
چون یوسف پاشا صدر اعظم دولت عثمانی فیضی محمود افندی نامی را بخدمت حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد
عباس میرزا فرستاده مودت و اتحاد دولت عثمانی را با دولت علیه اظهار داشته و ضمنا استخلاص سلیمان پاشا
کهیا را خواهش نموده حضرت مستطاب معظم نیز فتحعلی خان رشتی ولد هدایت الله خان را نزد یوسف پاشا فرستاده
موافقت دولت علیه را با دولت عثمانی ابلاغ کردند هم در این سال فیمابین نواب شاهزاده محمد ولی میرزا و فیروز الدین والی خراسان هم
میرزای افغان والی هرات جنگ در گرفت تبیین آنکه در زمانیکه حسینخان قاجار قزوینی در خراسان بود ولایت غوریان را
که در هشت فرسنگی هرات است متصرف گردید و ولایت مزبوره باسحق خان قرائی سپرده شد اسحق خان حکومت غوریان
را بیوسف علیخان برادرزاده خود واگذار کرده و خود در ملازمت رکاب نواب شاهزاده محمد ولی میرزا بسر میبرد یوسف علی
خان بنابر هواخواهی فیروز الدین میرزا متابعت او را اختیار کرده و فیروز الدین میرزا حقوق اعلیحضرت خاقان کشورستان
را فراموش کرده صوفی اسلام نامی از صوفیه بخارا را که در کرخ من توابع هرات جمعی مرید دور خود جمع کرده بود با
پنجاه هزار سوار برداشته بطرف شکیبان که شش فرسخی هرات است حرکت کرد از اینطرف نیز با مرافقت نواب
شاهزاده محمد ولی میرزا و محمد خان نایب خراسان و خوانین و عساکر این ایالت بشاه ده یک فرسخی شکیبان آمدند و در
بیست و دوم ربیع الاول در صحرای شکیبان فریقین تلاقی نمودند صوفی اسلام که در هودج زرین و با حشمت تمام
حرکت میکرد در هودج مقتول شد و قشون فیروز الدین میرزا شکست خورده بسیاری از خوانین و آحاد و افراد
لشکریان براه عدم رفته چند تن از سرکردگان و سه هزار از سپاهیان اسیر شده بقیة السیف بهرات گریختند
و اموال آنها بتصرف عساکر منصوره درآمد و فیروز الدین میرزا خراج دو ساله را داده و مالیات سنواتی را متقبل
گردید و یوسف علیخان قرائی را دست بسته بدربار والی خراسان فرستاد و خراج مزبور با بعضی هدایا و پیشکشها
در چمن سلطانیه بدربار خاقانی موصول گردید و موکب نواب شاهزاده محمد ولی میرزا بارض اقدس معاودت نمود هم
در اینسال میرزا محمد رضا قزوینی که با ایلچی گری بفرانسه رفته بود در مسئله بخصوص ناپلیون اول امپراطور فرانسه رسیده
مورد التفات زیاد گردیده و ناپلیون ژنرال غاردان را که سردار دوازده هزار قشون فرانسه بود با هفتاد نفر معلم
و مهندس نظامی و ارباب صنایع بدربار دولت علیه مامور نموده فتحعلیخان نوری نور بساولباشی حضرت مستطاب نایب
السلطنه بمهمانداری آنها رفت و ژنرال مشار الیه و همراهان او با میرزا محمد رضا قزوینی بدار الخلافه آمدند و در خانه
میرزا محمد شفیع صدر اعظم منزل برای آنها معین شد و ژنرال غاردان بحضور اعلیحضرت خاقان مشرف شده نامه
مودت علامه ناپلیون را با هدایا تقدیم نمود و بعواطف خاقانی اختصاص یافته بلقب خانی مباهی گردید و عهد مودت
ما بین دولتین ایران و دولت فرانسه منعقد گردید و عسکرخان افشار ارومی بسفارت بفرانسه رفت و حکم همایون

شرف صدور یافت که حضرت مستطاب نایب السلطنه بتشکیل سپاه نظام پردازند و افواج پیاده استرآباد و مازندران
و عراق وضع نظامی بهم رسانیده مشغول مشق شدند حتی شاهزادگان بتعلیم معلمین فرانسه بمشق کردن پرداختند و چیزی
نکذشت که پنجاه هزار نفر از عساکر آذربایجان و مازندران و عراق و سمنان و دامغان داخل در نظام کردیدند هم در
اینسال نواب امام ویردی میرزا ملقب بایلخانی شده و بمنصب سرکشیکچی باشی و ریش سفیدی سپاه ظفر همراه نایل آمد
هم در اینسال چون علما و ینکچریان از سلطان سلیمخان سیم سلطان عثمانی راضی نبودند واو را خلع کرده ابن عم او
سلطان مصطفی خان بن سلطان عبدالحمید خان را بتخت سلطنت عثمانی جلوس دادند اعلیحضرت خاقان آقا ابراهیم
شیخ الاسلام خوی را که مردی دانا و خبیر بود بتهنیت جلوس سلطان مصطفی خان مامور دربار دولت عثمانی
فرمودند هم در اینسال میرزا محمد علی و میرزا اسمعیل از جانب میر عالم خان و میر غلامعلی و میر کرمعلی از ولایت
حیدرآباد هند با هدایا و تحف بدربار خاقان عظیم الاقتدار آمدند و فتحعلی خان خواجه وند با خلعت خسروانه بدان
ولایات مامور شد هم در اینسال غراف کداویچ سردار روس که در تفلیس بود فرستاده با عریضه بدار الخلافه فرستاد
و نامه ژنرال غاردان خان سفیر فرانسه که در دربار معلی بود نوشته او را واسطه صلح بین دولتین ایران و روس قرار داد
ولی اینکار صورت پذیر نشد و بعضی اینواقعه را از وقایع سال بعد دانسته اند تولد شاپور میرزا و ملک قاسم میرزا و منوچهر
میرزا و ایرج میرزا و کیکاوس میرزا فرزندان اعلیحضرت خاقان کشورستان و از سعادتهای بزرک آخر این سال آنکه در
روز ششم ماه ذیقعده حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد را از بطن صبیه محترمه امیر کبیر میرزا محمد خان
بیکلربیکی قاجار دولو فرزندی ارجمند متولد شد و باذن اعلیحضرت خاقان کیتی ستان آن مولود مسعود موسوم بمحمد
میرزا کردید و این شاهزاده است که بعد از خاقان معظم بسریر سلطنت ایران جلوس نمود ایدارم باقشلامیشی
ناپلیون در سیلزی فتح برسلو و دانزیک جنک ناپلیون با قشون روس در ایلو و شکست فاحش روسها و در این
جنک عساکر ناپلیون پنجاه و چهار هزار نفر و لشکر روس هفتاد و دو هزار نفر بودند و این جنک یکی از جنکهای
خونریز دنیا بوده است جنک دیکر ناپلیون با سپاه روس در فریدلاند ساحل رود نیمن معسکر ناپلیون میشود
و در تیلسیت با پادشاه پروس و امپراطور روس مشارکه میکنند ملاقات امپراطور روس با امپراطور فرانسه در میان یک
قایقی در وسط رود خانه نیمن و انعقاد معاهده موسوم بتیلسیت میشود در این معاهده شهر دانزیک شهر آزاد
و سیطره میکردد ایالات متعدده از پروس منتزع کردیده و سلطنت وستفالی از این ایالات تشکیل یافته به
ژروم بناپارت برادر ناپلیون تفویض میشود لهستان از تصرف روس خارج شده بایالت وارشو موسوم و
بپادشاه ساکس مفوض میکردد آنچه را که ناپلیون در بلاد فرنک تصرف کرده است الکساندر اول امپراطور
روس در این معاهده تصدیق میکند از طرف روس واسطه صلح مابین فرانسه و انکلیس میکردد و فرانسه
واسطه مصالحه روس و عثمانی میشود مملکت هانور جزو سلطنت جدید وستفالی میکردد معاهده مخفی
مابین عثمانی و انکلیس بر ضد ناپلیون نقار و کدورت باطنی اهالی فرانسه با ناپلیون دانمارک با ناپلیون بر ضد
انکلیس مشارکت دارد سفراین جنکی فرانسه تسلیم انکلیس میشود ممانعت سخت انکلیس با دانمارک و ورود سفاین
جنکی آن بدریای سوند عساکر انکلیس سه روز و سه شب شهر کپنهاک را کلوله باران میکنند بلشت از دولت
فرنک از اعمال انکلیس ناراضی میباشند و با ناپلیون در ضدیت با انکلیس مشارکت دارند دولت روس
بتحریک ناپلیون فنلاند را از سوئد منتزع میسازد و وعده ایالات دانوبی عثمانی را ناپلیون بروس میدهد

سلیمان کهیا منصب سپهداری یافت و عکوش زمان منصور شد

ژنرال

ژنرال ژونو با بیست و سه هزار قشون مملکت پرتوغال را برای ناپلیون فتح میکند خانواده براگانس که سالها در پرتوغال سلطنت داشتند فرارا ببرزیل که در ینگی دنیای جنوبی و متعلق بآنها بود میروند اعلان جنگ انگلیس و روس بحکم ناپلیون تجارت انگلیس در ممالک وسیعه که مستقیما تبصرفا و میباشد یا متحدین و دوستان ناپلیون مرفاند ممنوع میگردد (انگلیس) کاننگ بصدارت منصوب میشود (اسپانیول) پادشاه این مملکت ابله و ملکه زانیه و صدر اعظم نا قابل و خاین در فنتن بلو اسید دولت باینوضع با ناپلیون عهد مخفی می‌بندد که مملکت پرتوغال را با فرانسه تقسیم کنند پادشاه ابله ولیعهد خود را محبوس میسازد و شئونات سلطنتی را از این خانواده سلب میکرد (فرانسه) ایجاد قانون تجارت و برقرار شدن القابی که در هنگام جمهوری حذف شده بود ناپلیون مشوق علما وارباب صنایع است تشریفات دربار قدیم سلطنت فرانسه مجددا معمول میگردد سفر ناپلیون بایطالیا و دادن برادرزن ربیب خود لقب شاهزادگی ونیز را (عثمانی وانگلیس و روس) روس و انگلیس بر ضد عثمانی متحد میگردند سرار دوی روس از دنی اسیتر عبور کرده بخاک عثمانی ورود مینماید امیرال انگلیس دوکورث با سفاین جنگی بدار دانل میآید دربار عثمانی متزلزل است ایلچی فرانسه سلطان سلیمان سیم را بمحاربت مینماید قشون انگلیس در مصر اسکندریه را میگیرد یاغیان صربی با روس متحد میشوند سلطان سلیمان سیم را علمای ینگچریان که از او راضی نبودند خلع و حبس میکنند و ابن عم او سلطان مصطفی خان را بجای او نصب میکنند مصریها قشون انگلیس را از اسکندریه میرانند **امریکا** رواج سفاین بخاری و لزوم و درک فواید آن

سنه ۱۲۲۳ هجری **سنه ۱۸۰۸ مسیحی**

آسیا (ایران) در اوایل اینسال نیز موکب اعلیحضرت خاقان مملکت ستان فتحعلیشاه تشریف فرمای چمن سلطانیه گردیده و عساکر منصوره نیز از هر طرف متوجه سرحدات بازهنگ گردیدند هم در اینسال امیر ناصر الدین توره ابن میر معصوم بیکجان با یکهزار خانوار مروی بارض اقدس آمد تبیین آنکه امیر حیدر توره برادر امیر ناصر الدین توره حکمران بخارا این وان بجهت اظهار توسلی که امیر ناصرالدین توره حکمران مرو بملازمان حضرت خاقان کشورستان کرده بود از او متوهم شده لشکر بمرو کشید و بلد مرو را خراب نمود و زیستن در مرو صعب شد امیر ناصر الدین مراتب را بنواب شاهزاده محمد ولی میرزا حکمران خراسان عرضه داشت و نواب معظم باستان همایون و حکم شد محمد خان نا... خراسان بمرو رود و امیر ناصرالدین توره را با محمد شریفخان مروزی قاجار برادرزاده حاجی محمد حسینخان عزالدینلو با هزار سوار بارض اقدس آورد و امیر ناصرالدین توره بعد از آنکه در خراسان سکنی گرفت با نواب شاهزاده محمد ولی میرزا وصلت کرد و بعد از مدتی بسیاحت عثمانی و روس رفت و در ممالک روس درگذشت هم در اینسال فیمابین سلیمان پاشا والی بغداد و عبدالرحمن پاشا حاکم شهرزور خلاف بروز کرد و عبدالرحمن پاشا مغلوبا بکرمانشهان آمده با اولیای دولت علیه متوسل گردید لهذا فرج الله خان افشار بنصب عبدالرحمن پاشا و تهدید سلیمان پاشا مامور شده این خدمت را بانجام رسانیده بازگشت هم در اینسال نوشتجات فیمابین عزاف گداویچ و ژنرال غاردان خان سفیر فرانسه ارسال و مرسول شد گداویچ متعهد شد که امسال عساکر روس را با سپاه ایران بنا رزم ننماید تا بلکه صلح بانجام رسد و ژنرال غاردان اظهار داشت که چون ناپلیون با امپراطور روس در کار انعقاد عهد مصالحه میباشد من در عریضه خود بناپلیون نوشته‌ام که قرار تخلیه ولایت گرجستان و قراباغ و آران را نیز با دولت روس بدهند هم در اینسال سر هرتن ملکم که سابقا از جانب حکومت هندوستان انگلیس بدربار همایون بسفارت آمده بود مجددا با ایلچیگری از جانب

حکومت

حکومت مشار الیها به بندر بوشهر آمد و چون ژنرال غاردان خان با آمدن سفیر انگلیس بدربار همایون مایل نبود و تعهدات کرده اسمعیل خان بیشخدمت خاصه را نیز از رفت و بوضع خویش به سیر ژان ملکم پیغام فرستاد که تا زمان ظهور تعهدات فرانسه بنا را بتوقف در آنجائی که هست گذارد مقارن اینحال حکمی از فرمانفرمای هندوستان بسیر ژان ملکم رسید که سیر هرفرد ژونس از جانب پادشاه انگلستان مامور سفارت ایران و وارد بمبئی شده بنا براین مراجعت نماید و لیست لهذا سیر ژان ملکم بکلکته مراجعت کرد هم در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه بکنار رود ارس آمده بعضی از سرداران سپاه را مامور دفع عساکر روس فرمودند و در شنبه نهم شوال اینسال لشکر روس بقلعه ایروان یورش بردند مستحفظین قلعه یعنی حسنخان برادر حسینخان سردار و کلبعلیخان سیانلوی قاجار و اشرفخان دماوندی و میرزا علینقیخان قندسکی عمدا فعه پرداخته و جنگی سخت در گرفت و بسیاری از صاحب منصبان و عساکر روس مجروح و مقتول شدند ناچار کدا ویچ با بقیة السیف صرف نظر از یورش و حمله نموده بطرف سنگرهای خود راندند و در بیست و دویم شوال از راه گرجستان پیش کرفتند هم در این اوان علیخان قوانلو و امان الله خان افشار بادو دسته از سپاه روس مقاتله نموده بر آنها غلبه کردند و شیخعلیخان قبه نیز در حوالی در بند با دسته جات روس که در آنجا بودند زد و خوردی کرده بر آنها غالب آمد و علیخان قاجار بعلت زخمی که در پا داشت در گذشت و این اخبار در زرند و ساوه بسمع مبارک اعلیحضرت خاقان رسید و موکب همایون بعد از شکار در زرند و ساوه بدار الخلافه طهران مراجعت کرد هم در این اوان سیر هرفرد ژونس سفیر انگلیس وارد بندر بوشهر شده محمد خان حاجیلر استرابادی یوزباشی بمهمانداری او بشیراز رفت و با سفیر مشار الیه باصفهان آمد و چون اثری از تعهدات ژنرال غاردان خان ایلچی فرانسه بظهور نرسید بی اذن امنای دولت و حکم ناپلیون از راه تبریز و تفلیس بپاریس شتافت و سفیر دولت انگلیس از اصفهان عزیمت دار الخلافه نموده روز بیست و هشتم ماه ذیحجه این سال وارد طهران شد و در خانه حاجی محمد حسینخان امین الدوله منزل برای او معین کردند تولد نواب هقلی میرزا و محمد مهدی میرزا وفات میرزا محمد رضی تبریزی صاحب منتخب التواریخ امروپا شارل چهارم پادشاه اسپانیول بنا بر تحریکات باطنی ناپلیون مصمم فرار به امریک است موران سردار فرانسه با عساکر زیاد وارد اسپانیول میشود در فرار پادشاه اسپانیول مردم با و میشورند لهذا پادشاه از سلطنت استعفا کرده پسرش فردیناند هفتم بجای او بتخت سلطنت جلوس مینماید موران سردار پادشاه تازه را نمیشناسد و وارد پای تخت اسپانیول میشود ناپلیون پدر و پسر را در شهر باین احضار مینماید که بین الطرفین ثالث و حکم کرده و فیما بین را اصلاح نماید ولی بجای اصلاح تفتین نموده و ژوزف برادر خود را بسلطنت اسپانیول معین و مامور میکند اهالی اسپانیا از این رفتار ناپلیون متغیر شده با فرانسه ها ابنای ضدیت را میگذارند و پنهان و آشکارا از عساکر فرانسه میکشند انگلیسها با اسپانیول در ضدیت با فرانسه شریک میشوند چون پی هفتم پاپ ناپلیون را لعنت کرده بود عساکر فرانسه شهر رم را متصرف مینمایند بهمورات سردار فرانسه تاج سلطنت ناپل داده میشود و لسیلی سردار انگلیس سردار فرانسه را در لزبن پای تخت پرتوغال شکست میدهد ملاقات مجدد ناپلیون با امپراطور روس که معاهده مخفی با یکدیگر بستند که فرنگستان را بالسویه تقسیم کنند حرکت ناپلیون بطرف اسپانیول قشون فرستادن امپراطور روس بسمت سوئد فتوحات ناپلیون در خاک اسپانیا و ورود ناپلیون بشهر مادرید پای تخت اسپانیول و رفاهیت و آزادی دادن در اسپانیا برعیت و با وجود

رفاهیت بیشتر که ناپلیون با سپانیولیها داد باز آنها بر ضد فرانسه میباشند (ایطالیا) مورات بوضع سلطنت
واردناپل میشود (اطریش) دولت اطریش جمعیت زیادی از عساکر خود را مسلح مینماید (دانمارک) فوت کریستیان هفتم
پادشاه در سن شصت سالگی بعد از چهل و دو سال سلطنت جلوس پسرش فردریک ششم بجای او (فرانسه) دادن
القاب نیابت بسردارها و وزرا عده عساکر فرانسه را بنوزده کرور میرسد (پروس) تنظیمات جدیده در قشون این
دولت (روس) فنلاند کلیتةً از سوید منتزع شده بتصرف امپراطور روس در میآید (عثمانی) شورش مردم بر ضد
سلطان مصطفی خان چهارم سلطان عثمانی و طلب نمودن سلطان سلیمان سیم را که در محبس بود اما اشخاصی که
از سلطان سلیمان ناراضی و شاکی بودند او را در محبس بقتل رسانیدند و سلطان محمود خان دویم بتخت سلطنت
عثمانی جلوس نمود طایفه ینکیچری قتل و غارت زیادی در اسلامبول مینمایند و بسیاری از مواضع اسلامبول را آتش
میزنند و سلطان مصطفی خان را نیز بقتل میرسانند

سنه ۱۲۲۴ هجری — سنه ۱۸۰۹ مسیحی

آسیا (ایران) در وقایع سال قبل مذکور شد که سیر هرفرد جونس ایلچی انگلیس در بیست و هشتم ذیحجه وارد
دار الخلافه طهران شد ایلچی مشار الیه روز سیم محرم این سال بحضور اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه
مشرف شده نامه مهر علامه پادشاه انگلستان را با یکقطعه الماس گرانبها که برسم هدیه پادشاه انگلستان برای
شهریار ایران انفاذ داشته بودند بحضور مکرمت ظهور خاقانی تقدیم نمود و آن قطعه الماس را گوهریان بمبلغهای خطیر
نموده قیمت گذاشتند خلاصه سفیر انگلیس مشمول تفقدات شاهانه گردیده پس از چندی بآذربایجان رفته در حضرت
مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه مقامی منیع بهم رسانید و بواسطه او عهدنامه مابین دولتین ایران و
انگلیس منعقد گردید و ژنرال غاردان خان که بی اذن ناپلیون بفرانسه بازگشته مورد مؤاخذه شده و عسکرخان
افشار سفیر ایران که مدتی در فرانسه بود ناپلیون او را بحضور خود طلبیده از طول مدت اقامت او و مماطله در جواب
عذر خواست و با نامه دوستی و مسیو اوتره نام او را بایران معاودت داد هم در این اوان سیر جان ملکم نیز از جانب
حکومت هندوستان انگلیس بایران آمده چندی توقف کرده و بازگشت هم در این اوقات علمای اسلام فتوی دادند که
جنگ با روس دفاع و جهاد است و اعلیحضرت خاقان کشورستان مجاهدین فی سبیل الله میباشد هم در این اوان فتحعلیخان
خواجه وند از سفارت سند مراجعت کرده میرثابت علی نام فرستاده ولاة سند نیز با هدایا بهمراهی او بدربار همایون آمده
میرزا مهدی نام اصفهانی باتفاق میرثابت علی مامور روانه سند گردید در زمستان این سال زلزله عظیم در مازندران
شد و ابتدای ظهور آن در عصر روز جمعه اواخر شوال بود و تا یکماه زلازل شدیده مردم را متوحش داشت و چندماه
بعد نیز زلزلهها خفیفه در کار بود خلاصه این زلازل عمارات عالیه را منهدم ساخت و زمین را منشق کرده گل سیاه
از آن بیرون آمد و بعضی این زلازل را بسال قبل نسبت داده اند در این سال نواب شاهزاده عبدالله میرزا متخلص
بدارا که در بیست و چهارم ماه جمادی الاولی سنه هزار و دویست و یازده متولد شده بود بحکمرانی خمسه منصوب
گردید و میرزا محمدتقی علی آبادی ولد میرزا محمد زکی مستوفی الممالک شاه شهید سعید طاب ثراه ملقب بصاحبدیوان
بدرجه وزارت رسید و نواب حسام السلطنه محمدتقی میرزا بحکومت بروجرد و سیلاخور و چاپلق برقرار
گشت و میرزا علی گرایلی بوزارت این شاهزاده نایل آمد و نواب شیخعلی میرزا بحکمرانی ملایر و احشام زند منصوب
گردید و حاجی میرزا اسمعیل اشرفی ناظر سابق بوزارت شیخعلی میرزا مباهی شد هم در این سال عراق که داوم

بسبب

بسبب شکست ایروان مغضوب و بدربار امپراطور روس احضار شد و ترموسوف بجای او سردار گرجستان
آمد همدر این سال نواب شاهزاده محمدعلی میرزا بچمن سلطانیه مامور شد و حاجی میرزا ابوالحسنخان شیرازی
همشیره زاده مرحوم حاجی ابراهیمخان وزیر شاه شهید سعید انارالله برهانه بواسطه انتساب با حاجی محمدحسینخان
امین الدوله و لیاقت شخصی بسفارت انگلیس منتخب و روانه گردید و چون از راه اسلامبول میرفت نامه نیز با هدایا
بدربار سلطان عثمانی مصحوب او ارسال شد و از آنجا که مصطفی قلیخان عرب جاکرلو ترشیزی هفت سال بود بواسطه توهم
و وحشتیکه عارض او شده از تقبیل عتبه علیه تحاشی داشت نواب شاهزاده محمدولیمیرزا والی خراسان بمحاصره
ترشیز آمدند و مصطفی قلیخان را مقهور کرده با امیر قلیخان تیموری بدربار معلی روانه کردند و موکب همایون عزیمت
چمن سلطانیه فرمود و نواب شاهزاده محمدعلیمیرزا با سپاهی آراسته بتقبیل رکاب اعلی آمد و میرزا بزرگ وزیر آذربایجان
نیز از تبریز در رسید و چون دانست که موکب خاقانی عازم آذربایجان و توقف در آنجا نسبت بجهة تهیه و انجام
بعضی خدمات رخصت انصراف یافت نواب شاهزاده محمدعلیمیرزا دو روز پیشتر حرکت کرد و موکب خاقانی نیز از
سلطانیه تشریف فرمای چمن اوجان گردید و هنگام ورود حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد بیست هزار نفر
پیاده نظام جدید آذربایجان را با بیست عراده توپ از سان نظر مبارک گذرانیده زیاده از حد مورد تحسین و
تمجید گردیدند همدر این اوان چون ترموسوف سردار روس در تکفیر سنگر تفلیس اقامت کرده و صاحبمنصبان و قشون
ابواجمعی خود را باطراف مامور و روانه میکرد اعلیحضرت خاقان کشورستان محمدعلیمیرزا را با بیست هزار سوار
المرزی و قاجار بطرف تفلیس مامور فرمودند و موکب حضرت نایب السلطنه روانه گنجه گردید و فرج الله خان نسقچی باشی
بامر اعلی روانه اردبیل شد و موکب خاقانی بجانب سراب توجه فرمود و نواب شاهزاده محمدعلیمیرزا در محال حمامللو در
سرمنزل ایروان با قشون روس تلاقی نموده بر ایشان غالب آمد و بعضی اسرا از آنها گرفته باردوی معلی فرستاد و
خود بجانب تفلیس راند و ایلات آن صفحات را نهب کردند حضرت مستطاب نایب السلطنه نیز از راه کوکچه ییلاق بگنجه
شتافته ایلات آنجا را کوچانیده روانه ایروان کردند و پولکونیک وسی که بمحارست آن محل و ایلات آمده بود
فرار نمود و امیرخان دولوی قاجار تا حوالی گنجه او را تعاقب کرد و بعضی از همراهان او را مقتول و برخی را دستگیر
ساخته ترموسوف سردار روس چون از این وقایع خبردار گردید عریضه خدمت حضرت مستطاب نایب السلطنه
نوشته اظهار داشت که بعد از حرکت رایات نصرت آیات از این نواحی گنجه را خالی خواهد نمود و بتفلیس
خواهد رفت از آن راه که آذوقه کمیاب بود حضرت مستطاب معظم بایروان توجه فرمودند و در چمن کوکچه
با برادر والاگهر خود شاهزاده محمدعلیمیرزا ملاقات نمودند و نواب محمدعلی میرزا بموکب اعلی پیوست و فرج الله
خان افشار که روانه اردبیل و آن حدود شده بود با مصطفی خان طالش مقاتله نموده بر او غلبه کرد و قلعه لنکران
را متصرف شد مصطفی خان در قلعه جامیشوان محصور گردید و ناچار از در عجز در آمد میرزا بزرگ وزیر
آذربایجان باستمالت او رفته وی را اطمینان داد و فرج الله خان از محاصره بازگشت همدر این سال بنابر شرارت
ترکمن نواب محمدولیمیرزا والی خراسان در ماه جمادی الثانیه با سرکردگان خراسان بدشت خاوران
یعنی بطرف نسا و ابیورد و درونه و مهنه و آن صفحات رانده ترکمانان شرور را تنبیه و مقهور نمودند و بعضی
غنایم نصیب عساکر نواب شاهزاده گردید همدر این سال میرزا رضا قلی نوائی متخلص بسلطانی صاحب دیوان
انشا بوزارت خراسان رفت و منشی الممالکی مخصوص میرزا عبدالوهاب اصفهانی متخلص بنشاط صاحب گنجینه

که شایان

که شایان این منصب بود شد و محمد حسینخان امین الدوله مأمور محاسبه فارس کردید و ولات حنفه
و پاشاجق القاصر بیک نامی کرجی را ببلد بارها پون فرستاده اظهار عبودیت کردند و نقوبت وحمایت آنها بر
عهدهٔ حضرت مستطاب نایب السلطنه موکول آمد همدراین اوان فیمابین عبدالله خان بیکلربیکی لارستان و احمدخان
بستکی نزاع درگرفت و عبدالله خان از نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس مستدعای استمداد نمود نواب معظم
صادقخان دولو پسر رضاقلیخان قاجار را با سپاهی بکمک او مأمور کردند اهالی بستک و جهانگیریه بجماعت وهابی
برمتوسل شدند صادقخان با قشون ابوالجمعی خود در حوالی بحرین و قطیف با آنها اقدام بمقابلت و مقاتلت کرد
و در اول کار در پیش نشست آنها کان کردند که شکست خورده و فرار کرده است بنابراین اعراب بمحل بنه وارد و آمده مشغول
بغارت شدند و در سر تقسیم اموال نزاع فیمابین آنها درگرفت صادقخان غفلة از کمین برآمده بر سر آنها تاخت و
همه را دواند دیار عدم ساخت و قلعه بستک و جهانگیریه را مصفی نموده بحاکم لار تفویض کرده بشیراز آمد **اروپا**
جنگ بسیار سخت عساکر فرانسه در اسپانیا اتحاد اسپانیولیها و پرتوغالیها بر ضد فرانسه پروزکرد و دولت فیمابین
اطریش و فرانسه اتحاد دول و ملل بتحریک انکلیس بر ضد فرانسه حرکت قشون اطریش بر ضد فرانسه تصرف
نمودن مونیک پای تخت باویر را که با فرانسه متحد بود منازعه فرانسه با عساکر اطریش و فتوحات قشون فرانسه
در جنگ راتیسبن پای ناپلیون مجروح میشود ناپلیون بسمت وینه پای تخت اطریش رانده بعد از تصرف این شهر
بطرف وَاگرام میرود و در آسپرن واسلنک با عساکر اطریش جنگیده و در این جنگ مارشال لان مقتول میکردد
جنگ سخت ناپلیون در واگرام که بعد از این فتح اطریش طالب صلح میشود شورش اسپانیولیها بر ضد فرانسه در کمال
سختی است ولسلی سردار انکلیس که در پرتوغال فتوحات کرده بود ملقب به ویکنت ولنکتن میکردد مابین
سردارهای فرانسه در پرتوغال و اسپانیول نفاق حاصل میشود ناپلیون از اطریش عزیمت اسپانیول مینماید
عهدنامه و ستی با اطریش در قصر شومبرون حوالی وینه منعقد میکردد (اسپانیول) احکام ژوزف بناپارت برادر
ناپلیون پادشاه اسپانیول بر خلاف میل اهالی است (فرانسه) ناپلیون زوجه خود ژوزفین را که از او
اولاد نمیشود طلاق میدهد (روس) اعلان جنگ روس بعثمانی عبور عساکر روس از دانوب قلعه پوطی را که متصرف
عثمانی بود روسها مسخر مینمایند (سوئد) شورش در این مملکت بانجه که گوستاو چهارم پادشاه چون خیال
سازش با انکلیس داشت مردم باو شوریده او را گرفته حبس کردند و او را مجبور باستعفا از سلطنت نمودند و
شارل عموی گوستاو بجای او بسلطنت برقرار میکردد (عثمانی) شورش سربستان کرفتن طایفه وهابی
دمشق را **امریکا** برای اثبات بیطرفی مابین فرانسه و انکلیس اتازونی ینکی دنیا سفاین فرانسه و انکلیس را
در بنادر خود راه نمیدهد مادیسن ریاست جمهوری اتازونی برقرار میکردد

همدرانیسال ایلچی سند با
هدایا بدربار معلی آمد و میرزا
عبدالوهاب نشاط ملقب
بمعتمد الدوله کردیدلم

سنه ۱۲۲۵ هجری — سنه ۱۸۱۰ مسیحی

آسیا (ایران) در اوایل این سال موکب خاقان مملکت ستان تشریف فرمای چمن سلطانیه کردید و نواب شاهزاده
علیخان برادر صلبی و بطنی حضرت مستطاب نایب السلطنه از چمن سلطانیه بدفع دسته پنبک و آباران مأمور شد
و اسمعیل خان دامغانی و برادرانش ذوالفقارخان و مطلبخان با لشکریان سمنانی و سواران مافی و خولنجه
و عبدالملکی ملتزم رکاب نواب شاهزاده کردیدند و در محال پنبک و آباران با قشون روس تلاقی و کارزار
کرده بر آنها غالب آمدند و تا نزدیکی قراباغ و محال کنجه تاخته بسیاری از ایلات آن نواحی را کوچ داده با بروان

باز آمدند و هنگامیکه چمن اوجان مضرب خیام گردون احتشام معلی بود بشرف حضور همایون مشرف گردیدند همدر
این سال سر جان ملکم از جانب حکومت هندوستان انگلیس به بندر بوشهر آمد و محمد نبی خان بگلربگی فارس بمهمانداری
او رفته سفیر مشار الیه را در چمن سلطانیه بحضور مبارک خاقانی مشرف ساخته بعضی هدایا و تحف لایقه را که حامل
بود تقدیم ملازمان حضرت نمود پس از آن عریضه میرزا ابو الحسن خان شیرازی سفیر ایران مقیم لندن بدربار دولت علیه
رسید که امنای دولت انگلیس مقرر داشته اند سیر هرفرد جونس بسفارت مقیم دربار دولت ایران باشد و سر جان ملکم
بهندوستان معاودت نماید لهذا سر جان ملکم از راه مراجعت ببغداد و از بغداد بهندوستان باز گشت همدر اینسال
ابراهیم خان قاجار بغارت و تاراج ایلات قراباغ که از فرمان همایون سر پیچیده بودند رفته و با غنایم باز گشته همدر
این اوان اعراب و اکراد بغداد و حوالی باشاره امنای دولت عثمانی سلیمان پاشای والی بغداد را که رو بآستان
همایون داشت مقتول نمودند و عبد الله پاشا نامی کرجی را بایالت بغداد برقرار کردند و احمد چلبی را با عریضه و پیشکش
بحضور مبارک فرستاده و ایالت او ممضی شد همدر این سال در اول ماه شوال موکب همایون از چمن اوجان انهضت فرموده
در اواخر ماه مزبور تشریف فرمای دار الخلافه گردیدند همدر اینسال مرتومسوف سردار روس بمیانه تفلیس و باشاچق
رفته قصد گرفتن سلیمانخان حاکم باشاچق نمود سلیمانخان از امنای دولت علیه کمک خواسته حسینخان سردار ایروان
بامداد او رفت و ابتدا پیشرفت کاملی بهم رسانیدند تا شبی غفلتاً گروه روسها در اردوی او ریختند و بقتل و غارت
پرداختند سردار از اردو خارج شد و میرزا علینقیخان قندرسکی جنگ سختی با روسها کرده آنها را مقهور و مغلوب نمود
و سردار ایروان بقید برآمده حضرت مستطاب نایب السلطنه جمعی را بامداد و همراهی او مامور فرمودند و بطرف کلیسیا
پنبک شتافت و از همراهان او محمد بیک قاجار افشار و قاسمخان سرکرده غلام تفنگچیان در اینسفر دلیریها نمودند
و در یکشبانه روز بیست و هشت فرسنگ راه پیاده در میان برف و یخ و سرما طی کردند و در هشت فرسنگی پنبک
بر روسها حمله نمودند و جنگ عظیمی در گرفت عساکر منصوره از اطراف بسنگرهای قشون روس یورش برده داخل سنگر
شدند و در این یورش و حمله بسیاری از لشکر روس مقتول گشتند نیز بر سر روسهائیکه در قلعه شیخ آویز بودند تاخته
جمعی از آنها را بکشتند همدر اینسال میرزا محمد صادق مروزی که در سال هزار و دویست و پانزده رشته وقایع نگاری
یافته تاریخ جهان آرا را بنظر همایون رسانیده و داروغه دفتر معلی گردید همدر اینسال موکب خاقان گیتی ستان
بطرف کاشان و اصفهان نهضت فرموده و مبلغ یکصد هزار تومان نقد از اصل مالیات رعایا تخفیف داده شد
اروپا دولت سوئد بر ضد انگلیس با ناپلیون مشارکت دارد فتوحات فرانسه در اسپانیول پاپ از سلطنت جسمانی
و ظاهری خلع شده باید همان سلطنت روحانی یعنی دیانت دینی قناعت نماید شهر رم پای تخت ثانوی فرانسه
میگردد مزاوجت ناپلیون با ماری لوئیز دختر امپراطور اطریش و اینفقره ثانی است که ناپلیون متاهل میگردد
لوئی برادر ناپلیون که سلطنت هلاند داشت چون پادشاهی خود را غیر مستقل می بیند از سلطنت استعفا میکند
و شهر آمستردام پای تخت سیم مملکت فرانسه میشود بلاد ینگی دنیائی که متعلق باسپانیا میباشد از قبیل مکزیک و
شیلی و بوئنس آیرس و پاراگائی مجزی بودن خود را از اسپانیا اعلام مینمایند (فرانسه) مسافرت ناپلیون با امپراطریس
تازه ببلژیک مملکت فرانسه در این سال مشتمل بر صد و سی ایالت میباشد و جمعیت آن هشتاد و چهار کرور که
این هشتاد و چهار کرور بچهار زبان تکلم میکنند زبان فرانسه زبان هلاند زبان المان زبان ایطالیا (پروس)
فوت ملکه لوئیز املی در سن سی و چهار سالگی (روس) اعیان دار الشورای دولتی امپراطور روس با ناپلیون

اظهار

اظهار مخالفت نموده از دایره دوستی او خارج گردیده بنادر خود را برای سفاین انگلیس مفتوح و برای کشتیهای فرانسه مسدود میسازد و عساکر فاتح روس قلعهٔ سیلیستری را در بلغارستان مفتوح میسازند (سوئد) پادشاه تازه که شارل هشتم باشد چون اولاد نداردیکی از بنی اعمام خود را ولیعهد مینماید و بعد از چند روز غفلةً میمیرد این مرگ ناگهانی مردم را بخیال انداخته تصور میکنند که او را مسموم کرده اند جمعی از اهالی سوئد سردار فرانسه برنادت را بولیعهدی میطلبند برنادت برضایت ناپلیون قبول ولیعهدی مینماید و از مذهب کاتولیکی خارج شده متولد طریقهٔ پروتستان میکند اعلان جنگ سوئد با نکلیس

سنه ۱۲۲۶ هجری سنه ۱۸۱۱ مسیحی

آسیا (ایران) در ماه صفر اینسال موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه که تشریف فرمای اصفهان شده بدار الخلافه طهران معاودت فرمود و عسکرخان افشار ارومی که بسفارت بدربار ناپلیون اول امپراطور فرانسه رفته بود مراجعت کرده هدایا بیشکه ناپلیون برای پادشاه ایران مصحوب او ارسال داشته تقدیم نمود هم درین سال محمد صادق خان قاجار که بحکم نواب شاهزاده حسینعلی میرزا باعانت و امداد امام مسقط رفته بود طایفهٔ وهابی را در بر نجد کوشمال بسزا داده جمعی کثیر از آن جماعت را بدیار عدم فرستاد هم در اینسال سلطان محمود خان سلطان عثمانی عبد الوهاب افندی و شاکر افندی و جبرت افندی را بسفارت بدربار دولت علیه فرستاده اظهار اتحاد کامل از جانب سلطان معظم با خاقان مملکت ستان نمودند و در ضمن از عبد الرحمن پاشا حاکم شهرزور شکایت کردند در جواب عرایض آنها مقرر شد که حکمران شهرزور و بصره ابدا امنای دولت علیهٔ ایران معین کرده نیز والی بغداد شخصی بی غرض باشد که ملاحظه مسافرین و زوار ایرانی را در بغداد و اماکن مشرفه بنماید و پس از این مقرر است فرستادگان مشار الیهم بتبریز و خدمت حضرت مستطاب نایب السلطنه مامور شدند و موکب همایون بجانب سلطانیه نهضت فرما گردید هم در این اوان صبیهٔ مخدرهٔ میرزا محمد خان دولوی قاجار را بنواب شاهزاده شیخعلی میرزا و دختر امیر کبیر نواب سلیمان خان اعتضاد الدوله مرحوم را بنواب شاهزاده عبد الله میرزای متخلص بدارا عقد بستند و در چمن سلطانیه شرایط جشن بزرگ و سور و لوازم السرور بعمل آمد هم در این ایام چون فیروز الدین میرزا والی هرات در ادای خراج مقرره براه تهاون و مسامحه میرفت نواب شاهزاده محمد ولیمیرزا والی خراسان برحسب امر اعلی از مشهد مقدس لشکر بهرات کشیدند و در محل پل نقره سه فرسخی هرات نزول کردند و دستجات قشون ظفر نمون را بتاخت اطراف فرمان دادند فیروز الدین میرزا چون استعداد مقابلت و مقاتلت نداشت خوانین خراسان را که ملتزم رکاب نواب شاهزاده بودند شفیع قرار داده با دادن پیشکش و خراج پرداخت و ملک حسین میرزا پسر خود را برسم گروی بخدمت نواب معظم فرستاد و ارده وی شاهزاده از حوالی هرات معاودت نمود هم در این سال چون عبد الرحمن پاشای بابان که بحمایت ملاذ الزمان حضرت خاقانی حکمرانی شهرزور دیار منبر بود و پس از استقلال در قتل سلیمان پاشا ساعی گردیده این وقات با امنای ایند دولت و امان الله خان والی کردستان نیز طریق مخالفت می پیمود نواب شاهزاده محمد علی میرزا والی کرمانشهان و لرستان و خوزستان و عربستان ملقب به دولتشاه بامر خاقان کشورستان با جمعی از امرا بدین مرا و حرکت کردند و در غرهٔ ماه شعبان اینسال وارد زهاب گردیدند خالد پاشا بنی عم عبد الرحمن پاشا از در اطاعت در آمد و اردوی شاهزاده معظم بکنار رود سیروان جای گرفتند نوروز خان قاجار در سر دشت با احمد پاشا برادر عبد الرحمن پاشا حمله کرده احمد پاشا بگریخت و عبد الرحمن پاشا نیز فرار ابولا بات کوی و حریر رفت نواب شاهزاده محمد علیمیرزای دولتشاه سلیمانیه و شهرزور را متصرف گردید بر سر عبد الرحمن پاشا رسیده دولتیه

در قلعه کوی محصور فرمودند عبد الرحمن پاشا چاره جز اطاعت ندید از قلعه بزیر آمده بخدمت حضرت شاهزاده مشرف شد
و بضراعت و استکانت پرداخت و فرزندان خود را بسم نوا یعنی گروی ملتزم رکاب شاهزاده نمود و پیشکشی لایق بداد و بحکم
دولتشاه محمد پاشا بحکومت شهر زور و کوی و حریر منصوب و برقرار گردید و نواب شاهزاده بکرمانشهان معاودت فرمودند
هم درین سال میرزا ابو الحسن خان سفیر ایران مامور دولت انکلیس بدربار دولت علیه مراجعت کرد و سرکور اوزلی
نام از اعاظم انکلیس همراه او مامور سفارت ایران و روانه اینسامان شده و از اتفاقات غریبه آنکه سفینه که دو سفیر
مشار الیهما در آن بودند در دریا دوچار طوفان شده و بی اختیار آنها را بطرف ینکی دنیا برده بساحل برزیل رسیدند
پادشاه پرتوغال که این مملکت را متصرف بود و از خوف ناپلیون خود بدینجا آمده از حال دو سفیر آگاه شده ایشانرا
مهمانی و اکرام زیاد نمود و در آن ایام در آنجا ماری صید کردند که سیزده ذرع طول آن بود و قریب یک ذرع پشت
کردن آن عرض داشت از فرط غرابت مار را بنظر پادشاه رسانیدند و پوست آنرا که بضخامت جلد گاو بود با دو سفیر وکشته
با ایران فرستادند خلاصه سفیر انکلیس باتفاق سفیر ایران بدربار همایون آمد و لوازم پذیرائی را در باره او معمول داشتند
و در خانه حاجی محمد حسینخان امین الدوله برای او منزل تعیین نمودند و در عمارت گلستان بحضور خاقان کشورستان
مشرف شده نامه پادشاه انکلستان را با تحفه لایقه یعنی یکقطعه الماس بریلیان که بیست و پنج قراط وزن داشت
تقدیم نمود و بعنایات پادشاهی مستظهر گردیده مبلغی وجه نقد و سی هزار قبضه تفنگ انکلیسی و بیست عراده
توپ و مقداری قورخانه و سی نفر معلم مهندس که همراه داشت تسلیم کرد در زمستان این سال با آنکه مزاج
حضرت مستطاب نایب السلطنه خالی از علتی نبود و در نخجوان و ایروان و قراباغ خود را مشغول میفرمودند
ایلات قراباغ را کوچانیده بقراجه داغ آوردند و جعفرقلیخان نبیره ابراهیم خلیل خان که اسیر روسها بود و
او را بتفلیس میبردند که روانه سیبری کنند هنگام عبور از رود ترتر زمام اسب را که در دست سرباز روسی بود
بریده بیال اسب متمسک شده خود را بمیان یکی از ایلات فرار کرده که در کار کوچ بودند رسانید و الحق جلادتی بکار برد حضرت
مستطاب نایب السلطنه حکومت قراجه داغ را با چهار هزار تومان مواجب باو مرحمت فرمودند هم درین سال سرداری
تازه از روس بجای تر مسوف مامور شده با سه هزار سرباز و توپخانه و آذوقه بمحل سلطان بود آمده لهذا حضرت مستطاب
نایب السلطنه از سه فرسخی بر سر او تاختن آورده یورش و حمله فرمودند مستر لنسین توپچی باشی انکلیسی که در خدمت دولت
علیه بود توپها را باطراف سنکر سلطان بود بست و اکثر عراده ها و توپهای روسها را بشکست افواج آذربایجانی نیز
بر سر سنکر تاختند و جمعی سرباز و یکنفر صاحب منصب روسی را مقتول ساختند باقی بیرق سفید که علامت امان است
برافراشتند و امان یافتند و هشتصد و بیست نفر سرباز و توپ و اسلحه و قورخانه آنها بچنگ سپاه ظفر همراه افتاده
بحضور حضرت مستطاب نایب السلطنه آوردند و حضرت معظم آنجمله را بدربار همایون ارسال داشتند اعلیحضرت خاقان
کشورستان مبلغ دو بیست هزار تومان بانعام حضرت مستطاب نایب السلطنه مقرر فرموده و با اسرا نزد حضرت معظم
ارسال داشتند و آنفوج قبول اسلام نموده بفوج ینکی مسلمان موسوم کشتند از غرایب اتفاقات اینسال آنکه در ایالت نواب شاهزاده
عبد الله میرزا در خمسه چوپانی در دامنه کوه سجاس و سهرورد موشی دید که مهره های سفید بیرون میاورد آنمحل را شکافتند حقه
و کوزه مرصع و دسته خنجری و جام طلائی با چند دانه مروارید بدست آوردند و بعضی چنین حدس زدند که اینها مال ارغون خان
مغول است ولادت نواب سلیمان میرزا و فتح الله میرزا و ملک منصور میرزا فرزندان خاقان مملکت ستان و وفات نظر زنکنه
شاعر ارویا انکلیس چون پادشاه و باینواسطه اجزای پارلمنت ولیعهد را بنیابت سلطنت اختیار میکنند ولکشی

وان الماس الآن در موزه همایون موجود است

از سوراخی

موسوم

وهمین میرزا

بخار انکلیس در دود کلید بقوت سه اسب کشتی رانی مشغول میشود مملکت اسپانیول تنها میدان جنگ فرانسه و انکلیس است
(فرانسه) تولد پسری از ملکه فرانسه زوجه ناپلیون و ملقب شدن او بپادشاه رُم مسافرت ناپلیون بسمت شمال فرانسه
و هلاند در هشتاد شهر از بلاد فرانسه مقرر شد دو زنامه هر روزه منطبع کردد (هلاند) جزایر بتاویه از مملکت
هلاند را انکلیس متصرف میشود (روس) عساکر روس شهر بلکراد را در سربستان متصرف میشوند کوتوسُف سردار
روس از سردار عثمانی شکست خورده وقتیکه عقب می نشینند تمام قلعه جات عثمانی را که در سمت جنوب دانوب بود
خراب مینماید اقادر سلو بویا صدر اعظم عثمانی که سردار قشون بود اسیر روسها میکردد طلوع ذو ذنبه در اینسال
که از ماه سپتامبر تا اکتبر طالع و مشهور بود **افریقیا** (مصر) محمد علی پاشا اعیان قدیم مصری را که از طایفه مملوک
بودند در قاهره احضار کرده همه را بقتل میرساند و املاک آنها را متصرف میشود **امریکا** (ینکی دنیای جنوبی) پاراکوا
از ایالات متصرفی اسپانیول در آمریک اعلان جمهوری میکند

سنه ۱۲۲۷ هجری — سنه ۱۸۱۲ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال برحسب امر همایون قلعه سلیمانیه را در حوالی رود کرج باسم سلیمان میرزا بنا نمودند و
حاجی محمد حسینخان امین الدوله که مامور این خدمت شده بود میرزا ابوالقاسم اصفهانی نایب کاشان را متصدی
این عمل کرد و سرکوراوزلی سفیر انکلیس باتفاق میرزا ابوالحسنخان شیرازی بتبریز رفت که با حضرت مستطاب نایب
السلطنه عباس میرزا ملاقات نماید و بعضی قرار و مدارها داده شود پس از آن موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان
فتحعلیشاه تشریف فرمای چمن سلطانیه کردید و در دوازدهم جمادی الثانیه این ساحت خلد نزهت مضرب خیام کردون
احتشام سلطنت کردید و در این اوان معروض داشتند که مصطفی خان طالش بار دیگر بسردار روس توسل جسته
لهذا اسمعیلخان قاجار شامبیاتی و عبدالله خان ارجمند بیک سرکرده هزاره نیز و نکوهی در اول رجب مامور ورود
کیلان شدند و حضرت مستطاب نایب السلطنه در پهلوی قلعه لنکران طالش سنکر محکمی بستند و صادقخان قاجار
عزالدینلو و محمدخان سرهنک ایروانی و جعفر قلیخان ولد میرزا محمدخان لاریجانی با سه عراده توپ و دسته لشکری
بحراست آن سنکر محکوم کردیدند و پیر قلیخان شامبیاتی و عسکرخان افشار ارومی و علیخان شاطرباشی نوری و میرزا
احمد سرهنک کاشانی برادرزاده فتحعلیخان ملک الشعراء با دسته از قشون آذربایجان بحفظ قلعه ارکوان مقرر کشتند
هم در این اوان چون در سر منزل شهرزور فیمابین عبدالله پاشا والی بغداد و عبدالرحمن پاشا حاکم شهرزور نایره
قتال اشتعال یافته بود و عبدالرحمن پاشا مقهور و بکرمانشاهان کریخته و والی بغداد ایالت شهرزور را بخالد
پاشا داده ظهیرالدوله محمد قاسمخان قوانلو و فرج الله خان افشار و یوسفخان سپهدار بتدمیر والی بغداد مامور
کشتند و نواب شاهزاده محمد علیمیرزای دولتشاه نیز همین عزم را تصمیم دادند و قشون نصرت نمون بزهاب آمد
و پس از اتمام حجت بقتل و غارت بعضی اماکن متعلقه بغداد پرداختند والی بغداد مشوش شده جناب شیخ جعفر
نجفی را شفیع قرار داد و عبدالرحمن پاشا در حکومت شهرزور استقرار یافت و عساکر ظفر مآثر معاودت کردند و
در ماه رمضان موکب همایون اعلیحضرت خاقان بدار الخلافه طهران مراجعت فرمود و نواب شاهزاده محمد ولیمیرزا
والی خراسان و ناصرالدین توره و اسحق خان قرائی بتقبیل عتبه علیه آمدند نیز از وقایع اینسال اینکه چون الکساندر
میرزا والی کرجستان که در ایروان بود بملاقات سلیم پاشای والی اخسخه رفته و از آنجا بتفلیس شتافته بنای آشوب را
کذاشت و ردیشچو سردار روس اینواقعه را از تدابیر حضرت مستطاب نایب السلطنه دانسته کنار و سکی را که مرد

مشهور بود در آق اغلان کلنا شتر خود بتفلیس رفت و حضرت معظم نایب السلطنه در کنار رود ارس در محل موسوم
به اصلان دوز بودند کتلروسکی در پنجم ذیحجه بدلالت مرادخان دلاغارده با سرباز و توپخانه مصمم شبیخون باردوی حضرت
نایب السلطنه گردیده و از معبری عبور کرده بقراولان اردوی حضرت شاهزاده رسیده قراولان را بگرفت و کسی این خبر را
باردو نرسانید تا قشون روس نزدیک شدند آنوقت عساکر ایران خبردار گردیده حضرت مستطاب نایب السلطنه
فوراً سوار شدند و بشلیک توپ و تفنگ حکم دادند اما چون توپخانه سردار روس بر بلندی مشرف باردو بود اردو
را متفرق ساخت و آنچه نواب معظم در آن شب تار کوشش کردند که آن تفرقه را بجمعیت مبدل کنند ثمری نبخشید
مخصوصاً چون در هنگام تاخت و تاز اسب حضرت شاهزاده در حفره بزمین خورده اگرچه نزدیک رکابداری اسب
دیگر بحضرت معظم رسانید و سوار شدند ولی لشکر بیشتر هراسان گشتند ناچار اردو متفرق شده و حضرت مستطاب
شاهزاده بمنزل حاجی حمزه لو آمدند و افواج روس بقراباغ رفتند حضرت نایب السلطنه روزی چند بجهت دفن مقتولین
در آن ناحیه اقامت نموده بعد راه مشکین پیش گرفتند و ملتزمین را راندند و کتلروسکی که قوت قلبی بهم رسانیده بود
بجانب ارکوان روان شد و مستحفظین که واقعه اصلان دوز را شنیده بودند بدون جنگ قلعه را از دست دادند
و کسی در صدد مقاومت و مدافعه بر نیامد مگر میرزا احمد سرهنگ کاشانی که سرکرده فوج بیگی مسلمان بود این سرهنگ جناب میرزا زین العابدین طبیب حضور همایون هم
باغیرت در رشادت چندان پایداری نمود که مقتول و فی الحقیقه شهید شد بعد از این واقعه قشون روس از
ارکوان روانه لنکران شدند همدر اینسال نواب سلطان محمد میرزا و سلطان سلیم میرزا و سلطان مصطفی میرزا و
سلطان ابراهیم میرزا و سیف الله میرزا پسران خاقان کشورستان متولد شدند اروپا جنگ عساکر فرانسه و
انگلیس در اسپانیا غالب بلاد اسپانیول پادشاه خود را می طلبند پادشاه سیسیل فردیناند بتحریک انگلیس از
سلطنت استعفا میکند فتوحات ولنگتن سردار انگلیس در اسپانیا و ورود او بشهر مادرید و بعجله خالی کردن
مادرید را و رفتن بسمت پرتوغال دویست و هفتاد هزار قشون فرانسه بجهت در اسپانیول معطل اند (فرانسه)
ناپلیون مصمم جنگ با روس میباشد و پروس علاوه بیست هزار قشون کمک باو میدهد امپراطور اطریش هم مشوق
بکمک ناپلیون نخواهد فرستاد خیال ناپلیون اینست که سلطنت لهستان را مستقل سازد اتحاد روس و انگلیس بر
ضد فرانسه و اطریش و پروس حرکت ناپلیون بجانب المان و ورود او به درزد در اینشهر چندین نفر از سلاطین بسمت
چاکری و سرداری بخدمت ناپلیون کمر می بندند فیمابین روس و عثمانی عهد صلح در بوخارست بسته میشود قشون
ناپلیون که مصمم ورود بخاک روس است عبارتست از پانصد و هفتاد هزار نفر میباشد بعلاوه هفتاد هزار اسب
و صد و هشتاد عراده توپ و این جمعیت به اردو قسمت شده است عبور عساکر ناپلیون از رودخانه نیمن
(نیمن رودخانه ایست در سرحد روس و المان) شهر ویلنا را ناپلیون متصرف شده هفده روز در اینجا توقف
مینماید جنگهای متوالی عساکر فرانسه با سردارهای روس در سواحل دنیپر فتح دونا بورگ و اسمولنسک بدست
قشون فرانسه روسها که از جلو لشکر فرانسه فرار میکنند بلاد و قرا را آتش میزنند عساکر فرانسه بمسکو ورود
مینمایند و در اینجا کوتوسف سردار روس جنگ سختی با فرانسه ها میکند و پنجاه هزار نفر از لشکریان کوتوسف
مقتول میگردد مورات سردار فرانسه روز چهاردهم سپتامبر وارد مسکو میشود و روز بعد از آن که روز
پانزدهم باشد خود ناپلیون بمسکو ورود مینماید رستوپشین حاکم مسکو شهر را آتش میزند ناپلیون بی جهت بیگاه
در مسکو توقف میکند زمستان شروع میشود و عساکر فرانسه مجبوراً عقب نشینند سرمای سخت صدمه زیادی

بلشکریان

بلشکریان ناپلیون وارد میاورد تمام قشون فرانسه در اسملنسک جمع میشوند لکن آذوقه بلکه فقدان آن مزید زحمت
سرما گردیده جمعیت زیادی از عساکر ناپلیون را هلاک میکند برودت و شدت سرما شانزده درجه زیر صفر است
و فوج فوج مردم از سردی مفرط هوا تلف میشوند عقب مانده و فراری لشکر فرانسه بدست قزاقها کشته میشوند
ناپلیون از دریای اضطراب و فشار بسمت فرانسه حرکت کرده و سرداری قشون را بر عهده مورات موکول مینماید
بعد از رفتن ناپلیون لشکریان او دوچار کمال سختی و بدبختی میشوند درجه سرما به بیست و هشت درجه تحت صفر میرسد
چهل هزار نفر از عساکر فرانسه وارد ویلنا میکردند عساکر پروس و اطریش چندان وفاداری با فرانسه ندارند
پاپ چون بتبعیت و متابعت ناپلیون را نمینماید بامر ناپلیون به فونتن بلو احضار میشود هنگام غیبت ناپلیون ژنرال
مالیه جمعی را در پاریس برپا و میشوراند ناپلیون بعد از ورود دوازده نفر از هم دستهای ژنرال مالیه را بقتل میرساند
خلاصه شکست ناپلیون از روس مقدمه و ابتدای خرابی و بدبختی او میباشد و از آنجا که جوانهای مردم مقتول
و بسیاری عزادار و بجهة وجه اعانتی که برای مصارف و مخارج جنگ از ملت فوق العاده گرفته میشود خاصه
در موقع ناروایی تجارت و صناعت عموم ناس شاکی و مستعد شورش میباشند (روس و عثمانی) متارکه
موقتی بین روس و عثمانی مبدل به بنای عهد شده روسها مجدداً از رود دانوب عبور مینمایند پس از آن عهد صلحی
فیمابین دولتین منعقد میشود بسارابی از خاک عثمانی جزو روس میگردد حاکم مستقیمه مستقیماً از اسلامبول
بسربستان مامور نمیشود یعنی اهالی سربستان حاکمی معین مینمایند که مطیع عثمانی باشد امریکا (اتازونی)
اعلان جنگ اتازونی بانگلیس

سنه ۱۲۲۸ هجری — سنه ۱۸۱۳ مسیحی

آسیا (ایران) در شرح سال گذشته مسطور شد که قشون روس از نارگوان روانه لنکران شدند در شب
نهم محرم این سال آنجماعت بقلعه لنکران یورش بردند و سرکرده تفنگچیان لاهیجانی مقتول و قلعه لنکران بتصرف عساکر
روس در آمد و جمعی از لشکریان ایران مقتول شدند و کتلروسکی سه زخم منکر برداشت و بقیه سپاه روس بسمت
جامیشوان و معاونت مصطفی خان طالش رفتند هم در این سال چهار نفر از ارامنه جلفای اصفهان که در
عمارت سلطنتی شیشه بری میکردند از راه بام داخل خزانه شده تقریباً سی هزار اشرفی بسرقت بردند ولی سارقین
بدست آمدند هم در اینسال بعد از عید نوروز موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه مصمم سفر آذربایجان
گردیده بباغ نگارستان نقل مکان فرمودند هم در این اوان یوسف خواجه کاشغری از اولاد خواجگان ترکستان که
سالها در اقطار و بلدان سیاحت کرده بود باغوای قربان قلیچ خان ترکمان میان طوایف گکلان و یموت رفته بفریب
عوام پرداخت و مشتی ابله را مرید و دور خود جمع کرد و بخیال مملکت ستانی افتاد و قلعه سپرلد فندرسک را
محاصره نمود و میرزا علینقی خان فندرسکی با روغه گکلان را مزدورانه بکار دشت عوث کرده بدست سپاه باغیان
گکلان مقتول گردید و یوسف خواجه کاشغری بی مانعی قلعه سپرلد را متصرف شد چون این خبر بعرض ملازمان
حضور همایون رسید بنواب شاهزاده محمدولی میرزا والی خراسان و نواب شاهزاده محمدقلی میرزا حکمران مازندران اشارت
فرمودند که بر سر طایفه یموت رفته بتدمیر و تادیب آنها پردازند شاهزاده محمدولی میرزا حرکت کردند و یوسف خواجه
هزیمت رفت و موکب شاهزاده تا اترک رانده غنایم و اسیر بسیار بدست آوردند و در قراشیخ گوشمالی بتراکمه دادند
هم در این اوقات ابراهیم خان قاجار و اسمعیل خان شامبیاتی و ذوالفقار خان سمنانی بجنگ کالپوش مامور شدند

و موکب همایون از نگارستان روانه چمن سلطانیه گردید و نواب شاهزاده محمدتقی میرزای حسام السلطنه از بروجرد
بحضور مبارک احضار شد همدر این اوان اسعد پاشا پسر سلیمان پاشای بزرگ وزیر والی سابق بغداد با اعراب منتفج
ساخته به بغداد تاخته با عبدالله پاشا مصاف داد عبدالله پاشا مقتول شد و اسعد پاشا بر بغداد استیلا یافت
و از جانب دولت عثمانی بخلعت ایالت آن ولایت نایل آمد و چون پدرش با دولت ایران سابقه ارادتی داشت عریضه
و فرستاده بآستان خاقان مملکت‌ستان فرستاد و نصرالله خان نوری اندربار همایون تشریف برای اسعد پاشا
ببغداد برد همدر این ایام جلال الدین افندی نام از جانب دولت عثمانی مأمور دربار دولت علیه گردید و نواب
شاهزاده محمدتقی میرزا و یوسف‌خان سپهدار از راه سرچم و سنگ به روانه آذربایجان شدند پس از آن نواب شاهزاده
محمود میرزا و فرج‌الله خان افشار روانه آنسامان گشتند بعد شاهزاده علیخان با مهرعلیخان قوانلو و رضاقلیخان
روی براه نهادند و موکب همایون در یازدهم رجب با بسیاری از قشون نصرت‌نمون روانه چمن اوجان شد و حضرت
مستطاب نایب السلطنه با افواج آذربایجانی موکب اعلی را استقبال کردند و روز بیستم رجب چمن اوجان مضرب
خیام خاقان کشورستان گردید و رتیشچوف سردار روس بعد از آنکه از احتشاد جنود خاقانی و توجه باوجان
خبردار شد و داستان جنگ ناپلیون را با سپاه روس بشنید معتمدی نزد سرگور اوزلی ایلچی انگلیس فرستاد و طالب
صلح با دولت ایران شد و بتوسط و صوابدید میرزا شفیع صدراعظم قرار را بر مصالحه دادند و میرزا ابوالحسنخان
شیرازی مأمور قراباغ گردید در چمن گلستان اجتماع و ملاقات با سردار شد و عهدنامه موسوم بگلستان را منعقد نمودند
و صورت آن عهدنامه از قرار ذیل است

صورت عهدنامه که در میانه دولتین ایران و روس بصلاح و صوابدید میرزا ابوالحسنخان و سردار روسیه مرقوم شده

اعلیحضرت امپراطور ممالک روسیه بالقابه و اعلیحضرت شاهنشاه ممالک ایران باوصافه بملاحظه کمال مهربانی
و اشفاق دولتین علیتین که درماده اهالی و رعایای جانبین دارند بدفع و رفع امور عداوت و دشمنی که برعکس رای
شوکت‌آرای ایشانست طالب استقرار مصالحه میمونه و دوستی جوار سابقه مؤکده را راغب میباشند
بعالیجاه نیکولای رتیشچوف بالنیابه اختیار کلی عطا شده و اعلیحضرت شاهنشاه ایران هم امیرالامراء العظام میرزا
ابوالحسنخان باوصافه فرداد در این کار مختار بالکل نموده اند حال در معسکر روسیه در محال گلستان قلعه بولایات
قراباغ یعنی رودخانه زیوه ملاقات واقع و جمعیت نموده بعد از ابراز و مبادله تمسک مأموریت و اختیار کلی
خود بیکدیگر و ملاحظه و تحقیق امور متعلق بمصالحه مبارکه بنام نامی پادشاهان عظام قرار و بموجب اختیار نامجات
طرفین عقود و فصول و شروط مرقومه ذیل را الی الابد مقبول و منصوص و استمرار میداریم

فصل اول بعد از این امور جنگ و عداوت و دشمنی که تا بحال در بین دولتین علیتین روسیه و ایران بود موقوف
و بموجب این عهدنامه الی الابد متروک و مراتب مصالحه اکیده و دوستی و وفاق شدیده فیمابین امپراطور و اعلیحضرت
شاهنشاهی و وراث و ولیعهدان عظام میانه دولتین علیتین ایشان پایدار و مسلوک خواهد بود

فصل دویم چون پیشتر بموجب اظهار و گفتگوی طرفین قبول رضا در میان دولتین شده است که مراتب مصالحه
در بنای استاطوسکوو اوپرزندیم باشد یعنی در هر موضع و جائیکه الی قرارداد مصالحه الحال بوده است از
آن قرار باقی و تمامی اولکاء و ولایت خوانین نشین که تا حال در تحت تصرف و ضبط هر یک از دولتین بوده کما

اصل این لغت استاتوکو و مأخوذ از لاتین و بمعنی حالت حالیه است

کان

ان در تحت ضبط و اختیار ایشان بماند لهذا در بین دولتین علیتین روسیه و ایران بر حسب خط مرقومه ذیل
سنور و سرحدات مستقر و تعیین گردید که از ابتدای اراضی آدینه بازار بخط درستا از راه صحرای مغان تا معبر
یدی بلوک رود ارس از بالای کنار رود ارس تا اتصال والحاق رودخانه کپنک چای به پشت کوه مقری و از آنجا
خط حد و سامان ولایات قراباغ و نخجوان و ایروان و نیز بعضی از سنور گنجه جمع و متصل گردیده و بعد از آن حدود
مزبوره که ولایت ایروان و گنجه و هم حدود قزاق و شمس الدینلو و تا مکان ایشک میدان مشخص و مفصل میسازد
از ایشک میدان تا بالای سر کوههای طرف راست طرق و رودخانه های حمزه چمن و از سر کوههای پنبک الی گوشه
محال شوره گل و از گوشه شوره گل از بالای کوه برف آلداگوز گذشته از سرحد محال شوره گل و میانه حدود
قریه سدره برودخانه ارپه چای ملحق و متصل شده معلوم و مشخص میگردد و چون ولایات خانشین طالش
در هنگام عداوت و دشمنی دست بدست افتاده لهذا بجهت زیاده صدق و راستی حدود و ولایات طالش مزبور
را از جانب انزلی و اردبیل بعد از تصدیق این صلحنامه از پادشاهان عظام معتمدان و مهندسان مأموره که بموجب
قبول و وفاق یکدیگر و معرفت سرداران جانبین جبال و رودخانه ها و دریاچه و امکنه و مزارع طرفین تفصیلا
تحریر و تمیز و تشخیص میسازند آن نیز معلوم و معین ساخته آنچه در حال تحریر این صلحنامه در دست و تحت
تصرف جانبین باشد معلوم نموده آنوقت خط حدود ولایات طالش نیز در بنای اوسطاطوسکوو اویرزندیم
مستقر و معین ساخته هر یک از طرفین آنچه در تصرف دارد بر سر آن باقی خواهد ماند و همچنین از سرحدات مزبوره
فوق اگر چیزی از خط طرفین بیرون رفته باشد معتمدان و مهندسان مأموره طرفین هر یک طرف موافق اوسطاطوسکوه
اویرزندیم رضا خواهد داد

فصل سیم اعلیحضرت شاهنشاه ممالک ایران بجهت ثبوت دوستی و وفائی که با اعلیحضرت امپراطور ممالک روسیه
دارند باین صلحنامه از خود و ولیعهدان عظام تخت شاهانه ایران ولایات قراباغ و گنجه که الآن مسمی بایلیسابطپول و
اولکاء خوانین نشین شکی و شیروان و قبه و دربند و باکوبه و هر جا از ولایات طالش را که الآن در تحت تصرف
دولت روسیه است و تمامی داغستان و گرجستان و محال شوره گل و آچوق باش و کورنه و منگریل و ابخاز و تمامی
الکاء و اراضی که در میانه قفقاز لبنده سرحدات معینة الحاله بود و نیز آنچه از اراضی و اهالی قفقاز لبنه الی کنار
دریای خزر متصل است مخصوص و متعلق بدولت امپراطوریه روسیه میدانند

فصل چهارم اعلیحضرت امپراطور روسیه برای اظهار دوستی و اتحاد خود با اعلیحضرت شاهنشاه ایران و بجهت
اثبات اینمعنی بنا بر همجواریت طالب و راغب است که در ممالک شاهانه ایران مراتب استقلال و اختیار پادشاهی
را در بنای اکیده مشاهده و ملاحظه نمایند لهذا از خود و از عوض و ولیعهدان عظام اقرار مینمایند که هر یک
از فرزندان عظام ایشان که بولیعهدی دولت ایران تعیین میگردد هرگاه محتاج باعانت و امدادی از دولت
علیه روسیه باشند مضایقه ننمایند تا از خارج نتواند کسی دخل و تصرف در مملکت ایران نماید و با امداد و
اعانت دولت روس دولت ایران محکم و مستقر گردد و اگر در سر امور داخله مملکت فیمابین شاهزادگان
منافقتی رخ نماید دولت علیه روس را در آن میانه کاری نیست تا پادشاه وقت خواهش نماید

فصل پنجم کشتیهای دولت روسیه که برای معاملات بر روی دریای خزر تردد مینمایند بدستور سابق
مأذون خواهند بود که بسواحل و بنادر جانب ایران عازم و نزدیک شوند و زمان طوفان و شکست کشتی

ازطرف

از طرف ایران یاری و اعانت دوستانه نسبت بآنها شود و کشتیهای جانب ایران هم بدستور سابق مأذون خواهند بود که برای معامله روانه سواحل روسیه شده بهمین نحو در هنگام طوفان و شکست کشتی از جانب روسیه اعانت و یاری دوستانه درباره ایشان معمول گردد و در خصوص کشتیهای جنگی روسیه بطریقی که در زمان دوستی و یا در هر وقت کشتیهای جنگی دولت روسیه با علم در دریای خزر بوده اند حال نیز محض دوستی اذن داده میشود که بدستور سابق معمول گردد و احدی از دولتهای دیگر سوای دولت روس کشتی جنگی نداشته باشد

فصل ششم تمام اسرائیکه در جنگها گرفتار شده اند یا اینکه از اهالی طرفین اسیر شده از گرجستان و هر مذهب دیگر باشند میباید الی وعده سه ماه هلالی بعد از تصدیق و خط گذاردن در این عهدنامه از طرفین مرخص و رد گردیده هر یک از جانبین خرج و احتیاج باسرای مزبوره داده بقرا کلیسیا رسانند و وکلاء سرحدات طرفین بموجب نوشته اعلامی که در خصوص فرستادن آنها بجای معین بیکدیگر مینمایند اسرای جانبین را بازیافت خواهند کرد و آنانکه بسبب تقصیر یا بخواهش خود از مملکتین فرار نموده اند اذن بآن کسانیکه برضا و رغبت خود اراده آمدن داشته باشند داده شود که بوطن اصلی خود مراجعت کنند و هر یک از هر قوم چه اسیر و چه فراری که نخواسته باشند بیایند کسی را با او کاری نیست و عفو تقصیر از طرفین نسبت بفراریان داده خواهد شد

فصل هفتم علاوه از اظهار و اقرار مزبوره بالا رأی اعلیحضرت امپراطور ممالک روسیه و اعلیحضرت شاهنشاه ایران قرار یافته که ایلچیان معتمد طرفین که هنگام لزوم مأمور و روانه دار السلطنه جانبین میشوند بر وفق لیاقت رتبه و امور کلیه مرجوعه ایشان را برداشته و حاصل و محبت بدستور سابق و وکلائیکه از دولتین بخصوص حمایت ارباب معاملات در بلاد مناسبه طرفین تعیین و تمکین گردیده زیاده از ده نفر عمله نخواهند داشت ایشان با اعزاز شایسته مورد مراعات گردیده باحوال ایشان هیچگونه زحمت نرسیده بلکه زحمتی که برعایای طرفین عاید گردد بموجب عرض و اظهار وکلای رعایای مزبور رضای ستم دیدگان جانبین داده شود

فصل هشتم در باب آمد و شد قوافل و ارباب معاملات در میان ممالک دولتین علیتین اذن داده میشود که هر کس از اهالی تجار بخصوص بثبوت اینکه دوستدار رعایا و ارباب معاملات متعلقه دولت علیه روسیه و یا تجار متعلقه دولت بهیه ایران میباشند از دولت خود یا از سرحد داران جانبین تذکره و کاغذ راه در دست داشته باشند از طریق بحر و بر بجانب ممالک این دو دولت بدون تشویش آیند و هر کس هر قدر خواهد متوقف گشته بامور تجارت و معامله اشتغال نمایند و زمان مراجعت آنها باوطان خود از دولتین مانع ایشان نشوند آنچه مال و تنخواه از امکنه ممالک روسیه بولایات ایران و نیز از طرف ایران بممالک روسیه برند و تنخواه بعوض بیع رسانیده و یا معاوضه بمال و اشیاء دیگر نمایند اگر در میانه ارباب معاملات طرفین بخصوص طلب و غیره شکوه و ادعائی بوده باشد بموجب عادت مألوفه نزد وکلاء طرفین یا اگر وکیل نباشد نزد حاکم آنجا رفته امور خود را عرض و اظهار سازند تا ایشان از روی صداقت مراتب ادعای آنها را تحقیق و معلوم کرده خود یا بمعرفت دیگران قطع و فصل کار را ساخته نگذارند که تعرض و زحمتی بارباب معاملات عاید و واصل شود و ارباب تجار طرف ممالک روسیه که وارد ممالک ایران میشوند مأذون خواهند بود که اگر خواهند با اموال و تنخواه خودشان بجانب ممالک پادشاهان دیگر که دوست دولت ایران باشند بروند و از طرف دولت ایران بلا مضایقه تذکرات راه بایشان بدهند و همچنین از طرف دولت علیه روسیه نیز در ماده اهالی تجار دولت ایران که از خاک ممالک روسیه بجانب سایر ممالک پادشاهان که دوست روسیه باشند

میروند معمول خواهد شد و هرگاه یکی از رعایای دولت روسیه در زمان توقف و تجارت در ممالک ایران فوت شود
و اموال و املاک او در ایران بماند چون مال رعیت دولت دوست است لهذا میباید اموال مفوت بموجب
قبض الوصول شرعی رد و تسلیم بازماندگان او نمایند و نیز اذن خواهند داد که اموال مفوت را اقوام او
بفروشند چنانکه این معنی در میان ممالک روسیه و نیز در ممالک پادشاهان دیگر دستور و عادت بوده متعلق
هر دولتی که باشد مضایقه نمینمایند
فصل نهم باج و گمرک اموال تجار طرفین دولت روسیه که به بنادر و بلاد ایران بیاورند از یکتومان مبلغ پانصد دینار
در یک بلده گرفته از آنجا با اموال مذکوره بهر ولایت ایران که بروند چیزی مطالبه نکنند و همچنین از اموالیکه از
ممالک ایران بیرون بیاورند آنقدر زیاده بعنوان خرج و توجیه و تحمیل و اختراعات چیزی از تجار روسیه باشر
و شاه نباید مطالبه نشود و بهمین نحو در یک بلده باج و گمرک تجار ایران که به بنادر و بلاد ممالک روسیه میبرند یا بیرون
بیاورند بدستور گرفته اختلافی بهیچوجه در میانه نباشد
فصل دهم بعد از نقل اموال تجار به بنادر کنار دریا و یا آوردن از راه خشکی به بلاد سرحدات طرفین اذن و اختیار
بارباب تجار و معاملات طرفین داده شد که اموال و بنخواه خودشان را داده اموال دیگر خریده یا معاوضه
کرده دیگر از امنای گمرک و از مستاجرین طرفین اذن و دستوری نخواسته باشند زیرا که بر ذمه امنای گمرک و
مستاجرین لازم است که ملاحظه نمایند که معطلی و تاخیر در کار تجار نشود باب معاملات وقوع نیابد باج خزانه را
از بایع یا از مبیع هر نحو در میانه خودشان سازش مینمایند حاصل و بازیافت نمایند
فصل یازدهم از تصدیق و خط گذاشتن در این شروط نامچه بوکلای مختار دولتین بلاتاخیر باطراف و جوانب اعلام
و اخبار و امر اکید بخصوص بالمره ترک و قطع امور عداوت و دشمنی بهر جا ارسال خواهند کرد این شروط نامه
المحالکه بخصوص استدامت مصالحه دائمی طرفین مستقر و دو قطعه مشروحه با ترجمان خط فارسی مرقوم
و محرر و از وکلای مختار مامورین دولتین مزبورتین بالا تصدیق و مهر مختوم گردیده و مبادله بیکدیگر شده آن
میباید از طرف اعلیحضرت امپراطور روسیه و از جانب اعلیحضرت شاهنشاه ممالک ایران بامضای خط شریف
ایشان تصدیق کرده و چون این صلحنامچه مشروحه مصدقه میباید از هر دو دولت پایدار بوکلای مختار برسد
لهذا بدولتین علیتین در مدت سه ماه هلالی وصول گردد تحریراً فی معسکر روسیه در رودخانه زیوه من محال
گلستان متعلقه بولایات قراباغ بتاریخ بیست و نهم ماه شوال سنه یکهزار و دویست و بیست و هشت
هجری بتاریخ دوازدهم ماه اکتبر سنه یکهزار و هشتصد و سیزده عیسوی
پس از عهدنامه مسطوره مامورین معاودت کردند و هم در این سال محمدیار یوسفخواجه کاشغری با بیست
هزار سوار ترکمان بطرف استراباد آمد و بر لب رود گرگان با نواب شاهزاده محمد قلیمیرزا بقتال پرداخت و در
اول حمله لشکریان شاهزاده را عقب نشانیدند ناگاه مردی از کرایلی یوسفخواجه را که در جلو نیز آمده بود بشناخت
و سینه او را هدف گلوله ساخت لهذا ترکمانان متفرق شده راه فرار پیش گرفتند هم در این سال خوانین خراسان
در مخالفت با نواب شاهزاده محمد ولیمیرزا متفق و متعاهد شدند و ایلچیان شاهزاده را که در چناران بود
بغارت بردند و قصد حوالی طوس کردند شاهزاده معظم اسحق خان قرائی را صدیق خود پنداشته
بمشهد مقدس احضار فرمودند اما اسحق خان برخلاف خوانین را بشهر ورود داد و خود اظهار ایالت و سرکشی

کرد

کرده ولی تمکین ننموده ناچار باعتذار کوشیدند و ایالت شاهزاده را باکوس شادیانه اعلام نمود هم در اینسال
خوانین خراسان رحیمخان ارکنجی را بتاخت ارض اقدس طلبیدند و او بطرف خراسان رانده دره جز را غارت کرده
بازگشت هم در اینسال الحاجی محمد حسینخان امین الدوله بنظم فارس رفت و شیرپش عبدالله خان بیکلربیگی اصفهان
بدار الخلافه آمده بمنصب وزارت استیفای ممالک و لقب امین الدوله مفتخر گشت و حاجی محمد حسینخان نظام الدوله
لقب یافت هم در اینسال سی هزار تومان قرض میرزا عبدالوهاب معتمد الدوله را بامر همایون از خزانه عامره دادند
و عمارت فین کاشان را شروع بساختن کردند و موکب معلی پس از تفرج در کاشان و زیارت حضرت معصومه
سلام الله علیها در قم بدار الخلافه باز گشتند

سنه ۱۲۲۹ هجری — سنه ۱۸۱۳ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا از تبریز بدربار همایون آمدند
و اسمعیل خان سردار دامغانی و مطلب خان و ذوالفقار خان برادران او به تنبیه خوانین خراسان که با نواب
محمد ولیمیرزا والی آنولایت مخالفت کرده بودند مامور شدند و در دوازدهم ربیع الاول روانه خراسان گردیدند
و در هفدهم ربیع الآخر در حوالی طوس اردو زدند خوانین خراسان هر یک از ولایت خود با طوایف اکراد و
اتراک بطرف طوس رانده بعد از جنگی سخت مغلوب و مقهور گردیدند هم در اینسال میرزا ابوالحسنخان شیرازی
مامور دربار دولت روس شدند که عهدنامه گلستان را بامضای امپراطور روس رسانند و بعضی هدایا از
فیل و زنجیر فیل و ده راس اسب و یکصد طاقه شال کشمیری و چند رشته تسبیح مروارید و بعضی جواهر
گرانبها و شمشیرهای خراسانی و زرهها مفتول بافت اصفهانی و قوطیهای مرصع با دزهر و قالیهای
ابریشمی هراتی وغیره مصحوب میرزا ابوالحسنخان برای امپراطور روس ارسال فرمودند و سر گور اوزلی
سفیر انگلیس نیز با جواب نامه پادشاه انگلستان از راه پطرزبورغ مراجعت کرد و موکب همایون بقصر
قاجار تشریف فرما شده از آنجا عزیمت چمن کالپوش نمود و در این اوان خبر طغیان محمد زمانخان قاجار عز
الدینلو حاکم استرآباد مسموع امنای حضرت پادشاهی گردیده معلوم شد که با سی هزار سوار ترکمان مصمم
حرکت و عازم طهرانست لهذا فرمان همایون خطاب بسادات و اعاظم استرآباد شرف صدور یافت و آنها
محمد زمانخان و امیرخان برادر او را بگرفتند و مغلولا در چمن کالپوش بحضور مبارک آورده سیاست شدند
و حکمرانی استرآباد بر عهده نواب شاهزاده محمد قلیمیرزای ملقب بملک آرا موکول گردید هم در این اوان ابراهیمخان
هزاره با حاجی فیروز الدین میرزا والی هرات بنای مراوده را گذاشته او را بتسخیر غوریان تحریض نمود حاجی فیروز
الدین میرزا پسر خود را با سپاهی بر سر غوریان فرستاد و محمد خان ولد اسحق خان در قلعه غوریان محصور شده
صلاح در آن دید که یکی را بقندهار فرستد و کامران میرزا ولد شاه محمود افغان را بارض اقدس خواند کامران
میرزا بطمع شهر مشهد مقدس بمحاصره هرات مصمم شد و حاجی فیروز الدین میرزا چون این بشنید از کرده خود پشیمان
گردیده ملک قاسم میرزا پسر خود را از دور غوریان برداشته و معتمدی نزد اسمعیل خان سردار فرستاد و متوسل
بدولت علیه گردیده متقبل پنجاه هزار تومان نقد و خراج همه ساله و سکه و خطبه بنام اعلیحضرت خاقان گردید
و استمداد نمود اسمعیل خان بامداد او مامور شده بطرف هرات رفت و در پل نقره شنید که کامران میرزا در
منزل روضه باغ سه منزلی آنطرف هرات اقامت دارد سردار بنه و آغروق خود را در پل نقره گذاشته بجانب کامران میرزا

راند

رانکه امیرخان خود را مرد میدان مقاومت ندیده بقندهار رفت و نصیرخان شهزاده را بعزت نزد سردار فرستاد دخل اصحاب حاجی
فیروزالدین میرزا چون بمعاونت سردار ایران آسوده شد پیشکشی را که تعقیل نموده بتوسط ذوالفقارخان ارسال داشت
و اسمعیل خان سردار بارض اقدس معاودت کرد همدر این اوان شاهزاده محمد ولی میرزا را از خراسان احضار کردند و
بنا بود نواب حسنعلی میرزا بحکمرانی خراسان منصوب شود ولی این فقره در نظر همایون منافی با مصالح ملکی آمد لهذا نواب
شاهزاده محمد ولی میرزا را با میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله و فرج الله خان افشار بارض اقدس مامور فرمودند و ایالت
یزد و بسطام و نیابت دارالخلافه بنواب حسنعلی میرزا مفوض شد همدر این سال تنبیه طوایف ترا کمه را که سابقا با
یوسف خواجه کاشغری موافقت نموده بودند از مهمات دانسته اللهیارخان دولو سالار بار و حاجی رضا قلیخان
قاجار و عیسی خان امیرآخور را با جمعی از پیاده و سوار مامور دشت گرگان فرمودند و محمد قاسم خان قاجار و فرج الله
خان افشار و یوسفخان سپهدار گرد کالپوش بودند با آنها ملحق شده در اینحال ترا کمه از توجه عساکر منصوره
خبردار گردیده احمال و اثقال خود را بسفناقات صعب المسلک برده خود فرار بر قرار اختیار کردند و در این سال جشن
عروسی و سور شاهزادگان معظم اماموردی میرزای ایلخانی ایل جلیل قاجار و نواب محمد رضا میرزا متخلص بافسر و نواب
حیدرقلی میرزا متخلص بخاور و محمود میرزا گرفته شد همدر این سال هانری الس سفیر انگلیس با عهدنامه که سرگور اوزلی
سفیر سابق انگلیس بلندن برده بود بدربار دولت علیه آمده بعد از تغییر یک دو فصل از فصول عهدنامه ممضی بوده
امضا شد و صورت آن عهدنامه از قرار ذیل است

صورت عهدنامه دولت علیه ایران با دولت بهیه انگلیس فی شهر ذیحجه سنه ۱۲۲۹

فصل اول اولیای دولت علیه ایران برخود لازم داشتند که از تاریخ این عهدنامه فیروز هر شرط و عهدی که هر یک
از دول و والیهای فرنگ که با دولت بهیه انگلتره در حالت نزاع و دشمنی باشد بسته باشد باطل و ساقط دانند و لشکر سپاه
طوایف فرنگیان را از حدود متعلقه بخاک ایران راه عبور بطرف هندوستان و سمت بنادر هند ندهند و احدی
از این طوایف را که قصد هندوستان و دشمنی با دولت بهیه انگلتره داشته باشند نگذارند که داخل مملکت ایران
شود و اگر طوایف مزبوره خواهند که از راه خوارزم یا تاتارستان و بخارا و سمرقند و غیره عبور بملک هند نمایند
شاهنشاه ایران حتی المقدور پادشاهان و والیان و اعیان آن ممالک را مانع شوند و از راه دادن طوایف مزبوره
باز دارند خواه از راه تهدید و تخویف و خواه از راه رفق و مدارا
فصل دوم چون این عهد خجسته بصدق و راستی بسته آمده امید چنانست که انشاءالله از تغییر و تبدیل مصون
و بروز مقتضیات یگانگی در میانه افزون گردد و پیوند موافقت میان این دو پادشاه جمجاه فلک دستگاه
و ولیعهد و فرزندان و احفاد و امجاد ایشان و وزرا و امرا و حکام ولایات و سرحدات مملکتین ابدالآباد برقرار
و استوار باشد پادشاه والاجاه انگلیس قرارداد مینماید که اگر در سر امور داخله مملکت ایران فیمابین شاهزادگان
با امرا و سرداران منافقتی روی دهد دولت بهیه انگلیس را در آن میانه کاری نیست تا پادشاه وقت خواهش
نماید و احیانا اگر احدی از مشارالیهم ولایتی و جائی از خاک متعلقه بایران را بآن دولت بهیه بدهند که بازاء آن
کمک و اعانتی نماید هرگز امنای دولت بهیه انگلیس باین امر اقدام نکرده پیرامون آن نخواهند گشت و دخل و
تصرف در ممالک متعلقه بایران ابدا نخواهند کرد
فصل سیم مقصود کلی از این عهدنامه آنست که دو دولت قوی شوکت از جانبین امداد و کمک بیکدیگر نمایند بشرطی که

دشمنان

دشمنان در نزاع و جدال سبقت نمایند و منظور اینست که از امداد جانبین یکدیگر هر دو دولت قوی و مستحکم
گردند این عهدنامه محض از برای دفع تقدم و سبقت نمودن دشمنان در نزاع و جدال استقرار پذیرفته است و مراد
از سبقت تجاوز نمودن از خاک متعلقه بخود و قصد خارج از ملک خود کردن است و خاک متعلقه بهریک از دولتین
ایران و روس آن قرار بست که باطلاع وکلای دولتین ایران و انگلتره و دولت روس بعد از این مشخص و معین گردد
فصل چهارم چون در یک فصل از فصول عهدنامه مجمله که فیمابین دولتین علیتین بسته شده قرارداد چنین است که اگر
طایفه از طوایف فرنگیان بممالک ایران بعزم دشمنی بیایند و دولت علیه ایران از دولت بهیه انگلیس خواهش
امداد نمایند فرمانفرمای هند از جانب دولت بهیه انگلیس خواهش مذکوره را بعمل بیاورند و لشکر بقدر خواهش
با سردار و اسباب جنگ از سمت هندوستان بایران بفرستند و اگر فرستادن لشکر امکان نداشته باشد بعوض آن
از جانب دولت بهیه انگلیس مبلغی نقد که قدر آن در عهدنامه مفصله که من بعد فیمابین دولتین قویمتین بسته میشود
و معین خواهد شد الحال مقرر است که مبلغ و مقدار آن دویست هزار تومان سالیانه خواهد بود و اگر دولت علیه
ایران قصد ملکی خارج از خاک خود نموده در نزاع و جنگ سبقت با طایفه از طوایف فرنگستان نمایند امداد مذکور
از جانب دولت بهیه انگلیس داده نخواهد شد و چون وجه نقد مزبور برای نگاهداشتن قشون است ایلچی دولت بهیه
انگلیس را لازم است که از رسیدن آن بقشون مستحضر و خاطرجمع شود و بداند که در خدمات مرجوعه صرف میشود
فصل پنجم هرگاه امنای دولت علیه ایران خواهند که برای تعلیم و تعلم نظام فرنگ بایران بیاورند مختارند که از ممالکی
از ممالک فرنگ که با دولت بهیه انگلتره نزاع و جدال نداشته باشند معلم بگیرند
فصل ششم اگر کسی از طوایف فرنگ که در حالت مصالحه با دولت بهیه انگلیس میباشد نزاع و جدال با دولت علیه
ایران نمایند پادشاه والاجاه انگلستان کمال سعی و دقت مینماید که فیمابین دولت علیه ایران و آن طایفه صلح واقع
گردد و اگر این سعی بجا نیفتد پادشاه ذیجاه انگلستان بطریقیکه مرقوم شده از مملکت هند عسکر و سپاه بکمک
ایران مامور کند یا آنکه دویست هزار تومان مقرره را بجهة خرج عساکر و سپاه و غیره کارسازی دولت علیه ایران
نمایند و این اعانت و امداد را مادام که جنگ فیمابین دولت علیه ایران و آن طایفه باشد و اولیای دولت علیه ایران
صلح ننمایند مضایقه ننمایند
فصل هفتم چون قرارداد مملکت ایران اینست که مواجب قشون ششماه بششماه داده میشود قرارداد تنخواهی که بعوض
عساکر دولت بهیه انگلیس داده میشود چنین شد که تنخواه مزبور را ایلچی آن دولت بهیه هرچه ممکن شود زودتر و بیشتر
کارسازی کنند
فصل هشتم هرگاه طایفه افاغنه را با دولت بهیه انگلیس نزاع و جدالی باشد اولیای دولت ایران از این طرف لشکر
تعیین کرده بقسمی که مصلحت دولتین باشد بدولت بهیه انگلیس امداد و اعانت نمایند و وجه اخراجات آنرا از دولت
بهیه انگلیس بگیرند از قراریکه اولیای دولتین قطع و فصل نمایند
فصل نهم اگر جنگ و نزاعی فیمابین دولت علیه ایران و افغان اتفاق افتد اولیای دولت بهیه انگلیس را در آن میان
کاری نیست و بهیچ طرف کمک و امدادی نخواهند کرد مگر اینکه بخواهش طرفین واسطه صلح شوند
فصل دهم اگر از روسای ایران کسی بخواهد دشمنی کند و یاغی شود و فرار بولایات انگلیس نماید باید بمحض اشارت
اولیای دولت ایران آنکس را از ولایات مزبوره بیرون نمایند و اگر بیرون نرود او را گرفته روانه ایران کنند و اگر چنین

دهند

دهند قبل از ورود او را بولایت خود راه ندهند والا گرفته بفرستند و شرایط این فصل از طرفین سفرا پذیرفته
فصل یازدهم اگر در بحر العجم دولت علیه ایران را امدادی ضرور شود از دولت بهیه انگلیس بشرط امکان و فراغبال
در آن وقت از کشتی جنگ و قشون بدهند و اخراجات آنرا موافق برآورد آن وقت قطع و فصل کنند و بازیافت نمایند و کشتیهای
مذکور بر آن خورها و لنگرگاهها عبور کنند که امنای دولت علیه ایران نشان دهند و از جای دیگر بی رخصت و ضرورت
عبور ننمایند و این عهدنامه بتوسط میرزا شفیع صدر اعظم و نایب الوزاره قایم مقام و معتمد الدوله میرزا عبد الوهاب
منشی الممالک وکلای دولت علیه ایران با مستر موریه نایب سرگور اوزلی بارونت سفیر کبیر دولت بهیه انگلیس که
در این وقت ایلچی جلیل بود نوشته و مقرر و از طرفین نسخه برداشتند و در خاتمه نوشتند ما که وکلای حضرتین
علیتین میباشیم این عهدنامه مفصله را که سابقا فیمابین وکلای دولتین بفصول دوازده گانه نگارش یافته حالیه
بتغییرات چند که منافی دوستی و یکجهتی دولتین علیتین نبود و بصلاح حضرتین انسب مینمود در فصول یازده گانه تبیین
و تقریر و تحریر کرده دستخط و مهر گذاشتیم بتاریخ بیست و پنجم ماه نوامبر سنه یکهزار و هشتصد و چهارده عیسوی
مطابق دوازدهم ذیحجة الحرام سنه یکهزار و دویست و بیست و نه هجریه مصطفویه علی هاجرها الف السلام و التحیه
تحریرا فی دار الخلافه طهران صانها الله عن الطوارق الحدثان
پس از اتمام عهدنامه هانری الس سفیر انگلیس بمراحم شاهانه مستظهر گردیده معاودت نمود هم در اینسال اتیشچوف
نامی که از جانب نیکولای ریتیشچوف سردار روس همراه میرزا ابو الحسنخان سفیر ایران برای تهنیت صلح ایران
و روس بدربار دولت علیه آمد و نصر الله خان نوری با فرستاده مزبور بتفلیس رفت و حامل خلعت و نشان شیر
و خورشید که خاصه دولت علیه است برای سردار روس و آقا محمد کاظم والی اصفهانی گردید در اروپا مورات که
در مملکت روس بود از سرداری قشون فرانسه استعفا کرده اوژن بجای او منصوب میشود ناپلیون مجددا سیصد و
پنجاه هزار قشون در فرانسه حاضر میکند و وصیت مینماید که اگر در جنگها کشته شود پسرش پادشاه باشد و زوجه اش
بنیابت او سلطنت کند پادشاه پروس حکم باحضار قشون زیاد میدهد اهالی المان بر ضد ناپلیون حرکت میکنند
اطریش در خفا با روس و انگلیس متحد است سوئد نیز با آنها مشارکت دارد ناپلیون مجبوراً دویست هزار قشون در اسپانیا
گذاشته خود با یک لشکر تازه بخاک المان ورود مینماید عساکر ناپلیون تماماً جوانهای بی تجربه جنگ ندیده اند
و اسب سوار و توپخانه کم داشتند در لوتزن شصت هزار نفر از عساکر روس و چهل و پنجهزار نفر از قشون پروس
بدست ناپلیون شکست خورده منهزم میشوند اما ناپلیون سوار ندارد که آنها را تعاقب کند متارکه چهل روزه
فیمابین دول رسیده اخبار موحش از اسپانیول بناپلیون رسید برادر ناپلیون که او را پادشاهی اسپانیول برقرار
کرده بود از شهر مادرید فرار میکند مملکت ورشو که ناپلیون میخواست در آن سلطنت مستقله تشکیل دهد مجددا
مابین روس و پروس و اطریش تقسیم میشود متارکه چهل روزه باختتام رسیده فیمابین اطریش و فرانسه مستقیما
اعلان جنگ میشود دول روس و پروس و اطریش در مقابل ناپلیون پانصد هزار نفر حاضر کرده و عساکر متفقه خود را
بسه اردو تقسیم مینمایند اردوی اول در تحت سرداری شوارتزنبرگ سردار اطریش اردوی دویم در سیلزی
بسرداری بلوخر سردار پروس اردوی سیم بسرداری برنادت از ناپلیون که ولیعهد سوئد شده و با معاندین او متفق صاحبمنصبهای
است ناپلیون در مقابل این جمعیت سیصد هزار قشون دارد جنگ سختی ناپلیون با شوارتزنبرگ در درزد
و از آنجا که ناپلیون لشکر سواره نداشت نتوانست شوارتزنبرگ را تعاقب کند شکست ماکدنالد سردار فرانسه از

بلوخر

بلوخر در تیلسیت عهد اتحاد دول ثلاثه اطریش و پروس و روس با امضای سلاطین دول مشار الیهم میرسد ناپلیون بسمت لیپزیک میرود و بلوخر و شوارتزنبرگ در یکروز سه مرتبه باو حمله مینمایند در این جنگ توپخانهٔ طرفین کشتار زیاد میکند از عساکر المان آنهائیکه با فرانسه متحد بودند در بین جنگ از اتحاد فرانسه تبرا کرده بقشون روس و پروس ملحق میشوند ناپلیون شکست خورده مجبور بفرار شده بسمت رن میآید بلوخر با سواره زیاد ناپلیون را تعاقب میکند ناپلیون فراراً به ماینس میرسد بولو سردار پروس وارد آمستردام پای تخت هلاند شده مملکت هلاند را از طرف سلاطین متفقه از تصرف فرانسه خارج و مستقل در تحت سلطنت خانوادهٔ اُرانژ که سابق در این مملکت سلطنت داشتند اعلام مینماید شوارتزنبرگ سردار اطریش وارد خاک فرانسه میشود ممالک متصرفی فرانسه در ایطالیا باو میشوند عساکر فرانسه که در اسپانیا بودند عقب مینشینند ناپلیون مجبوراً اسپانیول را بفردیناند هفتم واگذار میکند در داخله فرانسه جمعی بوضع سلطنت خانوادهٔ سلاطین قدیم فرانسه مایل میشوند ناپلیون برای مدافعه عساکر خارجه که مستعد حمله بمملکت فرانسه میباشند قشونی حاضر میکند (هلاند) گیلیوم فردریک از خانوادهٔ اُرانژ در سن چهل و یکسالگی بسلطنت هلاند منصوب میشود (عثمانی) سربها مجدداً در تدارک شورش اند و بعد از شکست خوردن از قشون عثمانی اکرنی ژرژ رییس آنها بخاک روس فرار میکند

سنه ۱۲۲۹ هجری — سنه ۱۸۱۴ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال حاجی آقاخان وزیر حاجی فیروز الدین میرزا حکمران هرات و ابراهیمخان هزاره بحضور همایون اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه مشرف شده از تعدی شاهزاده محمود خان افغان شاکی شد و استدعای استمداد کرد بنا بر این خلعتی بجهة فیروز الدین میرزا والی هرات معین فرموده میرزا محمد صادق وقایع نگار مروزی و چند دوغده فرخانهٔ مبارکه را مامور هرات کردند و ابراهیمخان هزاره بواسطهٔ افسادیکه در امر غوریان کرده بود محکوم بتوقف دار الخلافه کردید و امارت طایفه هزاره را بآزاد خان پسر محمد خان هزاره مرحمت شد هم در این سال ملا محمد زنجانی که از علمای برجستهٔ دار الخلافه بود بجهة قبول عامه بتخریب معابد و اماکن عیسویان و شکستن خمهای شراب ایشان پرداخت نواب حسنعلی میرزا حکمران طهران او را از اینشهر اخراج کردند و محمد مهدیخان مازندرانی متخلص بشحنه از امرا و شعرای اینوقت در این باب گفته است

زاهد بشکست از سر خامی خم می　　اسباب نشاط میکساران شد طی
گر بهر خدا شکست ای وای بما　　ور بهر ریا شکست پس وای بوی

هم در این سال اهالی ذلف آباد فراهان از اعمال قم بر ابراهیمخان حاکم فراهان شوریده یاغی شدند و براهزنی پرداختند عبد الله خان کرجی یوزباشی غلامان بر تنبیه آنها مامور و آنها را مقهور نمود هم در این سال در ماه رجب موکب اعلیحضرت خاقان مملکتستان منوچهر چمن خورش ییلاق و ساخت کبود جامه کردیده در شهر شوال بدار الخلافه معاودت فرمود هم در اینسال اسمعیل خان سردار دامغانی بار دیگر بقلع و قمع اتراک و اکراد خراسان روان شد و خوانین آنجا در خبوشان محصور کردید تا آخر الامر خبوشان مفتوح و خوانین مطیع کردیدند هم در این اوان میرزا صادق وقایع نگار با رشیدخان افغان از هرات باز آمد و مهدیقلیخان دولو بیگلربیگی استرآباد حسین و قربان نام کرد پسران یکی از قاتلین نواب جهانسوز شاه طاب ثراه بودند کرفته و آنها را بقصاص رسانیدند **اروپا** ورود عساکر متحده بخاک فرانسه آمدن شوارتزنبرگ بطرف الزاس و عبور او از رودخانه رن و ورود عساکر پروس بسرداری بلوخر

باپاك

بایالت لُرَن حرکت بِرنادُت بسمت هلاند ملاقات سلاطین ثلاثه روس و پروس و اطریش در وزول جلوآمدن و لنکتن
سردار انکلیس از سمت اسپانیا در ابتدای تمام قشون ناپلیون زیاده از شصت هزار نیست مرخص کردن ناپلیون
پی هفتم پاپ را که به رُم معاودت نماید ناپلیون رو بتریه که مابین اردوی بلوخر و شوارتزنبرگ است معسکر خود قرار
میدهد و بهمن وارد و حمله میبرد و شکست بقشون بلوخر میدهد بلوخر اردوی خود را جمع آوری کرده بسمت پاریس
حرکت میکند ناپلیون در شانپابر شکست سختی با و میدهد بلوخر مجبورًا بشالن بر میکردد شوارتزنبرگ بطرف پاریس
میراید ناپلیون با او جنگ کرده او را عقب مینشاند مارشال سولت از اسپانیا عقب نشسته به تولوز می آید
اردوی برنادت به بلوخر ملحق شده عزیمت پاریس مینماید دول متحده ثلاثه بناپلیون تکلیف میکنند که اگر حدودی را
که فرانسه در هزار و هفتصد و هشتاد و نه داشته قبول میکند با او مصالحه کنند چون این تکلیف را قبول نکرد با
او مشغول جنگ میشوند جنگهای سخت ناپلیون با بلوخر سردار پروس شهر رنس که بتصرف روسها در آمده بود
ناپلیون آنرا منتزع مینماید شوارتزنبرگ که بسمت پاریس حرکت میکند ناپلیون پیشتر سردار را که بهتر اما تمام قشون
دول متحده در شالن جمع شده بسمت پاریس عزیمت مینمایند خانواده بوربن سلاطین سابق فرانسه به الکساندر
اول امپراطور روس ملتجی میشوند شهر برد و خود را در تحت سلاطین خانواده بوربن قرار میدهد قشون
دول متحده که نزدیک پاریس میشوند امپراطریس فرانسه و ولیعهد به بلوا میروند و شهر پاریس تسلیم میشود ناپلیون
با قلیل قشونی به فونتن بلو میرود در سلخ ماه مارس عساکر دول متحده وارد پاریس میشوند مجلس پارلمنت فرانسه
خلع ناپلیون را اعلام میکند ناپلیون که از فونتن بلو مصمم حرکت بپاریس است سردارها تبعیت او را نمینمایند بنابراین
ناپلیون باسم پسرش استعفا میکند چون سلاطین متحده قبول نمیکنند کلیه خود و پسر و خانواده اش از سلطنت فرانسه
استعفا میکند ملت فرانسه لوئی هیجدهم برادر لوئی شانزدهم را بسلطنت قبول مینمایند بناپلیون جزیره البا عطا
میشود و بزوجه اش ایالت پارم و پلزانس در ایطالیا داده میشود دراینحال ناپلیون مصمم مسموم کردن خود میشود روز دوازدهم
ماه آوریل ناپلیون با سردارهای خود وداع کرده بجزیره البا میرود و همان روز لوئی هیجدهم از حوالی لندن بسمت
سلطنت بطرف پاریس حرکت میکند تالیران وزیر اعظم فرانسه با دول متحده مصالحه میکند و حدود فرانسه را همان
حدود سال هزار و هفتصد و هشتاد و نه قرار میدهد پنجاه و سه قلعه و هزار و دویست عراده توپ و سی و یک فروند کشتی جنگی کوچک
و دوازده کشتی بزرگ بتصرف قشون دول متحده در میآید ژوزفین زوجه اول بناپارت امپراطریس سابق فرانسه
در پاریس وفات مینماید لوئی هیجدهم پادشاه تازه فرانسه در کمپین با سلاطین ثلاثه ملاقات میکند و در سیم
ماه مه بسمت سلطنت بپاریس وارد میشود همه شاهزادها و اعیان دارای القاب قدیم خود شان میکردند از سردارهای
ناپلیون برتیه و مارمن جزو قشون پادشاه تازه میشوند عهدنامه موسوم بپاریس مابین پادشاه جدید و
سلاطین فرنك منعقد میکردد نشان لژیون دونور برقرار است ولیکن بجای صورت ناپلیون صورت هانری چهارم
در آن نقش میشود کنگره وینه برای بقای صلح عمومی فرنك بریاست مترنیخ وزیر اعظم اطریش منعقد میگردد
پادشاه پروس ممالک ساکز را مطالبه نمود ضمیمه نشود میشود هلکلاند تعلق بانکلیس مییابد انکلیس
خرید و فروش سیاه پوستان را متروك میسازد مملکت هانور بواسطه انکلیس سلطنت مستقل کردیده و از
تحت تصرف پروس خارج میگردد (انکلیس) اختراع لکمتیو یعنی اسب آتشین که محرك کالسکه های راه آهن است
بدست ژرژ استفنسن (ایطالیا) ایالت لمباردی ضمیمه اطریش میشود پاپ وارد رُم میگردد و تمام

بلاد او که فشون فرانسه آنها را مسخر کرده بود تد باورد میشود (اسپانول) فردیناند هفتم که ناپلیون با و آزادی داده
و تاج سلطنت اسپانول را عطا کرده در سلطنت مستقل میکردد و نسبت با شخاصی که سبب شورش شده بودند ظلم و
تعدی میکند مکرر این تمکین نمیکند که جزو اسپانیا باشد و آزادی طلب میکنند شیلی نیز با وجود منعی که سردار اسپانول در
این مملکت میکند ربقه تبعیت را ابکردن نمیگیرد ولکن ونزوئلا و نول گرانادا بعد تبعیت اسپانول مینماید (فرانسه)
لوی هیجدهم پادشاه مستقل است امانه باستقلال احدادی بلکه سلطنت مشروطه و پارلمنت دارد مارشال سولت
وزیر جنگ میشود آبل دِرموزا تاریخ چین را بفرانسه ترجمه میکند امریکا (اتاتونی) شهر واشنگتن پای تخت
اتاتونی را انکلیسها متصرف میشوند و آنجا را خراب میکنند و آتش میزنند اما بعدا اتاتونی انکلیس را شکست داده و
مصالحه میکنند

سنه ۱۲۳۰ هجری — سنه ۱۸۱۵ مسیحی

اسیا (ایران) در اوایل اینسال موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه بشکار مسیله قم تشریف فرما
گردید هم در اینسال میرزا فضل الله شیرازی مؤلف تاریخ صاحبقرانی در سلک منشیان حضرت پادشاهی
منسلک گردید هم در این سال چون خوانین خراسان با نواب شاهزاده محمد ولیمیرزا والی اینولایت مخالفت داشتند
نواب معظم فتح الله خان افشار ایشیک آقاسی باشی را از دربار همایون باستعانت خود طلبید و مشار الیه با ده هزار پیاده
وسوار روانه شد مقارن اینحال محمد رحیمخان خوارزمی با غوای قربان قلیچ توپ با سی هزار سوار بطرف دشت خراسان
گرگان و استرآباد آمد و این خبر معروض آستان معلی گردید به حکم همایون شد که فتح الله خان افشار که مأمور
خراسان و در بسطام بود با ذوالفقار خان و مطلب خان دامغانی بدفع محمد رحیمخان روانه شوند مشار الیهم
بانصیب شتافته در جهد و دبیرانه مراعات قند رسک با محمد رحیمخان مصاف دادند محمد رحیمخان بعد از مقاتله
شکست خورده بطرف خیوه فرار کرد و اردوی او و اعشار کر منصوره غارت نمودند نواب شاهزاده محمد ولیمیرزا
بعد از مفقود شدن محمد رحیمخان بخیال تنبیه اکراد افتاده محمد خان قاجار نایب الایاله با امیر قلیچ خان تیموری و عبد
الکریم خان عرب بسطامی و جمعی بمحاصره رادکان فرستادند و خود نیز بدره جز راندند و بیگلرخان چاپشلو حاکم
دره جز را منهزم ساخته بطرف رادکان شتافتند خوانین خراسان عریضه بحضور اعلیحضرت خاقان ارسال داشته
از قوچخان کرد که در رادکان محصور بود شفاعت کردند و حسب المصلحه این شفاعت پذیرفته شد و حکم همایون
بترک محاصره شرف صدور یافت لهذا نواب شاهزاده محمد ولیمیرزا بارض اقدس و خوانین با ماکن خود معاودت
کردند هم در اینسال اسحق خان قرائی که ظاهرا با شاهزاده والی خراسان موافق و در معنی نفاق داشت
حسنعلیخان پسر خود را بدربار همایون فرستاده در باطن عزل شاهزاده را مستدعی شد و در ظاهر حکو
مت شیراز و اگرچه ابتدا پذیرفته نشد ولی در ثانی حکومت شیراز با و مرحمت فرمودند و او بمحل حکمرانی رفته
بنواب شاهزاده محمد ولیمیرزا اعتنائی ننمود شاهزاده او و پسر اسحق خان را احضار کرده بسزای خود رسانیدند
و محمد خان پسر دیگر اسحق خان که در تربت بود ضبط اینولایت را بحسنعلیخان واگذار کرده بقلعه دولت آباد برادر خودم
رفت و در آنجا متحصن شد و بفتنه و فساد پرداخت و واقعه اسحق خان و حسنعلیخان مجددا خیال خوانین خراسان را
مشوش ساخت حاجی فیروزالدین میرزا حاکم هرات بخیال تصرف غوریان افتاد و ملک قاسم میرزا پسر حاجی فیروز
الدین میرزا این ناحیه را مسخر نمود و بنیاد خان هزاره بتحریک محمود خان بغارت بعضی ولایات مشغول شد

محمدخان قاجار نایب و فرج الله خان افشار بنهب غوریان و کوسویه و باخرز و هزاره رفته پس از تاخت و تاز
مراجعت کردند و در اینجا قشونی که با محمدخان نایب بودند متفرق شدند و افاغنه و هزاره و قرائی دانستند که محمدخان
لشکر عمده ندارد بمنازعه او آمدند و او چون از عهده جنگ با آنها بر نمیآمد بمشهد مقدس شتافت و مصطفی خان سردار
رستاقی استرابادی بدست محمدخان قرائی گرفتار شد بالجمله خوانین خراسان اختلالی در کار مملکت انداختند و حاجی
فیروز الدین میرزا را بتسخیر ارض اقدس تحریک مینمودند و این مقدمات سبب شد که اعلیحضرت همایون نواب شاهزاده حسنعلی
میرزا را شجاع السلطنه لقب داده بایالت خراسان منصوب فرمودند هم در این سال عبدالرشید خان فرستاده حاجی فیروز
الدین میرزا اذن معاودت بهرات یافت و میرزا محمد صادق وقایع نگار و داروغه دفترخانه مبارکه با او مامور هرات شد
اروپا کنگره وینه هنوز بانتها نرسیده است انعقاد عهد مخفی ما بین فرانسه و اطریش و انکلیس بر ضد روس حرکت کردن
ناپلیون از جزیره الب با هفتصد نفر سرباز پیر که با او بودند بقصد سلطنت فرانسه ناپلیون در حوالی کان از کشتی
بیرون میآید لوئی هیجدهم متزلزل شده قشونی جلو ناپلیون میفرستند ناپلیون بسمت لیون حرکت مینماید و قشونی که جلو
او آمده او را امپراطور خطاب میکنند مارشال نی که کمال صداقت را با پادشاه تازه دارد وقتیکه بناپلیون بر میخورد
خود داری نکرده خود را بپای او میاندازد لوئی هیجدهم متوحش شده از پاریس فرار میکند و ناپلیون در بیستم ماه
مارس وارد تویلری میشود و مجدداً بسلطنت برقرار میگردد و مدت سلطنت دوباره ناپلیون یکصد روز است
که از دهم ماه مارس تا بیست و دوم ژوئن باشد لوئی هیجدهم در هلاند در شهر گاند پناه میجوید آنچه را از قواعد
آزادی لوئی هیجدهم از فرانسه سلب کرده بود ناپلیون باز عطا مینماید اقوام سلطنت از پاریس و فرانسه فرار میکنند
اجزای کنگره وینه ناپلیون را دشمن عالم میخوانند و انکلیس و پروس و اطریش و روس مصمم میشوند که هر یک صد و
پنجاه هزار قشون جمع کرده بجنگ ناپلیون روند سه اردو تشکیل مییابد اردوی اول بسرداری شوارتزنبرگ اطریشی
دوم بسرداری بلوخر سردار پروس و ولنگتن سردار انکلیس با ستادی دوم سیم را الکساندر امپراطور روس خود قبول میکند
با آنکه ناپلیون طلب صلح میکند هیچکس نزد یلنا و نمیآید عساکر انکلیس بسرداری ولنگتن در بلژیک جمع میشوند ناپلیون
سیصد هزار قشون جمع میکند کنگره وینه معاهده خود را بامضای دول اطریش و انکلیس و روس و پروس و ملل فرانسه و
اسپانیول و پرتوغال و سوئد میرسانند این معاهده مشتمل بر صد و بیست فصل است ناپلیون با صد و بیست هزار قشون
بطرف بلژیک حرکت میکند پروس و انکلیس در بلژیک متحد اند در لینیی جنگ خونریز سختی بین الطرفین در میگیرد
در واترلو ناپلیون خود بجلو انکلیسها رفته و بگروشی سردار خود حکم میدهد که جلو بلوخر سردار پروس را بگیرد که
دو دسته قشون معاند بیکدیگر نرسند شب جنگ واترلو از حیثیت اذیت و تنگی و سرما و باران و فقدان آتش برای
عساکر فرانسه بدترین شبها بود در هیجدهم ژوئن ناپلیون با ولنگتن سردار انکلیس مقابل میشود گروشی سردار ناپلیون
خبط یا خیانت کرده جلو سردار پروس را نمیگیرد و لشکرهای پروس و انکلیس بهم ملحق میگردند ناپلیون نزدیک بود
قشون انکلیس را شکست دهد که عساکر پروس بکمک انکلیسها رسیدند چون اینها و لشکرها بهم پیوستند شکست سختی
بناپلیون دادند قشون فرانسه و ناپلیون فرار کردند و هرج و مرج غریبی در اردوی آنها افتاد ناپلیون بپاریس و
بقصر الیزه ورود نمود و از امپراطوری استعفا کرده پسر خود را ناپلیون دوم و امپراطور خواند وکلای ملت
اعتنا بحرف و حکم ناپلیون نکردند عزیمت لوئی هیجدهم بپاریس قشون انکلیس و پروس از واترلو بطرف پاریس
راندند و ناپلیون به بندر رشفورت رفت تصرف نمودن عساکر متحده پاریس را و ورود لوئی هیجدهم با بیرق سفید

کرمشعار

که شعار سلطنت آنخانواده بود در هشتم ماه ژوییه بپاریس فونشه و تالیران دو نفر وزیر و پرورده نعمت ناپلیون
درانمود با و خیانت میکنند و سبب خلع آخری او این دو نفر میشوند سلاطین روس و اطریش و پروس در دهم ژوییه
وارد پاریس میشوند و کروه قشون خارجه هات و بلاد فرانسه غارت مینمایند ناپلیون در کشتی موسوم بسالال
نشسته بسمت انکلیس میرفت که بیک فروند کشتی انکلیسی که کاپیتن آن میتلاند نام داشت برخورد ناپلیون از کاپیتن
مشار الیه خواهش کرد او را بانکلیس و نزد نایب السلطنه برد کاپیتن این تکلیف را قبول کرده او را در کشتی موسوم
به بلروفن نشانید و ناپلیون کاغذی بخط خود بنایب السلطنه انکلیس نوشته مضمون آن اینکه من بشما پناه آورده ام
و در خاک شما توطن میخواهم اما دول فرنک ناپلیون را محبوس خود دانسته و حراستش او را بانکلیس رجوع میکنند بنابرین
دولت انکلیس جزیرهٔ سنت هلن را که در دریای محیط آتلانتیک واقع و یکپارچه سنک خشک و دارای هوای غیر سالم است
محل حبس ناپلیون قرار میدهد اشخاصی که در این مسافرت و اعتزال با او همراهی میکنند برتراند و منتلن و گورگد و لاسکاس
از رجال و سردارهای او بودند دولت فرانسه هفتصد ملیون فرانک بطور وجه خسارت بقشون متحده میدهد و صد و
پنجاه هزار نفر از قشون متحده مدت پنجسال در بعضی از قطعات فرانسه مقیم خواهند بود در این صلح با دول فرنک و خلع
ناپلیون معادل چهار صد کرور تومان خسارت فرانسه شد اما در بیست و سه سال مجادله که با دول فرنک کرده بود
همه جهة خسارت فرانسه به ششصد کرور تومان میرسید (فرانسه) لوی هیجدهم پادشاه فرانسه بعد از آنکه در ثانی بمملکت
فرانسه ورود نمود بنای تعدی را نسبت بهواخواهان ناپلیون کذاشت از جمله مارشال برون بتحریک او کشته شد و
مارشال نی محبوس و ژنرال رامل نیز مقتول کردید مارشال نی در مجلس استنطاق حاضر شده بعد از کفتکوی زیاد حکم
قتل او صادر شد شورش مردم در اغلب ایالات بر ضد پادشاه میدهد (روس) الکساندر اول لقب پادشاهی
لهستان را بالقاب سلطنتی خود الحاق میکند (ایطالیا) مورات پادشاه ناپل که بعد از مراجعت ناپلیون از الب اظهار خدمت ازجزیرهٔ الب
باو کرده بود دول متحده او را از سلطنت خلع میکنند و قشون اطریش با او جنک کرده مورات بدست آمده مقتول
میشود (المان) مملکت المان از این بعد موسوم بکنفدراسیون ژرمانیک میشود و بعدها مأمورین دول در فرانکفرت
جمع خواهند شد و ریاست مأمورین مزبوره با شخصی است که از طرف دولت اطریش معین میکردد (امریکا) (اتازونی)
ژنرال ژاکسن بر عساکر انکلیس غلبه مینماید

سنه ۱۲۳۲ هجری — سنه ۱۸۱۶ مسیحی

آسیا (ایران) در هفدهم محرم این سال نواب شاهزاده حسنعلی میرزای شجاع السلطنه والی خراسان وارد مشهد
مقدس کردید و خوانین خراسان که بفتنه و فساد میپرداختند بجای خود آرام کرفتند حاجی فیروز الدین میرزا حاکم
هرات عبد الرشید خان افغان را با نامه و هدایا بتهنیت ورود نواب شجاع السلطنه بخراسان فرستاد و از
کذشته معذرت خواست و میرزا محمد صادق وقایع نکار را که نه ماه در هرات محبوس داشته رها نموده مشار الیه
بخدمت نواب شجاع السلطنه آمد و ملک قاسم میرزا پسر فیروز الدین میرزا غوریان را تخلیه نموده هم در این سال چون
طایفهٔ اکراد بلباس تخالف اردو در تمرد و بعضی بی اعتدالیها نموده بودند و پیش از این حضرت مستطاب نایب السلطنه
امیرخان خال خود را با یوسفخان کرجی سرهنک فوج بهادران بیکی مسلمان بتادیب آنها مأمور فرموده بودند این وقت
محمد امیرخان قاجار با جمعیت بود و محمدخان مکری و سرداران جمعی ابراهیم بیک سرتیپ و جعفر قلیخان مراغه و غیره نیز بهمراهی
آنجماعت رفته در محل کرمیان در نزدیکی شهر زور بر آنها حمله نموده قریب بیکهزار نفر از ایلباسها را مقتول نمودند

وسردار پیران ناخت و تاز و مقهور نمودن آنجماعت معاودت نمودند همدر اینسال چون نظم طایفهٔ بختیاری بر عهدهٔ
نواب شاهزاده محمد علیمیرزای دولتشاه موکول شده بود و اسدخان بختیاری هفت لنگ بحصانت دزمیران مغرور
گردیده از خدمت نواب شاهزاده محمد تقی میرزا حکمران بروجرد تقاعد داشت موکب دولتشاه بطرف دزمیران روانه
شد و چون نزدیک بدزمیران رسیدند میرزا محمد لواسانی وزیر و پیشکار خود را باستمالت اسدخان فرستادند و عسکر
نواب شاهزاده اطراف دز را احاطه نمود اسدخان چون دید مفری و چارهٔ جز آمدن بحضور شاهزاده نیست بصلاح
میرزا محمد لواسانی راه پذیرفته از قلعه بزیر آمد و با ضراعت و استکانت عذر تقاعد از خدمت را بخواست و معذرت او
مقبول و معفو گردید و اطمینان کامل حاصل نموده براه انقیاد و اطاعت رفت و ترک خودسری و راهزنی نمود همدر اینسال
نواب شاهزاده علیخان ملقب بظل السلطان شده ایالت دار الخلافهٔ طهران را بشاهزاده معزی الیه تفویض فرمودند
و نواب اسمعیل میرزا بحکومت ترشیز منصوب شد و میرزا موسی رشتی که از جانب نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه
نیابت یزد داشت احضار گردیده بوزارت خراسان برقرار و روانه شد و حکومت یزد را بمحمد زمانخان پسر نظام
الدوله اصفهانی مرحمت فرمودند همدر اینسال حاجی میرزا ابو الحسنخان شیرازی که بسفارت بدربار دولت روس
رفته بود و بواسطهٔ جنگ روس و فرانسه امپراطور روس الکساندر بفرانسه تشریف برده بودند و سفیر مشار الیه
در خارج شهر پطرزبورغ توقف کرده منتظر قدوم امپراطور معظم بود بحضور ایشان مشرف و مورد الطاف کامله
گردیده عهدنامهٔ منعقده بین دولتین ایران و روس با مضای امپراطور روس رسید و الکساندر یرملوف سردار گرجستان
بسمت وزیر مختاری از جانب دولت مامور ایران شده مقرر گردید که وزیر مختار مشار الیه در موعد معین در چمن سلطانیه
شرفیاب حضور اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه گردد و عسکرخان افشار ارومی بمهمانداری سفیر رفت و حکم
شد میرزا عبد الوهاب معتمد الدوله بولایت خمسه رود و پس از ورود سفیر مزبور او را در چمن سامان ارخی یکفرسخی
سلطانیه نزول دهد و میرزا فضل الله علی آبادی با معتمد الدوله همراهی کرده مواظب لوازم و مخارج سفیر باشد
همدر اینسال نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه از ارض اقدس عزیمت هرات فرموده در اوایل ماه جمادی الاولی بخبوشان
رسیدند و رضا قلیخان ولد امیر گونه خان طوغاکرها بخدمت شاهزاده آمد و روز دیگر خوانین خراسان یعنی نجفقلی خان
شادلو حاکم بجنورد و بیگلرخان چاپشلو حکمران دره جز و سعادتقلیخان بغایرلو حاکم جهان ارغیان و قوچیرخان
کیوانلو حاکم رادکان نیز بحضور شاهزادهٔ معظم مشرف شدند و ملتزم خدمت گردیدند و دو هزار سوار برای
التزام رکاب والا معین کردند پس از چندی اردوی شجاع السلطنه بمنزل سنگ بست جام نزول نمود و محمدخان
قرائی تربتی در اینمحل بحضور شاهزاده شرفیاب گردید و هنگام عبور از حوالی محمود آباد که در تصرف بنیاد خان هزاره
بود قلعه کیان تفنگچی بطرف اردو خالی کردند شجاع السلطنه بتسخیر قلعه حکم دادند عبد الله خان ارجمندی فیروزکوهی
و رستمخان قراگوزلو و مطلبخان دامغانی و اسمعیل خان سرباز بقلعه یورش بردند و قلعه را مسخر کردند
و جمعی کثیر از هزاره مقتول و دستگیر و اموال زیادی از آنها بغارت رفت و در ورود بتربت شیخ جام عطا
محمدخان افغان از جانب والی هرات بتسلیم قلعهٔ غوریان و اطاعت بدولت ایران آمد نواب شجاع السلطنه
چون اطمینان با قوال مشار الیه نداشتند از جام بکوسویه راندند و میرحسنخان عرب تنگوئی حاکم تون و طبس
در آنمنزل بخدمت ملازمان نواب شاهزاده شتافت و روز دیگر بغوریان رفتند و از آنجا روانه شکیبان شدند
بعد از ورود به پل نقره معلوم شد شیخ الکیان حاجی فیروز الدین میرزا در مصلی هرات و تل بنکیان مستعد هم

میشند

مهیا شدند و والی هرات خود در شهر آسوده است لشکر نصرت اثر بر شخا لجیان مزبور حمله کرده بسیاری از آنها را
براه عدم فرستادند و نواب شاهزاده در کنار رود انجیل (عسکری) بسته سران سپاه را با تاخت اطراف هرات حکم دادند
حاجی فیروز الدین میرزا کلید خود بان را با پنجاه هزار تومان تسلیم کرد و متقبل شد که خطبه و سکه کماکان باسم
اعلیحضرت خاقان باشد لهذا موکب والا عازم بادغیسات و بنبه هزاره کردید و اسمعیل خان سردار در دره بام
با بنیاد خان هزاره مصاف داد و شکستی فاحش خورد و لشکر او متفرق شدند پس از این واقعه نواب شجاع السلطنه
مراجعت کردند همدر این سال در دار الخلافه جشن عروسی و سور نواب شاهزاده علیخان ظل السلطان و نواب اللهوردی
میرزا پرداخته و الکساندر بهلوف وزیر مختار دولت روس که خود را از بنا بر جوج خان بن چنگیز خان میدانست از
تفلیس بطرف ایران حرکت کرد و عسکرخان افشار مهماندار او در اوچ کلیسا بوزیر مختار رسید و در وانزایروان
شدند و حسنخان برادر حسینخان سردار با پنجهزار سوار او را استقبال کرد و سردار خود در خارج ایروان در خرگاه
وسیع با تشریفات لایقه ایلچی روس را پذیرفت و هنکام ورود دبیر بریز از جانب حضرت مستطاب نایب السلطنه
پذیرائی کامل از مشار الیه بعمل آمد و آخر الامر در چمن سامان ارجی نزول کرد تا روز ورود موکب اعلیحضرت همایون
بسلطانیه وزیر مختار روس با شرایط اعزاز درک حضور مکرمت ظهور خاقانی نموده تحف و هدایای خود را تقدیم کرد و از
جمله هدایا فیل و هودجی از زر سرخ بود که با کلید آنرا کوک میکردند و بحرکت در می آمد و سه قطعه آینه بود که هر یک
دو ذرع و نیم طول داشت و زیاده از یکذرع عرض و کمتر از یک چهار یک ذراع ثخن و آن آینه ملحق مخصوص عمارات سلطنتی دار الخلافه
شد همدر این اوان محمدعلیخان خلج بسفارت بدربار عثمانی مامور و نامه مبنی بر مودت بسلطان محمود خان سلطان
عثمانی مرقوم شد همدر این سال میرزا خلیل الله (شاه خلیل الله) ابن میرزا ابو الحسن مرشد طایفه اسمعیلیه در یزد
مقتول شد میرزا خلیل الله مزبور چندی حاکم کرمان و بعد ساکن محلات قم و یزد بود در این سال میان ملازمان او
و اهالی یزد نزاعی درگرفت و او در آن نزاع کشته شد و از آنجا که از سادات حسینی بود و بواسطه ریاست بر اسمعیلیه
در ایران و هندوستان اعتباری داشت بحکم اعلیحضرت همایون اهالی یزد را سیاستی سزا نمودند و آقاخان ولد اکبر میرزا
خلیل الله بشرف مصاهرت پادشاهی و حکومت قم و محلات نایل آمد همدر این سال نواب شاهزاده حسینعلی میرزا فرمانفرمای
فارس محمدزکیخان نوری سردار فارس را مامور بتادیب اعراب جواسمی ساکن بنادر معموره فرمودند و سردار مزبور بمحل
ماموریت خود رفته بقتل و نهب پرداخت همدر این سال موکب همایون عزیمت مازندران فرموده چندی در عمارت بحر الارم
بارفروش بشادمانی گذرانیده پس از آن بدار الخلافه باهره معاودت فرمودند همدر این سال محمود شاه حکمران کابل
و قندهار فتح خان افغان را که وزارت او را داشت و مردی بیباک بود بعنوان معاونت فیروز الدین میرزا بهرات مامور
نمود و او بظاهر هرات نزول کرده پس از ملاقات هنگام وداع حاجی فیروز الدین میرزا را بگرفت و بقندهار فرستاد و امرای
او را معزول و اهل و اموال او را ضبط و تصرف نمود و حاجی آقاخان وزیر و عبدالرشید خان افغان را بقتل رسانید
و خود بحکومت هرات پرداخت و برادر خود کهندلخان را بتسخیر غوریان فرستاد و امرا و خوانین خراسان را با خود
متفق ساخت و رحیم خان خوارزمی را نیز محرک شده رحیم خان بر سر سرخس آمد مقتول شدن حاجی میرزا محمد اخباری
معروف که ظهور رعوفائی عوام و کرامات زیاد نسبت باین عالم داده اند اروپا (المان) بعد از کنگره وینه
مجلس شورائی بریاست دولت اطریش برای تمام دول المان در شهر فرانکفورت منعقد نمودند و این شورای موسوم به
شورای ... زمانیکه بعد فوت فردریک پادشاه ... و جلوس پسرش کیلیوم اول بجای او (انکلیس)

مانع عساکر انگلیس با والی الجزایر و محکم کردن والی مشار الیه قلعهٔ الجزایر را (فرانسه) ایجاد کمپانی بجهة سفاین تجاری (پرتوغال) فوت ماری ملکهٔ پرتوغال پسر این ملکه که پادشاه برزیل بود و موسوم بژان ششم پادشاهی پرتوغال را ضمیمهٔ لقب سلطنتی برزیل مینماید ولی از این مملکت به پرتوغال نیامده و فی الواقع پرتوغال در تحت حکمرانی انگلیسها میباشد (روس) شهر مسکو را که آتش زده بودند تعمیر میکنند (عثمانی) در سربستان عثمانیها قرا و آبادیها را آتش میزنند و بزنان و ناموس اهالی ابقا نمینمایند چوپان زاده ابرنوبچ نام ریاست شورشیان را که بر ضد عثمانی هستند مینماید **امریکا** (ینگی دنیای جنوبی) بلیوار نام در مملکت ونزوئلا بنای یاغیگری را با دولت اسپانیا گذاشته با عساکر اسپانیول جنگ میکند مملکت پلاتا نیز آزادی خود را از اسپانیول طلب مینماید

سنه ۱۲۳۳ هجری — سنه ۱۸۱۷ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه معتمد الدوله میرزا عبد الوهاب اصفهانی را باستمالت خوانین و امرای خراسان مامور فرمودند و ذوالفقارخان و مطلبخان را بمدافعهٔ لشکر خوارزم و افغان مثال دادند و حاجی میرزا ابو الحسنخان شیرازی بسفارت انگلیس رفت و هدایا بصحابت او برای امپراطور نمسه و لوی هیجدهم پادشاه فرانسه و جبههٔ پادشاه انگلستان ارسال نمودند و میرزا عبد الحسینخان[۷] بسفارت نمسه معین و با مشار الیه بمحل ماموریت خود رفت و موکب همایون تشریف فرمای چمن نکره و ساور گردید همدر این سال فتحخان افغان با لشکر فراوان عزیمت ارض اقدس نمود و محمدخان قرائی و ابراهیمخان هزاره بدو گرویدند نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه با لشکر جرار از ارض اقدس برای دفع فتحخان حرکت کرد و در کال یاقوتی معتمد الدوله و خوانین سمنان و دامغان بنواب معظم پیوستند و فتحخان افغان با سی هزار نفر سوار افغان و هزاره در کوسویه مشتعل جنگ شد نواب شجاع السلطنه بنه و آغروق را در کافر قلعه گذاشته در میان رباط کافر و کوسویه با فتحخان بمقاتلت پرداخت پس از جنگی سخت لشکر افغان منهزم شد و گلوله بر دهان فتحخان آمده راه فرار پیش گرفت و در این حین بعض معتمد الدوله جمعیت بنیادخان را که از اردوی شاهزاده کرده بمیان آنها رفت و دستگیر شد نواب شجاع السلطنه هم حکومت باخرز و کوسویه و غوریان را برای بنیادخان فرستادند و او نیز معتمد الدوله را با تدارکی شایسته بحضور شاهزاده فرستاد همدر این اوان موکب همایون با لشکری جرار ببام ورود نمود و بمحاصرهٔ قلعهٔ بام اشارت فرمودند و بعد از دو روز قلعه بتصرف عساکر منصوره درآمد مرتضی قلیخان برادر سعادتقلیخان بغایری که در قلعهٔ بام بود با قرآن و شمشیر بحضور مبارک آمد و او و برادرش هر دو معفو شدند و از اتفاقات آنکه خاقان کشورستان روزی در قلعهٔ بام گردش میکردند گلوله از قلعه بطرف اعلیحضرت پادشاهی انداختند آن گلوله بیکنفر از غلامان که در نزدیکی بود خورد و از اسب درغلطید و با اینکه مرتکب بدست آمد او را عفو فرمودند همدر این اوان رحیمخان خوارزمی که از حرکت و انتهاض موکب خاقانی خبردار گردید راه فرار پیش گرفته بخیوه شتافت و خوانین خراسان طوعا و کرها مطیع شدند و حکم همایون بمحاصرهٔ خبوشان شرف صدور یافت و رضاقلیخان بقلعهٔ شیروان گریخت و میرزا محمد شفیع صدر اعظم متوسل شد صدر اعظم با میرزا رضای قزوینی منشی و میرزا فضل الله علی آبادی مازندرانی مستوفی و میرزا فضل الله خاوری شیرازی برای اطمینان او بشیروان رفتند ولی رضاقلیخان مطمئن نگردید لهذا صدر اعظم مراجعت نمود و نواب شجاع السلطنه با خوانین و اکابر و امرای خراسان باردوی همایون پیوستند و میزبانی خوانین و امرا که یکهزار و پانصد نفر بودند حاجی محمد حسینخان نظام الدوله اصفهانی بر عهده گرفت و طوری اینکار را بانجام رسانید که محل تعجب بزرگان گردید

[۷] همشیره زادهٔ میرزا ابو الحسنخان

گویند

گویند در این اوان درویشی از بلده رکود الی عمیق که فاصله آب معلیخ نظام الدوله بود و نفر ترکمان افتاده غرق شدند
بالجمله چون کار خبوشان و رضاقلیخان یکسره نشده بود فرمان همایون بمحاصرهٔ این بلده و تاراج ایلات و احشامات
و توابع و لواحق قلعجات رضاقلیخان زعفرانلو صادر کردید و پس از تاخت و تاز و غلبه رضاقلیخان و سایل و شفعا
برانگیخت و کدخدایان و زنان و پسران ایل خود را با توپ و خمپاره و زنبورک و جزایر و شمخال و تفنگ و کرو کان نادری
معلی فرستاد و مورد بخشش و عاطفت خاقانی کردید و بشاه محمود والی قندهار و کابل حکم شد فتح خان را کرفته
مقیدا بحضور مبارک فرستند یا از حلیه بصر عاری سازد شاه محمود شق آخری را اختیار و اطاعت نمود و از
پیشگاه همایون خلعت فاخر و خنجر مرصع بجهة حاکم هرات مرحمت شد و امیر حسنخان عرب نکوئی و کیل خراسان لقب
یافت امرای این ایالت مرخص شده با وطان خود باز کشتند و اعلیحضرت خاقان کشورستان بزیارت حضرت علی بن
موسی الرضا علیه آلاف التحیه و الثنا فایز کردیدند و پس از شش روز توقف در ظاهر شهر مشهد مقدس بدار الخلافه معاودت
فرمودند ولادت نواب سلطان مراد میرزا (حسام السلطنه) ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه در ماه ربیع الثانی این
سال ولادت نواب الله فرهاد میرزا (حاجی معتمد الدوله) ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد در ماه جمادی الاولی
این سال هم در اینسال چاپ حروف که بفرانسه تیپکرافی کویند بتوجهات حضرت نایب السلطنه در ایران رواج یافت
و بعضی شروع و رواج این صنعت را در ایران از وقایع سال قبل دانسته ولادت نواب شاهزاده یحیی میرزا
اروپا (انکلیس) فتوحات انکلیس در هند استیلای انکلیس این اوقات تا سواحل رود پنجاب امتداد دارد
(فرانسه) در این سال که تخطی مذکور است دولت فرانسه مبلغ کزافی از دولت روس کندم ابتیاع میکند
شهر پاریس بواسطه چراغ کاز روشن میشود مادام استائیل نویسندهٔ معروفه وفات میکند (روس) مزاوجت
کراندوک نیکلا برادر امپراطور روس با دختر پادشاه پروس

سنه ۱۲۳۳ هجری
سنه ۱۸۱۸ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال خالوداد خان درانی با یک زنجیر فیل و سی طاقه شال کشمیری و مبلغی نقد
از جانب شاهزاده کامران بدربار خاقان کشورستان فتحعلی شاه آمده معروض داشت که بعد از فتح خان و مقید
نمودن برادرش شیردلخان شاه محمود از هراه بقندهار رفت و بفکر کار افتاد و پردلخان برادر دیگر فتح خان
جمعی را در قلعهٔ نادعلی دور خود جمع کرد و بمخالفت با شاهزاده کامران برخاسته و برادران محبوس خود فتح خان
و شیردلخان را خواست شاهزاده کامران ناچار آنها را بپردلخان تسلیم نمود و در اینحال برادران دیگر فتح خان که
هر یک در صوبه صوبه دار و حاکم با اقتدار بودند از واقعه آگاه کشته بنای طغیان را کذاشتند محمد عظیم خان که
صوبه دار کشمیر بود دوست محمد خان و یار محمد خان برادران خود را به پیشاور فرستاد و شاهزاده ایوب را بتخت
نشانیدند و با شاه محمود جنگ سختی کرده او را منهزم ساختند و شاهزاده ایوب الکای پیشاور را تا حدود جلال آباد
بتصرف در آوردند و دیگر باره محمد عظیم خان برادر دیگر خود عبد الجبار خان را با استعدادی شایان همراهی
دوست محمد خان بتسخیر کابل روانه کرد و محمد زمانخان برادرش را بهندوستان فرستاده شجاع الملک ولد
تیمور شاه را که بدولت انکلیس پناه برده بود طلبیده بیاوردند و بتسخیر کابل و سیستان عزیمت کردند و کار
افغانستان پریشان شده و جز هرات و قندهار حصاری در دست محمود و کامران نماند اعلیحضرت خاقان فرستاده
کامران میرزا را مطمئن فرموده معاودت دادند هم در اینسال نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس بدار الخلافه

احضار

اختصاص شده و با برادر بزرگتر خود حسنعلی میرزای ملقب بشجاع السلطنه ملاقات کردند و امیر کبیر حاجی محمد حسینخان
مروزی قاجار عزالدینلو که ملقب بفخر الدوله بود در طهران وفات یافت و از مآثر خیریه حاجی محمد حسینخان مروزی مدرسه
مشهوره بمدرسه مروی است در دار الخلافه که الی الآن باحسن وضع و نظام دایر است هم در اینسال پولکونیک مزاریچ کرد
تفلیس و بوکالت ایندولت منصوب بود باظهار الکساندر پرملوف سردار گرجستان باستان ملایک پاسبان همایون آمد
و پیرانحینی باتفاق میرزا محمد علی مستوفی آشتیانی مامور خدمت حضرت مستطاب نایب السلطنه گردیده در تبریز متوقف شد
و نواب شجاع السلطنه حکمران خراسان بارض اقدس بازگشت و اسمعیل خان دامغانی بملازمت و خدمت شاهزاده مامور
شد هم در اینسال موکب همایون تشریف فرمای چمن سلطانیه گردید و داود پاشا والی بغداد که باعانت نواب شاهزاده
محمد علی میرزای دولتشاه والی کرمانشهان در حکومت بغداد مستقل شده بود در این ایام براه خلاف رفت نواب
شاهزاده دولتشاه از کرمانشهان بکرند رفتند و سپاهی بتاخت و تاز حوالی و اطراف بغداد فرستادند و عیسی
خان امیر آخور نیز با ده هزار نفر از قشون نصرت نمون برکاب دولتشاه پیوست داود پاشا کار را سخت دیده آقا احمد
کرمانشهانی را که از اجله علما بود شفیع قرار داد و احمد چلبی را با پیشکشی لایق بحضور حضرت شاهزاده معظم فرستاد
و از خطرها آسوده گردید هم در این سال رعایای گیلان از جور خان کرجی حاکم خود شاکی شدند نواب شاهزاده محمد رضا
میرزا را بحکمرانی خود مستدعی شدند و مسئول ایشان مقبول شد هم در این سال حضرت مستطاب شاهزاده معظم نایب
السلطنه بتقبیل عتبه علیه خاقانی آمده پس از ادراک حضور موهبت ظهور پادشاهی و دریافت مکارم موفوره با
میرزا بزرگ قایم مقام بتبریز مراجعت فرمودند و اردوی کیوان شکوه خاقانی از سلطانیه بدار الخلافه بازگشت هم در
اینسال میرزا محمد شفیع صدر اعظم در قزوین وفات یافت و حاجی محمد حسینخان نظام الدوله اصفهانی که ثانی حاتم و ناسخ
عالم بود بمنصب صدارت عظمی نایل آمد و وزیر اعظم تاریخ این امر است هم در این سال خوانین خراسان ربقه اطاعت
نواب شجاع السلطنه را بر گردن انقیاد خود نهادند و اسمعیل خان سردار از خدمت شاهزاده معظم بدربار معلی مراجعت
کرد ولادت نواب ذکریا میرزا و محمد امین میرزا و سلطان حمزه میرزا و سلطان احمد میرزا فرزندان خاقان کشورستان
اروپا (المان) پسر ناپلیون با مادرش که دختر پادشاه اطریش است پیش از این بخاک اطریش پناه برده در این
سال امپراطور اطریش به پسر ناپلیون که نوه دختری او است لقب دوک رایشستاد میدهد (انگلیس) سنگاپور را
در هند انگلیسها در این سال ابتیاع نمودند (دانمارک) ایجاد بانک در این مملکت (فرانسه) قشون دول متحده
که هنوز در خاک فرانسه بودند مملکت فرانسه را تخلیه کرده خارج میشوند ملاقات امپراطور روس و امپراطور
پروس با لوی هیجدهم پادشاه فرانسه نقشه مملکت فرانسه امسال رسم میشود (ایطالیا) زلزله سخت در سیسیل
و در بلاد مجار و در کوه اتنا (روس) در این سال اول تاریخ این مملکت را کارامسن تالیف مینماید (سوئد)
فوت شارل سیزدهم پادشاه سوئد و جلوس برنادت سردار فرانسه که ولیعهد ایندولت را داشت و موسوم بجای او
نمودن خود را بشارل چهاردهم **افریقا** (مصر) محمد علی پاشا و پسرش ابراهیم پاشا که مدت شش سال
با جماعت وهابی میجنگیدند بالاخره این جماعت را مقهور و مضمحل نموده رئیس آنها عبدالله نام را محمد علی پاشا
مغلولاً باسلامبول فرستاد و عبدالله در اسلامبول مقتول شد محمد علی پاشا قشون خود را بوضع عساکر اروپائی
تربیت میکند **امریکا** (ینکی دنیای جنوبی) مملکت شیلی خود را از تحت سلطنت اسپانیول خارج کرده دم از
استقلال میزند

اختتام کار عبدالله بن سعود را
مورخین از وقایع سال هزار
و دویست و سی و سه دانسته
چنانکه در سوانح این سال ذکر
خواهد شد ۱۲۳۳

سنه ۱۲۳۵ هجری **سنه ۱۸۱۹ مسیحی**

آسیا (ایران) در این سال بامر خاقان کشورستان اعلیحضرت فتحعلی شاه عقد مزاوجت و ازدواج بنیان
نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا (اعلیحضرت محمد شاه) ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا و صبیه محترمه نواب امیر کبیر
محمد قاسمخان بن امیر کبیر سلیمانخان اعتضاد الدوله قاجار بمیمنت و مبارکی منعقد گردید و جشنی شایان در دار الخلافه باهره
گرفته شد و در این ضمن صبیه مرحوم میرزا شفیع صدر اعظم در حباله نکاح همایون میرزا در آمد نیز صبیه نواب محمد قلی میرزای ملک آرا
حکمران مازندران در سلک مزاوجت امیر سلیمانخان فرزند نواب امیر کبیر محمد قاسمخان منسلک گردید و پس از انجام این امور
خیریت منظور موکب منصور خاقانی بزیارت حضرت معصومه سلام الله علیها و تفرج فین کاشان انتهاض فرمود و پس از
مراجعت سلیمان افندی سفیر سلطان محمود خان سلطان عثمانی بحضور مبارک مشرف شده و بعد از چندی اقامت در دربار همایون بخلاع
فاخره مخلع گردید و اذن معاودت حاصل نمود هم در این سال عبد الصمد خان بارکزائی افغان از جانب شاه محمود و کامران
میرزای افغان با هدایا و تحف بدربار خاقان مملکت ستان آمده از تطاول برادران فتح خان شکایت و تظلم نمود و حکم
همایون بنواب شجاع السلطنه حسنعلی میرزا والی خراسان در امداد شاه محمود و کامران میرزا شرف صدور یافت و عبد
الصمد خان با مسرت خاطر معاودت کرد هم در این سال سفیری از جانب امپراطور روس الکساندر اول بدربار همایون
آمده از جمله هدایا که امپراطور معظم برای اعلیحضرت پادشاهی ارسال داشته حوض بلور معروف و مشهور است که در عمارت
بلور نصب شد هم در این سال چون بعد از معاودت عبد الصمد خان افغان شاه محمود باغوای بنیاد خان هزاره و اویماقات
جمشیدی پرداخت نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه عزیمت هرات فرمود و بتنبیه ذنبه متوجه شده ولایت باخرز و آن
حدود را که بنیاد خان متصرف بود مسخر نمود و با میر قلیچ خان تیموری سپرد و امیر حسنخان طبسی و محمد خان قرائی در این سفر
در رکاب شاهزاده معظم بودند و امیر حسنخان شاهزاده را از گرفتن محمد خان قرائی مانع بود از قضایای اتفاقیه امیر
حسنخان طبسی این ایام در گذشت و ملازمان نواب شاهزاده محمد خان را گرفته بند نهادند و بتنبیه ذنبه رفتند برادران
محمد خان و مادرش از در اطاعت و ضراعت در آمده قلعه تربت را بتصرف ملازمان نواب شجاع السلطنه دادند و این
وقایع را بعرض آستان همایون رسانیده فرمان همایون صادر شد که اگر نواب شاهزاده صلاح میدانند تربت را مجدداً بمحمد
خان واگذار کنند نواب شاهزاده چنین کردند یعنی محمد خان را مخلع و رها نموده بقلعه او تشریف بردند و او نیز خدمتهای
شایان نمود و خواهر خود را در حباله نکاح شاهزاده در آورد شاه محمود که از این وقایع مستحضر گردید متوحش و
پشیمان شد و از اغوا و تحریک دست کشیده هدایا و پیشکشی برای نواب شجاع السلطنه فرستاده بنابراین شاهزاده
معظم بارض اقدس آمدند و وکالت طبس حسب الاراده بامیر علینقی خان بن امیر حسنخان تفویض شد هم در این سال چون
نواب شاهزاده محمد رضا میرزا والی گیلان حسن ظنی بصوفیه سلسله نعمت اللهیه رسانیده و جمعی منتسبه باین طایفه حسبه
دور شاهزاده را گرفته بودند این فقره بوجهی شنیع بعرض آستان همایون رسید برای آنکه این ازدحام موجب غایله
نگردد موکب خاقانی بشکار ولایت طارم انتهاض فرمود و حضرت مستطاب نایب السلطنه بحضور مبارک تشرف جستند
و پس از تفرج و شکار مراجعت به تبریز نمودند و در قزوین لوشان نواب محمد رضا میرزا و اهالی گیلان حسب الامر
شرفیاب آستان پادشاهی گردیدند و بعضی سیاست و تنبیه شده و جمع صوفیه بتفرقه مبدل گشت علاوه فاضلخان
گروسی چارچی باشی را مامور فرمودند که بهمدان رفته از حاجی محمد جعفر قراگوزلو از مشاهیر عرفا و آقا سید حسن همدانی
که او نیز از اعاظم سلسله مزبوره بود دو هزار تومان برسم مصادره دریافت نماید و همانا این عمل بسبب اسباب اغراض

بوده

بوده والاجلال قدر حاجی محمد جعفر و آقا سید حسن معلوم و معین است همدر اینسال سرخای خان لکزی و مصطفی خان
شیروانی و مهدیقلیخان جوانشیر از تطاول کماشتگان دولت روس بستوه آمده روی توسل بدربار خاقان عظیم الاقتدار
نهادند و بالطاف شاهانه نایل گردیدند همدر این وان عبدالله خان امین الدوله بجهة تفریغ محاسبات گیلان مأمور
رشت شد و وفات میرزا معصوم محیط ولد میرزا بزرگ قایم مقام فراهانی و وفات میرزا صادق ناطق شاعر اصفهانی
اروپا (انگلیس) شورش سخت در شهر منچستر نیز شورش در ارلند مسافرت فرانکلن بقطب شمال

سنه ۱۲۳۶ هجری — سنه ۱۸۲۰ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال فیمابین ایلات بختیاری و ایلات ترک قشقائی ساکن فارس نزاعی در گرفت اعلیحضرت
خاقان کشورستان فتحعلی شاه نواب امیر محمد قاسمخان قاجار را باصلاح امر آنها مأمور فرمودند و حاجی میرزا ابوالحسنخان
شیرازی که مدت سه سال بود بسفارت فرنگ بممالک عثمانی و نمسه و فرانسه و انگلیس رفته با امضای انگلیس در
ولایتعهد حضرت مستطاب نایب السلطنه بدربار دولت علیه بازگشت و پادشاه انگلستان یک حلقه انگشتری الماس گرانبها
بمبارکی و تهنیت ولیعهدی حضرت مستطاب معظم برای ایشان ارسال داشت همدر این سال بجهة تخطی ایلات و بدسلوکی
کماشتگان دولت عثمانی با حجاج ایرانی کدورتی فیمابین دولتین ایران و عثمانی در گرفت و چون طایفه وهابی ساکن نجد
نیز بدرفتاری با حاج میکردند حاجی حیدرعلیخان برادرزاده حاجی ابراهیمخان شیرازی برحسب امر اعلی با محمدعلی پاشا
والی مصر ملاقات کرده از سوء سلوک طایفه وهابی در نجد شرحی اظهار داشت محمدعلی پاشا فرزند خود ابراهیم پاشا را
بنجد فرستاد شهر درعیه را خراب کرد و عبدالله بن مسعود را گرفته روانه اسلامبول نمود و عبدالله بن مسعود در اسلامبول
مقتول شد همدر این سال خوانین خراسان مجدداً در خیانت و نفاق اتفاق کردند و معتمدالدوله میرزا عبدالوهاب
اصفهانی بخراسان مأمور شد و نواب شجاع السلطنه بموجب احضار بحضور مکرمت ظهور مبارک آمد و با نور محمدخان قاجار
دولو بخراسان معاودت نمود و موکب همایون بعزم خراسان روانه چمن خوش ییلاق گردید خوانین خراسان چون از نهضت میمنت
موکب اعلی خبردار شدند همراهان کشته باردوی معلی آمدند و روانه طهران گردیدند ولی بنیادخان هزاره با ده هزار
پیاده و سواره در قلعه کاریز من اعمال باخرز با عساکر نواب شجاع السلطنه مصاف داده مغلوب و منهزم شد و
احمال و اثقال او بتصرف سپاه نصرت همراه در آمد و نواب شاهزاده تا حوالی هرات راندند میرزا موسی پسر شاهزاده
هرات ورود نمود و با پیشکشی حاکم هرات بازگشت و از آنجا که ترکمانان تکه ساکن بام در بوده در سال قبل در حوالی
جوین تاخت و تاز و شرارت کرده بودند در این سال برحسب امر قضا مثال خاقانی نواب محمدقلی میرزای ملک آرا حکمران
مازندران لشکری بدفع آنجماعت فرستاده در راه بر آنها ریختند و بقتل و غارت پرداختند همدر این سال خاقان
بیهمال دری مرصع که بقیمت ده هزار تومان تمام شده بوده مصحوب امین الدوله بروضه مقدسه رضویه علی ساکنها
الف سلام و تحیه ارسال داشتند و امین الدوله آن در را نصب کرده مراجعت نمود همدر این سال دو مرتبه در شیراز
زلزله شدید شد و بسیاری از عمارات و ابنیه را منهدم کرد و جمعی هلاک شدند همدر اینسال ایلات حیدرانلو و سبکی
بخاک عثمانی رفتند و حسنخان سردار بکوچانیدن و معاودت دادن آنها مأمور شد سلیمان پاشا والی بایزید و اتحاد و ممانعت
و مضایقه پرداخت بعد از آن چون خسرو محمد پاشا بسرعسکری منصوب شد بر سوء سلوک افزود و ایلات را رد نکرده
دعوی چهریق من توابع سلماس را نمود و حاجی علی بیک کدخدای تبریز را که با سفر داد ایلات رفته گرفته حبس کرد لهذا
موکب حضرت مستطاب نایب السلطنه بامر همایون متوجه حدود ارزنة الروم گردید و حسنخان سردار قاجار فرزندی را

ازپیش

از پیش روانه فرمودند حسنخان در حوالی تپراق قلعه با خسرو محمد پاشای سرعسکر مصاف داده سرعسکر بحصار تپراق قلعه
گریخت سردار بقلعه یورش برده چهار هزار نفر از عساکر عثمانی با براه علی فرهاد سرعسکر فرار کرده و تپراق قلعه را سردار
ایران متصرف شد حضرت مستطاب نایب السلطنه نیز از چالدران بجانب بایزید حرکت فرموده قلعه زنک زور و قلعه اوی سرای
را مسخر فرمودند و بهلول پاشا مطیع شد حسنخان سردار در جامع بایزید رفته و خطبه بنام خاقان کشورستان خواندند
و شانزده عراده توپ از این قلعه جات بچنگ عساکر منصوره افتاد و موکب حضرت مستطاب نایب السلطنه عزیمت ارزنة
الروم فرمود حاجی حسن پاشای چچن اغلی سرعسکر بایزید بقلعه سنگ رفت و از آنجا بارزنة الروم گریخت محمد زمانخان
دولوی قاجار و حسنخان قاجار قزوینی فراریان را تعاقب کردند در این حیص و بیص بعرض حضرت مستطاب نایب
السلطنه رسانیدند که سلیم پاشا والی ارمنیه دو محمدخان دولوی قاجار را گرفته لهذا موکب والا بطرف محمدخان
راندند عساکر عثمانی از جلو قشون و سپاه حضرت مستطاب معظم فرار کردند و محمد زمانخان با آوردن ایل حیدرانلو رفت
و از آنجا که آنها فرار کرده بودند قرا و قصبات عرض راه را غارت کرد و پنجهزار نفر اسیر و هفده عراده توپ و دویست
هزار راس دواب و اغنام از آن نواحی گرفته مراجعت نمود و اسمعیل خان بیات قلعه ملازکرد را مسخر ساخت و حسنخان
بفتح قلعه شیر که معروف بموش است پرداخت و با آنکه خیلی سعی کرد فتح قلعه میسر نشد حضرت مستطاب نایب السلطنه
از جبال شامخه و جنگل انبوه بر سر قلعه شیر آمده بمحاصره مشغول شدند اهل قلعه مصاحف کریمه را شفیع کرده امان
خواستند محمد حسینخان زنگنه نایب ایشیک آقاسی باشی سلیم پاشا را مطمئن کرده بحضور حضرت معظم آورد و در ازای این خدمت
ایشیک آقاسی باشی شد و میرزا ابوالقاسم فراهانی (قایم مقام) بشهر تبلیس رفته خطبه بنام نامی پادشاهی خواند و قلعه جات
خنوس و ارجیش نیز بسعی محمد زمانخان و حسنخان مفتوح گردید و سلیم پاشا را خلعت حکومت ارمینیه دادند و ده هزار
نفر از ایلات آنجا و ملازم رکاب نصرت انتساب حضرت مستطاب نایب السلطنه گردیدند و در این رکضت قلاع بایزید
و ابشکرد و یادین و ملازکرد و تبلیس و موش و خلاط و عادلجواز و ارجیش و خنوس سوای تپراق قلعه که حسنخان مفتوح
کرده ضمیمه ممالک محروسه گردید و چهل و هشت عراده توپ از توپهای عثمانی ماخوذ شد و موکب حضرت مستطاب معظم
مظفر و منصور مراجعت نمود وفات عالی شاعر شیرازی **اروپا** (انکلیس) ژرژ سیم پادشاه انکلیس وفات نموده
و ژرژ چهارم پسرش بجای او منصوب میشود و جلوس مینماید و ملکه زوجه خود را که از شاهزاده خانمهای المان است
متهم بزنا کرده محاکمه را بمجلس پارلمنت رجوع مینماید مجلس شش ماه ملکه را بیگناه میدانند (اسپانیول) شورش در
داخله این مملکت و در مملکت ینگی دنیای متعلقه باسپانیول (فرانسه) دوک دبری برادرزاده پادشاه را لوول نام
مقتول میسازد تولد ولیعهد دولت فرانسه که پسر دوک دبری مقتول باشد و این پسر را موسوم بهانری کرده
دوک دو بردو لقب میدهند هنوز بجاده تلگراف برقی در فرانسه (هلاند) منازعه این دولت در جزیره سوماترا با یاغیان
(عثمانی) علی پاشا حاکم یانینا یاغی میشود و بنای شورش میگذارد یونانیها با علی پاشا متحد میشوند

سنه ۱۲۳۷ هجری — سنه ۱۸۲۱ مسیحی

آسیا (ایران) در ماه صفر این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه وارد تبریز شدند و بنا بر فتوحاتیکه حضرت
معظم نموده و شرح آن در سال گذشته مذکور شد یک قبضه شمشیر مرصع که مکلل بجواهر ثمینه بود اعلیحضرت
همایون برای ایشان اعطا و ارسال فرمودند هم در اینسال چون محمود پاشای ولد عبدالرحمن پاشای بابان
حاکم شهرزور و فیما بین دولتین ایران و عثمانی تفتین میکرد و از آنطرف اطاعت هم بداود پاشای والی بغداد نداشت

جمعی

جمعی از عساکر عثمانی با ده عراده توپ بامداد داود پاشا آمدند که شهرزور را متصرف شوند و محمود آقای کهیا نیز
با ده هزار نفر با آنها پیوسته بطرف شهرزور راندند در اینموقع محمود پاشا نیز بجانب عثمانی مایل و مصمم خلاف با دولت
علیه گردید و عساکر عثمانی در کنار آب سیروان مقام نمودند لهذا نواب شاهزاده محمد علیمیرزای دولتشاه با پانزده هزار
پیاده و سوار و ده عراده توپ از کرمانشهان حرکت کردند و حسنخان فیلی نیز با جمعی از الوار لرستان ملحق باردوی شاهزاده
معظم شد و جنگ سختی فیما بین عساکر عثمانی و لشکر ایران درگرفته آخر الامر قشون عثمانی شکست خورده راه فرار
پیش گرفتند و محمود پاشا نیز از عقب کهیا بخاک عثمانی گریخت و توپخانه و قورخانه و غیره پاشا و کهیا متصرف سپاه ظفر
همراه آمد و نواب شاهزاده دولتشاه بسلیمانیه نزول فرمودند و کهیا شمشیر خود را بگردن انداخته باصطبل شاهزاده
پناه جست و معفو شد پس از آن نواب شاهزاده نیز بزیارت سر من رای رفتند و عزیمت تسخیر بغداد نمودند ولی در منزل
دلو عباس بمرض اسهال مبتلا شده مع هذا عساکر منصوره بتاخت حوالی بغداد میپرداختند تا ضراعت داود پاشا
والی و شفاعت شیخ موسی نجفی اسباب مراجعت نواب شاهزاده گردید و در طاق گرا بجهة غلبه ضعف توقف فرموده
طبیب انگلیس از بغداد بمعالجه آمد و مفید نیفتاد در اینحال اسدخان بختیاری و حسنخان فیلی را مرخص کردند و
در شب پنجشنبه بیست و ششم شهر صفر وقت سحر راه غرفات بهشت گرفتند و نعش مرحوم شاهزاده را در تخت روان
گذاشته بکرمانشهان آوردند و در ششم ربیع الاول این خبر محنت اثر بدار الخلافه رسید و میرزا تقی علی آبادی صاحب
دیوان قصیدهٔ در مرثیهٔ مرحوم شاهزاده انشاد کرده که فرد منتخب آن اینست

پس از دوران دولتشه بکی کرمانشه   چنان بینی مداین را که بی نوشیروانستی

عمر مرحوم شاهزاده سی و چهار سال و ده نفر اولاد داشتند نواب محمد حسین میرزای حشمة الدوله نواب طهماسب
میرزای مؤید الدوله نواب نصرالله میرزا نواب اسدالله میرزا نواب فتح الله میرزا نواب امامقلی میرزای عماد الدوله نواب
جهانگیر میرزا و نور الدهر میرزا و محمد رحیم میرزا و ابوالحسن میرزا خلاصه ولایت شاهزادهٔ مرحوم بنواب محمد حسین
میرزا مفوض شد و عیسی خان دامغانی امیرآخور بسرپرستی اهل و عیال شاهزاده بکرمانشهان رفت همدراین
سال وبائی شدید از سمت هندوستان بسواحل عمان و گرمسیرات فارس سرایت کرد و قریب بیست هزار نفر
تلف شدند و این ناخوشی وبا که بفرنگستان و سایر اقالیم نیز سرایت کرد و بفرانسه آن را کلرا میگویند غیر از
ناخوشی وبائیست که پیشتر از این در ممالک و بلاد ظهور و بروز مینموده و در کتب مینوشته اند پس این وبا فقط
که این وبا که در معنی هیضه ردیتر باشد در این ممالک دیده شده و پیش از این بروز آن مختص هندوستان بوده است
همدراین سال موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه تشریف فرمای چمن سلطانیه گردید همدراین
سال محمد امین رؤف پاشا و جلال الدین محمد پاشای چپان اوغلی که از سردارهای معتبر عثمانی بودند با هفتاد هزار
لشکر و توپخانه و چند نفر پاشایان دیگر از قبیل حافظ علی پاشا و ابراهیم پاشا بسر عسکری ارزنة الروم و جنگ
با ایران مامور شدند و بمحض ورود بارزنة الروم باسترداد قلاعی که چند سال از آنها منتزع شده بود پرداختند
محمد امین رؤف پاشا در ارزنة الروم توقف کرد و جلال الدین محمد پاشا با سایرین بولایات وان و بایزید راندند
حضرت مستطاب نایب السلطنه در اواخر شعبان با افواج و توپخانه از تبریز بخوی آمدند و سعید آقا نام سیواسی را
بنصیحت نزد رؤف پاشا فرستادند ولی ثمری نکرد از اینطرف اعلیحضرت همایون اللهیارخان دولوی قاجار را با
ده هزار پیاده و سوار بامداد حضرت مستطاب نایب السلطنه از سلطانیه روانه فرمودند و حضرت معظم در وسط

ماه رمضان از خوی بجانب الدران رفتند و معلوم شد جلال الدین محمد پاشا و سایر پاشایان بطرف تپراق قلعه رانده حافظ
علی پاشا بفتح قلعه مشغول و جلال الدین محمد پاشا سنگری محکم بسته و در آن سنگر نشسته و ابراهیم پاشا از خارج سنگر او را
محارست مینماید خلاصه در سنه جات عساکر منصوره بحرکت آمده و در بعضی مواضع باهم تلاقی و زد و خورد مینمودند
تا اردوی حضرت شاهزاده بحوالی تپراق قلعه رسیده جنگ سختی فیمابین درگرفت و پس از کشش و کوشش سپاه
ظفر همراه غلبه کرده ابراهیم پاشای مستحفظ سنگر بکر بخت و جلال الدین محمد پاشای چپان اوغلی نیز از تسخیر
تپراق قلعه صرف نظر کرده بارزنة الروم فرار کرد سایر پاشایان نیز هر یک بطرفی متفرق شدند و توپخانه و قورخانه
و سایر احمال و اثقال سالارد و بتصرف عساکر منصوره درآمد و حضرت مستطاب نایب السلطنه مظفر و منصور
بمنزل خالبان نزول کردند و میرزا محمد تقی آشتیانی را بارزنة الروم نزد محمد امین پاشا فرستادند پاشای مشارالیه
اظهار خلوص کرده و قرار مصالحه و مراجعت لشکر را باول بهار داد و موکب ولایت عهد بتبریز بازگشت و حسنخان قاجار قزوینی
که در این جنگ شهادت و جلادتی ظاهر ساخته ملقب بسار اصلان (سار و اصلان) گردید بعهد این سال میرزا عبد
الوهاب معتمد الدوله مامور خراسان شد و اعلیحضرت خاقان قصد زیارت عتبات عالیات و تسخیر بغداد فرموده اولا نواب
محمد حسین میرزا والی کرمانشاهان را با امیر محمد قاسمخان قوانلوی قاجار و لشکریان دار المرزی و استرابادی بطرف عراق عرب
مامور و نواب عبدالله میرزا والی خمسه را با سواران خمسه و پیادگان سمنانی و دامغانی و خوانین سمنان بتسخیر
شهرزور فرستادند و فضلعلیخان قاجار و امان الله خان والی کردستان را با سواره خود نیز بحرکت امر فرمودند
و میرزا فضل الله علی آبادی بنگارش لشکر و دادن علوفه و مواجب قشون محکوم گشت و موکب همایون در بیستم ذیحجه
از چمن سلطانیه انتهاض فرموده و نواب محمد حسین میرزا مندلیج و جسان و بدرائی و زرباطیه را مسخر کرده ببعقوبه
آمد داود پاشا والی بغداد سید عبدالله شیر را واسطه و شفیع قرار داد و نواب عبدالله میرزا نیز در شهرزور روایل
بابان جمعی را براه عدم فرستاد در اینحال وبا در اردوی شاهزادگان افتاد و جماعتی را هلاک کرد لشکر متفرق گشتند
و مطلبخان دامغانی درگذشت و ناخوشی مزبور باردوی بزرگ پادشاهی سرایت کرد و میرزا محمد حسین حکیمباشی
واقعه را بعرض حضور همایون رسانیده قشون را مرخص کردند و خود با خواص خدم در ییلاق همدان و دامنه الوند توقف
فرمودند و در اینجا دوستعلیخان بسطامی معیر الممالک والد حسینعلیخان معیر الممالک و جعفرقلیخان نوائی و میرزا مقیم مازندرانی
بمرض وبا وفات کردند بالجمله در این سال صد هزار نفر در ایران از ناخوشی وبا بدرود زندگانی نمودند و موکب همایون
در آخر سال عزیمت دار الخلافه نمود **اروپا** (انگلیس) پادشاه هنگام تاج گذاری زوجه خود را بسمت ملکه
بودن معرفی نمیکند بنابراین مشارالیها از شدت غصه هلاک میشود جمعیت انگلیس غیر از لندن در اینسال
ببیست و هشت کرور و چهارصد هزار نفر است و جمعیت لندن سیزده کرور و سیزده هزار نفر (ایطالیا) اغتشاش
در این مملکت خاصه در ناپل (پرتوغال) پادشاه پرتوغال که ببرزیل رفته بود بر خلاف میل اهالی برزیل با مکنت
و ثروت زیادی که داشت بکشتی نشسته بسمت پرتوغال حرکت میکند و دن پدر پسر خود را در برزیل بجای خود
منصوب میسازد (اسپانیول) مکزیک ینگی دنیا که جزو سلطنت اسپانیا بود رایت آزادی افراشته و آزادی خود را
اعلام میکند و پادشاه اسپانیول تکلیف سلطنت مشروطه با لقب امپراطوری مکزیک میشود (فرانسه) دوک دبری
پسر پادشاه موسوم بکنت دشامبر کشته میشود ناپلیون در سن پنجاه و دو سالگی در جزیره سنت هلن میمیرد و علت سبب
مردن او سختگیری لوو حاکم انگلیس در سنت هلن میباشد جمعیت فرانسه در این سال سی و شش کرور و چهارصد هزار نفر است

(عثمانی) ابتدای شورش یونان الکساندر ایپسیلانتی که از روس آمده است هیجی فتنه بپا شده و ارناودها و وحشی
در زیر رایت شورش خود جمع میکند یونانیها که در ناحیه مره هستند عثمانیها را یا بیرون کرده یا بقتل میرسانند و دیمتری
یوسر نامی را رئیس بر خود قرار میدهند انتقام عثمانی بر ضد شورشیان کشیش بزرگ یونانیها که در اسلامبول بود
با چهار نفر کشیشهای دیگر بحکم سلطان مقتول میشوند و جمعی دیگر از عیسویان نیز در سایر نقاط بتهمت موافقت با
یونانیها بقتل میرسند علی پاشا که در ایینا بعثمانی یاغی شده خورشید پاشای سردار او را محاصره میکند تولد سلطان
عبدالمجید خان ابن سلطان محمود خان **امریکا** (ینگی دنیای جنوب) مملکت پرو که جزو سلطنت اسپانیول بود آزاد میشود
و اعلان جمهوری مینماید (اتازونی) مابین اهالی اتازونی در قسمت شمالی و جنوبی همین مملکت در باب نگاهداشتن برده
و آزاد کردن آنها در مجلس پارلمنت گفتگو میشود و این گفتگوئی است که در آتیه نتیجه آن خونریزیهای سخت خواهد بود

سنه ۱۲۳۸ هجری — سنه ۱۸۲۲ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال جمعی از اشرار وان با اکراد همدست شده بسلماس آمدند و غفلةً بر سر اهالی ریخته بقتل و
نهب پرداختند حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا یوسفخان گرجی را با دسته‌ای ادران و فوج بیگی مسلمان
بدفع آنها مامور فرموده روانه شدند از آنطرف عثمان بیک و نصیر بیک ولد مصطفی قلیخان حکاری با سه هزار نفر
بمقابله مامورین مزبور آمده پس از اشتعال نایره قتال شکست خوردند و یوسفخان قلعه باشقلان را فتح کرده
اهالی قلعه را عرضه شمشیر نمود و ابراهیم خان حاکم باشقلان را بهمراهی عسکرخان افشار حاکم ارومی بحضور
حضرت مستطاب نایب السلطنه فرستادند و مصطفی قلیخان حکاری که از اولاد بنی عباس بود بتبریز آمده ایالت
حکاری را باو مفوض فرمودند و پسرش نصیر بیک که با پدر مخالفت داشت در گذشت و حکمرانی خوی و سرداری
آنجا و اختیار قلعه باشقلان و حکاری و کردستان را با میرکبیر امیرخان دولوی قاجار خالوی حضرت مستطاب
نایب السلطنه دادند در این سال میرزا عیسی فراهانی معروف بمیرزا بزرگ ملقب بقائم مقام در تبریز بناخوشی وبا در گذشت
و پسرش میرزا ابوالقاسم بمنصب و مقام او نایل گشت و سواد فرمان قائم مقامی میرزا ابوالقاسم از قرار ذیل است
که از آنجا که دستیار اقتدار این دولت ابد آثار در کفایت مهام جهانداری قائم مقام مقرر است
قدر و قوام قدر توام این شوکت پایدار در مناظم اسباب دولتیاری نایب مناب دستگاه قضا پای مقدر آمده بحسن
کفالت کارگذاران دیوان تائید اساس تابید این همایون سلطنت جاوید اثر جهت ممهد و از وفور فواید بفضلات
پروردگار مجید توقیع رفیع خلافت ابد مقرون مشحون طغرای غرای ادامت ابداست مادام در جزای این مواهب عظمی و ازای
شکر نعمای بی منتها ملزوم همت گردون اساس و پیشنهاد مبارک خاطر حق شناس افتاده که از چاکران درگاه و فدوی
زادگان دولت جاوید دستگاه آنانکه جوابا استعدادشان مشحون معدات کفالت و کفایت در ایشان
معتن مناظم چاکری و خدمت نماید بارتقای مدارج اعتبارشان انظار عنایت گماریم و باظهار قبول مساعی مکنونات
التفات گوناگون درباره ایشان ظاهر داریم و خلاصه اینا جمال تفصیل احوال عالیجاه رفیع جایگاه سیادت و سعادت
همراه نجابت و مناعت اکتناه بناهت و نبالت دستگاه اخلاص و ارادت آگاه مقرب الخاقان فدوی زاده دولت جاوید
بنیان سید الوزرا میرزا ابوالقاسم فراهانی است که از خواص خانه زادان دولت بمزید کمال آگاهی و درایت از جمله
همگنان ممتاز و طومار استعداد کاملش بتصحیح تربیت شاهنشاهی از نسخ مفاخر امثال و اقران قرین صحت اختصاص و امتیاز
آمده از بدو فطرت خط خلود خدمت را بخاتم خلوص ارادت مختوم داشته با امتثال اوامر قضا امثال پیوسته قلم وار سر بر

خط فرمان برداری گذاشته و بدینموجبات استناد استعدادش در اجرای مخارج ارادت بصیغه صحت مقرون و افراد تفاضیل
خدمتش در مطابقه قابلیت فطرت بجایزه قبول مشحون آمده و لهذا در هذه السنه بوئت ئیل خجسته دلیل و ما بعدها میزان
مفاخرش را باضافه منصب قایم مقامی دیوان اعلی افزودیم و منشور مناظم اعتبارش را بتوقیع تفویض اینمنصب جلیل القدر دولت
استقرار و استقلال مقرون فرمودیم تا دریافت این عارفه را سر دفتر مفاخر کامل داشته در تحصیل رسوم خدمتگذاری
جدی جدید افزاید و در ملزومات خدمت مزبور اقدامی سزاوار کمال کاردانی نماید مقرر آنکه صدور انجمن وزارت و امنای
دستگاه دولت معتمدان دیوان درایت و مستوفیان ایوان امانت شرح فرمان مبارک را در دفاتر خلود مرقوم و ملزومات
منصب مزبور را بعالیجاه مشارالیه مخصوص و موکول دارند و انحراف از حکم قضا مثال اقدس جایز ندانسته در عهده
شناسند تحریراً فی شهر ربیع الاول ۱۲۳۸

هم در این سال میرزا موسی خان برادر میرزا ابو القاسم قایم مقام بوزارت حضرت مستطاب نایب السلطنه برقرار گردید هم
در این اوان دو هزار نفر از ترکمان تکه ساکن مرو و سالاری مراد سردار بحوالی ارض اقدس آمده بنهب و چپاول پرداختند و چند
نفر از اهالی آن نواحی را اسیر ساختند نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه با هفتصد نفر سوار در چهار فرسخی مشهد مقدس
باینجماعت رسیده آنها را مقهور نمودند ترکمانان اسرا و اموال را گذاشتند و گریختند هم در این ایام میرزا عبد الوهاب معتمد
الدوله صید محمد خان حاکم کلات را بحضور اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه آورد و شیخ موسی نجفی از علمای
اعلام بدربار همایون آمده واسطه و شفیع والی بغداد شد که ولایات متصرفی باو واگذار شود هم در این سال نواب حسینعلی
میرزا از فارس و نواب حسنعلی میرزا از خراسان بدار الخلافه آمدند و حسنعلی میرزا از ولایت خراسان معزول شد و نواب
شاهزاده محمد ولی میرزا حکومت یزد یافت هم در اینسال سلطان محمود خان سلطان عثمانی محمد امین رئوف پاشا سر عسکر
ارزنة الروم را وکیل کرد که قرار صلح با دولت علیه گذارد لهذا میرزا محمد علی آشتیانی مستوفی از جانب حضرت مستطاب
نایب السلطنه بارزنة الروم رفت و کار مصالحه بتوسط میرزا ابو القاسم قایم مقام و نجیب افندی ایلچی عثمانی بانجام رسید
و شهر زور و متعلق بکارگذاران حضرت مستطاب نایب السلطنه گردید ابراهیم خان بادکوبه بنظم آنولایت مامور گشت
و قلعه کوی را نیز متصرف نمود هم در اینسال داود پاشا قبل از آنکه از دربار همایون جواب شیخ موسی شفیع او داده شود
مندلیج را متصرف شد و ایمانخان فراهانی که مستحفظ قلعه بود فرار کرده محمد علیخان کلهر گرفتار شد چون اینخبر بعرض اسلطان
همایون رسید نواب محمد حسین میرزا را باسترداد مندلیج فرمان دادند نواب معزی الیه باجلادتی تمام مندلیج را بگرفتند و خسرو
خان گرجی بتوقف در اینمحل مامور شد و محمد حسین میرزا در ازای اینخدمت حشمة الدوله لقب یافت و داود پاشا عریضه
معذرتی بدربار همایون فرستاد و شیخ موسی نیز مجدداً بشفاعت پرداخت لهذا شرایط چند برای استقرار صلح نگاشته شد
و میرزا محمد صادق وقایع نگار فرمانی را که حاوی این شرایط بود حامل شده ببغداد رفت و آن شرایط پذیرفته شده داود
پاشا وقایع نگار را با یکی از معتمدان خود بدربار همایون معاودت داد هم در این سال نواب علی نقی میرزا بحکمرانی خراسان
منصوب و باهمراهی میرزا عبد الوهاب معتمد الدوله روانه خراسان شد و ولایت بسطام به الله ویردی میرزا تفویض نمودند
و نواب امام ویردی میرزا برادر بطنی علی نقی میرزا حکومت قزوین یافت و میرزا اسد الله نوری بوزارت لشکر کشیکچی باشی
شد و میرزا هدایت پسرش بنیابت او برقرار گشت و نواب حسینعلی میرزا اذن معاودت بفارس دادند هم در اینسال
موکب خاقانی تشریف فرمای قلعه البرز شده و از آنجا که در تابستان طوری آنجا سرد بود که لوازم زمستانی بایستی بآنجا حمل
نمود پس از یکشبانه روز معاودت فرمودند هم در اینسال فتحعلیخان کاشانی ملک الشعرا متخلص بصبا از اجله فصحا

وشعرای

برج که خاقان مغفور تشریف فرما اند و قابل ذکر در تواریخ است طرح عمارت سلطنتی ییلاقی که در تابستانها باشد در این اوان با بعموم مسالک چنان مقرر در آن شده که اکنون بجز چند روزی در تابستان بواسطه برف و سرمای باقی سال و فصول چنان سهل الحصول نیست که معبر از ندلا بیان شد

و شعرای ولیعهد وفات نمود و از غزل افکار این شاعر یادر خداوندنامه و شاهنشاه نامه و دیوان قصاید یافت که با جواهر زواهر همسنگ و برابر میباشد **اروپا** (انکلیس) بواسطه بروز مخطی و مداخله دولت در امور مذهبی اهالی ایرلند شورش مینمایند (اسپانیول) شورش فزاولخاصه در شهرها در پی تغییر و تبدیل و زرا آزادی طلبیدن اهالی اسپانیول (فرانسه) مجالس مخفی بر ضد سلطنت منعقد است در بعضی از ولایات دیگر فرانسه نیز مردم علی الخصوص قشون بر ضد سلطنت اندسیل و شرد شاسی ایجاد مدرسه السنه شرقیه مینماید شاتوبریاند نویسنده معروف بوزارت امور خارجه منصوب میشود فرانسه در امورات داخله اسپانیول خیال مداخله دارد (روس) کرانددوک قسطنطین برادر امپراطور روس بواسطه مزاوجت با زوجه که کفو خانواده سلطنت نیست از حق ولیعهدی استعفا کرده ولایت عهد حق برادر دیگرش نیکلا میشود (عثمانی) غلبه عساکر عثمانی بر علی پاشا حاکم یانینا خورشید پاشا علی پاشا را برای گفتگو در امر مصالحه بخارج شهر میطلبد و او را بقتل میرساند شورش و انقلاب سخت در تمام یونان و فرستادن محمد علی پاشای مصر سفاین زیاد بامداد عثمانی که طوفان دریا این سفاین را در بندر یونان میشکند امپراطور روس غیر مستقیم بیونانیها اعانت میکند انکلیس و اطریش هم بدولت عثمانی آزادی یونان را تکلیف مینمایند **امریکا** (برزیل) دن پدرو که از طرف پدر خود مامور بتوقف برزیل بود بپرتوغال احضار میشود لکن اهالی برزیل او را نگاه داشته مملکت برزیل را مجزی از پرتوغال مینمایند و پارلمنت برزیل دن پدرو را امپراطور برزیل میخوانند و تاج سلطنت برسر او میگذارند دن میگل پسر دویم پادشاه پرتغال مادرش که خواهر پادشاه اسپانیول است قصد خلع پدر را از سلطنت نموده میخواهد خود پادشاه شود (مکزیک) اهالی مجزی بودن خود را از اسپانیول بکلی طلب مینمایند و ایتوربید نامی را با امپراطوری خود منتخب میکنند و از این بعد مکزیک از تحت سلطنت اسپانیول خارج میباشد

سنه ۱۲۳۹ هجری — سنه ۱۸۲۳ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال حاجی محمد حسینخان صدر اعظم اصفهانی از اصفهان بدار الخلافه آمده در اینجا مریض شده بجوار رحمت الهی پیوست و مآثر کریمه این وزیر نیک محضر از بنای مدارس و ابنیه خیریه بسیار است که از آنجمله قلعه دور نجف اشرف میباشد خلاصه بعد از فوت حاجی محمد حسینخان منصب او را بپسرش عبد الله خان امین الدوله تفویض فرمودند در این سال نجیب افندی سفیر سلطان محمودخان سلطان عثمانی بدربار اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه آمد و صورت عهد صلحی آورد که بعضی فقرات آن مرضی خاطر همایون نبود لهذا قاسمخان هزارجریبی سرهنگ با نجیب افندی عهدنامه بر وفق رضای اعلیحضرت خاقان با مضای سلطان محمود رسانیده معاودت نمود و صورت آن عهدنامه از قرار ذیل است بدربار دولت عثمانی

صورت عهدنامه دولتین ایران و عثمانی

غرض از تحریر این کتاب مستطاب آنکه در این چند سال بسبب وقوع بعضی از حوادث میان دولتین علیتین اسلام روابط صلح و صفوت و ضوابط دوستی و الفت قدیمه مبدل بنفار و خصومت و مودی بحرب و کدورت شده بود بمقتضای جهت جامعه اسلامیه اسلام و عدم رضای طرفین بسفک دماء و وقوع اینگونه حوادث و اوضاع و اعادت سلم و مودت و تجدید دوستی و محبت از جانبین دولتین علیتین اظهار رغبت و موافقت شده و بموجب فرمان همایون اعلیحضرت شاهنشاه ممالک ایران بالقاب فتحعلی شاه قاجار خلد الله ملکه و اقباله و حکم مامور شده نواب ولیعهد

دوران عباس میرزا با ومشار الیه این عبد مملوک و چاکر جان نثار بوکالت نامه مباهی و مخصوص گشته از جانب دولت علیه عثمانیه
نیز بامر و فرمان اعلیحضرت سلطان غازی سلطان محمود خان بتجدید وکالت نامه بجناب والی ولایت ارزن الروم محمد امین رؤف
پاشای سرعسکر جانب شرق عنایت شده بود این عبد مملوک در مدینه ارزن الروم با جناب سرعسکر مشار الیه ملاقات و
بعد از مبادله وکالت نامه های مبارکه عقد مجلس مکالمه کرده مصالحه مبارکه با این آیین ترتیب و تعیین یافت

اساس آن قراریکه در تاریخ یکهزار و یکصد و پنجاه و نه بموجب مصالحه و عهد نامه واقعه گشته حدود و سنور قدیمه و
شرایط سابقه از امر حجاج و تجار و رد فراری و تخلیه سبیل اسرا و اقامت شخص معتبر در دولتین علیتین تماما و کمالا بین
الدولتین باقی و مرعی و معتبر بوده بارکان آن وجها من الوجوه خللی عارض نشده در مابین دولتین علیتین شرایط
دوستی و مقتضای الفت و محبت الی الابد برقرار باشد بعد از این شمشیر خلاف در غلاف بوده در میانه دو دولت معامله
که مودی کدورت و برودت و منافی سلم و صفوت باشد وقوع نیابد و آنچه داخل حدود قدیمه دولت علیه عثمانیه میباشد
و در اثنای حرب و قتال بدست دولت فخیمه ایران آمده از جمله قری و اراضی و قلاع و قضا و قصبه حال تحریر از تاریخ این تمسک
معتبر الی مدت شصت روز بطرف دولت عثمانی تماما تسلیم شود و برعایت حرمت این مصالحه خیریه گرفتاران طرفین را
بلا کم و اخفا تخلیه سبیل کرده آنچه در اثنای راه محتاج الیه آنها باشد از ماکولات و غیرها عطا شود و بسرحدات طرفین
ایصال نمایند

مادۀ اولی دولتین علیتین را در امور داخله یکدیگر مداخله نیست فیما بعد از جانب بغداد و کردستان مداخله جایز ندانسته
از جمله محالی که از توجیهات و سنجاقات کردستان داخل در حدود باشد سببا من الاسباب و وجها من الوجوه از طرف دولت
علیه ایران مداخله و تجاوز و تعرض در متصرفین سابق و لاحق تصاحب نشود و در حوالی مذکوره اگر از اهالی طرفین بر ییلاق
و قیشلاق عبور نمایند در باب رسومات عادیه ییلاقیه و قیشلاقیه و سایر دعاوی که وقوع یابد مابین وکلای نواب ولیعهد
ایران و والی بغداد مخابره شده رفع نمایند که باعث کدورت در میان دو دولت نگردد

مادۀ ثانیه از اهالی ایران کسانیکه بکعبۀ معظمه و مدینه مکرمه و سایر بلاد اسلامیه آمد و شد مینمایند مثل حجاج و زوار و
تجار و مترددین اهالی بلاد اسلامیه رومیه با آنها عینه مثل اهالی خودشان معامله نمایند و از ایشان دوره و سایر
وجوه خلاف قانون شرعیه اصلا چیزی مطالبه نشود و کذلک از زوار عتبات عالیات مادامیکه مال التجاره داشته باشند
بر وفق حساب گمرک مطالبه شود و زیاده طلب ننمایند و از طرف دولت علیه ایران نیز با تجار طرف بهیه عثمانی و اهالی ایشان
بر این وجه معامله نمایند و بمقتضای شرایط سابقه فیما بعد در حق حجاج و تجار دولت علیه ایران تنفیذ و اجرای شرایط
قدیمه از جانب وزرای عظام و امیر حاج و میرمیران کرام و سایر ضابطان و حکام دولت علیه عثمانی کمال دقت و رعایت شود
و از شام شریف الی حرمین محترمین و از آنجا الی شام شریف از جانب امین صرۀ همایون بمعرفت معتمد معتبر که در میان آنها
نظارت نماید و از مخدرات حرم شاهنشاهی و حرمهای شاهزادگان عظام و سایر اکابر دولت بهیه ایران که بمکه معظمه و
عتبات عالیات میروند فراخور مرتبه ایشان حرمت و اعزاز شود و کذلک در خصوص رسومات گمرک تجار و اهالی دولت
بهیه ایران مانند دولت علیه عثمانی معامله شود و از مال التجارت ایشان یکدفعه بقرار یکصد قروش چهار قروش
گمرک گرفته و بدست ایشان تذکره داده مادامیکه از دست ایشان بدست دیگری منتقل نشده مکرر از ایشان گمرک نگیرند
تجار ایران لاجل التجاره چوبوق شیراز که بدار السعاده می آورند در بیع شرای آن اختصاص نباشد و بهر کس که خواهند
بیع نمایند و با تجار و تبعه و اهالی دولتین علیتین که بممالک جانبین آمد و شد مینمایند بمقتضای جهت جامعۀ اسلامیه

معامله

معامله دوستانه شده از هر ایذا و اضرار محفوظ باشند

ماده ثالثه آنچه از عشیره حیدرانلو و سیبکی متنازع فیهما بوده و امروز در خاک دولت علیه عثمانی ساکن میباشند مادامیکه در ممالک مشارالیها است اگر بحدود ممالک ایران تجاوز کرده خسارت رسانند سرحدداران در منع و ترهیب ایشان دقت نمایند و اگر از تجاوز و خسارت دست بر ندارند و از جانب سرحدداران منع ایشان نشود از تصاحب ایشان دولت علیه عثمانی کف ید نماید و اگر ایشان برضا و اختیار خود بجانب ایران بکذرند دولت عثمانی ایشانرا منع و تصاحب نکند بعد از آنکه بطرف دولت بهیه ایران کذرند بعد اگر بخاک عثمانی بیایند قطعا تصاحب و قبول ایشان نشود و در صورتیکه ایشان بطرف ایران نکذرند و آنوقت از حدود دولت عثمانیه تجاوز کرده خسارت بزنند سرحدنشینان دولت علیه ایران در منع و تجاوز ایشان دقت نمایند

ماده رابعه بموجب شرط قدیم فراری دولتین از طرفین تصاحب نشود و کذلک از جمله عشایر و ایلات هر کسیکه بعد از این تاریخ از دولت علیه عثمانی بدولت فخیمه ایران و از دولت بهیه ایران بدولت علیه عثمانی بکذرد باید آن کذشتکان تصاحب نشوند

ماده خامسه آنچه از دار السلطنه و سایر ممالک دولت علیه عثمانی اموال تجار ایران موافق شرع و دفتر محفوظ نکاه داشته شده است از تاریخ این تمسک در ظرف شصت روز در هر محلی که باشد بموجب دفاتر مرقومه بمعرفت شرع و معتمد دولت ایران بصاحبان آنها تسلیم شود و سوای اموال محفوظه آنچه در اثنای وقوع عداوت از حجاج و تجار و سایر اهالی ایران که در ممالک عثمانی بعضی ضابطان جبرا از بعضی کرفته باشند بعد از افاده و اظهار دولت علیه ایران از دولت عثمانی فرمان بر طبق همان افاده بعهده وکیل آنها در هر محل صادر شود و بعد از اثبات شرعی کرفته تسلیم نمایند

ماده سادسه در ممالک دولت علیه عثمانی از اهالی ممالک طرفین کسانیکه فوت میشود اگر وارث و وصی شرعی نداشته باشند مامورین بیت المال ترکه همان متوفی را بمعرفت شرع دفتر کرده بثبت سجل شرعی رسانند و آن مال را بعینه در محل امن تا مدت یکسال حفظ نمایند تا وارث و وکیل شرعی آن آمده بموجب ثبت سجل شرعیه اشیا مزبوره تسلیم شود و رسوم عادیه و کرایه حمل آن اشیا را کرفته باشد و آن اشیا اکر در مدت مذکوره حریق و تلف شود ادعای آن نشود و اکر در مدت مزبوره وارث و وصی نرسد ترکه محفوظ را مامورین بیت المال باطلاع معتمد دولت علیه ایران فروخته ثمن آن را حفظ نمایند

ماده سابعه بموجب شرط سابقه برای تایید و تابید دوستی و مودت در هر سه سال یکنفر از دولتین در طرفین علیتین معتکف و مقیم باشند و از تبعه دولتین علیتین که در اثنای حرب بطرفین کذشته اند در حق ایشان بنابر جهت مصالحه خیریه مناسبت این اساءت نشود

خاتمه آنچه از امور و شرایط و موادکه در فوق مذکور شد بر منوال المحرره که بالمذاکره قرارداد شد و از طرفین قبول کشته ادعای اموال منهوبه الضبعات و تضمین مصارف جزئیه از جانبین مضی ما مضی کفته صرف نظر شود و از جانبین دولتین علیتین بر وفق عادت قدیم نامه ها مبادله شده بواسطه سفرا از تاریخ این تمسک الی مدت شصت روز در راس حد دو دولتین بیکدیکر ملاقات کرده باستانه دولتین ایصال و تسلیم شود و باین وجه عقد و تجدید این مصالحه خیریه بمشیة الله حقیقیه از تاریخ تمسک معتبره مرعی و معتبر کشته و از هر جهة مایه کدورت و خصومت منطفی بوده و منافی دوستی و خلاف این عهود و شروط معقوده مربوطه از جانبین وضع و حرکتی و معامله جایز ندارند و از جانب جناب وکیل مشار الیه

نظر

نظر بر حفظ کامل از جانب دولت عثمانی در این تاریخ یکهزار و دویست و سی و هشت یوم یکشنبه نوزدهم شهر ذیقعدة الحرام
این مسئله مهمه مرضی شد الخاتمة بالخیر و السعاده والحمد لله اولاً و آخراً و باطناً و ظاهراً تحریراً فی اواخر شهر ربیع الثانی
سنه یکهزار و دویست و سی و نه
هم در اینسال نواب یحیی میرزا با ایالت گیلان رفت و منوچهر خان گرجی برای استقرار نواب معزی الیه با ایشان همراه شد
و نواب علینقی میرزا از ایالت خراسان استعفا کرده نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه مجدداً بحکمرانی خراسان یافت
هم در اینسال نواب علینقی میرزا ملقب به رکن الدوله ولد شده بحکمرانی قزوین منصوب گردید و حضرت مستطاب نایب السلطنه
را سوء مزاجی عارض شده میرزا محمد احمد آبادی اصفهانی طبیب ایشانرا معالجه نمود هم در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه
با نواب میرزاده اعظم ولد اکبر خود شاهزاده محمد میرزا (محمد شاه) در چمن سلطانیه بحضور همایون مشرف شده ایالت
خالات طوایف قراگوزلو بشاهزاده معظم محمد میرزا مفوض شد زلزله سخت در شیراز گرفتار هیجده ماه امتداد داشت یعنی
تا ششماه زلزله های سخت میشد و بعد از آن زلازل خفیفه تا هیجده ماه درکار بود وفات میرزا ابو القاسم معروف بسکوت
از اجله عرفا که از خلفای حاجی عبد الوهاب نایینی بود و در شیراز وفات کرده در بقعه میر احمد مشهور بشاه چراغ مدفون
گردید وفات حاجی محمد جعفر قراگوزلوی همدانی از مشاهیر و اجله عرفا **اروپا** (انگلیس) در کانادا که از ینگی دنیا برای
انگلیس مانده نهصد هزار نفر فرنگی از ملل مختلفه سکنی دارند (اسپانیول) اطریش و روس و پروس ایلچیهای خود را از
مادرید احضار میکنند فرانسه اعلان جنگ با اسپانیول مینماید صد هزار قشون بسرداری دولت دانگولم مامور بجنگ
با اسپانیول میشود فردیناند هفتم پادشاه اسپانیول مطیع و منقاد شورشیان میباشد سردار فرانسه بمادرید ورود
مینماید مجلس پارلمنت پادشاه اسپانیول را بطور حبس با خود میگردانند و آخر الامر اجباراً او را رها کرده و او نزد سردار
فرانسه میآید بعد از آنکه سردار فرانسه پادشاه اسپانیول را در سلطنت مستقل کرد بفرانسه مراجعت مینماید (ایطالیا)
فوت پاپ هفتم و جلوس لئون دوازدهم بپاپی بجای او (روس) منع نمودن امپراطور عام کتبی که راجع به پلیتیک است
و از خارجه بداخله روس میآورند (عثمانی) یا نفیس سخت چندین هزار خانه را در اسلامبول سوزانیده و خراب میکند
امریکا در ینگی دنیای جنوبی ایالاتی که بر ضد اسپانیول شوریده بودند قوت میگیرند و پرو و کلمبیه آزاد شده مستقل
میگردد (برزیل) دن پدر امپراطور تازه پرتوغالیها را از مملکت برزیل اخراج میکند و خود مستقلاً در برزیل
سلطنت مینماید

سنه ۱۸۲۴ مسیحی

سنه ۱۲۴۰ هجری

آسیا (ایران) در اینسال موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه تشریف فرمای اصفهان گردیده
روز ورود حاجی هاشمخان ولد حاجی رجبعلی بختیاری ساکن محله لنبان اصفهان را که بشرارت معروف بود سیاست
و تنبیه فرمودند و امین الدوله از حکومت اصفهان معزول و نواب شاهزاده سلطان محمد میرزا را حکمرانی اصفهان داده و ملقب
بسیف الدوله نمودند و یوسفخان سپهدار عراق بوزارت شاهزاده معزی الیه برقرار گردید و دویست هزار تومان
بقایای اصفهان را بر رعایا تخفیف دادند پس از مراجعت از اصفهان اللهیارخان قاجار دولو که سالار بود و داماد
اعلیحضرت شهریار کامکار بود بمنصب وزارت عظمی نایل و آصف الدوله لقب یافت و محمد حسنخان پسر آصف الدوله
سالار بار شد هم در اینسال کارگذاران دولت روس اصرار نمودند که محل مشهور بیالغوز کوبی و گوکچه دنگیز من توابع
ایروان داخل در حد تقسیم متعلق بدولت روس است حسینخان سردار ایروان مراتب را معروض داشت و ژنرال یرملوف

سردار گرجستان نیز پولکونیک میرزاویچ وکیل روس را با شاه میرزا خان ارمنی مترجم بدربار خاقان کشورستان فرستاد
و حضرت مستطاب نایب السلطنه بجهة تحقیق این امر بحضور همایون احضار شدند و حسینخان سردار ایروان از ایروان باستان
مبارک آمده برخلاف ادعای کارگذاران روس تصدیق نمودند اما وکیل روس این تصدیق را قبول ننمود و میرزا صادق وقایع
نگار با پولکونیک مامور تفلیس شد هم در اینسال میرزا ابوالحسنخان شیرازی بوزارت امور خارجه دولت علیه برقرار گردید
و شصت هزار تومان بر رعایای گیلان تخفیف داده شد و میرزاویچ وکیل روس بعد از ورود بتبریز قبل از میرزا صادق بتفلیس
شتافت و ژنرال یرملوف را بر نقض عهد با دولت علیه محرک شد مشار الیه کنیاز منشخف اوچ کلیسا را بتصرف قلعه
بالغلی حکم داد و خود ببهانه نظم داغستان سفر کرد کنیاز قلعه مزبوره را متصرف شد و صد نفر ماژور و دویست نفر سرباز
در آنجا گذاشته باوچ کلیسا بازگشت و میرزا صادق وقایع نگار بتفلیس رفته در آنجا معطل بماند هم در اینسال
ابراهیمخان ظهیر الدوله حاکم کرمان و داماد و عمزاده خاقان کشورستان وفات نمود و خلعت ایالت کرمان را بعباس
قلیخان ولد اکبر ابراهیمخان که بطنا نبیره خاقان کشورستان بود دادند و میرزا جعفر حمزه کلائی مازندرانی وزیر
ملک آرا عاملان خلعت و نظم امور کرمان شد هم در اینسال امان الله خان والی کردستان درگذشت و خسرو خان
ولد او که بمصاهرت پادشاهی اختصاص داشت ولایت کردستان یافت و محمدحسینخان قراگوزلو حاکم همدان وفات
محمد میرزا کرده سرکردگی طایفه بر حسینخان پسرش مقرر شد و بخدمت نواب میرزاده اعظم که حکمران همدان و محال قراگوزلو بودند
رفته مورد التفات شاهزاده معظم شد هم در اینسال یوسفخان گرجی سپهدار عراق و وزیر اصفهان درگذشت و
فرزندش غلام محسنخان در هفده سالگی بشرف مصاهرت علیحضرت خاقان و منصب پدر سرافراز گشته و وزارت نواب
سیف الدوله حاکم اصفهان بر عهده منوچهرخان گرجی غلام پیشخدمت خاصه مقرر گردید هم در اینسال اللهقلیخان
توره ابن محمد رحیمخان حکمران خوارزم که تازه بجای پدر حکومت خوارزم یافته با سپاهی فراوان عزم تسخیر خراسان نمود
در حوم شهر مشهد مقدس رسید و باد شدیدی در وی او را متفرق ساخت اللهقلیخان توره بسرخس که تخت اردوی
او بتاراج رفته در سرخس جمعی از ترکمانان سالور و ساروق را با خود همدست و بجام و سرجام فرستاد دسته از ترکان که در منزل
شریف آباد و چهار سواران ارغون میرزا پسر نواب حسنعلی میرزا گردیده منهزم و مقتول شدند و دسته دیگر در
حدود ولایت جام نیز بدست میرنصیرخان تیموری مقهور و نابود گشتند اللهقلیخان توره سه هزار نفر دیگر از ازبکیه
قنقرات و طایفه قراقلپاق و سواران ساروق و سالور را بتاراج ارض اقدس روانه نمود و آنها خارج شهر مشهد
مقدس را تاختند نواب حسنعلی میرزا با لشکر خراسانی از شهر مشهد خارج شده در دامنه اثر در کوه بر ازبکها و
ترکمانها حمله کرده جمعی را مقتول نموده بقیة السیف منهزم شدند هم در این سال نواب علیقلی خان عم خاقان مملکتستان
در افریقا در بارفروش مازندران وفات نمود اروپا (انگلیس) در اینسال انگلیسها قصد کردند که اراضی متعلقه
بطایفه آشانتی را که معادن زیاد دارد متصرف شوند ولی طایفه آشانتی عنفاً آنها را از سواحل خود دور
کردند جنگهای سخت انگلیس در هندوستان و در بیرمان در مشرق بنگاله یکی از مهندسین فرانسه که برونل نام دارد
از زیر رودخانه تامیز یالانی میسازد که دو ساحل تامیز را از زیر رودخانه بهم وصل میکند (فرانسه) فوت لوئی هیجدهم پادشاه
و جلوس برادرش شارل دهم بجای او در سن شصت و هفت سالگی (پرتغال) دن میگل پسر پادشاه شورش تازه
برضد پدر خود برپا مینماید دول فرنگ شاهزاده یاغی را مجبوراً بوینه میفرستند (روس) ایجاد راه شوسه بالسکر
مابین پطرزبورغ و مسکو و دخالت نوا طغیان صحنی کرده خرابی زیاد بشهر پطرزبورغ وارد میآورد (عثمانی) مسئله

شورش

شورش یونان اهمیت بهم رسانیده انگلیس و روس آشکارا از یاغیان یونان حمایت میکنند عساکر عثمانی قتل و غارت زیاد در بلاد یونان مینمایند **امریکا** (برزیل) انکشاف چهار معدن طلای خیلی معتبر در این مملکت

سنه ۱۲۴۱ هجری — سنه ۱۸۲۵ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال چون سنین سلطنت اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه بسی رسید سکه صاحبقرانی زدند و بر روی قران که سی و شش نخود نقره بود این مصرع را نقش کردند (سکه فتحعلی شه خسرو صاحبقران) و بر روی اشرفی که هیجده نخود طلای خالص داشت اینمصرع را رسم کردند (سکه فتحعلی شه خسرو کشورستان) و مقارن این ایام مسکوکاتی در بلوک ورامین و حدود سمنان و دامغان در زیر خاک پیدا شد که از قرار تشخیص دانایان بعضی سکه شاپور ذوالاکتاف بود و برخی سکه خلفا و ملوک و سلاطین چنگیزی و تیموری و صفوی و آنجمله بحسینعلی خان معیرالممالک سپرده شد هم در اینسال علمای اعلام از سوء سلوک کارگذاران روس نسبت بمسلمانان گنجه و قراباغ خبردار شده بوجوب جهاد فتوی نوشتند و آقا سید محمد مجتهد اصفهانی از عتبات عالیات بحضور خاقان صاحبقران آمده در این باب ابرام نمود هم در این اوان ایلچی کمپانی هندوستان ژنرال مکدانلد کنیر به بندر بوشهر رسید و قاسم خان هزار جریبی سرهنگ فوج تبریزی که بجهت آوردن ایلچی به بمبئی رفته بود ورود او را اعلام نمود و میرزا ابوالقاسم مستوفی اصفهانی به مهمانداری ایلچی مشار الیه مامور گشت هم در این ایام نواب محمود میرزا بایالت لرستان فیلی و نواب همایون میرزا بایالت نهاوند منصوب گردیدند و امین الدوله بمهمانداری آقا سید محمد مجتهد محکوم و معین گشت و موکب همایون از دارالخلافه بسلیمانیه کرج و از آنجا بسلطانیه تشریف فرما شدند و حضرت مستطاب نایب السلطنه بحضور خاقان صاحبقران مشرف گردیدند هم در این سال ایلچی روس کنیاز منچیکوف بلبه بار همایون آمد و چون الکساندر امپراطور روس در اینسال وفات کرده و قبل از وفات تحفی از بلور برای هدیه خاقان صاحبقران بفرمان او ساخته بودند امپراطور نیکلا که بجای او جلوس کرده بود آن تحف را مصحوب ایلچی مشار الیه بحضور حضرت صاحبقرانی اهدا و ارسال داشت و بعد از وصول ایلچی علمای اعلام و مجتهدین با احترام باردوی معلی ورود کردند و آنچه از صلح و مصالحه ایلچی سخن راند علما را مقبول نیفتاد و اعلیحضرت همایون را بجهاد تحریض کرده از وجوب آن سخن راندند و اصرار کردند ایلچی مایوس باز گشت و عساکر ایران باطراف مامور شدند و با قشون روس بزد و خورد مشغول گشتند و موکب همایون باردبیل آمد و حاجی محمد خان بچال اوجار ورود تاخت و حسینخان بر سنگرهای آباران و سبحانقلیخان بر سنگر بالغلو و حسنخان بر سر قراکلیسا رفت و تفنگچیان بطرف ناسبنا توپخانه کنیاز کرد و همچنین بودند رانده مصطفی خان شیروانی و الکساندر میرزا بگرجستان و شیروان و شکی رفتند و امیرکبیر امیرخان سردار از راه برکشاط روانه شد نواب اسمعیل میرزا در راه بسالیانت محال کرده مرو خنزیرک و چنانچه برخورده جنگ در پیوست و موکب حضرت مستطاب نایب السلطنه نیز در رسیده آن روز از ظهر تا غروب با بوة قتال اشتغال داشت و آخر الامر سالدات روس مقهور و مقتول گردیدند و لنکران مفتوح و سالیان مسخر شد هم در این اوان اغوزلو خان پسر جوادخان گنجه با روسها جنگیده غالب آمده و در گنجه استقلال یافت **اروپا** (باویر) لوی اول بجای پدرش ماکسیمیلین ژوزف بسلطنت جلوس مینماید (فرانسه) سفاین جنگی این دولت در این سال عبارتست از صد و پنجاه هشت فروند و پانزده هزار نفر قشون بحریه است (ایطالیا) فردیناند اول پادشاه سیسیل بعد از شصت و شش سال سلطنت وفات و جلوس پسرش فرانسوای اول بجای او در چهل و شش سالگی (روس) فوت الکساندر امپراطور روس در طغانروگ قسطنطین که از ولایت عهد خلع شده بود سلطنت را ببرادر کهتر خود نیکلا واگذار میکند شورش و انقلاب سخت

در بطرزبورغ علی الخصوص درمیان قشون (عثمانی) بقای شورش یونانیان وآمدن ابراهیم پاشا پسر محمد علی پاشای
مصری با عساکر بری و بحری بکمک سلطان عثمانی امریکا رئیس جمهوری اتازونی ینکی دنیا آدامس نامی است که پدرش
نیز یکوقتی رئیس جمهوری بوده است

سنه ۱۲۴۲ هجری — سنه ۱۸۲۶ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال بنا بر میل و تکلیف علما فیمابین دولتین ایران و روس جنگ پنجم درگرفت و بنای لشکر
کشی شد و عبدالله خان دماوندی و نوروز علیخان سرکرده دسته قشون سمنانی بحراست و توقف گنجه مامور شدند و امیر
کبیر امیرخان سردار نیز بهمین ماموریت روانه گنجه گردید و مصطفی خان شیروانی تا حوالی شیروان تاخت و ابراهیمخان بن
جان محمد خان دولو و حاجی محمد خان قاجار بامداد او رفتند و محمد حسینخان ششکی تا منزل جواد راندند روسها چون کار را
سخت دیدند شیروان و ششکی را تخلیه کرده بسغناق محال برسک پناه بردند کپتان قراکلیسا نیز در قلعه لوری محصور
حسنخان ساری اصلان گردید و تقریبا چهار هزار سالدات روس مقتول و دستگیر شدند و تمامی آن حدود مسخر گشت
نواب شیخعلی میرزا بقبه و بادکوبه مامور شدند و موکب خاقان صاحبقران فتحعلی شاه بعزم فتح شوشی از اردبیل
بکنار رود خانه طویله شاهی آمد و اللهیارخان آصف الدوله با بیست هزار نفر قشون و ده عراده توپ بالتزام رکاب
حضرت مستطاب نایب السلطنه مامور شد که بعد از فتح شوشی بگرجستان و تفلیس رانند آصف الدوله در دهم ماه
صفر در خارج قلعه شوشی بمعسکر حضرت معظم پیوست همدراین اوان ژون مکدانلد کبیر سفیر کمپانی هندوستان
باردوی معلی آمد و حضرت مستطاب نایب السلطنه قلعه شوشی را محاصره کردند ولی مستحفظین قلعه که منتظر کمک
قشون روس بودند از در حیله وعده تسلیم نمودن قلعه را داده بنا براین محاصره را از سخت گرفتن درگذشتند و حضرت
مستطاب نایب السلطنه نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا (محمد شاه) ولد اکبر افخم خود را با محمد قلیخان قاجار و
دسته جات خواجه وند و عبدالملکی و نظرعلیخان مرندی مامور حراست شهر و قلعه گنجه فرمودند از آنطرف
مددوف از ژنرالهای معتبر روس با جمعی پیاده و سواره قزاق و بیست عراده توپ بتسخیر گنجه آمد امیر کبیر امیرخان
سردار حراست گنجه را بنظرعلیخان مرندی گذاشته در رکاب میرزاده اعظم محمد میرزا بطرف شمکور راند و در
خرابه های شمکور با مددوف تلاقی دست داده باشتعال نایره قتال پرداختند امیر کبیر امیرخان سردار عزّ شهادت دریافت
و پس از شهادت او لشکر دست از جنگ کشیدند مددوف بجانب گنجه راند و این شهر را متصرف شد حضرت مستطاب
نایب السلطنه مشغول محاصره شوشی بودند که این خبر را شنیدند فی الفور مهدیقلیخان جوانشیر را بکوچانیدن ایلات
قراباغ و آوردن بقراجه داغ مامور فرمودند و خود از محاصره دست کشیده بدفع مددوف و حفظ گنجه روانه شدند
وقتی بحوالی گنجه رسیدند که مددوف اینشهر را مسخر کرده بود حضرت معظم مستعد جنگ مددوف شدند و در اینحال
ژنرال پسکویچ با چهار هزار سالدات از تفلیس بامداد مددوف آمد و جنگ درگرفت ابتدا قشون ظفر نمون بر عساکر
روس غالب آمدند و از آنجا که امیرزادگان در محل بیترس بودند حضرت مستطاب نایب السلطنه حکم کردند آنها را بجای
دورتری برند چون آنها را بی قاعده حرکت دادند نظم قشون بهم خورد و مغلوب گشتند حضرت معظم ناچار با ملالت
بکنار رود ارس آمدند اعلیحضرت همایون ایشانرا طلبیده برای دفع ملالت فرمایشهای تلطف آمیز فرمودند و چون
در غره ربیع الاول برف شدید در طویله شاهی بارید موکب همایون عزیمت تبریز نمود نواب شیخعلی میرزا و حاجی محمد خان
دولو و ابراهیمخان قاجار نیز از قبه مراجعت کردند و مهدیقلیخان ششهزار خانوار از ایلات قراباغ کوچانیده

حضرت مستطاب نایب السلطنه آنها را عجز و در مغان و قراجه داغ روانه فرمودند و بعضی از دستجات قشون را با ساخت و آلات
قراباغ حکم دادند حسینخان ساری اصلان و مصطفی خان شیروانی و محمد حسینخان شکی بغارت اطراف پرداختند و تا دو
فرسخی تفلیس را تاختند دو هزار نفر پیاده هزارجریبی و انزانی با هزار نفر سواد کوهی بجا قطف ایروان مامور شدند و موکب
همایون در شب بیست و ششم ربیع الاول از راه مراغه روانه دار الخلافه شد ملا دوف بجهة بر کردن این ایلات قراباغ
از آب ارس عبور کرده بجد و دکرها و آمد حضرت مستطاب نایب السلطنه قاسمخان و حسین پاشای یوزباشی و رحمة الله
خان سرتیپ را با دو فوج قراجه داغی و محمد رضا خان سرهنگ فوج دویم تبریز بمقابله او روانه کردند نواب عبد الله
میرزا نیز با سپاه خمسه روانه اردبیل شد و ملا دوف را اندران میانه محصور و مستاصل داشتند و چون او تاب مقاومت
نیاورد مراجعت کرد و اسبان توپخانه و عراده ها و آذوقه او بتصرف قشون ظفر نمون در آمد و آقا سید محمد مجاهد
مجتهد که مصمم جهاد بود در تبریز مریض شده در راه رحلت نمود هم در این سال شاه محمود افغان از پسر خود کامران
خایف شده از هرات بیرون آمد و با افاغنه فراه و سبزوار در دفع پسر اتفاق کرد کامران بنواب شجاع السلطنه حسنعلی میرزا
متوسل شد شاهزاده معظم محمد امین خان پازکی را با پانصد سوار بهرات فرستاده کامران مطمئن شد و محمود با اطراف
رفته چهار هزار لشکر ترتیب داده بجانب پسر راند کامران میرزا جهانگیر میرزا پسر خود را بدفع پدر مامور ساخت محمود از سر چشمه
بادغیس بخارج هرات تاخته ابتدا بمحمد امین خان که در باغ شاه خارج هرات بود حمله کرده کاری از پیش نبرد بعد بر سر
جهانگیر رفته بر او فایق گشت کامران در قلعه محصور شد و از بیم شورش اهل هرات مراتب را بنواب حسنعلی میرزا عریضه
عرض کرد نواب معظم حرکت کرده بغوریان آمدند و کامران پدر را شکست و فرار داده نواب شجاع السلطنه در سنگ بست
هرات نزول کرده کامران میرزا بخدمت شاهزاده آمده ایشان را بهرات برد و کلید خزاین بدیشان سپرد نواب شاهزاده از
فرط مناعت جز بکلیفه انگشتری هیچ قبول نفرمودند و نواب رغون میرزا فرزند خود را با پنجهزار سوار و سه عراده توپ در
هرات گذاشته خود بارض اقدس معاودت نمودند هم در این سال الله قلیخان توره برادر رحمن قلیخان توره پسر محمد حسینخان
اورگنجی بولایت جام رانده بنای غارت را گذاشت ولی یک شب در آخر شب چند راس اسب در اردوی او رها شده بیکدیگر افتادند
و غوغا و هیاهوی در گرفت خوارزمیها گمان شبیخون کرده متفرق شدند الله قلیخان بسر حسن رفت و اردوی او بدست
جامیان افتاد هم در این سال روسها از طرف دریای خزر بسر حدات مازندران و استراباد بنای آشوب را گذاشتند و
دو فروند کشتی جنگی بفرضه های این دو ولایت آوردند و ترکمه را بنقود تطمیع کردند غیاث نامی از ترکمه جعفر بای فریب
خورده ایل را بفساد واداشت نواب محمد قلی میرزای ملک آرا در دربار همایون بود و پسرش بدیع الزمان میرزا در استراباد
بحکمرانی اشتغال داشت پس از استماع این خبر مهدیخان و محمد تقی خان هزارجریبی و میرزا اسمعیل خان فندرسکی
و نقد علیخان کوتول را با خود همراه نموده با سواران و پیادگان استراباد و مازندران و کلات شب بر سر اوبه جعفر
بای ریختند بر آن جماعت چیره شدند چون ترکمه مقهور شدند سفاین روس هم که بساحل استراباد آمده بودند
باز گشتند هم در این اوان منوچهر خان گرجی بحراست بندر انزلی و فرضه گیلان روانه شد و امین الدوله عبد الله خان
اصفهانی بوزارت نواب شاهزاده سیف الدوله سلطان محمد میرزا باصفهان رفت هم در این ایام الکسای یرملوف سردار
گرجستان در دولت روس بخیانت منسوب شده معزول گردید و ژنرال بسکویچ بجای او بسرداری با فتکناز ملک و
حاکم قراباغ و شیروان نیز عزل و ایچنسوفی نام بجای او نصب شد و بسکویچ ژنرال دو بیچ نام را با ده هزار سالدات و بیست
عراده توپ بتسخیر ایروان فرستاد و ایچنسوفی نیز با شش هزار سرباز و ده عراده توپ بطرف قراجه داغ راند ژنرال

دویچ وارد اوچ کلیسا شد و ابجسوف در کنار پل خدا آفرین قامتگیر حسینخان سردار در قلعه ایروان و برادرش حسنخان
ساری اصلان با پنجهزار سوار و یکفوج سرباز در خارج قلعه ماندند از طرف قراجه داغ نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا
(محمدشاه) با ششهزار سوار و چهار فوج سرباز و پنج عراده توپ در کنار رود ارس اردو زدند و ژنرال دویچ با
سه باطالیان سرباز و یکهزار نفر سواره قزاق و چهار عراده توپ از اوچ کلیسا بعزم قلعه سردارآباد ایروان حرکت
کرد حسینخان سردار در کنار قراسو که میانه سردارآباد و اوچ کلیسا است با ژنرال دویچ مصاف داده چون کاری از قشون
روس ساخته نشد روی بقلعه طالین که در شش فرسخی ایروان است نهادند از آنطرف روسها که در کنار پل خدا
آفرین بودند خواستند از آب ارس عبور کرده بقراجه داغ رانند نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا بر آنها حمله کرده آنها را
شکستی فاحش دادند در این اوان موکب همایون از دارالخلافه متوجه آذربایجان شد و روسها اوچ کلیسا بعزم شبیخون
باردوی حسنخان ساری اصلان ریختند مشارالیه که با خبر بود بسیاری را مقتول و بعضی را اسیر کرد نیز یک عراده
آذوقه که بقلعه ایروان میبردند بتصرف حسنخان درآمد موکب همایون در چمن قلعه تبریز نزول اجلال فرمود و
قشون روس از محاصره ایروان گذشته عزم نخجوان کردند و حضرت مستطاب نایب السلطنه از خوی حرکت فرموده
بچورس آمدند و احسانخان ولد کلبعلیخان نخجوانی را بحراست قلعه عباس آباد که از مستحدثات حضرت معظم است
امر فرمودند و محمد امینخان قاجار و عباسخان سرکرده بختیاری بعاضدت احسانخان محکوم شدند احسانخان
با اسکویچ سازش کرده او را بمحاصره عباس آباد آورد نواب علینقی میرزای رکن الدوله با پنجهزار پیاده و سوار
بچورس آمد اللهیارخان آصف الدوله نیز با پنجهزار سوار و پیاده برکاب حضرت مستطاب نایب السلطنه آمد
حسنخان ساری اصلان نیز با فوجی از سواران در رسید و با روسها که از رود ارس عبور کرده بودند شروع
بجنگ نمودند چهار نفر از دلاوران روس قصد حضرت مستطاب نایب السلطنه کرده هر چهار براه عدم رفتند
فضلعلیخان قوانلو ولد حاجی محمد قلیخان در آن روز جلادتها نموده چون اسبش زخمی شد پیاده بجنگ پرداخت
و چند زخم برداشت اعدا از معرکه بیرون بردند و پس از آنکه زخمهای او التیام یافت جان نثار دولتش باو
لقب دادند عساکر ایران کلا بچورس برگشتند و اسکویچ علمی را که نشانه دولت ایران داشت برافراشت و
باین حیله از رود ارس گذشته بتسخیر عباس آباد شتافت احسانخان مستحفظین قلعه را حبس کرده در بروی
اسکویچ گشود اسکویچ محمد امینخان قاجار و عباسخان سرکرده بختیاری و بعضی خوانین [illegible] را گرفته
بتفلیس فرستاد و احسانخان در ازاء این خدمت بحکومت نخجوان رسید حاجی محمدخان دولو و اسفندیارخان کرچی باماد
سپهدار و طوایف خلج بحراست خوی مامور شدند و عبدالله خان ارجمندی فیروزکوهی با دسته خود بجاربست
تبریز رفت و موکب همایون بمرند آمد و نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا بناحیت قراباغ روانه شدند و نواب رکن الدوله
بتوقف محال چورس و حضرت مستطاب نایب السلطنه بجانب ایروان مامور گشتند اسکویچ چند روزی در عباس آباد
مانده بعد باردوی خود باز گشت و با دیگر قشون روس افتاده جمعی را هلاک نمود و اسکویچ از ایلاتی عباس آباد
توهم داشت میرزا کرم اینک وفی همشیره زاده خود را بحضور حضرت مستطاب نایب السلطنه بطلب مصالحه فرستاد
و مقبول نیفتاد شیخعلیخان کنکرلو برادر احسانخان نیز قلعه نظاره ارد و باد را بتصرف قشون روس داد
و ابراهیمخان قاجار دولو با دسته لشکر قراکوزلو بجانب اردوباد شتافت و قلعه نظاره را بغلبه گرفته و نواب
شاهزاده اعظم محمد میرزا نیز ولایت قراباغ را زیر و زبر کردند و باز گشتند و نواب جهانگیر میرزا مستحفظین [illegible]

اسیر

اسیر و توپخانه آنها را بدریای خزر انداختند (ترکستان) در اینسال امیر حیدر توره ابن امیر معصوم شاه مراد ملقب به
بکجان که بیست و دو سال در بخارا امارت داشت در ماه ربیع الاول درگذشت و بعد از او امیر حسین پسرش سه ماه امارت
بخارا نموده در جمادی الاولی وفات یافت و بعد از او عمر خان بن امیر حیدر بر مسند امارت نشست و او نیز بعد از شش ماه
راه آخرت پیش گرفت و امیر نصر الدین بن امیر حیدر بن بکجان امارت بخارا یافت و استقلال بهم رسانید (اروپا)
(انگلیس و روس و عثمانی) در مسئله یونان مابین انگلیس و روس بواسطه ولنگتن از جانب انگلیس و نسلرد از جانب
روس اتحادی حاصل شده بنای سخت گیری را بعثمانی میگذارند شورش یونانیها سخت تر و تعدیات عثمانی خاصه اجحافات
ابراهیم پاشای مصری که سردار کل قشون عثمانی در یونان است بیونانیها بیشتر از پیشتر است جنگهای سخت یونانیها
با ابراهیم پاشا اتحاد فرانسه با انگلیس و روس در باب یونان روس که با ایران بسرداری پسکویچ در مجادله است بخیال قشون
فرستادن بیونان ندارد و بواسطه جنگ با ایران با عثمانی مصالحه مینماید بنا بر این معاهده جز در قلاع سربستان
عساکر عثمانی در سایر بلاد سرب نخواهند بود و سفاین روس نیز در دریای سیاه آزاد خواهند بود در تمام فرنگستان
برای یاغیهای یونان توجهات میشود دولت اتازونی ینکه دنیا یکفروند کشتی جنگی بیونانیها میبخشد (انگلیس) ابتلا
گرفتاری بی پولی و تنزل و عدم رواج تجارت نسبت بتجربیات انگلیس مملکت آسام از برماه منتزع میشود (فرانسه) تعلیم و تعلم
زبان پهلوی در این مملکت (ایطالیا) شورش و انقلاب بر ضد پاپ در بلاد متمردی او (پرتوغال) فوت ژان ششم پادشاه
امالی پرتوغال دن پدر دو پسر ارشد ژان را که امپراطور برزیل است بسلطنت منتخب میکنند پادشاه برزیل از سلطنت
پرتوغال استعفا کرده سلطنت را بماری دختر هفت ساله خود تفویض میکند شورش انگیزی دن میگل برادر پادشاه (روس)
تاج گذاری امپراطور نیکلای اول در مسکو (عثمانی) قتل طایفه ینکیچری و معدوم ساختن اینطایفه را کلیتاً (امریکا)
(اتازونی) فوت ژفرسن معروف

سنه ۱۸۲۷ مسیحی
سنه ۱۲۴۳ هجری

آسیا (ایران) در این سال در ماه صفر شرح فتوحاتی را که در اواخر سال قبل نگاشتیم بعرض اعلیحضرت خاقان صاحبقران
فتحعلیشاه رسانیدند و حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا رکن الدوله علینقی میرزا را در چورس گذاشته خود
بایروان تشریف بردند و قاسمخان سرهنگ و جعفرقلیخان مقدم و محمود خان میرزا مقصودلوی استرابادی را بر سایر مستحفظین
آن قلعه افزودند و حسینخان سردار ملتزم رکاب والا گردیده متوجه محاصره اوچ کلیسا شدند مستحفظین
اوچ کلیسا از روسها ساکن آباران استمداد نمودند و آنها نیز با استعدادی قصد امداد کردند حضرت مستطاب
نایب السلطنه از اینمعنی خبردار گشته یوسفخان گرجی سرهنگ توپخانه و سهرابخان غلام پیشخدمت باشی را با چهار
هزار نفر بمحاصره اوچ کلیسا گذاشته خود براه اباران رفته در اشترک ایروان با قشون روس مصاف دادند روسها
مغلوب شده اسلحه خود را ریخته قصد فرار کردند عساکر منصوره بسیاری از آنها را دستگیر نموده و موکب والا
بطرف ایروان عطف عنان فرمود پسکویچ سردار روس چون از واقعه آگاه شد ژنرال ارستوف کرجی را بحراست
عباس آباد گذاشت و خود راه ایروان پیش گرفت رکن الدوله و حسنخان ساری اصلان نیز بجانب ایروان راندند
حضرت مستطاب نایب السلطنه بعد از ملاقات رکن الدوله حرکت فرموده در دامنه آغری داغ اقامت نمودند پسکویچ
باوچ کلیسا رفته پس از چند روز توقف بمحاصره سردار آباد آمد حضرت معظم حسنخان سردار را روانه سردارآباد
نموده خود بتلافی حوالی عباس آباد پرداختند ژنرال ارستوف با استعدادی تمام از عباس آباد بیرون آمده در حوالی

قلعه

ت مغلوب عساکر حضرت والا گردید و بعباس آباد بازگشت موکب والا بمنزل چشمه شاهی خوی نزول
مهربان این فتوحات بعرض حضور همایون رسید و عبدالله خان نارجینکی و طهماسب قلیخان لاریجانی
ی و حاجی حسنخان دامغانی و علینقیخان قراگوزلو سرهنگ فوج همدانی و عبدالله خان دماوندی
تها و مبلغی وجه نقد همراه الهیار خان آصف الدوله نزد حضرت مستطاب نایب السلطنه فرستادند
در ماه ربیع الاول تشریف فرمای دار الخلافه گردید و حضرت معظم والا از آب ارس عبور کرده بمحال
آصف الدوله در سنجان مازندرانی را روانه تبریز نمود و باتفاق میرزا ابوالقاسم قایم مقام از رود ارس
پرداخت حضرت مستطاب نایب السلطنه بخوی تشریف آورده آصف الدوله و قایم مقام را بحضور
ج با اطمینان تمام سردار آباد را محاصره کرد حسنخان ساری اصلان بیم شبی از شکاف دیوار قلعه بیرون آمده
ارامنه در قلعه سردار آباد را باز کرده پسکویچ وارد قلعه شد و پس از دو روز بافتاد و قریب بایروان شتافت
ه شبانه روز جنگ ایروان را بگرفت و حسنخان گرفتار گردید و اورا و میرزا محمدخان مقصودلو را و حمزه
قلیبک را بفرستاد و حضرت معظم نایب السلطنه در خوی از ماجری خبردار شدند رکن الدوله و آصف الدوله
رحمت الله خان قراهانی که بحفظ راه مذکور مقرر و سپاهیان مأمور بود بتبریز شتافت و موکب حضرت
مرند آمده و در اینجا معلوم شد که مستحفظین مذکور که غفلت ورزیده وارستوف گرجی با تسالدات و توپخانه
نشته و عزیمت تبریز نموده حضرت مستطاب نایب السلطنه فتحعلیخان رشتی را نزد پسکویچ فرستاده شرحی
تو بیلده خوی آمده انتظام این نواحی را بر عهدهٔ نواب امیرزاده بهرام میرزا و حاجی محمدخان قاجار و اسفندیار
ار محول فرموده خود روانه تبریز شدند و در منزل طسوج بعرض رسید که ژنرال ارستوف بجهت اطمینان
و حیف قلوب اهالی تبریز در قریهٔ صوفیان متوقف است ولی در همین دو روز بتسخیر شهر میپردازد
عاجلاً بدو فرسنگی تبریز آمده معلوم شد که از خارج و داخل روسها را بگرفتن تبریز تحریک میکنند
میرفتاح ابن حاجی میرزا یوسف تبریزی بود که مردم را باطاعت روسها اغوا مینمود ناچار قایم مقام
نوده خود عزیمت سلماس فرمودند خلاصه نواب رکن الدوله از تبریز بیرون رفته و آصف الدوله
ت مستطاب نایب السلطنه را از شهر روانه کرده در قریهٔ باسمنج برکن الدوله رسانید و الواط
شون روس بشهر تبریز وارد شد و آصف الدوله را در ارک حبس کردند و ژنرال پسکویچ را خبر
نمودند و او بتعجیل بتبریز آمده ایالت را کماکان بعهدهٔ فتحعلیخان پسر هدایت الله خان گیلانی واگذا
آصف الدوله از صلح سخن میگفت جمعی را بتسخیر ولایت خوی فرستاد حضرت مستطاب نایب السلطنه
لحت بجنگ ندیده مستحفظین خوی را با توپخانه و آلات حرب بسلماس احضار فرمودند و آنولایت را با
درخفا با روسها مواضعه داشت سپردند و لشکر روس بی مانعی خوی را تصرف کردند بیژنخان گرجی
از جانب حضرت معظم نایب السلطنه برای پسکویچ پیغام برد و جواب ملایمت و مبنی بر صلح آورد و مقرر
شد که طرفین ملاقات و گفتگو نمایند حضرت مستطاب والا بنه و آغروق را با نواب امیرزاده بهرام میرزا و امرای
رومی و سلدوز بمیان دوآب مراغه که برحمت آباد معروف است فرستادند و خود با اردوی و سپاه
رکن الدوله خدام حرم حضرت معظم را محافظت کرده بزنجان رسانید و از آنجا باتفاق حاجی علی اصغر
واجه تاشی و عبدالله خان دماوندی بنواحی همدان شدند اعلیحضرت خاقان صاحبقران نیز از

آگاه شده باحضار شاهزادگان احکام صادر فرمودند و از آنجا کرژنرال رازن از صاحبمنصبان روس بفریب بلاف
کرمرود و خمسه و شقاقی آمده بود میرزا محمد تقی علی آبادی صاحبدیوان که مدتها بوزارت خمسه مامور و اهالی آن بلاد را
بحسن سلوک خود ممنون داشت محکوم بحراست آن حدود کردید و نواب شیخعلی میرزا حسب الامر در زنجان اقامت کزید و غلام
حسینخان سپهدار عراق با ده هزار پیاده و دو عراده توپ در رسید و نواب محمد قلیمیرزا با ده هزار قشون مازندرانی
حرکت کرد و نواب محمد تقی میرزا با ششهزار سوار و پنج عراده توپ حاضر شد و نواب شجاع السلطنه حسنعلی میرزا با سپاه
خراسان ورود نمود اما روز ورود حضرت مستطاب نایب السلطنه بدهخوارقان بسکویچ و همه صاحبمنصبان روس
با احترام تمام حضرت معظم را استقبال کرده آصف الدوله را نیز از تبریز آوردند پس از گفتگو بسکویچ گفت دولت
روس را این کشمکش معادل بیست کرور تومان ضرر متحمل شده هرگاه داده شود خلاف مرتفع گردد فتحعلیخان گیلانی بطهران
آمده مراتب را بعرض حضور اعلیحضرت خاقان صاحبقران رسانیدند و این مطلب مقبول نیفتاد بعد از آمد و شد و سؤال
و جواب بسیار ابرام کرده قرار گرفت که هشت کرور داده شود و بعدها نیز دو کرور دیگر ابرام و مهلت ادا کردد
سرتیپ مکدانالد و نیز مختار انکلیس با بسکویچ قرار مصالحه را داده و حکیم مکنیل صاحب انکلیس را بدار الخلافه فرستاده
خاقان صاحبقران را راضی نمود و منوچهرخان حامل وجه خسارت جنگ کشت و حضرت مستطاب نایب السلطنه
از حدود کروس و میرزا ابوالحسنخان وزیر امور خارجه از قصبه زنجان و آصف الدوله و بسکویچ از تبریز و قایم مقام
از طهران حرکت کرده همه در قریه ترکمان چای من اعمال تبریز جمع شدند و عهد مصالحه مابین دولتین روس و ایران را
که موسوم بعهدنامه ترکمان چای میباشد منعقد نمودند و شب پنجشنبه پنجم ماه شعبان این سال عهدنامه مزبوره باتمام
رسیده یک نسخه بمهر مبارک حضرت مستطاب نایب السلطنه میرزا ابوالحسنخان شیرازی وزیر امور خارجه مختوم
شد و بارن نرال رازن سردار و سواره نظام روس و حاجی میرزا ابوالحسنخان آن عهدنامه بحضور همایون خاقان صاحبقران
فرستاده شد و صورت عهدنامه ترکمان چای از قرار ذیل است.

صورت عهدنامه ترکمان چای

اعلیحضرت امپراطور اعظم کل ممالک روسیه بالقابه و اعلیحضرت شاهنشاه ممالک ایران باوصافه علی التسویه
اراده دارند که بنوایب جنگ نهایتی بکذارند و بسبب همجواریت صلحی بی نفاق بعمل آرند لهذا امپراطور اعظم جناب ایوان
بسکاویچ جنرال انونار را و پادشاه والاجاه مملکت ایران نواب نایب السلطنه عباس میرزا را وکلای مختار خود
تعیین کردند و ایشان در محل ترکمانچای اختیارنامه‌ها خود را بهم سپردند و فصول آتیه را تعیین و قرارداد
کردند

فصل اول بعد الیوم مابین اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران و ولیعهدان
و اخلاف و ممالک و رعایای ایشان مصالحه مودت و وفاق کامل الی الآباد واقع خواهد بود

فصل دویم از تاریخ حال هردو پادشاه با احلال عهدنامه‌ای واقعه در محال کلستان قراباغ را متروک و این عهدنامه
جدیده میمونه را با عهود و شروط مسلوک داشته‌اند

فصل سیم پادشاه ممالک ایران از جانب خود و ولیعهدان کل الکای نخجوان و ایروان را خواه اینطرف رود ارس
خواه آنطرف بدولت روسیه واگذار میکند و تعهد مینماید که بعد از امضای این عهدنامه در مدت شش ماه همه
دفتر و دستور العمل که متعلق باداره این دو ولایت باشد بتصرف اولیای روسیه بدهد

فصل

فصل چهارم در باب سرحد دولتین ایران و روسیه بموجب خط وضع شده از نقطهٔ سرحد ممالک عثمانی که در خط
مستقیم بقلهٔ کوه آغری کوچک اقرب است ابتدا کرده و از آنجا تا بسرچشمهٔ رودخانهٔ قراسوی پائین که از سراشیب جنوبی
آغری کوچک جاری است فرود آمده بمتابعت مجری این رودخانه تا بالتقای آن برود ارس در مقابل شرور ممتد میشود
چون این خط باینجا رسید بمتابعت مجرای ارس تا بقلعهٔ عباس آباد می آید و در دور تعمیرات و ابنیهٔ خارجهٔ آن که در کنار
راست ارس واقع است بنصف قطری بقدر نیم فرسخ رسم میشود و با این نصف قطر در همهٔ اطراف امتداد می یابد همه
اراضی و عرصه که در این نصف قطر محاط و محدود میشود بالانفراد تعلق بروسیه خواهد داشت و در مدت دو ماه مشخص
خواهد شد و بعد از آن از جائیکه طرف شرقی این نصف قطر متصل بارس میشود خط سرحد شروع و متابعت مجری
ارس میکند تا بمعبر یدی بلوک و از آنجا خاک ایران بطول مجرای ارس امتداد می یابد تا بفاصله و مسافت سه فرسخ بعد از
وصول باین نقطه سرحد باستقامت از صحرای مغان میگذرد تا بمجرای رودخانهٔ بالهارود بمحلی که در سه فرسخی واقع است
پائین تر از ملتقای دو رودخانهٔ کوچک موسوم بادینه بازار و ساری قمش و از اینجا این خط بکنار چپ بالهارود تا بملتقای
رودخانهٔ مذکور صعود کرده بطول کنار راست رودخانهٔ آدینه بازار شرقی تا بمنبع رودخانه و از آنجا تا باوج
بلندیهای جکیر امتداد می یابد بنوعیکه جمله آبهائیکه جاری ببحر خزر میشود متعلق بروسیه خواهد بود و همهٔ آبهائیکه
سراشیب و مجرای آنها بجانب ایران است تعلق بایران خواهد داشت چون سرحد دو مملکت اینجا بواسطهٔ قلل جبال
تعیین میابد لهذا قرارداد شد که پشتهائیکه از این کوهها بسمت بحر خزر است بروسیه و طرف دیگر آن بایران
متعلق باشد از قلهٔ بلندیهای جکیر خط سرحد تا بقلهٔ کمر قویی بمتابعت کوههائی میرود که طالش را از محال
ارس منفصل میکند که در فوق در باب مسافت واقعه مابین آدینه بازار و قلل جکیر گفته شد بعد از آن خط سرحد از قلهٔ
کمر قویی بلندیهای کوههائیکه محال زوند را از محال ارس فرق میدهد متابعت میکند تا بسرحد محال ولکیج هموار و بر طبق
همان ضابطه که در باب مجرای میاه معین شد محال زوند بغیر از آن حصه که در سمت مخالف قلل جبال مذکوره واقع
است این قرار حصهٔ روسیه خواهد بود و از ابتدای سرحد محال ولکیج خط سرحد مابین دو دولت بقلل جبال
کلوبوتی و سلسلهٔ کوههای عظیم که از ولکیج میگذرد متابعت میکند تا بمنبع شمالی رودخانهٔ موسوم باستارا
پیوسته بملاحظهٔ همان ضابطه در باب مجرای میاه و از آنجا خط سرحد متابعت مجرای این رودخانه خواهد کرد تا بملتقای
دهنهٔ آن ببحر خزر و خط سرحد را که بعد از این متصرفات روسیه و ایران را از هم فرق خواهد کرد تکمیل خواهد نمود

چون قلل جبال از جانبین مجرای میاه را فرق میدهند لهذا در اینجا این خط سرحد را اتمام تعیین میکند

فصل پنجم اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران از جانب خود و ولیعهدان تمامی الکا و اراضی و جزایر و جمیع قبایل خیمه
نشین و خانه دار را که در میانه خط حدود معینه و قلل برف دار کوه قفقاز و دریای خزر است الی الابد متعلق
بدولت روسیه میداند

فصل ششم اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران بتلافی خسارت دولت و رعیت روسیه مبلغ ده کرور نقد که عبارت
از بیست میلیان مناط سفید روسی است قرارداد و موعد رهائی و وصول آن بموجب قرارداد علیحده که لفظ بلفظ
گویا در این عهدنامه مندرج است معتبر خواهد شد

فصل هفتم چون پادشاه ممالک ایران نواب عباس میرزا را ولیعهد دولت قرارداده امپراطور روسیه نیز
تصدیق بر این مطلب نموده تعهد کرد که نواب معزی الیه را از نتایج جلوس بر تخت شاهی پادشاه بالاستحقاق
آن مملکت داند

فصل

فصل هشتم کشتیهای تجارت دولتین روس و ایران از هر دو طرف اجازه دارند که در بحر خزر و طول سواحل آن بطریق سابق سیر کرده بکنارهای آن فرود آیند و در حالت شکست کشتی از دو طرف امداد و اعانت خواهد شد در باب سفاین حربیه که علمهای عسکریه روسیه دارند مثل سابق اذن تردد در بحر خزر دارند و بغیر از دولت روس دولتهای دیگر آن اذن را ندارند

فصل نهم وکلا و سفرای طرفین اعم از متوقفین و عابرین باید از دو طرف مورد کمال اعزاز و احترام گردند و در این باب دستور العمل مخصوص از طرفین مرعی و ملحوظ گردد

فصل دهم در باب امر تجارت هر دو پادشاه والاجاه موافق معاهدهٔ جداگانه که باین عهدنامه ملحق میگردد تصدیق نمودند و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران در باب کونسلها و حامیان تجارتی که از دولت روس کما فی السابق در هر جا که مصلحت دولت اقتضا کند معین شود تعهد میکند که این کونسلها و حامیان اگر زیاده از ده نفر اتباع نخواهند داشت حمایت و احترام نمایند امپراطور روسیه نیز در باب کونسلها و حامیان تجارت ایران وعده میکند که همین قسم مساوات منظور دارد و هرگاه از دولت ایران محققا شکایتی از کونسلها و حامیان تجارت روس واقع شود وکیل یا کارگذار دولت روس که در دربار دولت ایران متوقف است و اختیار کونسلها و حامیان تجارت با او است اذن دارد که امر نمود او را بعنوان جاریه بدیگری رجوع نماید

فصل یازدهم همه امور و ادعای طرفین که بسبب جنگ بتاخیر افتاده بعد از انعقاد مصالحه موافق عدالت باتمام خواهد رسید و مطالباتیکه رعایای جانبین از یکدیگر یا از خزانه داشته باشند بتعجیل و تکمیل وصول پذیر خواهد شد

فصل دوازدهم دولتین علیتین معاهدتین بالاشتراک در منفعت تبعهٔ جانبین قرارداد میکنند که برای آنهائیکه ما بین خود بسیاق واحد در دو جانب رود ارس املاک دارند مدت سه سال مقرر نمایند تا بآزادی در بیع و معاوضه آنها قدرت داشته باشند لکن امپراطور ممالک روسیه از منفعت این قرارداد در هر آن مقدار که باو متعلق و واگذار میشود سردار سابق ایروان حسین خان و برادرا و حسنخان و حاکم سابق نخجوان کریمخان را مستثنی میسازد

فصل سیزدهم اسرائیکه در جنگ آخر و قبل از آن و تبعه که از هر مدت باسیری افتاده اند از هر دو طرف قرارداد شد که در مدت چهار ماه با اخراجات راه بعباس آباد فرستاده شوند که وکلای طرفین در آنجا مامور بانیکار میباشند آنها را گرفته باوطان خود برسانند و هرگاه در مدت مذکوره بتعویقی واقع شود هر وقت از هر طرف مطالبه کنند یا اسرا خود استدعا نمایند بلا مضایقه رد کرده آید

فصل چهاردهم از دو طرف قرین الشرف تعهد میشود که رعایای جانبین اعم از فراری یا غیر فراری که در حالت جنگ و قبل از آن بمملکت طرفین رفته اند بعد از این برهنده رسوریکه وجود ایشان منشا ضرر و فسادی بباشد مطالبه نشود ولکن اشخاص صاحب منصب و شان اعم از حکام و خوانین یا روسا و ملاهای بزرگ و غیر آنها اگر وجود ایشان در ممالک دو طرف بسبب مکاتبات و مخابرات خفیه منشا ضرر و مرارت است در ممالک طرفین نگاه ندارند و از حدود معینه در فصل چهارم اخراج سازند

فصل پانزدهم اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران باید از تقصیر اهالی آذربایجان از خاصه و عامه که در مدت جنگ و تصرف عساکر روسیه در ولایات استرداد یکه مباشر جنایتی شده اند درگذرند و هر یک خواسته باشند با عیال از آن ولایت بیرون روند تا مدت یکسال بایشان مهلت داده شود که اموال و اثقال خود را یا بیع یا نقل بمملکت روسیه نمایند و احدی از حکام بهیچوجه متعرض خسارت آنها نشود و در باب بیع املاک پنجساله مهلت داده شود هرگاه در

مدت یکساله مذکوره از احکام جنایتی تازه بظهور رسد داخل در عفو و گذشت نیستند

فصل سیزدهم بعد از امضای این عهدنامهٔ میمونه فی الفور وکلای مختار جانبین دستور العملهای لازمه بحدود خود روانه سازند که بترک خصومت و تعدی بپردازند این مصالحه نامه در دو نسخه بیک مضمون ترتیب یافته و بدستخط وکلای طرفین رسیده و مابین ایشان مبادله گردیده است باید بامضای آن بتصدیق پادشاه در مدت چهار ماه و اگر ممکن شود زودتر مابین وکلای مختار ایشان مبادله شود تحریراً در قریهٔ ترکمان چای بتاریخ دهم شهر فورال سنه یکهزار و هشتصد و بیست و هشت مسیحیه که عبارتست از پنجم شهر شعبان المعظم سنه یکهزار و دویست و چهل و سه هجری بملاحظه و تصدیق نواب نایب السلطنه رسید با امضای وزیر امور دولت خارجه میرزا ابوالحسنخان نیز رسید

نیز عهدنامهٔ تجارتی مشتمل بر نه فصل فیمابین دولتین منعقد گردید که صورت آن از قرار ذیل است

فصل اول چون دولتین علیتین معاهدتین تمنا دارند که اتباع خود را از جملهٔ منافع و فوایدیکه از آزادی رخصت تجارت حاصل میشود بهره مند دارند لهذا باین تفصیل قرارداد کردند که رعایا و اتباع روسیه که تذکره متعارفه در دست داشته باشند در همه ممالک ایران میتوانند تجارت کرد و کذلک بممالک مجاورهٔ دولت مذکوره میتوانند رفت بهمین نسبت اهالی ایران امتعهٔ خود را از دریای خزر یا از راه خشکی سرحد دولتین روسیه و ایران بمملکت روسیه میتوانند برد و معاوضه و بیع نمود و خرید کرده متاع دیگر بیرون برده از هرگونه حقوق و امتیازاتی که در ممالک اعلیحضرت امپراطوری باتباع کاملة الوداد دولتهای دیگر داده میشود بهره مند خواهند شد در حالتیکه یکی از اتباع دولت روسیه در مملکت ایران وفات یابد اموال منقوله و غیر منقولهٔ او چون متعلق بدولت دوست است بدون نقص باقوام یا شرکای او تسلیم خواهد شد که باختیار تمام بنحویکه شایسته دانند معامله نمایند و در صورتیکه اقوام و شرکای او موجود نباشند اختیار ضبط و کفالت همین اموال بوکیل یا کارگذار یا کونسلهای روسیه واگذار میشود بدون اینکه هیچگونه ممانعتی از جانب حکام ولایات ظاهر شود

فصل دویم حجج و براوات و ضمانت نامه‌ها و دیگر عهدها که برای امور تجارت خود مابین اهالی جانبین مکتوب بها میگردد نزد کونسل روسیه و حاکم ولایت ثبت میشود تا اینکه هنگام منازعه بین الطرفین برای قطع دعوی بر طبق عدالت تحقیقات لازمه توانند کرد و اگر یکی از طرفین خواهد بدون اینکه بنحو مذکور فوق تمسکات محرره مصدقه که لایق قبول هر محکمهٔ عدالت است در دست داشته باشد از دیگری ادعائی نماید و جز اقامهٔ شهود دلیلی دیگر بیاورد این قبیل ادعاها و اینکه مدعی علیه خود تصدیق بحقیقت آن نماید مقبول نخواهد شد معاملات منعقده که بصورت مذکوره مابین اهالی جانبین واقع شده باشد بدقت تمام مرعی و ملحوظ شده هرگونه مجانبتی که در انجام آن بظهور رسد و باعث ضرر یکی از طرفین گردد مورث تلافی خسارت متناسبه از طرف دیگر خواهد شد در صورتیکه یکی از تجار روسیه در ایران مفلس و ورشکست شود حق ارباب طلب از امتعه و اموال او داده میشود اما اگر از وکیل یا کارگذار یا کونسل استعلام نمایند که مفلس مذکور مال ممکن التصرفی که بکار استرضای همان ارباب طلب بیاید در ولایت روسیه گذاشته است یا نه برای تحقیق کردن این مطلب مساعی جمیلهٔ خود را مضایقه نخواهند داشت این قراردادها که در این فصل معین گشته همچنین دربارهٔ اهالی ایران که در ولایت روسیه موافق قوانین ملکیه تجارت میکنند مرعی خواهد شد

فصل سیم برای اینکه تجارت تبعهٔ جانبین منافعی را که علت غائی شروط سابقة الذکر گشته بتحقق و مستحکم نماید قرارداد شد که از هرگونه متاعی که بتوسط تبعهٔ روسیه بایران آورده یا از این مملکت بیرون برده شود و کذلک از

امتعه

امتعهٔ محصوله ایران که بتوسط تبعهٔ آن دولت که بدریای خزر یا از راه خشکی سرحد دولتین روس و ایران بولایات روس برده میشود و همچنین از امتعهٔ روس که برعایای ایران با همان راهها بیرون میبرند کما فی السابق در وقت بیرون رفتن و داخل شدن هر دو یکدفعه پنج از صد گمرک گرفته میشود و بعد از آن هیچگونه گمرک دیگر از ایشان مطالبه نخواهد شد و اگر دولت روسیه لازم داند که قانون تازه در گمرک و تعرفهای جدید قرار داد کند متعهد میشود که در این حالت نیز گمرک مزبور را که پنج از صد است اضافه ننماید

فصل چهارم اگر دولت روس یا ایران با دولت دیگر در جنگ باشد تبعهٔ جانبین ممنوع نخواهد شد از اینکه با امتعهٔ خود از خاک دولتین علیتین معاهدتین عبور کرده بممالک دولت مزبوره بروند

فصل پنجم چون موافق عادتیکه در ایران موجود است برای اهالی بیگانه مشکل است که خانه و انبار و مکان مخصوص برای وضع امتعهٔ تجارت هم اجاره نمایند و هم بملکیت تحصیل کنند و متعلقان دولت ایران بآن خانهها و مکانها و انبارها عنفاً داخل نمیتوانند شد لکن در وقت ضرورت از وکیل و کارگذار و یا کونسل روسیه استرخاص میتوانند نمود که ایشان صاحب منصب یا ترجمان تعیین کنند که در وقت ملاحظهٔ خانه یا امتعه حضور داشته باشند

خود باجاره پیدا کنند لهذا بتبعهٔ روس اذن داده میشود که خانه برای سکنا و انبار و مکان برای وضع امتعه ...

فصل ششم چون وکیل و کارگذار دولت امپراطوری و صاحبمنصبان مأموره ایشان و کونسلها و ترجمانها در ایران امتعه که بکار ملبوس ایشان بباید و اکثر اشیاء ضروریه معیشت برای ابتیاع پیدا نمیکنند لهذا میتوانند بدون باج و خراج هر گونه امتعه و اشیاء که خاصه بمصارف ایشان تعیین شده باشد بیاورد و کذلک این امتیازات بتمامه در باره وکیل و کارگذار دولت ایران که مقیم در دربار دولت روسیه باشند مرعی و ملحوظ خواهد شد و کسانیکه از اهل ایران برای خدمت ایلچی یا وکیل و کونسلها و حامیان تجارت روس لازم است مادامیکه نزد ایشان باشند مانند تبعهٔ روس از حمایت ایشان بهرهمند خواهد بود و لکن اگر شخصی از آنها مرتکب جرمی شود که موافق بقوانین ملکیه مستحق تنبیه باشد در آنصورت وزیر دولت ایران یا حاکم و در جائیکه آنها نباشند بزرگ ولایت مجرم را بواسطه از ایلچی یا وکیل یا کونسل در نزد هر کدام باشد مطالبه میکند تا اجرای عدالت شود و اگر این مطالبه مبنی باشد بر دلایلیکه جرم و تقصیر متهم را ثابت کنند ایلچی یا کونسل یا وکیل در دادن او مضایقه نخواهد کرد

فصل هفتم همه ادعاها و امور متنازع فیها که مابین تبعهٔ روسیه باشد بالاختصاص بملاحظه و قطع و فصل وکیل یا کونسلهای اعلیحضرت امپراطوری بر طبق قوانین و عادات دولت روسیه مرجوع میشود و همچنین است منازعات و ادعاهائیکه مابین تبعهٔ روس و تبعهٔ دولت دیگر اتفاق بیفتد در حالتیکه طرفین بآن راضی شوند و منازعات و ادعائیکه مابین تبعهٔ روس و ایران واقع شود بدیوان حاکم شرع و یا حاکم عرف معروض و محول میگردد و ملحوظ و طی نمیشود مگر در حضور ترجمان وکیل یا کونسلها چون اینگونه ادعاها اگر یکدفعه موافق قانون طی شده باشد دوباره استعلام نمیتواند شد هرگاه اوضاع نوعی باشد که اقتضای تحقیق و ملاحظهٔ ثانی کند بدون اینکه وکیل یا کارگذار یا کونسل روسیه را سابقاً از آن اخبار شود ملاحظه نمیتواند شد و در اینحالت آن امر استعلام و محکوم علیه نمیتواند گردید مگر در دفترخانهٔ اعظم پادشاهی که در تبریز یا طهران باشد کذلک در حضور یکنفر ترجمان وکیل یا کونسل روسیه

فصل هشتم کار قتل و امثال آن گناههای بزرگ که در میان خود رعایای روسیه واقع شود تحقیق و قطع و فصل آن مطلق در اختیار ایلچی یا وکیل یا کونسل روسیه خواهد بود بر وفق قوانین شرعیه که بایشان در باب اهل ملت خود داده شده است اگر یکی از تبعهٔ روسیه بالعموم بجرمی مستلزم السیاسه با دیگران متهم باشد هیچ جبر و اذیت

بنا بگرد مگر در صورتیکه شراکت او بجرم ثابت و مدلل شود در اینجا لیکن هرگاه اتفاق افتد که یکی از تبعه روسیه بعضی
بجرمی متهم میشد حکام ولایت نمیتوانند که بتشخیص حکم پرداخته مگر در حضور کماشته از طرف وکیل یا کونسل روسیه اگر
در اماکن صدور جرم از کونسلها یا وکیل کسی نباشد حکام ولایت مجرم را بجائیکه کونسل یا صاحب منصبی از دایره کونسلی
روسیه در آنجا باشد روانه میکنند و استشهادنامه که در باب برائت و شغل ذمه متهم بواسطه حاکم و مفتی آن مکان
از روی صداقت مرتب و بمهر ایشان رسیده باشد و باین کیفیت عملی که حکم جرم خواهد شد فرستاده شود اینگونه
استشهادنامه‌ها سند معتبر و مقبول ادعا خواهد شد مگر اینکه متهم عدم صحت آنرا علانیه ثابت نماید و در صورتیکه
متهم چنانکه باید ملتزم گشته فتوی صریح حاصل شود مجرم را بوکیل یا کونسل روسیه تسلیم مینمایند که برای اجرای
سیاستیکه در قوانین مقرر است بمملکت روسیه بفرستند

فصل هم دولتین علیتین معاهدتین اهتمام تمام در باب رعایت و اجرای شروط این معاهده خواهند داشت حکام ولایات
و دیوان بیگیان و سایر رؤسای طرفین هم از مؤاخذه شدیده داشته باشند در هیچ حالت تخلف و تجاوز نخواهند
کرد بلکه در حالتیکه تکرار تخلف چنانکه باید محقق شود موجب معزولی ایشان خواهد بود خلاصه ما وکلای مختار اعلیحضرت
امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران که در ذیل دستخط نوشته‌ایم شروطی را که در این معاهده
مندرج است و از نتایج فصل دهم عهدنامه است که همان روز در ترکمانچای اختتام یافته است چندان اعتبار و قوت خواهد
داشت که گویا لفظ بلفظ در خود عهدنامه مرقوم و مصدق گشته است منتظم و مقرر داشتیم لهذا این معاهده جداگانه
که مشتمل بر دو نسخه است بتوسط ما دستخط گذاشته بمهر ما رسید و مبادله شد تحریراً در قریه ترکمانچای بتاریخ دهم
شهر فبروال سنه یکهزار و هشتصد و بیست و هشت مسیحیه که عبارت از پنجم شهر شعبان المعظم سنه یکهزار و
دویست و چهل و سه هجریه باشد

پس از انعقاد عهد مودت مابین دولتین ایران و روس پسکویچ تبریز را خالی کرده و حضرت مستطاب نایب السلطنه
بایشان معاودت فرمودند و لشکرها از سرحدات برخاستند عهد را اینسال باغوای محمد قاسمخان دامغانی پیشکار
عبدالرضاخان کرمانی که خیال سروری داشت اشرار کرمان بنای شرارت و خودسری را گذاشتند و خانلرخان غلام
پیشخدمت را که ولد علیمرادخان زند و بطناً نبیره نواب غفران مآب شهید محمد حسنخان طاب ثراه و مامور انتظام کرمان
بود هنگام مراجعت در منزل باغین مقتول نمودند نیز احمدخان برادر محمد مهدیخان متخلص بنخجنه را که همشیره
او در سلک خدام حرم سلطنت بود بهانه در کرمان بکشتند و محمد قاسمخان با عبدالقلیخان بعنوان اینکه مدد
عبدالرضاخان یزدی که در اوان جنگ روس و ایران براه خلاف رفته متهم شده‌ایم و قریب به دوازده هزار
جمعیت از حدود کرمان و بم و غیره فراهم آورده عزم تسخیر یزد کردند شاهزاده محمد ولیمیرزا والی یزد از واقعه خبردار
شده بدارالخلافه طهران آمد که مراتب را بعرض حضور خاقان صاحبقران رساند عبدالرضاخان خلف تقیخان بیگلربیگی
یزد که کارگذار شاهزاده بود اموال متعلقین شاهزاده را متصرف شده آنها را روانه طهران کرد و اهالی کرمان
و مازندران در منزل شمس و ضیاع عبدالقلیخان حاکم کرمان را بهم زدند و او بفارس رفته بخیال خود نواب حسینعلی
میرزا فرمانفرمای فارس متوسل شد و بعد از چندی مازندران بخدمت نواب ملک‌آرا رفت و محمد قاسمخان
دامغانی بسیستان گریخت و نواب شجاع السلطنه بحکومت کرمان و استرداد اموال محمد ولیمیرزا از عبدالرضاخان
مامور شد عبدالرضاخان از بیم بقلعه‌داری پرداخت نواب شجاع السلطنه بکرمان رفته اهالی کرمان از خوف

براد

براه عصیان رفتند و در حصار را بروی شاهزاده نگشودند بعد از ده دوازده شبانه روز جنگ نواب شجاع السلطنه
شهر کرمان را بگرفتند و با نتظام امور آنسامان پرداختند تا بعد از چندی در نوع آشوب بشد و امنیت حاصل آمد
و محمد قاسمخان را مغانی را بلطایف الحیل بکرمان خواندند و مغلولا بطهران فرستادند و در اینجا بسزای خود رسید
و عبدالرضا خان را بحال خود واگذاشتند و نظم امور یزد بنواب ظل السلطان محول شد هم در اینسال عبدالله خان
امین الدوله را از اصفهان طلبیده صدارت دادند و اللهیار خان آصف الدوله برسم سابق سالار بار شد هم در اینسال
بسکویچ در دردلنکران و ایروان کار را منوط بحکم امپراطور روس نمود و مقرر شد حضرت مستطاب نایب السلطنه بحضور
امپراطور رفته اینکار را فیصل دهند هم در اینسال چون ایالت خراسان بر عهدهٔ نواب هلاکو میرزا ولد نواب شجاع السلطنه
موکول بود و ایالت سبزوار بر عهدهٔ نواب ارغون میرزا برادر نواب هلاکو میرزا خوانین خراسان تفتین کرده برادران را
بر ضد یکدیگر تحریک کردند و فتنه برخاست لهذا اعلیحضرت همایون حسنخان و حسینخان سردار ایروانی را بخراسان
مامور فرمودند و فات عبدالرزاق بیک دنبلی متخلص بمفتون صاحب تاریخ مآثر سلطانیه و عبدالرزاق بیک ولد
نجفقلیخان بیکلربیکی تبریز بود اروپا (المان) فوت پادشاه ساکس و جلوس برادرش آنتوان بجای او
(انکلیس و فرانسه و روس و عثمانی) صاحبمنصبان بر ضد عثمانی در باب استقلال یونانی را مینمایند بعد از گفتگوی
بی فایده زیاد که روس و انکلیس و فرانسه با عثمانی در باب اصلاح با یونان کردند دول ثلاثه مزبوره متفق میشوند که یونان
آزاد باشد ولی یک مبلغی خراج بدولت عثمانی بدهد عثمانی قبول این تکلیف را نمینماید بنابراین سفاین جنگی دول
ثلاثه با کشتیهای جنگی عثمانی در ناوارن جنگ سختی کرده در ظرف سه ساعت تمام سفاین عثمانی و مصر را شکسته
و غرق مینمایند سلطان عثمانی در مملکت خود اعلان جهاد مینماید (انکلیس) فوت دوک دو یورک برادر کوچک
پادشاه که ولیعهد او بود و رسیدن ولایتعهد بدوک دو کلارنس برادر دیگر پادشاه و لنگتن علاوه بر سپهسالاری
مشئون صدارت نایل میشود (اسپانیا) شورش مردم بر ضد فرهسناند پادشاه دن کارلس برادر پادشاه را جمعی
بسلطنت میطلبند (فرانسه) شورش سخت در پاریس و سیبه بندی کردن در غالب کوچه‌ها ابتدای منازعهٔ
فرانسه با حسین پاشا والی الجزایر ایجاد راه آهن در سنت اتی ین شهر فرانسه (پرتوغال) عساکر انکلیس برای نظم پرتوغال
به لیزبن وارد میشوند دن میگل بالاخره بسلطنت پرتوغال منصوب میشود

سنه ۱۲۴۴ هجری — سنه ۱۸۲۹ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال قزلباشیه کابل از تعدیات افاغنه و غلبه رنجیت سینگه هندو در کشمیر بستوه آمده حسنعلی
خان جوانشیر را از راه بیابان بلوچستان بکرمان فرستادند و مشارالیه از کرمان بطهران آمده از اجحافات برادران
فتحخان شکایت کرده و شرحی از اظهار ارادت اهالی کابل و قندهار و پیشاور بعرض آستان اعلیحضرت خاقان
صاحبقران فتحعلیشاه رسانیده و مستدعی شد که یکی از شاهزادگان عظام را بدانسامان روانه نمایند اعلیحضرت
همایون بنابر موافقت دولت انکلیس و فراهم نیامدن موجبات آشوب سرحدات هندوستان قبول ننمودند و حسنعلیخان
جوانشیر از راه فارس و عمان ببندر رفت هم در اینسال در اواسط جمادی الاولی موکب همایون بزیارت حضرت معصومه
سلام الله علیها توجه فرموده پس از زیارت از قم بسلطان آباد کزاز رفتند و سپهدار در اینمورد خدمات نموده بمراحم
پادشاهی نایل آمد و در بیست و هفتم جمادی الثانیه بدار الخلافه ورود فرمودند هم در اینسال ژنرال کریبایدوف
خواهرزادهٔ مارشال پسکویچ که در هنگام انعقاد صلح مابین دولتین ایران و روس حاضر و در التیام و اصلاح

امور

امور مصر بود بدربار امپراطور روس رفته و بوکالت و سفارت مأمور ایران شد که با تمام شرایط عهدنامه بپردازد
مشارالیه با رعایت لوازم و رسوم احترامات بطهران معلی آمده ولی بنای بدسلوکی را گذاشت و ابتداء باسترداد
اسرای قدیم و جدید گرجستان وغیره و سختگیری در امتثال آن پرداخته دو نفر گرجیه مسلمه را که سالها بود
در خانهٔ اللهیار خان آصف الدوله بودند با ابرام باز پس خواسته در خانهٔ خود برده نگاهداشته آغا یعقوب ارمنی از
خواجه سرایان که مبلغی خطیر از مال دیوان بر ذمهٔ او بود چون در اصل از اهل ایروان و اسرای سپاه ظفر همراه
شمرده میشد متمسک بفصل سیزدهم عهدنامهٔ ترکمان چای که مبنی بر استرداد اسرا میباشد شده بمنزل گریبایدوف
پناه برده و خود را آزاد ساخته و بفتنه انگیزی پرداخته بعضی از نسوان گرجیه را که مسلمان شده و در حبالهٔ نکاح
اشخاص و صاحب اولاد بودند اسم نام برده که گریبایدوف را بخواستن آنها محرک آمد و حرکات مشارالیه اسباب
رنجش مردم و کدورت علما گردید و چندانکه او را نصیحت کردند نپذیرفت و بر خشونت و لجاج افزود و یعقوب
ارمنی و بعضی مفسدین دیگر نیز در تحریک و اغوای گریبایدوف ساعی بودند علما چون دیدند که پای عرض و ناموس
مسلمین در میان است و گریبایدوف هم در بدگوئی و بدسلوکی مصر است و قبول نصیحت نمیکند در جامع طهران اجماع
کرده حاجی میرزا مسیح مجتهد را با خود متحد ساخته بر ضد ایلچی هم داستان شدند بسیاری از اهالی شهر نیز چون مرید
علما بودند دکاکین را بسته در آنجا جمع آمدند مقصود علما تخویف ایلچی روس و رد کردن زنان مردم بود ولی بعد از
آنکه نفری تا صد هزار نفر جمعیت اجتماع کرده کار از دست امنای دولت و علما بیرون رفته آن ازدحام راه منزل
گریبایدوف را گرفتند و بخانهٔ او که در خارج ارک سلطانی و نزدیک توپخانه بود هجوم آوردند و ممانعت اولیای
دولت و شاهزادگان را قبول نکردند همراهان ایلچی که تقریباً در بیست نفر بودند چون حال را بر این منوال دیدند در
سرای را بستند و با تفنگ و حربه بالای بام آمدند و جوانی چهارده ساله را با گلولهٔ تفنگ مقتول نمودند عوام که
این جسارت دیدند بیورش پرداختند ایلچی یعقوب ارمنی را که نسبت بحضرات مجتهدین سخنهای کفرآمیز گفته
بود از خانه بیرون کرد و عوام فوراً او را براه عدم فرستادند و دو نفر گرجیهٔ مسلمه را از خانه بیرون نموده کاشتگان
علما آنها را بمحلی که باید رسانیدند الحاصل قریب هشتاد نفر از سکنهٔ دارالخلافه در این هنگامه مقتول شده و جمعیت
بر تکیشه بخانهٔ ایلچی ریختند و او را با سی نفر از همراهان بقتل رسانیدند و اموالی که در آنخانه بود بیغما برده محله را
خراب کرده متفرق گشتند و هیچ معلوم نشد که قاتل و مجرم کیست و مالسوف نام که نایب اول ایلچی بود چون در گوشه
مختفی شده نجات یافت او را بارک آورده محافظت کردند و او تقصیرات ایلچی را تصدیق نموده با امنای دربار امپراطور
روس معروض داشت و خود نیز بتفلیس رفته مراتب را به پسکویچ معلوم کرده و از آنجا به پطرزبورغ روانه شده
برفع اشتباه پرداخت و برای استرضای خاطر امنای دولت امپراطوری نواب میرزاده خسرو میرزا فرزند حضرت
مستطاب نایب السلطنه با محمد خان زنگنه امیرنظام و چند نفر دیگر بصوابدید حضرت معظم مأمور پطرزبورغ شدند
همراه اینسال میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله متخلص بنشاط از افاضل و اکابر رجال این دولت در طهران مرحوم شد
امرو یار (انگلیس و روس و عثمانی) یونانیها بحمایت روس وضع دولتی برای خود شان تشکیل میدهند
دولت روس که از جنگ با ایران فراغت حاصل نموده اعلان جنگ بعثمانی مینماید عساکر روس از رود دانوب
عبور کرده وارنا را محاصره نموده و میگیرد از سمت دیگر پسکویچ بطرف قارص و پوطی رانده بایزید را فتح میکند
آنهائیکه از ینگیچریان باقی مانده بودند بار دیگر متحمل میشوند بوساطت دولتین انگلیس و فرانسه عساکر

مصری بحکم سلطان از ایالت مریونان خارج میشوند پانزده هزار قشون فرانسه بطرف یونان حرکت میکنند
(انکلیس) اکثر از اهالی ارلند مردم این ایالت را برضد دولت انکلیس میشورانند

سنه ۱۲۴۵ هجری **سنه ۱۸۲۹ مسیحی**

آسیا (ایران) در سال قبل شرح مقتول شدن کریبایدوف ایلچی روس مسطور شد در این سال ثرزال دالغورکی
از جانب دولت روس بسفارت ایران و تحقیق عمل و علت قتل کریبایدوف مامور شده بتبریز آمد نواب علینقی میرزا رکن الدوله
از مطالب دالغورکی آگاهی حاصل نموده از تبریز بدار الخلافه آمده بحضور اعلیحضرت خاقان صاحبقران فتحعلیشاه مشرف شد
و مطالب دالغورکی را معروض داشت و معلوم شد که بایدبعضی اعمال که اسباب استرضای دولت روس شود پردازند
لهذا حاجی میرزا مسیح استرابادی را که در امر اجماع دخالت داشت روانه عتبات عالیات فرمودند و رضا قلی بیک نام پسر شاه
بیک طالش را که در روز قتل ایلچی با تیغ خون آلود دیده بودند و مصدر قتلی دیگر نیز گردیده در میدان دار الخلافه بقتل رسانیدند
و دولت روس بواسطه این دو عمل رضایت حاصل نمود هم در اینسال نواب احمد علیمیرزا بحکمرانی خراسان مامور گردید بتبیین
انکه حسینخان سردار ایروان که بسرداری خراسان رفته بود خوانین خراسان خاصه رضا قلیخان ایلخانی زعفرانلو حاکم خبوشان
که در نشابور و چناران و رادکان تسلطی بهم رسانیده بود از او تمکین ننمود و سردار با محمد خان قرائی سازش کرده او را با
حسنخان سالار اصلان برادر خود و ششهزار نفر بر سر نیشابور فرستاد ولکن کاری از آنها ساخته نشده بمشهد مقدس باز
گشتند و مستحفظین ارک را که از اکراد بودند تغییر داده از طایفه قرائی مستحفظ گذاشتند صید محمد خان کلائی نیز با محمد خان
قرائی ساختند بمخالفت سردار مصمم شدند و فی الحقیقه سردار در ارک مشهد محصور شد اهالی مشهد مقدس مراتب را بحضور
همایون معروض داشتند و رضا قلیخان نیز عریضه عرض کرده خود را خدمتگذار و محمد خان را خیانتکار قلم داد و استدعا
نمود که یکی از شاهزادگان بحکمرانی خراسان منصوب گردد لهذا نواب احمد علیمیرزا بایالت و لایت مزبوره برقرار و میرزا
موسی نایب شیخ بوزارت شاهزاده مامور گشت و مصطفی قلیخان عرب میش مست حاکم سابق ترشیز را که بیست سال در
طهران اقامت داشت شاهزاده با خود همراه نموده حکومت ترشیز یافت و بچناران رفتند رضا قلیخان زعفرانلو و نجفعلی
خان شادلو بحضور آمدند و نیشابور را تخلیه کردند و با بیست هزار نفر و هشت عراده توپ عزم استخلاص مشهد مقدس
نمودند خوانین اعراب و تیموری در مزار خواجه ربیع بخدمت شتافتند و صید محمد خان کلائی نیز دست از همدستی محمد خان
قرائی برداشته از شهر خارج شده بخدمت شاهزاده آمد بهرام خان ولد بنیاد خان هزاره بیگلربیگی جام و باخرز
بتاخت ترشیز و حیدریه رفت محمد خان کار را سخت دیده شهر را خالی کرده عازم تربت شد و شاهزاده احمد علیمیرزا در
هفتم رجب بمشهد مقدس ورود نمود اما مصطفی قلیخان عرب میش مست که بحکومت ترشیز رفته بود چون سابقه
عداوتی با بعضی از اهالی داشت بنای بدسلوکی را گذاشت لهذا مردم شوریده او را گرفته حبس کردند و برادرش محمد تقی
خان را بر خود حاکم نمودند و حسینخان سردار و حسنخان بدار الخلافه احضار شدند حسنخان از عرض راه از بیم مواخذه
بعتبات عالیات رفت و حسینخان در سن نود سالگی بحکومت فریدن و چهار محال و سرداری ایل بختیاری مامور شده پس از
چندی درگذشت هم در این سال موکب همایون بییلاق شمیران رفته قرنیه سوهانک مضرب خیام معلی گردید و ناخوشی
وبا در طهران شیوع بهم رسانید و ده هزار نفر در عرض چهل روز بدین ناخوشی درگذشتند که از جمله میرزا فریدون
ابن حاجی خانجان حلال خور بند پیمانه تدارکانی بود مشهور بمیرزا خانلر و منشی الممالک دولت علیه چون او وفات
کرد میرزا محمد تقی علی آبادی مازندرانی صاحبدیوان ولد میرزا محمد نکی وزیر سابق بمنشی الممالکی برقرار گردید در ماه

ربیع

ربیع الثانی ایتسال موکب خاقان بهمال از ییلاق شمیران بطهران معاودت فرمود نیز از وقایع ایتسال رسیدن نواب
خسرو میرزا ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه است بخدمت امپراطور روس بجهة معذرت از قتل سفیر روس و در این سفر
کارگذاران دولت روس شرایط احترامات این شاهزاده را بوجه اکمل منظور داشته و امپراطور نیز خود کمال ملاطفت را
نسبت بشاهزاده مبذول داشته همیشه معزی الیه را در طرف راست خود نشانیده و با خود هم غذا مینمودند و محض مزید
ملاطفت از دو کرور خسارت جنگی که باقیمانده بود یک کرور را بخشیدند و کرور دیگر را بپنجسال مهلت دادند و امیرزاده
محترم مراجعت کرده در بیستم رمضان بتبریز رسیدند و مدت سفر و سفارت تا وده ماه و پانزده روز بود هم در ایتسال
موکب همایون خاقانی عزیمت فارس و خوزستان و انتظام آن نواحی و سامان که خالی از اختلالی نبود نمود و میرزا عبد العظیم
خان قزوینی باحضار عبد الرضا خان یزدی مأمور شد و میرزا یوسف کلاهیجی باحضار نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه به
کرمان رفت و نواب اللهوردی میرزا بادسته تفنگچی نوائی بسرکردگی عبد المجید خان بقمشه و سمیرم روانه و علامحسین خان سپهدار
با توپخانه بتوقف اصفهان محکوم گشت و موکب همایون بعد از زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها از قم بکاشان تشریف
فرما شدند و در دوازدهم جمادی الثانیه عمارت و سرچشمهٔ فین که در یکفرسنگی کاشان است منزل جنام سلطنتی کردید و
میرزا محمد تقی صاحبدیوان و منشی الممالک از کاشان روانه اصفهان شد پس از آن اردوی همایون بجانب اصفهان انهاض
فرموده در قریه برکزیه سه تن بحی شهر نواب سیف الدوله سلطان محمد میرزا و ملا علی نوری از اجلهٔ حکما با اعیان اصفهان
بحضور همایون مشرف شدند و باغ سعادت آباد بورود مسعود مزین آمد و پس از شش روز توقف بجانب فارس حرکت
کردند و نواب حسنعلی میرزا فرمانفرمای فارس تا منزل شولکستان باستقبال اردوی معلی آمد و از اقلید رخصت معاودت
یافت و نواب رکن الدوله علینقی میرزا و سهراب خان گرجی روانه شیراز شدند که تهیهٔ ورود موکب مسعود پادشاهی
پردازند روز بیستم رجب موکب همایون بظاهر شیراز رسیده در باغ فرمانفرما نزول اجلال فرموده و دسته جات پیاده
و سواره بلوکات بقشلامیشی رفتند و کل شاهزادگان و امرا و اعیان که التزام رکاب اعلی داشتند ده روز مهمان نواب
حسنعلی میرزا بودند نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه نیز از کرمان در رسید و محمد زکیخان نوری بوزارت او
بکرمان رفت و اهالی فارس عموماً مورد الطاف خاقانی کردیدند از جمله میرزا محمد علی شیرازی وزیر فرمانفرما مشیر الملک
لقب یافت و میرزا علی اکبر کلانتر ولد حاجی ابراهیمخان اعتماد الدوله ملقب بقوام الملک شد و رضا قلیخان متخلص بهدایت
صاحب مصنفات جلیله که در فارس در خدمت فرمانفرما بود بلقب خانی و خلعت امیر الشعرائی مخلع کردید بالجمله بعد از
نظم فارس و چهل روز توقف در شیراز در روز یازدهم شعبان موکب خاقان صاحبقران بعزم خوزستان انهاض فرموده
از راه فهلیان و بهبهان بکعب و شوشتر روانه کردیدند و در نهم رمضان باینشهر ورود نموده بملاحظهٔ بند شاپور پرداختند
و روز جمعه شانزدهم عازم حوالی دزفول و در ود خانه بلارود کشتند نواب محمد حسین میرزای حشمة الدوله در منزل
حسینیه بحضور مبارک مشرف شده و از آنجا بخرم آباد تشریف فرما کردیدند و جشن نوروز سلطانی را بپا کرده شد
بعد از آن حرکت کرده در عشر اول شوال بشهر همدان نزول اجلال فرمودند و نزال دا لغورکی سفیر دولت روس در این بلده
بحضور همایون تشرف جسته مورد مراحم کامله کردید و نواب امیرزاده خسرو میرزا نیز در اینجا به تقبیل عتبه علیه فایز آمد
حضرت مستطاب نایب السلطنه بجهة نظم ولایت شهرزور در همدان توقف فرموده موکب همایون در هشتم ماه ذیقعده
وارد دار الخلافه کردید هم در این سال اللهقلیخان تورهٔ اوزبک از خوارزم باغوای خوانین خراسان تا حوالی طهران آمده
نواب احمد علیمیرزا بصحرای لار دشت رفته خان خوارزم خایف گشته مراجعت نمود و صید محمد خان کلائی در حوالی قلعه

همدر اینسال میرزا اسدالله خان نوری کشیکچی باشی بمنصب لشکرنویسباشی و حکومت نور برقرار گردید

محمد آباد بزخم کلوله در گذشت همدر اینسال محمد حسنخان قاجار نسقچی باشی بناخوشی وبا وفات نمود و محمد امین خان ولد او نسقچی باشی شد اروپا (انکلیس) ندا بیر ولنگتن مانع ترقیات روس در مشرق زمین میباشد اکیل ارلندی پارلمنت برای ارلند طلب مینماید ولی قبول نمیشود (انکلیس و روس و عثمانی) اشتداد طغیان یاغیان یونانی بر ضد عثمانی و فتوحات بایا مابین دول انکلیس و فرانسه و روس درباب تغییر حدود یونان معاهدات بسته میشود شهر آتن را یاغیان یونانی محاصره مینمایند عثمانیها که مشغول جنگ با روس هستند چندان التفاتی بشورش یونان ندارند رشید پاشا صدر اعظم عثمانی سردار قشون ری عثمانی است که با دیبیچ سردار روس در مناز عه میباشد پسکویچ در آسیا با عساکر عثمانی میجنگد با وجودیکه ایلچی روس در ایران مقتول شده پسکویچ از وحشت اینکه مبادا ایران مجددا با روس شروع بجنگ کند کمال تزلزل را دارد شکست رشید پاشای صدر اعظم از دیبیچ در سیلیستری ملاقات امپراطور روس و پادشاه پروس در برلن دیبیچ از کوه بالکان عبور کرده بسمت اسلامبول میراند و با درنه ورود مینماید پسکویچ ارزن الروم را فتح میکند و نظر بورود میشاید مداخله دول فرنک در کار عثمانی و روس و ممانعت کردن روس را از پیش آمدن بطرف اسلامبول روسها از فتوحات خود چندان فایده نبرده مگر مصب دانوب را متصرف میشوند و ملداوی و والاشی (افلاق بغدان) بعد ازین از خود حاکم خواهند داشت در سربستان والی از خود تعیین میکنند و در زیر حمایت روس میباشند آزادی یونان را عثمانی میشناسد (فرانسه) مقدمات منازعه فرانسه با الجزایر (ایطالیا) فوت لئون دوازدهم پاپ جلوس پی هشتم بپاپی بجای او (هلاند) بلژیک که در تحت سلطنت هلاند است بنای شورش و مخالفت با هلاند میگذارد (پرتوغال) دن میگل پادشاه تازه بنای تعدی را میگذارد وهزار وصد نفر را پنهان وآشکار بقتل میرساند و پنجاه هزار نفر را جلای وطن میدهد و بیست و نه هزار نفر را حبس میکند

سنه ۱۲۴۶ هجری

سنه ۱۸۳۰ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال فیمابین نواب محمد حسین میرزای حشمة الدوله و نواب محمد تقی میرزای حسام السلطنه جنگ در گرفت بتبیین آنکه حشمة الدوله بعد از آنکه چندی از حکومت کرمانشاهان معزول بود اهالی آنولا بنا بیشانرا از دربار همایون استدعا نمودند و حشمة الدوله بحکومت کرمانشهان رفت و از آنجا که ملازمان حسام السلطنه بر رعایا تعدی مینمودند اهالی خوزستان و لرستان بحشمة الدوله گرویدند و حشمة الدوله بخرم آباد آمد و تمامی اهالی لرستان از پشتکوه و پیش کوه و حسنوند و یوسفوند او را متابعت نمودند حسام السلطنه با جمعی قصد تسخیر کرمانشهان کرد و نواب شیخعلی میرزا حاکم ملایر و تویسرکان بجهة خصوصیتی که با حشمة الدوله داشت بفتح بروجرد آمد ولی شکست خورده فرار نمود و حسام السلطنه در خارج شهر خرم آباد با حشمة الدوله مصاف داده منهزم شد و ببروجرد رفت و حشمة الدوله در آنصفحات کمال استقلال بهم رسانید چون این اخبار معروض حضرت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه شد غلامحسین خان سپهدار را روانه بروجرد فرمودند و او باصلاح ذات البین کوشید همدر اینسال جماعتی از ترکمن که باغوای اللهقلیخان خوارزمی در عرض راه ارض اقدس جمعی را مقتول و جماعتی را اسیر کردند از جمله اسیران مهدیقلیخان جلال الدوله و للسعادتقلیخان برادر آصف الدوله وزیر لکنهو بود که بزیارت میرفت چون اینواقعه بعرض اولیای دولت علیه رسید حاجی اسمعیل خان شامبیاتی بتنبیه ترکمه مامور و از نواب احمد علیمیرزا مؤاخذه کردند و حکمی برضا قلیخان زعفرانلو صادر شد که مهدیقلیخان را از ترکمه خریده روانه دارد رضا قلیخان مهدیقلیخان را بده هزار تومان خریداری کرده ولی بسیاری از جواهر او بغارت رفت و از انطرف اعلیحضرت همیون لشکرها بر سر ترکمانان فرستاده فوجها از آنها را

علم روانه نمودند همدر اینسال بهرامخان ولد بنیادخان هزاره که حاکم جام و باخرز بود بسر خسرو قنبر در دست هزاره مقتول و محمدخان قرائی جام و باخرز را متصرف شد نیز از وقایع اینسال آنکه حسنعلیخان جوانشیر که سه سال قبل از جانب قزلباشیهٔ کابل عریضه بحضور همایون آورده بود و از راه سند مراجعت نمود بعد از معاودت و میر مرادعلیخان حاکم سند سه زنجیر فیل و سی طاقه شال کشمیری و عریضه مصحوب میرزا محمد علی نامی بدربار همایون فرستاد و نظرعلیخان نایب ایشیک آقاسی مامور سند و حامل خلعت برای مرادعلیخان شد همدر اینسال عبدالرضاخان یزدی با شفیعخان راوری وصلت نمود و شفیع خان با نواب شجاع السلطنه حاکم کرمان بنای مخالفت گذاشت نواب شجاع السلطنه لشکر بیزد کشید و نواب حسام الدوله تیمور میرزا فرزند نواب حسینعلی میرزا که مامور سرحدات فارس و درآباده بود بامداد عم خود آمد اعلیحضرت خاقان صاحبقران نواب سیف الدوله میرزا ولد نواب ظل السلطان را بحکومت یزد روانه فرمودند با وجود این شجاع السلطنه دست از محاصره نکشید و بمنازعه پرداخت و محمدکاظمخان سوادکوهی از سران سپاه شجاع السلطنه مقتول شد و محمدزمانخان نوری وزیر شاهزاده درگذشت و مدت محاصره بنه ماه رسید در این حیص و بیص حضرت مستطاب نایب السلطنه از آذربایجان بطهران آمده بحضور همایون مشرف و بنظم یزد و کرمان مامور شدند و حضرت معظم سابقا نواب از زنجان شاهزاده اعظم محمد میرزا (محمد شاه) را از راه ساوه روانه قم فرموده بودند در این هنگام با وجود شدت سرمای زمستان امر اعلی را امتثال نموده بطرف یزد شتافتند عبدالرضاخان یزدی با جمیع برادران و برادرزادگان و اعیان در منزل عقدا با مصحف و شمشیر بحضور نایب السلطنه آمده اطمینان یافتند و مورد التفات گشتند روز عید نوروز حضرت مستطاب معظم وارد یزد گردیدند و نواب شجاع السلطنه قبل از ورود موکب والا دست از محاصره کشیده روانه کرمان شده بود حضرت مستطاب نایب السلطنه نواب سیف الدوله میرزا را کما کان بحکومت یزد گذاشته بکرمان راندند نواب شجاع السلطنه فرزند اکبر خود هلاکو میرزا را تا دو منزل باستقبال فرستاد و چون موکب والا نزدیک شد خود نیز بحضور آمد حضرت مستطاب معظم در خارج شهر کرمان توقف فرموده بانتظام امور پرداختند و شجاع السلطنه را در معنی معزول ساختند اعلیحضرت همایون نواب شجاع السلطنه را احضار فرمودند و حضرت مستطاب نایب السلطنه بجهت اینکه احتمال میرفت شجاع السلطنه بواسطه محاصره یزد خائف باشد و باختیار بدار الخلافه نرود یکفوج قراول با محمدزمانخان دولوی قاجار و دویست سوار همراه شجاع السلطنه روانه کرده شاهزاده را باحترام وارد دار الخلافه نمودند همدر اینسال میرحسنخان طالش که سابقا متوسل بروس بود و بر حسب شرایط عهدنامه او را رد کردند در هنگام فرصت بر ارکوان و لنکران تسلطی بهم رسانید لهذا بدفع او پرداختند حسنخان فرارا بطهران آمده و در اینجا بمرض استسقا درگذشت همدر اینسال یلنگتوش خان برادر صید محمدخان کلائی بعد از برادر با اللهقلیخان توره خوارزمی ساخته و بعضی نقاط خراسان را تاخته عساکر نواب احمدعلی میرزا او را گرفتار کردند و او اندر استکانت و صداقت درآمد و بخدمت پرداخت همدر اینسال موکب خاقان صاحبقران در قم بزیارت حضرت معصومه سلام الله علیها پرداخته پس از آن بجمکران تشریف فرما شدند و شاهزادگان از اطراف بحضور مبارک آمدند بعد از انتظام امور عراق همگی مرخص شده بولایات خود بازگشتند وفات ملا علی نوری از اجله حکما در اصفهان اروپا (انگلیس) فقر و ناتوانی مردم و قرض زیاد دولت و کسر عمل در جمع و خرج مملکت فوت ژرژ چهارم پادشاه و جلوس برادرش گیلیوم چهارم بجای او در سن شصت و پنجسالگی داخل شدن پالمرستن در خدمت دیوان کشیدن راه آهن مابین لیورپل و منچستر (اسپانیا) تولد دختری از پادشاه که مسماة بایزابل میگردد و در حین تولد بولیعهدی منصوب میشود و کارلیستها بجهت شورش بپا میکنند (فرانسه) زمستان بسیار سخت طولانی گرانی ماکولات

معاند

معاندت وکلا با وزرای دولت شورش مردم برضد پادشاه ابتدای فتوحات در الجزایر فتح سیک فروش از بنادر الجزایر
فتح شهر الجزایر مارشال شدن بورمونت سردار فرانسه بجهت این فتح فرار کردن حسین پاشا والی الجزایر بسمت ایطالیا
شورش سخت در بیست و هفتم و بیست و هشتم و بیست و نهم ماه ژوییه در پاریس منازعه شهریها برضد پادشاه
میل مردم بجمهوری ژنرال لافایت رئیس قشون شورشیان است استعفای شارل دهم پادشاه و فرار کردن او بطرف
بندر شربورگ معین و منصوب شدن دوک دارلئان موسوم بلوی فیلیپ اول قوام پادشاه بسلطنت فرانسه در سن پنجاه
و هفت سالگی فرار کردن شارل دهم از شربورگ با نکلیس (یونان) دولت انگلیس آزادی یونان را میشناسد لئوپلد
از شاهزادهای ساکس بسلطنت یونان معین میشود شهر ساموس از عثمانی خود را منتزع ساخته جزو یونان میشود
(ایطالیا) فوت فرانسوای اول پادشاه و جلوس فردیناند دویم بجای او فوت پی هشتم پاپ که مدتی طول میکشد
تا پاپ تازه منتخب گردد (هلاند) شورش در بروکسل از شهرهای بلژیک بیرون کردن قشون پادشاه هلاند را از آن
شهر گیلیوم پسر پادشاه هلاند با عساکر زیاد بجهت دفع شورشیان بلژیک بروکسل میآید اجماع اهالی بلژیک
برضد هلاند پنجاه هزار نفر قشون فرانسه که در سرحد بلژیک است از شورشیان حمایت میکند و سلطنت مشروطه
در بلژیک برقرار میگردد بدون تعیین پادشاه (روس) بروز وبای سخت در این مملکت که از ایران باینجا سرایت کرده است
یعنی از تفلیس و از راه قفقاز و حاجی ترخان و ساراتو بمسکو آمده و جمعیت زیادی را هلاک میسازد شورش در
لهستان و خارج شدن گراند دوک قسطنطین مجبوراً از این مملکت کلپیکی نام که از صاحب منصبان ناپلیون بوده رئیس
شورشیان میشود صد و پنجاه هزار نفر قشون لهستان برضد روس حاضر میگردند (عثمانی) میلش نام در سربستان
از طرف اهالی بوالیگری منصوب میشود

سنه ١٢٤٧ هجری — سنه ١٨٣١ مسیحی

آسیا (ایران) موکب اعلیحضرت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه در غره محرم اینسال از چمن فیهرود حرکت فرمود و عبدالله خان
امین الدوله بتفریغ محاسبه فارس روانه شد ولی در قمشه بنواب حسنعلی میرزا فرمانفرمای فارس رسیده لهذا بازگشت
وحضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا را بازای خدماتیکه کرده بودند باعطای یکقطعه شمشیر جواهر نشان مباهی
از کرمان احضار فرمودند و موکب همایون بچمن سنگباران تشریف فرما شده و این چمن را کلبادان نام دادند و ارغون میرزا ولد
نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه که در سبزوار بخودسری حکومت میکرد و از نواب احمد علیمیرزا تمکین نمینمود چون اهالی
سبزوار بروی شوریدند از راه بیابان جندق باردوی همایون آمده بتوسط عم خود شاهزاده حسنعلی میرزا فرمانفرما معفو
گردید همدر این سال در شب ششم شهر صفر المظفر حضرت بخشنده بیمنت نواب مستطاب شاهزاده اعظم محمد میرزا
(محمد شاه) را فرزندی ارجمند عنایت فرمود و نام نامی آنحضرت را ناصر الدین میرزا نهادند (اعلیحضرت همایون ناصر الدین شاه
خلد الله ملکه و سلطانه) همدر این اوان موکب خاقانی بسرچشمه آب زاینده رود و آب کرزن تشریف بردند و از آنجا بقریه ده کرد
چارمحال نزول اجلال فرمودند و از آنجا که مقصود از احضار حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد از کرمان نظم خراسان
بود حضرت معظم خسرو میرزا فرزند خود را با یوسفخان گرجی امیر توپخانه بتوقف کرمان مامور و سلیمانخان سرهنگ را با فوج
شقاقی بیزد فرستادند که نزد امیرزاده سیف الدوله میرزا اقامت نماید و خود با شش عراده توپ و سه فوج نظام راه اردوی
همایون را پیش گرفتند و در منزل قمشه محمد حسینخان دولو سالار بار بحضور حضرت مستطاب معظم مشرف شده شمشیر جواهر
نشان مسطور در فوق را تقدیم نمود و در غره ربیع الثانی در قریه ده کرد بحضور همایون تشرف جستند و پس از بذل

عواطف

عواطف و مکارم شاهانه که از جمله جامی از زر ناب بود فرمان اختیار ممالک شرقیه متعلقه بدولت ایران را طولاً تا رود جیحون
و عرضاً تا آب ترک باسم حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد نوشته شد و مقرر گردید که از راه سمنان و دامغان روانه
خراسان شوند و بقیه انقیاد کامل بر رقبه خوانین آنسامان نهند و کلیه آن نواحی را نظمی شایان دهند و پنجاه هزار
تومان بخارج سفر بحضرت مستطاب معظم مبذول شد و چون نواب امیرزاده فریدون میرزا ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه
از جانب پدر والاگهر نیابت آذربایجان داشت محمدخان زنگنه امیر نظام بخدمت نواب امیرزاده معزی الیه و امارت آذربایجان
مامور شد و میرزا اسحق نبیره میرزا بزرگ قایم مقام بوزارت آذربایجان برقرار گردید و ولایت کرمان بسیف الملوک میرزا
فرزند نواب ظل السلطان مفوض گشت و قرار دادند امیرزاده خسرو میرزا با یوسفخان امیر توپخانه از راه بیابان تون و
طبس و تا یبنات رفته از آنجا باردوی حضرت مستطاب نایب السلطنه ملحق شوند و علیخان پسر عبدالرضاخان یزدی که برسم
گروکان در درگاه حضرت مستطاب معظم بود بآذربایجان فرستاده شد و حضرت مستطاب نایب السلطنه با حصول اجازه
از آستان مبارک باصفهان تشریف آورده بعد از سه روز توقف از راه کاشان بورامین طهران آمده راه خراسان پیش
گرفتند و شرح آن بیاید همدر این اوان موکب همایون تشریف فرمای اصفهان شد و عبدالرضاخان یزدی و شفیع خان
راوری هنگام حرکت امیرزاده خسرو میرزا با فوق و الوار گریختند یوسفخان گرجی و سلیمانخان گیلانی بحکم حضرت مستطاب نایب
السلطنه با فوق را گرفتند و شفیع خان دستگیر شده او را باردبیل بردند ولی عبدالرضاخان از باقوق بجانب طبس فرار کرد
همدر اینسال دویست هزار تومان بر رعایای فارس تخفیف دادند و موکب همایون از راه نطنز و جوشقان و نراق عزیمت طهران
فرمود همدر اینسال طاعون شدید در مازندران و گیلان بروز کرده خلقی را بکشت اما موکب حضرت مستطاب نایب السلطنه
که بطرف خراسان انتهاض نموده بود در راه عساکر سمنانی و دامغانی و اوصانلو و مازندرانی برکاب والا پیوستند و بعد از
ورود بسبزوار نواب قهرمان میرزا فرزند خود را حکمرانی آنولایت دادند و محمدرضاخان فراهانی بوزارت او برقرار گردید
چون موکب والا بحوالی سلطان میدان رسید ناچار رضاقلیخان زعفرانلو حاکم خبوشان سلطان میدان را متصرف داد و قلعه
میان ولایت را هم خالی کرده حضرت مستطاب الاحکومت میان ولایت را بمیرزا موسی نایب گیلانی برعهده موکول داشتند و بجانب
ارض اقدس حرکت کردند و محمدزمانخان قاجار دولو را بنیابت در نیشابور گذاشتند یلنگ توش خان کلانتر جلایر برکاب والا
آمده بسفارت خوارزم مامور شد و نواب احمدعلی میرزا روانه دارالخلافه گردید و امیرزاده خسرو میرزا از راه بیابانات طبس
آمده با میر علینقیخان وکیل طبس مامور ترشیز و تصرف قلعه سلطان آباد گردید و آن قلعه را بضرب توپ مسخر کرد و جعفر
قلیخان ترشیزی امان یافت و علی اصغرخان بسطامی که ابتدا قلعه رفته حاجی فیروز الدین افغان که بعد از اغتشاش کار
خود بترشیز آمده بود در این ایام مقتول شد و امیرزاده خسرو میرزا مصطفی قلیخان ترشیزی و برادران او را بارض اقدس
آورده بالتفات حضرت مستطاب نایب السلطنه نایل گشتند همدر این اوان بدیع الزمان میرزا ولد نواب محمدقلی میرزای
ملک آرا بخدمت حضرت مستطاب نایب السلطنه مامور شد و جان مکدانالد کینز سفیر انگلیس در تبریز درگذشت و
مستر کمپل صاحب بجای او مامور تبریز شد همدر این اوان شاه مراد بیک مشهور بمیر راوند دزد از اکراد کردستان که
حکومت کوی و حریر داشت بملوک سا و جبلاغ مکری دست اندازی کرده لهذا لشکر بتنبیه او مامور شد و او را مقهور
و منهزم نمودند همدر اینسال باز در میان محمدحسین میرزای حشمت الدوله و محمدتقی میرزای حسام السلطنه خلاف
و جنگ در گرفت و حسام السلطنه بمنازعه مبادرت نموده باشتعال نایره قتال پرداختند و لشکر کرمانشاهان
حسام السلطنه را شکست داده ببروجرد رفت و حشمت الدوله بروجرد را محاصره نمود و غلامحسینخان سپهدار از

در بارهایون برفع ابنغا بلیه مامور کردیده حشمة الدوله بکرمانشهان باز کشت و بروجرد را سپهدار ضبط کرده حسام السلطنه با فرزندان خود بحضور همایون آمده چهار ماه التفاتی ندیده بعد از آن معفو و روانه بروجرد کردید همدر این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه نواب امیرزاده طهماسب میرزا ابن دولتشاه را با چهار هزار پیاده و سوار آذربایجان بخراسان احضار فرمودند همدر اینسال امیر اسد الله خان عرب خزیمه حاکم قاینات در حضرت مستطاب نایب السلطنه از عبد الرضا خان یزدی که از باقی کریخته بود شفاعت کرده و حضرت معظم او را معفو فرمودند و محمد خان قرائی نیز بخدمت حضرت والا آمده مورد التفات شد و موکب والا عزیمت خبوشان فرمود و رضا قلیخان زعفرانلو حاکم خبوشان میرزا ابو القاسم قایم مقام را در حضرت والا شفیع قرار داد ولی این شفاعت آن عزیمت را مانع نیامد وفات حاجی محمد حسن نایینی از مشایخ عرفا در نود و شش سالکی وفات محمد مهدیخان مازندرانی متخلص بشحنه که در چهار باغ جدید اصفهان در مقبره ملا محمد سراب که از اجداد امی او بود مدفون کردید **اروپا** بروز وبا در انکلیس و المان (بلژیک) در این مملکت سه نفر را برای سلطنت انتخاب مینمایند یکی دوک دنمور پسر پادشاه فرانسه دیکری دوک دلشتن برگ پسر اوژن بهبنا پلیون سیم لئوپلد والی ساکس از این سه نفر سیمی قبول میشود و موسوم بلئوپلد اول میکردد هلاندیها حمله ببلژیک مینمایند ولی پنجاه هزار نفر قشون فرانسه بکمک اهالی بلژیک هلاندیها را عقب مینشانند (ایطالیا) انتخاب کرکوار شانزدهم بپاپی شورش و انقلاب در بعضی از شهرهای ایطالیا جلوس شارل آلبرت در پیمن (پرتوغال) منازعه پرتوغال با فرانسه و انکلیس امیرال فرانسه سفاین پرتوغال را در دهنه رود خانه تاژ که از پای تخت یعنی لیزبن میکذرد حبس میکند دن پدر پادشاه برزیل برادر پادشاه پرتوغال سلطنت برزیل را باسم پسرش دن پدر دوم نموده خود بداعیه سلطنت پرتوغال بجانب فرنک می آید فرانسه و انکلیس با دن پدر مساعدت مینمایند (فرانسه) شورش سخت در لیون انقلاب و آشوب در پاریس جمعیت فرانسه در اینسال سی و شش کرور میباشد (یونان) بواسطه عدم تعیین پادشاه رؤسای جمهوری با یکدیکر مخالفت دارند (روس) منازعه سخت لهستانی با روس مامور شدن دیبیچ سردار روس بلهستان بروز وبا در لهستان دیبیچ که نزدیک بود بفتح و نصرت نایل کردد از ناخوشی وبا میمیرد کراندوک قسطنطین هم از همین ناخوشی در لیتوانی وفات مینماید پسکویچ بحکومت و سرداری لهستان مامور و برقرار میکردد و این مملکت را فتح مینماید فراریان لهستان بجانب دول پناه میبرند (عثمانی) قوانین جدیده که سلطان محمود خان ایجاد میکند پسند اهالی نیست و بدینواسطه خانه های اسلامبول را در خفا آتش میزنند در بغداد طاعون و وبا بکمرتبه بروز میکند محمد علی پاشای مصری مصمم تصرف شام است

سنه ۱۲۴۸ هجری — سنه ۱۸۳۲ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا نواب خسرو میرزا را بنیابت ارض اقدس داده بعزم هرات براولنک با قوچان آمده و از آنجا بچناران تشریف برده و امیرآباد را که حصنی حصین بود و سیصد نفر تفنکچی زعفرانلو آنرا حراست مینمود بحکم حضرت معظم عساکر منصوره بقهر و غلبه کرفتند و یوسفخان امیر توپخانه که مردی دلیر بود در اینواقعه مقتول شد و کریمخان زعفرانلو برادرزاده ممش خان کرد چنارانی حکومت امیرآباد یافت و چون این فتح بعرض اعلیحضرت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه رسید پانزده هزار تومان و پنجاه دست خلعت مصحوب حسنخان سالار بار برای حضرت مستطاب نایب السلطنه فرستادند و شاهزاده ملک قاسم میرزا که از آذربایجان بطهران آمده بود نیز بخدمت حضرت مستطاب معظم روانه شد و پنجهزار نفر قشون نیز روانه خراسان شدند که ممد تسخیر خبوشان باشند رضا قلیخان ایلخانی زعفرانلو مشوش شده اهالی قلاع را در شهر خبوشان جمع کرد و حسینعلی خان پسر خود را با هزار سوار و تفنکچی

در قلعهٔ شیروان ده فرسنگی خبوشان جای داد نجفقلیخان شادلو در ظاهر بموافقت ایلخانی و در باطن بقصد خدمت
دولت جعفرقلیخان پسر خود را که داماد ایلخانی بود با هزار نفر شمخالچی از شادلو بخبوشان آورده و برج و باره‌های دروازه
شهر را بایشان سپرد حضرت مستطاب نایب السلطنه از امیرآباد حرکت کرده با میرزادکان وارد طاسر تپه دو فرسنگی خبوشان
کردیدند و نجفقلیخان حسب الوعده برکاب والا آمد همدرین اوان عریضه کامران میرزا و یار محمدخان افغان بحضور حضرت
مستطاب نایب السلطنه رسیده مضمون اینکه اگر منظور اتلاف رضاقلیخان ایلخانی است ما از او امداد خواهیم کرد و اگر
مقصود اصلاح است بدان اقدام نمائیم حضرت مستطاب معظم جوابی بمقتضای اصلاح حال نفرستاده داده واو باز گشتهم
در این اوان یلنک توشخان جلایر کلاتی و ریش سفیدان سالور از سرخس برکاب والا آمده آنهارا بمشهد مقدس روانه نمودند از کلات م
و حکمی در نکاهداری آنها با میرزاده خسرو میرزا صادر شد بالجمله رضاقلیخان بقلعه‌داری پرداخت و حضرت مستطاب نایب
السلطنه بعد از ترتیب سپاه و تمهید مقدمات قلعه‌گیری بعساکر منصوره حکم یورش فرمودند توپچیان مشغول
شلیک کشتند هنگامه سختی در گرفت و کار بر رضاقلیخان تنک شد تا چار وسایط برانگیخت و آخر الامر اطمینان یافته شمشیر
بگردن باردوی والا آمد و قراول برای محافظت او معین شد و خبوشان بتصرف عساکر نصرت نشان در آمد و ذخایر حربیه
رضاقلیخان را تصاحب نمودند و سام خان پسر رضاقلیخان ایلخانی شد و نورمحمدخان برادر اللهیارخان آصف الدوله بحکومت
اتخلو برقرار کردید و صادقخان نام برادر بکلرخان که در اردو بود و کاغذی برضاقلیخان نوشته و او را بشبیخون
باردو تحریک کرده پس از بروز نوشته مقتول شد و جسد او را بدر خیمه رضاقلیخان انداختند و چون حضرت مستطاب
نایب السلطنه باطنا قصد تصرف سرخس را داشتند قشون رکابی و افواج آذربایجانی را ظاهرا مرخص فرموده حکم شد از
راه نیشابور بولایت جام رفته در آق دربند جمع باشند و موکب والا در دویم جمادی الاولی بارض اقدس ورود نمودند و
رضاقلیخان در ارک مشهد مقدس محبوس شد و موکب والا در دوازدهم ماه مزبور حرکت کرده در شانزدهم بآق دربند
رسیدند و دسته‌جات لشکر از اطراف باردوی والا پیوستند و در بیست و دویم جمادی الاولی در سرخس نزول فرمودند و قلعه
سرخس را نیز بقهر بکرفتند و بسیاری مقتول شده هزار خانوار از ترکمن را بارض اقدس بردند و غلات قلعهٔ سرخس را بارض اقدس
حمل نمودند و چندین هزار نفر اسرای شیعه مستخلص کردیدند پس از آن موکب والا در اواخر ماه رجب بجمعو آباد جام که در تصرف
محمدخان قرائی بود آمد و فورا این ناحیه را مسخر کردند و حکومت جام و باخرز را بابراهیمخان حاکم سابق هزاره دادند پس از آن
سایر قلاع محمدخان را متصرف شده محمدخان مقید و برادران او دستگیر آمدند و حکومت ولایات ترتیب و بترشیز و کدکن و
محولات و سرجام بر عهدهٔ سهرابخان گرجی موکول شد و زمام اختیار کار ابراهیمخان هزاره را نیز احتیاطا بدست او دادند
مصطفی خان سمنانی و حسنخان سالار با رد و از دار الخلافه شدند و موکب والا عزیمت ارض اقدس نمود و محمدخان قرائی
با رضاقلیخان زعفرانلو در ارک محبس محبوس شدند همدرین اوان حضرت مستطاب نایب السلطنه یار محمدخان امین الدوله
وزیر کامران میرزای افغان حاکم هرات که در باب تعیین کامران میرزا بدولت علیه و الحاق ایالت هرات بممالک محروسه گفتگوها
فرمودند و فرستاده محمدعلیخان خوقندی که برکاشغر و ختا استیلا یافته بحضور حضرت معظم آمده مورد تفقدات کردید
همدرین اوان برحسب استدعای حضرت مستطاب نایب السلطنه اعلیحضرت همایون خلعت ایالت خراسان را برای نواب
شاهزاده اعظم محمد میرزا (محمد شاه) فرستادند و میرزا موسی نایب شیخ بوزارت شاهزاده معظم برقرار و میرزا صادق
نبیرهٔ میرزا بزرگ قایم مقام بوزارت جزئیات و معاملات مقرر کردید و شش فوج سرباز از مشهد و سبزوار و نیشابور
و ترشیز گرفتند و خانزاده‌ها خراسان بجای خود بمنصب آنها منصوب شدند و چهار هزار سوار از ایلات کرد و ترک خراسان

بملاحظه

بملازمت معین گشتند و میرزا موسی خان برادر کهتر میرزا ابو القاسم قایم مقام ناظم کل معاملات سرکار فیض آثار حضرت
رضوی سلام الله علیه کردید و بدین وضع کل امور خراسان را حضرت مستطاب نایب السلطنه منظم فرمودند نیز از وقایع این
سال آنکه محمد علیخان ایلخانی ایلات فارس بواسطهٔ سعایتی که میرزا محمد علی مشیر الملک وزیر فارس از او در خدمت نواب
حسینعلی میرزای فرمانفرما نموده بود خایف کردیده در هنگامیکه نواب شاهزاده به بندر بوشهر رفته بودند ایلخانی
ایلات خود را که پنجاه هزار خانوار بودند بجانب کرمان حرکت داد و میرزا محمد حسین وکیل حاکم فسا و داراب جرد نیز با آنها
موافقت نمود نواب فرمانفرما شیخ عبد الرسول خان دریا بیگی را برداشته بشیراز آمدند که باصلاح اینکار پردازند و از
آنطرف شاهزاده سیف الملوک میرزا ابن ظل السلطان حاکم کرمان ایلات را بحوالی کرمان منزل و مرتع داد و میرزا محمد حسین
وکیل و میرزا قاسمخان خلج داماد ایلخانی عریضهٔ از ایلخانی بخراسان بحضور حضرت مستطاب نایب السلطنه بردند و نواب
فرمانفرما شیخ عبد الرسولخان را مرخص و روانهٔ بندر بوشهر کردند که خود بجهت برگردانیدن ایلات بجانب کرمان
روند و شیخ عبد الرسولخان چون سالم خان حاکم برازجان را در سنوات قبل بقتل رسانیده بود و اهالی دشتستان
کمال عداوت را با او داشتند و از خوف فرمانفرما اقدام بخلاف نمیکردند در اینموقع که نواب فرمانفرما عزیمت کرمان
کرده و مآل سفر معلوم نبود وقت بدست آورده شیخ عبد الرسولخان که بدالکی رسیده بود را او را گرفته بجنگ و زد و خورد
مشغول کشتند و او را بضرب گلوله کشتند و اموال او را غارت کردند بالجمله نواب فرمانفرما با جمعیتی بطرف کرمان راندند
و در ورود بشهر بابک همشیره ایشان که زوجهٔ مرحوم ابراهیمخان عمزاده حاکم سابق کرمان بود و در شهر بابک توقف داشت
نواب فرمانفرما را بشهر دعوت کرد و اینشهر را متصرف شدند و شیخ الاسلام فارس را بطلب ایلخانی فرستادند ایلخانی بخدمت
فرمانفرما آمد ولی ایلات را سیف الملوک میرزا نگاهداری نموده نفرستاد و از آنجا که اهالی کرمان نیز از سوء سلوک سیف الملوک میرزا
شاکی بودند بکرو زکه بشکار رفته بود با تقویت باطنی نواب فرمانفرما عصر که مراجعت نمود او را بشهر کرمان راه ندادند و کار
سیف الملوک میرزا منجر برفتن یزد شد و ایلات فارس مثنا بعث کرده باین مملکت رفتند و نواب فرمانفرما باستخلاص قلعهٔ کرمان یعنی بفارس
رفتند علینقی خان قراگوزلو سرهنگ فوج همدانی از تصرف دادن شهرابا نمود نواب والا قلعه را محاصره کرده بگرفتند و
ارغون میرزا ابن نواب شجاع السلطنه که شاهزادهٔ دلیر بود با مصطفی قلیخان برادر ایلخانی فارس در اینواقعه مقتول گشتند
و پس از آنکه نواب فرمانفرما قلعهٔ کرمان را مفتوح ساختند اصلا از علینقی خان مؤاخذه ننموده او را و عیال سیف الملوک میرزا
را که صبیهٔ محترمه حضرت مستطاب نایب السلطنه بود با کمال احترام روانهٔ یزد فرمودند و نواب هلاکو میرزا فرزند اکبر نواب
شجاع السلطنه را با پیشکاری میرزا حسن نظام العلماء بحکمرانی کرمان گذاشته معاودت بفارس نمودند و حضرت مستطاب
نایب السلطنه سیف الملوک میرزا و سیف الدوله میرزا را از یزد و کرمان بطهران مامور نمودند و نواب قهرمان میرزا
فرزند خود را به پیشکاری محمد رضا خان فراهانی بحکومت یزد فرستادند هم در این اوان میرزا ابراهیم مسیحی برادر مهتر
منوچهر خان گرجی از جانب ژنرال بارون دارزن حکمران گرجستان بدربار همایون آمد و در مراجعت او میرزا محمد مهدی
ابن محمد زکیخان سردار نوری بسفارت تفلیس مامور شد نیز گراف سیمانا و یچ وزیر مختار روس بدربار معلی آمده بعد از
تبلیغ مطالب با اعزاز تمام مراجعت کرد و میرزا الکساندر مترجم او بخراسان رفته که بحضور حضرت مستطاب نایب السلطنه
مشرف شود و هدیه و نامهٔ امپراطور را برساند هم در این اوان اسرای سرخس را که بیچهار از نفر بودند بتوسط الله قلیخان
توره خوارزمی حضرت مستطاب نایب السلطنه مرخص فرمودند و در موقعی که موکب والا عازم هرات بود بدار الخلافه
احضار شدند هم در اینسال غلاء در اغلب بلاد ایران اسباب مشقت اهالی بود اروپا دول فرانسه و انگلیس و روس

اتهن پسر پادشاه باویرا بسلطنت یونان تعیین میکنند (بلژیک) مزاوجت پادشاه تازهٔ بلژیک با دختر لوی فلیپ
پادشاه فرانسه (انکلیس) عزل ولنگتن از صدارت و نصب لرد گری بجای او (اسپانیا) ناخوشی سخت پادشاه و
واگذار کردن سلطنت را بزوجهٔ خود (فرانسه) طغیان و باد را ین مملکت فوت دوک دو ریشتاد پسر ناپلیون اول در شونبرون
نزدیکی وینه فتح بعضی بلاد در الجزایر (پرتوغال) غلبهٔ دن پدرو برادر خود وحمایت کردن انکلیس از دن پدرو با سخت
در پرتوغال (روس) غلبهٔ کلی روس در ورشو و ملقب شدن بسکویچ بلقب پرنس ورشو (عثمانی) ابراهیم پاشا ابن
محمد علی پاشای مصر شام را فتح کرده عکا را میگیرد و حمص و انطاکیه را نیز متصرف میشود و بقیهٔ قشون را تا خند رشید پاشای صدر اعظم
را شکست داده او را اسیر میکند و بطرف اسلامبول میراند (امریکا) (اناتوی) و بای سخت که از اروپا بامریکا رفته بود

سنه ۱۲۴۹ هجری — سنه ۱۸۳۳ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد عباس میرزا که بدربار همایون احضار شده بودند
نواب شاهزادهٔ اعظم محمد میرزا (محمد شاه) والی خراسان را در این مملکت گذاشته میرزا موسی نایب منشی را با پانزده هزار سوار
و پیاده بخدمات و اوامر ایشان مامور و محکوم نموده خود راه دار الخلافه پیش گرفتند میرزا ابوالقاسم قایم مقام و رضا
قلیخان کرد زعفرانلو و محمد خان قرائی و عبدالرضا خان یزدی و محمد تقیخان حاکم ترشیز و مهدیقلیخان برادر محمد خان
قرائی و جعفر قلیخان ولد نجفقلیخان شادلو ملتزم رکاب والا بودند روز بیست و پنجم محرم بدار الخلافه ورود نمودند
و بر حسب امر اعلیحضرت صاحبقران فتحعلیشاه جمیع وزرا و شاهزادگان با توپخانه و زنبورکخانه وغیره تا دو فرسخی
حضرت معظم را استقبال کردند پس از ادراک حضور خاقانی مرحمتی زیاده از حد درباره حضرت مستطاب نایب السلطنه
مبذول شد و چون اعلیحضرت همایون در باغ نگارستان اقامت داشتند برج نوش برای منزل حضرت معظم مقرر
کردید و رضا قلیخان و محمد خان را در ارک محفوظ داشتند و عبدالرضا خان یزدی را در فراشخانه خارج ارک متوقف
ساختند و چون نسبت بشاهزاده محمد ولیمیرزا والی سابق یزد خلاف کرده بود بدستکاری شاهزاده بیزد خود را سپرد
و در این اوان بازایالت یزد با سیف الدوله میرزا شد و نواب قهرمان میرزا و محمد رضا خان قراهمانی بماموریت خراسان شدند
محمد تقیخان عرب بلمش مست مرخص و ملتزم رکاب حضرت مستطاب نایب السلطنه شد و رضا قلیخان کرد و محمد خان قرائی
را روانهٔ تبریز کردند رضا قلیخان در میانه در گذشت و محمد خان در تبریز محبوس شد نواب خسرو میرزا از تبریز آمده
و با بعضی از افواج بخراسان رفت محمد حسینخان زنگنه ایشیک آقاسی باشی حضرت مستطاب نایب السلطنه و میرزا بابای
طبیب تبریزی حکیمباشی خاصه بسفارت روس و انکلیس مامور و روانهٔ تبریز شده که در آنجا تهیهٔ خود را دیده بمحل
ماموریت خود روی نمایند هم در این اوان نواب محمد قلیمیرزای ملک آرا و محمد تقی میرزای حسام السلطنه بواسطهٔ عزل و محمد حسین میرزای حشمة الدوله
از ولایات خود بدار الخلافه آمدند میرزا محمد تقی علی آبادی صاحب دیوان از انشاء ممالک معزول و میرزا محمد تقی نوائی ابن
میرزا رضا قلی نوائی وزیر سابق منشی الممالک شد هم در این ایام حضرت مستطاب نایب السلطنه با اجازهٔ همایون عزم باز
گشت خراسان فرموده در نوزدهم ربیع الاول حرکت کردند و خاقان صاحبقران را نوبه عارض شده و باستعمال گنه گنه
رفع شد هم در این اوان نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه بکرمان بازگشت و حضرت مستطاب نایب السلطنه ده روز
در چمن کالپوش توقف کرده متعاقباً بعضی از عساکر و ملتزمین رکاب والا باردوی معلی پیوستند آنگاه استنهاض فرمودند و در
بسطام مجدداً شاهزادهٔ اعظم محمد میرزا (محمد شاه) را مامور هرات نمودند و نواب خسرو میرزا با افواج و توپخانه
ملتزم رکاب نواب معظم گردید و نجفقلیخان شادلو و امیر علینقی خان عرب و امیر اسدالله خان در عرض راه هرات

باردوی شاهزادهٔ اعظم پیوستند و میرزا موسی نایب شیخ تبریز با پانزده هزار قشون در خدمت نواب مستطاب شاهزاده روانهٔ هرات شد و حضرت مستطاب نایب السلطنه بعد از حرکت فرزند اکرم بزرگوار از ارض فیض آثار در اوایل جمادی الاولی از خبوشان بمشهد مقدس آمدند و سواره و پیاده که ملتزم رکاب آنحضرت همراه بودند قایم مقام مامور شدند که از دنبال نواب شاهزادهٔ با احتشام روانهٔ هرات گردند و سویه و غوریان که در دست گماشتگان یار محمد خان وزیر کامران افغان بود و یار محمد خان در ارض اقدس دستگیر چون اردوی شاهزادهٔ معظم بدین نواحی رسید کوسویه را به یورش گرفتند و متوجه غوریان شدند کامران میرزا والی هرات با پنجهزار نفر باستقبال عساکر منصوره آمد و در پل نقره سه فرسخی هرات قشون تلاقی کرده در اول حمله افاغنه مقهور گردیده بهرات گریختند و اردوی والا به نیم فرسخی هرات نزول نمود و قایم مقام در حین عبور دو هزار نفر بمحاصرهٔ غوریان گذاشته و خود بحضور نواب شاهزادهٔ اعظم آمد و کامران میرزا بار دیگر لشکری جرار بمقاتلت و مقابلت سپاه منصور فرستاده این دفعه نیز مغلوب و منکوب شده فرار کردند مقارن این احوال قلوب اهل مملکت گرفتار فزع و اهوال گردید تبیین آنکه سابقا حضرت مستطاب نایب السلطنه را ورم کلیه عارض و رفع شده بود در هنگام حرکت و معاودت بخراسان آن ناخوشی عود کرده و اطبای مخصوص که همیشه ملتزم رکاب آنحضرت بودند در آنوقت عقب مانده بنابراین بیماری اشتداد بهم رسانید و منجر باسهال کبد شد حضرت مستطاب شاهزادهٔ مملکت ستان نایب السلطنه و ولیعهد دولت علیهٔ ایران عباس میرزا که از بزرگی عرصهٔ جهان بر او تنگ بود پس از وصایا و بیانات متفرقه شب پنجشنبه دهم ماه جمادی الثانیه راه غرفات جنان پیش گرفت و در روضهٔ مقدسه حضرت رضا علیه آلاف التحیة والثناء مدفون گردید

در دل خاکش نهان کردند و میگفت آسمان ... از سر رشک و حسد یا لیتنی کنت تراب

مدت عمر شریف حضرت شاهزادهٔ مرحوم مطابق تراه چهل و هفت سال و اولاد ذکور ایشان بیست و شش نفر و اناث بیست و یکنفر و اسامی پسران با عز و شان حضرت شاهزاده از اینقرار است

نواب شاهزادهٔ اعظم محمد میرزا (محمد شاه) نواب بهرام میرزا (معز الدوله) نواب جهانگیر میرزا نواب بهمن میرزا نواب فریدون میرزا نواب اسکندر میرزا نواب خسرو میرزا نواب قهرمان میرزا نواب اردشیر میرزا (رکن الدوله) نواب احمد میرزا نواب سلطان مراد میرزا (حاجی حسام السلطنه) نواب فرهاد میرزا (حاجی معتمد الدوله) نواب فیروز میرزا (فرمانفرما) نواب منوچهر میرزا نواب لطف الله میرزا نواب جعفرقلی میرزا نواب حمزه میرزا (حشمة الدوله) نواب مصطفی قلی میرزا نواب خانلر میرزا (احتشام الدوله) نواب عبدالله میرزا نواب مهدیقلی میرزا نواب ایلدرم بایزید میرزا نواب محمد رحیم میرزا (ضیاء الدوله) نواب بهادر میرزا نواب محمد کریم میرزا نواب جعفر خان

مآثر معظم حضرت ولیعهد رضوان جایگاه از ابنیهٔ معتبره مثل قلعهٔ عباس آباد در کنار رود ارس و خاک نخجوان و قلعهٔ اردبیل و قلعهٔ تبریز و قلعهٔ خوی و قلعهٔ کوردشت در کنار ارس و کنار قراچه داغ وغیرها و عزم و حزم و نشر عدل و انصاف و لشکرکشی و مملکت ستانی و قوانین کشورداری و بزرگی و بزرگواری و ملاطفت با رعایا و برایا و مخصوصا ترتیب نظام جدید و انشاء صنایع خاصه صنعت انطباع وغیره چندانست که فی الحقیقه کتابی جداگانه بایستی وفا بنگارش آن نماید و نعم ما قال

ما هز عطفیه بین البیض والاسل ... مثل الخلیفة عباس بن فتحعلی

بالجمله این خبر وحشت اثر را میرزا علینقی رکن ملازم اللهیارخان آصف الدوله بدار الخلافه رسانید و کسی را یارا نبود که

بعرض

بعرض حضور همایون رساندند تا دو تن از شاهزادگان خورد سال لب بانیمقال محنت اشتمال کشودند و انتشار این ربت
نه تنها خاقان کشورستان و خانوادهٔ سلطنت را سوگوار کرد بلکه عموم اهل ایران قرین تحسّر و ملال و دوچار تأسف و
کلال کردیدند و بتعزیت و فاتحه خوانی پرداختند و از آنطرف نواب شاهزادهٔ اعظم محمد میرزا بر حسب مصلحت وقت با کامران
میرزای افغان که شکوی صلحی کرده با قلبی محزون و خاطری اندوهگین از دور هرات حرکت نمودند و در منزل کوسویه
دو بیست خانوار سکنهٔ آنجا را کوچانیده بامیر اسدالله خان عرب حاکم قاینات سپردند و خوانین عرب را مرخص فرموده
در رباط کافر قلعه نیز دسته جات سواره رکابی را رخصت دادند و در اواخر جمادی الثانیه وارد مشهد مقدس شدند و
بعزاداری پرداختند و پس از چندی فتحعلیخان شادلو با فرستادهٔ کامران میرزای افغان بحضور والا مشرف شده
پانزده هزار تومان و پنجاه بسته شال کشمیری پیشکش کامران میرزا را تقدیم نمود اما اعلیحضرت صاحبقران نظر بپاس
خدمات ولیعهد جنت مهد و طایفه بزاه و لیاقت و بزرگواری نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا ولایت خراسان و ولایت آذربایجان
را بنواب مستطاب معظم دادند و یکصد دست خلعت مصحوب محمد خان قاجار دولو خال حضرت شاهزادهٔ اعظم بخراسان
ارسال داشتند و میرزا محمد خان بیگلربیگی ولد آصف الدوله نیز با یکصد دست خلعت بآذربایجان رفته عزاداران و
ولایت را از لباس سیاه بیرون آوردند هم در اینسال نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس آقا بابا خان مازندرانی را
بگرفتن مرتضی خان ایلبیگی فارس مامور نموده او را در قلاع فیروزآباد گرفته و چون ایلبیگی زخم گلوله برداشته بود بعد از
رسیدن بشیراز درگذشت و محمد علیخان ایلخانی برادر مهتر او را با میرزا علی اکبر قوام الملک در شهر شیراز محبوس داشتند
هم در این سال در ایام نوروز بیست و چهار معلم انگلیسی که یکنفر از آنها کلنل یعنی سرهنگ بود از هندوستان برای مشق
سپاه ظفر همراه بایران آمدند هم در این سال موکب همایون بزیارت حضرت معصومه سلام الله علیها رفته بشمیرطاق ورود
بقعهٔ مبارکه حکم فرمودند و بعد از مراجعت سور نواب سلطان محمد میرزای سیف الدوله حاکم اصفهان و جشن عروسی شاهزاده
فرخ سیر میرزا و نواب صاحبقران میرزا کرفته شد و حسینعلی خان معیر الممالک ابن دوستعلی خان بسطامی و سلیمان خان افشار
بشرف مصاهرت حضرت خاقان مشرف گشتند هم در این اوان نواب خسرو میرزا در آق دربند با ترکمانان بمنازعه پرداخته
و غالب آمده و غروری بهمرسانیده باغوای بعضی بی اذن نواب شاهزادهٔ اعظم والی خراسان بدار الخلافه آمده مورد قهر
اعلیحضرت خاقان کردیده در خانهٔ عم خود نواب ظل السلطان اقامت گزید هم در این سال ادستوف نامی از جانب
دولت روس بتعزیت ولیعهد خلد مکان اسکنه الله فی روضات الجنان مامور شد و در اوایل سال بعد بدار الخلافه آمد
اروپا (المان) ملاقات سلاطین روس و پروس و اطریش (انگلیس) اُکنل ارلند را برضد انگلیس میشوراند (اسپانیول)
دُنکارلُس برادر پادشاه خود را بسلطنت اسپانیول برقرار میسازد فردیناند هفتم پادشاه اسپانیول در حالت
مرض دختر چهار ساله خود ایزابل را بسلطنت جلوس میدهد و زوجهٔ خود را نایب السلطنه او قرار داده فرانسه و انگلیس
ملکهٔ چهار ساله را بسلطنت میشناسند جمعیت اسپانیا در اینسال بیست و چهار کرور و صد هزار نفر است (فرانسه)
پادشاه مصمم است که بجهة حفظ شهر قلعه جات نظامی مجرد دور شهر پاریس بسازد در الجزایر امیر عبدالقادر امیر
مسفرا اعراب را برضد فرانسه میشوراند و پانزده سال مدت شورش الجزایر است (یونان) ورود اُتُن پادشاه
بنیان وضع سلطنت آتن پای تخت دولت میشود ایجاد فشان سور قشون فرانسه بعد از پنجسال توقف در یونان
آنجا را تخلیه میکنند (ایطالیا) مازینی نام جوانان ایطالیا را بشورش اغوا میکند (پرتوغال) منازعه میان دو برادر
کردن پدرو و دن میگل باشد کمک انگلیس به دن پدرو دن پدرو لزبن پای تخت پرتوغال را میگیرد و دنامار یا دختر

چهارده سال بود را ملکه پرتوغال میکند (روس و عثمانی) در این سال سلطان عثمانی بر ضد ابراهیم پاشا کمک میکند
سفاین روس با بسفر بکمک سلطان می آیند قشون زیاد روس راه اسلامبول را که ابراهیم پاشا بانظر میآید حفظ میکنند:
معاهدهٔ دوستی مابین دولتین روس و عثمانی فرانسه و انگلیس که ازاین مصالحه مکدر اند با محمد علی پاشا اظهار دوستی
میکنند و او در ضد سلطان محرک میشوند **امریکا** (مکزیک) بروز وبا در این مملکت

سنه ۱۲۵۰ هجری — سنه ۱۸۳۴ مسیحی

آسیا ۱ (ایران) در اوایل این سال نواب شاهزادهٔ اعظم محمد میرزا (محمد شاه) از خراسان بدار الخلافه آمده روز
دوازدهم ماه صفر جشنی ملوکانه در نگارستان آراسته بنا بر خدمات و زحمات ولیعهد فردوس مهد انار الله برهانه
و آراستگی ذات پسندیده صفات شاهزادهٔ معظم محمد میرزا ولایت عهد دولت علیه را اعلیحضرت خاقان صاحبقران
فتحعلیشاه با ایشان مخصوص داشتند و با وجود اولاد کبار این رتبت و شرافت را خاص حضرت شاهزادهٔ اعظم دانستند
و مقرر شد که بسرپرستی و نظم آذربایجان روانه تبریز شوند و پس از انتظام این مملکت متوجه خراسان کردند نواب
خسرو میرزا با ندامت بخدمت آمد و میرزا محمد پسر میرزا ابو القاسم قایم مقام بوزارت آذربایجان معین شد و روز
شانزدهم صفر موکب حضرت شاهزادهٔ اعظم محمد میرزا (محمد شاه) بعزم تبریز انهاض فرمود و نواب سلطانزاده میرزا
که بایالت قراجه داغ و مضافات اختصاص داشت باستقبال موکب الابرا و جان آمده مورد تفقدات گردید
همچنین نواب اردشیر میرزا که مامور نظم کروس و صاین قلعه بود در قزوین باردوی حضرت معظم پیوسته و بعد از التفات
زیاد از زنجان رخصت انصراف یافت و میرزا ابو القاسم قایم مقام نیز در بیست و یکم صفر از دنبال اردوی والا راه
تبریز پیش گرفت و بنا بر خلاف جهانگیر میرزا و خسرو میرزا آنها را باردبیل روانه و مقید نمودند همانا این سال در نهم
جمادی الاولی موکب خاقان کشورستان بعزم اصفهان انهاض فرموده در چهارم جمادی الثانیه در باغ سعادت آباد
اصفهان نزول اجلال فرمودند و نواب سلطان محمد میرزا سیف الدوله با منشوری سرداری الهیار خان آصف الدوله
به تنبیه بختیاری مامور شد و نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس بحضور همایون مشرف آمده و مقرر شد نواب
محمد تقی میرزا با نواب فرمانفرما بشیراز رفته محصل بقایای چهار ساله فارس باشد و عبد الله خان امین الدوله نیز با
هفت هزار سواره و پیاده تعاقب ایشان رفت و ... ازد و سر و زازقه های آنها روانه شده که حساب فارس را بطور دقت رسیدگی و تفریغ
نماید مفارقت ابجال مزاج مبارک از طریق استقامت منحرف گردید و عصر پنجشنبه نوزدهم ماه جمادی الاخره این سال اعلیحضرت خاقان صاحبقران فتحعلیشاه
درعمارت هفت دست خارج شهر اصفهان به بهشت جاودان روان شدند و از سنوح این حادثهٔ غم افزا اشک تحسر از دیده
پیر و برنا چون رود زنده رود جاری گشت شاهزادگان نعش مطهر حضرت خاقان را پس از تغسیل و تکفین در تخت
روان گذاشته بقم حمل نمودند و در بقعه که یکسال قبل بامر خود خاقان مغفور ساخته شده بود دفن کردند مدت عمر
خاقان مغفور طاب ثراه بروایت اصح سن هفت و شش سال است و ولادت ایشان از نواب مستطاب الحاجی معتمد الدوله
در جام جم در هزار و صد و هشتاد و پنج نوشته اند و مدت سلطنت سی و هشت سال و پنجاه و مآثر کریمه و آثار معظمه
خاقان مغفور السبه الله تعالی حلل النور از قبیل تذهیب ایوان و قبهٔ حضرت سید الشهدا علیه السلام که مبلغ پنجاه
هزار تومان خرج آن شد و نصب ضریح نقره در آن حرم که به بیست هزار تومان تمام شد و بنای قبه و بارگاه حضرت
عباس علیه السلام که چهل هزار تومان صرف آن شده و پنج عدد قندیل طلا که بوزن چهارده من تبریز میباشد برای حرم
حضرت رضا علیه السلام و دو ضریح نقره که هر یک ده هزار تومان تمام شده یکی برای حضرت عبد العظیم و دیگری برای

امامزاده

امامزاده سید میر احمد ابن امام موسی کاظم علیه السلام و بنای قبه حضرت معصومه سلام الله علیها و صحن مقدسه و اتمام درب
مینا و ضریح آنحضرت و بنای مدرسه دار الشفا و تعمیر سد قم که مخارج جمله یکصد هزار تومان رسید و بنای صحن جدید
در جنب روضه حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیة و الثناء و اهدای قندیل مرصع و قندیل طلا بآن روضه منوره
که اینها نیز بچهل هزار تومان تمام شد و بنای جامع دار الخلافه و جامع سمنان و غیرها و بذل عطایای وافره که از جمله عطای سی
هزار تومان قرض میرزا عبد الوهاب معتمد الدوله و بذل ششهزار تومان صله شش قصیده است بمرحوم فتحعلیخان
ملک الشعرا و غیر از اینها بسیار است و از خصایص آن پادشاه رضوان جایگاه کثرت اولاد است که ذکورا و اناثا دویست و
شصت نفر از صلب آن شهریار تاجور بعرصه عالم قدم نهادند و یکصد و پنجاه و نه نفر از ایشان در زمان حیات پدر راه
عالم دیگر گرفتند

اسامی اولاد خاقان مغفور سکنه الله فی ریاض السرور

حضرت عباس میرزا نایب السلطنه که روز چهارشنبه چهارم ذیحجه در سال یکهزار و دویست و سه هجری در محال نوای مازندران
از بطن دختر فتحعلیخان دولوی قاجار متولد شد محمد علی میرزا که متخلص بدولت بود و دولتشاه لقب داشت شب هفتم
ربیع الثانی سال یکهزار و دویست و سه هجری در قصبه نوا متولد شد محمد قلی میرزا که ملک آرا لقب داشت و در
اشعار خسروی تخلص مینمود چهارشنبه بیست و دویم رمضان سال هزار و دویست و سه هجری در قصبه نوا متولد شد
محمد ولی میرزا روز جمعه غره شهر شوال در سال یکهزار و دویست و سه هجری متولد شد حسینعلی میرزای فرمانفرما
در سال یکهزار و دویست و سه هجری روز اضحی در قصبه نوا متولد شد حسنعلی میرزای شجاع السلطنه برادر اعیانی
فرمانفرما جمعه غره ذیحجه سنه یکهزار و دویست و چهار هجری متولد شد و در اشعار شکسته تخلص مینمود محمد تقی
میرزای حسام السلطنه روز شنبه ششم شهر صفر سال هزار و دویست و شش هجری متولد شد و در اشعار شوکت
تخلص میکرد علینقی میرزای رکن الدوله پنجشنبه نوزدهم شهر شوال در سال یکهزار و دویست و هفت هجری متولد شد
شیخعلی میرزا ملقب بشیخ الملوک شب چهارشنبه دهم رجب سال یکهزار و دویست و ده هجری متولد شد علیشاه
ملقب بظل السلطان سه شنبه شهر شعبان سنه یکهزار و دویست و ده هجری متولد شد و او برادر اعیانی نایب
السلطنه است عبد الله میرزا که دارا تخلص مینمود جمعه بیست و چهارم جمادی الاولی سال یکهزار و دویست و یازده
هجری متولد شد امام وردی میرزا ملقب بایلخانی برادر اعیانی رکن الدوله شب چهارشنبه چهاردهم شوال
سال هزار و دویست و یازده هجری متولد شد محمد رضا میرزا در اشعار افسر تخلص کرده روز دوشنبه سیم ذیقعده سال
هزار و دویست و یازده هجری متولد شد حیدر قلی میرزا جمعه پانزدهم صفر سال هزار و دویست و چهارده هجری
متولد شد و در اشعار خاور تخلص نمود محمود میرزا دوشنبه دوازدهم صفر سنه هزار و دویست و چهارده متولد شد
و در اشعار تخلص باسم مینمود همایون میرزا شب جمعه بیست و هشتم جمادی الاخره سال هزار و دویست و شانزده
هجری متولد شد و در اشعار حشمت تخلص مینمود الله وردی میرزا شب سه شنبه بیست و سیم شهر رمضان از مادر بزاد
و سال هجرت هزار و دویست و شانزده بود و در اشعار بیضا تخلص دارد اسمعیل میرزا شب جمعه چهاردهم شعبان
سال هزار و دویست و هفده متولد شد احمد علی میرزا روز جمعه ششم شوال سال هزار و دویست و هیجده متولد شد و او
برادر اعیانی شاهزاده محمود است در اشعار بنام خود تخلص کند علیرضا میرزا برادر اعیانی شاهزاده محمد رضا میرزا است
شب سه شنبه ششم ذیقعده هزار و دویست و هیجده متولد شد کیقباد میرزا شب جمعه نوزدهم صفر سنه هزار

ودویست

و دو یست و بیست و یک هجری متولد شد بهرام میرزا شب پنجشنبه پنجم ربیع الاول هزار و دو یست و بیست و یک هجری
متولد شد شاپور میرزا شب چهارشنبه سیزدهم صفر هزار و دو یست و بیست و دو هجری متولد شد ملک قاسم میرزا روز
چهارشنبه دویم جمادی الآخره سال یکهزار و دو یست و بیست و دو هجری متولد شد منوچهر میرزا شب جمعه چهارم
جمادی الآخره متولد شد در سال هزار و دو یست و بیست و دو هجری هرمز میرزا شب دو شنبه چهاردهم جمادی الاولی سنه
هزار و دو یست و بیست و دو هجری متولد شد ایرج میرزا پنجشنبه غره جمادی الآخره سال هزار و دو یست و بیست و دو
هجری متولد شد کیکاوس میرزا روز جمعه هیجدهم شوال سنه هزار و دو یست و بیست و دو متولد شد شاهقلی میرزا
چهارشنبه یازدهم محرم سال هزار و دو یست و بیست و سه هجری متولد شد محمد مهدی میرزا شب یکشنبه غره شوال سنه
هزار و دو یست و سی و سه هجری متولد شد کیخسرو میرزا برادر اعیانی کیکاوس میرزا است کیومرث میرزای ایلخانی ملقب به
ابوالملوک روز سه شنبه بیست و پنجم جمادی الآخره سال هزار و دو یست و بیست و چهار هجری متولد شد جهانشاه میرزا
او نیز برادر اعیانی شاهزاده محمود است یکشنبه بیست و پنجم رمضان سال یکهزار و دو یست و بیست و چهار هجری
متولد شد سلیمان میرزا سه شنبه چهارم محرم سال هزار و دو یست و بیست و پنج هجری متولد شد فتح الله میرزا چهار
شنبه ... رجب سال هزار و دو یست و بیست و شش هجری متولد شد و ملقب بشجاع السلطنه بوده است ملک منصور میرزا برادر
اعیانی ملک قاسم میرزا است سه شنبه بیست و دویم رجب سال یکهزار و دو یست و بیست و شش هجری متولد شد
هرمز میرزا ملقب بهاء الدوله شب یکشنبه بیست و ستم شوال سال هزار و دو یست و بیست و شش هجری متولد شد
سلطان محمد میرزا ملقب بسیف الدوله است میلادش روز پنجشنبه بیست و ششم جمادی الاولی سال هزار و دو یست و
بیست و هشت هجری سلطان سلیم میرزا شب پنجشنبه بیست و ششم شوال هزار و دو یست و بیست و هشت هجری متولد شد
سلطان مصطفی میرزا جمعه یازدهم ذیقعده هزار و دو یست و بیست و هشت هجری متولد شد سلطان ابراهیم میرزا
شنبه نوزدهم جمادی الآخره سال هزار و دو یست و بیست و هشت هجری متولد شد سیف الله میرزا برادر اعیانی بهاء الدوله
است سه شنبه چهاردهم رجب سنه یکهزار و دو یست و بیست و نه متولد شد یحیی میرزا شب سه شنبه غره محرم
سنه هزار و دو یست و سی و سه هجری متولد شد زکریا میرزا شب شنبه بیست و ششم ربیع الاول سنه هزار و دو یست
و سی و چهار هجری متولد شد برادر اعیانی یحیی میرزا است محمد امین میرزا روز دوشنبه دهم ربیع الثانی هزار و دو یست و
و سی و چهار متولد شد سلطان حمزه میرزا شب چهارشنبه بیست و یکم رمضان سال هزار و دو یست و سی و چهار متولد شد
فرخ میرزا برادر اعیانی سلطان محمد میرزا و ملقب بمنیر الدوله است سلطان احمد میرزا ملقب بعضد الدوله است
جمعه نوزدهم ذیقعده هزار و دو یست و سی و نه متولد شد صاحبقران میرزا طهمورث میرزا جمعه هفدهم جمادی
الاولی سنه هزار و دو یست و بیست و پنج متولد شد حسینقلیخان ملقب بجهانسوز شاه برادر اعیانی یحیی میرزا است محمد هادی
میرزا برادر اعیانی محمد امین میرزا است پرویز میرزا علیشقلی میرزا عباسقلی میرزا و او برادر اعیانی علیقلی میرزا است ... السلطنه
کامران میرزا اورنگ زیب میرزا سلطان جلال الدین میرزا امان الله میرزا سلطان حسین میرزا

اسامی بنات خاقان مغفور البسه الله حلل النور

همایون سلطان مشهور بخانم خانمان از مادر شاهزاده حسینعلی میرزا است و او ضجیع ظهیر الدوله ابراهیمخان قاجار ... خواهر ...
حکمران کرمان بود شاهزاده بیگم جان هم از مادر فرمانفرما است در سرای امیر محمد قاسمخان قوانلو بود سید بیگم که همد
سلطان لقب دارد هم از مادر فرمانفرما است بحباله نکاح محمد زکیخان نوری سردار فارس در آمد ام سلمه مشهور بگلین

خانم

خانم ازمادر شاهزاده محمد علیمیرزا است خط نسخ را نیکو نوشتی و چند مجلد قران مجید را نکار داده در عتبات عالیات ائمه دین علیهم
السلام موقوف داشت ضجیع برادرزادهٔ شهریار زین العابدین خان کشته مرصع خانم ازمادر حشمت السلطنه زن اللهیار
خان آصف الدوله قوانلو است فخر جهانخانم مشهوره بفخر الدوله ازمادر شاهزاده شعاع السلطنه است وی چند در سرای میرزا
محمدخان برادر شهریار بود و از وی جدائی جست شاه بیگم مشهوره بضیاء السلطنه بعد از پدر ضجیع میرزا مسعود وزیر
دول خارجه شد سلطان بیگم هم ازمادر ضیاء السلطنه است وی چند با پسر مهدیقلیخان دولو همسر و هم بستر بود
و در جوانی وداع جهان گفت گوهرملک خانم با ولیعهد و النایب السلطنه از یک مادر است نخست در سرای محمدامین
خان قاجار ایشیک‌آقاسی باشی بود و از پس او ضجیع میرزا ابوالقاسم قایم مقام گشت زینب خانم ازمادر محمدقلیمیرزای ملک آرا است
و ملقب بحاجی شاه ضجیع اسمعیل خان پسر اعتضاد الدوله سلیمانخان قوانلو بوده است خدیجه خانم هم ازمادر ملک آرا است ضجیع
محمدباقرخان پسر حسینعلیخان برادر شهریار است طیعان خانم بحبالهٔ نکاح موسی خان قوانلو درآمد عزت نساخانم با برادر
زادهٔ شهریار موسی خان پسر حسینعلیخان هم بستر گشت شمس بانوخانم ضجیع میرزا موسی خان برادر میرزا ابوالقاسم قایم
مقام شد خدیجه سلطان مشهوره بعصمة الدوله ضجیع ابراهیمخان ناظر پسر حاجی محمدحسینخان صدر اعظم اصفهانی بوده است
درخشنده گوهرخانم ضجیع میرزا اسمعیل خان پسر میرزا خانلر حلال خور مازندرانی منشی الممالک با شاهزاده اسمعیل
میرزا از یک بطن است گوهرشاه بیگم در سرای علی محمدخان قاجار دولو بوده است شاه سلطان خانم ضجیع محمدصادقخان قوانلو پسر مهرعلیخان و
نوهٔ مرتضی قلیخان عم شهریار بوده است شاه گوهرخانم ضجیع سلیمانخان پسر ابراهیمخان عمزادهٔ شهریار بوده است ناجی بیگم خانم
ازمادر شعاع السلطنه و زوجهٔ نصرالله خان پسر ظهیر الدوله ابراهیمخان قوانلو بوده است حسن جهان خانم مشهوره بوالیه
وی نیز ازمادر شعاع السلطنه است ضجیع خسروخان والی کردستان شد ماه بیگم خانم بحبالهٔ نکاح غلامحسینخان سپهدار عراق
درآمد سروجهان خانم زوجه آقاخان حاکم محلات بوده است خورشید خانم زوجه عباسقلیخان سرکرده جماعت افشار
خمسه بوده است مولود سلطان خانم زوجهٔ رضاقلیخان پسر اسمعیل خان سردار دامغانی بود از او جدائی جست و بسرای
حاجی حسینخان پسر ذوالفقارخان پسر عم شوهر نخستین رفت عالیه سلطان خانم زوجه علیخان دامغانی میرآخور
شهریار شد زبیده خانم زوجهٔ علیخان قراگوزلو بوده است خورشید کلاه ازمادر سیف الدوله است ضجیع میرزا
علیخان نظام الدوله پسر عبدالله خان امین الدوله گشت شیرین جان خانم او نیز ازمادر سیف الدوله است و در
سرای مهدیقلیخان پسر حسین خان سردار بوده است قیصرخانم ازمادر یحیی میرزا است و زوجه سلیمانخان
افشار قاسملو بوده است سلطانخانم هم ازمادر یحیی میرزا و زوجه جهانگیرخان افشار ارومی بوده است آغا بیگم زوجه میرزا
علی هزارجریبی ملاباشی بوده است شاه جهانخانم مشهوره بخان بی بی زوجه میرزا عبدالباقی منجم باشی گیلانی بوده است فرخ
سلطان خانم ازمادر شاپور میرزا و زوجهٔ میرزا غلامشاه پیشخدمت باشی بوده است ماه نوش لب خانم زوجهٔ امیر دیوان
میرزا نبی خان قزوینی بوده است حسن بنات خانم ازمادر محمدمهدی میرزا است برادرزادهٔ شهریار میرزا محمدخان بعد از جدائی
از فخر الدوله او را بحبالهٔ نکاح درآورد پاشاخانم هم ازمادر محمدمهدی میرزا است و بنکاح سهرابخان گرجی درآمد فرزانه
بیگم هم ازمادر محمدمهدی میرزا و زوجه حسینعلیخان معیر الممالک بوده است مهرجهانخانم هم ازمادر محمدمهدی میرزا است
و بعد از فوت شاهنشاه زوجه زین العابدین خان پسر قاسمخان هزارجریبی قوللر آقاسی شد سلطان خانم ازمادر ملک
ایرج میرزا و زوجه محمدباقرخان دولو بیگلربیگی بوده است خاور سلطان بیگم ازمادر علینقی میرزا است و بعد از فوت شهریار
بحبالهٔ نکاح میرزا نظرعلی حکیمباشی قزوینی درآمد رخساره بیگم بعد از فوت پدر زوجه محمدخان ایروانی میرزا ...

ازمادر شاهزاده محمود است

ملک‌زاده زن محمد ... رشتی است

وزن صاحبدیوان
عروس حسنعلیخان شاهسون
وزن میرزا حسنخان سپهسالار مرحوم

احترام الدوله — فخر السلطنه

شد خرم بهار خانم از مادر کامران میرزا است بزم آرا خانم او نیز از مادر کامران میرزا است ماه تابان خانم با زوجه
میرزا نبی خان از یک مادر است ملکزاده خانم بدر جهان خانم ملقب بماه باجی و او نیز از مادر یحیی میرزا است و زن محبعلیخان ماکوئی بود
خلاصه پس از انتقال و ارتحال خاقان بهمال نوبت سلطنت بشهریار ملکوتی خصال اعلیحضرت محمد شاه رسید نواب
مستطاب الحاجی معتمد الدوله در کتاب جام جم میفرماید خبر فوت خاقان مغفور در بیست و هشتم جمادی الاخره
بتبریز رسید اعلیحضرت همایون محمد شاه که ولایت عهد داشتند در شب یکشنبه هفتم رجب در تبریز جلوس فرمودند
و روز چهاردهم رجب از آن شهر حرکت نمودند و کلنل صاحب ایلچی دولت انکلیس و غراف سمونویچ وزیر مختار روس نیز
در رکاب اعلی بودند و لینزی صاحب با لشکر انبوه و توپخانه بسیار کرد مقدمه روان شد و در نوزدهم ماه شعبان
بدار الخلافه باهره ورود و نزول اجلال فرمودند و باغ نکارستان از قدوم همایون رشک نکارستان چین شد
و در مدت چهار ماه کل شاهزادکان اطراف طوعا کرها بخاکپای همایون آمدند و نواب ظل السلطان که در ایام
فترت بر تخت جلوس کرده بود و بنا سکه‌ها را آکنده و کنا شته‌ها را پراکنده ناچار زنان را شفیع نموده بهمراهی
فخر الدوله عمه مکرمه شاهنشاه و همشیرکان سرکار اقدس که عروسان او بودند در نکارستان بحضور مشرف شد
و مشمول مراحم شاهنشاهی کردید و میرزا ابو القاسم قایم مقام بعرض رسانید که رحم من راس ماله الرجا و سلاح النسا
و آنچه که بتحقیق پیوست در ظرف چهل روز حکمرانی هفتصد هزار تومان نقد سوای جنس از خزانه عامره در آورده
به بیهوده صرف شده بود و سرکار اقدس اعلی شب جمعه دویم رمضان المبارک بیمن ساعت بطلوع آفتاب مانده از دروازه
قزوین بدار الخلافه مهین نزول اجلال فرمودند و بشتر ماینه بحر بیضا نیکار مرحوم میرزا ابو الحسنخان وزیر امور خارجه
و نواب رکن الدوله بود و الا خود شان خلاف وصیت خاقان خلد مکان نمیکردند انتهی

ظل السلطان بعد

از حوادثات این سال چنانکه ذکر شد جلوس شاهزاده علیخان است که خود را عادلشاه نامید و بعضی از شاهزادکان
و امرای دربار طوعا کرها اطاعت او نمودند و او نواب علینقی میرزای رکن الدوله را برای مصالحه و امام وردی
میرزای ایلخانی را برای محاربه با پانزده هزار نفر پیاده و سواره و توپخانه و قورخانه مامور آذربایجان کرد نیز شاهزاده
حسینعلی میرزای فرمانفرمای فارس بتحریک برادران و اعیان مملکت در شیراز جلوس کرد و میخواست حسینعلی میرزای
شجاع السلطنه را بتسخیر عراق فرستد اما اعلیحضرت اقدس همایون محمد شاه بعد از جلوس در تبریز
جهانکیر میرزا و خسرو میرزا و احمد میرزا و مصطفی میرزا که آثار خلاف از وجنات حالشان پدیدار بود بقلعه اردبیل فرستاده
موقوف داشتند و محمد خان امیر نظام که در سرحد ولایت ایران و ارزنة الروم با محمد اسعد پاشا کفتکوی استرداد اموال
منهوبه تجار متعلقه بدولت علیه ایران را در میان داشت در این وقت بامر همایون بتبریز بازکشت و با نواب فریدون
میرزا نایب الایاله آذربایجان در این شهر بماند هنکام حرکت موکب اعلی از تبریز جهانکیر میرزا و خسرو میرزا از طریق
خلاف براه بی بصری رفتند و موکب همایون با شش هزار لشکر پیاده نظام و چهار عراده توپ و سه هزار سوار جرار
از تبریز عزیمت دار الخلافه فرمود و نواب بهمن میرزا که در اردبیل حکومت داشت با فوج بهادران در منزل میانج بتقبیل
رکاب اعلی فایز کشت و نواب رکن الدوله در بنک پی و سرچم باردوی اعلی پیوسته اظهار داشت که اعلیحضرت پادشاهی
با آذربایجان قناعت کرده باقی ممالک ایران بعادلشاه تفویض شود بنا بر این عرض سخیف از حضور اعلی محروم و در
مکان خود موقوف آمد نیز در عرض راه نواب شجاع السلطنه فتح الله میرزا با سیورسات و پیشکشی بحضور آمد و حکومت
خمسه یافت و در خرم دره منوچهر خان معتمد الدوله باده هزار سوار و جمعی تفنکچی و چهل هزار تومان پیشکشی برکاب

اعلی

اعلی پیوسته مورد الطاف ملوکانه گشت و فضلعلیخان قراباغی باده هزار سوار و پانصد غلام خاصه و پنج عراده
توپ از زنجان بطور مقدمة الجیش گسیل شده روانه شد و در منزل سیاه دهن بمقدمه سپاه اما مویردی میرزای
ایلخانی رسیده آنها را مقهور کرد پس از آن سران سپاه همه بر کاب اعلی پیوستند و اما مویردی میرزا نیز ناچار روی
نیاز بدربار همایون آورده ملتزم خدمت گردید و آصف الدوله اللهیار خان که در قم بود با میرزا محمد تقی علی آبادی
صاحبدیوان بحضور اقدس شرفیاب شدند تا بیطرفه محمد باقرخان خال اعلیحضرت شهریاری که در طهران متوقف بود
باشارهٔ امنای دولت و رؤسای عساکر مازندران را با خود متفق ساخته و عادلشاه را از نزدیک شدن موکب
همایون اعلیحضرت محمد شاه آگاه کرده از جلوس ممنوع داشت و محمد جعفرخان کاشانی وزیر او را ماخوذ و اموال او را
ضبط کرده مراتب را بعرض رسانید و اعلیحضرت شاهنشاه نزول اجلال فرمودند و خسروخان گرجی جواهر
الات خاصه پادشاهی را از بازوبند و شمشیر و تمامی اثاثه سلطنت از شهر بنگارستان آورده تقدیم نمود و عادلشاه
چنانکه ذکر شد بحضور مبارک مشرف شده مشمول مراحم گردید و میرزا فضل الله علی آبادی و عباسخان قاجار باوردن
نواب محمد قلیمیرزای ملک آرا از مازندران مامور شده انجامت رسانیدند روز چهاردهم رمضان ذات ملکوتی
صفات پادشاهی یعنی اعلیحضرت همایون محمد شاه در دیوانخانه بزرگ بر سریر سلطنت جلوس فرموده عموم
شاهزادگان و امرا و طبقات خدم بار حضور مبارک یافتند بعد از آن نواب فیروز میرزا و معتمد الدوله منوچهرخان
با جمعی از صاحبمنصبان بفارس و عراق مامور گشتند و نواب بهمن میرزا را احضار فرموده با آصف الدوله
اللهیار خان و حسنخان سالار بحکومت خراسان معین شدند و غلامحسینخان سپهدار عراق باستان همایون آمد
و نواب طهماسب میرزا موید الدوله بحکمرانی کاشان رفت و جهانگیر میرزا برادر نواب معزی الیه حکومت یزد یافت
و هلاکو میرزا ابن شجاع السلطنه که در زمان فترت در یزد اظهار شوکت میکرد بکرمان بازگشت و نواب بهرام میرزا
که از عرض راه دار الخلافه مامور کردستان و انتزاع کرمانشاهان از حشمة الدوله محمد حسین میرزا شده بود
بکرمانشاهان ورود نمود و حشمة الدوله که دم از استقلال میزد ناچار باستان مبارک آمد و محمد قلیمیرزای ملک آرا
بتوقف همدان مامور شد و چون جمعی از تراکمه و اکراد خراسان دور شاهزاده اسمعیل میرزا حاکم بسطام را
گرفته و او بخیال استقلال افتاده بود نواب اردشیر میرزا با اسکندرخان قاجار ابن فتحعلیخان حاکم مراغه و
ابراهیم خلیل خان و بعضی دیگر باستیصال او مامور شده او را مقهور کردند و باستان مبارک فرستادند
و نواب اردشیر میرزا بنظم ترکمان و دشت گرگان رفته آنجا را منظم کرده معاودت نمود و نواب فیروز میرزا با منوچهر
خان معتمد الدوله و میرزا محمد خان قاجار دولو خالوزادهٔ حضرت نایب السلطنه مغفور و مستر لنزی انگلیس
و شیل صاحب و چند نفر صاحبمنصب دیگر انگلیس و چند نفر سرتیپ و سرهنگ و بعضی از دستجات قشون
ظفر نمون و چند عراده توپ از راه اردستان قصد فارس کردند و شجاع السلطنه با پنجهزار سوار و پیاده
قصد تسخیر اصفهان نموده بمنزل شولگستان رسید و شنید که عساکر پادشاهی بایزدخواست رسیده
روز دیگر فئتین تلاقی کرده بجاربه پرداختند شجاع السلطنه با همراهانش منهزم شده بفارس بازگشت
و معتمد الدوله و همراهان او نیز خود را بشیراز رسانیده بی جنگ و جدل ارک را متصرف کردند و بعد از
دو سه روز فرمانفرما و شجاع السلطنه را با فوج منصورخان فراهانی و شش عراده توپ از شیراز بطهران
آوردند و در روز ورود عساکر منصوره بشیراز رضا قلیمیرزا و نجفقلی میرزا و تیمور میرزا از شهر خارج شده

در قزوین

بحدود مملکت عثمانی رفتند و نواب شجاع السلطنه حسنعلی میرزا در طهران تنبیه شده در برج نوش موقوف گردید
و نواب حسنعلی میرزای فرمانفرما در ماه ربیع الاول در چهل و هفت سالگی بناخوشی وبا که در طهران شیوع
بهم رسانیده بود درگذشت همدر اینسال نواب فرهاد میرزا (حاجی معتمد الدوله) بحکمرانی عربستان و لرستان منصوب
گردیدند اروپا (ارژد ملبورن) بصدارت منصوب میشود (اسپانیا) دن کارلس برضد ملکه جدیده با نهایت
سختی در شورش استعانت مینماید اهالی اسپانیول و دن میگل پادشاه سابق پرتوغال که بدن کارلس اسپانیولی
پناه داده بود بروز وبای سخت در مادرید فوت دن پدر بعد از استقرار دادن دختر خود را بسلطنت پرتوغال
مزاوجت ملکه پرتوغال با دوک دلشتن برگ بیر اژن ربیب ناپلیون اول (فرانسه) فوت ژنرال لافایت
معروف شورش در بعضی بلاد (روس) امپراطور روس مانع است که جوانان روسی بجهة تحصیل یا تجارت بفرنک سفر
نمایند شورش شامیل در داغستان (سوئد) بروز وبا در این مملکت (عثمانی) شامات که بتصرف محمد علی پاشا بود
برو میشورند و از آنطرف بر عثمانی ملیشوند در اغلب نقاط دیگر عثمانی نیز شورش برپا میشود یکنوع قشون نظامی
موسوم به ردیف منصوره در عثمانی تشکیل می یابد

سنه ۱۸۳۵ مسیحی سنه ۱۲۵۱ هجری

آسیا (ایران) در این سال چون میرزا ابو القاسم قایم مقام با صابت رای مملکت را نظمی داده بود غرور بر طبع او
مستولی گردید و با استیذان از اعلیحضرت همایون بعضی تصرفات در امور کرد نواب جهانگیر میرزا در تاریخی که نوشته
چنین مسطور میدارد که قایم مقام چون مملکت ایران را از همه گردنکشان خالی دید و جمیع اولاد خاقان را در قبضه اختیار
و اقتدار خود یافت بانجام خیال محالی که داشت پرداخت از جمله خواست فوج خاصه را که بسر تیپی قاسمخان الان براغوشی
از نوکرهای قدیم حضرت نایب السلطنه مرحوم بود و بکشیک در بخانه و سرای سلطنتی مقرر شده بود تغییر داده کشیک
در بخانه را بر عهده سرهنگی از دست پرورد کان خود موکول دارد و بعضی چیزهای دیگر نیز از او بظهور رسید لهذا
قبل از تغییر قراول خاصه در اقدام ببعضی اعمال او را از باغ لاله زار که منزل او بود بنگارستان احضار کرده سه روز
در اینجا محبوس بود تا در گذشت و در بقعه حضرت عبد العظیم علیه السلام مدفون گشت و این واقعه در شب سلخ
صفر اتفاق افتاد و چون اللهیارخان آصف الدوله از ماجری آگاه شد از خراسان بی حکم احضار بخیال صدارت
بدیدار معدلت مدار شاهانه آمد و این خیال پسند نیفتاده پس از تهدید او را بخراسان معاودت دادند همدر این اوان
محمدخان امیر نظام را برای انتظام افواج بدار الخلافه احضار فرمودند و با چند فوج از آذربایجان بطهران آمد و
مردم چنین پنداشتند که او و ابو زارت خواسته اند ولی گمانی خطا بود چه کیفیت تجدید افواج محمدخان برای پیشکاری.
نواب قهرمان میرزا بآذربایجان بازگشت و نواب فریدون میرزا از آذربایجان بطهران آمد و در این ایام میرزا نصرالله
اردبیلی (صدر الممالک) و محمد حسینخان ایشیک آقاسی در وصدور فرامین و احکام دخالت داشتند ولی نیز و قدر
حاجی میرزا عباس مشهور بحاجی میرزا آقاسی و ابن میرزا مسلم ایروانی که از آغاز شباب بحسن ظن کاملی باو داشتند
بوزارت اختیار فرموده منصب صدارت عظمی دادند همدر این اوان وبای سخت در طهران و سایر بلاد ایران شیوع
یافت و پنجاه هزار نفر در ممالک محروسه تلف شدند و چون در حبس گرمای دار الخلافه بالارفت و اشتداد بهم رسانید
موکب همایون اعلیحضرت محمد شاه عزیمت امامه و لواسان فرمود و میرزا مسعود آذربایجانی بوزارت امور خارجه
برقرار گشت و شاهزاده ضیاء السلطنه را با او مزاوجت حاصل آمد و میرزا حسن را مستوفی الممالک ایران فرمودند

و میرزا

ومیرزا آقاخان نوری وزارت لشکر یافت و میرزا نصرالله اردبیلی را وزارت وظایف دادند و میرزا محمد حسین غرب باشی
شد و بهمن میرزا بحکومت بروجرد و سیلاخور و نواب منوچهر میرزا بحکومت گلپایگان و خوانسار منصوب شدند و فضلعلی
خان قراباغی که بجلادت معروف بود حکمرانی مازندران یافت و عباسقلیخان جوانشیر بحکومت کاشان رفت و نواب
خانلر میرزا بحکمرانی یزد برقرار کردید و اللهیارخان آصف الدوله پس از رفتن بخراسان بخفقلیخان کرد شادلو را بدست
آورده اطمینان داده باخوانین خراسان بدار الخلافه فرستاد و منوچهر خان معتمد الدوله به پیشکاری نواب فیروز
میرزا در فارس مستقل کردید و نواب بهرام میرزا با ایالت کرمانشهان روان شد و محمد باقر خان قاجار بیکلربیکی
دار الخلافه شد و علیخان ولد مشار الیه بنیابت او یافت و محمد قلیخان بن آصف الدوله ایشیک آقاسی باشی خاصه شد
و بعضی شاهزادگان را که خیال فاسد داشتند باردبیل و آذربایجان حرکت دادند همدر اینسال نواب شاهزادهٔ اعظم
ناصر الدین میرزا (اعلیحضرت همایون ناصر الدین شاه خلد الله ملکه) برحسب امر و ارادهٔ سنیهٔ پادشاهی بولیعهدی
دولت علیهٔ ایران اختصاص یافته و منشور ولایتعهد آنحضرت مرقوم کردید علاوه بر این رتبه و مقام منیع از قبیل
افسر و خنجر مرصع و قبای کیانی مکلل بجواهر شاهوار و لآلی آبدار و بازوبند و نشان شیر و خورشید خاصه و غیرها
بایشان تفویض شد و در طهران و تبریز جشنی بزرگ در اینموقع سعید که فرخنده عید این ملت و مملکت بود در
کمال آراستگی کرفته و عموم مردم شادیها نمودند و ابواب نشاط و انبساط از هر جهة کشودند و وزرای مختار دول
متحابه این امر مقدر را امضا نموده بسلاطین دول متبوعهٔ خود مطلب را اعلام و اعلان نمودند و چون محمد خان
امیر نظام بامارت آذربایجان مامور و مقیم شد و آصف الدوله بحکومت خراسان رفت وزارت حاجی میرزا آقاسی
استقرار و استحکام یافت همدر اینسال کامل افندی و اسعد افندی از جانب سلطان محمود خان سلطان عثمانی
بدربار دولت علیه مامور شدند که بتهنیت و تبریک جلوس اعلیحضرت پادشاهی پردازند و مشار الیهما نامهٔ محبت ختامهٔ
خود را با تبریکات لایقه تبلیغ نموده بعد از تجدید عهد مودت و اتحاد و استرداد مکارم ملوکانه معاودت کردند
همدر اینسال میرزا رضا ولد حاجی فرج الله تبریزی منصب کلانتری تبریز و مضافات یافت و حاجی فرج الله نیز در سال
هزار و دویست و سی و نه بموجب حکم حضرت نایب السلطنهٔ مغفور بهمین منصب نایل شده بود همدر اینسال نواب
ظل السلطان را از دار الخلافه بهمدان و از همدان بمراغه و از مراغه باردبیل بردند و سیف الملوک میرزا پسر نواب
معزی الیه را در قزوین باقامت دادند و نواب فریدون میرزا که از آذربایجان آمده بود بطرف استراباد و کرکان مامور
شد و حسنخان سالار ساری اصلان و جماعتی از عساکر نصرت مآثر بالتزام رکاب نواب معزی الیه مامور شدند و این
جمله مقدمة الجیش لشکر پادشاهی بود که خود موکب همایون در سال آینده عزیمت تنبیه ترکمن کرکان خواهد نمود
و بنا بر این قصد و نیت مقرر شد که در اول فصل بهار افواج پیاده و سوار برکاب اعلی حاضر و مستعد بیکار باشند
همدر اینسال آقاخان محلاتی رئیس اسمعیلیه بحکمرانی کرمان منصوب و روانه مقصد کردید وفات نواب جهانشاه
ابن خاقان مغفور رحلت میرزا مسلم خوئی از مشاهیر عرفا اروپا (المان) فوت فرانسوای دویم امپراطور
اطریش و جلوس فردیناند اول پسرش بجای او (فرانسه) ایجاد سفاین بخاری بجهة حمل و نقل مال التجاره و مسافر
مابین مارسیل و اسلامبول و اسکندریه (پرتوغال) فوت شوهر ملکه و مزاوجت ملکه با برادر زادهٔ پادشاه
بلژیک (روس) ملاقات سلاطین روس و پروس و اطریش (عثمانی) ایجاد طرق و شوارع و پست و تماشاخانه
و تنظیمات عسکریه فرستادن سفرای مقیم باطریش و انکلیس و فرانسه بروز طاعون و وبا در مصر طلوع

ستاره

ستارهٔ ذو ذنب موسوم به هالی که هر هفتاد و شش سال طلوع میکند و اینک فعلا بیست و پنجم است که طلوع نموده

سنه ۱۲۵۲ هجری **سنه ۱۸۳۶ مسیحی**

آسیا (ایران) در این سال موکب همایون اعلیحضرت محمد شاه چنانکه در ذیل سال قبل اشاره نمودیم مصمم تنبیه ترکمه گرگان گردید و در سه شنبهٔ بیست و دویم ماه صفر بباغ نگارستان نقل مکان فرمودند و در این سفر نواب فرهاد میرزا (حاجی معتمد الدوله) همه جا با دو فوج سرباز و هزار سوار جیدا اول موکب همایون بودند نواب فریدون میرزا و حسنخان ساری اصلان با پنج فوج سرباز و توپخانه و قورخانه در دهم ربیع الاول از راه سمنان قصد بسطام و کالپوش کردند و روز نوزدهم ماه مزبور اردوی شهریاری از نگارستان بطرف فیروزکوه حرکت کرد و چهل روز در چمن فیروزکوه اقامت فرمودند منوچهر خان معتمد الدوله که از فارس احضار شده بود در این چمن برکاب اعلی پیوست و فرامین بتراکمه گرگان ابلاغ شد که سرداری ترکمه صادر شده بمحمد صالح خان کرد حاکم استراباد داده اوراق بگرگان فرستادند و در ستیم جمادی الاولی از فیروزکوه انهاض فرموده پس از طی منازل بشاه کوه رسیدند بزرگان تراکمه بتقبیل عتبهٔ علیه آمده حکم همایون شد که نواب فریدون میرزا با پنجهزار سوار جرار تا قارن قلعه (قاری قلعه) گرگان رفته ترکمانان بیاتکری را که مصدر خلاف شده بودند گوشمالی بسزا دهد پس از آن موکب معلی بخرقان بسطام نزول اجلال نمود در روز پنجم جمادی الثانیه چمن کالپوش مضرب خیام با احتشام مبارک گردید از آنطرف تراکمه چون دانستند نواب فریدون میرزا نزدیک شده ده هزار سوار در قارن قلعه مستعد پیکار گشتند و بمحض وصول نواب معظم بآن محال نایرهٔ حرب اشتعال یافت تراکمه بواسطه شلیکهای توپ متفرق گشته راه هزیمت پیش گرفتند و بطرف اترک و گرگان و جنوب دوانیدند قارن قلعه را نواب فریدون میرزا متصرف شده مراتب را بحضور همایون عرضه داشت و حکم شد آن قلعه را با خاک برابر کنند و تا بیست روز آذوقه و علوفه برگرفته بر لب رود گرگان باردوی پادشاهی بپیوندند نواب معظم بر حسب فرموده حرکت کرده وارد اردوی همایون از قرا شیخ و کنار آب گرگان تا گنبد قابوس در میان طوایف گگلان آمد و بموجب امر اقدس عباسخان قاجار بیگلربیگی استراباد با پانصد نفر از معارف تراکمه گگلان را بر سم گروگان بمیرزا عبد الله خان قندرسکی سپرده آنها را بدار الخلافه آوردند آنگاه موکب منصور بمراتع ییلاق سوت توجه فرمود تراکمه بموت راه جبل ابو الخان را گرفته و گریختند لکن در عرض راه دوچار نواب فریدون میرزا که از قارن قلعه باردوی همایون میآمد شدند و جمعی مقتول و برخی اسیر گشته بقیة السیف خود را بابو الخان رسانیدند و اردوی پادشاهی بصحرای معروف به بی بی شروان توقف نمود پس از نظم این صفحات شهریار غازی بدولتاباد دامغان تشریف فرما گردید در اینجا معروض شد که فیما بین فضلعلیخان قراباغی و اهالی مازندران وحشتی حاصل شده و کار بکارزار کشیده مازندرانیها فضلعلیخان را از آن سامان محصور کرده اند اعلیحضرت همایون فرخ خان کاشی غفاری را که مردی کاردان بود باصلاح این فساد مامور فرمودند و او وقتی رسید که کار بجدال کشیده و از اصلاح گذشته لهذا فضلعلیخان را بدار الخلافه فرستاد و اهالی مازندران را استمالت نمود و حاکم دیگر برای آن ولایت استدعا نمود لهذا حکم همایون صادر شد که او خود چندی بنظم و نسق امور مازندران بپردازد تا بعد از وصول موکب همایون بدار الخلافه حکم مجددی در این باب شرف صدور یابد پس از وقایع مزبوره اینکه جماعتی از امنای حضرت باهم همداستان شده عریضه مشتمل بر سهو و خطای حاجی میرزا آقاسی بحضور مبارک دادند اعلیحضرت پادشاه کارآگاه برآشفته آن عریضه را بحاجی دادند حاجی بزرگواری کرده برای آنکه با کسی دل بد نکند عریضه را نخوانده سوزانید و مطلقا چیزی از آن مقوله بروی

خود بنا ورد هم در اینسال نواب بهرام میرزا ایالتین لرستان و عربستان را منظم نموده محمد تقیخان بختیاری را
که از خدمت دیوان رو گردان و در معاقل جبال متواری بود استمالت کرده اطمینان داده و او و علینقی خان برادر خود را
با جمعی برسم گروی ملتزم رکاب والا نمود و نواب معظم بنظم صفحات خوزستان رانده شیخ مذکور شیخ اعراب بنی لام را
که براه شرارت و خودسری رفته بود معزول و شیخ نعمه را بجای او منصوب نموده بکرمانشهان مراجعت کردند و در چهاردهم
شوال حسب الامر از کرمانشهان حرکت کرده بدار الخلافه آمدند و منوچهرخان معتمد الدوله بحکومت آن صفحات
منصوب شد و نظم کاملی در آن نواحی داد هم در اینسال اعلیحضرت همایون میرزا حسن طبیب شیشه را بتذهیب و تعمیر روضه
کاظمین علیهما السلام مامور و روانه داشتند و او این خدمت را بانجام رسانید و در اینسال نواب شاهزاده محمد قلی میرزا
ملک آرا بوقت همدان مامور گردید و نواب اردشیر میرزا بحکومت مازندران رفت و میرزا اسدالله خان نوائی بوزارت
او برقرار گشت و عباسقلیخان جوانشیر حاکم کاشان با آستانه مبارک احضار شد و شاهزاده بهمن میرزای بهاء الدوله
بجای او حکومت کاشان یافت سیف الله میرزا بحکومت سمنان و فتح الله میرزا بحکومت همدان و محمدخان ایروانی امیر تومان
گردید بحکومت عراق منصوب شد و سیف الملوک میرزا بتوقف قزوین مجبور گردید هم در اینسال میرزا جعفرخان
مشیر الدوله بسفارت اسلامبول و اقامت در دربار دولت عثمانی مامور و روانه شد هم در این سال نواب فریدون
میرزا بفرمانفرمائی فارس مقرر و میرزا محمد تقی آشتیانی ملقب بقوام الدوله بوزارت این مملکت نایل و نواب فیروز میرزا
بحکومت کرمان منصوب گشت هم در اینسال میرزا آقاخان نوری بوزارت کل عساکر منصوره نظام و غیر نظام و نشان
سرتیپی اول نایل آمد اروپا (آلمان) بروز و باد را طریش (فرانسه) الی بد نام قصد قتل پادشاه نموده ولکن ناکام
شد و مقتول گردید طاق نصرت پاریس که اول بنای آن ناپلئون اول کرده باتمام رسید لوئی ناپلئون برادرزاده
ناپلئون اول دوباره از بولک فتنه برپا کرده گرفتار میشود ولی او را بدون تحقیق آزاد نموده با تاونی جزایر امریک
جمعیت فرانسه در اینسال شصت و هفت کرور است (عثمانی) برای آنکه طاعون ببلاد عثمانی سرایت نکند ایجاد
قرانتین مینمایند و این اول ایجاد قرانتین است در این مملکت

سنه ۱۲۵۳ هجری — سنه ۱۸۳۷ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال موکب همایون اعلیحضرت محمد شاه عازم هرات شد و نواب مستطاب والا فرهاد میرزا
(حاجی معتمد الدوله) را نایب الایالة و مامور توقف دار الخلافه فرمودند نواب مستطاب معظم در کتاب جام جم
میفرمایند روز یکشنبه نوزدهم ربیع الثانی سال هزار و دویست و پنجاه و سه هجری اعلیحضرت شهریار غازی
بجانب هرات و ممالک مشرق زمین لشکر کشیده از طهران روانه شدند و در چهاردهم شعبان همین سال
غوریان فتح شد و در بیست و یکم شعبان بدور هرات وارد شدند و ده ماه محاصره طول کشید و بچند علت که عمده
اختلاف سران سپاه بود و نیز سر جان مکنیل وزیر مختار دولت انگلیس بجهة مداخله وزیر مختار روس غراف سمونیچ
در امور افغانستان راضی بر اینکار نبود تسخیر آن شهر ممکن نشد و در نوزدهم جمادی الآخره سال هزار و دویست و پنجاه
و چهار هجری از خارج هرات حرکت کرده در نوزدهم شعبان سنه مذکوره بمقر خلافت وارد شدند و مدت
شانزده ماه سفر طول کشید انتهی
توضیح آنکه کامران میرزا حکمران هرات که پیوسته خود را بسته بدولت ایران میدانست و در اغلب موارد باحکام
خراسان امور خود را منظم میساخت این اوقات برخلاف راه مخالفت پیش گرفت و قصد تسخیر سیستان کرد و حاکم

سیستان

سپینتا این فقره را بعرض آستان همایون رسانیدند سرداران افاغنه که روی دل بدین حضرت داشتند انهاض موکب اعلی را
بجانب خراسان استدعا کردند و هر یک بتشریف و منشوری سرافراز شدند و قنبرعلیخان مافی شمشیری که قبضهٔ آن مکلل
بالماس بود بافتخار کهندل خان برد و موکب همایون بباغ نگارستان نقل مکان فرمود و حاجی میرزا آقاسی و تمامی امرا و
ارکان دولت نیز در خارج شهر خیام گوناگون افراشتند و عساکر ایران از اطراف روی بدار الخلافه نهادند مقارن
اینحال فتح محمد خان فرستادهٔ کامران میرزای افغان با پنجاه طاقه شال کشمیری و پانزده راس اسب ترکی و عریضه بحضور
همایون آمد و اظهار متابعت نمود ولی در نیت سفر نبد بلی دیگر یافت نواب امیرزاده حمزه میرزا و حسنخان سالار
اصلان و سی هزار سواره و پیاده از پیش حرکت کردند که در نیشابور بارد ملحق شوند و حبیب الله خان شاهسون
امیر توپخانه را حکم دادند که با شصت عراده توپ و پانصد خوار را بیشتر گرفته مقدمة الجیش باشد و روز یکشنبه نوزدهم
ربیع الثانی از نگارستان انهاض فرمود و بشرف آباد نزول اجلال شد در اینجا نواب سلطان مراد میرزا را با شش هزار
نفر بچمن کندمان عراق مامور فرمودند که بنظم آن صفحات پردازد و نواب بهرام میرزا را بحکمرانی قزوین منصوب نمودند
وطهماسبقلیخان قزوینی وزارت نواب معزی الیه یافت روز بیست و ششم ربیع الثانی موکب اعلی وارد سمنان شد
و سیف الله میرزا حاکم آن ولایت بخدمات پرداخت پس از یکهفته از سمنان حرکت کرده در دهم جمادی الاولی
بچمن بسطام رسیدند و چهل روز در اینجا توقف شد و شنیدند که امپراطور روس نیکلای بطرف تفلیس و اوچ کلیسا
عزیمت نموده و نامه بشهریار غازی نوشته که اگر مایل باشند بدینجا توجه فرموده ملاقات نمایند چون سفر هرات
مانع مرام بود حضرت شاهنشاهزادهٔ اعظم ولیعهد دولت علیه ناصر الدین میرزا (اعلیحضرت همایون شاهنشاهی
ناصر الدین شاه) را بملاقات اعلیحضرت امپراطور روس مامور فرمودند و حضرت ولیعهد را بنوقت قریب بهفت
سال از عمر مبارک گذشته بود بخط اصر محمد طاهرخان وکیل قزوینی از چمن بسطام بدار الخلافه مامور شده
از نواب الا فرهاد میرزای نایب الایاله یا لنکه و جفت شال رضائی کشمیری و پنج رشته تسبیح مروارید و چهارده راس اسب
ترکمانی بجهة هدیه امپراطور گرفته بحضرت ولیعهد گردون مهد تقدیم برده که در رکاب والا متوجه تفلیس
گردد و محمد خان زنگنه امیر نظام و حاجی ملا محمود نظام العلماء و میرزا تقیخان فراهانی وزیر نظام و عیسی خان
قاجار خال حضرت ولیعهد بیهمال و میرزا محمد حکیمباشی در رکاب حضرت مستطاب معظم بکنار رود ارس آمدند
و هفت نفر از صاحبمنصبان روس با کشتی مخصوص بخدمت حضرت مستطاب ولیعهد ابد مهد آمده ایشان را با همراهان
از رود ارس عبور دادند و بلوازم تعظیمات و مهمانداری پرداخته در ماه رجب بایروان رسیدند و یکروز بعد از
ورود حضرت معظم بایروان اعلیحضرت امپراطور با هفت نفر از خواص خود باینشهر ورود کردند و بارون روزن
را نزد حضرت ولیعهد فرستاده اظهار مودت و اتحاد و مهربانی کامل نمودند و پس از مقالات مقرر شد فردا سه
ساعت از روز گذشته بارون مشار الیه بخدمت حضرت ولیعهد آید که بحضور امپراطور معظم روند روز
دیگر کالسکه مخصوصه آورده حضرت ولیعهد را در آن نشانیده خود با امیر نظام و سایر همراهان بحضور اعلیحضرت
امپراطور رفتند و اعلیحضرت معظم زیاده از حد با حضرت ولیعهد مهربانی و ملاطفت نموده و انگشتری الماس
گرانبهائی که صورت امپراطور در آن نقش بود بدست خود بانگشت مبارک حضرت معظم نمودند و امیر نظام همراهان
حضرت را معرفی کرد پس از محاورات لایقه و سؤالات اعلیحضرت امپراطور و اجوبهٔ متینهٔ حضرت ولیعهد که همه
مستوجب تمجید و موجب تحسین کامل گردید بمراجعت فرمودند و هدایا و نامهٔ مودت علامهٔ اعلیحضرت شهریار ایران را

تقدیم

تقدیم نمودند واز روز ورود بابروان تا روز خروج و بازگشت هشت روز طول کشید وا ملتمسات امرا و
هر یک از همراهان حضرت معظم ولیعهد را بعطیه شایان در جه اختصاص دادند و پس از ورود بتبریز جقیقه مکلل بالماس
بر لیان ونشان عقاب که مخصوص سلاطین است برای حضرت ولیعهد ارسال داشتند و پس از وصول این اخبار موکب
همایون شهریار غازی براه هرات پیش گرفتند و اللهیار خان آصف الدوله را از ارض اقدس برکاب اعلی احضار فرمودند
همدر این اوان اللهقلیخان توره جمعی از تراکمه کوکلان را بوعده وعید بخوارزم طلبید و بعضی را بکوچانیدن آنها
فرستاد بعقلیخان شاه لو با دسته از سواران جرار با سر داد تراکمه مزبوره رفته خوارزمیها را شکست داده پانصد
خانوار از کوکلان را گرفته به بوزنجرد برده سکنی داد و آصف الدوله برکاب مبارک پیوسته و بتجهیز لشکر خراسان
مامور شده بارض اقدس بازگشت و اردوی همایون در بیستم جمادی الثانیه از چمن بسطام حرکت کرده بجغرآباد و مزینان
وسبزوار راند و حبیب الله خان شاهسون امیر توپخانه در اینجا برکاب اعلی پیوست و نجفخان تنکابنی نیز با فوج خمسه
و قزوین و تنکابن در رسید و کلبه‌ای تربت جام آمدند آصف الدوله با چهار عراده توپ چهارده هزار نفر بنظم
بادغیسات مامور شد و در منزل قدمگاه حاجی میرزا آقاسی و جمعی از اعیان رخصت یافته بازیارت یافتند و پس از نیل این
شرف باردوی معلی پیوستند و موکب اعلی روز بیست و هشتم رجب بتربت شیخ جام رسید و از محمود آباد و کوسویه
وکنار هریرود بغوریان راندند و روز ورود بغوریان سواران شیر محمد خان برادر یار محمد خان که در آنجا سرحد دار
بود از غوریان بیرون آمده با محمد خان امیر تومان تلاقی کرده شکست خوردند و روز هفتم شعبان حوالی غوریان معسکر
شهریار قضاتوان کردید و حکم بتسخیر قلعه دادند و روز چهاردهم ماه مزبور غوریان مفتوح شده شیر محمد خان
با اکابر افاغنه بحضور مبارک آمدند و میرزا اسدالله خان قاینی بحراست این قلعه و ناحیه مامور شد و موکب اعلی
در بیست و دوم شعبان بظاهر هرات نزول فرمود و شروع بمحاصره کردند شمس الدین خان افغان برکاب مبارک آمده
در سلک ملازمان منسلک کردید و روز پانزدهم رمضان یار محمد خان افغان برفراز برج آمده اظهار اطاعت کرد
و عزیز خان سرهنگ مکری داخل هرات شده با کامران میرزا گفتگو نمود و عریضه از او بحضور همایون آورد ولی
مبنای سخن بر دروغ و تزویر بود و اینمعنی معلوم شد بازنایره قتال اشتعال یافت کامران میرزا پسر خود نادر میرزا
را نزد اللهقلیخان خوارزمی فرستاده از او و خوانین میمنه و هزاره استمداد کرد اللهقلیخان هزار و پانصد سوار
بخلیفه عبدالرحمن که مردم آن صفحات باو ارادت داشتند ابواجمع کرده و او نیز نزد مضرابخان والی میمنه رفته
شش هزار سوار از میمنه و اندخود و شبرغان فراهم کرده بقصد امداد کامران میرزا نمود شیر محمد خان هزاره نیز
چهار هزار نفر نزد عبدالرحمن فرستاد و او مهیای جنگ شد آصف الدوله که بطرف بادغیسات رفته بود
در آنحدود جنگها کرده در هر یک غلبه نمود و ملا عبدالحق پشتکی در هرات بمسجد رفته پس از وعظ باسم جهاد مردم را
مهیج شد و جمعی جمع شده از دروازه خوش بیرون آمده که باردوی همایون حمله نمایند قراولان محمد خان امیر تومان
با نها برخورده بجدال پرداختند و علیمحمد خان کرد بجنوردی در این واقعه مقتول شد و محمد صالح خان پسرش بجای او سردار
کردید بالجمله همه روزه در خارج و داخل هرات جنگ در کار بود و این قضیه طولانی کردیده و چیزیکه بیشتر عایق
پیشرفت مرام شد این بود که باطنا امرا با هم مخالفت همی ساختند و علی رغم یکدیگر کار میکردند همدر آنسال خسرو
خان کرجی حاکم اصفهان چون چند نفر شفاعت علمای شهر را قبول ننمود مردم براو بشوریدند و او را در عمارت
هفت دست محصور کردند فرخ خان کاشی غفاری بتحقیق ماجری مامور اصفهان شد و معلوم کرد که فیمابین

اهالی و خسروخان اصلاح نمیشود لهذا خسروخان بدربار همایون احضار شد و فرخ خان چهار ماه با مالیات ولایتی رسید که میکردند تا فضلعلیخان قراباغی بحکومت اصفهان منصوب شد و فرخ خان حسب الامر بعضی ظروف و ادوات مرصع تمام نموده روانه هرات شد و در ظاهر هرات بحضور همایون مشرف گشت و میرزا جواد که در وزارت اصفهان و منال دیوان دخلی داشته بر ضد حکومت بود فضلعلیخان او را نابود کرد و نواب مؤید الدوله طهماسب میرزا حاکم همدان احضار شده بهرات رفت هم در این سال قهرمان آقا یاور توپخانه بسرهنگی توپخانه نایل آمد هم در اینسال شاهزادگان که در قلعه اردبیل مامور بتوقف بودند نقبی از قلعه اردبیل بخندق خارج شهر بواسطه حفاری احداث کرده رکن الدوله علینقی میرزا و پسرش نصرالله میرزا و ظل السلطان و امامویردی میرزا از آن نقب خارج شده خود را بخاک روس رسانیدند ولی از حمایت امپراطور مایوس گشته باسلامبول رفتند و از آنجا بعتبات عالیات آمده رحل اقامت افکندند هم در اینسال حسینخان مقدم آجودانباشی مامور باسلامبول و پاریس شد و نواب اردشیر میرزای حکمران مازندران برحسب امر اعلی بتادیب فیات نام ترکمان از طوایف جعفربای که در جزیره چرکن در دریای خزر محاذی بادکوبه بفساد و شرارت اشتغال داشتند روانه شد هم در اینسال بندر محمره را بحکم علیرضا پاشا والی بغداد خراب کردند و بدینواسطه میرزا تقیخان روانه ارزنة الروم شد و شرح آن بیاید بروز طاعون در آذربایجان اروپا (انگلیس) فوت گیلیوم چهارم پادشاه انگلیس و جلوس برادرزاده اش ویکتوریای اول در سن نوزده سالگی (المان) بعد از فوت گیلیوم چهارم پادشاه انگلیس که سلطنت هانور را در المان داشت دوک دو کومبرلاند پسر ژرژ سیم موسوم بارنست اوگوست که اول پادشاهی هانور را میکرد بسلطنت مستقله هانور شناخته شد (بلژیک) ایجاد چند شعبه راه آهن (دانمارک) شکنجه که از طرف دولت بمقصرین میشد موقوف و متروک گشت (اسپانیول) شورش دون کارلس که ادعای سلطنت داشت و فشون کشی او با حوالی پای تخت و شکست خوردن او (فرانسه) فتح شهر قسطنطین در الجزایر مسافرت دومنت داورویل بقطب جنوب با ایجاد تلگراف و قوه برقیه بوضع حالیه (ایطالیا) بروز وبای خیلی سخت در سیسیل (روس) فوت پوشکین شاعر معروف (عثمانی) سیاحت سلطان محمود خان سلطان عثمانی در ایالات داخله خود امریکا (اتازونی) مارتن وان بورن بریاست جمهوری برقرار میگردد

ودر همین سال محمد صادق خان زنگنه بیگلربیگی بنشان ... مکلل بالماس ... او را سرهنگی نایل آمد

سنه ۱۲۵۴ هجری — سنه ۱۸۳۸ مسیحی

آسیا (ایران) در اول اینسال هرات در بند محاصره بود و مستر مکنیل وزیر مختار انگلیس که از قفقاز رهسپار طهران شده واز دارالخلافه حرکت کرده باردوی همایون رسید و اجازت خواسته داخل هرات شد که کامران میرزا را اطمینان داده بحضور مبارک آورد ولی بر عکس نمود و تعهد کرد که اردوی همایون را از ظاهر هرات حرکت دهد وزیر مختار روس غراف سمنوویچ نیز ده روز بعد از وزیر مختار انگلیس از دارالخلافه حرکت کرده باردوی معلی پیوست و درین ایام چند توپ قلعه کوب از مشهد وارد و بخشند و بر بالای باسیانها بردند و کار محاصره سخت تر شد و قحط و غلا در هرات مزید بر سایر صدمات گردید و خلقی از شهر خارج شده باردو آمدند و بامر اعلی آنها را غذا و لباس دادند هم در این اوان میرزا علینقی منشی فراهانی کاشانی را چون بعضی رازهای مخفی را آشکار کرده بود سیاست شد و عریضه از کامران میرزا بحضور همایون رسید که در افتتاح آن این بیت نوشته شده بود (ای باغبان چو باغ ز مرغان تهی کنی کاری به بلبلان نکن آشیانه‌دار) و در ضمن عریضه اطمینان

خواسته حاجی عبدالمجید محلاتی با سفارت لندن و بهرات رفته اعاده وزیر مختار انگلیس علیه مقیم هرات را اسباب اختلال کار
هندوستان دانسته در معاودت موکب منصور بدار الخلافه ابرام داشته همدر اینسال در پنجم ماه صفر فرستادگان
مهردل خان و ابراهیم خان فیروزکوهی با عریضه و پیشکشی بحضور مبارک آمده اظهار عبودیت کردند و مورد مراحم
پادشاهی گردیدند همدر این اوان قنبر علیخان که بقندهار مأمور شده بود بازگشت و شاه پسندخان از طوایف
افغان اسحق زائی در قلعه لاش جوین و شاه پسندخان سیستانی برادر علیخان بدو پیوستند و باردوی همایون
آمده مورد الطاف پادشاهی گردیدند و خداداد خان نیز از جانب کهندلخان با دو زنجیر فیل و عریضه بدربار معلی
آمده عرضه داشت که استدعای کهندل خان این است که بامر اعلی لشکر قندهار را کوچ داده بحضور همایون آید اعلیحضرت
اقدس محمد شاه در جواب فرمودند اکنون بلشکر قندهار حاجتی نیست اگر کهندل خان مهیای خدمت است با لشکر
بر سر جلال الدین میرزا پسر کامران میرزا که در فراه و اسفزار حکومت دارد برود و او را مقهور سازد نیز در اواخر صفر
اینسال محمد عمرخان ابن کهندلخان با چهار هزار سوار برکاب اعلی آمد و بعد از مراجعت از هرات نیز بدار الخلافه آمده
سالی بیست هزار تومان مقرری یافت بالجمله محمد عمرخان حسب الامر بفراه و اسفزار رفته جلال الدین میرزا را مقهور
ساخت و کار محاصره هرات سخت شد و لشکریان نیز از طول مدت بستوه آمدند و اطراف شهر را تا بیست فرسنگی
خراب کردند و وزیر مختار انگلیس در فراهم آوردن موجبات تعلل ساعی بود تا خاطر مبارک از او مکدر شده و بدین
واسطه راه دار الخلافه را پیش گرفت و در عرض راه حکم باو رسید که تا بیرون و اندرون هرات کند و خود بلندن حاضر شود
وزیر مختار اسلدوت نایب اول خود را بهرات فرستاد و خود روانه لندن شد و عساکر منصوره شهر را گلوله باران کردند
همدر این اوان اسکندرخان از سران سپاه زخمی برداشته بعد از دو روز درگذشت و در یورش روز هشتم جمادی
الاولی که نیمی از دیوار حصار هرات را گلوله توپ خراب کرد و لیجان تنکابنی که در این یورش پیشرو بود و علم خود را
بشیر حاجی سیم رسانیده نصب کرده بجهت نرسانیدن امداد لشکر خود بازگشت چون از خندق بگذشت گلوله توپ به
سر او رسید و درجه شهادت یافت و بروسکی صاحب از میرزادگان لهستان که در خدمت دولت علیه بود بزخم گلوله
هلاک شد و سرخوش خان نیز زخم گلوله یافت و اگر بعضی دستجات مسامحه نمی‌نمودند در این یورش شهر مسخر
شده بود عساکر ظفر مآثر باشارهٔ علیه مهیای یورش دیگر شدند و متقبل گردیدند که در این حمله شهر را مسخر نمایند اما
ابرام امنا و کارگذاران دولت انگلیس در معاودت موکب اعلی زیاد شد بلکه سفاین جنگی آن دولت بسواحل و بنادر عمان
آمد و بالصراحه اظهار نمودند که چون فتح شئون ایران هرات را اسباب اختلال حکومت انگلیس در هندوستان است
اگر از آن درنگذرند مودت مبدل بخصومت میگردد اعلیحضرت همایون شهریار غازی بنابر رعایت دوستی دولت انگلیس
حکم بازگشت اردوی معلی فرمودند و در نوزدهم جمادی الآخره از خارج هرات حرکت کرده در نوزدهم شعبان وارد
دار الخلافه شدند محمد علیخان ابن آصف الدوله و جعفرقلیخان شادلو با شش هزار نفر بضبط غوریان بماندند و
امیر اسدالله خان بقاین و تون و طبس رفت محمد عمرخان و شمس الدین خان افغان در رکاب اعلی بدار الخلافه آمدند
و نواب سلطان مراد میرزا که بتوقف عراق مأمور بود و پس از نظم آنجا خود از بختیاری و عراق و عربستان بشوشتر
و کوهگیلویه و فارس آمده با برادر والاگهر خود فرهاد میرزای فرمانفرما ملاقات کرده و از آنجا راه دار الخلافه را
پیش گرفته قبل از وصول موکب همایون بدار الخلافه در راه سمنان باردوی معلی پیوست و غراف سمنوویچ ایلچی
روس مقیم دار الخلافه بمملکت روس بازگشت و خامل صاحب با هدایا بجای او آمد و موکب پادشاهی بزیارت حضرت

معصومه سلام الله علیها انهاض فرمود و شاهزادگان از اطراف بتقبیل عتبه علیه آمدند و قنبرعلیخان مافی مامور
بغداد شد که خسارت محمره را از پاشای بغداد مطالبه نماید همدر اینسال چون فیمابین اهالی شیراز و توپچیان که در این شهر
بودند نزاع در گرفته و ماده فساد غلظت یافت میرزا نبی خان بفارس و رفع آنغائله مامور شد و رضا قلیخان امیر
الشعراء متخلص بهدایت از شیراز بدربار معلی آمده تربیت شاهزاده عباس میرزا بر عهده کفایت و درایت او موکول
شد همدر این اوان نواب منوچهر میرزا وفات نمود و میرزا رضای میرزا آقاسی مامور خوارزم شد و میرزا مسعود
وزیر امور خارجه بغوربان رفت و نواب بهمن میرزای بهاء الدوله بحکومت یزد منصوب شد و فرخ سیر میرزا بکلپایگان و خوانسار
روانه گشت همدر اینسال چون عبدالله پاشای بابان احکام حکام کردستان را پیروی نمیکرد و کسان او در آن
نواحی فتنه و فساد میکردند بر رضا قلیخان والی کردستان حکم شد او را گوشمالی دهد و محمود پاشا را که بستگی با بندوات
ابداً داشت تفویض نموده بجای عبدالله پاشا متمکن سازد رضا قلیخان با لشکر کردستان بجانب شهر زور حرکت
کرد اما از آنجائیکه او جوانی طرب و عیاش بود در هر چمنی انجمنی آراست و جای خواستار از طرف عبدالله پاشا
که از کار حریف خبردار بود با سپاهی جرار و هشت عراده توپ بسرعت والی را استقبال کرد و بیخبر در دره کمین نمود
شبی در هنگامیکه والی سرخوش بود و سران سپاهش هم بیخود در گوشه غنوده از کمینگاه بیرون تاخت و جنگ
در انداخت و جمعی را با گلوله توپ هلاک نمود والی و سپاهش راه دور را گذاشته برفتند و اموال آنها را عبدالله پاشا
تصاحب کرده بشهر زور باز گشت همدر اینسال اشرار و الواط اصفهان بنای شرارت را گذاشته شبها بخانه
متمولین و تجار رفته تهدید بقتل از آنها دریافت وجوه و نقود کرده بمصارف لهو و لعب خود میرسانیدند بنابر
این منوچهر خان معتمد الدوله بحکومت اصفهان منصوب شد که دفع شر اشرار نماید همدر اینسال سلطان عثمانی
برای آنکه مسئله محمره اسباب نقار دولتین ایران و عثمانی نگردد از امپراطور روس خواهش نمود که باصلاح ذات البین
پردازند امپراطور معظم نامه باعلیحضرت شهریار غازی نگاشته در این باب توسطی کردند و قورت صاحب و خاملخان
آن نامه را بحضور مبارک ایصال داشته مقرر شد وزرای مختار و سفرای مقیم دار الخلافه مجلسی منعقد ساخته تا تمام
این مسئله پردازند همدر این اوان عریضه امام مسقط با پیشکشی بدربار معلی موصول شد همدر اینسال میرزا
ابو القاسم ابن میرزا محمد تقی منشی الممالک در بلاد اروپا (المان) کلیسای شهر کلنی که در هزار و چهل و هشت مملکت
مسیحی بنا شده و ناتمام مانده در اینسال مجدداً شروع بساختن آن مینمایند ایجاد چند شعبه راه آهن (انگلیس)
کانادا از متصرفات انگلیس در ینگی دنیای شمالی بشورش مینمایند تاج گذاری ملکه انگلیس در بیست و هشتم ژوئن
انگلیس در آسیا با روس رقابت و همچشمی مینماید (اسپانیا) منازعه ما بین عساکر دولت و دن کارلس برقرار است
(فرانسه) فوت تالیران داناناعاظم رجال تولد کنت دپاریس پسر ولیعهد متاز عه فرانسه با مکزیک (پرتوغال) تولد
پسری که ولیعهد دولت خواهد شد (روس) ایجاد راه آهن از پطرزبورغ بمسکو مسافرت امپراطور روس بالمان
(عثمانی) محمد علی پاشای مصری ولایت مصر را بطور ارث نسلاً بعد نسل مطالبه و همچنین شامات را چون سلطان
عثمانی قبول نمیکند مصمم جنگ میشود ولی بمداخله انگلیس و فرانسه جنگ واقع نشده بتعیین سلطان را میکند مسافرت
رشید پاشا بلندن امریکا (ینگی دنیای جنوبی) جنگ فیمابین شیلی و پرو

سنه ۱۸۳۹ مسیحی

سنه ۱۲۵۵ هجری

آسیا (ایران) بعضی از مورخین در ذیل شرح سال ذیل نوشته اند موکب همایون اعلیحضرت شهریار غازی محمد شاه

امیر دیوان ح

باجماعتی از خواص لشکریان عزیمت اصفهان فرمودند تا ملازمان حضرت بقلع عیر اشرار و اجامرهٔ این ولایت پردازند و آن نواب
را هم تهیه سازند و پس از وصول بکاشان الواط اینشهر را گرفته باسترآباد فرستادند و روز بیست و پنجم ذیحجه وارد
اصفهان شده نصرالله خان کشیکچی باشی را بگرفتن اشرار امر فرمودند و یکصد و پنجاه نفر از مردم شریر گرفتار شده تنبیه
شدند و بعضی از آنها را باردبیل بردند و اهالی اصفهان آسوده شدند نگارنده گوید مسافرت اعلیحضرت شهریار
باصفهان باین مفصلی در تیر نیست ولی این در سال قبل بلکه سفر همایون در اینسال بوده چنانکه نواب مستطاب والا
حاجی معتمد الدوله فرهاد میرزا در جام جم میفرمایند در چهاردهم شوال هزار و دویست و پنجاه و پنج هجری باصفهان
تشریف فرما شدند و در روز جمعه هشتم رجب المرجب سنهٔ هزار و دویست و پنجاه و شش هجری مراجعت نمودند
بالجمله در این سفر نیز نواب مستطاب والا فرهاد میرزا حاجی معتمد الدوله نایب الایاله در دار الخلافه طهران بمهام ملکی
اشتغال داشتند همدر اینسال نصرالله خان کشیکچی باشی بحکمرانی فارس منصوب و برادرش میرزا محمد خان کشیکچی
باشی شد و میرزا نبی خان را از فارس احضار فرمودند همدر اینسال الحسینخان اجودان باشی که بسفارت پاریس رفته بود
با چند نفر از صاحبمنصبان فرانسه بحضور مبارک مشرف شد و نامهٔ پادشاه فرانسه را که مشعر بر اظهار مودت و اتحاد بود تقدیم
نمود همدر اینسال در بیست و هشتم رجب نصرالله خان حکمران فارس درگذشت و نواب والا حاجی معتمد الدوله فرهاد میرزا
بحکمرانی فارس منصوب شدند و میرزا فضل الله علی آبادی نصیر الملک لقب یافته بوزارت نواب معظم برقرار گشت نگارنده
گوید اینواقعه را مورخین در سوانح اینسال ثبت نموده اند ولی حقیقت فوت نصرالله خان و حکمرانی نواب والا حاجی
معتمد الدوله بفارس از وقایع سال هزار و دویست و پنجاه و شش هجری است خلاصه بعد از آنکه نواب مستطاب معظم
بفارس رفتند آن صفحات را نظمی کامل دادند و از آنجا که میرزا قوام الدین برادر میرزا منصور خان حاکم کوهکیلویه در
حاضر شدن بدربار همایون و ادای منال دیوانی تهاون داشت منصور خان سرتیپ فراهانی را با ده عراده توپ و دو
فوج سرباز بنظم بهبهان فرستادند میرزا قوام الدین فرار کرده نزد منوچهر خان معتمد الدوله رفت و او را شفیع
حامی خود ساخت همدر اینسال نواب خانلر میرزا از کرمان احضار شده و فضلعلیخان حکومت اینولایت یافت
همدر اینسال آقاخان محلاتی ابن شاه خلیل الله رئیس طایفهٔ اسمعیلیه که سابقا بقم متحصن شده بود اطمینانی یافته
بدار الخلافه آمد و در حضرت عبدالعظیم اعتکاف جست و بنا بر سیادت عمامهٔ سبز بر سر نهاده حاجی میرزا آقاسی
حاجی عبدالمحمد محلاتی را بنزد او بمقدسه فرستاده که آقاخان را کاملا اطمینان داده بدار الخلافه آورد اگرچه آقا
خان بجهة اینکه حاجی عبدالمحمد سابقا از رعایا و اجزای او بوده از اینمعنی استنکاف داشت که بواسطهٔ او بدار
الخلافه آید ولی ناچار تمکین نموده با عمامهٔ سبز بحضور حاجی میرزا آقاسی آمد و بشفاعت او معفو و مرخص شد بخانهٔ
خود رفت پس از چندی از خاکپای مبارک اجازت خواست که با اهل و عیال بزیارت مکهٔ معظمه زادها الله تعالی شرفا
مشرف شود و پس از حصول اجازه اهل و عیال و احمال و اثقال خود را از راه بغداد بعتبات عالیات روانه داشت و
باتباع استمالت عربی وغیره پرداخت و در مدت دو سه ماه تقریباً پانصد راس اسب عربی تحصیل کرد و در هر جا سوار
دلیری سراغ داشت او را ببذل وجوه فریفته دور خود جمع نمود و در اوایل رجب با ملازمان و برادران خود بجانب
کرمان روان شد چه هواخواهان و مریدان او که از جملهٔ عطاء اللهی بودند که داخل در طریقهٔ اسمعیلیه شده در
صفحات شهربابک و آن حدود بودند خلاصه برای تسهیل مرام آقاخان فرمانی جعلی تمام کرده باین مضمون که ما آقاخان را
حکومت کرمان دادیم اهل کرمان باید اطاعت او کنند و نوشتجاتی بر طبق آن فرمان باهالی کرمان نوشته اظهار داشت

که من بخصت بارت مکه خواسته بودم در بین راه حکم حکومت کرمان بمن رسید از آنطرف چون خبر حرکت آقاخان محلاتی
بجانب کرمان بامنای دولت علیه معروض شد احکام بیها الدوله میرزا حکمران یزد در دفع و رد او صادر شد همچنین
فضلعلیخان قراباغی حاکم کرمان مرقوم داشتند اما آقاخان چون بخارج شهر یزد رسید میرزا حبیب الله نوسندۀ
خود را با احکام مجعوله نزد نواب بهاء الدوله فرستاد نواب معزی الیه چون هنوز بیخبر بود فرمان داد منزلی در شهر برای آقاخان
مهیا نمایند و چند نفر را معین کرد که روز یازدهم رجب باستقبال او روند ولی آقاخان وارد شهر نشد و معلوم شد
باینکه مشغول اخذ زکوة جماعت عطاء اللهی هستم و راه کرمان پیش گرفت و احکام دفع و منع او به بهاء الدوله رسید
نواب معزی الیه با جماعتی آقاخان را تعاقب نمود ولی باو نرسید به یزد باز گشت و آقاخان بنواحی کرمان رسید و نوشتجات
مجعوله خود را بمردم نمود و روز دیگر اخبار صحیحه شیوع یافت و کارگذاران دولت بفکر اخذ و قید آقاخان افتادند چنانکه
شرح آن بیاید همدرا اینسال کهندلخان افغان و مهردلخان برادرش که بطهران آمده و بحکم اعلیحضرت شهریار غازی
در شهر بابک متوقف بودند و حکومت آن بلده در اختیار آنها بود بنا بر نزاعی که فیما بین آنها و اهالی شهر بابک در گرفت حاجی
محمد علی کدخدای شهر بابک و سه چهار هزار نفر از طایفه عطاء اللهی و مردم شهر قرا افاغنه را محصور نمودند مقارن این
حال آقاخان در رسید و اینو افغه را از نتایج اقبال خود دانست و چنان پنداشت که بعد از تسخیر ارک شهر بابک و تصرف
اموال و اثقال کهندلخان و الی قندهار و کسان او فتح کرمان و جذب قلوب اهالی آسانتر خواهد بود بنا براین در محاصره
افاغنه تاکیدات نمود و برادر خود محمد باقرخان را بسیرجان فرستاد و در قلعه زیدآباد جای گرفت و در این اوان از جانب
دار الخلافه فضلعلیخان رسید و با جماعتی قصد آقاخان کرد و ابتدا بر سر محمد باقرخان تاخت محمد باقرخان از آقاخان
استمداد نمود و او با جماعتی بزیدآباد آمد و لدی الوصول بجنگ پرداخت و شکست خورد و با جمعی و لار گریخت فضلعلی
خان بشهر بابک آمده آنجا را منظم ساخت و شنید که آقاخان بطرف اسفندقه و جیرفت تاخته و در آنجا جمع آذوقه
اصرار کامل دارد بمحض استحضار فضلعلیخان سواران خود را برداشته بدانطرف شتافت و سر فوج سرباز و دو
عراده توپ نیز از کرمان بخواسته در راه یونت معلوم شد که آقاخان از اسفندقه بکرمسیر رفته فضلعلیخان مصلحت
ندید که شهر را رها و او را تعاقب کند لهذا بکرمان آمد همدر این اوقات میرزا رضای میرزا آقاسی که بخوارزم رفته بود
با فرستاده اللهقلیخان اوزبک خیوقی که اتا نیاز محرم نام داشت و چند راس اسب پیشکشی بدربار اعلی آمد و موکب شهریار
منصور غازی از راه خوانسار و کلپایکان بنهاوند تشریف فرما گشته از آنجا بهمدان نزول اجلال فرمودند و مردم
کلپایکان که از حکومت نصرت الدوله فرخ سیر میرزا شکایتی داشتند با وتهمت بستند کفتند قصد مخالفت دارد بنا براین محبعلی
خان باحضار او رفته و او در رفتن برکاب اعلی پیوست و معلوم شد که آنچه باو نسبت داده اند محض تهمت بوده است
پس از ثبوت مطلب نصرت الدوله مشمول الطاف پادشاهی گردید همدر این اوان فرخ خان غفاری که از منازل عرض راه اصفهان
بتحقیق حال امان الله خان افشار وزیر گیلان رفته بود معلوم نمود که مشار الیه بجهة اظهار قدس و تقوی حرکاتی
میکند که اسباب سخریه مردم و عدم پیشرفت عمل و زارت و خدمت دیوانست مراتب را بواسطه عریضه معروض
آستان مبارک داشت اعلیحضرت همایون یحیی میرزا حاکم گیلان را با امان الله خان وزیر بحضور مبارک احضار فرمودند
و مقرر شد فرخ خان برتق و فتق امور گیلان و رسیدگی بعمل مالیات بپردازد و یحیی میرزا بوزارت محمد امین خان
نسقچی باشی بگیلان رفت و فرخ خان پس از رسیدگی بامور آنولایت دستور العمل بمحمد امین خان داده بعد از هشت
ماه برکاب اعلی پیوست و بعد از ورود موکب همایون بدار الخلافه باهره جهانگیر میرزا و جلال الدین میرزا پسران نائب السلطنه

میرزا حکمران هرات بقصد ملازمت آستان اقدس بحضور مبارک آمدند و مورد الطاف کامله گردیده منزل و رواتبه و انعام لایقه درباره آنها مبذول شد همدر این اوان سلیمانخان امیر تومان کیلانی که حکومت خمسه داشت معزول و نواب حمزه میرزا بجای او منصوب گشت و چون سابقا از جانب دولت عثمانی عبد الرزاق افندی با ملا عبد العزیز کاشانی بجهت تدارک امور سرحدات متصله خاصه قضیه محمره برکاب همایون آمده بودند در این اوان اذن مراجعت یافته بجانب بغداد رفتند و در باب آمد و شد تجار و رفع اجحاف عساکر و مامورین عثمانی با آنها تاکیدات شد نیز از وقایع اینسال آنکه دولت انکلیس شجاع الملک بن تیمور شاه را تقویت کرده با بیست هزار کس از راه پنجاب و پیشاور بطرف جنوب قندهار فرستادند و لرد سر ولیم مکناتن را وزیر او قرار دادند و کهندلخان و برادرانش مهردلخان و رحمدلخان چون دانستند که در قندهار محصور خواهند شد چنانکه پیش اشاره کردیم اهل و عیال خود را با پانصد سوار برداشته بدربار شهریار غازی آمدند و در ماه رمضان اینسال وارد طهران شدند شهریار ایشانرا کرمان و هرات و مرو و فارس که متصل بیکدیگر میباشند بسیورغال آنها مرحمت شده سه سال در آنجا بودند تا لشکر انکلیس در افغانستان شکست خورده برگشتند و کهندلخان مرخص شده در ماه ذیقعده هزار و دویست و پنجاه و هشت هجری بقندهار شتافت و فات نواب قهرمان میرزا در تبریز اروپا (انکلیس) بهانه کمک والی افغانستان قشون انکلیس مملکت سند را متصرف شده و بعد قندهار و کابل و غزنی را مسخر مینماید تخاصم با چین که بیست هزار صندوق تریاک را بدریا میریزند شهر عدن در عربستان بهانه غیر موجهی بتصرف انکلیس در میاید (دانمارک) فوت فردریک ششم پادشاه و جلوس کریستیان هشتم بجای او (فرانسه) زلزله سخت در جزایر مارتنیک فتوحات در الجزایر مصالحه با مکزیک اختراع عکس انداختن در صفحه نقره که مخترع موسو برداگر میباشد (روس) قشون کشی اینه دولت در قفقاز بر سر شورشیان اعلان جنگ بخیوه (عثمانی) منازعه عثمانی با مصر ابراهیم پاشا در نصیبین حافظ پاشا سردار عثمانی را شکست میدهد وفات سلطان محمود خان و جلوس پسرش سلطان عبد المجید خان در شانزده سالگی بجای او

سنه ۱۲۵۵ هجری — سنه ۱۸۴۰ مسیحی

آسیا (ایران) در اوایل اینسال فضلعلیخان حاکم کرمان عریضه بدربار معلی فرستاده لشکری برای تقویت خود در دفع آقاخان محلاتی استدعا نمود امنای دولت علیه حبیب الله خان امیر تومانرا با پیاده و سواره و توپخانه روانه کرمان نمودند و قبل از ورود او بکرمان آقاخان استعدادی بهم بسته قصد تسخیر کرمان کرد فضلعلیخان عبد الله خان سرتیپ را با دو فوج ملایر و تویسرکانی و دو عراده توپ جلو آقاخان فرستاد و ولیمحمد خان سرتیپ و تفنگچیان کرمانی نیز از قفای او حرکت کردند اسفندیارخان برادر فضلعلیخان در دشت آب با آقاخان تلاقی کرده مشغول جنگ شد ناگاه اسفندیارخان مقتول گشته جمعیت او متفرق گردیدند و فورا آقاخان حمله بر عبد الله خان نمود عبد الله خان در قلعه زیخان متحصن شد آقاخان از او درگذشته بطرف ولیمحمد خان تاخت و در حمله اول همراهان او شکست داده خود او را دستگیر کرد و در قلعه مشیز هفت فرسنگی کرمان فرود آمد و همه روزه کاغذ و پیغام او با اعیان شهر میرسید و در اغوای آنها جهدی داشت و اصرار میکرد که فضلعلیخان را گرفته نزد من فرستید مقارن این حال امیر تومانخان در رسید و بر سر آقاخان رفت و جنگ فیما بین در گرفت و بعد از کشش و کوشش لشکر آقاخان منهزم گشته باز بقلعه مشیز آمد امیر تومانخان وارد شهر کرمان شده با فضلعلیخان مصمم شدند که بقلع ماده فساد آقاخان

پرداز ند آقاخان دانست که از عهدهٔ آنها برنمی‌آید و در قلعه مشیز محصور خواهد شد از قلعه بیرون آمده راه بم
نرماشیر پیش گرفت فضلعلیخان او را تعاقب کرده در سرحد بلوچستان در منزله موسوم به ردگان باو رسید نایرهٔ
قتال بان اشتعال یافت و لشکر آقاخان هزیمت یافته خود او از راه بیابان بقندهار و از آنجا بهندوستان رفت و
در آنجا متمکن شد همدر این سال فیمابین ایلات قشقائی و قبایل الوار ممسنی در فارس نزاع و آشوبی در گرفت نواب
والا فرهاد میرزا (حاجی معتمد الدوله) میرزا فضل الله نصیر الملک را در شیراز گذاشته بطرف قبایل ممسنی رفته معاقل
و اماکن آنها را با خاک یکسان کردند و قلعهٔ طوس و قلعهٔ نونرا خراب نمودند و از قبایل الوار کرد و کان یکی قتل شد و علی
خان برادر خانعلیخان رستم را که در فهلیان مرتفع و مسکن داشت و مرد مفسدی بود با چند نفر پدر به آن اشرار
بودند سیاست کردند خانعلیخان رستم بزرگ طایفهٔ خانیفه یاغی شده با هود سهلانی که منصور بود در کوه گیلویه
جائی صعب المسلک است رفت نواب معظم شکرالله خان نوری را که در آن صفحات معروف بود برای نظم آنجا و دفع ایشان
شهر کوه گیلویه متوقف ساخته از تمام رؤسای ایلات گروگان گرفته باو سپردند که روانه شیراز دارد و میرزا کوچک
یاور توپخانه را با توپ و سرباز در ممسنی گذاشته حکومت دادند و خود با جمعیتی از راه خشت و کازرون بطرف بوشهر رفته
آن صفحات را منظم فرموده در ماه ربیع الاول سنهٔ هزار و دویست و پنجاه و هفت وارد شهر شیراز گردیدند و در ازای
خدماتیکه در این مملکت نموده بودند با عطای نشان تمثال اعلیحضرت همایون محمد شاه مفتخر گشتند همدر این سال شیر محمد خان
برادر یار محمد خان وزیر هرات از جانب کامران میرزا با پیشکش و هدایا بدار الخلافه آمد و معلوم شد که افاغنه از
سلوک انگلیس کمال کراهت بهم رسانیده و پشیمان گشته‌اند که چرا اطاعت شهریار ایران ننموده لهذا سکه بنام همایون
زده‌اند و خطبه را نیز باسم مبارک میخوانند و بر خود مفتخر نموده که در طریقهٔ انقیاد راسخ و ثابت قدم باشند همدر این
سال فیمابین حاجی خان شکی حاکم کرمانشهان و ایلات آنولایت خلاف در گرفت و منشاء مخالفت امر مذهبی بود باین معنی
که حاجی خان بر طریقهٔ اهل سنت و جماعت بود و ایلات توابع کرمانشهان غالبا از غلاة میباشند حاجی خان میخواست
رعایای ولایت محکومهٔ خود را بر طریقهٔ خود آرد و دارد و معلوم است غالی چگونه سنی تواند شد بدین واسطه کدورت
در کار بود و کم کم ایلات بخیال یاغیگری افتادند حاجی خان شکی بگرند رفت که ایلات یاغی را مطیع کند مردم گرند از در اطاعت
در آمدند و قبول خدمت کردند و مستدعی شدند که کسی را بادین و آئین آنها کاری نباشد حاجی خان تعهد کرد و کار
باصلاح انجامید ولی بعد از اصلاح میان یکی از اهالی گرند و ملازمی از ملازمان حاجی خان بر سر دریافت آذوقه نزاع
در گرفت و ملازم حاجی خان مقتول شد حاجی خان متغیر شده حکم کرد تمامی اهل گرند را مقید کرده بدار الخلافه برند
مردم باشارهٔ حیاتقلی خان بشوریدند و حاجی خان شکی را محصور نمودند و با تیر تفنگ چند تن را بکشتند که بهانه نیز از
پائین و بالا بمنزل حاکم در آمدند و او را بکشتند و بعضی جهت مقتول شدن حاجی خان شکی را چیز دیگر گفته‌اند در هر حال
پس از سنوح این سانحه اهالی از بیم مؤاخذه و سیاست بخاک عثمانی داخل شدند و حکمی بعلی رضا پاشا والی بغداد
صادر شد که آنجماعت را راه ندهد و بنگاهداری نکرده معاودت دهد پاشای مشار الیه اطاعت نمود و آنها باز
گشته بتدریج ایمن گشتند و عبد الحسین خان زنجوانشیر بحکومت کرمانشاهان روانه شد همدر این سال میرزا محمد تقی علی آبادی
صاحبدیوان که در دانش و بینش و خلق و خوی مثل و مانندی نداشت در جمعهٔ هفدهم ماه ربیع الثانی در دار الخلافه در گذشت
و شاهزاده فتحعلی میرزا پسر شهریار غازی که چهار ساله بود وفات نمود و مستر بانخ حکیم انگلیسی برای استمزاج جدید
مصالحه مابین دولتین ایران و انگلیس بدار الخلافه آمده چون مانعی و اکراهی در امنای دولت علیه ندید برای اعلام

بلندن

بلند بازگشت و مکنیل صاحب مامور شده بدار الخلافه آمد و عهدنامه مابین دولتین تجدید شد ارف پاشا از وجه ملکه با
پرنس آلبرت نمسانی شاهزاده بجهت ساکسن کبورگ کتا نجات یافتن ملکه از یک قتل ناگهانی فرستادن چند فروند کشتی جنگی
بدریای چین مسئله شرقیه در اینسال عنوان میشود و از آن وقت تا کنون این مسئله فیمابین اهالی مغرب و مشرق مطرح است
توضیح آنکه انگلیس و فرانسه و اطریش و پروس و روس و عثمانی مطالبی را که راجع بمملکت عثمانیست مسئله شرقیه مینامند
و دول مشار الیهم از اینسال تا کنون در مسئله مزبوره مداخله میکنند لرد پالمرستن وزیر انگلیس با دولت روس
اتفاق کرده برضد فرانسه در حمایت محمد علی پاشای مصری اقدامات مینمایند و انگلیس و روس و پروس و اطریش در لندن مجلس
کرده در این مجلس محمد علی پاشا را والی بالاستقلال مصر میشناسند و الیکری را برای اولاد او وارث میدانند و عثمانی چون
قبول اینمطلب را نمینماید ناپیه سردار بحری انگلیس شهر بیروت را گلوله باران میکند (فرانسه) مسیو تیر بوزارت اعظم بر
قرار میگردد لوئی ناپلیون برادرزاده ناپلیون اول در بندر بولنی خروج کرده بحکم دولت گرفتار مجلس ابدی میگردد
پادشاه از قتل نجات مییابد سفاین جنگی فرانسه در اینسال مرکب از دویست و بیست و هشت فروند و سی و پنج هزار
عساکر بحری میباشند جسد ناپلیون اول که در سنت هلن بود ژوانویل پسر پادشاه فرانسه آنرا نقل کرده بپاریس
میاورد و در انوالید دفن میشود (هلاند) استعفای پادشاه و جلوس گیلیوم دویم بجای او (پروس) فوت فردریک
گیلیوم سیم پادشاه پروس و جلوس فردریک گیلیوم چهارم بجای او

سنه ۱۲۵۷ هجری — سنه ۱۸۴۱ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال حبیب الله خان امیر توپخانه که بعد از فرار آقاخان محلاتی مامور نظم بلوچستان بود
روانه قلعه بمپور شده قلعه بمپور را محاصره و مسخر نمود ولی فیمابین عساکر او و اهالی بمپور لجاجی پیدا شده آشوب
در گرفت و بسیاری از اهالی آن صفحات کشته شدند و امیر توپخانه تا پنج منزلی قندهار براندند و در اینجا حکم معاودت
باو رسیده بازگشت و طپانچه مرصع با فتحنامه او مرحمت شد و چون بدار الخلافه رسید فضلعلیخان قراباغی حاکم
کرمان معزول شده عباسقلیخان جوانشیر بحکومت کرمان منصوب گشت و از آنجا که حبیب الله خان اسباب خونریزی
و هلاکت نفوس و پریشانی زیاد در بمپور و آن نواحی شده بود در هنگام [illegible] تفلیس
شده بد دود زندگانی گفت هم در اینسال فتحعلیخان مهنی که از سرکشان کرمان بود [illegible] جوانشیر
والی کرمان ربقه اطاعت و خدمت بر کردن گرفت هم در اینسال هشتصد نفر سوار ترکمان [illegible] مقدس
کرده محمد ولیخان برادرزاده اللهیار خان آصف الدوله را که بشکار رفته بود گرفته با خود بردند عساکر [illegible]
ترکمه را تعاقب نموده بآنها نرسیدند امنای دولت علیه چون از ماجری خبردار شدند محمد علیخان غفور [illegible]
نزد اللهقلیخان اوزبک بخیوه فرستادند و استرداد محمد ولیخان فرستادند هم در اینسال مخدومقلیخان ترکمان یکی از
نقشبندیه که دعوی تصوف و کرامت میکرد و بزبان ترکی ترکمانی مناجات و اشعار بنظم در میاورد و [illegible]
و اطاعت نموده و جمعی دیگر از ترکمانان ککلان و یموت باو گرویده محض التفخیم او را ایشان خواندند و [illegible]
استراباد بغضا پرداختند محمد ناصرخان قاجار دولو مراتب را بعرض دولت قوی شوکت رسانیدند محمد حسنخان سردار ایروانی
و محمدخان امیر تومان که بشرف مصاهرت پادشاهی مفتخر بود با ده هزار سوار و پیاده و توپخانه باستراباد رفته و نواب
اردشیر میرزا حکمران مازندران و جعفرقلیخان شادلوی بوزنجردی با سواران کرد و خراسانی نیز بدانطرف راندند
مخدومقلیخان چون دید چاره جز اطاعت نیست پسر خود محمدخان را با مرشد معروف با ایشان [illegible]

ریش سفیدان تراکمه نیز پسر و برادر خود را بنوا و گروگان بار دیگر فرستادند و اظهار داشتند که اگر حکم شود تا خیوه خواهند
تاخت نواب اردشیر میرزا مطلب را بعرض آستان مبارک رسانید رؤسای تراکمه بخلعت و التفات نایل گردیدند مقرر شد
که توقف کنند تا محمد علیخان نامور خیوه مراجعت کند اگر محمد ولیخان را خان خیوه فرستاد کسی را با او کاری نباشد
والا راه خوارزم پیش گیرند مقارن اینحال اللهقلیخان خوارزمی محمد ولیخان را با اعزاز فراوان بآستان همایون فرستاد
و از خطر لشکرکشی بخوارزم آسوده شد همدر اینسال چون محمد تقیخان بختیاری ده هزار سوار از اشرار دور خود جمع کرده
و بمعاقل جبال پناه جسته دست اندازی بمال تجار و عابرین مینمود منوچهرخان معتمد الدوله بنظم آن صفحات و اراضی سرحدات
ایران و عثمانی مأمور شد و با شش فوج سرباز و جمعی سوار ابواب جمعی سلیمانخان ارمنی و شش عراده توپ
بخوزستان رفت علینقیخان برادر محمد تقیخان بختیاری که همراه معتمد الدوله بود برادر را خبردار کرد محمد تقیخان برادر
دیگر خود کریمخان را با عریضه و هدایا نزد معتمد الدوله فرستاد و خود نیز در رامهرمز با اشراف قبیله بخدمت معتمد الدوله
آمده مخلع و مورد التفات شد و شبی معتمد الدوله را در قلعه تل مهمانی نمود و درخواست کرد که با قبیله و عشیره در
قلعه مزبوره متمکن باشد و بعد از نوروز بخدمت آید اما چون زمان میعاد در رسید تخلف کرد علینقیخان و محمد حسینخان
فراکوند لور قسم او را اطمینان دادند و او تا بنجفر سنگی شوشتر بیامد و باز توهم نموده برگشت معتمد الدوله حکم کرد
از طوایف چهار لنگ و هفت لنگ سواران جنگی جمع شدند کلبعلیخان و جعفرقلیخان پسرهای اسدخان بختیاری با جماعتی
حاضر گشتند و علیرضا خان که پدرش را محمد تقیخان کشته بود نیز با سواران خود مهیای کارزار گردید و معتمد الدوله
از شوشتر قصد قلعه تل کرده سلیمانخان سرتیپ برادرزاده خود را از پیش روانه نمود محمد تقیخان عیال و اموال و
بستگان خود را برداشته بشیخ سامرخان حکمران چعب و فلاحیه پناه برد شیخ مشار الیه چون با خاک سرحد عثمانی قرب
جوار داشت و همیشه پانزده هزار سوار جنگی با او بودند در جبه اطاعت همین بود که گاهی بفرمانفرمای فارس چیزی
میداد معتمد الدوله قلعه تل را بعلیرضاخان سپرده روانه فلاحیه شد و بشیخ سامر پیغام داد که محمد تقیخان را نگاهداری
نکند شیخ سامر گفت او بمن پناه آورده و در عربستان است که از او حمایت نکنم شخص معتبری را باطمینان او بفرستید
تا او را بخدمت آرد معتمد الدوله سلیمانخان را فرستاده محمد تقیخان و بشیخ شیخ سامر را مطمئن کرده باردو آورد و
مورد نوازش شدند و شیخ سامر مصمم مراجعت گردید معتمد الدوله گفت علینقیخان و کسان محمد تقیخان را نیز
روانه نماید شیخ در اینکار تعلل نمود و علینقیخان در خفا بجمع کردن سواره و پیاده بختیاری مشغول شد محمد شفیعخان
سامانی درخواست کرد که بفلاحیه رود و علینقیخان را بیاورد و چون برفت باز نیامد و علینقیخان و محمد شفیعخان با شیخ
سامر اتفاق کرده بفکر استخلاص محمد تقیخان افتادند و شب هنگامی باردوی معتمد الدوله شبیخون زدند و جنگ در گرفت در
هنگام محمد تقیخان خواست فرار کند میرزا احمدخان دبوسی بر سر او زده حکم کرد او را گرفتند و بخیمه معتمد الدوله برده
مقید نمودند تا وقت صبح تقریبا هشتصد نفر از عرب و بختیاری مقتول گشتند و باقی منهزم گشتند و از لشکر معتمد الدوله
سی چهل نفر مقتول و مجروح شدند در اینحال جماعتی از مشایخ اعراب که از شیخ سامر شاکی بودند بمعتمد الدوله شکایت
نمودند و شیخ عبدالرضا از اقارب شیخ سامر که فراری و در بغداد بود احضار شد و باردو آمده قبیله باو پیوستند
شیخ عجیل و شیخ عقیل و بعضی از مشایخ دیگر مخلع شدند و منصورخان فراهانی که از جانب حکومت فارس باخذ منال
چعب رفته بود و شیخ سامر او را داخل نمیداد نیز با فوج خود نزد معتمد الدوله آمد و حکم شد بعضی از نخلات را
قطع کرده بر نهر خراین پل ببندند شیخ سامر پشیمان شده جمعی از علما و سادات را شفیع قرار داد و قبول تکالیف

نموده

نموده کرکان معتبر داد و مهلت خواست و معتمد الدوله مراجعت کرد و محمد تقیخان را مقید با خود برد و بازای این خدمات
یکقطعه تمثال شهریاری و یکقبضه شمشیر و یکرشته حمایل سبز و سرخ از درجه امیر تومانی با کل مرصع مصحوب آقا اسمعیل
پیشخدمت خاصه در عرض راه شوشتر بمعتمد الدوله رسید و محبعلیخان ساکوئی سرتیپ با شش عراده توپ و شش
فوج سرباز و جمعی سوار بروجردی و کرمانشهانی بمعتمد الدوله پیوستند شیخ سامرخان زیاده خایف گشت و علینقی
خان اظهار کرد که مرا قدرت نگاهداری تو نیست علینقیخان با اهل و عیال محمد تقیخان بخانه خلیل خان بلهمه که
با او منسوب بود رفت خلیل خان نیز عذر داورا خواسته ناچار بکوهستان رفتند که در معقلی پنهان شوند در عرض راه
بلشکر منصور خان دوچار و تمامی گرفتار شدند مگر علینقیخان که فرار کرده بعربستان رفت و بعدها بحکم نواب والا فرهاد
میرزا (معتمد الدوله) او را گرفتند و بدار الخلافه آورده با برادرش محمد تقیخان محبوس نمودند همه را این اوان
حکومت چعب را نیز بر عهدهٔ معتمد الدوله موکول فرمودند و چون اثری از تعهدات شیخ سامر بظهور نرسید معتمد
الدوله میرزا محسنخان را بحکومت شوشتر برقرار کرده خود روانهٔ فلاحیه شد و شیخ سامر با عیال و اجمال بقلعهٔ
کوت شیخ که حصین تر از قلعه فلاحیه بود رفت و شیخ عبد الرضا را حکومت فلاحیه داد و محبعلیخان را بحکومت بختیاری
فرستاد که دو فوج سرباز از آن طوایف گرفته و معامله بختیاری را بپردازد و صد خانوار از اعاظم این طوایف بگروگان
بدار الخلافه بفرستند و کلبعلیخان و جعفر قلیخان چهار لنگ و محمد مهدیخان و علیرضا خان هفت لنگ را با محبعلیخان همراه
کرده و شیخ سامرخان تصور نمود که چون تابستان شود معتمد الدوله و عساکر او در چعب توقف نتوانند کرد و
چون مراجعت کنند او میتواند بر فلاحیه بتازد چون برخلاف تصور او معتمد الدوله در گرما در چعب ماند شیخ بکویت
که از اراضی بغداد است گریخت و از غرایب آنکه شیخ عبد الرضا سالها طالب چعب بود و بآن آرزو نایل گردید بعد بگریخت
و برادرش نیز از اردو فرار کرد قدغن و مر بدکه شیخ سامر آنها را بگروگان داده بود نیز از شوشتر بگریختند معتمد الدوله
حکومت چعب را نیز بمولی فرج الله والی خوزستان داد و حکم کرد محمره را آباد کنند و حاجی محمد علی حمصی از اعاظم تجار را نزد
متسلم بصره فرستاد که یا محمره را چنانکه خراب کرده اید آباد کنید یا بصره را مثل محمره خراب میکنیم و بعلی پاشا والی
بغداد نیز همین پیغام داد و در این اوان معتمد الدوله محمد تقیخان بختیاری را مغلولا روانه دار الخلافه نمود و اسبهای
عربی نسبتا خوب نیز بدربار معلی انفاذ داشت و حکومت دزفول را بحاجی ملا احمد کرمانشهانی داد و احمد خان پسر
حسن خان والی فیلی را مرخص کرد که بپشتکوه رود و حکومت لرستان را بر عهدهٔ محمد حسنخان خرقانی واگذار نمود
و مولی فرج الله را بجراست فلاحیه تاکید کرد و محبعلیخان نزد معتمد الدوله آمده حساب بختیاری را پرداخت
بعد از آن معتمد الدوله محبعلیخان را بکرمانشهان فرستاد که در نظم این ولایت تقویتی از عبد الحسین خان نوه نشیر
کند ولی عبد الحسین خان از راه سوء ظن مایل بورود و وصول محبعلیخان بکرمانشهان نشد و چون حکمی نیز از
دار الخلافه رسیده بود که قاتلان حاجی خان شکی را فورا در کرمانشهان گرفته بدار الخلافه فرستند و این حکم بدست
عبد الحسینخان افتاده بخوانین کرمانشهان نمود و آنها را بر ضد محبعلیخان تحریک کرد و مجموع اسباب باتفاق آنها
با محبعلیخان جنگ لهذا عبد الحسینخان معزول و محبعلیخان بحکومت کرمانشهان منصوب شد و قاتلین حاجی خان
شکی را گرفته بدار الخلافه فرستاد همدرین اوان عبد الله پاشای بابان فضل سنندج کرد و محبعلیخان با
پانزده هزار نفر روانهٔ کردستان کردید عبد الله پاشا چون خبر حرکت محبعلیخان را بشنید خایف شده بازگشت
محبعلیخان نیز بکرمانشهان معاودت نمود و در حکومت مستقل شد و بدزفول و خرم آباد رفته آن صفحات را

منظم

منظم کرده و از بروجرد باصفهان رفت و با منوچهرخان معتمد الدوله ملاقات نمود هم در این سال در ماه رمضان محمد
خان امیر تومان در گذشت هم در این سال میرزا جعفرخان مشیر الدوله مأمور اسلامبول باجازه امنای دولت عهد
با وکیل دولت بلژیک منعقد نمود که صورت آن از قرار ذیل است

صورت عهدنامه دولتین ایران و بلژیک

برخردمندان هوشمند و هوشمندان سخن نیوش پوشیده نماناد که جناب رب عباد امور معاش و معاد عباد را بقبضه
ارادت و اختیار سلاطین با عدل و داد نهاده تا کافه برایا در تحصیل مال و حصول آمال و انجاح مطالب و اسعاف مآرب
طریقه مهربانی و وداد سپرند و براه امور تعاند و خلاف نکردند بنابر این ابتهال آنکه اعلیحضرت کیوان رفعت مشتری سیرت
بهرام سطوت خورشید شوکت ناهید بهجت عطارد فطنت قمر طلعت مالک ممالک محروسه ایران وارث تخت و تاج
سلاطین کیان ظل الله فی الارضین کهف الاسلام والمسلمین محمد شاه قاجار خلد الله ایام سلطنته الی آخر الاوان و
اعلیحضرت فلک رفعت قضا درایت قدر رتبت پادشاه تمامی بلجیقو لئوپولد دام الله ایام سلطنته الی آخر الزمان هر دو
علی السویه چنین مناسب دیدند که بجهت تاسیس قواعد دوستی و محبت و تمهید مراسم یگانگی و مودت و ترفیه حال رعیت
و گشایش ابواب منافع تجارت بر روی عامه برایا مابین دولتین علیتین معاهده دوستی و تجارت منعقد شود لهذا دولت علیه
ایران عالیجاه مقرب الخاقان میرزا جعفرخان مهندس باشی عساکر منصوره ایلچی مختار دولت علیه ایران در دربار عثمانیه
صاحب نشان صورت همایون و نشان اول شیر و خورشید سرتیپی و صاحب و حمایل افتخار سبز و سرخ و نشان افتخار دولت
علیه عثمانیه را از قرار دستخط اعلیحضرت همایون و امضای جناب جلالتمآب اجل افخم حاجی میرزا آقاسی در این خصوص وکیل و مختار
نموده و اعلیحضرت پادشاه بلجیقا از قرار دستخط همایون و امضا نامه جلالتمآب جناب برون فرانو واجان وزیر امور خارجه
وزیر مختار دولت بهیه بلجیقا مقیم اسلامبول صاحب منصب و نشان اعلیحضرت پادشاه تمامی مملکت بلجیقو و صاحب نشان درجه
اول افتخار دولت علیه عثمانیه را در این باب ماذون و مختار ساخته لهذا مامورین مذکورین بعد از تبدیل اختیارنامه طرفین ابرو و عزت دولت فخیمه فرانسه و صاحب نشان
قرار معاهده را در ضمن هفت ماده بنهج آتیه داده اند

ماده اول فیمابعد مابین دولت علیه ایران و دولت بهیه بلجیقا و تبعه ایشان اساس دوستی مؤبد پایدار و برقرار شود

ماده دویم تبعه دولتین علیتین آمنا و سالما بمملکت یکدیگر تردد و گشت و گذار نمایند و هر کدام خواهند با کرایه امر
تجارت و نشیمن خود منزل و حجره و اسباب اجاره کنند ماذون باشند و از طرف مباشرین دیوان ممانعت نشود و در حق
آنها در جنبه دولتین رعایت و حرمت ملحوظ شود از اجحاف و ستم محروس و مصون باشند و اگر یکی از دولتین ذی شوکتین
با دولتی دیگر جنگ و محاربه داشته باشد اصلا بدوستی ابدی این دو دولت بهیچ وجه خلل نخواهد رسید

ماده سیم اشخاصی که از تبعه دولتین بهیتین بعنوان تجارت یا سیاحت بممالک یکدیگر میروند تا توقف مینمایند در حق آنها لازمه
احترام مرعی شود از عوارض و تقسیم معاف باشند و در وقت دخول و خروج تجار دولت بلجیقا از امتعه آنها در یکجا
یکدفعه از صدی پنج گمرک زیاده مطالبه نشود و از امتعه تجار دولت علیه ایران مثل تبعه دولتین متحابتین فرانسه و
انگلیس موافق تعرفه رفتار کرده ۷

ماده چهارم از تبعه دولت بهیه یعنی اگر بطریق سیاحت یا تجارت للخ دولت علیه ایران تردد نمایند ایمنیت و سلامتی آنها از طرف دولت علیه ایران احکام و با شرد عدیم مرحمت شود که کسی مزاحم مانع آنها نشود و حمایت از آنها نمایند

ماده پنجم دولت علیه ایران ماذون نمایند هر دو نفر رئیس تجار از دولت بلجیقا در تبریز و دار الخلافه طهران مقیم
شوند که بامور تبعه خود دولت داری کنند و همچنین اگر دولت علیه ایران بخواهند که در شهرهای بروکسل و انسورس مملکت
بلجیقا رئیس تجار بگذارند ماذون خواهند بود

ماده ششم

ماده ششم اگر مابین تبعهٔ جانبین از بابت معامله نزاع و دعوائی اتفاق افتد باستحضار رئیس تجار یا ترجمانان دولت موافق
شریعت و عادت مملکت قطع و فصل آن دعوی میشود و در صورتیکه یکی از تبعهٔ دولتین مفلس شود بعد از تشخیص و تحقیق
اموال و اسباب او را فیمابین ارباب طلب بطور غرما سویت و تقسیم نمایند و همچنین در وقت وفات یکی از تبعهٔ طرفین اموال
و متروکات او برئیس تجار آن دولت تسلیم شود

ماده هفتم ایشان را این عهدنامهٔ دوستی و تجارت تا ابد الدهر با کمال صداقت و دقت از طرفین ملحوظ و مرعی خواهد شد
و بهیچوجه خلل و نقصانی باجزای آن راه نخواهد یافت این عهدنامهٔ دوستی و تجارت بسیاق واحد در دو نسخه تحریر و امضا شد
و از جانب مرخصین دولتین علیتین ممضی و ممهور گشته و مبادله گردیده انشاء الله تعالی نسخهٔ مزبوره از طرفین دولتین
بهیتین تصدیق گشته در مدت چهار ماه یا کمتر این تصدیق نامه‌ها باسلامبول آمده بین المامورین از سر نو مبادله گردد
بتاریخ روز چهار شنبه بیست و پنجم جمادی الاولی مطابق سال او دئیل یکهزار و دویست و پنجاه و هفت مطابق چهاردهم
شهر جولای هزار و هشتصد و چهل و یک عیسوی در دار الخلافه اسلامبول سمت انجام پذیرفت

هم در اینسال یار محمدخان وزیر هرات کامران میرزا که تقریباً یکسال بود در یکی از قلاع محبوس داشت [illegible] امارت
دودمان احمدخان ابدالی در افغانستان منقرض شد پوشیده نباشد که از سلسلهٔ مزبوره پنج نفر در افغانستان امارت
کرده‌اند اول احمدخان ابدالی دویم تیمورشاه بن احمدخان سیم شاه زمان بن تیمورشاه چهارم شاه محمود ابدالی پنجم
کامران میرزا و ابتدای امارت این سلسله سال هزار و صد و هفتاد هجری بوده است و پایتخت المان ششصد هزار
ذرع راه آهن در این مملکت ساخته شده است (مسئلهٔ شرقیه) باهتمام دولت انگلیس و فرانسه و اطریش و پروس و روس
مابین محمدعلی پاشای مصری و سلطان عثمانی مصالحه میشود و سلطان عثمانی والی گری مصر را برای اولاد محمدعلی پاشا
نسلاً بعد نسل میشناسد و ولاة مصر از این تاریخ ببعد در دربار عثمانی با رتبهٔ نشان صدر اعظم میباشند (انگلیس)
تولد پرنس دوگال ولیعهد دولت انگلیس فتح کانتن بندر چین و چند قلعهٔ دیگر از قلاع این مملکت بواسطهٔ قشون
انگلیس هم در اینسال در افغانستان دوست محمدخان مغلوب انگلیس میشود اما بعد از چندی افغانها شورش نموده در قلعهٔ
کابل جمعیتی کثیر از انگلیسها را بقتل میرسانند فرار عساکر انگلیس از افاغنه و تعاقب کردن افاغنه آنها را که از
پانزده هزار نفر قشون انگلیس بجز سیصد نفر محبوس بقیه کشته میشوند جمعیت انگلیس در اینسال پنجاه و چهار
کرور است (فرانسه) قلعه‌ای که از چندی ساخته میشود امتیازش محسوس است جمعیت فرانسه در اینسال سی و
و هفت کرور است (عثمانی) عزل رشید پاشا وزیر امور خارجه شورش عیسویان شام و مقدونیه و بلغاریستان
که در حق آنها ظلم میشود در لبنان طوایف دروز و مارونیت با یکدیگر در نزاع میباشند امریکا (اتازونی) تایلر
نام بریاست جمهوری برقرار و منصوب میگردد

سنهٔ ۱۲۵۸ هجری — سنهٔ ۱۸۴۲ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال کهندلخان و برادران او مهردلخان و رحمدلخان افغان باجازهٔ امنای دولت [illegible]
روانهٔ قندهار شدند و عباسقلیخان جوانشیر والی کرمان آنها را بطور شایستگی روانه نمود و بعضی را با آنها همراه
کرد هم در اینسال حسینخان آجودانباشی حکومت یزد یافت و بر حسب امر شهریار غازی اعلیحضرت همایون محمدشاه
از نائین تا عقدا (اعذا) که بیست فرسنگ مسافت بی آب است در رشته قنات که از هر یک یکسنگ آب جاری [illegible]
احداث کرده و در منزل هر کدام قلعه ساخت و در میان نه گنبد و عقدا نیز قناتی باسم خود جاری کرد [illegible]

برای تقوامل بنا نمود عهدی که اینسال میرزا جعفرخان مشیرالدوله در اسلامبول نیز عهدی با وکیل دولت اسپانیا
منعقد نمود که صورت آن از قرار ذیل است

صورت عهدنامهٔ دولتین ایران و اسپانیا

الحمد لله رب العالمین دولت علیهٔ ایران و دولت بهیهٔ اسپانیول بجهة ملاحظهٔ صرفه و صلاح تجار و عموم رعیت مملکتین و ترقی
و وسعت دادن بصنف تجار و تشویق ایشان مهم که از مصالح معظم دولتین است چنین یافتند که هیچ مقدمه مانند انعقاد
عهدنامهٔ بین مهم جسیم معین و مفید نخواهد شد لهذا هر دو علی السویه مناسب دیدند که بعد از این مابین دولتین
شوکتین و تبعهٔ آنها اساس دوستی و اخذ و نقد موافق عهدنامهٔ مبارکه دوستی و تجارتی که بر تبعیت و حقانیت و
عدالت آراسته شده است برقرار و پایدار باشد برای انجام این مرام اعلیحضرت فلک رفعت شمس برج جلالت
نخبهٔ سلاطین زمان وارث تخت و تاج کیان صاحب اختیار ممالک وسیع المسالک ایران ظل الله فی الارضین کهف
الاسلام والمسلمین السلطان بن السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان بن الخاقان محمد شاه قاجار ابدالله ایام سلطنته
از طرف قرین الشرف خود عالیجاه مقرب الخاقان میرزا جعفرخان مهندس باشی عساکر منصوره ایلچی مخصوص دولت علیه
ایران در دربار عثمانیه صاحب نشان مهر تمثال صورت همایون و نشان اول شیر و خورشید سرتیپی و صاحب دو
حمایل افتخار سبز و سرخ و نشان درجهٔ اول افتخار دولت علیهٔ عثمانی در ضمن اختیارنامهٔ جلیله که اندر این خصوص
وکیل مطلق و مختار نموده و همچنین بدر منیر ابهت و آفتاب درخشان سلطنت شکوفهٔ نونهال بستان جلالت دونا ایزابل
ثانی که بنام نامی ایشان در ایام صغر سن امور سلطنت بنیابت ولیعهدی حضرت بالدومرو اسپرتو صاحب اختیار ممالک
دیلیکتوار دم بلا معمول است از طرف خود موسیو آن طونیو لوپیض دو کاردوبا صاحب نشان بسیار مشهور و ممتاز
چارلس سیم پادشاه اسپانیول و صاحب نشان امیرقان سلطان ایزابل کاتالیک و صاحب نشان علیسوی دولت پرتوغال
و صاحب نشان سوور دولت یونان و صاحب نشان صین که مقدس بیت المقدس و صاحب نشان اول افتخار دولت
علیهٔ عثمانیه اجزای مشورتخانه حضرت سلطان ایزابل کاتالیک نویسندهٔ خالص پادشاهی و وزیر مختار دولت مشار
الیها در آستانهٔ علیه را از قرار نوشته وکیل مطلق و مختار نام کرده مامورین مزبورین بعد از نشان دادن و ملاحظه
نمودن اختیارنامهٔ یکدیگر همه را موافق رسم و ضابطه یافتند قرار عهدنامهٔ مبارکه را در ضمن هفت مادهٔ آتیه
بدین نهج دادند

مادهٔ اول بعد الیوم مابین دولت علیهٔ ایران و دولت بهیهٔ اسپانیول و تبعهٔ طرفین الی ما شاء الله تعالی اساس دوستی
صادق و محبت و موالات دائمه باقی و برقرار باشد

مادهٔ دویم تبعهٔ دولتین علیتین ماذون باشند که بآزادی و امنیت تمام بمملکت یکدیگر آمد و شد نمایند و معامله
تجارت و سیاحت کنند خانه و دکان و حجره و انبار بقدر ضرورت امور خود کرایه سازند و از طرف مباشرین دیوان
بهیچوجه ممانعت نرود بلکه پیوسته احوال ایشان را مراعات نموده دقت کنند که سیاحان و تجار طرفین خوش
رفتاری شود و بقدر مقدور باستراحت و آرام آنها بیفزایند و در وقت ضرورت احکام و باشبرد عبور آنها
مرحمت شود که کسی مانع نشده ممانعت از آنها نکند

مادهٔ سیم در حق تبعهٔ دولتین ذیشوکتین که بعنوان معامله و تجارت و یا بطریق سیاحت بمملکت یکدیگر تردد
مینمایند از زمان ورود تا وقت خروج لازمهٔ احترام مرعی شود و از آنها هیچ اسم و رسم عوارض مطالبه نکرده

مکر اینکه از امتعهٔ آنها در حین ورود و خروج در مملکت یکدیکر مثال تبعهٔ دولت متحابه کرفته شود

مادهٔ چهارم دولتین علیتین بجهت آسایش و اطمینان تبعهٔ خودشان که بخاک یکدیکر آمد و شد خواهند کرد مأذون خواهند نمود که در دو محل مناسب وکیل تجارت اقامت کنند دولت علیهٔ ایران مأذون خواهند ساخت که یکنفر وکیل تجارت از طرف دولت بهیهٔ اسپانیول در دار الخلافهٔ طهران و یکنفر دیکر در دار السلطنهٔ تبریز مقیم شود و همچنین دولت بهیهٔ اسپانیول راضی خواهند کشت که یکنفر وکیل از طرف دولت علیهٔ ایران در مادرید پای تخت دولت مزبوره و یکنفر دیکر در بندر برصلون و یا بعوض محل ثانی در بندر دیکر که دولت علیهٔ ایران مناسب داند وکیل تجارت نصب نمایند

مادهٔ پنجم هر وقت که در خصوص معامله و داد و ستد و غیره مابین تبعهٔ دولتین متعاهدتین کفتکو و نزاع اتفاق افتد آن باید که باستحضار و اطلاع وکیل تجارت و یا ترجمان آن دولت موافق عادت و شریعت مملکت قطع و فصل شود نزاع، و اکر تاجر یکنفر از تبعهٔ دولتین ذیشوکتین علیتین معیوب شود و یا آن شخص ادعای افلاس نماید باید بعد از ملاحظهٔ دفتر و ارسال مرسول و مطالبات و اموال او باطلاع وکیل تجار و یا ترجمانان آن دولت قسمت غرما شود و هر قدر که از قرض آن مفلس باقی ماند ارباب طلب و باید ذمهٔ او را بری نموده بمتکات او را رد نمایند و همچنین وقتیکه یکنفر از تبعهٔ دولتین فوت کند باید جمیع متروکات و دفتر او بوکیل تجار آن دولت تسلیم شود و قرض و طلب او را باستحضار وکیل تجار موافق شریعت مملکت جاری شود

مادهٔ ششم اکر یکی از دولتین متعاهدتین با دولت دیکر جنک و محاربه داشته باشد باید از این رهکذر بدوستی ایکه دولت علیهٔ ایران و دولت بهیهٔ اسپانیول هیچوجه خلل و فتوری نرسد

مادهٔ هفتم این عهدنامهٔ دوستی و تجارت که مابین دولتین بنهج کذشته در ضمن هفت ماده قرار داده شده است بیان خیالات و نیکانهٔ امنای دولتین متعاهدتین جمیع مواد آنرا دایم مرعی داشته بهیچوجه بارکان آن خلل نخواهند رسانید و انشاء الله در مدت پنجاه و یا کمتر عهدنامهٔ مزبوره با مضا و مهر امنای دولتین علیتین رسیده در اسلامبول مابین وکلای دولتین مبادله خواهد شد و خاتمهٔ این هفت ماده که بتصدیق وکلای طرفین در دو نسخه بطریق واحد انجام پذیرفته بعد از مهر و امضای طرفین در دار الخلافهٔ اسلامبول بتاریخ سیم مرج مطابق بیستم محرم الحرام هزار و دویست و پنجاه و هشت هجری و سنه هزار و هشتصد و چهل و دو عیسوی عوض و مبادله کردید

مجتهد اکبر الحاجی سید محمد باقر رشتی مجتهد ساکن اصفهان از اجلهٔ علما بغرفات جنان رفت اعلی الله مقامه و آقا سید اسد الله فرزند آن مرحوم از عتبات عالیات باصفهان آمده بر مسند پیشوائی نشست و محمود ابن شهباز زمان دنبلی تورپیاولباشی که در اصفهان نایب منوچهر خان معتمد الدوله بود و صاحب کمال و اخلاق و نظم و نثر در کذشت و پسرش شهباز خان منصب پدر یافت و وفات سید صدر الدین دزفولی از اکابر علما (ترکستان) فوت اللهقلیخان خوارزمی که هیجده سال در خوارزم حکمرانی داشت و مدفون شدن او در مقبرهٔ پهلوان محمود قتالی و برقرار شدن رحیم قلیخان پسرش بجای او بحکمرانی (افغانستان) محمد اکبر خان پسر امیر دوست محمد خان والی کابل در کال الجلال بکابل آمده بحکمرانی میپردازد و امیر دوست محمد خان که در هندوستان محبوس بود رها شده بکابل میآید کهندلخان فتح جنک بن شجاع الملک را شکست داده در قندهار بحکمرانی مشغول میشود شجاع الملک در کنار چمن دروازهٔ لاهوری مقتول شده و اموال او را اهب مینمایند (روپا (المان) یا نفین سخت در شهر هامبورک که چند روز امتداد

دارد (انکلیس) بر عدم حفظ و غلاء و کمی پول نجات یافتن ملکه در ثانی از کشته شدن بجهت انتقام کشیدن از افاغنه
ژنرال پلاک با عساکر زیاد وارد کابل میشود بعد از معاهده با افاغنه سردار انکلیس بسند معاودت میکند شهر
کابل و جلال آباد را ویران میسازد قنسول انکلیس در تبریز مقیم خواهد بود (فرانسه) ولیعهد دولت از کالسکه افتاده
میمیرد و پسر چهار ساله اش کنت دپاریس ولیعهد میشود (روس) شامیل در قفقاز غلبه بر عساکر روس مینماید

سنه ۱۲۵۹ هجری — سنه ۱۸۴۳ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال ناخوشی نقرس که مزاج مبارک اعلیحضرت همایون شهریار غازی محمد شاه را از طریق اعتدال منحرف
داشت اشتداد نمود اگرچه شدت این مرض بعد از سفر اصفهان بود چنانکه نواب مستطاب والا حاجی معتمد الدوله فرهاد
میرزا در کتاب جام جم میفرمایند پس از سفر اصفهان ناخوشی نقرس که از قدیم نیز این ناخوشی را داشتند غلبه کرد پس از
آن بسلام عام عید نوروز انتخانه مبارکه تا مدت حیات نتوانستند آمد و سلام اعیاد در عمارت باغ که نشیمن سلطانی بود
منعقد میشد خلاصه بواسطه اشتداد نقرس و بتجویز اطبا موکب اعلی بطرف چشمه آب گرم که در حوالی قزوین است
نهضت فرما گردید و بعد از آنکه چندگاهی در آن متنزهات بسر بردند بچمن دریاوک تشریف فرما شدند و از
چمن دریاوک بولیان نزول اجلال فرمودند و خدام حرم سلطنت و شاهزادگان عظام را باین ییلاق احضار
نمودند و پس از انقضاء فصل گرما و ییلاق بدار الخلافه طهران معاودت کردند در این سال حاجی سید کاظم
رشتی شاگرد شیخ احمد احسائی درگذشت و سید علی محمد شیرازی شاگرد حاجی سید کاظم رشتی رضا دعوی بابیت نمود
و این دعوی رفته رفته اسباب فتنه عظیم گشت بتبیین آنکه سید علی محمد شیرازی پسر میرزا رضا نام بزاز در بدایت
عمر بتحصیل علوم پرداخته و هنوز بهرهٔ از آن حاصل نکرده بریاضت شاقه مشغول شد و در شدت گرما در
بندر بوشهر بالای بام سر برهنه دعوات برای تسخیر آفتاب میخواند و این خیالات باطله او را خشکی مغز که از
تابش آفتاب گرم بوشهر حاصل شده بود تکمیل نمود و بعتبات عالیات رفته سالی چند در حوزه درس حاجی سید
کاظم حاضر شد چون حاجی سید کاظم درگذشت سید علیمحمد با بعضی از شاگردان حاجی سید کاظم بمسجد کوفه رفته
چهل روز ریاضت کشید و یکمرتبه سودا بسرش زده گفت من بابم و باید از ابواب داخل بیوت شد و هرکس غیر
این کند گمراه است چیزی نگذشت که بر ادعای خود افزوده دعوی مهدویت نمود و گفت سال دیگر دعوی
خود را در مکه ظاهر و خروج خواهم کرد و خونها خواهم ریخت و شما نامه که بمن مینویسید با مرکب قرمز نویسید
بلکه با سرخی بنویسید که این نیز علامتی ظاهر است و در اذان و اقامه نماز بگویید اشهد ان علی محمدا بقیة الله و
اکنون که من پدیدار گشته ظهور حق تمام گشته چه محمد و علی دو تن بودند و اکنون هر دو منم که نام من علیمحمد است و این هر دو
با من بیعت کرده اند و کمال معجزه من اینست که روزی هزار بیت کتابت کنم و گاه باشد که هزار بیت مناجات سخن گویم و اینکه
من بر تمام روی زمین خواهد بود و تمام ادیان را امت واحده خواهم نمود بالجمله خرافات بهم میبافت و اسامی انبیا و ائمه
را بر پیروان خود مینهاد و برای یکزن بیشتر از یکشوی تجویز میکرد و بمکه رفت که دعوت خود را ظاهر کند بعضی او را
تخویف نمودند لهذا ببوشهر آمد و جمعی از مریدان خود را بشیراز فرستاد که مردم را باو بخوانند و این در وقتی بود
که حسینخان اجودانباشی در حکومت فارس استقلال داشت پس از آنکه حسینخان از واقعه آگاه شد چند تن از
پیروان او را بدست آورده پی آنها را بریدند و کس ببوشهر فرستاده سید علیمحمد را در نوزدهم رمضان بشیراز آوردند
و بدروغ اظهار ارادت نمود و گفت که من تو را بخانه فارس را با تو حرکت دهم و با منکران تو جنگ کنم سید علیمحمد گفت

چون

چون دنیا را مسخر کردم مملکت روم را بتو خواهم داد حسینخان ناجودباشی صاحب اختیار گفت بهتر آنست که حجت خود را بر علمای عصر تمام کنی تا تابع تو گردند آنوقت کار عامه سهل است و مجلسی از علما و فقها منعقد نمود و سید یحیی پسر سید جعفر دارابی معروف بکشفی که پیروی باب اختیار کرده بود نیز در آن مجلس حاضر شد سید علیمحمد بعلما گفت شما چگونه از متابعت من سر پیچید و حال انکه از پیغمبری که بدین او هستید جز قرآنی در میان نیست و قرآن من افصح از آنست و دین من ناسخ دین آن پیغمبر میباشد علما بنا بر مواضعه که با حسینخان داشتند ساکت شدند حسینخان گفت بهتر آنست که احکام خود را در صفحه بنویسید تا همه بخوانند و پیروی کنند سید علیمحمد چند سطری بنوشت چون علما بدیدند همه لحن و غلط بود حسینخان صاحب اختیار گفت تو با این پایه و مایه چگونه دعوی برتری بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نمائی پس فرمان داد تا او را از مجلس بیرون کشیدند و چوب باد زدند او کلمات عامیانه در اظهار پشیمانی گفت و اظهار توبه نمود بعد از آن روی او را سیاه کردند و بمسجد شیخ ابوتراب امام جمعه بردند و او پای شیخ را بوسیده خود را لعن کرد و مدت شش ماه حبس بود تا خبر او در عراق منتشر شد و بر منوچهر خان معتمد الدوله مشتبه کردند که او از نیکان است معتمد الدوله چند نفر را بشیراز فرستاد سید علیمحمد را باصفهان آوردند و صاحب اختیار سید یحیی را از توقف در شیراز منع کرد و او بیزد رفت و معتمد الدوله شبی علما و حکما را جمع کرد و سید علیمحمد در آن مجلس از عهده سؤال و جواب بر نیامد و بطلان اقوال او ظاهر گشت پس از آن باز معتمد الدوله وی را در منزل مخفی داشت و شهرت داد که او از اینشهر رفته است حتی در سال هزار و دویست و شصت و سه معتمد الدوله وفات کرد سید علیمحمد فتنه خود را ظاهر و منتشر ساخت و کارگزاران دولت او را از اصفهان بچهریق آورده در قلعه متوقف ساختند و پس از چندی در تبریز مقتول شد چنانکه بعضی از تفصیلات آن در محل خود مذکور میگردد هم در اینسال که سال هزار و دویست و پنجاه و نه باشد فاضلخان گروسی صاحب تذکره انجمن خاقان درگذشت و شهر خوی از زلزله خراب شد اروپا (انگلیس) شورش در ایالت لاهور تصرف کردن انگلیس تمام پنجاب را (فرانسه) مسافرت ملکه انگلیس بپاریس مجادله امیر عبد القادر با عساکر فرانسه در الجزایر (یونان) شورش در اینمملکت باغوای روس

سنه ١٢٦٠ هجری — سنه ١٨٤٤ مسیحی

آسیا (ایران) پوشیده نباشد که در سال هزار و دویست و پنجاه و هشت عساکر بغداد بحکم نجیب پاشا کربلای معلی را قتل و نهب کردند و در اینموقع چون اعلیحضرت شهریار غازی محمد شاه در بستر بیماری بودند امنای دولت علیه واقعه را مستور داشته بعرض حضور مبارک نرسانیدند پس از آنکه واقعه معروض و مسموع چاکران حضرت سپهر بسطت معلی گردید دریغ بخشی که از کار محمره در خاطر مهر مظاهر اقدس بود دریغا بلکه صد برابر بر آن افزود و چون چندی گذشت سفرا و وزرای خارجه باصلاح ذات البین پرداختند و مقرر شد از دول اربعه روس و عثمانی و ایران و انگلیس چهار نفر وکیل بتعیین شود و وکلای مزبوره در مجلسی جمع شده گفتگو نمایند و بموجبات استرضای خاطر امنای دولت علیه ایران پردازند بنا بر این باشاره حاجی میرزا آقاسی میرزا جعفرخان مشیر الدوله که از سفارت اسلامبول مراجعت کرده بود باینخدمت مامور شد و قرارداد ند مشار الیه باتفاق وکلای دیگر در ارزنة الروم توقف کنند و در این امر خوضی نمایند و قراری دهند چون میرزا جعفرخان مشیر الدوله از طهران بتبریز رسیده بعرض رسید و در بستر ناتوانی افتاد حاجی میرزا آقاسی میرزا تقیخان فراهانی وزیر نظام را از تبریز بجای مشیر الدوله تعیین نمود و او نیز دو سه نفر از معارف اهل نظام با لوازم حرکت و سفر داده با آنها بارزنة الروم رفت و در عرض راه سرحداران

ارادۀ استقبال و پذیرائی شایان کردند و از جانب دولت عثمانی انوار افندی بنیابت و وکالت بارزنة الروم آمد و مقرر شد
هر روزی در منزل یکی از وکلای اربعه حاضر شده گفتگو نمایند و حاصل مقالات خود را بنویسند تا مسئله بانجام
رسد هفته مجلس برای این محاوره منعقد بشد و انجام آن سه سال طول کشید هم در اینسال موکب همایون پادشاهی
بشکارگاه کرج و سلیمانیه تشریف فرما گردید و در اوان توقف در این ناحیه روزی که از رود کرج عبور فرمودند
و آب این رودخانه بدقت ملحوظ گردید معلوم شد که بیشتر آن بامکنه و اودیه میرود که قابل زرع و کشت نیست و فایده
از آن حاصل نمیشود و آب زیاد عبث تلف میگردد لهذا بخاطر موهبت مظاهر اقدس خطور کرد که اگر نهری از این رود بدار
الخلافه طهران جاری کنند اسباب آبادانی و آسایش اهالی شهر خواهد شد و مکنون ضمیر منیر همایون را بحاجی میرزا
آقاسی اظهار فرمودند حاجی میرزا آقاسی چون از روی طبع و فطرت شوقی بحفر قنوات و جاری ساختن انهار و آبادان
کردن اراضی بایره و صحاری غیر مزروع داشت جمعی را بسر چشمه رودخانه فرستاده و در مقام تحقیق و تدقیق بر آمدند و قرار دادند از رود کرج تا شهر طهران که هفت فرسنگ مسافت و راه است نهری ببرند و قسمتی از آب کرج را
بواسطه آن بدار الخلافه رسانند بنابر این قرار داد مشغول کار شدند و شانزده هزار تومان خرج کردند و منظور
و مقصود حاصل نشد پس از آن بخیال افتادند که از نهر فرزینه و سمنارود که اهل آن از رود کرج است نهری ببرند و بشهر
آورند و چنین کردند اما چون این نهر چندان وسعتی نداشت آب آن کافی نبود لهذا بار دیگر بر وفق قرار داد حاجی میرزا
آقاسی معمار باشی و جمعی مامور شد که از اصل رودخانه کرج نهری جدا کرده از خاک و سنگ و معابر تنگ گذرانیده
بشهر طهران برسانند و جمعی باجرای این مقصد پرداختند و این بار در قصد خود پایدار بودند تا برگشتند و دو سال در
کار بودند و دوازده هزار تومان خرج شد هم در اینسال زلزله با غلبه در کرمرود آذربایجان روی داد و خرابی وارد
آورد **اروپا** (عثمانی) احداث جسر جدید چوبی در اسلامبول

سنه ۱۸۴۶ مسیحی

سنه ۱۲۶۲ هجری

آسیا (ایران) در این سال بامر اعلیحضرت شهریار غازی محمد شاه بتهیه جشن سور و عروسی حضرت مستطاب ولیعهد
که چون مهد دولت قوی شوکت علیه ناصر الدین میرزا (اعلیحضرت همایون ناصر الدین شاه خلد الله ملکه و سلطانه) پرداختند
و صبیه مرضیه نواب شاهزاده احمد علی میرزا را برای ازدواج حضرت مستطاب معظم انتخاب فرمودند و میرزا نبی خان امیر
دیوان که از حکمرانی فارس معاودت کرده و مردی کافی و کاردان بود طوی این سور و سرور گردید و برای اینکه
آتشبازی و شلیک توپ و خمپاره بقورخانه و انبار باروط ضرری نرساند مقرر شد در خارج شهر در بالای عمارت باغ
نگارستان محلی را مسطح ساخته بنیانهای مستحکم از سنگ و آجر و چوب بسازند و آنجا را جشنگاه قرار دادند و در
موقع این جشن هوای طهران گرم و موکب همایون بییلاق شمیران بود از اتفاقات حسنه آنکه در عرض یک هفته که
موکب همایون از شمیران با تمامی خدام حرم جلالت و ملتزمین رکاب اقدس بجهة این جشن همایون تشریف فرمای نگارستان
شدند بادهای خنک وزیدن گرفت و ذات اقدس پادشاهی و سایرین از حدت و شدت گرما محفوظ ماندند چون
بشمیران باز گشتند باز هوا کمال حرارت را بهم رسانید بالجمله روز شنبه هشتم ماه جمادی الثانیه صبیه مخدره نواب
شاهزاده احمد علی میرزا را برای حضرت شاهزاده اعظم ولیعهد گردون مهد دولت علیه عقد بستند و در شب پنجشنبه
هفتم همین ماه شروع بلوازم جشن و سور و چراغان نمودند و شب جمعه پنجم رجب شب عروسی بود و آنچه در خور این جشن
بزرگ و سور لازم اقتضا بود بوجه اکمل بعمل آمد خلقی شادی کردند و بسیاری بنیل مکارم و مواهب بهره مند

گردیدند

کردیدند همدرا ینسال درماه مبارک رمضان مزاج مبارک پادشاهی باز از طریق اعتدال خارج کشت وضعف قوت کرفت و
وجع نقرس شدت یافت امنای دولت وکارکذاران متزلزل ویکباره بخیال ذات همایون بودند لهذا فتنه جویان وقطاع
الطریق موقعی بدست آوردند وراهها مخوف کردید واطبای ایرانی وروسی وفرنکی معالجه اعلیحضرت شهریاری آمدند
ومزاج مبارک روی ببهبودی نهاد ودر عید صیام سلام عام منعقد وقاطبه خدام آستان مبارک بزیارت جمال شهریار
غازی فایز وبهره کار عالمیان از احامد وشاکر کردیدند همدرا ینسال ژنرال دراتسوف جانشین قفقاز بحکمرانی کرجستان
آمد ومیرزا جعفرخان مشیرالدوله برای تهنیت ورود او بایکقطعه نشان تمثال همایون ویکرشته تسبیح مروارید روانه
تفلیس شد واز جانب نواب بهمن میرزا حکمران آذربایجان محمدخان بیکلربیکی ابن فتحعلیخان بن هدایة الله خان رشتی با هدایای
بهیه تفصیل کنکره وپس از انجام ماموریت هردو فرستاده بازکشتند همدرا ینسال بسبب ناخوشی وضعف بنیه اعلیحضرت
شهریار غازی خیالات متشتت شد بعضی هواخواه حضرت مستطاب ولیعهد دولت علیه وبرخی بخیال همراهی نواب
بهمن میرزا جماعتی دور الله قلی میرزا ابن موسی خان بن حسینقلی خان که دختر زاده خاقان مغفور وربیب حاجی میرزا آقاسی بود
جمع شدند وهمه بطور نفاق باهم اختلاطی داشتند چون مزاج همایون رو ببهبودی نهاد الله قلی میرزای ایلخانی را بحکومت
بروجرد وکلپایکان فرستادند وشاهزاده ملک قاسم میرزا ابن خاقان مغفور البسه الله حلل النور که سابقا حکومت
بروجرد داشت از دارالخلافه بآذربایجان مامور شد که یکهزار تومان از میرزا نظر علی حکیمباشی قزوینی مصادره
کرفته ارسال دارد وحکیمباشی مشار الیه بقم رفته در آنجا اقامت کرد ومیرزا آقاخان وزیر لشکر را احضار فرموده
در حضور مبارک چند چوب باساق بر پای او زدند ومیرزا رحیم پیشخدمت را براو کماشته تا ده هزار تومان ازاو بطور
مصادره دریافت نماید وبرادر بزرکتر میرزا آقاخان میرزا فضل امیر دیوان را بتوقف کاشان محکوم ساختند وشعله
خیالات فتنه انکیز جماعتی رو بانطفا نهاد ولی مقدمه فتنه خراسان که آن نیز از نتایج خیالات متشتته بزرکان
دارالخلافه بود شروع کرده همدرا ینسال مردم زنجان برعلی اشرفخان ماکوئی بشوریدند واحمدخان نوائی باحضار
او روانه شده چون علی اشرفخان بدارالخلافه آمد معزول کشت همدرا ینسال محمد کاظمخان پسر امیر محمد حسینخان کاشانی
شیبانی الاصل بمنصب استیفا برقرار کردید ومشار الیه پیش ازاین در کاشان وهمدان در حکومت مرحوم شعاع السلطنه ام
وزارت وپیشکاری داشته ووالد او امیر محمد حسینخان در دولت شاه شهید سعید آقا محمد شاه دارای خطاب امیری
خدمات لایقه نموده وبحکومت کاشان وقم ونطنز وجوشقان برقرار کشته وپسر ارشد محمد کاظمخان فتح الله خان
شیبانی تخلص صاحب مراتب فضل وهنر ودارای فواید سیاحت وسفارت در نظم ونثر ماهر واستاد واز بدو
دولت ومقدمه فتح هرات تاکنون مشغول خدمات دولت ابد بنیاد است همدرا ینسال رجبعلی بیک پسر رمضان آقا
بمنصب ریاست توپخانه وخطاب خانی سرافراز شد ومقرر کردید با ابواجمعی خود ملتزم رکاب حضرت مستطاب
ولیعهد ابد مهد دولت علیه ایران باشد اروپا (المان) ایجاد اکسپوزیسیون در برلن (فرانسه) مولوی عبد
الرحمن سلطان مارک متصرفات فرانسه را در الجزایر تصرف مینماید منازعه فرانسه با مارک ومصالحه با آن دولت
مسافرت پادشاه فرانسه بلندن ایجاد اکسپوزیسیون صنایع در پاریس (سوئد) فوت برنادوت پادشاه وجلوس
پسرش اسکار اول بجای او

همدرا ینسال میرزا محمد حسن آشتیانی مستوفی الممالک در سن شصت و هفت سالکی در دار الخلافه درکذشت ومیرزا یوسف پسرش بمنصب پدر نایل ومستوفی الممالک کشت

سنه ۱۲۶۰ هجری — سنه ۱۸۴۴ مسیحی

آسیا (ایران) از وقایع عمده اینسال فتنه خراسانست و تبیین این مقال آنکه اللهیارخان آصف الدوله خال

اعلیحضرت

اعلیحضرت شهریار غازی محمد شاه را با حاجی میرزا آقاسی صفائی نبود وجهه این کدورت آنکه اختیار کل امور دولتی
باحاجی میرزا آقاسی و زمام اختیار خراسان را آصف الدوله بدست داشت و محمد قلیخان پسر آصف الدوله که حاجب اعظم بود — [margin: ... باشی]
ومقرب و محرم کاهی مطالب و عرایض پدر را در خفا بعرض حضور مبارک میرسانید و از انطرف اللهقلی میرزا ابن موسی
خان بن حسینقلیخان که از طرفین مادر نبیره خاقان مغفور فتحعلیشاه طاب ثراه و مادرش در حباله از دواج حاجی میرزا
آقاسی بود و پیش از این ایلخانی ایل جلیل قاجار کردیده و در مناصب و اشغال دولتی فیمابین اعلیحضرت همایون و حاجی
میرزا آقاسی و ساطت داشت و دوستی و دشمنی او برای هر کس نهایت مؤثر بود کاهکاه از محمد قلیخان و منتسبان او در
حضرت سلطنت بدی میکفت اینقدر اندک اندک اسباب نفار کلی فیمابین آصف الدوله و حاجی میرزا آقاسی کردید و چون
برحاجی ظاهر شد و بیم آن داشت که دل از آستان مبارک برتافت و اندیشه کرد که اکر نوبت سلطنت بحضرت مستطاب ولیعهد دولت
علیه رسد سلسله دولوعزتی نخواهند داشت و اکر کار بهمن میرزا بالا کیرد برای ما اولی خواهد بود لهذا با بهمن میرزا
بر سایل و وسایل بنای مواضعه را کذاشت و این مطالب در عتبه علیه معروض شد و در مقام تحقیق بودند و حسنخان
سالار پسر آصف الدوله که نیز نبیره خاقان خلد آشیان بود بخیالهای خام افتاد و تصور کرد که با قوتیکه در خراسان
دارد اکر با بهمن میرزا اتفاق کند و وقتی بطهران راند استیلا بهم رساند و بهمن میرزا را بسریر حکمرانی بنشاند و مکرر این بیت
میخواند (مرا عار آید از این زندکی که سالار باشم کنم بندکی) بنابر این خیالات فاسده این و عات در اجرای اوامر
علیه مسامحه میکرد و حاجی را کذاشت و بعذرهای ناموجه تمسک جست و با جعفرقلیخان شادلوی ایلخانی وصلت کرد و چون
جعفرقلیخان بدار الخلافه احضار شد او وفاق مشار الیه را امضا نمود و حاضر نشد و جعفرقلیخان مقصود را ظاهر ساخت
برای مزید استحضار سلیمانخان دنبلی را بهانه حکومت بسطام با آن سرحد مامور فرمودند و او وقایع خراسان را بتواسطه
عرایض پی در پی بدربار شاهی ایصال داشت و چون در همین نزدیکی جعفرقلیخان بر سر محمد حسینخان نزدیکی که از جمله ملکان
مملکت دیوان بود رفته ولایت و اموال او را تصرف نمود و اهل و عیال او را اسیر کرد و محمد حسینخان خود با زمیان
بدر رفته بدار الخلافه آمد و معلوم شد مقصود حسینخان اینست که از اکابر ایلات کردی که در بلاد خراسان
نزدیکند مقدمات مافی الضمیر خود را اظهار کند بعد از انتقال حاجی میرزا موسیخان برادر مرحوم قایم مقام که متولیباشی روضه — [margin: میرزا ابوالقاسم]
رضویه بود در چهل و دو سالکی در کذشت آصف الدوله باجازه همایون خود متکفل این خدمت کشت در صورتیکه
حاجی میرزا عبدالله خوئی از منشیهای خاص انده دربار شاهی منصب متولیباشی کری یافت خلاصه وزیر وزارت آثار
خلاف ظاهر کردید بعد از این اوان اللهقلی میرزای ایلخانی که بروجرد بحکومت رفته بود بامر حکومت و نظم ولایت چندان
اعتنائی نکرده قدری بهوای نفس شد و محمود خان ملک الشعرا که مردی کامل و عاقل بود هر چه منع او نمود فایده
نکرد و دخل او را اجامره بردند و خرج زیاد نکردند ناچار و بنابر بعضی ملاحظات راه دار الخلافه پیش کرفت ما حاجی فرامرز
بیک شخصی از شهریار غازی برای او برده در منزل حوض سلطان باو رسانید و حسب الامر اللهقلی میرزای ایلخانی
روانه عتبات عالیات شد و نواب مهدیقلی میرزا بحکومت بروجرد رفت همدر این سال اهالی ارزنه الروم بمنزل
میرزا تقیخان وزیر نظام مامور دولت علیه ایران حمله نمودند در شرح سال هزار و دویست و شصت کاشته شد
که میرزا تقیخان وزیر نظام بجهت کفتکوی قتل کربلای معلی و خرابی محمره با رزنه الروم مامور شد که با نماینده
وکلای روس و انکلیس و عثمانی قرار کار را بکذارند که بعد ها چنین حوادث ساخ نشود و بترضیه و استرضای دولت
علیه اقدام رود و چون امر بطول انجامید و بعد از شش ماه مجلس اساس مسئله را بانجام نرسیدند اهالی ارزنه الروم

نفس

فصل کردند این اجماع را از شهر خود متفرق و دور سازند و چون سفیر ایران را مایه مید استیل جمعیت کرده بهانه و تهمتی که نسبت بیکی از ملازمان میرزا تقیخان بسته بودند منزل او را احاطه نمودند و اسعد پاشا والی ولایت نیز در باطن با عوام همراهی داشت خلاصه کار وقاحت را بنوده یک دو نفر از ملازمان سفیر ایران را بکشتند و چند تن دیگر مجروح شدند و میرزا تقیخان وزیر نظام با وجود کمال الخطر بوقار میکذراند بحری پاشا که منصب فریقی یعنی امیر تومانی داشت مضطرب شده از وخامت این عمل اندیشید و با افواج و توپخانه بدر سرای سفیر ایران آمده بزحمت مردم را متفرق کرد و از سفیر ایران عذر خواست و اسعد پاشا را از نتایج ناگوار اینکار و بدنامی دولت خبردار نمود اسعد پاشا و قاضی و وکلای دول انگلیس و روس و عثمانی بمعذرت بمنزل میرزا تقیخان آمدند و بحری پاشا سفیر ایران و همراهان او را باردوی نظامی برد و سفیر معزی الیه خواست بتبریز مراجعت کند وکلای دول مانع شدند و نوشته سپردند که تا بیست و دو روز دیگر اگر کار بخوبی نگذشت سفیر در مراجعت و غیره مختار باشد و از آنجا که بسیاری از اموال سفیر ایران را بغارت برده بودند صورت خسارت را مصحوب چاپار باسلامبول فرستادند در روز بیست و دوم بود مت طلب یاورجوب (اجودان سلطان) با پانزده هزار تومان غرامت باسترضای سفیر ایران آمد و اسعد پاشا معزول شد و عارف پاشای حاجب بار بر رای نیز بعذرخواهی در رسید و حکومت را به بحری پاشا واگذاشتند بعد از چندی یکنفر یاپشا و فوجی از افواج بگرفتن مقصرین آمد و سیصد نفر از آنها را با قاضی و کهیای وزیر بگرفتند و باسلامبول برده سیاست کردند ولی مقارن این حال بحری پاشا با تیر تفنگی مقتول شد و قاتل معلوم نگشت خلاصه عهدنامه مودتی از اسلامبول آوردند و احترامات فوق العاده بسفیر ایران کردند و سفیر از ارزنة الروم بتبریز و از تبریز بدار الخلافه آمده عهدنامه را بحضور همایون موصول داشت و صورت عهدنامه مزبوره از قرار ذیل است

صورت عهدنامه منعقده فیمابین دولتین ایران و عثمانی

غرض از ترقیم و نگارش اینکلمات خجسته دلالات آنکه از مدتی باینطرف چون فیمابین سلطنت جاوید آیت سنیه و دولت دوران مدت علیه ابدی الدوام باد دولت علیه عثمانی بعضی عوارض و مشکلات حدوث و وقوع یافته بود بر مقتضای التیام اساس دوستی و الفت و ضوابط سلم و صفوت و جهت جامعه اسلامیه که میان دولتین علیتین در کار و افکار سلیمه که طرفین علیتین بدان متصف میباشند باتسویه اینگونه مواد نزاعیه را بر وجه موافق و مناسب فخامت و شان دولتین علیتین بتجدید تاکید بنیان صلح و مسالمت و تشیید ارکان موالات و مودت از جانب دولتین علیتین اظهار رغبت و موافقت شده برای تنظیم و مذاکره مواد عارضه و تحریر و تسطیر اسناد مقتضیه بر حسب فرمان همایون اعلیحضرت قدر قدرت کیوان حشمت مملکت مدار ملک گیر آرایش تاج و سریر جمال الاسلام و المسلمین جلال الدنیا و الدین غیاث الحق و الیقین قهرمان الماء و الطین ظل الله الممدود فی الارضین حافظ حوزه مسلمانی داور جمشید جاه دارا دستگاه انجم سپاه اسلام پناه زیب بخش تخت کیان افتخار ملوک جهان خدیو دریادل کامران شاهنشاه ممالک ایران السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان محمد شاه ادام الله تعالی زمام سلطنته فی فلک الاجلال و زین فلک قدره بمصابیح کواکب الاقبال بنده درگاه آسمان جاه میرزا محمد تقیخان وزیر عساکر منصوره نظام که حامل نشان شیر و خورشید مرتبه اول سرتیپی و حمایل افتخار سبز است بوکالت مخصوصه مباهی گشته و نیز از طرف اعلیحضرت کیوان منزلت شمس فلک تاجداری بدر افق شهریاری پادشاه اسلام پناه سلطان البرین و خاقان البحرین خادم الحرمین الشریفین ذو الشوکة و الشهامة السلطان بن السلطان بن السلطان عبد المجید خان جناب

جنابت مآب عزت نصاب انوری زاده السید محمد انوری سعدالله افندی که از اعاظم رجال دولت علیه عثمانیه و حائز
صنف اول از رتبه اولی و حامل نشان مخصوص بآن رتبه است مرخص و تعیین شده بروجه اصول عادیه بعد از نشان
دادن و ملاحظه و مبادله وکالت نامه‌ها مبادرت بانعقاد معاهده مبارکه در ضمن نه فقره آتیه قرار داده شده که در این
کتاب مستطاب بیان و در مجلس منعقده ارزنة الروم مبادله میشود

فقره اول دولتین اسلام قرار میدهند که مطالبات نقدیه طرفین را که تابحال از یکدیگر ادعا میکردند کلها ترک کنند ولکن با این قرار
بمقاولات تسویه مخصوصه مندرجه در فقره چهارم خللی راه نیابد

فقره دویم دولت ایران تعهد میکند که جمیع اراضی بسیطه ولایت زهاب یعنی اراضی جانب غربی آن را بدولت عثمانی ترک کند
و دولت عثمانی نیز تعهد میکند که جانب شرقی ولایت یعنی جمیع اراضی جبالیه آن را مع دره کرند بدولت ایران ترک کند و دولت [زهاب]
ایران قویاً تعهد میکند که در حق شهر و ولایت سلیمانیه از هرگونه ادعا صرف نظر کرده بحق تملکی که دولت عثمانیه در ولایت
مذکوره دارد وقتاً من الاوقات بهیچ‌طور دخل و تعرض ننمایند و دولت عثمانی نیز قویاً تعهد میکند که شهر و بندر محمره و جزیره
الخضر و لنگرگاه و هم اراضی ساحل شرقی یعنی جانب یسار شط العرب را که در تصرف عشایر متعلقه معروفه ایران است
بملکیت در تصرف دولت ایران باشد و علاوه براین حق خواهند داشت که کشتیهای ایران بآزادی تمام از محلی که
بحر منصب میشود تا موضع الحاق حدود طرفین در شهر مذکور آمد و رفت نمایند

فقره سیم طرفین متعاهدتین تعاهد میکنند که باین معاهده حاضره سایر ادعاشان را در حق اراضی ترک کرده از دو
جانب بلاتاخیر مهندسین و مامورین را تعیین نموده برای اینکه مطابق ماده سابقه حدود مابین دولتین را
قطع نماید

فقره چهارم طرفین قرار داده اند که خسارات اینکه بعد از قبول اخطارات دوستانه دو دولت بزرگ واسطه که در شهر
جمادی الاولی سنه هزار و دویست و شصت و یک تبلیغ و تحریر شده بطرفین واقع شده و هم رسومات مراعی از سالی
که تاخیر افتاده برای اینکه مسائل آنها از روی عدالت وصول و احقاق حق شود از دو جانب بلاتاخیر مامورین را
تعیین نمایند

فقره پنجم دولت عثمانی وعده میکند که شاهزادگان فراری ایران را در بروسا اقامت داده غیبت آنها را از محل مذکور
و مراوده مخفیه آنها را با ایران رخصت ندهد و از طرف علیتین تعهد میشود که سایر فراری بموجب معاهده سابقه
ارزنة الروم عموماً رد شوند

فقره ششم تجار ایران رسم گمرک اموال تجارت خود را موافق قیمت حالیه جاریه اموال مذکوره نقداً یا جنساً
بوجهی که در عهدنامه منعقده ارزنة الروم در سنه هزار و دویست و سی و هشت در ماده ششم که دایر بتجارت است
مسطور شده ادا کنند و از مبلغی که در عهدنامه مذکوره تعیین شده زیاده وجهی مطالبه نشود

فقره هفتم دولت عثمانی وعده میکند که بموجب عهدنامه‌های سابقه امتیازاتی که لازم باشد در حق زوار ایرانی
جاری دارد تا از هر نوع تعدیات بری بوده بتوانند بکمال امنیت محلهای مبارکه را که کائن در ممالک دولت
عثمانی است زیارت کنند و همچنین تعهد میکند که بجهة ازدیاد استحکام و تأکید روابط دوستی و اتحادی که لازم است
فیمابین دولتین اسلام و تبعه طرفین برقرار باشد مناسب‌ترین وسائل را استحصال نمایند تا چنانکه زوار ایرانیه
در ممالک دولت عثمانیه بجمیع امتیازات نایل میباشند سایر تبعه ایرانیه نیز از امتیازات مذکوره بهره‌ور

بوده

بوده خواه در تجارت خواه در مواد سایره از هر نوع ظلم و تعدی و بی‌حرمتی محفوظ باشند و علاوه بر این بالیوزها
از طرف دولت ایران برای منافع تجارت و حمایت تبعه و تجار ایرانیه بجمیع محلهای ممالک عثمانیه که لازم باشد نصب و
تعیین شود بغیر از مکه مکرمه و مدینه منوره دولت عثمانیه قبول مینمایند و وعده میکنند که کافه امتیازاتی که
شایسته منصب و مأموریت بالیوزهای مذکوره باشد در حق قونسولهای سایره دولتهای متحابه جاری میشود در حق آنها
نیز جاری بشود و نیز دولت ایران تعهد میکند که بالیوزهائیکه از طرف دولت عثمانیه بجمیع محلهای ممالک ایرانیه که
لازم بیاید نصب و تعیین شود در حق آنها و در حق تبعه و تجار دولت عثمانیه که بممالک ایران آمد و شد میکنند معامله
متقابله را کاملا اجری دارند

فقره هشتم دولتین علیتین اسلام تعهد میکنند که برای دفع و رفع و منع غارت و سرقت عشایر و قبایلی که در سرحد میباشند
تدابیر لازمه اتخاذ و اجری کنند و بهمین خصوص در محلهای مناسب عسکر اقامت خواهند داد دولتین علیتین تعهد میکنند که
از عهده هر نوع حرکات تجاوزیه مثل غصب و غارت که در اراضی یکدیگر وقوع میباید بر آیند قرار دادند عشایریکه متنازع
فیه باشد و صاحب آنها معلوم نیست بخصوص انتخاب و تعیین کردن محلی که بعد از این دائما اقامت خواهند کرد یکدفعه
باراده اختیار خودشان حواله شود و عشایریکه تبعیت آنها معلوم است جبرا باراضی دولت متبوعه آنها داخل شوند

فقره نهم جمیع مواد و فصول معاهدات سابقه خصوصا معاهده که در سنه هزار و دویست و سی و هشت در ارزنة الروم
منعقد شده که بخصوصه باین معاهده حاضره الغا و تغییر نشده مثل انکه کلمه بکلمه در این صفحه مندرج شده باشد کافه
احکام و قوت آن ابقا شده است و فیما بین دو دولت علیه قرار داد شده است که بعد از مبادله این معاهده در ظرف
دو ماه یا کمتر مدتی از جانب دولتین قبول و امضا شده تصدیق نامه‌های آنرا مبادله خواهند کرد و کان ذلک فی یوم
سادس عشر جمادی الثانیه سنه هزار و دویست و شصت و دو

هم در اینسال ناخوشی وبا در دار الخلافه بروز کرد و اردوی همایون و خدام حرم جلالت و حاجی میرزا آقاسی و بعضی از
امنای دولت به ییلاق لواسان رفتند پس از چندی در اردو نیز وبا افتاد و جمعی از معارف باین ناخوشی در گذشتند
و موکب همایون بلواسان بزرک رفته و پس از چندی توقف در اواخر ماه شعبان به نیاوران معاودت کردند هم در این
اوقات خبر رسید که رحیم قلیخان بن الله قلیخان خوارزمی بعد از پنجسال حکمرانی در گذشته است و چون رحمن قلی
توره یعنی خانزاده منصب اینافی داشته به قانون اوزبک بجای عم سید محمد امین خان برادر کهتر رحیم قلیخان خان
خیوه شده است بنا بر این از دربار پادشاهی میرزا رضا بتهنیت و تعزیت بخوارزم رفت هم در اینسال کنیاز
دالغورکی از جانب دولت روس بوزیر مختاری بدربار دولت علیه آمده مقیم شد و وزیر مختار سابق معاودت
نمود هم در اینسال آب رود کرج که پیش بدان اشاره نمودیم بخارج شهر طهران جاری شد و موکب همایون از
قصر قاجار بتماشای این نهر تشریف فرما شده بعضی تشریفات بعمل آمد هم در اینسال محمد حسین میرزای حشمة الدوله
که در تبریز اقامت داشت در گذشت و میرزا محمد شفیع شیرازی مشهور بمیرزا کوچک متخلص بوصال از فحول
شعرا و خوشنویسها و ارباب کمال و حال در شیراز وفات کرد و نشاطی خان هزارجریبی شاعر نیز در اینسال
بدرود زندگانی گفت اروپا (انگلیس) حرکت فرانکلن بطرف قطب شمال (فرانسه) شورش سخت در مملکت
الجزایر باغوای امیر عبد القادر مخاصمه فرانسه با مکزیک معاهده با امام مسقط (عثمانی) شورش طایفه ارناؤت
طایفه دروز در لبنان نسبت بطایفه مارونیک که مسلمان صدمات زیاد میزنند

سنه ۱۲۶۳ هجری — سنه ۱۸۴۶ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال حسنخان سالار ولد اللهیارخان آصف الدوله خالوزادهٔ اعلیحضرت شهریار غازی محمد شاه
عصیان و خودسری خود را آشکار کرد و آنچه آصف الدوله او را نصیحت کرد سودی نبخشید آخر الامر آصف الدوله بشاه
گفت من صد هزار تومان برداشته بطهران میروم اگر در امر سلطنت اختلالی است من بتر مردم را برانگیخته همه میرزا را
از آذربایجان تحریض مینمایم و تو را خبر میدهم که راه دارالخلافه را پیش گیری و مقصود حاصل شود و اگر اختلالی در کار
نباشد با حاجی میرزا آقاسی دوستی کنم و این صد هزار تومان را بملازمان حضرت سلطنت پیشکش نموده حکومت قومس
و استراباد و سمنان و دامغان را ضمیمه حکمرانی خراسان مینمایم آن وقت بهتر میتوانیم خیال خود را بانجام رسانیم خلاصه
آصف الدوله بطهران آمد و با آنکه چندان محل اعتنا نشد فرمانی صادر کرد که سالار متولیباشی باشد و میرزا محمد خان
پسر دیگر آصف الدوله بخراسان رفته بنیابت آصف الدوله حکومت کند و سلیمانخان حاکم بسطام با پانصد نفر تفنگچی و
یکصد سوار و دو عراده توپ با میرزا محمد خان تا مزینان بفرستد بدین منوال میرزا محمد خان از بسطام گذشت و بسالار پیغام
داد که توپ و سوار بسطام را بهانه همراه آورده ام اگر اذن میدهی تصرف کنم سالار در جواب گفت هنوز زود است میرزا
محمد خان توپ و سواره و پیاده بسطام را باز پس فرستاد و نزد سالار رفت سالار و جعفرقلیخان ایلخانی شادلو بخیال
افتادند که کلات را تصرف کنند و معقلی در دست داشته باشند و چنین کردند بعد از آن جمعیت کثیری فراهم آورده عازم
تسخیر دارالخلافه شدند چون آصف الدوله از واقعه باخبر شد اجازه سفر مکهٔ معظمه حاصل نموده روانه گردید و مخارج
گزافی در این سفر نمود و انعامات وافره بداد و ابراهیم خلیل خان سرتیپ ابن حاجی اسمعیل خان با جمعی از پیاده و سوار از
دارالخلافه بدفع سالار روانه شد و در غرهٔ رمضان ببسطام رسید و از آنطرف سالار با لشکری جرار تا سبزوار رانده
جعفرقلیخان شادلو را با دوازده هزار نفر مقدمة الجیش ساخته از راه کلاته خیج بقریهٔ فهیج آمده اتراق کرد و فیما بین دو
لشکر کمتر از ده فرسنگ بود سلیمانخان حاکم بسطام و ابراهیم خلیل خان مشورت کرده قرار براین دادند که ابراهیم
خلیل خان با جعفرقلیخان روبرو شود اگر غلبه کرد فبها المطلوب والا ببسطام آید بنابراین قرار داد ابراهیم خلیل خان
با لشکر جعفرقلیخان در سرفره مصاف داده آنها را شکست دادند بعد از آن حسنخان سالار با بیست و پنجهزار سوار
و پیاده خراسانی بمزینان رسید و محمد خان بغایری و جهانگیرخان کرجی را با هزار سوار بامداد جعفرقلیخان فرستاد
و در این اوان محمد علیخان از سرداران آن ظفر همراه با ده عراده توپ و چهار فوج سرباز از دارالخلافه بدامغان و از اینجا
بده ملا آمد و دوازده هزار سوار خراسانی قصد شبیخون و حمله بر اردوی محمد علیخان نموده ولی مغلوب و منهزم گشتند
و ابراهیم خلیل خان در ده ملا بمحمد علیخان پیوست و یک روز بعد نواب حمزه میرزا (حشمة الدوله) برادر والاگهر شهریار
[illegible] با چهارده عراده توپ و پنجهزار نفر در رسیدند و ابراهیم خلیل خان و محمد علیخان باردوی شاهزاده
ملحق گشتند و معلوم شد که سالار با بیست و پنجهزار نفر در میامی اتراق داشته و دوازده هزار سوار منهزم نیز
بدو پیوسته مستعد قتال میباشند نواب حمزه میرزا بطرف میامی راندند و سالار باخبر شده آمادهٔ جنگ شد
و چون احتمال قوت میداد که مفقود گردد چهارده راس اسب بخواص خود سپرده آنچه میسر بود وجه نقد بر ترک
اسبها بسته که اگر بنای فرار شد دست خالی نماند پس از این تمهید نایرهٔ قتال اشتعال یافته دسته جات سواره
و عساکر خراسانی بعضی متفرق شدند و برخی برکاب والا آمده از سالار تبری نمودند سالار پسران خود را با جعفر
قلیخان و سلیمانخان دره جزی و شاهرخ خان قاجار کرمانی برداشته بجوین گریخت سلیمانخان در جزی نیز

نزد

نزد نواب حمزه میرزا آمده اظهار عبودیت کرد و معروض داشت که سالار میخواهد در قلعهٔ کلات متحصن شود نواب معظم
او را مأمور دره جز و دفع سالار نمودند سالار امیر اصلانخان پسر خود را با نقود و جواهر بکلات فرستاد که اگر بکلی
مقهور گردد خود نیز بدانجا رود و مردم کلات امیر اصلانخان را راه ندادند و او در خارج کلات بماند سالار نیز از جوین
به بوزنجرد آمده بوزنجردیان او را نپذیرفتند لهذا با جعفرقلیخان بطرف آخال راند و چون چهل هزار تومان وجه نقد
همراه داشت ترکمانان بطمع زر سالار و همراهان او را پذیرائی کرده قرااوغلان آن بیگی آنها را بیورت و آلاچیق خود جای
داده و طایفهٔ توقتمش را که تابع وی بودند نزد سالار آورد و اظهار خصوصیت نمود از آنطرف نواب حمزه میرزا که سالار را
تعاقب میکردند ببوزنجرد رسیدند و چون شهر مشهد را نظمی نبود ابراهیم خلیل خان را روانهٔ ارض اقدس کردند و میرزا
محمد علیخان را بحکومت بوزنجرد و آن نواحی برقرار کرده خود نیز بمشهد مقدس رفتند محمد علیخان چون در بوزنجرد بدسلوکی
کرد مردم بسالار و جعفرقلیخان ایلخانی متوسل شدند سالار و ایلخانی با قرااوغلان و دو هزار سوار ببوزنجرد آمده
اینشهر را متصرف شدند و محمد علیخان مقتول شد و قشون ابوابجمعی او در ارک محصور گشته در مدافعه میکوشیدند
نواب حمزه میرزا از ماجری خبردار شده تعلیقه بیزدان ویردیخان بن رضا قلیخان زعفرانلو نوشته او را مأمور بوزنجرد
نمودند و محمد ولیخان قاجار نایب را نیز با لشکری بدانساحت فرستادند و خود نیز عازم بوزنجرد گردیدند ایلخانی و سالار
چون دانستند که مرد میدان مقاومت نیستند بعضی از طوایف شادلو را کوچ داده و ترکمن و اکراد اسیر بسیار از سرحد آن
خاصه از طایفهٔ بیات برداشته روانهٔ آخال شدند و نواب حمزه میرزا ببوزنجرد آمدند و با آنکه برف باریده و مسالک را
صعب نموده قصد تعاقب سالار و ایلخانی کردند و بیرمانه که محل سکنای ایلخانی و طوایف شادلو بود راندند و چهار
روز در آنجا رحل اقامت انداختند هم در اینسال عبدالله خان امین الدوله اصفهانی در ماه شعبان در نجف
اشرف در گذشت و نواب شیخعلی میرزا ابن خاقان مغفور وفات نمود هم در اینسال خسروخان گرجی بکردستان
مأمور شد و بعضی بهمن میرزا نوشتند که خسروخان بکردستان نمی آید لهذا بهمن میرزا بطهران آمد و اطمینان یافت
و چون خسروخان بکردستان رسید متقلد امور حکومتی گشته رضا قلیخان والی کردستان را که معزول شده بود
بدار الخلافه فرستاد هم در این سال میرزا جواد غلام پیشخدمت همشیره زادهٔ میرزا محمد علیخان شیرازی وزیر امور
خارجه مأمور اسلامبول شد که عهدنامهٔ را که میرزا تقیخان وزیر نظام در ارزنة الروم بسته بود مبادله نماید
هم در اینسال بهمن میرزا مجدداً توهم کرده بسفارتخانهٔ دولت روس رفت و بموجب استدعای وزیر مختار روس معفو
و روانهٔ تفلیس شده در خاک روس سکنی گرفت هم در اینسال الحاجی ملا محمد تقی برغانی که در شصت بابیه مقر بود در سن
هشتاد سالگی بتحریک برادرزادهٔ او قرة العین که زنی بود در کمال الحاد دو نفر بابیه در مسجد قزوین در محراب
کشته شد و آقا میر محمد مهدی امام جمعهٔ دار الخلافه رحلت نمود و آقا میرزا ابو القاسم برادرزادهٔ او بامامت بجای او
برقرار گشت هم در اینسال حاجی سید اسمعیل مجتهد تبریزی داعی حق را لبیک اجابت گفت و حاجی میرزا مسیح طهرانی که
در عتبات عالیات ساکن بود در هشتاد سالگی بجوار رحمت ایزدی پیوست هم در اینسال هزار و چهار صد و سی و
هشت قریه که حاجی میرزا آقاسی خود آباد کرده بود و بقدر سیاد و کرور قیمت داشت بشخص همایون شهریار غازی
پیشکش نمود اروپا (انکلیس) ربرت پیل بصدارت منسوب میشود بعد از چندی لرد جون روسل بصدارت
برقرار میگردد شورش در ایرلند فتح مملکت لاهور در هندوستان که بعد از فتح دو کرور لیره از اهالی لاهور
جریمه گرفته میشود (روس) شورش در لهستان که بزودی دفع میشود (اسپانیول) مزاوجت ملکه با ابن عم خود

فرانسه

فرانسه (فرانسه) نجات یافتن پادشاه در ثانی از کشته شدن فرار لوئی ناپلیون از قلعهٔ هام بروز قحط و غلا در این مملکت طغیان آبها و خرابی شهرها انقلاب در الجزایر بواسطهٔ امیر عبدالقادر لوریه منجم معروف ستارهٔ نپلون را اکتشاف مینماید اختراع پنبهٔ باروطی جمعیت فرانسه در اینسال هفتاد وشش کرور است (ایطالیا) فوت گرگوار شانزدهم پاپ و جلوس نهم بجای او (روس) بروز وبا در پطرز بورغ که سه سال امتداد میابد (عثمانی) ایجاد مدرسهٔ دار الفنون

سنهٔ ۱۲۶۴ هجری سنهٔ ۱۸۴۷ مسیحی

آسیا (ایران) در پنجم محرم اینسال جعفرقلیخان ایلخانی قصد سبزوار و شبیخون بارد وی نواب حمزه میرزا (حشمة الدوله) کرد در مانده بود نمود ولی کاری از پیش نبرده جز آنکه لطفعلیخان بغایری را که مامور بقلعهٔ خان بود دستگیر کرده به آخال بردند و چون در میان قبایل توقمش و اوتمش در توقف سالار در آخال اختلاف در گرفت سالار عازم کلات شد و پس از آنکه دانست کلات بتصرف پسرش امیر اصلانخان در نیامده بسرخس رفت مهمان اراضیخان ریش سفید تا آنکه سرخس کردید و امیر اصلانخان پسرش با اهل وعیال بدو پیوست پس از چندی معلوم شد جعفرقلیخان در محلی از سرکبان کمین کرده نواب حمزه میرزا عبدالله خان افشار صاین قلعه را با سواران افشار و خراسانی بر سر او فرستاده او را منهزم کردند و جعفرقلیخان بطرف هرات رانده بیار محمدخان پیوست و نواب والاشبی هفتاد فرسنگ راه طی کرده بر سر ترکمه تاخته جمعی را مقتول و دستگیر نموده آخر الامر بشفاعت میر سعدالله خان فندرسکی سیصد خانوار کرد و کان از ترکانان که گرفته آنها را بسلطان یورت دادند و جمعی از سوارهٔ آنها ملتزم رکاب والا شدند پس از آن خبر رسید که سالار با هشت هزار نفر قصد شهر مشهد کرده ابراهیم خلیل خان با جمعی از افغان ماموره شد و در کال یاقوتی جنگ در گرفت عبدالله خان افشار صاین قلعه و دو برادرش مقتول گشتند ولی سالار منهزم شد و جمعی از ترکمه اسیر گشتند و نواب حمزه میرزا بشهر مشهد رفته بنظم امور پرداختند و از اول بحرانست میرزا محمدخان بیگلربیگی برادر سالار و متعلقین ایلخانی که در روضهٔ مطهرهٔ حضرت رضا سلام الله علیه نشسته بودند کذا شته مصطفی قلیخان قراگوزلو سرتیپ همدانی را بحفظ شهر ماموره کرده سام خان ایلخانی ابن رضاقلیخان زعفرانلو را برکاب والا طلبیده بعزم دفع سالار بقرا بقعه حوالی سرخس راندند ریش سفیدان سرخس پیشکشی فرستاده از سالار توسط نمودند مقارن این حال نواب حمزه میرزا را مرضی شدید عارض شد و سالار و برادران او موقع را مساعد دیده مواضعه در تسخیر مشهد کردند با بیعنی که برادران سالار اشرار و اهالی شهر را بطغیان تحریک کرده و سالار را بتصرف شهر خواندند چون شهر بشورید نواب حمزه میرزا با وجود ناخوشی بطرف شهر مشهد رانده اهالی که یاغی بودند بمدافعه برخاستند و در این اوان سالار نیز با لشکر زیاد بمشهد آمد و تا ده فرسنگ مسافت از اطراف شهر مشهد مردم بحمایت اهالی شهر متفق و با سالار مساعد شده کار سالار قوتی گرفت و هر روزه فیمابین عساکر نواب حمزه میرزا و اهالی شهر و سالار جنگ درکار بود و جمعی از طرفین مقتول میشدند مقارن همین اوقات ناخوشی و ضعف بر مزاج مبارک اعلیحضرت شهریار غازی محمدشاه غالب آمد و آفتاب عمر این پادشاه که در جود و سخا و علم و حیا و عزم و حزم و لشکرکشی و مملکت ستانی عدیل و مانندی نداشت میل افول نمود نواب مستطاب والا حاجی معتمد الدوله فرهاد میرزا در کتاب جام جم شرحی از این واقعهٔ غم افزا نگاشته و تاریخ ارتحال شهریار مبرور ماضی محمدشاه غازی را چنین نظم فرموده اند

بسال شصت و چهار از پی هزار و دویست   شب سه شنبهٔ ششم هم از مه شوال

بعضی

بقصر نو شه ایران زمین محمد شاه   اجل پیالهٔ عمرش نمود مالامال

ومقصود از قصر نو قصر جدید محمدی است که در عرض بحریش در مدت سه ماه بامر شهریار مبرور اسکنه الله فی ریاض الفردوس ساخته شد نیز نواب مستطاب معظم در کتاب مذکور کویند ولادت شهریار غازی محمد شاه در روز سه شنبه ششم ذیقعده هزار و دویست و بیست و نه بوده و مدت عمر مبارکش چهل و یکسال و یازده ماه تمام قمری و نعش مطهر ایشان را در باغ لاله زار که خارج شهر طهرانست بامانت کذاشتند و پس از ورود شاهنشاه جمجاه اعلیحضرت همایون ناصر الدین شاه خلد الله ملکه و سلطانه بدار الخلافه طهران آن جسد مبارک را بقم فرستادند و در شب عید غدیر همین سال در صحن مقدس حضرت معصومه سلام الله علیها مدفون کردیدند و این قصر جدید شباهتی کلی بقصر سبکتکین داشت که قبل از وفات خود بنا نهاده چنانکه کلپایکانی در ترجمه یمینی کوید در اواخر ایام و خواتم عمر سبکتکین سرائی بنا فرموده بود و اورا سهل آباد نام کرده و مالی بسیار در عمارت آن انفاق افتاده و استادان چرب دست در تحسین و تزیین اساس و وضع قواعد آن صنعتهای بدیع و تأنقهای غریب نموده بسبب حادثه کار او ناتمام بماند و فرزندان او از آن اعراض کردند و بدان فال بد زدند تا خراب شد و سعیی که در تأسیس عمارت آن رفته بود ضایع ماند خلاصه شهریار مبرور البسه الله حلل النور جامع اوصاف حمیده بودند خط نستعلیق را خوش مینوشتند در صنعت نقاشی مهارت داشتند و مدت سلطنتشان چهارده سال و سه ماه بوده است انتهی

نکارنده کوید بعد از انکه دست این مصیبت پیراهن صبر و شکیب اهل مملکت خاصه خانوادهٔ سلطنت و رجال و ارکان دولت قبا نمود و اشکها جاری و دلها قرین سوکواری کردید مرهم این زخم جانسوز و تریاق غم اندوز جلوس ابد مانوس اعلیحضرت همایون شاهنشاه جمجاه ناصر الدین شاه ایده الله تعالی بود بر سریر کردون مسیر خلافت و اریکه سلطنت که این مسرت اجران محنت کردید و دهنها پس از آن همه خون جکر خوردن بخندید (اقبال را بوعده وفا کرد روزکار) جسم مملکت جانی تازه کرفت و انجمن مکرمت روحی بی اندازه یافت جمال ملک را کمالی شایان حاصل کشت و دست معدلت اوراق تطاول ایام را در نوشت و از آنجا که ما شرح سلطنت و شهریاری این شهریار عادل باذل متعنا الله تعالی ببقائه را در کتاب مآثر السلطان در ضمن دو جلد مفصلا نکاشته ایم در این کتاب احتیاج ببسط نمیبینیم محض اینکه ترتیب از دست نرود خلاصه آن مطالب را خواهیم نوشت بعون الله تعالی

هم در این سال چون شهریار ماضی انار الله تعالی برهانه از قصر محمدیه شمیران بریاض قدس در پیوست نوبت خسروی باعلیحضرت همایون خسرو صاحبقران شاهنشاه کل ممالک محروسه ایران شهریار عادل باذل ظل الله الممدود السلطان بن السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان بن الخاقان **ناصر الدین شاه** قاجار ادام الله تعالی ایام ملکه رسید ذات ملکوتی صفات مقدس که تا آنوقت بولایت عهد سلطنت در دار السلطنه تبریز تشریف فرما و در انتظام امور مملکت آذربایجان تجشم میفرمودند بعد از وقوع غایله هایله شهریار ماضی طاب الله ثراه مسرعی از طرف نواب مهد علیا طیب الله تربتها و امنای دولت اعلام را بآذربایجان شتافت (نواب مهد علیا دختر زادهٔ خاقان مغفور فتحعلیشاه و فرزند امیر محمد قاسم خان بن سلیمانخان قاجار قوانلو و الده اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه بودند) و نواب معظم لها بنظم شهر و توابع دار الخلافه و تمهید مقدمات جلوس پادشاهی دام ملکه رای و تدابیر صائبه فرموده شاهزاده علیقلی میرزا که زیور فضل و دانش آراسته بود بوزارت خود اختیار و طرف مشورت در امور قرار دادند خلاصه پس از ورود چپر و وصول خبر بآذربایجان و اقدام کارکذاران بانجام شرایط و لوازم کار و جمع آوری افواج و سوار شب چهاردهم شوال المکرم ولیعهد

کامکار در تبریز بمبارکی جلوس فرمودند و علمای آن بلد و امرا حاضر شده جلوس مبارک را تهنیت گفتند و از شاهزادگان
بزرگ حسنعلی میرزای شجاع السلطنه و محمد تقی میرزای حسام السلطنه بتقبیل عتبه علیه سربلند گردیدند و میرزا تقیخان
فراهانی وزیر نظام و میرزا جعفرخان مشیر الدوله بتجهیز لشکر و تهیه سفر و روانگی موکب همایون بدار الخلافه پرداختند
و فرمان صادر شد که میرزا جعفرخان متوقف تبریز و مامور امور دول خارجه باشد و موکب اعلی در نوزدهم شوال از شهر
تبریز نهضت فرمود و چون مردم تبریز و طهران از طایفه ماکوئی و حاجی میرزا آقاسی بتجدید که داشتند علیخان ماکوئی را
که بسرداری آذربایجان معروف بود دخلی در اینجا نداشتند و میرزا فضل الله نصیر الملک به پیشکاری مشغول بود و میرزا
تقیخان وزیر نظام برتق و فتق امور لشکر میپرداخت و چون محمدخان زنگنه امیر نظام در اینوقت درگذشت میرزا تقیخان
منصب امیر نظامی یافت

و از اینطرف حاجی میرزا آقاسی که بزرگان ایران را از خود رنجیده خاطر میدید و از همه مایوس بود بحضرت امامزاده
عبد العظیم علیه السلام پناه برده بستی شد و امرا و بزرگان همه منتظر مقدم فرخنده شیم مبارک بودند و احیانا اگر فسادی
در داخل و خارج میدیدند بقدر قوه در اصلاح آن میکوشیدند و قطع و فصل احکام برای صاحب نواب مهد علیا
طاب ثراها بود منشور همایون توقیع فرمودند و ملاحظات منظور شد حاجی علیخان والد مؤلف را که در اینوقت از زیارت
بیت الله الحرام مراجعت کرده بود بحکومت و تنظیم گیلان فرستادند و عباسقلیخان جوانشیر بضبط قرای خالصه پرداخت
جعفرقلیخان قراجه داغی با صد و پنجاه سوار بحفظ خزانه اصفهان مامور شد که بسلامت بطهران برسانند بالجمله موکب همایون
کوچ بر کوچ بسلطانیه رسید نواب عبد الله میرزا عم شاهنشاه ایران بوزارت میرزا شفیع تویسرکانی حکومت خمسه یافت
و در این ایام میرزا نصر الله اردبیلی صدر الممالک خود را صدر اعظم دولت متشبث و چنان میپنداشت که بمجرد وصول اردوی معلی
این منصب و شغل بوی خواهد شد سیف الملک میرزا ولد اکبر ظل السلطان که در قزوین متوقف بود بوسوسه نفسانی بهمان
قبایل نواحی قزوین رفته بنای سرکشی گذارده هوس پادشاهی افتاد و ارقام باطراف فرستاد ولی سلیمانخان افشار
او را در بقعه امامزاده معروف بکاندسنک دریافت و دستگیر نموده بدار الخلافه آورد و هم در این ایام میرزا محمد علیخان
شیرازی از سفارت پاریس مراجعت کرده در دار الخلافه بود تا اردوی همایون در قریه یافت آباد که قریب دار الخلافه است
قرار گرفت شاهزادگان و بزرگان درگاه بخاکبوس آستان مبارک سرافراز شدند در این محل پیشکاری میرزا تقیخان امیر نظام
معلوم همه کس گردید و میرزا محمد سعید انصاری (جناب وزیر دول خارجه) کاتب اسرار مکتومه و منشی رسایل خاصه شد

روز جمعه بیست و یکم شهر ذیقعدة الحرام اعلیحضرت شاهنشاه کل ممالک محروسه ایران با فر و شکوهی فراوان دار الخلافه
طهران را بقدوم سعادت لزوم مبارک مزین فرمودند و در شب شنبه بیست و دوم در سرای سلطنتی پیشروی کلاه فرنگی
هفت ساعت و بیست دقیقه از شب گذشته جلوس بزرگ روی داد و در این جلوس میرزا تقیخان بلقب اتابکی و منصب
صدارت عظمی نایل گردید و بخلعت فاخر مخلع آمد

روز شنبه بیست و دوم سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت و هم از آن روز میرزا تقیخان اتابک اعظم به
تدابیر امور ممالک محروسه پرداخت و با میرزا آقاخان وزیر لشکر در امور عراق و بعضی ممالک که بصیرتی داشت
راه مذاکره میرفت اسکندر میرزا بوزارت میرزا موسی تفرشی مستوفی بحکومت قزوین رفت شاهرخ میرزا ولد فرمانفرمای
مرحوم حاکم کاشان شد و محمد کاظم خان کاشانی وزارت او یافت در دوازدهم ذیحجه نعش شهریار میرزا طاب ثراه را
بدار الایمان قم نقل و تحویل دادند حاجی نور محمدخان سردار و سلیمانخان افشار با امداد نواب حمزه میرزا و نظم

واصلاح

واصلاح امور خراسان وقلع وقمع حسنخان سالار وجعفرقلیخان روانه خراسان شدند نواب شاهزاده سلطانمراد میرزا که بعد بلقب حسام السلطنه اختصاص یافتند نیز از جانب اعلیحضرت شاهنشاهی مامور خراسان ومصمم تسخیر بود بمجرد ونحریک اسفراین شدند نور محمدخان وسلیمانخان هم باردوی نواب الاحسام السلطنه آمده وجعفرقلیخان که متفق با سالار بود باستمالت سلیمانخان بربقه اطاعت وانقیاد دولت درآمده روانه طهران شد وپس از ورود معفو و مورد مرحمت شاهانه گردید ونواب حسام السلطنه با لشکر راه خراسان گرفته پیش سبزوار رسید ولشکر را بمحاصره شهر فرمانداد ودراینوقت بسیاری از خوانین خراسان سراطاعت پیش آورده باردوی شاهزاده پیوستند وپیوسته نقاط وبلاد دیگر عرض راه خراسان مسخر سپاه منصور گردید نواب حسام السلطنه پیش میرفتند درحوالی جوین تلاقی فریقین شده جنگی سخت مابین سپاه منصور ولشکر سالار اتفاق افتاده دویست نفر از قشون سالار مقتول وخود او فراری شده پس نشست ومحمد ابراهیمخان قاجار از جانب نواب والا حسام السلطنه حکومت جوین یافت وشاهزاده قصد تسخیر سبزوار کرد دراینوقت یحیی خان تبریزی از دار الخلافه با اسعداد مجدد وخزانه درخور ونشانهای التفات برای سامخان و دیگران در رسید شاهزاده حسام السلطنه اسکندرخان سرتیپ قاجار را با استعداد وافی برسر ترشیز و ترشیز فرستاده ترشیز و ترشیز نیز مسخر سپاه منصور گردید شهر وحصار سبزوار هم که چندی در محاصره بود مفتوح شد وشاهزاده از آنجا عزیمت نیشابور کرد واما موسیخان بیات که از جانب نواب والا احتشام الدوله حکومت نیشابور داشت در این مدت با سالار موافقت نکرده بود در این موقع باستقبال آمده استدعا نمود که جمعی را معین فرمایند تا به نیشابور درآمده شهر را بایشان سپارم در این ایام که عید نوروز فیروز بود نیشابور را نیز تصرف کردند

هم از وقایع اینسال ماموریت میرزا محمد صادق وقایع نگار در اوایل سال بوکالت رعایای تمامی آذربایجان ورسیدن بحاسبات تا ممالکت وماموریت میرزا جعفرخان مشیر الدوله بسرحد بغداد بود که باتفاق وکلای دولت روس وانگلیس وعثمانی از آنجا بمحمره رفته سرحدات را مشخص ودولتین را راضی دارند نواب مؤید الدوله طهماسب میرزا مامور بحکومت کرمان و فضلعلیخان از آنجا احضار شدند وشعبعلیخان حاکم یزد بدار الخلافه آمد وحاجی میرزا محمدخان کرجی که ریش سفید عمله خلوت بود بحکومت یزد رفته یزدی نیز معزول شد نواب معتمد الدوله بهرام میرزا بایالت فارس ونواب رکن الدوله اردشیر میرزا بلرستان وخوزستان وخانبابا خان سلیمانخان قاجار حاکم اصفهان شد نواب خانلرمیرزا از مازندران خواسته شده مازندران را ببرادرش نواب مهدیقلی میرزا سپردند ودر زمان او شورشها بسیار شد که در مازندران باعث هلاکت جمعی کثیر شد هم اینسال میرزا تقیخان صدر اعظم بمصاهرت اعلیحضرت شاهنشاه سرافراز گردید بعضی افواج آذربایجان برخی از اعراض بر میرزا تقیخان شوریده دوباره آنها را آرام کردند حاجی علیخان والد مؤلف بمنصب فراشباشیگری یافت فیمابین علمای تبریز اختلافی پدید آمد ونواب ملک قاسم میرزا حکمران تبریز باصلاح پرداخت میرزا احمد شاملو خوشنویس درگذشت حاجی میرزا آقاسی مرخص شده بعتبات عالیات رفت ومیرزا نصرالله صدر الممالک اردبیلی را بعد از شورش افواج معترضین متهم نموده بقم رفت واز آنجا او را روانه کرمانشاه کردند وآقا بهرام قراباغی نیز محمد ولد بکرمانشاه برده وسپردند وجمعی از امرا که مورث فتنه وشورش وبرضد میرزا تقیخان بودند تنبیه شدند آقا سید میرزای کاشی بمنصب پیشخدمتی حضور نایل گردید حاجی رجبعلی سلیمانی در توپخانه سرهنگ توپخانه شد مادام کلسا از فرانسه زوجه حاجی عباس شیرازی که بشرف اسلام مشرف شده بشغل مترجمی خادمان حرم جلالت برقرار گردید

بروجرد فرستادند

بقیه شرح فتنه بابیه

همدر این سال سید یحیی پسر آقا سید جعفر معروف بکشفی اصطهباناتی که از خواص مریدهای باب بود بیزد رفت و معتقدین او در بلاد و ممالک محروسه متفرق و بنای دعوت و عوام فریبی نهادند از جمله ملا حسین بشرویه که از علما و با سید باب آشنا تابع او شده بود در مشهد مقدس در میان فتنه سالاری مشغول فریب جمعی بود او را گرفته بار دوم نواب حشمت الدوله آورده حبس کردند بعد از چندی در حرکت اردو فرار کرده بمازندران رفت و سیصد چهارصد نفر از فریب خوردگان با او وصل شدند که بآذربایجان بیاری سید علی محمد روند و سید علی محمد که از سال قبل در حضور حضرت اقدس ولیعهد و جمعی از علمای دار السلطنه تبریز بمعرض امتحان و اختبار در آمده و بطلان دعاوی او مشهود خاص و عام گردیده بود بامر اقدس حضرت ولیعهد و فتوای علما تا این زمان در چهریق محبوس بود و تابعین او در هر جا در پرده بنای فساد و عوام فریبی گذاردند حاجی محمد علی نام بارفروشی که او نیز یکی از مشاهیر این طایفه گردیده بود با ملا حسین بشرویه و جمعی دیگر در خارج شهر بارفروش اقامت کرده در پرده بنای عوام فریبی گذاشتند سعید العلما خبر شده امر باخراج آنها نمود و کار بمنازعه و مقاتله کشید و دوازده نفر از بابیه بقتل رسیدند و بعد از چندی ملا حسین و حاجی محمد علی با اتباع خود عزم عراق کردند ولی در محوطه مقبره شیخ طبرسی که از معارف فضلای محدثین و مشایخ طبرستانست قلعه بنا کرده تحصن جستند و دست بغارت ماکولات و محصولات رعیت گشودند و جمعیت متابعان بدو هزار نفر رسید نواب مهدیقلی میرزا با خوانین و سرکردگان مازندران بدفع اینها مامور شدند و در خارج قلعه مزبوره با بابیه محاربتی سخت کردند و ملا حسین بشرویه در مقام عصیان ثبات قدم بخرج میداد و قدری خونها بناحق ریخته شد تا عاقبت سلیمانخان افشار قاسملو از دربار معدلت مدار مامور مازندران شده قلعه را گرفته و آن طایفه مطروده را قلع و قمع کردند نیز از فتنه های این قوم مطروده یکی خروج ملا محمد علی زنجانی در زنجان بود که بعد از مدتی تحصن در زنجان و گرد آمدن جمعیتی زیاد براو و محاربات سخت با قشون دولت آخر بدست محمد خان بیگلربیگی پسر اسمعیلخان [illegible] زنجان مسخر و ملا محمد علی مقتول و سایرین نیز مقتول و متواری گردیدند و معلوم اولیای دولت شد که اصل شعب فساد وجود سید علی محمد است لهذا بفتوای علمای اعلام او را با دو نفر از مریدها او از چهریق بتبریز آوردند و بیکدسته از فوج بهادران نصرانی سپرده او را تیرباران کرده بکشتند و این واقعه در هزار و دویست و شصت و شش روی نمود فتنه دیگر خروج سید یحیی پسر آقا سید جعفر اصطهباناتی در نیریز فارس بود و جمعی هم از اهالی با او همراه گردیدند [illegible] محمد علیخان بن حاجی شکرالله خان نوری و مصطفی قلیخان قراگوزلو سرتیپ بحکم نواب نصرة الدوله فیروز میرزا که حکمران فارس بود بدفع سید یحیی و اتباع او مامور شدند و بعد از مقاتله غلبه کرده سید یحیی را دستگیر نموده بشیراز آورده بحکم قصاص بکشتند و حاجی زین العابدین خان حاکم نیریز که (بواسطه طغیان سید یحیی) ضعفی در کار حکومت بهم رسانیده بود دوباره مستقل شده و لیکن چندی او را در گرمابه بکشتند

ارو پا (اسپانیول) در اینسال در داخله اسپانیول اغتشاش و بی نظمی بروز کرده و در میان رجال آن دولت عداوت افتاد (اطریش) مخارج دولت اطریش در اینسال سیصد و سی و پنج کرور و دویست و سی و هشت هزار فلورن و خرج سیصد و سی و هفت کرور و دویست و [illegible] هشت فلورن بود (فلورن معادل دو هزار و پانصد دینار پول ایران است) (المان) در اینسال اشرار قسمتی از لهستان که در تصرف پروس است بواسطه شورشی که در سال قبل نموده بودند تنبیه شدند (انگلیس) در اینسال [illegible] انگلیس [illegible] از [illegible] نیامد چون کم شد اکثر که از معارف [illegible]

بود

بود وفات نمود اقتدار انکلیس در افغانستان ولاهور زوتر نهاد میانه دولت چین وانکلیس مجادله در گرفت واین دولت چین را انتصر فکانتن که بندر چین است تهدید کرده وبعضی امتیازات از دولت چین بجهة دخول مال التجاره نمود حاصل نمود (ایطالیا) ورود اول سفیر دولت عثمانی بدربار پاپ در این سال بود وهمچنین بطبع رسانیدن خرج ودخل دولت پاپ اول دفعه (پرتوغال) عجز دولت پرتوغال از نظم ودفع شورش داخله مملکت واستعانت نمودن از دولت انکلیس در اینسال بود (روس) در این سال قحط وغلاء در فرنکستان نمودار شده غلات وحبوبات دولت روس در ایمالک بقیمت ومبالغ کزاف بفروش رسید واین فقره موجب مکنت وآبادی دولت روس شد طلای بادی نیز از معادن کوههای اورال عاید دولت روس کردید (سویس) در اینسال هفت ایالت سویس که مذهب کاتولیکی دارند در بعضی مسائل که راجع بمذهب است با وکلای تمام ایالت سویس که در برن پای تخت مجتمع شده مخالفت نمودند دول اطریش وفرانسه هم در باطن اهالی این چند ایالت کاتولیکی مذهب را محرک وتقویت میکنند لیکن دولت جمهوری سویس ژنرال دفور را با پنجاه هزار نفر بجلب اهالی آن هفت ایالت مامور ساخت ودر ظرف نوزده روز آن هفت ایالت را منظم نمود (فرانسه) در این سال در فرانسه قحطی حبوبات وغلات وشورش در بعضی ایالات آن روی داد اما کندم روس که از بندر ادسا حمل بکشتیها فرانسه شد فائده کلی بحال اهالی مملکت فرانسه نمود مارشال سولت از خدمت دولت استعفا نمود ومسیو کیزو منصب صدارت یافت پرنسس آدلائید خواهر لوئی فلیپ پادشاه فرانسه وفات کرد امیر عبدالقادر بمراکش فرار نمود دوک دومال پسر پادشاه فرانسه حاکم الجزایر کردید در مراکش امیر عبدالقادر را بحکم سلطان مراکش کرفته اسیر دار فرانسه تسلیم نمودند دخل دولت فرانسه در اینسال دو بیست وهفتاد وهفت کرور وبیست وپنجهزار وشصت وهشت تومان وپنجهزار رواج ایران وخرج سیصد وبیست ویک کرور وسی هزار ودویست وشصت وهشت تومان وپنجهزار بوده افتتاح راه آهن از اسپین بربولن هم در اینسال شد امریکا (اتازونی) در این سال مابین اتازونی ومکزیک جنگی سخت روی داد وقشون اتازونی مکزیکه پای تخت مکزیک را فتح کرد (هایتی) در اینسال ریشه رئیس جمهوری وفات یافت وسلوک که از جنس سیاهان بود بریاست برقرار کردید

سنه ۱۲۶۵ هجری — سنه ۱۸۴۸ مسیحی

آسیا (ایران) شب چهارشنبه بیست وپنجم شهر ربیع الثانی مبارکی تحویل شمس ببرج حمل شد وشرایط سلام خاص وعام وجشن نوروز در شب وروز بعمل آمد مطلب اهم اینسال بازرفع فتنه خراسان ودفع محمدحسنخان سالار است نواب حشمة الدوله با اردوی خود متوجه هرات کردیده در دو فرسخی غوریان لشکرگاهی اختیار واز نیمه محرم تا آخر ربیع الثانی در آنجا اتراق نمودند ویار محمدخان از بابت مالیات هرات نقداً جنساً خدمات نمود پس از اطلاع نواب حشمة الدوله از ماموریت نواب حسام السلطنه عزیمت نیشابور ودر آنجا دو شاهزاده وبرادر یکدیگر را ملاقات کرده ودر آن اثنا فرمان احضار نواب حشمة الدوله وولایت نواب حسام السلطنه شرف وصول یافت ونواب حشمة الدوله پس از ورود بدار الخلافه وشرفیابی حضور همایون بحکومت آذربایجان منصوب ومیرزا محمد مستوفی ولد میرزا تقی قوام الدوله بوزارت ایشان مخصوص کردید ودر این ایام چراغعلیخان زنکنه را برای کشف امور خراسان واستمالت سالار بدانساحت روانه نمودند واو پس از چند روز توقف در مشهد وچند مجلس ملاقات ومقالات با سالار وعلمای مشهد آخر بنیل مرام مراجعت کرد وبلطایف الحیل جان خود را از شر اوباش وجهال مشهد بسلامت در برده باردوی نواب حسام السلطنه پیوست واز آنجا روانه دار الخلافه شد بالجمله نواب حسام السلطنه

سلیمانخان در عوض جزیره فرمان داد تا کلات را متصرف نماید و خود از راه سر ولایت نیشابور رو بمشهد مقدس کرد
و چون بقلعه نشاهاد که در چمن کوباغ واقع و در تصرف توابع سالار بود رسید فرمان بمحاصره و تسخیر داد پسران
قلعه مقاتله ولیکن چون بعضی از طرفین کشته قلعه منهزم و قلعه مفتوح شد و قلعه کنبان از در استیمان در آمدند
وارد اردوی شاهزاده از آنجا بچمن قهقهه و از چمن قهقهه بخارج مشهد مقدس ورود نمود و در زمان ده هزار نفر
از شهر بیرون آمده از طرفین جنگ در پیوست و پس از چهار ساعت محاربه قشون شهری پس نشستند و نواب شاهزاده
حکم داده محاذی هر دروازه سنگر محکم بستند و همه روزه کار محاربه بهر طرف و نایره قتال از طرفین اشتعال داشت
ولی شکست و هزیمت و ادبار همه روزه از طرف لشکر سالار بود و چندی بدین منوال گذشت سالار را دیگر تاب محاربه
و مقاتله نمانده بمصلحت تن در داد و برای مخارج سپاه تنگدستی دامنگیر او شد و بخیال تصرف خزانه حرم محترم
حضرت علیه السلام افتاد و باجرأت و جسارت تمام هر چه در خزانه مبارکه و قبه مطهره آنحضرت از قنادیل
طلا و نقره و سایر آلات زرینه و سیمینه و اشیاء نفیسه بود بیغما برد که بیست و دو هزار تومان زر مسکوک از اشیاء
طلا و نقره بدست وی آمد و حبوبات انبار خاصه حضرت را بجای علوفه بلشکریان بخش کرد و از امام جمعه و علمای
مشهد بدل شده آنها را گرفته محبوس داشت و عجب آنکه از علمای محبوس مسلک با بهم اثاث و اسباب منهوبه خدمت
را گرفته بخدام آستانه مقدسه میسپرد خلاصه باز در این ایام از دار الخلافه طهران لشکری علیحده اردوی نواب حسام
السلطنه روانه خراسان داشتند که معاون اردو و متابع صمصام خان سرتیپ باشند و آن لشکر عبارت بود از
عباسقلیخان بن ابراهیمخان بادکوبه و فوج خوی و علیخان قراگوزلو و فوج همدانی و حسنعلیخان سرتیپ که الحال
سالار لشکر است با فوج گروسی و جمعی از سواران کرد و ترک آذربایجان و عبداللطیف خان مراغه سرهنگ توپخانه با
چهار عراده توپ برخی دیگر از قشون ظفرنمون سالار هم از اموال آستانه مقدسه باز بهره و قوتی گرفته دوباره از
طرفین ساز جنگ کردند و ایامی چند بدین منوال بود تا باز لشکر سالار منهزم و در حصار شهر متحصن شدند بطوری که دیگر
قدرت بیرون آمدن از شهر و با لشکر حسام السلطنه رزم کردن برای آنها نماند ولی از بالای باره و برج بواسطه توپ
و تفنگ معارضه میکردند و گاه گاهی آنها از فرصتی نموده بر سنگرها یورش میآوردند و حاصلی جز انهزام نمییافتند
هم از دار الخلافه حاجی سیفخان سرتیپ فوج قراداغی و توکل خان با فوج خمسه و چهارصد نفر سوار کلیائی و پانصد بار
قورخانه و سه عراده توپ باردو ملحق شد و بحکم والا برعده و استحکام سنگرها افزودند و از آنطرف باز سالار جری
بجنگ شده همه روزه با پسرش امیر اصلانخان بیرون آمده با لشکر فیروزی اثر محاربه مینمودند و زیاده از دویست
نوبت با سپاه منصور کارزار شده بود که امتداد آن از وقت صبح تا هنگام شام میبود در این ایام اسکندرخان
قاجار از اردوی خراسان بدار الخلافه احضار و محمد ناصرخان دولو (ظهیر الدوله) بسرداری سپاه خراسان مامور شد
بالجمله در تمام این سال سپاه نصرت پناه و غازیان دولت مشغول محاربه با سالار و محاصره شهر مشهد مقدس
بودند تا عرصه بر اهالی شهر تنگ و دلها از طول مدت محاربه و محاصره ملول گردید و عمده سبب این تراخی و طول
زمان این بود که غازیان دولت نمیخواستند بواسطه یک نفس شریر سالار و اتباع مخصوص او که از در طغیان و عصیان
در آمده و باعث این همه شر و فساد و تباهی حال عباد شده اند بیباکانه در تخریب شهر و مملکت و اتلاف نفوس
محترمه و اهالی و رعیت که در هر حال با زهره و ملوک پادشاه و متعلق بدولت بودند بکوشند
هم در این سال میرزا آقاخان نوری باعتماد الدوله ملقب گردید و میرزا کاظمخان ولد معزی الیه بمنصب

استیفا نایل امده میرزا محمد حسین ولد میرزا محمد حسین عرب باشی همین منصب نیز سرافراز شد هم در اینسال شهر
تبریز شورشی در میان عوام سکنه و اهالی برخاست و محمد رضا خان فراهانی که در اینوقت وزارت آذربایجان
داشت بدستیاری چند نفر از علمای شهر آن غوغا را فرو نشاندند نیز از وقایع اینسال رفتن عزیز خان اجودان
باشی است بایروان برای تهنیت ورود حضرت ولیعهد دولت روس الکساندر دویم پسر مرحوم امپراطور نیکلا
(امپراطور ثانی مرحوم که مقتول شدند پدر همین اعلیحضرت امپراطور الکساندر سیم) که برای نظم حدود قفقاز
و مملکت گرجستان بایروان میآمدند و نامه مودت شمامه با تمثال مهر مثال مرصع و مکلل با الماسهای قیمتی با نیز نشان
حمایل آسمان رنگ بهمراهی معزی الیه برای حضرت ولیعهد انفاذ فرمودند و اسمعیل خان خزانه دار نظام نایب
اول سفیر دولت شده حامل هدیه و تحف میرنظام برای فرمانفرمای گرجستان گردید

هم از سوانح این سال طغیان بعضی از اشرار اصفهانست چون خان خانان را از حکومت اصفهان بدار الخلافه
و حکومت اصفهان را بنواب محسن خان سپهدار تفویض داشتند و محمد حسینخان خلج بنیابت سپهدار از پیش باصفهان
آمد روزی سربازی با یکی از بستگان مرحوم میرزا سید محمد امام جمعه نزاعی کرده حرمت امام جمعه منظور نداشت
امام جمعه برهم بر آمد اشرار فتنه جوی اصفهان که سرهنگ آنها احمد میرزا که از طرف مادر بسلاطین صفویه می
پیوست و میرزا عبدالحسین مستوفی و محمد علیخان و میرزا ابوالقاسم غیره بودند بی رضای امام جمعه فتنه را بزرگ
کردند و محمد حسینخان خلج نایب الحکومه سپهدار را در مسجد جامع بکشتند ما بین اشرار بلد و سرباز و بستگان
حکومت جدال و قتال سخت شد جمعی از دار الخلافه مامور رفع غایله شدند آخر اشرار فراری و متواری و جمعی
از آنها مقتول و دستگیر شده احمد میرزا هم فرار کرد پسرهای محمد حسینخان خلج دستیاری و بافته مجنون بدید
او را بکشتند و میرزا عبدالحسین مستوفی سه سال در قریه قمصر کاشان متواری بود و آخر الامر در قریه دهنو
اصفهان در خانه علی نام ملازم خود شرکسان سپهدار او را گرفته بشهر برده بقتل رسانیدند و بعد از رفع
این غایله چراغعلیخان بحکومت اصفهان مامور شد

هم در اینسال نواب احتشام الدوله خانلر میرزا حکمران عربستان و لرستان و بروجرد خسرو خان لک را گرفته
مغلولا بدار الخلافه فرستاد و عباسقلیخان جوانشیر بحکومت اردبیل و مشکین مامور شد و از حادثات این سال
وفات شاهنشاهزاده سلطان محمود میرزا بود که بولیعهدی منصوب میبود و در صغر سن رحلت کرد و حاجی میرزا
آقاسی که در عتبات عالیات اقامت داشت بعالم باقی روانه شد و محمد حسینخان سردار ایروانی حکومت یزد یافت
و آقاخان ایروانی از اقارب او نایب الحکومه او شده بیزد رفت و محمد عبدالله که در اینوقت با زدم از خودسری
میزد و اشرار دور او جمع آمده تمکین از نایب الحکومه نمیکردند پس از چندی آقاخان از نیابت معزول و شیخعلیخان
عمزاده محمد حسینخان سردار بجای او منصوب شد و محمد عبدالله را باستمالت و احتیال بدست آورده مقتول داشت
و شهر یزد آسوده و منظم شد و هم بصوابدید امیر نظام ابراهیم خلیل خان را از دار الخلافه باهره باردبیل کوچ دادند
اروپا (اسپانیول) در اینسال شورشی در مادرید پای تخت اسپانیول برپا نمودند اتفاقا که یکی از شورشیان
بود محبوس شد میان دولت اسپانیول و دولت انگلیس بجهت تعیین سفیر انگلیس قطع مراوده شد اول
خط راه آهن در اسپانیول بمسافت بیست و پنجهزار ذرع که از بارسلون الی ماتارو باشد ایجاد و ابداع شد
(اطریش) در اینسال تعیین وزرای مجارستان شده و معین کردید که از وزرای مملکت اطریش مجری باشند

در وین پای تخت اطریش شورشی برپا و مسیو مترنیخ وزیر اعظم معزول شد امپراطور اطریش بسبب شورش اهالی
وین و بعضی ولایات دیگر توقف نمودن در شهر انسبروک را غیر لازم دانسته از آنجا مهاجرت کرد عساکر اطریش که در خاک
ایطالیا بودند شهر فرارا که جزو روم و در تصرف پاپ بود بغلبه متصرف شدند امپراطور اطریش بعد از چندی وارد وین
شد مملکت مجارستان که یکی از ممالک اطریش است بدولت شوریده کونت لامبرک سپهسالار خود را که از طرف دولت اطریش
مامور بود بقتل رسانیدند و نیز در وین کونت لاتور وزیر جنگ را شورشیان کشتند امپراطور مجبوراً از وین باولموتز
فرار کرد و سه روز زیر سیل استیلای قشون دولتی بشهر وین گلوله توپ و نارنجک می‌انداختند تا روز سیم شهر تسلیم شد
امپراطور فردیناند اول از سلطنت استعفا نموده اعلیحضرت فرانسوا ژوزف برادرزادهٔ خود را که در آن وقت هجده
ساله بود بجای خود منصوب نمودند (انگلیس) در این سال در بعضی از شهرهای ارلند شورشی پدیدار آمد لورد بانتنك
که از معارف رجال دولت بود در گذشت (ایطالیا) در اینسال در جزیره سیسیل همچنین در ولایت ناپل شورشی برپا
شد فیمابین دولت اطریش و ساردین و لمباردی نزاع در گرفت ایالتین ساردین و لمباردی یکی شده سلطنت شارل
البر پادشاه پیمن را اختیار کردند شهر میلان که بتصرف شارل البر در آمده بود و از تصرف اطریش خارج کردیده بواسطه
نفاق جمهوری طلبان بر پا شد مابین از تصرف شارل البر بیرون شد و مجدداً بتصرف اطریش در آمد شهر ونیز و
توابع اعلان جمهوری نمودند پاپ بعد از قتل مسیو روسی صدر اعظم خود از اهالی روم سؤظن حاصل کرده بناپل رفت
(باویر) در اینسال لوی پادشاه باویر از سلطنت استعفا کرده ولد خود ماکسیمیلین دویم را بجای خود نصب کرد
(پروس) در این سال در برلن پای تخت پروس مختصر شورشی بظهور رسید (دانمارک) در اینسال کرستیان هشتم
پادشاه دانمارک درگذشت و سلطنت بفردریک هفتم ولد ارشد او رسید ایالات سلسویک و هولستن شورش نمودند
قشون پروس باین ایالات وارد و در انزل سرحد پروس چند شهر از این دو ایالت را تصرف کرد دولت فرانسه و انگلیس و
روس در این جنگ مداخله نموده حمایت از دولت دانمارک کردند (روس) در این سال در اغلب بلاد ممالک روس وبای
شدیدی ظاهر شد و در بعضی نقاط خشک سالی سبب مشقت اهالی کردید (سود) در اینسال سلاطین سود و دانمارک
با یکدیگر ملاقات کردند و پادشاه دانمارک را در نظم ایالات یاغیه سلطان سود امداد نمود (سویس) در اینسال
شهر برن پای تخت دولت و مرکز جمهوری کردید و مقرر شد موقوفات کلیسا باطلاع رجال دولت جمهوری بمخارج مقرره
برسد (عثمانی) در این سال رشید پاشا صدر اعظم عثمانی بی مقدمه از صدارت عظمی عزل و صارم پاشا نصب
کردید مجدداً بعد از پنج ماه نصب رشید پاشا شد در افلاق بغدان شورش نمودند و قشون روس ببهانه نظم این دو ایالت
آمده تا بوکارست پای تخت رفت (فرانسه) در این سال لوی فیلیپ پادشاه فرانسه بواسطه شورش مردم خود را
از سلطنت خلع نموده پسرزادهٔ خود را بجای خود پادشاه نمود اهالی پاریس تمکین این مطلب نکرده بشورش افزودند
لوی فیلیپ غفلة فرار و بمملکت انگلیس نمود اهالی شهر هم بجنگ خونریزی شد یک در حوالی عمارت سلطنتی شد و عمارت
سلطنتی که موسوم بتویلری بود غارت کردند آنگاه اهالی فرانسه چندی دولت موقتی وضع نمودند بعد تمام اهل
مملکت جمهوری غالب شد لوی ناپلیون برادرزادهٔ ناپلیون اول که در مملکت انگلیس فراری بود وارد پاریس
شده دو سه ایالت او را بسمت وکالت خود در مجلس شوری منتخب نمودند آرشوک پاریس که اعظم قسیسین
آن شهر بود با چند نفر ژنرال در یکی از جنگهائی که اهالی شهر با هم میکردند کشته شدند آخرالامر لوی ناپلیون بریاست
چهارساله جمهوری برقرار شد راه آهن از پاریس الی بندر دیپ در این سال کشیده شد شاتوبریان که شاعر

سفاین جنگی پادشاهان ناپل
و ساردین بندر طریست
از بنادر اطریش وارد شلیم

معروف

معروف و نویسنده مشهور فرانسه بود بسن هشتاد سالگی در اینسال در گذشت (هلاند) در این سال در مملکت هلاند
قرار آزادی ادیان شد یا بمعنی هر کس در هر مذهبی باشد در کمال آسودگی و رفاهیت میتواند در این مملکت زیست و
زندگی نماید افریقا (مصر) در اینسال مرض محمد علی پاشای مصری اشتداد یافت و ابراهیم پاشا ولد محمد علی
پاشا والی شد و چیزی نگذشت که در گذشت و عباس پاشا برادرزادهٔ محمد علی پاشا بوالیگری رسید امریکا
(اتازونی) در این سال هزار و دویست و شصت و پنج هجری که مطابق است با هزار و هشتصد و چهل و هشت
مسیحی مهندسی از اهالی ینکی دنیا معدن طلائی در سواحل رودخانه های ساکرامنتو و سان ژواکین در ایالت کالیفرنی
انکشاف نمود ژنرال تیلور بریاست جمهوری منتخب و برقرار گردید فیما بین اتازونی و مکزیک عهد صلح منعقد گشت
نول کالیفرنی را مکزیک بمبلغ شانزده کرور و یکصد هزار تومان وجه رایج ایران واگذار کرد باتازونی

سنه ۱۲۶۶ هجری سنه ۱۸۴۹ مسیحی

آسیا (ایران) تحویل نیر اعظم بحمل در اینسال هشت ساعت و یکدقیقه از شب پنجشنبه ششم شهر جمادی الاولی
گذشته بود و مراسم جشن عید و سلام عید نوروزی شاهانه بعمل آمد نظم ممالک در این سال بدرجه کمال رسید عمده
اختلالی که در کار کشور بنظر میآمد فتنه سالار و اغتشاش خراسان بود که از توجه اولیای دولت جاوید بنظام مبدل
بانتظام شد صورت اختتام یافت بدین شرح که موافقان سالار را آخر الامر عجز و بیچارگی طاری شد و رعب غالب
آمد و قصد اطاعت و متابعت نواب حسام السلطنه کردند و در نهم جمادی الاولی اینسال شهر مشهد را بشرط ایمنی
و سلامت جان و مال خودشان بتصرف عساکر منصوره دادند سالار از این قضیه خبردار شده ناچار با برادر و پسر
بدرون صحن مقدس پناه برد و هواخواهان او متفرق شده هریک بطرفی رفتند و چون سالار خود حرمت آن روضه
مقدسه و بقعه مبارکه را نگاه نداشته بود امروزه نتیجه سوء اعمال و وخامت آنهمه جسارت دامنگیر خود او شده بحکم
نواب حسام السلطنه او را با دو پسرش امیر اصلان خان و یزدانبخش میرزا و محمد علیخان برادرش دستگیر کرده بلشکرگاه
بردند و دیوان شورای عسکری و ثبوت جرایم و تقصیرات سالار آنها را بسیاست و قتل رسانیدند بعد از انجام این خدمت
نواب حسام السلطنه بنشان تمثال بیمثال همایون و شمشیر مرصع و همین لقب مفتخر و نایل گردید و محمد ناصر خان
سردار نشان الماس یافت و هریک از چاکران خدمتگذار باندازه لیاقت و خدمت مورد مرحمت شده دارای خلعت و
نشان گردیدند و بعضی از فوجها و افواج را روانه دارالخلافه نمودند و چراغعلیخان بعد از ورود قوللر آقاسی گشت و
نواب حسام السلطنه بحکومت خراسان مستقل شد نیز در اینسال فتنه سید یحیی رفع و باتمام رسید و شرح آن در ذیل وقایع
الاول نگاشته شد نواب نصرة الدوله حکمران فارس شیخ نصرخان پسر شیخ عبدالرسولخان دریابیگی را از حکومت
بندر بوشهر معزول و میرزا حسنعلیخان ولد حاجی قوام الملک را بجای او حکومت داد نزد شیخ حسینخان عم شیخ نصرخان
بترسید که این حکومت همی رود شر از این سلسله بیرون رود با مداد اعراب راهها گرفته بنشست و در بندر بوشهر نشست
مصطفی قلیخان قراگوزلو سرتیپ با افواج خود بمعاونت میرزا حسنعلیخان و مدافعت شیخ حسینخان برفت و او را
دفع داد و بازای این خدمت بمنصب میرپنجگی نایل و میرزا حسنعلیخان سالها در آن ولایت با سبکی پسندیده بماند هم از
وقایع اینسال طغیان میرزا قوام الدین بهبهانی برادر میرزا منصورخان طباطبائی است که سالها در کوهکیلویه حکومت
داشته و برای حکومت بهبهان بجهة بی صلاحی صافی نگشت و زکاری نزد منوچهرخان معتمد الدوله و پیش از آن
در خدمت امین الدوله عبدالله خان بسر میبرد چون حکمرانی فارس بنواب والا بهرام میرزا (معز الدوله) رسید

محمد کریمخان قاجار ایالت کوه‌کیلویه یافت شورش آن صفحات تسکین نگرفت و الوار سکنهٔ آن بلاد خودسری گزیدند میرزا قوام بلادبحار رفته بمعاونت اعراب بعضی دیگر دست تصرف در اموال و اثقال خلایق دراز کرده و قلعهٔ محکم گل و گلاب را متمکن کرده راه خودسری پیش گرفت و بقطع طرق قوافل پرداخت و بر فراهم اعراب افزود و در دفع او کوششها رفت تا آخر الامر در حکومت نواب فیروز میرزای نصرة الدوله بدست عباسقلیخان سردار لاریجانی گرفتار شد و او را بشیراز و از شیراز بدار الخلافه آوردند و حسب الامر محبوس کردید و محمد باقرخان نوری نیز بدست سردار مزبور افتاده مغلول شد و نیز در این اوان نواب مؤید الدوله طهماسب میرزا حکمران کرمان امور و ثغور بلوچستان را منظم کرد و سام‌خان ایلخانی و عباسقلیخان میرپنج و میرزا عبد الباقی متولی‌باشی حضرت رضوی علیه السلام از دار الخلافه رخصت یافته بمشهد مقدس مراجعت کردند و بر حسب امر همایون شاهنشاهی در آن بلد سه چاپارخانه‌ها ساختند و بتعمیر صحن تصمیم نهادند سلیمانخان دنبلی بحکومت تربت رفت و محمد تقیخان جوانشیر حاکم شاهرود و بسطام کردید و محمد رضاخان قاجار بحکومت اردبیل و محمد حسینخان نوری بکارپردازی مشکین نایل شد و قاسمخان قاجار چاپارچی‌باشی حکومت قراجه‌داغ یافت و حکومت اردومی بنواب مصطفی قلیمیرزا مفوض شد و محبعلیخان ماکوئی منصب میرپنجگی یافت محمد علی بیک ناظر شاهنشاهی مبتلای بیماری تبی بیلاقات قزوین رفت و اجل ورا مهلت نداد نظارت اعلیحضرت اقدس همایون بنصرالله خان ولد امیر کبیر قاسمخان خال شاهنشاه مفوض شد فوج مصطفی قلیخان بیا شاخان مکری (مظفر الدوله) سپرده آمد موکب فیروزی کوکب اقدس اعلی عزیمت قم و بعضی از نواحی عراق فرمودند امرای

(اطریش) در اینسال اهالی مجارستان بر دولت اطریش یاغی شدند سردار اطریش از طرف امپراطور این مملکت واندیسکراتز مامور بنظم مجارستان و تنبیه اشرار و یاغیان شد و در وسط زمستان قشون بمجارستان کشیده وارد شهر بود پای تخت آن مملکت کردید عساکر روس که در والاشی بودند بکمک امپراطور اطریش وارد مجارستان شدند اهالی مجارستان بعضی شهرها را که متصرف قشون دولت بود متصرف شده کوسوت نام را رئیس جمهور قرار داده اتفاق کرده مجارستان را خارج از مملکت اطریش اعلان نمودند و شهر پست که در حوالی شهر بود پای تخت میباشد متصرف یاغیان در آمد اعلیحضرت امپراطور اطریش شخصه سرداری عساکر خود را متقبل و اردوی خود را در شهر پرسبورک قرار داد عساکر روس که در افلاق و بغدان بودند بملاحظه اینکه مبادا شورش اهالی مجارستان امتداد یابد بقسمت لهستان روس مراجعت نماید مجددا مصمم حمایت امپراطور اطریش شده قشون بکمک امپراطور اطریش بمجارستان فرستادند نیز در اینسال لشکر اطریش در ایطالیا فتح نمود قلعهٔ مدین را متصرف شدند سردار بزرگ اطریش رادتزکی نام در نوارا چارلس البرت ساردین را مغلوب کرد و پادشاه ساردین از سلطنت استعفا نموده ارشد اولاد خود را بسلطنت انتخاب و بر قرار [illegible] داشت سردار مذکور اغلب شهرهای ایطالیا حتی فلورانس و غیره را متصرف شدند و مملکت لومباردی را که از ممالک ایطالیا است مجزا و نیز کلیته متصرفات اطریش در آورد بیکدسته از قشون فرانسه وارد بندر سیویتاوکیا بندر ایالت روم شد بعد از فتوحات مذکوره در ایطالیا جرات عساکر اطریش در مجارستان زیاد شد در دفع اشرار آنجا ظفر بیقین قریب حاصل نمودند یکصد هزار قشون از روس مجددا وارد مجارستان شده بکمک امپراطور اطریش آمدند سردار این قشون بسکاویچ بود اعلیحضرت امپراطور روس نیکلای مرحوم شخصه بکراکوی بکمک امپراطور اطریش آمد یاغیهای مجارستان مستاصل شده فرار بر قرار اختیار کردند و پناه بخاک عثمانی بردند بالاخره بعد از یکسال یاغیگری و شورش در مجارستان نظم و آرامی در آن ایالت حاصل شد (المان) هم در اینسال اجزاء

پارلمنت

پارلمنت که در شهر فرانکفورت جلوس مینمودند ریاست دول متعاهده المان را که تا آن زمان با دولت اطریش بود مسترد ساخته
وکلای پارلمنت متفق القول امپراطور اطریش را از ریاست دول متعاهده المان خلع نمودند این ریاست را به پادشاه پروس که
در آن وقت فردریک گیوم بود تسلیم کردند پادشاه پروس جواب صریح در رد یا قبول این شغل نداده اما از آنطرف امپراطور
اطریش بمجلس وکلای پارلمنت المان اطلاع داد که ایشان از حدود معینه خودشان تجاوز نموده اند و وکلای مملکت اطریش را
که جزو سایر وکلا در این پارلمنت بودند احضار بوین نمود دولتین ورتمبورگ و باویر که از دول معظمه المان
میباشند تمکین و قبول نکردند که ریاست ایشان با پادشاه پروس باشد پادشاه پروس هم بالطبع مایل اینکار
نبود و قبول نفرمود بواسطه عدم قبول پادشاه پروس ریاست دول المان را که خلل با حکام مجلس فرانکفورت وارد آمد
بود در مملکت هانور و که نیز از دول المان است و در بعضی ممالک دیگر المان بنای شورش شد علی الخصوص در مملکت
ساکس از دول المان شورش سختی کردند مردم بر ضد خانواده سلطنت شدند قشون پروس تا درزد پای تخت آن
دولت حمله برده شورشیان را متفرق ساخته پادشاه ساکس را در سلطنت خود مستقل نمود در ایالت باد نیز بنای شورش
شد بعد از چندی پادشاه پروس بر ریاست دول المان راضی شد مشروط که بواسطه عهدنامه سلاطین ساکس و هانور
قبول اینفقره نمایند و بر عهده گرفت که داخله مملکت المان را منتظم سازد و دست دشمن خارجی را از ممالک المان کوتاه
نماید سردار پروس ژنرال پوکر با کمال رشادت و سختی در مملکت باد با شورشیان جنگ کرده در پایتز اینسال سلاطین
اطریش و پروس و ساکس با هم ملاقات کردند و مابین سلطان اطریش و پادشاه پروس چنین معاهده شد که از هر
طرف دو نفر بجهت ریاست ممالک المان تعیین شود که فی الواقع ریاست کلیه از آن بعد میان دولت اطریش و پروس
مشترک باشد (انگلیس) هم در این سال بندر عدن در عربستان که متعلق بدولت انگلیس است بجهت تجارت تمام روی
زمین باز شد یا الت کینه را که در افریقا است انگلیس از پرتوغال ابتیاع نمود نیز جنگ انگلیس با افاغنه و هندیهای
لاهور منتهی بسیک و فتح ملتان و حمله افاغنه به پنجاب و فتح پنجاب بدست عساکر انگلیس و تصرف آنجا از وقایع اینسال است
هم در اینسال بجهت عبور کالسکه راه آهن بر روی دریا در بوغاز منی پل بستند که جزیره انگلیزی وصل بکارنارون شد
جمعیت انگلیس در اینسال پنجاه و هشت کرور بوده (ایطالیا) در این سال اعلام جمهوری در شهر روم و ضبط
موقوفات کلیسا بدست جمهوریان اتفاق افتاد جلوس ویکتور امانوئل بر سریر سلطنت ساردین و شورش اهالی تسکان پادشاه تازه
از وقایع اینسال است و الی سابق در پارم با اعانت اطریش مستقل گردید دول اطریش و فرانسه و اسپانیول و ناپل پاپ را
اعانت نمودند که از شر جمهوریان روم محروس باشد چهار هزار قشون اسپانیول بسرداری ژنرال کوردوا بمملکت
پاپ آمدند و اهالی روم بنای مخاصمه با قشون فرانسه گذاردند روم محاصره و در اواسط تابستان مفتوح شد ریاست
جمهوریان با گاریبالدی و مازینی بود سلطنت ظاهری پاپ در مملکت روم بتوسط فرانسه استقلال یافت شارل
البرت پادشاه سابق ساردین در یکی از شهرهای پرتوغال درگذشت مابین پادشاه ساردین ویکتور امانوئل و امپراطور
اطریش در میلان انعقاد مصالحه شد پاپ از گائت که آنجا را مامن خود قرار داده بود بروم مراجعت کرد (دانمارک)
هم در اینسال مابین دانمارک و عساکر المان که بکمک شورشیان اسلسویک هولستن آمده بودند شروع بمنازعه شد
و دو کشتی جنگی دانمارک را غرق کردند قشون دانمارک عساکر پروس را که بکمک یاغیها آمده بودند شکست دادند
و شش ماه مابین یاغیان و دولت دانمارک متارکه اتفاق افتاد نیز در اینسال بوساطت دولت انگلیس مابین دانمارک
و پروس و سایر دول المان انعقاد مصالحه شد (روس) در اینسال دولت روس با اطریش در شورش مجارستان

کمک

کمک نمود و خرج این امداد شصت کرور منات شد اعلیحضرت امپراطور روس فرمان دادند که طایفه یهود که در ممالک
روس متوقف‌اند یا باید بلباس روس ملبس شوند یا ملبوس جدید فرانسه را اختیار کنند یا هر سال مبلغی مالیات بدهند
جمعیت اهل ونز ایالات مملکت و سبعه روس در اینسال یکصد و هشت کرور و نود و دو هزار و سیصد نفر بود هم از
وقایع این سال اینست که جمعی که در صدد قتل اعلیحضرت امپراطور روس بودند بدست آمدند و بیست و یکنفر آنها را
که از عدالتخانه حکم قتل آنها صادر شده بود امپراطور از قتل آنها درگذشته حبس مؤبد میکنند (سویس) هم در
این سال در مملکت سویس اوزان و مقادیر بطرز فرانسه قبول میشود (عثمانی) در اینسال دولت عثمانی با دولت
روس در خصوص افلاق بغدان معاهده می‌بندد در این معاهده قید شده که حکام افلاق بغدان را عثمانی معین
خواهد کرد مشروط که حاکم عیسوی باشد و مدت حکومت هفت سال پرنس شیکا والی افلاق بغدان گردید نیز در این
سال دولت اطریش و روس با دولت عثمانی کدورت حاصل نموده که چرا فراریهای لهستانی و مجارستان را که پناه
بخاک او برده بودند پس نمیدهد دولتین انگلیس و فرانسه رفع اینکدورت را توسط نمودند امیرالبحر انگلیس بایکر
باکشتیهای جنگی انگلیس بخاک عثمانی وارد داردانل شد (فرانسه) در اوایل این سال لوئی ناپلیون برادرزادهٔ ناپلیون
بزرگ که در چهارده کرور و منتخبین یازده کرور و یکصد هزار نفر او را بریاست جمهوری منتخب نموده بودند باین شغل
قرار شد و عمارت الیزه را مسکن او قرار دادند هم در این سال در فرانسه مدت ده ماه وبای شدید بروز کرده
مارشال بوژو از این مرض درگذشت سرداران فرانسه ژنرال اودینو و ژنرال والیان روم را مسخر نمودند فوت
مارشال مولیتو که از سرداران رشید بزرگ فرانسه بود نیز در اینسال اتفاق افتاد (هلاند) در اینسال کیلیوم
دویم پادشاه هلاند درگذشت و پسر او کیلیوم سیم در اوایل بهار بجای او جلوس نمود **افریقا** (مصر) در این
سال محمد علی پاشای مصری درگذشت **امریکا** (اتازونی) در اینسال در ممالک اتازونی گفتگو در باب آزادی سیاهان
که در بعضی از ایالات این ممالک برده بودند نمودند و صیت انکشاف معادن طلا در کالیفرنی باطراف رسیده از
هر طرف جمعیت رو بکالیفرنی آوردند اول دفعه که امتعه چین مستقیماً علی‌الخصوص چای بپاناما وارد شد این سال
بود ایالت کارولینای اتازونی شروع بزراعت چای نمودند (کارولینای جنوبی) در این سال ژنرال روزا در ریاست
جمهوری ایالت بونس‌آیرس استقلال تام و تمام بهم رسانید و این ایالت با انگلیس همان قرار که با فرانسه عهد تجارت و دوستی
بسته است معاهده نمود

سنهٔ ۱۲۶۷ هجری — سنهٔ ۱۸۵۰ مسیحی

آسیا (ایران) تحویل آفتاب بحمل روز جمعه هفدهم جمادی‌الاولی یکساعت و پنجاه دقیقه از طلوع آفتاب
گذشته بود نواب حسام‌السلطنه والی خراسان مسافرت بسرحد و دفع شر ترکمان آن حدود و تأمین و تصفیه
آن نواحی را نموده مراجعت بارض اقدس کردند چراغعلیخان زنگنه قوللر آقاسی که بعد لقب سراج‌الملکی یافت
بحکومت اصفهان نایل شد محمدامین خان والی خیوق که بعد از برادر خود را خوارزمشاه میخواندند آتابای محرم را محرم باصطلاح اهل خوارزم پیشخدمت است
که از نزدیکان او بود با هدایای لایقه بسفارت ایران و تهنیت شاهنشاه جمجاه روحنا فداه مأمور کرده در ماه
ربیع‌الثانی وارد دارالخلافه شد و شرفیاب حضور مبارک گردید و مقرر شد که شخصی از چاکران کافی آستان
سپهر نشان همراه او بخوارزم سفارت کند و بعضی مطالب را انجام دهد حسب‌الامر همایون مرحوم رضاقلیخان
للباشی را که یکی از اعیان کاردان خدام دربار معدلت مدار و مردی خبیر و بصیر و نکته‌دان فاضل و بی‌نظیر بود انتخاب

نمودند

نمودند و او عازم این سفر شده وقایع مسافرت خود را من البدو الی الختم نگاشته و شرح آن مسافرت در جلد دویم
مرآت البلدان موسوم بمآثر السلطان نگاشته شده است و در اینجا حاجت باعاده نیست همه در اینسال در این وقت
جاوید علت یعنی دار الخلافه باهره روزنامه دولتی حاوی اخبار داخله و خارجه و بعضی اعلانات تجارتی وغیره
ایجاد شد و اول نمرهٔ این روزنامه که از طبع خارج گردید مورخ بتاریخ ربیع الثانی سنه هزار و دویست
و شصت و هفت بود نیز در اینسال بواسطهٔ قراولخانه که در هر نقطه شهر دار الخلافه ساخته شده بود بنظم
شهر افزود و مقرر شد که در سایر بلاد نیز قراولخانه‌ها بسازند مصطفی قلیخان قراگوزلو منصب میرپنجی یافت
آقاخان ماکوئی سرتیپ سواره قزوین گردید پاشاخان مکری (حالا مظفر الدوله است) سرتیپ افواج سمنان
و دامغان شد سلیمانخان دنبلی حکومت تربت یافت یوسفخان افشار را منصب سرهنگی فوج جدید افشار ارومی دادند
رضا قلیخان ولد سلیمانخان افشار صاین قلعه بنیابت حکومت صاین قلعه برقرار آمد همه در اینسال مقرر شد که
ماهی دو مرتبه یکی روز غره و مرتبه دیگر روز پانزدهم ماه چاپار باذربایجان و فارس و گیلان و مازندران و کرمان و
خراسان و استراباد و کرمانشاهان رفته مراجعت کند محمد تقیخان جوانشیر حاکم شاهرود و بسطام گردید شفیع
خان نایب اول اجودانباشی مامور مصلحت گذاری و اقامت لندن شد میرزا حسینخان (مشیر الدوله سپهسالار
اعظم مرحوم) ولد میرزا نبیخان امیر تومان مامور بکارپردازی بمبئی شد بنای کارخانه چینی سازی در دار الخلافه
طهران و کارخانه بلورسازی در قم شد مفتول دوزی در لباس اهل نظام که تا آن وقت در ایران معمول نبود زنی
طهرانیه مسماة بجوهر شبل خانم نمونه از آن دوخته بنظر اولیای دولت رسانید و حکم شد سردست و یقه صاحب
منصبان را مفتول دوزی کنند شال چوخای مازندران طوری تکمیل شد که برای لباس سرباز دستها بکار میخورد
حکومت اردبیل بمحمد رضاخان قاجار تفویض آمد محمد حسنخان نوری بحکومت مشکین و ایلات آنجا رفت قاسمخان
قاجار جارچی باشی حکومت قراجه داغ یافت میرزا زین العابدین تبریزی مامور تعدیل مالیات گیلان و فومن
من اعمال گیلان شد میرزا هدایت الله مستوفی (جناب وزیر دفتر) بتعدیل مالیات صاین قلعه و درسیک بمواجب سوار
آنجا رفت میرزا حسنخان وزیر نظام برادر جناب میرزا تقیخان اتابک اعظم حکمرانی عراق یافت محمد علیخان ماکوئی
را منصب میرپنجگی دادند و حسنخان یوزباشی ولد مشارالیه سرهنگ و مامور شد که از اردبیل و مشکین یکفوج سرباز
جدید بگیرد حسنعلیخان سرهنگ (جناب سالار لشکر) از گروس یکفوج سرباز گرفت و از فراهان و کزاز دو فوج
جدید و از مراغه نیز یکفوج بسرتیپی جعفر قلیخان قاجار و از خلخال یکفوج بسرهنگی محمد علیخان و از کرمان یکفوج
بسرکردگی امامعلیخان گرفتند اصلان سلطان از طایفه افشار حرفان منصب یاوری یافت مصطفی قلی میرزا بحکومت
ارومی رفت نواب شاهزاده مؤید الدوله حکمران کرمان و بلوچستان شد حکومت یزد بمحمد حسنخان سردار
بنیابت حکومت معزی الیه شیخعلیخان ایروانی مقرر شد کلب حسینخان اجودانباشی مامور سرپرستی قشون آذربایجان
گردید علیقلیخان شقاقی سرهنگ فوج دامغان شد و نیز مقرر شد چهار دسته فوج از عساکر منصوره همیشه متوقف
دار الخلافه باشند سیورسات کردن مامور دیوان از رعیت چنانکه رسم سابق بود متروک شد آبله کوبیدن اطفال معمول
گردید در بعضی از منازل راه خراسان مثل الهاک و زیدر بنای قلعه گذاشته تفنگچی و مستحفظ قرار دادند ایجاد
تذکرهٔ عبور و مرور در جمیع بلاد ایران گردید کاروانسرای معروف بکاروانسرای امیر در دار الخلافه بنا شد محمد
رحیمخان نسقچی باشی (علاء الدوله امیر نظام مرحوم) بحکومت خوی مامور شد امر معدن مس قراجه داغ نظم گرفت

محمدباقر

محمدخان نوری را که از خوانین معتبر پشتکوه فارس بود و در قلعه صعبه متحصن عباسقلیخان سردار لاریجانی حاکم
اصفهان او را بحیله آورده نیز برای خود دستار بند شال کرمانی بطوری ترقی کرده و خوب شده که مشتبه بشال کشمیر
گردید شکرهای قندان را بطوری تصفیه نمودند که مثل شکر هندوستان شد نواب ایلدرم میرزا برادر کوچک
نواب خانلر میرزا از جانب ایشان نایب الحکومه لرستان شد عبدالله خان صارم الدوله مامور بمپور و آنحدود را
نظم کلی داد طایفه بلوچ سیستان که شرارت مینمودند با محمدخان ظهیرالدوله بامر اولیای دولت علیه جمعیتی از
هرات بسر آنها فرستاده آنها را تنبیه کرد آقا اسمعیل سرهنگ تحویلدار جبه و ملبوس و غیره نظام شد مطلب بیک
تفنگدار سرکرده صد نفر سوار و صد نفر پیاده شده بحراست راه خراسان مامور شد هفتاد باب دکان در لنگرود
آتش گرفته بسوخت قطران که بجهة مصارف توپخانه از روسیه آورده بودند در رحمت آباد گیلان بقدر کفایت بخوبی
ساختند یکفوج سرباز جدید از نیشابور بسرهنگی محمودخان کرکری گرفته شد دهم جمادی الاولی در تبریز زلزله
سخت شد جوادخان بادکوبه سرهنگ فوج جدید بروجرد شد نصرالله خان (نصر الملک سرتیپ اول) سرهنگ فوج
گلپایگان گردید هاشمخان قراباغی سرهنگ فوج کره شد حیدرعلیخان پسر صمصام خان سرهنگی فوج جدید نصاری را
ارومی و سلماس یافت حسینعلیخان سرهنگ کروس را بدار الخلافه احضار فرموده منصب سرتیپی دادند محمد تقیخان
جوانشیر حاکم شاهرود و بسطام مرحوم و حسینعلیخان منسوب او بجای او حکومت یافت کوچه‌های شهر تبریز را بحکم
نواب حشمة الدوله سنگ فرش و تنظیف کردند حکومت گلپایگان و خوانسار از عربستان و لرستان مجزی و محول بنواب
احمد میرزا شد مهرعلیخان برادر کهتر حسینعلیخان سرتیپ فوج کروسی شد سیصد چهارصد خانوار مشهدی و هراتی که
که در ایام انقلاب از شهر هرات رفته بواسطه امنیت این بلد عود نمودند و کار زراعت خراسان نیز منتظم شد پسران
امامویردیخان نیشابوری که دم از خود سری میزدند بدست الهقلیخان دستگیر و قلاع آنها کوبیده شد صد نفر ریش حاکم نیشابور
سفیدان و کدخدایان معتبر سرخس بخراسان آمده متعهد اطاعت شدند ظهیرالدوله میرزا محمدعلی برادر میرزا نجفخان را
از هرات با عریضه بدربار همایون فرستاد اهالی لارستان فارس که بواسطه قلاع مستحکمه و جبال شامخه راه طغیان
میسپردند بدست نواب والا نصرة الدوله حکمران فارس مقهور و مطیع و قلاع آنها کوبیده شد
هم در این سال موکب همایون اعلی روز سه شنبه نوزدهم جمادی الثانیه بقصر قاجار نقل مکان کردند که در ماه رجب
تشریف فرمای صفحات اصفهان شوند میرزا حسنخان وزیر نظام که حاکم عراق بود باستنظام امور قشون آذربایجان
رفته و بعد از انجام این خدمت مقرر شد که در اصفهان برکاب اعلی بپیوندد قلعه ارک تازه بمعماری عبدالله خان معمار
باشی بنا کردند عمارات دیوانی اصفهان را برای ورود موکب همایون تعمیر نمودند محمد تقیخان برادر محمد حسنخان
سرتیپ فراهانی سرهنگ فوج جدید فراهان شد محمد ولیخان حاکم نهاوند معزول و مهدیقلیخان نایب اجودانباشی
بجای او حکومت یافت قلعه ابرندکان را عبدالله خان صارم الدوله از تصرف محمدعلیخان بلوچ خارج کرده بمعتمد خان
سپرد قلعه نه گنبد و حسین آباد در راه یزد چون دزدگاه و خراب بود شیخعلیخان نایب الحکومه آب انبار ابرقو
آورده بیست خانوار در آنجا سکنی داد که عابرین از آنجا بسلامت بگذرند
روز شنبه غره شهر رجب موکب همایون با شوکت و شکوه تمام از مقر خلافت عظمی روانه یافت آباد شده که
تشریف فرمای قزوین و از آنجا از راه سلطان آباد و بروجرد بسمت اصفهان نهضت فرمایند جمعی از شاهزادگان
عظام و وزرای کرام و امرا و ارباب مناصب قدر معتدبهی از سواره و پیاده ملتزم رکاب اعلی بودند

عزیزخان اجودانباشی مأمور توقف دار الخلافه و ارک و نظم قشون شد سیم رجب در منزل سلیمانیه کرج اطراق موکب
نمود و روز چهاردهم بمنزل قاسم آباد نزول اجلال فرموده و از اینجا منزل بمنزل عازم قزوین شدند میرعلینقی خان دیه
میر سعد الله خان فندرسکی را منصب سرهنگی دادند هادیخان حاکم ساوجبلاغ و مکری معزول و عبدالله خان کروسی
بجای او حکومت یافت عبدالقلیخان بادکوبه سرتیپ فوج دهم خوی بمیرپنجه که فوج مزبور و چهار فوج کرمانشاهان
نایل گردید سواره یا پرونده مأمور خراسان شدند قشون معتد با جعفر قلیخان میرپنجه مأمور گرگان گردید روز نهم
رجب وزیر مختار انگلیس و سفیر روم از دار الخلافه روانه اصفهان گردیدند و روز یازدهم وزیر مختار روس نیز بهمان
صوب عزم کرد فرج الله خان سرهنگ یکفوج سربازان ترشیز گرفت روز هشتم رجب موکب همایون وارد قزوین شد
کتاب نظام ناصری از مؤلفات نواب بهرام میرزا (معز الدوله) در دار الخلافه طبع و منتشر شد برج و باره دار الخلافه
تعمیر شد موکب همایون هیجدهم رجب از قزوین تشریف فرمای صفحات عراق شد حاجی علیخان فراشباشی والد مؤلف
اداره و اختیار عمارات دیوانی کل ممالک محروسه دادند سبک عراقی صغیر از آهن ساخته کلوله برآن کار میکرد و مدتی در مراغه هم
بود که با همین آهن زره میسازد که کلوله را در آن اثری نیست بسبب صنایع غریبه نیز باو میدادند در قزوین بجهة منع
سیل سنگ سدی با مرد و لت بستند سربازان فوج سوادکوهی راکه نواب مهدیقلی میرزا فرستاده بود در دار الخلافه
سان دادند محمد ولیخان بیگلربیگی استراباد بقصد ترکمان یموت با سه هزار نفر از سواره و پیاده از شهر حرکت کرد
موکب همایون دوازدهم شعبان تشریف فرمای سلطان آباد شد و در اینسفر در منزل آشتیان مولودی ذکور
از صلب مبارک شاهنشاهی روشنی بخش ایضا گردید جبا خانه در همه بلاد ایران خاصه در دار الخلافه طهران
دایر و انواع اسلحه ممتاز ساخته شد و همچنین مهتاب بجهة آتش دادن توپ موکب همایون روز نهم شعبان وارد
بروجرد شده باغ شاه بود و مشعوف تر تیب گردید حاجی محمد حسین کاشانی پارچه از پنبه و کج در کاشان
ترتیب داده و بافته بضخامت ماهوت لی لطیفه و با دوام تر و دو هزار توپ بکلیه از آن برای اهل نظام برسم علی الحساب
مشتولی چهار هزار و پانصد دینار ابتیاع شد افواج و سواره زیاد در این سال از غالب بلاد و ایلات گرفته
و در غالب ولایات قرار ساخلو و مشق افواج شد و امر قشون ایران خیلی ترقی کرده و منظم شد
و قشونی کافی بجهة نظم حدود گرگان و استراباد و خراسان و دفع ترکمه بهمه آنحدود فرستاده شد و تمام حدود
شرقی و غیره ایران منظم و امن و مصفا گردید از اتفاقات غریبه اینسال انکه گاوی در رشت حامله بوده و
وضع حملش نشده صاحب گاو بتوهم اینکه مبادا بمیرد آنرا ذبح نموده شکمش را شکافته گوساله بیرون آمده که دو
سر داشته یکی بزرگتر و دیگری فی الجمله کوچکتر تا گردن که چسبیده بشانه است دو تا بوده و دستها و پا و سینه و
شکم موافق قاعده یکی و دم آن باز دو تا بود دکتر شلیمر آن گوساله را گرفته که تشریح نماید
موکب همایون روز شنبه بیست و یکم شعبان از بروجرد بعزم اصفهان انتهاض فرمود در مشهد مقدس و قوچان
و ترشیز زلزله شدید شد آقا بابا خان یوزباشی حکومت صاینقلعه یافت موکب همایون اوایل رمضان را تشریف فرمای
چمن قهیز بود دوازده هزار تومان بکرمانشاه و چهار هزار تومان بملایر تخفیف مرحمت شد اشرار فوج تهرانی
که چندی قبل همراهی فوج دیگر طغیانی نموده بودند در تبریز هر یک باندازه تقصیر خود تنبیه شدند سرهنگی فوج
جدید کردستان را بامان الله خان والی کردستان مرحمت فرمودند سرکردگی سواره سنجابی و حکومت طایفه
مزبوره را علاوه منصب سرهنگی باسد الله خان گوران دادند

موکب همایون اعلیحضرت شاهنشاهی روز پانزدهم ماه رمضان شهر اصفهان را بقدوم مبارک مزین فرمود این
سفر خیر بشارت زاید الوصف متضمن صلاح حال رعیت بود زیرا که بر نظم بلاد افزود و در هر جا حسب الاستحقاق بقدر
لزوم تخفیف مرحمت فرمودند و منزل ذات همایون در عمارت سلطنتی شهر اصفهان و ارکان و اعیان حضرت در
ابنیه نزدیک دربار همایون و سایر اهل اردو از نظام و غیره در عمارت هشت بهشت و در کنار زاینده رود
چادر زده بودند میرزا محمد علیخان بمنصب وزارت دول خارجه نایل گردید سلام عام روز عید صیام در اصفهان
باشکوهی تمام انعقاد یافت عمارات سلطنتی دار الخلافه را برای معاودت موکب اعلی تعمیر و بعضی ابنیه تازه بنا کردند
محمد ولیخان بیگلربیگی استراباد قلعه خواجه نفس را تمام و حمزه خان انزانی را بمستحفظی آنجا گذاشت و بند
گرگان را نیز ساخته و بانجام آورد و نواحی گرگان و استراباد نظمی کامل یافت میرزا احمد کارپرداز ارزنة الروم
برکاب اعلی آمده بنیابت وزارت دول خارجه یافت مقرر شد سه فوج سرباز از توابع اصفهان بگیرند و جبه
خانه در اصفهان بنا نمودند که در هر ماهی سیصد قبضه تفنگ و هزار دست قالسقه و اسباب سربازی در آن تمام شود
و نظر برعایت حال صنف نساج اصفهان امر شد سالی پنجاه هزار دست ملبوس نظامی در اصفهان دوخته شود میرزا احمد
وکیل دیوانخانه مبارکه را بمنصب ناظم دیوانی و لقب خانی سرافراز فرمودند محمد خان قاجار بجای نواب مهدی
قلی میرزا حاکم مازندران شد بنای برنج کاری در حدود دار الخلافه شد یار محمد خان ظهیر الدوله والی هرات
درگذشت و پسرش سعید محمد خان بجای او متمکن شد سیف الدین خان بلوچ از رؤسا و حکام طایفه بلوچ با
طایفه خود خدمت نواب مؤید الدوله حکمران کرمان و بلوچستان متعهد خدمتگذاری گردید موکب همایون از
اصفهان بمقر خلافت عظمی معاودت فرموده روز هشتم ماه ذی حجه بدار الخلافه باهره نزول اجلال فرمودند
و در همین روز در تالار تخت مرمر سلام عام منعقد گردید اهل دار الخلافه بزیارت جمال مهر مثال مقدس شادیها
نمودند باذن بندگان همایون مردم رخصت سواری کالسکه یافته و در دار الخلافه و دار السلطنه اصفهان
کالسکه‌ها ساختند که بخوبی کالسکه‌های ممتاز فرنگ بود مصطفی قلی میرزا که سابق حاکم اردومی بود بحکومت مازندران
مأمور شد میرزا محمد حسین صدر دیوانخانه بایلچی گری بروس رفت حاجی میرزا علیخان خوئی بمنصب سرهنگی نایل شد
در انزلی خانه میرزا غفار خان اجودان توپخانه که در پشت توپخانه بوده آتش گرفته و باشش خانه دیگر در جنب و تمام
سوخت اتفاقا بلیه برای قورخانه موهم خطر بود ولی توپچیان و قورخانه‌چیان آتش را خاموش کرده بقورخانه
آسیبی نرسید کوچه‌های ارک پادشاهی دار الخلافه را شروع بهموار کردن و سنگ فرش نمودن نمودند که تا
کالسکه رو و صاف باشد میرزا تقی وزیر سابق عراق بمنصب استیفا و مباشری کل وظایف ممالک محروسه سرفراز
گردید ابراهیم آقا سرهنگ فوج نهم خوئی بمنصب سرتیپی فوج مزبور و فوج جدید افشار بکشلوی قزوین نایل
گشت محمود خان کلانتر تهران از مرتبه اول سرهنگی و خلعت مرحمتی شد در اواخر ذی قعده طوایف ترکمانان دشت
گرگان متفق شده با قشون دولتی بنای مجادله گذارده جعفر قلیخان میرپنجه آنها را شکستی فاحش داده متفرق نمود
بمحض اشاعه خیر و نفع اهل مملکت امر همایون شرف نفاذ یافته که بند کنار پل شوشتر را ببندند و سدی هم در نهر
مشهور بهاشم بسته شود آن بند و سد در این اوان باتمام رسید و عربستان باهتمام نواب خانلر میرزا خیلی
منظم شد در این سال در ارک همایون مدرسه مبارکه دار الفنون ساخته شد اگرچه شروع بساختن و اقدام به
بنای این محل منیع و مکان رفیع فی الحقیقه در سال قبل شد ولی در این سال بحسن تمام ساخته آمد طرح این بنا را

میرزا

میرزا رضای مهندس باشی کرد و بمعماری محمد تقیخان معمار باشی بنا نمودند و بسمت شرقی آنرا باتمام رسانیدند و معلمین
از برای تعلیم علوم جدیده و انکشافات تازه و السنه مختلفه دول اروپا از فرنگستان طلبیدند لنزی صاحب که خدمات
جلیله بدولت علیه کرده بود و در دولت شهریار مبرور محمد شاه طاب الله ثراه منصب امیر تومانی یافته در گذشته
او را عزت و احترام تمام برداشتند ۷ اسپانیا (اسپانیول) مراوده و دوستی این دولت با دولت انگلیس بعد از آنکه چندی
بود مقطوع شده مجدداً برقرار شد ژنرال لوپز نام جمعی رجال را و باشرکای ینگی دنیا را با خود متفق نموده که جزیره
کوبای ینگی دنیا را که در تصرف اسپانیول است تصرف نمایند ولی کوشش او بیفایده شده و مقتول گشت (المان)
در مملکت اطریش ایجاد قانون جدید شد پادشاه پروس مخالفت امپراطور اطریش را در بعضی مسائل راجعه بالمان
آشکارا جرات اظهار نمینمود و از آنطرف دولت اطریش از عظمت دولت پروس وحشت داشت بسبب آن از ایالات
نمرهٔ دویم المان با پروس متحد شدند در شهر فرانکفورد در مجلس پارلمنت تمام ممالک المان بواسطه کونت دنون مامور
اطریش مفتوح شد در شهر ورشو لهستان مجلس گفتگوئی منعقد شد که امپراطور نیکلای مرحوم پادشاه ممالک روس
و پرنس شواسنبرک وزیر اعظم اطریش و چند نفر از شاهزادگان پروس قرار دادی در اتحاد المان و دوستی بین الدول
این مملکت بدهند دولت پروس خیال فرستادن وکیل در مجلس پارلمنت که در شهر فرانکفورد منعقد است ندارد نزاع
مابین دولتین پروس و اطریش نزدیک شد که دیگربار مسیو رادوویز بوزارت خارجه پروس برقرار شد ملاقات
امپراطور اطریش و پرنس شال پروس و کونت برانلونبورک وزیر اول پروس و مرحوم امپراطور نیکلای در پایتخت ابیسان بود
استعفای مسیو رادوویز پولیتیک پروس را تغییر داده از صرافت مخاصمه با اطریش افتاد وزرای اعظم پروس و اطریش
بجهة انعقاد مصالحه در اولموتز ملاقات کردند بواسطه نزاع مابین دانمارک و ایالت هولستین در برلن مجلس کنفرانسی
بخواهش دولت انگلیس منعقد شد یاغیان هولستین از عساکر دانمارک شکست خوردند دولت انگلیس و فرانسه و اطریش
واسطه اصلاح مابین دولت دانمارک و یاغیان هولستین شدند دولت پروس قبول میانجیگری و اصلاح نمیکند جمعیت
مملکت پروس در اینسال بیست و دو کرور و سیصد هزار و یکصد و هشتاد و شش نفر رسید محض قناعت در مخارج
دولت در اطریش هشتاد هزار نفر از قشون خود کسر نمودند (انگلیس) لورد پالمرستون که در این سال وزارت خارجه
این دولت را داشت در بعضی مسائل جزئیه بدولت یونان ایراد وارد آورد و یک سیم کشتی جنگی انگلیس تا پیره بندر
یونان رفته و آنجا لنگر انداختند دولت یونان را تهدید بجنگ نمود دولت فرانسه میانجی شده انگلیس قبول وساطت
او نمود دولت فرانسه سفیر خود را از لندن احضار کرد ولی زیاده از یکماه نشد که میان فرانسه و انگلیس اصلاح شد
سیر دو پرنیل که از معارف انگلیس بود از اسب بزمین خورده هلاک شد سیم تلگراف بحری که فرانسه و انگلیس را
از کالی و دوور بهم اتصال میدهد ایجاد شد بنای عمارت بلور بجهة اکسپوزیسیون آینده در انگلیس نیز در اینسال شد
(ایطالیا) در مجلس شورای ملتی تورن قرار گذاردند که در ممالک ایطالیا که متعلق بویکتور امانول است علمای دین
بهیچوجه نباید مداخله باجرای قانون و صدور احکام نمایند قانون همان قانون دولتی است و هم مطیع آن هستند
نیز نسبت بمعابد و کلیساها موقوف باشد کاردینال آنتونی صدراعظم برضد این قرار داد احکام از طرف پاپ
بکشیشان صادر نمود کشیش اعظم چون اطاعت این احکام نکرد مغلولا در قلعه اینشهر حبس شد کونت کاوور که از
روزنامه نویسها بود جزو وزرا شد ششهزار نفر از عساکر اطریش در ایالت تسکان بجهة حفظ خانواده والی
متوقف هستند پاپ که قبلاً از رم مهاجرت کرده بود در اوایل بهار وارد رم شد (پرتوغال) دو کشتی جنگی

۷ (چین) امپراطور چین طااوکوانک در حیات پدر گذشته و پسر چهارم او ایشنک که نوزده ساله بود بجای پدر بر سریر سلطنت چین جلوس نمود

وارد هندوستان و خاک تاجگیر از وسط لهر بن پای تخت مملکت رد شده دولت را منهدم کرد که قراری بر چند مسئله
که از قدیم در میان آلمان و بین نوغال مابه النزاع بود بگذارد پادشاه سوئد و نروژ بین دولتین حکم شد دانمارک
باوجود و سالمت فرانسه و انگلیس و اطریش و سوئد و نروژ و حضور سفاین جنگی روس در سواحل دانمارک بجهت کمک
این دولت در اثبات حقوق او در دو ایالت اسلسویک و هولستین که با او یاغی هستند باز یاغی گری برجا و اهالی آلمان
علی الخصوص پروس محرک یاغیان است از فرستادن قشون و آنچه لازمه تقویت است برای یاغیان کوتاهی ندارند (روس)
دولت روس با طایفه چرکس و لکزی که رئیس ایشان شامیل است منازعه سختی بود و اول وهله شامیل بر عساکر
روس غلبه کرد اما بعد مغلوب بکوهستان داغستان فراری شد شورش رعایا با ارباب خود در بعضی ایالات (سویس)
بعضی آزادی طلبان آلمان و فرانسه در این مملکت پناه با قشون اول صعود بکوه بزرگی که چهار هزار و پنجاه و دو ذرع از
سطح دریا ارتفاع دارد در این سال بود تمام جمعیت سوئد در اینسال چهار کرور و سیصد و نود و سه هزار و هفتصد
و سی و یک نفر است (عثمانی) و بای شدید در قشون و طرابلس بروز کرد (فرانسه) ایجاد قانون در تعلیم و تعلم کردند
در ایالات بایدیک مجمع العلوم باشد پرنس لوئی ناپلیون رئیس جمهوری فرانسه با ایالات شرقی و لورماندی مسافرت کرد
لوئی فلیپ پادشاه سابق فرانسه در سن هفتاد و هفت سالگی در قصر کلارمونت در انگلیس در گذشت بالزاک که از
نویسندگان معروف بود وفات نمود ژرژدم بناپارت که عموی پرنس لوئی ناپلیون بود بمنصب مارشالی فرانسه مامور
آمد مواجب رئیس جمهوری در سال بمبلغ دویست و شانزده هزار تومان معین کردند و در اول کشتی بخار مستقیما
از نیویرک ینگی دنیا به بندر هاور فرانسه دریا پیمود در اینسال بود افریقا (مصر) بروز وبای شدید در این مملکت
(سونر) اول بروز وبا در این مملکت در این سال بود امریکا (مکزیک) ژنرال اریستا بریاست جمهوری تعیین و منتخب
شد وبای شدید در مکزیک بروز کرد (اتازونی) این دولت با دولت انگلیس بجهت ساختن نهر بحری در پاناما نقطه
مرکزی ینگی دنیا کرد و محیط را بهم وصل نماید معاهده نمود مسیو تیلور رئیس جمهوری در اواسط تابستان در گذشت
و مسیو فیلمور بجای او بریاست یافت کلدی نام که یکی از وکلای ملت بود بمجلس اظهار داشت که نگاهداشتن سیاهان بطور
بنده و خرید و فروش آنها که در بعضی ایالات اتازونی رسم و معمول است در همان ایالات محدود باشد و این ظلم بسایر ایالات
سرایت نکند و دولت مانع باشد مجلس وکلای دولت قبول این تکلیف نمودند و لهذا پرورش نگاهداری غلام و برده با
در اتازونی رواج گرفت و شیوع این عمل در ایالات جنوبی اتازونی مثل ایالت ویرجینیا و کارولین بدرجه رسید که
تجارت بزرگ از خرید و فروش سیاهان دایر کردند بتقویت دولت و رواج و انتشار این عمل منتج بحدی بود که احکام
اکیده صادر نمودند که اگر از بردگان و سیاهان که بنده بودند از سوء سلوک و ظلم مالکین خود فرار کرده بایالتی
که این رسم شنیع در آن مرسوم نیست رفته پناه بجویند حتما باید آن ایالت آنها را بصاحبان خود شان مسترد نمایند
در ایالات شمالی اشخاصیکه بر ضد این رسم و منکر خرید و فروش برده بودند بنای شورش گذاردند جمعیت اتازونی
در اینسال بچهل و شش کرور و دویست و چهل و شش هزار و سی و یکنفر رسیده که در ظرف ده سال دوازده کرور
بواسطه مهاجرین فرنگ بر جمعیت آن مملکت افزوده و علاوه شده بود ژنرال اریستا در مکزیک بریاست منتخب شد
بعضی از مطالعه کنندگان نسخه چند از خبر و بصیرت در وقایع و حوادث عالم نیستند و تفصیلی را که ما در باب سیاهان که
در ینگی دنیا برده بودند نوشته ایم درست ملتفت نشده شاید از روی عدم بصیرت و اطلاع بما ایراد کنند که مقصود
چه بود با اینکه طالبان عموم را اطلاع از تواریخ و اتفاقات بخواهند بصیرتی حاصل نمایند لهذا لازم بود که قدری انجاده

وقایع نگاری تمام عالم در ضمن این سال که هزار و دویست و شصت و هفت هجری است قدم بیرون گذاشت تاریخ بنده کرمانی وخرید و فروش آنرا که در تمام عالم جیرت در رسم شده و چه شد که در آناتولی ینگی دنیا در سنه هزار و هشتصد و شصت و پنج مسیحی مطابق هزار و دویست و هشتاد و دو هجری بعد از خونریزی بسیار این عمل شنیع را موقوف نمودند بنکار هم اما چون این تفصیل را موقعی بهتر از این هست در آن موقع ذکر خواهد شد

سنه ۱۲۶۸ هجری — سنه ۱۸۵۱ مسیحی

آسیا (ایران) ذات ملکوتی صفات مقدس دام ملکه از بدو این سال خیر مآل مزید آسایش رعیت ممالک محروسه ونظم بلاد و ترتیب و ترقی عموم را وجهه همت ملوکانه فرموده بعدل و نصفت متمسک و متقلد اعمال سلطنتی بودند شفیع خان چاپارچیباشی التزام داد که مکتوبات بلاد بنظم بصاحبانها برسد و چاپاران زیاده از حق خود مطالبه نکنند میرزا مصطفی مستوفی ملقب بامین الملک شد خبر تنبیه و مخذول کردن سپاه منصوره طوایف ترکمن که یاغی را در صحرای گرگان واستراباد بدار الخلافه رسید در سمنان زنی مولود ذکوری آورد که دو دهان و دو دماغ و دو گوش و سه چشم داشت لکن آن مولود نماند در کرمانشاه ناخوشی وبا بروز کرد و بعد از چندی باران آمده نزول رحمت رفع ناخوشی را بکلی نمود میرزا غفار خان بنیابت دویم وزارت جلیله خارجه برقرار شد میرزا سعید خان بلقب مؤتمن الملک نایل و بمراحم مخصوصه سربلند شد فوج زنگنه کرمانشاه که تازه گرفته شده وارد دار الخلافه شد نور الله خان شاطر انلو نایب جودباشی را سرهنگ فوج خواجه وند عبد الملکی فرمودند سید محمد خان حاکم هرات پسر ظهیر الدوله که میرزا بزرگ را با پیشکش بدربار معدلت مدار فرستاده بود محض بذل عاطفت و تسلیت و در فوت ظهیر الدوله میرزا احمد ناظم دیوان را روانه هرات و اسبی با قطاس طلا و کاردی که مکلل بالماس و خلعتی فاخر برای سید محمد خان عنایت و ارسال فرمودند از خراسان خبر رسید که پنج شش هزار سوار ترکمان سرخسی بجهت شبیخون آمده نواب حسام السلطنه جمعی را بر سر آنها فرستاده جنگ عظیم در گرفته ترکمه را مغلوب و بسیاری از ایشانرا مقتول و زیاده از دویست و پنجاه نفر اسیر و سر بریده شد قشون ظفر نمون افتاده باقی فرار کردند نواب نصرة الدوله حکمران فارس با محمد قلیخان ایلبیگی برای نظم و سرکشی بطرف کوه کیلویه و بهبهان رفته میرزا باقرخان امیر ملتسن بیزد آمد یکی از کشیشهای ینگی دنیائی ساکن ارومی تخم پنبه ینگی دنیائی در ارومی کاشته حاصل آن بسیار خوب شد لهذا قرار دادند که از این تخم بسیار بکارند و این زراعت را رواج دهند برای اینکه مردم بیرون شهر خود را طبیب قلمداد نکنند و بطبابت فوج داخل نشوند مقرر شد اطبای فوج در اداره دکتر کازولانی حکیمباشی نظام باشند و بتصدیق مشار الیه طبیب هر فوج مشخص شود محمد خان نایب الحکومه مازندران بحکومت ارومی برقرار کردید رئیس سفید ترکمه سرخس در خدمت نواب حسام السلطنه متقبل اطاعت و خدمتگذاری شده با عباسقلیخان تکلو که مأمور حکومت سرخس کردیده بود روانه آنجا کردیدند شب چهارشنبه چهارم محرم دو ساعت از شب گذشته در تبریز زلزله شدیدی شد نزدیک صبح نیز مجدد زلزله میشود قبل از زلزله سه چهار روز برف آمده و بعد باران بسیار بارید روز بیست و پنجم ماه محرم بر اقتضای صواب رای همایون و نظر بصالح ملکی میرزا تقیخان اتابک اعظم از منصب امارت نظام و وزارت عظمی و لقب اتابیکی و سایر مشاغل و مناصب بکلی خلع و معزول شد و میرزا آقاخان اعتماد الدوله بجای او بتفویض منصب صدارت عظمی انتخاب و مفتخر کردید مساعی جمیله برای نظم راه خراسان و آسایش زوار نمودند این اوقات یکشب سیلی عظیم در تبریز آمد ولی خرابی بشهر وارد ننمود و چون اکثر اوقات فیما بین جدید الاسلام

ارامنه

ارامنه و یهود و گبرها در باب اموال متوفی گفتگو بود حکم شد رسید که با نیر اعظم مخصوص بدار الخلافه و دیوانخانه
بزرگ پادشاهی باشد واحدی از حکام شرع و عرف و ولایات مداخله در اینکار ننمایند سیصد نفر ملازم از اهل اشرف و
توابع مامور مستحفظی دروازه های شهر دار الخلافه شدند اعتماد الدوله صدر اعظم بعضا مکلل بالماس و
یکثوب جبه ترمه شمسه مرصع و بند کاغذ شرابه مروارید نشان صدارت عظمی نایل گردید محمد حسنخان سردار با عطای
یکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز گشت حاجی نجفخان را بمنصب شیخ خدمت باشیکری و ریش سفیدی عمله خلوت و
تفنگدار باشیکری مفتخر فرمودند نواب خانلر میرزا ملقب باحتشام الدوله شد عزیزخان آجودانباشی در خدمات
مرجوعه مستقل و یکقبضه شمشیر باو عطا فرمودند خانه نزول که در لرستان رسم بود حسب الامر منسوخ و حکم
شد برای حاکم و نوکر عمارت دیوانی بسازند و نهر آبی از سمت بالای شهر بشهر بیاورند و بجهة آسایش قوافل از
دزفول تا خاک بروجرد در هر منزل قلعه بسازند برای تنظیف شهر دار الخلافه قرار جدید گذاردند ساختن تفنگ
و چخماق در اصفهان ترتیب کردند نارین قلعه را حسب الامر در شیراز بنا نمودند اسد الله خان امیر آخور بیکقبضه شمشیر نایل
شد میرزا فتح الله برادرزاده جناب صدر اعظم را لشکر نویس باشی فرمودند و حاجی علیخان والد مؤلف که از اول
دولت بمنصب فراشباشیگری برقرار و بعلاوه مهام ضرابخانه و تعمیر و تبنائی باغات و عمارات دیوانی دار الخلافه و سایر
ممالک محروسه و عزل و نصب فراشباشیان عموم ولایات و انتظام امر مهمانخانه دولتی بعهده مشار الیه محول شده
بود ملقب بحاجب الدوله شد و بیکقبضه قمه مرصع باو مرحمت فرمودند بسیاری از افواج و سواره مامور خراسان
احضار بدار الخلافه شده بهمه مواجب داده و بذل مراحم نموده مرخص شدند که چندی آسوده باشند رودخانه کرخه که
قدیما بولایت حویزه میرفت و چند سال شده بود که بمرور بکرا افتاده مقرر فرمودند آنرا بواسطه سدی در مجرای اول
جاری کنند عمارت ملکی محمد خان مصلحتگذار اسلامبول واقع در شهر مزبور را مشار الیه بدولت به هزار تومان فروخته
و قرار دادند سفارتخانه برای سفرای ایران که مامور آن پایتخت میشوند باشد سرتیپی فوج جدید اصفهان را به
مصطفی قلیخان قاجار تفویض فرمودند بعضی قلاع صعبه لرستان و کوهستان افارمر که مسکن طاغیان بود باهتمام
نواب نصرة الدوله مفتوح و خراب شد شیخ حسن عرب که با میرزا حسنعلیخان حاکم بندر بوشهر از در تمرد برآمده
بجزیره خارک رفته بود میرزا حسنعلیخان جزیره را متصرف و شیخ حسن فرار بکشتیا کرد جزو محمره است استاد
حسن نام تبریزی دو صندوق خزینه داری بسیار خوب ساخت که مثل صندوقهای بسیار خوب فرنگی بود و یکی بخزانه دادند
داشت بعد از آنکه معلمین فرنگی که از دولت اتریش خواسته بودند بدار الخلافه رسیدند و طرف شرقی مدرسه مبارکه
دار الفنون نیز تمام شد روز یکشنبه پنجم ماه ربیع الاول این سال یکصد نفر از اولاد شاهزادگان عظام و امرا
و اعیان و رجال دولت که برای تحصیل در این مدرسه منتخب شده بودند بتوسط میرزا محمد علیخان وزیر دول خارجه شرف
اندوز خاکپای مبارک شده بعد از آن بمدرسه آمده بهمت شروع بتحصیل کردند و در این روز دار الفنون افتتاح یافت
و حسب الرسم تشریفات معموله بعمل آمد و ابتدا علمی که شروع شد مشق پیاده نظام و مشق توپخانه و مشق سواره نظام
و هندسه و طب و جراحی و علم دواسازی و علم معدن بود و مقرر شد هر دسته لباسی علیحده بپوشند که فقط از
وضع لباس شغل هر یک معلوم شود و قرار دادند مترجمین از برای مدرسه تعیین کنند و از آن روز علوم جدیده
و انکشافات نافعه ملل فرنگ که در چند ماه بزحمت بسیار و مشقت بیشمار معلوم شده بود در این مملکت شروع
بانتشار نمود و شرح احوال و اسامی رؤسا و معلمین و متعلمین این مدرسه مبارکه و شرح ترقیات و مراتب و

شئونات

شئونات و امتیازات و تحصیلات و ماموریتهای هر یک از شاگردان از ابتدای افتتاح مدرسه تا سنهٔ هزار و دویست
و نود و پنج مفصلا و مشروحا در جلد دویم مرآة البلدان ناصری موسوم بمآثر السلطان نگارش یافته است و در
اینجا حاجت بتکرار نیست همدر اینسال میرزا احمدخان نایب دویم وزارت خارجه بلقب خانی و نشان شیر و خورشید از
مرتبهٔ اول سرهنگی با حمایل سفید نایل گردید میرزا فضل الله برادر جناب صدر اعظم بمنصب جلیل وزارت کل نظام
سرافراز و روانهٔ آذربایجان شد دو دستهٔ غلام چلیپا تلو ابوالجمعی جوادخان و محمودخان ماموریت نظم طرق شاهرود
و بسطام شدند عباسقلیخان سرتیپ افواج قزوین و سایر سرکردگان که در خراسان خدمت کرده بودند هر یک بانعام
و خلعت همایون مفتخر گردیدند اسکندرخان قراپاپاق ینباشی اول اجودانباشی برقرار آمد عبدالحسینخان و میرزا
محمدخان و آقا رضاخان و نریمانخان و لطفعلیخان که مدتی مشغول مشق نظام بودند هر یک بمنصب نایب اجودان
باشیگری نایل شدند کاظمخان قراپاپاق بسرتیپی سواره قراپاپاق و سیصد تومان اضافه مواجب سرافراز شد
حسنخان قراپاپاق نیز بسرتیپی سواره قراپاپاق یافت بحکم نواب نصرة الدوله حکمران فارس پانزده باب چاپارخانه
در عرض راه این مملکت ساختند میرزا نصرالله باشکرنویسی آذربایجان و میرزا عبدالله برای ضبط و ربط حساب
گمرک آنجا و فتحعلی بیک ینباشی باجودانباشیگری رفتند حکیم کازرونی بحکیمباشیگری کل افواج قاهره سرافراز شد
حکیم داودخان مسیحی که خدمات بدولت کرده بود در ماه ربیع الاول امسال وفات نموده باحترام او را بخاک سپردند نواب
نصرة الدوله حکمران فارس بیکثوب جبهٔ ترمهٔ شمسهٔ الماس مفتخر گردید نظم سرخس باهتمام عباسقلیخان بیگلربیگی دره جزی درجهٔ
کمال یافت در بلوک نایج مازندران تصفیهٔ آهن را بدرجهٔ کمال رسانیدند که از آهن حاجی ترخان نرمتر و باستعمال
نزدیکتر و مثل آهن حاجی ترخان تخته کرده بدار الخلافه آوردند و امر بتشویق و تکمیل این عمل و عاملین شد راه استرآباد
بواسطهٔ قراولخانه‌های جدید البنا و مواظبت مستحفظین کمال امنیت یافت مصطفی قلیمیرزا حکمران مازندران باعطای یکثوب
جبه مفتخر گردید نجفقلیخان پسر محمد طاهرخان وکیل چون خط و ربطی داشته بسلک ارباب قلم منسلک آمد مسیو جان
داود مسیحی مترجم اول دولت علیه جزو اجزای سفارت پطرزبورغ شد علیقلیخان ولد محمد طاهرخان وکیل نایب
اجودانباشی شد راه زنان ایلات لرستان و پشتکوه باهتمام نواب جانلو میرزا تنبیه شدند و مخصوصا نصیرخان جودکی
که متعرض قوافل و عابرین دزفول و عربستان میشد برای خود در مسیله از دزفول تا خرم آباد رباطات ساختند
بیکثوب جبهٔ ترمهٔ شمسهٔ مرصع مصحوب نواب شاهزاده ملک قاسم میرزا بافتخار حشمة الدوله حکمران آذربایجان اتفاقا
بتبریز شد حکومت سمنان و دامغان بمیرزا محمدخان کشیکچی باشی واگذار فرمودند و امامقلیخان از جانب معزی الیه
نیابت یافت و علیخان قیراط را حکومت جوین دادند و محمد ولیخان قاجار بحکومت نهاوند برقرار شد میرزا کوچک
دماوندی یاور بلقب خانی و منصب سرهنگی نایل آمد اینا و فات ماهی هزار قبضه تفنگ در جبه خانهٔ دار الخلافه زاد الله فرمیسا
پنبه بیکی بنا کرده دار و می کاشته بودند خوب بعمل آمد کلو صاحب حکیمباشی جمعی را در خانهٔ خود درس جراحی داده و
مقدمهٔ تکمیل این علم میباشد میرزا تقیخان که سابقا امیر نظام و شخص اول دولت بود در فین کاشان وفات کرد
میرزا هاشمخان حاکم ملایر و تویسرکان بجبهٔ ترمه مخلع گردید محمد تقیخان قاجار که سابقا سرکردهٔ سواره خزل بود مجددا
باینمنصب برقرار آمد در خبوشان برق زده چند باب دکان را سوزانید بعد زلزلهٔ شدید شده خرابی زیاد کرد
جناب اعتماد الدوله صدر اعظم را بیکثوب جبهٔ ترمهٔ دربن مفاخر فرمودند میرزا محمدعلیخان وزیر دول خارجه نیز
باعطای یکثوب جبهٔ ترمهٔ کرمانی مفتخر گردید جناب صدر اعظم بیازدهم مدرسهٔ مبارکهٔ دار الفنون رفته بعد از

امتحان

امتحان متعلمین و حصول اطمینان بترقی آنها هر یک را تشویق نموده بیک ثوب جبهٔ ترمه خلعت همایونی برای نواب حسام
السلطنه حکمران خراسان فرستادند عزیزخان اجودانباشی بیک ثوب جبهٔ نظامی زردوزی و از ملابس خاصه مخلع گردید
نصرالله خان پسر میرزا اسمعیل خان بندپئی بسرهنگی فوج بندپئی سرافراز شد جوادخان ولد اسکندرخان قاجار
حاکم کرمانشاهان را سرهنگ فوج سیم مراغه فرمودند چرخچی منگنه که اقمشهٔ ابریشمی را موج میدهد در یزد بهتر از عمل کاشان
متداول شد من الغرائب از بلوک رفسنجان کرمان خبر رسید که جوانی است نوزده ساله که بر روی شکم و سینهٔ او
بشکل آدم طفلی مستوی الخلقه آفریده شده که دو پای آن در شکم آن جوان و سایر اعضای او بر روی شکم جوان
میباشد هفدهم ربیع الثانی این سال ولدی ذکور از صلب مقدس شاهنشاهی فروغ بخش ابصار گردید که موسوم
بمعین الدین میرزا شد میرزا محمد خان کشیکچی باشی باعطای یک قبضه شمشیر مرصع مفتخر گردید هیجدهم ربیع الثانی
میرزا محمد علیخان وزیر دول خارجه مرحوم شد محمد یوسفخان بمنصب سرتیپی و یک ثوب جبهٔ ترمه اعلی سرافراز گردید
تا نکلی کرمانشهان داخل قشون ظفر نمون شدند قلیچ خان سرتیپ سواره مافی که از خراسان برگشته بود بیک ثوب
جبهٔ ترمه باو مرحمت فرمودند فضلعلیخان سرکرده سواره شاهسون که نیز از خراسان معاودت کرده باعطای
یک طاقه شال سرافراز شد حسب الحکم قرار شد در معدن آهن ماسوله که آهنش بسیار خوب است کار کنند در آنجا
چند باب قراولخانه علاوه بر قراولخانه های سابق ساختند بمحض رعایت رعیت کرمان تقریبا شش هزار تومان نقدی
سه هزار خروار جنس با آنها تخفیف مرحمت فرمودند عبدالغفارخان شکی بمنصب سرتیپی سرافراز و مخلع گردید
رحمت الله خان نایب اجودانباشی سرهنگ فوج شانزدهم و مخلع و مامور آذربایجان شد که عمل فوج مزبور را صورت دهد
استاد علی اکبر تفنگساز که حسب الامر بخراسان رفته بود که تفنگ سربازی بسازد این اوقات پانصد و شصت قبضه
تفنگ ممتاز ساخته که همه کس پسند کرده و تشویق او نمودند در غرهٔ جمادی الاولی بندگان سرکار اعلیحضرت
شاهنشاهی بمدرسهٔ مبارکهٔ دارالفنون تشریف فرما شده متعلمین را که در این وقت با درس کرده بودند
سرکشی و تشویق فرمودند میرزا کاظمخان مستوفی ولد جناب صدر اعظم بلقب جلیل نظام الملکی و خلعت خاص قرین
اختصاص فرمودند محمد ناصرخان (ظهیرالدوله) را بمنصب ایشیک آقاسی باشیگری دربار همایون و یک قبضه عصای
مرصع مفتخر فرمودند میرزا محمد سعید مؤتمن الملک بلقب خانی و منصب بیری مهام خارجه که قایم مقام وزارت
دول خارجه است سرافراز و مخلع گردید حاجی میرزا جبار رئیس تذکره بلقب ناظم المهامی ملقب و خدمت سپردگی
بامور معادن و کارخانهای بلورسازی دارالخلافه و غیرها را باو محول و بخلعت همایون سرافراز شد جعفرقلی بیک
یاور توپخانه بمنصب سرهنگی و لقب خانی و خلعت همایون نایل شد این اوقات ماهی یک دستگاه کالسکه باهتمام
معیرالممالک ساخته میشود که کمال امتیاز را دارد آقا مهدی ملک التجار بیک ثوب جبهٔ ترمه مخلع گردید اسدالله خان
امیر قاین بیک ثوب جبهٔ ترمه مفتخر و وارد خراسان شد جعفرقلیخان میرپنجه کرد را سترابادی و گرگان بود طایفه
مزبوره را براه انقیاد در آورده و باجازه امنای دولت آنها را با خود بدربار همایون آورده بعطای یک ثوب جبهٔ
ترمه مفتخر شد مرتضی قلیخان حاکم شاهرود و بسطام مجددا بحکومت بسطام و شاهرود بیک ثوب جبهٔ ترمه مخلع شد هم در این
ماه جمادی الاولی بحضور مهر ظهور همایون اشخاص مسطوره در ذیل با عریضه و پیشکش بتقبیل عتبه علیه سرافراز
گردیدند (محمد حسینخان برادرزاده بهادرخان بیگلربیگی هزاره با عریضهٔ کریمدادخان) (سید علی خواجه فرستاده
حکومت خان والی میمنه با عریضهٔ والی) (محمد ولیخان پسر مرحوم ابراهیمخان بیگلربیگی سابق هزاره) (اللهیارخان

[illegible]

برادرزاده

برادرزادهٔ او (عبدالحمید بهادر فرستادهٔ حسن سردار هزارهٔ دیپا کوهی با عریضهٔ او) (عبدالکریم بیگ فرستادهٔ
ابراهیم‌خان سردار تایمنی با عریضه) (خان میرزا بیگ فرستادهٔ ابراهیم‌خان و اکرم‌خان فیروزکوهی با عریضه) (شادمان
بیگ فرستادهٔ نصیرخان جمشیدی با عریضه) (رضا بهادر بربری) (ارباب خالق ریش‌سفید طایفهٔ ایچکی) (علی
بهادر ریش‌سفید طایفهٔ قیر سیبانی) (عظیم بیگ ریش‌سفید طایفهٔ قهقهه) (ملا حسین ریش‌سفید طایفهٔ دهمردهٔ زنگی)
حکیم کاظم از ولات حکیمباشی نظام وفات کرد از فوت صید محمدخان حاکم هرات که سردار امیر افضل‌خان پسر کهندل‌خان
قندهاری با جمعی افاغنه بر سر هرات آمده اند و شهر را گرفتند و در حوالی هرات امنیتی نیست در عقیلی بلوک شوشتر
تگرگ بقدر گلولهٔ توپ آمده چرخهائی که در صحرا برای تنقیه و مرمت قنوات بوده بکلی خورد کرده است نواب شاهزاده
بهرام میرزا که در اوقات سفر همایون باصفهان از جانب سنی الجوانب در دارالخلافه نیابت داشتند بنشان تمثال بی
مثال مبارک قرین افتخار کرده بودند میرزا عبدالوهاب‌خان پسر مرحوم میرزا محمدعلیخان وزیر دول خارجه بمنصب نیابت دویم
وزارت دول خارجه و بیک ثوب جبهٔ ترمه مخلع و نایل گردیدند از اصفهان تا منزل معصوم‌بیگ در راه فارس همچنین از
اصفهان الی کاشان قراولخانه‌ها در راه ساخته شد بطایفهٔ کلکلان در استرآباد که بقشون مامور آن نواحی خدمت
کرده بودند ده هزار تومان تخفیف مرحمت شد میرزا محمدولی طبیب حکیمباشی کل افواج قاهره گردید اسمعیل میرزا
ولد نواب شاهزاده بهرام میرزا منصب سرهنگی یافت نواب نصرة الدوله حکمران فارس گرمسیرات آن مملکت را
نظم کامل دادند عبدالله‌خان صارم الملک بیکقبضه شمشیر مرصع سرافراز گردیده و نیز مامور شد که کسری فوج ملایر و
تویسرکان و قراگوزلو را بگیرد این اوقات مبلغی از وجوهی که در هرات باسم همایون سکه زده بودند و عریضهٔ صید
محمدخان با جمعی از معارف هرات بدرگاه همایون رسید فوج جدید مراغه بواجبی اسکندرخان سرهنگ و فوج خلج ساوه جیره و
علیق گرفته با هزار نفر سوارهٔ شاهسون افشار و ایلات قزوین مامور خراسان شدند و هزار و پانصد دست
فانوسقه و دو هزار قبضه تفنگ طرح انگلیسی که در قورخانه و جبه‌خانهٔ دارالخلافه ساخته اند بخراسان حمل دادند
نواب حسام السلطنه والی خراسان عباسقلیخان میرپنجه را با سه فوج سرباز و سواره و توپخانه روانهٔ تربت جام
نمودند که مشغول حراست ثغور و نظم آن صفحات باشند فتحعلی بیک نایب اجودانباشی را نواب احتشام الدوله
حکمران آذربایجان مامور نظم امور مراغه نمودند روز شنبه بیست و هشتم جمادی الاولی هفت ساعت و سی و شش
دقیقه از روز گذشته آفتاب از برج حوت بحمل تحویل نمود و سلام عام در تالار تخت مرمر با شکوهی وافر منعقد
گردید و قریب سی نفر از اعیان و ریش‌سفیدان هزاره و تیمنی و جمشیدی در این سلام مخلع گردیده بودند شب عید جناب
صدراعظم بیکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون مکلل بالماس برلیان مفتخر شدند و بیک ثوب جبهٔ ترمهٔ دوره
مروارید روز یکشنبه ذات معدلت صفات همایون بعمارت جدید نگارستان تشریف فرما میشدند بجناب معظم الیه مرحمت فرمودند
در این ایام نواب شاهزاده امامقلی میرزا بحکومت کرمانشاهان و خلعت سرافراز گردید بخسروخان والی را خلعت
و حکومت قزوین دادند از غرایب اتفاقیه کرمان اینکه در دار فوبه بزی چهل روز دیوانه شده و سه بچه زائیده
که یکی از آنها شباهت بسگ داشته بجز صورت دست و پای او که خیلی شبیه بسگ بوده است حکومت ساوجبلاغ
آذربایجان را بکریم‌خان مکری محول فرمودند نواب حشمة الدوله باجازهٔ اولیای دولت محمدقلیخان پسر مهدیخان
قراپاپاق را مامور سرپرستی ایل قراپاپاق نمودند حکم شد که هر که معدنی در ممالک محروسه پیدا کند بواسطهٔ جناب
میرزا جبار ناظم المهام بعرض اولیای دولت برساند اذن کار کردن در آن معدن را باو خواهند داد و تا پنجسال

هر چه از آن منفعت حاصل نماید مال خود او است و هر کس بی اذن در معدنی کار کند منافع آن ضبط دیوان میشود
چون جمعیت دار الخلافه زیاد شد حکم شد هر که بخواهد بیرون دروازه خانه بنا نماید بنا بر این دو ثلث باب خانه
تاکنون بنا نموده اند کرمی مار مانند در شکم مرغها در صفحات کرمانشاهان و عربستان پیدا شده مرغ دیوانه
میشود و خوردن گوشت او مضرات است خوانین و اعیان بلوچستان در خدمت نواب مؤید الدوله حکمران کرمان
مطیع و منقاد و خدمتگذار شدند میرزا محمد علیخان ناظم الملک از جانب نواب نصرة الدوله حکمران فارس بگرمسیرات
رفته سه قلعه محکم بلوک اهرم را که یکی در صحرا و دو در کوه بوده گرفته و خراب کرده حاجی ابو الحسن اهرمی را نیز که بواسطه
استظهار بر قلاع مزبوره شرارت مینمود بسزای خود رسانیدند نصر الله خان بیگلربیگی سابق لار و فتاح خان شفانی
واحمد خان بهارلو که از حکام سابق و کرمان بودند استمالت شده بخدمت گرویدند حکومت خوی را بشاهزاده محمد رحیم
میرزا و حکومت خلخال را بنواب شاهرخ میرزا مرحمت فرمودند اجتناب در حکومت عراق بجناب مستوفی الممالک واگذار و
لطفعلیخان نایب اجودانباشی از جانب معظم الیه بنیابت حکومت عراق معین و روانه گردید عباسقلیخان سرتیپ توپخانه
که در خراسان خدمات کرده بود بتکریم نشستند حمایل سرخ از مرتبه سرتیپی اول نایل گردید سکه قدیم در شوش مسکوک
بنقش کلمه طیبه لا اله الا الله و آیات شریفه قرآنی پیدا کرده بدار الخلافه آوردند و شرحی میرزا جعفر خان مشیر
الدوله همراه مسکوکات نگارش و ارسال داشتند که از قرار ذیل است
در شهر قدیم شوش واقع در چهار فرسخی شوشتر آثار عمارات عالیه از زیر خاک نمودار شده از جمله عمارات اردشیر
دراز دست است که آن عبارتست از سی و شش ستون سنگ یکپارچه فاصله هر ستون هفت ذرع و بلندی ستونها بعلت افتادن
و شکستن معلوم نیست لکن از زیر ستونها و سر ستونها که اکثر صورت گوساله و غیره دارد معلوم میشود که ستونها بسیار
بلند بوده با وجود اینکه در صحرای عربستان یکپارچه سنگ پیدا نمیشود سی و شش زیر ستون هم در پیش روی همین عمارت
روی بتمام آثار پیدا شده و دلیل است که اینجا جای ییلاق بوده این عمارت در طرح و وضع مثل تخت جمشید است در بعضی
از ستونها عبارات بخط سریانی و کلدانی منقوش است آجرها بوزن هفت هشت من در اینجا کار کرده اند در بالای
یک عمارت قدیمی پول سفید مسکوک بخط کوفی بیرون آمده معلوم میشود بعد از غلبه عرب این پولها را دفن کرده اند
و این پولها سکه بصره و دمشق و واسط و مرو و هرات و نیشابور و دارابجرد و اصطخر بوده تاریخ سکه پول یکصد و پنج
هجری است و تعجب است که چگونه در این مدت پولها باین صفا و تازگی مانده
شهر خرم آباد که آب جاری نداشت نواب احتشام الدوله دارای آب جاری کردند نواب بهادر میرزا مرحوم شد میرزا
محمد مستوفی بلقب قوام الدوله ملقب گردید از دربار دولت دو سر نشان سند تا از مرتبه دویم دوره الماس بحکیم
طولوزان حکیمباشی مرحمت شد قلعه نسکن و قلعه سرباز بلوچستان مفتوح و مسخر گردید الهندخان که لشکر بهرات کشیده
بود منهزم شده رفته کمک از کابل و قندهار طلبیده است در چمن قهقهه سه فرسخی مشهد مقدس شش مرغ
هم رسیده که هر یکی از گوسفندی بزرگتر میباشند عمارات جدید سلطانی در دار الخلافه ساختند مزید بر عمارات قدیم
نمودند و حکم شده مریضخانه مابین قراولخانه ها دروازه دولت و دروازه قزوین که جای چهار صد نفر مریض
و منزل اطبا و مطبخ و غیره داشته باشد بسازند و عده توپها چون زیاد شده انباری جدید نیز در پهلوی انبار
قدیم ساخته شد و باغات و عمارات بیرون شهر را از قبیل لاله زار و نگارستان و قصر قاجار را بکمال خوبی تعمیر کردند
و نیز مقرر شد که عمارت جدید سلطانی در قصبه بنا و دران بنا نمایند و بازاری مشتمل بر یکصد باب دکان در بنا و دران نیز بسازند نواب

شاهزاده نصرة الدوله حکمران فارس بنشان مرصع اول میرپنجگی و حمایل سرخ و سفید مخصوص این رتبه مفتخر گردید
بعضی افواج که کسر نفری داشتند بسرتیپان و سرهنگان آنها مقرر شد معجلا بگیرند و تکمیل نمایند خانبابا خان پسر
عباسقلیخان سرتیپ افواج قزوین بمنصب سرهنگی فوج قدیم قزوین و خلعت همایون سرافراز شد برعایای اصفهان
یازده هزار تومان تخفیف مرحمت فرمودند. زلزله شدیدی در شاهرود شد ابراهیمخان پسر عبدالرضا خان یزدی
بحکومت کاشان و خلعت همایون سرافراز گردید خسروخان کرمانی حکومت قراجه داغ یافته مخلع شد میرزا عبدالرحیم
پسر مرحوم میرزا محمد تبریزی اجودان وزارت امور خارجه شد ریش سفیدان تراکمه گوکلان و یموت مخلع و مرخص شدند و
برای سایر ریش سفیدان ترکمان خلعت مبذول و انفاذ شد و حکم همایون شد که کل صاحب منصبان قشون کلیجه
نظامی و شلوار تنگ بپوشند که در وقت مشق چابک باشند در شیراز تگرگ غریبی بارید که دانه های آن بدرشتی نارنج بوده
و یکی از آنها بسر یکنفر خورده چشمهای او از حدقه بیرون افتاده و مغز سر او از هم پاشیده گوسفند و مال و مواشی زیاد
در صحراها تلف کرده است در شش قنات ریم و نرماشیر احداث کرده اند که باغات بعمل آرند بعضی آبادی شده و بادیه
و غیره کرمان که متفرق شده بودند استمالت شده قرار دادند باماکن خود باز گردند و تا چهار سال از مالیات معاف
باشند یکطغرا نشان مرتبه اول سرتیپی و یکرشته حمایل سرخ مخصوص آن بافتخار میرزا فضل الله وزیر نظام انفاذ تبریز
شد هشت فوج از افواج قاهره را بواجمع محمد حسنخان سردار فرمودند و عبدالله خان ولد مشار الیه بمنصب میرپنجگی سر
افراز شد عباسقلیخان پسر بیگلرخان برچلو منصب سرهنگی مرحمت شد جناب میرزا آقاخان صدر اعظم بنشان تمثال
همایون مفتخر گردید و نشان امیر تومانی که شاه مرحوم (محمد شاه) بایشان اعطا کرده بودند اجازه استعمال آن یافتند
در قلعه دزفول بسیاری از بیوت را سیل خراب کرد بند شهر قزوین ساخته شد کارخانه بلورسازی در دار الخلافه
فتح کرد نواب امامقلی میرزا حکمران کرمانشاهان پنجاه سوار بحراست طرق و شوارع آنصفحات برقرار نمود در بندر
جز استرآباد باد اغلب خانه ها را خراب کرد تخم پنبه ینگی دنیائی بزارعین دار الخلافه و تبریز داده شد که امتحان در
زراعت نمایند فضلعلیخان میرپنجه و بیگلربیگی را بمنصب امیر تومانی سرافراز فرمودند عبدالله خان جوانشیر بسرهنگی
فوج اول خاصه منصوب شد زنی در خراسان طفلی زائیده بعینه میمون ولی دم نداشت خوانین سیستان منقاد شدند
علیقلیخان میرپنجه و عسکرخان سرتیپ دو فوج افشار و هزار نفر سوار خمسه با نظام صفحات خراسان مامور شدند امیر
علینقی خان وکیل طبسی بحکومت طبس و خلعت همایون سرافراز شد اسکندرخان زند بحکومت مرند و کرکر یافت میرزا محمد علی
سررشته دار فوج اول خاصه سررشته دار کل توپخانه ممالک محروسه شد امامقلیخان مافی بیوکخان برادر عسکرخان
سرتیپ بمنصب سرهنگی فوج هفتم افشار سرافراز و با فوج مزبور روانه خراسان شد هرات که چندی بود از تصرف
سلاطین ایران خارج شده بمیل خاطر منقاد و در تحت تصرف آمد هزار و دویست تومان بر مواجب نواب نصرة الدوله
افزودند ریش سفیدی خلوت و منصب تفنگدار باشیگری دربار همایون را مجددا بآقا محمد حسن مهردار مرحمت فرمودند
نواب مسعود میرزا حاکم بارفروش شد کارخانه شکرسازی ساری در میدان ارک ساری تمام شده در اوایل شعبان
قند سفیدی از شکر سرخ آنجا ریختند حکومت کلپایگان و خوانسار را با جواد بناشی واگذار فرمودند دو قلعه
عناب آباد و میامی که در سرحد ترکمانست قلعه خندق و شهر حاجی بنا کردند و در حنظل آباد از دهات پشتکوه بلوک
بنادکان را نیز قلعه ساختند
روز غره شوال که عید فطر بود در عمارت [illegible] سلام عام منعقد و طبقات خدام بخاکپای مبارک مشرف

شدند

شدند و در این سال بیکقبضه شمشیر مرصع و یکثوب جبه شمسه مرصع بجناب صدر اعظم مرحمت فرمودند ساسان میرزا ولد
بقاء الدوله بلقب نواب شاهزاده معین الدین میرزا اختصاص یافت محمد قلیخان ولد مرحوم حسینخان سردار که غلام
پیشخدمت بود بیوزباشیگری غلامان مامور کرمان برقرار شد خان خیوق که بعزم گرفتن زکات بمرو آمده مرویها
تمکین نکرده کار بمبارزه کشید برج آق و دربند و قراولخانه های مزدوران وغیره مرمت شد در سرجام تکه
باربد بوزن چهارده سیر میرزا رفیعخان فوزکی نظر بحصانت قلعه فوزک که از قلاع محکمه خراسانست دم از خودسری
میزد نواب حسام السلطنه والی خراسان قشون بدفع او فرستاده قلعه مزبوره را گرفته ساخلو دولتی گذاشتند
و میرزا رفیعخان بهرات رفته صید محمد خان سردار حاکم هرات را شفیع خود ساخت و در دربار همایون مقبول افتاده
معفو شد اهالی قلعه کزلیک و طاقان از قلاع خراسان نیز از در اطاعت درآمدند محمد حسنخان سردار بحکومت کرمان
و بلوچستان و نیز بسرافرازی یکثوب جبه ترمه شمسه مرصع مخلع گردید قاسمخان غلام پیشخدمت خاصه بجای احمدخان
نوائی بکارپردازی تفلیس رفت نواب مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی و یکرشته
حمایل سفید نایل گردید بخدمات چراغعلیخان نایب الحکومه اصفهان در امور حکومتی و تمام کردن ملبوس نظام مقبول
و مورد مرحمت گردید علم منصبی یک فوج از افواج قاهره را بعبدالله خان ولد محمد حسنخان سردار مرحمت فرمودند محمد باقر
خان ولد محمد خان امیر تومان بمنصب سرهنگی فوج ششم اقبال تبریزی سرافراز شد سی نفر زن از قلعه تون از قلاع
خراسان اسیر ترکمان شد و بلا فاصله سوار دولتی از عقب آنها تاخته اسرا را مسترد و ترکمانان را دستگیر کردند صید محمد خان
حاکم هرات قشون بفراه که فتنه ها تصرف نموده بودند فرستاده قلعه کاه را که هشت فرسخی فراه است بیورش گرفتند
خان خوارزم بصد و مرو آمده و در این اوان خلیفه عبدالرحمن وفات کرده طوایف سالور و ساروق پسر او را بجای او
خلیفه ساختند با خوارزمی بمجادله پرداخته آنها را از حوالی قلعه مرو عقب نشانده اند
و از وقایع معظمه اینسال آنکه جمعی از اتباع سید علیمحمد باب علیهم اللعنه و العذاب بریاست ملا شیخعلی نام ترشیزی که خود را
ملقب بعظیم نموده نایب باب میدانست بنای فساد نهاده جمعی در خانه حاجی سلیمانخان تبریزی که خود از معتقدین فرقه ضاله
بود جمع و قصد آسیب وجود مسعود مبارک شاهنشاهی را که بقای آن موجب امن و اشاعه عدل و انصاف و برانداختن
رسم ظلم و اعتساف است نمودند و دوازده نفر داوطلب شدند هر یک بسلاحی مسلح گردیده بنیاوران آمده در کمین و منتظر
وقت شدند و باقی در خانه سلیمانخان مهیا بودند که اگر موقع فساد شود بیرون تازند و بنهب اموال و سفک دماء و
اضلال مسلمین پردازند روز یکشنبه بیست و هشتم شوال هنگامی که بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلد
الله تعالی ملکه از قصر نیاوران بعزم شکار سوار شده بودند سه نفر از فرقه مطروده که در زیر جامه خود بقمه و طپانچه مسلح
شده بودند در زی متظلمین و عارضین در محلی که هنوز ملتزمین رکاب اعلی تماما بهم نه پیوسته جلو اسب سواری همایون
دو راه آمده چند طپانچه خالی کردند ولی تیرها خطا کرده مگر یکی از آنها که ساچمه داشت چند ساچمه آن بعضی از قطعات
بدن مبارک را خراشید چاکران از قبیل اسدالله خان میرآخور و نظام الملک و کشیکچی باشی و سایر اعاظم و معارف
دو نفر از آن سه نفر را گرفته و یکی را در میان هنگامه بضرب تیغ و سنگ و چوب واصل جهنم نمودند بعد از آن سرکار
اعلیحضرت شاهنشاه روحنا فداه عزیمت شکار را موقوف داشتند و حسب الامر عزیزخان آجودانباشی و حاجب الدوله
والد مؤلف و کلانتر و کدخدایان بتفحص و جستجوی رفقای فرقه ضاله پرداختند و اول بخانه حاجی سلیمانخان شتافته
او را با دوازده نفر از اشرار دستگیر کردند و از این دوازده نفر سایر رفقای ایشانرا معلوم نمودند و آنها را نیز

بگرفتند

بکر فتند و همه را بفتوای شرع بقتل رسانیدند و از خدمات نرپک کرد را بنوقت والدهٔ مؤلف نمود بیست و دو من طلا
مشغلی بود که سرمنشأ فتنه بود و مژدهٔ سلامتی وجود مسعود مبارک را عاجلاً چاپاران باصقاع بلاد ممالک محروسه
رسانیدند و همه جا بشکرانه جشنها گرفتند و شهرها آئین بسته چراغان نمودند

یرید المشرکون لیطفؤها   و یابی الله الا ان یتمه

بسیاری از سواره و افواج برای سان و رسید که اسب و اسلحه آنها حکم شد حاضر کابل علی شوند محمد ولی خان بیگلربیگی
و حکمران استرآباد نشان بیکتوب جبه ترمه مخلع و حمزه خان انزانی باعطای یک قبضه شمشیر یراق طلا سرافراز شد مهدیخان
صاحب جمع جوخه خارجه عراده کالسکه چهار اسبه خوب تحفه کرا بهر باتمام رسانیده ساعتی پیشکش کرایه میدهد محمود
خان کلانتر بعطای نشان بیکتوب جبه سرافراز گردید بندق دو ترمه در محله در سر دو مولود هشت ماهه آوردند که چشمهایش در
پیشانی بود و ابروان اشتب دندان در زیر دو شاخ در پشت گوش و زبانش مثل زبان گاو و موی سرش مثل موی گاو
وانگریا پایین سفید و از سر تا کمرش سیاه و دهانش باز کوچک کرده داشته یک ساعت بعد از تولد مرده است میرزا احمد خان
ناظر دیوان که در مأموریت هرات خدمت کرده بود بیکتوب جبه ترمه مخلع شد میرزا محمد خان کارپرداز حاجی ترخان بیکتوب
جبه ترمه مخلع شد میرزا عبدالوهاب گیلانی باستیفای محاسبه گیلان و خلعت همایون نایل گردید بدهمه این سال از
شانزدهم رمضان المبارک در همه جا غباری ظاهر و روز بروز در تزاید بود و چنان غلیظ شد که اکثر روزها از صبح
تا شام آفتاب پیدا نمیشد و بعضی روزها طوری روشنی کم بود که در ده قدم آدم را ممکن نبود تشخیص بدهند مادو
ساعت از شب گذشته غبار بر طرف نشد در هوا و جو هم را اعتدالی نمود ارملیشد بجهت اطفال ارامنه نیز در جاها کلیسا
حکم شد در سه بسازند میرزا فضل الله وزیر نظام که نه عراده توپ سه پوند بلند قد بسیار خوب و تیز با نشیمن پیشکش
کرد بیکتوب جبه ترمه مخلع گردید حسب الامر مقرر شد تومان بیگی کل افواج قاهره را نماینده روی بیرقها اسم و علامت
تومان و افواج نقش شود در کازرون مولودی متولد شده که سر آن شکل گربه و بدنش تمام مثل پلنگ منقش و انگشتان
هم با منبر یکپایی او بلند و پای دیگر کوتاه و قد او بکوچک نیم دندان هم داشته گاهی گریه میکرده بعد از یکروز مرده است
انجام امور قورخانه و جبه خانه و مدرسه دارالفنون و ملبوس بعهده محمدخان بیگلربیگی و میرپنجه محول و موکول فرمودند
حاجی مبارک بلقب خانی و منصب سرتیپی سواره نائل و هداوند و کنگرلو نایل گردید پادری یحیی پیشوای مذهب کاتولیکی
عیسوی در جلفای اصفهان در گذشت و چون نهایت آدم خوبی بود ارامنه و مسلمانان همه متاسف شدند اروپا
(اسپانیول) وکلای ملت عزل شدند نارواییز صدر اعظم استعفا نموده موکول بجای او نصب شد ژنرال پلیز که بقصد
تسخیر جزیرهٔ کوبا از متصرفات ینگی دنیائی اسپانیول با تجار رفته بود گرفتار شده در هاوان پای تخت جزیرهٔ کوبا
مقتول شد شاهزاده خانمی از ملکه اسپانیول متولد شد (المان) مجسمهٔ فردریک اعظم پادشاه پروس را در برلن برپا کردند
ایالات ههن زلرن بمملکت پروس الحاق شد طایفه یهود با عیسویان در باب حقوق و درجه مساوات بهم رسانیدند
وحال آنکه تا آنزمان دارای این امتیاز نبودند ارنست اگوست پادشاه هانور رحلت نمود و یکسال که در گذشت و ژرژ پسرش
باآنکه کور مادرزاد بود بسر بسته و دو سالگی بجای او جلوس نمود (انگلیس) قبول کردن آن طایفه یهود را بسمت
وکالت رعیت مجلس پارلمنت تصدیق کرده بود ولی مجلس لردها قبول نکرده بودند اکسپوزیسیون عمومی در لندن
در عمارت بلور در هاید پارک که از باغات بزرگ عمومی شهر لندن است افتتاح یافت و مدت پنجماه این اکسپوزیسیون
برقرار بود لرد پالمرستان وزیر امور خارجه استعفا نمود در شمال امیدوار افریقا که از متصرفات انگلیس است جنگی

محض

سخت فیما بین حاکم آنجا و طایفه کافر اتفاق افتاد عهدنامه تجارتی و دوستی با جزایر سندویچ بسته شد معدن طلا در کوهستان شرقی استرالیا منکشف گردید تلگراف بحری از انکلیس بفرانسه از زیر دریای مانش که بندر دوور و کاله را با هم وصل میکند امتداد یافت از اهالی ایرلند مهاجرین زیاد بسمت ینکی دنیا رفتند چنانکه در این سال شصت و پنجهزار خانه آنجا بی سکنه بود و تمام اهالی خانه ها تمامه بوده به ینکی دنیا رفته بودند لنکارد مورخ فوت شد جمعیت تمام جزایر انکلیس در اینسال پنجاه و پنج کرور و دو بیست و سی و هشت هزار و نهصد و چهار نفر و جمعیت شهر لندن چهار کرور و سیصد و پنجاه و نه هزار و ششصد و چهل نفر است (پرتوغال) مارشال سالدنا که بر ضد وزرای پرتوغال مسلح و با اسلحه دولت را مجبور کرد که کنت تما صدر اعظم را معزول کند و خود بجای او بصدارت منصوب شد (دانمارک) ایجاد وکلای رعیت و بنیان قانون جدید از آنکه متعلق بدانمارک است ارستد معلم علم طبیعی درگذشت ما بین دولت دانمارک و ایالتین اسلسویک و هلستین صلح شد (روس) دولت روس مصمم است که از دشت قرقیز بسمت خیوه قشون کشی کند (سوئد و نروج) در ایالت نروج طایفه یهود را قبول نمودند (عثمانی) نقاری ما بین دولت عثمانی و اطریش بجهت آزاد کردن کسوت که از اشرار مجارستان بود و پناه بخاک عثمانی برده حاصل شد امیر بشیر از رؤسای لبنان فوت شد در اینسال کسوف آفتاب در عثمانیها بفال بد گرفتند و هرچه منجمین خواستند ثابت کنند که آنرا اثری نیست مردم اعتقاد نکردند (فرانسه) ژنرال شانکا نیه از سرداری قشون پاریس معزول شد در پاریس و بعضی بلاد دیگر فرانسه شورشی برپا کردید دو شهر پاریس ایجاد راه آهن نمودند برای صاحب منصبان و سربازان که در جنگ ناپلیون اول زخمی شده و از کار افتاده بودند ولی در حال حیات اند مرسوماتی تعیین نمودند برای تنبیه طایفه قبیلی که از اعراب الجزایراند قشون فرستادند مارشال سباستیانی و مارشال سولت که از سرداران ناپلیون اول بودند فوت شدند راه آهن تور و پواتیه برقرار و دایر شد بنای بازار فروش ماکولات در پاریس نمودند یکصد و هشتاد هزار تومان لوی ناپلیون رئیس جمهوری علاوه بر آنچه معمول بود مطالبه کرده وکلای ملت قبول ننموده رد کردند وکلای ملت عزل و انتخاب وکلای تازه و تعیین وضع جدید در دولت بمیل عامه نمودند یازده کرور رعیت فرانسه مدت ریاست لوی ناپلیون رئیس جمهور را ده سال قرار دادند جمعیت فرانسه در اینسال هفتاد و یک کرور و دویست و هشتاد و بیست و یکنفر بود (افریقا) (مصر) ایالت مصر قبول تنظیمات جدیده را نمینماید بتوسط کمپانی انکلیس راه آهن از اسکندریه بقاهره ایجاد شد (امریکا) (اتاژونی) ایجاد راه آهن ما بین کانادا و بستن شد کتابخانه دولتی در اینسال آتش گرفت (مکزیک) شورش و انقلاب در اکثر بلاد این مملکت پدیدار آمد دولت انکلیس با کمال تشدد مطالبه طلب خود را مینماید (ینکی دنیای جنوبی) ژنرال اشپنلک سرپرور ریاست یافت عهدنامه ما بین منتوید و برزیل برقرار کردید دیگر ابو مشتعل

سنه ۱۲۶۹ هجری — سنه ۱۸۵۲ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال ارازخان ترکان با شصت نفر از رؤسا و ریش سفیدان ترکمن سرحش برای تعهد خدمتگذاری بمشهد مقدس آمدند که همیشه مقیم مشهد و غیره و نوکر دولت و مشغول خدمت باشند عمارات مرحوم عبدالله میرزا و دروازه های زنجان که در مقدمه طایفه ضاله بابیه خراب شده بود حسب الامر تعمیر شد در کارخانه بلورسازی و چینی سازی دارالخلافه خوب کار میکنند محمد کریم میرزا از جانب علیخان سیستانی عریضه خدمت نواب حسام السلطنه نوشته که او را بخدمتگذاری دولت علیه قبول و یک بیرق نشان شیر و خورشید برای سواره او مرحمت کنند که معلوم باشد از عساکر منصوره اند و متقبل و متعهد نظم و امنیت هفتاد و دو فرسخ راه که محل عبور بلوچ است

کردید

کردید همچنین کریمداد خان بیکلربیکی هزاره دو هزار خانوار هزاره و باخرزی را با پسر خلیفه مرو و کدخدایان ساروق و سالور بدوا
بطرف ارض اقدس نمود در ششم صفر جشن ولادت همایون را در تمام ممالک محروسه کاملاً گرفتند نواب احمد میرزا بجوار رحمت
الهی پیوست افواجی که تازه از هر جا گرفته شده بود مشغول بمشق شدند از غرایب آنکه در مزرعه برفاباد از توابع هرون آباد
من اعمال کرمانشهان خرمنی که پنجاه خروار گندم پاک کرده داشت صاحبان آن حاضر شده که حمل نمایند یکدفعه مانند سنگ
آسیا بچرخ افتاده بزمین فرو رفته بطوریکه روز دیگر چند ذرع زمین را کندند آثاری فی الجمله از گندم بود بعد آن تماماً
بکلی محو و معدوم شد و اشخاصی که حاضر بودند و این واقعه را دیدند طوری وحشت و دهشت بر آنها غالب شد که یکنفر از آنها
بمرد و باقی مدهوش شدند بنای چاپارخانه در ساری و اشرف شد پنج سیر تخم پنبه را نرسنگی بنائی را در بلوک خوار کاشتند
و یکخروار و پنجاه من جوزق برداشته و دانه‌های جوزق را که در بعضی از بته‌های آن شمرده بودند و دویست پنجاه و دویست و
هشتاد بلکه سیصد دانه جوزق داشته میرزا سعید خان موتمن الملک به مهام خارجه بحمایل و نشان سرتیپی اول مکلل
بالماس سرافراز شد نواب یلدرم میرزا بپاداش تنبیه اشرار طایفه کاکاوند و خالدوند لرستان بعطای یکجبه ترمه خلعت
همایون سرافراز گردید امیرزاده ابراهیم میرزا در ازای خدمت انتظام امور عربستان و ساختن نهر هاشم و بستن سد
وغیره بیکثوب جبه ترمه مخلع گشت حاجی قوام الملک بعصای مرصع مفتخر گردید متعلمین دارالفنون را سالی سه مرتبه در
حضور همایون امتحان میکنند نواب امامقلی میرزا حکمران کرمانشهان را ملقب بعماد الدوله فرمودند چراغعلی خان نایب
الحکومه اصفهان بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی با یکرشته حمایل سرخ نایل گردید محال فریدن باهتمام چراغعلیخان
انتظام یافته و قلعه علیمحمد خان را که حصانت آن موجب شرارت مشار الیه بشلک و بیدند چند نفر از خوانین بلوچ که
انقیادی نداشتند بوساطت نزد محمد حسنخان سردار حکمران کرمان و بلوچستان متقبل خدمت و اطاعت شدند میرزا فرج
الله خان اجودان توپخانه حسب الامر برج جدیدی در آن بنا کرده و [illegible] ده توپ بانظم ممتاز ریخت محمد ناصر خان ایشیک
آقاسی باشی (ظهیر الدوله) بیکثوب جبه ترمه مخلع گردید میرزا زکی سررشته دار اصفهان بیکثوب جبه ترمه کرمانی نایل گردید
چهارصد نفر سرباز فوج بهادران باتفاق اصلان بیک یاور مامور بنادر بوشهر شدند نقاره خانه سردر بازارک جدید
البنای شیراز را در کمال شکوه ساختند چند نفر از ریش سفیدان طایفه آخال تکه که در ارض اقدس خدمت نواب حسام
السلطنه رفته از جانب کل تکه مزبوره متعهد خدمت و مستدعی شدند که داخل در عساکر منصوره باشند میرزا سعید
خان موتمن الملک بمنصب جلیل وزارت امور خارجه و لقب جنابی و خلعت همایون سرافراز شد محمد خان مصلحت گذار مقیم
اسلامبول مرحوم و حاجی میرزا احمد خان نایب دویم وزارتخارجه بجای او منصوب شد میرزا بزرگ قزوینی بمنصب کار
پردازی ارزنة الروم برقرار گردید بجای محمد خان حاکم ارومی بخلعت همایون سرافراز آمد جناب نظام الملک باعطای یکثوب
لباده ترمه بطانه خز قرین اعزاز گردید نواب احتشام الدوله باعطای یکقطعه نشان مرتبه اول میر پنجی و یکرشته
حمایل سرخ مفتخر گردید احمد خان نوائی بیکثوب جبه ترمه درجه افتخار یافت صاحبمنصبان نظام حسب الامر روزها
بعد از فراغ از مشق بمدرسه دارالفنون آمده علم جنگ میخوانند شیر خان (اعتضاد الدوله) ولد خانخانان بمنصب
سرتیپی سواره استراباد و خلعت همایون سرافراز شد سرکردگی سواره شاهسون مشکین را به بهلول خان ولد قاسمخان
مرحوم فرمودند میرعزیزخان بلقب ربابیکی ملقب و مخلع شد چون ایل شاهسون از طهماسبقلیخان ایلبیکی شاکی شدند
او معزول و [illegible]خان بخلعت همایون نایل و بجای او منصوب شد نصرالله خان پسر مرحوم حاتم خان شهاب الملک بمنصب
سرهنگی خارج از فوج سرافراز شد در [illegible] کرمان متولد شد که سه سر داشت و پاهای او کج و کف پای او با پشت پا

مثل هم و یکساعت زنده بود در کرمانشاهان کرهٔ الاغی متولد شد که یک سر و دو تن داشت و تمام اعضا دو تن از هم منفصل بوده
دارای چهار دست و چهار پا بود دیدم ولکن زنده نمانده است محمود خان قراگوزلو (جناب ناصر الملک) نایب اول سفیر مخصوص دولت
علیه مامور سنت پطرز بورغ با عطای یکقطعه نشان سرتیپی از درجهٔ اول با حمایل سرخ سرافراز گردید محمد صادقخان پیشکار
سیمان حاکم هرات و جمعی از خوانین افغان و غیره که بدربار همایون آمده بودند بخلاع فاخره مفتخر گردیدند سلیمانخان
سهام الدوله مسیحی مرحوم شد در گیلان ناخوشی وبا بروز نمود هشتاد نفر روسهای تراکمه مرو نوکری و خدمت دولت
علیه را بمیل خود اختیار نمودند میرزا فتحعلیخان مستوفی به یکثوب جبهٔ ترمه مخلع گردید بارون کومنس صاحب منصب دولت
آستریه که دو ساله بخدمت ایندولت آمده و قبل از انقضای مدت مستدعی مرخصی و معاودت شد لهذا پانصد تومان
انعام و شصت تومان قیمت یکطاقه شال علاوه بر سایر مراحم درحق او مبذول و او را مرخص فرمودند سوارهٔ بختیاری
و باجلان را ابوابجمع نور محمد خان سرتیپ نمودند یکثوب قبای نظامی هر یک پنجیکی و یکقطعه نشان نقره از مرتبهٔ اول
این منصب با حمایل آن بنواب حشمت الدوله خانلر میرزا حکمران بروجرد و عربستان و لرستان و بختیاری مرحمت شد حاجی علی
خان حاجب الدوله والد مؤلف با عطای یکثوب جبهٔ قرابه ترمه بطانه پوست مفتخر گردید محمد تقیخان معمار باشی بیکثوب
جبهٔ ترمه مباهی گشت فوج جدید قراگوزلو ابوابجمعی احمد خان ولد محمود خان (ناصر الملک) و سوارهٔ نظام تسبر گردید کی امان
الله خان (بهاء الملک) برادر محمود خان را معزی الیه سپردند نور محمد خان قاجار بمنصب سرتیپی سرافراز و مخلع شد زین
العابدین خان بیرانوند بسرهنگی و یکطاقه شال خلعت نایل گردید عبد الحسین خان اشرفی نایب ایشیک آقاسی باشی شده
مخلع گردید مسیو سنابتو طبیب فرنگی به پنجاه تومان اضافه مواجب و صد تومان پول داد و اگر قرار شد هر ساله بار رحمت
شود و یکطاقه شال ترمه نایل و مخلع گردید یک جعبه تفنگ انکلیسی بسیار ممتاز بسامخان ایلخانی خراسان مرحمت کردند
افراسیاب خان نردینی با سواره ترکمان که بتاخت و تاز آن صفحات آمده بودند محاربه کرده بعضی را مقتول و برخی را زنده
دستگیر و بقیه را منهزم کرد ماموریت ماموریت تبریز و بولایات موقوف و مقرر شد ارسال و مرسول احکام بتوسط
چاپاران باشد میرزا فضل الله وزیر نظام از آذربایجان بدار همایون آمده بمراحم مخصوصه و اعطای یکثوب جبهٔ
ترمهٔ اعلی سرافراز شده دوباره سریعا حسب الامر معاودت بآذربایجان کرد ملک الکتاب با عطای یکثوب جبهٔ ترمه نایل
و مفتخر گردید چون در ایامیکه در اروم ناخوشی وبا بروز کرد اهالی آنجا مورد بعضی خسارات شدند چهار هزار تومان
نقد و دویست خروار جنس تخفیف بآنها مرحمت شد ماهی هزار من شکر سفید بسیار خوب از مازندران حمل بدار الخلافه
میشود همدر اینسال حاجب الدوله والد مؤلف مامور ساختن عمارت دوشان تپه گردیده در دو تپه مزبوره عمارتی
بسیار عالی با شکوه و خوش منظر بنا نمود و روز تشریف فرمائی موکب همایون بآنجا یکثوب کلیجه پوش معزی الیه مرحمت
فرمودند و از آن اوان الی الآن نیز بر عمارات دوشان تپه افزوده شده است همدر اینروز موکب همایون از دوشان تپه
تشریف فرمای قصر قاجار شده قشون حاضر رکاب مشق کاملی کردند یکثوب کلیجه پوش باجودانباشی و معلمین مشق
فرنگی را نیز همه شالهای ترمه کشمیری و غیره خلعت مرحمت فرمودند این اوقات یکروز جناب صدر اعظم و جناب نظام
الملک و اجودانباشی و جمعی از امرا و صاحب منصبان بزرگ نظام بمجمع الصنایع که حسب الامر حسینعلی خان معیر الممالک
دایر نموده و انواع و اصناف صنعتگران قابل مملکت را در آنجا فراهم آورده بود رفته ارباب حرف را تشویق
زیاد نموده و خواجه احمد ساعت ساز یزدی را که از مشاهیر صاحب صنعتان ایرانست یکصد تومان اضافه مواجب
دادند شب شنبه دهم جمادی الثانیه یکساعت و بیست و پنج دقیقه از شب گذشته آفتاب از برج حوت بحمل تحویل

نمود

نمود و سلام خاص و عام در حضور همایون منعقد گردید اسکندرخان سردار را بحکومت خوی و میرزا هاشمخان را بحکومت
نهاوند منصوب فرمودند و سرکردگی سواره خزل بمیر مطلبخان پسر هاشمخان تفویض شد مرتضی خان قاجار بمنصب
مؤللر آقاسی گری غلامان سرکاری نایل شد چون در سنه ماضیه در آذربایجان رعایا بواسطه بروز ناخوشی وبا مبتلا بضرر
و خسارت شده بودند محض تفضل درباره آنها ده هزار تومان نقد و هزار خروار جنس از مالیات سال گذشته و ده هزار
تومان نقد و هزار خروار جنس نیز در هذه السنه تخفیف مرحمت شد نیز یکهزار تومان باسکندرخان سردار مرحمت فرمودند
که عمارت دیوانی خوی را که قریب الانهدام بود تعمیر نماید خلیفه عبدالرحمن خلیفه مرو پسر خود را با پنجاه نفر از رؤسا و کدخدایان
مرو بخدمت نواب حسام السلطنه حکمران خراسان فرستاده اظهار انقیاد مینماید و مستدعی است حاکمی از برای مرو از
جانب اولیای دولت علیه تعیین شود اردوئی که با عبدالله خان میرپنجه ببلوچستان رفته بود از بمپور و قلعه سرباز و تمام
خاک بلوچستان تجاوز کرده بقلعه سور میچ حوالی مکران رسیده و در هر جا طایفه بلوچ از بادیه نشین و غیره تقدیم
خدمات نمایان ساخته اند سردار علیخان سیستانی که همیشه اظهار انقیاد بکارگذاران ابد دولت جاوید شوکت مینماید از وقتی
که امیر علیخان قاینی و حسنخان جلیل وند بسیستان وارد شده اند بیرق دولت علیه را در سر قلعه کوه که از قلاع معظمه
سیستان و محل توقف خود سردار علیخان است نصب کرده و پسر خود را با پسران دوستمحمدخان و ابراهیم خان سیستانی همراه
کرده بمیر علیخان سپرده خود را یکباره در ظل حمایت و ربقه اطاعت ابد دولت ابدآیت کشید

چون شاهنشاهزاده اعظم سیف الدین میرزا بمنصب ولیعهدی کما اختصاص یافته بودند در این اوان رسما این معنی انتشار
یافته در تمام ولایات ممالک محروسه جشن گرفتند محمد حسن بیک پسر مرحوم محمد خان مصلحت گذار سابق دولت علیه
مقیم اسلامبول بمنصب نیابت مصلحت گذاری اسلامبول سرافراز شد حاجی محمد حسینخان را مأمور بندرعباسی و انتظام آن
صفحات فرمودند نواب مؤید الدوله را حکمرانی ولایت همدان دادند ولیمرادخان ترکان که از معتبرین ریش سفیدان
طایفه سار و قاسمی است با جمعیت نفر دیگر بارض اقدس بخدمت نواب حسام السلطنه آمده مستدعی است که بخدمتگذاری این
دولت علیه قبول شود میرزا محمد خان سرکشیکچی باشی باعطای کلیجه ترمه پوش مبارک مفتخر گردید نواب مصطفی قلی میرزا
حکمران مازندران بپانصد تومان اضافه مواجب نایل گردید داودخان بحکومت ارامنه و نصارای محالات ارومی
و سلماس و خوی سرافراز گردید سلیمانخان چون خدمات بدولت علیه کرده بود بعد از وفات او ولدان او مورد
مرحمت شده جهانگیرخان را بمنصب سرتیپی و بزمانخان را بنیابت اول اجودانباشی مفتخر فرمودند حاجی میرزا علینقی
باغمیشه بکلانتری تبریز سرافراز شد صد و دوازده نفر از مرضای افواج قاهره این وقت در مریضخانه دولتی باهتمام
میرزا محمد ولی حکیمباشی نظام صحت یافتند قشون ظفرنمون که بطرف مکران رفته بودند قلعه مکران را که از قلاع صعبه
مستحکم است تصرف نموده و سردار دین محمد خان که مقدم بزرگان بلوچستان است بدو اظهار مخالفت از در اطاعت
درآمده است تاکنون بصفحات مکران کسی قشون نبرده بود در قلاع و نواحی مکران قریب بیست هزار اهل تمکن دارند
ذوالفقارخان خمسه بسرکردگی سوار خمسه برقرار گردید بمنصب سرتیپی فوج نصاری را بحسنخان پسر حاجی بیجنخان
مرحمت کردند مالیات چیان طلبه سبزوار را بکلی بخشیدند نواب اردشیر میرزا را حکومت دار الخلافه باهره دادند
بوزارت میرزا موسی مرحوم و با در دار الخلافه بروز کرده است شب چهارشنبه بیست و پنجم رجب در شیراز زلزله
سخت شده و خرابی زیاد رسانیده و تقریبا زیاده از دوازده هزار نفر تلف شدند صاحبمنصبان و آحاد قشونی که
همراهی عبدالله خان میرپنجه در فتح قلاع کیج و مکران بلوچستان خدمت کرده بودند بنشان و انعام و خلعتهای نو

سرافراز

سرافراز شدند دیگر بادی از سمت شمال وزید که ابتدا زرد رنگ و بعد سرخ و بعد سیاه گشته است در خلخال و خمسه وبا بروز کرد آقا اسمعیل خوئی بلد از عساکر منصوره بخزانه داری کل نظام و لقب خانی سرافراز گردید چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان مخلع گردید در آخر سامان دشتی که تا بندر کنگان سه فرسخ است تگرگ عجیبی بارید و خرابی زیاده نموده دانه کوچکتر آن ده سیر وزن داشت یکدانه آن بر سر زنی خورده فی الفور او را هلاک نموده است علیخان سوادکوهی که قراول ارک پادشاهی و خزانه و حفظ وجود مبارک باو مفوض بود مرحوم شد خدمات او را کلا رجوع بمیرزا کریمخان سرهنگ فوج سوادکوهی فرمودند قصاص آقای سرتیپ توپخانه با توپچیان متوقف دار الخلافه و فوج قدیم قراگوزلو با مجموعی مصطفی قلیخان میرپنجه قراول شهراند برج شهر کرمان که خرابی داشت تعمیر شد از غرایب آنکه در کرمان جوجه مرغ خانگی از تخم در آمده که دو سر داشت در یکسر سه چشم و سه منقار و در سر دیگر نه چشم و نه منقار و سایر اعضا آن مستوی الخلقه و چند روز زنده بوده و دانه میخورده بعد از آن مرده است در قم و کاشان و اصفهان و مازندران نیز ناخوشی وبا بروز یافت و مخصوصاً در مازندران چندی شدت کرد میرعزیزخان دربابیگی باعطای یکقطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی سرافراز شد آبادی و ابنیه عمارات دولتی و غیره دار الخلافه نسبت بچند سال قبل مضاعف شده هزار نفر سوار از ترکمن بعزم تاخت زوار بطرف شاهرود آمده محمد حسینخان خبر شده با جمعی سواره و پیاده سر راه بر آنها گرفته چهل نفر را مقتول و پانزده نفر را زنده دستگیر و باقی را هزیمت داد مسیو نیز معلم سواره نظام بعطای یکقطعه نشان نقره از مرتبه اول یاوری نایل و سه ماه مرخص شد که باستریه وطن خود رود نواب مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران بخلعت همایون سرافراز گردید کالسکه که بصاحب شعبانعلیخان بافتخار صید محمدخان ظهیرالدوله مرحمت شده بود چون بیگلربیگی هرات رسید معزی الیه استقبال نموده شرایط تعظیمات و احترامات را نموده در کالسکه نشسته داخل شهر هرات شد نواب نصرة الدوله حکمران فارس و بعضی اعیان فارس بخلعت همایون مفتخر شدند نواب عماد الدوله حکمران کرمانشهان نیز بخلعت همایون سرافراز گردیدند زودگری اسلامبولی در دار الخلافه در کمال خوبی کار میکند یکقطعه جیقه فرنگی ساز حسب الامر ساخته که نهایت ممتاز و پنجاه هزار تومان تمام شده است نواب نصرة الدوله از حکمرانی فارس استعفا نموده و نواب مؤید الدوله بحکمرانی فارس منصوب و مخلع شد اسدالله خان امیراخور بحکومت همدان و خلعت همایون سرافراز گردید جهانسوز خان بمنصب میراخوری مفتخر گشت زنی در کرمانشهان با آنکه شوهر نداشته بیک شکم چهار طفل آورده از پدر اطفال از او سؤال نمودند گفته بود در حمامی که مردانه بوده و بعد زنانه شده رفته ام و در آنجا آبستن شده ام بالجمله آن چهار طفل هیچیک بیش از چهار ساعت زنده نبودند نواب احتشام الدوله خانلر میرزا حکمران بروجرد و عربستان و لرستان و بختیاری بخلعت همایون سرافراز و امیرزاده جلال الدین میرزا نایب الحکومه لرستان شد عزیزخان آجودانباشی را منصب سرداری کل عساکر منصوره عطا فرمودند موکب همایون اواسط ماه ذیقعده عزیمت چمن سلطانیه فرمودند ناخوشی وبا از همه جا مرتفع شد میرزا محمدخان بیگلربیگی شیراز ولد حاجی قوام الملک مرحوم شده میرزا علیخان ولد او را بجای او بیگلربیگی و مخلع فرمودند نیز یکثوب جبه ترمه بجای قوام الملک خلعت مرحمت شد میرزا علی اکبر سرهنگ قورخانه بلقب خانی نایل گردید خان خیوه که بر سر مرو آمده بود شکست خورده علاوه در اردوی او ناخوشی وبا افتاده بطرف خیوه کوچیده است اردوی همایون در چمن سلطانیه و عده ملتزمین رکاب بیشتر هفتاد هزار نفر میرسد روز عید قربان سلام عام با شکوهی تمام منعقد گردید و بجناب صدراعظم در این سلام اظهار مراحم مخصوصه فرمودند بعزیزخان سردار کل و آجودانباشی یک راس اسب خاصه مرحمت شد

طامسن صاحب شارژدافر دولت انگلیس و دانرا اردوی پادشاهی کرد یدسنگ مثانه بیرون آوردن باهتمام و تعلیم کنز بولت
شایع شد و در یکسال بخود او بیست و سه سنگ در آورد که یکی هلاک شد و باقی بسلامت رستند
موکب همایون از چمن سلطانیه عزیمت دار الخلافه باهره فرموده روز بیست و هفتم ذی حجه تشریف فرمای طهران شد
و در تالار تخت مرمر سلام عام انعقاد یافت حاجب الدوله والد مؤلف که در این سفر خدمات شایان نموده بود بعطای یک ثوب
کلیجه تن پوش مبارک مفتخر گردید زرگر اسلامبولی ایلیت گرانبهائی که حسب الامر از جواهر خزانه مبارکه ساخته و در عید
غدیر در چمن سلطانیه بحضور مبارک برده مورد تحسین شد و اهل خبره آنرا بیست و پنجهزار تومان قیمت کردند بر حسب
استدعای نواب حشمة الدوله حکمران آذربایجان پانصد تومان بصنف شعربافی تبریز بتخفیف مرحمت شد حاجی میرزا
محمد خان نایب اول وزارت امور خارجه بلقب مهام خارجه و خلعت همایون سرافراز و از قزوین بآذربایجان رفت میرزا علیخان
که بیگلربیگی و حاکم شهر تبریز بود احضار و احمد خان نوائی که دیوان بیگی اردوی همایون بود بجای او مامور و روانه شد کلب
حسین خان نایب اول آجودانباشی بلقب امین نظام ملقب و بخلعت همایون سرافراز گردید اروپا (اسپانیول) شخصی قصد
قتل ملکه اسپانیا نموده او را مجروح ساخت کاستون از معارف اسپانیا در گذشت عربهای اسپانیا که دارای ادیان
مختلف هستند بموجب حکم سخت دولت بحسب ظاهر بطریقه کاتولیک میتوانند عبادت کنند وزرای تازه در اسپانیا
بصدارت رن کالی برقرار شدند در جزیره کوبا و مانیل زلزله سخت شد (آلمان) اعلیحضرت امپراطور اطریش بممالکی که در
ایطالیا متصرف بود سفر نمود پرنس شوارتزنبرک صدر اعظم اطریش در سن پنجاه و دو سالگی بمرگ فجاه در گذشت
نیز اعلیحضرت امپراطور بمجارستان سفر نمود عهدنامه تجارتی ما بین این دولت و دولت عثمانی بسته شد صد و شصت کرور
فلرن مجددا در این سال دولت قرض کرد نیز اعلیحضرت امپراطور اطریش ببرلن سفر کرده با اعلیحضرت پادشاهان پروس و
هانور و غیره ملاقات نمودند هم در این سال در لهستان متعلق بروس وبا بروز کرده و از آنجا بمملکت پروس سرایت نمود
پادشاه ایالت باد شارل لیوپلد فردریک در سن شصت و یکسالگی در گذشت و پسر بزرگ او لوی چون کم عقل و مبتلا بلقوه
صرع میباشد لهذا پسر دویم پادشاه مرحوم فردریک بر تخت سلطنت جلوس نمود کرنلیوس و اکثر از نقاشهای
معروف آلمان وفات نمود جمعیت پروس در این سال سی و دو کرور و پنجاه و پنجهزار و یازده نفر میباشد (انگلیس)
ژن رسل صدر اعظم دولت انگلیس تکلیف کرد که علاوه بر قشون معمول دولت یکصد و بیست هزار لشکر چریک بطور
ذخیره داشته باشد که هنگام لزوم با آنها اسلحه و لوازم جنگ بدهند و آنها را بخدمت مامور کنند وزرای دسته ویک
استعفا کرده وزرای توری برقرار گردیدند لرد دربی منصب صدارت یافت ولینگتن سردار و وزیر معروف انگلیس
در سن هشتاد و سه سالگی وفات کرد و عزای عام در مملکت انگلیس بجهت فوت او گرفتند مجلس پارلمنت بر ضد دسته
وزرای جدید باشند و وزرای دسته ویک مجددا منصوب شدند جنگ انگلیس با ایالت کافر در افریقه هنوز باتمام نرسیده است
دولت انگلیس به بیرمان فرستاده و فتوحات در آن مملکت نموده است بجهت انکشاف معدن طلا هشتاد و هفت هزار
نفر از انگلیس در مدت یکسال باسترالی مهاجرت کردند کشتیهای جنگی انگلیس که در این وقت موجود میباشد صد و سی و
سه فروند است آنچه در کشتی سازخانه دولتی میسازند بیست و یک فروند است در این تاریخ در جزایر انگلیس یازده
هزار و صد و پنجهزار ذرع یعنی هزار و صد و پنج کیلومتر راه آهن دایر است در ظرف یازده ماه بعد از انکشاف معدن
طلا تا این وقت معادل چهل کرور طلا وارد انگلیس شده تامس مور شاعر معروف ایرلندی در این سال فوت شد (ایطالیا) کونت
کوو بوزارت مالیه و بعد بوزارت بحریه آخر الامر بمنصب صدارت پادشاه پیمن برقرار شد در ساردین و بعضی

جاهای

جاهای دیگر شورش نمودند مجلس شورای مملکتی دو دوره منعقد کردید کوه آتشفشان اتنا طغیان نمود (پرتوغال) با
یلیکیا فی معاهده نمودند که از لیزبن پای تخت مملکت تا سرحد اسپانیا خط راه آهنی ممتد نمایند (بلژیک) عهدنامه تجارتی
بر ضدی با فرانسه بست و وزرای تازه بصدارت برد کرنام تعیین شدند روزنامه‌های بلژیک را سخت ممانعت نمودند که
نسبت بشخص سلاطین خارجه الفاظ مستهجن و بد ننویسند و اینفقره بخواهش دولت فرانسه بود و ابتدا قبول نمیشد
ولی آخر موقع قبول یافت (دانمارک) ایالتین اسلسویک و هلستین دارای وزرای مخصوص و پارلمنت مخصوص هستند
که دخلی بوزرا و پارلمنت دانمارک ندارند (روس) اعلیحضرت امپراطور روس با اعلیحضرت امپراطور اطریش در وین
و با اعلیحضرت پادشاه پروس با در زوجه خود در برلن ملاقات نمودند پرنس دلوشتان برلند داماد اعلیحضرت امپراطور
وفات نمود در اواخر پائیز در سنت پطرزبورغ و بابروزکرد راه آهن دولت روس در این سال سیصد و بیست هزار
ذرع است (عثمانی) رشید پاشا صدر اعظم عثمانی در ظرف سه ماه عزل و نصب شد در شامات دزدی و راهزنی بی
حد است علی پاشا بجای رشید پاشا صدر اعظم شد فواد افندی بمنصب وزارت خارجه رسید ابتدای خیال استقراض دولت
از خارجه و معادل ده کرور تومان پول ایران و اینفقره بواسطه عدم رضایت روس و اطریش و بعضی از اهالی خود عثمانی
انجام نمی‌یابد بایالت مصر اجازه میدهند که مستقلاً از انگلیس قرض کنند شورش طایفه دروز در شامات و شورش اهالی
منتنگرو و هرزگوین که مالیات نمیدهند مامور شد عمر پاشا بایست پنجهزار از قشون بر تنبیه اهالی منتنگرو و هرزگوین
(فرانسه) در بیرقهای فرانسه علامت و نمونه عقاب که ناپلئون اول اختراع کرده و مدتی متروک بود برقرار نمودند سکوکات
باسم و تصویر پرنس لوئی ناپلئون رئیس جمهوری مسکوک خواهد بود در ریاست ده ساله لوئی ناپلئون را عموماً قبول نمودند
مجلس سنا که عبارت از مجلس اعیان و اشراف و نجبای مملکت باشد برقرار کردید املاک و اموال لوئی فلیپ پادشاه سابق
فرانسه و اولاد او را حکم بضبط و فروش نمودند در ریاست مجلس سنا پرنس ژروم عموی رئیس جمهوری قرار میگیرد قانون وقتی
موسوم بقانون ناپلئون میکردد روز پانزدهم ماه اوت که روز مولود ناپلئون بوده جشن میگیرند رئیس جمهوری فرانسه
بایالات جنوب بوردو لیون و غیره و طولون سفر نموده و مردم او را امپراطور خطاب میکنند امیر عبدالقادر والی الجزایر که
در حبس فرانسه بود رئیس جمهور در عبور از شهر امبواز او را از حبس بیرون آورده ببروسا از خاک عثمانی
میفرستد و ورود رئیس جمهور بپاریس با کمال شوکت و جلال در عمارت سنت‌کلو و فرستادن وکلای ملت جمعی را
بجهت او و تمنا کردن که قبول ریاست جمهور را مادام العمر نماید بالاخره در ماه نوامبر امسال اغلب اهالی فرانسه جمع
شده پرنس لوئی ناپلئون رئیس جمهوری را ناپلئون سیم امپراطور فرانسه خواندند و پرنس ژروم عموی لوئی ناپلئون را
ولیعهد او قرار داده‌اند مارشال ژرار و مارشال اکزلمان فوت شدند کشتیهای جنگی فرانسه در امسال یکصد و
هشت فروند بود (هلاند) کشتیهای جنگی هلاند در این سال چهل فروند است (یونان) اهالی یونان تمکین
نمیکنند که متابعت کشیش بزرگ که در اسلامبول است نمایند و بواسطه تکلیفی که دولت با آنها مینماید در بعضی
ایالات شورش میشود در سواحل یونان طوفان سختی شد (افریقا) بعضی از سیاهان که در امریکا بودند مهاجرت
نموده برلیبریا که یکی از نقاط افریقا است آمده در این ناحیه بلباس جمهوری شبیه بجمهوری ینگی دنیا تشکیل داده‌اند
ناحیه لیبریا که در این سال هزار و سیصد متجاوز از هشتصد هزار سکنه دارد که سیاه پوستند و شانزده
هزار از آن سیاهانی هستند که از ینگی دنیا مهاجرت نموده باین ساحت آمده‌اند دول
اتازونی و انگلیس و بلژیک و پروس و برزیل و فرانسه رسماً دولت جمهوری افریقی شناختند امریکا (اتازونی)

اولکشتی که در ظرف نه روز و سه ربع ساعت از نیویورک بنابر لیورپول بندر انکلیس آمد کشتی موسوم بآرتیک
بود و این سفر در ماه دلو اتفاق افتاد جمهوری اتازونی رصدی فرستادند جمعی از دانشمندان انجا که از این مسافرت
و غرض از این مسافرتها انکشاف مسائل جدیده میباشد زیرا که بنادر ژاپن تا آن وقت برای هیچیک از ملل باز نبود
از اهالی چین چند هزار نفر بجهت کار کردن در معادن طلای کالیفرنی از مملکت خود باتازونی میآیند کلیسا از معارف اتازونی
در کذشت فرانسه و انکلیس هر قدر خواستند اتازونی را با خود متحد کنند که دولت اسپانیا را در نکاهداشتن
جزیره کوبا تقویت کنند قبول نکرد کشتیهای جنکی اتازونی در این سال سی و شش فروند بود (ینکی دنیای جنوبی)
ابتدای خیال مردم در حرکت بر روی شط آمازون با کشتیهای بخار در این سال بود خرید و فروش غلام و کنیز در دولت
برزیل بوساطت انکلیس موقوف شد توضیح آنکه شط آمازون از تمام شطهای روی زمین عظیمتر و بزرکتر است منبع
از نیل سرچشمه این شط از جبال آندا است بعد از طی پنجهزار و چهارصد هزار ذرع مسافت در محاذی خط استوا
بمحیط اتلانتیک میریزد در حوالی سرچشمه در جاها که عرض این شط خیلی کم است الی پنجهزار ذرع است اما نزدیک
بدریا عرض این شط دویست و هشتاد و شش هزار ذرع میباشد و عمقش سیصد و بیست و پنج ذرع زیادی آب
این شط بحدیست که وقتیکه بمحیط میریزد بمسافت صد و سی و پنجهزار ذرع در دریا طعم آب هیچ تغییر نکرده شیرین است
و مخلوط بآب دریا نمیشود انکشاف این شط در سنه هزار و پانصد و بیستم مطابق نهصد و شش هجری شد

سنه ۱۲۶۷ هجری — سنه ۱۸۵۳ مسیحی

آسیا (ایران) میرزا محمد خان سرکشیکچی باشی بکثوب کلیجه ترمه تن پوش مبارک سرافراز کردید و این ایام
حکم همایون شرف صدور یافت که قلعه مضبوطی در مرو ساخته بعلت ضرورت ساخلو قشونی در آنجا کذارده شود خلیفه
مرو که عریضه مشعر بر اظهار عبودیت بدربار معدلت مدار فرستاده بود از جانب سنی الجوانب خسروانه فرمان همایون مبنی
بر شمول مراحم ملوکانه خطاب بمعزی الیه صادر و بکثوب جبه ترمه برسم خلعت و سیصد تومان انعام نقد بافتخار او
مبذول شد و چون خوارزمیها محصول و زراعت انها را چرانیده و بواسطه کمی غله در صفحات مرو عسرتی حاصل است
امر فرمودند هزار خروار غله بانها بدهند که از این رهکذر آسوده باشند این اوقات فیما بین دولت روس و عثمانی
بنای جنک است لهذا سردار کل عساکر منصوره مامور آذربایجان شد که در آن سرحدات اغتشاش و بینظمی حادث نشود
جناب ایشان صاحب قنسول دولت انکلیس بمرخصی آن دولت چندی بوطن خود رفته بود این اوقات مجددا بدار
الخلافه معاودت نمود هادیخان ولد مرحوم عبدالعلیخان میرپنجه را بسرتیپی افواج نیشابور و تربت سرافراز فرموده
روانه خراسان شد که افواج مزبوره را سرکشی نماید علیخان سرهنک فوج چهارم تبریز بمنصب سرتیپی و نایب اول
اجودانباشیکری سرافراز شد میرزا زین العابدین سررشته دار مهاجر و سواره نظام بمنصب لشکرنویسی سید
جبرئیلخان پسر آقا لرخان کرجی نایب دویم اجودانباشی کردید علیقلی میرزا پسر نواب عماد الدوله بمنصب سرتیپی
سرافراز و از جانب نواب عماد الدوله بحکومت کلپایکان رفت نظام الملک برتبه شخص دویم و بنیابت صدارت عظمی
و لقب جنابی و تمثال همایون و حمایل آبی و سبز که مخصوص شخص دویمی است نایل و بوزارت شاهنشاهزاده معین
الدین میرزا نیز منصوب کردید عبدالله خان میرپنجه بازای خدمات بلوچستان و تسخیر قلعه بافتان بنشان میرپنجه کی
سرافراز کشت محمد یوسفخان سرتیپ پیشکار ری میرزا کوچک خان سرهنک فوج جدید کرمانی از جانب محمد حسن
خان سردار بحکومت یزد رفت سرپرستی ایل شکاکی را و میرزا محسنعلیخان پیشخدمت خاصه واکذار فرمودند

اسدالله خان حاکم همدان بلقب معتمد الملکی ملقب گردید نقد ریا پانصد ششصد نفر از طایفهٔ ضالهٔ بابیه در نیریز جمع شده
و در کوه نزدیک نیریز سنگرها بجهة خود ساخته بودند نواب مؤید الدوله حکمران فارس میرزا نعیم لشکر نویس و حاکم
نیریز و لطفعلی خان سرتیپ را با فوج شقاقی و غیره و چند عراده توپ مأمور دفع آنها نموده بعد از جنگی سخت سنگرهای
آنها را مسخر و صد نفر از آنها عرضهٔ شمشیر و باقی را دستگیر کرده قلع ریشهٔ فساد آنها را از آن حدود نمودند حاجی
یوسف خان سرتیپ ایل بیگی و خان مشد عباسقلی خان هشترودی حکومت هشترود یافت ناخوشی وبا بالمره از جمیع بلاد
ممالک محروسه مرتفع شد میرزا ابوالقاسم نقره نیشی بسررشته داری قراسبنقا و دویست تومان اضافه مواجب نایل
گردید میرزا محمد حسین صدد سفیر مخصوص منشی سفارت سنت پطرزبورغ معاودت کرد قافلهٔ بخارا که عازم مرو و مشهد
مقدس بود میر احمد خان جمشیدی با هزار نفر سوار اوزبک بجلو آنها رفته و قافله مزبوره در چهارجو ماند بهادر خان حسن خان
سبزواری را با سیصد نفر سوار فرستاده سواره میر احمد خان را منهزم و برخی را مقتول نمودند و قافله مزبوره بدون
آسیبی بمرو آمد برحسب استدعای خلیفهٔ مرو مرو بها علاوه بر قشونی که سابق مأمور مرو شده این اوقات نواب حسام السلطنه
والی خراسان سه فوج سرباز و پانصد نفر سوار و پنج عراده توپ و خمپاره با قورخانه روانه مرو نمودند که اگر تجار از تعرض
ارکنجی محروس دارند نواب حسام السلطنه با عطای یک ثوب کلیجهٔ ترمه تن پوش مبارک مباهی گردیدند و هزار سوار بخارائی
و غیره که در نزدیکی مرو سکنی داشتند و دست اندازی باموال و احوال مردم میکردند فرار نمودند چهارشنبه چهارم ربیع
الثانی بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی عز نصره بجهة امتحان متعلمین مدرسهٔ دارالفنون تشریف فرما شدند چون مابین
شیرعلیخان پسر امیر دوست محمد خان حاکم کابل و سردار کهندلخان سردار قندهار نقاری حاصل شده بود عبدالله خان
سیستانی را با فرامین و احکام مأمور آن صفحات فرمودند که آنها را براه مودت و اتحاد دلالت کند سردار سلطانعلیخان
پسر سردار کهندلخان که بخاکپای مبارک آمده بود او را بلقب مظفر الدوله ملقب و مخلع فرموده بمصاحبت او خلاع
فاخره و انعامات شاهانه برای سردار کهندلخان و محمد خان و مهردلخان و سایر خوانین مبذول داشتند خسرو خان
والی حاکم قزوین بعطای یک ثوب کلیجهٔ ترمه تن پوش مبارک سرافراز گردید میرزا محمد حسین صدر بوانات ملقب بعضد الملک
گردید کلوزن صاحب حکیمباشی آذربایجان بعطای یک قطعه نشان سرهنگی از درجهٔ اول نایل گردید برجیس صاحب
مباشر روزنامه و مترجم دیوان و میرزا عبدالله روزنامه نویس بخلعت همایون سرافراز گردیدند حاجی بابا پسر مرحوم
آقا حسین ملک التجار بادکوبه بعطای یک قطعه نشان درجهٔ دوم سرهنگی مفتخر گردید کبیتان زطی صاحب منصب مهندس
از اهل آستریه مسیو چارنوطا معلم علم معدن که در خدمت دولت ایران بودند وفات کردند قاسم خان صاحب جمع بیک قطعه
نشان سرهنگی از درجهٔ اول و یک رشته حمایل سفید و یک ثوب جبهٔ ترمه کرمانی سرافراز شد یک ثوب خرقهٔ ترمه بطانه
خز تن پوش مبارک بنواب فریدون میرزا فرمانفرما مرحمت فرمودند امیرزاده عبدالباقی میرزا ولد نواب مؤید
الدوله حکمران فارس بخلعت همایون سرافراز شد عالیجاه ملا اکرم مستوفی هرات چند راس اسب برسم پیشکشی از جانب
سید محمد خان حاکم هرات بخاکپای مبارک آورده مورد تفقدات شاهانه گردید قشون مأمور مرو را جمعیت کلی از
ترکمن سرخس و خوانین آنها استقبال کرده و منتهای خدمتگذاری را از آنها نموده و دویست نفر سواره سرخس تا مرو
همراه اردو رفتند ترکمانان طرفی نیز خدمت نواب حسام السلطنه والی خراسان آمده و نواب معظم هم را مستظهر
بمرحمت نموده الله یار خان ناظر بلقب عین الملکی و یک قطعه کمر مرصع مفتخر گردید جهانسوز خان امیر آخور بیک ثوب کلیجه
ترمه بطانه خز تن پوش مبارک سرافراز شد آقا محمد حسن صندوقدار بعطای یک ثوب لباده ترمه بطانه پوست مباهی

گردید

کردید آقا مهدی ملک التجار حسب الامر بعضی روزها مجلسی از اعیان تجار در سرای امیر تشکیل داده در ترقی امر تجارت
مذاکره مینماید محمد علیخان بختیاری هفت لنک که بدزدی و شرارت معروف و در یکی از قلاع صعبه آنجا متحصن بود
باهتمام نواب احتشام الدوله حکمران عربستان و لرستان و بختیاری و برهنجود قلع و قمع کردید قشون مامور مرو و اذرمرغ
شده مرو بها بذیرانه واستقبال از آنها نمودند نواب والا مؤید الدوله حکمران فارس بیکقطعه نشان امیر تومانی و حمایل
مخصوص این رتبه و یکثوب جبه ترمه از جانب سنی الجوانب مباهی کردید نواب فرهاد میرزا فرمانفرما بحکمرانی خراسان
نایل شدند و میرزا فضل الله وزیر نظام را متولی باشی حضرت رضوی سلام الله علیه و پیشکار امور خراسان فرمودند
نواب شاهنشاهزاده اعظم امیر قاسمخان امیر منصب امارت نظام مرحمت فرمودند نواب نصرة الدوله بنیابت نواب مستطاب
ولیعهد دولت علیه مأمور بحکومت آذربایجان کردیدند میرزا صادق مستوفی بلقب قایم مقامی و پیشکاری کل امور آذربایجان
سرافراز کردید سالار مهدیخان وولد ملوک و سالار الله بلوچ حسینانی نزد محمد حسنخان سردار حکمران کرمان و یزد آمده
تعهد خدمتکذاری بدولت علیه مینمایند شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران بیکقطعه نشان سرتیپی از مرتبه اول
و حمایل آن سرافراز کردید شالبافی کرمان خیلی ترقی کرده است شب سه شنبه بیست و یکم ماه جمادی الثانیه هفت ساعت و
هفده دقیقه از شب کذشته آفتاب از برج حوت بحمل تحویل نموده سلام خاص عید تحویل و سلام عام روز عید نوروز در
پیشگاه حضور مهر ظهور اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه منعقد کردید بندر عباس که از بنادر فارس و حکومت آن از جانب
اولیای دولت علیه بعهده شیخ یوسفخان محول بود بعد از شیخ یوسفخان شیخ عبدالرحمن و بعضی از مشایخ دیکر بخیال
خودسری افتاده صید ثوینی پسر امام مسقط را به بندر آورده با او عهد و میثاق کرده و دور شهر خندق حفر و آذوقه
و توپ و قورخانه و جمعیت از امام مسقط و صید ثوینی دریافت نموده بیست و هفت عراده توپ بزرک در بروج و بدنه
داشتند سوای توپهائیکه در جهازات متعدده از امام مسقط در روی دریا بود و بسنکر قشون دولت علیه کلوله می
انداختند نواب مؤید الدوله امیرزاده ابو القاسم خان را با توپخانه و فوج کلپایکانی و ابو یحیی نصرالله خان و فوج شقاقی
لطفعلیخان با مصطفی قلیخان یوزباشی و تفنکچی لاری مأمور بمحاصره بندر عباسی نموده ابتدا سنکرها و خانه های
شهر را بتصرف درآوردند از آن طرف هم صید محمد خان برادرزاده امام مسقط با چند جهاز و جمعیت زیاده از آنجا همراه توپ
بامداد آنها آمده تا در روز هشتم ماه جمادی الثانیه قشون ظفرنمون یورش برده بقهر و غلبه شهر را مسخر کردند و
قشونیکه بکمک مشایخ آمده بودند چنان سراسیمه شدند که اغلب از بیم جان نتوانستند خود را بقلعه و جهاز برسانند
و بدریا افتاده غرق شدند همچنین قلعه کهیر که از قلاع صعبه کرمسیرات کرمانست و بهواخواهی بندر عباس اهالی آنجا نیز
دم از خودسری میزدند روز ششم همین ماه بتصرف رضا قلیخان عرب و اسمعیلخان که با فوج عرب و فوج کرمانی
از جانب محمد حسنخان سردار حاکم یزد و کرمان بکرفتن آن قلعه مأمور بودند درآمد
جناب صدر اعظم بیکقطعه نشان امیر تومانی اعظم و یکرشته حمایل سبز که اول نشان این دولت علیه و مخصوص شخص
اول است و تاکنون بهیچیک از وزرای سابق مرحمت نشده و یکرشته شمشیر آبی که غلاف مکلل بالماس و مروارید نایل
و بلقب جلیل الشأنی (اشرف امجد) سرافراز آمدند حاجی جابرخان از حکومت محمره معزول و حکومت آنجا را بشیخ
حاکم که محصل مالیات شط العرب است مفوض نمودند جناب مسیو ابخلوف شارژدافر دولت روس در شانزدهم
رمضان وارد دار الخلافه باهره و دو روز بعد با اجرای سفارت بحضور همایون مشرف شد روز عید فطر سلام
عام در بنا و دار الانعقاد یافت حاجی محمد تاجر تبریزی که برحسب امر اولیای دولت علیه با چند نفر از ارباب صنایع

ایران سه سال بود برای اکتساب صنعت بلورسازی و شکرریزی و ریخته‌گری و نجاری و آهنگری و چلنگری به سنت
پطرزبورغ رفته بودند این اوقات مراجعت کرده همگی مورد تفقدات امنای دولت ابدآیت شدند و مقرر شد عجالة برای دو دستگاه
چرخ دستی کاغذسازی که همراه آورده اند کارخانه ساخته و چرخ راه بیندازند و بمحمودخان (جناب ناصرالملک)
مصلحت‌گذار مقیم سنت پطرزبورغ نوشته شد که دو دستگاه دیگر از همان چرخ کاغذسازی از آنجا خریده ارسال
نماید و حاجی مشاءالیه بمازندران رفته که بنای کارخانه شکرسازی در آنجا بنماید و در این اوان شکر سفید از مازندران
آوردند که بهتر از شکر خوب هند بود عبائی در کاشان از ابریشم بعمل آورده اند که مثل عباهای خوب نجف اشرف و
کربلای معلی است و حکم شد از این عباها بافند حاجی محمد شریفخان قاجار بحکومت ملایر و حیدرقلیخان شادلو
بحکومت اردبیل و اسدالله خان قاجار بحکومت قراچه داغ و یحیی خان ایلخانی بحکومت مراغه نایل گردیدند و وزارت طهران
و اوقاف را تفویض بمیرزا محمد حسین عضدالملک فرمودند متعلمین دارالفنون از نتیجه علوم خود کتب مفیده علمیه
تألیف میکنند سید محمد خان ظهیرالدوله حاکم هرات چند راس اسب بعنوان پیشکش باتفاق سردار صالح خان بدربار
همایون فرستاد امیر دوست محمد خان حکمران کابل نیز جعفرقلیخان کابلی را چون با عریضه بدربار معدلت مدار فرستاده
بود بعد از شمول مراحم کامله و انعامات شامله در حق جعفرقلیخان و همراهان او او را مرخص و یکثوب جبه ترمه پولک
دوز شمسه مرصع و یکراس اسب عربی ممتاز از اصطبل خاصه بانضمام زین و یراق تمام طلا برای امیر دوست محمد خان و دو
ثوب جبه ترمه زنجیره دار برای پسران امیر معزی الیه محمد افضل خان که در سمت ترکستانند و غلام حیدرخان بمصاحبت او
انفاذ فرمودند نواب احتشام الدوله حکمران عربستان و لرستان و بروجرد و بختیاری را بعطای نشان تمثال بی مثال
همایون مفتخر فرمودند این اوقات سالار مهدیخان با عریضه از جانب خوانین بلوچ نزد محمد حسنخان سردار حاکم یزد و
کرمان آمده از جانب آنها اظهار انقیاد نمود ولی از قرار مذکور امیر علیخان حاکم درزک جماعه سواری نزد ابراهیمخان
ضابط و مستحفظ بمپور فرستاده اظهار نموده که آزادخان خارانی جمعیتی جمع کرده که بسر درزک بیاید ابراهیمخان
نیز خوانین بلوچ را به بمپور خواسته که در صورت صدق مستعد دفاع باشند بعضی قشون عرض راه خراسان را جناب
صدراعظم امر بتنقیه نمودند محمد حسنخان پسر سردار علیخان سیستانی و شاه پسندخان و میرکالخان این اوقات
از سیستان بدربار همایون آمده علی قدر مراتبهم مورد الطاف ملوکانه شدند بعضی خوانین و اشخاصیکه در قلعه کهنه
فارس و قلاع بلوچستان خدمت کرده بودند این اوقات خلعت و نشان در حق ایشان علی قدر مراتبهم مرحمت شد
این اوقات حسب الامر اسلحه خانه مخصوصی برای اسلحه ممتازه و آلات حربیه سلطنتی بنا کرده و تمام اسلحه سلاطین ماضیه
و این عهد همایون را که همه ممتاز و مزین بطلا و مرصع بجواهر و از کارهای اساتید قدیمه و جدیده بود در آنجا
بنظم و ترتیب گذاشتند و همچنین کتابخانه مخصوصی برای کتب سلطنتی و قطعات خطوط اساتید بوضع بسیار خوش بنا
کردند مبالغی تخفیف مالیاتی بارامنه ساکن جلفا و بلوک فریدن اصفهان مرحمت فرمودند و هم این اوقات از طایفه
ترکمانیه با پانصد نفر سواره بعزم تاخت و تاز بقریه اوزبره که یکی از قرای سرحدی قوچان است آمده اهالی قلعه آنها را
دفع داده پس از یاس ترکمانان از غلبه بر آبادی بسوزانیدن و چرانیدن محصولات پرداختند یزدان ویردیخان برادر
سامخان ایلخانی مخبر شده قدرت الله آقا و غیره و سواره و شمخالچی و غیره را جمع آوری کرده بدفع آنها روانه شد
از آنطرف هم ترکمانان تدبیری اندیشیده قریب صد هزار سوار با بیل و کلنگ و نردبان بر سر قلعه خیرآباد که از قلاع
سرحدی قوچان است آمدند که آنجا را تصرف کنند سواره و شمخالچی دولتی جلو آنها را گرفته و با آنکه جمعیت قشون

ظفر

ظفر پیدا نموده زیاده از چهار صد نفر نبود آن سه هزار نفر ترکمان را منهزم و متفرق نمودند نظر باین حسن خدمت یزدان
ویردیخان یک ثوب جبه ترمه و یک قطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی با حمایل آن برای معزی الیه انفاذ و مرحمت شد میرزا
حسنخان برادر مرحوم میرزا نبیخان بنیابت حکومت عراق منصوب گردید حبیب الله خان پسر خسروخان کرمانی که رؤسای
اشرار بلوچ را بدار الخلافه آورده بود بعطای یک طاقه شال ترمه و یک ثوب قبای زری مفتخر گردید یکدسته از تراکمه
آلک نشین در بعضی از حدود خراسان بنای قلعه ساختن گذارده بودند محمد رحیمخان نایب الحکومه بجنورد مستحضر
شده بر سر آنها رفته آنها را متفرق ساخته و قلعه که ساخته بودند بکلی خالی ماند جناب احمد وفیق افندی ایلچی کبیر
دولت عثمانی از دربار همایون رخصت انصراف حاصل و بیک قطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس با حمایل
آبی از طرف همایون شهریاری نایل شده حیدر افندی مستشار خود را در غیاب خود بمصلحت گذاری برقرار نمود
راه کتل بالا و آبجرکه معبر راه مازندران ولی بسیار سخت و صعب المسلک بود بحکم جناب صدر اعظم بخوبی ساخته شد
در اوایل ماه ذیقعده بادی بسیار شدید و طوفانی تیره در صفحات گرمسیرات فارس اتفاق افتاده تقریباً صد هزار
نخل از نخلستانهای فیروز کازرون و لارستان را از ریشه کنده است فتح کلات و دفع جعفر آقای کلاتی که چندی
بود در ظاهر منقاد ولی در باطن مخالف دولت قوی بنیاد بود بامر و اهتمام نواب فرمانفرما حکمران خراسان و
میرزا فضل الله وزیر نظام و بپاداش این خدمت خلاع فاخره برای نواب فرمانفرما و وزیر نظام مرحمت و ارسال شد
دوشنبه دهم ذیحجه که روز عید قربان بود در دار دولت جناب صدر اعظم سلام عام در حضور همایون شاهنشاهی
منعقد گردید سنگ مرمری در کمال صفا و زینت با خطوط خوش بجهت مزار مزین آثار خاقان خلد آشیان
(فتحعلیشاه) نور الله مضجعه تمام کرده با تشریفات کامل بهمراهی جناب میرزا اسدالله بقم روانه داشتند اسمعیل خان
ولد مرحوم بشیر الدوله چاپارچی باشی دربار و مخلع گردید مواجب و جیره مرحوم بشیر الدوله نیز در حق او برقرار
و مواجب خود اسمعیل خان نیز باولاد بشیر الدوله مرحمت شد روز عید غدیر سلام عام نیز در دار دولت
منعقد و عموم چاکران بار حضور معدلت ظهور شاهانه یافتند خلیفه طاطاوس که بزرگ ملت ارامنه جلفاست
بدربار همایون آمده عرض کرد بعضی از حکام و عمال ولایات نسبت بارامنه چنانکه باید برسم عدل و اعتدال
حرکت نمیکنند لهذا فرامین و احکام موکده بحکام ولایات صادر شد که نسبت بجمیع ملل که رعایای دولت علیه اند
رعایت کمال العدل را بنمایند و خلیفه مزبور را مخلع و امیدوار اجازه انصراف دادند (چین) شورشیان از
جنوب بسمت شمال حرکت کرده شهر نانکن را گرفتند و دراس رئیس یاغیان تین پینگ که خود را از طایفه مغول
و از اولاد قبلای قاآن میداند و سلطنت چین را حق خود شمرده مینماید کانتون شهر دیگر را میگیرد شهر
اموی را ضبط میکند تا حوالی پکن میرانند (اروپا) (توضیح) قبل از اقدام بنگارش اخبار اظهار میدارد که بعد از
این هرجا ذکری از مسئله شرقیه شد مقصود از جنگ دولت روس و دولت عثمانی است که در سنه هزار و
دویست و هفتاد شروع شد و عهدنامه که در صلح منعقد شده و قراریکه دول متحابه عثمانی در حفظ حدود
و ثغور و عدم مداخله دول دیگر بکار داخله عثمانی داده اند و شرطیکه دولت عثمانی نموده است که نسبت
برعایای خودش کلیةً علی الخصوص بعیسویان تبعه خود چه قسم رفتار کند و بعضی مسائل و مطالب دیگر که باز راجع
بدولت عثمانی است اینها را مسئله شرقیه مینامند) و از اینجا که بنای نگارش اخبار ممالک بر ترتیب[2] که در اسم آن حروف تهجی است
مملکت بغایت میشود و بنابراینکه این مسئله تعلق کامل بعثمانی دارد بجای حرف عین نگاشته میشود

(اسپانیول) فوت ژن ژکزدیتی از فصحا و علما که در این وقت بسمت سفارت کبری تا در پاریس داشت نارواوژن
که جلای وطن یافته بود باجازهٔ مراجعت یافت افتتاح راه آهن از اران ژو از برتانیلک (المان) فوت ژنرال
رادوویدسراها آلی شهر میلان ایطالیا که جزو اطریش است بتجربت هانیبتی بنای باعسکری میکذارند یکی از اهل
مجارستان خیال قتل امپراطور را میکند بمهاجرین یعنی که در میلان بودند از طرف دولت اطریش کمال سختی میرسد
ویکتور امانوئل پادشاه ساردین یعنی از اینفقره بدول فرنک شکایت میکند قطع مراوده و دوستی مابین اطریش
وسویس تاج سلطنت مجارستان و فرقه سن اشتین که یکی از ... علیسوتا بنسبت یاغیهای مجار در سه سال قبل از این تربیت
نموده پنهان کرده بودند مکشوف میکردد و بدست دولت اطریش میافتد در مملکت ساکس عروسی پرنس آلبرت ولیعهد آن
دولت تفصیل قتل امپراطور اطریش از انتشارات این تفصیلی است که از روی روزنامه معروف کازت دین در
بیستم فوریه هزار و هشتصد و پنجاه و سه مسیحی نوشته شده است
اعلیحضرت امپراطور با وجود انکه کشتنی بالای دیوار شهر وین خم شده پایین میان خندق را تماشا میکردند که یک
قشون در میان خندق مشغول مشق بود بعد از تماشای مشق امپراطور بالای همان دیوار دور قلعه مشغول گردش
شد شخصی از اهل مجار علی الغفله بیرون آمده با کارد ضربتی بپشت گردن امپراطور اطریش زد امپراطور شمشیر خود را کشید
که بقاتل زند کنت اندلی اجودان خود را بروی ضارب انداخته کارد را از دستش گرفته بر زمینش افکند جمعی بعینه که
از آنجا میگذشتند اجودان مزبور را کمک نموده قاتل را گرفتند امپراطور بدست خودش دهنه زخم را نگاه داشته بود
که خون زیاد از او نرود بعمارت رسید ولد آلبر که در آن حوالی بود امپراطور خود را بانجا رسانید بعد از انکه قدری آرام
گرفت بکالسکه نشسته بقصر سلطنتی رفت و بعد از دو روز کلبئه هبوی یا فنا سم ضارب لیبنی بوده دولت اطریش
یکدسته قشون بسرحد عثمانی مامور میکند که حمایت منتنگرو و هرزکوینها را بنماید در حالتیکه عمر پاشا با منتنگرو
و هرزکوین در جنگ است (انکلیس) کنت کیرالاندن بوزارت خارجه برقرار شد امتداد خط تلکرافی از
مملکت انکلیس بهلاند وبلژیک از زیر دریا افتتاح اکسپوزیسیون بزرک در دوبلن طایفه کافر که در سمت افریقا
با دولت انکلیس در جنگ بودند طالب صلح شدند کشتی جنگی بخاری که صد و سی توپ در آن بود باسم دوک ولینگتن
موسوم شد جنگ با برمان در کمال شدت در کرمی است افتتاح راه آهن هندوستان در بمبئی فوت کلنل بورن
که از طرف دولت انکلیس مامور بردن ناپلیون بجزیرهٔ سنت هلن بود و پنجی فاتح سند (ایطالیا) سفر برادر
پادشاه دوک دیژن بپاریس و لندن جزئی شورشی در توون پای تخت و در آستر (بلژیک) دوک دبرابان که
الحال ولیعهد دولتیم است بسن بلوغ عرفی که هیجده سال باشد رسیده با پدر خود پادشاه بلژیک سفری ببرلن و
وین و ساکس نمود آرشیدوشس ماری دختر یکی از شاهزادهای بزرگ مجارستان را بحباله نکاح آورد پادشاه
بلژیک و پسر و عروسش بانکلیس سفر کردند (پرتوغال) دنا ماری ملکه پرتوغال در وضع حمل اولاد هشتم میمیرد
پسر بزرک ملکه دن پدر پنجم که شانزده سال دارد بجای مادر پادشاه میکردد (دانمارک) بواسطه نداشتن
اولاد ذکور پادشاه دانمارک ولایتعهد را ببرادرزادهٔ خود کرستین میدهد (روس) ضبط املاک و موقوفات
طستانیها که برضد دولت هستند افتتاح راه آهن از سنت پطرزبورغ الی ورشو بسط مملکت و فتوحات
در ترکستان فتح خیوه و فرار خان خیوه ببخارا فوت اینژ ژرژ نویسنده معروف (سوئد و نروج) وبای شدید
در نروج علی الخصوص در کریستیانا پای تخت آن مملکت (سویس) جمهوری سویس مضایقه در قبول

تکلیف

تکلیف بعضی دول مینماید که روزنامه نویسها آن مملکت را مانع شوند نسبت بپادشاه و سلاطین خارجه بد
ننویسند و روزنامه را آنا دم میدانند زیرا که هنگام لزوم بسبب هشتهزار قشون حاضر میکند (عثمانی)
ابتدای مسئله شرقیه دولت روس در اوایل سنه بهانه معارکه کشتیهای اسلاو است بر ضد الکساندر والی آن
مملکت استعفای پرنس شیکا والی افلاق بغدان بواسطه بودن عساکر روس در آن مملکت اهالی قراداغ عثمانی در
شورش اند بر ضد دولت دولت اطریش حمایت از آنها میکند سفیری مخصوصا اندوین باسلامبول بعهد تکلیف بعضی
مطالب که راجع بقراداغ است میرود دولت عثمانی قبول این تکالیف را مینماید دولت روس طالب آزادی رفاهیت
تمام عیسویان تبعه دولت عثمانی است پرنس منچیکف وزیر بحریه روس مأمور باسلامبول و حامل نوشته سختی است
برای سلطان عثمانی دولت انگلیس و فرانسه بمحض اطلاع از این نوشته سخت دولت روس که تهدید بجنگ است سفائن
جنگی خود را بخلیج بزیکا که از آنجا باسلامبول سی و شش ساعت مسافت بیشتر نیست روانه میدارند پرنس گرتشاکف سردار دو
اردو و دخانه پروت که سرحد روس و عثمانی است تجاوز کرده تابستان ایسال وارد خاک افلاق بغدان میشود در وین
پای تخت اطریش مجلس مشاوره دول که عبارت از انگلیس فرانسه باشد تشکیل مییابد سفرای کبار روس و اطریش و فرانسه و
انگلیس در مسئله شرقیه گفتگو مینمایند که بچه بطور باید داشت از این مجلس نوشته میشود تکالیفی که در این کاغذ ضبط
بود دولت روس قبول میکند اما دولت عثمانی رد مینماید کشتیهای جنگی فرانسه و انگلیس که جنگ میانه عثمانی و روس را
قریب بیقین میدیدند رو پیش روی باسلامبول میکنند قشون عثمانی بسرداری عمر پاشا از دانوب عبور کرده در حوالی
اولتنیتزا و تورکانی با قشون روس مقابل کرده آنها را شکست میدهد و در همان وقت شروع مخاصمه در اناطولی میشود
در بندر سینوپ یکقسمت عمده کشتیهای جنگی عثمانی را روسها شکسته غرق مینمایند رعایت عیسویها که تبعه عثمانی بودند
و روس طالب بود و فی الواقع میخواست آنها را باین اسم در تحت حمایت خود در آورد در این قسمت مملکت فرنگستان
عثمانی که سی کرور جمعیت شمرده میشدند بسبب دو کرور آنها عیسوی و باقی مسلمان یا ملل دیگر اند پرنس منچیکف وزیر
بحریه روس قبل از ورود باسلامبول در سواستاپل بسبب هفت کشتی جنگی روس را سان دید و مسئله عمده که اسباب
نقار شد و اعلان جنگ از طرفین کردند این بود که دولت عثمانی مصر بر این بود که قشون روس از افلاق بغدان
خارج شوند و دولت روس این فقره را نمیخواست قشون عثمانی در سمت اناطولی چند شکست خوردند در سمت ازمیر
طایفه سیتیخ طرحی بنای دزدی و غارت گذاشتند عباس پاشا والی مصر بر ضد روس و هند منکه داد عثمانی است و عده
بلیغ نمود که جوابات از مصر بخارج نبرند دول فرنگ بطلان این حکم را از عثمانی خواستند که بمحض تکلیف عباس پاشا
قبول نمود (فرانسه) مزاوجت اعلیحضرت امپراطور ناپلیون با اوژنی صبیه یکی از سرداران و بزرگان اسپانیا بواسطه
بدی حاصل ایتالیا از اطراف بحکم اعلیحضرت ناپلیون غله زیادی بمملکت فرانسه آوردند سدی که در شربورک هفتاد
سال بنا کرده بودند تمام شد در استانی نول کالدنی بتصرف فرانسه آمد فتوحات ژنرال بیکو و ژنرال
ماکماهون در الجزایر (هلاند) بنادر جزایر ملوک که از متصرفات هلاند است بتجارت جمیع دول باز میشود (یونان)
نزلزله سخت در شهر تب میشود امریکا (اتازونی) رئیس تازه جمهوری ژنرال پیرس در صدد وسعت مملکت و
آبادی است نقار جمهوری اتازونی با دولت اطریش بجهت حبس یکنفر از تبعه اتازونی آکسپوزیسیون عمومی در نیویورک
(مکزیک) آرنیستا رئیس جمهوری اضطرارا استعفا نمود از مکزیک خارج میشود سانتا آنا بجای او منصوب و
قوانین جدیده ایجاد میکند و قشون را منظم میسازد و تمنای این را از ملت دارد که مادام العمر رئیس بوده و لیعهد ش

که باید

که بایستی بعد از فوتش بجای او باشد خود معین کنند

سنه ۱۲۷۱ هجری   سنه ۱۸۵۴ مسیحی

۱ آسیا (ایران) چون خاطر همایون پادشاهانه همواره متوجه آسایش عموم اهالی کشور و لشکر است بعد از فتح کلات
مقرر فرمودند سیورسات قشون ساخلوی آنجا را در سنه آینده برسانند که همیشه آذوقه پنج شش ماهه حاضر داشته
باشند و با اهالی کلات نیز کمال مرحمت مبذول افتاد در این سفر بدلاور رؤسای ترکمن سرخس از طایفه آقتمش و تقمش که
هر طایفه دوازده تیره و هر تیره هزار خانوارند بخدمت نواب فرمانفرما حکمران خراسان آمده اظهار انقیاد و استدعای
خدمتگذاری یافتند و دولت علیه را نموده قرار و مدار دیگر باید داده راه اطاعت می‌پیمایند قلعه روئین دز نهاوند را تعمیر
کردند نواب سیف‌الله میرزا بحکمرانی قزوین برقرار گردید شب عید مولود همایون همه جای ممالک محروسه جشن گرفتند
و سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت نواب مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران مرحوم و نواب احمد میرزا بحکومت
مازندران و خلعت همایون سرافراز شد و میرزا اسدالله مستوفی بوزارت مازندران برقرار و مخلع گردید مهرعلیخان
سرتیپ افواج فارسی را بلقب شجاع الملک و خلعت همایون مفتخر و جمیع قشون فارسی را بو امجمع مشار الیه فرمودند
میرزا عبدالرحیم اجودان وزارت خارجه بمنصب نیابت اول سفارت دولت علیه مقیم اسلامبول و لقب خانی سرافراز و مخلع
و روانه محل مأموریت شد میرزا حسینخان (سپهسالار اعظم مرحوم) کارپرداز سابق بمبئی بمنصب جنرال قونسولی مأمور تفلیس
با عطای جبه ترمه از ملابس خاصه سرافراز شد سیف‌الله خان شاهسون مرحوم شد و سرکردگی سواره شاهسون را ببرادر
او لطفعلی خان مرحمت فرمودند و برادر کوچکتر آن مرحوم هدایت‌الله خان بمنصب ایل‌بیگی گری طایفه مزبوره برقرار گشت
جناب حاجی ملا اسدالله معروف بحجة الاسلام از علمای معتبر بروجرد بمرض مطبقه بجوار رحمت الهی پیوستند حوض سلطان
که آب‌انبار بود بحکم جناب صدراعظم استخرهای آب ساختند عمارات دیوانی اصفهان را تعمیر نمودند نواب فریدون میرزا
فرمانفرما بعد از نظم سرحدات و حول و حوش کلات بطرف آخال رفته که آن حدود را هم نظم دهند در سنه بد هند حسنخان
یاور توپخانه بمنصب سرهنگی توپخانه مبارکه سرافراز گردید حیدر علیخان سرهنگ که در سفر خراسان خدمات کرده
بمنصب اول اجودانباشی سرافراز و مأمور آذربایجان شد شنبه چهارم ماه ربیع الاول بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی
تشریف فرمای مدرسه دارالفنون گردیده متعلمین را پس از امتحان مفصلی مفتخر نموده بترقیات اعطای خلعت و انعام با مواجب
و نشان فرمودند و محمدخان میرپنجه که در تربیت شاگردان مدرسه مراقبت کرده بود بیک ثوب کلیجه ترمه تن‌پوش
مبارک سرافراز گردید و رضاقلیخان ناظم مدرسه نیز بخلعت همایون مفتخر گشت گنبد مطهر حضرت امامزاده عبدالعظیم
علیه السلام را حسب‌الامر تعمیر و طلا کردند نواب فریدون میرزا فرمانفرمای خراسان که بطرف آخال و نظم آن حدود
رفته بودند ترکمانان اتک‌نشین با بعضی از سپاه منصوره دو چار و پس از قدری محاربه منهزم و فرار کرده نواب والا جمیع اماکن
و قلاع آنها را که سی و شش قلعه بود منهدم و خراب و تمام آذوقه و اسباب و تر و خشک آنها را نیز با آتش قهر می
سوزانند و بنا بر اهتمامات نواب معظم در آن نظم و تنسیقات یک ثوب قبای ترمه تن‌پوش مبارک و یک قبضه کارد دسته مرصع
مکلل بالماس از جانب سنی الجوانب همایون برای نواب معظم له و ملتزمین خدمت و همراهان فرمانفرما و اینها نیز بعواطف و خلاع
فاخره و امتیازات دولتی سرافراز شدند جناب حاجی میرزا باقر مجتهد و امام جمعه تبریز مرحوم شد در این اوقات
قافله که از هرات بمشهد مقدس می‌آمده گرفتار محمد شیخ و اسیر شده اند و خبر بصبیل محمدخان ظهیرالدوله رسیده
جمعیتی را باستخلاص آن قافله فرستاده سواره جامی و خوافی و هزاره با امداد جمعیت هراتی رفته با همراهان شیخ محمد جدال

نموده برخی را مقتول و بسیاری را منهزم و اسرا را خلاص نموده فراریها را تعاقب کردند چون اسرا و کوسفند که از تراکمه
پس گرفته شد متعلق برعایای دولت علیه بودند نواب فرمانفرما و وزیر نظام بسید محمدخان نوشته بودند که عذرخواهی نماید
سواره همراهی اسرا و کوسفندان را رد نمایید و چنین کردند محمد علیخان بختیاری چهارلنگ که مدتی بود مصدر شرارت
شده و در قلعه دزکه از قلاع محکم است متحصن گردیده امیرزاده ابراهیم میرزا برای دفع او استعدادی فراهم آورده و بر سر
قلعه او رفته پس از سه چهار روز کوشش و محاربه قلعه را مسخر کرده و محمد علیخان نیمه شبی فراری و متواری شد و امیرزاده
را بپاداش این خدمت از طرف دولت یکطوب جبه ترمه مخلع فرمودند محمد ولیخان بیکلربیکی حکمران استراباد بیکقبضه
شمشیر یراق طلا کلاه مرصع سرافراز شد جعفر آقای کلاتی که بعد از فتح کلات فرار بجنوب کرده بود بقرایاب بشتافته
باهزار سوار قرایایی بقصد گرفتن کلات می آید سربازان و قراولان خبر شده بنای شلیک را میگذارند و میرابراهیمخان
سرتیپ را مطلع نموده معزی الیه سه سر سربازی یکصد سرباز مزبور فرستاده بعد از پنج شش ساعت جنگ نموده با آنکه شب
بوده شکست فاحشی بسواره قرایایی داده همه را مقهور و متفرق مینمایند پل خواجوی اصفهان را تعمیر کردند سنبلات
مازندران و استراباد را بمیر علی اکبرخان دریابیکی و میرعبدالصمدخان سپرده و مشارالیهما را خلع فرمودند میرزا
حسنخان نایب الحکومه عراق که کابین شهر سلطان آباد و باغات و عمارات دیوانی را مرمت و تعمیر و غرس اشجار کرده
و از بلاد دیگر از هر قبیل ارباب صنایع باین شهر آورده سکنی داده محمد حسنخان سردار حکمران یزد و کرمان در قلع و قمع و قتل
و اسر اشرار بلوچ که بقصد تاخت و تاز و دستبرد ببعضی از حدود کرمان آمده بودند شرط خدمت بجای آورده عیسی خان
والی حکمران گیلان یکقبضه کارد دسته مرصع و یکطوب کلیجه ترمه تن پوش مبارک مخلع و برای معزی الیه فرستاده شد
منصب مخزنداری قورخانه با یکطوب جبه ترمه کرمانی بحاجی میرزا موسی خان مرحمت شد در ازای خدمات بندر عباس
یکقطعه نشان سرتیپی اول با یکرشته حمایل سرخ و یکطوب جبه ترمه بامیرزاده عبدالباقی میرزا ولد نواب مؤیدالدوله و یک
قطعه نشان میرپنجی و یکطوب جبه ترمه بعبیدالله خان صارم الدوله مرحمت شد همچنین بسایر صاحبمنصبان نظام مراتب
و امتیازات کرده بنظر بخدمات نمایان رضاقلیخان سرهنگ فوج عرب در فتح بندر عباس او را بمنصب سرتیپی
سرافراز فرمودند محمد ابراهیمخان سرتیپ افواج اصفهان بخدمت اخذ امیر احمدخان اوزی که از جمله اشرار فارس بود
و محبوس نمودن او یکطوب جبه ترمه خلعت همایون سرافراز گردید لطفعلیخان سرتیپ قشقائی در ازای دفع شر قبایل
قشقائی که از سارقین و اشرار بودند نیز یکطوب جبه ترمه مخلع گردید نواب جهانسوز میرزا بمنصب سرتیپی دو فوج عرب
و عجم و خلعت همایون نایل گردید هم در این اوقات محاربه قشون ظفر نمون با محمد امین خان خان خیوه و کشته شدن او
اتفاق افتاد این تفصیل خوانین و حکام مملکت خوارزم که شهر معتبر و مشهور حال آن خیوه است از عهد سلف
همیشه در سلسله اطاعت و انقیاد سلاطین ایران بودند و اگر وقتی سرکشی و خود سری مینمودند از طرف سلاطین
ایران تنبیه و گوشمالی میدیدند در عهد شاهنشاه مبرور سامی محمد شاه غازی انارالله برهانه که حکومت محمد امین
خان رسید بواسطه بی اعتنائی امنای دولت تمرد از خدمت نموده سهل است پس از چندی بخیال تصرف مرو که در عهد
مخصوص ایران است افتاد و هر دو سه سال یکمرتبه بمرو آمده باسم زکات چیزی میگرفت تا در اوایل دولت قوی
شوکت باز برای اخذ زکات بمرو لشکر کشید نواب حسام السلطنه که در آنوقت فرمانفرمای خراسان بود افواج
قاهره را فرستاده او را شکست فاحشی داده دفع دادند این اوقات محمد امین خان با چهل هزار نفر قشون ترکمان و ازبکی و خیوه
و ترکمان جمع کرده برای تسخیر مرو آمد نواب فرمانفرما هم که بدایت این واقعه مطلع شد قشون ساخلو خراسان را

مستعد

مستعد دفاع او فرموده بودند بعضی از قشون ظفر نمون را از پیش بطرف سرخس حرکت داده خود شان نیز از عقب حرکت
کردند خان خیوه که مطلع شد پیش دستی کرده بر سر سرخس آمد بعد از چند روز محاربه با سرخسی و سپاه ظفر همراه
آخر عساکر دولت فایق آمده قشون محمد امین خان خان خیوه را منهزم کرده و با کمال جلادت دست برخود او یافته
او را با سی و دو نفر از بنی اعمام و محارم و خواص بقتل آوردند و آنچه بتحقیق پیوست دو هزار و دویست و هفتاد نفر از صاحب
منصبان خان خیوه کشته شده بودند شب سیزدهم رجب که شب عید مولود مسعود حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب
سلام الله علیه بود خبر قتل خان خیوه بدار الخلافه باهره رسید و شب پانزدهم رضا قلیخان با سرها وارد گردید روز شنبه
نوزدهم در سلام عام بعرض خاکپای همایون رسانیدند ذات ملکوتی صفات مقدس پاس حرمت اجداد خان خیوه را بسلاطین
با تمکین ایران و بزرگ زادگی او را منظور فرموده اختصاص سر او و کسان او را بحضور همایون اجازه ندادند و امر فرمودند
آنها را با کمال احترام تغسیل تکفین نمایند و در جائی مناسب دفن کنند نواب احتشام الدوله خانلر میرزا بپاداش خدمت
بستن سد ناصری در حویزه بیک قبضه شمشیر مرصع از جانب سنی الجوانب مفتخر گردیدند از غرایب اتفاقیه نخیلات شط
العرب دو مرتبه ثمر آورد حاجب الدوله والد مؤلف که در تعمیر و طلا کردن گنبد مطهر امامزاده عبد العظیم علیه السلام
مساعی وافیه نموده بود مورد مراحم مخصوصه گردیدند و بیست نیزه سر و شصت نفر اسیر و دو عراده توپ و یکعراده خمپاره
که نتیجه فتح قشون کرمانی در بندر عباس بود بدار الخلافه آوردند در این اوان محض مزید نظم و انتظام امور قشون
و استقلال امر ای کار دستخطی بقلم معجز رقم همایون خطاب بجناب صدر اعظم بشرف صدور پیوست
چهارشنبه دویم رجب یک ساعت و چهار دقیقه از طلوع آفتاب گذشته تحویل آفتاب بحمل و ابتدای سال خنزیر ما توشقان
ئیل شد و سلام خاص در عمارت کلاه فرنگی و سلام عام در تخت مرمر تشکیل یافت نواب علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه
بیکقطعه کل کمر مکلل بالماس مفتخر گردیدند میرزا فضل الله وزیر نظام متولی باشی و پیشکار خراسان چهار زوج در
نقره که هر یک دو ذرع طول و یک ذرع و سه چارک عرض دارد بجهت اطراف حرم محترم رضوی شرفها الله تعالی مزین
بنام همایون تمام و نصب نمود جناب مسیو انیچکاف شارژدافر دولت روس مقیم دار الخلافه بیکقطعه نشان دور
الماس مصور بتمثال بی مثال همایون سرافراز گردیدند در این اوقات که فوت مرحوم امپراطور روس نیکلا و جلوس
اعلیحضرت الکساندر دویم ولیعهد دولت مشارالیها اتفاق افتاد اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بتوسط میرزا
محمد حسین عضد الملک جناب مسیو انیچکاف شارژدافر دولت روس صاحب منصبان سفارت را دعوت بحضور
مهر ظهور مبارک فرموده بعد از اظهار تأسف زیاد از وفات مرحوم اعلیحضرت امپراطور و تهنیت جلوس اعلیحضرت
امپراطور الکساندر دویم بر سریر سلطنت ممالک روس بلفظ گوهر نثار ادا فرموده و پس از تفقدات شاهانه اجزای
سفارت را اجازه انصراف دادند نظر بخدمات میرزا محمد صادق قائم مقام بیکجام آئینه بتمثال همایون که بزرگترین
اسباب مفاخر است معزی الیه را مفتخر فرمودند محمد حسنخان سردار در سمت دروازه ارک و شهر کرمان تازه
باغی موسوم بباغ ناصریه احداث نمود میرزا شفیع تویسرکانی بوزارت کرمان رفت پل رودخانه قزل اوزن را
که از خاک کروس میگذرد چون خراب بود در کمال استحکام ساختند دکتر پلی فرانسوی که از فحول اطباست در
سلک چاکران دربار منسلک گردیدند حاجی محمد حسین جبه دار باشی مرحوم شد و میرزا نصر الله ولد مشارالیه جبه دار
باشی و مخلع گردیدند فوج جدید بحسب الامر از شقاقی گرفته شد چهار صد دست اسباب توپکشی سوای اسباب توپ
کشی سابق که در انبار بود حسب الامر دوخته تسلیم انبار قورخانه کردند جناب چارلس الیسن مری وزیر مختار ایلچی

مخصوص

مخصوص ولنا انکلیس که مامور باقامت در دربار دولت علیه بود وارد دار الخلافه و شرفیاب حضور مبارک شد
در اواخر ماه جمادی الثانیه شش جهاز تجارتی و چند بکاره در بندر لنکر بواسطه وزیدن باد توس و طوفان
شدید شکسته و غرق شده و تقریباً دویست هزار تومان بتجار خسارت وارد آمد میرزا محمد صادق قایم مقام بیک
قطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس مفتخر و مرخص شده بآذربایجان معاودت کرد میرزا صادقخان ولد مشیر
الدوله بسرهنگی فوج جدید شقاقی و خلعت همایون سرافراز گردید سرهنگی فوج اردبیل و مشکین بحسینعلیخان
پیشخدمت خاصه مرحمت و مرخص شده بآذربایجان رفته پل آق در بند را در کمال استحکام ساختند عمارت هزار جریب
اصفهان را تعمیر نمودند باستدعای میرزا محمد صادق قایم مقام بعضی (از رجال ایران) بحکومت منحصره آذربایجان و مناصب نظامی نایل
گردیدند میرزا محمد خان سرکشیکچی باشی غلامان سرکاری بواجبی خود خراسان داده باعطای یک ثوب کلیجه ترمه تن پوش
مفتخر گردید و بیست تومان بر مواجب محمد اسمعیل خان چاپارچی افزودند نظر بخدمات جناب نظام الملک در اتمام
دستور العمل سال نو حکام و ولایات یک رشته شرابه مروارید مرصع آویزه زمرد بمعزی الیه مرحمت شد میرزا رحیم پیشخدمت
محصل کل محاسبات بیک قطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی و خلعت همایون نایل شد میرزا فتح الله لشکرنویس باشی را
باعطای یکهزار تومان اضافه مواجب و کلیجه ترمه تن پوش مبارک سرافراز فرمودند گل محمد خان از اشرار و متمردین
بلوچ سنگر و قلعه اریندجان که مأمن و حصن او بود مسخر شد نواب والا عبد الصمد میرزا (عز الدوله) بحکومت بروجرد
برقرار و حاجی حسینعلیخان خوئی آجودانباشی سابق بوزارت نواب معظم منصوب شد حکومت ملایر و تویسرکان را
بنواب سیف الله میرزا مرحمت فرمودند عیسی خان والی گیلان بیک قطعه نشان تمثال همایون و یک ثوب جبه ترمه مفتخر
گردید محمد علیخان جوانشیر سرتیپ فوج اول خاصه مجاورت عتبات عالیات اختیار کرده محمد قلیخان سرهنگ جوانشیر
او بمنصب سرتیپی فوج مزبور سرافراز گردید بخانلرخان ولد کلبعلیخان افشار بمنصب سرهنگی فوج اخلاص افشار
منصوب گردید چشمهای حاجی نقیلیخان سرهنگ فوج کرندی بسبب امراض مزمنه نابینا شده منصب سرهنگی او را بملک
نیازخان ولد مشار الیه مرحمت فرمودند محمود خان سرتیپ مصلحت گذار در سنت پطرزبورغ (جناب ناصر الملک)
بلقب جنابی مفتخر گردید قشون ظفر نمون که در ابنیا الجزیره آل محمد و در فتح بندر عباس خدمت کرده بودند هر یک
از سرکرده و صاحبمنصب بفراخور استحقاق بمنصبی و عطائی نایل شدند چون ده دوازده هزار خانوار از اشرار ترکمن
و اویماقات تکه در قرایاب جمع شده و در آن حول و حوش بلکه گاهی در بعضی ولایات خراسان تاخت و تاز
میکردند نواب فریدون میرزا فرمانفرما بقصد تنبیه آنها بر سر قرایاب که اشرار مزبور آنجا را قشلاقی برای خود
قرار داده بودند رفته اشرار چون در خود تاب مقابله ندیدند از در استیمان در آمده نواب فرمانفرما آنها را از
قتل و نهب امان داده حکم بتخریب قلعه و کوچانیدن آنها بمواطن خود دادند و هشتاد خانوار با اغنام و کوچ از معتبرین
مرد کروی گرفته خانوار سلطان هزاره را در آنجا بحکومت منصوب کرده بمشهد مقدس معاودت نمودند و از
جانب سنی الجوانب همایون نواب فرمانفرما و هر یک از صاحبمنصبان که در رکاب والا بودند علی قدر مراتبهم
مورد مرحمت و نشان و منصب و خلعت گردیدند هفتم شعبان در دشتستان تگرگ شدیدی که هر دانه بقدر تخم مرغ
بوده آمده و تقریباً بیست نفر از اهالی آنجا و بسیاری از دواب و اغنام را تلف نمود دوم شعبان در شیراز
برق بخانه صفر سلطان فوج شیرازی زده یکنفر چاروادار و دو راس اسب را هلاک نموده خانه را هم خراب کرد نواب
مؤید الدوله حکمران فارس یکفوج از گرمسیرات فارس بسرهنگی باقرخان تنگستانی گرفته به بندر عباس فرستادند

که با فوج

که با فوج عرب و عجم رضاقلیخان سرتیپ ساخلو بندرعباس باشند جناب ژنرال برسیلف که از جانب اعلیحضرت
امپراطور دولت روس با نامه مودت نشانه اعلان جلوس اعلیحضرت امپراطور بتخت سلطنت مأمور دار الخلافه بود
همراهی بارن تولمبرگ پولکونیک که او نیز از طرف جناب مرادیف جانشین ممالک قفقاز با مراسله محبت بدار الخلافه
باهره و دربار همایون آمده بود باتفاق اجزای سفارت و نامه مودت نشانه بحضور باهر النور مبارک مشرف و مورد
تفقدات خاصه شاهنشاهی کردیدند نواب حشمة الدوله بحکمرانی اصفهان و خلعت همایون مفتخر و میرزا زکی گیلانی
به پیشکاری اصفهان کما فی السابق برقرار و مخلع کردید بداخذ عرایض سواری بعباسخان سرتیپ که از امنای دیوانخانه
و در رکاب مبارک سوار میشود رجوع شد عباسقلیخان پسیان بحکومت شاهرود و بسطام مأمور کردید محمد
حسنخان پسر شجاع الملک بحکومت کاشان رفت شیخ فارس خان حاکم محمره مخلع و برادر او شیخ حاکم خان بیک قبضه شمشیر
نقره غلاف ترکمه طلا نایل کردید بلقب سیف الملکی عباسقلیخان بعد از عطای القاب و نشان و حمایل میرپنجی و خلعت و
شمشیر و کمر مرصع و دیگر مرحمتهای شاهانه از جانب سنی الجوانب همایون با نامه مهر علامه برای تعزیت فوت مرحوم
امپراطور نیکلاوس بزرگ و تهنیت جلوس اعلیحضرت الکساندر دویم امپراطور کل ممالک روسیه بسمت ایلچی کبیری بدربار
روس رفت و قاسمخان کارپرداز سابق تفلیس بمستشاری این سفارت کبری نایل کردید جناب مسیو بوره وزیر
مختار و ایلچی مخصوص دولت فرانسه که مأمور سفارت دربار دولت علیه ایران بود به بندربوشهر وارد و از آنجا باتفاق
مهماندار مخصوص دولتی بدار الخلافه باهره آمده با اجزای سفارت و نامه مودت نشانه اعلیحضرت امپراطور شرفیاب
حضور مهر ظهور مقدس کردید امیرزاده عبد الباقی میرزا حاکم بندرعباس بمنصب سرتیپی و خلعت همایون سرافراز
کردید علیقلیخان میرپنج در ازای خدمات سفر خراسان باعطای نشان و حمایل از درجه اول میرپنجی و خلعت همایون
مفتخر کشت فوج بندپی جمعی نصر الله خان سرهنگ ساخلو اصفهان و فوج بختیاری قاپوی قراجه داغی جمعی محمد علیخان
سرتیپ مأمور ساخلو فارس کردیدند یازده عراده توپ با قورخانه به بندربوشهر بردند و چهار عراده توپ با قورخانه
نیز بعربستان مأمور کشت کلبعلی حسینخان نایب اول اجودانباشی بسرتیپی قورخانه و خلعت همایون سرافراز کردید
محمد قاسمخان که بسمت مستشاری سفارت کبری مأمور سنت پطرزبورغ و نیز برتبه مصلحت کذاری مأمور توقف
در پطرزبورغ شده بود بیک قطعه نشان سرتیپی اول با حمایل سرخ سرافراز و عازم محل مأموریت کردید بابابیک
افشار و رضا بیک سلطان یاوران توپخانه مبارکه بمنصب سرهنگی توپخانه سرافراز کردیدند میرزا قاسمخان
حاکم سراب و کرمرود حکومت خلخال یافت جناب ژنرال برسیلوف ایلچی دولت روس معاودت بروس کرد فتحعلی
بیک نایب اجودانباشی بسرهنگی فوج نیشابور و لطفعلیخان و کریمخان سرهنگ فوج نصاری نیز بسرهنگی فوج تبریز
و خلعت همایون سرافراز کردیدند حاجی شکر الله بیک یاور توپخانه بمنصب سرهنگی توپخانه و خلعت همایون نایل
کشت و همچنین سردار رحمدلخان حکمران قندهار با عریضه و پیشکش بدربار همایون رسیدند روز عید اضحی
در قربانیه که متعلق بجناب صدر اعظم است سلام عام در حضور اقدس همایون شاهنشاهی دام ملکه منعقد شد
میرزا علی اکبر اجودانباشی توپخانه بتحویلداری کل توپخانه و اصطبل توپخانه و صد تومان اضافه مواجب نایل
کردید دیوار حصار بوشهر را که در سمت دریا است با کمال متانت ساختند و جزیره خارک فارس را مرمت کامل نموده
و ساخلو معتبر و استعداد حربیه کافی در آنجا کذاشتند محمد حسنخان سردار حکمران یزد و کرمان در ماه ذی حجه
مرحوم شد (چین) یاغیها که برضد دولت بودند در صدد رسانیدن صدمه بقونسولخانه فرانسه که در

شانکهای

شانکائی است میشوند و باین واسطه عساکر فرانسه با قشون دولتی شریک شده یاغیها را از شانکائی خارج کرده
شهر را متصرف کارگذاران چینیه میدهند اهالی کانتون که نیز یاغی شده بودند تسلیم دولت چین شدند (اروپا)
(اسپانیا) تولد دختری از ملکه اسپانیا و فوت او بفاصله سه روز اخراج ملا نمودن اغلب از سرداران قشون را
نیکوی دولت بشلیک دو هزار سوار بکه متوقف پایتخت بودند شورش میکنند بیکی از سرداران که اخراج بلد شده بودند
میپیوندند شورش در اغلب بلاد سردارها را که اخراج کرده بودند معاودت دادند مادر ملکه را شورشیان زجرهای
وطن دادند و از حرکت او از مادرید پایتخت شورش بادی در شهر رو داد بروز وبا در بعضی از شهرها شورش
مختصری در مادرید شد دولت شلیک و با در جنوب این مملکت فوت دنکار لس (المان) ازدواج اعلیحضرت امپراطور
اطریش با البزابت از باجانهای باویر روز بر جنگ مملکت پروس اتحاد خود دولت را با روس مصلحت ندانسته از وزارت معزول
میشود فوت فردریک اگوست چهارم پادشاه ساکس بواسطه زمین خوردن از اسب سلطنت ثانی برادر پادشاه بجای او
افتتاح اکسپوزیسیون صنایع در مینیک پایتخت باویر در آخر اینسال اعلیحضرت امپراطور اطریش را دختری متولد شد
ابتدای راه آهن آن مملکت بوهم بجا رسانیدن بتوسط کمپانی فرانسوی (انکلیس) فرستادن یکدسته کشتی جنگی معتبر
بدریای بالتیک بسرداری امیرال نپیه اجزای مجلس پارلمنت قبول میکنند که از طایفه یهود جزو وکلای ملت بشوند
مراجعت کاپیتن ماکلور که راهی بدو محیط در سمت شمال و مغربی ینکی دنیا انکشاف کرده بود فوت دکتر بارت و
وادنلن دو مسافر که در وسط افریقا سفر کرده و انکشاف تازه نموده بودند (ایطالیا) در ایالت پارم
والی آنجا را که موسوم بدوک دپارم بود مقتول نمودند و زوجه او که خواهر کنت شامبر است طفل شش ساله خود را
والی نموده و خود بنیابت سلطنت اختیار میکند تا کبیر شدن او بروز وبا در ژن و مسین (ساردین از ایطالیا)
فوت مادر و زن پادشاه بفاصله ده روز و دوک دژن برادر پادشاه بفاصله پانزده روز از سایر فوت ژنرال الکساندر
مارمارا سردار در سواستاپول بمرض وبا (ناپل از ایطالیا) بروز وبا و قحطی و دزدی و شرارت و راهزنی بعلاوه
تعلق دولت بر تجنب در روم انطونلی صدر اعظم را میخواهند هلاک سازند اگرچه پادشاه ناپل کاملاً طرفداری
در جنگ روس و سایر دول متحده منظور کرده اما چون باطناً طرفدار دولت روس است دولت فرانسه و انکلیس
کمال نارضامندی را دارند (پرتوغال) پادشاه جوان این مملکت بسیاحت فرنگ میرود و در مراجعت چون بسن بلوغ
رسیده است خود بدون قیم بامور سلطنتی رسیدگی مینماید (بلژیک) شورش مردم در تمام مملکت بجهة گرانی
ماکولات علی الخصوص گندم اهالی پایتخت هم در شورش اند مسافرت ولیعهد و زوجه او باطریش و بعدها ولیعهد
تمام فرنگستان را سیاحت میکند و تا مصر میرود (دانمارک) عموی پادشاه پرنس فردیناند که هم ولیعهد دولت است
مغضوب میگردد (روس) فوت اعلیحضرت امپراطور نیکلا بعد از قلیل مدتی مرض در ماه حوت این سال ولد ارشد
مرحوم امپراطور الکساندر دویم که ولیعهد بود قبل از جلوس بسریر سلطنت وعده اجرای خیالات پطر کبیر
و سلاطین عظیم الشان روس را الی زمان سلطنت والد ماجد خود میدهد امر باحضار قشون زیاد از ممالک
روس میشود هزار ده نفر از نفوس دوازده نفر مرد باید باردوها بفرستند تمام راه آهن روس در اینسال زیاده
از هزار و چهل و پنج هزار ذرع شده بود (عثمانی) فرمان اعلیحضرت سلطان عثمانی که باید عیسویها هم جزو قشون
و سایر ادارات مشغول خدمت باشند دولت عثمانی قبول خیال مسیو لسپس فرانسوی را در حفر مجمع البحرین سوئز
نموده و اجازه اینکار را میدهد احمد پاشا والی تونس فوت میشود (مسئله شرقیه) کشتیهای جنگی

فرانسه

فرانسه و انکلیس در اوایل زمستان وارد قرادنکز میشود در سرحد دانوب عثمانیها بقشون روس حمله میبرند نوشته
شد با امر انکلیس و فرانسه بروس که حتما افلاق بغدان را خالی نموده بتصرف عثمانی بدهد اعلان جنگ اعلیحضرت
امپراطور روس بجمیع ممالک خود اظهار بیطرفی دولت ایران و دول سود و دانمارک در این جنگ نوشتجات مخفی که
مابین روس و انکلیس در باب تقسیم ممالک عثمانی مبادله شده بود انکلیس آن نوشتجات را بطبع رسانیده منتشر میکند
عهدنامه مابین عثمانی از یکطرف و دول فرانسه و انکلیس از یکطرف که دولت عثمانی من بعد نسبت برعایای عیسوی خود
رفاهیت منظور بدارد و رفع ظلم و تعدی از آنها بکند و ایجاد قانونی در ممالک عثمانی بشود که همه تبعه او امن و آسوده
باشند قطع مراوده عثمانی با یونان و ورود یکدسته قشون فرانسه به پیره بندر یونان فرستادن ماموری از طرف
شامیل [illegible] باسلامبول قشون روس با کمال تسلط در افلاق بغدان زیست میکنند در محاصره قلعه سلیستری
شکست بقشون روس وارد میاید ژنرال سکویچ سردار روس کاری از پیش نبرده ژنرال کورچاکف در این سمت
دانوب بجای او بسرداری مامور میشود قشون فرانسه و انکلیس که در وارنا متوقف بودند وبای سختی در اردوی
آنها افتاده آنها را متفرق مینماید لرد لکران سردار انکلیس و مارشال سنت آرنو سردار قشون فرانسه و انکلیس
هستند قشون روس بعد از محاصره از افلاق بغدان بمیل دول متحابه و امضای دولت عثمانی یکدسته قشون دولت اطریش
موقتا در آنجا متوقف میشوند شکست عثمانی در بایزید و قارص تکلیف صلح مابین روس و عثمانی بوساطت دولت اطریش
قبول نکردن اعلیحضرت امپراطور روس تکالیف صلح را ورود پنجاه هزار قشون فرانسه و انکلیس در اواخر تابستان بقرم
فتوحات قشون فرانسه در کنار رودخانه الما که با پنجاه هزار قشون روس جنگیده فتح کردند سردار قشون روس پرنس
منچیکف است فوت مارشال سنت آرنو سردار قشون فرانسه از مرض وبا نصب ژنرال کانروبر بجای او جنگ در بالاکلاوا
قتل زیاد سواره انکلیس که با قشون عثمانی متفقا میجنگیدند دو پسر اعلیحضرت امپراطور روس کراندوک میشل و کراندوک
نیکلا با قشون تازه که منچیکف رفته آورده بود در انکرمان با عساکر انکلیس و فرانسه در کمال سختی جنگ میکنند
فتح قشون فرانسه و انکلیس و شکست روس طوفان سخت در دریا و بیم غرق شدن سفاین جنگی فرانسه و انکلیس دولت
پروس هم باطنا با دول فرانسه و انکلیس و اطریش که برضد روس اند موافقت میکند کشتیهای جنگی انکلیس قلعه
سخت بمارسوند را که متعلق بروس و در جزیره آلاند در دریای بالتیک واقع است با کمال سختی با گلوله توپ و نارنجک
ویران میسازد استحکامات سواستاپل بواسطه تعلیمات تتلوبن مهندس روس بقدری سخت است که حملهای پی در پی
عساکر فرانسه و انکلیس رد شده بیفایده میکردد انعقاد مجلس کونفرانس در وین دولت روس میخواهد داخل این مجلس شود
اما دولت اطریش قبول نکرده میکوید چون عساکر خود را برضد روس با ما حاضر نکردی حق ورود در این مجلس ندارید
دولت ساردینی پانزده هزار نفر از عساکر خود را بجنگ روس و بکمک عساکر فرانسه و انکلیس میفرستد فوت مرحوم
امپراطور نیکلا که در ماه حوت اتفاق افتاده بهیچوجه وضع جنگ را تغییر نمیدهد عمر پاشا سردار عثمانی از طرف
دولت خود بکمک عساکر متحده وارد سواستاپل میکردد در کونفرانس وین دولت اطریش را که مقصود انعقاد مقدمات
صلح مابین دولتین روس و عثمانی بود بواسطه عدم قبول دولت روس که در قرادنکز سفاین جنگی نداشته باشد
کونفرانس وین مثمر ثمری نکردید دولت اطریش یکصد هزار قشون ذخیره که حاضر کرده بود مرخص میکند وضع
خود را در انظار طور دیگر جلوه میدهد که در مسئله شرقیه نمیخواهد مداخله بکند ژنرال پلیسیر سپهسالار کل
عساکر فرانسه شده وارد سواستاپل میکردد چند سفینه جنگی فرانسه و انکلیس بدریای آزوف ورود میکنند فتوحات

نمایان

نمایان از آنها معروف میشود در اوایل تابستان کار محاصرهٔ سواستاپل در نهایت که مینشت نظامیکه در تصرف عساکر
دول متحابه است خیلی نزدیک بقلعه و بجهت یورش مساعد است لرد راکلان سپهسالار انکلیس مریض و با کرشته وفات دارد
در سواستاپل فتح قلعهٔ معروف بملاکوف بواسطهٔ عساکر فرانسه بسرداری ژنرال بوسکه و ژنرال ماکماهون که در اوا فوت میشود
فتح سواستاپل از همان شد در اوایل پاییز ژنرال کورچاکف سردار روس بعضی از سفاین جنگی دولت خود را بواسطهٔ اینکه
مبادا بتصرف دشمن درآید غرق مینماید ژنرال پلیسیر سردار فرانسه بمنصب مارشالی میرسد قلعه جات و سنگرها
و استحکامات که در سواستاپل بود تماماً معدوم و با زمین مساوی گشته در کامشاتکا یکی از قلعه جات روس را
سفاین جنگی انکلیس و فرانسه خراب میکنند و تا دهنهٔ رود آمور میتازند در مملکت فنلاند متعلق بروس قلعهٔ را بضرب
نار بخلک متصرف میکردند امپراطور جدید روس اعلیحضرت الکساندر دویم به نیکلایف میاید زمستان بسیار سخت
امسال بجهت عساکر دول متحده اسباب کمال زحمت است فوت امیرال فرانسه برواد در دریا از مرض و با موراویف
سردار روس قلعهٔ قارص را که مهندسین انکلیس محکم ساخته اند محاصره نموده مامور شدن عمر پاشا بطرف باش آچق فتح قارص
در اوایل زمستان بدست سردار روس اتحاد دولت سوئد و نروژ با دول انکلیس و فرانسه (فرانسه) بجهت مصارف
جنگ دولت فرانسه معادل پنجاه کرور تومان پول ایران استقراض میکند و ملت زیاده از صد کرور تومان حاضر میکنند
مالیات دولت که عاید خزانه شده است سیصد و بیست کرور تومان پول ایران است مخارج دولت که وکلا معین کرده اند
که باید از آنقرار باشد سیصد و دوازده کرور و کسری تومان پول ایران است هشتصد هزار تومان وجه نقد دولت
بمصارف مقرره کرد روصیت نامهٔ ناپلیون اول است در جزیرهٔ سنت هلن مرسانده شده است و با در پاریس اعلیحضرت ناپلیون
و امپراطوریس بلندن بباز دید پادشاه انکلستان میروند شخص ایطالیائی که در پاریس در صدد قتل ناپلیون است بچنک آمده
مقتول میشود پادشاه ساردینیا و وزیر اعظم خود کونت کاوور بپاریس آمده در عمارت طویلری ناپلیون آن پادشاه
را پذیرفته اند افتتاح اکسپوزیسیون صنایع عمومی در پاریس که پنجاه امتداد دارد در پاریس کمپانی بجهت حفر نهر
مجمع البحرین سوئز مصر تشکیل یافت (هلاند) منع خرید و فروش غلام و کنیز در جزایر سمت هندوستان که متعلق
باین دولت است عهدنامهٔ تجارتی با دولت ژاپن (یونان) دزدی و راهزنی بشدت در این مملکت بروز جنک
که با دولت روس عداوت دارد بپادشاه خود که دوست روسها است کلمات مستهجن میگویند افریقا (مصر)
عباس پاشا والی مصر بجهت قساوت قلب و میلی که بخونریزی داشته دو نفر از غلامهای او را خفه میکنند عموی او
سعید پاشا که بزرگترین اولاد محمد علی پاشا و در فرنکستان تربیت شده بود در آن وقت بجای او والی مصر میشود
امریکا (اتازونی) کدورت مابین این دولت و اسپانیا بجهت حبس یکی از کشتیهای اتازونی در هاوان بدست
کارگذاران دولت اسپانیا عهدنامهٔ تجارتی با ژاپن دولت اتازونی در صدد است که میان دول متحابه و روس واسطه
شود دولت انکلیس از اهالی اتازونی داوطلب بجهت ماموریت بجنک مشرق زمین میخواهد در مجلس شورای کفتکوی
سخت بجهت آزاد کردن غلامان میشود در ایالت ویرژینی تب زرد حادث و بائی بهم رسانیده معادل شش کرور لنکه
(کیسه) پنبه از اتازونی بخارج حمل شده (مکزیک) در حوالی ماقامور و سان لوی فستون بد دولت یاغی شده شورش
مینمایند فرار رئیس جمهور قرار وضع دولت موقتی (ینکی دنیای جنوبی) افتتاح راه آهن جدید در برزیل از
جزایر کوچک شنکاسر که متعلق بمملکت پرو است که چندین هزار سال بود طیور دریائی آنجا سکنی داشته فضلات
خود را آنجا ریخته بودند تا آن زمان فرنگیها این انکشاف را نکرده بودند و تمامی اراضی این جزایر بچندین ذرع قطر از فضولات

طول بحری است از برای شوسه زمین خیلی مثمر ثمر میباشد در این سال انکشاف کرده کشتی کشتی ببلاد فرنک و سایر بلاد
ینکی دنیا بردند افتتاح راه آهن از شاکراتی پاناما بعد از پنجسال از شروع هشتاد هزار ذرع با هفتاد کرور تومان
پول از این مخارج شود شش شهر بدریموث و بد و (ینکی دنیای مرکزی) در شهرستان سال واقع کرد در برزیل واقع است
زلزله سختی شده خرابی زیاد وارد می آورد

سنه ۱۲۷۲ هجری — سنه ۱۸۵۵ مسیحی

آسیا (ایران) موکب همایون شهریاری به ری رداو به مهام دولتی توجه میفرمایند جعفرقلیخان ایلخانی بحکومت استراباد
و یکثوب جبه ترمه کشمیری مخلع گردید و میرزا اسمعیل خان مباشر مهام خارجه استراباد به پیشکاری استراباد نیز مأمور
نایل و مخلع گشت عبدالله خان میرپنجه ولد مرحوم محمد حسنخان سردار از کرمان بدربار معدلت مدار آمده بخلعت التفات
مفتخر گردید چون صید محمد خان ظهیرالدوله حکمران هرات بنای سوء سلوک با اهالی هرات گذاشته اعالی و ادانی
از خود رنجانیده از جمله کریمداد خان هزاره را بموجبی بقتل رسانیده بود اهالی آن ولایت هزاره را با اهل شهر کشیده و صید
محمدخان را گرفته و در جزو شاهزاده محمد یوسف که در خراسان مشغول خدمت بود نامه نوشته او را بحکومت
خواستار شدند مشارالیه نیز بمحض وصول این خبر فوراً بدون اینکه نواب فرمانفرما حکمران خراسان یا دیگری را مطلع
سازد بهرات شتافته و اهالی او را بحکومت خود اختیار کردند رستم خان سلطان بیاوری توپخانه سرافراز گردید مامور
ساخلو غربستان شد حاجی ملا محمود نظام العلماء برحمت ایزدی پیوست نادر قلیخان مافی از جانب حکومت آذربایجان
بحکومت ارومی و انزاب مامور شد شب ششم صفر که جشن عید مولود همایون بود در تمام ولایات ممالک محروسه گرفتند و روز
عید در روز سلام عام در حضور همایون منعقد شد میرعلیخان شجاع الملک را با عطای یکقطعه نشان از مرتبه
سیم میرپنجگی سرافراز فرمودند میرزا اسمعیل خان پیشکار استراباد و مباشر مهام خارجه آن ولایت بیکقطعه نشان از درجه
اول سرهنگی سرافراز گردید میرزا نصرالله اردبیلی مشهور بصدرالممالک در کرمانشهان مرحوم شد نصرالله خان خواهرزاده
اعلیحضرت اقدس شهریاری بمنصب نظام العلمائی و خلعت همایون سرافراز گردید میرزا فضل الله وزیر نظام را از خراسان
بدربار همایون احضار و میرزا محمد قوام الدوله را بوزارت خراسان برقرار و مخلع فرمودند آقاخان سرتیپ ایلات
قزوین بمنصب میرپنجگی و خلعت همایون مفتخر گردید میرزا محمد حسین عضدالملک بمنصب متولی باشی گری حضرت رضوی
سلام الله علیه نایل و مخلع گردید عباسقلیخان میرپنجه مامور گرفتن یکفوج جدید امیریه شد فرمان همایون که بسرافرازی
ارامنه خان و سایر کاتبان سرحنس شرف صدور یافته بود نهایت مایه امیدواری آنها گردیده پنج شش هزار خانوار با صداقت
در خدمت و اطاعت دولت علیه میباشند حکیم کلوکه فرانسوی وفات یافته حکیم پولاک بجای او بمنصب حکیمباشیگری
حضور همایون برقرار و بیک قطعه کمرالماس و یکطاقه شال کشمیری سرافراز شد محمد تقی بیک پیشخدمت ملقب بخانی نایل گردید
روز یکشنبه چهاردهم ربیع الاول بندگان اعلیحضرت همایون بامتحان شاگردان مدرسه دارالفنون تشریف فرما
مدرسه مبارکه شده از تو نقابهم بذل انعام و اظهار مرحمت فرمودند یکطاقه شال هفت رنگ بقیمت صد و پنجاه
تومان و طاقه دیگر سفید و آبی بقیمت صد تومان که بدستور العمل مرحوم محمد حسنخان سردار در کرمان بافته بودند
بدارالخلافه آورده با شالهای خوب کشمیری که بهترین قیمت است هیچ فرقی ندارد محمود خان کلانتر بیکرشته حمایل سفید
از مرتبه اول سرهنگی و یکثوب جبه ترمه سرافراز شد محمد قلیخان نوری غلام پیشخدمت بحکومت ثبت جدیدیه برقرار
گردید امیر [illegible] بن بازای خدمت فتح [illegible] که باحدود آمده بودند مخلع و میرعلیخان پسر مشارالیه بنشان از مرتبه اول سرهنگی

سرافراز

سرافراز شد غلامحسین‌خان سپهدار بحکومت کرمان و مضافات و یکثوب جبه ترمه دو زنجیره و یکثوب قبای ترمه از
ملابس خاصه مفتخر و میرزا محمد مستوفی سرکار را بوزارت و پیشکاری کرمان و خلعت همایون سرافراز فرمودند سواد
استانلوی خوار ابوابجمع محمد حسینخان پسر میرزا فضعلیخان مستوفی کردید بعبدالکریم بیک غلام پیشخدمت پسیان برادر عباس
قلیخان حاکم شاهرود و بسطام را بسرکردگی سواره و پیاده مزبوره مفتخر فرمودند امیر دوستمحمد خان سردار کابل بتجربه ملک
همسایگان قشون برسر قندهار کشیده آنجا را متصرف شده و اراده تصرف هرات را دارد میرزا عبدالله خان را
بمنصب استیفای خاصه و خلعت همایون سرافراز فرمودند میرزا جانی لشکرنویس مرحوم و میرزا باقر برادرزاده او بمنصب
لشکرنویسی برقرار و مخلع شد شخصی در فهرج نرماشیر ناخوش بود در حالت نزع وصیت کرد که بعد از مردن
شکم مرا بشکافید جانوری در آن هست بعد از فوت او شکم او را شکافتند جانوری بترکیب چلپاسه که تخمیناً سه چهار سیر
وزن داشت از شکم او بیرون آمد میرزا فتح الله لشکرنویسباشی در کرمانشاهان مرحوم شد میرزا محمد علی آبادی وزیر کرمان
بمنصب استیفا سرافراز شد فرخ خان صندوقدار وجوه خاصه بیکقطعه کل کمر مکلل بالماس سرافراز گردید شیخ
ابوتراب امام جمعه شیراز برحمت الهی پیوست بندی از بندها بلوک کربال فارس که از بناهای عضدالدوله
دیلمی و بمرور خرابی بهم رسانیده و چهل پنجاه پارچه دهکده بی آب و لم یزرع مانده بود نواب مؤیدالدوله حکمران فارس
در کمال استحکام ببستند نواب فریدون میرزا فرمانفرمای خراسان در مشهد مقدس داعی حق را لبیک اجابت
گفت و ایالت مملکت خراسان بنواب حسام السلطنه مفوض و بیکثوب خرقه ترمه تن پوش مبارک مخلع گردید شمس
الشعراء میرزا محمد علی متخلص بسروش بلقب خانی و خلعت همایون مفتخر گردید میرزا محمد خان دبیر مهام خارجه با عطای
یکقطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اول سرتیپی و حمایل سرخ سرافراز گردید نواب شاهزاده لطف الله میرزا
بحکومت مازندران و یکثوب جبه ترمه دو زنجیره مفتخر گردید حاجی میرزا محسن از اجزای سفارت کبری مامور سن پطرزبورغ
بلقب خانی و خلعت همایون سرافراز شد میرزا عباس (جناب قوام الدوله) منشی اول وزارت خارجه با عطای لقب خانی
و یکقطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اول سرهنگی و حمایل سفید قرین مباهات گردید میرزا عبدالرحیم خان اجودان
وزارت خارجه که بنیابت اول سفارت اسلامبول مامور شده بود بیکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول
یاوری سرافراز گردید محمد خان میرپنجه بمنصب امیر تومانی و ژنرال اجودانی خاصه همایون سرافراز شد امان الله خان
از اجزای سفارت کبری در مسکو مرحوم شد میرزاده ابراهیم میرزا نایب الحکومه عربستان بیکقطعه نشان از درجه اول
سرهنگی و حمایل و یکثوب جبه ترمه سرافراز گردید ولیخان سرتیپ فوج سیلاخور مرحوم و رستمخان پسر او بمنصب سرهنگی
فوج مزبور نایل گردید عباسقلیخان پسیان حاکم شاهرود و بسطام را در عرض راه شاهرود و بسطام اشرار غفلةً مقتول
نمودند لهذا چراغعلیخان نایب الحکومه سابق اصفهان بحکومت شاهرود و بسطام مامور شد عمارت جدید بطرح تازه
در جنب عمارات اندرونی سلطنتی دار الخلافه مشتمل بر هشتاد و دو باب اطاق تحتانی و فوقانی در کمال شکوه و حسب الامر
باهتمام و مباشرت حاجب الدوله والد مؤلف ساخته شد میرزا ملکم سرهنگ مهندس اتاماژر و مترجم دولت علیه
باعطای یکقطعه نشان درجه اول سرهنگی و حمایل سفید قرین مباهات آمد باروط کوبخانه قزوین که سابقاً خرابی
بهم رسانیده بود حاجی حسینعلی خان پیشکار قزوین آنرا مرمت کرده و یکصد خروار باروط تاکنون در آن ساخته اند
بعد از رفتن جناب مستر موره وزیر مختار دولت انگلیس از دار الخلافه بتبریز بعضی سوانح در افغانستان اتفاق افتاده
که ضرر کلی بجهة داخله خراسان دارد و بر اولیای دولت علیه لازم شد که از برای حفظ انضباط حکومت قندهار

وهرات چنانکه موافق قرارداد سابق خودشان بود نداپیرلا زمه بکار برند که هم دفع آن فتنه ها بشود و هم آن دو ولایت بحالت
حکومت علیحده برقرار بماند قاتلین عباسقلیخان پسیان که از اشرار نوکر کوداری بودند دستگیر و سیاست شدند محمد
رضا خان سرتیپ بمنصب اجودان خاصه کی و یکرشته حمایل قرمز و یکقطعه نشان اول سرتیپی سرافراز شد عبد العلی
خان سرهنگ توپخانه بمنصب سرتیپی مفتخر کردید شغل برات نویسی و عمل کل اصطبل توپخانه مبارکه بمیرزا محمد علی توپخانه
سررشته دار توپخانه واگذار شد اصطبل توپخانه را باصلان بیک یاور اول توپخانه واگذار نمودند امیر اصلانخان
بحکومت کیلان مفتخر و بیکثوب جبه ترمه دوز بخیه مخلع کردید محمد ابراهیمخان سرتیپ بنشان و حمایل سرتیپی اول
سرافراز کردید شاهزاده لطف الله میرزا حکمران مازندران ابنیه فرح آباد را تعمیر کرده در آنجا استحکامات ساخت
از قرار مذکور کارا ورکنجیها بسیار پریشانست و برادرخان خیوه را که بجای او در اورکنج حاکم شده بود طایفه
یموت ترکان مقتول نموده و بالفعل یموت بجماعت اورکنجی فایق و عرصه را با تها تنک کرده اند از اتفاقات حسنه
امسال توافق عید نوروز و عید مولود مسعود حضرت امیر المؤمنین است در دار الخلافه جشن کرفته چراغان و
آتشبازی نمودند و سلام عید بن سعید بن در کمال شرف و شکوه در حضور همایون شهریاری ابدالله عیشه انعقاد
یافت جناب صدر اعظم را باعطای یکقطعه قلمدان مکلل بالماس بسیار ممتاز که علامت بزرک صدارت ایران بود
شرف اختصاص عنایت فرمودند میرزا حسنعلیخان دریابیکی بندر بوشهر بنشان دویم سرتیپی سرافراز کردید
نواب عماد الدوله حکمران کرمانشهان بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس مفتخر کردید حکومت نهاوند را
بمحمد حسینخان سیلخی باشی (مرحوم امیر نظام) مرحمت و بیکثوب جبه ترمه مخلع فرمودند و سواره خزل را نیز بعبد الله خان
ولد ایشان ابواجمع داشتند نواب علیقلی میرزا ملقب باعتضاد السلطنه و مخلع بیکثوب قبای ترمه تن پوش کردیدند
حاجب الدوله والد مؤلف بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس سرافراز آمد محمد قلیخان یوزباشی بپاداش
خدمات بیکطاقه شال کشمیری و یکثوب قبای یولک دوز سرافراز آمد یحیی خان (جناب مشیر الدوله وزیر عدلیه اعظم) توپخانه
بمنصب مترجمی وزارتخارجه برقرار کردید تنبیه طایفه تکه ترکان باهتمام جعفر قلیخان ایلخانی حکمران استراباد عبد الله
خان صارم الدوله بمنصب میرپنجگی و یکثوب کلیجه از ملابس خاصه مفتخر شد امیر اصلانخان حاکم کیلان بلقب عمید
الملکی ملقب کردید معادن کلوله در بیه مازندران خوب کار میکنند و اهل آنولایت نیز در کاشتن نی شکر و عمل آوردن
شکر اهتمام مینمایند جهانخان قاجار بحکومت شاهرود و بسطام سرافراز کردید رضا قلیخان ناظم مدرسه دار در بسطام
الفنون که از اجله امرا و فضلاست حسب الامر همایون تاریخ روضة الصفای ناصری را که احوال بعد از هفت جلد روضة
الصفا تا این عهد همایون است در سه جلد تالیف و تمام ده جلد سابق ولاحق را بطبع رسانیدند میرزا ملکم خان سرهنگ
اتاماژور و مترجم مخصوص مامور سفارتخانه دولت علیه در اسلامبول کردید چراغعلیخان از شاهرود و بسطام
احضار و بحکومت خمسه مامور و بنشان سیم میرپنجگی مفتخر شد خرابی بسیاری از خانه های درساوه از سیل
وشدت باران حادث شد طفلی در دار الخلافه تولد نمود که سه سر داشت و غرابت زیاد دیکر نیز در او بود و آواز هر
سه مثل آواز جوجه خروس بیست و چهار ساعت زنده بود و بعد فوت شد مرتضی قلیخان ولد محمد اسمعیل خان
نوری (مرحوم وکیل الملک) بمنصب سرهنکی سرافراز کردید روز عید فطر سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد
یافت میرزا محمد صادق قایم مقام بیکحلقه انکشتری الماس که رابها و یکثوب جبه ترمه از ملابس خاص و نشان و حمایل امیر
تومانی مفتخر و مرخص شد که معاودت بآذربایجان نماید فرخ خان سفیر وقت را بلقب جلیل امین الملکی و یک

قطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس مفتخر گردید میرزا صادق کاشانی بلقب خانی و درجه سیم سرهنگی و منصب نیابت
اول کارپردازخانه بمبئی سرافراز گردید در نهاب من اعمال کرمانشاهان تگرگی بارید که از قرار مذکور هر دانه بقدر
نارنجی کوچک بوده و بعضی مال و مواشی را تلف نموده سلطانعلیخان مظفرالدوله پسر سردار رحمدلخان حاکم
قندهار از تعرضات و سوء سلوک امیر دوست محمدخان با اهل و عیال و جمعی دیگر پناه بدولت علیه آورده بامر دولت
در خراسان ساکن و متوقف شدند توپخانه شیراز بامر نواب مؤیدالدوله توسیع و تجدید شد محمودخان
قراگوزلو (جناب ناصرالملک) بمنصب میرپنجگی و خلعت همایون سرافراز گردید آخوند ملا کاظم که از جمله فقها و مجتهدین
دارالخلافه بود برحمت حق پیوست نواب اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه بسکته و جبه ترمه محشی و میرزا موسی وزیر
دارالخلافه بعصای مرصع مفتخر گردیدند محض اتحاد و کمال مودت بین دولتین علیتین ایران و فرانسه از جانب
اعلیحضرت ناپلئون امپراطور فرانسه نشان درجه اول (لژیون دنر) مرصع بالماس که اعظم نشانهای آن دولتست
با حمایل و لوازم آن بجهة اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری اهدا کرده بود روز یازدهم ذیقعده موکب همایون از ییلاق
ییلاق ورامین بسمت دماوند و فیروزکوه تشریف فرما شد جناب نظام الملک تیرآیه مکلل بالماس مابین امیرتومانی و امیر
نویانی که مخصوص درجه شخص دویمی است مفتخر گردید جناب امین الملک فرخ خان بسمت ایلچی کبیری از دربار همایون
بامر مهر علامه مامور بدربار دولت فرانسه شده و نیز مقرر شد بعضی مکنونات خاطر همایون را شفاها در اسلامبول
بحضور اعلیحضرت سلطان تبلیغ نماید ذوالفقارخان حاکم قم و ساوه بمنصب ایشیقا سرافراز گردید مهرعلیخان
شجاع الملک بیک قطعه نشان اول میرپنجگی مفتخر شد عیسی خان بیگلربیگی قاجار بحکومت ملایر و تویسرکان نایل
گشت عمارت عالی قاپوی اصفهان را حسب الامر نواب حشمة الدوله حکمران اصفهان تعمیر کردند عبدالحسینخان برادر
مؤلف که از شاگردهای پیاده نظام دارالفنون بود بمنصب سرهنگی خارج از فوج و یکصد تومان اضافه مواجب
سرافراز گردید جناب سیف الملک سفیر کبیر دولت علیه از پطرزبورغ با تشریفات کامله مراجعت کردند ظهور با اجزای سفارت
روشنی برقی مانند در اصفهان در هوای صاف و بعد از سه روز زلزله و صاعقه بسیار عظیم و صدای مهیبی در
آسمان میرزا محمد زمان بمنصب امارت دیوانخانه و خلعت همایون سرافراز شد جعفرقلیخان ایلخانی بپاداش حکمران استرآباد
شکست طاغیان ترکمن و دفع شر آنها بیک قبضه شمشیر مرصع مفتخر گردید محمدشاه خان سیستانی و نادرشاه خان
پسرش قلعه محکم بست را در بلوچستان حصن حصین شمرده دم از خودسری میزد سپهدار حکمران کرمان امامعلی
خان سرتیپ افواج کرمانی را با قشون کرمانی بمحاصره قلعه فرستاد بجلادت قلعه را تسخیر و محمدشاه خان با نادر
شاه خان و اتباع آنها دستگیر گردیدند پاشاخان پیشخدمت بلقب امین حضرت ملقب گردید میرزا محمدتقی مستوفی
متخلص بسپهر که علاوه بر سایر خدمات دیوانی نگارنده کتاب ناسخ التواریخ و صاحب تألیفات دیگر است ملقب
بلسان الملک گردید جناب صدراعظم را باعطای جبه شمسه دار و عصای مرصع مباهی فرمودند موکب
همایون روز دوشنبه سلخ ذیحجة الحرام از ییلاقات آبجه و لواسان تشریف فرمای نیاوران گردید (چین)
زلزله شدیدی در یوچنک عمارت سلطنتی واقعه در بیجفر سمت پای تخت یکی از اولاد خاقان که در آنجا متوطن
بود زیر آوار رفته تلف میشود اروپا (اسپانیول) شورش در اغلب از نقاط مملکت علی الخصوص در
مادرید پای تخت انتشار کلمات مستهجنه نسبت بمادر ملکه ضبط املاک مادر ملکه و بعد از چندی ردکردن
بروز شورش در ممالک (آلمان) تولد دختر اعلیحضرت امپراطور اطریش در بهار سال آنها اعلیحضرت

ایران

امپراطور امپراطریس ایطالیا در ایالت بادعروسی برادر والی که بواسطه عدم لیاقت برادر بزرگ ولایتعهد و
سلطنت که هنر است با شاهزاده خانم لویز دختر پادشاه پروس که الحال امپراطور المان است (انکلیس) خبر مصالحه
روس و عثمانی را تمام مملکت انکلیس با کمال میل و رغبت پذیرفتند دوک دکانبج از منسوبان پادشاه انکلستان
که در جنگ سواستاپل حضور داشته بمنصب سپهسالاری کل عساکر انکلیس برقرار شد مسافرت شاهزاده
فردریک پروس (همین شاهزاده حالا ولیعهد است) بانکلیس بخواستکاری دختر بزرگ پادشاه انکلستان
در هندوستان پادشاه مملکت اود را دولت انکلیس از سلطنت خلع نموده آنجا را متصرف شده ژنرال اطرم
بحکومت آنجا مامور کردید جمعیت ایالت هشت کرور است اعلان جنگ با دولت ایران در اول نوامبر این
و این مطابق است با اوایل سنه هزار و دویست و هفتاد و سه شرح آن بیاید لونکستن مسافر و سیاح انکلیس
بعد از سیاحت کامل در داخل افریقا صحیح و سالم بجزایر موریس معاودت میکند (ایطالیا) ساردین شش
کرور تومان دولتی جهت مخارجی که در جنگ سواستاپل نموده است استقراض میخواهد کنت کاوور وزیر اعظم
دولت در مجلس کنگره پاریس نظر بعضی دولت خود بعضی امتیازات میطلبید و میگیرد (توضیح آنکه مقصود از کنگره که از زبان
لاتین اقتباس شده بمعنی انعقاد مجلس شوری است جهت در امورات معظم است اجزای چنین مجلسی باید شخص سلاطین یا شهنشاه یا سفرای
کبار ایشان که اقوال و اعمالشان همان اثر اقوال و اعمال سلاطین را داشته باشد) ایجاد اکسپوزیسیون مختصری در رم
جمعی قصد قتل پادشاه ایطالیا نموده رئیس این اشخاص که یکی از اهالی سیسیل بود بدست آمده مقتول شد
(پرتوغال) شورش و ازدحام سخت در لیزبن پای تخت بجهت گرانی نان افتتاح راه آهن از لیزبن بکارتگاد طرف
سرحد اسپانیا (روس) فوت پرنس پسکویچ معروف در ورشو در زمستان حکومت پرنس کرچاکف در لهستان بجای
پسکویچ که حاکم بود کنت ارلف بمنصب صدارت برقرار میشود کنت نسلرود از وزارت خارجه استعفا نموده پرنس
الکساندر گرچاکف بجای او منصوب میشود جشن تاج گذاری اعلیحضرت امپراطور در مسکو در ماه عقرب قرارداد
با انگلیسیان معتبر که در چهار نقطه مملکت بنیان راه آهن نمایند اول از ورشو به پطر دویم از مسکو به نیژنی نوکرد
سیم از مسکو بکافا چهارم از کورسک بسمت کورلاند (سوئد و نروج) افتتاح راه آهن از نرج به ادبرز
آزادی مذهب در این مملکت (سویس) گفتگوی سخت ما بین ایالت جمهوری سویس با دولت پروس هیئت جنگ
طرفین دولت و ورتمبرگ و اطریش ما بین این جنگ نیستند (عثمانی) انتشار فرمان اعلیحضرت سلطان که
مشتمل بر بیست و یک فصل است در آزادی و رفاهیت عیسویان تبعه خود مسلمانهای تبعه عثمانی از این فرمان
کمال نارضائی را دارند و در سمت آسیای خاک عثمانی اذیت زیاد عیسویها از مسلمانان می بینند اهالی ملداوی
و والاشی (مقصود افلاق بغدان است) طالبند که یک ایالت شوند در مصر راه آهن از اسکندریه بقاهره
افتتاح مییابد مهندسین که بجهت حفر نهر مجمع البحرین سویز بمصر آمده بودند اینطور قرار داشتند که از بندر
سویز واقعه در ساحل بحر سفید الی پلوزکه در ساحل بحر احمر است نهر مستقیمی بدون اعوجاج حفر نمایند در
جزیره قندی زلزله سختی روی نمود (مسئله شرقیه) دولت انکلیس مشغول تدارک زیاد است که از دریا به بندر
کونشتادت روس حمله برد شورای عسکریه دول متعاهده در عمارت طوبلری با حضور اعلیحضرت امپراطور ناپلئون
سیم در دفعه جنگ با دولت روس بهم و نیز عزم تقویت در میان عساکر دول متعاهده دولت اطریش که ابرام زیاد
در مصالحه دارد دولت روس را ابرام داشته که مقدمات شروط مصالحه را قبول کند انعقاد مجلس کنگره در

پاریس و صورت اجزای مجلس از انیفراد بود کنت والفسکی وزیر امور خارجه فرانسه که ریاست مجلس هم با او قرار گرفت
از طرف دولت اطریش کنت بوئول و بارون هوبنر از طرف دولت انگلیس لرد کلاراندون و لرد کولی از طرف دولت روس
بارون برونو و کنت ارلوف از طرف دولت ساردینیا و ایطالیا کنت کاوور از طرف دولت عثمانی عالی پاشا مأمور
دولت پروس بعد از چندی قبول شد ابتدا حضور نداشت انعقاد مصالحه مابین دول متعاهده و عثمانی از یکطرف
و دولت روس از طرف دیگر در اواسط بهار دولت عثمانی از این بعد در تحت حمایت دول معظم فرنگ خواهد بود
قرادنگیز بجهة تجارت جمیع دول آزاد خواهد بود و کشتی جنگی هیچ دولتی در آنجا وارد نخواهد شد در تابستان قشون
متعاهده سواستاپل را تخلیه کرده متصرف کارگذاران دولت روس دادند و از آنطرف عساکر روس قارص را بتصرف
عثمانی عزل عالی پاشا و نصب رشید پاشا دول انگلیس و فرانسه پادشاه ناپل را نصیحت برای این میکنند که آزادی برعایا
خود بدهند سفاین جنگی ایشان و دولتین بروی دعوی بناپل خواهند نمود دولت روس در این خصوص متألم شد (فرانسه)
افتتاح مجلس پارلمنت که در بهار واقع شد و نطق اعلیحضرت امپراطور ناپلیون که امید بصلح میدهد سبب خوشحالی
عامه گردید با وجود این نطق صلح آمیز یکصد و چهل هزار قشون علاوه بر معمول حاضر رکاب شدند تولد پسری از امپراطریس
فرانسه در بهار سردارانیکه بمنصب مارشالی برقرار شدند ژنرال کانروبر بوسکه راندن که این آخری حاکم الجزایر بود
انعقاد مصالحه مابین دولت روس و عثمانی باطلاع و وساطت دول متعاهده در اواسط بهار کنت ارلف سفیر
کبیر روس با علیحضرت امپراطور ناپلیون رسماً جلوس اعلیحضرت الکساندر دویم را بتخت سلطنت روس اظهار میدارد
اتحاد دوام داده دوستی مابین دولت روس و فرانسه سفارت کنت مرنی در مملکت روس بجهة تهنیت جلوس
اعلیحضرت الکساندر دویم امپراطور روس بود و پنجهزار نفر از قشون فرانسه در این جنگ سواستاپل چه از زخم
و چه از امراض مختلفه بهلاکت رسیدند دولت فرانسه معادل بیست کرور تومان پول ایران باشخاصی و علما میدهد
که اراضی باتلاقی که در مملکت فرانسه است و قابل زراعت نیست آنها را خشک کنند و قابل از برای هر نوع زراعت
نمایند و هر کس در این فقره اختراعی کرده باشد که با آسانی بتوانند این قبیل اراضی را خشک نمایند علاوه حقی هم داده
خواهد شد کتابچه خرج و دخل دولت که در مجلس خوانده شد دخل تقریباً سیصد و سی و نه کرور تومان پول
ایران و خرج دولت تقریباً سیصد و چهل کرور و طغیان رودخانهای رن و لوار در اوایل تابستان و خرابی زیاد
ایالاتیکه در سواحل این رودخانهها واقع شده اعلیحضرت امپراطور ناپلیون شخصاً بسرکشی این ایالات میرود سفر
اعلیحضرت امپراطور بدریای شمال نیابت سلطنت در غیبت امپراطور ناپلیون با امپراطریس وجه ایشانست قشون
فرانسه کلیه از خاک عثمانی مهاجرت کرده وارد اوطان خود میشوند قریب سیصد هزار نفر قشون فرانسه در سواستاپل
و سایر نقاط خاک عثمانی در این جنگ با روس حاضر بودند مارشال پلیسیه که قلعه مالاکف سواستاپل را فتح کرده
بلقب دوک دو مالاکف برقرار و ده هزار تومان همه ساله مواجب خواهد داشت در الجزایر زلزله سخت علی الخصوص
در شهر فلیپ ویل (یونان) کوشش دولت برای دفع راه زنان و اشرار **افریقیا** فوت سلطان مسقط سعید نام
که پنجاه سال تمام سلطنت کرده بود در زنگبار این شخص مملکت عمان را در عربستان از دست تطاول طایفه
وهابیه انتزاع داد و با دول انگلیس و فرانسه و اتازونی ینکی دنیا معاهدات تجارتی بست **امریکا** (اتازونی)
مجادله شدید در مجلس مابین وکلائیکه مایل بآزادی غلامها بودند و آنهائیکه نبودند انتخاب بوکانان نام بریاست
جمهوری که طالب عدم آزادی غلامان سیاه اند که در بعضی ایالات اتازونی بطور وحوش و چهارپایان با آنها

رفتار

رفتار میشود و بزنهائی که از نوع زجر مرحمانه آنها را بکارهای پرزحمت وا میدارند و بوجه مملوک آنها را مبایعه مینمایند
برقرار گردید (برزیل) تعداد نفوس برزیل پانزده کرور و دویست و هفتاد و هفت هزار و هشتصد نفر رسیده

سنه ١٨٥٦ مسیحی — سنه ١٢٧٣ هجری

آسیا (ایران) در این سال حاجی قوام الملک بپاداش نظم بندر بوشهر بیکقطعه نشان تمثال همایون مفتخر گردید نواب مؤید الدوله حکمران فارس بقاع متبرکه و اماکن مشرفه فارس را مرمت نمود میرزا رفیع وکیل نواب احتشام الدوله بمنصب استیفا نایل گردید جناب سیف الملک سفیر کبیر مامور سنت پطرز بورغ وارد دار الخلافه شد محمد خان ولد مرحوم محمد حسنخان سردار بمنصب جلیل میرپنجگی و یکهزار و پانصد تومان مواجب سرافراز آمد و یوسفخان سرتیپ حاکم یزد ولد دیگر مرحوم مشار الیه نیز بهشتصد تومان مواجب و ایضا ابو الفتح خان و عبد الحسین خان ولدان مرحوم سردار هر یک بهفتصد و پنجاه تومان مواجب نایل گردیدند سردار سلطانعلیخان مظفر الدوله پسر مرحوم سردار کهندلخان با عیال از قندهار بعزم خدمتگذاری بارض اقدس آمده محمد اکرم خان رئیس آجلزائی را برکاب مبارک فرستاده مشار الیه بخلعت همایون نایل و خلعتی هم برای مظفر الدوله و سایر ریش سفیدان آجلزائی مرحمت و مقرر شد اخراجات آنها را نیز در ارض اقدس بدهند و مشغول خدمتگذاری باشند میرزا عنایت الله امین لشکر بیکقطعه نشان اول میرپنجگی و حمایل آن مفتخر گردید سید سعید خان امام مسقط که ببندر عباس آمده بود مشمول عنایت اولیای دولت قاهره شده و پس از معاودت ببندر مسقط بتشکرات و مباهات باحترام امنای دولت علیه عمل کرده و تقدیم بعضی خدمات نمود جناب سیف الملک بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس مفتخر گردید شکر الله خان نوری بجای معصوم خان برادرش که فوت شد بمنصب یوزباشیگری غلامان سرافراز شد شب عید مولود مسعود همایون در دار الخلافه باهره و تمام ولایات جشن گرفتند همدر این سال فتح هرات اتفاق افتاد بدین شرح که بعد از خلع شدن صید محمد خان ظهیر الدوله و نصب شاهزاده محمد یوسف بحکومت و امارت هرات امیر دوست محمد خان امیر کابل بهوای فتح هرات افتاد شاهزاده محمد یوسف بدولت علیه استعانت جست نواب حسام السلطنه فوجی از خراسان با سام خان ایلخانی بامداد او فرستادند اما افاغنه هرات باغوای امیر دوست محمد خان امیر کابل در صدد مخالفت و منع سام خان ایلخانی از ورود بهرات بر آمدند از اینجا معلوم اولیای دولت علیه شد که امر هرات باغوای دوست محمد خان امیر کابل قرین بی نظمی و اختلال و شاهزاده محمد یوسف که مطیع و تابع این دولت قوی شوکت بود نیز جهلا برسر خودسری است لهذا بصلاح اولیای دولت قاهره نواب حسام السلطنه فرمانفرمای خراسان عزیمت تسخیر و تصرف هرات را تصمیم و لشکر بدان صوب کشیده پس از چندی محاصره شاهزاده محمد یوسف دستگیر و سرتیپ عیسی خان نیز که پس از شاهزاده محمد یوسف باغوای امیر دوست محمد خان هوای حکومت هرات داشت مطیع و منقاد و شهر هرات با جمیع ولایات و نقاط تابعه قهرا مفتوح و مسخر سپاه منصور شد و در چهارم ربیع الاول مژده این فتح بزرگ بدار الخلافه باهره رسید و نظر باینکه جناب صدر اعظم که در کار این جنگ کرده بودند یکثوب کاتبی سمور ابره رضائی چهل بند با سه بند بسیار اعلی که بندهای آن مرصع بجواهر ثمینه بود از ملابس خاص همایون بجناب معظم مرحمت فرمودند یکقبضه عصای مرصع بنواب حاجی محمد ولی میرزا عطا شد و جمعی دیگر از عواطف و انعامات ملوکانه بهره یاب گشتند میرزا محمد حسین دبیر الملک و احکام نویس نظام بیکثوب جبه ترمه کشمیری و یکقطعه نشان اول سرتیپی با حمایل آن سرافراز گردید میرزا عباسخان منشی اول وزارت امور خارجه نیز بخلعت همایون مفتخر گشت و برای نواب حسام

حسام السلطنه والی خراسان یکقطعه کل کمر مرصّع بجواهر گرانبها و دو شمشیر با بنام زرین و قبائی زربافت و چهار هزار
تومان انعام مبذول داشتند و میرزا محمد قوام الدوله وزیر خراسان و سام خان ایلخانی خراسان را بخلاع قیمتی
مفتخر فرمودند و سام خان ملقب بشجاع الدوله گشت و هزار و سیصد و پنجاه قطعه نشان طلا و نقره بیاوران
و سلطانهای افواج و سربازانی که رشادتی نموده بودند مرحمت شد و امیر حسینخان برادر سام خان ایلخانی و حسینخان
یوزباشی را که بحضرت دار الخلافه آمده بودند رسوم و مواجب مضاعف گردید و حسینخان یوزباشی بمنصب سرتیپی مفتخر
گردید خوانین و سرداران و فضلا و قضاة هرات نیز بخلعتها و نشانها سربلند شدند و هفتاد هزار تومان وجه نقد
بجهة مخارج و انعام و مساعده مردم هرات و سپاه مأمور هرات انفاذ شد نیز از وقایع ملالت انگیز این سال که در چهارم
ماه صفر اتفاق افتاد این بود که مرغ روح شاهنشاهزاده معظم ولیعهد دولت ابد مهد علیه معین الدین میرزا بشاخسار
جنان پرواز نمود جناب میرزا سعید خان وزیر امور خارجه بیکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون مکلل بالماس قرین مفاخرت گردید
حاجی میرزا محمد خان دبیر مهام خارجه نیز بخلعت همایون سرافراز شد نواب حشمة الدوله حکمران اصفهان بیکقطعه نشان
تمثال همایون مکلل بالماس مفتخر گردیدند یحیی خان مترجم وزارت امور خارجه (جناب مشیر الدوله) بمنصب آجودانی صدارت عظمی
نایل گردید میرزا داود خان ولد جناب صدر اعظم بمنصب وزارت لشکر و خلعت همایون مفتخر گشت چون تمثال تماثیل مبارک
حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که در عصر آنحضرت از روی چهره مبارک آن بزرگوار ساخته اند از خزاین ملوک سلف
بخزینه این دولت جاوید عدت انتقال یافته بر حسب امر همایون میرزا ابو الحسنخان نقاشباشی که در این صنعت
وحید اعصار است از روی آن تمثالی عدیم المثال ساخته بجواهر آبدار ترصیع کردند و نظر بحسن عقیدت
و خلوص توسل شاهانه آن تمثال مبارک را از پیکر خسروانی فرو آویختند و در این سال نظر بکدورتی که فیمابین
دولتین ایران و انگلیس حاصل شده در اوایل ماه ربیع الثانی کشتیهای جنگی انگلیس بخلیج فارس و نزدیکی بندر بوشهر
آمد و چند گاهی قبل از ورود جهازهای جنگی مذکور سفیر و کارگذاران آن دولت از ممالک ایران بیرون رفته و علم
دولت خود را خوابانیده بودند و میرزا محمد خان قاجار کشیکچی باشی با استعداد حربی مأمور بوشهر شد و عساکر دولتین
مشغول محاربه گردیدند چندی نگذشت که رفع منازعه شد و جناب امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران در
پاریس بخواهش اعلیحضرت ناپلیون سیم امپراطور فرانسه با دولت انگلیس عهد مصالحه جدیده بست جناب غراف کینو
شارژ دافر دولت فرانسه وارد دار الخلافه گردید حاجی میرزا احمد خان مصلحتگذار دولت علیه مقیم اسلامبول
بمنصب وزیر مقیمی دربار دولت عثمانی برقرار گردید بند تیمور را در عراق میرزا حسنخان حاکم عراق بستند آقا رضا خان
نایب دویم آجودانباشی بنیابت اول آجودانباشی نایل آمد حاجی عبدالله کماشته امام مسقط با پیشکش و هدایای
لایقه بدربار همایون آمد منشی دین محمد خان حاکم مکران وفات یافته منشی عبدالله خان پسرش را بجای او حکومت دادند
کلنل هشند لاکر سفیر دولت استریه از جانب اعلیحضرت امپراطور دولت استریه با هدایای نفیسه بدار الخلافه باهره آمد
بنشان پیشکی پذیرفته شد میرزا شفیع وزیر یزد بمنصب استیفا و خلعت همایون مفتخر گردید مرتضی قلیخان سرحددار
انزلی بمرض فالج مبتلا شده برادر رشادت آئینش جعفر قلیخان بسرحدداری انزلی برقرار گردید میرزا اسمعیل خان میرزا
آقاسی شیلانات گیلان وفات یافته محمود خان پسر او بمباشری شیلانات مفتخر شد آزاد خان خارانی نوکر این
دولت جاوید شوکت بیکثوب جبه ترمه تمام زنجیر و یکقبضه شمشیر تمام اسباب طلا سرافراز گردید میرزا ابو
الحسنخان نقاشباشی غفاری یک جبه ترمه نقاشی طلا که در وسط آن گل الماس گرانبهای ثمین است مرحمت فرمودند

میرزا

میرزا محمد رضا متولی باشی حضرت معصومه سلام الله علیها مرحوم و جناب میرزا سید حسین فی الدائم مرحوم بجای پدر منصوب شد میرزا محمد صادق قائم مقام از آذربایجان احضار و میرزا فضل الله وزیر نظام که سابقا در آذربایجان بود مجددا مامور آنمملکت گردید نواب محسن میرزا میرآخور بخلعت همایون سرافراز گردید جناب امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران شب دوشنبه بیست و چهارم جمادی الاولی با ابلاغ سفارت کبری و هدایای لایقه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بجهة اعلیحضرت ناپلیون سیم وارد پاریس شده در کمال شان و شایستگی پذیرفته شد شب یکشنبه بیست و چهارم رجب چهل و دو دقیقه از شب گذشته آفتاب جهانتاب از برج حوت بحمل تحویل کرده سلام خاص بحوبل و سلام عام عید در پیشگاه همایون شرف انعقاد یافت امیراصلانخان عمید الملک بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس سرافراز شد جناب کینیاز بارانتکی که تازه از جانب اعلیحضرت امپراطور روس بجانشینی مملکت قفقاز منصوب گردید ژنرال کینیاز ملیکوف را به دربار دولت علیه روانه نمود که مامورت خود را اظهار دارد و مشارالیه شایستگی در دار الخلافه پذیرفته شد مهرعلیخان شجاع الملک بنشان امیر تومانی و حمایل آن و یکقبضه شمشیر مرصع مفتخر گردید محمد قلیخان ایلخانی فارس بنشان از مرتبه سیم میرپنجی و خلعت همایون سرافراز شد علیخان میرپنجی قراگوزلو بنشان از مرتبه سیم میرپنجی نواب غفران مآب والده حضرت شهریار مبرور ماضی (محمد شاه) انار الله برهانه روز پنجشنبه بیست و پنجم شوال المکرم امسال بغرفات جنان انتقال نمود نواب رکن الدوله حکمران گیلان
مرزبان آذربایجان سرافراز و نواب والا محمد رفیع میرزا بحکمرانی دار الخلافه برقرار گردید نواب والا عبد الصمد میرزا حکمران قزوین شدند جناب مستر موره وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت انگلیس با شرایط اعزاز در بیست و یکم ذیقعده با اجرای سفارت خود بدار الخلافه آمد احمدخان نوائی حاکم بندر بوشهر بلقب دریابیگی بحر فارس و نشان و حمایل درجه اول سرتیپی سرافراز شد محمدخان امیر تومان بیکقبضه شمشیر مرصع و اسباب طلا و هزار تومان انعام نایل گردید بحکم سخت مؤکد در تامین و آسایش ملل مختلفه که رعیت این دولت هستند شد جناب حید افندی مشارالیه از دولت عثمانی که مراجعت بدربار عثمانی میکرد بیکقطعه نشان تمثال همایون از درجه دویم مکلل بالماس معزی الیه مرحمت شد و جناب توفیق افندی بجای مشارالیه مقیم گردید مستشار الملک مالیات خراسان بیانصد تومان اضافه مواجب و استیفای خراسان و سررشته داری کل خراسان سرافراز شد جناب مسیو لاعو منیکی شارژ دافر دولت روس را بیکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول و حمایل آن اختصاص دادند فرستادگان ولایات و سرداران کابل و قندهار وغیره با عرایض ارادت آمیز خدمت نواب حسام السلطنه آمدند عسکرخان سرتیپ رومی مرحوم و یوسفخان برادرش بجای او بمنصب سرتیپی رسید نریمانخان نایب اجودانباشی حامل عهدنامه مصالحه دولتین ایران و انگلیس بدرجه سرتیپی رسید کینیاز ملیکوف بیکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول و سایر صاحبمنصبان روس که همراه معزی الیه بودند هر یک علی قدر مراتبهم نشان مرحمت شد و مراجعت کردند میرزا عباسخان منشی اول وزارت امور خارجه بمنصب نیابت وزارت امور خارجه سرافراز گردید روضه مطهره حضرت معصومه سلام الله علیها و منازل و پلهای راه قم هم مرمت شد اللهوردیخان یاور توپخانه بمنصب سرهنگی توپخانه سرافراز گردید آقا محمد حسن مهردار بیکقطعه نشان تصویر مبارک مکلل بالماس مفتخر گردید محمد ابراهیمخان سرتیپ افواج ثلاثه اصفهان ملقب بسهام الملکی و خلعت همایون مفتخر شد خسروخان والی پنجم ذیحجه مرحوم شد میرزا حسن برادر میرزا حسین سررشته دار قورخانه ماتم

مبارکه

مبارکه بمنصب جبه داریباشیگری سرافراز شد سردار علیخان سیستانی بمصاحبت نواب بهرام میرزا معزالدوله مباشر گردید
همدر این سال برابادی شهر دارالخلافه خیلی افزوده شد (چین) کشتیهای جنگی این دولت با وجود عدم استحکام بعد از
استقامت در مقابل سفاین جنگی انگلیس و خسارت کلی بآنها رسانیدن بالاخره شکست یافتند جزیره چوسان را
در محاذی کانتن مامورین فرانسه و انگلیس متصرف شدند و بشهر کانتن حملات پی در پی برده بعضی از سنگرهای
خارج شهر را متصرف شدند اروپا (اسپانیا) شورش سختی در مالاکا بدست آوردند جمعی از شورشیان در نادر
باشی غصه در ایالت ... ایضا شورش عزل ناروائز و نصب امیرال اودنیل بصدارت از ملکه ... بالفنسو دخانه صدراعظم
ابرا دولت در صدد است که بعرض و عمقش بیفزاید تا کشتیهای بزرگ باسانی در آنجا سیر نمایند جمعیت
تمام اسپانیا در این سال بیست و دو کرور و سیصد و چهل هزار نفر میباشد (المان) ایجاد قانون تجارتی بجهة تمام
ممالک المان هنگام سفر اعلیحضرت امپراطور اطریش بممالک ایطالیای متصرفی خود ژنرال رادسکی سرداری که فی الواقع
فتوحات این ایالات بدستیاری او شده بود از منصب حکمرانی استعفا نمود و حکومت ایالات مذکوره منتقل
بهرماکسیمیلین برادر امپراطور میگردد در مملکت پروس طایفه یهود را منع میکنند که قانون دولت تحصیل نمایند افتتاح
راه آهن از میلان به ونیز اعلیحضرت پادشاه پروس که بشدت ناخوش است لذا اختیار سلطنت را موقتا سه ماهه برادر
کهتر خود که شصت و دو ساله کوهکتر است و ولیعهد میباشد واگذار میکنند و این سه ماه چندین مرتبه تجدید یافت (انگلیس)
عزل وکلای ملت بواسطه اختلافی که با رجال دولت داشتند تعیین وکلای جدید که اغلب با لرد پالمرستن صدر اعظم
خیال شان مطابق است فرمانفرمای اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مجلس قرائت شد که پرنس آلبرت شوهر این پادشاه
بعد از این مخاطب به پرنس شوهر خواهد بود گفتگوی مصالحه ما بین جناب امین الملک فرخ خان و لرد کولی سفرای
کبار دولتین ایران و انگلیس در پاریس شورش عسکر انگلیس در بنگاله بواسطه مخالفت دولت در طریقه ملتی و مذهبی
آنها این شورش باغلب نقاط هندوستان سرایت نموده قتل و غارت زیاد نمودند و حساب نسبت باهالی انگلیس میشود
در دهلی یاغیها یکی از اولاد سلاطین گورکانیه خودشان را بپادشاهی میدارند افواج انگلیس را در کلکته براق
چینی میکنند قشون مملکت انگلیس عود و گولیو به دولت انگلیس میشوند در ناحیه کاونپور علی الخصوص نانا صاحب
رئیس آنها کمال وحشیگری را نسبت باهالی انگلیس مینماید جنگ سختی بینهاد در حوالی اگره در بمبئی طایفه سیک
از طوایف هند نسبت بانگلیسها ... بندند شهر دهلی بعد از زحمت زیاد و خونریزی بسیار مفتوح گردید و در این
جنگ خیلی از قشون انگلیس تلف شد پادشاه دهلی که نود ساله بود در حین فرار دستگیر شده دو پسرش اسیر و مقتول
گردید و اغلب شاهزاده های خانواده سلطنت را در دهلی هلاک ساختند تصرف دولت انگلیس جزیره پریم را در دریای
احمر ما بین عدن و مخا موافق عهدنامه که با دولت مارک بسته شده این دولت حق دارد بعد از این در بنادر داخله
مملکت انگلیس قونسول روانه کند کشتیهای جنگی انگلیس در این سال هشتاد و چهار فروند بوده است (ایطالیا)
قشون اطریش بعد از هشت سال توقف در ایالت پارم بیرون رفتند در شهر لیورن مردم بنای شورش
دارند محرک جمیع شورشیان مازینی است مسافرت حضرت پاپ بفلورانس شروع بکندن دالانی از عرض کوه منسنی
بجهة راه آهن از خاک فرانسه بایطالیا در افتتاح اینکار بزرگ پادشاه ساردین و کنتور امانول و پرنس ناپلیون
برادر زاده امپراطور فرانسه حضور داشتند (پرتوغال) پادشاه پدرو پنجم شخصا افتتاح مجلس پارلمنت میکند در
لیزبن پای تخت حمای زرد و حصبه فراوانی بهم رسانیده جمعیت زیادی را میکشد (بلژیک) عروسی دختر پادشا

شاهزاده خانم شارلت با برادر امپراطور اطریش ماکسیمیلین (دانمارک) طایفه اسکاندیناوی که بیشتر اهالی سوید
و نروج و دانمارک از اینطایفه هستند میل باتحاد دول ثلاثه تحت سلطنت یک پادشاه دارند و پادشاه سوید را
بجهت اینکار انتخاب نمودند وحشت پادشاه دانمارک از اینفقره و نوشتجات رسمی بدربار دول فرنک فرستادن و
اظهار وحشت نمودن اجزای مجلس شورای ایالت اسلشویک وضع قانون ایالت خود را بسبک المان طالبند و تقاضا
در دادن مالیات بدولت دانمارک مینمایند بهم زدن حاکم اسلشویک بحکم پادشاه دانمارک مجلس شورای این ایالت را
مطالبه مالیات از رعیت نمود دولت اطریش و پروس از این عمل ناراضی اند دولت روس با پادشاه دانمارک مساعد و
حامی است (روس) امپراطور روس در صدد آزاد کردن رعایای روس است که نسبت بنجبا و ملاکین و اربابان
خود حالت عبودیت داشتند برادر اعلیحضرت امپراطور روس قسطنطین که سمت امارت بحریه دارد به بنادر
نظامی دول فرنک بسیاحت رفت علی الخصوص در تولون و شربورک بنادر جنگی و نظامی فرانسه ملاقات شاهزاده
معزی الیه با اعلیحضرت پادشاه انگلستان عهدنامه تجارتی با ژاپن عروسی کراندوک میشل برادر کهتر اعلیحضرت
امپراطور با شاهزاده خانم سیسیل دختر والی باد افتتاح راه آهن از پطربورغ تا ورشو (سوید) پادشاه اینمملکت بواسطه
سوء مزاج قدرت بسلطنت نداشت پسر خود را که ولیعهد بود بنیابت سلطنت مقرر داشت (سویس) جنک با
پروس بواسطه میانجیگری فرانسه مبدل بصلح شد پادشاه پروس از داعیه سلطنت شهر نوفشاتل که متعلق
بسویس است دست کشیده حتی تنخواهی را که از سویس مطالبه مینمود از آن تنخواهم صرف نظر نمود عهدنامه با مضای
طرفین و با مضای جمیع دول فرنک در پاریس منعقد گردید (عثمانی) در مصر تغییر وضع وصول مالیات سفر والی
مصر بسمت سودان تعیین مخارج معین برای شخص والی والی باین راضی نشد که یکدسته از علمای انگلیس و فرانسه و المان
که بجهة انکشاف سرچشمه نیل بمصر آمده بودند خیالات خود را در اجرای اینعمل بانجام رسانند در تونس قتل یکنفر
یهودی که بدین اسلام بی احترامی کرده بود والی قدیم ملداوی شکایت کرد آنوقت در پاریس بود خود را میکشد
عیسویان هرزگوین و بسنی و آلبانی که از طرف مسلمانها بآنها صدمه میرسد ملتجی میشوند (بقیه مسئله شرقیه)
الحاق با ایالت ملداوی بولگراد را و اگذاشتن بدولت عثمانی جزیره ماران را و اختیار مصب رود دانوب را
بقرار نکنونیز بدولت عثمانی تخلیه قشون اطریش ایالات افلاق و بغدان را موافق عهدنامه که موسوم بعهدنامه
پاریس است حق روس و عثمانی در سمت آسیا و پاریس عرض خواهد بود سفیر بلژیک مقیم در دربار عثمانی متهم
باین شد که اهالی افلاق و بغدان را محرک شده که پسر کهتر پادشاه بلژیک را بسلطنت خود اختیار نمایند عزل
رشید پاشای صدر اعظم صدارت عالی پاشا قطع مراوده ایلچیهای فرانسه و انگلیس و اطریش و روس با وزارت
خارجه عثمانی بطور یکدورت دول انگلیس و اطریش عهدنامه مخفی میبندند مسافرت ناپلیون امپراطور فرانسه
بانگلیس و ملاقات او با پادشاه انگلستان در قصر ازبرن تجدید مراوده سفرای مذکوره بفاصله چهارده روز
با وزارت خارجه عثمانی ملاقات ناپلیون و امپراطور روس در اشتوتگارد پای تخت مملکت ورتمبرگ در عمارت
سلطنتی پادشاه آنجا و ملاقات امپراطور روس و اطریش در ویمار (فرانسه) قتل کشیش بزرگ پاریس
سیبور نام بدست یکی از کشیشهای درجه پست و زیر دست هنگام عبادت در کلیسای سن اتین ایجاد قانون جلب
نظامی صد هزار نفر قشون ذخیره فرانسه هنگام صلح حاضر خواهد بود هر سه ساله یکنفر از رعایای فرانسه حق
فرستادن یک وکیل بدارالشوری دارند در لندن مانینی نام ایطالیائی محرک جمعی است که ناپلیون امپراطور

فرانسه را

فرانسه را تفضیل رسانید دولت فرانسه مابین دول پروس و سویس میانجی شده بیلن ناپلیون بسمت میانجگری به برلن
پای تخت پروس مهر و د آمدن برادر امپراطور روس قسطنطین و پادشاه باویر بپاریس ... ژنرال کاونیاک فجاءة
ماموریت بیست و پنجهزار قشون بصر بادیه ماکاهون بجنگ طوایف صحرانشین قبیله امتداد سیم تلگراف بحری از
مارسیل بالجزایر جمعیت الجزایر است صد و شصت و هفتهزار و ششصد و هفتاد نفر قلمداد شده است در جزیره — فرنگی نوشته
مادگاسکر فرانسه‌ها را از پای تخت آنجزیره اخراج میکنند عهدنامه تجارتی و دوستی با دولت سیام خیال ساختن
راهی از زیر دریای مانش مابین فرانسه و انگلیس فوت شاعر معروف الفرد موسی تعداد نفوس جمعیت فرانسه هفتاد
و دو کرور و سی و نه هزار و سیصد و شصت و چهار نفر رسیده **امریکا** (اتازونی) قحط و غلای سخت در ایالت
مشیگان در شهر نیورک منازعه سخت و خونریزی مابین قشون دولت و اصناف شهری کمی پول تجدیکه بانک نیورک
و بستن از دادن پول برات دار مضایقه نمودند (مکزیک) شورش سخت در این ایالت علی الخصوص در وراکروس
(بنکی دبنای جونی) شدت مرض زرد در منت و بدو

سنه ۱۲۷۴ هجری — سنه ۱۸۵۷ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال کالسابق کلیة توجه خاطر خطیر همایون بانتظام امور کشور و لشکر و اشاعه عدل است
میرزا محمد منشی کری مهام خارجه استراباد و باعطای یکقطعه نشان از درجه دویم سرهنگی سرافراز شد علیقلیخان
بمنصب بیگلربیگی تبریز مفتخر کردید قلعه خرم اباد و باغ علی آباد دوباره آباد شد حسنخان سرکرده سواره قراپاپاق
بیکقطعه نشان اول سرهنگی و حمایل آن سرافراز کردید حرم مطهر حضرت رضوی علیه السلام را آیینه کاری کردند
یکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس از درجه اول برای جناب کیناز الکسندر بارانتنکی جانشین ملک قفقاز با حمایل آبی
اهدا و انفاذ شد در شب ششم شهر صفر المظفر جشن مولود همایونی در همه جا بیشاپیشکی کرفته شد حاجی جابرخان
حاکم محمره بمنصب میرپنجگی و پانصد تومان اضافه مواجب و خلعت همایون سرافراز کردید راه خیابان مازندران را
حسب الامر تعمیر نمودند میرزا فضل الله وزیر نظام پیشکار آذربایجان بیکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز کردید
غلامحسینخان سپهدار حکمران کرمان نیز بیکقطعه نشان تمثال بهمثال مفتخر شد علیقلیخان میرپنجه بمنصب
اجودانباشیکری کل عساکر نظام برقرار آمد محمد اسمعیل خان چاپارچی باشی ملقب ببشیر الدوله شد میرزا سید محمد
پسر میرزا صادق لشکرنویس بمنصب لشکرنویسی سرافراز شد در اوایل عشر دویم ربیع الاول نواب مستطاب
شاهنشاهزاده امجد اعظم امیر محمد قاسمخان را ولایت عهد ابد ولت ابد مهد عنایت فرمودند میرزا حسنخان
حاکم عراق بیکقطعه نشان اول میرپنجگی با حمایل آن مفتخر کردید بیکقطعه نشان اول سرتیپی با حمایل نواب
محمد رحیم میرزا حاکم خوی و سلماس مرحمت فرمودند آقا محمد حسن مهردار در بیست و یکم ربیع الثانی مرحوم و مناصب
او با آقا عبدالله رختدارباشی پسرش مرحمت و رختدارباشیکری با آقا ابراهیم برادرزادهٔ آنمرحوم اعطا شد
حسینقلیخان سرهنگ فوج عجم مرحوم و محمد علیخان ولد ارشد آنمرحوم بسرهنگی فوج مزبور سرافراز شد میرزا
علی پسر مرحوم میرزا ابو القاسم قایم مقام بمنصب استیفا مفتخر کردید ریاست کل مدرسه مبارکه دار الفنون را در
ماه جمادی الاولی بنواب اعتضاد السلطنه واگذار و نواب معظم الیه را بخلعت همایون سرافراز فرمودند علیخان سرتیپ
افواج قراگوزلو بمنصب میرپنجگی و خلعت همایون مفتخر کردید جعفر قلیخان ایلخانی بیگلربیگی استراباد بیکقبضه شمشیر
مکلل بالماس سرافراز شد بیکقطعه نشان تمثال همایون با فتخار صید توپچی امام مسقط اعطا و ارسال مسقط کردید

جناب مسیو بنشون وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت فرانسه مأمور باقامت در دربار دولت علیه وارد دارالخلافه شد
و مسیو فنتو شارژ دافر فرانسه که مرخص و روانه بود بیک قطعه نشان از درجه اول خارجه با حمایل سبز و یک طاقه
شال رضائی نایل گردید حبیب خان اصفهانی در صنعت تفنگ سازی خیلی ترقی کرده میرزا عبد الوهاب خان شیرازی
(جناب نصیر الدوله) بنیابت وزارت امور خارجه و خلعت همایونی نایل گردید میرزا سید رضی سررشته دار کل
بنیابت کل گمرک خانهای ممالک محروسه برقرار گردید رکن الدین میرزا سرتوپخانه در ماه رجب مرحوم شد
در این اوقات حسب الاشاره علیه حکم نظامی جناب صدر اعظم بجهة تعیین بعضی حدود و قوانین برای اهل نظام ترقیم
نموده صدور آن موشح بدستخط جهان مطاع همایون گردید نواب حسام السلطنه حکمران خراسان مفسدین ترکمانان
سرخس و مرو را تنبیه نمودند
شب یکشنبه پنجم شهر شعبان شش ساعت و سی دقیقه از شب گذشته آفتاب از برج حوت بحمل تحویل نموده
مراسم جشن عید از سلام و غیره با کمال شکوه بعمل آمد شب پانزدهم شعبان که مولود مسعود حضرت صاحب الامر
عجل الله تعالی فرجه میباشد بامر همایون مقرر و مرسوم شد که نیز روز را عید و جشن دولتی بگیرند محمد رضا بیک
پسر مرحوم محمد رضا بیک یاور توپخانه بمنصب سرهنگی توپخانه سرافراز گردید عیسی خان والی بحکمرانی اصفهان
مأمور شد نواب نصرة الدوله را بحکمرانی عراق مفتخر فرمودند میرزا ذو الفقار خان حاکم قم بیک قطعه نشان اول
میرپنجی با حمایل آن سرافراز گردید و میرزا ابو القاسم خان ولد معزی الیه بانشاء دیوان اعلی برقرار شد نواب عماد
الدوله حکمران کرمانشاهان باعطای یک قطعه کل کمر مکلل بالماس مفتخر گردید عمل چاپارخانه‌های ممالک محروسه بحسینخان
سرتیپ محول گردید نمونه از تلگراف از عمارت سلطنتی شهر الی باغ لاله زار بمراقبت مسیو کرشیش معلم توپخانه ایجاد شد
و معلم مشار الیه بیک رشته حمایل سفید سرهنگی و خلعت همایون مفتخر گردید حسینقلیخان بختیاری بیک ثوب جبه
ترمه و یک قبضه شمشیر با غلاف طلا مباهی شد حسینعلیخان معیر الممالک وفات نموده و منصب خزانه داری و معیر
الممالکی را بدوستعلیخان ولد آن مرحوم مرحمت فرمودند امیرزاده علیقلی میرزای سرتیپ حاکم سنقر و کلیائی بیک قطعه
نشان اول سرتیپی و یک رشته حمایل آن سرافراز شد جناب نظام الملک بوزارت و پیشکاری شاهنشاهزاده
اعظم امیر قاسم خان ولیعهد دولت علیه مفتخر گردید آقا عبد الله ولد مرحوم آقا محمد حسن صندوقدار را حسب الامر
باسم پدر نامیدند اشرار ترکمن سرخس که دم از خود سری میزدند نواب حسام السلطنه حکمران خراسان با عساکر
نصرت مآثر آنها را تنبیه و تهدید نموده بر سر اطاعت آوردند نواب رکن الدوله اردشیر میرزا حکمران آذربایجان
بیک قطعه نشان اول امیر تومانی با حمایل آن و یکهزار تومان اضافه مواجب سرافراز شد میرزا فضل الله
وزیر نظام وزیر آذربایجان نیز بیک قطعه نشان اول امیر تومانی و حمایل آن و یک ثوب جبه ترمه شمسه مرصع
مفتخر گردید میرزا مصطفی قلی مستوفی و پیشکار محاسبات آذربایجان بیک قطعه نشان اول سرتیپی و حمایل قرمز
و خلعت همایون نایل گردید صنف خباز آذربایجان را از مالیات معاف فرمودند میرزا فضل الله نایب ایشیک
آقاسی باشی بمنصب بیگلربیگی تبریز و لقب خانی و خلعت همایون مفتخر گشت میرزا نصیر کدخدا باشی سابق تبریز
بمنصب مستوفی گری آذربایجان برقرار شد مسیو کرشیش معلم و سرهنگ توپخانه بمنصب سرتیپی نایل گردید
میرزا محمد علی مباشر امور خارجه گیلان بیک قطعه نشان دویم سرهنگی و خلعت همایون سرافراز شد
روز هیجدهم ذیقعدة الحرام طایر روح شاهنشاهزاده اعظم امیر قاسم خان ولیعهد دولت علیه پرواز بخلد

برین

برین نمودند و نیز مقدسه حضرت امامزاده عبدالعظیم علیه السلام بقعهٔ مخصوص بنا کرده مدفون نمودند جناب
فرخ خان امین الملک ایلچی کبیر دولت علیه مأمور باقامت دربار اسلامبول شد یک رأس اسب عربی خاصه با یراق مکلل
بجواهر بجناب صدراعظم مرحمت فرمودند حاجی حسینخان بروجردی بنیابت اول ایشیک آقاسی باشی سرافراز شد
(چین) حاکم ایالت کانتن ییه نام و سپهسالار چین از طایفه تاتار بدست عساکر انگلیس محبوس گردید حاکم مزبور که
بکلکته بحبس فرستاده میشود معروف باین است که در این چهار ساله که از طرف دولت چین مأمور بحکومت این ولایت بود
شصت هزار نفر آدم از یاغیها را بقتل رسانیده است مأمورین فرانسه و انگلیس با میل اینکه بلکه بتوانند با دربار پکن گفتگو
نمایند تا کیانگ سو میروند گفتگوی بی فایده در مصالحه بعد از قطع امید از مصالحه عساکر فرانسه و انگلیس در خلیج پِ
شِلی وارد میشوند در این خلیج رودخانه پیهو که یکشعبه اش از میان شهر پکن پای تخت میگذرد چینیها در ساحل این
خلیج و دهنه این رودخانه قلعه جات خیلی سخت محکم دارند بعضی از قلعه جات آنها را که صد و سی و هشت توپ بآنها
داشتند عساکر متفقه گرفتند دهنه رودخانه بدست آمده بالا رفته شهر تین سین را هم متصرف شدند، مأمورین روس
در این مصالحه عهدنامه دوستی با دولت چین منعقد کرده جمیع بنادر چین را از برای سفاین روس باز و آزاد داشته
در سمت رود آمور تقریباً پانصد میل مسافت از سرحد سیبر ضمیمه مملکت روس شده بعد عهدنامه چینیها در تین سین
با فرانسه و انگلیس بستند سفرای انگلیس و فرانسه در پکن و سفرای چین در لندن و پاریس متوقف خواهند بود ده
کرور تومان پول ایران خسارت دولت چین بدولت انگلیس خواهد داد و سه کرور بفرانسه مسافرین و سیاحان
فرنگ در چین آزاد خواهند بود که در جمیع ممالک چین گردش کنند مذهب عیسوی در تمام ممالک چین محترم [illegible]
بود تجارت تریاک حق فرنگیها خواهد بود (ژاپن) عهدنامه تجارتی با اتازونی و انگلیس و روس و فرانسه بسته شد
(اسپانیول) اختلاف آرا مابین وزرای پادشاه انگلستان با کمال سختی با دولت اسپانیا در خرید و فروش سیاهان
گفتگو دارد افتتاح راه آهن از مادرید به آلیکانت (المان) فوت مارشال رادتسکی فرض دولت اطریش در این
سال معادل هزار و دویست کرور تومان پول ایرانست تولد پسری از امپراطور اطریش در میلان ایطالیا متصرفی
دولت اطریش اهالی بنای شورش گذاشته آشکارا سلطنت ویکتر امانوئل پادشاه ساردین را طالبند پسر پادشاه پروس
دختر بزرگ پادشاه انگلیس را بازدواج خود درآورد افتتاح راه آهن از کنیکسبرگ شهر پروس الی سرحد روس پرنس
گیوم برادر پادشاه پروس مستقلا بدون تردید بدون تعیین وقت بنیابت سلطنت بواسطه سوء مزاج پادشاه
که برادر بزرگش بود برقرار میشود (انگلیس) عزل وزراء ویک و نصب وزرای طایفه توری بریاست لرد دربی پادشاه
گورکانی دهلی را حبساً بجزیره آندمان میفرستند حکومت و فرمانفرمائی هندوستان که تا آنزمان متصرف کمپانی
بوده باختیار دولت لرد پالمرستن در اواخر صدارت و لرد دربی در اوایل صدارت در ظرف این سال تکلیف بدولت
میکنند که اینوضع کمپانی را موقوف داشته هندوستان را یکی از ایالات معتبره معظم انگلیس محسوب نمایند و یک وزیر
بسمت وزارت هندوستان در دستهٔ وزرا مقرر شود سرکالین با امداد راجه نیپال با پنجاه هزار قشون شهر لکهنوی
هندوستان را متصرف درآورد و بیست و پنج هزار نفر از یاغیها بسمت نیپال رسم فرار کردند بجهة فتوحات نمایان
کالین سپهسالاری هند و لقب لرد کلید از طرف دولت انگلیس باو داده میشود لرد کانینک که از طرف کمپانی
حکومت هند داشت بسمت فرمانفرمائی و نیابت سلطنت در هندوستان برقرار شد در جزیره نول کالدونی متعلق
بانگلیس معادن طلای خیلی با مکنت منکشف شد مجلس لردها بعد از هفت سال گفتگو بالاخره قبول کردند که از طایفه

هو

یهود در مجلس پارلمنت بسمت وکالت رعیت عضو بهم رسانند رجل معروف یهود که در مجلس قبول شد رتز نام
از اهالی آلمان ایجاد روزنامه تلگرافی عمومی نمود (ایطالیا) کاوور صدر اعظم ساردینیا مصمم بر اینست که با پاپ با فرانسه
اتحادی داشت (پرتوغال) ازدواج پادشاه با یکی از شاهزاده
خانمهای پروس (بلژیک) دولت در صدد ساختن قلعه محکمی در بندر آنورس برآمد (روس) انعقاد مجلسی بحکم اعلیحضرت
امپراطور بجهة آزاد نمودن رعایا در مملکت روس آنچه بنظر آمده صد و نه هزار را بابت از این عده هزار و چهار صد
نفر از هزار ... ده هزار رعیت دارند که این رعایا بمنزله مملوک هستند و خرید و فروش میشوند و فی الواقع اعلیحضرت
امپراطور روس جمعیتی که مشتمل بر چهل و یک کرور و دویست و پنجاه هزار نفر بود آزاد کرد که در حقیقت رعایای مملوک بحکم
امپراطور آزاد شدند (سوئد) بواسطه باقی ماندن سختی قسمت عمده از پایتخت میسوزد (سوئس) افتتاح راه آهن از
ژانو به نوآن (عثمانی) خیال اتحاد با انگلیس والاشو و ملداوی (افلاق بغدان) در تحت یک حکومت چون از برای
اقتدار روس در این نواحی بیشتر مفید بود دولت عثمانی قبول ننمود با بواسطه باز مابین روس و عثمانی نزدیک بترک
مراوده شد لهذا مجلس شورای مجددی در پاریس از مامورین جمیع دول منعقد گردید بعضی قرارها جاری بعمل اتحاد
افلاق بغدان و قراداغ عثمانی و بعضی جاها گذاشته شد سیر هانری بلور سفارت انگلیس در دربار عثمانی بجای
لرد بکلیف برقرار شد فوت رشید پاشا فجاءة شورش سخت در ایالت هرزگوین و منتنگرو و در شبینی فتوحات عمر
پاشا با اعراب بدوی در حوالی بغداد باریدن باران سخت در شامات و خرابی ساینان در جزیره کاندی بجهة زیادی
مالیات اهالی شورش نمودند مسلمانها عیسوی زیادی در این جزیره بقتل رسانیدند در بندر جده فرنگی زیاد بقتل رسید
من جمله قونسولهای انگلیس و فرانسه بودند کشتیهای جنگی دولتین فرانسه و انگلیس بضرب گلوله نار بجلت خرابی زیادی
بجده وارد آوردند دولت عثمانی جمعی را بجهة تحقیق این فقره مامور بجده نموده ده نفر از مقصرین که محرک مردم بودند
در این فقره وهیت بدست آورده میکشند ایجاد مجلس وکلای ملت در بلگراد و صربستان وکلای ملت این با انتخاب
قرار ادرش را طالبند که از طرف دولت عثمانی والی بوده و منصب او موروثی ولیعهد مصر احمد پاشا پسر ابراهیم پاشا ژوبیش
در نیل غرق شده هلاک میشود در تونس ایجاد یک بانک ایجاد اول راه آهن در خاک عثمانی از ازمیر به آیدین (فرانسه)
جمعی از اهالی ایطالیا که رئیس آنها ارسینی نام بود قصد قتل ناپلیون امپراطور فرانسه کردند و شبی در مدخل
تماشاخانه بزرگ نارنجک بسمت امپراطور انداخته شد صد و پنجاه و شش نفر مجروح و هشت نفر مقتول و
با امپراطور نیز زخمی وارد آمد موافق فرمان امپراطور ناپلیون در زمان غیبت اعلیحضرت ایشان از فرانسه نیابت
سلطنت با امپراطریس خواهد بود ژنرال شانگارنیه و ژنرال بدو که از خاک فرانسه اخراج شده بودند اجازه
یافتند که وارد شوند سفارت کبرای دولت دوما لاکف با انگلیس از برای تزیینات شهر پاریس در ظرف ده سال بیست
سی و شش کرور تومان ایران خرج شود که از این مبلغ ده کرور دولت کمک خواهد کرد ما بقی را اهل شهر فوت مادر
کنت دپاریس نوه لوئی فیلیپ پادشاه فرانسه و ولیعهد او در انگلیس وزارت الجزایر و تمام ممالکی که دولت فرانسه در
خارج از مملکت فرانسه مالک است به پرنس ناپلیون عموزاده امپراطور مقرر شد حکومت ژنرال ماکماهون بر الجزایر مملکت
سیام قبول قونسول فرانسه نمود جزئی کدورتی با دولت پرتوغال بر سر خواستن دولت پرتوغال و عفو دولت فرانسه
بجهة حفر مجمع البحرین سوئز کمپانی اسمعل در پاریس افتتاح استقراض کرد آمدن پادشاه انگلستان بشربورغ بر بندر
فرانسه و ملاقات نمودن با امپراطور فرانسه فوت ژاشل بازیگر معروف (یونان) ایجاد موزه در آتن پایتخت این

دولت

دولت برود و زلزله بندر آتیک خرابی شهر کرنث بواسطهٔ زلزله جزیرهٔ کرفو را انگلیس مایل بسپردن است لکن اهالی جزیره
زیاده میل دارند که جزو یونان باشند **افریقا** در شمال دماغهٔ امید چندین سال قبل از ملل مختلفه فرنگ علی
الخصوص هلاندیها در سواحل رودخانهٔ اورانژ ساکن گردیدند و بیست و دو سال بود دولت انگلیس لاینقطع با آنها
در منازعه بود بلکه آنها را جزو رعایای خود که در افریقا دارد بداند ممکن نشد تا در اینسال دولت انگلیس این جمهوری مختصر را
شناخت جمهوری اورانژ ولایت بسهف نام هلاندی بانتخاب عامهٔ اهالی اورانژ ولایت مدت هفت سال ریاست یافت **امریکا**
(اتازونی) اختراع وضع تلگراف جدید بتوسط دکتر مُرس از اهل اتازونی که باسم همان شخص این تلگراف الحال موسوم است
دولت انگلیس چهل هزار تومان انعام و حق السعی بان شخص میدهد (ینکی دنیای جنوبی) شورش سخت در جمهوری
پرو و دفع آن (برزیل) ابتدای راه آهن جدید موسوم براه دُن پدرو (ینکی دنیای شمالی) بعد از دو مرتبه تلاش
بیهوده در مرتبهٔ ثالث مابین والانتیا شهر ایرلند انگلیس و سنت ژان شهر ینکی دنیائی امتداد سیم تلگراف بحری شد
اول مخابرهٔ تلگراف تهنیت آمیز مابین رئیس جمهوری اتازونی و پادشاه انگلستان بود و وقتیکه در ساعت شهر والانتیا
دو ساعت و چهل و پنج دقیقه از ظهر گذشته بود و در شهر سنت ژان انگلیس ظهر و اختلاف افق بانیقدر دارد اما
بزودی این سیم بحری پاره و قطع مراوده مابین اروپ و ینکی دنیا گردید

سنه ۱۲۷۵ هجری — سنه ۱۸۵۸ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال خیر مآل ذات اقدس همایون بنفس نفیس مبارک غور و تعمق در کلیه امور دولتی و ملکی
میفرمایند ریاست دفترخانه و وزارت امور خارجه را بمیرزا محمد از اجزای وزارت خارجه داده و با عطای نشان شیر و
خورشید از درجهٔ اول سرهنگی با حمایل آن مفتخر گردید متعلمین مدرسهٔ دار الفنون ترقی کلی کرده اند جناب مسیو
انیچکوف وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت روس مامور باقامت دربار دولت علیه وارد دار الخلافه شد پذیرائی
رسمی از معزی الیه بعمل آمد میرزا زکی معلم و یاور توپخانه بمنصب سرهنگی توپخانه مفتخر گردید بیستم شهر محرم
الحرام بموجب دستخط مبارک جناب صدر اعظم از صدارت عظمی و نظام الملک و وزیر لشکر از مناصب خودشان
معزول شدند و بعد از عزل صدر اعظم شش وزارتخانه در دربار دولت علیه ترتیب و تشکیل یافت اول وزارت
داخله دویم وزارت خارجه سیم وزارت جنگ چهارم وزارت مالیه پنجم وزارت عدلیه ششم وزارت وظایف و اوقاف و اسامی
وزرا و القاب هر یک از اینقرار است جناب میرزا محمد صادق قایم مقام بلقب امین الدوله و وزارت داخله سرافراز
شد وزارت خارجه کما کان بعهدهٔ جناب مؤتمن الملک میرزا سعید خان شد جناب میرزا محمد خان کشیکچی باشی بلقب
جلیل سپهسالاری و وزارت جنگ مفتخر گردید وزارت مالیه برعهدهٔ کفایت جناب اجل آقا میرزا یوسف مستوفی
الممالک مفوض آمد جناب عباسقلیخان والی جوانشیر ملقب بمعتمد الدوله شده وزارت عدلیه بعهدهٔ ایشان محول
گشت وزارت وظایف و اوقاف تعلق بمیرزا فضل الله نصیر الملک یافت و میرزا عنایت الله امین لشکر کما کان مشغول
ضبط و ربط دفتر لشکر خواهد بود در امور مهمه قرار بشوری افتاد و امضای کلیه امور بنفس نفیس همایون خاص گردید
و بدون استیذان و اجازه از جانب سنی الجوانب حکمی نفاذ نمیابد حاجی محمد خان پیشخدمت خاصه بجای والد
مؤلف منصب فراشباشیگری و لقب حاجب الدولگی یافت منصب ریاست مجلس شوری را بمیرزا جعفر خان مشیر
الدوله مرحمت فرمودند میرزا باقر برادرزادهٔ میرزا آقاخان بلشکرنویسی فارس مامور شد حساب یزد و بروجرد
برعهدهٔ میرزا رفیع مستوفی مفوض گردید یحیی خان (جناب مشیر الدوله) بمنصب آجودانی مخصوص و مترجمی حضور

باهر النور و خلعت همایون سرافراز گردید جشن مولود همایونی در ششم صفر میمنت اثر گرفته شد همه را بیشان الارتفاع
قله دماوند را که رفته‌اند و معلوم شد از سطح طهران پنجهزار و پانصد و نود ذرع و از سطح دریا ششهزار و ششصد و سیزده
ذرع است حاجی میرزا علی اکبر قوام الملک با بعضی وابستگان خود بدربار همایون آمده بعد از رخصت انصراف بحمایل میرپنجی
و خلعت همایون نایل و همراهانش نیز بمناصب و خلاع همایونی سرافراز شدند سفیری بسمت شارژ دافری دولت بلجیک
بدار الخلافه باهره آمد میرزا ابراهیمخان بمنصب سرتیپی اول و حمایل و نشان آن سرافراز شد میرزا حسین للهباشی بمنصب
ریش سفیدی در بحرمخانه و خلعت همایون سرافراز شد مصطفی قلیخان حاکم سبزوار بخلعت همایون و یکقبضه شمشیر با
غلاف طلا نایل گردید یکطوب عبای ترمه جبه جناب شیخ عبدالحسین مجتهد ارسال عتبات شد برای جناب حاجی سید جواد امام
جمعه کرمان نیز یکقبضه شمشیر مرصع ارسال کردند جانمحمدخان سرهنگ فوج خلج ساوه بمنصب سرتیپی سیم سرافراز شد
حسینخان نظام الدوله بمنصب امیر تومانی منصوب شد جناب فرخ خان امین الملک سفارت کبری و ماموریت خود را
بپایان رسانده در ماه ربیع الاول وارد دار الخلافه و شرف حضور همایون شده بیکقطعه کلگی مرصع ممتاز و یکطوب
جبه ترمه کشمیری حاشیه دار از ملابس خاصه مخلع و سرافراز گردید میرزا شفیع شیرازی بمنصب استیفا سرافراز شد دیوانخانهای
عدلیه در تمام ولایات برقرار فرمودند یحیی خان اجودان مخصوص و مترجم حضور همایون بیکرشته حمایل سفید از مرتبه
سرهنگی سرافراز شد میرزا ملکم خان سرهنگ تاماژور که بمنصب مستشاری در سفارت جناب امین الملک باو با مامور
شد بمنصب سرتیپی و نشان و حمایل مخصوص این رتبه مفتخر گردید نواب شاهزاده بهرام میرزا را بلقب معز الدوله مفتخر
و بصاحب اختیاری مملکت آذربایجان و یکقطعه نشان مکلل بالماس از مرتبه امیر تومانی با حمایل آن سرافراز فرمودند
و عزیزخان سردار کل را بنشان و حمایل و خطابات تکریم سابقا داشت مجددا برقرار و در ریاست کلیه و نظم امور مملکتی قشون
آذربایجان را بعهده معزی الیه موکول فرمودند میرزا ابوالقاسم مستوفی بلقب معین الملکی ملقب گردید میرزا عباسخان
نایب وزارتخانه خارجه بمنصب نیابت اول و لقب معاون وزارت امور خارجه و خلعت همایون سرافراز و مامور بکارگذاری
بالاستقلال مهام خارجه آذربایجان شد عیسیخان والی حاکم اصفهان با عطای لقب اعتماد الدولگی سرافراز گردید
و محمد تقی خان میرپنجه بلقب نبیل ناصر الملکی مفتخر گشت و انتظام مهام سواره نظام ملتزم رکاب بمعزی الیه تفویض شد
نواب حشمة الدوله را بحکمرانی خراسان و یکطوب قبای مفتول دوز نظامی تن پوش مبارک و یکرشته حمایل سبز و آبی که
مخصوص منصب سرداری است سرافراز فرمودند میرزا محمد قوام الدوله وزیر خراسان بیکرشته حمایل سبز و از مرتبه
مرتبه امیر تومانی نایل گردید میرزا جعفرخان مشیر الدوله را بیکقبضه عصای مرصع قرین اعزاز فرمودند فوج خلخال
را بسید الحسینخان برادر مؤلف مرحمت فرمودند جناب میرزا فتحعلیخان صاحبدیوان بحکومت فارس مفتخر آمد هنگام
مراجعت جناب امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران بعضی هدایا و تحف لایقه از جانب ناپلیون امپراطور فرانسه و دول
متحده امریکا و ساردین و بلجیک برای حضور باهر النور مبارک اهدا نموده بودند که در این اوان عز وصول
یافت محمد ولیخان قاجار بیگلربیگی سابق استراباد بمنصب سرداری قشون خراسان مفتخر گردید میرزا احمدخان
پسر مرحوم میرزا تقیخان امیر کبیر بمنصب سرتیپی سرافراز شد جناب فرخ خان امین الملک بوزارت حضور و مهر
داری مهر مبارک و ریش سفیدی و ریاست عمله خلوت برقرار گردید میرزا علیخان ولد میرزا مصطفی خان افشار
بمنصب سرهنگی سرافراز شد نظر بموالات و اتحاد دولتین ایران و روس اعلیحضرت امپراطور روس یکقبضه
شمشیر مرصع برای اعلیحضرت همایون اهدا نمودند میرزا هدایت الله پسر نصیر الملک بمنصب استیفای وظایف

ممالک

ممالک محروسه برقرار کردید حاجی میرزا عبدالله خان ولد مرحوم میرزا نبی خان امیر دیوان بمنصب استیفای دیوان
اعلی سرافراز شد ایجاد و امتداد سیم تلگراف از دار الخلافه باهره الی عمارت سلطانیه و از آنجا تا تبریز بمباشرت
نواب اعتضاد السلطنه چهل و دو نفر از جوانان قابل ایران بریاست عبدالرسول خان نواده مرحوم صدر اصفهانی
انتخاب شدند که در مدارس علمیه پاریس مشغول تحصیل فنون مختلفه شوند حسنعلی خان سرتیپ نزال اجودان حضور
همایون بمنصب وزیر مختاری و ایلچیگری مخصوص دولت علیه ایران مامور باقامت دربار دولتین انگلیس و فرانسه
کردید بخلعت همایونی سرافراز شد و حاجی محسن خان سرهنگ بنیابت اول و میرزا صادق خان بنیابت دویم و نظر آقا مترجم
اول سفارت مزبوره برقرار کردیدند شاگردان نیز سپرده بجناب حسنعلی خان وزیر مختار هستند میرزا عبدالرحیم
بمنصب کارپردازی اول دولت علیه منصوب و باقامت تفلیس مامور کردید با عطای یکقطعه نشان سرتیپی و حمایل حلقه
همایون سرافراز شد و میرزا عبدالوهاب خان بمنصب نیابت اول کارپردازخانه تفلیس برقرار کردید نصرالله خان سرتیپ بیکقطعه
نشان از درجه سیم سرتیپی سرافراز شد حکومت کرمان را بنواب کیومرث میرزا و وزارت کرمان را بمحمد اسمعیل خان مفوض
فرمودند جناب میرزا حسین خان (سپهسالار اعظم مرحوم) بمنصب وزیر مختاری و اقامت اسلامبول و خلعت همایون سرافراز
کردید و اجزای این سفارت از اینقرار است
(نریمانخان سرتیپ منشی سفارت) (میرزا سلیمانخان پسر جناب مؤتمن الملک وزیر امور خارجه نایب اول) (میرزا محسن
نایب دویم) (میرزا زمانخان بسمت قنسول ژنرالی مامور باقامت مصر) (میرزا مهدی مامور بکارپردازی ارزنة الروم)
(میرزا حسین بمنصب کارپردازی مامور باقامت طرابزن) (حاجی میرزا بهاء الدین بمنصب کارپردازی شام)
یحیی خان پسر جناب حسنعلی خان وزیر مختار بسرهنگی فوج اول کروس سرافراز شد نواب عماد الدوله بیکقطعه نشان
امیرتومانی و حمایل آن سرافراز کردید قوام الدوله وزیر خراسان نیز بیکقطعه نشان امیرتومانی مفتخر کردید عبدالله دیزجی
سرهنگ توپخانه بمنصب سرتیپی سیم توپخانه برقرار شد حسنعلی خان سرتیپ افشار بیکقطعه نشان دویم سرتیپی و
حمایل آن نایل گشت محمد باقرخان سرهنگ فوج ششم بیکقطعه نشان اول سرهنگی و حمایل سفید مباهی شد علیمرادخان
پسر اسدالله خان سرتیپ فوج گوران چون ابنا وفات اشرار آن سامان پدرش را غفلة بقتل رسانیدند و قاتلین
او را گرفته خود او بمنصب سرهنگی فوج مزبور برقرار شد شاهزاده احمد میرزا بحکومت کلپایگان و خوانسار رفت
حاجی محسن خان قاجار بوزارت قزوین منصوب کردید کاظم خان سرهنگ فوج ناصریه بمنصب سرتیپی سرافراز گشته ایل
حاجی علیلوی قراجه داغ را هم بمعزی الیه واگذار فرموده مقرر شد پنجاه سوار رشید خوب هم از ایلات قراجه داغ بگیرد
و ابواب جمع او باشد روز دوشنبه شانزدهم شعبان قلیلی از طلوع آفتاب گذشته مهر جهانتاب از برج حوت بحمل تحویل
نمود سلام خاص تحویل در کلاه فرنگی و سلام عام نوروزی در تالار تخت مرمر اتفاق افتاد نواب والا ناصرالدوله را بحکومت
دار الخلافه سرافراز فرمودند چون موکب همایون عازم سلطانیه است در ایام غیبت اردوی معلی ریاست شئون متوقف
دار الخلافه و قورخانه و جبه خانه را بجناب ناصر الملک تفویض فرمودند میرزای آذربایجان را بمیرزا عبدالرحیم میرزا آقاسی
واگذار فرمودند روز دوشنبه بیست و هفتم شعبان نواب اشرف والا شاهنشاهزاده انجم کامران میرزا (نایب السلطنه
امیرکبیر وزیر جنگ) بنیابت سلطنت کبری و خلافت عظمی سربلند فرمودند حکمرانی فارس را بنواب حسام السلطنه تفویض
داشتند روز بیست و نهم شعبان موکب مسعود همایون از مقر خلافت عظمی بعزم زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها
و تشریف فرمائی بسلطانیه انتهاض فرموده باقبال تمام محل نزول اردوی معلی کردید جمعه چهارم رمضان از قریه بادران

مخیم اردوی همایون شد جناب حاجی میرزا محمد خان که بر مهام خارجه نایب اول وزارت امور خارجه بجهت انجام خدمات مفروضه و
مشوبه قرار داده اند که فیمابین ایلچی کبیر دولت علیه و اولیای دولت عثمانی در اسلامبول سمت اتمام یافته بسمت مأموریت
مخصوصه مأمور بغداد و مخلع گردیدند و میرزا علیخان (جناب امین الدوله) پسر معزی الیه بمنصب منشیگری وزارت امور
خارجه و شغل اعطای مواجب سربلند و باتفاق مشار الیه روانه عراق عرب شد میرزا محمد صادق امین الدوله وزیر داخله بواسطه
علت مزاج از منصب و خدمت معاف شد نواب والا فرهاد میرزا نایب الایاله بنشان و حمایل میرپنجی نائل گردیدند
امان الله خان والی کردستان بنشان درجه دویم سرتیپی با حمایل آن سرافراز گردید شب چهارشنبه هفتم رمضان منزل حوض
سلطان مقر موکب همایون بود نواب حسام السلطنه بیک قطعه نشان مکلل بالماس از درجه دویم امیر تومانی و یک
رشته حمایل سبز و آبی و خلعت همایون سرافراز گردیدند جناب فرخ خان امین الملک بلقب امین الدوله ملقب و علاوه بر
مناصب سابقه مقرر فرمودند که عرایض و مطالب علما و شاهزادگان عظام را جناب معزی الیه معروض حضور مبارک دارد
و عزل و نصب حکام و ولایات ممالک محروسه هم بمشاورت و صوابدید ایشان باشد روز پنجشنبه دهم رمضان موکب
همایون وارد قم گردیده از راه همدان عزیمت سلطانیه فرمودند میرزا آقا خان کاربرداز مصر بنشان اول سرهنگی
سرافراز شد و محمد باقر خان ولد محمد خان امیر تومان نیز بنشان اول سرهنگی مفتخر گردید بیست و سیم رمضان محلات
محل نزول اجلال موکب معلی بود امیرزاده سلطان حمید میرزا ولد نواب نصرة الدوله بمنصب سرهنگی خارج از فوج
سرافراز گردید مدرسه نظام تبریز باهتمام محمد صادق خان سرهنگ رونق کامل یافت امیرزاده ساسان میرزا
بمنصب سرهنگی نایب و بیگلربیگی تبریز شد موکب همایون از راه همدان تشریف فرمای سنتلج شده سه روز
در آنجا توقف فرمودند و چون از عهود سالفه در این ولایت معمول ولایت بود که صاحبان املاک تصرف مالکانه
در ملک و ما یملک خود چنانکه باید نداشتند حکم همایون بر منع این رسم شنیع صادر و مقرر شد عموم رعایا
نسلاً بعد نسل مالک ظاهر اموال موروث و مکتسب خود باشند موکب معلی از سنتلج انتهاض فرموده بساحت
کرسن نزول اجلال فرموده و بعد از دو روز توقف عازم سلطانیه شده روز دویم ذیحجه سلطانیه مخیم اردوی
همایون شکوه گشت نواب اعتضاد السلطنه را بپاداش خدمت کشیدن سیم تلگراف تا سلطانیه بیک قطعه نشان
تمثال همایون مکلل بالماس و یکهزار تومان انعام مفتخر و بمنصب و لقب وزارت علوم منصوب و ملقب فرمودند سلام
عید اضحی در عمارت سلطانیه شرف انعقاد یافت و در این سلام چهل هزار از عساکر نظام و غیر نظام حاضر بودند
قاسم خان وزیر مقیم دولت علیه متوقف سنت پطرزبورغ بمنصب ایلچی مخصوص و وزیر مختاری سرافراز گردید
نواب احتشام الدوله خانلر میرزا بحکومت اصفهان و نواب عضد الدوله سلطان احمد میرزا بحکومت بروجرد سرافراز شدند
حکومت لرستان را ضمیمه حکومت کرمانشاهان نموده بنواب عماد الدوله مرحمت فرمودند والد مؤلف حاجی علیخان را
بلقب ضیاء الملک ملقب و بحکومت ایالت عربستان سرافراز داشتند حکومت مازندران و استرآباد را بنواب حاجی
کیومرث میرزا ایلخانی ایل جلیل قاجار مرحمت فرموده نواب معزی الیه را ملقب بملک آرا نمودند و نیابت این ایالت
با میرزاده هوشنگ میرزا پسر نواب ملک آرا تفویض شد محمد مهدی خان پسر جناب سپهسالار بمنصب کشیکچی باشیگری
مفتخر گردید امیر اصلان خان عمید الملک حکمران گیلان بلقب مجد الدوله ملقب شد پاشا خان سرتیپ اول بشجاع
الملک لقب یافت نواب حشمة الدوله حکمران خراسان در سرخس باجازه علیه قلعه جدیدی محکم و بزرگ که عبارت
از شهریست تماما مهندسه بنا نموده و بقدر سه چهار هزار خانوار از ایلات داخله خراسان برای سکنای آن

قلعه

قلعه معتبر و چهار فوج سرباز و پانصد سوار در آنجا ساخلو گذاشته محمد ولیخان سردار خراسان را بریاست آنجا
برقرار کردند (چین) فوشحاکم کانتن بهر که اسیر انگلیسها بود در کلکته خفت داد بسفرای انگلیس و فرانسه و ینگی
دنیا در این مملکت و نپذیرفتن خاقان چین ایشان را در حضور خود (ژاپن) جزیره یوکوهوما از برای ورود
سفاین ملل فرنگ باز نبود هنوز به پایتخت ورود نکردند ٧ اروپا (اسپانیول) افتتاح راه آهن از
مادرید به ساراکس میل عام مردم بجنگ با دولت مراکش سرداری اودنل در این جنگ جنگ سخت مابین قشون اسپانیا
و مراکش اتلاف قشون اسپانیائی بواسطه امراض وبائی فتح قشون اسپانیا و شکست فاحش قشون مراکش در اوایل
زمستان هنگام منازعه اسپانیا با مراکش دولت انگلیس با اسپانیا شرط مینماید که بندر تانژر را بعد از فتح آنقدر
نگاهدارد که امضای عهدنامه صلح بشود (المان) تنزل دولت اطریش از بهر جنگ در اوایل این سال مابین دولت
و ایطالیا و فرانسه فرستادن اطریش یکدسته قشون بسرحد خاک عثمانی ابتدای کدورت مابین دولت فرانسه
و اطریش و کلمات سخت ناپلیون امپراطور فرانسه به دولت اطریش در اول ژانویه بتوسط سفیر اطریش دولت اطریش
هیئت جنگی در ایالات متصرفی خود در ایطالیا مینماید گفتگوی سخت مابین دولت اطریش و ایطالیا دولت روس از برای
رفع غایله بدول فرنگ تکلیف انعقاد مجلس کنگره مینماید و قبول نمیشود دولت اطریش ویکتر امانوئل پادشاه ساردین
را تهدید میکند که بطور حتم هیئت جنگی که دیده متفرق نماید و عساکر خود را مرخص کند و سه روز مهلت باو میدهد
دولت فرانسه از این تهدید متألم شده سرداران خود را بحمایت ساردین بسرحدات ایطالیا مامور میسازد شروع
منازعه مابین فرانسه و اطریش در مملکت ایطالیا کمک بعضی ایالات کوچک ایطالیا به دولت اطریش و بیطرفی بعضی سلاطین
حضرت پاپ در این جنگ و روس و پروس هیئت جنگ می بندند بدون مداخله در جنگ میانجیگری دولت انگلیس که بی
ثمر شد نطق ناپلیون امپراطور فرانسه که مقصود از جنگ اتحاد و آزادی ایطالیا است حرکت ناپلیون از پاریس در اواسط
بهار بسمت میدان جنگ و ورود ایشان بر شهر ایطالیا و قبول کردن سرداری کل عساکر فرانسه و ایطالیا را ویکتر امانوئل
پادشاه ساردین بنیابت ناپلیون در این جنگ مقرر است کاریبالدی در این جنگ حالت دارد شکست قشون
اطریش در والان توپی که از فرانسه آورده بودند و گلوله او هزار و ششصد ذرع میرفت سبب فتح شد جنگ
سخت چپالدینی سردار ویکتر امانوئل در مرنوا فتح ماژانتا و شکست سخت قشون اطریش بدست قشون فرانسه و شاید
ژنرال ماکماهون در این جنگ بیست هزار مقتول و هفت هزار اسیر و چهار توپ و دو بیرق در این جنگ نصیب قشون
فرانسه شد در همین جنگ ژنرال ماکماهون بمنصب مارشالی و لقب ماژانتا برقرار گردید ورود امپراطور
و ویکتر امانوئل بمیلان در اوایل تابستان شکست سرداران اطریش مینداک شکست قشون اطریش از هر نقطه ورود امپراطور
اطریش بمارد و خود در ورود آن نصیحت جنگ پروس که دویست و پنجاه هزار قشون حاضر میکند شکست یافتن قشون فرانسه
و ایطالیا بدست امپراطور اطریش جنگ سخت بزرگ در سلفرین قشون امپراطور اطریش صد و هفتاد هزار و قشون
ناپلیون فرانسه و پادشاه ساردین صد و چهل و پنجهزار و در گرمای سخت شانزده ساعت این جنگ طول
کشید و قشون فرانسه فتح کرد و سه بیرق و سه توپ و شش هزار اسیر بدست قشون فرانسه افتاد از عساکر
فرانسه در این جنگ پانزده هزار و از عساکر ساردین پنجهزار و پانصد نفر تلف شد ژنرال نیل سردار قشون فرانسه
بمنصب مارشالی برقرار شد فرستادن چند کشتی جنگی بسمت ونیز اهالی المان از این فتوحات فرانسه چندان
مشعوف نیستند شورش در مجارستان برضد دولت اطریش دولت پروس و انگلیس و روس را بمیانجیگری میان

(ماچین) ٧ قشون دولت فرانسه و اسپانیا سواحل و خاک توران را متصرف شده [illegible] کردند

فرانسه

فرانسه و اطریش مطلب مشارکت قشون فرانسه و اطریش ملاقات امپراطور فرانسه و امپراطور اطریش در ویلافرانکا
و گفتگوی مصالحه عمده شروط مصالحه این بوده است که دولت اطریش حق سلطنتی که در ایالت لمباردی ایطالیا دارد
با امپراطور فرانسه واگذار نماید و ناپلیون نیز سلطنت لمباردی را بویکتر امانوئل پادشاه ساردین تفویض نماید جمیع دول
فرنک خاصه اهالی فرانسه تعجب از این داشتند که باوجود فتوحات پی در پی امپراطور فرانسه را چه بر این داشت که تعجیل
مصالحه نماید خود امپراطور با این عذر معتذر شدند که بواسطهٔ حرارت هوا و امراض وبائی و بعضی جهات دیگر
من جمله شراکت کردن جمهوری طلبان ایطالیا با ما در این جنگ بود من نخواستم استمدادی در این جنگ بدهم علاوه بر این
چون جمیع دول فرنک در ابتدای جنگ بوجه غیر عادلانه با ما حرکت کردند و بعضی مضامین گفتند خواستم تعلما ظاهر
نمودن شوکت و قدرت ملت فرانسه را بر اطریش بدون دخالت دول دیگر مصالحه نمایم اضطراب دولت انکلیس از اینکه
مبادا این مصالحه فوری فرانسه با اطریش سبب مشارکت ما بین فرانسه و انکلیس گردد پنجاه هزار عساکر فرانسه با مارشال
وایان سردار متوقف ایطالیا خواهند بود صلح ما بین فرانسه و اطریش و ایطالیا (ساردین) در زوریک منعقد شد
عزل کنت دبوآل و نصب کنت شیرک بجای او بی پولی شاهید در مملکت اطریش استقراض سه کرور تومان پول ایران
فوت وزیر بزرگ مترنیخ در تابستان بستن پیری تولد پسری در پروس از پسر نایب السلطنه فوت الکساندر هنبلد عالم
متبحر در برلن فوت کارل ریتر جغرافی دان معروف (انکلیس) مسافرت ولیعهد دولت انکلیس در اقطاع فرنگ الخ
ممالک تعیین پنجاب بچهارم ایالت هندوستان در این سال چهارم هندوستان که پنجاب و دهلی در جزو این ایالت
شمرده میشود حمل و چهار کرور در عهد انکلیس داد عزل وزرای توری بنصب وزرای ویک و صدارت لرد پالمرستن
شورش عمله جات در لندن منسوخ نمودن دولت انکلیس تنبیه سربازان مقصر را با شلاق نقار جزئی با آتاتونی بنکی
دنیا مسافرت ماکلنتوک بقطب شمال و انکشاف دریای قطبی و یقین بر فوت فرانکلین سیاح قطبی که در سنه هزار
و دویست و شصت و پنج بقطب شمال سفر کرده و مفقود شده بود و تا کنون دولت انکلیس در جستجوی او بود تا
اینوقت که یقین بفوت او و همراهان او نمود فوت هلام مورخ و برونل مهندس اهالی جزیره کرفو باوجود اصرار که
دولت انکلیس در الحاق آن جزیره بمملکت خود دارد قبول نموده تبعیت یونانات را اختیار کردند (ایطالیا) قبول نمودن
اعلیحضرت ویکتر امانوئل سرداری قشون خود را در جنگ اطریش جمهوری طلبان ایطالیا گاریبالدی را بریاست و سرداری
خود اختیار کردند ملکه پارم پسر خود را برداشته بسمت سویس فرار میکند دوک مدین نیز مملکت خود را گذاشته فرار
مینماید و از جانب ویکتر امانوئل حاکم آنجا تعیین میشود ایالت توسکان نیز جزء مملکت ساردین شد فوت پادشاه
ناپل فردیناند دویم در سن چهل و نه سالگی که مدتها مریض بود و جلوس پسر او بپادشاهی فرانسوای دویم که یکی از
خواهرهای ملکهٔ اطریش را در حبالهٔ نکاح دارد استعفای کنت دکاوور از صدارت و نصب کنت دارز که یکی از دوستان
ناپلیون امپراطور فرانسه است و دودمان آمیز پادشاه و ویکتر امانوئل به مهلان تظلم پیر والی توسکان در دربار
فرانسه و قبول نکردن امپراطور ناپلیون تظلم او را اهالی ایطالیا عموما سلطنت حضرت پاپ را مانع اند جمیع
ایالات ایطالیا سکه و بیرق ساردین و ویکتر امانوئل را قبول کردند اخراج نمودن پاپ ایلچی ویکتر امانوئل را از رم پادشاه
اغتشاش سخت در ایالت رم ازدواج شاهزاده خانم کلتیلد با پرنس ناپلیون عموزاده امپراطور فرانسه ده کرور
تومان ایران دولت ساردین استقراض نموده برای تهیهٔ جنگ با اطریش احضار کنت دکاوور بصدارت عظمی
اعلیحضرت ویکتر امانوئل ببارد بیر و گفتگو و دستور العمل ناپلیون امپراطور فرانسه با او در اوایل بهار (پروس)

امپراطور روس از شهر ورشو بشهر برسلو آمده با نایب السلطنه پروس خالوی خود ملاقات کرده عهدی مخفی بین دولتین باکمال سختی منعقد میگردد (پرتوغال) فوت ملکه در تابستان (بلژیک) تولد پسری از ولیعهد این مملکت موسوم بکنت دو هین کفتکو در مجلس شوری در استحکام بلد آن ورس (روس) عهدنامه جدید دولت روس با چین جلیس شامیل با چهارصد نفر از مریدها بدست پرنس باریاتینسکی (سوئد) فوت اسکار پادشاه این مملکت جلوس شارل پانزدهم ولد اکبر او در سن سی و سه سالکی (عثمانی) ایالات افلاق و بغدان معا پرنس کوزا را برپاست خود منتخب کرده مشارالیه وعده میدهد که از روی قانون حکومت کند دولت عثمانی حکومت پرنس کوزا را امضا نمود در سرویستان میشل پسر میلوش بولایت منصوب و برقرار شد فوت والی تونس سید محمد و ولایت سید صادق بجای او قانون جدید عثمانی که حکم نفیلد در حق مقصرین پولیتکی نخواهد شد و بجلای وطن تنها اکتفا میشود اول شخصی که بجلای وطن رفت عمر پاشای معروف است عزل قبرسلی پاشا صدراعظم که مداخله در مخارج حرمخانه و دربار میخواهد نماید و از وجه معینی که سلطان ماخوذ میدارد میل دارد کم و کسر کند در مجلس کنفرانس پاریس که بجهة کفتکوی افلاق بغدان منعقد شده بود ایلچی عثمانی صراحة کفت که دولت عثمانی موقتا پرنس کوزا را بوالیکری دو ایالت میشناسد (فرانسه) بعد از ازدواج پرنس ناپلیون عموزاده ناپلیون امپراطور فرانسه با دختر پادشاه ایطالیا دویست و پنجاه هزار تومان مواجب در حق او برقرار میشود عزل پرنس ناپلیون از وزارت الجزایر و نصب شاسلوب لوبا دولت یکصد کرور تومان پول ایران از رعیت استقراض نمود همینکه ملت میل دولت را در استقراض دید متجاوز از پانصد کرور وجه نقد بجهة دولت حاضر شد در زمان غیبت امپراطور ناپلیون از فرانسه که مشغول جنگ ایطالیا بود امپراطریس زوجه ایشان بنیابت سلطنت مقرر و پرنس ژرم عموی اعلیحضرت ناپلیون بمستشاری امپراطریس مقرر کردید جشن اهالی پاریس در مراجعت ناپلیون امپراطور از جنگ ایطالیا توسیع شهر پاریس که هفت هزار و هشتصد و دو جریب است در نوک گالدو غنا زمصرفات فرانسه باغوای سه نفر انکلیسی اهالی بدولت فرانسه شورش کردند معاهده دوستی و تجارتی با ژاپن مامور شدن پرنس مترنیخ نزد امپراطور فرانسه در آبهای معدنی پادشاه بلجیک بواسطه نسبتی که با خانواده سلطنت اطریش دارد در بندر بیاراتیس با اعلیحضرت ناپلیون ملاقات نموده در استحکام مودت دولتین فرانسه و اطریش کفتکو مینماید **افریقا** فوت مولوی عبدالرحمن سلطان مراکش در سن هشتاد سالکی و بعد از سی و هفت سال سلطنت پسر او این سلطان چهار نفر از کسان او داعیه سلطنت مراکش دارند جنگ داخله **امریکا** (اتازونی) شورش سیاهها برده در ایالت ویرژینی که تقریبا بیست و پنج فرسنگ تا پای تخت مسافت دارد اختلاف سخت مابین رجال دولتی و وکلای ملت که بعضی طالب آزادی غلامها بودند و بعضی بر ضد شورش سیاهها در ایالت سنت لوئی در تلیس جمهوری مشاعل طرفی است که آزادی برده ها را طالب نیستند (برزیل) مسافرت شش ماهه امپراطور بداخله مملکت برزیل (مکزیک) ژوارز رئیس جمهوری تمام موقوفات کلیسا را ضبط میکند جنگ و اغتشاش سخت در داخله (ینکی دنیای جنوبی) خرابی شهر کیت بلت از زلزله سخت شورش در ونزوئلا و در شیلی منازعه اهالی پلاتا و اروکوای

سنه ۱۲۷۶ هجری

سنه ۱۸۵۹ مسیحی

آسیا (ایران) موکب همایون در اول محرم در سلطانیه اقامت دارد روز چهاردهم محرم بعزم تشریف فرمائی آذربایجان اشخاص فرموده روز پنجشنبه بیست و پنجم وارد چمن اوجان شدند چراغعلیخان حاکم خمسه بلقب سراج الملکی مفتخر کردید حسنعلی خان شاهسون که در سیستان خدمت کرده بود بیک قطعه نشان درجه سرتیپی دوم سرافراز شد

پیرنزه

حمایل سرخ و یک قبضه شمشیر براق طلا مفتخر گردید محمد صالح خان کرد بچه که نیز پیشخدمت بود بمنصب سرتیپی و خلعت همایون نایل شد جناب مستوفی الممالک بیک قطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس سرافراز شدند موکب همایون روز سیم صفر تشریف فرمای تجریش گردید شب ششم صفر جشن ولادت همایون مفصلاً در همه جا گرفته شد رضا قلیخان ناظم مدرسه دار الفنون بنیابت وزارت علوم برقرار گردید و علیقلیخان پسر رضا قلیخان (جناب مخبر الدوله) بمنصب سرهنگی تلگراف سرافراز شد و جعفر قلیخان پسر دیگر معزی الیه بمنصب کتابداری مدرسه دار الفنون نایل گردیدند دوستعلیخان معیر الممالک باعطای یک قطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یکرشته حمایل مخصوص این رتبه سرافراز شد درب طلائی بحسب الامر برای روضه مقدسه رضویه علیه السلام عضد الملک متولیباشی تمام نموده نصب کرد سردار کل عساکر منصوره بیک قبضه شمشیر مرصع مفتخر گردید و میرزا احمد خان سرتیپ اول توپخانه مبارکه بلقب ساعد الملکی ملقب و مخلع شد موکب اعلی از تجریش تشریف فرمای مراغه گردید میرزا عباسخان معاون وزارت امور خارجه (جناب قوام الدوله) بیک قطعه نشان از مرتبه دویم سرتیپی و یکرشته حمایل سرخ سرافراز آمد مهمانخانه بجهة زوار در مشهد مقدس حسب الامر با کمال وسعت و عظمت بنا شد میرزا نصر الله لشکر نویس بمنصب لشکر نویسباشیگری آذربایجان و خلعت همایون سرافراز شد روز دویم ربیع الاول موکب همایون از مراغه حرکت فرموده از راه هشترود تشریف فرما گردیده روز بیست و دویم دار الخلافه باهره بقدوم مبارک مزین گردید نواب والا نصرة الدوله حکمران دار الخلافه بیک قطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس و یکثوب قبای ترمه نظامی دور گلابتون تکمه طلا سرافراز گردید مجلس شورای دولتی برقرار و اجزای مجلس از قرار ذیل است (نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم) (نواب والا نصرة الدوله حکمران دار الخلافه و عراق و ملایر و تویسرکان) (جناب سپهسالار) (جناب آقای مستوفی الممالک) (جناب معتمد الدوله عباسقلیخان جوانشیر وزیر عدلیه) (جناب امین الدوله) (جناب میرزا سعید خان وزیر امور خارجه) (سپهدار) (مشیر الدوله) (جناب ناصر الملک وزیر تجارت و صنایع) (جناب دبیر الملک) یکرشته قنات معتبر برای شهر قم بامر همایون بجهة رفاهیت اهالی آنجا احداث و اجرا گردید حسینخان سرتیپ که چاپارخانه های ممالک محروسه سپرده باو میباشد بلقب شهاب الملکی ملقب گردید هم در این سال علاوه بر دار الشورای دولتی مصلحتخانه مرکب از جمعی رجال دانشمند مجرب دولت بریاست عیسی خان اعتماد الدوله برقرار شد که همه روزه در مصالح ممالک و ترقی مملکت گفتگو نمایند نواب والا فرهاد میرزا نایب الایاله بیک قطعه نشان میرپنجی و یکرشته حمایل مخصوص آن سرافراز شدند محمود خان احتساب آقاسی بلقب احتساب الملکی و خلعت همایون سرافراز شد میرزا علی اکبر اجودانباشی بلقب خانی و خلعت همایون نایل گردید میرزا عنایت الله امین لشکر بیک قطعه نشان از مرتبه اول امیر تومانی و یکرشته حمایل مخصوص آن سرافراز شد جناب محمود خان ناصر الملک وزیر تجارت و صنایع بیک قطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس از مرتبه دویم مفتخر گردید پاشا خان پیشخدمت خاصه و امین حضرت بیک قطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یکرشته حمایل زرد و قرمز که در غیر نظام مخصوص باین مرتبه است نایل آمد میرزا عبد الرحیم منشی باشی دیوانخانه مبارکه بمنصب مستوفی گری دیوان اعلی و خلعت همایون سرافراز شد مسیو جان داوود خان سرتیپ و مترجم اول دولت علیه که سال سابق حامل نشان تمثال همایون بجهة اعلیحضرت امپراطور نمسه شده بود در این ایام مراجعت کرده یک قطعه نشان اول فرانسوا ژوزف از طرف اعلیحضرت امپراطور معظم الیه بجهة بندگان اعلیحضرت همایونی هدیه آورد محمد باقر خان سرهنگ فوج ششم تبریز بنشان سرتیپی سیم و یکرشته حمایل قرمز و سفید نایل شد محمد خان پسر قاسمخان وزیر مختار دولت علیه مقیم پطرزبورغ بنیابت سفارت معزی الیه برقرار گردید بنیاد اشرف بنای

شهر

شهر جدید سرخس برای نواب حشمة الدوله حکمران خراسان قمه مرصع و جبه ترمه پولک دوز تن پوش مبارک و قوام الدوله
وزیر خراسان خرقه ترمه تن پوش مبارک و محمد ولیخان سردار خراسان شمشیر کل مرصع و خلعت همایون و جعفر قلیخان
سرتیپ اول امراء عظام ملقب بنصرة الملک و شمشیر کل مرصع و خلعت همایون مرحمت و ارسال گردید و سایر ارباب مناصب بانواع
عطایا و مواهب سرافرازی یافتند جناب سپهسالار بیک قطعه نشان امیر نویانی از مرتبه اول و یک رشته حمایل سبز
سرافراز شدند عبد العلیخان پیشخدمت خاصه برادر مؤلف بلقب ادیب الملکی و خلعت همایون مفتخر گردید جناب ژنرال
ثامسن وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت انگلیس با نامه مهر علامه اعلیحضرت پادشاه انگلستان وارد دار الخلافه گردیدند
نواب شاهزاده احمد میرزا حاکم گلپایگان ملقب بمعین الدوله گردید میرزا محمد ابراهیم بدایع نگار که مشغول نگارش
وقایع این عهد همایون و مردی عالم و فاضل است بمنصب نیابت اول وزارت علوم و خلعت همایون سرافراز گردید میرزا
اسد الله نوائی ولد مرحوم میرزا مهدی لشکرنویس منشی مخصوص وزارت امور خارجه بمنصب منشیگری اول وزارت
امور خارجه و اعطای یک قطعه نشان از درجه اول سرهنگی سرافراز شد همدر این سال با امر همایون در نقطه بسیار خوب
از صفحه شمیران باغ و عمارت بسیار عالی و مفصل احداث و بنا شده موسوم بسلطنت آباد گردید جان محمد خان سرتیپ
بیک رشته حمایل سرخ و نشان سرتیپی دویم سرافراز شد عزیز خان سردار کل از اجزای شورای وزرا گردید میرزا یوسف
خان کارپرداز مقیم حاجی ترخان با عطای یک قطعه نشان سرتیپی سیم با حمایل آن مفتخر گردید چند تن سرتیپ قشون
معتبر با صاحب منصبان در این ایام مامور خراسان گردیدند مستشار الملک خراسانی که پیشتر وزیر خراسان نایل گشت
اللهیار خان حاکم دره جز معزول و بهادر خان دره جزی که از همان سلسله است بجای او منصوب گردید حریربافی
کارخانه‌های کاشان ترقی و رونقی دارد علیقلیخان ماکوئی که سالها است در مدرسه دار الفنون مشغول تحصیل
بوده بسرهنگی فوج قره‌دن برقرار شد زین العابدین خان حاکم گروس بیک قطعه نشان سرتیپی و یک رشته حمایل مخصوص
این رتبه سرافراز گردید حاجی محمد خان حاجب الدوله بیک قطعه نشان درجه اول سرتیپی و حمایل مخصوص آن سرافراز شد
میرزا محمد علیخان نایب اجودانباشی پسر مرحوم میرزا ابراهیم خان کارپرداز سابق بغداد بمنصب کارپردازی بندر بمبئی
و یک قطعه نشان سرهنگی اول و یک رشته حمایل سبز مفتخر گردید در این اوان چون ضیاء الملک والد مؤلف بحکومت
عربستان مشغول بود بنده مؤلف بنیابت حکومت شوشتر را داشت عمارت دیوانی که سابقا محقر بود امسال
حسب الامر عمارت عالی جدیدی در کمال استحکام در این محل بنا نمودند نواب رکن الدوله اردشیر میرزا بحکومت گیلان مفتخر
گردید و میرزا زکی مستوفی رشتی نیز بوزارت برقرار شد اعتماد الدوله عیسی خان والی بحکومت تبریز نایل و بخلعت همایون
مباهی گشت مجد الدوله امیر اصلانخان را حکومت ولایت خمسه مرحمت فرمودند کارخانه برای ساختن تفنگ خانه دار
در طهران حسب الامر بنا شده از ماه ذیقعده مقرر است که ماهی یکهزار قبضه تفنگ خانه دار در کارخانه مزبوره بسازند
و تفنگ جمیع افواج خانه دار باشد عمل باروط سازی نیز تکمیل شده قرار شد باروطها که از سابق در قورخانه است
دوباره بسبک جدید بکوبند حکومت مملکت لرستان را نیز ضمیمه حکومت عربستان نموده جزو حکمرانی ضیاء الملک والد
مؤلف نمودند نواب جهانسوز میرزا سرتیپ افواج عرب و عجم بیک قطعه نشان دویم سرتیپی با حمایل مخصوص آن سرافراز گردید
میرزا [illegible]خان بکارپردازی اول مامورات متعدد گردید یک قطعه نشان اول دولت علیه که مخصوص شخص سلطنت
است از طرف بندگان اعلیحضرت همایونی بجهت اعلیحضرت سلطان عثمانی و یک قطعه نشان شیر و خورشید مکلل بالماس
از درجه اول با حمایل سبز برای جناب فؤاد پاشا ناظر امور خارجه بمصاحبت یحیی خان آجودان حضور مبارک اهدا و
انفاذ شد اسد الله خان معتمد الملک حاکم همدان مرحوم و محمد حسینخان پسر آن مرحوم را بحکومت همدان برقرار فرمودند

جناب

شوال

جناب صسبو بارون وزیر مقیم دولت پروس با هدایای نفیسه اعلیحضرت پادشاه پروس بجهت حضور همایون روز پانزدهم
وارد دار الخلافه شد میرزا احمد خان نایب وزارت امور خارجه بمنصب اول وزارت خارجه و نشان دویم سرتیپی و حمایل آن
سرافراز گردید شاهزاده سیف الدوله سلطان محمد میرزا بمنصب جلیل سرتیپی اول و خلعت همایون مفتخر شد حکومت
بروجرد را ضمیمه حکمرانی اصفهان نموده بنواب احتشام الدوله مرحمت فرمودند و نواب عضد الدوله را بحکومت ملایر و
تویسرکان مامور فرمودند میرزا محمد علیخان حاکم لاهیجان بلقب امیر دیوانی و یکقبضه قمه مرصع مفتخر گردید یکقطعه نشان
امیر نویانی مکلل بالماس با حمایل آن بافتخار عزیزخان سردار کل انفاذ آذربایجان فرمودند رستمخان و فرضی خان ایل
بیگیان ایل شاهسون اردبیل و مشکین بمواجب و نشان و حمایل سرتیپی سیم نایل شدند میرزا ابو القاسم معین الملک
پیشکار محاسبات آذربایجان بیکقطعه نشان و حمایل سرتیپی اول سرافراز شد محمد اسمعیل خان وزیر کرمان بلقب
وکیل الملکی ملقب آمد همه را امسال نواب حشمة الدوله حکمران خراسان بامر دولت برای تنبیه تراکمه مرو شاه جهان
لشکر بمرو کشیده و با قوام الدوله وزیر خراسان بدان صوب رفته بعد از محاربات و فتح بعضی قلاع و فرار تراکمه مراجعت
کردند (چین) منازعه مابین چین و دول انگلیس و فرانسه دوازده هزار قشون انگلیس بسرداری امیرال هوپ و
ژنرال گرانت و یکدسته قشون فرانسه بسرداری ژنرال منت در بهار امسال شروع بجنگ نمایند و در همین
بین باغیهای پینگ بعضی ایالات چین را قتل و غارت مینمودند و تا حوالی شانکای راندند فتح قلعه پتانگ بدست
قشون متفقه بوده بقلعجات پیهو و بدست آوردن توپخانه زیاد فتح شهر تین سین که سیصد هزار جمعیت
دارد حرکت قشون متفقه بسمت پکن پای تخت شکست دادن سردار چینی که از طایفه تاتار و موسوم بسان کولن
بود فتح پالی کاو ورود بکفرسخی پکن شکست چهل هزار چینی در این نقطه فرار خاقان چین بسمت مکدن ورود قشون متفقه
بحوالی پکن مصالحه ما بین دولت چین و دول فرانسه و انگلیس در پکن در این مصالحه تین سین مفتوح از برای تجارت
دول مزبوره خواهد بود و از این تاریخ ببعد دول فرانسه و انگلیس حق داشتن ایلچی در شهر پکن خواهند داشت کلیه
خسارت جنگ کنافه دول متفقه از چین ژنرال اکناتیف مامور روس از پرنس کنگ برادر خاقان که سمت صدارت
داشت بعضی امتیازات از برای دولت خود گرفت (ژاپن) قتل یکی از مترجمین سفارت انگلیس در یکروز هفده نفر نایب
السلطنه حمله برده بدن او را مجروح میسازند اروپا (اسپانیول) منازعه سخت این دولت با مرقش سردار قشون
اسپانیول اودنل است فتح شهر تتوان از شهرهای مرقش بدست سردار مذکور ملاقات نفایده سردار مذکور با برادر
پادشاه مرقش برای صلح حرکت قشون اسپانیا بسمت تانژر اضطراب اهالی مرقش و عجله در صلح و قبول دادن بیست
کرور تومان ایران و قبول پذیرائی یکنفر ایلچی اسپانیائی در پای تخت مرقش فتنه و شورش اشخاصیکه طالب سلطنت
دن کارلس که یکی از بنی اعمام ملکه است میباشند حبس بعضی از معارف که باطنا با دن کارلس همراه داشتند محبوس نمودن
بعضی از کشیشهای پروتستانی که در صدد رواج این مذهب در اسپانیول هستند مسافرت ملکه بایالات شرقی افتتاح راه
آهن از والادولید به بورغس طغیان آب و ریختن نقاط و خرابی بنا در سائر بلاد (المان) نایب السلطنه پروس در افتتاح
راه آهن سار بورک حضور بهم رسانیده در مجلس جشنی که برای اینکار منعقد شده صراحتا اظهار داشت که ملت المان
متفقا و تماما راضی بر این نمیشوند که یکقدم زمین بقدر یک بند انگشت از دولت المان بتصرف خارجی در آید ناپلیون امپراطور فرانسه
بمملکت بادن رفته با نایب السلطنه پروس و سلاطین باویر و ورتنبرگ و باد و ساکس و هانور ملاقات مینماید و اظهار
دوستی میکند ملاقات امپراطور پروس و امپراطور روس و امپراطور اطریش با یکدیگر و ملاقات نایب السلطنه پروس

و فتح قلعجات پیهو

ورود قشون فرانسه
بشهر تنک چو که چهارصد
هزار جمعیت دارد و غارت
نمودن یکی از عمارات ییلاقی
سلطنتی را

با پادشاه انکلستان در اکثر مسائل ایضا ملاقات سلاطین ثلاثه روس و پروس و اطریش و ورود شاه اظهار علاوه نمودن
پادشاه باویر با ویکتر امانول و حشت پروس از اتحاد ملکه روس و فرانسه در نظر دارند در مجلس کلام بعضی تکالیف که راجع بمشور
است میفرمایند و تمام این تکالیف قبول میشود ملاقات پادشاه باویر با بعضی از سلاطین المان و کفتکوی اتحاد در میان
آوردن ملاقات امپراطور اطریش با نایب السلطنه پروس و وحشت اهالی المان از دولت فرانسه و تدارک جلد دیدن اتحاد
مابین دولتین اطریش و باویر افتتاح راه آهن از وینه پای تخت اطریش بمونیک پای تخت باویر (انکلیس) اتهام ایلچی
انکلیس لرد کولی که مامور در دربار فرانسه بود بدوستی با دولت فرانسه و مکتوم داشتن بعضی اسرار دولتی را که بتکلیف
اولیای دولت متبوعه خود بود محض دوستی با دولت فرانسه اخفا او بلندن و جواب دادن در مجلس و کلا به لرد نرماندی
که او متهم ساخته بود و مجاب نمودن لرد نرماندی و مجددا معاودت بدولت فرانسه نمودن بهمان سمت سفارت هفتاد هزار
نفر داوطلب حاضر خدمت دولت انکلیس میشوند اختراع توپ جدید بطور رزن در مملکت انکلیس موسوم به ویت ورث سان
دیدن پادشاه انکلستان داوطلبان جدید را در یکی از باغات لندن از این حاضر شدن داوطلبان و کفتکوها در مجلس دولتی
استشمام کدورت مابین دولتین انکلیس و فرانسه میشود اهالی منچستر نفار دولت انکلیس را با فرانسه صلاح نمیدانند
مسافرت ولیعهد انکلیس بجزیره سفید و مراجعت نمودن بانکلیس و مجددا در ظرف همین سال سفر کردن بکانادا ینکی دنیا
واتاوونی مالیات نیستند به بنیاکو و بنگاله هندوستان سفر اول کشتی بزرک معروف به بنیه اعظم از سوت هامتن
بندر انکلیس به نیورک ینکی دنیا درتابستان (ایطالیا) مسپوکاوو صدر اعظم و کلای ملت پیمن ولمباردی را
در یک مجلس جمع مینماید بجای رم با پاپ متفق اند و استقلال جستن او و طالب اهالی توسکان بتبعیت پادشاه ایطالیا را
طالب اند حکومت پرنز کارنیان از اقوام پادشاه بایالت توسکان اغتشاش در مملکت ناپل تعقیب نمودن حضرت پاپ اشخاصی
را که در صدد کرفتن مملکت دوم از او هستند کاریبالدی از اعلیحضرت ویکتر امانول بواسطه واکذاشتن نیس و ساوا بفرانسه
رنجید ورود پادشاه ساردینی به فلرانس در بهار ژنرال لامریسیر از سرداران فرانسه که در ملوس اعلیحضرت ناپلیون
بسلطنت مملکت فرانسه اخراج بلد شده بود قبول سرداری عساکر پاپ را میکند پادشاه ناپل و ویکتر امانول را متهم براین
میسازد که کاریبالدی بجزیره سیسیلیا و بنای اغتشاش در سرحد مملکت ناپل کذاشته پادشاه ناپل از دول فرنک طلب رعایت و
حمایت میکند ولی اضطرارا بتوسط دولت فرانسه قبول تبعیت ویکتر امانول را مینماید و بنا برق این پادشاه قبول نموده
بالای عمارت سلطنتی ناپل بیرق سه رنک مکتوب ویکتر امانول الغا شد تهدید نمودن عساکر ایطالیا حضرت پاپ که قشون
ملل خارجه را از رم اخراج نماید کاریبالدی اعلان میکند مادامیکه پادشاه ایطالیا در عمارت کری نال که یکی از عمارات
حضرت پاپ است در شهر رم جلوس ننماید حل و عقد مطالب و مسائلی که راجع باتحاد مملکت ایطالیا است نخواهد شد
و از این کلام چنین معلوم میشود که کاریبالدی میل بتصرف رم دارد و از هیچ چیز باک ندارد مکر از سلطنت جسمانی پاپ
و الحاق بمملکت فرانسه فرستادن دو فوج جدید از مملکت فرانسه بجهة حفظ حضرت پاپ در رم متحیر شدن دولت فرانسه از
اینکلمات و احضار سفیری که در ایطالیا داشت پناه جستن پادشاه ناپل در شهر کائت مغلوب شدن عساکر پاپ نیس و ساوا
بسرداری ژنرال لامریسیر سردار فرانسوی و اسیر شدن ژنرال مزبور بدست سردار ایطالیا در یکی از جنکهای پادشاه
ناپل مخصوصا ببستن شهر از مردم با کاریبالدی جنکیدن سفرای دول خارجه که در دربار ناپل بودند پادشاه ناپل را در کائت
کذاشته در رم نزد ماده پادشاه رفتند و ورود فتح آمیز ویکتر امانول بشهر ناپل پادشاه ناپل بجمیع سلاطین
فرنک اظهار تظلم مینماید ولیکن این تظلم بیفایده میشود محاصره شهر کائت بتوسط چالدینی سردار ایطالیا و ورود

کاری بالدی و قشون داوطلبی که مطیع او بودند بسیسیل حرکت گاری بالدی بسمت ناپل قشون فرستادن فرانسه در دوم
بجهة حفظ حضرت پاپ احضار دولت روس ایلچی خود را از ایطالیا (ملزبك) رضا فردم از پادشاه خود و عید جلوس او را با
کمال شکوه برپا داشتند (دانمارك) جمعیت این مملکت را بسال سه کرور و صلح پنجهزار نفر است (روس) افتتاح
راه آهن از پطربور دونابورك هفتصد هزار زرع فوت مادر امپراطور روس در سن شصت و دو سالگی دولت روس
پنجاه هزار قشون بساحل پروت سرحد عثمانی روانه میکند عمر پاشا از طرف دولت عثمانی او را استقبال مینماید دولت
فرانسه دولت عثمانی را تهدید میکند که قوانین جدیده در رفاهیت تبعه خود ایجاد سازد (سود و نروج) جلوس شارل پانزدهم
بسلطنت (عثمانی) انعقاد مجلس بریاست محمد پاشا صدر اعظم بجهة قرار دادن لازمه که عیسویان تبعه عثمانی در رفاهیت
و آسودگی باشند در کوه لبنان شام منازعه سخت مابین طایفه دروز و مارونیت دروزها که مسلمان هستند دهات
مارونیتها را که عیسوی هستند میسوزانند و اهالی را قتل مینمایند قشون دولتی نیز در این عمل شنیع با آنها شریک است
در صعید او بیروت و دمشق و دیر القمر نسبت بعیسویها قتل و غارت سختی واقع میشود نسبت بقنسولهای دول فرنك نیز
بی احترامی سخت وارد می آید در شهر دمشق مدت پنج روز متوالیا مسلمانها هرجا عیسویان را که می آوردند بقتل میرسانند
حتی قنسول هلاند مقتول و قنسول بلژیك دینا مجروح کردید قشون دولت عثمانی رفع غایله نکرده بلکه کمك مینمایند امیر عبدالقادر
الجزایری که در دمشق سکنی داشت جمعی از عیسویان را از قتل نجات داده در تحت حمایت خود نگاه میدارد اعلیحضرت
سلطان بمحض شنیدن این اخبار وزیر امور خارجه خود فواد پاشا را مامور دمشق مینماید دولت فرانسه جنگا در صدد
تفتیش این عمل است و دول فرنك را بلغو شریك میسازد ورود فواد پاشا در بیروت و حبس جمعی از اشرار و قتل بعضی
از آنها علی الخصوص خورشید پاشا والی شام که متهم باین عمل است محبوس میشود بعضی از سردارهای بزرگ معتبر که نفرشا
هفتاد نفر میشدند بحکم فواد پاشا بسیاست میرسند ورود عساکر فرانسه از راه دریا به بیروت مامورین دول فرنك
از برای تحقیق این مقدمه در تمام ایالت شام گردش میکنند بالاخره بعد از تنبیه اشرار حساب تنکه بطایفه مارونیت وارد
آمده است علی التخمین شش کرور تومان ایران مقرر میدارند که چهار کرور را دولت عثمانی از خزانه و دو کرور را طایفه دروز
بدهند از سی هزار نفر دروز که مرتکب این اعمال شنیعه شدند هزار و دویست نفر بیشتر سبب شرارت و قتل بودند این
مبلغ را این هزار و دویست نفر باید بدهند شورش در ایالت البانی قتل والی منتنگرو دانیل نصب پسر برادرزاده او در سن
نوزده سالگی بجای او فوت والی سربی میلش و ولایت پسرش میشل بجای او ایجاد قانون در مملکت تونس افتتاح
راه آهن بفستنجه کشوف سمتر با تمام در هیجدهم ژولیه و اول تابستان که عثمانیها ابزاد لبل سوی دادند (فرانسه)
استعفا مسیو والفسکی از وزارت خارجه و نصب تونل که سابقا در اسلامبول سفیر کبیر بود بجای او ورود آخر سنه
قشون فرانسه بپاریس از ایطالیا باتفاق مارشال وایان فوت گران دوشس استفانی از اقوام مادری ناپلیون سیم امپراطور
فرانسه که دختر خوانده ناپلیون اول بود فوت پرنس ژرم برادر ناپلیون اول و عموی ناپلیون سیم در سن هفتاد و
شش سالگی مسافرت امپراطور به نیس و ساوا و به کرس و به الجزایر ملاقات والی تونس در الجزایر با امپراطور ایجاد قانون
ملایم در الجزایر که هم ملت اسلام الجزایر مطیع آن قانون هستند و هم عیسویان در سنیگال که پادشاه آنجا بدست
برادرزادگان خود مقتول میشود و پسر آن پادشاه منصوب شده قاتلین پدر را بدست آورده بسزا میرسانند این قتل
و این اغتشاش از شوکت و اقتدار فرانسه در آنسمت میکاهد فوت خواهر امپراطریس دوشس دالب عهدنامه تجارتی
با مابین فتوحات در مابین موقوف داشتن تذکره عبور مابین انگلیس و فرانسه ضاغ و مداخل شهر پاریس

عیسویان م

بتنهائی

بنهائید در این سال بیست کرور و سیصد هزار تومان ایرانی **افریقا** اغتشاش داخله در مملکت حبش مابین تئودوسیه
پادشاه واقع و تادروس شخص اجنبی که داعیه سلطنت دارد و تودد و بیل نام از صاحبمنصبان بحری فرانسه بلا جهت حبشه
و صحیح و سالم مراجعت کردند **امریکا** (اتازونی) در دو سفیر تازه بواشنگتن نصب ابراهیم لنکلن بریاست جمهور
و عزل بوکانان که مدت ریاست او بانتها رسیده بود رئیس جمهور تازه آزادی غلامان را طالب است بعضی ایالات که غلامان
بسیار داشتند از انتخاب رئیس تازه خوشحالی ندارند و طالب این هستند که از جرگه متحده اتازونی خود را خارج کنند
از ایالاتی که ابتدا سوا شدند و مجد براین هستند که نگاهداشتن غلام از واجبات است کارلین جنوبی است اهالی این ایالت
بعضی از امکنه که مخصوص دولت بود از جبه خانه و چاپارخانه و قورخانه و گمرکخانه متصرف شدند و بنای شورش گذاشتند
(نیکی دینای جنوبی) سلطنت یکی از شعبه فرانسه آن تووان نام در ایالت اروکانی که خود را آن تووان اول موسوم
کرده بود

سنه ۱۲۷۷ هجری

سنه ۱۸۶۱ مسیحی

آسیا (ایران) اینسال تعزیه خوانی دولتی در تکیه مبارکه بنا و رانست حاجی جعفرعلیخان سرهنگ توپخانه
پسر قهرمان آقا بمنصب سرتیپی سیم توپخانه سرافراز شد حسب الامر نواب ملک آرا حکمران مازندران و استراباد با
بعضی قشون استراباد ترکمان دار راتنبیه سخت نمود سید میرزای کاشانی سرهنگ فوج کوهپایه بجهت انتظام قلعه ناصری و
حفظ و حراست سرحد مامور آن سامان شده که در دایره محمد ولیخان سردار عساکر سرحد مشغول خدمت باشد محض
رسیدگی کامل بعرایض ملهوفین و متظلمین روزها یکشنبه را ذات ملکوتی صفات مقدس قرار دادند سفرا و حضرا در
جائی مخصوص بدیوان مظالم بنفس نفیس همایون جلوس فرمایند این رسم بسیار حسنی از هر صنف و ملت در هند در موقع
جشن مولود همایون سلام عام در قصر بنا و دوان منعقد گردید در این سنه از الیاء دولتی و طبع روزنامجات را بمیرزا
ابوالحسن خان نقاشباشی غفاری که در این صنعت یکانه زمانست شیوه مرحمت فرمودند و روزنامه دولتی مرسوم شد
صفرعلیخان سرتیپ سواره ابیانلو را نیز با هفتصد نفر سواره ابوابجمعی خود و یکعراده توپ تنخواهی بجهت عساکر اردوی
مرو از دارالخلافه روانه مشارالیه بسرتیپی اول سواره و خلعت همایون سرافراز گردید عباسقلیخان معتمدالدوله یک
قطعه نشان تمثال همایون مفتخر شد شاهزاده جلال الدین میرزا بمنصب اجودانی مخصوص حضور مبارک سرافراز گردید
کارخانه چاشنی سازی ممتاز و ظرفیه برای توپ بتوسط مسیو روس در دارالخلافه ایجاد و ساخته شد نواب حشمت الدوله — و تفنگ شترخان بسبک اعلی
و قوام الدوله را از خراسان احضار و نواب حسام السلطنه را بحکمرانی خراسان مامور فرمودند و میرزا ناصرخان ایشیک
آقاسی باشی را بلقب ظهیرالدوله ملقب و بسمت پیشکاری و سرداری خراسان مقرر فرمودند و محمد ابراهیمخان ولد جناب
ظهیرالدوله را بنیابت اول ایشیک آقاسی باشی دادند نواب مؤیدالدوله بحکمرانی فارس منصوب گردید محمد ابراهیمخان سرتیپ
اول افواج خمسه بلقب مظفرالدوله سرافراز شد نواب کیومرث میرزا حکمران کرمان ملقب بعمیدالدوله گردید بنائی و تعمیرات
کلیه از وجود دولت در اماکن مشرفه کربلای معلی بتوسط جناب شیخ عبدالحسین مجتهد شد میرزا غفارخان
صدیق الملک نایب اول وزارت خارجه بمنصب وزیرمختاری و ایلچی مخصوص مامور اقامت سنت پطرزبورغ گردید بیک قبضه
شمشیر مرصع و خلعت همایون نایل گشت و میرزا جوادخان ولد مشارالیه مامور رسیدگی امور تجارتی که محول بصدیق — در دولت خارجه
الملک بود شد جناب میرزا محمد حسین دبیرالملک بیک قطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس مفتخر گردید یحیی خان اجودان
مخصوص که از اسلامبول مراجعت نموده از جانب اعلیحضرت سلطان عثمانی نشان از درجه اول مجیدیه برای شاهزادگان

و امنای

و امنای این دولت علیه ابلاغ نمود نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم در ازای خدمت کشیدن سیم تلگراف الی تبریز با عطای یکثوب
خز قرندی تن پوش مبارک و یکقبضه قمه مرصع مفتخر گردید علیقلیخان رئیس کل تلگرافخانه ممالک محروسه و نایب دویم
وزیر علوم بنشان و حمایل سرهنگی از درجه اول و خلعت همایون سرافراز شد و الله مؤلف ضیاء الملک حکمران عربستان و
لرستان با عطای یکقطعه نشان و یکرشته حمایل امیر تومانی و یکثوب کلیجه ترمه تن پوش مباهی گردید روز هشتم رمضان وقت غروب
آفتاب به برج حوت تحویل نمود حضرت اشرف امجد شاهنشاهزاده والا سلطان مسعود میرزا ملقب بیمین الدوله
ملقب و بحکمرانی ایالت مازندران و استراباد منصوب فرمودند عین الملک خوانسالار بیکقطعه نشان تمثال همایون مفتخر گردید
میرزا زکی کرشتی بمنصب مستوفی گری دیوان اعلی و وزارت خمسه سرافراز شد و دوستعلیخان معیر الممالک بیکقطعه نشان
تمثال همایون قرین مفاخرت آمد میرزا ابوالقاسم معین الملک بمنصب لشکرنویسباشیگری برقرار گردید بمحض منع و دفع
سیل از دار الخلافه طهران مقرر شد در بالای شهر سدی به بندند که مانع سیل باشد میرزا مصطفی خان افشار بوزارت
مازندران و استراباد برقرار گردید امان الله خان والی سابق کردستان مجدداً بایالت کردستان و یکقطعه نشان
تمثال همایون سرافراز گردید حسینخان شهاب الملک بمنصب سرتیپی اول و یکقبضه قمه دسته مرصع مفتخر آمد
حضرت اشرف امجد اعظم والا شاهنشاهزاده کامکار مظفر الدین میرزا بایالت آذربایجان منصوب و عزیزخان سردار
کل به پیشکاری حضرت معظم الیه برقرار شد حضرت اشرف امجد افخم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه را بحکمرانی دار
الخلافه باهره مامور فرمودند حسب الامر سیم تلگراف از شهر دار الخلافه بشمیران کشیدند وزارت تجارت و صنایع و معادن
را علاوه بر وزارت علوم و سایر مشاغل تفویض بنواب اعتضاد السلطنه فرمودند موکب همایون در ابتدای سال بطرف
دماوند ییلاق میلشی فرمود (چین) بعد از فرار از پکن هنوز خاقان وارد پای تخت نشده است تفویض وزارت خارجه
به پرنس کنک برادر خاقان و ورود سفرای کبار فرانسه و انگلیس به پکن در بهار و انگلیسها در صدد این هستند که از تبت راهی
بهند باز کنند لکن اهالی با نهایت بقایای میتسو فتوحات قشون دولتی در بعضی نقاط که یاغیها بودند بخصوص در ایالت یچلی شو
و یاغیگری در ایالت جنوبی چین زیاد است در حوالی تبت بخصوص فوت خاقان در شهر ژول جلوس پسر هفت ساله او بر تخت
سلطنت چین بجهت طفولیت خاقان هشت نفر از اعیان و معتبرین چین متفقا سلطنت چین میکنند پرنس کنک اگرچه
جزو این هشت نفر نیست ولی مادر خاقان حالیه او را بسمت مستشاری خود اختیار نموده باز اقوال او در امورات دولتی
سند است (ژاپن) قتل یکنفر از هلاندیها که مترجم و واسطه انعقاد مصالحه مابین دولت ژاپن و ینگی دنیا و انگلیس و پروس
بود بدست بعضی از اشرار در پی بعضی اشرار در صدد قتل اجزاء سفارت انگلیس بودند اروپا (اسپانیول) فوت دو نفر
از اولاد دنکارلس در مدت کم و فوت زوجه او بلافاصله فوت یکی از صبایای ملکه در طفولیت و ورود سفیر کبیر مراکش
بمادرید پای تخت این سفیر برادر سلطان مراکش بود و ورود رئیس سابق مکزیک میرامن بمادرید افتتاح راه آهن
از مادرید باسکوریال (المان) فوت پادشاه پروس فردریک گیوم چهارم در سن شصت و پنجسالگی در زمستان جلوس
برادر او گیوم اول بعضی از وکلای ملت پروس در صدد اتحاد ممالک المان و سلطنت امپراطوری در المان هستند که
بهمه جهت از اهل المان باشد یکی از طلاب بلیزیک که طالب اتحاد المان بود در مملکت باد طپانچه ای بپادشاه پروس خالی میکند
چون کلوله بپادشاه نمیخورد عدالتخانه حکم به بیست سال حبس او صادر میکند تاجگذاری پادشاه پروس در شهر
کینزبرک اهالی مجارستان طالب این هستند که امپراطور اطریش تاج سلطنت مجار را بر سر گذاشته بالقاب خود پادشاهی
مجارستان را الحاق نماید آن ناما از اهالی مجار راضی براین نیستند که وکلای ملت مجارستان در پارلمنت وین جلوس

(ماچین) جنگ بحری قشون فرانسه با عساکر دولت آنام فتوحات بعضی از نقاط مملکت آنام علی الخصوص سیقون هنوز عدد قشون فرانسه و اسپانیول در این نقطه بدرجه موسیو نیست که به هوه پای تخت یورش برند

نمایند شورشی در پراک افتتاح مجلس پارلمنت در وین در بهار مجلس پارلمنت المان پانصد و بیست عراده توپ بقیمت
پانزده کرور فلرن ابتیاع نموده که از برای حدود و ثغور مملکت المان لازم میداشتند قشون المان بر روی هم چهارصد و پنجاه و دو
هزار خواهد بود فرستادن ایلچی از طرف پادشاه پروس بایران مقصود از فرستادن این ایلچی علاوه بر بعضی مأموریتهای
رسمی تحقیقات بعضی مسائل علمی است (انگلیس) بی تابی و پریشانی عملجات کارخانه‌های ریسمان ریسی که بواسطه نیامدن
پنبه از ینکی دنیا در تعطیل و بی اجرت مانده اند روزنامه‌های انگلیس بعضی طرفدار رئیس جمهوری و بعضی بر ضد او
هستند تهیه دیدن انگلیس از برای جنگ بحری فوت پرنس البرت شوهر پادشاه انگلستان تعداد نفوسی که در این
سال شده است تمام جمعیت جزایر انگلیس پنجاه و هشت کرور و سی و یکهزار و صد و شصت و چهار نفر است ایجاد
نشان موسوم بستارهٔ هند از راجه‌های هند بکسیکه این نشان داده شد نظام حیدرآباد مهاراجه گوالیر مهاراجه کشمیر
نواب رامپور گفتگوی سخت لرد پالمرستن در مجلس وکلا بر ضد دولت اسپانیا که خرید و فروش غلام و کنیز را در کوبا
منع نکرده است دولت انگلیس خطاب پادشاهی تمام مملکت ایطالیا را به ویکتور امانوئل پادشاه پیمن داده بود نمی
شناسد اضطراب در مملکت انگلیس که مبادا جزیره ساردین را دولت فرانسه از پادشاه ایطالیا بگیرد (ایطالیا)
حکومت پرنس کارینیان از اقوام سلطنت در ناپل بوزارت نیگرا قصد تصرف گاریبالدی و مازینی ونیز را محاصرهٔ گائت
که پادشاه ناپل در او بود بتوسط امپراطور فرانسه مدت شش روز بتعویق افتاد چون پادشاه ناپل از آنشهر خارج
نشد و تسلیم نکردید مجدداً بعد از شش روز ژنرال چیالدینی حکم بیورش داد سفاین جنگی فرانسه که در سمت دریا بحمایت
و رعایت پادشاه ناپل آمده بود بعد از تمکین ننمودن او به نصایح دولت فرانسه شراع کشیده رفتند امیرال پرسانو امیر
بحری ایطالیا با کشتیهای جنگی ایطالیا از سمت دریا نیز گائت را محاصره نمودند شهر گائت بعد از نورده روز مقاومت
تسلیم شد قشونیکه در اینشهر بود و مرکب از پانزده هزار نفر تسلیم کردیدند قلعهٔ مسین که یکی از قلاع مستحکمه بود نیز
تسلیم شد و این آخر قلعه بود از قلاع پادشاه ناپل که بتصرف سرداران ایطالیا درآمد اول دولتی که قطع مراوده
با دولت ناپل کرد دولت انگلیس بود تفتین و اغتشاش سخت در ناپل و در بعضی ایالات مفتوحه گاریبالدی که بجزیرهٔ
کاپررا رفته بود و میل بمداخله کارهای دولت ندارد پادشاه ایطالیا را به بیحقوقی نسبت بخود متهم میسازد فوت مسیو کاوور
صدر اعظم در تابستان بعد از فوت کاوور بارن ریکازلی که از معارف و متمولین ایطالیا بود بمنصب صدارت برقرار میشود
افتتاح راه آهن از میلان به پلزانس طغیان کوه آتشفشان وزوو در راوایل پائیز (پرتوغال) فوت پادشاه در سن
بیست و چهار سالگی جلوس برادرش لوئی اول بجای او (بلژیک) ملاقات پادشاه بلژیک با پادشاه هلاند در لیژ
اهالی بلژیک در شناختن دولت ویکتور امانوئل را بپادشاهی ایطالیا شکایت دارند (دانمارک) دولت هیچ جور راضی
نیست که قانون مملکت المان در اسلسویک و هلستین چنانکه اهالی المان شایق بر این هستند رواج بگیرد دولت فرانسه و
انگلیس و روس بدولت دانمارک تکلیف میکنند که با اهالی ایالتین مهربانی کند (روس) انقلاب و اغتشاش سختی در
ورشو لهستان حکمران لهستان میشل گرچاکف عاجز از نظم مملکت است تغییر اعلیحضرت امپراطور نسبت باهالی ورشو
لهستان فرستادن قشون بجهت نظم لهستان در ورشو منازعه رعیت با قشون دولتی و قتل معدودی از طرفین
قشون مأمور بورشو بهشتاد و پنج هزار رسید و مخارج این قشون را مدت توقف مجبوراً اهالی ورشو باید متقبل
بشوند مختصر شورشی در ایالات قازان فوت میشل گرچاکف حاکم ورشو و نصب ژنرال سوخوزانت بجای او حبس
هزار و ششصد و هفتاد و هشت نفر از اشخاصی که مؤسس شورش بودند در لهستان بعضی را بسیبر

و بعضی را بقلاع دیگر بحبس فرستادند افتتاح راه آهن از مسکو به ولادیمیر (عثمانی) انقلاب و اغتشاش سخت خونریز
در ایالت هرزگوین کمک اهالی قراداغ آنها را تهدید عمر پاشا سردار عثمانی با عیان را منازعه مابین اهالی قراداغ و
عثمانی درگذار در باب اسکوتاری در سر بستان شورش مردم بدولت بواسطه سکنی دادن طایفه تاتار قرم در بلغارستان
که نزدیک بآنها است والی تونس سید صادق ایجاد قانون جدید که در مملکت نمود من جمله هر یک زن در حرم خود نخواهد
داشت علاوه بر این دول فرنگ در بیروت بندر شام اجماع کرده بودند و سعید بیک رئیس طایفه دروز را که حبس نموده بودند
در مجلس مردم دیر القمر بعد از این یک حاکم عیسوی از طرف عثمانی خواهد بود حکومت پاوا افندی که از عیسویان کاتولیکی
مذهب است به لبنان فوت سلطان عبد المجید در سن سی و هشت سالگی و جلوس سلطان عبد العزیز برادرش بجای او
وزارت خارجه فواد پاشا صدارت عالی پاشا وزارت علیه کامیل پاشا در مصر تنبیه سرباز با چوب موقوف گردید طغیان آب
نیل و خراب نمودن اغلب ایالات را (فرانسه) حکم ناپلیون که یک سفر از قشون فرانسه بجهت حفظ پاپ میبایست همیشه
در شهر رم متوقف باشد نصب مسیو درونی بریاست مجلس پارلمنت فرانسه شناختن ناپلیون امپراطور فرانسه و بکتر امانوئل
را سلطنت ایطالیا معاهده تجارتی با بلژیک بواسطه عمل نامه حاصل نقد کفایت مملکت فرانسه ابتیاع حبوبات
از خارج مینماید ورود سفرای سیام بفرانسه و پذیرفتن امپراطور آنها را در عمارت فونتن بلو تقریبا دویست سال
بود که ایلچی سیام بمملکت فرانسه نیامده بود فوت مارشال تسبکید در سن پنجاه سالگی فوت اسکریب شاعر معروف
تعداد نفوس در این سال شصت و چهار کرور و سیصد و هشتاد و دو هزار و دویست و بیست و پنج نفر که از این
عده ششصد و شصت و نه هزار و پنجاه و نه نفر اهالی نیس و ساوا هستند که تازه الحاق بمملکت فرانسه شده است
جمعیت پاریس تنهائی سه کرور و صد و شصت و هفت هزار و چهل و یک نفر است انعقاد مجلس کنفرانس در پاریس درباره ان
مجلس مقرر شد که قشون فرانسه از برای حفظ عیسویان شامات مدتی هم باید در شام توقف کنند (یونان)
شورش بعضی از صاحب منصبان نظامی یکی از طلاب بقصد قتل ملکه نمود در زمانیکه پادشاه بالمان سفر کرده بود
اهالی کرفو و جزایر یونان مایل بملحق شدن بیونان هستند و با عساکر انگلیس در جزیره زانت نزاع سخت خونخواری
نمودند افریقا تادرس یاغی در حبشه نفوس سپه پادشاه جوان را مقتول و خود بجای او بسلطنت حبشه جلوس
کرد فوت ملکه خونخوار جزیره ماداگاسکار بعد از سی و سه سال سلطنت جلوس پسرش راداگ که برادا ماداوم دوم موسوم
گردید که دوست فرانسه ها و عیسویها بود در مراقش پاشای تانژر سید محمد الخطیب که از طرف پادشاه مراقش مامور
براوده باد ول عیسوی مذهب بود و با فرانسه ها در سنه هزار و هشتصد و پنجاه و یک عیسوی مطابق هزار و دویست
و شصت و هشت هجری عداوت ورزیده بود در سنه هزار و هشتصد و شصت عیسوی مطابق هزار و دویست و هفتاد و
هفت هجری با اسپانیولی معزول شد امریکا (اتازونی) هفده ایالت از ایالات اتازونی که جمعیت ایشان بر روی هم
سی و هفت کرور میشد و از این سی و هفت کرور و هشت کرور غلام و کنیز سیاه بودند بعد از اطلاع از حکم رئیس
جدید اتازونی که باید غلام و کنیزها آزاد باشند در مملکت این هفت ایالات از سایر ایالات خود را مجزی کرده و ایجاد
دولتی موقتی از برای خود برپا کرده رئیس که مدت ریاست او شش سال باشد نمودند رئیس این هفده ایالت
ژفرسن داویس است که از سردارهای با علم مجرب اتازونی میباشد رئیس تازه اتازونی که ابراهیم لنکلن باشد
بعضی از معاندین در شهر مارلاند میخواستند بقتل رسانند ایالات اتازونی دو قسمت شدند جنوبی و شمالی
جنوبیها که میل بربندگی غلام و کنیز دارند شمالیها بلکه میل بآزادی غلام و کنیز دارند هفتاد و پنج هزار

قشون

قشون ایالات شمال از برای منازعه با ایالات جنوبیه تهیه می بینند (مکزیک) فرار رئیس سابق میرامون بسمت هاوانه
نصب ژوارس بریاست طمع ژوارس رئیس تازه در موقوفات معابد و منع نمودن که مدت دو سال اهالی مکزیک منافع
نخواهند استقراضی از دول فرنگ را اند هند در پای تخت مکزیک اشرار در صدد قتل سفیر فرانسه و بعضی از اعیان
انکلیس هستند اخراج نمودن با کمال بی احترامی سفیر اسپانیول را از مکزیک چون در مملکت مکزیک جمعیت زیادی از
تبعه فرانسه و اسپانیول هستند اینحرکات بی ادبانه مکزیک سبب انعقاد عهدنامه لندن مابین دول فرانسه و رئیس تازه
انکلیس و اسپانیا بر ضد دولت مکزیک گردید بقصد جنگ نمودن فرانسه و انکلیس بتوسط سفرای خود به ژوارس
ورود قشون اسپانیول ببرادری ژنرال پریم در وراکروز و تصرف شهر و قلعه سنت ژانت

سنه ۱۲۷۸ هجری — سنه ۱۸۶۱ مسیحی

آسیا (ایران) امسال در دهه عاشورا مختصر تعزیه داری در ییلاق شهرستانک و در عشر دویم ماه صفر
در تکیه جدید البنای سلطنت آباد بتمثل هر ساله تعزیه خوانی کردند نواب والا فرهاد میرزا با عطای نشان تمثال همایون
مباهی و ملقب بمعتمد الدوله کردیدند میرزا هاشمخان تحویلدار مصرف جیب مبارک بلقب امین خلوت ملقب کردید
روز عید مولود همایونی در قصر سلطنت آباد سلام عام منعقد کردید نواب مؤید الدوله حکمران فارس پل بسیار
معتبری محکم برودخانه سنوید رهشت فرسخی شهر شیراز کشیدند حاجی محمد شریفخان سرتیپ بلقب مستشار
لشکری سرافراز شد نواب احمد میرزای معین الدوله را بحکومت ولایت استراباد سرافراز فرمودند که در اطاعت
حضرت والا یمین الدوله بوده باشد نواب حسام السلطنه حکمران خراسان متمردین و اشرار ترکمن را تنبیه کردند میرزا سلطان
محمدخان هیبتها که خیال خودسری داشت نواب مؤید الدوله حکمران فارس او را گرفتار نمودند چون بعضی عمارات دیوانی
فارس در ایام زلزله خرابی بهم رسانیده بود ششهزار تومان بتوسط نواب مؤید الدوله صرف تعمیر عمارات فارس شد
چون اعلیحضرت سلطان عبدالمجید خان سلطان عثمانی در هفدهم ذی حجه هزار و دویست و هفتاد و هفت رحلت
نموده و اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان بر سریر سلطنت جلوس فرمود در این ایام اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری
محمدحسنخان ایشیک آقاسی باشی دربار را برای تعزیت و تهنیت بسمت سفارت کبری مأمور دربار دولت عثمانی فرموده و
معزی الیه را در اینموقع بلقب علاء الدوله ملقب و باعطای یکقبضه شمشیر مرصع و یکقطعه نشان درجه اول سرتیپی
با حمایل آن سرافراز فرمودند انکشاف معادن زغال سنک و کوکرد و مس و زرنیخ در قریه جوشقان شد قورخانه
و توپخانه مبارکه را که مدتها آب خراب کرده بود حسب الامر ضیاء الملک حکمران عربستان و الدمؤلف بخوبی مجددا بنا کرد
یکرشته قنات در صحرای دوشان تپه دارالخلافه احداث و جاری شد یکنفر باغبان ماهر برای ترتیب بعضی باغچه
و نباتات از پاریس احضار فرمودند انبار غله دیوانی بواجمع رحمة الله خان غلام پیشخدمت خاصه شد جناب ناصر الملک
مأمور باتمام ساختن راه کیلان فرمودند ضیاء الملک و الدمؤلف حکمران عربستان و لرستان بشدت مریض و
سلیمانخان سرتیپ افشار را مأمور این دو ایالت فرمودند که معاون ضیاء الملک باشد هم ربیع الثانی شاگردان دار
الفنون را امتحان کاملی فرموده نظر برونق و ترقی کامل مدرسه نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم را بیکقطعه نشان
از مرتبه اول امیر تومانی با یکرشته حمایل مخصوص مرآن از داخل نظام و اعطای یکهزار تومان انعام نایل و مفتخر
فرمودند و نواب والا فرهاد میرزای معتمد الدوله که در امتحان مدرسه حاضر بودند باعطای یکقطعه نشان طلا از
مرتبه اول مدرسه و یکرشته حمایل امیر تومانی خارج از نظام سرافراز داشتند رضا قلیخان رئیس مدرسه بخلعت همایون

وجهی

وجعفرقلیخان ولد رضاقلیخان باعطای یکقطعه نشان سرهنگی و یکرشته حمایل خارج از نظام وخلعت همایون وپنجاه تومان
انعام سرافراز شد محمد حسینخان اصفهانی بمنصب اجودانی مدرسه و اعطای نشان طلا و هفتاد تومان اضافه مواجب
وبیست وپنج تومان انعام مفتخر گردید وسایر اجزای مدرسه از معلمین و متعلمین وغیرهم نیز هریک بقدر رتبه واستحقاق
بانعام ونشان وخلعت همایون سرافراز شدند همدر این اوقات نواب حسام السلطنه حکمران خراسان با ترکمانان تکه مرو که قریب معادل
هزار سوار بودند جنگ صعبی کرده تمام هزار نفر را مقتول واسیر نمودند تفنگ بسیاری از فرانسه ابتیاع شد قلعه شهر
طهران را از داخل وخارج مرمت کامل کردند عباسقلیخان جوانشیر معتمد الدوله وزیر دیوانخانه مرحوم و برادر او محمد
ابراهیمخان بریاست دیوانخانه مبارکه ولقب امیردیوانی سرافراز گردید پاشاخان امین شوری بیکقطعه نشان تمثال
همایون مفتخر شد امان الله خان والی کردستان بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی وحمایل آن نایل آمد حسینخان حاکم
همدان را احضار فرموده محمد حسینخان پیشخدمت خاصه بحکومت آن نواحی سرافراز شد میرزا علینقی طبیب پسر آقا اسمعیل
پیشخدمت باشی سلام که برای تکمیل علوم خود بپاریس رفته بود معاودت نمود جبه خانه و قورخانه دارالخلافه باهتمام
مسیو دوسرو نفی دارد و در کارخانه چاشنی سازی طهران نیز سالی ده کرور چاشنی ساخته میشود نواب رکن الدوله
حکمران گیلان بیکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز ونواب معین الدوله حاکم استراباد بیکقطعه نشان از درجه اول
سرتیپی باحمایل آن مفتخر گردیدند در عتبات جناب علاء الدوله مشاغل و حنهات مرجوعه بمعززالیه را بغلامعلیخان
نایب نسقچی باشی واگذار فرمودند از شهر رشت تا منجیل را که همیشه بشدت گل ولجن بود بامر دولت ساختند محاربه
میرزا نصرت همراه خراسانی با ترکمه که بقصد تاخت حوالی مشهد مقدس آمده بودند وکشته شدن شیخ محمد که سرخیل
اشرار ترکمه بود با جمعی دیگر از ترکمه وانهزام باقی آنها نیز در این اوقات اتفاق افتاد و سرداران همه بپاداش این خدمت
بانعامات ومناصب وخلاع ملوکانه سربلند شدند عیسی خان اعتماد الدوله مرحوم شد وحسینقلیخان پسر آنمرحوم که نایب
الحکومه یزد بود بحکومت یزد مفتخر گردید چنانکه در سایر دول رسم است مقرر شد کلیه احکام واسناد دولتی که بامضای همایون
مقرون میگردد روی دفتر دولتی نوشته شود ونشان مخصوص دفتر دولتی سپرده بامین شوری شد اصطبل توپخانه را
بمیرزا علی اکبرخان اجودانباشی توپخانه سپردند کاغذگرخانه دارالخلافه کاغذهای بسیار خوش قلم ممتاز میسازد پل
شوشتر را که از طغیان آب خراب شده بود ضیاء الملک والدوله مؤلف حکمران عربستان ولرستان بخوبی تعمیر نمود حسب
الامر در انزلی مناره سرحد (فانوس بحری) ساخته شد معین الملک لشکرنویسباشی باعطای یکقطعه نشان تمثال
همایون از مرتبه سیم سرافراز شد میرزا محمد علی کارگذار مهام خارجه فارس بلقب خانی سرافراز گردید میرزا مهدی همدانی
منشی مهام خارجه بلقب خانی وناظمی مهام خارجه بندربوشهر وسایر جزایر بحرالعجم وخلعت همایون نایل گشت زین
العابدین خان حاکم کروس که با سرکردگی افواج کروس مامور ساخلو کلات بود مرحوم شد وعلیرضاخان پسر او بحکومت
کروس وخلعت همایون مباهی گردید آقا محمد حسن صندوقدار بلقب اعتماد الملک وخلعت همایون سرافراز شد میرزا مصطفی
لشکرنویس بلقب وکیل لشکری مفتخر گردید این اوقات محض مزید انتظام امور دیوانخانه عدلیه دستخطی مبارک خطاب
بمحمدابراهیمخان امیردیوان شرف صدور یافت جناب میرزا جعفرخان مشیرالدوله که در سال قبل بسمت سفارت کبری
مامور دولت انگلیس گردید وپاریس پایتخت فرانسه واسلامبول واتن پایتخت یونان وبسیاری از جاهای دیگر نیز
رفته وسیاحت کامل نموده در این اوقات مراجعت کرده بحضور همایون شهریاری مشرف وباعطای یکقطعه نشان
امیرنویانی با حمایل آن مفتخر گردید وعلیخان نایب وزیر سفارت کبری بمنصب نیابت اول سفارت برقرار گردید ومیرزا

اسحق خان منشی بمنصب کارپردازی مهام خارجه استراباد مأمور و بیک قطعه نشان اول سرهنگی با حمایل آن نایل گشت حسنعلی
خان سرتیپ افشار بمنصب آجودانی حضور مبارک و خلعت همایون سرافراز شد راه بیوژن و راه شریف آباد بمشهد
مقدس که هر دو بسیار صعب و دشوار و اسباب زحمت عابرین بود بامر همایون ساختند و هموار کردند نواب والا فرهاد میرزا
معتمد الدوله بحکومت عربستان و لرستان مأمور گردیدند میر عطاء الله خان تیموری بمنصب سرتیپی سرافراز آمد جناب علاء
الدوله ایلچی کبیر که مأمور دربار دولت عثمانی بود مأموریت خود را بانجام رسانیده روز ششم رمضان المبارک وارد دار
الخلافه شد در ماه شعبان اینسال موکب همایون تشریف فرمای شکارگاه جاجرود شده پلنگی بسیار بزرگ شکار شست
مبارک شد قنبر علیخان سعد الملک بمنصب سرتیپی اول و خلعت همایون سرافراز گردید میرزا سید تقی تفرشی سررشته دار شی
سابق آذربایجان بمنصب لشکرنویسی و خلعت همایون نایل آمد حاجی میر علی اصغر شیخ الاسلام تبریز برحمت ایزدی پیوسته
میرزا ابوالقاسم پسر آن مرحوم بمنصب شیخ الاسلامی منصوب و مخلع گردید جناب مسیو کوبینو که بسمت وزیر مختاری از جانب
دولت فرانسه مأمور دربار دولت علیه بود بدار الخلافه باهره وارد و بحضور همایون نایل گردید میرزا علیخان پسر دبیر
مهام خارجه (جناب امین الدوله) که با حداثت سن در اکثر علوم از فرط ذکاوت با ربط شده و خط را در کمال خوشی
مینوشت بخلعت همایون سرافراز و مقرر شد سفراً حضراً در رکاب اعلی ملتزم خدمت باشد شب بیستم رمضان قریب شش
ساعت از شب گذشته آفتاب جهانتاب از برج حوت بحمل تحویل نموده سلام خاص تحویل در پیشگاه حضور مهر ظهور خسروانه
منعقد گردید حاجی میرزا محمد رضا مستوفی خراسان بمنصب استیفای دیوان همایون سرافراز شد میرزا جعفرخان مشیر
الدوله رئیس دار الشوری را با ابقای ریاست دار الشوری بمنصب متولی باشیگری حضرت رضوی سلام الله علیه سرافراز
فرمودند نواب احتشام الدوله مرحوم گردید جناب ظهیر الدوله ایشیک آقاسی باشی بحکومت استراباد سرافراز شد میرزا
عبد الوهاب خان نایب اول وزارت خارجه (جناب نصیر الدوله وزیر تجارت) مأمور اداره انتظام مهام خارجه آذربایجان
و بخلعت همایون و نشان و حمایل سرافراز گردید میرزا هاشمخان امین خلوت بیک قطعه نشان سرتیپی اول سرافراز شد
نواب حاجی سیف الدوله میرزا بحکومت شیر برقرار گردید محمد قاسمخان وزیر مختار سابق سنت پطرزبورغ بحکومت گیلان
و لقب والیگری ملقب و سرافراز گردید نصر الله میرزا ولد حاجی سیف الدوله میرزا بنیابت دویم وزارت علوم و خلعت
همایون سرافراز و بهمراهی نواب حسام السلطنه حکمران خراسان مأمور آن مملکت گردید نواب والا شاهنشاهزاده اجل
امجد سلطان حسین میرزا بلقب جلال الدوله ملقب و بحکمرانی اصفهان منصوب فرمودند و قوام الدوله بوزارت و پیشکاری
شاهنشاهزاده معظم الیه سرافراز شد علیخان قراگوزلو سرتیپ اول بلقب نصرة الملک مفتخر گردید بیک قطعه نشان تمثال بیمثال
همایون برای حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم مظفر الدین میرزا حکمران آذربایجان انفاذ آنمملکت فرمودند شرحی در فواید
نشان شیر و خورشید باشاره علیه همایونی نگاشته شد که صورت آن در جلد دویم مرآت البلدان موسوم بمآثر السلطان
ثبت افتاده است نواب والا عبد الصمد میرزا بلقب عز الدوله ملقب و بحکومت همدان منصوب گردیدند و حاجی میرزا
عبد الله خان بوزارت و پیشکاری آن ولایت سرافراز شد نواب حاجی کیومرث میرزای ملک آرا در سلک اجزای دار
الشوری منسلک و مخلع گردید نواب حشمة الدوله بحکمرانی یزد و خلعت همایون سرافراز شد بنده ضیاء الملک والد
مؤلف که از عربستان بدربار معدلت مدار آمده در سلک وزرای عظام و اجزای دار الشوری داخل و بخلعت همایون
نایل آمد و بعد از آن بوزارت عدلیه اعظم منصوب گردید و محمد ابراهیمخان امیر دیوان بلقب معتمد الملکی سرافراز
شد محمد مهدیخان کشیکچی باشی بیک قطعه نشان سرتیپی اول و خلعت همایون مفتخر گردید نواب والا نصرة الدوله

حکمران عراق و ملایر بسرداری افواج و قشون عراق برقرار گردید نقی قلیخان وکیل الملک سرهنگ فوج ملایری
بیکقطعه نشان از درجه اول سرهنگی سرافراز شد بیوک خان پسر محمدخان امیر تومان بمنصب سرهنگی فوج ششم تبریز سرافراز
و فوج مزبور ملقب بفوج اقبال گردید و آخر ماه ذیحجة الحرام حضرت مستطاب اجل اعظم شاهنشاهزاده کامکار مظفر
الدین میرزا حکمران آذربایجان و ولیعهد دولت جاوید شوکت سرافراز و بیکقطعه نشان تمثال بیمثال اقدس شاهانه
ولایتعهد و یکثوب جبه ترمه کشمیری و دو رمروارید موشح بلآلی و جواهر گرانبها قرین افتخار و اختصاص فرمودند و
وزارت مخصوص حضرت مستطاب معظم الیه را بعزیزخان سردار کل تفویض و واگذار کردند و یحیی خان اجودان مخصوص
حضور همایون حامل این نشان و خلعت مبارک گردیده روانه آذربایجان شد (چین) در حوالی شانگهای جنگ مابین یاغیهای
تای پینگ و عساکر فرانسه و انگلیس شکست یاغیها زخمی شدن امیرال پروتز سردار فرانسه که بهمان زخم هلاک گردید و
عقب نشاندن یاغیها از قرب پاسی فرسخ (ژاپن) تعدی نسبت بانگلیسها خروج سفرای خارجه از ییدو پای تخت و رفتنشان
به یکهاما و ترضیه خواستن از دولت ژاپن اروپا (اسپانیا) در مجلس شورای دولتی وکلا رجال دولت را متهم
این میکنند که در فقره مکزیک اتحادی که با دولت فرانسه داشتند بیجهت بهم زدند (المان) عهدنامه تجارتی پروس با
با فرانسه شناختن دولت پروس ویکتور امانول را بسلطنت تمام ایطالیا استقراض دولت از برای هیئت جنگ وکلای ملت
در اینمسئله مساعد با دولت نیستند نقار مابین پادشاه و وکلای ملت و ورود مسیو بیزمارک سفیر پروس در اینوقت که مامور
فرانسه بود و قبل ازاین سمت در پطرزبورغ بود در جرگه وزرای دولت وزیر حالیه و وزیر خارجه هم و بعد از ورود بیزمارک
بجمع وزرا استعفا از کار خود نمودند و در مدت چند روز مسیو بیزمارک بمنصب صدارت برقرار گردید با ایجاد وزیر بحری در
مملکت اطریش تمام سفاین جنگی اطریش از شراعی و بخاری عبارت از صد و بیست و نه کشتی است که دارای هفتصد و نود و شش
توپ و هیجده هزار و صد و هشتاد و پنج عمله کشتی و قشون بحری است ایجاد پلی در روی رودخانه رن در حوالی ثانسیه بجهت
عبور راه آهن (انگلیس) در این سال همه جهات پارچه های پنبه که صد و هشتاد و سه کرور لیره قیمت داشت زیاده
از مملکت انگلیس بخارج برده نشد در صورتیکه سنوات سابقه معادل سیصد و پنجاه و شش کرور لیره کارخانجات انگلیس
پارچه پنبه بخارج میفرستند و این نبود مگر بواسطه جنگی که در ینگی دنیا واقع شده بود که بقدر لزوم حمل پنبه از ینگی دنیا
بانگلیس نمیشد بخارج زیاد دولت در اینسال بجهت اداره قشون لرد الژن بفرمانفرمائی هند منصوب شد عدد قشون
هندوستان که در سال قبل سیصد و پنجاه هزار قشون بومی بود یکصد و ۷ هزار قرار دادند و عدد قشون انگلیسی بیست و پنج
که از انگلیس فرستاده میشد و نود هزار بود به هفتاد هزار قرار دادند فوت پادشاه دهلی در رانگون مسافرت
ولیعهد انگلیس باسلامبول و یونان عروسی دختر دویم پادشاه انگلستان شاهزاده خانم آلیس با شاهزاده هس
فوت سیر جن رز مسافری که در قطب شمال چندین دفعه سفر کرده بود (ایطالیا) اصلاح بیهوده دولت فرانسه
مابین پاپ و پادشاه ایطالیا فوت پرنس کاریکی از اعمام پادشاه سابق ناپل ملاقات والی مصر با پادشاه
ایطالیا در ناپل ایجاد بندر تازه در ناپل با حضور پادشاه خیال راه آهن بناپل استقراض دولت مبلغی بجهت مخارج
اینکار از صرافان رچیلد شورش در بعضی نقاط بجهت هواخواهان گاریبالدی نقار گاریبالدی با پادشاه خطبه
حضرت پاپ بر ضد پادشاه ایطالیا شناختن دولت روس و پروس ویکتور امانول را بسلطنت تمام ایطالیا گاریبالدی آشکارا
میگوید یا مرگ یا رم و اینکلام گاریبالدی بر ضد دولت فرانسه و بر ضد پادشاه حالیه ایطالیا است که اولی محارست
رم را در عهده گرفته و ثانی عهد کرده است که در رم مداخله نماید عروسی دختر دویم پادشاه ایطالیا با پادشا

پرتوغال

پرتوغال افتتاح راه آهن از ناپل برم (پرتوغال) شورش در بعضی نقاط بجهة گرانی حبوبات (دانمارك) دولت دانمارك مسلح شده تهیه جنك می بیند ووحشتی دارد از بعضی ادعاهای پروس با ایالتین اسلشویك وهلشتن وبدول فرانسه وانکلیس وروس وسوئد شکایت مبنیا بیان وضع طرزی که دولت پروس پیش گرفته است (روس) فوت صدر اعظم کنت نیسلرد امتداد سیم تلکراف از لندن به سبیر در ظرف چهل ودو ساعت از پطرزبورغ به برلن پای تخت پروس بتوسط راه آهن میشود رفت تسلیم حکومت لهستان به گراندوك قسطنطین برادر امپراطور در ظرف یکسال چهارده هزار وهشتصد وسی وسه نفر از متمردین لهستان محبوس شدند حکومت گراندوك میشل برادر دیگر امپراطور بمملکت قفقاز (سوئد) ملاقات سلاطین سوئد ودانمارك (عثمانی) صدارت فؤاد پاشا وزارت خارجه عالی پاشا شورش در حلب رئیس طایفه در روز در حران خالد بیك از اداء مالیات مضایقه دارد ودزدی وشرارت را تا بدروازه امتداد میدهد افتتاح مجلس با ایالتین ملداوی ووالاشی بدست پرنس کوزای والی جنك عمر پاشا با اهالی قراداغ مجلس کنفرانس از دول در اسلامبول تشکیل میشود واصلاح میان عثمانی وصربی میکند معاهده تجارتی عثمانی با روس وبا اغلب دول فرنك والی مصر سعید پاشا بسیاحت فرنك میرود در حفر مجمع البحرین اهتمامی کامل بعمل میاورند وعملجات جدا مشغول کار هستند (فرانسه) مواجب ژنرال منتبان سردار فرانسه که در چین فتوحات کرده بود به پنجهزار تومان مقرر شد که نسلا بعد نسل باولاد ذکور او داده شود ایجاد مالیات جدیده علاوه بر معمول برکالسکه واسب ونمك غدغن اکید بوزرا که علاوه بر مواجب ومرسوم که هنگام وزارت مقرر است خرج نکنند در مجلس وکلا از قشون کشی بسمت مکزیك گفتگو شد ووکلای دولت جواب دادند که مقصود از فرستادن قشون بقای نام وحفظ آبروی فرانسه است وقراردی در تنخواهی که اهالی مکزیك استقراض از اهالی فرانسه نموده اند ملتفت شدن مسیو دمرنی بلقب دوك (دوك بمنزله امیر الامرائست) نصب درووان دلویس بوزارت خارجه (یونان) شورش در پنلی که قورخانه دولت آنجا واقع شده است جنك قشون دولتی با اعیان شورش در اغلب نقاط مملکت بر ضد سلطنت شورش بر ضد خانواده سلطنت اجتماع مردم بر عزل پادشاه که از شاهزاده های باویر بود اتحاد قشون با شورشیان استعفای پادشاه اتهن از سلطنت بجا ماند دولت موقتی خزانه دولت خالی است انقلاب اغتشاش در جمیع نقاط قشون بی نظم وبی سردار **افریقا** در سودان مرکزی حاجی عمر که در سنگال فرانسه ها او را دوانیده بودند ممالك تنبکتو کارتا وتمام سواحل رود نیژر را گرفت جنك سخت مابین پادشاه داهمه وپادشاه ابوکوتاه **امریکا** (اتازونی) جنك مابین ایالتین شمال وجنوب در کمال شدت بود ایالات کادلین وورژینی علی الخصوص بعضی از ایالاتیکه داشتن برده در آنها رسم بود لیکن تشوریده با ایالات جنوبی بر ضد ابراهیم لنکلن رئیس نه ایستاده بودند رئیس جمهور بغلامها آنها را آزاد ویکمبلغی باسم خسارت با آنها عوض داد جنك سختی که معروف است بجنك پیتس بورك در حوالی شط میسیسیپی فتح شمالی در این جنك فتوحات بعضی قلعه جات شمالی بدست جنوبی شکست یافتن عساکر شمالی در بول از الآن نسبت بتبعه هلاند وانکلیس وفرانسه کمال بی احترامی وصدمه از عساکر جنوبی وارد میاید وتا آنزمان که یکسال از ابتدای جنك گذشته بود شمالی به تنها سیصد وپنجاه کرور تومان ایران مخارج کرده بود ایجاد راه آهن از سان فرانسیسکو بکالیفرنی (برزیل) نقار با دولت انکلیس که بعد مبلغ بصلح میشود (مکزیك) عساکر انکلیس واسپانیا وفرانسه که باهم متفق بودند در مسئله تغییر وضع دولت مکزیك بنای مابین سردارهای دول ثلاثه پیدا شد با اینکه ژوارز رئیس جمهوری مکزیك در رهما

دیگه

وقتی تنبیه قشون اسپانیولی در خاک مکزیک آمده بودند بالنسبه برعایای اسپانیولی کمال تعدی را نموده دو کرور تومان از
آنها جریمه گرفته و باتهام جرم جمعی از آنها را بقتل رسانیدند با وجود این سردار اسپانیولی ژنرال پریم باتفاق با سردار
فرانسه را مصلحت ندیده تنها قشون فرانسه را در محصور انداخته دو چار مجادله با ژوارز بتنهائی نموده سرداران اسپانیول
وانگلیس یکشبه نشستند با وطان خود مراجعت نمودند و از آن بعد دولت فرانسه مصمم بر این شد که جمهوری مکزیک را دولت
امپراطوری نموده ماکسیمیلین برادر امپراطور اطریش را بر تخت سلطنت مکزیک جلوس دهد

سنه ۱۲۷۹ هجری — سنه ۱۸۶۲ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال تعزیه داری دولتی در تکیه مبارکه سلطنت آباد شد جناب میرزا سعید خان
وزیر امور خارجه با عطای یک رشته شرابه مرصع بجواهر ثمینه نایل گردید بند خالصه جات و رامین برحمت الله خان
ساری اصلان واگذار شد یکصد باب کارخانه شال بافی در شیراز و شصت باب در یزد دایر گردید ضیاء الملک وزیر علیه
اعظم والده مؤلف بلقب جنابی سربلند گردید جناب ظهیر الدوله محمد ناصر خان ایشیک آقاسی باشی حاکم استراباد و
شاهرود و بسطام وغیره بیکقبضه قمه مرصع مباهی آمد حکومت بندر بوشهر با حمد خان نوائی مفوض شد میرزا
حسین وزیر سابق دار الخلافه بمنصب استیفا نایل گردید میرزا محمد ولد مرحوم میرزا بابای حکیمباشی بمنصب استیفا و میرزا
علی برادر معزی الیه بمنصب لشکر نویسی برقرار گردیدند بعضی از ریش سفیدان ترکمن سارق و سالور بارض اقدس
خدمت نواب حسام السلطنه والی خراسان آمده برحسب استدعای خود شان داخل در نوکر و سواره خراسانی شدند
موکب همایون عزیمت گجور فرموده و از گجور بسیاحت کنار دریای مازندران روانه شده از راه بلده نور و کلار معاودت
بقصبه نیاوران فرمودند جناب حاجی میرزا حسینخان وزیر مختار مقیم دربار عثمانی بیکقطعه نشان تمثال مبارک مکلل بالماس
مفتخر گردید ضیاء الملک والده مؤلف وزیر علیه عظمی بلقب نبیل اعتماد السلطنه ملقب آمد حاجی میرزا محمد خان دبیر مهام
خارجه بوزارت وظایف و اوقاف کل ممالک محروسه سرافراز شد و میرزا علیخان ولد معزی الیه (جناب امین الدوله)
بنیابت اول وزارت امور خارجه برقرار گردید خط تلگراف از دار الخلافه تا گیلان امتداد یافت روز بیست و یکم محرم
در استراباد از سمت قبله ابری ظاهر شده بزمین می آید بعد بهوا صعود میکند و در بین صعود صدائی مهیب از آن مسموع
میشد و پس از یکساعت از هم پاشیده آتشی از آن نمایان میگردد و آن روز هوای استراباد بطوری گرم میشود
که اغلب از گرما بیحال میشوند جناب مسیو جردنی وزیر مختار دولت ایطالیا با نشان درجه اول سلطنتی آن دولت
برای اهدای حضور همایون این اوقات وارد دار الخلافه شد میرزا قهرمان مستوفی نظام آذربایجان بیکقطعه
نشان از درجه سیم سرتیپی و ریاست فوج لشکر آذربایجان سرافراز شد محمد رحیمخان سرتیپ سواره ایلات قزوین
بمنصب سرتیپی اول مفتخر گردید حاجی قوام الملک شیرازی بیکقطعه نشان از درجه اول امیر تومانی با حمایل آن
سرافراز شد آقا محمد ابراهیم معمارباشی بیکقبضه کارد مرصع و لقب خانی نایل گردید محمد اسمعیل خان وکیل الملک
در معابر کرمان وشهر و بلوکات رباط و حمامهای خوب و کاروانسرا و بازار بنا کرد این اوقات ایام هفته را تقسیم
کرده در هر روزی ذات ملکوتی صفات مقدس بعرایض یکی از وزراء رسیدگی میفرمایند میرزا هدایت پسر مرحوم
نصیر الملک بمنصب مستوفیگری سرافراز شد میرزا اسد الله از اجزای وزارت علوم بنیابت حکومت ملایر و
تویسرکان و لقب خانی سرافراز شد میرزا محمد ابراهیم پسر مرحوم میرزا احمد استرابادی بمنصب لشکر نویسی و دویست
تومان مواجب نایل آمد محمد اسمعیل خان وکیل الملک با عطای یکقطعه نشان تمثال همایون مفتخر گردید حاجی

میرزا علی پیشخدمت بلقب مشکوة الملک ملقب شد جهانگیرخان سرتیپ ژنرال اجودان مخصوص بریاست قورخانهٔ
مبارکه سرافراز گردید علیقلیخان نایب اول اجودانباشی بیکقطعه نشان از مرتبه سرتیپی و حمایل آن مفتخر گردید
علیقلیخان سرهنگ (جناب مخبرالدوله) که در امتداد سیم تلگراف گیلان خدمت کرده بمنصب سرتیپی سیم و دویست
تومان اضافه مواجب سرافراز شد نواب حاجی محمد ولیمیرزا بمنصب وزارت دارالشورای کبری سرافراز گردید بنده
مؤلف بمنصب ژنرال اجودانی و تشریف همایون سربلند آمد جناب ناصرالملک مشیر حضور خاص همایون برسم وزیر
مختاری مأمور باقامت دربار دولت انگلیس شد امان الله خان سرتیپ مستشار سفارت مزبوره و یکقطعه نشان
از درجه سیم سرتیپی با حمایل آن قرین افتخار آمد محمد مهدیخان سرکشیکچی باشی بیکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز شد
عبدالعلیخان ادیب الملک پیشخدمت خاصه بحکومت قم مفتخر گردید سواره مقدم مراغه سپرده بحسام الدوله شد
ابوالفتح خان پسر مرحوم عبدالحسین خان جوانشیر بمنصب سرهنگی فوج اول خاصه سرافراز گردید محمد باقرخان ولد
محمد خان امیرتومان بسرتیپی سیم و فوج جدید و قدیم قزوین برقرار شد باقرخان که در کارخانه شمع خدمات کرده
بود بمنصب سرهنگی مفتخر شد نواب علیقلی میرزا ولد نواب عماد الدوله ملقب بصارم الدوله گشت و باعطای یکقبضه
شمشیر کل مرصع او را مفتخر فرمودند جناب میرزا فتحعلیخان صاحبدیوان بیکقطعه نشان امیرتومانی و یکرشته
حمایل آن سرافراز شد میرزا احمدخان ساعدالملک ولد مرحوم امیراتابک اعظم باعطای یکقطعه نشان تمثال
همایون مکلل بالماس سرافراز گردید در کارخانه شمع دارالخلافه چند قسم شمع در کمال خوبی بسبک شمعهای فرنگی میریزند
این اوقات کتابچه دستورالعملی بحکم همایون برای تعیین تکالیف و انتظامات و ترتیبات مورد دیوانخانه عدلیه عظمی
نوشته و صدر آن موشح بدستخط همایون شد حاجی رجبعلیخان سرتیپ سیم توپخانه بمنصب سرتیپی دویم توپخانه
برقرار گردید حاجی آقا بابای حکیمباشی بلقب ملک الاطبائی و یکقطعه نشان از درجه دویم سرتیپی با حمایل آن
سرافراز گردید میرزا ابوالحسنخان صنیع الملک باعطای یکقطعه نشان سرتیپی و حمایل آن مباهی آمد معدن فیروزجی در
نزدیکی ساوه باهتمام حاجی علی اکبر امین معادن پیدا شده که فیروزهٔ آن در کمال صفا است کلیه عمارات مبارکات
دولتی را بحاجی محمدخان حاجب الدوله سپردند محض مزید نظم و انتظام امور و شئون دستخطی مبارک بافتخار جناب
سپهسالار شرف صدور یافت جناب سپهسالار را باعطای یکقطعه کمر مکلل بالماس مفتخر فرمودند صبح شنبه غره
شهر شوال المکرم بنیم ساعت بطلوع آفتاب مانده نیر اعظم از برج حوت بحمل تحویل نمود و سلام خاص و عام در
پیشگاه حضور مبارک منعقد گردید پاشاخان امین شوری بیکقطعه نشان از درجه امیرتومانی مفتخر گردید
حاجی میرزا عبدالله خان مستوفی بیکقطعه نشان سرتیپی سرافراز شده و حکومت همدان را نیز بمعزی الیه واگذار فرمودند
تراکمه متمرده استراباد تنبیه کامل شدند کلبحسینخان امین نظام بریاست قشون خراسان و سرتیپی اول سرافراز
شد محمد باقرخان سرهنگ بمنصب سرتیپی سیم نایل گردید میرزا عبدالرحیم خان کارپرداز اول مقیم تفلیس بمنصب
شارژدافری و اقامت دربار دولت روس مفتخر گردید برای مراکب بحریه تبعه دولت علیه وضع علم مخصوصی نمودند
که اسباب امتیاز و تشخیص آنها باشد حکومت استراباد و مازندران را بعهده کفایت عین الملک خواهسالار واگذار
فرمودند و محمد علیخان برادر معزی الیه بنیابت حکومت و میرزا مصطفی خان بهاءالملک بمباشرت امور مازندران
سرافراز شدند دوستعلیخان معیرالممالک را باعطای یکقطعه نشان از درجه امیرتومانی قرین مفاخرت فرمودند
میرزا رضا مستوفی خاصه پسر معین الملک بیکقطعه نشان سرتیپی با حمایل آن سربلند آمد نواب حسام السلطنه

حکمران خراسان که بجهة بعضی عرایض لازمه بدار الخلافه آمده بمحل حکمرانی خود معاودت نمود حضرت شاهنشاهزاده
امجد والا یمین الدوله (ظل السلطان) دام اقباله بحکمرانی مملکت فارس منصوب. وظهیر الدوله بوزارت حضرت معظم الیه
مفتخر گردید حیدر قلیخان ایلخانی وحکمران بجنورد بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس سرافراز آمد امیر
حسینخان ایلخانی زعفرانلو بجهة خدمت وتنبیه ترکمن اشرار ترکمن خراسان بیکقبضه شمشیر کل وکمر مرصع
مباهی شد محمد علیخان ایلخانی فارس بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس سربلند گشت حاجی قوام الملک
بمنصب متولی باشی گری آستانه حضرت ثامن الائمه علیه السلام ولقب جنابی مفتخر گردید میرزا عبد الله خان مستوفی
حاکم همدان ملقب بعلاء الملک شد نواب والا معتمد الدوله حکمران عربستان ولرستان بیکقطعه نشان تمثال
همایون مباهی گردید وسلطان اویس میرزا ولد نواب معظم الیه رئیس دیوان نظامی لرستان بیکقطعه نشان از
درجه اول سرهنگی نایل آمد جلال الدین میرزا پسر مرحوم احتشام الدوله ملقب باحتشام الملک شد ولایات
ملایر وتویسرکان را بنواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم واگذار و مالیات آنجارا از بابت مخارج ومصارف مدرسه
دار الفنون مقرر فرمودند چراغعلیخان سراج الملک بمنصب بیکلربیگی گری وریاست دیوان نظامی اصفهان
برقرار گردید (افغانستان) فوت امیر دوست محمد خان در بهار نصیب امیر شیرعلیخان ولد آنمرحوم بجای پدر
نقار مابین امیر شیرعلیخان وبرادر او محمد شریفخان جنگ داخله وشورش در هرات وکابل (چین) شانیانو
سردار چینی که با یاغیها در جنگ بود متهم باین شد که شکستی که یافته است از راه خیانت بوده وبا وجود خدمتها
چندین ساله که بدولت کرده بود اورا محبوس نمودند وحکمی با وصادر شد که در حبس خود را بکشد وبعد از
صدور این حکم او خود را بدست خود کشت بنیاد یک کلیسای کاتولیکی در شهر کانتن (ژاپن) تهدید امیر انگلیس
باین دولت بجهة استرضای قتل جمعی از انگلیسها در ژاپن بی فایده میماند امیرال انگلیس کیپر یکی از شهرهای ساحل
کاکزیما را بضرب گلوله توپ منهدم میسازد (ماچین) وبای سختی در هونته آمریقا (اسپانیول) ژان پسر
دنکارلس امیر ابا ملکه اسپانیول را شناخته وحقوقی که پدرش وطایفه اش در سلطنت اسپانیول داشته از دست سلطنت اسپانیا
از آن حقوق میکشد زلزله سختی مانیل که مورث خرابی زیاد شد نزاع مابین سیاهها وسفیدها در هایتی یاغیها پرنس لالانا
را در هایتی سوزانیدند (المان) اتفاق آراء در ایجاد مجلس پارلمنت واحد در تمام مملکت ملاقات امپراطور اطریش و
پادشاه پروس در گاستین در سرحد اطریش وتکلیف کردن امپراطور اطریش پادشاه پروس را که یک مجلس شورائی
مرکب از سلاطین ووکلای المان در فرانکفورت منعقد شود که در این مجلس حل وعقد امورات کلیه المان بشود پادشاه پروس
قبول حضور آنمجلس را نمیکند لیکن مجلس مزبور در اواخر تابستان این سال منعقد شده سلاطین جزو با وزرای خارجه
که دارند حضور بهم میرسانند این مجلس آنطور یکه مقصود بود فایده نبخشید افتتاح مجلس پارلمنت پروس که در تابستان
اینسال شد واز مضمون خطبه که در افتتاح این مجلس مسیو بزمارک صدر اعظم قرائت کرد معنی صلح وسلامت مفهوم
نمیگردد در پروس بواسطه تباین رایکه مابین مسیو بزمارک ووزرا ووکلای ملت است مجلس وکلا عزل شده
وکلای جدید منصوب میشوند افتتاح مجلس جدید را اعلیحضرت پادشاه پروس شخصاً نمود استقراض وجه معتدبه
برای تهیه جنگ در مملکت پروس بر ضد دانمارک (انگلیس) از مخارج وزارت جنگ ده کرور لیره کسر میشود توپ
جدید یکه آرمسترنگ نام اختراع کرده بود دولت قبول میکند جنگ در زولاند با طایفه ماوری مالیات
دولت بواسطه تریاک ونمک در هندوستان زیاده از سال قبل است در هندوستان نی شکر و پنبه را آفت

ملخ

ملخ خوا) که ضرر زیاد رسانیده است این ملخها از سمت سند آمده و بیشتر از زراعتهای سواحل رودخانه کنک را خراب
کرده اند جنگ دولت با طایفه کوهستان لاهو نصب سیر ژان لاورانس بفرمانفرمائی هندوستان فوت حاکم سابق
لرد الژین ایجاد راه آهن زیر زمینی در شهر لندن (پرتوغال) ترک قتل مقصرین یعنی دولت از این بعد اشخاصی را
که واجب القتل هستند بقتل نمیرسانند بلکه بجای قتل حبس مؤبد میکنند (دانمارک) در دانمارک ولیعهد آن دولت فردریک
فردیناند عموی پادشاه بدون وارث فوت میکند و بفاصله چندی پادشاه دانمارک فردریک هفتم بسن پنجاه و پنجسالگی
نیز وفات مینماید کرستیان نهم که از اقوام دور پادشاه مزبور بود بجای او جلوس میکند پادشاه تازه چهل و پنجسال
داشت یکی از صبایای ایشان زوجه ولیعهد دولت انکلیس است و پسر بزرک ایشان ژرژ اول پادشاه یونان میشود
شورش شود در ایالت هلستن که مجزی از دانمارک بشود دولتین پروس و اطریش هفت روز بدانمارک مهلت میدهند که
عساکری که بجهة تنبیه یاغیان هلستن فرستاده احضار نماید والا شروع بجنگ خواهد شد (روس) شورش در
لهستان نه تنها در ورشو بلکه در سایر شهرهای دیگر نیز قطع سیم تلگراف و خط راه آهن شورشیان ریاست خود را به
میرالفسکی واگذار میکنند دولتین پروس و روس معاهده میکنند که یاغیهای لهستانی اگر بخاک پروس پناه بجویند
عساکر روس تخطی نموده در خاک پروس آنها را تعاقب نمایند نوشتجات سختی که دولت فرانسه بدولتین روس و پروس
در این فقره مینویسد بفایده میماند صدور فرمان امپراطور روس که هر کس در ظرف بیست روز از یاغیان اسلحه خود را
زمین گذاشته قبول خدمت کند دولت روس از جریمه جرم او خواهد گذشت فراریهای لهستان که با یطالیا و فرانسه
رفته بودند بوطن مراجعت نموده با یاغیان شریک و همدست میشوند فی الواقع جمیع لهستان در شورش است ژنرال
برک سردار روس مأمور تنبیه اشرار است و همچنین ژنرال مراویف و جمعیت زیادی که از نجبا و کشیشها و کسبه و
غیره که در زمره یاغیان بودند و سرداران مزبور آنها را بچنگ آوردند یا فی المجلس کشتند یا بسیبری بحبس فرستادند
حکم امپراطور روس باحضار قشون زیاد که تقریبا سیصد هزار باشد برای دفع یاغیان زمستان قطع جنگ نکرده
گراندوک قسطنطین برادر اعلیحضرت امپراطور روس که نیابت سلطنت لهستان او را بود خود را از این خدمت معاف
میدارد ژنرال برک مستقلا از طرف اعلیحضرت امپراطور روس فرمانفرمای لهستان میگردد در قفقاز مختصر شورشی
در میان طایفه لزگی سفاین جنگی روس در این سال صد و بیست و دو فروند است که در آن کشتیها دو هزار و دویست
و چهل و شش توپ و بیست هزار و پانصد نفر قشون بحری بودند (عثمانی) اعلیحضرت سلطان از وزرای خود در مسائلی
که راجع بسربستان و قراباغ بود نارضائی حاصل نموده تغییر و تبدیل کلی در دایره وزرا داده شد فؤاد پاشا از صدارت
عزل و در ریاست مجلس شوری و وزیر مالیه گردید ولیکن بعد از دو ماه باز بصدارت منصوب شد فوت سعید پاشا
والی مصر در زمستان و نصب اسمعیل پاشا برادرش بجای او سفر سلطان بمصر در بهار اول تحریر کتابچه جمع و خرج
دولت در این سال که مالیات دولت را غیر از فروعات شصت و نه کرور و صد هزار تومان معین کرده اند و مخارج
را شصت و هشت کرور و دویست و شصت هزار تومان (فرانسه) ورود سفرای انام ماچین بپاریس افتتاح
مجلس دار الشوری در فرانسه جنگ عساکر فرانسه در حوالی شهر پوابلای مکزیک با هواخواهان ژوارز رئیس
جمهوری مکزیک و فتح این شهر بدست ژنرال بازن و ورود سردار فرانسه بمکزیکو پای تخت مکزیک و فرار
ژوارز با شش هزار قشون بسانلوئی مجلس شورای مکزیک که تازه در مکزیکو پای تخت تشکیل یافته است بالاتفاق
ارشیدوک ماکسیمیلین برادر امپراطور اطریش را بامپراطوری خود منتخب مینمایند و در این مجلس ذکر میشود که چنانکه

مشار

مشار الیه قبول سلطنت ایشان را ننماید هر که را امپراطور فرانسه انتخاب کند آنها باتفاق او را قبول خواهند نمود (یونان)
دول فرنگ در صدد تعیین پادشاهی از برای یونان هستند و بچند نفر از شاهزادگان المان که تکلیف کردند
آنها رد نمودند بالاخره ژرژ پسر ولیعهد دانمارک که در اینوقت هفده ساله بود قبول نمود و سلطنت یونان
باسم ژرژ اول برقرار شد مشروط که خود و اولادش بعد از این طریقه و مذهب یونانی را اختیار کنند با وجود
تعیین پادشاه باز در آن فرق مختلفه در شورش و با هم مشغول منازعه میباشند در این مورد دولت انگلیس
وعده میدهد که بعضی جزایر یونان را که در تصرف داشت بدولت جدید یونان رد کند پادشاه تازه یونان
بلندن و از آنجا بپاریس رفت و از آنجا بوینه بعد باتن پای تخت یونان ورود میکند **افریقا** (ماداکاسکار) شورش
اهالی بر ضد وزرا و خواص پادشاه و بعد از چندی قتل پادشاه و نصب زوجه اش بجای او **امریکا** (اتازونی)
جنگ ایالات جنوبی با شمالی در کمال سختی است اگر چه فتح غالبا با عساکر شمالی است لکن هنوز نتیجه که فایده از آن بر
دارند حاصل نشده ژنرال گران سردار شمالی دو سه قلعه معتبر از جنوبیها بزور اسلحه گرفته و متصرف شده است لنکلن
رئیس جمهوری اتازونی که حالا بواسطه این اختلاف که در میان شمالی و جنوبی است فقط ریاست بایالت شمالی دارد
حکم باحضار صد و بیست هزار قشون علاوه بر قشون معمولی خود میکند دولت فرانسه در صدد میانجیگری است که
در میان ایالات جنوبی و شمالی اصلاح نماید لکن وساطت این دولت بی فایده میماند (برزیل) بروز وبای سخت
در اغلب ممالک برزیل

سنه ۱۸۶۳ مسیحی — سنه ۱۲۸۰ هجری

آسیا (ایران) در این سال امور ملک و مملکت بتوجهات خاطر خطیر همایون قرین انتظام کامل است حکومت
لرستان را ضمیمه حکمرانی کرمانشاهان و نهاوند نموده بنواب عماد الدوله واگذار فرمودند حکمرانی عربستان را
بنواب حشمت الدوله تفویض داشتند عبد العلیخان ادیب الملک حاکم قم بیکقطعه نشان از درجه سیم سرتیپی با
حمایل آن سرافراز شد آقاخان پسر مرحوم عبد الصمدخان افشار بمنصب سرتیپی سیم و ریاست دیوانخانه نظام مازندران
نایل گردید عسکرخان سرهنگ سرپرست اردوی امنادومی و سلماس بمنصب سرتیپی سیم سرافراز شد نظر باتحاد دولتین
ایران و عثمانی از جانب دولت علیه باسمعیل افندی نایب اول سفارت عثمانی نشان دویم از درجه شیر و خورشید
مرحمت شد تنبیه و تدمیر ترکمن سالور و ساروق که بقصد دستبرد بحدود خراسان آمده بودند موکب همایون
شهریاری در ماه صفر تشریف فرمای نور و کجور شد میرزا هاشمخان امین خلوت با عطای یکقطعه نشان تمثال
همایون مکلل بالماس سرافراز و میرزا محمدخان پسر مشار الیه بمنصب نیابت ریاست خلوت برقرار آمد ریاست امور
نظامی عربستان بعهده عبد الله میرزا ژنرال اجودان واگذار شد حاجی محمد بیک قهوه چی باشی با عطای یکقطعه
نشان شیر و خورشید از درجه سرهنگی سرافراز آمد حبیب الله خان تنکابنی (ساعد الدوله) بمنصب سرتیپی اول
مفتخر گردید عمارات مبارکات سلطنتی دار الخلافه را حسب الامر مرمت نموده بر صفحت و نزهت آنها افزودند میرزا
احمدخان ساعد الملک سرتیپ اول بریاست امیر تومانی سرافراز گردید آقاخان سرتیپ اول سرتیپی دو فوج مراغه
مباهی آمد محمد حسینخان صدر الدوله ایشیک آقاسی باشی حضرت اعظم والا ولیعهد دولت علیه ایران بیک
قطعه نشان و حمایل سرتیپی سرافراز شد محمد علیخان برادر عین الملک بمنصب بیگلربیگی گری استراباد قرین افتخار
گردید حضرت اکرم والا نایب السلطنه العلیه چون در قواعد نظامی درجه کمال را یافته اند در نظام دارای

منصب سرهنگی از درجهٔ اول گردیدند محمد مهدیخان کشیکچی باشی با عطای یکقطعه نشان امیرتومانی و یکرشته حمایل آن مفتخر گردید امیرزاده انوشیروان میرزا آجودان خاصه سرتیپ فوج سربند عراقی سرافراز شد نواب والا معتمد الدوله را در جرگهٔ اجزای محترم دار الشورای کبری منسلک فرمودند محمد قلیخان شاطرباشی بیک قطعه نشان از درجهٔ سرتیپی و حمایل مخصوص آن سرافراز آمد محمد قاسمخان والی گیلان با عطای یکقطعه نشان تمثال همایون قرین افتخار آمد جعفرقلیخان سرتیپ اول بمنصب امیرتومانی نایل گشت در دار الخلافه باهره در خارج دروازهٔ دولت در جنب میدان مشق جبه خانهٔ بسیار خوبی بنا نمودند میرزا طاهر سررشته دار کاشانی بمنصب استیفاء مفتخر و نایل گردید از ولایات ممالک محروسه باشارهٔ علیه سوارهٔ ردیف اخذ و انتخاب شده و میشود جمشیدخان بمنصب سرتیپی توپخانه سرافراز گردید سیم تلگراف از سرحد سرتاسر بندر بوشهر امتداد مییابد حاجی محسنخان سرهنگ مستشار سفارت دولت علیه مقیم پاریس بمنصب سرتیپی سیم و نشان و حمایل این رتبه سرافراز شد و روز دهم جمادی الثانیه ایسنال باتفاق بنده مؤلف کتاب در این وقت بنیابت دویم سفارت برقرار شده روانه پاریس گردیدیم نواب عماد الدوله بیکثوب جبهٔ ترمه شمسهٔ مرصع مخلع و امیرزاده صارم الدوله ولد نواب معظم الیه بپاداش تنبیه طایفه سکوند لرستان بیکقبضه شمشیر براق مرصع نایل آمد آقا رضای پیشخدمت حضور همایون بلقب عکاسباشیگری سرافراز گردید و صنعت عکاسی در این عهد همایون در ایران خیلی رواج و ترقی یافت هم در این سال جناب حاجی میرزا حسینخان وزیر مختار دولت علیه مقیم دربار عثمانی با میرزا حسن نایب دویم سفارت از اسلامبول بدار الخلافه طهران آمده مورد مراحم خاصهٔ ملوکانه گردیده در سلک اجزای دار الشورای کبری منسلک گردید و میرزا حسن نایب دویم سفارت بیکقطعه نشان شیر و خورشید از درجهٔ سیم و لقب خانی و نیابت اول سفارت و دویست تومان اضافه مواجب سرافراز شد و میرزا حسین کارپرداز طرابزن بلقب خانی و ژنرال قونسولی سرافراز آمد هم در این سال نظر بکمال وداد و اتحاد بین دولتین علیتین ایران و عثمانی از جانب اعلیحضرت همایون یکقطعه نشان شیر و خورشید مکلل بالماس گرانبها با حمایل آبی که از علایم اولیهٔ خاصهٔ سلطنتی است برای اعلیحضرت سلطان عبدالعزیزخان سلطان عثمانی هدیه و انفاذ فرمودند و برای جناب فواد پاشا وزیر جنگ و صدر اعظم عثمانی و جناب عالی پاشا وزیر امور خارجهٔ آن دولت نیز نشان تمثال همایون مکلل بالماس ارسال داشتند و جناب حاجی میرزا حسینخان وزیر مختار مجدداً با اجزای سفارت کبری روانه اسلامبول شد میرزا محمدعلی سررشته دار توپخانه بمنصب لشکرنویسی سرافراز گردید میرزا نصرالله مستوفی پیشکار اصفهان با عطای یکقطعه نشان اول سرتیپی و یکرشته حمایل آن مفتخر شد میرزا مصطفی خان بهاء الملک وزیر مازندران و استرآباد بیکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز آمد وزارت مالیه را مستقلاً بعهدهٔ جناب اجل آقای مستوفی الممالک واگذار و ایشان را مخاطب بوزیر مالیه فرموده در مجلس شورای دولتی قلمدانی که مجیرهٔ آن مکلل بالماس بود از جانب سنی الجوانب بجناب معزی الیه مرحمت شد عین الملک خوانسالار و حکمران مازندران و استرآباد بمنصب ایلخانی گری و ریاست ایل جلیل قاجار سرافراز گردید از خط سرحد خانقین تا دار الخلافه نیز شروع بکشیدن سیم تلگراف شد غلام محسن خان پسر علیقلی خان نایب اول آجودانباشی بمنصب نیابت آجودانباشی سرافراز آمد جناب فرخ خان امین الدوله با عطای یکقطعه نشان امیرنویانی قرین مفاخرت گردید جناب میرزا زین العابدین ولد مرحوم میرزا ابو القاسم امام جمعهٔ دار الخلافه بمنصب امام جمعگی دار الخلافه برقرار شده با عطای یکقبضه عصای مرصع قرین مباهات

آمدند

آمدند و جناب میرزا مرتضی عموی جناب معزی الیه ملقب بصدر العلماء گردیدند چون جناب محمد ناصر خان ظهیر الدوله
ایشیک آقاسی باشی اغلب در ایالات ممالک محروسه مشغول انجام خدمتی بودند مباشد ایشیک آقاسی باشیگری را
بامیر اصلانخان مجد الدوله مرحمت و بیکقبضه عصای مرصع و خلعت همایون ایشانرا سربلند فرمودند جناب مسیو
گرهرکه سمت وزیر مختاری و ایلچیگری از جانب دولت روس مامور اقامت در دربار دولت ایران شده بود روز
چهاردهم رجب وارد دار الخلافه گردید میرزا محمد علیخان کارگذار خارجه فارس با عطای یکقطعه نشان
شیر و خورشید از درجه اول سرهنگی با حمایل آن مباهی شد محمد علیخان بیگلربیگی و حاکم استراباد بپاداش تنبیه
اشرار ترکمن بموجب یکقطعه نشان از درجه اول سرهنگی سرافراز شد و بعدها جعفر قلیخان امیر تومان مامور
شد که بوجه اکمل طوایف طاغیه را تنبیه نماید نواب حشمة الدوله حکمران عربستان و بختیاری بیکطاقه کرمکلل
بالماس بسبب امتیاز قرین مفاخرت آمد اعتماد السلطنه وزیر عدلیه عظمی والد مؤلف بیکقبضه عصای مرصع سربلند
شد حاجی رحیمخان پیشخدمت خاصه بمنصب جلیل صندوقداری و رختداری ملبوس مبارک برقرار و بیکقطعه کل
کمر الماس و یکثوب جبه ترمه سرافراز گشت آقا علی پیشخدمت خاصه حاکم ولایات ساوه و ایلشاهسون بغدادی بیک
طوق و کمر مکلل بالماس مباهی گردید مجد الدوله به پیشکاری اصفهان و میرزا محمد قوام الدوله به پیشکاری فارس مامور
شدند میرزا صادقخان کارگذار خارجه سابق گیلان بکارگذاری خارجه استراباد مامور شد برای نظم کلیه سرحد
استراباد وارد وی تبر کردی جناب میرزا محمد خان سپهسالار کل عساکر منصوره نظام و غیر نظام مامور آنسامان گردید
و جناب معظم الیه را با عطای یکراس اسب از اصطبل مبارک بازین و براق مرصع مفتخر فرمودند و جعفر قلیخان امیر تومان
که مامور تنبیه ترکمه طاغیه آنصفحات بود تدبیر کاملی از اشرار آن نواحی نمود در عقب جناب سپهسالار پاشاخان
امین سوم و محمد خان امیر تومان بامور تشون روسیه میشنابند میرزا محمد حسین دبیر الملک با عطای یکرشته شرابه
بند کاغذ مرصع سرافراز گردید آقر مسطرفه از دار الخلافه تا کنار بحر خزر که از کوه البرز بگذرد و از آنجا بکنار دریا
که سی و دو فرسنخ مسافت دارد چون راه هشت خیلی سخت و صعب بود بامر دولت مسیو کاستیگر مهندس نمساوی
در کمال خوبی شروع بساختن نمود صادقخان یوزباشی برادر شهاب الملک با عطای منصب سرتیپی از درجه
سیم سرافراز شد (چین) غلغل سخت در بلاد چین که کشتیها اتازونی ینگی دنیا عبور نکنند چینیها بعساکر فرانسه
ملحق شده با غیهای تای پینک را شکست دادند شهر نانکن را که مرکز یاغیها بود قشون زیاد چینی فتح کرد (ژاپن)
عهدنامه های دوستی و تجارتی این دولت با دول فرنگ و ینگی دنیا با مضای میکادو که پادشاه روحانیست و حقیقت
سلطنت با او است امام محسوب میشود و طیقون پادشاه جسمانی که فی الواقع صدر اعظم مستقلی است بدون امضای
میکادو عمل نموده اند عهدنامه را امضا نماید منازعه سفاین جنگی انگلیس و فرانسه در جزیره نیفون که متعلق بژاپن است
و بعد از جنگ و شکست دادن شاهزاده که والی آنجزیره بود دول متحده معادل سه کرور و سیصد هزار
تومان پول ایران بطور ترضیه و خسارت از دولت ژاپن مطالبه میکنند اروپا (اسپانیول) چهل و چهار
هزار ذرع راه آهن که وصل میکند راه آهن اسپانیا را براه آهن فرانسه از دره های کوه پیرنه امسال باتمام
رسید و مسافر میتواند از پاریس بمادرید پای تخت اسپانیا مستقلا سفر نماید (المان) فوت پادشاه
باویر ماکسیمیلین دویم در سن پنجاه و دو سالگی و جلوس پسرش لوی دویم در سن هجده سالگی فوت
پادشاه وورتنبرک گیوم اول و جلوس پسرش شارل بجای او ایجاد تفنگ سوزنی جدید در مملکت پروس

معروف بتفنگ دریز که بواسطهٔ اختراع این تفنگ اوّل امید بفتح و غلبه بر دشمن میدهد سوء ترتیب و بی نظمی
در مجارستان و در اغلب نقاط ممالک اطریش مسافرت امپراطور اطریش و شاهزادهٔ خانواده سلطنت بمجار و نظم
دادن آنجا را بشخصه وکلای ملت اطریش بدولت بی وفائی دولت پروس را اثبات میکنند که چون خیال دولت پروس
بزرگ شدن است لهذا بدوستی او بنابلیا اعتماد نمود (انکلیس) تولد پسر ولیعهد در زمستان ورود گاردی بالدی بمملکت
انکلیس با تشریفات کاملی که برای او فراهم آوردند بطوریکه ولیعهد انکلیس بمنزل او رفته او را ملاقات نمود ملت
انکلیس ایرادهای سخت بوزرا گرفته اند که چرا در فقرهٔ دانمارک سکوت کرده اند صد و پنجاه هزار نفر از عملجات
انکلیس بواسطهٔ نرسیدن پنبه از ینکی دنیا بیکار مانده اند از مهاجرین انکلیس بطرف اینسال تنها نود و چهار هزار
و صد و چهل و هفت نفر با تائونی بینگی دنیا رفته اند انعقاد مجلس دربار در لاهور بتوسط سیر لورنس فرمانفرمای هند
که ششصد نفر از سلاطین هند و راجه و نواب و ولاة هند و افغانستان حتی از خوقند حضور بهم رسانیدند افتتاح
راه آهن از بمبئی بداخلهٔ هند ابتدای تلگراف بحری از خلیج فارس که سواحل هندوستان و عربستان را بهم وصل میکند
چیت و پنبه کران کارخانجات انکلیس در ظرف اینسال بخارج برده اند معادل نود و یک کرور و دویست و شش
هزار لیرهٔ انکلیسی است و هر لیره معادل دو تومان و پنجهزار ایران میباشد (ایطالیا) مسافرت گاری بالدی با دو
پسر خود بانکلیس خیال تغییر پایتخت و نقل آن از تورن بفلورانس نقار آشکار مابین پاپ و دولت معاهده مابین
پادشاه ایطالیا و امپراطور فرانسه که دولت فرانسه عساکر خود را که بجهة حفظ سلطنت ظاهری پاپ در رومه
گذاشته بود از این تاریخ بعد از انقضای دو سال بردارد و پادشاه ایطالیا متعهد است که هیچ چیز در صدد تصرف
رومه و حدود معینه سلطنت ظاهری پاپ بر نیاید شورش و تغیر اهالی تورن که چرا باید پایتخت از آنجا عوض شود
دو روز و دو شب قتل و غارت و جنگ در تورن تغیر اغلب از وکلای ملت ایطالیا بدولت فرانسه که بچه جهة مانع
است که رومه جزو ایطالیا بشود (بلژیک) معادل یک کرور و ده تومان پول ایران دولت بلژیک از اهالی مملکت خود
مأخوذ داشته که بندر آنورس را محکم نموده قلعجات در آنجا بنا نماید (دانمارک) نامزد نمودن پرنسس داگمار دختر
پادشاه دانمارک را برای گراندوک نیکلای پسر امپراطور روس و ولیعهد این دولت (روس) شورش سخت و خونریزی
زیاد در لهستان پناه ندادن دولت پروس و اطریش یاغیهای لهستان را کدورت مابین دولتین روس و فرانسه
که اهالی فرانسه یاغیهای لهستان را اغوا میکنند جلا دادن اغلب یاغیهای لهستان را بسیبری و سیاست سخت آنها
نمودن پاپ در خطبه‌ها و موعظه‌ها نسبت بدولت روس سب‌ها بد میگوید بواسطه بیرحمی که بلهستانیها میشود
رعایای لهستان کمال رضایت را از اعمال دولت روس دارند که دفع شر ملاکین و بیجا و بی اعتدالی که با آنها میشد شد
در ایالت قازان بعضی طلاب مدارس نسبت بدولت بنای شورش را گذاشته مقصرین قتل و تنبیه شدند طایفه
نهیلیست که طبقهٔ تازه هستند و برضد دین و دولت و نظم عقیده دارند سبب حرق شهر سامبرسک شدند
طایفه چراکسه بواسطهٔ قحط و غلائیکه میان آنها بروز کرده و روی داده هزار هزار دسته شده با اهل و الوس
بخاک عثمانی پناه میبرند در بین راه جمعیت زیادی از آنها تلف میشوند فتوحات قشون روس در خوقند و فتح
شهر بخرا از شهرهای خوقند نامزد نمودن دختر پادشاه دانمارک را برای ولیعهد دولت روس اعانت باطنی
دولت روس بدولت دانمارک (سوئیس) ایجاد مجلس معظمی در ژنو و حضور مأمورین اغلب دول فرنگ در
آن مجلس مقصود از انعقاد این مجلس ایجاد بعضی از قوانین و قواعد لازمه است بجهة پرستاری و رعایت زخمدار

و مرضای قشون دول فرنگ که از هر طایفه و هر ملتی باشند که با هم در صدد مخاصمه و مقاتله بر میآیند (عثمانی) در
ایالات بغداد علاوه بر حق معمول که دولت عثمانی قرار داده والی آنجا قشون میگیرد شورش و انقلاب در ایالت تونس از ناراضی
رعیت از والی بواسطه ایجاد بعضی مالیات فوق العاده برقرار داشتن دوازده هزار قشون همیشه زیر بیرق و بجهت
نرسیدن مواجب یاغیگری همین دوازده هزار قشون بر ضد والی شورش و انقلاب بحدی است که کشتیهای جنگی انگلیس و
فرانسه و ایطالیا بجهت حفظ تبعه خود از شر اعراب در سواحل تونس لنگر انداخته اند طغیان رود نیل در مصر و خسارت
زیاد بزراعت امتداد خط تلگراف از مصر به بیروت نیز امتداد خط تلگراف از بغداد به بمبئی و از بغداد باسلامبول تغیر
اهالی بلغارستان از ورود طوایف چراکسه با ایالات آنها و سکنی دادن دولت عثمانی ایشان را در این ایالت شورش
اعراب در بغداد و شامات قحطی بود در اسلامبول (فرانسه) حبس چهار نفر از اهالی ایطالیا که قصد قتل امپراطور
فرانسه را داشتند دو فقره فرستادن قشون بمکزیک در مجلس پارلمنت فرانسه ایرادات سختی بدولت وارد آورده اند
ملاقات ولیعهد هلاند و ولیعهد بلژیک با امپراطور فرانسه در قصر فونتن بلو و ملاقات پادشاه بلژیک در
ویشی آمدن وزیر جنگ پروس وون در اردوی شالن نزد امپراطور فرانسه حکومت مارشال ماکماهون بالجزایر
شورش و یاغیگری بعضی شهرهای الجزایر بخصوص در میان قبایل عرب قحطی و کا و میری سخت در ماچین متصرفی فرانسه
ورود سفرای ژاپن بپاریس فوت مارشال پلی سیه ملقب بدوک دمالاکف برقرار شدن ژنرال بازن سردار فرانسه
که در مکزیک بود بمنصب مارشالی فوت میربر معلم معروف علم موسیقی و فوت هاس ونیلوس جنگ مابین عساکر فرانسه
و ملت مکزیک با نهایت شدت برقرار است (هلاند) در جزایر سوماترا و برنئو زراعت شکر و تنباکو و قهوه زاید
الوصف شده است بروز وبای شدید در باویر (یونان) شورش در اغلب شهرها علی الخصوص در پای تخت نافرمانی اغلب
افواج قشون بصاحبمنصبان که در بعضی شهرها ساخلو بودند انهدام قلعه جزیره کرفو رفتن عساکر انگلیس از آنجا و ورود
عساکر یونان و تصرف نمودن آنجزیره را دول پروس و اطریش دولت جدید یونان را بسلطنت ژرژ اول شناختند امن
و شرارت قطاع طریق در اغلب نقاط بی پولی خزانه افریقا (مراکش) قتل و نهب طایفه بنی اسرائیل در اغلب شهرهای
مراکش مراوده تجارتی این دولت با تمام دول فرنگ امریکا (اتازونی) رئیس جمهوری لنکلن یک کرور قشون از برای
جنگ با ایالات جنوبی حاضر مینماید جنگ سخت مابین ایالات شمالی و جنوبی جنگ بزرگ شش روزه که طرفین دویست
و بیست هزار قشون در مقابل هم داشتند سردار شمالی ژنرال گرانت و سردار جنوبی ژنرال لی با یکدیگر مخاصمه نمودند
و جمعیت زیادی بکشتن دادند بدون اینکه ثمری ببخشد مگر در سواحل رودخانه جمس مختصر شکستی بعساکر جنوبی
داده شد چون موعد پنجسال ریاست لنکلن منقضی شده بود در انتخاب رئیس تازه مجددا او را برقرار کردند ۷

(ینگه دنیای جنوبی) در مملکت شیلی شهر ... پایتخت بواسطه زلزله سختی معدوم ... کوه آتشفشان ... مابین شیلی و بولیوی منازعه ... مابین دولتین بطول دارد ...

سنه ۱۲۸۱ هجری — سنه ۱۸۶۴ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال خاطر خطیر همایون متوجه کلیه امور و ترقی جمهور و آبادی ولایات و ترفیه
رعایا بود تعزیه داری در تکیه مبارکه سلطنت آباد میشود محمد ولیخان سردار که مامور سرداری قشون
خراسان بود بحکمرانی استرآباد سرافراز گردید میرزا محمد علیخان وکیل فارس پسر حاجی قوام الملک بیک قطعه
نشان از درجه دویم سرتیپی با حمایل آن مباهی آمد اهالی قلعه ابرافشان از قلاع بلوچستان نظر باستحکامی که آن قلعه
داشت دم از خودسری میزدند محمد اسمعیل خان وکیل الملک ابراهیم خان سرهنگ بلوچ را با قشون مامور کرده
قلعه مزبوره را تصرف و خراب نمودند پاشاخان امین شوری ملقب بامین الملک شد شب ششم ماه صفر

عید

عید مولود همایون را در تمام بلاد ممالک محروسه با شکوهی تمام گرفتند و ترکمانان آنکه گوکلان و یموت از بیم هجوم و
باس سپاه منصور بچمن کالپوش نزد جناب سپهسالار آمده طلب عفو و تقبل ادای مالیات پس افتاده خود را نمودند
صندوق عدالت حسب الامر وضع و در مبدا ارک آن قرار دادند که هر کس عریضه بحضور همایون دارد در آن صندوق بیندازد
خانعلیخان سرتیپ بحکومت درجزین و سرتیپی فوج مخبران قراگوزلو سرافراز شدند در تبریز بقاع متبرکه را مرمت نمودند
میرزا احمد ابن مرحوم میرزا عبدالکریم شیخ الاسلام بشیخ الاسلامی دار الخلافه منصوب گشت محمد حسنخان پیشخدمت
خاصه بحکومت گلپایگان و خوانسار برقرار آمد جناب سپهسالار با سرداران و سپاه ظفر همراه مشغول نظم حدود استرآباد
و تنبیه ترکمان هستند و فتوحات نمایان کرده اند آقا رجب بمنصب خدمت داری البسه خاصه سرافراز گردید عبدالعلیخان
ادیب الملک پیشخدمت خاصه بنیابت وزارت علیه عظمی مفتخر آمد راه مازندران که مسیو گاستیگر مهندس نمساوی مشغول
ساختن آن بود باتمام رسید موکب همایون در ماه ربیع الثانی تشریف فرمای صفحات لجور و سواحل بحر خزر شدند و
در مراجعت از راه کلاردشت که راه مسیو گاستیگر آنجا منقطع میشد بقطع منازل نموده در هشتم ماه جمادی الاولی بسلطنت
آباد نزول اجلال فرمودند دریاچه در میدان توپخانه قدیم حسب الامر ساخته شد که همیشه چند سنگ آب از عمارات سلطنتی
خارج و داخل دریاچه شده بسایر محلات شهر میرود و تمام فضای این میدان حسب الامر غرس اشجار و گلکاری میشود
یک حلقه انگشتری الماس بیلیان بسیار گرانبها برای جناب سپهسالار انفاذ استرآباد فرمودند میرزا مصطفی خان بهاء
الملک بوزارت دیوان عدالت منصوب گردید میرزا مصطفی وکیل لشکر بیکقطعه نشان از درجه سرتیپی سرافراز گردید جناب محمود
خان ناصر الملک وزیر مختار مقیم لندن موقتا اجازه شرفیابی دربار همایون حاصل نموده میرزا سلیمانخان مستشار
سفارت پاریس باسم شارژدافری مقیم پاریس و بنده مؤلف بمنصب نیابت دویم سفارتخانه دولت علیه مقیم دربار
دولت فرانسه خواهد بود سیم تلگرافی از طهران باسترآباد کشیده شد نواب ملک آرا بحکومت بروجرد و هوشنگ
میرزا پسر نواب معزی الیه بنیابت حکومت رفت میرزا یوسفخان کارپرداز دولت علیه در حاجی ترخان بیکقطعه نشان
از درجه دویم سرتیپی و حمایل مخصوص آن سرافراز شد عزیزخان سردار کل پیشکار آذربایجان در جزو کاوکان که از بلوکات
مراغه است اردوئی مرکب از شش هزار نفر سرباز تشکیل داده که هر روزه مشغول تعلیم و مشق هستند حضرت شاهنشاهزاده
والا ولیعهد ادام الله اقباله العالی هم در اردوی مزبور تشریف فرما هستند یکثوب عبای نظامی سردوشی بقچه مروارید
از ملابس تن پوش مبارک بافتخار سردار کل انفاذ شد بعد از آنکه تمام حدود استرآباد مصفا گردید جناب سپهسالار
بدار الخلافه باهره معاودت نموده شرفیاب حضور خاکپای مبارک گشتند باعطای یکقطعه نشان اقدس مکلل بالماس با
حمایل آن سربلند و مخاطب بخطاب سپهسالار اعظم گردیدند چون اغلب خطوط تلگرافی ممتد شده از بندر بوشهر الی سرحد
خانقین بمعیت استادی مهجر شاپمین و سایر صاحب منصبان انگلیسی باتمام رسیده و بهم وصل شده قرار دادنامه مشتمل
بچهار فصل بتاریخ شهر جمادی الثانیه بامضای وزارت علوم و سفارت انگلیس بین الطرفین مبادله شده که صورت آن
در ذیل جلد سیم مرآت البلدان موسوم بمآثر السلطان نگارش یافته است حضرت شاهنشاهزاده اعظم والا یمین الدوله
حکمران فارس بیکقطعه کلگی مرصع بالماس بلیان مفتخر و در نظام بمنصب و نشان سرهنگی مخصوص میرزا محمد قوام
الدوله پیشکار حضرت معظم الیه بخطاب و لقب جنابی سرافراز آمد میرزا عبدالوهاب مستوفی گیلان بمنصب
استیفای دیوان همایون برقرار آمد میرزا مسیح وزیر مازندران باعطای یکقطعه نشان سرتیپی با حمایل آن مباهی
گشت قنات سابق بهبهانی که شهر را مشروب میداشت و چندی بایر و خراب شده بود به تنخواه دولتی دایر و جاری

شد بتاریخ بیست و چهارم شوال رای صوابنمای ملوکانه بعضی تغییرات در امورات دولتی داده که حاصل آن استحکام
وزارتخانهای ثلاثه عسکریه و مالیه و خارجه بعلاوه تفویض مشاغل دولتی که راجع بنفس نفیس همایون بود بعهده
کفایت و کفایت جناب سپهسالار اعظم بود و دستخطی آفتاب نمط که حاوی این مطالب بود شرف صدور یافت و یکثوب
جبه ترمه دوز و مروارید و شمشیر مرصع بجناب میرزا محمدخان سپهسالار اعظم مرحمت فرمودند و جناب مستوفی الممالک و جناب
وزیر امور خارجه نیز هر یک باعطای یکثوب جبه ترمه شمسه مرصع و یک قبضه شمشیر مکلل بالماس اختصاص یافتند
حضرت شاهنشاهزاده اجل والاجلال الدوله را از حکومت اصفهان احضار و بحکمرانی مملکت خراسان برقرار فرمودند
و نواب مؤید الدوله بکارگذاری مملکت خراسان مامور گردید حاجی رحیمخان صندوقدار باعطای یکقطعه نشان
تمثال همایون سرافراز گردید میرزا فتحعلیخان صاحبدیوان که از اجله چاکران آستان دولت جاوید آیت است بحکومت عربستان
برقرار گردید چراغعلیخان سراج الملک بریاست احتساب دار الخلافه مامور آمد میرزا حسن لشکرنویس بمستوفی گری
نظام سرافراز شد سررشته داری کل معاملات خراسان را بعهدهٔ کفایت حاجی میرزا محمد رضا مستوفی دیوان اعلی
واگذار فرمودند میرزا اسحق از اجزای وزارت خارجه باعطای لقب خانی و منصب کارپردازی حاجی ترخان سرافراز
شد میرزا اسدالله خان نایب الحکومه ملایر و تویسرکان بنیابت سیم وزارت علوم و خطاب معتمد الخاقانی مخاطب
گشت (چین) پرنس کنک از اقوام سلطنت که سمت صدارت داشت در مدت شش ماه معزول میگردد یاغیگری سخت
در سمت شمال چین قلعه تاکو که عساکر انگلیس و فرانسه که بخسارت جلیل نگاهداشته بودند تخلیه میکنند (ژاپن) سفرای انگلیس
و فرانسه و هلاند و اتازونی بطیقون اصرار مینمایند که امضای عهدنامه که ده سال قبل از این دول مذکوره با ژاپن
بسته اند از میکادو پادشاه حقیقی و روحانی مطالبه نماید و چون تهدید ثمری نبخشید سفرای مزبوره با سفاین جنگی
خودشان بندر اوزاکا را معسکر قرار داده بزور اسلحه امضای عهدنامه مذکوره را مطالبه نمودند طیقون جمعی از نجبای
اهل بلد را که از محارم میکادو و مانع امضای عهدنامه بودند گرفته حبس نمود تا امضای عهدنامه مزبوره را گرفت و
بعد از گرفتن آن سفرای دول مراجعت بسفارتخانهای خود نمودند اروپا (اسپانیول) بی پولی دولت در نهایت
شدت استقراض اجباری از رعیت که سبب کدورت رعایا شده است ملکه سه قسمت از چهار قسمت املاک خالصه
خود را بملت واگذار میکند که بفروش برسانند و حاصل آنرا بقرض عمومی بدهند شورش در مادرید و در ایالت والانسی
جلای وطن دادن ژنرال پریم و دوباره اورا احضار کردن مسافرت ملکه در ایالات شمالی و خوب پذیرفتن
رعیت او را و وبای سخت در جزیره مادرید (المان) دولتین اطریش و پروس بواسطه تصرف ایالتین اشلسویک و
هلستین که تازه از دانمارک گرفته اند با یکدیگر در مقام منازعه هستند پروس خیال دارد که تماما را خود متصرف
شود اطریش بواسطه بعد مسافت از مملکت خود چون نمیتواند تصرف کند باین خیال است که ایالتین مذکورتین را یکی
از دول مستقله المان محسوب دارد پرنس فردریک شارل و ژنرال مالتکه از طرف دولت پروس برای قرار و مدار این
فقره بوین پای تخت اطریش میروند کیل که یکی از بنادر ایالتین مذکورتین است بندر نظامی پروس میشود مسیو بیزمارک
و ژنرال رون در مجلس شورای پروس بطور صراحت میگویند باید کیل در تصرف دولت پروس باشد و حفظ حدود
و ثغور دولت المان دولت پروس از این سمت بنماید و دولت پروس را قصد این است حاصلی که از دانمارک بالشراکه با اطریش برده
بتمامه خود متصرف شود و چون دولت اطریش تمکین باینمسئله نمیکند پروس حاضر می بیند که با او جنگ کند بعد از وساطت
و میانجیگری دول ساکس و باویر و غیرهما عهدنامه کاستین منعقد میشود و در سالسبورک سلاطین اطریش و پروس

بایکدیگر

باایکدیگر ملاقات نموده مقرر داشتند که ایالتین را باین قسم تقسیم کنند ایالت اسلشویک تمام از پروس و هلستن از
اطریش باشد فی الواقع بعد از این تقسیم منافع کلیه از دولتین پروس برده مسیو بیزمارک ملقب بکنت شد (کنت بیزمارک)
و بفرانسه سفر کرده با ناپلیون سیم ملاقات نمود (انگلیس) در مجلس پارلمنت بدولت تکلیف میکنند که مداخله در امور
فرنک و بیکی دنیا هیچ و جبر نکند ازدیاد عده سفاین جنگی انگلیس مختصر شورشی در ارلند مال مرکی در انگلیس بطور سخت کرد از سمت
روسیه و مجارستان سرایت کرده است بین زراعت را اغلب نقاط بروز طایفه فنیان در ارلند که بیزارلکو نیستها و با
باشد حبس اکثری از ایشان و قتل بعضی فوت لرد پالمرستن صدر اعظم در سنه هشتاد سالگی صدارت لرد روسل در سنه
هفتاد و سه سالگی وزارت امور خارجه لرد کلارندن وحشت دولت انگلیس که مبادا کانادا که از متصرفات او است در
بنگی بنا براو بشورند شورش سیاپوستان در ژامایک متصرفی انگلیس حبس و قتل اغلب از سیاهها ایجاد چراغ گاز
در کوچه‌ها بمبئی جنگ در ایالت یونان هند شورش مردم در نول زیلاند امّا ملکه جزایر ساندویچ مسافرت بانگلیس
مینماید (ایطالیا) تغییر پای تخت و نقل از تورن بفلورانس جنگی سبب که در شاهالی تورن شده است افتتاح راه
آهن که از تورن مستقیما به بندر برند بزی میرود ندبروزو با در طرف شرقی و جنوبی ایطالیا (پرتوغال) ایجاد
اکسپوزیسیون عمومی در اپرتو یکی از شهرها (بلژیک) مابین وزیر جنگ و یکی از وکلا بر سر مسئله اختلاف شده
کار بجنگ طپانچه رسیده دولت هر دو را بحبس و قید و جریمه تنبیه مینماید ناخوشی سخت لئوپلد پادشاه و فوت
او در سنه هفتاد و پنج سالگی جلوس لئوپلد دوم پسرش در سنه سی سالگی بروز ناخوشی طیفوس بطور وبائی
و شیوع در این مملکت و سرایتش از هلاند (دانمارک) ملاقات سلاطین دانمارک و سوید با یکدیگر اهالی دانمارک
بپادشاه سوئد انطور که باید و شاید مهربانی نمیکنند وجهه کمک نکردن در جنگ اطریش و پروس است (روس) شورش
لهستان مبدل بنظم کردیده و از آن بعد جمیع امورات که راجع بلهستان است تماماً بدون غیره بجای اینکه مثل سابق در ورشو
مجلس معینه برای تحقیق و اجرای آن مطالب باشد در پطرزبورغ مرکز دولت روس خواهد بود مسافرت امپراطریس به
نیس بندر فرانسه و فوت نگراند وک نیکلا پسر امپراطور که ولیعهد دولت بود در سنه بیست و سه سالگی
در این بند فتوحات عساکر روس در سمت خوقند که جزء پای تخت خان خوقند سایر ایالات او را بحیطه تصرف در آورده اند
فتح تاشکند و سمرقند هنا عساکر روس با امیر بخارا مراوده تلگرافی از تفلیس بایران و نخجوان بروز زنبی هیئت و بانی
در سمت سیبری بروز وبا در سمت جنوب قفقاز (عثمانی) شورای خاص از وزرا که در هر هفته یکبار در حضور
اجزای این شورا ده
سلطان حاضر شوند بروز وبا بواسطه ورود زوار مکه در تمام ممالک عثمانی و سرایتش از راه بغداد بایران فقط در
اسلامبول در ظرف هفتاد روز سی و پنجهزار نفر تلف میشوند و بواسطه باهمین دو هزار و پانصد خانه طعمه آتش میشود
والی منتنگرو بوین سفر نموده دوستی دولت اطریش را برای خود مطلبند (فرانسه) طبع جلد اول از تاریخ ژول سزار
تالیفات ناپلیون امپراطور فرانسه امیل اولیویه که یکی از وکلای دست چپ بر ضد دولت بود مایل بطرف
دولت میشود گفتگوی سخت مسیو طیر در مجلس پارلمنت بر ضد دولت که چرا حمایت از ایطالیا نمود فروش قسمتهای
از جنگلهای فرانسه که متعلق بدولت بود خیال دولت در ایجاد یک اکسپوزیسیون برای دو سال بعد مسافرت امپراطور
بالجزایر و نیابت سلطنت امپراطریس در غیاب او ورود امیر عبد القادر والی سابق الجزایر که در شامات مسکن داشت
بمملکت فرانسه مسافرت امپراطور بالجزایر چهل روز طول کشید مسافرت امپراطور و امپراطریس بنوبیس ملاقات خانواده
سلاطین فرانسه و اسپانیا در سنت سباستین ملاقات پادشاه پرتوغال و اعلیحضرت امپراطور در پاریس (یونان)

یکی

یکی از اعمام پادشاه پرنس ژول بواسطه بد رفتاری که با ملت کرده بود دولت او را از پای تخت جلای وطن نمود
تغییر و تبدیل وزرا حاصل گردید دول فرنگ یونان را تهدید کردند که اگر اینفقره را ترک نکند در امور داخله او مداخله خواهند
کرد ایجاد اول کلیسای کاتولیکی در پای تخت **افریقا** صدمه و اذیت بسبب تسلط طایفه یهود در مملکت مراکش شورش
سخت در ماداگاسکار تئودروس پادشاه حبشه کاپیتن کامرن قونسول انگلیس و جمعی از تبعه انگلیس را که در حبشه بودند
محبوس و مغلول مینماید **امریکا** (اتازونی) برقرار بودن جنگ مابین ایالات جنوبی و شمالی بهم نقار و جنگ با دولت انگلیس
فتوحات ژنرال گراند سردار ایالات شمال و تسخیر اغلب ایالات و قلعه جات جنوبی لنکلن رئیس جمهوری در چهاردهم ماه
آوریل که تقریبا بیست و دو روز از عید نوروز گذشته باشد در یکی از تماشاخانه‌ها واشنگتن پای تخت بدست یکنفر
از بازیگرهای سابق تماشاخانه کشته شد همدستان او نیز میبایست در همین حین ژنرال گراند سردار کل را بقتل رسانند ولی
مجال نکردند تا آلم و افسوس جمیع مردمان آبرومند چه در ینگی دنیا چه در فرنگستان از اینفقره ژانسن که در عنفوان جوانی
بصنعت خیاطت مشهور بود رئیس شد جنگ سخت بین الطرفین بدست آوردن ژفرسن دیویس رئیس ایالات جنوبی که
یاغی بر ایالات شمالی شده بودند شناختن دولت اتازونی ماکسیمیلین برادر امپراطور اطریش را بامپراطوری مکزیک
اتمام جنگ بین ایالات جنوبی و شمالی مرخص کردن لشکر بری و بحری ایالات شمالی در این مدت جنگ چه از صدمه جنگ و چه از
امراض مختلفه سیصد و بیست و پنجهزار نفر آدم بکشتن داده بودند منازعه مابین سیاهها و سفیدها در اغلب از نقاط
باغوای بعضی اشرار حبس و قید شدید ژفرسن دیویس رئیس ایالات جنوبی نقار دولت اتازونی با انگلیس بواسطه اعانتهائی
که با ایالات جنوبی شده است (برزیل) اتحاد دولت برزیل و جمهوری اوروگای بر ضد لوپز رئیس جمهوری پاراگای که این
ضدیت ابتدای جنگ پنجساله است جنگ سخت بین الطرفین امپراطور برزیل داماد خود کنت دُئو نوه لوی فلیپ پادشاه
سابق فرانسه را سردار کل مینماید شورش اهالی مملکت پرو بر رئیس خود و عزل او و جنگ اینها و دولت اسپانیا اتحاد اغلبی از
اهالی ینگی دنیای جنوبی بر ضد اسپانیول (مکزیک) ایجاد نشانی موسوم بعقاب مکزیک ایجاد بلجیکیسته قشون داوطلب
اطریشی و بلجیکیسته قشون داوطلب بلژیکی در مکزیک جنگ هواخواهان ژوارس رئیس جمهوری سابق مکزیک با امپراطور مکزیک
در اغلب نقاط ژوارس اعلان رسمی میکند و خود را همیشه رئیس جمهوری میداند و وضع سلطنتی مکزیک را قبول ندارد تا
آنکه تمام ملت بدون استثنا تصدیق وضع سلطنتی او را بنمایند مالیات مکزیک در اینسال صد و دوازده ملیان فرانک که
معادل بیست و دو کرور و دویست هزار تومان پول ایران باشد بوده و مخارج دویست و بیست و پنج ملیان که معادل چهل
و پنج کرور تومان ایران باشد دولت اتازونی وساطت فرانسه را بهیچوجه قبول نمیکند که وضع سلطنتی را در مکزیک بشناسد
(ینگی دنیای مرکزی) شورش سخت در سانسالوادور و هندوراس

سنه ۱۲۸۲ هجری — سنه ۱۸۶۵ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال نیز تعزیه خوانی در تکیه مبارکه سلطنت آباد شد چون بازار اکسپوزیسیون در بندر
بمبئی افتتاح می یابد از دولت علیه در این باب استمداد مینمایند ولیعهد دولت روس انتقال نموده و بواسطه تلگراف
اعلیحضرت همایون اعلیحضرت امپراطور روس را تسلیت گفته و از جانب اعلیحضرت امپراطور جوابهای مودت آمیز
اظهار شد به قفسهای طیور و وحوش که برای تعلیم و تعلم علوم طبیعی در باغ لاله زار ساخته بودند افزوده و در نفی
دارد پانصد نفر سوار ترکمن مروی بعزم دستبرد حدود خراسان آمده قشون ظفرنمون ساخلوی آنجا و دنبال آنها را
تا تجار رود هرات تعاقب کرده و همگی از بیم جان با آب بجهه غرق شده آنچه غارت کرده بودند و از خود نیز داشتند

بنصرت عساکر منصوره در آمده در نصرت آباد کرمان زلزله شدید شد قلعه قدیم آنجا را منهدم ساخت ولی قلعه جدید البنا
بر زلزله که دارد محفوظ مانده است موکب همایون روز بیست و پنجم محرم چون هوای این صفحات گرم شده بود بطرف لار و
نیریز و کوه انهامر فرمودند نواب عضد الدوله را بحکومت قزوین مامور فرمودند میرزا موسی وزیر دار الخلافه در سن هشتاد
و چهار سالگی مرحوم شد این اوقات دستخطی بافتخار جناب سپهسالار اعظم میرزا محمد خان مبنی بر تفویض نظم دار الخلافه و توابع
بجناب معظم الیه شرف صدور یافت چون حاجی قوام الملک متولی باشی مشهد مقدس رضوی در این اوقات مرحوم شد میرزا محمد حسین
عضد الملک که باین خلعت مسبوق بود بمنصب متولی باشیگری آن آستانه متبرکه مفتخر گردید جناب میرزا حسینخان وزیر مختار
مقیم دربار عثمانی را بلقب نبیل مشیر الدوله ملقب فرمودند بتحویلداری وجوه صرف جیب مبارک یحیی خان آجودان مخصوص
مرحمت شد تفنگداری و ریش سفیدی و ریاست خلوت بعلاوه منصب مهرداری باعتماد الملک آقا محمد حسن صندوقدار سابق
اختصاص یافت اسلحه خانه و کتابخانه مبارکه بحاجی رحیمخان صندوقدار حاله سپرده شد تحویلداری و دفتر دولتی مخصوص
آقا علی (امین حضور) پیشخدمت خاصه گردید موکب همایون از فیروزکوه معاودت بنیاد و دان فرمود اعتضاد السلطنه وزیر
علوم بیکقبضه شمشیر مرصع مفتخر گردید بحکومت خوی با سکندرخان سردار مرحمت فرمودند نواب حسام السلطنه مامور
حکمرانی مملکت فارس گردید و حضرت اشرف افخم شاهنشاهزاده والا معز الدوله بجهة عروسی و انجام امر خیر ایشان احضار
بدار الخلافه شدند حاجی محمد قلیخان قاجار بمبادرت حضور همایون مباهی گردید ریش سفیدی عمله خلوت همایون بحاجی محمد
خان حاجب الدوله اختصاص یافت منصب امام جمعه مشهد مقدس را بمیرزا هدایت الله ولد حاجی میرزا عسکری امام جمعه مرحمت محمد
فرمودند جناب سپهسالار اعظم حسب الامر قانونات جدیده در امر نظام مقرر داشت حکومت اردبیل بنواب شاهزاده معین
الدوله واگذار نمودند محمد اسمعیل خان وکیل الملک وزیر کرمان بلقب جلیل سرداری ملقب گردید یحیی خان آجودان مخصوص
حضور باعطای یکقطعه نشان از درجه اول سرتیپی سرافراز آمد میرزا قهرمان مستوفی نظام آذربایجان بلقب مشیر لشکری
مفتخر گردید ملخ زیادی بکرمان آمده اوراق اشجار را بکلی خوردند ولی عجب اینکه درختهای عریان دوباره برگ و شکوفه آوردند
بعد از وضع میدان ارک و طرح حوضی و سبع در آن و غرس درخت و باغ در دو طرف حوض و نصب ستونهای سنگی بفاصله چهار
ذرع جلو باغها و مجر چوبی در فواصل ستونها محض اینکه ساحت چنین میدانی از آمد و شد دواب که حمل اجناس میکنند
مصون باشد حکم شد در جانب شرقی ارک همایون دروازه از خارج صحرا بشهر قرار دهند و خندق شرقی ارک را انباشته
با سطح زمین برابر کنند و خیابانی عریض تا دهنه بازار تشکیل دهند و این اوقات این جمله صورت انجام یافته است جناب
خیر الله افندی وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت عثمانی وارد دار الخلافه باهره گردید مصطفی خان سرتیپ اول که در سفر
ترکمان خدمت کرده بود بمنصب امیر تومانی سرافراز شد نواب شاهزاده عضد الدوله حکمران قزوین بیکقطعه نشان
از درجه دوم سرتیپی نایل گردید محمد صالح خان سرتیپ سیم بسرتیپی دوم سواره برقرار آمد علیخان پسر نظام الدوله
بمنصب سرتیپی سیم مفتخر گردید باحداث قنات و آب جاری در شهر رشت شد میرزا بزرگ خان بکارپردازی بغداد
مامور گردید اعتماد السلطنه حاجی علیخان را بوزارت موقوفات و وظایف سرافراز و منصوب فرمودند محمد ابراهیم خان
سهام الملک بسرتیپی اول مفتخر گردید یوسفخان سرتیپ اول که در سفر ترکمان خدمت کرده بود ملقب بشجاع الدوله
شده باعطای نشان و حمایل سرتیپی اول مباهی آمد محمد حسنخان سرهنگ فوج کلهر بمنصب سرتیپی سیم نایل شد
احمد میرزا پسر تیمور میرزا بمنصب نایب آجودانی مرتبه دویم مفتخر گشته در طوایف اکراد در عراق زنی مولودی آورد که
دارای دو سر و چهار دست و سایر اعضا بقاعده خلقت بود جناب مسیو لکونت دماسیناک وزیر مختار دولت فرانسه مامور

... شد در دربار ایران وارد دار الخلافه گردید مجلس تحقیق دیوان نظام برپاست نواب معزالدوله بهرام میرزا برقرار شد
عسکرخان که در لوازم مهمانداری سفرای دول پیوسته مراقبت نموده با عطای نشان سرتیپی از درجه سیم با حمایل آن
سرافراز شد میرزا صادقخان کارگذار خارجه استراباد بیکقطعه نشان از درجه سیم سرتیپی و حمایل آن نایل گردید
حسینخان پسر جناب سپهسالار اعظم بنیابت جناب معظم برپاست توپخانه مبارکه مفتخر آمد حاجی میرزا یحیی خان نایب الحکومه
بلده نور و کجور با عطای یکقطعه نشان سیم سرتیپی مباهی گردید میرزا علیخان پسر مرحوم میرزا حسنخان بمنصب سرهنگی
توپخانه مبارکه برقرار آمد در ماه شعبان از متعلمین مدرسه دار الفنون امتحانی مفصل نموده بهر یک از رؤسا و معلمین
و شاگردان بلد مناسب و امتیازات سرتیپی و سرهنگی و خلعت و نشان و اضافه مواجب فرمودند عین الملک خوانسالار
بمنصب سرداری قشون مازندران و استراباد و گیلان سرافراز شد حسینخان شهاب الملک بمنصب امیرتومانی قرین افتخار
آمد میرزا ... الله منشی اول و نایب دویم سفارت پاریس با عطای یکقطعه نشان سرهنگی از درجه دویم سرافراز شد
مصطفی قلیخان از عرب غلام پیشخدمت بنیابت اردستان برقرار گشت در راه کرمان بنای رباطات جدیده و تعمیر رباطات قدیمه
را کردند مساجد و مدارس و سایر ابنیه همدان و شوشتر و غیره را مرمت کامل نمودند نواب والا عبدالصمد میرزا عز
الدوله بحکومت همدان منصوب فرمودند و میرزا زکی مستوفی بوزارت اینولایت برقرار آمد جناب حسنعلیخان وزیر مختار
و ایلچی مخصوص مقیم دربار فرانسه با عطای یکقبضه قمه مرصع سرافراز شده بایران مراجعت کرد نصرالله خان
زنبورکچی باشی بسرتیپی سیم برقرار گشت و میرزا نقی لشکرنویس نفرشی بمنصب لشکرنویسباشیگری خراسان مامور آمد
اللهویردیخان بمنصب سرتیپی اول توپخانه مبارکه نایل گردید محمدخان حاکم یزد بیکقطعه نشان از درجه سرتیپی با حمایل آن
سرافراز شد اکبرخان سرهنگ فوج نهاوندی بمنصب سرتیپی از درجه سیم مفتخر گردید میرزا علی نفرشی بمنصب لشکرنویسی
نایل گشت شب چهارشنبه سیم ذیقعدة الحرام پنج ساعت از شب گذشته آفتاب از برج حوت بحمل تحویل نموده مراسم جشن
و سلام عید در حضور همایون بعمل آمد چون حضرت اشرف امجد شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه در تحصیل فنون
نظامی بکمال رسیدند بیکقطعه نشان از درجه سرتیپی اول و حمایل مخصوص آن اختصاص یافته منصب جلیل کشیکچی باشی
کری را بمحمد میرزا پسر محمد مهدیخان مفوض فرمودند و مصطفی خان امیرتومان بنیابت کشیکخانه مبارکه مقرر گردید
میرزا نقی پسر میرزا مصطفی وکیل لشکر بمنصب لشکرنویسی سرافراز شد ایوان طلای ناصری که در روضه مقدسه رضویه
سلام الله علیه حسب الامر بنا کرده و باهتمام عضد الملک متولیباشی زیور اتمام یافته معزی الیه را بازای اینخدمت مبارک
با عطای یکقبضه عصای مرصع مفتخر فرمودند محمودخان پسر میرزا فضل الله وزیر نظام بمنصب سرتیپی از درجه سیم
سرافراز شد محمدباقرخان سرتیپ سیم ولد محمدخان امیرتومان بسرتیپی دویم سرافراز گردید حسینقلیخان سرتیپ
توپخانه بیکقطعه نشان و حمایل سرتیپی دویم نایل آمد موکب همایون در اواخر شهر ذیقعدة الحرام عزیمت سفر مازندران
نموده روز عید اضحی در شهرستانک نزول اجلال فرمود و از آنجا بساحات و نقاط مازندران تشریف فرما شده
بعد بفرح آباد و بندر میانکاله و کنار دریا تشریف برده سفاین و مامورین دولت روس که از طرف محض احترام
و تعظیم ذات همایون پادشاهی در بندر و کنار دریا حاضر شده بودند بحضور همایونی مشرف شده درباره هریک از آنها بذل
مرحمت و اعطای نشان علی قدر مراتبهم فرمودند و اعتماد السلطنه از طرف دولت ضیافت شایانی از آنها نمود
بالجمله موکب همایون تا آخر امسال تشریف فرمای ساحات مازندران بود (چین) سختیها باعیان بیان فوق العاده
فرمانفرمای ژاپن که با فرنگیها عداوت داشت ... معتقد کاتولیکی بتوسط فرانسه ها در پکن پای تخت (ژاپن)

بازشدن بنادر اساکا و هیگ برای اهالی خارجه بموجب عهدنامه‌ها مأمورین دولت فرانسه را در یدو پای تخت در کمال
احترام پذیرفتند قرارنامه ایندولت با دول انکلیس و فرانسه و اتازونی و ینکی دنیا درباب منع صدی پنج از قیمت اجناس
وارده مانند آنها بژاپن و درباب تعیین نرخ مسکوکات دولتی بوده و تعیین حقوق اهالی ژاپن در دول خارجه معامله
تجارتی با ایطالیا جنک داخله نقار مابین دایموسها که عبارت از اعیان و نجبای مملکت باشد جنک مابین طبقه پادشاه
جنطلمن و شاهزاده شواچو فوت طبقون و برقرار شدن شاهزاده متباشی بجای او زلزله و طغیان دریوکوهوما
اسپانیا (اسپانیول) شورش در اغلب افواج نظامی علی الخصوص در افواج سواره ساحلو آرآن ژواژ پناه بردن ژنرال
پریم که محرک شورش بود بفرانسه فرار او بمملکت پرتوغال شورش سخت در مادرید پای تخت ایندولت در تابستان زخم برداشتن
نارواییز از رجال دولت که در مقام اطفاء نایرهٔ شر برآمده بود شورش و انقلاب بعضی نقاط جزیره کوبا افتتاح راه
آهن از شهر مادرید بشهر کردو و امتداد خط راه آهن از مادرید بلیزبن پای تخت پرتوغال حبس مارشال سرانو (آلمان)
بنابر عهدنامه گاستین دولت پروس حکمرانی ایالت شلسویک و دولت اطریش حکمرانی ایالت هلستین را برعهده میگیرد ابتدای
نقار مابین دولتین اطریش و پروس بهمین فقره در شورای خاصه مملکت پروس حکم بتدارک و تهیه جنک میشود بالاخره دولت
پروس بالصراحه میل خود را در تصرف ایالتین بدون شراکت اطریش آشکار امیسازد دولت اطریش هم آشکارا تهیه جنک می‌بیند
دولتین باویر و ساکس میخواهند طرفه دولت پروس را منظور دارند اتحاد مخفی دولت ایطالیا با دولت پروس بر ضد اطریش
شورش و انقلاب ونیز که آنوقت متعلق بدولت اطریش بود میل اهالی ونیز آنست که جزو ایطالیا شوند دولت ایطالیا
نیز معجلا تهیه جنک می‌بیند ورود ژنرال مانتوفل سردار پروس با عساکر آن دولت بایالت هلستین که متعلق باطریش بود
ابتدای جنک دولت پروس با دول ساکس و هانور و دولت اطریش ورود قشون پروس بپای تخت هانور و ساکس در
تابستان دولت اطریش بسرداری بندک سیصد و شصت هزار قشون در مقابل پروس دارد دول باویر و ورتنبرک که
متعهد کمک باطریش شده بودند از جای خود حرکت نمیکنند ورود قشون پروس بسرداری ولیعهد پروس فردریک
شارل برادرزاده پادشاه پروس بوهم خاک اطریش سرداری کل قشون را پادشاه پروس کلیوم شخصه قبول
مینماید از طرف دیکر دولت ایطالیا بسرداری خود پادشاه ایطالیا در سرحدات شمالی ایطالیا اردو میزنند
منازعه قشون ایطالیا با ارشدوک البرت سردار اطریش و شکست قشون ایطالیا لیکن سردار اطریش بعد از این فتح
بواسطه جنکی که پروس میکند جرات ورود بخاک ایطالیا را نمینماید جنک سخت مابین عساکر پروس و اطریش در بوهم دوبوم
مقتول شدن جمعیت زیادی از قشون اطریش بواسطه تفنک سوزنی جدید که عساکر پروس بدان مسلح و در استعمال
آن مسلط بودند فتح نمایان قشون پروس بعد از جنک سخت در سادووا در این جنک از طرفین دویست هزار نفر مقتول
میشوند قشون اطریش فرارا بطرف وینه پای تخت میرود در این بین بتوسط ناپلیون سیم امپراطور فرانسه ایالت ونیز را
اطریش از خود مجزی نموده جزو دولت ایطالیا میشناسد دولت فرانسه مابین دولتین پروس و اطریش میانجی میشود
(انکلیس) اشتداد مال‌المیری در مملکت انکلیس بدرجه که در ظرف مدت یکماه صد و بیست هزار و هفتصد و چهل راس
کاو و کوسفند تلف میشود شورش و انقلاب طایفه فنیان در ارلند افتتاح مجلس پارلمنت انکلیس بعد از فوت پرنس
البرت شوهر پادشاه انکلستان پادشاه معظم الیها تا افتتاح این مجلس در افتتاح مجالس شخصه حضور بهمرسانیده بودند
صدارت و وزارت طایفه توری و ریاست لرد دربی تفویض امور خارجه به لرد استانلی پسر لرد دربی شورش و انقلاب
در شهر لندن و اغلب نقاط ابتیاع صد و پنجاه هزار قبضه تفنک تیر معروف بتفنک شنیدر و بای سحت در لیورپل

ددرمین

و در لندن شورش اهالی فنیان در ایرلند سبب حبس چند هزار نفر میشود (ایطالیا و رومه) قرارداد دولت فرانسه با ایطالیا در باب وجود دو دولت مستقل در آن مملکت که یکی سلطنت پاپ در رومه باشد با حدود معینه و دیگری سلطنت ایطالیا معاهده مخفی ایطالیا با پروس بجهة جنگ با اطریش جنگ در کوستزا با اطریش و شکست ایطالیا در این جنگ جنگ بحری دیگر ایضا با دولت اطریش در لیسا که در این جنگ نیز برای عساکر ایطالیا پیشرفتی نمیباشد و بهمین جهة با وجود فتوحات پروس در سادوا دولت اطریش مضایقه ندارد که ونیز را تسلیم ایطالیا دهد عهدنامه ونیز مابین پروس و ایطالیا و اطریش در پایتخت اینسال منعقد شده بموجب این عهدنامه ونیز با جمیع قلاع آن واگذار با ایطالیا میشود بمال المصالحه بیست و پنج ملیان فرانک که معادل پنجاه کرور تومان ایران باشد (بلژیک) اهالی بلژیک کمال وحشت را از عظمت و شوکت پروس دارند و از این میترسند که فرانسه نیز بواسطه هم چشمی با پروس در مقام توسعه مملکت خود برآید و بلژیک را ملحق بمملکت خود نماید (دانمارک) ازدواج پرنسس داگمار شاهزاده خانم این مملکت با ولیعهد دولت روس در پایتخت اینسال (روس) تادیب کردن دولت روس کشیشهای کاتولیکی را در لهستان و حرفهای سخت پاپ در اینموقع نسبت بوزیر مختار دولت روس و قطع نمودن وزیر مختار مراوده را با پاپ و عزیمت او از رومه یکی از نجبای دکان روسی موسوم بکاراکزوف بسن بیست و پنج سالگی در شهر سنت پطرزبورغ در بهار قصد قتل امپراطور را مینماید ولی بمقصود خود نرسید مجلسی برای تحقیق این عمل بریاست ژنرال موراویف منعقد و گفتگوهای طولانی میشود و حدس کلی میزنند در شراکت لهستانیها در این عمل اما همدستان و رفقای بسیار از این مقصر بدست میآید که همه کونیستهای روسی میباشند پرنس گاگارین بر پا است مجلس آخری این تحقیق برقرار شده حکم قتل این مقصر صادر و در پانزدهم ماه سپامبر بقتل میرسد حرکت ناگهانی چراکسه و تصرف نمودن آنها سخوم قلعه را جنگ روس با امیر بخارا به بهانه اینکه یکی از سفرای این دولت را نگاه داشته و غلبه دولت روس (سویس) در ژنو از جانب یکصد و شصت هزار نفر عمله مجلسی از وکلا برای بعضی مذاکرات منعقد شده و اغلب اجزای این مجلس اهالی فرانسه و انگلیس هستند و کمتر المان و ایطالیائی این وکلا شکایت از زنها از بابت کار کردن آنها در کارخانه‌ها و مدعیگری آنها با مردها در این باب دارند (عثمانی) شورش طایفه مارنیت در محال ادهن در سمت جنوب شرقی تریبلی بسرداری یوسف کارام داود پاشا حاکم عیسوی لبنان لشکر امدادی زیاد از بیروت گرفته با وجود این نمیتواند این طغیان را رفع نماید یوسف کارام فرار مینماید ولی باز طغیان را محرک است و امداد میدهد و ابتدا پناه بحاکم شام که با داود پاشا عداوتی دارد میبرد ولی بی ثمر است بعد ملتجی بقنسولهای اروپائی میشود آنهم مفید فایده نمیگردد آخر الامر بالجزایر میرود و مدتی در آنجا اقامت میکند در تونس علی بن غذاهم رئیس شورش و طغیان آخری گرفتار و محبوس میشود و مالیات پس افتاده را بزور اسلحه دریافت مینماید خدیو مصر از سلطان عثمانی اجازه حاصل میکند که بعد از او پسرش مستقیما وارث و جانشین او باشد چونکه در دولت عثمانی و خانواده ولاة مصر سلطنت و ولایت با رشد طایفه میرسید نه مستقیما باولاد برقرار شدن مجلس وکلای ملت در مصر تصدیق اعلیحضرت سلطان عثمانی قرارداد آخری خدیو مصر را با کمپانی نهر مجمع البحرین سوئز انعقاد مجالس متعدده در کل ممالک یونان بجهة معاونت بهم وطنان و برادران دینی خود که تبعه عثمانی هستند تکلیف نمودن بر غالکالوژیس که در کرت متولد شده است ریاست قشون را و منع کردن پادشاه یونان او را از قبول این ریاست بجنگ آوردن یاغیان اسلحه متفرقه از راه شامات جزایر قبرس و سبوو مملکت نیز در تزلزل و اضطراب است دولت عثمانی قشون زیادی که اکثر آنها مصری میباشند جمع آوری مینمایند قشون سردار سهیم پاشای مصری یا اسمعیل پاشا حکمران جزیره سفارت بی ثمر مصطفی پاشا حاکم قدیم کاندی از اسلامبول بجهة دلالت یاغیان بصلح و مأموریت همین سفیر بسرکردگی قشون حمایت سفرای مختار فرانسه و انگلیس از

سفیر

سفیر عثمانی در آتن پای تخت یونان وزیر مختار روس مقیم آتن فی الجمله از سفیر مزبور حمایت مینماید سفیر فرانسه موسیو مارکی
دموستیر مقیم دراسلامبول که بعدها وزیر امور خارجه شد مانع اتفاق یونانیها است از اول ماه سپتامبر همه روزه وشبها در بلاد
کاندیا جنگها وخونریزیها میشود چندین هزار خانواده های یونانی بواسطه سفاین روسی وانگلیسی از اوطان خود که خاک عثمانی است
مهاجرت کرده بجزایر وبلاد یونان میروند ودر آنجاها با کمال عسرت تحصیل معاش خود را مینمایند بسیاری نیز بانتظار کشتیها
متحمل گرسنگی وسرمای سخت میشوند جنگ پاسامیر یونانیهای کرت با عثمانی دول انگلیس وفرانسه مایل بحرکات ورفتار یاغیان
نیستند بلکه برضد آنها میباشند کشتی بخار یونانی موسوم بپانهلنین دفعه هفتم است که از میان سفاین عثمانی که دور جزیره را
گرفته گذشته آذوقه وماکولات بیونانیها میرساند اتفاق دولت فرانسه ودولت روس در تعمیر وبرپا نمودن گنبد موسوم
بمقبره حضرت عیسی در اورشلیم بی پولی خزانه عثمانی که بتوسط منافع قروض ششماهه را که باید در ماه ژوییه ادا کنند
از عهده بر نیامدند صدارت محمد رشدی پاشا بجای فؤاد پاشا منعقد شدن مجلس حفظ الصحه در اسلامبول که اجزای
این مجلس از دول خارجه میباشند یکی از تدابیر وقرار دادهای این مجلس این است که حاج در صورتیکه وبا در میان آنها باشد
مراجعت از راه دریا ننمایند بیروزو باد در آسیای عثمانی وسرایت آن باد وباد در تمام مرکز وشمال این اقلیم تا هلاند وبلژیک
وفرانسه وانگلیس رسیدن آن با ناپلئون وجزایر انتیل (فرانسه) در افتتاح مجلس شورای امپراطور وعده میدهد
که بجهة رفع مغایرت مابین فرانسه واتازونی عساکر خود را از مکزیک کلیه احضار نماید در مجلس وکلای دولت پروس که
یکی از وزرا است بالصراحه تکلیف میکند از طرف امپراطور که از برای نظم وآسودگی ملت اقتدار کامل رئیس دولت لازم
است اشتهار اتحاد باطنی پروس وایطالیا با فرانسه برضد دولت اطریش که در عوض دولت پروس از سرحدات المان
که طرف رودخانه رن است بتصرف دولت فرانسه دهد یا اگر دولت فرانسه بلژیک را بخواهد متصرف گردد دولت پروس
وایطالیا بیطرف بوده سکوت کنند بنیدتی که سفیر کبیر فرانسه است در برلن با مسیو بیزمارک صدراعظم ملاقات نموده
برای دولت فرانسه حقی مطالبه میکند وجواب یاس باو میدهند استعفای دروان دولوئیس از وزارت خارجه ونصب
مارکیز موتیه سفیر کبیر دولت فرانسه در اسلامبول بوزارت امور خارجه ناخوشی سخت امپراطور که سه ماه متوالیا بستری
بود مسلح نمودن قشون فرانسه را بتفنگ جدید که مسمی بتفنگ شاسپو است عدد قشون فرانسه را اسما آنچه اعلان
نموده اند دو کرور ودویست وسی ودو هزار ودویست وپنجاه نفر بوده در جنگ مکزیک غیر از قورخانه موجودی
که دولت در جبه خانه های متعدده داشت وجه نقدیکه بمصارف این قشون رسید معادل شش کرور تومان پول ایران
بود جمعیت فرانسه بموجب تعداد نفوس امسال هفتاد وشش کرور ودویست وهفت هزار ونود وچهار نفر بود
بروز وبای سخت در پاریس ودر نقاط دیگر طغیان اغلب رودخانه ها در داخله مملکت وخرابی ساختمانها وورود
سفرای مارک بپاریس شورش سید لولو در الجزایر ملخ خوارگی سخت در الجزایر فوت ماری املی زوجه لوئی فیلیپ پادشاه
سابق فرانسه در انگلیس فوت تولد از معارف رجال دولت صلح رفرمان بواسطه فرانسه وانگلیس درباب علایم مخصوصه
از الوان بیرقها بجهة تکلم در دریا وقبول فوری دول آنرا سیم تلگراف بحری خط مخابره مابین ارلند وترنوو را معتبر
مینماید بنابراین افتتاح سیم تلگراف بحری از دنیای عتیق بدنیای جدید که از نیویورک پای تخت اتازونی در ظرف هشت
ساعت مخابره بپاریس میرسد (هلاند) شورش اهالی شهر امستردام نسبت باجزای حکومتی در اوقات شیوع
ناخوشی وبا مال میری شدید در مرکز اروپا وهلاند وسویس (یونان) اجماع قشون یونان در سرحدات پیروفیسا
سرحدات دولت عثمانی وپرستش دولت عثمانی از مطلب امریکا (اتازونی) تفویض سپهسالاری کل عساکر این دولت

برژنرال

بژنرال گران برقرار بود ژنرال شرمان بمنصب سرداری کل اینده و نفر سردار در جنگ شمالی و جنوبی خدمات نمایان کرده
رئیس ایالات جنوبیه فرسنده و هر که عدالتخانه حکم قتل او را صادر نموده رئیس جمهوری اتازونی از حبس و قتل او گذشته فقط بحبس
نظر و بیرون نرفتن او از شهر مُنْزوی اکتفا نمودند قرض دولت آمریک در اینسال معادل دو هزار و ششصد و چهل کرور تومان ایران است
مراوده موهوشیه ایند دولتین انگلیس نیز با فرانسه هیئت متزلزل است بر خلاف اتحاد اتازونی با دولت روس طغیان سیلها
و در ودخانها (مکزیک) در دیگران که سرحد اتازونی و مکزیک است سرداران جمهوری طلب که هواخواهان ژوارس رئیس جمهوری
سابق مکزیک میباشند اجتماعی کرده از عساکر اتازونی با خود شریک نموده بر ضد ماکسیمیلیان امپراطور معد بار دو دولت دارند
وزیر امور خارجه فرانسه در وین بتوسط سفیر اتازونی از دولت مشارالیها تمنا میکند که دولت اتازونی بطرف بماند و مداخله
در امور مکزیک نکند این تمنای جواب مانده دولت اتازونی تمکین میکند بنابراین نوشته رسمی از طرف وزارت امور خارجه
فرانسه بسفیر فرانسه متوقف در مکزیک فرستاده میشود که از این بعد وجهاً من الوجوه صرف خود مانرا در حمایت ظاهری
دولت مکزیک میدانیم و مجبوریم که عساکری را که بکمک امپراطور ماکسیمیلیان فرستاده بودیم احضار کنیم بعد از انتشار این
خبر در مکزیک سرداران جمهوری طلب قوی دل شده بیشتر از پیشتر در صدد بهم زدن دولت امپراطور ماکسیمیلیان میباشند
و ایالات شمال مملکت بعضی از ایالات مرکزی را بتصرف در میآورند ژنرال دوسردار فرانسه نیز در سمت شمال حمله بآنها میآورد
دولت اتازونی یادداشت رسمی بپاریس میفرستند که اگر فرانسه عساکر خود را کلیةً از مکزیک احضار نمایند و نیز بیطرف خواهد بود
و کمک ظاهری بجمهوری طلبان مکزیک نخواهد نمود قشون مخصوص ماکسیمیلیان که مرکب از اهالی بلژیک و اطریش بودند و عده آن
زیاد نشده در اینمدت خواستند که بعد از رفتن قشون فرانسه مملکت را دارای پیش برند اما جنگ و حملات ایشان بی نتیجه و فایده ماند
امپراطور ماکسیمیلیان از هر جهت خود را بدبخت دیده چنانکه دوستان و هواخواهان او را میکشند و کمک فرانسه با امپراطور و مکزیک
از هر جهت بی ثمر بود و در تمام مکزیک یکمرتبه بنای شورش و بی نظمی شد حتی از خادم و نوکرهای شخصی امپراطور با و شوریدند
(هایتی) دولت جمهوری سنت دومینیک که سابقاً جزو هایتی بود و در سنه هزار و هشتصد و بیست و چهار از هایتی جدا
شده دولت اتازونی تاکنون او را انشناخته در اینسال شناخت یکقسمت از شهر گنا یوو را یاغیان آتش زدند با تفنگهای
شدید دیربت پرنس (برزیل) جنگ مابین برزیل و لوپز رئیس جمهوری پاراگای با کمال شدت است با وجود زیادی قشون برزیل
ژنرال لوپز با نهایت رشادت جنگ کرده جمعیت زیادی از آنها را هلاک میسازد در ریو ژنیرو پای تخت برزیل افتتاح
اکسپوزیسیون صنایع اتحاد شیلی با پرو بر ضد اسپانیا و منجی شدن دول فرانسه و انگلیس در اینفقره

سنه ١٢٨٣ هجری — سنه ١٨٦٦ مسیحی

آسیا (ایران) موکب همایون پس از تفرج و سیر ساحات مازندران از طرف کلاردشت و راه هزارچم عزیمت معاودت
فرموده روز بیست و هشتم محرم تشریف فرمای سلطنت آباد گردیدند نظر بترقی و تکمیل اداره تلگراف ممالک محروسه هر
یک از صاحبمنصبان که در حیل این خدمت بودند از قرار مسطور در ذیل بذل عنایت فرمودند علیقلیخان سرتیپ تلگراف
منصب و نشان و حمایل سرتیپی اول میرزا جعفرخان منصب سرهنگی و نشان و حمایل از این درجه میرزا جوادخان نشان
و حمایل سرهنگی میرزا حیدرعلی یاور تلگراف منصب و نشان و حمایل سرهنگی میرزا فضل الله خان یاور منصب و نشان و حمایل
سرهنگی میرزا حسن حکیم ساسانی ولد مرحوم حکیم قاآنی نشان و حمایل و منصب سرهنگی نصرالله خان یاور منصب و نشان
و حمایل سرهنگی محمد ابراهیمخان ناظم تلگراف منصب و نشان و حمایل سرهنگی بر حسب اراده سنیه در هذه السنه پارس ئیل
سعادت دلیل قرار نظم کارها و طرز اداره مهام دولتی را بوزارتخانهای متعدده داده و کفالت هر شعبه از امور را

بملاحظهٔ لیاقت اشخاص بعهدهٔ یکی از چاکران مجرّب درباری از قرار تفصیل ذیل محوّل و مرجوع فرمودند

تقسیم وزارتخانهها و حکام و ولایات از اینقرار است

وزارت جلیلهٔ ریاست قشون کما فی السابق (اداره والیگری و حکومت این ولایات (خراسان) (سیستان) (استرآباد) (شاهرود و بسطام) (دماوند) (فیروزکوه) (کوه) (جاجرم) (نردین) (خوار) (سمنان) (دامغان) (خدمات مرجوعه و حکومت ولایات مفصله بعهدهٔ سپهسالار اعظم میرزا محمدخان محوّل و مفوّض است

وزارتخانهٔ مالیات و رتق و فتق محاسبات و معاملات دیوانی) (ادارهٔ امور آذربایجان و کردستان و قم و ساوه و زرند) (حساب دفتر دولتی) (اداره رختدارخانه و صندوقخانه و اصطبل خاصه و سایر بیوتات دولتی و دواب دیوانی بعهدهٔ جناب میرزا یوسف مستوفی الممالک مقرر است

(وزارت علوم و صنایع و تجارت) (مدرسه دار الفنون و تلگرافخانهها) (معادن) (روزنامهٔ دولتی و علمی) باسمهخانههای دار الخلافه و ولایات) (کارخانجات) (حکومت ملایر و تویسرکان) بر عهدهٔ اعتضاد السلطنه علیقلی میرزا مفوض و محوّل خواهد بود

وزارت امور خارجه (اداره حکومت کرمانشاهان) (لرستان) (نهاوند) (خرقان) (تذکرهٔ سرحدات) (راهسازی) (حفظ و آسایش ملل مختلفه که رعایای اینه دولت علیه هستند) بعهدهٔ وزیر امور خارجه میرزا سعیدخان است

(وزارت حضور همایون) (اداره حکومت و ولایات مفصله (کاشان) (اصفهان) (فارس) (نطنز) ادارهٔ گمرکخانههای ولایات ممالک محروسه محوّل بامین الدوله فرخ خان خواهد بود

وزارت عدلیه بعهدهٔ حاجی محمد قلیخان محوّل و مفوض است

وزارت دربار بعلاوه ایشیک آقاسی باشیگری (شاهزادگان درباری و ولایات) (علما و سادات دار الخلافه و ولایات) (اعیان و اشراف دار الخلافه و ولایات) (غربا و مهمانان ولایات در دربار) (انتظام امور خادمان حرم و خواجه سرایان) (عملهٔ بنائی) (چاپارخانهها) (مواظبت ساختن عمله دیوانی دار الخلافه) (حکومت جوشقان) (حکومت گلپایگان و خوانسار) بعهدهٔ محمد ناصرخان ظهیر الدوله خواهد بود

(ایلخانیگری خوانین و آقایان قاجار) (دار النظاره) (حکومت و سرداری قشون مازندران) (اداره حکومت قزوین و عربستان) (حکومت محلات) بعهدهٔ اعتضاد الدوله انوشیروان خان که تازه باین لقب سرافراز و ملقب شده است خواهد بود

(طهران و توابع و خالصجات و بلوکات و اجارات و غیره) (حکومت کرمان و عراق و درجزین) (چاپارخانههای راه آذربایجان را بعلاوه وزارت دار الانشا بعهدهٔ دبیر الملک میرزا محمد حسین محوّل و مفوض فرمودند

(وزارت وظایف و اوقاف) (اداره حکومت همدان بر عهدهٔ اعتماد السلطنه حاجی علیخان است

(نظم خزانه و مالیات عایده خزانه) (جمع آوری وجوه مخصوص خزانهٔ اندرون) (وصول مالیات و اقساط) (رسانیدن وجوه براتداران از قرار حواله دیوان) (ضرابخانههای ممالک محروسه) (کالسکهخانه) (زنبورکخانه) (حکومت گیلان و یزد) بعهدهٔ دوستعلیخان معیر الممالک محوّل است

(مهرداری مهر مبارک) (اداره حکومت بروجرد و خمسه) بعلاوه احضار وزرا و رسانیدن اخبار اجابت مسئول الجواب همایون بعهدهٔ امین الملک پاشاخان محوّل است

(دیش

(ریش سفید خلوت) (ریاست تفنگداران سرکاری) کما فی السابق بعهده میرزا هاشم خان امین خلوت رجوع گردید
بپاداش خدمات در راه مازندران محمد علیخان برادر اعتضاد الدوله بمنصب بیگلربیگی گری و میرزا مسیح بمنصب استیفا از درجه
چهارم و خلعت همایون نایل گردیدند حبیب الله خان سرتیپ تکلیف بنشان و حمایل از مرتبه اول سرتیپی مفتخر آمد محمد قلیخان
شاطرباشی بنشان و حمایل از درجه دویم سرتیپی نایل شد تنبیه و تفریق طوایف ترکمن تکه و تخریب محکم و مساکن آنها که در
حدود خراسان مایه فتنه و شر و بی نظمی بودند بمأموریت شهاب الملک امیر تومان سردار قشون خراسان نواب حشمة الدوله
بحکمرانی بروجرد و عربستان منصوب شدند عزیز خان سردار کل بسرداری کل قشون ظفر نمون و وزارت جلیله برقرار گردید
منصب کشیکچی باشیگری مجدداً بمحمد مهدیخان واگذار و مرحمت شد حکومت مملکت خراسان را بعلاوه حکمرانی خوار و سمنان
و دامغان و شاهرود و بسطام و استراباد و سیستان بعهده کفایت جناب سپهسالار موکول فرمودند و بعد از چند
روز جناب معزی الیه روانه محل ماموریت خود گردید بواسطه بروز ناخوشی وبا در تبریز حضرت مستطاب اجل اعظم مظفر الدین
میرزا ولیعهد دولت علیه باردبیل تشریف بردند دهم جمادی الثانیه موکب همایون از ییلاق تشریف فرمای دار الخلافه گردید
مراقبت کلیه امور دار الخلافه را بر عهده جناب آقای مستوفی الممالک موکول فرمودند و بصوابدید جناب معظم جناب علاء الدوله
به بیگلربیگی گری طهران و میرزا عیسی پسر مرحوم میرزا موسی بمتصدیگری کل خالصجات طهران انتخاب نمودند محض ترفیه خلق و
مراعات تجار گمرک بسیاری از اجناس را معاف کردند بعضی نشانها از جانب دولت روس برجال و اکابر ایران دولت موهبت
شد و باجازه اعلیحضرت همایون قبول و زیور پیکر خود نمودند محمد اسمعیل خان وکیل الملک سردار باعطای عصای مرصع
سرافراز و مستقلاً بحکومت کرمان و بلوچستان مفتخر آمد و مرتضی قلیخان سرهنگ فوج ملایر ولد معزی الیه بسرتیپی دو
فوج کرمان نایل گردید حاجی رشید خان بیگدلی بمنصب استیفا از درجه سیم قرین مفاخرت گشت نظر بکثرت مخابرات تلگرافی
داخله و خارجه بنواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم حکم فرمودند که خط سیم دیگر از سرحد بوشهر الی سرحد جلفا بر همان تیرهای
سابق امتداد دهند فوجی مرکب از دویست و پنجاه نفر بتوسط نواب اعتضاد السلطنه از ملایر گرفته و بذوالفقار خان
سرهنگ مهندس سپرده شد که آنها را مشق دهد در این ایام سیم تلگرافی ایران با سیم تلگرافی دولت روس و انگلیس اتصال
یافت نظر باتحاد دولتین علیتین ایران و عثمانی اعلیحضرت سلطان عثمانی این اوقات نشان سلطنتی دولت خود را
که مکلل بالماس میباشد برسم هدیه مصحوب حاجی عصمت افندی مین باشی برای اعلیحضرت شاهنشاهی بیادگار فرستادند بنده
مؤلف بمنصب پیشخدمتی حضور همایون سرافراز شد حکومت استراباد را بنواب حاجی کیومرث میرزای ملک آرا مرحمت فرمودند
چون میرزا ابراهیمخان مظفر الدوله سرتیپ اول در سیستان خدمت کرده بود اورا بمنصب امیر تومانی مفتخر فرمودند
شب پنجشنبه چهاردهم ذیقعدة الحرام ده ساعت و پنجاه دقیقه از شب گذشته آفتاب از برج حوت بحمل تحویل کرد و سلام
خاص و عام تحویل و عید در حضور همایون منعقد شد خشتهای طلا که برای گنبد امامین همامین عسکریین علیهما السلام
حسب الامر همایون ساخته اند در ماه ذیقعده بمأموریت علیرضا خان پیشخدمت خاصه (جناب عضد الملک) حمل بعراق عرب
شد نواب والا محمد تقی میرزا حکمران ولایت خمسه را ملقب برکن الدوله ملقب فرمودند میرزا زکی مستوفی به پیشکاری خمسه
سرافراز شد روز پانزدهم ذیحجة الحرام موکب همایون بعزم سفر سعادت اثر خراسان و زیارت ارض اقدس و سرکشی آن
مملکت از دار الخلافه باهره بعقیدت و شان نیت نقل مکان فرموده روز بیست و سیم روانه مقصد شدند میرزا عیسی
پسر مرحوم میرزا موسی بوزارت دار الخلافه و پیشکاری حضرت اجل افخم والا نایب السلطنه مفتخر گردید وزارت تلگرافخانها
ممالک محروسه بمیرزا محمد قوام الدوله تفویض شد علیقلیخان نایب اول آجودانباشی بمنصب سرتیپی دویم مباهی گردید

خان سرتیپی بنشان و حمایل سرتیپی قرین با افتخار گشت حاجی حسینخان شهاب الملک امیر تومان بیک قطعه نشان امیر تومانی
و حمایل آن سربلند گردید میرزا آقاخان نایب دویم وزارت خارجه با عطای نیابت اول و نشان و حمایل سرتیپی دویم و کفالت
مهام خارجه آذربایجان سرافراز و مأمور شد میرزا محمد علیخان کارپرداز اول دولت علیه مقیم حاجی ترخان با عطای نشان
سرتیپی سیم و حمایل آن مفتخر گشت سید سلطان محمد ملقب بشاهزاده جهان برادر حکمران جزیره کمرود که جزیره ایست نزدیک
بلاد کاسکر واقع در جنب افریقیه بدربار همایون آمده مقارن استسعاد موکب معلی بسفر خراسان بشرفیاب حضور مبارک
و مورد تفقدات گردیده از جانب دولت علیه برای مشار الیه منزل و مخارج منزل معین شد حسنعلیخان وزیر مختار و
ایلچی مخصوص مقیم پاریس و میرزا سلیمانخان شارژدافر و سایر اجزای سفارت احضار بدربار همایون شده میرزا یوسفخان سرتیپ
بسمت شارژدافری مأمور سفارت پاریس گردید و علیخان سرتیپ پسر مرحوم حسینخان نظام الدوله بسمت کارپردازی اول
مأمور اقامت تفلیس شد حاجی محسنخان سرتیپ اول بسمت شارژدافری مأمور سفارت لندن گردید (چین) با وجود ضدیت
علمای مذهب ایجاد مدرسه بجهت تعلیم و تعلم السنه فرنگ در پکن پای تخت (ژاپن) فرستادن برادر طیقون تبس با بیرزنه
سالگی با جمعی از معارف بسمت سفارت در دربار دول فرنگ انعقاد مجلس شوری در آنمملکت اروپا (اسپانول) شورش
ایالت کاتالن و ساراکس ملاقات پادشاه پرتوغال با ملکه (اطریش) ملاقات امپراطور فرانسه با امپراطور اطریش در
سالس بورگ که نتیجه ملاقات اسباب خیال و سوء ظن غریبی برای دولت پروس گردید صدارت مسیو بست شنیدن امپراطور
در اوایل تابستان خبر فوت برادر خود ماکسیمیلین امپراطور مکزیک را که بدست جمهوریان دیگر مکزیک بقتل رسید
ملاقات امپراطور با پادشاه باویر ملاقات امپراطور با پادشاه پروس در مملکت باویر مسافرتش بپاریس و لندن (المان)
دول جنوبی خصوصا باویر مایل برآن اند که وضع قشون خود را بسبک عساکر پروس نمایند و اتحاد معنوی با او پیدا کنند
ساکس و ورتنبرگ هم با باویر در اینمسئله متحد اند و پادشاه پروس را بسمت سرداراعظمی کل عساکر المان اعم از دول شمالی و
جنوبی منتخب نمودند ملاقات پادشاه پروس با پادشاه ساکس در درزد پای تخت پادشاه ساکس افتتاح مجلس پارلمنت کنفدراسیون
شمالی بدست پادشاه پروس بشخصه با حضور جمیع شاهزادگان و بعضی سلاطین و وزرای تمام المان قرنها بود که چنین تجلی از
برای هیچیک از سلاطین المان دست نداده بود دول المان بوحشت اینکه مبادا لوکسامبورگ بدست فرانسه بیفتد بالاتفاق
با پروس سازش باطنی نمودند و این سازش و دوستی باطنی که سالها مخفی بود آشکارا گردید و برای جنگ آتیه با فرانسه که
قریب الظهور میدیدند مدیر و مدبر عساکر پروس ژنرال ملک و ژنرال رون وزیر جنگ بعضی قواعد و قوانین جدیده ایجاد
میکنند عده نفوس دول شمالی که خود را در تحت سلطنت پادشاه پروس قرار داده بودند بسی و شش کرور رسیده است و در
هنگام صلح این سی و شش کرور نفس باید سیصد هزار نفر قشون مستعد آماده داشته باشند (انگلیس) بروز قحط و غلا
در اغلب شهرهای اینمملکت بیتابی و اضطراب اهالی لندن در این فقره تدارک جنگ دیدن دولت انگلیس بر ضد پادشاه
حبشه تادروس که با وجود شورش داخله اینمملکت مصمم مقاتله با عساکر انگلیس است برای تدارک این جنگ معادل ده کرور
تومان ایران استقراض میکنند سیرژ و برنیر سپهسالار اینقشون است تدارکات این جنگ از هر حیثیت کمال اشکال را دارد
زیرا که حمل و نقل آذوقه و قورخانه را بواسطه چهارپایان تا داخله حبشه نمود ورود عبدالعزیز خان سلطان عثمانی
و والی مصر بانگلیس در تابستان (ایطالیا) عروسی دوک داوست پسر دویم پادشاه در سن بیست و دو سالگی و
ازدواج او با یکی از نجبای اهل مملکت (روس) استعفای پرنس دادیان از والی گری ایالت منگرلی و واگذار نمودن حقوق خود را
باعلیحضرت امپراطور روس پرنس گرچاکف بلقب صدارت عظمی ملقب گردید ازدواج دختر گراندوک قسطنطین با پادشاه

مبئی با عطای منصب سرتیپی
دویم و نشان و حمایل قرین
مباهات آمد میرزا معصوم
خان کارپرداز مخصوص دولت
علیه مقیم

یونان بعضی فتوحات در بحار را (عثمانی) بعضی جوانها که از نجبای مملکت بودند در خیال آزادی افتادند که اغلب آنها را دولت
محبوس کرد و جلای وطن داد صدارت عالی پاشا وزارت خارجه فؤاد پاشا ملتزم رکاب اعلیحضرت سلطان که بفرنکستان رفته
بود چهل روز سال شورش بخشی اهالی قندی و حمایت آشکارای دولت یونان از آنها مسافرت عالی پاشای صدر اعظم
بقندی برای استمالت اعیان سرداری عمر پاشا بجهت تدبیر اعیان تفویض لقب خدیوی بوالی مصر عوض سفارتخانه از شهر
سویز شورش اهالی بلغارستان و آرام کردن آنها برداشتن دولت عثمانی قشون خود را از قلعه بلگراد سربستان (فرانسه)
اعلیحضرت امپراطور ناپلیون از برای جذب قلوب اهالی فرانسه بواسطه خبطی که از رجال دولت در مسئله مکزیک بظهور رسیده
بود مسیو امیل الیوی را که یکی از وکلای سنه پیچ بود بسمت خود استمالت داده وعده وزارت باو میدهد آزادی
روزنامه ها در افتتاح مجلس پارلمنت امپراطور در خطبه خود استعداد قشون از وکلای ملت برای حفظ و حراست حدود و
ثغور مملکت فرانسه میطلبید باحتیاط اینکه مبادا دولت مجبور بمنازعه با پروس شود هفتاد هزار قشون علاوه بر معمول حاضر
نمودند و بعد از چندی که اطمینانی حاصل شده مرخص خانه شدند نقار و ضدیت کلی بعضی وکلای ملت با دولت در فقره مکزیک
در مدت شش سالی که دولت قشون بمکزیک فرستاده بود سیصد و شصت ملیان فرانک که معادل هفتاد و دو کرور تومان است ایران
مخارج بیفایده برای دولت بهم رسیده مسیو طیر مخصوصا با کمال تشدد قباحت اعمال دولت را آشکار امینماید افتتاح اکسپوزیسیون
عمومی در پاریس ورود اغلب سلاطین روی زمین سلطان عثمانی بپاریس از برای تماشای اکسپوزیسیون از سلاطینی که بپاریس
و تماشای این اکسپوزیسیون آمدند پادشاه انگلستان و پادشاه اسپانیا و پادشاه ایطالیا بودند هنگام بودن امپراطور
روس در پاریس در سان قشون که ناپلیون امپراطور فرانسه بجهت تشریفات سلاطین حاضر در پاریس که از جمله پادشاه پروس
بود در حوالی پاریس میداد قبل از وصول بمیدان مشق شخصی لهستانی طپانچه بطرف امپراطور روس خالی میکند و اینکه
گلوله باعلیحضرت معظم نخورد رفتن امپراطور ناپلیون بسفارت بمملکت اطریش علت مزاج امپراطور ناپلیون و رفتن ایشان
بیاریتس یکی از بنادر فرانسه بمعالجه شهرت اتحاد باطنی دولت ایطالیا با پروس غلا و تسعیر نان در پاریس و سایر بلاد دیگر
وشکایت و نارضائی مردم از دولت در اغلب نقاط دولت فرانسه بواسطه عظمت پروس کمال تحیر را دارد و در صدد این است
که ایالت لوکسامبورک را که جزو ایالات المان محسوب شده و لیکن سلطنت آنجا با پادشاه هلاند است متصرف کردد و اجرای
اینعمل را برضایت پادشاه هلاند طالب است پادشاه هلاند بحسب ظاهر تمکین نموده اما باطنا پادشاه پروس را از این ماجرا
اطلاع میدهد تغیر سخت پادشاه پروس از این مقدمه و اتحاد دول جنوبی و شمالی المان بیکدیگر بر ضد فرانسه تهیه جنگ
چه از طرف دولت فرانسه و چه از طرف دول المان علی الخصوص پروس (هلاند) وبای سخت در اغلب بلاد (یونان)
تحریک دولت مخفیا و آشکارا اهالی جزیره قندی را بشورش نسبت بدولت عثمانی مسافرت پادشاه بفرنک و ازدواج
با یکی از شاهزاده خانمهای روس امریکا (اتائونی) ابتیاع دولت اتازونی بعضی اراضی را که در حوالی این مملکت
دولت روس متصرف بود کسر عدد قشون بری و بحری نقار و کدورت ظاهری و باطنی با انگلیس بواسطه حمایت از ایالات
جنوبی که یاغی بودند امتداد سیم تلگراف بحری از فلوریدا بجزیره کوبا.

سنه ١٢٨٤ هجری — سنه ١٨٦٧ مسیحی

آسیا (ایران) چنانکه در اواخر سال قبل اشارت شد موکب همایون روز بیست و سیم ذیحجه از دوشان تپه بمنزل
حاجی نون آباد تشریف فرما شدند حضرت شاهنشاهزاده امجد والا نایب السلطنه حکمران دارالخلافه را در عقب
موکب همایون بنیابت سلطنت کبری مخصوص فرمودند جناب آقای مستوفی الممالک بوزارت مالیه و انتظام خزانه و

وصول

وصول و ایصال مالیات برقرار ند و سایر وزارتخانهای جلیله نیز بهمین ترتیبات سابقه. اسامی همراهان این سفر خیریت اثر
نواب مستطاب مهد علیا و جمعی از خادمان حرم جلالت و از شاهزادگان نجام ملک منصور میرزا و سلطان احمد میرزای
عضد الدوله و غیرهما و از وزرا و چاکران بزرگ ملتزم رکاب اعلی جناب فرخ خان امین الدوله و انوشیروانخان اعتضاد
الدوله و حاجی علیخان اعتماد السلطنه و محمد ناصرخان ظهیر الدوله و میرزا محمد حسین دبیر الملک و پاشاخان امین الملک
و جمعی از مستوفیان عظام و امراء کرام و صاحبمنصبان عسکریه و ارباب مناصب خلوت همایون مثل میرزا هاشمخان امین
خلوت و یحیی خان اجودان مخصوص و غیرهم هستند. دوشنبه غره ماه محرم موکب همایون تشریف فرمای لاسجرد گردید
دویم محرم بشهر سمنان شرف ورود ارزانی فرمودند روز پنجم از سمنان انهاض فرموده تشریف فرمای آهوان شدند
روز ششم از آهوان نهضت فرموده بقوشه نزول اجلال نمودند روز هفتم امیرآباد منزلگاه موکب همایون گردید
روز هشتم شهر دامغان بمقدم مبارک مزین آمد روز دهم و یازدهم محرم تشریف فرمای قریه مهمان دوست شدند
روز سیزدهم قریه ده ملا مضرب خیام سلطنت گردید روز چهاردهم ساحت بسطام منزلگاه موکب همایون آمد در این
وقت جهانسوز میرزا بحکومت شاهرود و بسطام منصوب شد میرزا سید کاظم مشرف اصطبل خاصه در بسطام بمنصب
مستوفیگری سرافراز شد روز هفدهم از بسطام بخیرآباد تشریف فرما گردیدند روز هیجدهم قریه ارمیان منزلگاه
موکب اعلی بود روز نوزدهم تشریف فرمای منزل میامی شدند روز بیستم منزل میاندشت مضرب خیام معلی گردید
روز بیست و یکم از میان دشت بمنزل عباس آباد تشریف فرما شدند روز بیست و دویم اسفراین مضرب خیام
اردوی همایون شد روز بیست و سیم بمنزل داورزن نزول اجلال فرمودند روز بیست و پنجم از داورزن بمنزل مهر
توجه فرمودند روز بیست و ششم قریه رییسه منزلگاه موکب همایون گردید روز بیست و هفتم سبزوار بیمن
قدوم ملوکانه مزین آمد جناب سپهسالار حکمران مملکت خراسان از مشهد مقدس تا اینجا موکب اعلی را استقبال
کرد چون ارک شهر سبزوار بیرون و دهو و خرابی بسیار پیدا بود بجناب سپهسالار امر فرمودند که آنرا مرمت نماید
روز غره ماه صفر موکب همایون از سبزوار برباط زعفرانی تشریف فرما گردید دویم صفر از زعفرانی بزمان آباد
توجه فرمودند روز سیم صفر نیشابور بورود موکب منصور مزین شد روز هشتم از نیشابور بقدمگاه تشریف
فرما گردیدند روز یازدهم تشریف فرمای شریف آباد شدند روز دوازدهم بشریف آباد نزول اجلال فرمودند روز
سیزدهم بجانب طرق نهضت فرما شدند در بین راه در محل موسوم به پیه سلام حضرت شاهنشاهزاده اجل والا جلال الدوله
فرمانفرمای مملکت خراسان و حاجی بهاء الدوله و سایر چاکران و اعیان خراسان برسم استقبال بتقبیل رکاب اعلی نایل گردیدند
روز چهاردهم موکب مسعود بمشهد مقدس ورود فرمود و لدی الورود ذات اقدس همایون بزیارت روضه مقدسه رضویه
سلام الله علیه تشرف جسته جقه مبارک را که علامت خاصه سلطنتی است محض احترام پیشکش آستانه مشرفه حضرت
فرمودند منزل خاص و جیقه مبارک در ارک مشهد بود و اردوی معلی در خارج ارک سکنی گرفت و شرح جغرافیا و ابنیه
آثار ارض اقدس مفصلاً در جلد دویم مرآت البلدان موسوم بمآثر السلطان نگارش یافته است روز شانزدهم
خوانین و سرکردگان و صاحبمنصبان خراسانی بتوسط جناب سپهسالار شرفیاب خاکپای فرخنده گردیدند نیز میرزا
مسیح و سایر صاحبمنصبان و سرکردگان مازندرانی بتوسط اعتضاد الدوله شرفیابی حاصل نمودند روز هفدهم
وقت نماز صبح جناب سپهسالار داعی حق را لبیک اجابت گفت و خاطر مهر مظاهر از این جهت متألم گردید از استرآباد
خبر رسید که مراد ملقب بایشان بسمت آق قلعه تاخته و با نواب ملک آرا جنگ درانداخته و جناب حاجی ملا رضای

بالجمله روز بیست و نهم [illegible] آباد تشریف آباد و از آنجا بایوان کیف و از ایوان کیف بقشلاق و از قشلاق بمنزل پاده نهضت ملوکانه فرمودند در آن منزل میرزا علینقی مستوفی و منشی خاصه ملقب بحکیم الممالک گردید روز بیست و نهم بلده نمک نزول اجلال فرمودند م

رئیس العلماء در این جنگ بدرجه شهادت فایز گردیده و خود ملک آرا با معدودی در خانه آدینه خان که از خلۀ متکاران
دولت است متحصن گردیده محمد میرزا پسر نواب معزی الیه زخم گلوله و شمشیر برداشته و چون جمعیت نواب ملک آرا اکثر تراکمه
چند بن هزار نفر از الله پیش رفتن برای او نشده است دو ساعت از شب رفته چاپاری از دار الخلافه رسیده مژده داد که
نواب ملک آرا غالب و تراکمه منهزم و ایشان بتیر خود نواب معظم کشته شده است امیر شاهنواز خان پسر مرحوم سلطان احمد
خان حاکم هرات با عبدالله خان برادرش و چندتن از رؤسای علی کنائی و خزرائی و دیگر طوایف افغان که از راه سیستان
همراهی مظفر الدوله بعزم شرفیابی آستان همایون آمده بودند بتفقدات خسروانه مباهی گردیدند و مبلغی در این روز باهل
استحقاق مشهد سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی بذل و انعام فرمودند و جمعی را بوظیفه و مستمری داخل دفتر کرده دعاگویان
و آسوده نمودند سردار یعقوبخان والی هرات پسر سردار امیر شیر علیخان که بعزم شرفیابی آستان مبارک آمده بود با تمام
بزرگان و اعیان هرات و افغانستان بتوسط ظهیر الدوله بار حضور همایون یافت و عرض پیشکشها نمود حاجی میرزا رضای
مستوفی خراسان بلقب مستشار الملکی و حمایل و نشان از درجه دویم سرتیپی سرافراز شد حاجی محمد باقرخان وکیل طبس
عماد الملک لقب یافت و محمد حسینخان ولد مشار الیه بمنصب سرهنگی نایل گردید روز هیجدهم ربیع الثانی آستان عرش
نشان حضرت رضوی علیه السلام را وداع فرموده موکب معلی تشریف فرمای چمن قهقهه گردید روز نوزدهم بچمنیه
کبلاس نزول اجلال فرمودند نواب پرویز میرزا حاکم سبزوار ملقب به نیر الدوله شده از خاکپای مبارک اجازه انصراف
بمحل حکمرانی خود یافت روز بیستم چمن کوباغ منزلگاه موکب معلی گردید روز بیست و یکم بلده رادکان تشریف فرما
گردیدند روز بیست و سیم از رادکان بمنزل سوها نزول اجلال فرمودند روز بیست و چهارم بعلی آباد که اول خاک
قوچان است تشریف فرما گردیدند روز بیست و پنجم قوچان بورود مسعود خسروانه مزین آمد امیر حسینخان ایلخانی را
شجاع الدوله لقب دادند و بابو الحسنخان پسر مشار الیه شمشیر کلا مرصع مرحمت شد بیست و نهم موکب همایون تشریف
فرمای چمن ایلی گردیدند روز غره ربیع الثانی بمنزل فیض آباد نزول اجلال فرمودند روز دویم ربیع الثانی شهر شیروان
بورود مسعود شاهانه مزین گردید روز سیم منزل عبدآباد مضرب خیام شد روز چهارم بقریه نوده تشریف فرما
شدند روز پنجم ربیع الثانی بلده بجنورد بمقدم مبارک مزین آمد چون تنبیه و تدمیر تراکمه طاغیه یموت که از آن
مکنون خاطر همایون بود از اینجا جعفرقلیخان سهام الدوله ایلخانی را با جمعی قشون ظفر نمون و سواره خراسانی
وغیره را مامور باین خدمت فرمودند روز هشتم موکب فیروز از بجنورد تشریف فرمای فیروزه گردیدند و نهم
از فیروزه بچهار بید نزول اجلال فرمودند روز دهم چهارده سنخاص مضرب خیام معلی گردید در غالب نقاط خط این راه مقرر
شد قراولخانه ها و قلعجات بنا نمایند روز یازدهم موکب معلی بجاجرم تشریف فرما گردیدند روز سیزدهم از جاجرم بقریه
ابور وده تشریف فرما شدند روز چهاردهم نردین بمقدم مبارک مزین آمد روز شانزدهم موکب همایون از نردین
بکالشور را نهضت فرما گردیدند در این منزل اعتضاد الدوله را بحکومت استرآباد سرافراز فرمودند و نواب جهانسوز میرزا
بنیابت جناب ایشان معجلا باسترآباد رفت و خود اعتضاد الدوله از منزل خوش ییلاق از حضور همایون مرخص و روانه
مقر حکومت شد روز هفدهم بیلاو منزلگاه اردوی همایون گردید روز هیجدهم از بیلاو بخوش ییلاق انتقال فرمودند
امیر حسینخان شجاع الدوله بخلعت همایون سرافراز و اجازه انصراف بمحل حکمرانی خود یافت روز نوزدهم از خوش ییلاق
بکلاته خیج بسطام تشریف فرما شدند جعفرقلیخان سهام الدوله بخلعت همایون و نشان امیر تومانی سرافراز و رخصت
معاودت بجنورد یافت روز بیستم از کلاته خیج بکرهرود و قلعه نو نهضت فرما شدند روز بیست و سیم بقریه ابرسیج

شب هشتم وقت سحر از میمر اوشونیان
بسمت مقصود و انتر گردیده بعد از نماز
صبح روز چهاردهم به الاچیقهای ترکمه
تاخته زیاده از هزار اسیر و دویست
هزار اسب و الجمه یاد بدست آوردند

بسطام

بسطام نزول اجلال فرمودند روز بیست و چهارم بتاش (طماش) تشریف فرما شدند روز بیست و پنجم شاهکوه مضرب خیام معلی گردید
روز بیست و ششم چهارده کلاته منزلگاه اردوی همایون بود روز بیست و هشتم بچشمه علی دامغان تشریف فرما گردیدند
غره جمادی الاولی تشریف فرمای سرخه ده شدند روز دویم فولاد محله مضرب خیام مبارک گردید روز سیم بمنزل
خوند توجه فرمودند روز چهارم تشریف فرمای اسران شدند در اینمنزل از دار الخلافه خبر رسید که ناخوشی وبا
در ماه ربیع الاول اشتداد داشته و تا روزی هفتصد نفر تلف میکرده است و اینک تخفیف کلی یافته و اسمعیلخان
خزانه‌دار نظام با نیمرضی در گذشته بالجمله روز پنجم بچمن کور سفید نزول اجلال فرمودند روز ششم اردوی همایون
بسمت شورستان و جلگه فیروزکوه انتهاض فرمود روز هفتم تنگه واشی مقر اردوی معلی گردید یحیی خان ژنرال
اجودان مخصوص حضور همایون بیک قطعه نشان و حمایل از درجه امیر تومانی سرافراز شد آقا علی آشتیانی پیشخدمت
خاصه ملقب بامین حضور ملقب گردید علیرضا خان قاجار پیشخدمت خاصه که حامل خشتهای طلای گنبد مطهر امامین
همامین عسکریین علیهما السلام بود بعد از انجام این مأموریت بزرگ مراجعت کرده در اینمحل بخاکپای مبارک مشرف
شد روز یازدهم بقریه لرد تشریف فرما گردیدند و دوازدهم بمنزل ارجمند و در اینمنزل میرزا علیخان پیشخدمت
و منشی حضور همایون مخلع گردیده مرخص و روانه دار الخلافه شد روز سیزدهم بزرنا تشریف فرما شدند روز
چهاردهم بسر چشمه انگاره و روز پانزدهم بخاک لاریجان توجه فرمودند روز شانزدهم چشمه لای دماوند بقدوم
مبارک مزین گردید روز نوزدهم بسمت مبارک آباد دماوند حرکت فرمودند از قرار عریضه محمد اسمعیل خان وکیل
الملک حکمران کرمان و میر علیخان حشمة الملک امیر قاین و سیستان قلعه نادعلی را که آنسمت رود هیرمند و از قلاع محکم است
قشون ظفرنمون بعد از محاصره و محاربه از ابراهیم خان بلوچ انتزاع نموده و متصرف شده اند روز بیستم برستان محال
لواسان نزول اجلال فرمودند روز بیست و یکم لیتان و کنار رود جاجرود محل اردوی همایون بود یکشنبه بیست و دویم
جمادی الاولی بالیمن والسعاده وارد سلطنت آباد گردیدند روز دهم جمادی الثانیه تشریف فرمای قصر دوشان تپه
گردیدند روز یازدهم شهر دار الخلافه بقدوم بهجت لزوم مقدس مزین گردید جناب آقا مستوفی الممالک در اینروز بمرتبت
وزارت سرافراز و با عطای قلمدان مرصع و جبه شمسه الماس که از علامات این منصب جلیل است مفتخر گردیدند حضرت شاهنشاهزاده
اعظم ولیعهد دولت علیه ایران فرمانفرمای آذربایجان و حضرت شاهنشاهزاده اعظم یمین الدوله حکمران اصفهان را
بدربار همایون احضار فرمودند همدر اینسال سیلی عظیم در دار الخلافه آمده بعضی ابنیه و بیوتات را خراب کرد میرزا قهرمان
مشیر لشکر لقب امین لشکری یافت و بنشان سرتیپی از درجه اول با حمایل آن سرافراز آمد میرزا علی اکبرخان آجودانباشی
توپخانه بنشان و حمایل سرهنگی مفتخر گردید میرزا حبیب الله لشکرنویس ملقب بمشیر لشکر شد چون در عراق عرب ناخوشی
طاعون بروز کرده حکم شد در سرحدات قرانتین بگذارند وزارت خراسان را بعهده جناب ظهیر الدوله واگذار و وکالت
آن ایالت را بپاشاخان امین الملک مفوض فرمودند حاجی میرزا محمدخان بلقب مجد الملکی ملقب و بمنصب جلیل متولیباشیگری
حضرت امام ثامن علیه السلام سرافراز گردید حکومت بلوک خوار بجناب دبیر الملک و مهام فیروزکوه و دماوند بمیرزا هاشمخان
امین خلوت واگذار شد پیشکاری حضرت شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد دولت علیه و کارگذاری مملکت آذربایجان را بنواب
والا معتمد الدوله واگذار فرمودند امین لشکر بجهت رتق و فتق امورات مالیاتی و رسیدگی بکارها و نظام مامور آذربایجان
گردید غره ماه جمادی الاخره در تبریز هفت شبانه روز بجشن عروسی حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ولیعهد دولت
علیه با صبیه مرحوم میرزا تقیخان اتابک اعظم از نواب علیه عالیه عزة الدوله اشتغال نمودند میرزا عیسی وزیر دار الخلافه

بیکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز آمد محاسبهٔ دار الخلافه طهران و توابع را بعهدهٔ میرزا عباسخان معاون الملک
واگذار فرمودند مدرسهٔ دار الفنون ترقی کلی کرده و کتب مفیده علمیه از معلمین و متعلمین ترجمه و تالیف کرده اند
محمد اسمعیل خان وکیل الملک حکمران کرمان و بلوچستان داعی حق را لبیک اجابت گفت و حسینخان شهاب الملک امیر تومان
بحکومت کرمان منصوب گردید جناب مسیو بون بروز بر مختار و ایلچی مخصوص دولت فرانسه مامور باقامت در دربار دولت
علیه با تشریفات وارد دار الخلافه شد نصرالله خان سرتیپ توپخانه باعطای یکقطعه نشان سرتیپی و حمایل آن سرافراز آمد
نواب حشمة الدوله را بحکومت عربستان و بروجرد منصوب فرمودند میرزا سید حسین سررشته دار چاپارخانه به پیشکاری کرمان
برقرار گردید چون جمعیت و آبادی دار الخلافه نهایت رو بازدیاد نهاده و شهر گنجایش جمعیت حالیه را ندارد مقرر فرمودند
که شهر طهران را از سمت دروازه شمیران یکهزار و هشتصد ذرع و از سه جانب دیگر از هر طرف یکهزار ذرع وسعت
دهند و کفالت این امر را بعهدهٔ جناب آقای مستوفی الممالک و میرزا عیسی وزیر دار الخلافه موکول فرمودند و روز یکشنبه
یازدهم شعبان شروع باین امر نموده محض تیمن سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی کلنگی از نقره بدست مبارک بر زمین زده حضرت اجل شاهنشاهزاده
والا نایب السلطنه نیز اقتدا بوجود مسعود همایون کرده کلنگی بر زمین زدند از آن پس مامورین بحفر خندق مشغول گردیدند
دور این شهر تخمینا سه فرسنگ و نیم خواهد شد و دوازده دروازه مقرر است که ساخته شود و از این ببعد شهر طهران
موسوم بدار الخلافه ناصری گردید نواب والا معتمد الدوله فرهاد میرزا بنشان امیر تومانی سرافراز شدند آقاخان محلاتی
که چندین سال است که در صفحات هندوستان متوقف میباشد سه نفر بچه فیل و یک کرگدن بدربار معدلت مدار فرستاد
همدر این سال بنای عمارت مبارکه شمس العماره که به پنج مرتبه ساخته شده و نظیر بناهای عالی فرنگستان است صورت
اتمام یافت دروازه مبارکه ناصریه در انتهای خیابان ناصریه نیز بزودی باتمام پذیرفت میرزا محمد صادق قائم مقام
بپیشکاری حضرت اجل شاهنشاهزاده والا ولیعهد دولت علیه و وزارت آذربایجان برقرار گردید که حین مراجعت
حضرت شاهنشاهزاده اعظم والا در ملازمت ایشان روانه آذربایجان گردد و نواب عضد الدوله را بحکمرانی
قزوین منصوب فرمودند در این اوان ایام هفته باشاره علیه بنحو مخصوصی بمشاغل دولتی تقسیم شد محمود آقای سرهنگ
و معلم پیاده نظام بسرهنگی فوج خلج قم سرافراز گردید میرزا اسحق خان بمنصب کارپردازی ارزنة الروم مامور شد روز
چهارم شوال موکب همایون عزیمت شکارگاه مسیله و زیارت بقعه منوره حضرت معصومه فرمود حضرت شاهنشاهزادهٔ
اجل اعظم ولیعهد دولت علیه ایران را اجازه انصراف بمحل حکمرانی خود داده روانه آذربایجان شدند و قائم مقام که بریاست
و پیشکاری آذربایجان برقرار شده بود در خدمت حضرت معظم روانه گردید نواب والا معتمد الدوله را بحکمرانی کرمانشاه
منصوب و مامور فرمودند در بهبهان این اوقات تگرگی باریده که دانه های آن ببزرگی نارنج بوده اعتضاد الدوله حکمران
و سردار استراباد بعد از نظم آنحدود و سرکشی بمازندران بخاکپای مبارک مشرف شده بنشان امیر تومانی سرافراز گردید
میرزا فتحعلیخان صاحب دیوان بوزارت حضرت اجل شاهنشاهزاده والا امین الدوله برقرار و در خدمت حضرت
معظم روانه اصفهان شد میرزا کاظمخان قلر باشی مرحوم جلال الدوله بنشان و حمایل از درجه اول سرهنگی نایل آمد
حاجی محمدخان پسر مرحوم وکیل الملک بمنصب پیشخدمتی مفتخر شد میرزا سید کاظم سررشته دار صندوقخانه بمنصب استیفا
سرافراز گشت علیقلی میرزا صارم الدوله ولد نواب عماد الدوله بنشان و حمایل امیر تومانی سرافراز گردید علیقلیخان
نایب اجودانباشی بیکقطعه نشان از درجه دوم سرتیپی و حمایل آن مباهی آمد میرزا محمد حسین ولد میرزا محمد باقر لشکر
نویس بمنصب لشکرنویسی برقرار گردید روز بیست و پنجم ذیقعدة الحرام چهار ساعت و دو دقیقه از طلوع آفتاب گذشته

روز بیست و دوم شوال موکب همایون از شکارگاه مسیله و قم معاودت فرمود

مهر جهانتاب از برج ثور بحمل تحویل نمود و سلام خاص در تالار جاجند شمس العماره در پیشگاه حضور همایون منعقد گردید
یحیی خان اجودان مخصوص بلقب نبیل معتمد الملکی ملقب گردید میرزا زمان بمنصب کلانتری شهر دار الخلافه سرافراز شد
عبد الوهاب خان سرهنگ فوج خرقانی بمنصب سرتیپی فوج مزبور نایل آمد چون میرزا ابراهیم خان مظفر الدوله مرحوم
شد منصب سرتیپی فوج خمسه را با آقاخان پسر آن مرحوم مرحمت فرمودند اسبان اصطبل توپخانه مبارکه را با مراقبت محمد تقی
خان افشار واگذار نمودند در روز آخر ماه ذیحجه یکثوب جبه ترمه کشمیری شمسه دار مکلل بیاقوت والماس که مخصوص وزیر
اعظم و شخص اول است بجناب اجل آقای مستوفی الممالک مرحمت فرمودند پاشاخان شجاع الملک ملقب بمظفر الدوله گردید
دو فوج خمسه و پانصد سوار آنجا را ابو الجمع حاجی مهرعلیخان شجاع الملک فرمودند استرآباد و مازندران و شاهرود
و بسطام که بحکمرانی اعتضاد الدوله مقرر است از قرار ذیل نواب برای آن ولایات تعیین شد
(حکومت مازندران باعتماد الدوله پسر اعتضاد الدوله به پیشکاری حاجی میرزا یحیی خان سرتیپ نوری) (نیابت حکومت استرآباد
بمحمد علیخان بیگلربیگی واگذار شد) (نیابت حکومت شاهرود و بسطام بمحمد حسینخان پسر شیرعلیخان واگذار آمد) (افغانستان)
منازعه هرات با امیر شیرعلیخان و فتح بلخ بدست امیر شیرعلیخان (چین) فرستادن یکدسته از رجال دولت بسمت
سفارت باغلب بلاد فرنگ بوالست شخصی ینکی دنیائی (ژاپن) جنگ و شورش برد اخل خیال عامه اینست که میکادو که
پادشاه حقیقی است بدون مداخله طیقون مستقلاً بامور سلطنت برسد و دست شدن دیوسیها یعنی نجبای مملکت
غلبه هواخواهان میکادو بر هواخواهان طیقون (اروپا) (اسپانیول) شورش و بالنگرها دنارضائی مردم
از دولت اخراج ایزابله ملکه همشیره خود و شوهر او را با اهتمام سارژن یا عیان صاحبمنصب سردارهای قشون با ملکه برهند
کینه و عداوت تمام اهالی اسپانیا بدون استثنا با ملکه اتحاد و تشکیل دولت موقتی بریاست سرانه اهالی اسپانیا
در صدد این هستند که وضع دولت را جمهوری قرار بدهند خروج دنکارلس که یکی از اقوام ملکه سابق بود جمعی از اهالی
اسپانیا در خیال این هستند که پادشاهی از خارج برای خود انتخاب بکنند و وضع جمهوری را قبول ندارند شناختن دولت
اتازونی جمهوری اسپانیول را و بعد از آن شناختن تمام دول متحد این جمهوری را بروز شورش در جزیره کوبا متعلق
باسپانیا که همین شورش مقدمه یک جنگ طولانی خونریزی شد که در آتیه ذکر خواهیم نمود فرار ملکه ایزابل بمملکت فرانسه
و پناه یافتن در آن مملکت (اطریش) عده قشون تمام ممالک اطریش در حالت صلح ششصد هزار مقرر شد (المان)
کوشش پادشاه پروس و مسیو بیزمارک صدراعظم در اتحاد و اتفاق دول المان آنها پادشاه پروس را بریاست خود وشناختن
افراشتن مجسمه لوتر رئیس مذهب پروتستانی المان در ورمس با حضور پادشاه پروس هیئت جنگ پروس و فرانسه
با کمال دقت و سعی در المان دیده شده است خیال میانجیگری دولت انگلیس را مابین پروس و فرانسه که ملکه احترازی از
این جنگ غریب الظهور بشود اغلب روزنامه‌های المان نمی‌پسندند (انگلیس) صدارت دیسرائیلی شورش و انقلاب
سخت در ارلند استعفای دیسرائیلی بعد از چندماه و صدارت کلادستن رئیس طایفه ویک فتوحات قشون انگلیس
بسرداری نپیه در حبشه با وجود مخاطرات و موانع طبیعی در این نقطه جنگ سخت در حوالی ماگدالا پای تخت حبشه
بیشتر عساکر انگلیس از بدی هوا و امراض مختلفه تلف شدند تا بالاخره در اواسط حمل یورش بپای تخت برده آنجارا
متصرف نموده تئادرس پادشاه در بین جنگ خود را بدست خود کشت نپیه سردار بعد از این فتح بلقب لردی نامیده شد
اختراع تفنگ مارتینی و توپهای بزرگ در مملکت انگلیس و قبول کردن دولت انگلیس اسلحه را و تقسیم نمودن آن را بقشون خود (ایطالیا)
ازدواج ولیعهد با صبیه دوک دُژِن موسوم بمارگریت طغیان کوه آتشفشان اتنا (پرتوغال) صاحبمنصب مردم با یکدیگر

در مسلیا

در مسئله اتحاد اسپانیول و پرتوغال و تفویض سلطنت اسپانیا بپادشاه پرتوغال (دانمارک) ازدواج ولیعهد ایندولت
با دختر پادشاه سوئد (روس) دوچار شدن ایالات شمال بقحط و غلا و بروز ناخوشی طیفوس در فنلاند تقسیم تفنگ
تهر بعساکر روس فتوحات در ترکستان بخارا فتح سمرقند بدست ژنرال کفمان (سویس) طغیان رودخانه‌ها که
از کوه آلپ جریان دارد طغیان آب دریاچه‌ها خرابی اغلب آبادیها اتلاف مال و آدم زیاد و رسیدن خسارت بمبلغ
زیاده از سه کرور (عثمانی) قتل والی سربستان در گردشگاه خارج شهر بلگراد و نصب میلان برادرزاده او بسن چهارده
سالگی شورش سخت در جزیره قندی حرکت یونانیها بر ضد عثمانی دخالت دول فرنگ در کار یونان و عثمانی صلح و رفتن
اعلیحضرت سلطان که ولایتعهد حق پسر خود بوده است بر خلاف قانونیکه رسم بوده که برادر ارشد ولایتعهد بخلافت میرسیده است
(فرانسه) شورش آشکار بعضی از شهرها بدولت بعد از پانزده سال امنیت و آسودگی اغوا نمودن شورشیان مردم را بواسطه
روزنامه و غیره نطقهای سخت و خطبه‌های خشن در مجلس وکلا از جانب مسیو طیر و ژول فاور تقسیم تفنگ موسوم بشاسپو
بقشون فرانسه بالکل العجله فوت والفسکی از معارف ارکان شش رسینی معلم معروف علم موسیقی فوت بارون مرتر چیلد در
سن هفتاد و شش سالگی در عالمی که اول شخص بامکنت مردم دنیا بود **افریقا** (مرعش) آقتداری سلطان سید مولی
محمد با عسکری بعضی ایلات عرب خاصه طایفه ظهره و غارت اطراف شهرها بروز وبای سخت در میان ابنطایفه و پراکنده کردن
ابنطایفه را **امریکا** (مکزیک) شناختن دولت اتازونی دولت جمهوری مکزیک را بریاست ژوارز (سنگی در بنای جنوبی)
بروز وبای سخت در این مملکت منازعه سخت برزیل با پاراگای بروز تجمای بزرد در مملکت پرو زلزله سخت در پایتختها
در اغلب نقاط روی زمین و بواسطه این زلزله در حوالی کالیفرنی و سیل طغیان آب دریا سبب خرابی اغلب آبادیها و
هلاکت مردم گردید

سنه ۱۲۸۵ هجری — سنه ۱۸۶۸ مسیحی

آسیا (ایران) از ابتدای اینسال ذات بیهمال همایون بتعمیم مکارم و مراحم شاهانه درباره خاص و عام متوجه
بود علیرضا خان پیشخدمت خاصه حضور همایون ملقب بعضد الملک گردید نواب مؤید الدوله به پیشکاری و کارگذاری
مملکت آذربایجان مامور و با عطای جبه شمسه دار مفتخر گردیدند سردار کل عزیزخان وزیر جنگ باعطای یکرشته حمایل
آبی از درجه اول امیر نویانی سرافراز آمد نواب شاهزاده محمد امین میرزا برحسب استدعای نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم
بنیابت ملایر و تویسرکان مفتخر گردید جناب رضابیک وزیر مختار دولت عثمانی مامور اقامت دربار دولت علیه وارد
دار الخلافه شد نواب حسام السلطنه فرمانفرمای مملکت فارس یکراس اسب خاصه با یراق مرصع جواهر نشان مفتخر گردید
کاظمخان سرتیپ بمنصب فراشباشیگری سرافراز آمد مرتضی قلیخان قوللر آقاسی باشی بمنصب کشیکچی باشیگری مباهی شد
حیدر قلیخان پسر مرحوم محمد ولیخان قاجار از اجزای دیوانخانه گردید بخلعت همایون سرافراز گشت حاجی بهاء الدوله
به بیگلربیگی تبریز برقرار گردید موکب همایون از مقر خلافت عزیمت ییلاقات لار و غیره فرمود مسیو کاستیگر مهندس
نمساوی ببازداشت ساختن راه هزارچم مازندران بلقب خانی سرافراز آمد هم در این اوقات شاهنشاهزاده معظم
جلال الدوله حکمران خراسان داعی حق را لبیک اجابت گفتند در یازدهم جمادی الاولی موکب معلی از ییلاقات بمقر سلطنت
آباد مراجعت فرمود شب یازدهم جمادی الاولی تقریبا بپنج ساعت از شب گذشته زلزله شدیدی در طهران و کاشان
و قم و فیروزکوه شد حاجی علیخان اعتماد السلطنه والد مؤلف در سلخ ربیع الاول داعی حق را اجابت گفت و شرح
احوال آن مرحوم مفصلا در جلد دوم مرآت البلدان موسوم بمآثر السلطان نگارش یافته است مجد الدوله امیر

اصلانخان

اصلانخان بحکومت گیلان منصوب آمد ناصرقلیخان نایب‌الحکومهٔ خمسه بلقب عمیدالملکی سرافراز شد نظر بمراتب
ترقیات و مراسم قابلیت حضرت شاهنشاهزاده امجد افخم والا نایب‌السلطنه ایشان را بمنصب جلیل و لقب نبیل سرداری کل
قشون سرافراز و باعطای یکثوب سرداری دو دو مروارید شمسهٔ مرصع و یک قبضه شمشیر مکلل بالماس و قبای بندی مباهی
فرمودند و نواب حشمةالدوله بنیابت اول وزارت جنگ و مراقبت در انتساق و انتظام امور لشکر مامور و بیکثوب
سرداری شمسهٔ مرصع مفتخر کردیدند امارت و ریاست توپخانهٔ مبارکه را مزید بسایر مشاغل او نمودند و اصلانخان اعتضاد
الدوله فرمودند بیکثوب سرداری شمسهٔ مرصع معزی‌الیه قرین افتخار آمد و خان خانان پسر اعتضادالدوله بمنصب
نظارت و خوانسالاری درجهٔ دوم اختصاص یافت جناب میرزا محمد حسین دبیرالملک بمنصب متولیباشیگری حضرت رضوی وخلعت همایون
سلام‌الله علیه سرافراز آمد علیرضا خان عضدالملک بمنصب خازنی مهر مهر آثار در درجه افتخار یافت عبدالعلیخان ادیب
الملک پیشخدمت خاصه بمنصب جلیل وزارت وظایف و اوقاف مفتخر کردید حاجب‌الدوله حاجی محمدخان بحکومت خرقانین و خلعت
همایون سرافراز شد مسجد ملک در بلدهٔ کرمان که از بناهای قاورد بن جغربیک بن میکائیل بن سلجوق است حسب‌الامر
باهتمام شهاب‌الملک حکمران کرمان تعمیر شد مدرسهٔ ابراهیم خان علی در کرمان بجهت تلامذهٔ جناب حاجی سید جواد مجتهد
کرمانی از نو ساخته اند میرزا سید حسین وزیر کرمان بمنصب استیفا و خلعت همایون نایل شدند روز هشتم رجب شاگردان
مدرسهٔ مبارکه دارالفنون را امتحان فرموده مراتب ترقیات مرتب مشهود و بانعامات شاهانه سرافراز کردیدند این اوقات
قرار و ترتیب جدیدی که در امر قشون ظهور نمود دادند که مبتنی بر انتظامات کلیه و منتج ترقیات آتیه بود میرزا کاظمخان الله‌یاری
مرحوم جلال‌الدوله بمنصب استیفا از درجهٔ چهارم نایل کردید آقا سید ابوطالب روضه‌خوان ملقب بصدرالذاکرین شد
میرزا محمد رئیس دفتر وزارتخارجه بنشان شیر و خورشید از درجهٔ دوم سرتیپی و حمایل آن مفتخر آمد حاجی رجبعلی خان
سرتیپ توپخانه بریاست کل توپخانهٔ آذربایجان برقرار کردید جناب میرزا حسینخان مشیرالدوله را از درجهٔ وزیرمختاری
وایلچی گری مخصوص ارتقا و بمفوض بصدارت سفارت کبری اعتلا داده بیکثوب جبهٔ ترمه شمسهٔ مرصع مخلع فرمودند
جناب علاءالدوله رئیس قورخانه را باعطای نشان تمثال بی‌مثال همایون سرافراز داشتند حیدرقلیخان ایلخانی
سهام‌الدوله بر سر ترکمانان طاغیهٔ حدود خراسان ایلغار و بعد از جنگی سخت آنها را تدمیر و تنبیه کامل نمود
نواب مؤیدالدوله پیشکار آذربایجان بیک قطعه نشان امیرنویانی قرین افتخار آمدند غلامحسینخان پسر مرحوم
علیقلیخان آجودانباشی بهمین منصب سرافراز کردید این اوقات اعتضادالدوله داعی حق را لبیک اجابت گفته حکومت
استراباد را بعهدهٔ اعتمادالدوله پسر آن مرحوم واگذار فرمودند و محمد علیخان بیکلربیکی بنیابت حکومت استراباد
برقرار کردید و عین‌الملوک پسر دیگر مرحوم اعتضادالدوله بمنصب نظارت و خوانسالاری و لقب عین‌الملکی سرافراز شد
و حاجی میرزا یحیی خان کمافی‌السابق بنیابت حکومت مازندران مباهی میباشد نواب بهرام میرزا معزالدوله بحکمرانی
ولایت عربستان و بروجرد و اعطای یکثوب جبهٔ شمسهٔ مرصع سربلند آمدند و میرزا زکی مستوفی بوزارت نواب معزی
الیه و خلعت همایون نایل آمد نواب والا فرهاد میرزا معتمدالدوله حکمران کردستان بیک قطعه نشان امیرنویانی
مکلل بالماس قرین اختصاص کردیدند علیخان پیشخدمت خاصه بمنصب تحویلداری وجوه نظام سرافراز آمد محمد
مهدیخان که بمنصب کشیکچی باشی‌گری مسبوق بود مجدداً باین منصب مفتخر کشت این اوقات مجدداً شجاع‌الدوله امیر
حسینخان شادلو و حیدرقلیخان سهام‌الدوله ایلخانی زعفرانلو در صحرای اتک آخال برطایفهٔ تکه مرو و آخال
نشین تاخته یکلی اینطایفهٔ طاغیه را مقهور و ملکه نابود نمودند احتشام‌الملک پسر مرحوم احتشام‌الدوله بحکومت کاشان

کاشان سرافراز آمد سلیمانخان سرتیپ اول افشار بحکومت و سرداری استراباد سرافراز گردید میرزا علی اکبرخان زاده وزیر علوم بنیابت حکومت طاهر و تویسرکان و لقب معزز بالخاقانی مفتخر گشت نواب حشمة الدوله نایب وزیر جنگ بلقب جلیل امیر جنگی درجهٔ اختصاص یافتند میرزا عبدالرحیمخان وزیر مختار دولت علیه که مقیم پطرزبورغ بود ملقب بساعد الملک شد حاجی میرزا علی مشکوة الملک بحکومت همدان منصوب گردید محمد تقیخان افشار پیشخدمت خاصه امیر آخور اصطبل توپخانه بیکقطعه نشان دویم سرتیپی و حمایل آن سرافراز آمد روز شنبه ششم ذیحجه ده ساعت و سی دقیقه و چهل و سه ثانیه از روز گذشته نیر اعظم از برج حوت بحمل تحویل نمود و سلام خاص در تالار شمس العماره انعقاد یافت حضرت شاهنشاهزاده افخم اکرم والا نایب السلطنه را بمنصب جلیل و لقب نبیل امیر کبیری درجهٔ امتیاز عنایت و باعطای یکثوب سرداری ترمه مرصع و یکقطعه کمر کلکمر مکلل بالماس مباهی فرمودند نواب حشمة الدوله بحکمرانی مملکت خراسان منصوب و عزیزخان سردار کل کما فی السابق بسرداری کل نظام و غیر نظام سرافراز گردید محمد آقای سرهنگ نایب اول سفارت دولت علیه در دربار دولت انگلیس با عطای منصب سرتیپی از درجهٔ سیم و حمایل مخصوص آن سربلند آمده که بمحل ماموریت خود روانه گردد میرزا محمد علیخان اصفهانی شمس الشعرا مرحوم شد (ژاپن) اجرای قواعد و قوانین جدیده اجازه دخول فرنگیها در اغلب بنادر و قرار دادن شهر یدو را رسماً پای تخت دولت سفرای فرانسه و انگلیس و ایطالیا و هلاند و پروس و اتازونی در این پای تخت من بعد سفارتخانه خواهند داشت بجای مجلس شورای دولتی که اجزای آن تمام دیموسها (یعنی نجبا و اعیان) هستند اروپا (اسپانیول) نیابت سلطنت و اختیار کل دولت را رعیت بمارشال سرانو گذاشتند شورش اهالی کوبا با کمال شدت و با اوبیت نزدیک در این جزیره شایع است (انگلیس) مخارج جنگ حبشه که بمجلس وکلای ملت عرضه داشتند هیجده کرور لیره که هر لیره عبارت از بیست و پنجهزار است شده است فوت لرد دربی رئیس طایفه توریها در سن هفتاد سالگی (ایطالیا) تولد پسر ولیعهد در شهر ناپل و ملقب نمودن او را بشاهزاده ناپل (بلژیک) فوت ولیعهد پسر واحد پادشاه در سن نه سالگی (روس) شورش طایفه قالموقی و قرقیز و تصرف نمودن آنها شهر و لارکس را در حوالی دشت و بعد از تعاقب نمودن قشون روس آنها را پناه بردن آنها بخان خیوه فرستادن امیر بخارا سفیر و پسر خود را بطور گروی بپطرزبورغ و کاستن شوکت امیر بخارا بواسطه تصرف روس تقریباً نصف مملکت او را و هر سال نیز مجبور است بجهت مخارج جنگ مبلغی بکارگذاران روس تسلیم نماید و پسر بزرگش نیز یاغی است بخشش اعلیحضرت امپراطور تقصیرات شمیسیل را امریکا (اتازونی) انتخاب رعیت ژنرال گرانت را بریاست

سنه ۱۲۸۶ هجری — سنه ۱۸۶۹ مسیحی

آسیا ۱ (ایران) در این سال امور ملک و دولت را از پرتو نظر عنایت آثار اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری رونقی بکمال است حکومت اصفهان را مستقلاً بمیرزا فتحعلیخان صاحب دیوان مفوض و معزی الیه را بخطاب جنابی و اعطای یکثوب جبه ترمه پولک دوز و شمسه مرصع سرافراز فرمودند نظر بخدمات مرحوم محمد اسمعیل خان وکیل الملک مرتضی قلیخان پسر آن مرحوم را بلقب وکیل الملکی و حکمرانی کرمان و بلوچستان مفتخر داشتند مستشار الملک خراسانی بنشان و حمایل از درجهٔ اول سرتیپی و پیشکاری کل خراسان سرافراز آمد میرزا خانلر منشی دولت امور خارجه بکارگذاری مهام خارجهٔ گیلان و نشان و حمایل از درجهٔ سرهنگی سرافراز شد شاهزاده

سام میرزا که از ملاحت سرایان این دولت است بلقب شمس الشعرائی سرافراز گردید نواب والا نصرة الدوله که بانظام
امور قورخانه برقرار بودند بمنصب نیابت وزارت جلیله سرافراز شدند لقب و منصب معیر الممالکی بر حسب استدعای امیر
دوستعلیخان معیر الممالک با میر دوست محمد خان ولد مشار الیه مرحمت فرمودند علیخان پیشخدمت خاصه ملقب بامین
حضرة گردید آقا خان سرتیپ ملقب بصمصام الدوله فرمودند حبیب الله خان سرتیپ اول تنکابنی بلقب ساعد الدوله
سرافراز آمد علیقلیخان سرتیپ و رئیس تلگرافخانه‌های ممالک محروسه ملقب بمخبر الدوله گردید میرزا حسینخان پسر
مرحوم میرزا مسعود وزیر دول خارجه سابق بنیابت امور خارجه یافت موکب همایون تشریف فرمای شهرستانک وفرح
دونا و کچیر میباشد میرزا ذکیخان سرهنگ قورخانه مبارکه بمنصب سرتیپی سرافراز شد علیخان سرتیپ کارپرداز اول
دولت علیه مقیم تفلیس بنشان و حمایل سرتیپی سرافراز گردید میرزا مهدیخان منشی وزارت امور خارجه باعطای
یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه سرتیپی با حمایل آن مباهی آمد موکب همایون روز هشتم جمادی الثانیه
از شهرستانک بسلطنت آباد نزول اجلال فرمود جناب مسیو بکر که بسمت وزیر مختاری از جانب دولت روس
مامور اقامت دربار دولت علیه بود وارد دار الخلافه و شرفیاب حضور مبارک شد آقا ابراهیم آبدارباشی خاصه
بلقب امین السلطانی و خلعت همایون سرافراز گردید علینقیخان پسر کاظمخان فراشباشی بسرهنگی فوج قهرمانیه
شقاقی برقرار آمد هم در اینسال فتح اورامان کردستان باهتمام نواب والا معتمد الدوله حکمران کردستان اتفاق
افتاد و طوایف طاغیه اکراد که روزگاری در سرحدهای بین دولتین علیتین ایران و عثمانی بقطع طرق و بی اطاعتی و نهب اموال
و لاکردستان عادت کرده بودند بتنبیهی بسزا رسیده مخذول و مندفع الشر شدند مرتضی قلیخان وکیل الملک
حکمران کرمان و بلوچستان باعطای یکقطعه نشان شیر و خورشید با حمایل از درجه اول سرتیپی قرین مفاخرت آمد
جناب جلالتمآب میرزا حسینخان مشیر الدوله سفیر کبیر دولت علیه ایران مقیم اسلامبول باعطای یکرشته حمایل آبی و یکرشته
بند الماس مرصع قرین اختصاص آمد نواب ضیاء الدوله باعطای یکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز گردید حاجی
میرزا یحیی خان نایب الحکومه مازندران بیکقطعه نشان شیر و خورشید و یکرشته حمایل از درجه سرتیپی مفتخر
شد روز دوشنبه بیست و ششم رجب معلمین مدرسه مبارکه دار الفنون را امتحان فرموده مراتب ترقیات آنها مشهود
افتاد نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم را بیکثوب سرداری شمسه مرصع سرافراز فرمودند چون محمد ابراهیمخان
معمارباشی عمارات جدیده حسب الامر در جاجرود بنا نموده که پسند خاطر اقدس ملوکانه افتاد مشار الیه باعطای یک
قطعه کلکه و نشان و حمایل از درجه سرتیپی سرافراز شد نصر الله خان سرتیپ فوج فراهانی بلقب نصیر الملکی مفتخر
گردید میرزا محمد علی مستوفی ولد مرحوم میرزا محمد حسین عضد الملک ملقب بصدر دیوانخانه شد حاجی بشیرخان که
مستشار لشکر حاکم ترشیز و تربت بر حسب استدعای نواب حشمة الدوله حکمران خراسان بلقب مستشار الدوله
مباهی آمد حاجی محسنخان سارژدافر دولت علیه ایران مقیم لندن باعطای منصب وزیر مقیمی دربار دولت
انگلیس برقرار گردید محمد آقای سرتیپ که نایب اول سفارت دولت علیه مقیم لندن بود و بدار الخلافه بامر
احضار شده بمنصب مستشاری سفارت و خلعت همایون سرافراز و روانه محل ماموریت خود گردید نواب مزبوره
عماد الدوله حکمران کرمانشاهان و لرستان و نهاوند را احضار بدار الخلافه نمودند در روز عید فطر نواب
معظم الیه را بنشان از درجه امیر نویانی سرافراز نمودند کاظمخان فراشباشی ملقب بحاجب الدوله گردید حاجی
میرزا علی مشکوة الملک بمنصب وکیل الرعایائی کل ممالک محروسه برقرار گشت دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص

حضور همایون بیک قطعه نشان تمثال بی مثال مبارک قرین افتخار کردید امین حضور پیشخدمت خاصه را مامور تنظیمات
و انتظامات شهر دار الخلافه و حوالی فرمودند نواب حشمة الدوله حکمران خراسان در تنبیه طوایف ترکمن
اهتمامات نموده و قلعه قاری قلعه و طرزن و قلعه موسوم بقوشه که از قلاع بزرک طایفه طاغیه است فتح نموده اند غلام
حسینخان سپهدار بوزارت علیه برقرار و منصوب کردید چون بجهة برخی مواد سرحدیه دایره مابین دولتین
علیتین ایران و عثمانی باید کمیسیونی از طرفین مامور و روانه سرحد شود میرزا محمدعلی ناظم دفترخانه وزارت خارجه
با عطای خلعت همایون سرافراز و بجهة مقصود مزبور مامور سرحد شد نظر آقا بمنصب شارژدافری و اقامت در پایتخت
دولت فرانسه و خلعت همایون و نشان شیر و خورشید از درجه سیم سرتیپی با حمایل آن سرافراز شد میرزا عبدالله
نایب اول سفارت بلقب خانی و مستشاری سفارت برقرار کردید میرزا احمدخان نایب دویم سفارت بنیابت اول
نایل آمد بعضی بنابهای عمده در حدود و قلاع سرحدیه استراباد بامر دولت کردند میرزا زکی پیشکار عربستان
و بروجرد ملقب بضیاء الملک شد نواب شجاع السلطنه فتح الله میرزا ابن خاقان مغفور داعی حق را لبیک اجابت
کفت جناب شیخ عبدالحسین مجتهد تهرانی در عتبات عالیات بجوار رحمت الهی پیوست موکب همایون روز یکشنبه
بیستم شهر شوال از دار الخلافه بعزم سفر خیر اثر کیلان انتهاض فرمود در رکاب موکب مسعود شاهانه
حضرت شاهنشاهزاده امجد اکرم نایب السلطنه امیرکبیر و جناب اجل آقای مستوفی الممالک بمهام ملکی میپرداختند
از وزرای عظام نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم و وزیر امور خارجه و ظهیر الدوله ملتزم رکاب اعلی میباشند
موکب مقدس دو روز در کن و دو روز در عمارت سلطانی کرج اقامت فرمود روز بیست و پنجم شوال سنقرآباد
مضرب خیام اجلال کردید روز بیست و هفتم بقشلاق و روز بیست و هشتم بعبدل آباد و روز بیست و نهم ساحت
هزارجریب را تشریف قدوم ارزانی فرمودند سلخ شوال بقزوین و غره ذیقعده از قزوین بقریه آقابابا و دویم
بقریه یکندی و روز چهارم بده ملاعلی توجه فرمودند روز ششم پل لوشان که اول خاک کیلان است محل اردوی
همایون بود و روز هفتم امامزاده هاشم [?] آباد تشریف فرما شدند پل منجیل بتوسط جناب حاجی ملا رفیع مجتهد در کمال استحکام | منجیل و روز نهم
ساخته شده است روز دهم جنکل امامزاده هاشم و کنار رودخانه سفید رود بورود مسعود شاهانه زینت
یافت روز یکشنبه یازدهم شهر دار المرز رشت را بقدوم بهجت لزوم مبارک آراستند و در این روز ژنرال
قونسول یکین حاکم بادکوبه و توابع که از جانب اعلیحضرت امپراطور روس با جمعی از حکام و صاحب منصبان قفقاز
بتهنیت ورود موکب اقدس آمده بود بار حضور مبارک یافت و قونسولهای دول متحابه فرانسه و انکلیس که مقیم
رشت بودند شرف باریابی حاصل نمودند و علماء و معارف کیلان و لاهیجان در روز دیکر بحضور مبارک نایل شدند
روز شانزدهم موکب همایون عزیمت انزلی فرمود مجدالدوله از حکمرانی کیلان استعفا نموده زمام حکومت این ایالت
را بکف کفایت جناب مؤتمن الملک وزیر امور خارجه واکذار فرمودند علما و اعیان انزلی و اردبیل و غیره که در
انزلی شرفیاب شده بودند بخلاع همایون سرافراز کردیدند ژنرال قونسول یکین بنشان تمثال همایون مکلل بالماس
سرافراز و سایر صاحب منصبان روسی نیز هر یک بنشان و حمایل از درجه که درخور بود مفتخر کردیده مرخص
شدند سیف الملک حاکم طوالش بنشان شیر و خورشید و خلعت همایون مباهی آمد میرعلی اکبرخان دریابیکی
بنشان سرهنکی و خلعت همایون نایل کردید لطف الله میرزا سرهنک توپخانه بنشان و حمایل سرهنکی سرافراز شد
نصرالله خان سرهنک خارج از فوج بنشان و حمایل سرهنکی و شمشیر کل و نشان طلا و حکومت کرکان رود مفتخر

کشت

کشت امان الله خان بحکومت طالش و ولایت غیره و اعطای شمشیر و ترطلا سرابلند شد رحیم خان بحکومت شاندرمین و شمشیر
مرطلا سرافراز آمد بسایر اعیان و بزرگان و صاحب منصبان نظام و غیره نیز مراحم شاهنشاهی شامل گردید روز
بیست و ششم از راه منکوده که کنار رودخانه مبارک آباد واقع است براه پیربازار وصل و منزل موکب همایون عازم
رشت گردید و روز بیست و هفتم علما و اعیان رشت و غیرهم را بعواطف و خلاع و انعامات ملوکانه قرین اختصاص و
مباهات فرمودند و روز سلخ قونسولهای خارجه را بخلاع فاخره و اشیاء نفیسه مفتخر داشتند روز غره شهر ذیحجة بالیمن
والسعادة از شهر دار المرز انتهاض و عزیمت صوب دار الخلافه فرمودند روز پانزدهم مقر سلطنت کبری و دار الخلافه ناصری
بفر قدوم بهجت لزوم شاهنشاهی دام ملکه مزین گردید شب دوشنبه هجدهم نیر اعظم از برج حوت بحمل تحویل نمود
سلام خاص در پیشگاه حضور اقدس انعقاد یافت هم در این سال حضرت اجل اکرم شاهنشاهزاده کامکار
یمین الدوله حکمران فارس بلقب جلیل ظل السلطان ملقب گردیدند میرزا رضا پسر مرحوم میرزا زین العابدین الرند
بمنصب مستوفی گری مباهی گشت میرزا شفیع منشی وزارت خارجه بلقب خانی سرافراز آمد محمد کاظم خان ولد مرتضی خان
قاجار سرهنگی فوج ... مأمور گردید محمد صادق خان سرتیپ ادر شهاب الملک که بمکه معظمه مشرف
شده بود در عرض راه برحمت ایزدی پیوست آقا سید محمد باقر قزوینی مجتهد داعی حق را لبیک اجابت گفت **اروپا** (اطریش)
مسافرت امپراطور اطریش بسمت مشرق زمین که از راه ... و وارنا باسلامبول و از آنجا بیونان و از یونان بیافا
و از آنجا به بیت المقدس و از آن شهر بمصر آمده و در افتتاح نهر مجمع البحرین سوئز حضور بهم رسانیده بعد مراجعت بفرنک
نمودند انعقاد معاهده تجارتی با پادشاه سیام و خاقان چین (عثمانی) خشنودی اعلیحضرت سلطان از اینکه دول
فرنک دفع مخاصمه دولت را با یونان نمودند فوت فواد پاشا وزیر امور خارجه در نیس از بلاد فرانسه تفویض وزارت
جنگ بحسین عونی پاشا که حاکم جزیره قندی بود بتوسط عالی پاشا صدر اعظم مسافرت والی منتنگرو بعد از اجازه
اعلیحضرت سلطان بتمام فرنکستان و پروسیه مراجعت نمودن بولایت خود با پرنس دالفرد که یکی از اجودانهای
خاصه امپراطور روس است مسافرت والی افلاق و بغدان نیز بفرنکستان و مزاوجت با پرنسس الیزابت در سویس خدیو مصر
که مغرور بالطاف اعلیحضرت سلطان شده بود بدون اجازه و اذن باب عالی در قاهره افتتاح مجلس شورای مینماید بعد
بفرنکستان سفر نموده سلاطین عظیم الشان را دعوت بافتتاح نهر مجمع البحرین سویز میکند (هشتاد کرور
و بیست هزار و هفتصد و هشتاد تومان و دو قران مخارج این بوغاز شده و طول بوغاز بیست و هشت
فرسخ و یکصد ذرع عرض و هشت ذرع عمق دارد) و در این وقت حلیم پاشا عموی خدیو و مصطفی پاشای برادر شرکه
از خواص اعلیحضرت سلطان هستند سعایت از خدیو میکنند بنابراین صدر اعظم عثمانی فرمان نامه بخدیو مصر می نویسد
که اولا عدد قشون خود را کم کند ثانیا بر عدد سفاین جنگی نیفزاید ثالثا هر سال کتابچه خرج و دخل خود را بباب عالی
اسلامبول انفاذ دارد رابعا بدون اجازه اعلیحضرت سلطان قرارداد تجارتی و نظم پولیتیکی با هیچ دولتی از دول فرنک
نداشته باشد خامسا بدون اذن اعلیحضرت سلطان استقراض ننماید بالجمله بعد از ده سال کار بسعی فردینان
دلیس فرانسوی در هفدهم نوامبر این سال افتتاح نهر مجمع البحرین سوئز گردید بحضور اغلب از سلاطین و شاهزادهای
بزرگ فرنگ در جشن افتتاح نهر مزبور غیر شاهزادهای خانواده انکلیس (فرانسه) فوت لامارتین شاعر معروف
در اواسط زمستان فوت مارشال نیل وزیر جنگ ژنرال بولوف چون امسال سال صدم تولد ناپلیون اول
بود برای تبرک و جشن در این خانواده ملکه و ولیعهد بجزیره کرس که موطن و مولد ناپلیون اول میباشد سفر میکند

که شب عید غدیر بود بعد از
گذشتن چهار ساعت و بیست
دقیقه و سی ثانیه صبح

مسلت

مشدند برضد امپراطور ناپلیون سیم و باین واسطه هرج و مرج امورات خطبه‌ها شورش انگیز خواندند پرنس ناپلیون ابن اعم اعلیحضرت ناپلیون برونو باد درکمال شدت در منصرفات فرانسه درماجین مسافرت امپراطریس بمشرق زمین و حضور ایشان در مصر بموقع افتتاح نهر مجمع البحرین (یونان) مخاصمه مابین اندولت و دولت عثمانی که بعد از ابتدای شورش اهالی فنلک بود و تا اینزمان امتداد داشت و بواسطه یکمجلس کنفرانس که در پاریس منعقد گردید ماموریه دول فرنگ که در آنمجلس جلوس نمودند رفع مخاصمه شد معدوم شدن شهر سنت غر بواسطه زلزله

سنه ۱۲۸۷ هجری — سنه ۱۸۷۰ مسیحی

آسیا (ایران) جناب مؤتمن الملک که حسب الامر چند روزی در گیلان اقامت داشت نظام امور آن ولایت را برعهده میرزا عبدالوهاب خان نایب الوزاره (جناب نصیر الدوله) واگذار نموده خود بخاکپای مبارک مشرف آمد حکمرانی یزد را بنواب حسام السلطنه تفویض فرمودند و امیرزاده ابوالفتح میرزا (مؤید الدوله) ولد نواب معظم الیه بوزارت میرزا محمد حسین مستوفی بنیابت حکومت آن ولایت رفت عزیزخان سردار کل بوزارت و پیشکاری آذربایجان سرافراز گشت میرزا ابوالقاسم معین الملک بمنصب متولی باشی گری حضرت رضوی علیه السلام سربلند آمد محمد قلیخان شاطر باشی ملقب بصارم الملک شد سرایدار باشی بدرجه سرتیپی سیم و نشان و حمایل آن نایل گردید نقشه اراضی شهر جدید دار الخلافه را ناصری میرزا جعفر قلیخان رئیس مدرسه مبارکه دار الفنون و میرزا عبدالغفار معلم کل علوم ریاضی با بیست نفر مهندس کشیده بتوسط نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم بحضور مبارک برده به سه هزار تومان انعام سرافراز شدند مجد الدوله بمنصب میرآخوری اصطبل مبارک سرافراز گردید علیرضاخان عضد الملک باعطای نشان تمثال همایون درجه اختصاص یافت حکومت همدان از ضمیمه حکومت کردستان فرموده بنواب والا معتمد الدوله واگذار فرمودند و امیرزاده سلطان اویس میرزا ولد نواب معظم الیه از جانب ایشان بحکومت همدان رفت آقا مهدی ملک التجار مرحوم شد آقا محمد کاظم ولد آنمرحوم بمنصب ملک التجاری ایران مفتخر گشت علی نقیخان سرتیپ فوج گرازی ملقب بصمصام الملک شد محمد حسینخان قراگوزلو پسر مرحوم مصطفی علیخان نصرة الملک بلقب حسام الملکی مباهی گردید میرزا محمد حسینخان نایب الحکومه اصفهان ولد صاحبدیوان بنشان و حمایل سرتیپی سرافراز آمد حاجی محمد قلیخان آصف الدوله وزیر فارس بیکقطعه نشان تمثال همایون مباهی گردید امیرزاده اسمعیل میرزا ولد نواب معز الدوله بنشان و حمایل سرتیپی سرافرازی حاصل نمود میرزا ابوطالبخان نایب نایب الحکومه لرستان مرحوم شد محمد حسینخان حاکم سمنان و دامغان بلقب اعتضاد الملکی مفتخر گردید یوسفخان شجاع الدوله حاکم خوی و سلماس و ارومی باعطای یک قطعه نشان از درجه اول امیرتومانی با حمایل آن قرین مفاخرت آمد و فوج خوی را نیز علاوه بر سه فوج افشار ابواجمع مشار الیه فرمودند نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم بیکقطعه نشان امیرتومانی مکلل بالماس با حمایل آن درجه اختصاص یافتند میرزا سید احمد مستوفی بحکومت ولایت عراق منصوب آمد میرزا علیخان منشی حضور و نایب اول وزارت خارجه (جناب امین الدوله) بنشان از درجه ثانیه خارجه مباهی گردیدند بنده مؤلف باعطای یکقطعه کلکر مکلل بالماس سربلند شد میرزا سید ابراهیم سررشته دار مالیات خراسان بمنصب استیفا از درجه چهارم و میرزا محمد حسین پیشکار خمسه نیز همین منصب سرافراز شد مستشار الملک خراسان در ازای داده اطلاعات نادرکاشادر وی قادی قلعه و التزام خدمت نواب حشمة الدوله حمزه میرزا بنشان تمثال همایون مفتخر گردید امان الله خان سرتیپ بهاء الملک لقب یافت علیخان پسر سلیمانخان صاحب اختیار حکمران استرآباد بمنصب سرهنگی

فوج اخلاص افشار اسدآبادی مباهی گردید میرزا حسنخان پسر ارشد مرحوم میرزا مسعود وزیر امور خارجه سابق
بنیابت اول وزارت خارجه نایل آمد میرزا اسدالله خان نایب اول سفارت دولت علیه مقیم پطرزبورغ بکارپردازی اول
تفلیس مأمور شد میرزا عبدالله بمأموریت مخصوص بلده عباس سرافراز و بنشان و حمایل اول سرهنگی نایل گشت
جناب صاحبدیوان حکمران اصفهان بکرهشتم حمایل آبی سیر قرین امتیاز آمد از وقایع معظمه این سال مسافرت بندگان اعلیحضرت
شهریاری بسیاحت عراق عرب و زیارت عتبات عالیات است چنانکه در سفرنامه مخصوص همایونی بشرح رفته است
روز بیست و سیم ماه جمادی الثانیه از دارالخلافة الباهره حرکت فرمودند در ساعت حرکت اردوی معلی با نواب حسام السلطنه
در غیاب موکب همایون حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه و جناب اجل آقای مستوفی الممالک وزیر
اول بمهام ملکی رسیدگی مینمایند اغلب از رجال دولت و خواص عمله خلوت ملتزم رکاب اعلی میباشند ناظم افندی
شارژدافر عثمانی و مسیو کربل نایب اول سفارت روس نیز همراه هستند روز سیزدهم رجب که عید مولود حضرت
امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بود شهر همدان بقدوم بهجت لزوم مبارک مزین آمد روز غره شعبان عمارت
عمادیه در یک فرسنگی کرمانشهان واقع در کنار رودخانه قراسو بقدوم مبارک مزین گردید روز بیست و یکم تشریف فرمای
خانقین شدند از طرف دولت عثمانی اردوی مفصل با تشریفات شایان و مدحت پاشا والی بغداد و کامل پاشا وغیره
در سرحد حاضر بودند روز بیست و هشتم شعبان در حالتیکه طبقات ملتزمین رکاب اعلی بالبسه رسمیه حاضر شده بودند
بدارالسلام بغداد نهضت فرما شدند تلگراف اخبار ورود همایونی و جواب تبریک ورود مسعود با کمال گرمی میانه اعلیحضرت
همایونی و اعلیحضرت سلطان عثمانی در همان ساعت کشیده شد روز بیست و نهم شعبان عزیمت زیارت کاظمین علیهما السلام فرمودند
و همه جا از طرف قرین الشرف همایونی ملوکانه بذل انعامات شایان میشد روز هفتم رمضان المبارک وارد کربلای معلی
گردیدند و لدی الورود بزیارت خامس آل عبا حضرت سید الشهداء ارواح العالمین له الفداء و بعد بزیارت حضرت عباس
و سایر شهداء علیهم السلام استسعاد فرمودند روز سیزدهم برای تلثیم درگاه عرش اشتباه حضرت امیرالمؤمنین
صلوات الله و سلامه علیه عزیمت نجف اشرف فرمودند هنگامیکه بروضه مطهره علوی فایز شدند جیقه الماس بر بالای
کمربند مبارک داشتند پیشکش آستان ملائک پاسبان حضرت کردند روز بیستم معاودت بکربلای معلی نمودند
روز بیست و چهارم رمضان عزیمت معاودت بصوب ایران فرمودند و همه جا انعامات و عطایای وافره و خلاع فاخره بطبقات
خدام و دعاگویان و غیرهم مبذول داشتند روز دویم شوال بعزم سرمن رای اشخاص فرموده روز ششم وارد
آنشهر میمنت بهر شده بزیارت عسکریین علیهما السلام و مقام غیبت حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه فایز گردیدند
روز هشتم شوال عزیمت معاودت فرمودند روز پانزدهم بخانقین نزول اجلال نمودند در این روز برای پاشایان
و مأمورینکه از طرف اعلیحضرت سلطان عثمانی آمده بودند و متصدی خدمات شده انفیه دان مرصع و انگشتری و شال
و وجه نقد بقدریکه شایسته بود ارسال داشتند روز بیست و ششم عمادیه کرمانشهان بقدم مبارک مزین گردید
روز بیست و سیم ذیقعده شهر قم بمقدم مبارک مزین آمد روز سه شنبه غره ذیحجه با میامن سعادت و اقبال بدارالخلافه
باهره و مقر خلافت عظمی نزول اجلال فرمودند هم در این اوقات وزارت عدلیه اعظم و وزارت اوقاف و وظایف را
بعهده کفایت و کفالت جناب مشیر الدوله میرزا حسینخان مفوض و مرحمت فرموده معظم الیه را باعطای یک ثوب جبه
شمشیر دار و بحلقه انگشتری الماس سرافراز داشتند هم در این سال نواب والا معتمد الدوله حکمران کردستان را باعطای
یک قبضه شمشیر مرصع مکلل بالماس قرین اختصاص فرمودند حاجی رحیمخان صندوقدار خاصه ملقب بخازن الملک گردید

جان محمدخان سرتیپ فوج خلجستان بلقب سیف السلطنه ملقب آمد همچنین شاهنشاهزاده امجد اعظم ظل السلطان
را باری تعالی در لیلهٔ مذکوره عطا فرموده بلقب جلیل جلال الدوله واسم گرامی سلطان محمود ملقب گردید سلیمانخان صاحب اختیار میرزا موسی دوم
بنشان وحمایل امیر تومانی مفتخر گشت میرزا محمد حسین مستوفی وزیر امیرزاده ابوالفتح میرزا حکمران یزد بلقب ناظم الملک
مباهی آمد میرزا جعفر نایب الحکومه ملایر و میرزا ابوالقاسم نایب الحکومه تویسرکان بلقب خانی و خطاب عمدة الخاقانی سر
افراز آمدند میرزا عبدالوهابخان ولد مرحوم میرزا محمد علیخان وزیر امور خارجه سابق بنیابت اول وزارت علوم نایل
جناب مؤتمن الملک میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه بیک قطعه دوات مرصع بالماس نایل گشت میرزا عبدالوهابخان
نایب الوزاره حکمران گیلان (جناب نصیرالدوله) با عطای یک قطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس مفتخر گردید میرزا عبد
الوهاب مستوفی گیلان بنشان سرتیپی درجه دویم وحمایل آن مباهی آمد میرزا زکی ضیاء الملک بنشان وحمایل از درجه سرتیپی
دویم سرافراز و روانه عربستان شد و میرزا زین العابدین پسر مشار الیه بمنصب لشکر نویسی قاجاریه برقرار گردید میرزا
هدایت پسر بزرگ لسان الملک بمنصب استیفا سرافراز آمد و میرزا عباسقلی پسر دیگر مشار الیه بمنصب انشای مخصوص مباهی
گشت نصر الله خان پسر امین الدوله مرحوم میرزا شفیع میرزا اسدالله مستوفی پسر مرحوم میرزا موسی نایب بمرض سکته وفات کرد
لطف الله میرزا حاکم سبزوار ملقب بشجاع الدوله گردید حکومت کره را بنواب محمد امین میرزا مرحمت فرمودند همچنین
سال قبل از حرکت موکب همایون بصوب عراق عرب راه از دار الخلافه تا خانقین بتوسط مسیو کاستیگرخان مهندس نمساوی
در کمال خوبی ساخته و همه جا کالسکه رو شد **اروپا** (اسپانیا) استعفای ملکه ایزابل از حقوق سلطنتی خود باسم پسرش
دن الفنس در پاریس شاهزاده هوهن زلرن بواسطه ضدیت فرانسه که نتیجه جنگ پروس و فرانسه شد بسلطنت
نرسید بعضی هواخواهان دن کارلس که داعیه سلطنت داشت سر را بالشوار داوطلب شدن دوک دا وستا پسر دویم
پادشاه ایطالیا برای سلطنت اسپانیا تصدیق نمودن دولتین اطریش و پروس این خیال او را و پادشاه شدن او باین
مملکت قبل از ورود بپای تخت ژنرال پریم که دوک دا وستا بحمایت او پادشاه شده بود بدست چند نفر اجنبی مقتول
میگردد و بعد از ورود بپای تخت و گذاشتن تاج سلطنت بر سر موسوم بامدئو میگردد (اطریش) تعداد نفوس تمام
ممالک اطریش و امپراطوری هفتاد و یک کرور و چهارصد و چهل و سه هزار و پانصد و نود و دو نفر رسیده است
(آلمان و فرانسه) اضطراب دولت فرانسه از انتخاب ملت اسپانیا پرنس لئوپلد هوهن زلرن بنی عم پادشاه پروس را
بسلطنت خود و جود یک نسبتی که ما بین خانواده سلطنت فرانسه و این شاهزاده برقرار است بخیال اینکه مبادا
این کسی هم با یکی از شاهزاده های خانواده سلطنت پروس هم سرحد بشوند که بالمره برای فرانسه مضر است دولت
فرانسه با کمال سختی و تشدد بدولت پروس تکلیف میکند که شاهزاده مزبور را مانع از قبول این سلطنت ۸ از
ابتدای گفتگو معلوم بود که کار بین دولتین پروس و فرانسه بمنازعه خواهد کشید ۸ توقع انگلیس و ایطالیا و
اطریش همه بجلوگیری میکنند ولی بی ثمر میشود با وجودیکه شاهزاده مزبور بطیب خاطر استعفا از این عمل مینماید مسیو
بندتی سفیر کبیر فرانسه مقیم دربار پروس در شهر امس در گردشگاه خاصه پادشاه پروس را ملاقات نموده مستقیماً
بایشان تکلیف میکند که اولاً بخط خودشان عذرخواهی از دولت فرانسه بکنند و ثانیاً ضمانت کنند که شاهزاده هوهن زلرن
نه حال و نه در آینده وجهاً من الوجوه بخیال سلطنت اسپانیا نباشد اعلیحضرت پادشاه پروس اعتنائی بسفیر فرانسه
نکرده ملکه را اعتذار میکنند که بعضی پادشاه نباید مطالب خود را مستقیماً معروض بدارد بعد از فرستادن این
خبر بپاریس چه در دربار و چه در مجالس دولتی و ملتی جز گفتگوی جنگ نیست و کلای بسمت جنگ خاصه مسیو طیرس هر قدر

بشود و از
دانیم

بروند

بدولت فرانسه تکلیف میکنند که اسناد صحیحه که سبب این جنگ است بما بنمایند بعد اقدام بجنگ کنید دولت عثمانی با نمچه فهانکرده
قشون بری و بحری خود را حاضر میکنند و بعضی جهال پاریس بخیال رفتن بسفارتخانه پروس و غارت نمودن آنجا هستند
و مسیو طیر که بر ضد این جنگ است بد میگویند ده کرور وجه مسکوک برای مخارج قشون بری و سه کرور و دویست هزار
تومان بجهت مخارج عساکر بحری در ظرف سه روز برای دولت حاضر میشود و از آنطرف پادشاه پروس بسلاطین
دول شمالی و جنوبی المان مقاصد و منظورات دولت فرانسه را تلقین میکند که غرض این دولت اینست که بهیچ و
جه از ما بهانه بگیرد و با ما جنگ کند و تفرقه در میان جمعیت ما بیندازد و شوکت و قدرت ما را بکاهد بنا براین
دول جنوبی از قبیل باویره و ورتنبرک و بادکه تا از زمان اتحادی با پروس نداشتند متفق شده فی الواقع یک المان تمام با این دولت
بر ضد فرانسه برخاستند و تمام دول بدون استثنا سرداری قشون خود را بپادشاه پروس واگذار کردند دولت
انکلیس مجددا وساطت و میانجیگری کرده ولی مثمر ثمر نشد و از آنطرف ناپلیون امپراطور فرانسه سرداری عساکر
فرانسه را قبول نموده با پسر خود ولیعهد و لبف وزیر جنگ بسرحد پروس حرکت میکند ناپلیون امپراطور فرانسه چنین دول فرنگ تماما بدون
تصور مینماید که اگر با یکدسته قشون منتخب زبده خود را معجلا بسرحد برساند همین قدر تخطی نموده دو سه شهر کوچک استثنا بیطرفی اختیار میکنند
از ممالک المان متصرف شود و از طرف دیگر دولت انکلیس و سایر دول معظم را میانجی قرار دهد هم شکستی بالمان
علی الخصوص بپروس وارد آورده و هم اعتبار دولت فرانسه را زیاد کرده است نیز بعضی شهرها را از اینطرف
بمملکت خود افزوده است ولی غافل از اینکه در مقابل سیصد و پنجاه هزار نفر قشون فرانسه که فرستاده دولت پروس
پانصد و هفتاد هزار لشکر و هزار و پانصد عراده توپ حاضر کرده است با سردارهای معتبر از قبیل فردریک شارل
ابن عم پادشاه پروس و ولیعهد خود پروس و سایر سردارهای مجرب از قبیل اشتین متس و ملک وغیرهم علاوه بر قشون
معمولی پنجاه هزار سواره اوهلان جلو قشون المان بطور پیش قراولی حرکت میکردند سار بروک از شهرهای پروس در
اول حمله با حضور امپراطور بتصرف قشون فرانسه درآمد و از آنطرف در ویسانبورک یکدسته قشون عمده فرانسه که سردار آنها
مارشال ماکماهون شکست خورده معدوم و متفرق شد سرداری قشون پروس با ولیعهد پروس بود و دو روز دیگر
مارشال ماکماهون با مختصر قشونیکه داشت و زیاده از سی و پنجهزار نمیشد با یکصد هزار قشون پروس بسرداری
ولیعهد پروس مقابلی کرده و تفصیل جنگ و خونریزی ورث چون زیاد معروف است ما بنگارش آن نمیپردازیم مجملا بعد از
این شکست راه مملکت فرانسه برای قشون پروس باز شد پادشاه پروس که تا آنوقت قدم بخاک فرانسه نگذارده بود
وارد شد و شهر استراسبورک را که از قلعه جات سرحدی معظم فرانسه است قشون بادن محاصره نمود و بعد از چندی شهر
متس که یکی از قلعه جات معظم است بسرداری فردریک شارل محصور شد مارشال بازن سردار فرانسه با صد و
بیست هزار قشون در متس متحصن شد و اغلب قلاع فرانسه نیز محصور گردید امپراطور ناپلیون از حوالی متس
بطرف شالون بعقب نشست و عساکر پروس امپراطور را تعاقب میکنند از ابتدای جنگ تا اینوقت از قشون المان
صد و پنجاه هزار مقتول شده و از کار افتاده است لیکن علی الاتصال از ممالک المان کمک میرسد تعاقب ولیعهد
پروس از دو مارشال ماکماهون و اعلیحضرت ناپلیون را از طرف دیگر مامور کردن یکدسته از قشون پروس
بمحاصره پاریس مارشال ماکماهون هر قدر میخواهد بمارشال بازن وصل شده کاری از پیش ببرد نمیشود عقب
نشستن یکدسته از قشون فرانسه با ناپلیون بطرف سدان در مقابل این قشون که امپراطور ناپلیون در آنست شخصا
پادشاه پروس حرکت میکند جنگ سخت و خونریزی زیاد در حوالی سدان زخم منکر برداشتن مارشال ماکماهون

قشون

قشون فرانسه تسلیم و از پنجاه هزار نفر زیاده اسیر شدند اعلیحضرت ناپلیون نیز تسلیم گردید با قشون متوقف قلعه سدان
هشتاد و پنج هزار قشون و چهار صد عراده توپ اردوئی و صد و پنجاه توپ قلعه و ده هزار اسب بچنگ پادشاه پروس افتاد
حبس و اسیر ناپلیون سیم امپراطور فرانسه و فرستادن او را بیکی از قلعجات در حوالی کاسل فرار ولیعهد پسر ناپلیون بجانب ملک
حرکت و وارد شدن فوجی معتبر از قشون پروس بمحاصره پاریس خلع اهالی پاریس ناپلیون و خانواده او را از سلطنت و ایجاد دولت
موقتی نمودن فرار ملکه امپراطریس از پاریس اعلان دولت جمهوری در پاریس برپا شدن نرال تروشو عزل وزرای سابق
و نصب وزرای جمهوری طلب مسافرت مسیو طیر بلندن و وینه و پطرزبورغ و ملتجی شدن بدول مذکوره بجهة مصالحه گری
میانه فرانسه و پروس و مراجعت او بی نیل مقصد شهر ورسایل که در حوالی پاریس است معسکر مخصوص پادشاه پروس
گردید محاصره پاریس از هر سمت تغییر دادن فرانسه ها مرکز دولت را از پاریس بشهر تور آتش گرفتن عمارت سلطنتی سن کلود در
حوالی پاریس تسلیم شدن مارشال بازن با تمام قشون و توپخانه خود و واگذاشتن قلعه متز را به پروسها تصرف قشون
پروس اغلب قلاع و شهرهای شمالی فرانسه را کمال سختی زمستان و سخت گذشتن بمحصورین و نبودن آذوقه در پاریس
تاجگذاری پادشاه پروس در ورسایل که امپراطور تمام مملکت آلمان باشد و اتمام این سال در حالتیکه پاریس هنوز
دربند محاصره است دولت روس میل باطنی خود را در فتوحات پروس ظاهر میسازد و نشان سنت ژرژ که نشان
جنگی دولت روس است از برای سردارهای قشون پروس انفاذ میدارد و با رضایت و اتفاق پروس بعضی از فصول عهدنامه
هزار و هشتصد و پنجاه و شش را که در مجلس کنگره پاریس منعقد نموده بودند بهم میزند دیگر فرانسه نیست که حامی و حارس
عثمانی و ضامن آن عهدنامه باشد و در نقاطیکه در سواحل قرادکیز ممنوع بود قلعه بسازد بعد از این خواهد ساخت
و مستحکم خواهد نمود چون دولت پروس و اطریش تمکین این خیال روس را کردند دولت انگلیس هم لابد تمکین نمود مراوده
رجال دولت جمهوری که در شهر تور متوقف بودند با اهالی پاریس بواسطه بالون و کبوتر حامل کاغذ بود از کمی آذوقه طوری
بمحصورین پاریس سخت شده بود که زیاده از سیر گوشت اسبان در یکشبانه روز قسمت یکنفر نمیشد رفتن اجزای
دولت جمهوری موقتی از شهر تور بشهر برد و مصمم شدن اهالی فرانسه برای جهاد (انگلیس) فوت لرد کلارندن
وزیر امور خارجه در سن هفتاد سالگی و نصب لرد گرانویل بجای او و دولت انگلیس جد کامل برای منع منازعه مابین فرانسه
و پروس نموده ولی مثمر ثمر نشد یکی از کشتیهای دولتی در سمت غربی اسپانیا با پانصد نفر آدم که در آن بود غرق شد (ایطالیا)
بمحض اینکه اعلان جنگ مابین فرانسه و پروس میشود با وجود اینکه پاپ در مجلس شورای بزرگ و کشیشها و قسیسین اثبات
معصومیت خود را نمود چون از تحت حفظ و حمایت سلطنت فرانسه خارج شد و این دولت بواسطه جنگ با پروس مشغول گردید
و عساکر خود را از رومه طلبید پادشاه ایطالیا بدون مخاصمه زیادی از طرف عساکر پاپ رومه را متصرف گردید کوه معروف بسنی
که حد وسط مابین فرانسه و مملکت ایطالیا است و سیزده سال تمام بود که آن کوه را سوراخ میکردند در اوایل زمستان
اینسال باتمام رسیده کالسکه های راه آهن از دو مملکت از این سوراخ کوه عبور و مرور میکند (دانمارک) تعداد نفوس
تمام این مملکت در اینسال یک کرور و دویست و هشتاد و سه هزار و پانصد و شصت و پنج نفر رسیده است (عثمانی)
اجازه دادن اعلیحضرت سلطان که هنگام شب کشتی از هر دولتی باشد بدون ممانعت وارد بوغاز بسفر و داردانل شود
یانغین سخت در اسلامبول در محله ارامنه و فرنگیها که دو هزار و دویست نفر تلف شدند و شصت هزار نفر بیخانمان ماندند شورش
اعراب در حوالی نجد (یونان) تعداد نفوس اینمملکت در این سال دو کرور و چهارصد و پنجاه و هفت هزار و هشتصد
و نود و چهار نفر میباشد

امریکا

امریکا (اتاتونی) تعداد نفوس اهالی اتاتونی هفتاد و هفت کرور و چهل و شش هزار نفر میباشد چهار ده شهر
در اتاتونی هست که هر شهری علاوه بر صد هزار سکنه دارد

سنهٔ ۱۲۸۸ هجری **سنهٔ ۱۸۷۱ مسیحی**

آسیا (ایران) در اوایل این سال خیر مآل رای صواب نمای ملوکانه بر این علاقه یافت که شاهزادگان عظام و وزرای
کرام مشغول در ذیل هفته در روز که روز شنبه و سه شنبه باشد در دار الشورای کبری حضور بهمرسانیده در مهام ملکی
مشاوره نمایند (نواب موید الدوله) (نواب ملک آرا) (نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم) (نواب والا نصرة الدوله
وزیر جنگ) (مجد الدوله) (جناب موتمن الملک میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه) (جناب میرزا حسینخان مشیر
الدوله وزیر عدلیه و وظایف و اوقاف) (جناب نظام الملک) (جناب قوام الدوله) (غلام حسینخان سپهدار)
(جناب دبیر الملک) (دوستعلیخان معیر الممالک) (جناب علاء الدوله) (پاشاخان امین الملک) (جناب ناصر
الملک) (جناب حسینعلیخان وزیر مختار) جناب علاء الدوله نسقچی باشی بمنصب جلیل فراشباشیگری سرافراز شد
ادارهٔ روزنامه جات دولت علیه و دار الطباعه های ممالک محروسه دار الترجمهٔ دولتی را بر بندهٔ مؤلف واگذار و روز
نامه دولتی را باسم ایران موسوم فرمودند حکمرانی خراسان را علاوه بر حکومت یزد بر عهدهٔ کفایت نواب حسام السلطنه
موکول داشتند امیرزاده محسن میرزا بمنصب میرآخوری سرافراز کردید غلامحسینخان سپهدار حکومت قزوین یافت
حکومت مازندران را بجناب عضد الملک مرحمت فرمودند حکومت عراق و کره بجناب معتمد الملک تفویض شد حکومت
شاهرود و بسطام و یزدین را با مین خلوت میرزا هاشمخان واگذار فرمودند پاشاخان امین الملک بمنصب وزارت حضرت
شاهنشاهزاده اجل اعظم نایب السلطنه و پیشکاری دار الخلافه برقرار کردید ادارهٔ چاپارخانهای کل ممالک محروسه را
بمیرزا علیخان منشی حضور (جناب امین الدوله) سپردند دفتر لشکر که مجزی از اداره وزارت جنگ بود باین اداره ملحق
کردید جناب میرزا یوسف مستوفی الممالک از وزارت اول و وزارت مالیه استعفا نمود محاسبات کل ممالک محروسه را
بعهدهٔ جناب نظام الملک میرزا کاظمخان موکول و معزی الیه را بخلع فرمودند و میرزا داودخان برادر معزی الیه نیابت ایشان
برقرار کردید حکیم الممالک پیشخدمت خاصه ناظم دفترخانه مبارکه شد جناب دبیر الملک بوزارت رسایل مخصوصهٔ همایونی
که منسوب بآن بود سرافراز کردید عمل جنس ممالک محروسه را بکفالت حاجی میرزا محمدخان مجد الملک واگذار فرمودند مملکت
آذربایجان را بعد از فوت عزیزخان سردار کل بحکمرانی حضرت اجل اعظم ولیعهد دولت ایران و پیشکاری امیر نظام
لشکر میرزا فهرمان ابقا فرمودند امیرزاده عبد الحمید میرزا مامور خدمات نظامی آذربایجان شد محمد علیخان زین دار باشی
بلقب امین السلطنه سرافراز آمد جناب حاجی میرزا جواد مجتهد تبریزی که چندی در نجف اشرف متوقف بود انفراد مستحفظ
همایونی امام جمعه آذربایجان کردید محمد قاسمخان والی بوزارت حضرت شاهنشاهزاده اکرم افخم ظل السلطان حکمران فارس
سرافراز شد میرزا هاشمخان امین خلوت از اجزای دار الشورای کبری کردید جناب حسنعلیخان وزیر مختار سابق فرانسه
مامور بوزیر مختاری اسلامبول شد منصب خوانسالاری بعهدهٔ کفایت عضد الملک مهردار و حکمران مازندران واگذار
کردید امین السلطان بمنصب صاحب جمعی سرافراز شد میرزا علیخان سرهنگ بحمایل و نشان از درجه سیم سرتیپی نایل آمد
حکومت کاشان را علاوه و مشاغل و مناصب میرزا هاشمخان امین خلوت فرمودند مجلس شورای نظامی مجددا برقرار شد
میرزا مهدیخان ولد مرحوم میرزا محمدخان سپهسالار اعظم بلقب اعتضاد الدوله ملقب و بر حسب استدعای معزی الیه منصب
کشیکچی باشیگری را بمحمد میرزا ولد معزی الیه مرحمت فرمودند امیرزاده بدیع الملک میرزا ولد نواب عماد الدوله بحکومت لرستان

ونشان وحمایل از درجهٔ دویم سرتیپی سرافراز شد میرزا محمد خان پیشخدمت خاصه ولد امین خلوت بمنصب تفنگدار باشیگری
برقرار کردید روز دوشنبه سیم ماه صفر امیر اصلان خان مجد الدوله بجوار رحمت الهی پیوست حکومت عربستان وبروجرد را
علاوه بر عراق وکره بجناب معتمد الملک مرحمت فرمودند حاجی میرزا محمد خان مجد الملک در سلک وزرای دار الشوری
منسلک گردید عبد العلیخان ادیب الملک پیشخدمت خاصه بحکومت گلپایگان وخوانسار سرافراز شد حکومت
اصفهان را علاوه بر حکمرانی خراسان بنواب حسام السلطنه واگذار فرمودند وامیرزاده ابو الفتح میرزا مؤید الدوله
با پیشکاری میرزا محمد حسین ناظم الملک روانهٔ اصفهان گردید حاجی میرزا رضای کدخدا منصب وکیل الرعایائی یافت
بعد از فوت مرحوم فرخ خان امین الدوله میرزا هاشمخان امین خلوت ملقب بامین الدوله گردید ومیرزا محمد خان
تفنگدار باشی ولد میرزا هاشمخان امین خلوت ملقب با منصب حکومت یزد را با میرزا دوستمحمد خان ولد معیر الممالک واگذار
فرمودند میرزا محمد علیخان سرتیپ که مدتی کارپرداز بمبئی بود ملقب بمعین الوزاره وبنیابت حکومت گیلان سر
افراز شد میرزا هاشمخان امین الدوله منصب وزارت حضور یافت در این آن جودن برای دروازه خیابان باب همایون
ریخته اند که کمال امتیاز وتعریف را دارد واین اول بنیانی چرخ بخار است که در کارخانهٔ دار الخلافه دایر گردیده
میرزا اسد الله خان کارپرداز تفلیس بیک قطعه نشان شیر وخورشید از درجهٔ سرتیپی دویم وحمایل آن سرافراز
شد میرزا اسحق خان کارپرداز سابق ارزنة الروم بمنصب کارپردازی اول ماورای اقامت بغداد گردید وباعطای
یک قطعه نشان وحمایل از درجهٔ دویم سرتیپی سرافراز شد حیدر قلیخان سهام الدوله ایلخانی سردار کل خراسان
ایشان سردار ترکمان را با هفتصد نفر سواره ترکمان خیوه که بعزم دستبرد حدود خراسان آمده بودند مقتول
نموده معدودی از آنها فرار کردند نواب صارم الدوله علیقلی میرزا که بدربار همایون احضار شده بود بحکومت نهاوند
ومضافات برقرار گردید محمد علیخان سرتیپ نزال اجودان بسرتیپی فوج نظمیهٔ دار الخلافه که بمنزلهٔ پلیس است سرافراز
شد نواب جلال آرا بمنصب کشیکچی باشیگری برقرار آمد جناب معتمد الملک بمنصب وزارت مخصوص مفتخر گردید در
خراسان کارد سعیر غله بالاگرفته است بنده مؤلف بلقب صنیع الدوله وصد ورد ستخط همایون سرافراز گردید
میرزا زکی ضیاء الملک بحکومت عربستان وبختیاری سرافراز آمد رضا قلیخان لله باشی امیر الشعراء متخلص بهدایت
در اواسط ربیع الثانی برحمت ایزدی پیوست میرزا زمان مستوفی نوری بدرجهٔ اول منصب استیفا مفتخر آمد
دیوانخانهٔ عدلیهٔ عظمی بوزارت مشیر الدوله کمال نفوذ را یافته وحکمی در این اداره معطل وغیر مجری نمیماند ابو الحسنخان
ولد امیر حسینخان شجاع الدوله زعفرانلو حاکم قوچان تدمیری بسزا از تراکمه که قصد تاخت وتاراز بان وآن حدود را
داشتند اند نمود میرزا عبد الوهابخان نایب الوزاره که در ماموریت خارجهٔ آذربایجان وحکومت گیلان خدمات
نمایان نموده بلقب جلیل نصیر الدوله ملقب گردید دار الترجمهٔ مرکب از مترجمین السنهٔ خارجه برقرار وبندهٔ مؤلف
بریاست این مجلس مأمور ومباشر آمد امیرخان ولد محمد صالح خان کردبچه سرتیپ پیر کردکی سواره کردبچه برقرار گردید
حکومت همدان را علاوه سایر مشاغل ومناصب جناب علاء الدوله فرمودند بعد از فوت مرحوم میرزا محمد حسین ناظم الملک
حسینقلیخان مافی به پیشکاری اصفهان سرافراز شد میرزا حبیب الله ولد مرحوم میرزا شکر الله لشکرنویس بمنصب لشکر
نویسی مفتخر گردید جناب میرزا فتحعلیخان صاحبدیوان به پیشکاری آذربایجان ووزارت حضرت شاهنشاهزادهٔ
اعظم ولیعهد دولت علیهٔ ایران مباهی شد امیرزاده ابراهیم میرزا حاکم بروجرد احتشام السلطنه لقب یافت محمد
تقی خان سرتیپ ملقب بشجاع السلطنه گردید مرتضی قلیخان وکیل الملک حکمران کرمان وبلوچستان بعطای نشان

تمثال همایون مفتخر گردید چون اعلیحضرت امپراطور روس بسمت تفلیس تصمیم عزم داده اند اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه
برای تبریک وصول اعلیحضرت امپراطوری بآن حدود نواب حشمة الدوله امیرجنگ را با جمعی از صاحبمنصبان بزرگ و نامدار مهم
علامرد وانه تفلیس فرمودند این اوان دوم رتبه در تبریز بسبیل آمده است مبلغ چهار هزار تومان نقد و یکصد و پنجاه خروار جنس
در هذه السنه بر عینت قیمت ای تخفیف دادند همچنین ششهزار و هفتصد تومان بعضی زمینهای دارالخلافه تخفیف مبذول
فرمودند میرزا فتح الله خان سرهنگ از متعلمین مدرسه دارالفنون بمعلمی کل افواج توپخانه قاهره برقرار گردید میرزا یوسفخان
مستشار وزارت علیه برتبه سرتیپی اول خارج از قشون و حمایل و نشان شیر و خورشید از آن رتبه سرافراز آمد در زمستان
تنبیه شدید طایفه ترکمانیه باهتمام سهام الدوله ایلخانی و قتل و اسر اکثری از ترکمانان روز سیزدهم رجب که عید مولود مسعود
حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب سلام الله علیه است سلام عام منعقد و ذات ملکوتی صفات همایون در تالار تخت مرمر
بسریر خسروانی جلوس فرموده و در همین موقع سلام جناب مشیرالدوله حاجی میرزا حسینخان را ملقب بسپهسالار اعظم و بمنصب
وزارت اعظم عسکریه سرافراز فرمودند و هم در این روز مبارک معیر الممالک وزیر خزانه عامره را بلقب نظام الدوله و بمنصب وزارت
مالیه ممالک محروسه ایران مفتخر فرمودند حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ظل السلطان حکمران فارس که احضار بدربار همایون
شده بودند روز پانزدهم رجب وارد دارالخلافه شدند در دراه عربستان حسب الامر بعضی قلعه ها و استحکامات ساختند
مسیو بلشارژ دافر فرانسه مامور اقامت دربار دولت علیه وارد دارالخلافه و بحضور همایون مشرف شد حاجی ظهیرالدوله
ایشیک آقاسی باشی بوزارت علیه سرافراز گردید و فقرای اطراف که بواسطه خشکسالی بدارالخلافه آمده بودند همه را
در قلعه نصرت آباد جمع کرده قوت یومیه برای آنها مقرر داشتند همچنین اطفال فقرا که بی معین و پرستار بودند بجهة
هر یک لباس نظامی ترتیب داده و در مدرسه مخصوص بجهة ایشان اخراجات معین کرده بریاست و مراقبت میرزا حسینخان
کارپرداز مشغول بتحصیل آداب و علوم هستند جشن عروسی حضرت اجل اعظم والا نایب السلطنه امیرکبیر که صبیه نواب حسام
السلطنه عم اعلیحضرت همایون شهریاری را بعقد ازدواج حضرت معظم درآوردند در ماه شعبان اینسال بود یکقبضه
شمشیر مکلل بالماس که ده هزار تومان قیمت داشت بجناب سپهسالار اعظم مبذول و مرحمت فرمودند حاجی سعدالدوله قنبر
علیخان بمنصب امیر تومانی سرافراز گردید روز بیست و نهم شعبان اینسال جناب حاجی میرزا حسینخان سپهسالار اعظم را
بمنصب بزرگ صدارت اعظمی دولت علیه برقرار و منصوب فرموده یکثوب جبه ترمه شمسه مرصع که از لباسهای خاص همایون
بود با دستخط مبارک که حاوی شرح دستورالعمل صدارت عظمی بود بتوسط جناب معتمدالملک وزیر مخصوص بافتخار جناب معظم
اعطا و ارسال نمودند محمد مهدیخان اعتضادالدوله ایلخانی که ایل جلیل قاجار سرافراز شد امین حضور پیشخدمت خاصه
خان نصر فجیب همایون گردید حکومت سمنان و دامغان را بعهده ادیب الملک پیشخدمت خاصه واگذار فرمودند جناب مسیو الیسن
وزیر مختار دولت انگلیس مسیو ابلیر را که از طرف دولت انگلیس بسمت قنسولگری مامور توقف دربار همایون است بحضور
مبارک آورده معرفی نمود عبدالحسینخان سرهنگ پسر مرحوم اعتمادالسلطنه در سن سی و هفت سالگی بمرض مطبقه و محرقه
برحمت ایزدی پیوست نواب حشمة الدوله امیرجنگ که بجهة تهنیت مقدم اعلیحضرت امپراطور روس وارد شده بود سلخ ماه تفلیس
شعبان مراجعت بدارالخلافه نمود حاجی محسنخان وزیر مقیم دولت علیه مامور اقامت دربار دولت انگلیس باعطای لقب و منصب
وزیر مختاری سربلند گردید این اوقات امتحانی از متعلمین مدرسه مبارکه دارالفنون نموده هر یک از معلمین و متعلمین و مترجمین
را بعطای منصب و اضافه مواجب و انعام و خلعتی که لایق شناختند سرافراز فرمودند شخص اعتضادالسلطنه وزیر علوم را یک
قطعه کل کمر الماس و جعفرقلیخان رئیس مدرسه را نشان و حمایل سرتیپی اول و مسیو ریشار معلم را لقب خانی و میرزا علی اکبر کاشانی را

لقب

لقب نقابت باشی‌گری اعطا فرمودند حاجی محمدکریمخان کرمانی از اجلّهٔ علمای شیخیه در راه عتبات عالیات برحمت الهی رفت رجب
نواب آقا محسن میرزای امیرآخور محمدحسین میرزای ولد مغزی‌الیه بمنصب میرآخوری منصوب شد ماهی چندین هزار تومان
از دولت بفقرا و ضعفا بتکدی بواسطهٔ قحطی از اطراف ممالک محروسه پناه بدارالخلافه آورده اند مرحمت میشود و مجلس اعانه
برقرار شده است رجال دولت نیز بقدر الامکان دستگیری و احیای نفوس فقرا را مینمایند فوج نظام را باللهیارخان سرتیپ
فوج و سواره خرقانی واگذار فرمودند میرزا حسنخان منشی تبریزی از اجزای سابق سفارت کبرای اسلامبول بمنصب منشی‌باشی‌گری
صدارت عظمی نایل آمد حکمرانی دارالخلافهٔ طهران را مستقلاً بعهدهٔ کفایت حضرت شاهنشاهزادهٔ اعظم نایب السلطنه امیرکبیر
تفویض فرمودند و پیشکاری حضرت معظم و وزارت دارالخلافه محوّل بمیرزا عیسی وزیر گردید حکومت سوادکوه را ضمیمهٔ حکومت
مازندران نموده بجناب عضدالملک مرحمت فرمودند ریاست قراولی وجود مسعود همایون که با فوج سوادکوهی است خاص جناب
مستطاب صدر اعظم گردید محمودخان سرتیپ قومی با اعطای یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجهٔ ثالثه خارجه سرافراز و
بمهمانداری سفرا که از سمت گیلان بدربار معدلتمدار می‌آیند برقرار گردید میرزا ابوالقاسم معین الملک متولی‌باشی حضرت رضوی
سلام الله علیه در رمضان اینسال مرحوم شد حاجی سلطان محمد میرزای سیف الدوله بتولیت آستانهٔ مقدسهٔ حضرت رضوی
علیه السلام سرافراز گردید از ابنیهٔ معتبرهٔ دولتی یکی خیابان الماسیه موسوم بباب همایون است که بتوسط جناب علاء الدوله
و دیگری ابنیهٔ نجار است که بتوسط جهانگیرخان سرتیپ اجودانباشی قورخانه تمام اسباب آلات قورخانهٔ دولتی ساخته
در اینسال باتمام رسیده است ادارهٔ باغات مبارکات سلطنتی را تماماً بامین حضور پیشخدمت خاصه واگذار فرمودند نواب
الله قلیخان ایلخانی که سالها در خارجه بسر میبرد برحسب حکم جناب مستطاب صدر اعظم احضار بدارالخلافه شده در شهر
ذیقعده باستان مبارک آمد عبدالرسولخان سرتیپ بحکومت ملایر و تویسرکان سرافراز شد محمدحسنخان پیشخدمت خاصه
بتحویلداری نظام گردید جناب معتمد الملک بمنصب جلیل سرکشیکچی‌باشیگری مباهی آمد نواب جهانسوز میرزا سرتیپ اول بحکومت
شاهرود و بسطام مفتخر گشت پاشاخان امین الملک بوزارت جلیلهٔ علیهٔ عظمی منصوب گردید حاجی میرزا علی مشکوة الملک
بحکومت همدان سرافراز شد (چین) معاهده مابین چین و ژاپن در الفت و دوستی (ژاپن) ایجاد مدرسهٔ دارالفنون
برای تعلیمات علوم فرنگی در پای تخت اروپا (اطریش) تفویض وزارت خارجه بکنت اندراسی که یکی از اهالی مجارستان است
(المان و فرانسه) پذیرائی رسمی پادشاه پروس در قصر سلطنتی ورسایل حوالی پاریس در اول عید فرنگیان که مقارن اواسط
زمستان است محاصرهٔ پاریس و قلعه‌جات اطراف آن باکمال شدت بیست و یکروز تمام ناریخت توپخانهٔ پروس بشهر پاریس میبارید
تفویض امپراطوری تمام ممالک المان بمیل اهالی آن مملکت بپادشاه پروس و تاجگذاری ایشان اهالی شهر پاریس یعنی جمهوری طلبان
بعلت در صدد انهدام و حرق دار الحکومهٔ شهر پاریس هستند مراودهٔ مسیو ژول فاور با مسیو بیزمارک در ورسایل و خواهش
متارکه نمودن از مسیو بیزمارک و قبول او بشرط اینکه اهالی فرانسه وضع دولت معینی اختیار کنند انتخاب وکلای ملت در ولایات
فرانسه برای تقسیم قشون در پاریس بتوسط عساکر المان وجهه نمودن امپراطور المان اهل شهر پاریس را بچهل کرور تومان ایران
عدهٔ عساکر یکه در اینوقت دولت المان در خاک فرانسه حاضر کرده بودند نهصد و شصت هزار مرد و دویست هزار اسب
بود و از ابتدای جنگ تا کنون صد و هفده هزار و بیست و نه نفر از قشون المان تلف شده بودند هفتاد و نه بیرق و پنجهزار و هشتصد و
هفده توپ و صد و هفتاد و یکعراده توپ میترالیز و چهارصد هزار اسیر از قشون فرانسه بتصرف عساکر المان در آمده بود
تعیین وضع دولت جمهوری در مملکت فرانسه بریاست مسیو طیر نصب مسیو ژول فاور بوزارت خارجه و گفتگوی او با مسیو بیزمارک
بجهة عمل مصالحه بالاخره در بیست و ششم فوریه امضای عهدنامهٔ مصالحه از طرفین در ورسایل شد بشروط مفصلهٔ ذیل

اولا واگذاشتن ایالتین الساس و لرن بامپراطور المان ثانیا معادل هزار کرور تومان ایران خسارت جنگ دادن ثالثا طعام
متس و استراز بورگ را ملک طلق دولت المان دانستن بعد از انعقاد مصالحه جمیع سلاطین کوچک المان از ممالک فرانسه معاودت
باوطان خود نمودند امپراطور المان نیز در کریها بعد از اینهمه فتوحات نمایان ببرلن پای تخت خود وارد گردید و ناپلیون سیم امپراطور
سابق فرانسه را از حبس خلاصی داده بسمت انگلیس روانه گردید و در قصر اسلیش هورس حوالی لندن اقامت جست افتتاح مجلس
پارلمنت المان بتوسط امپراطور بشخصه دادن لقب شاهزادگی بمسیو بیزمارک از طرف اعلیحضرت امپراطور المان واگذاشتن
دولت المان اختیار عساکر بری و بحری خود را بامپراطور جدید گیلیوم پادشاه پروس جمعیت تمام ممالک المان در این سال هشتاد
و دو کرور و صد و هفت هزار و هشتصد و چهل و نه نفر است (انگلیس) در مجلس وکلای دولت لرد گرنویل وزیر امور خارجه چندان
اهمیتی برای خیالات دولت روس در اینکه دریای سیاه برای عبور و مرور کشتیها او آزاد شود قرار ندادند که فی الواقع یکی از
فصول عهدنامه موسوم بپاریس که بعد از جنگ قرم منعقد شده بود دولت روس باطل میسازد ناخوشی سخت ولیعهد دولت
انگلیس در زمستان این سال تعداد نفوس جزیره انگلیس در این سال بشصت و سه کرور و سیصد و هفده هزار و صد و هشت
نفر رسیده است (ایطالیا) ورود ولیعهد این دولت و زوجه او بشهر رومه توطن نمودن در این شهر تعهد نمودن پادشاه
ایطالیا که مداخله در اقتدار روحانی پاپ ننماید و در سال سیصد و بیست و دو هزار و پانصد تومان از خزانه دولت مواجب
خود پاپ برقرار کردند لکن پاپ قبول ننمود ورود پادشاه ایطالیا بشهر رومه در تابستان و این شهر را پای تخت دولت ایطالیا نمودن
و در قصر کیرینال که از پاپها بود منزل کردن افتتاح راه آهن مونسنی که بکشیدن از کوه آلپ را سوراخ نموده بطور دالان و راه آهن
مملکت فرانسه را براه آهن مملکت ایطالیا اتصال دادند طول دالان مزبور دوازده هزار و دویست و بیست ذرع است و عرض
آن بقدر یک کالسکه میرود و یکی میآید (روس) مراوده تلگرافی بین دولت با ژاپن از ژاپن تا پطرزبورغ یازده هزار هزار
ذرع مسافت است و اول مخابره که از ژاپن بپطرزبورغ رسید در مدت ده ساعت و پنج دقیقه بود جمعیت مملکت روس در این سال
بصد و شصت و چهار کرور نفر رسیده است (عثمانی) فوت عمر پاشا سردار اکرم فوت عالی پاشای صدر اعظم اقتدار کامل
سفیر روس جنرال اکناتیف در اسلامبول اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان خیال دارد که برخلاف قانونی که در سلسله جلیله
سلاطین عثمانیه است که ولایت عهد باارشد اولاد میرسد مراد افندی ولد عبدالمجید خان مرحوم را که ولایت عهد با او است خلع نماید و
پسر سیزده ساله خود عزالدین افندی را ولیعهد سازد (فرانسه) بعد از معاودت قشون المان از اطراف پاریس ورود
وکلای ملت و رئیس جمهوری جدید بورسایل جمعی از جمهوری طلبان سخت در پاریس اسم خود را کمونیست گذاشته برضد این
دولت جمهوری بریاست مسیو طیر که در ورسایل است مردم شهر پاریس را اغوا نموده اغلب ابنیه عالیه شهر را مثل عمارت سلطنتی
تویلری دار الحکومه و عمارت وزارت مالیه و دار الشورای خاصه و عمارت وزارت عدلیه و غیرها را آتش زده و چند نفر از معارف
را که یکی از آنها کشیش بزرگ پاریس بود بقتل رسانیدند تفویض سپهسالاری کل عساکر فرانسه بمارشال ماکماهون
خراب کردن کمونیستها خانه مسیو طیر را در شهر جنگ سخت کمونیستهای شهری با قشون دولتی غلبه قشون دولتی بر ایشان
و گرفتن سی هزار نفر اسیر از آنها وکیل نمودن جمعی از رعایا دو نفر از شاهزادهها اولاد لوئی فیلیپ پادشاه سابق فرانسه را
فوت الکساندر دوما نویسنده و شاعر معروف در سن شصت و هشت سالگی زمستان سخت این سال در پاریس که نود سال
بود زمستانی باین سختی ندیده بودند نود و دو هزار نفر از اهالی فرانسه در جنگ پروس کشته شدند و تقریبا همینقدر
در ایام اسیری از گرسنگی و بیچارگی تلف شدند علاوه بر یکهزار کرور وجه نقدی که دولت فرانسه متقبل شد که بدولت المان
تسلیم کند معادل هزار کرور تومان نیز مخارج جنگ ایالتی و خسارات دیگر برآورد شد سه کرور و نود و هفت هزار و دویست و بیست

هشت نفر سکنه الساس ولرن از بیعت فرانسه خارج شده جزو دولت المان شدند **امریکا** (اتازونی) شهر شیکاگو که
سیصد و ده هزار سکنه داشت در مدت پنجشبانه روز علی الاتصال مشتعل و بواسطه یافتن سیحی محترق و بیشتر از پانصد
نفر آدم تلف شده و زیاده از صد کرور تومان ایران خسارت بمردم وارد می آید (برزیل) مسافرت امپراطور و امپراطریس
بممالک فرنگ و تفویض نیابت سلطنت در زمان غیبت ایشان بدختر امپراطور (پرو) در مملکت پرو یکشهری موسوم
بهوپ بواسطه طغیان آب معدوم گردید مصالحه مابین پرو و اسپانیا بوساطت دولت برزیل

سنه ۱۲۸۹ هجری — سنه ۱۸۷۲ مسیحی

آسیا (ایران) از بدو این سال خجسته مآل بمیامن اقبال بی زوال همایونی اسباب مزید ترقی و انتظام در کار دولت فراهم است
حکومت خمسه را بنواب والا محمد تقی میرزا رکن الدوله مرحمت فرمودند حکومت قزوین را بنواب الله قلی میرزا ایلخانی مفوض
داشتند بلده حاجی واقع مابین استرآباد و آق قلعه را باکمال استحکام ساختند اداره و نفقه دولتی را باین چاکر سپرده و
باعطای یکقطعه کل کمر سرافراز فرمودند محمد کاظم خان ولد مرتضی خان قاجار منصب سرتیپی سیم یافت قاسمخان والی
حکمران فارس شب یازدهم محرم بمرض حصبه درگذشت جلال الدین میرزا ولد خاقان مغفور (فتحعلی شاه) مرحوم شد
علینقلی میرزا صارم الدوله ولد نواب عماد الدوله وفات نمود جناب آقا عبدالله مجتهد کرمانشاهانی برحمت الهی پیوست
کلب حسینخان امین نظام داعی حق را لبیک اجابت گفت حکومت کرمانشهان و توابع را بعهده نواب مؤید الدوله واگذار
فرمودند حکمرانی خوزستان و لرستان را بنواب حشمة الدوله حمزه میرزا امیر جلیل مرحمت فرمودند چون جناب مستطاب
صدراعظم جشن مولود همایون را در دو شب و یکروز در ایام ماکان با جلوه و شکوه گرفتند و مبلغ پانزده هزار تومان
بمخارج این جشن سعید رسانیدند پاس خدمات جناب معظم را یکعدد قلمدان طلا مکلل بالماس بریلیان بجناب معظم مرحمت
فرمودند حکومت بروجرد و توابع بعهده نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم مرحمت شد حکومت ایالت گیلان را
بدوستعلیخان نظام الدوله وزیر مالیه تفویض فرمودند توجه سردار ترکمان که با دو هزار سوار تراکمه بعزم تاخت
و تاز بسرحدات خراسان آمده بود خود او و اکثری از همراهانش مقتول و اسیر سپاه منصور شدند مستر الیسون وزیر
مختار دولت انگلیس در دار الخلافه طهران وفات نمود رکیبخانه مبارکه را بعهده غلام حسینخان پیشخدمت خاصه
واگذار فرمودند امر کشیکخانه مبارکه و منصب جلیل کشیکچی باشیگری را بجناب علاء الدوله واگذار نمودند میرزا صادق
قایم مقام که چند سال بود بناخوشی فلج و امراض دیگر مبتلا بود در این اوان برحمت الهی پیوست در ماه ربیع الاول
اینسال راپورتی جناب مستطاب صدراعظم بجهة بعضی تغییرات و ابداع رسوم جدیده نوشته موشح و ممضی بامضای
همایونی داشتند منصب ایلخانی گری ایل جلیل قاجار را بنواب والا عز الدوله عبدالصمد میرزا مرحمت فرمودند محمد تقیخان
افشار پیشخدمت خاصه که اصطبل توپخانه مبارکه نیز بعهده معزی الیه است بلقب حاجب الدوله و منصب فراشباشیگری
برقرار و باعطای یکقبضه عصای مرصع سرافراز گردید نواب ملک آرا ولد خاقان مغفور (فتحعلی شاه) برحمت الهی رفت
حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ظل السلطان حکمران فارس باعطای یکقطعه نشان امیر نویانی از درجه اول
مباهی گردید بمراجعت بمقر حکمرانی فرمودند محمد صالح خان سرتیپ کردبچه مرحوم شد میرزا مصطفی قلیخان مستوفی نوری
درگذشت میرزا سید اسمعیل کلانتر سابق که زیاده از هفتاد سال داشت وفات نمود جناب ناصر الملک محمود خان
رئیس مجلس شورای عسکریه بمنصب امیر تومانی سرافراز شد میرزا فضل الله نوری وزیر نظام سابق که تقریباً هشتاد
سال داشت مرحوم شد میرزا رضای نجم الملک نیز برحمت ایزدی پیوست مرحومین اینسال اغلب بمرض حصبه که بعد از

غلا برو ذکر کرده بود مبتلا بوده اند حکومت اردبیل را بمحمد حسینخان سرتیپ شاهسونی محول فرمودند جناب اشرف پاشا
وزیر مختار دولت عثمانی مامور اقامت دربار دولت علیه در عشر آخر ربیع الثانی وارد دار الخلافه شده بحضور مبارک
تشرف جستند و در غره جمادی الاولی موکب همایون عزیمت ییلاق لار فرمود جناب آخوند ملا زین العابدین مجتهد کلپایکانی
که هشتاد سال از سنشان گذشته بود بجوار رحمت الهی پیوستند حاجی میرزا رحیم پیشخدمت و ناظم دفترخانه مبارکه مرحوم
شد امسال برخلاف سال قبل آبها زیاد زراعتها خوب محصولات وافر انواع نعمتها وارزاق فراوان وارزان و قاطبه
مردم مرفه و شاکر هستند قتل و اسر و نهب طایفه ترکمن طاغیه در حدود خراسان راه آن آمل بدار الخلافه را بامر
همایون ملبسازند میرزا ملکم خان ناظم الملک لقب یافت بشیرخان آغا باشی مرحوم شد و حاجی آغا جوهر بمنصب
خواجه باشیگری سرافراز شد موکب همایون از لار تشریف فرمای ساحت نور و کجور و ساحل دریای خزر شده مراجعت
بشهرستانک فرمودند محمد حسینخان ولد محمد تقیخان حاجب الدوله بمنصب پیشخدمتی حضور همایون سرافراز و محمد خان
ولد دیگر حاجب الدوله بنیابت معزی الیه بریاست اصطبل توپخانه مبارکه برقرار آمد بیوکخان سرتیپ اول افشار ملقب باقبال
الملک ملقب شد نواب نیرالدوله ولد مجدالدوله بحکمرانی ترشیز برقرار گردید عبدالباقیخان افشار مجددا بحکومت جام و باخرز نایل آمد
عبدالله خان ولد جناب علاء الدوله بمنصب قوللر آقاسی باشیگری مفتخر گردید محمد حسنخان ولد اکبر جناب علاء الدوله
بمنصب نسقچی باشیگری سرافراز شد میرزا کاظم گیلانی که از فحول حکما و اطبا است بلقب ملک الاطبائی سربلند آمد حضرت
شاهنشاهزاده اجل اعظم ولیعهد دولت علیه ایران سلطان مظفرالدین میرزا دام الله اقباله العالی که احضار
بدار الخلافه شده بودند روز هشتم شعبان وارد شدند موکب همایون روز چهاردهم شعبان تشریف فرمای عمارات
سلطنتی دار الخلافه گردید و در این روز یکثوب جبه ترمه و دو مروارید شمسه مرصع بجناب مستطاب مشیرالدوله صدر اعظم
مرحمت و اعطا فرمودند میرزا ملکم خان ناظم الملک مستشار صدارت عظمی بنشان تمثال همایون درجه افتخار یافت
مکتب تجارتی از برای تحصیل السنه خارجه و علوم متنوعه باهتمام مؤلف دایر شد ناظم الملک میرزا ملکم خان بوزارت
مختار روم مأموریت باقامت لندن و اعلان عزیمت موکب اعلا در سال آینده بفرنگستان در نیمه رمضان روانه فرنگستان
شد کنت طولوزان فرانسوی حکیمباشی مخصوص اعلیحضرت همایون که موقتا رخصت مسافرت بفرانسه یافته بود
این اوقات معاودت کرده بخاکپای همایون مشرف و بیکقوطی انفیه دان مرصع بالماس سرافرازی حاصل نمود جناب
حسنعلیخان که سابقا از جانب دولت علیه در فرانسه و بعد در اسلامبول وزیر مختار بودند بوزارت فواید عامه
منصوب گردیدند حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم کامکار ولیعهد دولت ابد آیت را بیکقطعه نشان از درجه اول
امیر نویانی مکلل بالماس برلیان قرین اعزاز فرموده و پس از رخصت ملوکانه معاودت بمقر حکومت آذربایجان فرمودند
جناب اشرف پاشا وزیر مختار دولت عثمانی بباب عالی احضار و جناب منیف افندی بجای او برقرار گردید و حین روانگی
اشرف پاشا جناب معزی الیه را بنشان اول شیر و خورشید و حمایل سبز و عطای یکقطعه قوطی انفیه مکلل بالماس با طغرای
ملوکانه مباهی فرمودند و قوطی مزبور صله قصیده غرائی بود که در مدح اعلیحضرت همایون انشا کرده بود حاجی
شهاب الملک امیر توپخانه مبارکه بحکومت خراسان سرافرازی حاصل نمود در اوایل ماه ذیقعدة الحرام لایحه جناب
مستطاب مشیرالدوله صدر اعظم در باب تشکیل دربار اعظم نوشته بعرض حضور همایون رسانیدند و صورت آن لایحه
بدستخط مبارک موشح گردید و در آن لایحه ترتیب و تعداد وزارتخانهای دربار دولت از اینقرار بود (وزارت
داخله) (وزارت خارجه) (وزارت جنگ) (وزارت مالیات) (وزارت عدلیه) (وزارت علوم) (وزارت

فواید

فواید) (وزارت تجارت و زراعت) (وزارت دربار) (صدارت عظمی) که مسئولیت کل وزارتخانها و ادارات دولتی بر عهدهٔ صدر اعظم است نواب معز الدوله حکمرانی ولایت مازندران منصوب گردیدند ایجاد سالنامه در دولت علیه شد ایجاد چراغهای پایه چودن برای خیابان ناصریه وغیره نیز از مخترعات این سال است جناب کنت دو بسیکه وزیر مختار دولت آستریه که علاوه بر ماموریت و اقامت در دربار همایون مامور بدعوت اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی بمملکت آستریه و تماشای بازار اکسپوزیسیون وینه بود بیست و هفتم ذیقعده وارد دار الخلافه شده شرفیاب حضور مبارک گردیده نامه اعلیحضرت امپراطور را با بعضی هدایا تبلیغ کرد میرزا یوسفخان مستشار سابق دیوان عدالت بنیابت وزارتخارجه و مباشرت مهام خارجه آذربایجان برقرار گردید میرزا نصر الله خان منشی خاصهٔ وزارتخارجه بنیابت وزارتخارجه نایل آمد میرزا محمودخان وکیل بکار پردازی حاجی ترخان مامور گردید نزدیک آخر اینسال خبر مآل حقوق دیوانی عموم طبقات نوکر از جیره و مواجب و علیق الدواب باهتمام جناب صدر اعظم پرداخته شد در ماه ذیحجه اینسال امتحانی از متعلمین مکتب مجانی که باهتمام بندهٔ مؤلف دایر است بعمل آمده بعد از تمجیدات شایسته جناب صدر اعظم مکتب مزبور را بلقب خود موسوم و مکتب مشیریه نامیدند و بسیاری از متعلمین را بمدال و نشان نقره و مس و انعامات مفتخر داشتند یکقطعه نشان اقدس که اول نشان اینه دولت ابد آیت است بجناب مستطاب صدر اعظم اعطا و مرحمت شد پاشاخان امین الملک وزیر علیه در بین راه حضرت شاهزاده عبد العظیم علیه السلم روز هیجدهم ذیحجه از درشکه پرت شده و بهمان صدمه روز نوزدهم مرحوم شد نواب والا معتمد الدوله حکمران کردستان را موقتاً از محل حکمرانی خود بدار الخلافه احضار فرمودند که در عقب موکب همایون و اوان تشریف فرمائی بفرنگستان معاونت حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه امیر کبیر بمهام کشوری و لشکری در سپرده نمایند (ژاپن) یانفین سخت در شهر یدو پای تخت قوت سیصد و پنجاه نفر و بمسکن و ماوی ماندن سی هزار نفر اقتدار سلطنت جسمانی و روحانی میکادو و فرستادن جمعی از جوانان بمملکت فرنگ بجهت تحصیل (اروپا) (اسپانیا) در ایالات بسکاری و ناوار دون کارلس نامی از شاهزادهای اسپانیا ادعای سلطنت نموده جمعی را بدور خود جمع مینماید در یکی از شبها تا بستان جمعی قصد قتل پادشاه و ملکه را مینمایند ولی صدمه و آسیبی بآنها وارد نمیآید (المان) در دویم ماه مارس که مفارقت باروز امضای عهدنامه صلح مابین المان و فرانسه منعقده در سال قبل بود جشنی در برلن و سایر ممالک و بلاد المان گرفته شد به بیست نفر از سرداران بزرگ که در آن معرکه جلادت و رشادتی بروز داده بودند از طرف امپراطور علی قدر مراتبهم انعامات بذل و اعطا شد از جمله پرنس فردریک شارل و کنت دملک و ژنرال رون و ژنرال منتفل معادل چهارصد هزار تومان پول ایران که هر نفری صد هزار تومان باشد انعام داده شد مسافرت امپراطور المان بممالک جنوبی المان بجهت سرکشی شئون آن ممالک ملاقات امپراطور روس و امپراطور اطریش با امپراطور المان در برلن و مستحکم نمودن مبانی دوستی فیمابین را (انکلیس) نزاع عساکر هندوستان با طایفه یاغی در طرف شمال شرقی آن مملکت قتل لرد مایو فرمانفرمای هند بدست شخصی از مسلمانان تصیلر د نرتبروک بفرمانفرمائی هند جشن اهالی انکلیس بجهت سلامتی مزاج ولیعهد طبابجه اندا ختن بسمت پادشاه انکلستان و محفوظ ماندن اعلیحضرت معظم الیها از آن ابتیاع نمودن دولت انکلیس بعضی از متصرفات هلاند را در افریقا مراجعت استنلی و خبر دادن از سلامتی لوئنکستن مسافر معروف دولت انکلیس شش کرور و دویست و پنجاه هزار لیره بدولت اتازونی ینکی دنیا خسارت کشتی موسوم به آلاباما که در بنادر انکلیس ساخته شده و در جنگ مابین ایالتین شمال و جنوب اتازونی اهالی جنوبی آن کشتی را ابتیاع نموده و معاونت آن خسارات

کلی با ایالات شمالی رسانیدند هند (ایطالیا) فوت مازینی از معارف طغیان کوه آتش فشان وزوو (روس)
افتتاح راه آهن تفلیس به بند پوطی انعقاد عهدنامه دوستی با خان کاشغر تزلزل و اندیشه خان خیوه از عساکر
روس بروز و باد در ایالات جنوبی و مرکز مملکت (سوئد و نروج) فوت شارل پانزدهم پادشاه آن مملکت و نصب اسکار دویم
برادر او بجای او (عثمانی) عزل و نصب کلی در این مملکت تغییر صدور و وزرای جنگ بتواتر صدارت مدحت پاشا انتهام
محمود پاشای صدر اعظم سابق با جذب پول زیاد از صرافان فرنک فتح عساکر عثمانی قلعه تخت صنعا را در عربستان اختیار
تام دادن در جمیع امور از طرف اعلیحضرت سلطان بخدیو مصر منازعه عساکر مصری با امپراطور حبشه (فرانسه) فوت
مارشال واتی از سرداران خیالات رئیس جمهوری در انتظامات داخله و دادن وجه مقرر خسارت جنگ را بدولت المان
که زودتر ممالک فرانسه را تخلیه نمایند **امریکا** (اتازونی) در ظرف مدت سیزده سال هفتصد و ده هزار و چهارصد و
بیست و پنج نفر از اهالی المان و یک کرور و ششصد هزار و هشتصد و سی و یک نفر از مردم ارلند و هفتصد و پنجاه و یک
هزار و هفتصد و شصت و نه نفر انگلیس بخاک اتازونی مهاجرت نموده در آنجا سکنی و جا گرفتند خشکسالی و بارندگی
نشدن در ایالات نیورک هلاک جمع کثیری از حدت حرارت آفتاب در این سال شصت هزار و هشتصد و پنجاه و دو
میل امتداد راههای آهن اتازونی است (مکزیک) فوت ژوارز رئیس جمهوری و نصب لردو بجای او

سنه ۱۲۹۰ هجری — سنه ۱۸۷۳ مسیحی

آسیا (ایران) کلیه امور دولتی در اینسال خیر مآل بتوجهات خاطر خطیر همایون منظم است حاجی محمد قلیخان آصف الدوله
بوزارت عدلیه عظمی منصوب گردید میرزا محمد قوام الدوله وزیر محاسبات مرحوم شد و جناب میرزا هدایت الله وزیر لشکر
سابق بوزارت دفتر بر فراز آمد جناب میرزا محمد حسین دبیر الملک علاوه بر وزارت رسایل بوزارت داخله مباهی و نایل گشت
امور چاپارخانهای ممالک محروسه با میرزاده مهدیقلی میرزا ولد مرحوم حاجی محمد ولی میرزا واگذار فرمودند جناب مسیو طامسن
وزیر مختار دولت انگلیس مأمور اقامت دربار دولت علیه وارد دار الخلافه گردید جشن عید مولود مسعود اعلیحضرت شاهنشاهی
جناب مستطاب صدر اعظم با کمال شکوه مانند سال قبل گرفتند بنده مؤلف با عطای یک قطعه نشان از درجه ثانیه شیر و خورشید
سرافراز شد جناب نظام الملک بحکومت یزد منصوب گردید و حسنعلیخان نظام الدوله در سن پنجاه و چهار سالگی بمرض محرقه میرزا کاظم
مرحوم شد محمد تقی خان پسر مرحوم فتحعلیخان ملک الشعرا برحمت ایزدی پیوست این اوقات که زمان عزیمت سفر فرنگستان نزدیک
شده قشون ظفر نمون حاضر رکاب اعلی تماما یکروز بار همایون در بیرون دروازه دولت حاضر شده سان داده‌اند و مورد الطافات
و تفقدات و عنایات ملوکانه گردیدند حاجی شهاب الملک والی خراسان بعضی از اشرار ترکمن را تنبیه نموده است میرزا رضاخان
اجودان صدارت بمنصب سرتیپی سیم مفتخر گردید محمد آقای سرتیپ شارژدافر سابق دولت علیه مقیم لندن بنیابت اول وزارت فواید
برقرار گردید از وقایع معظمه اینسال سفر خیریت اثر اعلیحضرت همایونی بفرنگستان که سابقا نیز بدان اشاره نموده‌ایم
و شرح این سفر سعادت اثر نیز چون سایر اسفار ملوکانه بقلم معجز رقم خسروانه مرقوم شده است ولی ما با ز خلاصه این سفر عظیم را
مسطور میداریم
روز بیست و یکم صفر المظفر اینسال از دار الخلافه با همراهی اشخاص مقرره تشریف فرمای فرح کن گردیدند شنبه دوازدهم
ربیع الاول شهر رشت بورود مسعود همایون مزین گردید امروز پرنس منچیکوف و کلنل ... که از جانب دولت روس
مأمور مهمانداری موکب معلی هستند و از پطرزبورغ با میرزا عبد الرحیم خان ساعد الملک سفیر دولت علیه مقیم پطرزبورغ بود
قبل از ورود برشت باردوی همایونی پیوستند روز یکشنبه سیزدهم بعزم انزلی انتهاض فرموده دوشنبه چهاردهم

بلجیز

بکشتی مخصوص دولت روس نشسته بطرف حاجی ترخان و روسیه حرکت فرمودند ملتزمین رکاب اعلی در سفر خیر اثر فرنگستان از اینقرار هستند

در کشتی مخصوص همایونی

(جناب مستطاب صدر اعظم حاجی میرزا حسینخان) (جناب معتمد الملک) (جناب عضد الملک) (منشی حضور) (امین السلطان) (امین السلطنه) (مهدیقلیخان پیشخدمت خاصه) (دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص) (عکاسباشی) (غلامحسینخان زین دار باشی) (محمد حسنخان محقق) (امین خلوت) (فرخ خان) (امیرزاده وجیه الله میرزا) (جعفر قلیخان) (حاجی محمد خان قهوه چی باشی) (آقا رضا دهباشی) (میرزا عبدالله فراشخلوت) (میرزا عبدالرحیمخان ساعد الملک) (سلطان حسین میرزا) (آقا محمد علی) (آقا حسینعلی آبدار) (آقا باقر) (جبار قهوه چی) (بنده مؤلف)

در کشتی دیگر

(نواب والا عز الدوله عبدالصمد میرزا) (نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم) (نواب حسام السلطنه) (نواب والا نصرة الدوله) (نواب عماد الدوله) (جناب علاء الدوله) (جناب حسنعلیخان وزیر فواید) (جناب الله قلیخان ایلخانی) (میرزا قهرمان امین لشکر) (امیرزاده احتشام الدوله سلطان اویس میرزا) (حکیم الممالک) (نصر الملک سرتیپ اول) (جناب مخبر الدوله) (محمد باقر خان شجاع السلطنه) (حسنعلیخان ژنرال آجودان) (میرزا رضا خان سرتیپ آجودان صدارت) (ابراهیمخان نایب) (میرزا احمد خان ولد جناب علاء الدوله)

از فرنگیها که در کشتی ثانی بودند

(جناب مسیو دبیکی وزیر مختار روسیه) (جناب مسیو طومسن نایب سفارت انگلیس) (مسیو دیکسن حکیم انگلیسی)

روز چهارشنبه شانزدهم ربیع الاول حاجی ترخان بورود مسعود حضرت همایونی مزین آمد و شرایط تشریفات قدوم همایونی را کاملا فراهم آورده بودند پرنس مچیکوف و کلنل بیراک باتفاق جناب صدر اعظم از حاجی ترخان باجازه همایونی از جلو بمسکو رفتند روز پنجشنبه هفدهم پس از تماشای اماکن متنزهه و آثار قدیمه حاجی ترخان از دریای وولکا بواسطه کشتی عزیمت سارتیسین فرموده عصر روز هیجدهم بشهر سارتیسین نزول اجلال فرمودند در اینجا نیز تشریفات مقرره قدوم سلطنت بعمل آمده بود از اینجا بکالسکه بخار نشسته روانه مسکو شدند پرنس دالغوروکی حاکم شهر مسکو باستقبال موکب همایون آمد و با تشریفات تمام بشهر مسکو ورود فرمودند منزل اعلیحضرت همایون و ملتزمین رکاب در عمارت کرملین بود که مزین بانواع اسباب گرانبهای نفیسه و از ابنیه عالیه سلطنتی و مقر سلاطین قدیم روسیه است یکشب هم در خانه پرنس دالغوروکی ببال تشریف فرما شدند و روز بیست و سیم عزیمت پطرزبورغ فرموده روز بیست و چهارم بشهر پطرزبورغ نزول فرمودند اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روس الکساندر دویم با نواب ولیعهد و سایر شاهزادگان خانواده سلطنت در گار راه آهن باستقبال حاضر بودند و اعلیحضرت شاهنشاه ایران را با کمال گرمی پذیرفته با تشریفات تمام بعمارت سلطنتی ورود دادند و نشان سنت آندره که اعظم نشانهای دولت روس و مکلل بالماس است با حمایل آبی از جانب اعلیحضرت امپراطور آورده باعلیحضرت شاهنشاه ایران اهدا و تقدیم نمودند و از پذیرائی قدوم مبارک نکته فرو گذار نکردند بندگان همایون یکروز بمیدان مشق و یکروز بتماشای موزه ارمیتاج و یکروز بتماشای مشق سواره نظام و جبه خانه و ضرابخانه و بانک دولتی و یکروز بتماشای پطرهوف و کرنشتاد و یکشب در شهر سارسکوسلو بدعوت شام تشریف فرما شده و در این شب اعلیحضرت امپراطور بجمیع ملتزمین رکاب اعلیحضرت شاهنشاهی عطای نشان و انگشتری و ساعت و غیره فرموده روز دویم ربیع الثانی

اعلیحضرت همایونی بعد از وداع با اعلیحضرت امپراطور از راه ولپتاک شهر درس و کونیکس بورغ که شهر پروس است عزیمت ممالک
و پروس فرموده و روز چهارم عازم برلن گردیدند عصر وارد دار برلن شده اعلیحضرت امپراطور گلیوم و نواب ولیعهد
پسر ایشان و سایر شاهزادگان خانواده سلطنت و وزرا و ارکان دولت همه سرا حاضر بودند اعلیحضرت همایون با
اعلیحضرت امپراطور در کالسکه سرباز نشسته بقصر سلطنتی تشریف فرما گردیدند روز پنجم بسیاحت شهر پتسدام که خارج
برلن است تشریف فرما گردیده و روز ششم بسیاحت باغ وحش برلن و بعضی اماکن دیگر شهر و روز هفتم بسیر آکواریوم
یعنی جائیکه حیوانات و نباتات دریائی را بجهت تماشا نگاه میدارند و روز هشتم بتماشای میدان مشق و افواج و سواره
و بازدید بعضی خانه تشریف فرما شده و روز نهم نشان اکل نوار مکلل بالماس با حمایل نزد از جانب اعلیحضرت امپراطور با اعلیحضرت
شاهنشاهی تقدیم شد آنگاه با کالسکه بخار تشریف فرمای شهر پتسدام شدند روز دهم به پارلمنت تشریف برده و بعد از آن
با اعلیحضرت امپراطور وداع فرموده روز یازدهم عازم شهر کلون و ویسبادن شدند یکساعت بغروب مانده بکارخانه کروپ
رسیدند مسیو کروپ صاحب کارخانه یکعراده توپ پیشکش نمودند بسیار اعلی پیشکش قدم مبارک نمود شب شهر کلون منزل موکب
همایون بود روز دوازدهم بعد از تماشای باغ نباتات و باغ وحش کلون حرکت فرموده تا بشهر بن رسیدند از آن گذشته بشهر
کوبلنس و از آنجا عبور کرده بعد از طی مسافت زیاد بشهر ویسبادن ورود فرمودند روز سیزدهم قصبه‌ای ارسیهن و قصبه برنش
بمقدم همایون مزین آمد روز چهاردهم عزیمت شهر فرانکفورت فرمودند و بعد از سیاحت و بازدید این شهر بویزباد مراجعت نموده
شب را در این شهر بسر بردند روز پانزدهم بعزم بادن باد انتهاض فرمودند و از شهر ماینس و فرانکفورت در مسافت عبور نموده
بشهر هیدلبرغ که اول خاک گراندوک بادن است رسیدند پس از آن بشهر کارلسروه که پایتخت گراندوک بادن است ورود فرمودند
گراندوک با جمیع بزرگان مملکت در کارخانه حاضر بودند در اینجا صرف غذا و قدری گردش فرموده آنگاه با راه آهن به بادن باد
تشریف بردند روز شانزدهم گراندوک به بادن باد آمده و در اینجا تماشای بسیار خوبی نمود و از آنجا بویزباد معاودت فرمودند
روز هفدهم با کشتی بخار از رود رن عزیمت مملکت بلژیک فرموده اول بشهر کوبلانز و بعد بشهر بن رسیده از کشتی
بیرون آمده تا بشهر کولن راندند و از آنجا در سرحد بلژیک نموده از شهر دورن و بعد از شهر اکس لاشاپل که تا اینجا از
شهرهای المان است گذشته رسیدند بورخانه کوچکی که سرحد بلژیک و المان است از آنجا نیز تجاوز نموده وارد شهر
اسپا که اول خاک بلژیک است گردیده بعد از دو روز توقف روز سیم عزیمت بروکسل پایتخت بلژیک فرمودند بعد از سیاحت
بشهر لیژ که کارخانهای تفنگ سازی و کالسکه بخار سازی معتبر دارد رسیدند از آنجا گذشته بعد از دو ساعت بشهر بروکسل
ورود فرمودند اعلیحضرت پادشاه و برادر ایشان کنت دفلاند و غیرهما حاضر بودند اعلیحضرت همایون با اعلیحضرت لئوپلد در
کالسکه نشسته بعمارت دولتی رفتند بعد از ساعتی اعلیحضرت همایون نشان صورت خسروانه را برای پادشاه بلژیک فرستادند
کمال تشریفات از مقدم همایونی بعمل آمد لارنس صاحب و کامبل صاحب و طمسون صاحب و چند نفر دیگر از اعیان انگلیس که برای
مهمانداری آمده بودند در بروکسل بحضور همایون مشرف شدند بعد از دو سه روز توقف و تماشای همه جا و اهدای نشان
آفتاب با حمایل بملکه بلژیک روز بیست و یم با اعلیحضرت پادشاه وداع فرموده از راه بندر اُستاند عازم انگلیس شدند
و در بندر مملکت فلاندر از کالسکه پیاده و بکشتی اعلیحضرت پادشاه انگلستان داخل شده راندند از بندر استاند تا دوور
که اول خاک انگلیس است پنج ساعت راه بود پسرهای اعلیحضرت پادشاه انگلستان با وزرای دولت و اشراف لندن و کشتیهای
دولتی زیاد تا بندر دوور باستقبال آمده بودند پسر وسطی اعلیحضرت پادشاه دوک دادیمبورغ و پسر سیمی پرنس آرتور نام
دارد بعد از ورود با کالسکه بخار نشسته عزیمت لندن نمودند در حوالی شهر لندن نواب ولیعهد دولت انگلیس

پرنس دوگال با جمعیتی زیاده از حد از اهل نظام و غیره حاضر شده بودند اعلیحضرت همایون پیاده شده با نواب ولیعهد
در کالسکه دو مازی نشسته روانه عمارت بوکنکام که عمارت مخصوص پادشاهی است شدند اعلیحضرت پادشاه انکلستان
در قصر وینذور که در شش فرسخی شهر است بودند روز بیست و چهارم که سیم روز ورود بود با جمیع ملتزمین رکاب اعلی
بقصر وینذور و در بدایت اعلیحضرت پادشاه انکلستان تشریف بردند اعلیحضرت پادشاه تا پای پله قصر اعلیحضرت همایون را
استقبال کردند و جمیع شرایط مودت و اعزاز ملحوظ شد بعد ها لردن امبرلاند وزیر دربار پادشاهی نشان ژارتیر مکلل بالماس
را که بژارتیر معروف و سوای اعلیحضرت پادشاه انکلستان که رئیس اداره این نشان اند و شاهزادگان انکلیس و سلاطین خارجه
کسی دارای آن نیست برای اعلیحضرت شاهنشاهی آورده اعلیحضرت پادشاه انکلستان و امپراطریس هندوستان برخاسته
بدست خود شان نشان را بر پیکر انور ملوکانه زدند و حمایلش را انداختند اعلیحضرت همایون هم نشان و حمایل آفتاب مکلل
بالماس را با نشان تصویر بی نظیر مقدس همایون با علیحضرت پادشاه انکلستان دادند بعد از صرف نهار و تفرج مراجعت
بشهر شد روز بیست و پنجم بتماشای کارخانجات ولویچ که جبه خانه و توپخانه و آهنگرخانه دولت انکلیس است و تماشای
مشق توپخانه تشریف فرما شدند یکتوپ نه پوند پیشکش حضور مبارک کردند روز بیست و ششم بسیاحت باغ وحش کذشت
روز بیست و هفتم برای سان کشتیهای جنکی عزیمت بندر پرتسموث فرمودند و شب را بمجلس کنسرت یعنی ساز و آواز که در
عمارت آلبرت هال است تشریف بردند روز بیست و هشتم بجهت سان قشونی که اعلیحضرت پادشاه انکلستان خواسته بودند
عازم قصر وینذور شدند روز بیست و نهم بکرینویچ بجهت تماشای مدرسه بحریه انکلیس تشریف برده روز سلخ ربیع
الثانی بسیاحت شهر لیورپول و قصر ترنتام و دو روز غره جمادی الاولی عازم شهر منچستر که کارخانجات پارچه بافی و غیره آنجا است
شدند روز دویم تشریف فرمای لندن شده باز هر روز و شبی بتماشای محلی و دعوت خصوصی اوقات همایونی کذشت
روز ششم برای وداع با اعلیحضرت پادشاه انکلستان به وینذور تشریف بردند روز هفتم بعمارت بلور و روز هشتم
بتماشای مریضخانه و تشریف فرما شده روز نهم جمادی الاولی عزیمت بندر شربورغ فرانسه نموده در کار ویکتوریا با نواب ولیعهد و غره ۹
وداع کرده با کالسکه بخار حرکت فرمودند و بعد از سه ساعت وارد بندر پورتسموث شده و از آنجا با کشتی فرانسه ببندر
شربورغ تشریف بردند روز دهم با کالسکه بخار نشسته از مملکت نورماندی عبور و بنیم ساعت در شهر کان پای تخت
نورماندی توقف کرده یکساعت بغروب مانده بپاریس رسیدند دم کار با مارشال ماکماهون رئیس دولت جمهوری و دولت
نوبروکلی که تازه وزیر امور خارجه شده تعارف فرمودند عمارت کرلژ لس ایفه منزلگاه اعلیحضرت همایون است تا روز بیست
و سیم موکب معلی در پاریس اقامت داشت روزی بتماشای عمارت و باغ ورسایل و روزی بر انوالید که مقبره ناپلیون اول
و غیره است و روزی بلونشان برای سان قشون و روزی نیز برای اسب دوانی بلونشان و شبی بتماشای سیرک
رفتند و هکذا هر شب و روزی بتماشای محلی و دعوتگاهی تشریف فرما شده روز بیست و سیم جمادی الاولی از پاریس
عازم دیژون که یکی از شهرهای فرانسه است شده با کالسکه بخار با آنجا تشریف بردند روز بیست و چهارم از دیژون حرکت
فرموده عزیمت بشهر ژنو که از شهرهای سویس است رسیدند روز بیست و پنجم و بیست و ششم بسیر و تفرج در باچه ژنو
کذشت روز بیست و هفتم در مهمانخانه هوتل دلاپه بنهار موعود دولت سویس بودند روز بیست و هشتم از ژنو
بشهر تورن پای تخت قدیم مملکت ساردین و پیه مونت تشریف فرما کردیدند اعلیحضرت ویکتور امانوئل ثانی پادشاه
ایطالیا و نواب پرنس هومبر ولیعهد دولت و سایر شاهزادگان و رجال دولت ایطالیا دم کار موکب معلی را پذیرفتند
و اعلیحضرت همایون با اعلیحضرت پادشاه ایطالیا در کالسکه دو بابی نشسته بعمارت دولتی که برای منزلگاه اعلیحضرت

همایون

همایون است و اعلیحضرت پادشاه ایطالیا در همین عمارت منزل دارند تشریف بردند روز بیست و نهم و سلخ جمادی الاولی در تورن اقامت شد و بتماشای ابنیه و اماکن و نزهتگاهها گذشت روز غره جمادی الثانیه از تورن بعد از وداع اعلیحضرت پادشاه ایطالیا عازم شهر میلان شدند روز دویم از میلان عزیمت شهر سالسبورغ که جزء مملکت اطریش است فرمودند در استاسیون الا که سرحد دولتین ایطالیا و اطریش است مهمانداران آنسرحد حاضر بودند از آنجا رانده روز سیم نزدیک غروب آفتاب باستاسیون پانزینک که در دو فرسخی شهر وینه بود رسیدند کالسکه ایستاد اعلیحضرت امپراطور فرانسوا ژوزف با نواب ولیعهد و شاهزادگان آن مملکت تا آنجا باستقبال آمده منتظر بودند پائین آمده اعلیحضرت امپراطور شرایط مودت بجا آورده با کالسکه بخار روانه منزل که قصر لاکسانبورغ است شدند روز چهارم بقصر شونبرون بباز دید اعلیحضرت امپراطور تشریف برده مراجعت فرمودند روز هفتم بتماشای شهر وینه و بازار اکسپوزیسیون پرداختند و تا روز دوازدهم خاطر مبارک بتفرج و تماشای محلی مشغول بود و کمال پذیرائی تشریفات از قدوم همایون منظور داشتند روز سیزدهم بعد از وداع با اعلیحضرت امپراطور بشهر سالسبورغ تشریف فرما گردیدند روز چهاردهم شهر انسبروک بورود مسعود همایون شاهانه مزین شد روز پانزدهم عزیمت شهر بولون ایطالیا فرمودند روز شانزدهم در بولون توقف شد و بگردش این شهر و نواحی پرداختند روز هفدهم عازم برندیزی که آخر بندر ایطالیا است شدند روز هیجدهم به بندر مزبور ورود فرمودند و کشتی از دولت عثمانی با اشرف پاشا مهماندار حاضر بود روز نوزدهم عازم اسلامبول گردیده روز بیست و دویم بغاز داردانل رسیدند محمد رشدی پاشای صدر اعظم با رجال و صاحبمنصبان بزرگ دولت عثمانی از اسلامبول از جانب اعلیحضرت سلطان بچناق قلعه باستقبال موکب همایون آمده بودند روز بیست و سیم کشتی آمد تا محاذی عمارت مشهور به بکلربیگی که برای منزل اعلیحضرت همایون تعیین شده بود اعلیحضرت سلطان که در عمارت بکلربیگی بودند سوار قایق مخصوص که برای اعلیحضرت همایون حاضر کرده بودند شده بکشتی سلطانیه آمده از اعلیحضرت شاهنشاهی پذیرائی شایان نموده و متفقا در قایق نشسته باسکله تشریف فرما شده بعمارت صعود فرمودند و مراسم تشریفات مقدم مبارک کاملا بعمل آمد و تا روز بیست و نهم اعلیحضرت همایون شهریاری در شهر اسلامبول اقامت و هر روز و شبی بتماشای محلی تشریف فرما شده و در هر موقعی از ذات همایون پذیرائی شایان نموده روز غره رجب بعد از وداع اعلیحضرت سلطان در کشتی سلطانیه نشسته عزیمت پوطی نمودند روز چهاردهم به بندر پوطی رسیده پرنس میچیکوف و کلنل بزاک مهمانداران سابق دولت روس باز اینجا آمده مشغول پذیرائی مقدم مبارک شدند و از کشتی سلطانیه بکشتی بخار کوچکی که از طرف پوطی آمده نقل مکان کردند نواب گراندوک میشل برادر اعلیحضرت امپراطور روس که جانشین و فرمانفرمای قفقاز است با صاحبمنصبان در اسکله حاضر بودند بعد از تعارفات با کالسکه بخار براه افتادند و فردا صبح بتفلیس رسیدند در اینجا نیز تشریفات کامله بعمل آمد روز هفتم از تفلیس عزیمت بادکوبه فرمودند روز هشتم تشریف فرمای گنجه و روز نهم بطرف توپانچای و روز یازدهم دو ساعت از شب گذشته بشهر بادکوبه ورود فرموده و بکشتی نشسته بطرف انزلی حرکت فرمودند روز چهاردهم رجب بانزلی شرف ورود ارزانی فرموده عموم اهالی ممالک محروسه از سلامت و معاودت اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی فریضه تشکر کامل گردیدند و روز سلخ رجب المرجب دار الخلافه باهره طهران بمقدم مبارک مزین و مشرف شد

هم از وقایع حزن انگیز امسال رحلت نواب علیه عالیه مهد علیا والده محترمه اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی است که روز ششم ربیع الثانی در دار الخلافه طهران بجوار رحمت الهی پیوستند عباسقلیخان سردار لاریجانی بیست و هفتم صبح

الاول مرحوم شد نواب فخرالدوله عمه محترمه اعلیحضرت همایون شب بیستم شهر جمادی الاولی برحمت ایزدی پیوست
جناب حاجی سید اسدالله مجتهد اصفهانی ولد مرحوم حاجی سید محمد باقر از اجله علمای اصفهان داعی حق را لبیک اجابت گفت جناب
حاجی میرزا حسینخان مشیرالدوله صدراعظم بعد از ورود موکب مسعود بخاک ایران از این منصب استعفا کرده در رشت
متوقف گردید وزارت جنگ و امارت توپخانه مبارکه و قورخانه کما فی السابق بعهده کفایت نواب والا نصرة الدوله موکول
آمد مجلس دربار با اجزای مسطوره در ذیل تشکیل یافت (جناب اجل میرزا یوسف مستوفی الممالک وزیر داخله و رئیس
کل دفاتر و محاسبات و خزانه و غیره و رئیس دارالشوری و ناظم دارالخلافه و خالصجات) (نواب والا نصرة الدوله وزیر جنگ)
(نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم) (نواب عمادالدوله وزیر عدلیه اعظم که تازه باین منصب نبیل نایل شده) (جناب میرزا
سعیدخان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه) (جناب نصیرالدوله وزیر تجارت) (جناب مجدالملک وزیر وظایف) (جناب
میرزا علیخان منشی حضور و وزیر رسایل) جناب اجل آقای مستوفی الممالک باعطای قلمدانی مرصع بجواهر مباهی گردیدند
جناب علاءالدوله که علاوه بر منصب کشیکچی باشیگری در سفر فرنگستان موقتاً بسمت ایشیک آقاسی باشیگری معزز شدند
در این اوقات اداره فراشخانه مبارکه و باغات و عمارات دولتی را مزید بر سایر مشاغل جناب معزی الیه نموده باعطای یک قبضه
عصای مکلل بالماس بریلیان مباهی آمدند آقا رضای عکاسباشی به پیشخدمت مخصوص و خازن صرف جیب و آجودان مخصوص
حضور همایون گردید بنده مؤلف بمنصب معاونت دیوانخانه عدلیه اعظم مفتخر و سرافراز آمد برای مرکز ولایات
ممالک محروسه نیز مقرر شد عدالتخانه موضوع و برقرار شود و رئیس آن از طرف وزارت عدلیه دارالخلافه معین گردد
روز هیجدهم شعبان موکب معلی تشریف فرمای مدرسه مبارکه دارالفنون و مریضخانه دولتی شده وضع انتظام این دو دایره
جلیله پسند خاطر مبارک افتاد نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم را بیکثوب سرداری ملبوس مبارک مفتخر فرمودند حکمرانی
عراق را بجناب دبیرالملک واگذار فرمودند جناب میرزا علیخان وزیر رسایل بلقب جلیل امین الملک ملقب گردید حسنعلیخان ژنرال
آجودان را بحکومت ولایات اردبیل و مشکین و ایلات شاهسون آنجا منصوب فرمودند جناب عضدالملک را علاوه بر منصب
جلیل خوانسالاری و خازنی مهر مهر آثار بمنصب ایشیک آقاسی باشیگری ایل جلیل قاجار سرافراز فرمودند جناب کنت دیسکی وزیر مختار
دولت نمسه بدربار دولت علیه عود کرده روز پنجم رمضان وارد دارالخلافه گردید بمحض مرحمت مخصوص از جانب سنی
الجوانب همایون درباره حضرت مستطاب اجل شاهنشاهزاده معظم ولیعهد دولت علیه ادام الله اقباله العالی یک قبضه شمشیر
مکلل بالماس گرانبها بافتخار حضرت معظم مرحمت فرمودند جناب صاحبدیوان بمنصب و لقب جلیل وزیر نظامی و یکثوب جبه
شمسه مرصع خلعت سرافراز گردیده معاودت بآذربایجان کرد ابلاغ اوامر علیه بمجلس شورای کبری و عرض عرایض وزرای عظام
بخاکپای مبارک بر عهده امین السلطنه پیشخدمت خاصه مقرر آمد جناب مسیو ملبنه که از جانب دولت فرانسه بسمت وزیر مختاری
مأمور دربار دولت علیه بود وارد دارالخلافه گردید نواب شعاع الدوله بحکومت همدان سرافراز آمد نواب محمدامین میرزا
بحکومت گلپایگان و خوانسار مباهی گردید بانجام خدمات مسطوره در ذیل بعهده میرزا قهرمان امین لشکر موکول گشت
(وصول وجوه نظام از ولایات ممالک محروسه) (نصف امر ملبوس کل قشون) (رسیدگی بامور جبه خانه نظام و رسیدگی بامور
محاسبه قورخانه ممالک محروسه) حاجی میرزا یحیی خان نایب بود یکی از نوکرهای او بزخم چاپاره از پا درآورد امیر علیخان
حشمة الملک امیر تومان که در سیستان خدمت کرده بود بیک قبضه شمشیر مرصع مکلل بالماس مفتخر گردید فوج بهادران
نیز مزید علاوه بر فوج ششم اقبال حمیدی محمد باقرخان شجاع السلطنه معزی الیه ابواجمع فرمودند وزارت عسکریه باهتمام
حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه امیرکبیر ادام الله اقباله العالی و نواب حسام السلطنه و نواب

حشمت

معین الدوله و جناب ناصر الملک و میرزا موسی رئیس دفتر لشکر نظام اینک منتظم است و وزارت امور خارجه را بعهده کفایت جناب
حاجی میرزا حسینخان مشیر الدوله مفوض فرمودند میرزاده هوشنگ میرزا ولد مرحوم ملک آرا را بایلخانی کری یکهزار سوار
افشار و دویرن و غیره و لقب ایلخانی سرافراز فرمودند نصرالله خان حاکم کرکان رود بمنصب سرتیپی سیم اللهیار خان حاکم
اسالم بمنصب سرهنگی مباهی آمد خدمت تولیت آستان ملائک پاسبان حضرت رضوی سلام الله علیه را بجناب میرزا سعید خان
مؤتمن الملک رجوع فرمودند میرزا عبدالغفار معلم کل علوم ریاضی بمنصب منجم باشیگری و لقب نجم الملکی و خلعت همایون
سرافراز شد عبدالحسین خان ولد مرحوم خانبابا خان سردار بلقب و منصب ژنرال اجودانی و اعطای یکقطعه نشان و
حمایل از درجه دویم سرتیپی مباهی گردید بنده مؤلف بلقب و منصب مقدم السفرائی سرافراز آمد اداره عمارات و باغات
مبارکات را با علم احتساب نیز بجاکو واگذار فرمودند حاجی میرزا محسن خان وزیر مختار اسلامبول بلقب نبیل معین الملکی سر
افراز آمد (چین) خاقان چین که طفل بود و بسن بلوغ رسیده خود کفیل امور سلطنت میشود (ژاپن) مسافرت نواب
گراندوک الکسی پسر اعلیحضرت امپراطور روس بان مملکت میکادو وعید بود و در فرنگیها را حیث گرفته سفرایش را که در دربار
او هستند بیرون میکند (اروپا) (اسپانیا) شورش هواخواهان دن کارلس قوت و امتداد پیدا می نماید و دولت
جمهوریه بجهد دفع باغیان میپردازند همچنین شورش اهالی جزیره کوبا استعفا آمده دویم پادشاه جدید از سلطنت
و رفتن پادشاه با خانواده خود بپرتوغال تجدید وضع جمهوری نمودن فتوحات دن کارلس در اغلب نقاط (اطریش)
فوت امپراطوریس کارولین اگوستا از اقوام امپراطور مقرر داشتن قشون دولت اطریش را هشتصد هزار افتتاح اکسپوزیسیون
صنایع در اول ماه مه در وین ورود اعلیحضرت امپراطور روس و ولیعهد انیدولت بتماشای اکسپوزیسیون در اول ماه ژون ورود
امپراطریس المان در اواخر همین ماه و ورود اعلیحضرت شاهنشاه ایران بوین در سی و یکم ژولیه ملاقات امپراطور ایطالیا
و امپراطور اطریش در وین اختتام اکسپوزیسیون در دویم نوامبر جشن سال بیست و پنجم جلوس اعلیحضرت امپراطور در اغلب
نقاط گرفتند (المان) ورود سفرای ژاپن در برلن شورش در فرانکفرت که استعمال حربیه برای دفع شورشیان لازم شد
مسافرت اعلیحضرت امپراطور بسطرزبورغ ازدواج شاهزاده لئوپلد باویر با پرنسس ژیزل دختر امپراطور اطریش و ورود
اعلیحضرت پادشاه ایران به برلن در سلخ ماه مه حوث قسط آخر بقیه وجه فرانسه داده شد قلعه بلفر را که آخر نقاط
متصرفه بود و بطور گروکان نگاه داشته بودند عساکر پروس خالی کرده رفتند ملاقات پادشاه ایطالیا و امپراطور المان
در برلن و ملاقات امپراطور المان با امپراطور اطریش در وین فوت ژان پادشاه ساکس (انکلیس) بعضی از رجال دولت
از ترقیات و پیشرفت قشون روس و فتوحات آنها در سمت خیوه متغیر شدند بنابراین دولت روس ژنرال شوالف اجودان
مخصوص امپراطور را بجهت اطمینان دولت انکلیس بلندن میفرستد فوت ناپلیون سیم امپراطور سابق فرانسه در قصر
اسلیشهورست من توابع لندن در نهم ژانویه یکساعت و نیم قبل از ظهر در افتتاح مجلس پارلمنت لرد گرانویل وزیر امور
خارجه وکلای ملت را اطمینان میدهد که دولت روس هیچوجه در خیال نگاهداشتن خیوق نیست اعلیحضرت پادشاه
انکلستان بتعزیت و تسلیت بقصر اسلشهورست بدیدن امپراطریس رفتند ابتدای عناد عزم مابین پادشاه آشانتی که
یکی از سلاطین افریقیا است با دولت انکلیس ژنرال ولسلی مامور بعناد عزم با پادشاه آشانتی است فتوحات مشارالیه مذکور در سنه
مملکت (ایطالیا) طغیان رودخانه پو و خرابی رسانیدن باغلب نقاط تاسف اغلب مردم از فوت ناپلیون سیم توجه کردن
مردم در دنیا خود خواهی برای ساختن مجسمه ناپلیون سیم ورود اعلیحضرت شهریار ایران در بیست و پنجم ژولیه بایطالیا
(روس) فوت عمه امپراطور گراندوشس هلن ورود جمعی از تجار فرنگی بسطرزبورغ و نظم نمودن از تعدیات خان خیوق

بنابراین ژنرال کفمان با دوازده هزار قشون بر تنبیه خان خیوق مأمور شد و ورود اعلیحضرت شاهنشاه ایران در شانزدهم
ماه مذکور بحاجی ترخان بوده و ورود اعلیحضرت شاهنشاه معظم در بیست و یکم همین ماه بپطربورغ عساکر روس در اول تابستان
از دو نقطه وارد خیوق شده شهر خیوه را متصرف شدند بعد از تصرف شهر خیوق در بیست و پنجم ژولیه انعقاد مصالحه مابین
سردار روس و خان خیوه شده مشروط بر اینکه یک قسمت از مملکت خود را بتصرف سردار روس و یک قسمت را بتصرف سردار بخارا دهد
و خود را مثل سایر خوانین ترکستان در تحت سلطنت روس بشناسد بعد از انعقاد این صلح طایفه یموت خیوقی بخان خیوق
شوریدند و خان مجبور شد که از سرداران روس استعانت بجوید با انعقاد عهدنامه مابین دولت روس و امیر بخارا کشتیرانی در
رود امو آزاد خواهد بود کاروان تجار روس با کمال آزادی در تمام خاک بخارا میتوانند تجارت کنند غربا بدون اینکه دارای
باشپورت از روس باشند حق توقف در بخارا ندارند خرید و فروش برده و بنده ممنوع است (سویس) فوت دوک دبرونزویک
در شهر ژنو و بخشیدن معادل چهار کرور از املاک خود را باهالی شهر (عثمانی) نصب اسعد پاشا بصدارت و عزل
محمد رشدی پاشا و ورود اعلیحضرت شاهنشاه ایران در هجدهم ماه او باسلامبول (فرانسه) ایجاد مجلس وکلای دولت که در زمان
سلطنت رسم بوده موسوم بمجلس سنا استعفای مسیو طیر از ریاست جمهوری و وزرائیکه تغییر او بودند در اواخر آوریل و نصب
مارشال ماکماهون بریاست و ورود اعلیحضرت پادشاه ایران در دهم ماه ژولیه بپاریس مدت ریاست مارشال ماکماهون هفت
سال مقرر شد مارشال بازن که در قلعه متز محصور بود و آن قلعه را بتصرف عساکر پروس داده بود حکم عزل او از سرداری با حکم
قتل او از شورای عسکریه صادر شد مارشال ماکماهون بواسطه حق عفو یکه دارد از قتل او در گذشت لیکن مقرر شد مدت
بیست سال تمام در جزیره سنت مارگریت که نزدیک بسواحل فرانسه است محبوس باشد (هلاند) ابتدای منازعه مابین هلاند و
و سلطان آچین که در یک قسمت از جزایر سوماترا سلطنت دارد و اهالی مذهب اسلام دارند شکست قشون هلاندی از قشون
آچین بواسطه زخم خوردن ژنرال کلهر سردار عساکر هلاندی **امریکا** (مکزیک) لردو نشاد را رئیس جمهوری در افتتاح
مجلس در صدد اینست که بلکه بتواند رشته الفت و دوستی که سابقا با فرانسه داشتند محکم کند اهالی ملت روز فوت
ژوارز رئیس سابق را روز عزا و روز تولد او را مقرر داشتند روز عید برای تمام ملت باشد برای اولاد و اقربا
او وظیفه قرار دادند

سنه ۱۲۹۱ هجری — سنه ۱۸۷۴ مسیحی

آسیا (ایران) کلیه امور دولتی از توجهات خاصه همایون در اینسال قرین انتظام کامل است میرزا ابراهیم خان
سهام الملک ملقب بسهام الدوله گردید میرزا سید رضی برادر مرحوم میرزا سید عبدالله ناظم میزان بمنصب استیفا از درجه سیم
نایل آمد حکمرانی دار العباده یزد را بجناب معتمد الملک وزیر مخصوص مرحمت فرمودند و حسینقلیخان مافی از جانب جناب معظم
بنیابت حکومت فارس حاجی حسینخان شهاب الملک بلقب جلیل نظام الدوله و خطاب جنابی سرافراز آمد میرزا جواد خان سرهنگ
و رئیس تلگرافخانه آذربایجان بمنصب سرتیپی مفتخر گشت و الکای ایالت کردستان را ضمیمه حکمرانی کرمانشاهان فرموده بنواب
مؤید الدوله مرحمت کردند حکمرانی عراق و بروجرد را بعهده کفالت نواب والا نصرة الدوله واگذار فرمودند مستشار
الملک خراسانی بمنصب استیفای اول دیوان اعلی و عصای مرصع سرافراز شد مهام و امور دولتی کلیتاً راجع بوزرای ستة
ذیل گردیده و معظم الیهم را وزرای مختار دربار اعظم لقب دادند (جناب آقای مستوفی الممالک) (جناب مشیر الدوله
نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم) (نواب عماد الدوله وزیر عدلیه) (جناب علاء الدوله وزیر جنگ) (جناب عضد
الملک ایلخانی و خازن مهر مبارک) رسم تنظیمات حسنه در ولایات محروسه معمول و اجرای آن بعهده نواب اعتضاد السلطنه

موکول آمد جناب علاء الدوله محمد رحیمخان چنانکه اشارت شد بوزارت جنگ سرافراز آمد میرزا ابوالقاسمخان سرهنگ پسر میر محمد صادقخان دریابیگی بنیابت دریابیگی یافت نواب تیمور میرزا حسام الدوله که زیاده از هشتاد سال زندگانی کرده بود برحمت الهی پیوست تراکمه مرو و غیره که عزیمت تاخت و تاز خراسان داشتند شجاع الدوله امیر حسینخان حاکم قوچان و غیره آنها را تنبیهی بسزا نمودند آقا رضا اجودان مخصوص بیکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه دویم و پانصد تومان اضافه مواجب سرافراز آمد اعلیحضرت پادشاه انگلستان یکقطعه عکس شمایل خود را برسم یادگاری برای اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه فرستادند مرتضی قلیخان قاجار ملقب بشهاب الدوله شد میرزا موسیخان سرهنگ فوج سوادکوهی بیکقطعه نشان شیر و خورشید با حمایل سرهنگی نایل آمد از جانب دولت علیه ایران سفارتی با نامه و هدایا بدربار معدلتمدار آمد حکمرانی کرمانشاهان و کردستان از نواب عماد الدوله مرحمت فرمودند جناب میرزا کاظمخان نظام الملک بوزارت علیه اعظم منصوب و مباهی شد حاجی جعفرقلیخان سرتیپ دویم بمنصب سرتیپی اول توپخانه سرافراز آمد جناب میرزا علیخان امین الملک وزیر رسائل خاصه باعطای نشان تمثال همایون مکلل بالماس سرافراز شد میرزا موسی رئیس دفتر لشکر بمنصب جلیل وزیر لشکری مفتخر آمد حسینقلیخان سرتیپ سواره شاهسون قورت بیکلو بمنصب سرتیپی اول مباهی گشت نواب بدیع الملک میرزا ولد نواب عماد الدوله بلقب جلیل حشمة السلطنه ملقب و از جانب نواب معظم الیه بحکومت کردستان منسوب شد جناب آقا میر سید محمد امام جمعه اصفهان ملقب بسلطان العلماء مرحوم شد اداره تلگرافخانه را بلاواسطه بمخبر الدوله واگذار فرمودند عبدالرسولخان نایب الحکومه گیلان بمنصب سرتیپی اول سرافراز آمد حسینقلیخان مافی وزیر یزد بلقب سعد الملک مباهی گردید آقا رضای دهباشی بلقب ناظم خلوت و اعطای یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه سیم سرافراز آمد میرزا علی اکبر دبیر میرزا محمد حسن عزب باشی دفترخانه مبارکه منصب عزب باشی یافت حاجی میرزا صفا از اجله عرفا در دارالخلافه مرحوم و نزدیکی چشمه علی طهران مدفون شد پنجاه هزار قبضه تفنگ ابتیاعی از دولت المان بمرور بدار الخلافه میرسید در ماه شوال اینسال امور مالیه و مهام کشوری مستقلا بجناب آقای مستوفی الممالک و امور عسکریه و وزارت جنگ با لقب سپهسالار اعظم بجناب مشیر الدوله واگذار و مرحمت شد روز بیست و هشتم شوال اینسال چون طرح باغ عشرت آباد ریخته شده و دیوار و ساختن بنای مشجر نمودن آن انشاء شد کان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دام ملکه تشریف فرمای این باغ که در میان قصر قاجار و نگارستان واقع است شدند و چهار اصله درخت بدست مبارک خود غرس فرمودند میرزا محمد حسین ادیب اصفهانی که منشی روزنامه دولتی و در صحبت مؤلف است قطعه در تاریخ این درخت کاری عرض کرده بانعامات و مراحم ملوکانه سرافراز شد و سواد آن قطعه که عینا در ذیل ثبت میشود با مر همایون کتیبه شده بدیوار قصر عشرت آباد نصب کردند

بادست خویش خسرو در قصر عشرت آباد　　فرمود از عنایت رای درختکاری　　ای باغبان فردوس نام خوش تو رضوان
کوثر بیار کاینک شد وقت آبیاری　　اصلش بود عدالت فرعش بود کرامت　　شاخی که شه نشاند بادست شهریاری
تا بر فلک کشند سر این شاخ عدل و احسان　　بپیچند زودتر با شاخ ابر نوبهاری　　شاخ ملک نشان را صد بار بر نوا زکفت
از دوحه بهشتی از سرو جویباری　　از این شجرها بینند اهل عالم　　بر بر ز بختیاری بهتر ز کامکاری
زود اکر عشرت آباد همچون سپهر کردد　　هم مشرق کواکب هم مطلع دراری　　بر جای میوه خورشید آرند این درختان
از فر شهریاری از فرط بختیاری　　تا اصله کرامت بار آورد فتوت　　دست ملک نشاند شاخ بزرگواری
اصلست ذات اقدس فرعند جمله عالم　　از اصل فرع را باد پیوسته استواری　　در باغ عشرت آباد از یمن دست خسرو
بادا شکفته دایم کلهای تاجداری　　شعر ادیب باشد در مدح شاه شاهان　　چون آفتاب روشن مانند آب جاری

شاخ نشاط آمد کی کشت تاریخ عز من حسرو کی خسرو انشاندی شاخ امید وارث   سعی صحیح دولت امیر خدیو اعظم

بخشید این بنا را آیین استواری

میرزا محمد حسین ادیب اصفهانی ملقب بفروغی فرمودند حضرت اجل اعظم والا ظل السلطان حکمران اصفهان و مضافات بعزم
تقبیل آستان معدلت بنیان دار الخلافه آمدند اداره صندوق عدالت و لایات را بجناب عضد الملک تفویض فرمودند و دستخط
همایونی مبنی بر دستور العمل و تعیین تکالیف این اداره خطیره شرف صدور یافت (چین) نفار و کدورت سخت ما بین دولت
ژاپن بجهة فرستادن ژاپنی ها چند فروند کشتی جنگی بسمت جزیره فرمز بواسطه طوفانهای سخت که در دریا واقع شده
بود در اوایل پاییز امسال در سواحل جنوبی چین و سواحل ژاپن بسیار شدید و کشتی زیاد حتی کشتیهای آتشی زره دار
غرق شد در مسئله جزیره فرمز بین دولتین چین و ژاپن کار بمصالحه انجامید و عساکر ژاپنی جزیره را تخلیه کرده رفتند
(ژاپن) بنا برانکه امپراطریس و جات سفرای کبار را که در اینده و لت بودند فرستادن یکدسته قشون سرباری بسانی گو
و تصرف جزیره فرمز که جزء مملکت چین است (اروپا) (اسپانیا) تفویض ریاست دولت جمهوری اسپانیول را بمارشال
سرانو فتوحات کارلیستها و بیلبائو و قتل مارشال کنشا یکی از سرداران معتبر که بدفع دنکارلس رفته بود بضرب گلوله قبول
نمودن مارشال سرانو ریاست جمهوری و سرداری قشون را بجهة دفع دنکارلس جمیع اعاظم و بزرگان مملکت طالب سلطنت دون الفنس
پسر ایزابل ملکه سابق میباشند تغییر وضع جمهوری و مسافرت مارشال سرانو بفرانسه تمام قشون بدون استثنا دون الفنس را
بپادشاهی میخواهند (اطریش) مسافرت اعلیحضرت امپراطور اطریش بپطرزبورغ و ملاقات ایشان با اعلیحضرت امپراطور روس
(المان) آمدن ولیعهد دولت انگلیس و زوجه ایشان ببرلین خطبه پرنس بیزمارک در افتتاح مجلس و برخاستن جمعی از وکلای ملت و حرف
زدن و ختم کردن نطق خود را باین مطلب که یکی از شرافات من اینست که اول شخصیکه طرف نفرت تمام اهالی اروپ هست بواسطه حب
وطن و خدمتگذاری به دولت خود منم مسافرت امپراطریس اطریش بپای تخت باویر مسافرت امپراطور اطریش نیز بباویر بملاقات
صبیه خود عدد قشون المان در روی [illegible] از صاحبمنصب و تابین چهارصد و یکهزار و ششصد و پنجاه و نه نفر مقرر کرده اند
مارشال ملتکه در مجلس اظهار میکند که فتوحات ما در مملکت فرانسه اسباب جلب قلوب سایر دول نشد بلکه کینه و عداوت
آنها زیادتر گردید اقلا پنجاه سال دیگر آنچه را حالا بزور اسلحه تحصیل کرده ایم باید باعانت اسلحه حفظ کنیم امپراطور روس که
بمملکت انگلیس سفر میکردند در برلین با امپراطور المان ملاقات نمودند ایضا ملاقات دو امپراطور در شهر امس شخصی
موسوم بکولمان بسمت پرنس بیزمارک طپانچه خالی کرد که جزئی تالمی بدست او وارد آمد ملاقات امپراطور اطریش
و امپراطور المان در ایشل حبس کنت دارنیم سفیر سابق دولت المان در پاریس باتهام اینکه بعضی نوشتجات دولتی رسمی
که در سفارتخانه پاریس بوده مخفی داشته استعفای موقتی پرنس بیزمارک و قبول نشدن آن (انگلیس) حرکت
عساکر انگلیس بسمت کوماسی پای تخت طایفه آشانتی که پادشاه آنجا اعلان جنگ با انگلیس کرده بود در افریقا ازدواج نواب
دوک ادینبورگ پسر دویم پادشاه انگلستان با گراندوشس ماری صبیه امپراطور روس قحط و غلای سخت در بنگاله
هندوستان چندین کرور نفس سردار قشون انگلیس شهر کوماسی را که پای تخت آشانتی بود فتح نموده قسمتی از آن شهر را
آتش زده که کار بمصالحه انجامید عزل وزرای ویک و نصب وزرای توری و ریاست دیسرائیلی ورود امپراطور روس بلندن
در ایالت بنگاله سی کرور نفس که دچار قحط بودند باعانت دولت انگلیس از هلاکت خلاص شدند یادداشت فرستادن
دولت عثمانی بدول المان و اطریش و روس که وجها من الوجوه حق انعقاد عهد نامجات با ایالاتیکه در تصرف عثمانی است
مثل افلاق و غلان و سربی و منتنگرو ندارند فتح دارفور از ممالک افریقا بدست قشون مصری جمعیت دارفور که بتصرف

مصر آمده به کردن نفس است (ایطالیا) جشن بزرگ کردند مردم بجهت سال بیست و پنجم جلوس پادشاه (بلژیک) پذیرائی
نمودن پادشاه بلژیک از امپراطور روس با تشریفات لازمه وقتیکه امپراطور معظم از انگلیس مراجعت میکردند (دانمارک)
استعفای تمام وزرای این دولت مسافرت پادشاه بجزیره ایزلند که جشن سال هزارم الحاق این جزیره بمملکت دانمارک
گرفته شد (روس) ایجاد قانون نظامی بممالک اروپ در وضع کردن آماده قشون و اجبار خدمت نظامی بتمام رعیت
بدون استثنا در این مملکت ورود ولیعهد انگلیس و زوجه ایشان بسطر زبورغ مسافرت اعلیحضرت امپراطور بالمان و
عید با انگلیس یکی از برادرهای خان خوقند در جزو قشون روس قبول خدمت میکند (عثمانی) عزل رشدی پاشای صدر اعظم
و نصب حسین عونی پاشا وزیر جنگ بجای او ورود پرنس میلان والی سربیا باسلامبول (فرانسه) مدت ریاست مارشال
ماکماهون بدون تردید بهفت سال مقرر شد فرار مارشال بازن از جزیره سن مارگریت (هلاند) فتح کردن یکی از قلعه جات
اچین بدست سرباز هلاند جشن اهالی هلاند در موقع سال بیست و پنجم جلوس پادشاه امریکا (اتازونی) عدد قشون
دولت را بهمه جهت به بیست هزار نفر مقرر داشتند (برزیل) صلح حقیقی دائمی مابین این دولت و پاراگای

سنه ۱۲۹۲ هجری — سنه ۱۸۷۵ مسیحی

آسیا (ایران) ۱ جناب ظهیر الدوله محمد ناصر خان مامور حکمرانی و والیگری خراسان و سیستان گردید حاجی سلیمانخان
نایب ایشیک آقاسی باشی مامور حکومت قراجه داغ شد بعضی ولایات که سیم تلگراف نداشت مقرر شد تلگراف کشیده شود
احتشام الملک بمنصب سرتیپی سیم سرافراز شد حیدر قلیخان ولد حاجی آصف الدوله بمنصب سرتیپی سیم نایل آمد ریاست
مدرسه جدید نظامی و صاحبمنصبان اتامار ز بعهده میرزا عباسخان سرتیپ مهندس واگذار گردید میرزا موسی وزیر
لشکر باعطای نشان تمثال همایون از درجه دویم سرافراز شد حاجی حسینخان نظام الدوله روز بیست و سیم محرم مرحوم
شد حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا ظل السلطان حکمران اصفهان و توابع ادام الله اقباله العالی بیک قطعه
نشان اقدس مکلل بالماس درجه اختصاص یافته از آستان همایون بمحل حکمرانی خود معاودت فرمودند و وزارت دربار
اعظم را بعهده جناب علاء الدوله مفوض داشتند و وزارت جلیله اعظم را بجناب عضد الملک موکول فرمودند حکمرانی
عربستان و لرستان را بنواب معز الدوله بهرام میرزا واگذار نمودند حکمرانی فارس را بعهده کفایت جناب معتمد الملک
موکول داشتند حکمرانی گیلان بر عهده جناب ناصر الملک مقرر آمد والیگری یزد را بمحمد خان والی سرتیپ اول مرحمت
فرمودند نواب عماد الدوله در سنه رجب داعی حق را لبیک اجابت گفت و نواب حشمة السلطنه بدیع الملک میرزا ولد
آنمرحوم بحکومت کرمانشهان و کردستان سرافراز شد و وزارت لشکر بجناب ممالک محروسه میرزا قهرمان امین لشکر
مفوض فرمودند روز هفتم شهر شعبان بجهة امتحان قشون ظفر نمون و ترقیات اداره جنگ در صحرای دوشان تپه
در حضور همایون مشق بزرگ عمده شد و یک قبضه شمشیر مرصع بجناب سپهسالار اعظم مرحمت فرمودند میرزا قهرمان
امین لشکر باعطای نشان تمثال همایون و لقب جلیل جنابی سرافراز آمد موکب فرخنده کوکب مبارک عزیمت سفر خجسته
اثر مازندران فرموده روز بیست و چهارم شعبان از اقدسیه بفیروزکوه تشریف فرما شدند و از آنجا بشهرستانک
و از شهرستانک بطرف قلعه کجور و دشت نظیر و اماکن متنزهه و نقاط و اماکن ییلاقی مازندران الی فرح آباد و اواخر
رمضان المبارک و اوایل شوال المکرم را در مشهد سر و فرح آباد و سواحل بحر خزر تشریف فرما بودند روز نوزدهم
بشهر بارفروش نزول اجلال فرموده و تا بیست و دویم در آنجا اقامت شد روز بیست و سیم بآمل و از آمل بطرف بلوک
لاریجان و از آنجا هفتم فرمای دماوند شده چهارشنبه دویم ذیقعدة الحرام از چشمه لار دماوند بصوب دار الخلافه

روز سیزدهم شوال الشهر ساری عزم دو روز نزول فرمودند تا هیجدهم در آنجا متوقف بودند

حرکت فرموده شب پنجم مقر خلافت عظمی را بمقدم مبارک آراستند جناب عضد الملک حکمران مازندران را بپاداش خدمات لایقه در بلوک لاریجان بکشوب سرداری ترمه شمسه مرصع مفتخر فرمودند دار الشورای کبری و مجلس وزرا مجدداً افتتاح شده وبنفس نفیس همایون در مجلس افتتاح تشریف فرما گردیده ونطقی مفصل فرمودند ونیز دستخطی مبارک مشعر بر حدود وحقوق این مجلس خطاب بجناب امین الملک وزیر رسایل خاصه شرف صدور یافت میرزا عبد الوهاب خان پسر جناب نظام الملک بمنصب استیفا از درجه دویم نایل آمد تلگرافخانه ممالک محروسه ایران در این سال بوضع تلگرافخانهای فرنگستان کرده بخوجیه سردار ترکمه که با جمعیت یاد بناخت سرحدات خراسان آمده بود خود با جمعی از همراهان وبدست شیپامنصور مقتول وبقیة السیف متفرق شدند جناب بالله قلیخان ایلخانی را بحکومت همدان سرافراز فرمودند (چین) فوت خاقان چین دوازدهم ژانویه اروپا (اسپانیا) در جزیره کوبا ژنرال کوزامردم را دعوت به تبعیت پادشاه جدید الفنس مینماید ورود پادشاه جدید در نهم ژانویه ببندر بارسلن از بنادر اسپانیا منازعه سخت هواخواهان دنکارلس باعساکر پادشاه نفاق مابین کارلیستها وتفرقه میان آنها فتوحات عساکر پادشاه در ممالکی که کارلیستها متصرف بودند (اطریش) مسافرت امپراطور بمملکت دالماسی ملاقات اعلیحضرت امپراطور با پادشاه ایطالیا در شهر ونیز ملاقات والی منتنگرو با اعلیحضرت امپراطور در کاتار افتتاح کشتیرانی در شعبه از دانوب که بحکم امپراطور تازه حفر نموده از وسط شهر وینه عبور داده اند ملاقات امپراطور اطریش واعلیحضرت امپراطور روس در اترز فوت امپراطور عموی امپراطور حالیه که از سلطنت استعفا نموده وسلطنت را باین امپراطور تسلیم کرده در بیست ونهم ژون در شهر پراک پناه حسین پاشا اعیان مملکت عثمانی بخاک اطریش (المان) مخالفت آشکار پاپ برضد ایتالیا وضد احکام از زمر کشیشهای کاتولیکی مذهب که تمکین واطاعت قوانین جدیده که دولت میخواهد در مذهب ایجاد نماید نمایند غدغن دولت ربیرون بردن اسب از مملکت پرنس بیزمارک بالصراحه در مجلس شوری میگوید که در مسئله مذهب ظاهر این است که شخص بخالق معتقد باشد نه بمخلوق مقصود از این حرف کنایه به پاپ است ملاقات ولیعهد المان وپادشاه ایطالیا در شهر ناپل در هفتم ماه مه کشتی موسوم به سیلو که از هامبورک عادة به نیویورک میرفته ومراجعت میکرده است سیصد وپنجاه نفر را حامل بوده غرق میشود واز این جمعیت سیصد ودوازده نفر هلاک میشوند ملاقات امپراطور المان وامپراطور روس در برلن ملاقات پادشاه سوید وملکه این مملکت با امپراطور المان در برلن ملاقات ارشیدوک البرت سپهسالار عساکر اطریش با امپراطور المان در امس مسافرت ولیعهد دولت المان بمملکت اطریش ملاقات امپراطور المان با امپراطور اطریش در ایشل کشیش شهر کلن که برخلاف حکم دولت رفتار نموده بود اخراج بلد میشود ملاقات امپراطور المان با پادشاه ایطالیا در میلان (انکلیس) صد وبیست هزار نفر عمله جاتیکه در معادن زغال سنگ گال کار میکردند یکمرتبه شورش نموده تعطیل از کار میکنند الحاق جزایر فیجی بمملکت انکلیس وزیر امور خارجه در مجلس بوکلا اطلاع میدهد که دول روس والمان واطریش با هم متحد شده اند که با ایالات سربی وافلاق وبغدان که جزو مملکت عثمانی هستند بدون استیذان واطلاع دولت عثمانی معاهده تجارتی ببندند مأموریت یکدسته از علما بریاست کلنل برون برای تحقیق وانکشاف علمی بمملکت چین مغربی وبمقصود نرسیدن ودر اوایل ورود بخاک چین صدمه کلی دیدن وکشته شدن جمعی از آنها ومراجعت نمودن بخاک برمان نقار مابین دولت انکلیس ودولت برمان عزل والی بارودا از ایالات هند بحکم دولت انکلیس بیاست ولیعهد انکلیس بجمع فراموشخانهای آن دولت مسافرت جمعی از علما ودانشمندان بقطب شمالی در بیست وهم ماه اوکشتی موسوم به البرتا که پادشاه انکلستان در آن کشتی بود واز ازبرن به پرتسموث میآمد در عرض راه علی الغفله بکشتی میتلسو بر خورده قسمتی از آن کشتی را شکسته سه نفر را غرق میکند کاپیتن وقپانز بندر ورد انکلیس به بندر کالنه فرانسه

باشا از دریا عبور کرده بیست و چهار ساعت تمام در روی آب میماند دریازدهم اکتبر ولیعهد انگلیس بقصد مسافرت هندوستان
از بندر دوور حرکت کرده در هشتم نوامبر وارد بندر بمبئی میشود ابتیاع دولت انگلیس سهامی که خدیو مصر در نهر مجمع
البحرین سوئز داشت بهشتاد کرور لیره انگلیسی در اول دسامبر ولیعهد انگلیس بسیلان میرسد و در یازدهم همین ماه بمدرس
و در بیست و سیم بکلکته (ایطالیا) گاریبالدی در مجلس وکلا بدولت تکلیف میکند که رودخانه تیبر را که از وسط شهر رم
کذشته مصبش بدریا است قابل کشتی رانی نمایند و طبقه از فراموشخانه ها در رم (روس) نقار دولت با خان خوقند
و ورود عساکر روس بسرحدات ژنرال کفمان بخوقند ناصرالدین خان والی خوقند مطیع میگردد لیکن عبدالرحمن نامی بر ضد
روسها برخاسته علم جهاد میکند ژنرال اسکبلف مامور تنبیه عبدالرحمن شده تمام خوقند را متصرف میشود اگرچه در نامها
طرف صلح را دارند و از جانب حرف میزنند ولیکن دولت روس شورش بعضی ایالات عثمانی را ابدا بنظر حقارت نمی نگرد و سهل
نگرفته بتهیه و تدارک جنک میپردازد و آشکارا اعانت و رعایت یاغیها و اعیان عثمانی مینماید (عثمانی) یاغیهای هرزگوین
جدا با قشون دولت در مجادله هستند اهالی ایالات منتکرو و سربی با آنها اعانت میکنند یاغیان شهر تربنیه را محاصره کرده اند
استعفا اسعد پاشا از صدارت و نصب محمود پاشا مامور بت کمیسیونی از طرف دولت عثمانی با معیت قونسولهای دول فرنک
نزد یاغیان هرزگوین برای تحقیق شکایات آنها از دولت مامورین بعد از ورود بشهر مستار هر قدر رؤسای یاغیان را می طلبند
که حاضر شده گفتگو نمایند آنها قبول نمیکنند و مامورین بی نیل مقصود مراجعت مینمایند در سربی وکلای ملت بوالی تکلیف میکنند که
باید رعایت و اعانت یاغیهای سربی را نموده با آنها حمایت کرده دولت عثمانی اعلان بطلبکاران خود مینماید که نصف طلبی که از
دولت عثمانی دارند از بابت فرع تنخواه دولت نخواهد داد ازدواج والی سربی با پرنسس ناتالی کوشک ورود عساکر مصری
بحبشه و شکست یافتن از حبشه و مراجعت کردن آنها بمصر شورشهای اهالی هرزگوین و بسنی بنهایت است و روز بروز در تزاید
میباشد عزل حسین عونی پاشا صدراعظم و نصب اسعد پاشا بجای او زلزله سخت در ازمیر و حوالی آنجا در دوازدهم ماه
مرکه بیشتر از دو هزار نفر بهلاکت میرسند (فرانسه) فوت کشته بوزا از وزرا و از رجال معتبر فرانسه طغیان
آب رودخانه های جنوبی فرانسه و خرابی رسانیدن باغلب اماکن دویست هزار تومان دولت از خزانه باشخاصی که اموال
و املاک ایشان تلف شده است مجانا بخشش میکند (هلاند) فتوحات قشون این دولت در اچین امریکا (اتاتونی)
فوت ژونسن رئیس سابق (ینکی دنیای جنوبی) شهر الپانه بواسطه زلزله کلیةً خراب میشود

سنه ۱۲۹۳ هجری — سنه ۱۸۷۶ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال امور مملکت خراسان را از هر جهة بجناب مشیرالدوله سپهسالار اعظم واگذار فرمودند
جناب حاجی ظهیرالدوله بامر اعلی عمارتی بسیار عالی بجهة محل سکنای ولاة و حکمرانان خراسان در شهر مشهد مقدس بنا
نموده اند جشن میلاد سعادت بنیاد همایون را جناب سپهسالار اعظم باعلی درجه کمال گرفته در تمام بلاد ممالک محروسه
نیز جشن مفصل گرفته شد جناب ایکوستینی محترم آرشوک هراکلیا از طرف حضرت پاپ با هدایا و نامه بحضور مبارک مشرف
جشنیه جواب آن نامه از جانب اعلیحضرت شاهنشاهی مبنی بر کمال مودت مرقوم و تبلیغ شد حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده
والا ولیعهد گردون مهد دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی احضار بدار الخلافه شده روز بیست و دویم صفر
وارد دار الخلافه گردیده در باغ دولتی موسوم بباغ ایلخانی منزل برای حضرت اجل معظم معین گردید علیقلیخان مخبر
الدوله رئیس اداره تلگرافخانه بوزارت تلگراف و اعطای لقب جنابی سرافراز شد روز دوشنبه بیست و سیم شهر
صفر سه ساعت و سی و هشت دقیقه و چهل ثانیه از روز گذشته آفتاب عالمتاب از برج حوت بحمل تحویل نمود حکیم

الممالک پیشخدمت باشی سلام بحکومت بروجرد منصوب گردید نواب والا رکن الدوله بحکمرانی ایالات خراسان و سیستان مفتخر گردیدند ادیب الملک پیشخدمت خاصه بحکومت قم و ساوه سرافراز شد حاجی میرزا تقی وکیل الرعایا بمنصب کلانتری دارالخلافه برقرار گردید میرزا محمد حسین پسر معزی الیه بکدخدائی محله عودلاجان مباهی آمد محض ظهور عواطف خاصه خسروانه درباره حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده امجد اکرم ولیعهد دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی یک قبضه شمشیر مرصع بجواهر ثمینه و فیروزه از شمشیرهای خاصه سلطنتی بدست مبارک همایونی بحضرت مستطاب معظم مرحمت فرموده و پس از رخصت ملوکانه معاودت بآذربایجان فرمودند حکمرانی ایالت عربستان و لرستان را بنواب حشمة الدوله مفوض داشتند امین حضور پیشخدمت خاصه بحکومت کاشان سرافراز شد میرزا اسدالله مستوفی اول بپیشکاری مازندران مفتخر آمد نواب والا معتمد الدوله فرهاد میرزا که بمکه معظمه مشرف شده بودند غره ربیع الثانی بدارالخلافه ورود نموده بخاکپای مبارک شرفیاب و مورد مرحمت مخصوص گردیدند حاجی میرزا محمد رضای مستشار الملک پیشکار خراسان بیک قلمدان دوات مرصع و خلعت همایون سرافراز آمد حاجی میرزا عبدالله خان علاء الملک بیک قطعه نشان تمثال مبارک مفتخر گردید جمعی از ترکمن با عاشور لنک که یکی از سرداران ترکمان است و ادنه نفس که او نیز از روسای ترکمانان میباشد بتاخت و تاز سرحدات خراسان آمده مصطفی قلیخان میر پنج رئیس اردوی خراسان با قشون ظفر نمون سر راه بر آنها گرفته جمعی را مقتول و عاشور لنک را کشته و ادنه نفس را با ده نفر سوار دستگیر کرده باقی متفرق گردیدند حکمرانی و فرمانفرمائی مملکت فارس را علاوه بر سایر مشاغل جناب سپهسالار اعظم فرمودند وزارت معادن ممالک محروسه را مجدداً بر عهده نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم موکول داشتند ریاست اصطبل توپخانه مبارکه را بنواب جهانسوز میرزا مرحمت فرمودند یار محمد خان ایلخانی شادلو نیز که در سرحدات بجنورد از ترکمن نموده است محمد خان والی حکمران یزد بخطاب جنابی سرافراز آمد لشکرنویسی افواج اصفهان بمیرزا محمد حسین لشکرنویس ولد میرزا باقر لشکرنویس راجع شد میرزا حسینعلی طبیب از اطبای حضور همایون بلقب شیخ الاطبائی ملقب گردید موکب همایون در ماه جمادی الثانیه عزیمت ییلاق لار فرمود حکومت و فرمانفرمائی فارس را بنواب والا معتمد الدوله واگذار فرمودند محمد حسنخان ولد جناب علاء الدوله وزیر دربار اعظم بمنصب فراشباشیگری سرافراز شد سیم تلگراف خراسان بمشهد مقدس وصل آمد اداره ملبوس و خیام خانه نظام را بعهده مراقبت حاجی میرزا عبدالله خان علاء الملک موکول داشتند جناب سپهسالار اعظم را بیک ثوب سرداری مفتول دوز نظامی شمسه مرصع از ملابس خاصه سرافراز فرمودند مجلس تحقیق علاوه بر مجلس شورای کبری و مجلس خاص وزرا برقرار و دایر گردیده و اجزای این مجلس از قرار ذیل است

(نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم) (نواب حسام السلطنه) (نواب والا نصرة الدوله) (جناب حاجی ظهیر الدوله)
(جناب ناصر الملک) (جناب حاجی دبیر الملک) (جناب حسنعلی خان) (جناب بصیر الدوله) (جناب امین لشکر) (جناب مخبر الدوله)
(جناب امین الملک وزیر رسائل خاصه مدیر مجلس) (میرزا محمود خان منشی اسرار و کاتب مجلس)

بعضی بناهای بدیع رفیع بر ابنیه سلطنتی دارالخلافه افزوده شد نواب والا نصرة الدوله بحکومت ایالات مرکزی که عبارتست از عراق و همدان و ملایر و تویسرکان و کلپایگان و خوانسار و نهاوند و بروجرد باشد منصوب و بلقب فرمانفرمائی ملقب گردیدند حکمرانی ایالت کرمانشاهان و کردستان را بعهده نواب حسام السلطنه مفوض داشتند روز نوزدهم ماه شوال جناب منیف افندی وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت عثمانی که حامل اعلان نامه رسمی جلوس اعلیحضرت سلطان عبدالحمید خان بر تخت سلطنت عثمانی بود بحضور مهر ظهور مبارک مشرف شد ایالات قم و کاشان و ساوه و زرند را ضمیمه مزید مشاغل و حکمرانی حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا امیر کبیر نایب السلطنه دولت علیه حکمران دارالخلافه ادام الله اقباله العالی

فرمودند

فرمودند وزارت عدلیهٔ اعظم را بجناب میرزا کاظم‌خان نظام‌الملک که مسبوق باین امر بود تفویض فرمودند بنده مؤلف بکرّات حامل
سرخ و نشان سرتیپی سرافراز آمد چون اوایل عشر سیم ذیقعدة الحرام اینسال اول سال سی‌ام سلطنت اعلیحضرت شاهنشاه
جمجاه بود و اینمقرن سعید باقرن صد سالهٔ سلطنت سلسلهٔ ابدپیوند قاجاریه اقتران داشت جناب سپهسالار اعظم جشن این
قرن همایون را در چند روز و چند شب بوجه اکمل گرفتند جناب مسیو زینوویف وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت روس مأمور
باقامت دربار دولت علیه با تشریفات معموله در شانزدهم ذیحجه وارد دارالخلافه گردید (چین) فتوحات عساکر چینی
در کاشغر گرفتن شهر ارومچی را از یعقوب بیک امیر کاشغر (ژاپن) مسافرت میکادو پادشاه اینمملکت با سفاین جنگی
باطراف جزیرهٔ خود موقوف داشتن شکنجه را نسبت بمقصرین در اینمملکت شورش ایالات مغربی قتل با عیان **اروپا**
(اسپانیول) تمام نقاطیکه عساکر یاغی دنکارلس گرفته بودند قشون دولتی بحیطهٔ تصرف درآورد شانزده هزار از قشون
یاغی کارلیست اسلحهٔ خود را زمین گذاشته مطیع پادشاه اسپانیا شدند فرار دنکارلس بمملکت فرانسه ورود پادشاه
اسپانیا با فتح و نصرت بمادرید (اطریش) مسافرت امپراطور بدالماسی ملاقات پادشاه یونان و ملکهٔ این مملکت با امپراطور
اطریش در وینه ملاقات امپراطور روس با امپراطور اطریش در رئشتاد در حالتیکه صدر اعظم دولتین روس و صدر اعظم
دولت اطریش حضور داشتند ملاقات امپراطور اطریش در وینه با پادشاه ساکس ورود پادشاه یونان بوینه (المان)
منع دولت از فروش اسب بکسانیکه میخواهند آنها را بخارج ببرند فوت ژنرال بوکر از معارف در برلن طغیان آب اغلب خانه‌ها
علی الخصوص در شهر فرانکفورد را زد مسافرت پادشاه انگلستان بشهر بادن ملاقات پادشاه انگلستان و امپراطور المان
در شهر کوبورک ملاقات امپراطور روس و امپراطور المان در برلن ملاقات وزرای دول ثلاثه روس و المان و اطریش پرنس
گرچاکف (پرنس بیزمارک) (کنت اندراسی) ملاقات ارشیدوک البرت سپهسالار اعظم دولت اطریش با امپراطور المان و امپراطور
اطریش در شهر امس مسافرت ولیعهد دولت ایطالیا با زوجهٔ خود به برلن ملاقات امپراطور اطریش و امپراطور المان در سالزبورک
ورود امپراطور برزیل و امپراطریس برزیل بالمان (انگلیس) لرد دربی وزیر امور خارجه مذمت از وضع سلطنت و حکمرانی دولت
عثمانی میکند ملقب شدن دیسرائیلی صدر اعظم بلقب کنت دبوکونزفیلد تعدی و ظلم عثمانیها نسبت باهالی بلغارستان با
کمال نفرت در انگلیس بروز میشود مسیو گلادستون کتابچه در مذمت دولت عثمانی انشا میکند سان دادن قشون هند در
دهلی با حضور ولیعهد افتتاح پارلمنت با حضور شخص پادشاه انگلستان تکلیف دیسرائیلی صدر اعظم بوکلا که بالقاب اعلیحضرت
پادشاه انگلستان امپراطریس هندوستان افزوده شود ابتیاع بقیهٔ سهام خدیو مصر از شراکت حفر مجمع البحرین سوئز
بواسطهٔ دولت انگلیس مسافرت پادشاه انگلستان بالمان و مراجعت بانگلیس معاودت کامرون سیاح معروف از افریقا بانگلیس
مراجعت ولیعهد از هندوستان بانگلیس فرستادن کشتیهای جنگی انگلیسی باسلامبول بجهة رعایت دولت عثمانی (ایطالیا)
مسافرت ولیعهد با زوجهٔ خود بپطرزبورغ ورود سفرای مراکش بتورن و بحضور پادشاه رفتن اهالی ایطالیا از صدماتیکه از
طرف دولت عثمانی باهالی بلغارستان میرسد متألم میباشند فوت کاردینال انتونلی معروف صدر اعظم پاپ برقراری کاردینال
سیمونی بجای او زوجهٔ دوک دا وست پسر دوم پادشاه ایطالیا فوت مینماید مسافرت اوژنی امپراطریس سابق فرانسه بشهر رُم
(بلژیک) ورود پادشاه یونان و ملکه باین مملکت نیز ورود امپراطور برزیل و امپراطریس به بلژیک ملاقات پادشاه بلژیک
و ملکه در شهر ویسبادن شورش مردم در شهر بروکسیل پای تخت و در آنورس (دانمارک) مسافرت پادشاه با زوجهٔ
خود بپطرزبورغ (روس) در دهم نوامبر اینسال که مطابق است با جمعه بیست و دوم شوال خطبهٔ اعلیحضرت امپراطور در مسکو
با حضور رجال دولت و اعیان و اشراف مملکت قرائت کرده آشکارا بیان مینماید که اگر اجماع دول فرنگ نتوانستند قراری در

رفاهیت

رفاهیت عیسویان با رعیت عثمانی بدهند مسلماً من بشخصه حاضر هستم که کمال رعایت با آنها بنمایم و سه روز بعد عساکر اردوهای جنوبیه
مامور توقف در ایالات ساکر دیده شدند نواب گراندوک نیکلا برادر امپراطور سردار این اردو گردید اردوی مذکور عبارت است از
دویست و شانزده هزار پیاده و چهل و نه هزار و دویست نفر سواره و ششصد و چهل و هشت عراده توپ و دویست
کرور منات بحاله لذا از برای تدارک جنگ دولت از داخله مملکت استقراض نمودند و مقرر شد که از آن بعد وجه گمرک نزد مسکو
باشند پول نیکل تمام اهالی روس از هر مملکت هر نقطه عریضه ها با امپراطور روس نوشته دعای خیر با علیحضرت معظم مینمایند
که بخیال آزادی عیسویهای عثمانیست در اول دسامبر که مطابق با جمعه چهارم ذیقعده است نواب گراندوک نیکلای سپهسالار
برادر امپراطور که سردار عساکر جنوبی بود بسمت کشنیف که معسکر اردوی روس بود حرکت کرد فوت امیرال کراب وزیر
بحریه در زمستان قونگر اندوک در شمال بری خواهر اعلیحضرت امپراطور الحاق مملکت خوقند بتصرفات روس در ترکستان
و موسوم نمودن این ایالت را بایالت فرغانه فتوحات و غلبه ژنرال اسکبلف سردار بر طایفه قراقرقیز (سوئد و نروج) فوت
مادر پادشاه در تابستان (سوئیس) دخل این مملکت در اینسال هشت کرور و دویست و چهل و یکهزار و پانصد و پنجاه
و دو تومان و ششهزار دینار است خرج هشت کرور و چهارصد و بیست و هفت هزار و ششصد تومان (عثمانی) جنگ سخت
دولت با یاغیان هرزگوین و بسنه گشتن اندراسی صدراعظم اطریش دستور العمل و یادداشتی برای استمالت یاغیان
هرزگوین و بسنه که با امضای دول روس و آلمان و انگلیس رسیده است باسلامبول روانه میسازد و اصول این دستور العمل
و یادداشت مبنی بر این بود (آزادی تام و تمام اهالی در مذهبی که پیروی میکنند) (قانون در وضع اخذ مالیات که تعدی
بآنها نشود) (تشویق زارعین و ملاحان) (یکقسمتی از مالیات معینه که این دو ایالت یاغیه بدولت عثمانی میدهند همه
ساله خرج خود آن ایالت شود یعنی بمصرف ساختن مدارس و راهها و مریضخانها و غیره برسد) (ایجاد مجلسی در این دو ایالت
مرکب از عیسویها و مسلمانان که معتمدان آن مجلس نشسته قرارهای لازم برای رفاهیت رعیت بدهند) دولت عثمانی قبول
این تکالیف را مینماید و چهار هفته بیاغیان مهلت میدهد که اگر در ظرف این مدت اسلحه بزمین گذاشته اطاعت اختیار کنند
آنها را عفو کرده نیز سلطان برای خرابیکه باهالی رسیده مقرر میدارد که در ظرف ده سال تخفیف کلی در مالیات آنها
داده شود ملاقات ژنرال ایرتیج حاکم الماسی من بالالات اطریش با عالی پاشا و مختار پاشا سرداران عثمانی در شهر راگوز
یاغیهای بسنی با نهایت شدت بر ضد دولت هستند مختار پاشا با هفده هزار قشون با یاغیهای هرزگوین و بسنی در
جنگ است ابتدای شورش در بلغارستان استعفای محمود پاشای صدراعظم و نصب محمد رشدی پاشا بجای او بدست آوردن
قاتلین قونسولهای فرانسه و آلمان که در سالونیک بدست عثمانی مقتول شده بودند و بقتل رسانیدن آنها را در اسلامبول
خلع سلطان عبدالعزیزخان از سلطنت در سی ام مه که سه شنبه ششم جمادی الاولی باشد و نصب سلطان مراد پنجم بجای او در چهاردهم
ماه ژون که شنبه[۲] بیست و چهارم جمادی الاولی باشد حسین عونی پاشای وزیر جنگ و رشید پاشای وزیر امور خارجه را
حسن نام چرکس در خانه مدحت پاشای صدراعظم بقتل میرسانند رجنی که در بلغارستان و هرزگوین و بسنه قشون
دولتی با طغیانات و شرارت یاغیان مشغول بودند و آن ایالات را منظم کرده ایالت سربی بهانه اینکه میخواهند حدود
و سنور خود را محفوظ از دستبرد و تعدی یاغیان یا قشون منظم دولت عثمانی نمایند عساکر زیادی حاضر میکنند و پرنس
میلان والی سربی سرداری این قشون را بشخصه قبول میکند در اول ژوییه که شنبه نهم جمادی الاخری باشد منتنگرو و سربی
بعثمانی اعلان جنگ میکنند سردار عساکر سربی ژنرال چرنایف میباشد فتوحات مختار پاشا در منتنگرو و از طرف
دیگر شکست دادن قشون منتنگرو عساکر عثمانی را و حبس کردن عثمان پاشا عساکر عثمانی را بسرداری سردار اکرم

[۲] یکشنبه یازدهم جمادی الاولی
باشد عبدالعزیزخان شریان
خود را با مقراض در دست خود
هلاک میسازد در شانزدهم
ژون کرم

عید

عبدالکریم پاشا و در دونجاک سربستان میدانند فتوحات عبدالکریم پاشا در سربستان میانجی گری دولت انگلیس که اسباب اصلاح میان سربی و عثمانی را فراهم آورد در بیست و یکم ماه اوکت دوشنبه نهم رجب باشد بفتوای شیخ الاسلام که سلطان مراد خان پنجم مریض و مجنون نیست و قابل سلطنت نیست از سلطنت خلع شده برادر کهتر او عبدالحمید خان بجای او منصوب گردید در هفتم سپتامبر که پنجشنبه هیجدهم شعبان باشد سلطان عبدالحمید خان رسما جلوس بتخت سلطنت میکند تکلیف صلح نمودن دولت انگلیس دولت عثمانی را با سربی و منتنگرو باشتراک سایر دول فرنگ و جواب مبهم دادن دولت عثمانی و ورود امپراطور برزیل باسلامبول ایجاد پارلمنت عثمانی مرکب از صد و بیست نفر فتوحات عبدالکریم پاشا در سربی و استمداد نمودن سربی از دولت روس و رفتن دو هزار صاحب منصب و سرباز روس باسم داوطلب بمملکت سربی بطرفداری اختیار کردن افلاق بغدانی قبول کردن دولت عثمانی یک مجلس کنفرانسی که اجزای این مجلس سفرای کبار دول فرنگ باشند بجهت قراردادهای جدید در داخلهٔ عثمانی استعفای ژنرال چرنایف از سرداری عساکر سربی دولت روس تنها مطالبهٔ یک عثمانی از طرف دولت عثمانی میکند که بوعده تنها اکتفا ننموده با بیضامن شود که قرارهای جدید که مامورین دول فرنگ خواهند گذاشت از عهده برآید و مامورین با وجود اینکه این مجلس برای او منعقد است حق حضور در این مجلس را نداشته باشد دولت عثمانی جدا مدحت پاشا و ادهم پاشا را از طرف خود مامور نموده باین مجلس میفرستد افتتاح مجلس کنفرانس در دوازدهم دسامبر که سه شنبه بیست و پنجم ذیقعده باشد بدون قبول حضور مامورین عثمانی بریاست ژنرال اکناتیف سفیر کبیر روس عزل رشدی پاشای صدراعظم و نصب مدحت پاشا بجای او دولت عثمانی پنج تکلیف از تکالیف مجلس کنفرانس را قبول نمیکند (فرانسه) ریاست سیوگروی مجلس پارلمنت ورود پادشاه انگلستان به بندر شربورغ و ورود بپاریس و ملاقات با مارشال ماکماهون ورود سفرای مراکش بپاریس (هلاند) آزاد کردن غلام و کنیز را دولت هلاند در جزیره سوماترا (یونان) ورود امپراطور برزیل در این مملکت مراجعت پادشاه یونان بعد از گردش و سیاحت تمام فرنگستان بمملکت خود اعتراض دولت برای تدارک قشون فرستادن چند کشتی جنگی به بندر سالونیک **امریکا** (اتازونی) در چهارم ژوییه که سه شنبه دوازدهم جمادی الثانیه باشد جشن صد ساله آزادی اتازونی را تمام آن مملکت گرفتند (مخفی نماند که قبل از صد سال ممالک فسیح المسالک اتازونی جزو مملکت انگلیس بوده و از آن تاریخ بعد آزاد شده دولت مستقل بزرگی گردیده است) ورود امپراطور برزیل در بهار این سال به نیویورک پایتخت تجارتی که تشخص رئیس اتازونی میدادند از طرف دولت آن مخارج را ژنرال گرانت رئیس تضعیف نمود افتتاح اکسپوزیسیون صنایع عمومی برای جمیع دول و ملل روی زمین در شهر فیلادلفی در اواخر بهار (برزیل) مسافرت امپراطور به ینگی دنیای شمالی (شیلی) بنسوان حق داده شده که مثل رجال آنها در مجلس پارلمنت حق تعیین وکیل دارند (مکزیک) شورش اهالی بوگراند بتحریک ژنرال دیاز و شکست یافتن یاغیان از قشون دولت (ینگی دنیای جنوبی) ژنرال پرادو بریاست جمهوری منتخب گردید

سنهٔ ۱۲۹۴ هجری — سنهٔ ۱۸۷۷ مسیحی

آسیا (ایران) ابتدای این سال خیرمآل حضرت به نظم و انتظام امور دولت و رفاه و آسایش حال رعیت جناب سپهسالار اعظم باشارهٔ علیهٔ ملوکانه قانونی برای تعیین حدود و تکالیف حکام و رؤسای قشون که در ولایات ممالک محروسه هستند نوشته بامضای ملوکانه موشح داشتند میرزا سنگلاخ که تقریبا یکصد و ده سال عمر کرده شب جمعه هفدهم صفر در تبریز بداعی حق را لبیک اجابت گفت عید مولود مسعود شاهنشاهی دام ملکه را جناب سپهسالار اعظم با شکوهی و زینتی تمام گرفتند در تمام ممالک محروسه جشن کامل گرفته شد بعضی استخوانهای ماموث را در اصفهان میرزا تقی خان حکیمباشی حضرت اجل اعظم شاهنشاهی

والاملل السلطان حکمران اصفهان و مضافات انکشاف کرده است (ماموث حیوانیست که قبل از طوفان آخری در کره ارض وجود داشته شبیه بفیل ولی بزرگتر بعد از طوفان دیگر این جنس حیوان وجود نیافته است) روز سه شنبه چهاردهم ربیع الاول بعد از نه ساعت و سی و هفت دقیقه و سی و شش ثانیه از روز گذشته نیر اعظم از برج حوت بحمل تحویل کرد سلام خاص در عمارت عالی در پیشگاه حضور همایون منعقد گردید و سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت حکمرانی مازندران را بعهده جناب معتمد الملک وزیر مخصوص موکول داشتند میرزا علی دکتر بعد از مراجعت از سفر فرنگستان که برای تحصیل رفته بود از اطبای حضور همایون و بمنصب معلمی علم طب مدرسه مبارکه دار الفنون سرافراز آمد رسیدگی بامور عربستان و لرستان را بعهده کفایت جناب علاء الدوله وزیر مالیه دربار اعظم موکول داشتند نیز اداره گیلان را مزید سایر مشاغل جناب معظم فرمودند وضیاء الملک بحکومت گیلان منصوب شد حکمرانی خمسه را بنواب والا عز الدوله عبد الصمد میرزا واگذار فرمودند میرزا محمد حسین پسر میرزا جعفر وقایع نگار بمنصب استیفا سرافراز آمد موکب همایون پانزدهم جمادی الاولی تشریف فرمای ییلاق لار و نمارستاق گردید چرخ سکه و ضرابخانه دولتی در محلی که مشهور بکارخانه ریسمان ریسی است بریاست جناب میرزا علیخان امین الملک وزیر رسایل خاصه و مباشرت مسیو پخن نمساوی تکمیل و دایر شد آقا محمد ابراهیم امین السلطان بلقب جنابی ملقب و از اجزای دار الشورای کبری گردید مهام و امور دولتی را در تحت دو وزارتخانه قرار داده جناب اجل آقای مستوفی الممالک را وزیر امور کشور و جناب سپهسالار اعظم را وزیر امور لشکر خواندند میرزا زکی رشتی و نیز در جرم جلالت بخطاب جنابی مفتخر آمد در سلخ رجب شهر ستان نانمصر بجام معلی گردید بعد از معاودت سفرای بهرمان از دار الخلافه فرمان مملکت میرزا فضل الله خان کارپرداز بمبئی را مامور بایلچی گری و سفیر بهرمان قرار دادند مشار الیه این ماموریت را از روی کفایت با نجام رسانیده معاودت کرده این وقایع عریضه از مسافرت و شرح سفارت خود بخاکپای همایون ارسال داشت میرزا هاشمخان امین الدوله مرحوم شد میرزا محمد خان امین خلوت ولد مرحوم میرزا هاشمخان علاوه بر ریاست فنکداران خاصه بریاست خلوت همایون سرافراز گردید مسیو نیکلا اسپنو از جانب مسیو ریدر رئیس کل پستخانها بنایب کلیه یافت میرزا اسحق خان بکار پردازی مهام خارجه استراباد برقرار گردید در ماه رمضان امسال تکیه دولتی محل و جایگاه تعزیه داری و استماع مواعظ گردید در غرفات آن جواهر فروشان دار الخلافه و تجار و ارباب صناعت و حرفه منزل نموده بکسب و حرفه خود مشغول شدند نصر الله خان نصر الملک سرتیپ اول بیک قطعه نشان تمثال همایون سرافراز گردید میرزا شفیعخان جناب منصب نیابت نظام العلماء یافت نواب والا جهانسوز میرزا امیر تومان حکمران استراباد باعطای نشان تمثال همایون مفتخر آمد حسینعلیخان ولد جناب علاء الدوله بمنصب پیشخدمت غلام باشیگری مباهی گردید میرزا جوادخان که مامور حمل امتعه و اجناس ایران باکسپوزیسیون پاریس میباشد بمنصب سرتیپی دویم مباهی آمد میرزا محمد علی ناظم پستخانه بعطای یکرشته حمایل و نشان از درجه سرهنگی نایل گشت بعضی از ترکمن سارو که بخاک خراسان بتاخت و تاز آمده بودند مصطفی قلیخان میرپنج رئیس نظام خراسان آنها را بسزای نیز امود ... محمد علیخان امین السلطنه جامه دار خاص بعطای یک قطعه نشان و حمایل سرخ از درجه دویم سرتیپی سرافراز آمد میرزا اسد الله خان ژنرال قنسول دولت علیه مقیم تفلیس باعطای نشان و حمایل سرتیپی اول مباهی گشت (چین) فوت ولیعهد در سن بیست و هشت سالگی (ژاپن) ایجاد راه آهن جدید و افتتاح آن با حضور پادشاه از آثار آن بهرکت (اروپا) (اسپانیا) هواخواهان دنکارلس که بخارجه فرار کرده بودند بحکم پادشاه باوطان خود بر میگردند تمام یاغیهای جزیره کوبا مطیع و منقاد دولت شدند (اطریش) ملاقات پرنس بیزمارک صدر اعظم المان و کنت اندراسی صدر اعظم اطریش در شهر سالسبورگ (المان) گرفتن امپراطور جشنی در موقع سال هفتادم داخل شدن ایشان بخدمت قشونی و سال هشتادم عمر اعلیحضرت معظم

پرنس بیزمارک بواسطهٔ علت مزاج موقتاً چندی از کار دکناره میجوید ملاقات امپراطور المان با امپراطور اطریش در شهر ایشل
(انکلیس) ورود سفرای چین بلندن گفتگوی بحث در مجلس پارلمنت در مسائلی که راجع بعثمانیست الحاق جمهوری ترانسوال افریق
فریبیست اسامیه بمتصرفات انکلیس در آن ناحیه سفاین جنگی انکلیس ورود بخلیج بزیکا نزدیکی اسلامبول میکند (ایطالیا) پی هم
باپچشن سال بیجام سلطنت وهانی و حسبتاً خود را میکیرد (پرتوغال) بیطرفی این دولت در جنک روس و عثمانی (روس)
صدراعظم این دولت پرنس کرچاکف بدول المان و اطریش و فرانسه و ایطالیا یادداشتی میفرستد که دولت عثمانی بهیچوجه تکالیف
دولت روس را در مسائلی که راجع برفاهیت عیسویان آنمملکت است قبول ننموده و باین جهت دولت روس در تهیه قشون است
آمدن اعلیحضرت امپراطور به کشینو باتفاق ولیعهد و سان دیدن قشون و در آنجا   اعلان جنک کردن بعثمانی شارژ دافر عثمانی
با تمام اجزای سفارت خود از پطربورغ بسمت مملکت خود حرکت میکند امپراطور با ولیعهد بتخصه دیدن عساکر روس که بخاک عثمانی ورود
میکنند حاضر هستند (عثمانی) سرداری سلیمان پاشا بجای مختار پاشا در هرزکوین صفوت پاشا در مجلس وکلا از طرف سلطان
اظهار میدارد که تکالیف مجلس کنفرانس دول را که در اسلامبول منعقد شده بود بیچون بشأن و شوکت عثمانی خللی وارد می آورد سلطان
قبول نکرده و رد نموده اند مجلس وکلای دولت عثمانی تماماً تکالیف مجلس کنفرانس دول فرنک را رد کردند رفتن مامورین دول که در
مجلس کنفرانس حاضر شده بودند از اسلامبول عزل مدحت پاشا از صدارت و نصب ادهم پاشا بجای او انعقاد مصالحه مابین سربستان
و عثمانی سرداری کل سفاین جنگی عثمانی به هبرت پاشا نام که اصلاً انکلیسی است تفویض شد شارژ دافر روس با اتباع سفارت بیرق خود را
خوابانیده از اسلامبول خارج شدند در بیست و چهارم آوریل مطابق سه شنبه دهم ربیع الثانی عساکر روس ورود بسرحد عثمانی
نمودند ایالت افلاق بغدان بقشون روس اجازه میدهد که از مملکت او عبور نموده بخاک عثمانی بروند و والی افلاق بغدان
پرنس شارل سرداری عساکر خود را قبول کرده برضد عثمانی برمیخیزد تصرف عساکر عثمانی سخم قلعه را از بنادر روس در هفدهم
مطابق پنجشنبه سیم جمادی الاولی شهر اردهان را روس متصرف شد شیخ الاسلام فتوای جهاد میدهد در چهارم ژوئن مطابق
دوشنبه بیست و یکم جمادی الاولی عساکر روس شهر قارص را محاصره میکنند در بیست و دویم همان ماه عساکر روس از رود
دانوب عبور مینمایند ورود عساکر روس در سمت اروپ به نواحی خاک عثمانی پیش قراول قشون روس بسرداری ژنرال
کورکو از کوه بالکان عبور میکند شهر ینیکلی متصرف عساکر روس در می آید شکست اردوی نظم روس بدست عثمان پاشا سردار
عثمانی محمد علی پاشا بجای عبدالکریم پاشا سپهسالار کل عساکر عثمانی در سمت اروپ میشود عثمان پاشا در پلونا محصور شد بد
حملهٔ اول عساکر روس بآن نقطه ده هزار نفر قشون روس کشته میشود شکست ژنرال کورکو در حوالی قزانلق روی میدهد سلیمان
پاشا در یک حمله بار وسها بجهة بجنک آوردن دره شیپکا دو هزار نفر بکشتن میدهد عساکر افلاق بغدان با عساکر روس متفق
شده در محاصرهٔ پلونا جدا مشغولند و سرداری این دسته قشون با پرنس شارل حاکم افلاق بغدانست لفچا بتصرف روس درآمد
در حملهٔ دویم عساکر روس و افلاق بغدان به پلونا بیست هزار نفر از عساکر روس کشته میشود شکست مختار پاشا در الشکرد
خود را بقلعهٔ قارص انداختن در هیجدهم نوامبر مطابق یکشنبه یازدهم ذیقعدة الحرام قلعهٔ قارص بتصرف قشون روس درآمد
و عساکر روس بسمت ارزنة الروم حرکت کردند در دهم دسامبر مطابق دوشنبه چهارم ذیحجه عثمان پاشا با قشون ابواب جمعی
خود در پلونا تسلیم عساکر روس میشود و در همان وقت ایالت سربیا با وجود عقد مصالحه با دولت عثمانی نقض عهد نموده با قشون
روس متفق میشود با وجود سرمای سخت و برف زیاد عساکر روس از چند نقطه کوه بالکان عبور میکند (فرانسه) ریاست
مسیو کروی بمجلس وکلای ملت فوت ژنرال شانکارنیه از سردارهای معروف در سیم سپتامبر که دوشنبه بیست و چهارم
شعبان باشد مسیو طیر رئیس سابق دولت جمهوری فرانسه وفات میکند (هلاند) فتوحات عساکر دولت در اچین فوت ملکه

ابن ملکه

این مملکت در تابستان (یونان) با کمال عجله دولت در تهیه حاضر کردن قشون است و کارخانه جات اسلحه سازی ایجاد میشود بیست هزار قشون علاوه بر قشون معمولی حاضر میکنند و ورود نواب ولیعهد دولت انگلیس به آتن پای تخت یونان امریکا (اتازونی) در بهار این سال رئیس جمهوری بر قرار و ژنرال گران از این عمل خلع گردید سالی پنجاه هزار دلار به رئیس جدید مواجب مرسوم داده میشود (هر یک دلار معادل است با پنج قران پول ایران) پیغمبر طایفه مرمن که مذهبی است جدید الاحداث و شوهر نام پیغمبر مزبور است بحکم دولت بقتل میرسد تمام قشون اتازونی بری و بحری بیست و پنجهزار است مسافرت رئیس سابق ژنرال گران بسمت [illegible] و [illegible] او به لیورپول بندر انگلیس شکست عساکر دولتی از طایفه سیوکس که از وحشیهای قدیم ینگی دنیا میباشند (برزیل) بواسطه خشکسالی و نیامدن باران در ایالات شمالی مردم ببلیه قحطی مبتلا میشوند (مکزیک) ریاست [illegible] نام در مکزیک

سنه ۱۲۹۵ هجری — سنه ۱۸۷۸ مسیحی

آسیا (ایران) کلیه امور دولتی در اینسال فرخنده فال از توجهات کامله بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دام ملکه و ابدا ماکان قرین انتظام است جشن میلاد همایون را جناب سپهسالار اعظم بوجه اکمل گرفتند کتاب مستطاب منتخب مثنوی که بقلم معجز رقم مبارک انتخاب شده باهتمام محمد حسنخان محقق بطبع رسیده است حکومت کرمان و بلوچستان را بحاجی غلامرضا خان شهاب الملک مفوض فرمودند میرزا محمد مستوفی ولد مرحوم حاجی میرزا بابای حکیمباشی بمنصب سابق نظام سرافراز شد شب پنجشنبه شانزدهم ربیع الاول بعد از گذشتن سه ساعت و پانزده دقیقه و دو ثانیه از شب آفتاب از برج حوت بحمل تحویل نموده سلام خاص در عمارت عاج و سلام عام در تالار تخت مرمر منعقد گردید اداره امور بنائی دار الخلافه باهره و سایر ممالک محروسه را بعهده نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم موکول فرمودند حکمرانی کلپایگان و خوانسار و بروجرد را ضمیمه حکمرانی اصفهان نموده بحضرت اعظم اجل شاهنشاهزاده والا ظل السلطان واگذار فرمودند نواب والا عباس میرزا که چندین سال در عتبات عالیات و عراق عرب بسر میبرد عواطف و مراحم ملوکانه ایشانرا بدربار همایون احضار فرموده مبلغ ششهزار تومان وجه نقد از خزانه عامره برسم سیورغال و مواجب در حق نواب معظم و یکهزار و پانصد تومان در حق نواب محمد میرزا ولد ایشان برقرار و نواب معظم را بلقب جلیل ملک آرائی و حکومت خمسه مباهی فرمودند نواب عز الدوله بهرام میرزا را بوزارت عدلیه عظمی مفتخر فرمودند حکمرانی ملایر و نهاوند و تویسرکانرا بر عهده کفالت نواب موید الدوله موکول داشتند جناب اللهقلیخان ایلخانی بحکومت همدان مباهی گشت حاجی محمد حسینخان قاجار شامبیاتی بریاست مجلس مظالم عامه برقرار آمد امیر دوستمحمد خان معیر الممالک باعطای نشان تمثال همایون سرافراز گردید میرزا حسن بوذری ولد میرزا ابراهیم بمنصب استیفا از درجه سیم نایل آمد حاجی میرزا علینقی منشی باشی نظام بلقب مشیر لشکری سرافراز گردید حاجی آغا جوهر خواجه باشی بلقب معتمد الحرم مفتخر گردید کلیه قراولخانه های دار الخلافه را بعهده کفایت امیرزاده وجیه الله میرزا پیشخدمت خاصه و خزانه دار کل وجوه نظام واگذار فرمودند آقا رضای آجودان مخصوص حضور همایون و خازن وجوه صرف جیب مبارک باعطای یکقطعه نشان از درجه اول شیر و خورشید با حمایل سبز مفتخر آمد اسفندیارخان سرتیپ یکقطعه نشان شیر و خورشید و یکرشته حمایل مخصوص آن مباهی شد از وقایع عمده اینسال خیر مآل مسافرت اعلیحضرت همایون بفرنگستان است که شرح آن در سفرنامه مبارکه بقلم معجز رقم مبارک مرقوم است و در اینجا نیز بر سبیل اجمال نگارش مییابد و مقدمة اظهار میداریم که چون مقصود و خیال حقایق تمثال حضرت والا از اینسفر خیر اثر استدراک دقایق و نکات عمده علوم و فنون و صنایع و بدایع اقالیم اروپا میبود اینسفر مبارک را بدانسمت سمت قرار دادند تا تشریفات سلاطین و وزراء و بزرگان دول و رعایای ملل مانع

بنل

نیل مقصد اعلی و مطلب منظور اقدام نگردد

هنگام عزیمت باین سفر خیر اثر نیابت مخصوص وجود مسعود شاهانه را در مدت غیبت ذات ملکوتی صفات اقدس بحضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده افخم والا نایب السلطنه امیر کبیر ادام الله اقباله العالی مفوض و جناب اجل آقای مستوفی الممالک را در کلیه کارهای کشوری مشارک رای و خیالات حضرت اشرف معظم قرار دادند و جناب معتمد الملک وزیر مخصوص نیز از جانب سپهسالار اعظم مشغول رسیدگی بکار لشکری و نظامی و امور راجعه وزارت خارجه گردید و بعد از وضع این ترتیبات روز پنجشنبه سلخ ربیع الاول که پانزده روز از عید نوروز گذشته بود موکب همایون از دار الخلافه باهره اشخاص فرموده دوشنبه چهارم ربیع الثانی بظاهر قزوین نزول اجلال فرمودند و پس از سه روز توقف عزیمت آذربایجان نموده ضیاء الملک حکمران گیلان در عرض راه بنشان تمثال همایون مفتخر آمد روز یازدهم بسلطانیه نزول اجلال فرمودند دوازدهم ظاهر شهر زنجان مضرب خیام معلی گردید و روز چهاردهم نهضت فرموده هیجدهم میانج مضرب بارگاه کیوان شکوه گردید بین راه حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا ولیعهد دولت علیه ایران صاحب اختیار و حکمران مملکت آذربایجان و جناب صاحب دیوان وزیر نظام و پیشکار آذربایجان بخاکپای مبارک مشرف شدند دوشنبه بیست و پنجم شهر تبریز بورود مسعود خسروانه مزین گردید در باغ شمال نزول اجلال فرمودند و پس از ورود مسعود سلام عام منعقد گردید نواب والا حسنعلی میرزا ولد ارجمند حضرت مستطاب ولیعهد دولت علیه که تا این روز بحضور مهر ظهور مبارک مشرف نشده از تقبیل آستان اعلی مستسعد و مباهی آمد بیست و ششم جناب فخری بیک سفیر کبیر عثمانی که از راه حلب و دیار بکر و وان بتبریز آمده و سه روز پیشتر باین شهر رسیده بحضور باهر النور مقدس مشرف گردید روز بیست و نهم از شهر تبریز اشخاص فرموده روز سیم جمادی الاولی بکنار رود ارس تشریف فرما گردیدند روز سه شنبه چهارم از رود ارس عبور فرموده عازم تفقاز شدند پرنس میخیکوف که از جانب دولت روس مهماندار بود با صاحبمنصبان زیاد در لب رودخانه حاضر و بشرف حضور همایون نایل شدند

اسامی ملتزمین رکاب اعلی در این سفر فرنگستان از قرار ذیل است

(جناب سپهسالار اعظم) (جناب عضد الملک) (جناب ناصر الملک) (جناب امین السلطان) (دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص اعلیحضرت همایون) (حکیم الممالک) (مهدیقلیخان پیشخدمت خاصه) (آقا رضا اجودان مخصوص و خازن صرف جیب همایون) (محمد علیخان امین السلطنه) (امیرزاده سلطان حسین میرزا) (غلامحسینخان زنبورکباشی) (محمد حسنخان محقق) (فرخ خان پیشخدمت) (جعفر قلیخان غلام بچه باشی) (آقا رضای ناظم خلوت) (آقا محمد علی آبدارباشی) (آقا میرزا محمد) (حاجی حسن بابا) (حاجی حیدر) (بنده مؤلف نیز بشرف التزام رکاب مبارک سرافراز بود)

جمعه هفتم تشریف فرمای ایروان شدند روز نهم بعد از آنکه بجمیع صاحبمنصبان نظامی و قلمی و حاکم شهر ایروان علی قدر مراتبهم نشانها مرحمت فرمودند و همگی مشمول عواطف ملوکانه گردیدند از این شهر عزیمت تفلیس فرمودند سه شنبه پانزدهم شهر تفلیس را بقدوم مبارک مشرف ساختند در بین راه جناب امین الملک که چند ماه قبل مأمور فرنگستان شده بود با ژنرال قنسول ایران میرزا محمود خان مقیم تفلیس باستقبال رکاب اعلی فایز گردیدند تشریفات زیاد در ورود مسعود شاهانه بشهر تفلیس بعمل آوردند پرنس میرسکی جانشین جمیع صاحبمنصبان نظامی و قلمی تفلیس را در حضور باهر النور اقدس معرفی کرد نواب گراندوک میشل جانشین قفقاز اینجا نبودند ولیعهد و پسر ایشان که در این شهر توقف داشت بحضور مهر ظهور مقدس تشرف جستند روز سیزدهم بعد از آنکه بشاهزادگان پسرهای جانشین نشان و حمایل ایران عطا فرمودند و سایر اعیان و صاحبمنصبان را نیز بقدر مرتبه مشمول مکارم ملوکانه داشتند از تفلیس اشخاص فرموده بمنزل ملیت

تشریف فرما گردیدند روز چهاردهم تشریف فرمای شهر ولادیقفقاز شدند از وسط شهر عبور فرموده در گار پیاده
شده بکالسکه بخار نشستند نظرآقا وزیر مختار ایران مقیم پاریس هم از پاریس آمده بحضور مبارک مشرف شد تا سه
شبانروز از کالسکه بیرون نیامده متصل در حرکت بودند عصر روز هفدهم جمادی الاولی بشهر مسکو ورود فرمودند
در اینروز قاماروف مترجم خاص اعلیحضرت امپراطور که از پطر مامور شده بود و میرزا ملکم خان ناظم الملک ایلچی مقیم لندن
بحضور همایون مشرف شدند در ورود بگار پرنس دالقوروکی حاکم مسکو با همه صاحبمنصبان و ژنرالها باستقبال آمده بودند
منزلگاه همایون در مسکو قصر کرملین است تا غروب روز چهارشنبه نوزدهم در مسکو توقف فرموده بعد از صرف شام
براه آهن تشریف فرما شده عازم پطرزبورغ گردیدند روز دیگر چون بگار پطرزبورغ ورود فرمودند اعلیحضرت
امپراطور و همه شاهزادگان خانوادهٔ سلطنت و جمیع صاحبمنصبان تا گار باستقبال آمده بودند در اینمحل بعد از ادای
مراسم مودت اعلیحضرت امپراطور اولا تمام شاهزادگان خانواده خودشان را معرفی کردند آنگاه با اعلیحضرت شاهنشاهی
در یک درشکه سرباز نشسته بعمارت زمستانی ارمیتاج که منزل اعلیحضرت همایون است ورود فرمودند و زیاده از
آنچه تصور بشود اعلیحضرت امپراطور اسباب احترام و پذیرائی موکب همایون را فراهم آورده اند جمعه بیست و یکم در پطر
اقامت شد در اینروز اعلیحضرت امپراطور و نوابان برادران اعلیحضرت معظم بازدید نمودند شام را امشب مخصوصا
در منزل اعلیحضرت امپراطور موعود بودند شنبه بیست و دوم در میدان شان دومارس سان بسیار خوبی از قشون متوقف
در پطرزبورغ داده شد و در این سان جمیع فرمانها را خود اعلیحضرت امپراطور میدادند امشب را نیز در منزل مخصوص
اعلیحضرت امپراطور بشام رسمی دعوت شدند یکشنبه بیست و سیم یکزوج گلدان چینی بسیار ممتاز اعلیحضرت امپراطور
برای اعلیحضرت همایون فرستادند شب اینروز در خانه نواب ولیعهد دولت روس بشام رسمی مهمان بودند و در این شب
نشان تمثال همایون مکلل بالماس را برای نواب گراند دوک الکسی اهدا فرمودند دوشنبه بیست و چهارم تشریف فرمای پطرهوف
که ییلاق بسیار باصفائی است شدند روز بیست و پنجم بعد از وداع با اعلیحضرت امپراطور و جمیع خانواده امپراطوری
با کالسکه بخار عزیمت ورشاو فرمودند روز بیست و ششم یکساعت و نیم بغروب مانده وارد شهر شدند منزل اعلیحضرت
همایون در اینشهر قصر لازنیکی است حاکم و صاحبمنصبان متوقفین بلد و اعیان در پذیرائی موکب اعلی کمال اهتمام را
بعمل آوردند شب چهارشنبه بیست و ششم و پنجشنبه بیست و هفتم در ورشاو اقامت شد و موزه و سیرک و بعضی مواضع
دیگر این شهر را تماشا فرمودند جمعه بیست و هشتم عازم برلن شدند و شب یکشنبه سلخ جمادی الاولی وارد برلن گردیدند
و تشریفات کامله از مقدم مبارک بعمل آمد روز سلخ اعلیحضرت امپراطور گلیوم بدیدن اعلیحضرت همایون آمدند و اظهار
کمال صفوت و وداد کامل از جانبین شد منزل اعلیحضرت همایون همان عمارت دولتی است که در سفر سابق فرنکستان در آن منزل
داشتند بعد از نیمساعت اعلیحضرت همایون بباز دید اعلیحضرت امپراطور تشریف بردند عصر اینروز در حالیکه اعلیحضرت
امپراطور در کالسکه روباز نشسته گردش میکردند شخصی دکتر شارل نبلنگ نام از خاندان معروف از طبقه موسوم
به سسیالیست مکرات با تفنگی که با چهار پاره زیادی پر کرده بود دو تیر بطرف اعلیحضرت معظم خالی نموده چون
کلاه خود بسر داشتند سر ایشان محفوظ مانده ولی حوالی شانه و گردن ایشان مجروح گردید و این سانحه زیاده مایه
تألم اعلیحضرت همایون و جمیع ناس شد سه هفته پیش از این هم یکنفر از طبقه مذکوره طپانچه بشش لوله با اعلیحضرت
امپراطور انداخته اما آسیبی بایشان نرسانده شنبه غره جمادی الثانیه دو ساعت بغروب مانده بعزم بادن باد
انتهاض فرمودند روز دوم باینشهر وارد گردیدند و پس از پنج روز توقف در آنجا و سیر و تفرج و شکار و تماشای

اماکن متنزهه روز یکشنبه هفتم یکساعت بظهر مانده با کالسکه بخار عازم پاریس شده و در بین راه شهر
استراز بورغ را تماشا فرمودند و شنبه هشتم صبح ببیاز و وارد دار الملک پاریس گردیدند در گراند هوتل یعنی
مهمانخانه بزرگ منازل و اطاقهای خوب برای اعلیحضرت همایون و ملتزمین رکاب اعلی اجاره و معین شده بود همه
پادشاهان که بپاریس میآیند در همین مهمانخانه منزل میکنند جناب مارشال ماکماهون رئیس جمهوری بدیدن اعلیحضرت
همایون آمد بعد از آن ببازدید باکسپوزیسیون تشریف فرما شدند روز دیم ورود مسعود ببازدید جناب مارشال بعمارت الیزه
ماکماهون رفتند بعد رسما باکسپوزیسیون تشریف ورود بخشیدند و همه جا را گردش و بازدید فرموده از جمله بنائیکه
بحکم همایون بسبک ایران در نهایت خوبی ساخته اند با امتعه ممتازه ایران که در اینعمارت گذاشته بودند
ملحوظ نظر انور گردید خلاصه یکروز به بوا دو بولن یکروز باکسپوزیسیون روزی به بوت دشومون که تفرجگاه بسیار
خوبیست روزی به آنگن که قصبه بزرگیست تشریف فرما گردیدند از سوانح این ایام آنکه پادشاه سابق هانور
که مملکت آنرا دولت المان تصرف کرده و عموی ملکه اعلیحضرت پادشاه انگلستان است و مدتی در پاریس بوده
غفلةً وفات مینماید روز شنبه سیزدهم نواب ولیعهد دولت انگلیس از اعلیحضرت همایون دیدن نمود روز چهاردهم
در لنشان اسب دوانی بود و اعلیحضرت همایون با جناب مارشال ماکماهون بتماشای اسب دوانی تشریف فرما گردیدند
شب شانزدهم را برای شام مهمان مارشال ماکماهون بودند بالجمله بیست و دو روز موکب همایون در دار الملک پاریس
اقامت داشت و ذات همایون هر روزه بتماشا و تفرج و بازدید محلی اهتزاز خاطر فرموده روز دوشنبه بیست و نهم
جمادی الثانیه تشریف فرمای الیزه شده جناب مارشال ماکماهون را وداع فرمودند بعد از آن باکسپوزیسیون توجه نموده
قدری گردش کردند روز سه شنبه غره رجب بالیمن و السعاده عازم ایران شدند مارشال ماکماهون و اعاظم
آن مملکت موکب اعلی را بدرقه کردند وقت شب از استراز بورغ عبور شد فردا عصر بشهر سالسبورغ ورود فرمودند نواب ارشیدوک
ویکتور برادر اعلیحضرت امپراطور اطریش که از جانب اعلیحضرت امپراطور باستقبال آمده بود در اینجا بحضور مبارک تشرف
جسته و تشریفات کامله از قدوم همایون بلزوم مقدس بعمل آمد روز سیم در اینجا توقف شد امشب در عمارت ییلاقی خارج از
شهر مهمان نواب ارشیدوک ویکتور بودند روز جمعه چهارم عزیمت وینه فرمودند و چون بگار وینه رسیدند اعلیحضرت
امپراطور و همه صاحبمنصبان و غیره در گار با لباس رسمی حاضر بودند اعلیحضرت همایون با اعلیحضرت امپراطور با کمال
خصوصیت و مهربانی و مودت دست دادند و بعد از تقدیم رسوم و تشریفات با اعلیحضرت امپراطور در کالسکه دو
بازی نشسته بعمارت دولتی موسوم بپالد بورگ تشریف فرما شدند منزل اعلیحضرت امپراطور هم در همین عمارت است
بعد از دقیقه اعلیحضرت همایون ببازدید اعلیحضرت امپراطور تشریف بردند روز پنجم بتماشای همین عمارت از خزانه
و موزه و غیره گذشت شام را مهمان اعلیحضرت امپراطور بودند روز ششم بتماشای بعضی ابنیه و عکس و پرده های نقاشی
و غیره مشغول گردیدند روز هفتم بعضی از وزرای مختار و بزرگان وینه بحضور مهر ظهور مشرف شدند بالجمله تا روز
دوازدهم رجب که اعلیحضرت همایون متوقف در وینه و مشغول ملاقاتهای دوستانه با اعلیحضرت امپراطور و تفرج
و تماشای اماکن متنزهه بودند روز مزبور اعلیحضرت امپراطور را وداع فرموده بعد بقصر شونبرون تشریف فرما
گردیدند و بعد از تماشای باغ وحش آنجا روز سیزدهم که عید مولود مسعود حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
است از وینه بطرف ایران حرکت فرمودند و اعلیحضرت امپراطور بمنزل اعلیحضرت همایون آمده بعد از قدری صحبت
باتفاق در کالسکه نشسته بطرف گار مشرق راندند و در گار مجددا اعلیحضرت امپراطور را وداع کرده روانه شدند

وقبل از ظهر وارد سرحد روس گردیده در استاسیون روس ها مهمانداران و صاحبمنصبان روس حاضر بودند و
از آنجا با کالسکه‌های مخصوص اعلیحضرت امپراطور روس داخل و روانه راه گردیده روز پنجشنبه هفدهم رجب بولادیقفقاز
شرف ورود ارزانی داشتند و شب در ولادیقفقاز توقف شد و تشریفات کامل از چراغانی وغیره بعمل آمد شنبه نوزدهم
از ولادیقفقاز حرکت فرمودند بیست یکم بگروزنی و بیست دویم از اینجا انتهاض فرموده با کالسکه تا بندر پطروفسکی طی راه
شد از اینجا در کشتی موسوم بالکساندر سوار شده به بوینوق ورود فرموده روز چهارشنبه بیست و پنجم رجب انزلی بمقدم فرخنده
شیم مبارک مزین آمد و این سفر خیر اثر بیمامن اقبال خسروانه بسعادت اختتام یافت روز نهم شهر شعبان المعظم بدار
الخلافه باهره و مقر خلافت عظمی نزول اجلال فرمودند و عموم اهالی بزیارت جمال مهر مثال مقدس سربلند آمدند
و سه شب دار الخلافه چراغانی و جشن بود

هم در اینسال میرزا عباسخان سرهنگ رئیس تلگرافخانه آذربایجان بمنصب سرتیپی سرافراز شد حاجی آقا جوهر معتمد الحرم بمنصب
سرتیپی دویم و نشان و حمایل مخصوص آن مباهی گردید توپچیان همدانی و نهاوندی و شرائی کرمانشاهانی را بمیرزا علی اکبر خان
اجودانباشی توپخانه مبارکه ابواب جمع نمودند چون خط تلگراف عربستان کشیده شد جناب نجم الدوله وزیر تلگراف را باعطای یکقطعه
نشان شیر و خورشید از درجه اول با حمایل سبز که مخصوص آنست مفتخر فرمودند و حسینقلیخان سرهنگ و رئیس تلگرافخانه
دار الخلافه معزی الیه بمنصب سرتیپی سیم و نشان و حمایل آن مباهی گردید روز پنجشنبه چهاردهم جمادی الثانیه جناب فخری
بیک سفیر کبیر عثمانی مامور اقامت دربار دولت علیه با شرایط معموله وارد دار الخلافه گردید امیرزاده وجیه الله میرزا تشریفات
سرتیپ اول باعطای نشان تمثال همایون سرافراز گردید الله وردیخان سرتیپ اول توپخانه باعطای نشان همایون مفتخر آمد
موسیخان سرهنگ فوج سوادکوهی بمنصب سرتیپی سیم مباهی گشت بافرخان سرهنگ افشار قراول مخصوص بمنصب سرتیپی
سیم نایل شد اسمعیلخان سرهنگ فوج فیروزکوهی را بمنصب سرتیپی سیم سربلند فرمودند هنگام اقامت موکب همایون در
پطرزبورغ یکقطعه نشان سنت استانیسلاس از درجه دویم باستاره و پلاک از جانب دولت روس به بنده مؤلف عطا شد
دو قطعه نشان طغرای غرای نام نامی مبارک مکلل بالماس که از بزرگترین نشانهای این دولت جاوید شوکت است بجناب
سپهسالار اعظم مرحمت فرمودند مهدیقلیخان پیشخدمت خاصه بنشان تمثال همایون سرافراز شد عمید الملک والی حرم
مجد الدوله بحکومت خمسه سرافراز آمد یکقطعه نشان قدس مکلل بالماس که از بزرگترین نشانهای دولت علیه است بجناب
اجل آقای مستوفی الممالک مرحمت فرمودند عمارت سلطنتی که در ییلاق شهرستانک نهایت عالی و مزین بامر همایون جناب
امین السلطان بنا نموده زیور اتمام یافت حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه امیر کبیر ادام الله اقباله
العالی بیکقبضه شمشیر مکلل بالماس از شمشیرهای خاصه سلطنتی مباهی گردیدند میرزا محمود مستوفی وزیر دار الخلافه
ملقب بجنابی سرافراز شد محمد حسینخان رئیس علاجات حکومت دار الخلافه بنشان سرتیپی از درجه سیم نایل آمد این اوقات
اراده علیه همایونی اقتضا فرمود که ترتیبات سابقه ادارات دولتی را تکمیل فرمایند و تکالیف هر دایره مستقلا محدود
باشد و در این حسن ترتیب نتایج و فوایدیکه همیشه مقصود خاطر خطیر همایون است بسهلترین وجه حاصل شود نواب
اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر ادام الله اقباله العالی و جناب اجل آقای مستوفی الممالک و جناب اشرف سپهسالار اعظم را
بحضور مهر ظهور مبارک احضار و بدینگونه خطاب فرمودند (که انتظام مهام مملکت اگرچه بمراقبت دولتخواهی وزرا
و کارگذاران دولت قصوری ندارد لیکن هنوز خاطر ما راضی و فارغ نیست که معاذیر و بطئی اقدامات شما اصلاحات فوریه
امور را ناچیز کرده و منظورات بلند ما را بمقام انجام نیاورده است

چون

چون نایب السلطنه را در مبادی عمر و شوق و شور جوانی برجوع خدمات امتحان کرده‌ایم و می‌بینیم بغیرت و دانش فطری چه
قدر بخدمت دولت مایل است در رتبهٔ شاهزادگی پایه وزارت هم داده و در این خطاب با شما شریک میکنیم و ادارهٔ امور مملکت
چنانکه بود با چندین مراتب استیلا و استقلال بشما تفویض میشود شرایط و حدود دیگر خواهیم نوشت و شما سه نفر را
با جرای این تکالیف مامور و مسئول قرار میدهیم باید وزرای ما متفق و متحد باشند باید در کارها بطرز و اسلوب کهنه قانع نشوند
باید از دستگاه وزرا اسباب تفرقهٔ حواس و مفسده و وسواس منسوخ شود کذلک در حضور ما وسایل و وسایط مختلف انتظام
احکام و عرایض را مختل نکنند تمام نوشتجات از هر قبیل و هر قسم با مین الملک برسد و او بحضور آورد و عرض کند و جواب هر
اداره را او بفرستد دستور العمل و تکالیف شماها را مینویسیم و باید خود را بتمام آنچه معین و مقرر کرده‌ایم مکلف بدانید
پس از رخصت وزرای فخام جناب امین الملک بحضور همایون خواسته و از روی یادداشتی که مشروحا بدستخط همایون مرقوم
شده بود حدود و تکالیف ادارات مستقله را تقریر فرمودند جناب معزی الیه منصوصا اوامر علیه را ثبت و با مضای ملوکانه توشیح
داد و خطاب بهریک از وزرای مسئول سه گانه دستخط مخصوص در این شرح اداره و توضیح تکالیف معظم الیهم صادر نمود و مقرر
گردید که روز دیگر تمام چاکران و رجال دولت و شاهزادگان و اعاظم بتالار تخت مرمر حاضر شده دستور العمل و تکالیف
وزرای مسئول در مجمع عام قرائت و دستخطهای مطاعه که با فتخار هریک شرف صدور یافته در همان مجلس ابلاغ شود
روز سه شنبه هفدهم شوال حسب الامر الاعلی مجلسی مشحون بتمام شاهزادگان و وزرا و رجال و اعاظم ترتیب شده دستور
العمل ادارات مستقله را لسان الملک قرائت نمود چون بعضی از تالیفات بندهٔ مولف در پاریس بمطالعهٔ جناب مسیو شفر
مترجم باشی دولت جمهوری فرانسه و رئیس مدرسهٔ السنهٔ شرقیه و سایر علما و دانشمندان اخبر و بصیر آن مملکت که وقوفی کامل و
مهارتی تام بزبان فارسی و عربی دارند رسیده زایدالوصف تحسین نموده‌اند و جناب امیرالامرا رونسیه نوری رئیس مجلس جغرافیای
فرانسه این بنده را جزو اجزاء آن مجلس محترم شمرد جناب مسیو باردو وزیر علوم و صنایع و مستظرفات آن دولت فخیمه پس از اظهار
مراحم دولت جمهوری فرانسه نشانی از مرتبهٔ اول مجمع العلوم که بالاترین علایم و نشان فضل و دانش است با فرمان مخصوص آن
از طرف وزارت علوم دولت جمهوری فرانسه برای این بنده ایصال داشتند و از خاکپای همایون اجازه استعمال آن یافت
میرزا محمد رئیس دفتر وزارت خارجه ملقب بصدیق الملک گردید محمد علیخان امین السلطنه جامه‌دار خاصهٔ شریفه و خازن
مخزن تدارکات عسکریه بمنصب صندوقداری صندوقخانهٔ مبارکه سرافراز شد (افغانستان) قبول نکردن امیر شیرعلی
خان امیر افغانستان مامورین انگلیس را در ماه رمضان و قبول نمودن مامورین روس را در کابل انتشار این خبر در لندن سبب
اضطراب گردید بعد رفتن امیر شیرعلیخان از کابل بسمت ترکستان و زمام اختیار سلطنت بپسر خود میرزا یعقوبخان دادن در دوازدهم ذیحجه
اروپا (اسپانیا) عروسی پادشاه با پرنسس مرسید دختر دوک دمونت پانسیه که خاله‌زاده اعلیحضرت معظم بود شورش
اهالی کوبا بر ضد اسپانیول رفع شده آن جزیره بکلی مطیع میشود فوت ملکه جدید زوجهٔ پادشاه در بیست و سیم ژون
این ملکه که پنج ماه و اندی بود عروسی کرده در هزار و هشتصد و شصت مسیحی متولد شده بود جمعه بیست و هفتم شوال
شخص چلیک سازی طپانچه بطرف پادشاه خالی کرد ولی با ایشان نخورد (اطریش) کنت اندراسی وزیر اعظم اطریش بدول
المان و انگلیس و فرانسه و ایطالیا اعلان رسمی میفرستد که مامورین در مجلس کنگره که از برای قرار مسائل شرقیه منعقد
خواهد شد به وینه پای تخت اطریش روانه دارند و دولت المان تکلیف میکند که محل انعقاد این مجلس در برلن باشد فصول
عهدنامهٔ سان استفانو مابین روس و عثمانی را کنت اندراسی قبول نمیکند ورود عساکر اطریش هرزکوین و بسنیه
ایالات عثمانی بجهت تصرف نمودن این دولت و راضی نبودن اهالی در هشتم رمضان ایسال عساکر اطریش شهر ترنین را

در هرزکوین و بسینه تصرف نمود و بتوسط دولت اطریش از تصرف کردن ایندو ایالت و جنگ با اهالی آسوده کردید
سفارت کبرای مسیو دنبتانی طرفنه دولت اطریش بفرانسه آتش گرفتن کشتی موسوم باسفنکس در محیط و تلف شدن پانصد
نفر استقراض دولت معادل دوازده کرور ایران بجهة مخارج لازمه قشون متصرف شدن عساکر اطریش شهر سراجو را
هرزکوین که شورشیان و بسینه در آنجا جمع بودند (المان) در افتتاح مجلس پارلمنت امپراطور بشخصه خطبه خوانده و کوشش خود را
در انعقاد مصالحه بین روس و عثمانی و حفظ صلح در تمام دول فرنک اظهار میدارند در یکی از کوچه‌های برلن معروف به
در هشتم جمادی الاولی تیل امپراطور با صبیه خود والبه باد در کالسکه روباز از کردش مراجعت میکرده هودل نام دو تیر طپانچه بسمت اعلیحضرت معظم
خالی میکند ولی هیچکدام بایشان نمیخورد کشتی جنگی زره دار بزرگ المان موسوم بگروس کورفورست در حوالی انکلیس بکشتی
در ۲۸ جمادی الاولی جنگی موسوم بکنیک ویلهلم برخورده با سیصد نفر عمله که در آن کشتی بود غرق میشود در کوچه تیل برلن هنگام رفتن
امپراطور بکردش دو تیر تفنگ بسمت اعلیحضرت معظم خالی میشود و چهار پاره بباز و شانهای امپراطور میخورد ضارب که
موسوم به نبلینگ است با طپانچه قصد هلاک خود را کرد لیکن زخم شلیک باو نرسیده و نمیرد بواسطه جراحات سختی که مورث
ببدن امپراطور رسیده زمام اختیار سلطنت را موقتا بولیعهد میدهند مجلس کنکره دول در برلن افتتاح شده وما
دول المان و اطریش و فرانسه و انکلیس و روس و عثمانی و ایطالیا در مجلس جلوس کرده و ریاست مجلس به پرنس بیزمارک داده
میشود مامورین دول عهدنامه برلن را امضا مینمایند اختتام مجلس کنکره دهم ذیحجه امپراطور سالما از ییلاقات و شهرهای
آب معدنی که چندی در آنجاها سفر کرده بودند ببرلن مراجعت و ورود نموده بشخصه مشغول رسیدگی بامور سلطنت شدند فوت
ژرژ پادشاه هانور در پاریس (انکلیس) مابین اینه دولت و دولت روس آثار کدورت پیدا است و اغلب بلاد انکلیس
اهالی با دولت موافق و جنگ با روس نپسندند و ورود عساکر روس در حوالی اسلامبول اسباب کمال وحشت حال دولت انکلیس
و باین جهة کشتیهای جنگی انکلیس از سمت دریا بحوالی اسلامبول میآید استعفا لرد دربی از وزارت خارجه که بتهیه قشون انکلیس
راضی نبود از خطبه که پادشاه انکلستان در افتتاح مجلس پارلمنت میخوانند و نوشتجاتیکه لرد سالیسبوری که تازه بوزارت امور
خارجه انکلیس منصوب شده چنین معلوم میشود که دولت انکلیس بهیچوجه راضی بفصول عهدنامه منعقده سان استفانو
مابین دولت روس و عثمانی نیست و باکمال شدت دولت انکلیس تهیه جنگ می بیند استقراض دولت دوازده کرور لیره برای حاضر
کردن عساکر بری و بحری وزرای عثمانی اظهار کمال امتنان را از رعایت و حمایت انکلیس دارند نامزد نمودن پرنس آرتور پسر
پادشاه انکلستان پرنسس مارگریت صبیه فردریک شارل بنی عم امپراطور المان را در مجلس کنکره برلن کنت بوکنسفیلد صدراعظم
اظهار میدارد که بنابراین عهدنامه مخفی مخصوصی که مابین دولت انکلیس و دولت عثمانی منعقد شده عساکر انکلیس جزیره
قبرس من جزایر عثمانی را متصرف میکردند لرد سالسبوری بعد از مراجعت از مجلس کنکره برلن بتجدیدات زیاد از نتایج این مجلس میکند
بجهة اینکه عهدنامه سان استفانو را برهم زد مرخص نمودن دولت انکلیس عساکر یکه تازه جمع کرده بود کشتی موسوم بپرنس الیس
در چهارم رمضان با کشتی دیگر در رود طمس که از وسط شهر لندن میگذرد برخورده کشتی پرنس الیس در آن واحد غرق شده
ششصد نفر مسافر هلاک میشوند فرستادن تهدیدنامه از طرف فرمانفرمای هند بامیر شیرعلیخان امیر کابل در ماه ذیقعده
پنجشنبه بیست و پنجم ذیقعده عساکر انکلیس از چند نقطه وارد خاک افغانستان شد و فردای آن روز قلعه علی مسجد را
کرفته در هفته دیگر خیبر است متصرف شدند فتح قلعه و دره پیوار افغانستان بدست ژنرال رابرتس سردار انکلیس فوت کنت بوسل
از معارف (ایطالیا) فوت ویکتور امانوئل دوم پادشاه اینمملکت و جلوس هومبرت ولد ارشد آن پادشاه بتخت سلطنت ایطالیا
فوت پی نهم پاپ اعظم انعقاد مجلس کنکلاو یعنی شورای بزرگ کشیشان بجهة انتخاب نمودن پاپ تازه و انتخاب نمودن کشیشان

کاردینال

کاردینال پچی را بپاپی و ریاست کاتولیکی و او را ملقب بلئون سیزدهم نمودن صدارت مسیو کیسولی در ایطالیا در شهر ناپل شخصی
باسانانستی نام با کارد حمله بپادشاه کرده ولی با بیشان نمیخورد اما کیسولی صدر اعظم که در صندلی جلو کالسکه نشسته بوده رانش
از آن ضربت مجروح میگردد بعد از این فقره در چند شهر از بلاد ایطالیا مردم شورش میکنند (بلژیک) اهالی بلژیک جشن
سال بیست و پنجم عروسی پادشاه و ملکه را گرفتند (روس) دولت روس اعلان میکند که اگر کشتیهای جنگی انگلیس در حوالی
اسلامبول بماند او نیز شهر اسلامبول را متصرف میگردد لهذا قسمتی از سفاین جنگی انگلیس بجوالکالی پولی رفتند شهر صوفیا
از ممالک اروپائی عثمانی بتصرف عساکر روس درآمد سرمای شدید را که بلانهایت بود قشون روس متحمل شده ساختند از تنگه
شیپکای کوه بالکان که قسمت عمده قشون عثمانی بواسطه برودت هوا تخلیه کرده بودند گذشتند مراجعت امپراطور بعد از
فتوحات نمایان در خاک عثمانی بپطرزبورغ ورود عساکر روس بشهر ادرنه نواب گراندوک نیکلا سردار عساکر روس در قریه سان
استیفانو بنیم فرسخی اسلامبول وارد و زد نواب گراندوک نیکلا بشهر اسلامبول رفته و با اعلیحضرت سلطان ملاقات مینماید
ژنرال اکناتیف که از طرف دولت روس مامور ببعضی گفتگوها ما بین دولت روس و اطریش بوده بوینه رفته بی نیل مقصود
مراجعت میکند معاودت گراندوک نیکلا از خاک عثمانی و تعیین نمودن ژنرال توتلبین را بجای خود تصرف نمودن عساکر
روس بندر و شهر باطوم را تصرف قشون روس شهر عثمان بازار و رودسچق و ارزنة الروم را رفتن قشون روس از سان
استفانو حوالی اسلامبول مجروح ساختن ژنرال تریپف حاکم شهر پطرزبورغ را شخصی از طایفه نهیلیست ژنرال
مزنتسوو رئیس احتساب مخفی روس را در یکی از کوچهای پطرزبورغ در روز روشن بقتل رسانیدند و قاتل مخفی گردید
سان دادن قشون در پطرزبورغ با حضور اعلیحضرت شاهنشاه ایران (عثمانی) اضطراب اهالی اسلامبول و عریضه دادن باعلیحضرت
سلطان قرار دادن بعضی از اصول مصالحه را در شهر ادرنه فتوحات منتگرو و عساکر سربی در رفتن فتح شهر فلیپ پولی
قشون افلاق بغدان ودین را متصرف میگردد انعقاد مصالحه بین عثمانی و روس در سان استفانو و این عهدنامه مبنی بر
بیست و نه فصل است موقوف داشتن منصب صدارت در ممالک عثمانی سفرای عثمانی در لندن و وینه بدولتین انگلیس و
اطریش رسما اطلاع میدهند که اصول عهدنامه مصالحه بین عثمانی و روس ممضی شد سفاین جنگی عثمانی در محاذی پیره بندر
یونان لنگر انداخته دولت یونان را تهدید میکنند که اگر عساکر خود را که در خاک عثمانی تخطی نموده اند طلب ندارد آن بندر را بضرب
گلوله معدوم سازند جمیع دول انعقاد مجلس کنگره را بجهة حل مسائل شرقیه در وینه قبول مینمایند مگر دولت روس و المان که در محل
انعقاد این مجلس گفتگو دارند و راضی نیستند که این مجلس در وینه منعقد شود تعیین خسارت جنگی که دولت عثمانی بر عهده
گرفته که موافق عهدنامه سان استفانو بدولت روس بدهد دو هزار و هشتصد و بیست کرور منات است و ایالات بلغارستان
و دبرجای را از مملکت اروپ خود مجزی دانسته و در سمت آسیا قارص و باطوم و اردهان را ملک طلق دولت روس میدانند
جمعی از معارف اسلامبول در خیال این هستند که سلطان مراد را مجددا بر تخت سلطنت جلوس دهند و سلطان عبد الحمید خان را خلع
نمایند حتی جرات نموده خواستند این قصد را بموقع اجرا برسانند مقصرین گرفتار شده مورد تنبیهات سخت گردیدند
مسلمانهای یاغی رودوپ در ظرف دو ماه و نیم چهارده جنگ سخت با عساکر روس نموده در اغلب فتح و ظفر با یاغیان بوده دو ثلث
بلغارستان که بموجب عهدنامه سان استفانو از خاک عثمانی مجزی شده بود باید بدولت برگشته قرار دادند از برای عبور و
مرور سفاین جمیع دول آزاد شد و بایزید باید بدولت عثمانی مسترد گردد و بانجهة راه تجارت با ایران آزاد و باز شد
یانفیین سختند بابکالی (فرانسه) افتتاح اکسپوزیسیون عمومی صنایع با تشریفات زیاد در اول ماه مه در تمام ممالک
فرانسه علی الخصوص در پاریس در سی ام ماه ژون باسم عید و جشن جمهوری جشن بزرگی گرفتند قیمت مخابرات تلگرافی

در فرانسه کلمه پنج سانتیم مقرر شد (یک فرانک صد سانتیم است) ادارات تلگراف و چاپارخانه را در فرانسه یکی نموده در تحت وزارت مالیه قرار دادند شورش اهالی نوول کالدونی استرالی بر ضد دولت فرانسه و کشتن جمعی از اهالی فرانسه را در آن جزیره سفارت کبرای مسیو فورنیه از طرف دولت فرانسه باقامت اسلامبول انتخاب وکلای ملت در دولت فرانسه مساعد وضع جمهوری بود اغلب وکلای ملت جمهوری طلبند نه سلطنت (هلاند) مزاوجت ولیعهد این دولت با یکی از شاهزاده خانمهای پروس (یونان) با غیرتها اهالی مقدونیه که بر ضد عثمانی هستند میل به تبعیت یونان دارند دولت یونان بدولت عثمانی اطلاع میدهد که الجاء عساکر خود را بایالات اپیر و تسالی و مقدونیه از ایالات عثمانی خواهد فرستاد

صورت ترجمه عهدنامه مفصله منعقده در مجلس کنگره برلن که در این سال سمت اختتام یافته بود و در اینجا موقع درج آنست چون در جلد سیم کتاب مستطاب مرآت البلدان مسمی بمآثر السلطان بعینها مندرج شده است لهذا در اینجا اعاده و تکرار نشد امریکا (اتاتونی) بروز تب زرد با نهایت شدت در بعضی ایالات اتاتونی

سنه ۱۲۹۶ هجری — سنه ۱۸۷۹ مسیحی

آسیا (ایران) امور دولت در این سال بیمن توجهات اعلیحضرت همایون شهریاری قرین انتظام و آراستگی تمام است در ماه محرم این سال بامر همایون و از وجوه خاصه دولت و بمباشرت جناب امین السلطان شروع بساختن راه شوسه (کالسکه رو) و منازل و اقامتگاهها از دار الخلافه طهران الی آذربایجان و سرحد ارس شد که بعد ها نیز تدریجاً تمام راههای ایران الی سرحدات بهمین طور ساخته شود دسته از قشون سواره ایران را بوضع سواره قزاق روس بریاست و معلمی کلنل دمنتویچ صاحبمنصب روسی ترتیب برقرار کردند و نیز هفت فوج از قشون عراق را با ششصد نفر توپچی عجالة بطور نمونه انتخاب و بسبک و وضع قشون اطریش مرتب کرده یک سنه صاحبمنصب با شش کلنل شنوسکی و شیونوو تیس برای تعلیم و ریاست افواج مزبوره از دولت اطریش استخدام نمودند جشن ولادت همایون را در شب ششم صفر المظفر برسم معمول همه ساله جناب سپهسالار اعظم با شکوهی تمام گرفته با عطای یک حلقه انکشتری الماس بر لیلیان از طرف اعلیحضرت همایون مفتخر شدند تولیت دربار نور و نوشتجات و اسناد و نامههای عظیم الشان دولتی بعهده جناب حاجی محمد رحیمخان خازن الملک که از خلعت صندوقداری استعفا نموده بود مفوض شد مهدیقلیخان پیشخدمت خاصه بمنصب میرآخوری اصطبل مبارکه سرافراز گردید حکومت عراق و مضافات بعهده حکیم الممالک پیشخدمت باشی سلام موکول آمد در صفحه خراسان بکنج سردار ترکمان با جمعی سواره و پیاده از او به خود کرزم تاخت و دسته در حدود خراسان آمده سپاه منصوره سالار خلو سرحد آنها را تنبیه و کیفری بسزا دادند رحمت الله خان سالار اصلان با عطای یک قطعه نشان تمثال همایون مفتخر آمد جناب میرزا عباسخان معاون الملک بیک حلقه انکشتری الماس سرافراز گردید جناب امین لشکر وزیر کرک با عطای یک ثوب جبه از ملابس مخصوص مباهی شد ساعد الدوله حبیب الله خان سرتیپ اول با عطای یک قطعه نشان تمثال همایون مفتخر گردید سهام الدوله سرتیپ اول نیز بیک قطعه نشان تمثال مبارک و شجاع الملک عبد القادر خان بمنصب سرتیپی اول سرافراز شدند حاجی ملا محمد جعفر چالمیدانی از اجله علمای دار الخلافه شب بیستم صفر برحمت ایزدی پیوست حاجی محمد قلیخان صارم الملک شاطرباشی در سلخ همین ماه نیز داعی حق را اجابت گفت سیل اسواق و خانات و مدارس و بقاع دار الخلافه طهران را عموماً مرمت و تعمیر کردند در روز بیست و هفتم صفر در تکیه جناب امین الملک شصت صندوق و سی پوت خالی از نفت بغتة آتش در آنها

افتاده میسوزد و نیز در شب بیست و هشتم دکان نفت فروشی ستار نام در چهارسوق بزرگ دارالخلافه آتش گرفته تا
پانزده شانزده دکان دیگر نیز آتش گرفته تمام متاعش میسوزد و بچهارسوق نیز خرابی وارد می آورد عید مولود مسعود
حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله وسلم را در هفدهم ربیع الثانی جشن کاملی گرفتند نواب اشرف والا شاهنشاهزاده
اعظم ولیعهد جاوید مهد دولت علیه ادام الله اقباله العالی از محل حکومت آذربایجان موقتا احضار بدربار همایون
وارد دارالخلافه شده شرفیاب حضور مبارک گردیدند یازده ساعت و سی و نه دقیقه از شب جمعه بیست و هفتم ربیع
الاول گذشته آفتاب جهانتاب از برج حوت بحمل تحویل کرده مراسم جشن عید و سلام در پیشگاه همایون کاملا بعمل
آمد نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه دولت علیه ادام الله اقباله العالی بیکقطعه نشان تمثال اقدس که از اختراعات
جدیده ذات همایون است معزز و مخصوص گردیدند امین خلوت در موقع سان تفنگداران خاصه باعطای یکثوب سرداری
خلعت همایون مباهی شد ضرابخانه جدید البنای دولتی بامر دولت و بتوسط جناب امین السلطان دایر شده مسکوکات
ایران عیار صحیحی هم رسانیده مصنوعات عملی و غش گردید و عیار قران نقره در بیست و چهار نخود که یکمثقال تمام باشد و تومان
طلا بهمین نسبت در پانزده نخود قرار گرفت برحسب استدعای نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه دولت علیه ایران
حکومت ملایر و تویسرکان و نهاوند مستقلا بنواب والا اعزالدوله و حکومت مازندران بامیرزاده نورالله میرزا مرحمت شد
محمدباقرخان شجاع السلطنه بنشان و حمایل سرتیپی اول سرافراز گردید فضل الله خان پسر مرحوم حاجی صارم الملک بمنصب
شاطرباشی گری که بدان مسبوق بود سرافراز گردید فتح الله خان پسر دیگر آن مرحوم بمنصب ناظمی دیوان عدالت مباهی آمد برحسب
اراده علیه همایونی اداره پلیس بجهة امنیت شهر بتوسط نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه ادام الله اقباله العالی
و بریاست مسیو کنت منتفرت در دارالخلافه طهران برقرار گردید در اردبیل و بعضی بلاد دیگر آذربایجان چند
روز متوالی زلزله شد نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی
باعطای یکقطعه نشان ذیشان اقدس مکلل بالماس قرین اعزاز آمده پس از رخصت ملوکانه رجعت بآذربایجان فرمودند
بنده مؤلف پس از تقدیم جلد ثانی مآثر السلطان بخاکپای همایون و نایل شدن آن بشرف قبول باعطای یکقطعه نشان
از درجه اول این دولت با یکرشته حمایل سبز سرافراز گردید محمد رحیم خان از جانب نواب اشرف والا ظل السلطان دولت
علیه ایران ادام اقباله العالی بحکومت بروجرد منصوب شد علیخان از جانب جناب عضدالدوله حکمران قم و کاشان
بنیابت حکومت کاشان برقرار گردید نواب والا نصرة الدوله فرمانفرما بحکومت ایالتین کرمان و بلوچستان
و اعطای یکثوب سرداری ترمه شمسه مرصع منصوب و مخلع گردیدند انتظام دفترخانه مبارکه استیفا علاوه بر خدمت
محصلی بقایا بعهده آقا علی امین حضور محول شد ایام شنبه و سه شنبه حسب الحکم جمیع وزرای عظام در مجلس
شورای کبری که در عمارت دولتی موسوم بخلوت کریمخانی است حاضر شده در امور دولتی مشاوره نموده پس از انقضای
مجلس دو ساعت بعد از ظهر بحضور همایون شرفیاب میشوند در آذربایجان چون بواسطه اختلاف رواج امپریال
و خمس منات اختلالی در امر معاملات بهم رسیده بود مقرر شد در دارالخلافه امپریال از قرار دو تومان و دو هزار و
خمس منات روسی پانزده عدد یکتومان رواج خزانه و غیره باشد و اهالی آذربایجان هم از همین قرار داد و ستد نمایند
از طرف اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه دو قطعه نشان سنت آندره مکلل بالماس یکی بجهة نواب اشرف والا
ظل السلطان دولت علیه و دیگری برای نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر دولت علیه ادام الله اقبالهما العالی انفاذ گردید
نواب پرویز میرزا نیرالدوله علاوه حکومت سبزوار بحکومت نیشابور و یکقطعه نشان سرتیپی اول با حمایل آن نایل شد

متعلمین دار الفنون را امتحان نمودند جناب میرزا قهرمان امین لشکر بوزارت و پیشکاری آذربایجان و مصطفی قلیخان
اعتماد السلطنه بریاست قشون آذربایجان و جناب میرزا عبد الرحیمخان ساعد الملک باداره مهام خارجه آذربایجان
و حاجی علیقلیخان با زکی بنجو بلداری و تحصیل باری جوق نظام آنمملکت مامور شدند نواب والا احمد میرزا معین الدوله بحکومت
ارومیه و نواب حاجی سیف الله میرزا بحکومت اردبیل و مشکین و حاجی محمودخان بحکومت ساوجبلاغ و علیخان پسر
مرحوم والی پیشخدمت حضور همایون بحکومت مراغه و مهدیقلیخان سرتیپ بنیلی بحکومت مرند و آقاخان سرتیپ
افشار بسرحدداری و حکومت قراجه داغ منصوب گردیدند نواب والا عضد الدوله حکمران قزوین باعطای یکقطعه نشان
و یکرشته حمایل امیرتومانی مباهی آمد حکیم الممالک پیشخدمت باشی سلام حکمران عراق بیکقطعه نشان و یکرشته حمایل
سرتیپی اول سربلند گردید جناب آقا شیخعلی نایب نظام العلماء بلقب ناظم العلمائی ملقب شد محاسبات دار الخلافه
و غله دیوانی کل ممالک محروسه و برات نویسی اداره نظمیه و احتسابیه و حساب کروسرخوار و برات نویسی و محاسبه عمله
سازی از هر جهت بمیرزا عبد الله خان مستوفی نوری محول گردید میرزا محمد علی لشکرنویس توپخانه باعطای نشان و حمایل
سرتیپی سیم سرافراز شد مهدیخان با فوج هفتم افشار ارومی که مامور بفارس بود مراجعت کرده بنشان و منصب سرهنگی
خارج از فوج سرافراز و محمد علیخان ولد مشار الیه بمنصب سلطانی نایل گردید برات نویسی کل اتباع وزارت خارجه بعهده
میرزا محمد حسین مستوفی آشتیانی محول شد ریاست کل قشون خراسان بسلیمانخان صاحب اختیار مفوض آمد کرکخانه
بوشهر از طرف دولت تعمیر کامل شد یکقطعه تمثال همایون باعزاز نواب والا جهانسوز میرزا امیرتومان حکمران استرآباد
مرحمت گردید امان الله خان بهاء الملک قراگوزلو برحمت ایزدی پیوست مرتضی قلیخان وکیل الملک سرتیپ اول داعی
حق را اجابت گفت از غره شهر رجب بموجب اعلان دولتی اعطای نشان تصویر همایون عنقریب متروک شد موکب
همایون عزیمت ییلاق لار و فیروزکوه فرمود میرزا حسین پسر جناب وزیر دفتر بنیابت وزارت دفتر و خلعت همایون
نایل و مخلع گردید کنت دو منت فرت رئیس اداره نظمیه و احتسابیه شهر دار الخلافه بیکقطعه نشان و یکرشته حمایل
سرتیپی اول سرافراز شد حاجی میرزا علینقی مشیر لشکر باعطای نشان و حمایل از رتبه سرتیپی اول مفتخر گردید نواب
اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد ادام الله اقباله العالی حکومت شهر تبریز را بنواب شجاع الدوله مفوض
داشتند عمارات دیوانی ساری مرمت شد نوغان گیلان ترقی و امتیاز یافت روز بیست و هشتم رجب کسوف
اتفاق افتاده ثلث قطر آفتاب منکسف شد محمد تقیخان حاجب الدوله بمیرآخوری اصطبل توپخانه برقرار گردید
جناب میرزا موسی وزیر لشکر بنشان و حمایل امیرتومانی سرافراز آمد الله یارخان آجودانباشی بیکهزار دو تومان
اضافه مواجب نایل شد اعطای لقب جنابی برحسب اعلان دولتی موقوف و متروک گردید مگر در حق کسیکه رتبه
وزارت داشته باشد آقا زین العابدین اشرف الکتاب نسخ نویس اصفهانی در سن یکصد سالگی برحمت ایزدی
پیوست نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی محمد حسینخان را از حکومت بروجرد معزول و محمد علیخان را
بجای او منصوب نمودند موکب همایون ملوکانه شنبه هشتم رمضان از ییلاق شهرستانک تشریف فرمای قصر نیاوران
شد جناب مستر رانلد طامسن بوزارت مختار و ایلچی مخصوص دولت بهیه انگلیس مامور باقامت در دربار دولت
ایران شد و شنبه یازدهم رمضان در سلطنت آباد بحضور همایون شهریاری نایل و مورد مرحمت گردید بنای
قدیم که چندان عالی و وسیع نبود باستثنای عماراتی که در حوالی آن و مابین دو حیاط باغ همایونی واقع بود خراب
و بجای آن از دو دریاچه بسیار طویل عریض ساختند و موزه بسیار وسیع عالی مثل موزه های معتبر دول اروپ

دربنا

در یک ضلع سمت شمالی عمارت باغ مبارک بنا کردند سبزه میدان و امامزاده زید و مسجد جامع سلطانی و بازارهای
دار الخلافه را مرمت کامل کردند ایجاد و افتتاح کارخانه چراغ الکتریسیته در مجمع الصنایع جنب خیابان باب همایون بتوسط مسیو
فابوس معلم در هفدهم رمضان همین سال شد کارخانه چراغ گاز که اسباب آنرا جناب سپهسالار اعظم از فرنگستان
خواسته و آورده اند بتوسط همین مسیو فابوس دایر میشود از غرایب اینکه سگی در شیراز یک شکم پانزده بچه آورده
است و نیز بچه گوسفندی است که دو دست ندارد و جای دستها صاف و حرکتش شبیه بجستن و خیز است
سلام عید فطر در باغ گلستان منعقد شد نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه دولت علیه ایران با عطای یک
حلقه انگشتری الماس بریلیان اختصاص یافتند سیم تلگراف یزد و کرمان اتصال یافت نواب الله قلی میرزای ایلخانی
در سلک وزرای شورای کبری منسلک گردید ضرابخانه دولتی که سپرده بجناب امین السلطان است در ظرف مدت
هفت ماه و نیم بیست و یک کرور و هفتاد و دو هزار و صد تومان پول طلا و نقره و مس با چرخ بخار بسکه جدید
مسکوک شد قوام الملک در سه فرسنگی شیراز قناتی بجهة شرب اهالی شهر احداث کرده و سنگ تمام آب دارد
محال قطور که از نقاط سرحدی ایران و از خالصجات مخصوصه بوده است و در زمان قشون سالار در حدود خراسان سرحدداران
دولت عثمانی فرصت غنیمت شمرده آنجا را غصباً تصرف کرده بودند و تا بحال در رد و استرداد آن از طرفین دولتین علیتین
ایران و عثمانی مسامحه شده بود در این اوقات که مجلس کنگره برلن منعقد شد موافق فصل شصتم عهدنامه کنگره برلن
بدولت ایران مسترد و واگذار شد و محمد صادق خان امین نظام از طرف دولت علیه ایران برای ضبط و تصرف محال
قطور مامور آنجا شده نوزده قریه را تصرف کرد یک حلقه انگشتری الماس بریلیان کبیر ممتاز درباره نواب اشرف والا
ظل السلطان دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی مرحمت شد میرزا محمد علیخان معین الوزاره کارپرداز اول دولت
علیه مقیم بغداد با عطای نشان و حمایل سرتیپی اول نایل گردید روزنامه اصفهان موسوم بفرهنگ بتوجه نواب اشرف
والا ظل السلطان ایجاد شد عمارت عالی بجهة دفترخانه مبارکه دولتی در جنب باغ ارک قدیم ساخته و تمام گردید
در حوالی قریه کاوند از قرای خمسه دو سه سال قبل بازی نام قطعه سنگ طلائی پیدا کرده بود معدنچیان مشغول کاوش
و کار هستند و باز خاک طلائی از حوالی کوه آنجا بدست آورده اند علاوه بر این معدن نیز کوه دیگر منکشف شده است
که دارای معدن طلا است اعلیحضرت ملکه اسپانیول یک قبضه شمشیر مکلل بالماس گرانبها برای اعلیحضرت همایون شاهنشاهی
اهدا و ارسال داشتند موکب همایون یکباره از ییلاق تشریف فرمای شهر شد این بنده مؤلف با عطای یک قبضه
قمه مرصع گردید [illegible] شجاع السلطنه محمد باقرخان سرتیپ اول با عطای یک ثوب سرداری ترمه سرافراز گردید میرزا تقیخان
پیشخدمت خاصه ولد جناب مجد الملک بمنصب منشی حضوری و نیابت جناب امین الملک سرافراز شد در دهم ذیحجة الحرام
مراسم تبریک عید اضحی و انعقاد سلام در حضور مبارک بعمل آمد هفدهم اینماه بندگان اعلیحضرت همایون بجهة امتحان
متعلمین مدرسه دار الفنون تشریف فرمای مدرسه مبارکه شدند و روز هیجدهم مراسم جشن و تبریک عید غدیر بعمل
آمد روزنامه تبریز موسوم بتبریز بتوجه و امر نواب اشرف والا ولیعهد دولت علیه ایران حکمران مملکت آذربایجان
ادام الله اقباله العالی دایر و طبع شد (چین) شورش عام و انقلاب عظیمی در شهر پکن و شهرشان کائوچا حادث شد [illegible]
(اسپانیول) ملاقات پادشاه اسپانیول با پادشاه پرتگال در شهر الباسن مجمع وزرا استعفای از
عمل کرده و در نزد پادشاه قبول افتاد مجلس شورای کورتس (وکلای ملتی) استعفا از عمل کردند پرنس [illegible] دولت
ولیعهد دولت نمسه از دماد دید کشت کنتس دمن تیژ و مادر امپراطریس قدیم فرانسه وفات کرد عروسی اعلیحضرت

(الفونس با شاهزاده خانم منسه ماری کرستینین (اطریش) قرار داد مستحفظین و قراینین بجهة حفظ مملکت نمسه از طاعون انکیه
در روسیه بروز کرده است پرنس اوزِ سپرك رئیس وزرا و وزرای مجارستان از عمل استعفا نمودند استری مایر
بجای او رئیس وزرا گشت کنت تا آفه بوزارت داخله نایل آمد اعلیحضرت امپراطور بشهر شردم که از سیل بالمره خراب شده
بود رفتند جشنهای با شکوه در اینموقع سال بیست و پنجم از مزاوجت امپراطور و امپراطریس که عید بزرگی شمرده اند برپا
گشت عقد معاهده و قرارداد اتحاد مابین این دولت و دولت المان پارلمنت اطریش و مجار برای استعمال حربی افزوده
عدد قشون را بهشتصد هزار نفر قرار داد (المان) مزاوجت پادشاه هلاند با والی زاده والدك پرنسس اما از شاهزاده
خانمهای المان افتتاح مجلس پارلمنت در برلن با حضور امپراطور و کلیوم که خطبه افتتاح را امپراطور بشخصه قرائت نمودند
پسر ولیعهد المان پرنس هانری که جزو عساکر بحریست در کشتی آدالبر مشغول تعلیم و تعلم است به بندر یوکاهاما خاك ژاپن
رسیده و از طرف میکادو پادشاه ژاپن نهایت احترام درباره او مرعی شد جشن مفصل با شکوه در برلن و اغلب مملکت
المان بجهة تبریك و تهنیت امپراطور و امپراطریس که سال پنجاهم مزاوجت ایشان بوده است ملاقات امپراطور نمسه و امپراطور
المان را در شهر کاستین بروز خصومت و مشاجره سخت در میان روزنامه های روسیه و المان پرنس کرچاکف وزیر اعظم
روس وارد برلن شد (انکلیس) رفتن قشون انکلیس در تنگنها و ورود ژنرال روبرتس بماتن و روز بعد از ورود
شکست دادن و متفرق ساختن طایفه مالیك را که بر دور او احاطه کرده بودند خانها برای اظهار عقیدت و تمکین
با انکلیس وارد جلال آباد گشتند دولت انکلیس در کار جنگ با پادشاه زولوس (سیتوایو) است بلیارد انکلیس را که
مرکب از نهصد و پنجاه نفر تابین و هفتاد و دو نفر صاحب منصب بوده در اهاندولا زولوسها بالمره معدوم و مقتول کرده اند
از دولت انکلیس کمك بجهت قشون کاپ فرستادند در مجلس ملتی در مسئله پولیتیك افغانستان مشاوره دارند لرد
ناپیه ماکدالا رایش اینست که جلال آباد و قندهار را از افغانستان منتزع و جزو ولایات متصرفه انکلیس کرده قرار
مصالحه با امیر یعقوب خان امیر افغانستان داده شد و قشون انکلیس مامور به تخلیه کابل گردید پادشاه انکلستان از سفر ایطالیا
که بغیر رسم رفته بودند مراجعت نمودند و کلای دارالشوری حمله بر مذمت پلتیك دولت انکلیس میکنند معاهده صلح افغانستان
بمهر و امضا رسید و نقاطی که در تصرف قشون انکلیس بود بامیر مسترد داشتند باستثنای معابر تنگه خیبر و خرم و
پیشین و سیبی که در تصرف قشون انکلیس ماند سالی یکصد و بیست هزار لیره انکلیسی از دولت انکلیس برای امیر استمرار مقرر
شد و لیت سفارتخانه انکلیس هم در کابل مقیم و برقرار گردید پرنس ناپلیون پسر ناپلیون سیم امپراطور سابق فرانسه
که بعد از مهاجرت بانکلستان جزو عساکر آن دولت شده بود با قشون انکلیس بجنگ زولوسها رفته در مقدمة الجیش
بود مقتول شد و کفن و دفن و عزای او بعمل آمد غلبه ژنرال نود کا از نقاط عدیده بر زولوسها و تصرف قلعه
شلمفر را ماژور کاوانیاری سفیر انکلیس در دربار امیر افغانستان با ربا فتن و مجللانه پذیرائی شد سیتوایو پادشاه
زولوس چند نفر واسطه باردوی انکلیس فرستاده که در صورت امکان صلح کند و اگر نشد تسلیم شود ماژور مارتن
سیتوایو پادشاه زولوس را اسیر و دستگیر کرد ایلچی انکلیس را با همه اجزاء سفارت در کابل افغانستان بقتل رسانیدند
ژنرال روبرتس را انکلیس که هنوز از سرحد افغانستان نرفته بود بعد از مقدمه قتل سفیر از طرف دولت حکم باو
صادر شد که معجلاً بجنگ امیر افغانستان وارد کابل شود قشون انکلیس مجدداً قندهار را مسخر کردند جلال آباد را
نیز بحیطه تصرف در آوردند قشون انکلیس فاتحانه وارد کابل شد ژنرال روبرتس در ملأ عام باهل کابل و دیگران این
فرمان را اعلان کرده بود (قلعه بالاحصار که ارك کابل بود خراب خواهد شد و علاوه بر قصاص قتله سفارت سایر سکنه

کامل

کابل باید از عهدهٔ خسارت قشون کشی انگلیس برآید امیر یعقوب خان از والیگری افغانستان استعفا نمود انبار باروت
زیادی در بالا حصار کابل آتش گرفته است یک قشون بیست هزاری برای مواقع اهم داخله و خارجه حقوق دولت انگلیس در کابل
بجهت ترتیب داده است جنگهای سخت عظیم مابین قشون انگلیس و افغان در کار است (ایطالیا) معاهدهٔ تجارتی
با دولت نمسه را امضا نموده مبادله کردند پادشاه و ملکه ایطالیا بدیدن پادشاه انگلستان که در یکی از شهرهای
ایطالیا آمده بودند رفتند مجمع وزرای دولت استعفا نموده وزرای جدید مرکب مقرر گشت (بلغاری) مجلس شورای
ملتی منزوی و بکلی موقوف شد (هلاند) عروسی پادشاه با شاهزاده خانم امّا دو والدک کلنل ترنسیز حصن حصین
آنچنان را که موسوم به گلانگ است بحیطه تصرف در آورد پادشاه استعفای وزارتخانه و دارالشوری را قبول
نکرده از این فقره تحاشی دارد (دانمارک) وزارت جنگ و بحریه که بدست یکنفر بود از یکدیگر مجزی کرده به دو وزارت
خاصه شد (روس) در قریه وتلیانکا من اعمال حاجی طرخان رسماً خبر دادند که یکصد و چهل و شش نفر از طاعون
تلف شده اند اهالی روس از امپراطور مستدعی شده اند که آنچه از شرایط حفظ و منع است از قرانتین و غیره
معمول فرموده نگذارند مرض طاعون در تمام مملکت نشر کند مصالحه نامه و عهدنامه ختم عمل با عثمانی که ملتی بود نوشته
و تمام شده بود از جانبین با مضا و مهر هر دو پادشاه رسیده و مبادله گردید طایفه نهیلیست سرتیپ سواره
پطرزبورغ و چندین تن را مصمم قتل شدند بموجب دستخط اعلیحضرت امپراطور حکام مقتدر موقتی چندی بجهه
پطرزبورغ و خرکف و ادسا و مسکو و کیف و وارشو معین شده است که با کمال تسلط و اختیار طایفه یاغیه
نهیلیست را دفع دهند اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس از پطر بلیواد رفتند یکقسمت بزرگ شهر ارنبورغ
بواسطه آتشی که طایفه نهیلیست بانجا زده بودند سوخت خبر رسمی دولتی از حاجی ترخان رسید که مرض طاعون
در آنجا تمام شده است آتش زدن طایفه نهیلیست در شهر ارالسک آتش زدن طایفه نهیلیست شهر ایربیت
را بطوری که تمام آن شهر خراب و ویرانه شد آتش زدن طایفه مزبوره در دفعه ثانیه شهر ارنبورغ را
شهر نیج نوو السکی را نیز آتش عظیمی زدند شهر پطرپاولوفسکی را آتش بزرگ در انداختند که خرابی و خسران
زیادی بار آورد در چندین نقطه و موضع از شهر پارم بفاصله آتش زدند ژنرال کفمان بمحل مأموریت خود
که حکومت ترکستان باشد مجدداً معاودت نمود اخبار چندی انتشار یافته است که بین دولتین انگلیس و
روس در مسئله آسیای مرکزی مخاصمت و مخالفتی بروز کرده است دولت روسیه استعداد خود را در ترکستان
زیاد کرده است روزنامه گولوس تا مدت پنجاه روز ممنوع از طبع و انتشار شد طایفه نهیلیست نقبی در زیر خط
راه آهن نزدیک مسکو در سر راه عبور امپراطور زده و آن حفره را از دینامیت که یکقسم باروط است انباشته
بودند که هنگام عبور محترق شده بوجود آن اعلیحضرت آسیبی رسانند از قضا بمجرد عبور ایشان ترکیده و همین که
اندکی از آن دام بلا بسلامت دور شده بودند احتراق دست داده بود (سوئیس) انقلاب و اغتشاش زیادی
در هر نقطه از این مملکت روی داد (عثمانی) باب عالی قرانتین در سرحد طرف روس گذاشته است که طاعون سرایت
بداخله خاک عثمانی نکند میانه باب عالی و نمسه و روس و یونان خیلی گفتگوهای دولتی مربوط باصلاح امور ولایات
سرحدیه و نظم و قرار آنها و تعیین حدود و غیره رد و بدل شده است مهر و امضای عهدنامه فرق و بدل آن با
دولت روس با باب عالی بعهده مأمورین خود کرد در خارجه میباشند اعلان نمود که ولایاتی که میبایستی واگذار به منتنگرو شود
از ما مطلبه و بانها تسلیم شد اجتماع عثمانی و اعیان بلغار در خدمت شاهزاده دوندوکف کرزکف مأمور روس برای

بتعیین

تعیین والی بجهة بلغارستان اعلیحضرت سلطان بدولت انکلیس قول صریح دادند که برای عزل خدیو مصر که رفتارش
مرضی خاطر فرانسه و انکلیس نبوده و عمل مالیات را نیز خوب اداره و ادا ننموده است آماده و حاضرند و حلیم پاشا را بجای او
خدیو خواهند نمود عمال و رجال بلغاری پرنس الکساندر باتمبرغ را بولایت خود انتخاب و قبول نمودند اسمعیل پاشا
خدیو مصر بنا بخواست دول معظم فرنکستان و خصوصاً بحکم المان از خدیوی استعفا نموده و توفیق پاشای پسرش در
عوض خدیو مصر منصوب شد خیرالدین پاشا از صدارت معاف و معزول و عارفی پاشا بجای او منصوب شد انقلاب و
اغتشاش بادی در بلغاری و روم ایلی شرقی فراهم آمده است و سنها ·· رومیلی را بالمره تخلیه کرده اند کشتی جنگی انکلیس
محض اظهار مخالفت و نفار با عثمانی در خلیج و ورلا نمایش و ورود کرد دولتنامه‌ها روس اظهار کرده اند که هرگاه
کشتی جنگی انکلیس در خلیج و ورلا لنگر انداخته و توقف نماید کشتیهای روس نیز داخل در بحر مارمارا خواهند شد
دولتنامه‌های انکلیس اظهار کرده اند که کشتی جنگی انکلیس را حکم و امری بدخول و وقوف در خلیج مزبور نشده است
اعلیحضرت سلطان بکر پاشا را برای آبادی و قرارداد حبشه تا طولی ماموریت داده اند قسمتی و اکراد ایران [illegible] نکرده
واکذار نموده اند تمکین به تبعیت و در عثمانی متنکر و ندارند والی متنکر و مکرر تا بسر انقسمت سرکشی طاغی قشون فرستاده
و آنها را مجبور بتمکین میدارد (فرانسه) دوهزار و دویست و پنجنفر از مقصرین فرانسه را که بطرف نوکالدونی
جلای وطن داده بودند و مدتها در آنجا اقامت داشتند مرخص کردند که باوطان خویشان مراجعت نمایند مارشال
ماکماهون رئیس جمهوری فرانسه از ریاست استعفا نمود وجهه استعفا بعضی تغییرات در اداره قشون بوده که شرف
و شان قشونی خلل وارد آورده است و وکلا برخلاف رای و میل مارشال اصرار در اجرای آنها داشته اند مارشال
ماکماهون از ریاست استعفا نمود که بدیست این شکست بافتخار قشون وارد نیاید و ژول گروی بریاست جمهوری
فرانسه و گامبتا بریاست مجلس شوری منتخب و برقرار شدند بواسطه طوفان شدید کشتی جنگی دولتی آورگا نند در دریا
سفید غرق شد ملاقات رئیس جمهوری فرانسه با پادشاه انکلستان در سفارتخانه انکلیس در پاریس هنگام
عبور پادشاه معظم الیها از پاریس بقصد مسافرت بایطالیا سی هزار تومان وکلای مجلس سنا بجهة مخارج مراجعت
مقصرین از نوکالدونی بدولت عبد هند چنانکه در طی وقایع انکلیس نیز ذکر شد پرنس ناپلیون ولد ناپلیون سیم
پادشاه سابق فرانسه که قبل از اعلان جمهوری ولیعهد آن دولت بود و بعد بمملکت انکلیس رفته در آنجا سکنی و اقامت
جست در واقعات جنگ انکلیس با طایفه زولوس با عساکر انکلیس بدماغه امید رفته در ماموریت پیش قراولی
اردوی انکلیسها بدست طایفه زولوس مقتول گردید مقدمه شورش میان مسلمین الجزایر کرد دولت مجبور بتدارک
حرب و اسلحه گردید الجزایر شورش و بلوای عامی کرده اند در شهر نانسی مجسمه مسیو طیر رئیس سابق فرانسه را
برپا نمودند جمعی از معفوین کوتها و مقصرین از کالدونی جدید که محبس آنها بود مراجعت کرده به بندر وارد شدند
افتتاح مجلس وکلا را گامبتا رئیس دار الشوری نمود شدت و کثرت سرما و برف و یخ در فرانسه بحدیست که در هیچ قرنی
بدین درجه برف و سرما کسی در آن مملکت خاطر نداشته است (مجارستان) در کنکاش و مشاوره جدید یکه برای قرارداد
داد مجلس وکلا کرده اند طرفدار آزادی طلب بیشتر استنباط ظفرمند بوده و بعبارة اخری طرف قوی واقع شده اند.
بواسطه طغیان آب خرابی عمده و خسارت کلی در این مملکت روی داده است (یونان) مامورین که برای تعیین حدود
سرحدی یونان و عثمانی انتخاب شده بودند حرکت کرده بشهر پانینه که میعادگاه هر اجزاء کمیسیون است وارد شدند
پادشاه یونان در جواب عریضه اهل اپیر نکاشته بود که امیدوارم دول معظم جانبداری از ما فرموده در اجرای قرارداد

معاهده

معاهده اینسادکی و بوعده واکذار نمودن اپیر بیونان وفا نمانید و همچنین تسالی و ژانینا را تلافی شورشیان و طغیان

گریک با یکینوج در فانا ری **افریقا** (مصر) مخاصمه و منافضت بین مصر و حبشه مبدل بسلم و صفا شد قشون مصر فشون عثمانی

شهر ماسئو را مسخر کردند **امریکا** (اتاتونی) دولت اتاتونی در صلح تجدید عهدنامه با چین است در مجلس شوری

عده قشون حاضر رکاب رئیس اتاتونی به بیست و پنجهزار نفر مقرر شد (پرو) اعلان جنگ مابین دولتین پرو و شیلی

(شیلی) استعداد نظامی و بحری جمهوری شیلی با ستعدادات دولتین منفقتین پرو و بولیوی غلبه نموده آنها را در یکیك

شکست داد و کشتی جنگی پرو ها را که موسوم به پیلکوما بود اسیر نموده و قشون شیلی فاتحانه داخل ایکیك شد

(هایتی) بلوای عام و شورش تمامی در شهر هایتی برخاسته در مجلس وکلا وامنای دولت یکی از اهل شورش و طغیان

طپانچه شش لوله از بغل کشیده و دو برادر رئیس جمهوری خالی کرده بود

سنه ۱۲۹۷ هجری   سنه ۱۸۸۰ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال کلیه امور دولت قوی شوکت از توجهات نظر انور همایون شهریاری قرین کمال نظم و آراستگی

است بنا بر محبقه غله بود بتوسط جناب امین السلطان نزدیك دروازه شاهزاده عبدالعظیم بنا شد که گنجایش صد

هزار خروار غله دارد میرزا علی ولد جناب میرزا هدایة الله وزیر دفتر بمنصب لشکر نویسی و خلعت همایون مفتخر شد

نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد دولت علیه ایران صاحب اختیار مملکت آذربایجان ادام الله اقباله العالی

را باعطای یکحلقه انکشتری الماس بر لیان بسیار ممتاز معزز فرمودند جناب مسیو تربکو از جانب دولت فخیمه فرانسه بسمت

وزیر مختاری مامور باقامت در بار دولت علیه شد توپچیان جدید که معلم کابینن و اکز اطریشی مشق میکنند با توپهای

تر پو جدید الابتیاع در حضور همایون امتحان دادند نواب اشرف والا ظل السلطان دولت علیه ایران حکمران ولایات

اصفهان و یزد و غیرها ادام الله اقباله العالی موقتاً بدربار همایون احضار و روز بیست و هشتم محرم وارد دارالخلافه شدند

جناب اجل آقای مستوفی الممالک میرزا یوسف وزیر اعظم داخله باعطای یکثوب جبه ترمه شمسه مرصع بطانه خز مباهی گردیدند

حاجی میرزا محمد حسین دبیر الملك فراهانی در سن هفتاد و دو سالگی برحمت الهی پیوست حاجی ملا محمد مجتهد نراقی پسر

مرحوم فاضل نراقی اعلی الله مقامه در ولایت کاشان بجوار رحمت حق شتافت جشن مولود مسعود همایون در ششم ماه

صفر در تمام ممالك محروسه خاصه در دارالخلافه باهره بتوسط جناب سپهسالار اعظم گرفته شد حکومت ایالات عربستان

و لرستان و عراق علاوه بر حکومت ولایات اصفهان و یزد و بروجرد و کلپایگان و خوانسار بر عهده کفایت نواب اشرف

والا ظل السلطان دولت علیه ادام الله اقباله العالی مفوض شد موکب همایون تشریف فرمای شکارگاه جاجرود شده در

عرض راه پلنگی شکار شست مبارك اعلیحضرت همایون صاحبقرانی گردید هفدهم ربیع الاول مراسم جشن و تبریك عید

مولود مسعود حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله کاملاً بعمل آمد نواب اشرف والا ظل السلطان را بیکقبضه شمشیر

مرصع بسیار ممتاز و نواب اجلال الدوله ولد ارشد نواب اشرف معظم دام اجلاله را بیکقطعه کل کمر کرانبها معزز

فرمودند فضل الله خان شاطر باشی بنشان و حمایل از درجه سیم سرتیپی نایل آمد برحسب استدعای نواب اشرف والا

امیر کبیر نایب السلطنه دولت علیه ادام الله اقباله العالی عباسقلیخان نایب کل اداره جلیله نظمیه بنشان و حمایل سرتیپی

سیم و عبدالحسینخان مستشار اداره مزبوره بنشان و حمایل سرهنگی مفتخر شدند جناب حاجی رحیمخان خازن الملك

در سلك اجزای محترم دارالشورای دولتی منسلك گردید حسینقلیخان سرتیپ فوج بیکلو پسر مرحوم امیرخان سرتیپ را

برادرهای غیر بطنی او مرتضی قلیخان و مصطفی قلیخان بتحریك خود مشان که در سراپرده پدر با او داشتند زخم زده بقتل

رسانیدند مرتضی قلیخان کرد درحقیقت قاتل بود کرفتار و بامر دولت قصاص شد و اسم منصب مواجب و مرسوم آنمرحوم را
درحق پاشاخان پسرش مرحمت فرمودند و روز هشتم ربیع الثانی دو ساعت و نیم کسری از طلوع شمس کذشته آفتاب از
برج حوت بحمل تحویل کرده و مراسم جشن عید و سلام در پیشگاه حضور همایون بعمل آمد نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران
اصفهان و یزد و بروجرد و عراق عربستان و لرستان ادام الله اقباله العالی کسی را باعطای یکقطعه نشان دنیشان اقدس
که برتربن نشانها باشد ولنشانها افتخار مرحمت فرموده نواب اشرف معظم از قصبه طیبه حضرت عبدالعظیم علیه السلام
روز غره جمادی الاولی عزیمت اصفهان و مقر حکومت فرمودند جناب میرزا فهرمان امین لشکر از آذربایجان مراجعت کرده کما
فی السابق بمنصب وزارت لشکر کخانه های ممالک محروسه برقرار کردید میرعلیخان حشمة الملک با عطای یکقبضه شمشیر مرصع
سرافراز شد و وزارت بنائی دیوانی کل ممالک محروسه را بجناب معتمد الملک وزیر مخصوص اعطا فرمودند نواب حشمة السلطنه
بلیغ الملک میرزا ابوالحکمرانی کرمانشهان منصوب فرمودند امیرزاده وجیه الله میرزا سرتیپ اول قورخانه دار وجوه نظام با عطای یکقبضه
شمشیر مرصع مفتخر کردید میرزا رضای مهندس باشی را یکهزار تومان انعام و یکحلقه انکشتری الماس مباهی فرمودند و
میرزا حسینخان ولد معزی الیه را بدرجه سیم اسیتفا سرافراز ساختند نواب اشرف والا ولیعهد دولت علیه ایران حکمران
آذربایجان ادام الله اقباله العالی را باعطای یکقبضه شمشیر مرصع مکلل بالماس از شمشیرهای خاصه قرین مباهات فرمودند
پس از فراغ از امتحان متعلمین مدرسه مبارکه دارالفنون روز چهاردهم جمادی الاولی سلام عام در دارالفنون منعقد و
صورت مساعی معلمین و ترقیات متعلمین ملحوظ نظر اقدس کردید نواب والا اعتضاد السلطنه را باعطای یکثوب سرداری
ترمه شمسه مرصع و یکهزار تومان انعام مباهی فرمودند و محمد حسن میرزا ولد نواب وزیر علوم بمنصب سرتیپی سیم و نشان مطلا
و سی تومان انعام نایل شد سایرین نیز از اینقرار مورد مراحم و امتیازات کردیدند
جناب میرزا موسی وزیر لشکر که کتابچه درجات تحصیل و اندازه استحقاقهای اهالی مدرسه را بعرض حضور مبارک میرسانید
خوفقه ترمه ایرانی بطانه سنجاب دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص حضور همایون که در مجالس امتحان حاضر بود یکطاقه شال
بسیاسمانی از جعفرقلیخان رئیس مدرسه نشان شیر و خورشید از درجه اول با حمایل آن و دو بیست تومان انعام محمد
حسینخان ناظم منصب سرتیپی دویم و حمایل و نشان مخصوص آن و دویست تومان اضافه مواجب و پنجاه تومان انعام محمد
تقی میرزا ی اجودان نشان و حمایل سرتیپی سیم و شصت و پنج تومان اضافه مواجب و بیست تومان انعام
حاجی میرزا عبدالغفار نجم الملک معلم کل علوم ریاضی نشان و حمایل سرتیپی دویم و پنجاه تومان اضافه مواجب و چهل
تومان انعام میرزا ابوالقاسم معلم طب ایرانی جبه ترمه حاشیه دار ثوب با انعام سی تومان میرزا علی دکتر معلم طب فرنکی جبه
ترمه حاشیه دار ثوب با انعام میرزا کاظم معلم شیمی و فیزیک نشان شیر و خورشید از درجه سیم و شصت تومان اضافه | سی تومان
مواجب و بیست و پنج تومان انعام میرزا علی اکبرخان نقاشباشی نشان شیر و خورشید از درجه سیم و شصت تومان اضافه
مواجب میرزا علیخان معلم طب عملی نشان و حمایل سرهنکی میرزا ابوالحسن معلم طب سرهنک دویم لقب خانی و سی تومان اضافه
مواجب و بیست تومان انعام علیخان معلم توپخانه منصب سرهنکی خارج از فوج و صد تومان اضافه مواجب
مسیو ریشار خان معلم زبان فرانسه و انکلیسی نشان و حمایل سرتیپی دویم و سی تومان انعام مسیو طرلر نشان شیر و خورشید از
درجه سیم شال ترمه ایرانی طاقه مسیو بروسکی سرتیپ معلم زبان فرانسه و معلم جغرافی شال ترمه ایرانی و لقب خانی مسیو
ووبله شال ترمه کشمیری و نشان طلای علمی مسیو لمر شال ترمه ایرانی و نشان طلای علمی و صد تومان اضافه مواجب مادروسخان
معلم زبان روسی و مترجم زبان روسی و فرانسه نشان شیر و خورشید از درجه چهارم و شال ترمه ایرانی

میرزا

میرزا اسحق مستوفی مدرسه منصب استیفا از درجه دویم و دویست تومان اضافه مواجب و جبه ترمه ایرانی حاشیه دار محمد ابراهیمخان سرهنگ تحویلدار مدرسه نشان و حمایل سرتیپی سیم انعام چهل تومان اضافه مواجب هشتاد تومان میرزا محمد علی خان منشی باشی وزارت علوم یکصد تومان اضافه مواجب و خطاب مقرب الخاقانی و جبه ترمه ایرانی حاشیه دار و معلمین نیز هر یک بقدر رتبه خود با ضافه مواجب و انعام نایل شدند

میرزا جعفر وقایع نگار پسر مرحوم میرزا صادق وقایع نگار در بیست و پنجم جمادی الاولی مرحوم شد میرزا عباسخان رئیس مدرسه دولتی تبریز با عطای یکقطعه نشان با حمایل از درجه سرتیپی سیم سرافراز شد وصول خبر ید میر و قلع شیخ مذکورخان حاکم کله دار و کاوبندی با اتباع او از فارس که متمرد و منشاء شرارت و فساد در حدود فارس شده بود باهتمام نواب والا معتمد الدوله فرمانفرما و حکمران فارس و دل تکرانی در دشتی و قرای نظر کرده و رفع تکرار در دو بامها نشست و هر دانه تکرک بقدر یک فندق بود میرزا محمد علیخان پسر میرزا مصطفی وکیل لشکر بمنصب استیفا از درجه سیم نایل گردید نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه حکمران دار الخلافه و غیرها ادام الله اقباله العالی را با عطای یک قبضه شمشیر مرصع از شمشیرهای خاصه سلطنتی قرین مفاخرت فرمودند بموجب دستخط همایون خطاب بنواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم در باب آبله کوبی اطفال بتمام ممالک محروسه عدغن و تاکید اکید شد اداره تنظیفیه و احتسابیه دار الخلافه را بموجب دستخط همایون بعهده مؤلف واگذار فرمودند محض اشاعه و تعمیم عدل و انصاف ملوکانه دستخطی مبارک بنواب معز الدوله وزیر عدلیه اعظم مبنی بر تاکید نظم دیوانخانه و رسیدگی بعرایض متظلمین و ملهوفین و اجرای احکام حقه شرف صدور یافت حاجی محمد حسینخان ولد مرحوم احمد خان عمید الملک بمنصب نیابت اول دیوانخانه عدلیه عظمی برقرار گردید روز یکشنبه هیجدهم رجب موکب مسعود همایونی از سلطنت آباد انتهاض فرموده بسمت کلاردشت و ساحات ییلاقیه مازندران تشریف فرما گردیدند نواب حاجی بهاء الدوله سرتیپ اول بیک قبضه شمشیر مکلل بجواهر از درجه دویم سرافراز شد چندی قبل ما بین اشتهارد و بوئین در نزدیکی قشلاق شاهسون بغدادی سنگی بزمین افتاده که تقریبا پانزده من تبریز وزن آن میباشد این اوقات سنگ مزبور را امتحان کردند و معلوم شد چهار عشر آهن در صورت خالص بودن داشته و علاوه بر آهن فلز موسوم به نیکل در آن یافت میشده و از این جهت سنگ روشن و باذرات نقره نما بنظر می آمد دانه های آهن خالص آن مخلوط با سنگ سیاهی بوده که اجزا الومینیو سیلیکات میباشد کریستلهای سبز نیز در آن مشاهده نموده اند که نظر آن در اغلب سنگهای آسمانی دیده میشود سرکردگان و صاحبمنصبان و یوزباشیان کشیکخانه خاصه سپرده بجناب علاء الدوله وزیر دربار اعظم بعد از سان دادن در حضور مبارک و ثبوت استحقاق آنها علی قدر مراتبهم بعواطف و مراحم و خلاع و امتیازات ملوکانه مباهی گردیدند موکب همایون شاهنشاهی عز نصره از کلاردشت معاودت فرموده روز بیست و پنجم شعبان بییلاق شهرستانک شرف نزول ارزانی داشت نواب والا عضد الدوله حکمران قزوین با عطای یک جلقه انگشتری الماس بریلیان سرافراز گردید موکب همایونی سه شنبه هفدهم رمضان المبارک بقصر سلطنت آباد نزول اجلال فرمودند نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران اصفهان و یزد و عراق و بروجرد و عربستان و لرستان و غیرها ادام الله اقباله العالی این اوقات از اصفهان بقصد سرکشی عربستان و لرستان حرکت فرمودند بمورد مراحم ملوکانه گردیده یک مکتوب مرداری ترمه شمسه مرصع از ملابس خاصه را فتخار ایشان ارسال فرمودند جناب حاجی میرزا حسینخان سپهسالار اعظم را در اوایل شوال از اداره امور عسکریه و وزارت امور خارجه معاف داشته بحکمرانی قزوین برقرار نمودند زلزله شدیدی در کردستان اتفاق افتاد ترتیب مهام مملکت آذربایجان را علاوه مشاغل جناب اجل آقای مستوفی الممالک وزیر اعظم داخله فرمودند

هم در این اوقات دولت ژاپن که از دول مشرق زمین و در قسمتی از اقلیم آسیا واقع است محض فتح باب مراوده و دوستی
واستحکام روابط مودت با دولت علیه ایران نامور مخصوصی موسوم به (یوشیدا مسهَرو) همراهی (یوکویاما کونیجی رُو)
مترجم و (فوکاروا نولونیش) سلطان مهندس و چهار نفر تاجر ژاپنی همراه بدولت علیه فرستاده در ماه شوال وارد دار
الخلافه شدند و بحضور همایون شهریاری نایل گردیده تقدیم نامه و تبلیغ پیام مودت آمیز اعلیحضرت امپراطور ژاپن نموده
استدعای جواب نامه از حضور قرین الشرف همایون ملوکانه نمودند ریاست اداره جلیله عسکریه و قشون ظفرنمون را که عبارت
از وزارت جنگ باشد بعهده کفایت و کفالت نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه ادام الله اقباله العالی تفویض فرموده
بکشوبی سرداری ترمه منقول دوز از ملابس خاصه سلطنتی بنواب اشرف معظم له مرحمت فرمودند جناب میرزا سعیدخان مؤتمن
الملک وزیر امور خارجه سابق که چندی در آستانه مقدسه حضرت رضا سلام الله علیه بمنصب متولی باشیگری
مستسعد بودند بار دیگر بحضور همایون احضار شده مجدداً بمنصب جلیل وزارت امور خارجه برقرار گردیده و بکشوبی جبه ترمه
شمسه مرصع مخلع و مفتخر شدند جناب مشیرالدوله سپهسالار اعظم را که حکمرانی قزوین داشتند به پیشکاری تمام مملکت
آذربایجان برقرار فرمودند جناب کنت زالوسکی وزیر مختار دولت اطریش مامور باقامت در دربار دولت علیه که موقتاً
بوطن خود رفته بود در این اوقات بدار الخلافه معاودت نمود میرزا رضای صدیق الدوله بوزارت دار الخلافه برقرار گردید
مسیو کنت دمنت فرت رئیس پلیس شهر دار الخلافه بمنصب سرتیپی درجه دویم سرافراز شد جناب حاجی میرزا محمدخان مجدالملک
وزیر وظایف در این اوقات مرحوم شد و وزارت وظایف و اوقاف بموجب دستخط جهانمطاع مبارک بر عهده جناب میرزا
علیخان امین الملک موکول آمد هم در این سال فتنه شیخ عبیدالله کرد روی داد و دفع شر او گردید تبیین آنکه شیخ عبیدالله
که از قدیم در سلک تصوف بشیوه عوام فریبی بسر میبرد و در ناحیه هکاری میان اکراد تبعه دولت عثمانی مطاعیتی داشت
در اوقات جنگ دولتین روس و عثمانی بعضی تفنگ و اسلحه جنگ بدست آورد و بخیال واهی افتاده که اکراد سرحد نشین
دولتین ایران و عثمانی را در تحت ریاست خود درآورد در اواخر این سال حمزه آقای منگور از حکومت ساوجبلاغ گریزان
شده بشیخ عبیدالله پیوست بخیالات او را تأیید و تحریک نمود لهذا در حدود کردستان دولت علیه بنای قتل و
نهب و حرکات وحشیانه که ناشی از فطرت ناپاک میباشد گذاشتند اولیای دولت علیه که از غایله باخبر شدند در عرض بیست
روز بیست و پنجهزار نفر از عساکر موجوده را بریاست نواب حشمة الدوله حمزه میرزا برای دفع این شر در نقاط مهمه
حاضر ساختند و قبل از وصول اردوی بزرگ دولت بساوجبلاغ و ارومی و آن صفحات اعتماد السلطنه مصطفی قلیخان که
ریاست قشون آذربایجان داشت با سایر سرکردگان و عساکر منصوره در حدود مراغه و میاندوآب دو هزار نفر از یاغیان
طعمه توپ و تفنگ نموده شکستهای فاحش بآنها دادند و ششصد هفتصد نفر را که جنایات شنیع الی شهر ارومی
کرده بودند بقتل رسانیدند و در سه فرسنگی ارومی نیز جمعی از اکراد که با شیخ صدیق پسر شیخ عبیدالله بودند براه عدم
فرستاده و باقیماندگان را هزیمت داده تا دو فرسنگ تعاقب نمودند و علیخان پیشخدمت حضور پسر مرحوم محمدقاسمخان
والی که در این وقت بحکومت مراغه منصوب بود نیز از خود کمال غیرت و همت و شجاعت در دفع اکراد کوششها کرده حدود
حوزه حکومت خود را از تطاول و شورش اشرار بخوبی حفظ نمود در این اثنا نواب حشمة الدوله رئیس اردوی بزرگ در
حوالی صاینقلعه بمرض طبیعی مبتلا شده مرحوم شد و نعش مرحوم شاهزاده را معاودت دادند و مقرر شد که موقتاً
محمدقلیخان حسام الدوله رئیس اردو باشد تا جناب سپهسالار اعظم باردو ملحق شوند و عبدالقادرخان شجاع الملک
برای ابلاغ احکام لازمه بسرکردگان اردو روانه شد خلاصه از آنطرف شیخ قادر و حمزه آقا با بعضی اعوان خود که فرار

جرف

بطرف ساوجبلاغ میرفتند باز بهر قریه که میرسیدند آنرا با آتش بی رحمی میسوختند تا جناب حسنعلیخان وزیر فوائد با فوج گروس
و سوار شاهسون و چند عراده توپ باردوی اعتماد السلطنه پیوسته و با یکدیگر بطرف ساوجبلاغ حرکت کردند و بعد بتواسطه شیخ
قادر و حمزه آقا و بجال از پیش ایشان بسمت اشنویه گریختند شیخ عبیدالله نیز در حدود داروی از عساکر منصوره شکست
خورده با اعوان خود بقلعه اسمعیل آقا در دو فرسنگی شهر ارومی که جای محکمی است گریخت روز شانزدهم ذیحجه جناب
سپهسالار اعظم وارد ساوجبلاغ شدند و مستوجبین اکراد را تامین کرده عساکر و توپخانه برای گرفتن شیخ عبیدالله
و تبعه او در بیست و یکم ذیحجه بطرف سرحد و محال مرگور فرستادند بموجب خبر تلگرافی که در سلخ ذیحجه رسید عمر
ساوجبلاغ و ارومی بکلی از وجود اشرار پاک و امنیت و آسایش برقرار شد و محمد آقا رئیس طایفه مامش بلباس از بزرگان
کرد با صطبل توپخانه پناه برده معفو گردید و شیخ قادر پسر شیخ عبیدالله با معدودی از تبعه خود بتوجه که مسکن
شیخ عبیدالله بود در خاک دولت عثمانیست گریختند **اروپا** (المان) اعلیحضرت امپراطور در وقت انعقاد پارلمنت
المان در یکی از نطقهای سلطنتی ازدیاد استعداد قشون خود را بملاحظه استعداد انجریه همجوار لازم و اهم شمرده
و در اینمسئله اصرار و مبالغت فرموده اند اختتام مجلس پارلمنت ملاقات امپراطور المان و امپراطور اتریش در شهر ایشل
وزارت تجارت علاوه بر سایر مشاغل بپرنس بسمارک گردید (انگلیس) لرد ولسلی پس از اسیر کردن زولوسها و فراغ از
کار آنها بانگلیس مراجعت نمود انگلیسها همینکه افاغنه را خیره دیده و در کار خصومت و خلاف و دشمنی و نفاق ثابت و راسخ
یافتند مجدداً در مقام تنبیه و هدایت آنها برآمده ثانیاً کابل و بالاحصار را تصرف کردند ژنرال بریغ فتح آباد افغانستان
را که واقع در جلگه لغمانست فتح نمود قشون انگلیس در افغانستان هستند و افغانها با کمال سختی خود سری میکنند
مابین دولت انگلیس و المان در باب منع آوردن برده و غدغن بیع و شرای غلام و کنیز در طرف مشرق زمین معاهده منعقد
شده است چندین مجلس عامه برای اصلاح امور ایرلند دایر نموده اند لرد دربی آخرین عقیده و نیت و مکنون ضمیر خود را
که میل و علاقه بطرف آزادی طلبان باشد تصریحاً بروز داده و توضیحاً اعلان نموده است معادل مبلغ پنجاه هزار لیره
انگلیسی الماس از پیشخانه کابل سرقت برده اند ژنرال رابرتس که در افغانستان بود کاغذی از موسی خان و سایر امرای
افغان که در غزنین جمع شده بودند باو رسیده در این کاغذ خواهش مشار الیهم تبعیت خود شان از دولت انگلیس ظاهر
میکنند بسته شدن مجلس پارلمنت انگلیس با یک خطبه از پادشاه انگلستان و امپراطریس هندوستان مسافرت اعلیحضرت
معظم لها بسمت المان جنگهای سخت متوالی افاغنه با قشون انگلیس در افغانستان مقاتلات شدیده و یورشهای
بسیار سخت مابین شهر کابل و کندهار ورود عبدالرحمن خان از ترکستان بافغانستان انتخاب وکلای تازه برای
مجلس پارلمنت مساعد پلیتیک وزرای ویک و گلادستون میباشد اجزای مجلس پارلمنت مرکبند از سیصد و چهل
و نه نفر هواخواهان وزرای ویک و دویست و سی و پنج نفر هواخواه وزرای توری و شصت و سه نفر ایرلندی تغییر
وزرا در انگلیس و صدارت گلادستون قشون ابواجمعی ژنرال استوارت در حوالی غزنین بسه هزار نفر سواره افغان
برخورده و جنگ سختی فیمابین ایشان واقع میشود دولت در مجلس پارلمنت اظهار میکند که احکام سخت برای فرمانفرمای
هندوستان صادر شده است که عساکر انگلیس را از افغانستان احضار کند تخلیه قشون انگلیس کابل را و شناختن
دولت انگلیس عبدالرحمن خان را بسمت امیری افغانستان عبور کردن ایوبخان از رود هیرمند و حرکت کردن او بطرف
قندهار قشون انگلیس بسرداری ژنرال بوروس که در قندهار بود اغلب مقتول شدند و بقیة السیف آنها با ارک قندهار
پناه بردند قشون ایوبخان که این شکست سخت را بعساکر انگلیس مقیم در قندهار داد مرکب بود از دوازده هزار مرد

(افغانستان) شورش مابین
عساکر عبدالرحمن خان شورش
سخت در هرات قتل حاکم هرات
ایوبخان که در غیبت داد بود
خود را بعجله بهرات میرساند
(چین) مراوده پلتیکی این دو
دولت روس نزدیک
بانقطاع است

و بیست و ششم ماه ذی‌الحجه ... زلزلهٔ سخت در منیل که جمع کثیری را هلاک و مجروح کرد و بیوت بسیاری منهدم نمود ابتدای
شورش در باسوتولاند در افریقای جنوبی بر ضد دولت انگلیس ژنرال ... با کل قشون انگلیس در افغانستان
با ده هزار نفر زبده به کمک قشون انگلیس که در قندهار محصور بودند حرکت نمود مسلمانهای هندوستان در صدد
شورش بر ضد دولت انگلیس میباشند اهالی ارلند نیز بر ضد دولت مشارالیها علم شورش افراختند فوت لرد
... از معارف محاصره نمودن ایوبخان قندهار را ورود ژنرال ... به قندهار عقب نشستن ایوبخان
از حوالی قندهار و رفتن او به شکست یافتن او از ژنرال ... جنگ باستن با عساکر انگلیس و شکست یافتن آنها
اما اخبار دیگر از راس امید میرسد دلیل بر ضعف قشون انگلیس است تمام طوایف با بورها بر ضد دولت انگلیس اتفاق
نمودند شورش ارلند بهار و زیر ... (ایطالیا) یکی از توپهای صد پوندی کشتی زره پوش موسوم به
دویلاد در بند رسپزیا ترکیده است مخاجره و نقار بین پاپ و المان تمام شد عزل وکلای ملت بحکم پادشاه ایطالیا
و نصب وکلای جدید کوه آتش‌فشان وزوو با نهایت شدت آتش‌فشانی میکند (اطریش) طغیان آب رودخانه
در ایالت ... که ضرر کلی به زراعت رسانید جشن سال پنجاهم تولد اعلیحضرت امپراطور زلزلهٔ سخت در ...
و رسیدن خسارت زیادی به مردم (اسپانیول) یکی از پلهای ... که در رودخانه ... بود در موقع حرکت قشون از روی آن
شکسته و صد نفر غرق میشوند تولد دختری از پادشاه که مسماة به مرسدس میگردد و ولایت ... واقع است ...
طغیان آبها خسارت و خرابی زیاد وارد می‌آورد (بلژیک) افتتاح اکسپوزیسیون عمومی در شهر بروکسل بواسطهٔ
کدورتی که مابین دولت بلژیک و پاپ روداد دولت بلژیک ایلچی خود را از دربار پاپ احضار نمود (روس)
کارگزاران نظامی روس اسلحه و آلات حربیه بسیاری خریداری مینمایند و در سرحد المان و اطریش قشون جمع آوری میکنند
یک زد و خورد و غائلهٔ عظیمه مابین طلاب و طایفهٔ نهیلیست و پلیس در پطرزبورغ روی داد طایفهٔ نهیلیست ...
نداعات و جنگلها را در مسکو آتش زدند ژنرال ملیکف بجای ژنرال گورکو بریاست ادارهٔ امنیت برقرار گشت
برای قلع و قمع طایفهٔ نهیلیست اسباب نظم و نسق فراهم آورده و اهتمامی تمام دارند روسها کمال احتیاط و تشویش را
دارند که مبادا در روز سیم ماه مارس که سال بیست و پنجم تاجگذاری اعلیحضرت امپراطور و روز عید و جشن و
تبریک است طایفهٔ نهیلیست فرصتی یافته در غفلت مرتکب فتنه و شرارتی شوند و عیش را بر مردم منغص کنند طایفهٔ نهیلیست
تیری برای ژنرال ملیکف خالی کرده و لیکن خطا شده بود اعلان آشکارائی از طایفهٔ مزبوره در تمام ولایات
روسیه منتشر شده و یک مجلس عامه و اجتماع ملتی در شهر ... طایفهٔ مزبوره منعقد کرده اند پرنس ارلف
ایلچی روس مقیم فرانسه بواسطهٔ اینکه فرانسه هارتمان نام که نفت در راه آهن مسکو زده و از نهیلیستها
بود تمکین نکرده بود از دولت فرانسه رنجش داشت کاغذی که از طرف امپراطور المان با امپراطور روس رسیده
و مضامین آن مشعر بر دوستی و مودت مابین دولتین المان و روس بود در تمام مملکت روس انتشار میابد
ژنرال لریس ملیکف از اعاظم وزرای این مملکت که زندگانی او بدست طایفهٔ نهیلیست در معرض خطر بود بدون صدمه
نجات یافت فوت امپراطریس این مملکت عساکر چینی خوقند را فتح نموده اند پیش رفتن ژنرال اسکوبلف بسمت
کوک تپه شروع بساختن راه آهن از تفلیس به بادکوبه ژنرال لریس ملیکف وزیر داخله میشود پادشاه و ملکهٔ
یونان وارد پطرزبورغ میکردند رسیدند که با عمال طایفهٔ نهیلیست که در زیر عمارت مخصوص اعلیحضرت امپراطور
نقب کنده و آتش زده بودند و جمعی مقتول و مجروح شده جدا میشود نیز نقبی در راه آهن که محل عبور کالسکهٔ

اعلیحضرت امپراطور بوده منکشف میشود اعلیحضرت امپراطور پرنس دولغورکی را متعرض نمیباشند منازعه سخت فیما
بین اهالی پلیس و طلاب مدارس در مسکو (فرانسه) مجلس امناء و وکلاء قرار داده است که هر مطلب و مسئله که راجع و
متعلق بامور مفقودین باشد هیچ جه مسموع ندارند و معتنابه نشمارند مجلس وکلاء قانون جدیدی که از برای یهودیون ایجاد کرده
و جرائم را مار ورا منظم میکنند انتشار حکم رئیس جمهوری در اخراج نمودن سلسله ژزوئیت که یکی از شعب مذهب کاتولیکی
میباشد از مملکت فرانسه و شروع کردن با استعمال بخشیدن تقصیرات هشتاد و سه نفر از اهالی کمون را که محبوس بودند ملحق شدن
جزایر تائیتی بمملکت فرانسه نصب میسیو باردلمی سنت هیلر بوزارت خارجه (سود و نروژ) پارلمنت این مملکت خدمت نظامی را
برای تمام افراد و آحاد رعیت ایندولت تا سن چهل سالگی حتم و واجب میداند استعفاء وزرای این مملکت (نرنسکرلد) از
علماء راه وصول بحوالی قطب شمالی را از نقطه غربیه مفتوح میسازد (عثمانی) شدت و شیوع قحط و غلا در بلاد عثمانی
خصوص در ارمینیه که از هر جا استمداد و امداد میجویند بیشتر است دول معظم فرنکستان هر یک رسما مامورینی از جانب خود برای
تعیین حدود یونان و عثمانی مشخص کرده خواهند فرستاد شریف اعظم مکه را در جده بقتل میرسانند ایندولت مصمم است
دارد که بندر دولسینیو را به منتنگرو واگذار کند حسین حسنی پاشا بجای عثمان پاشای غازی وزیر جنگ میشود
مصلحتگذار منتنگرو مقیم اسلامبول بطور قهر از این شهر خارج میشود زلزله سخت در ازمیر از طرف اعلیحضرت سلطان
حکم مامورینی بوزیر جنگ صادر شد که معجلا بدولسینیو رفته و آن شهر را تسلیم منتنگرو نماید دول فرنک دولت عثمانی را تهدید
میکنند که اگر دولسینیو را معجلا بمنتنگرو واگذار نکند با سفاین جنگی با او منازعه خواهند کرد سفیر کبیر دولت المان که
اقدم بر سایر سفراء است از طرف تمام دول فرنک یادداشتی بباب عالی اظهار داشته و علاوه را که در کنگره برلن در فقره
یونان داده بود بخاطر دولت مشارالیها می آورد اهالی البانی با دولت عثمانی در منازعه هستند که چرا دولسینیو
بمنتنگرو واگذار مینماید تغییر وزراء صدارت سعید پاشا و وزارت خارجه عاصم پاشا سفاین جنگی دول فرنک برای تهدید عثمانی
در بندر راکوزه جمع میشود تسلیم نمودن دولت عثمانی دولسینیو را بوالی منتنگرو (افلاق و بغدان) مسافرت والی افلاق
و بغدان و وزراء ایشان باطریش بشهر اشپل و ملاقات با اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس اطریش پرنس شارل آنتوان
پسر لئوپولد هوهن زلرن که برادرزاده والی حالیه است بواسطه نداشتن اولاد از طرف عم خود بولایت عهد افلاق
و بغدان منصوب میشود (بلغارستان) افتتاح مجلس پارلمنت این ایالت (هلاند) تولد دختری از پادشاه مشار الیها (پرنس
(یونان) دولت یونان در صدد است که مراوده پلیتیکیه را با دولت عثمانی در باب تعیین حدود بهم بزند و روابط دوستانه را
قطع کند و این عزم را گوشزد هر دول معظم کرده است پادشاه سفری بفرنک مینماید امریکا (ینکی دنیای جنوبی)
سفاین جنگی شیلی بندر کالائو را بضرب توپ منهدم مینماید جنگ تاکنا فتح قشون شیلی و غلبه این قشون بر عساکر متفقه
پرو و بلیوی قشون شیلی شهر آریکا را فتح مینمایند و شورش در برزیل گفتگوی مصالحه مابین پرو و شیلی شیلی و پرو قبول
میانجیگری اتازونی را میکنند در حوالی لیما جنگ سختی مابین شیلی و پرو رو میدهد و قریب پنجاه هزار نفر در این جنگ
از طرفین مشغول مقاتله میباشند افتتاح مجلس پارلمنت دولت برزیل با خطبه مفصل امپراطور و ایجاد قانون و آزادی
انتخاب وکلاء دکتر تانر نام که شرط کرده و نذر بسته بود مدت چهل روز غذا نخورد در هفتم ماه او وعده او منقضی شده و چهلی که
نذر بسته بود برد استرالی افتتاح اکسپوسیسیون عمومی در شهر ملبورن استرالی

سنه هجری ١٢٩٨ سنه مسیحی ١٨٨١

آسیا (ایران) از میامن اقبال بیزوال اعلیحضرت همایون شهریاری خلد الله ملکه کلیه امور دولتی بنظم و انتظام

ومایتعلقه

کامل یار دنجابت ... خان وزیر فوائد بسمت حکمرانی ساوجبلاغ برقرار کرد با اسرائی که از آن نواحی و غیره نزد طغاة اکراد
بود کلیه مستخلص شدند باردوئی مامور بتنبیه عشیره منگور سردار عزیز الله خان سرتیپ محل خود اصابت کرده بقیه طغاة
منگور رسیده حمزه آقا خود را آماده جنگ نموده سنگر خود را استحکام داده با طایفه خود که برشادت معروفند در مقابل
عساکر منصوره خیلی ایستادگی مینماید متجاوز از شش ساعت جنگ طول میکشد و خونریزی زیاد میشود و جمعی نفر از
اشرار مقتول شده حمزه آقا دیگر مجال زیست ندیده بطرف حدود دولت عثمانی که بیش از دو فرسخ فاصله نیست گریخت حسینعلی بیک یاور
فوج پنجم و دسته جمعی او قلعه نعلین و عمارت جدید البنای حمزه آقا را که مامن و بنگاه فساد آن حدود بود با خاک یکسان کردند شب غره
محرم زائره کرمانیه مسماة به نبات خانم که زیاده از پانزده سال زمین گیر و افلیج بود در روضه مقدسه حضرت علی بن موسی
الرضا علیه آلاف التحیة والثناء بحسن توسل شفا یافت تعزیه داری دهه عاشورا در تکیه دولتی با کمال شکوه بعمل آمد جناب عضد
الملک خوانسالار و خازن مهر مهر آثار مبارک بکتوب جزوه ترمه از ملابس خاص در درجه اختصاص یافتند و محمد قلیخان
نایب النظاره باعطای یک قبضه قمه مرصع مفتخر آمد نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم شب عاشورا برحمت الهی پیوست و
ریاست مدرسه مبارکه دار الفنون دولتی مرحوم بعهده نواب جناب مخبر الدوله علیقلیخان وزیر کل تلگرافخانه های ممالک محروسه
واگذار فرمودند مجلس تالیف کتاب نامه دانشوران ناصری را بمراقبت مؤلف مفوض داشتند جناب میرزا فرمان امین لشکر
بموجب دستخط همایون مقرر شد همه روزه در مجلس وزرا حضور یافته معلومات و تجارب خود را در شعب امور دولت
اظهار دارد در جشن عید مولود اعلیحضرت همایون خلد الله ملکه را نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ
ادام الله اقباله العالی در کمال شکوه باعلی درجه خوبی گرفتند در موقع این عید سعید اشخاصی که بنشان و حمایل سر
افراز شدند از اینقرار است (رجبعلیخان سرتیپ فوج دویم نصرت نشان و حمایل از درجه دویم سرتیپی) (میرزا ذکیخان
سرتیپ اول دبیل و مشکین نشان و حمایل از درجه دویم سرتیپی) (کلنل شمیدل اطریشی رئیس ساموزیک اطریش نشان و حمایل
از درجه اول سرتیپی) (بارون نرمان مترجم دار الترجمه همایونی نشان و حمایل سرهنگی) (میرزا عباسعلیخان پیشخدمت قهوه باشی
نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ دامت شوکته نشان و حمایل سرهنگی) (میرزا علی دکتر طبیب حضور همایون
حکیم باشی نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی نشان و حمایل از درجه سیم
سرتیپی) هم در این اوقات دستخطی مبارک مبنی بر حسن ترتیب و تکمیل امور دولت از قرار شرح ذیل بشرف صدور پیوست

سواد دستخط همایون

چون اعظم و مهم امور دولت نظم مملکت و سرحد و آسودگی رعایا و رفع ظلم و ستم شریکی در میان آنها و انتظام مهام قشون و
قورخانه و مهمات عسکریه و سایر شعب ادارات است و ایجاد و انتظام این مهام در خارج و تشکیل قوانین و تدابیر لازمه
آنها منوط باجرای سریعه نافذه احکام مفیده و تشبثات صحیحه دولت است و آن اجرای احکام و استحکام مبانی افکار صائبه هم
منوط بوجود وزرا و نوکرهای صاحب تجربه دولتخواه عاقل کامل باغیرت است لهذا بموجب این دستخط که خودمان مینویسیم
اختیار و اقتدار کامله بهمه وزرای منتخبین حالیه دولت که در مجلس دربار اعظم حکم بجلوس فرموده ایم که از این تاریخ ببعد
در هر قسم از امور دولت از جزئی و کلی بیتاب و مجاز و نافذ در آنچه ممدد بود که قرارها بگذارند متضمن خیر و صلاح دولت و ملت
باشد بگذارند و آنچه را که آنها اصلاح دانسته و بعرض برسانند قبول فرموده و رد نخواهیم کرد و نفاذ امر و قدرت سلطنت
را به هیئت این مجلس اعطا میفرمائیم که انشاء الله تعالی آنچه منظورات و مقصودات دولت در ترقی امور ملک و ملت مقصود است
در اجرای احکام بعرصه ظهور و بروز آورده خاطر ما را از حسن خدمات و خیر اندیشیهای خودشان خرسند و مسرور نمایند

وحسن

وحسن ظن والتفاتهای نسبت بخودشان روز بروز زیاد تر کرده اعمال نیک خود را بر همه ظاهر نمایند بتحریر آید ۹۸
اداره معادن ممالک محروسه را بمیرزا علینقی حکیم الممالک واگذار فرمودند نواب اشرف والا ولیعهد ابد مهد دولت علیه ایران
حکمران آذربایجان ومضافات ادام الله اقباله العالی که در نظم امور عسکریه واردوهای آذربایجان مساعی جمیله مبذول
داشته بودند باعطای یک ثوب سرداری مفتول دوز شمسه مرصع تن پوش مبارک قرین اختصاص واعزاز فرمودند در شکارگاه
جاجرود پلنگی شکار شست مبارک کردید بمحمد تقیخان حاجب الدوله مرحوم شد محمد حسنخان فراشباشی ولد جناب علاء
الدوله بلقب جلیل حاجب الدوله ملقب کردید آقا محمد علی آبدارباشی ولد جناب امین السلطان بلقب امین حضرت مفتخر آمد
امیرزاده محمد حسن میرزا ولد مرحوم اعتضاد السلطنه بمنصب جلیل پیشخدمتی حضور مبارک برقرار شد عبدالله خان حکمران
کیلان بموجب استدعای نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی سرافراز آمد نصرة الله خان ق بلقب و[illegible]
سرتیپ حاکم کرکان رود بسرتیپی دویم مباهی کردید همه را بر وفق رای جهان آرای صواب نمای بندگان اعلیحضرت همایون صاحب
قرانی خلد الله سلطانه براین علاقه کرفته که احدی از اشخاص که در سلک هر طبقه از طبقات نوکر منسلک هستند در صورت
صحت بدن وسلامت مزاج بیکار نباشند وعاری از خدمت وشغل نکردند وسوای طبقه دعاگویان واهل شریعت وارباب علم که
محض توقیر شریعت بادعاگوئی دولت ابد آیت وظیفه مستمری مرحمت میشود دیگر هر کس زیاده از پنجاه تومان مواجب مرسوم
داشته باشد بشغل وخدمتی مناسب حالت مامور ومشغول ومتقلد شود ورسیدگی باین امور وباستثناء این اشخاص را هم بعهده
مراقبت جناب عضد الملک خوانسالار وخازن مهر مهر آثار وایلخانی ایل جلیل قاجار موکول فرمودند جناب نریمانخان
وزیر مختار دولت علیه مقیم وینه که موقتا بدربار معدلت مدار همایون احضار شده بود بدار الخلافه باهره وارد کردید نواب
اشرف والا ظل السلطان حکمران اصفهان ویزد وعراق وبروجرد وعربستان ولرستان وغیرها ادام الله اقباله العالی
که موقتا بحضور مبارک احضار شده بودند روز دهم ربیع الاول وارد دار الخلافه کردیدند جناب علاء الدوله وزیر دربار
اعظم وسر کشیکچی باشی را بالقب امیر نظامی واختیارات تامه با اجزای لازمه مرکب از نوکرهای کاردیده کافی مامور آذربایجان
فرمودند که مستقلا باین مملکت رفته مشغول انتظام امور کردد نواب عباس میرزا ملک آرا بحکومت قزوین ومضافات
منصوب کردیدند وامیرزاده محمد میرزا ولد نواب معظم له باعطای منصب سرتیپی سیم سرافراز شد نواب اللهقلی میرزای
ایلخانی بحکومت وایالت خمسه برقرار کردید چون میرزا رضا صدیق الدوله وزیر دار الخلافه همراهی امیر نظام مامور آذربایجان
شد خالصجات طهران که اعظم املاک دولتی است بمیرزا محمد باقر پسر صدیق الدوله سپرده شد که بنیابت صدیق الدوله
متصدی امر خالصجات مزبوره باشد ودادوستد مالیاتی وارباب وسایر مستغلات طهران وبلوکات متعلقه آن بر عهده محمد
ابراهیمخان که از مجربین وپیرمردان در بخانه نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ حکمران دار الخلافه وغیرها
ادام الله اقباله العالی میباشد موکول شد روز دهم ربیع الثانی تلکرامی از جناب معین الملک سفیر کبیر دولت علیه مقیم
اسلامبول رسید بدین مضمون که اعلیحضرت سلطان عبد الحمید خان اطمینان داده بودند که دیگر شیخ عبید الله واکراد
طاغی جسارتی نخواهند نمود واسباب امنیت حدود را دولت عثمانی باتفاق دولت ایران فراهم خواهند آورد نواب اشرف
والا شاهنشاهزاده معظم ولیعهد دولت علیه حکمران مملکت آذربایجان ومضافات که بدربار معدلت مدار همایون احضار
شده بودند بدار الخلافه باهره ورود فرمودند روز یکشنبه نوزدهم ماه ربیع الثانی بعد از گذشتن هشت ساعت وهفده
دقیقه وکسری از طلوع آفتاب آفتاب جهانتاب بنقطه اعتدال ربیعی رسیده از برج حوت بحمل تحویل کرد ومراسم جشن
عید وسال نو در پیشگاه حضور همایون معمول افتاد بقدر ده هزار نوکر سواره جدیدا از عراق وآذربایجان بامر همایون

جناب علاء الدوله امیر نظام گرفته و مرتب داشته باسم غلام منصور موسوم و در این ایام بتوسط میرزا احمد خان پیشخدمت خاصه و سرتیپ اول ولد جناب امیر نظام از سان حضور همایون گذشتند و مقرر گشت تا ده هزار نفر بهمین اسم و وضع و هیئت نوکر سواره گرفته شود عبد الحسینخان ولد مرحوم خانبابا خان سردار بنشان و حمایل سرتیپی اول نایل گردید بلقب سهام الدوله ملقب شد که چهار چشم و دو دهن و دو شاخ داشت و باقی اعضایش درست بود و پس از تولد بمرد بموجب تلگراف جناب عین الملک سفیر کبیر دولت علیه مقیم اسلامبول اعلیحضرت سلطان وعده صریح بتبعید شیخ عبید الله و پسر او را از سرحد کردستان و احضار باسلامبول فرمودند اردوی نظامی مرکب از پنج فوج و یکهزار سواره و دوازده عراده توپ که ده عراده از آن از توپهای جدید اختراعی است نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی بریاست شاهزاده ناصر الدوله سرتیپ اول تجهیز نموده علاوه بر اردوی سابق روانه آذربایجان داشتند حکومت و فرمانفرمائی مملکت فارس از ابتدای اینسال مزید بحکومت ایالات و ولایات اصفهان و یزد و عراق و بروجرد و عربستان و لرستان و خوانسار و گلپایگان بکف کفایت نواب اشرف والا شاهنشاهزاده ظل السلطان ادام الله اقباله العالی تفویض گردید و برحسب استدعای خود نواب اشرف معظم الیه نیابت ایالت بنواب والا جلال الدوله فرزند ارشد ایشان و کارگذاری امور آن مملکت بجناب میرزا فتحعلیخان صاحبدیوان مرجوع شد و نواب والا جلال الدوله بیکثوب سرداری ترمه شمسه مرصع از ملابس خاصه و جناب صاحبدیوان بیکثوب جبه ترمه و دو مفتول و دو شمسه مرصع از ملابس خاصه مخلع شدند میرزا محمد خان امین خلوت و تفنگدار باشی ولد مرحوم میرزا هاشمخان امین الدوله بخطاب جنابی مخاطب آمد جناب سپهسالار اعظم از طرف شخص همایون سلطنت برای تعزیت قتل امپراطور الکساندر دویم و تهنیت جلوس اعلیحضرت امپراطور الکساندر سیم بر تخت سلطنت روسیه بسفارت دربار آن دولت مأمور و با هدایای لایقه برای اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس روانه گردید و خود سپهسالار اعظم بیکثوب سرداری مفتول دوز شمسه مرصع ممتاز مخلع گردید و اجزای ملتزم سفارت (امیرزاده وجیه الله میرزا سرتیپ اول) (عزیز الله خان صارم الملک سرتیپ اول) (میرزا رضاخان مترجم سرتیپ دویم) (میرزا حسنخان سرتیپ دویم منشی اسرار) بودند وزارت علوم بجناب علیقلیخان مخبر الدوله مرحمت شد صنیع الدوله بخطاب نبیل جنابی مخاطب و سرافراز آمد میرزا محمد حسین ولد وزیر لشکر بمنصب استیفای دیوان اعلی برقرار گردید یحیی میرزا نایب الایاله در خدمات دیوانی گیلان و ریاست تجارت آنسامان مراقبت نموده بنشان و حمایل سرهنگی سرافراز شد و در همین سال نشان شیر و خورشید از درجه سیم با تمثال سرتیپی مرحمت فرمودند میرزا کاظمخان قللرباشی مرحوم جلال الدوله بر پیشکاری شاهرود و بسطام برقرار گردید نواب ابو الفتح میرزای مؤید الدوله حکمران کردستان بنشان و حمایل سرتیپی اول نایل آمد و در همین سال چون در فتنه شیخ عبید الله ولایت کردستان را خوب نگاهداری نموده بود بلقب مؤید الدوله ملقب گردید میرزا هدایت الله مستوفی ولد مرحوم میرزا محمد تقی لسان الملک بعد از فوت پدر بلقب لسان الملکی نایل شد محمد حسنخان پیشخدمت حضور بحکومت ولایت کاشان مأمور و بخلعت همایونی مخلع گردید عمل تذکره وارد و صادر ممالک محروسه که از قدیم مقرر و معمول بود بتوسط وزارت جلیله خارجه مستحکم و منضبط شد نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی با تشریفات خاصه از حضور همایون مرخص شده باصفهان که مقر حکومت و فرمانفرمائی ایشانست معاودت فرمودند قرار اشرار طایفه احمدوند چلبی از حدود خاک کرمانشاهان بحدود خاک عثمانی و عراق عرب بواسطه حرکت اردوی نظامی حاجی شهاب الملک حکمران کرمانشاهان بطرف سرحد یکقبضه عصای مرصع از درجه اول محض مزید تکریم و اعزاز جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاجی ملا علی سلمه الله تعالی از طرف همایون ملوکانه اهدا شد جناب میرزا کاظمخان نظام الملک بعد از

فو

نوشته میرزا موسی وزیر لشکر بر حسب انتخاب نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ دام الله اقباله العالی بوزارت
لشکر که از مشاغل موروثی اجدادی جناب معزی الیه بود سرافراز و بمکتوب جبه ترمه شمسه مرصع مخلع گردید نامه مودت ختامه
اعلیحضرت امپراطور اعظم کل ممالک روسیه الکساندر سیم مبنی بر اعلام حادثه حزن انگیز اعلیحضرت امپراطور مرحوم و جلوس خود شان
بتخت امپراطوری با اعلیحضرت همایون شاهنشاه کل ممالک محروسه بتوسط جناب مسیو زینویوف وزیر مختار دولت روس مقیم دربار دولت علیه
بحضور همایون موصول گشت مهدیقلیخان امیرآخور بیک قبضه شمشیر مرصع از درجه سیم مفتخر گردید بیک قطعه انفیه دان مکلل
بالماس که دوی آن مزین بتمثال همایون بود در حق کننده و مث فورث رئیس اداره پلیس دار الخلافه اعطا شد فضل الله خان شاطر
باشی بلقب بشیر الملک ملقب و سرافراز گشت روز بیست و چهارم جمادی الاخری در دربار اعظم که نواب اشرف والا ولیعهد جاوید
مهد دولت علیه و نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ دام الله اقبالهما العالی و جمیع وزراء و وکلای عظام
دولت احضار و حاضر شده بودند دستخط همایون اعلیحضرت اقدس شهریاری دام سلطانه در ترتیب جدید و انتظام ادارات
دولت قرائت و گوشزد اولیای دولت شد جناب کینازتر و بسکوی که از طرف دولت بهیه روس سفیر برای انهای امر
سلطنت بالوراثه اعلیحضرت امپراطور الکساندر سیم بسمت سفارت با نامه مودت علامه مامور دربار دولت علیه بود روز
بیست و سیم جمادی الاخری بکمال احترام و تشریفات معموله دولتی وارد و شرفیاب حضور همایون شد و هنگام معاودت
درباره جناب معزی الیه و همراهان او از طرف دولت علیه نشان و حمایل شد (بجناب کیناز تر و بسکوی یک قطعه نشان تمثال
همایون مکلل بالماس) و بسایر همراهان علی قدر مراتبهم از نشان درجه دویم شیر و خورشید تا درجه پنجم و بعضی که رتبه
نازلتر بودند مدال طلا و نقره بذل و مرحمت گردید جناب سلیمان پاشا مامور مخصوص دولت علیه عثمانی هم که از طرف
اعلیحضرت سلطان با نامه مودت ختامه برای اظهار مراسم دوستی و انهای بعضی مقاصد دولتی باتفاق نواب حاجی حسام
السلطنه روانه دربار دولت علیه ایران بود روز بیست و چهارم همین ماه با تشریفات شایسته دولتی وارد و بحضور همایون
ملوکانه نایل و شش روز بعد از شرفیابی حضور معزی الیه را خلعت معاودت حاصل شد و خود جناب معزی الیه بنشان شیر و خورشید از درجه اول
خارجه با حمایل مخصوص آن و همراهان معزی الیه نیز بنشانهای امتیاز از طرف دولت علیه اختصاص یافتند ساعد الدوله
سرتیپ اول بحکومت استرآباد مامور و سرداری ترمه خلعت ملوکانه مخلع و مباهی گردید میرزا اسدالله خان شارژ دافر
دولت علیه مقیم پطرزبورغ بوزیر مختاری و اقامت همان دربار اختصاص یافت امیرزاده سلطان محمد میرزا ولد نواب
عضد الدوله بنشان و حمایل سرتیپی دویم و منصب نیز الاجودانی خاصه حضور مبارک نایل گردید میرزا محمد تقی لشکر
نویس پسر مرحوم میرزا مصطفی وکیل لشکر بلقب وکیل لشکری و تقلد مشاغل پدر و خلعت همایون امتیاز یافت جناب
سپهسالار اعظم بعد از مراجعت از سفارت روس بفرمانفرمائی مملکت خراسان و سیستان بعلاوه امر تولیت آستانه مقدسه
حضرت رضا علیه السلام منصوب و بیک قبضه شمشیر مرصع از درجه اول مباهی و روانه خراسان شدند نواب عضد الدوله
و جناب حاجی خازن الملک و امیرزاده و جبه الله میرزا سیف الملک و صارم الملک عزیز الله خان سرتیپ شاهسون و محمد صادق خان
امین نظام و حاجی میرزا علینقی مستوفی لشکر و میرزا نصرالله خان نایب الوزاره هم در معیت جناب سپهسالار اعظم مامور و روانه مملکت گشتند
و یک قبضه سر عصای مرصع بجناب حاجی خازن الملک نیز اعطا شد معاودت نواب والا حاجی معتمد الدوله از فارس که
نیز بسمت استقلال بفرمانفرمائی آنمملکت منصوب بودند منع اعطای القاب و مناصب و نشان و حمایل و امتیازات نظامی
مگر بتحقیق لیاقت کامل و تصدیق شخص نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ و جناب وزیر لشکر و بسبب نفرت
از امرای عسکریه فوت آقا میر محمد حسین در اصفهان که از اجله علما و آقایان محترم سلسله امام جمعه خود نیز چندی بمنصب

بذل امتیازات .

عت
نقل بوجور که فاسد و امیر اشرف والا
ظل السلطان حکمرانی اصفهان و فارس
و یزد و عراق لرستان وغیرها ... (بعضی)
عزیز ما حکومت ایالت بانتها ...
سرحدات عراقین نیز بنواب اشرف
معظم الیه تفویض شد بعض ... و ...
و احترام جناب حجة الاسلام آقا
سید صادق تعالی بحجلشانه انگشتری
الماس برلیان بالطرف ملوکانه برای
ایشان اهدا شد منع اعطاء القاب
بولایت در حق عموم چاکران مگر ... بنوعی
و تصدیق جناب اجل آقا و جمیع ... نداشته
در باب

بکلی پسر زاده مرحوم نواب عضد الدوله

امام

امام جمعگی منصوب بودند جناب آقا سید آقای پیشنماز رومیه بتوسط جناب امیر نظام علاء الدوله بشیخ الاسلامی ارومیه
منصوب شدند مدرسهٔ موسومه بمدرسهٔ همایونی که در اصفهان بامر نواب اشرف والا ظل السلطان بامضاء رکن الملک بنا
شده در اینسال باتمام رسید و دایر گردید اتمام عمارت اندرونی سلطنتی شهرستانک و اعطای یکثوب سرداری ترمه
کشمیری از ملابس خاصه بجناب معتمد الملک وزیر مخصوص وزیر بنائی و برقراری یکصد تومان مواجب اضافه درحق حاجی
ابوالحسن رئیس معماران قتل حمزه آقای ملباس منکور و سواد آقا و خضر آقا و علی آقا که از معتبرین اقوام حمزه آقا و همه سرحلقه
اشرار اکراد و خائن دولت بودند در ساوجبلاغ بحسن تدبیر و اهتمام جناب حسنعلیخان وزیر فواید میرزا اسمعیل ولد
جناب امین السلطان که از جانب جناب معزی الیه باستخراج خزانهٔ عامره داده بمنصب پیشخدمتی حضور مبارک و یکثوب سرداری
خلعت همایون سرافراز شد نواب عبدالله میرزا که از جانب نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی بحکومت
کرمانشاهان منصوب است بعد بتوسط شاهنشاهزاده معظم له بلقب جلیل حشمت الدوله ملقب و سرافراز داشتند نواب
انوشیروان میرزا بیگلربیگی شهر تبریز ملقب بلقب ضیاء الدوله شد فوج مخبران و فوج پنجم شقاقی علاوه بر فوج بهادران و
فوج ششم اقبال لشکر و لشکر مخصوص سپرده بمحمد باقرخان شجاع السلطنه سرتیپ اول و خلعت همایونی نیز درحق معزی الیه
اعطا گردید تا سبب مزید تاکید ملوکانه در اخذ و استیفاء و اداء حقوق و مواجب اهل نظام و قشون ظفرنمون بموجب دستخط
مبارک خطاب بنواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ دام الله اقباله العالی شرف صدور یافته استحکام و استقرار
وزارت وظایف و اوقاف بجناب امین الملک بموجب دستخط همایون فوت مصطفی قلیخان قراگوزلو ملقب باعتماد السلطنه
امیر تومان که مصدر خدمات عمده شده و در بادی عمر بحکومت [illegible] منصوب بود بمرض حصبه افتتاح روشنی چراغ گاز در
شهر دار الخلافه طهران که مدتی بود بعملیات آن مشغول بودند با جشن دولتی جناب صنیع الدوله بیکثوب سرداری ترمه
کشمیری از ملابس خاصه مخلع گردید نصرالله خان نصر الملک سرتیپ اول باعطای نشان و حمایل امیر تومانی سرافراز آمد حسام
الملک بنشان و حمایل امیرتومانی مفتخر گردید میرزا احمدخان پیشخدمت مخصوص ولد جناب امیر نظام علاء الدوله چون در
گرفتن و نگاهداری سواره غلامان منصوبه‌های حسن خدمتی بجای آورده بود در موقع سان دادن غلامان مزبور بنشان
و حمایل سرتیپی اول نایل گردید ترتیب تقسیم ایام هفته برای رسیدگی ذات همایون ملوکانه بمشاغل و مهام ادارات دولتی یکقبضه
شمشیر مرصع مکلل بجواهر گرانبها از شمشیرهای خاصه سلطنتی بجهت نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران اصفهان و
فارس و یزد و عراق و بروجرد و عربستان و لرستان و کرمانشاهان و کردستان و غیرها ادام الله اقباله العالی اعطا و ارسال
اصفهان شده یکثوب سرداری ترمه نظامی که علامت نشان مرصع در سردوشهای آن داشت و از خلاع خاصه ملوکانه بود
بافتخار جناب امیر نظام علاء الدوله مرحمت و بصاحب آذربایجان فرمودند حاجی میرزا حسینخان مشیر الدوله سپهسالار
اعظم والی مملکت خراسان روز بیست یکم ماه ذیحجه در مشهد مقدس در سن پنجاه و هفت سالگی دعوت حق را اجابت گفت
(افغانستان) جنگ سختی مابین امیر عبدالرحمن خان و سردار ایوبخان در حوالی قندهار در میگیرد سردار ایوبخان غلبه
بر قشون عبدالرحمن خان کرده سی عراده توپ از امیر عبدالرحمن خان گرفته شهر قندهار را متصرف میشود عساکر سردار
ایوبخان از او روگردان شده بطرف عبدالرحمن خان میروند عبدالرحمن خان بطرف قندهار حرکت کرده سردار
ایوبخان از قندهار بجلو او بیرون می آید در بیست و هشتم شوال سردار ایوبخان از امیر عبدالرحمن خان شکست
سختی خورده بطرف هرات میرود و توپهای او تمام بدست امیر عبدالرحمن خان می افتد (اروپا) (اطریش)
مسافرت نواب ولیعهد اطریش بمشرق زمین مراجعت نواب معزی الیه بوینه از سفر مشرق زمین آمدن والی

ملقبا بصارم

بلغارستان بوینه فوت ژنرال بنیدک عهد تجارتی با سربستان پادشاه وملکه بلژیک با پرنسس استفانی صبیه خود
که نامزد نواب ولیعهد اطریش است وارد وینه میشوند در دهم ماه مه عروسی زفاف نواب ولیعهد وشاهزاده خانم بلژیک
اتفاق می افتد پادشاه جزایر ساندویچ بوینه میرود فوت بارن هیمرلی وزیر امور خارجه بطور فجأه اعلیحضرت پادشاه
ایطالیا وملکه بجهة ملاقات اعلیحضرت امپراطور اطریش بوینه می آیند کنت کالنکی بوزارت امور خارجه منصوب میشود
(اسپانیا) افتتاح مجلس شوری ملاقات سلاطین اسپانیول وپرتوغال (افلاق بغدان) اهالی اینمملکت والی خود را پادشاه
ومملکت خود را دولت وسلطنت اعلان داشتند در بیست ودویم ماه مه پادشاه وزوجه اش تاج سلطنت افلاق وبغدان را
بسر میگذارند (المان) تزویج نواب ولیعهد المان بایکی از شاهزاده خانمهای اسلشویک هلستن اعلیحضرت امپراطور المان
واعلیحضرت امپراطور اطریش در شهر گستین ملاقات مینمایند ملاقات اعلیحضرت امپراطور المان واعلیحضرت امپراطور روس
در دانزیک (انگلیس) شکست عساکر انگلیس درباستس از طایفه بور که در جنوب افریقا سکنی دارند فرستادن کمک
از انگلیس بجهة منقاد نمودن بورها وکلای ایرلندی از مجلس پارلمنت اخراج میشوند ایضا شکست عساکر انگلیس در حوالی دماس
امید از طایفه بور وقتل ژنرال کولی سردار انگلیس بدست طایفه بور مأموریت ژنرال روبرت از انگلیس برای امداد قشون
زیاد بجهة تدمیر طایفه بور انعقاد مصالحه مابین انگلیس وطایفه بور ودر این عهدنامه انگلیس آزادی تام وتمام جمهوری
ترانسوال را میشناسد لرد بیکنسفیلد صدر اعظم سابق انگلیس در پانزدهم آوریل وفات میکند عساکر انگلیس قندهار را
تخلیه میکنند سی هزار نفر از عساکر انگلیس بجهة دفع اغتشاش وتامین ایرلند بآنجا میروند کالاکوا پادشاه جزایر
ساندویچ وارد ایرلند میشود شورش وانقلاب سخت در ایرلند (ایطالیا) اعلیحضرت پادشاه ایطالیا وملکه بجزایر
سیسیل سفر مینمایند در سیسیل از طرف بیک تونس جمعی از اعیان تونس بجهة تبریک ورود اعلیحضرت پادشاه ایطالیا
می آیند زلزله شدید در شهر ناپل وخرابی وخسارت زیاد در مجلس پارلمنت گفتگوهای بسیار سخت برضد دولت مینمایند
که چرا در مسئله تونس دولت ایطالیا سکوت کرده اقدام بجنگی برضد فرانسه نمیکند (دانمارک) فوت ملکه مادر
اعلیحضرت پادشاه فوت پرنس کالین زوجه ولیعهد سابق (روس) انکشاف نقبی در راه آهن بجهة قتل اعلیحضرت امپراطور
روس انعقاد مصالحه مابین روس وچین فتح کوک تپه بدست ژنرال اسکیلف در بیست وچهارم ژانویه کشته شدن
اعلیحضرت امپراطور روس الکساندر دویم بدست نیهلیستها در پطرزبورغ در سیزدهم مارس جلوس اعلیحضرت
الکساندر سیم ولیعهد بامپراطوری تمام مملکت روس تحقیق در اعمال قاتلین امپراطور مرحوم روساکف وچهار نفر از
همدستان او که قتل امپراطور مرحوم را سبب بودند بدار آویخته شدند در شهر کیو طایفه یهود را بقتل میرسانند فوت
پرنس د الدنبورک استعفای ژنرال ملوتین از وزارت جنگ بانفس بسیار سخت در مسکو نواب گراندوک قسطنطین
اندریاست شورای دولتی واز وزارت بحریه معزول میشود اعلیحضرتین امپراطور وامپراطریس بسمت مسکاوه سفر میکنند
پادشاه وملکه دانمارک بجهة ملاقات صبیه خود که امپراطریس روس است به پطرزبورغ می آیند اعلیحضرت امپراطور قصر
گچینای را برای سکنای خودشان انتخاب میکنند جمعی که قصد قتل اعلیحضرت امپراطور را داشتند وبواسطه دینامیت
میخواستند عمارت سلطنتی را خراب کنند گرفتار شدند وعجب اینست که بعد از استنطاق از مقصرین معلوم شد که رئیس
پلیس پطرزبورغ با مقصرین همدست وشریک بوده است (سویس) کوه سن گتارد که سالها مشغول سوراخ کردن آن
بودند سوراخ شده وراه آهن از این سوراخ عبور میکند (عثمانی) دولت عثمانی قبول حکمیت دول فرنگ را در مسئله خود
یونان نمینماید عثمان پاشای غازی بوزارت جنگ برقرار میشود بروز طاعون یا مرض شبیه بطاعون در عراق عرب باع

سفرای کبار در اسلامبول برای رفع منازعه مابین عثمانی و یونان جزیره شیو (کیو) (سقز) بواسطه زلزله زیر و زبر شد تماما
دول مابین دولت عثمانی و یونان میانجی شده تعیین حدود طرفین را میکنند و دولت عثمانی را در اینمسئله مجبور مینمایند
درویش پاشا سردار عثمانی با باغیهای البانی تصادف کرده چهار هزار نفر از آنها را مقتول مینماید استنطاق مدحت
پاشا و سایر اعاظم که متهم بقتل مرحوم سلطان عبد العزیز خان بودند و مدحت پاشا و هشت نفر از همدستهای او را
حکم بقتل و دو نفر را بحبس مؤبد دادند تمام سفرائیکه در عثمانی هستند شکایت خود شانرا بباب عالی در باب حکم
قتل مدحت پاشا اظهار میکنند و بتوسط سفرا اعلیحضرت سلطان از قتل او و سایرین گذشته حکم بحبس ابدی او مینمایند
اصطبل سلطانی تماما آتش میگیرد شورش طوایف اعراب در حجاز زلزله سخت در سامانی که بسیاری از مردم تلف شدند
بروز وبا در مکه معظمه و جده (فرانسه) فوت زوجه مسیو طیر فوت بلانکی جمهوری طلب مشهور فوت درون و لویس
طایفه کرومیر از طوایف اعراب تونس در سرحد الجزایر با قشون فرانسه در جنگ اند دولت فرانسه هیئة قشونی بدین
عساکر زیادی بسرحدات تونس مامور میکند و از آنطرف والی تونس را دولت فرانسه متهم مینماید که با طایفه کرومیر
همدست است عساکر فرانسه جزیره تاباکا را از تونس متصرف میشود دولت عثمانی حق سلطنت خود را در تونس اظهار
میکند و یادداشتی در این باب بدولتهای خارجه فرانسه میفرستد و در جنگ فرانسه سه کرور تومان دیگر از برای امداد
قشون کشی در تونس مطالبه زلزله در شهر ایون فوت رچیلد صراف معروف فتح قیروان از شهرهای تونس
بدست عساکر فرانسه هانری بریسن بریاست مجلس وکلای پارلمنت برقرار میشود وزرای فرانسه معزول و مسیو گامبتا
بصدارت منصوب و مامور تشکیل وزارتخانه‌ها است (یونان) منازعه مابین یونان و عثمانی قریب بظهور است سفرای
دولتخارجه که در یونان هستند اینده‌فعه را مانع از جنگ با عثمانی میباشند عساکر یونان بقصد تصرف نقاطی که
از دولت عثمانی بآنها واگذار شده بسرحد میروند و تمام نقاطی که عثمانی میبایستی موافق عهدنامه برلن بیونان واگذارد
تفویض نمود بروز مطبقه و بائی در اینمملکت با نهایت شدت **افریقا** (تونس) عساکر فرانسه شهر صفاقس را
گلوله باران میکنند جنگ سخت در حمامه مابین دوازده هزار عرب و قشون فرانسه و فتوحات قشون فرانسه در
تونس (مارک) بروز طاعون در این مملکت (مصر) بروز اغتشاش در اینمملکت و شورش قشون مصر بر ضد
خدیو و محاصره نمودن آنها قصر خدیو را **امریکا** طغیان رودخانه‌ها در این اقلیم که موجب خرابی ابنیه و هلاک خدیو در صدد تشکیل مجلس وکلا است
بسیاری از نفوس میگردد (اتازونی) انعقاد عهد تجارتی و دوستی فیما بین اتازونی و چین در دویم ماه ژویه
گیتو نام طپانچه بطرف مسیو گارفیلد رئیس جمهوری اتازونی خالی میکند و زخم مهلکی باو وارد آمده اطبا از معالجه
مایوس میشوند و پس از چندی وفات مینماید آرتور بریاست جمهوری برقرار میگردد در ششم اکتبر جشن بزرگی در
اتازونی در موقع سال صدم آزادی حتی اینمملکت از تبعیت و تصرف انگلیس میگیرند با نفتین بسیار سخت در شهر نویرک
(پرو) رئیس جمهوری اینمملکت و وزیر امور خارجه او را عساکر شیلی محبوس کرده بمملکت خود میفرستند (مکسیک)
طوفان سختی که در اینمملکت شده باعث خرابی چندین هزار خانه و هلاکت چندین هزار نفس میشود

سنه ۱۲۹۹ هجری الی دهم جمادی الاولی سنه ۱۳۰۰ هجری — سنه ۱۸۸۲ مسیحی الی بیست و یکم مارس سنه ۱۸۸۳ مسیحی

آسیا (ایران) امور دولت در اینسال میمون بیمن اقبال همایون شهریاری نظم و ترتیب و شکوه و شوکتی تمام دارد
نواب والا شاهزاده رکن الدوله که مشغول بولایت مملکت خراسان و سیستان بودند بعد از فوت مرحوم سپهسالار اعظم
دوباره بحکومت خراسان و سیستان علاوه اختیار امر تولیت منصوب و بخلعت تن پوش مبارک مخلع شدند مهدیقلی خان

امیر

امرا خود را با عطای یکثوب سرداری ترمه از ملابس خاصه سلطنتی مفتخر فرمودند عبدالله خان قوللر آقاسی باشی ولد جناب امیر
نظام علاء الدوله را بمنصب کشیکچی باشی گری و خلعت مهر طلعت مباهی داشتند مأموریت حاجی میرزا عبدالغفار نجم الملک معلم
کل علوم ریاضی و دیگر مهندسین برای برآورد مخارج بستن سد اهواز با مرحمت دولتی عطای یکقبضه شمشیر مرصع بسیار ممتاز از
شمشیرهای خاصه سلطنتی درباره نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ دام الله اقباله العالی محض کمال انتظام
وزارت جنگ دکتر طولوزان حکیمباشی حضور همایون بخطاب جنابی مخاطب و سرافراز شد نشان مجیدیه از طرف دولت علیه
عثمانی برای اشخاص مفصله ذیل اعطا و ارسال گردید (کنت دو منت فرت رئیس پلیس دارالخلافه نشان درجه سیم مجیدیه)
(عباسقلیخان سرتیپ مترجم درجه چهارم) (میرزا علیمحمد خان سرهنگ منشی و ناظم دارالطباعه دولتی و عبدالحسینخان
سرهنگ منشی اداره پلیس نشان درجه پنجم مجیدیه) اعطای یکحلقه انگشتری الماس بریلیان بسیار ممتاز در موقع عید تأسیس و تعویض یک توپخانه
مولود همایونی و عرض قشون در حق نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ دام الله اقباله العالی محمد ابراهیم خان وزیر علیحده عظمی موجب دستخط
دارالخلافه بخطاب جنابی مخاطب و مباهی گردید میرزا کاظم ملک الاطباء حکیمباشی حضور همایون با عطای یکقطعه نشان تمثال اکید همایونی
همایون مکلل بالماس مفتخر شد وزارت گمرک باقتضای حسن اداره جناب امین السلطان با وجود ایشان استقرار و اختصاص یافت
امین حضور بمحصلی محاسبات و نظم و ترتیب امور دفترخانه استیفا که مسبوق بآن بود منصوب گردید بیکثوب سرداری ترمه
تن پوش مخلع گردید جناب صنیع الدوله بر حسب اراده علیه و دستخط همایونی جزو وزراء و اعضاء مجلس شورای کبرای دولتی
شد باغ و عمارت دوشان تپه و باغ وحش آنجا مستقلاً با میرزاده سلطانحسین میرزا پیشخدمت حضور واگذار و بیکثوب
سرداری ترمه درباره معزی الیه مرحمت گردید شاهزاده سام میرزا شمس الشعراء بیکثوب جبه ترمه خلعت همایون مخلع شد
میرزا عباسخان سرتیپ مهندس مخصوص حضور همایون بیکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه دویم خارجه امتیاز یافت
میرزا رضا قلیخان ایروانی گماشته نواب اشرف والا ظل السلطان بلقب سراج الملکی و منصب استیفا از درجه سیم سرافراز
شد میرزا علیرضای مستوفی بیکثوب جبه ترمه حاشیه دار مخلع گردید میرزا حسینخان ولد مرحوم میرزا مصطفی وکیل لشکر
بمنصب لشکر نویسی نایل آمد حاجی میرزا حسین میر بیکثوب جبه ترمه ایرانی سربلند شد میرزا محمد حسین دبیر ملقب بفروغی
منشی روزنامه در صله مدیحه مولود همایون بیکطاقه شال ترمه مخلع گردید بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری
خلدالله ملکه یکهزار تومان از وجوه مرحمت جیب مبارک برسم اعانت برای بازماندگان و ایتام محترقین تماشاخانه وینه موسوم
برینک اعطا فرمودند میرزاده وجیه الله میرزا سیف الملک مقرر گردید هزار نفر سوار جدید از نجباء زادها و خانه زادها
معتبر گرفته با سلاح و لباس ممتاز از سان حضور مبارک گذرانده و ابواب جمع خود معزی الیه موسوم بسواران نامی باشند حاجی
مصطفی قلیخان میرشکار بیکثوب کلیجه بطانه سنجاب مخلع گردید جناب میرزا حسن ثانی فرزند جناب اجل آقا وزیر اعظم داخله
و مالیه بمنصب جلیل و شغل نبیل مستوفی الممالکی که منصب و شغل موروثی ایشان بود با جمیع مواجب و رسوم این منصب
نایل و بیکثوب جبه ترمه دوره مفتول دوز شمسه مرصع مخلع گردیدند نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران ممالک و ولایات
فارس و اصفهان و یزد و عراق و بروجرد و لرستان و عربستان و کرمانشاهان و کردستان و غیرها دام الله اقباله العالی
برسم همه ساله برای شرفیابی حضور همایون از مقر حکومت موقتاً احضار بدربار همایون و هشتم ربیع الاول وارد دارالخلافه
و فوراً شرفیاب حضور همایون شدند اعلان دولتی در باب صحت عیار مسکوکات جدیده و ترقی ضرابخانه دولتی که الحال پنج
دستگاه چرخ سکه در آن است و روزی یکصد هزار عدد پول طلا و نقره بسهولت میتوانند سکه نمایند و حکم صریح بجمیع ولایات
ممالک محروسه که جمیع سکه های قدیم را از اشرفی و قران بضرابخانه دولتی فرستاده بلافاصله عوض پول جدید الضرب بگیرند

وهم کس

و هر کس از تاریخ ماه ربیع الاول اینسال الی غایت شش ماه دیگر پول کهنه از طلا و نقره داشته باشد مبدل به پول جدید الضرب نکرده
باشد خزانه عامره دیگر آنرا در عوض پول رواج قبول نخواهد کرد و بقیمت جنس گرفته خواهد شد مدالهای دولتی از طلا و نقره
و مس که بجهت دادن امتیازات دولتی مرسوم تمام در ضرابخانه مبارکه ضرب و اخراج میشود بندگان اعلیحضرت اقدس همایون صاحبقرانی
خلد الله ملکه بجهة تشویق اهالی مدرسه دار الفنون تشریف فرمای مدرسه شده جناب مخبر الدوله وزیر علوم بعضی کتب
و نقشجاتیکه در این اوقات در مدرسه تألیف و ترجمه و بعضی از آنها هم منطبع شده بود از لحاظ نظر همایون گذرانیدند و در
مسیو بالوا وزیر مختار دولت فخیمه جمهوری فرانسه مأمور باقامت دربار دولت علیه بدار الخلافه باهره با تشریفات لازمه دولتی و
شرفیاب شدند بحضور مبارک میرزا محمد صدیق الملک رئیس دفتر وزارت جلیله خارجه بیکثوب جبه ترمه حاشیه دار مخلع گردید میرزا
سلطان ابراهیم میرزا ولد مرحوم عماد الدوله بمنصب آجودانی حضور مبارک سرافراز آمد از طرف دولت جمهوری فرانسه بجهة
اشخاص مفصله ذیل نشانهای علی حسب درجاتهم داده شد (صدیق الملک میرزا محمد رئیس دفتر وزارت خارجه نشان کوماندور درجه
سیم لژیون دونور) (میرزا مصطفی خان نایب الوزاره اوفیسیه در درجه چهارم) (میرزا عبد الله خان سرتیپ مستشار الوزاره
اوفیسیه در درجه چهارم) (میرزا مهدیخان حامل پیغامات وزارت خارجه بسفارتخانه‌ها اوفیسیه در درجه پنجم) (میرزا نصر الله خان
منشی و میرزا شکر الله نامه نگار اوفیسیه در درجه پنجم) فوت آقا محمد ابراهیم نواب بدایع نگار دولت علیه در نهم ماه ربیع الاول بمرض سکته
نواب اشرف والا ظل السلطان فرمانفرما و حکمران اصفهان و فارس و یزد و عراق و بروجرد و لرستان و عربستان و کرمانشاهان و کردستان
و غیرها ادام الله اقباله العالی لباس زمستانی و تابستانی از برای سرباز تحت ریاست خود شان تعبیه فرموده‌اند از قماش و منسوجات
خود ایران در کمال نفاست و خوبی و دوام و مرغوبی که از نظر مبارک گذشته و مطبوع افتاده مقرر فرمودند که از برای کلیه قشون
ظفر نمون دولت علیه از همین جنس و نوع لباس ترتیب داده شود حکومت ایالت کردستان ایران و کلیه افواج و قشون ولایات
محکومه نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی را با تمام مهمات عسکریه و لوازم حربیه آن باداره خود و ریاست نواب اشرف معظم له
واگذار و ضمیمه حکومت سایر ولایات ممالک محکومه ایشان فرمودند نظر بکمال توجه بندگان اعلیحضرت اقدس همایون صاحبقرانی ادام
ملکه باداره قشون و انتظام این وزارت معظمه دستخط مبارک برای مزید اقتدار و اختیار نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه
وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی در خصوص جمیع شعبات این وزارت جلیله باداره شخص خود نواب معظم له صادر و مرحمت فرمودند
نواب امیرزاده موید الدوله ولد نواب حاجی حسام السلطنه از ولایت کردستان بحکومت ولایت خمسه منصوب و روانه شد محمد حسنخان
پیشخدمت حاکم کاشان بیکثوب سرداری ترمه ایرانی خلعت همایونی که ارسال کاشان فرمودند مفتخر گردید نواب اشرف والا
ظل السلطان ادام الله اقباله العالی جناب ناصر الملک محمود خان را که از وزرا و چاکران بزرگ دولت است برای حکومت ایالتین کرمانشاهان
و کردستان انتخاب و پس از تحصیل اجازت از خاکپای همایون بصوب ایالتین مزبورتین روانه فرمودند فوج مسعود طهران بر حسب استدعای
نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی کما فی السابق با میرزاده سیف الملک وجیه الله میرزا
سرتیپ ابواجمع شد محمد حسنخان پیشخدمت خاصه و امیر آخور اصطبل توپخانه مبارکه بیکثوب سرداری ترمه ایرانی مخلع گردید
شب سه شنبه غره جمادی الاولی بعد از گذشتن دو ساعت و چهار دقیقه و کسری از غروب آفتاب آفتاب بنقطه اعتدال ربیعی
رسیده از برج حوت بحمل تحویل کرد سلام تحویل در عمارت جدید البنای رفیع البنیان موزه شرف تشکیل یافته مراسم سلام
و جشن عید نوروز بنحو کامل بعمل آمد نواب اشرف والا ولیعهد ابد مهد دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی حکمران
و صاحب اختیار مملکت آذربایجان که سال قبل بجهة اصغای بعضی فرمایشات شفاهی ملوکانه در باب اعمال و مهام حکمرانی
آذربایجان احضار بدربار همایون شده بودند در این اوقات القای آن مفاصل و فرمایشات بانجام رسیده معززاً و مکرماً

از حضور همایون رخصت انصراف حاصل و رجعت بمقر حکومت آذربایجان فرمودند و هنگام روانگی از دار الخلافه محض تکمیل
ظهورات الطاف خفیه ملوکانه و مزید توقیر و اعزاز جانب شاهنشاهزاده اعظم یکقبضه شمشیر مرصع مکلل بالماس و بلیان از
شمشیرهای اکرابنها و یکثوب سرداری مفتول دوز شمسه مرصع از ملابس خاصه ملوکانه در باره نواب اشرف معظم له مرحمت فرمودند
و نواب والا محمد علیمیرزا ولد نواب اشرف معظم له را بلقب نبیل اعتضاد السلطنه ملقب و بیکقطعه نشان تمثال همایون مباهی داشتند
و محض تکمیل و تتمیم مراحم ملوکانه در باره نواب اشرف والا شاهنشاهزاده معظم له که دو فرسخی طهران نقل مکان کرده بودند
ذات همایونی بقدوم مبارک منزل ایشانرا مشرف فرمودند جناب امیر نظام علاء الدوله مقرر است که کماکان در آذربایجان بنظم و
فتق مهام و اشتغال بمشاغل خود مشغول باشند علیخان ایشیک آقاسی باشی با عطای نشان تمثال مهر مثال همایون مکلل بالماس
اختصاص یافت نواب والا اجلال الدوله ولد نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی مشمول مرحمت خاص فرموده
بیکقطعه نشان تمثال بیمثال اقدس مکلل بالماس سرافراز فرمودند میرزا علی قایم مقام و حاجی میرزا عباسقلی داحب اللیاقه در سلک اجزای
مجلس محترم دار الشورای دولتی منسلک گشتند جناب میرزا محمد خان امین خلوت با عطای نشان تمثال مبارک مکلل بالماس مفتخر
گردید حکیم الممالک پیشخدمت باشی بیلاق بخدمت سامی ابلاغ احکام همایونی بدیوانخانه عدلیه عظمی و مراقبت ختم اعمال دیوانخانه مبارکه
مأمور شد حاجی غلامرضا خان شهاب الملک از جانب نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی بحکومت
مانلدان و اعطای یکقطعه نشان تمثال خورشید مثال همایون نایل گردید عبدالله خان والی کیلان باستدعای نواب والا
امیرکبیر نایب السلطنه وزیر جنگ با عطای یکقطعه نشان از درجه اول خارجه بکمرشته حمایل سبز مفتخر شد ذو الفقار خان
سرهنگ فوج مهندس بمنصب سرتیپی سیم مباهی گشت جناب حاجی شیخ علی مجتهد رشتی بمرض سکته مرحوم شد برآورد جمع
و خرج هذه السنه دولت علیه شده بعد از وضع جمیع مخارج مبلغ هشتصد و شصت و سه هزار و هفتصد و نود و یک تومان
نقدا و جنسا فاضل دخل بر خرج آمده بعد از آنکه جناب اجل آقا وزیر اعظم داخله و مالیه کتابچه جمع و خرج را بلحاظ نظر انور
همایون رسانیدند امر و مقرر شد این فاضل بصرف ابتیاع اسلحه و انتظامات فوق العاده قورخانه و قشون برسد روز پنجشنبه
پانزدهم جمادی الاولی حسب الرسم معمول اسب دوانی شد جناب نظام الملک وزیر لشکر که اسامی اسبها را سوغانی را معروض حضور مبارک
میداشت بیکثوب جبه ترمه حاشیه دار مخلع گردید مهدیقلیخان میرآخور اصطبل خاصه را بیکثوب سرداری ترمه خلعت همایون
مخلع فرمودند از طرف اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه یکقطعه نشان سنت استانیسلاس با حمایل آن برای جناب
صنیع الدوله اعطا و ارسال گردید میرزا علی دکتر طبیب حضور همایون و حکیمباشی نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه
وزیر جنگ و معلم علم طب و تشریح فرنگی مدرسه مبارکه دار الفنون باقتضای مراتب علم و حذاقت بلقب معتمد الاطباء ملقب
شد جمیع کوچه‌های شهر تبریز باهتمام جناب امیر نظام سنگفرش میشود نواب والا رکن الدوله حکمران مملکت خراسان و
سیستان از مشهد مقدس بجهة مهام سرحدیه عزیمت سفر سرخس و کلات نمودند نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران
اصفهان و فارس و یزد و عراق و بروجرد و لرستان و عربستان و کرمانشاهان و کردستان و غیرها ادام الله اقباله العالی از
حضور همایون شهریاری با استدراک مراحم مخصوصه رخصت انصراف بمقر حکومت حاصل نموده روز دوشنبه بیست و هشتم
جمادی الاولی از دار الخلافه باهره عزیمت اصفهان و بحضرت عبد العظیم علیه السلام نقل مکان فرمودند و محض مزید اعزاز و تکریم
جانب نواب اشرف معظم له بنا بود که اعلیحضرت همایون یکروز در حضرت عبد العظیم تشریف فرمای منزل شاهنشاهزاده معظم
له شوند روز چهارم جمادی الثانیه از زاویه مقدسه روانه مقر حکومت گردیدند جناب اعتضاد الدوله حکمران قم
و شاهسون بغدادی باستدعای خود شان شرفیاب خاکپای مبارک شده باقتضای کفایت جناب معزی الیه استدعا

نواب

نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ دام الله اقباله العالی حکومت ساوه را ضمیمه حکومت جناب اعتضاد الدوله فرمودند و معزی الیه را باعطای یکثوب سرداری ترمه شمسه مرصع مخلع و مباهی داشتند میرزا محمد علیخان مستوفی ولد جناب معاون الملک بمنصب استیفای خاصه از درجه اول نایل شد از طرف دولت روس چند قطعه نشان بجهت اشخاص مفصله اعطا گردید (میرزا جوادخان سرتیپ نشان سنت آنا از درجه دویم) (میرزا نصرالله خان صاحب منصب مخصوص وزارت خارجه و میرزا حسن شکرالله نامه نگار نشان سنت آنا از درجه سیم) کوچه‌های شهر شیراز را عموماً باهتمام جناب صاحبدیوان شروع بسنگ وسنگ فرش کردند از جانب نواب رکن الدوله حکمران خراسان و سیستان حکومت تربت از حاجی میرزا محمودخان منتزع و بحاجی محمد میرزا واگذار و حکومت جوین و اسفراین از نواب عزالدوله موضوع شد جوین بموسی خان و اسفراین بحسینعلی خان بختیاری سابق تفویض گردید و حکومت پشتکوه را نیز از محمد ابراهیم خان قاجار گرفته بسهام الملک دادند باران بقدری زیاد در جمیع ولایات خاصه در فارس شب سه شنبه چهاردهم جمادی الثانیه خداوند تعالی بمیمنت و مبارکی فرزندی به بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری از بطن نواب علیه زینت السلطنه کرامت فرمودند بنام نامی نصرة الدین میرزا موسوم داشتند و بشکرانه این موهبت عظمی جشنی بزرگ گرفتند و علی الرسم نامه‌ها بسلاطین دول معظمه متحابه بشارت تولد شاهنشاهزاده نصرة الدین میرزا را اعلام نمودند جناب معتمد الملک بلقب نبیل مشیر الدوله و وزارت عدلیه اعظم که از مهام خطیره است ملقب و منصوب و بیکثوب سرداری شمسه مرصع از ملابس خاصه مخلع گردیدند و میرزا حسینخان ولد جناب معزی الیه را بلقب معتمد الملکی و یکثوب سرداری ترمه خلعت همایونی مفتخر فرمودند نواب والا عزالدوله بحکومت ولایت همدان منصوب و باعطای یکثوب سرداری ترمه از ملابس خاصه مخلع شدند میرزا احمدخان پیشخدمت خاصه و سرتیپ اول ولد جناب امیر نظام علاء الدوله غلامان مهدیه و منصوریه و ابوابجمعی خود را که بسبک سواره قزاق مشق میکنند با کمال آراستگی در حضور همایون سان داده بیکثوب سرداری ترمه خلعت همایونی سرافراز شدند در قریه بیدگل کاشان زنی یک شکم سه دختر آورد محمد علیخان پسر خانلرخان از جانب احتشام الملک حکمران ملایر و تویسرکان و نهاوند بنیابت حکومت نهاوند برقرار شد روز بیستم جمادی الثانیه که عید ولادت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا سلام الله علیها است نواب علیه عالیه مهد السلطنه والده نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ دام الله اقباله العالی برسم معمول جشن بزرگ گرفته و ضیافت عام از نسوان محترمه و غیرها کردند و عصر این روز ذات همایون شهریاری ابدالله عیشه نیز تشریف فرمای منزل نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ شدند مدرسه مجمع الصنایع واقعه در جنب خیابان باب همایون را نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه وزیر جنگ و حکمران دار الخلافه و غیرها دام الله اقباله العالی حسب الامر همایون بارباب حرف و صنایع متنوعه دایر فرموده و هر صنعتگر را ابتدا محض تشویق از خودشان دستمایه دادند و پس از ترتیب و تکمیل مجمع الصنایع یکروز بندگان اعلیحضرت همایونی محض افتخار و تشویق اهل صنعت تشریف فرمای آنجا شده همه را بتحسینات و انعامات و تشویقات ملوکانه نایل و سربلند فرمودند امیر ابوالفتح خان پسر مرحوم امیر شیرعلیخان امیر افغانستان با همراهان از خراسان بدار الخلافه آمده بحضور همایون مشرف و باعطای یکثوب سرداری کلابتون دوز از ملابس خاصه سرافراز شد جناب میرزا محمدخان امین خلوت در موقع سان دادن تفنگداران سرکاری بیکثوب سرداری ترمه از ملابس خاصه سلطنتی مخلع و حاجی میرزا شفیع مستوفی نیز در این موقع بیکثوب جبه ترمه خلعت همایونی مباهی آمد محمد حسنخان پیشخدمت حضور پس از مراجعت از حکومت همدان بحکومت کاشان سرافراز و بخلعت مهر طلعت مخلع گردید میرزا یوسفخان مستشار وزارت خارجه بانتخاب و استصواب جناب مشیر الدوله وزیر عدلیه اعظم

بمستشاری

بمنشار امور وزارت علیه برقرار شد میرزا علیرضا مستوفی سیم بمنصب استیفا از درجه دویم و یکثوب جبه ترمه ایرانی شمسه دار
منصوب و مخلع گشت میرزا احمد سررشته دار کل وزارت دربار اعظم بمنصب استیفا از درجه سیم و اعطای یکثوب جبه ترمه
ایرانی نایل گردید روز چهارشنبه بیست و نهم ماه جمادی الثانیه تمام جرم آفتاب در عقده ذنب منکسف شد نواب اشرف والا
ولیعهد جاوید مهد دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی روز نهم جمادی الثانیه با تشریفات تمام وارد شهر تبریز و
مقر حکومت آذربایجان شده و روز دیگر در سلام زمام کلیه امور و مهام ولایتی را بجناب امیر نظام علاء الدوله واگذار و
شمشیر تمام فیروزه مکلل بجواهر محض تکمیل التفات از کمر خود شان باز کرده بجناب امیر نظام مرحمت فرمودند و روز سیزدهم
رجب که عید مولود مسعود حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بود در تالار عمارت بادگیر تشکیل سلام در حضور
همایون شد و مراسم جشن عید کاملا بعمل آمد دختر اصفهانیه که هم کر و هم لال بود در قم متوسل بحضرت معصومه سلام
الله علیها شده شفا یافت رساله عملیه فارسی از جناب حجة الاسلام حاجی ملا محمد حسین مجتهد کاشانی بطبع رسیده
مجانا منتشر گردید موکب همایون صاحبقرانی روز هجدهم رجب تشریف فرمای ییلاق صاحبقرانیه شمیرانات گردید بنیابت
ایالت خراسان و نظم امور شهر مشهد مقدس در غیاب نواب رکن الدوله حکمران مملکت خراسان و سیستان که بسرکشی
و ترتیب امور سرحدات خراسان رفته اند با نواب معین الدوله احمد میرزا است جناب میرزا ملکم خان ناظم الملک وزیر مختار
و سفیر دولت علیه مقیم دربار انگلیس که بجهة بعضی مشاغل و مهام شخصیه خود استدعای تشرف بخاکپای مبارک را
کرده و این اوقات بدار الخلافه وارد دربار همایون آمد علاوه بر سفارت دربار دولت انگلیس سفارت دربار دولتین
المان و هلاند را نیز بعهده کفایت جناب معزی الیه موکول و معزی الیه را بلقب جلیل ناظم الدوله ملقب فرمودند و هنگام مرخصی
و حرکت از دار الخلافه نیز معزی الیه را بیکثوب سرداری ترمه از ملابس خاصه مخلع و مباهی فرمودند میرزا یوسفخان مستشار
الوزاره بلقب مستشار الدوله نایل و ملقب گردید جناب امین السلطان چون در زمان رجوع وزارت گمرک بمعزی الیه دو
خدمت بزرگ کرده یکی اینکه مبالغی بحسن مراقبت بر وجوه مالیات گمرک افزوده و دیگر تعیین امتعه وارده از خارجه بداخله
ایران و مال التجاره داخله ایران بممالک خارجه که در ظرف یکسال چند و چه قدر است از روی دقت و صحت نموده و صورت
آنرا بعرض خاکپای همایون رساند بیکثوب سرداری ترمه شمسه مرصع از ملابس خاصه مخلع و مباهی گردید نجفقلیخان قاجار
رئیس طایفه حاجی مهدیقلیخانی بنشان و حمایل از درجه سیم سرتیپی سرافراز شد محمود خان ولد محمد ابراهیمخان قاجار
که در سال هزار و دویست و هشتاد و پنج بریاست طایفه شاه بوداغلو برقرار گردیده بود در این سال بنشان و حمایل
سرهنگی نایل آمد میرزا ولیقلی سررشته دار دفترخانه مبارکه بمنصب لشکرنویسی قورخانه مفتخر شد از طرف نواب اشرف والا
شاهنشاهزاده معظم ظل السلطان حکومت بوشهر هم جزو اصفهان و بحاجی نصیر الملک تفویض گردید در کازرون فارس
زلزله شد یک بنا و نفت در شهر رشت طرف بیر بازار آتش گرفت در استرآباد زلزله شد موکب همایون شهریاری
از صاحبقرانیه شمیران روز سه شنبه دهم شعبان عزیمت ییلاق لار فرمود جناب میرزا علیخان امین الملک وزیر وظایف
و اوقاف و پیشخانه های ممالک محروسه و مدیر دار الشورای دولتی بلقب جلیل امین الدوله ملقب و مباهی شدند جناب
جلالتمآب عضد الملک خوانسالار و ایلخانی ایل جلیل قاجار و خازن مهر مهر آثار مبارک جمیع طوایف و خوانین و امیر
زادگان ایل جلیل قاجار را با کمال نظم در حضور مبارک سان داده مورد مرحمت گردیدند غلامان کشیکخانه مبارکه را
عبدالله خان سرکشیکچی باشی و غلامان مهدیه و منصوره را میرزا احمد خان پیشخدمت خاصه سرتیپ اول نیز یکروز با
کمال آراستگی با یراقهای طلا و نقره و لباسهای ماهوت تازه ممتاز سان داده مورد تحسینات و الطاف ملوکانه

آمدند

اسپند نواب والا عضدالدوله بریاست در بخانه نواب اشرف والا ولیعهد گردون مهد دام اقباله العالی منصوب
[illegible] فتح الله خان منشی بمنشی باشیگری حضرت والا ولیعهد مباهی گردیدند میرزا ابوالقاسمخان مستوفی نوری حاکم
[illegible] خلخال بحکومت مراغه و خانباباخان پیشخدمت خاصه حضرت ولایتعهد بحکومت مخوارقان از طرف نواب اشرف
[illegible] له انتخاب شدند در خوی زلزله شدیدی شد حسینقلیخان ایلخانی بختیاری در اصفهان بدرود جهان کرد در چهار
باغ اصفهان بحکم نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی سربازخانه بسیار بزرگی بنا کردند در نیمه شعبان
که عید مولود مسعود حضرت صاحب الامر و امام عصر عجل الله تعالی فرجه است در اردوی همایون در ساختمان جشن
بزرگ گرفتند میرزا یوسفخان مستشار الدوله مستشار وزارت عدلیه عظمی بیکتوب سرداری ترمه ایرانی خلعت
همایونی مخلع گردیدند حاجی میرزا مرتضی طبیب بلقب شریف الاطبائی ملقب شد تمام بازارهای شهر شیراز را مثل بازار وکیل
با سقف آجری با شکوه میسازند نواب والا رکن الدوله حکمران مملکت خراسان و سیستان دار السیاده حضرت رضوی
علیه الصلوة والسلام را آیینه کاری میکنند و سه هزار تومان مخارج آن را معین و از منافع موقوفات حضرت دادند
در کرمان [illegible] و دستور العمل نواب ناصرالدوله حکمران کرمان و بلوچستان قشون خوب مناسبی برای لباس تمام
افواج میبافند و از جنس [illegible] که پالتوهای نظامی بسیار نفیس خوب مثل ماهوت درست میکنند در بقعه امامزاده جعفر
یزد دختر فالجی شفا یافت موکب اعلای شهریاری از کلاردشت [illegible] ستاق مازندران و حدود بلده و نور تشریف فرما
گردیدند جناب حاجی سید حسین ترک از اجله علماء در عتبات عالیات بجوار رحمت حق ارتحال نمود خداوند واهب العطایا
[illegible] نوزدهم رمضان مولود مسعودی باعلیحضرت اقدس همایون شهریاری کرامت فرمود موسوم بمنصور الدین میرزا
گردیدند جناب امین السلطان با [illegible] نفر سواره خواجه وند که ساکن کجور هستند در حدود نور بآراستگی از سان حضور
مبارک گذشتند جناب جهانگیرخان اجودانباشی سرتیپ اول و رئیس قورخانه مبارکه در سلک وزرای دولت منسلک و
بوزارت صنایع منصوب گردیدند میرزا محمدخان نوری حاکم بلوک ازرود بیکتوب جبه ترمه ایرانی حاشیه دار مخلع شد
میرزا عبدالله خان پیشخدمت خاصه بیکتوب سرداری از جامه خانه خاص خلعت یافت حاجی شهاب الملک حکمران مازندران که
در اردوی ییلاقی شرفیاب خاکپای مبارک شده بیکتوب سرداری ترمه خلعت مهر طلعت مخلع گردیدند موکب همایون روز سه
شنبه سلخ رمضان بشهرستانک نزول اجلال فرمودند جناب امین السلطان را با عطای یک حلقه انگشتری الماس بریلیان تمثال
مباهی فرمودند آقا علی اصغرخان صاحب جمع ولد جناب امین السلطان بلقب امین الملکی و آقا محمد قاسم ولد دیگر جناب معزی الیه
بلقب خانی نایل و سرافراز شدند محمد حسنخان حاجب الدوله فراشباشی و نسقچی باشی با عطای یک قطعه نشان تمثال بی
مثال همایون مفتخر گردیدند حاجی مصطفی قلیخان میرشکار را بیکتوب کلیجه ترمه بطانه سنجاب مخلع فرمودند جناب
مُنْسِنیور کلوزل که از علما و قسیسین بزرگ مذهب کاتولیکی مسیحی و اصلا فرانسوی و سالها ساکن در خسروآباد ارومی بود
بود فوت شد اعلان دولتی در منع نگارش القاب در روزنامه دولتی مکرر از برای شاهنشاهزادگان عظام نواب والا و نوادهها
و اخوان و اعمام بزرگ سلطنت نواب نبیهای نوشته خواهد شد اللهقلی میرزای ایلخانی با عطای یکتوب سرداری از جامه خانه
خاص مخلع گردیدند بیکتوب سرداری ترمه شمسه مرصع از ملابس خاصه بافتخار اعتضاد الملک حکمران سمنان و دامغان اعطا
و ارسال سمنان فرمودند دوشنبه بیستم شوال موکب همایون از شهرستانک تشریف فرمای قصر صاحبقرانیه شد
[illegible] تابستان را برسم هر ساله اردوی نظامی مرکب از تمام قشون ساخلو دار الخلافه طهران در بالای قصر قاجار
نواب والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ با کمال نظم و آراستگی ترتیب داده بودند بندگان اعلیحضرت اقدس [illegible]

شهریاری

شهریاری بالله جلیته بعد از مراجعت از سفر ییلاق بکرّه دیگر مزبور تشریف فرما شده باقتضای کمال خوشنودی از
نظم اردو و زینت مشق افواج و سواره یک قبضه قداره مکلل بالماس از دست مبارک بنواب اشرف معظم له مرحمت فرمودند
میرزا یوسف نوری لشکرنویس ولد مرحوم میرزا محمد حسین که در اوایل دولت خاقان مغفور تا اواسط دولت شاهنشاه مبرور کرامحرچو
بوزارت و حکومت و لایات مامور میشد و در اواخر عمر شش سال در جزو مستوفیان دیوان اعلی منسلک بود بعد از
فوت او منصب استیفا موافق فرمان شاهنشاه ماضی محمد شاه غازی طاب الله ثراه بمیرزا یوسف مرحمت شد تا در اوایل
این دولت روزافزون که مدرسه مبارکه دارالفنون ایجاد کرده بود مرحوم میرزا آقاخان صدراعظم خواست یکی از ارباب
قلم که از اهل کمال باشد متوقف و متولی عمل مدرسه دارالفنون را تکمیل شود میرزا یوسف را انتخاب کرده امور مدرسه را
باو رجوع نمود و چون مدرسه دارالفنون مدرسه نظامی بود موافق فرمان مبارک منصب لشکرنویسی دیوان اعلی باو مرحمت شد
و تا بیست سال با صدق و راستقلمی بامور مدرسه رسیدگی مینمود تا در سال هزار و دویست و هشتاد و پنج از عمل مدرسه
استعفا کرده در عوض عمل خیل فوج چند سند سوار باو رجوع شد بعلاوه مقرر گردید که مجلس شورای عسکریه هم مامور
شده بامور آنجا رسیدگی کند و دو سال قبل مقرر شد که نیز از اجزای مجلس تحقیقات قشونی باشد و در هذه السنه بعلاوه
لقب اجزاء امتیازات قشونی گردید بتنبیه کردن ساعد الدوله حکمران استرآباد کسان قلیچ خان ترکمان را که دست
تطاول و هرزگی دراز کرده بودند در حوالی آق قلعه استرآباد. فرار شیخ عبیدالله کرد از اسلامبول و آمدن بخانه خود
برای تجدید فتنه و اغتشاش در سرحدات آذربایجان و دوباره مامور شدن مامورین دولت عثمانی برای اخذ و تبعید او
از سرحد و فرستادن باقصی بلاد عثمانی شیوع و شدت درد گلو و مرض نوبه در مرند آذربایجان و رفع آن میرزا احمد خان
سرتیپ اول ولد امیرنظام حامل یک زوج سردوشی مرصع از طرف قرین الشرف همایون بافتخار نواب والا ولیعهد گردون
مهد دولت علیه و نشان مرصع امیرتومانی اعظم با حمایل آن بجهت امیرنظام وزیر دربار اعظم شده روانه آذربایجان
گردید سلیمان پاشا مامور مخصوص دولت علیه عثمانی که حامل هدایای گرانبهائی و نامه مخصوصی از قبل اعلیحضرت سلطان
عبدالحمید خان بود در ماه ذیقعده وارد دارالخلافه شده و شرفیاب حضور مبارک گردید منزل معزی الیه مثل سفر سابق
در باغ لاله زار و مهماندار او نیز بنده مؤلف بود مسجد رفیع البنای حاجی میرزا حسینخان سپهسالار اعظم مرحوم را که معروف
بمسجد سلطانی و در جنب باغ آن مرحوم بنا شده است بامر همایون ملوکانه مشیرالدوله وزیر عدلیه اعظم از وجوه خود آن
مرحوم سریعا مشغول اتمام است میدان وسیع وسط میدان اسب دوانی که بطول دو و نیم فرسخ تمام محیط آن است
و سابقا از اراضی خشک لم یزرع بود بامر دولت مراقبت امین السلطان وزیر خزانه و گمرک و غیره قناتی که منجاوز این
چهار سنگ آب دارد برای شرب آنجا جاری و احداث و در ظرف شش ماه آنجا را مشجر و آباد و باغی در کمال خضرت و صفا
نموده موسوم بباغ شاه کردند و عمارت عالی در طرف شمالی این باغ واقع است که منظر بباغ دارد موکب همایون از صاحبقرانیه
تشریف فرمای سلطنت آباد شد شب پنجشنبه سلخ ذیالقعده علاء الدوله امیرنظام در ارومی بمرض سکته مرحوم شد
میرزا احمدخان ولد آن مرحوم را بلقب علاء الدوله ملقب فرمودند حسنعلی خان وزیر فوائد بریاست قشون آذربایجان و میرزا
رضای صدیق الدوله برسیدگی امور مالیاتی و داخله آن مملکت منصوب و مامور شده و خود نواب والا ولیعهد گردون مهد
من بعد جمیع امور آن مملکت را مستقلا اداره مینمایند. همدر اینسال بمباشرت امین السلطان وزیر خزانه و گمرک و غیره
عمارات و بیوتات متعدده اندرونی سلطنتی را که کهنه و قدیم شده بود در ظرف شش هفت ماه تماما از بنیاد خراب کرده
و بجای آنها عمارات و حیاطهای بسیار عالی و وسیع و باشکوه که حیاط آن یکصد و بیست ذرع طول و یکصد و دو ذرع

عرض

عرض و چهار سمت آن و مرتبهٔ عمارت و مشتمل بر حوضها و جداول متعدده است و زوایای آن نیز خلوتها و چالهای
کوچک خوش وضع متعدد دارد تماما با آجر و ساروج و گچ و سنگ بنا کرده و باتمام رسانیدند تلگرافخانهٔ عالی خوبی نیز در جنب
خیابان ناصریه در جوار مدرسهٔ مبارکهٔ دار الفنون که مشتمل بر منازل متعدده فوقانی و تحتانی است از وجود دولت بمباشرت
مخبر الدوله وزیر علوم و تلگراف ممالک محروسه بنا شد خیابانی وسیع عالی نیز از طرف شرقی باب همایون بخیابان ناصریه
ساخته و مفتوح گردید حکومت دهخوارقان از طرف نواب والا ولیعهد دولت علیه حکمران مملکت آذربایجان بحاجی حسام الدوله
مفوض شد صاحب‌منصبان جدیدی که بریاست کلنل چارکوفسکوی بجهت مشق سواره سبک قزاق از دولت بهیهٔ روس مرخص گشته
بودند وارد دار الخلافه شده بتوسط نواب والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ بحضور همایون مشرف و معرفی شدند
سلیمان پاشا مامور مخصوص دولت علیهٔ عثمانی هنگام مرخصی و مراجعت باسلامبول بیک قطعه نشان شیر و خورشید از
درجهٔ اول مکلل بالماس و همراهان معزی الیه نیز بنشانهای امتیاز سرافراز شدند حسنعلیخان وزیر فواید بلقب سالار
عسکری و بیک قبضه شمشیر مرصع و بریاست قشون مملکت آذربایجان منصوب و مفتخر گردید میرزا رضای صدیق الدوله
بیکثوب جبهٔ شمسهٔ مرصع و خطاب جنابی و وزارت مالیه و داخلهٔ آذربایجان سرافراز شد امین لشکر بمنصب وزارت فواید عامه
مفتخر گردید معز الدوله بهرام میرزا از اعمام عظام سلطنت شب یکشنبه هشتم ذیحجة الحرام بمرض فجاه برحمت الهی پیوست بر حسب
امر و ارادهٔ علیهٔ همایونی مجلس ممتازی بجهت ترقیات و ترفیع مناصب و اعطای امتیازات بافراد عساکر منصوره نواب والا
نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ مرکب از وزیر لشکر و امرای تومان و صاحب‌منصبان بزرگ عسکریه و غیرهم ترتیب و تشکیل
دادند روزنامهٔ موسوم بایران که از ابتدای ریاست این بندهٔ مولف تا این سال در زیر سایهٔ سلطنت سنیهٔ همایونی بنمره
پانصد رسیده بود بر حسب رسم معمول اروپا پانصد نمره را در یکجلد جلد کرده تقدیم خاکپای مبارک داشتم دستخطی مبنی
بر اظهار کمال مرحمت و رضامندی بافتخار این بنده شرف صدور یافت ابنیهٔ دیوانی و دولتی شهر کرمانشاهان را ناصر الملک حکمران
کرمانشاهان و کردستان بامر دولت و اجازهٔ مخصوص نواب والا ظل السلطان حکمران اصفهان و فارس و یزد و عراق و
بروجرد و لرستان و عربستان و کرمانشاهان و کردستان و غیرها مرمت و تعمیر کامل کرد موکب همایون در این اوان مقیم
و تشریف فرمای عشرت‌آباد داشت از ترتیبات جدیده که با تاکیدات اکیدهٔ ملوکانه در دوایر دولتی مرتب و موکد شده اینست که وزرا
مشغول را از قرار تفصیل ذیل در مشاغل و اعمال خودشان مسئولیت کلیه داده و حدود تکالیف آنها را معین فرموده
ایشانرا وزرای مسئول خواندند (نواب والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ) (جناب آقا رئیس وزرا و وزیر داخله
و مالیه) (موتمن الملک میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه) (مشیر الدوله وزیر عدلیهٔ عظمی) (امین السلطان وزیر
دربار اعظم و خزانه و گمرک) (امین الدوله مدیر مجلس وزراء و وزیر وظایف و اوقاف و پست) (نظام الملک وزیر دفتر
لشکر) (نصیر الدوله وزیر فلاحت و تجارت) (مخبر الدوله وزیر علوم و تلگراف و معادن) (میرزا قهرمان امین لشکر
وزیر فواید عامه) (امین حضور وزیر بقایا) (جهانگیرخان وزیر صنایع) (صنیع الدوله (بندهٔ مولف) وزیر انطباعات
و دار الترجمهٔ خاصه) بجهت مزید ترویج کارخانهای شالبافی ایران از غرهٔ محرم سنهٔ هزار و سیصد غدغن دولتی
شد که تمام خلاعی که از صندوقخانهٔ مبارکه مرحمت میشود بلا استثنا شال کرمانی باشد موکب همایون صاحبقرانی یکباره
از عشرت‌آباد تشریف فرمای عمارت زمستانی سلطنتی شهر شد تکیهٔ دولت را با کمال شکوه بستند در دههٔ عاشورا که
شب و روز مشغول روضه و تعزیهٔ حضرت خامس آل عبا صلوات الله علیه هستند ایام هفته بترتیب ذیل برای مسند
ذات همایون ملوکانه بمشاغل و امور دولتی تقسیم شد شنبه مطالب وزارت عدلیه و علوم و معادن و تلگراف و تجارت

وفلاحت

وفلاحت یکشنبه مطالب وزارت جنگ ودفتر لشکر ووزارت صنایع دوشنبه تعطیل سه شنبه مطالب وزارت داخله ومالیه
دفتر استیفا ووزارت بقایا ووزارت خزانه ودربار وگمرک وغیره چهارشنبه وزارتخارجه ووزارت وظایف واوقاف
وغیره ووزارت انطباعات ووزارت فواید پنجشنبه مخصوص باحضار وزرا وشاهزادکان است جمعه تعطیل نواب والا
ظل السلطان حکمران اصفهان وفارس ویزد وعراق وبروجرد ولرستان وعربستان وکرمانشاهان وکردستان وغیرها
برسم معمول همه ساله برای شرف اندوزی حضور همایون از مقر حکومت عزیمت دار الخلافه فرموده در ماه محرم وارد وشرفیاب
حضور مبارک شدند وجمعی از اعیان حوزه حکومت فرمانفرمائی خودشان را نیز شرفیاب خاکپای مبارک نموده معرفی کردند
اجرای جمیع وزارتخانهای جلیله نیز حسب الامر هر روزه دسته بتوسط مدیر ووزیر آن اداره ووزارتخانه بحضور همایون
شاهنشاهی مشرف ومعرفی شدند تغییر ومنع رواج وداد وستد اسکناس در تمام ممالک محروسه از طرف وزارت
تجارت ونیز منع طرح نقش ورنگ فرنگی در قالی ایران که موجب نارواجی آن شده است از جانب وزارت مزبوره
ایجاد روزنامه مصور موسوم بشرف از اول محرم سنه هزار وسیصد بتوسط بنده مؤلف جشن عید مولود مسعود
همایونی که در شب روز ششم صفر المظفر نواب والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ کاملا گرفتند ودر پیشگاه حضور
مبارک انعقاد سلام خاص وعام شد جمیع سلاطین دول معظمه مخابره تلگرامهای تبریک وتهنیت گفتند واز طرف همایون
ملوکانه جوابهای مقتضی داده شد در تمام بلاد ممالک محروسه نیز جشن کامل گرفتند بندگان همایون نسکارگاه
جاجرود تشریف فرما شده پانزده شبانروز اقامت جسته بمقر سلطنت فرمودند پلنگی قوی نیز در این سفر صید شست
مبارک شده شدت وشیوع مرض درد گلو وآبله در کرمان وبلوچستان حاجی ابو الحسن رئیس معماران بتوسط واستدعای
امین السلطان وزیر دربار اعظم بمنصب معمار باشیگری سرافراز گردید شنبه هفدهم ربیع الاول که عید ولادت باسعادت
حضرت سید المرسلین وخاتم النبیین صلی الله علیه وآله اجمعین است مراسم انعقاد سلام در تالار بلور وجشن وتبریک
کاملا معمول شد از طرف اعلیحضرت سلطان عثمانی یکقطعه نشان درجه اول عثمانیه مکلل بالماس با حمایل مخصوص آن
محض مزید اعزاز نواب والا ظل السلطان حکمران اصفهان وفارس ویزد وعراق وبروجرد ولرستان وعربستان وکرمانشاهان
وکردستان وغیرها واصل دربار همایون گردید اللهقلیخان ایلخانی باعطای یکقبضه عصای مرصع مفتخر شد میرزا
یوسفخان مستشار الدوله بپیکتوب سرداری رهبر ایرانی مخلع گشت دکتر میرزا حسینخان ولد میرزا یوسفخان مستشار
الدوله که فارغ التحصیل از لندن مراجعت کرده بود در سلک اطبای حضور مبارک منسلک گردید میرزا ابراهیمخان
سهام الدوله سرتیپ اول بر حسب استدعای نواب والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ بحکومت ایالت مازندران منصوب شد
در ترتیب اطاق موزه همایونی شمشیری از عبد الله بن زبیر ملاحظه شد که چند کتیبه داشت کتیبه اول (امیر عبد الله بن
زبیر) کتیبه دویم (عمل بهادر) کتیبه سیم (مختار بن ابی عبیده ثقفی) کتیبه چهارم (امیر تیمور گورکانی) کتیبه
پنجم (بنده شاه ولایت صفی) کتیبه ششم (هلال بکشید مهر ذو الفقار علی بدست شاه سلیمان چو ذو الفقار علی)
واین شمشیر یکی از نفایس عالم است مرحوم ظهیر (؟) سپهر میرزای مؤید الدوله در زمانی تقدیم حضور مبارک شهریاری داشت
نواب حاجی حشمت السلطنه سلطانمراد میرزا بحکومت ایالتین خراسان وسیستان منصوب گردیدند میرزا محمد علیخان ولد
قوام الدوله بلقب معاون الملکی ملقب شد عبد الحسینخان سرتیپ ولد مرحوم حاجی بابا خان سردار ملقب بفخر الملک گردید
شنبه شانزدهم ربیع الثانی آقا سید صادق مجتهد از اجله علمای اثنی عشریه داعی حق را لبیک اجابت گفته بجوار رحمت
حق شتافت روز بیست وسیم ربیع الثانی بندگان اعلیحضرت همایون صاحبقرانی تشریف فرمای منزل نواب والا

و نیز بر حسب استدعای نواب والا شاهنشاهزاده معظم له عبد الله خان والی حکمران ایالت گیلان و طوالش بخطاب جنابی ... گردید

مستوفی

ظل

ظل السلطان شدند روز دوم جمادی الاولی شاهزاده حاجی حسام السلطنه برحمت الهی پیوست حکومت و فرمانفرمائی
ایالتین خراسان و سیستان دوباره بنواب رکن الدوله تفویض شد کتابی مشتمل بر لغت همنیم فرانسه یعنی الفاظ متشابهه
با ترجمه فارسی این بنده نگارنده جمع و تالیف نموده بطبع رسانید (چین) شورش سختی در مملکت کره روی میدهد ملکه
و اولاد او کشته میشوند پادشاه فرار میکند و جمعی مقتول میکردند دولت ژاپن سفاین جنگی و قشون باینمملکت میفرستد
اروپا (آستریه) مابین اطریش و افلاق بغدان و سربی کد و رتست دولت انگلیس میان اطریش و افلاق بغدان
میانجی است در هشتم شهر دسامبر حریق در تماشاخانه رینگ در وینه زیاده از هزار نفر را تلف نمود بروز شورش در
ایالات هرسك و بسنی و شکست دادن یاغیان عساکر اطریش را سخت شدت شورش ایالتین مزبورتین عساکر اطریش از
یاغیان شکستهای سخت میخورند یاغیهای هرسك مایل باصلاح هستند برای دفع شورش اهالی کریوسی دولت بیست و
چهار ملیون فلورن استقراض مینماید دولت اطریش در هرزگوین و بسنی قشون میکشد در شهر اشل اعلیحضرت امپراطور
اطریش و اعلیحضرت امپراطور المان ملاقات مینمایند از طرف اعلیحضرت سلطان عثمانی نشان امتیاز از برای اعلیحضرت
امپراطور اطریش ارسال میشود مسافرت اعلیحضرت امپراطوریه بترئیست برای تماشای اکسپوزیسیون نواب ولیعهد اطریش
بملاقات اعلیحضرت امپراطور المان ببرلن میرود وزیر خارجه روس در ماه ژانویه وارد اینمملکت میشود (اسپانیا) مطبعهها
این مملکت چند روز بسته شد بقسمی که در این چند روز در تمام مملکت اسپانیول نشر روزنامه نشد انعقاد عهد تجارت
فیمابین این دولت و دولت فرانسه تولد دختری از ملکه اسپانیا (المان) بجهت دوستی این دولت با دولت عثمانی ژنرال
وادر پونیل حامل نشان از طرف اعلیحضرت امپراطور المان برای اعلیحضرت سلطان عثمانی شد سفیری از جانب دولت
المان بروم پای تخت ایطالیا رفته مراوداتی که سابقا با پاپ در کار بود و چندی کاهی مقطوع کردیده مجددا برقرار مینماید و البته
فیمابین حاصل میشود افتتاح مجلس پارلمنت المان مجادله وکلای ملت با وزرا در مجلس پارلمنت بر ضد دولت که میخواهد
بیع و شرای دخانیات را خاصه دولت کند با وجود خطبه پرنس بزمارك در مسئله دخانیات وکلای ملت قبول نمیکنند
که بیع و شرای آن مخصوص دولت باشد مسافرت اعلیحضرت امپراطوریه بامس فتن آن اعلیحضرت به برسلو جمعیت
المان در این سال از اینقرار است پنجاه و شش کرور و سیصد و چهل هزار پرتستان و سی و دو کرور و دویست و
سی و چهار هزار کاتولیك و یك کرور و شصت هزار یهود و سی هزار نفر از ادیان مختلفه و هفتاد و سه هزار نفر بی
مذهب پرنس شارل برادر اعلیحضرت امپراطور فوت میشود (انگلیس) شورش سخت در ارلند و سوزانیدن بلعنها
اکثر ابنیه دولتی را موافق توجیهی که اعیان پیش خود نمودند معادل شش کرور تومان وجه نقد حاضر کرده برسم
اعانت برای یهود بیچاره که در مملکت روس طرف صدمه شده بودند میفرستند در ارلند شورش بر ضد دولت رو
بتزاید است و هر روز چند قتل نفس اتفاق می افتد دیوانه بطرف اعلیحضرت پادشاه انگلستان و امپراطریس هندوستان
طپانچه خالی میکند بدون اینکه کلوله باعلیحضرت معظم لها بخورد مسافرت اعلیحضرت معظم لها بفرانسه مراجعت بانگلیس
منصوب شدن لرد اسپانسر بفرمانفرمائی ارلند لرد کوندیش فرمانفرمای ارلند و بورك وزیرش در شهر دوبلن
پای تخت ارلند بدست یاغیان مقتول میکردد سفاین جنگی انگلیس همراهی کشتیهای جنگی فرانسه بطرف مصر حرکت
میکنند که خدیو را از شر عرابی پاشا حفظ نمایند امیرال سیمور سردار سفاین جنگی انگلیس مصر بهار را تهدید میکند
که اگر دست از ساختن استحکامات نکشند شهر اسکندریه را کلوله باران خواهد کرد سیتوایو پادشاه سابق زولو
وارد انگلیس میشود و با تشریفات زیاد او را می پذیرند انقلاب ایرلند و شورش اشرار برقرار است شورش مردم

ولایات ممالک محروسه سوای دار الخلافه طهران که در جزو دارات نوشته شده است

مملکت آذربایجان وغیره

نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد جاوید دولت مهد علیه فرمانفرما و حکمران مملکت آذربایجان ادام الله اقباله العالی

نواب والا اعتضاد السلطنه

جناب حسنعلی‌خان سالار لشکر نواب حاجی سیف الدوله رئیس دیوانخانه عدلیه نواب حاجی بهاء الدوله رئیس قشون آذربایجان جناب صدیق الدوله کارگذار و وزیر مالیه دارالسلطنه آذربایجان عمید الدوله حکمران مراغه امیرزاده اکبر میرزا حکمران اردبیل ومشکین سایر حکام و کارگذاران جزو آذربایجان هریک در طبقه خود نوشته شده اند در اینجا حاجت بتکرار نیست

کارگذاران وعملجات مخصوص

دربخانه نواب اشرف والا ولیعهد

امیرزادگان وارباب مناصب وپیشخدمتباشیان

نواب شجاع السلطنه ناظر و مهردار نواب معتمد میرزا امیرآخور نواب لطفعلیخان کشیکچی باشی حاجی محمد حسین خان صندوقدار امین الدوله ایشیک آقاسی باشی میرزا محمد فخر الاطبا میرزا ابو الحسن حکیمباشی میرزا شفیع مستوفی خاصه محمد اسمعیلخان صندوقدار حاجی احمد خان شاطرباشی محمد صادقخان اجودانباشی محمد حسینخان بخیاری قوللر آقاسی باشی پاشاخان یوزباشی محمد خان سرهنگ یزدی حبیب الله خان صاحبجمع لدرهم فتح الله خان کلبعلیخان میرشکار

منشیان ومستوفیان

میرزا فضل الله خان منشی باشی میرزا سلیمانعلی مستوفی میرزا محمد مستوفی سوادکوهی میرزا صادقخان سررشته‌دار مخصوص میرزا محمد علی منشی ولد جناب میرزا علیمحمد ملاباشی میرزا آقا منشی کرمرودی

عمله خلوت

خانباباخان نایب پیشخدمتباشی امیرزاده علینقی میرزا

پیشخدمت امیرزاده عباسعلی میرزا پیشخدمت و رئیس عمله دیوانخانه آذربایجان میرزا عیسیخان پیشخدمت و کتابدار مرتضی خان ولد جناب مجیر الدوله میرزا علی اکبرخان ولد فخر الاطباء میرزا محمد علیخان کاشی حاجی میرزا سیحان ولد حاجی میرزا علی وکیل الرعایا حاجی محمد تقی خان ولد قلعه بیگی تبریز میرزا جواد نواده جناب وزیر دفتر امیرزاده محمد قلی میرزا احمد خان برادر حاجی خازن الملک میرزا حسینعلی ولد مرحوم حاجی میرزا رحیم حسنخان نواده جناب صاحبدیوان سلطانعلیخان فراشخلوتان چهار نفر

عمله صندوقخانه

میرزا مهدی سررشته‌دار عزیز الله خان کرک یراق وغیره پنج نفر

قهوه‌خانه وآبدارخانه

کربلائی حسین سفاباشی اسد الله خان قهوه‌چی باشی سایر اجزاء پنج نفر

عمله اصطبل

عبد المجید میرزا نایب سایر سی نفر

عمله فراشخانه

حسینخان نایب فراشان وغیره سی نفر

عمله کارخانه

امیرزاده معز الدوله میرزا نایب ناظر میرزا نقیخان نایب ناظر سایر عملجات بیست نفر

تفنگداران

اسد الله خان نایب تفنگدارباشی سایر تفنگداران ده نفر

نایب اجودانها

مهدیقلیخان اجودان حضور والا حمزه خان پیشخدمت میرزا محمد خان

حاجی رضا قلیخان

ممالک و ولایات مفصله ذیل بحکومت و فرمانفرمائی و صاحب اختیاری نواب اشرف والا شاهزاده
معظم ظل السلطان ادام الله اقباله العالی بعلاوهٔ ریاست قشون و افواج ولایات مفصله ذیل

ولایات اصفهان مملکت فارس ایالت کرمانشهان ایالت
کردستان ایالت عربستان ایالت لرستان ولایت بروجرد
و بختیاری ولایت یزد ایالت عراق کلپایگان
خوانسار کمره محلات

اصفهان

نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران و فرمانفرما ادام الله اقباله العالی

اجزای حکومت

امیر الامرا العظام صارم الدوله امیر تومان رئیس کل
جناب مولوی ملا باشی میرزا سلیمانخان منشی باشی نایب
الحکومه اصفهان مظفر الملک حاجی میرزا محسنخان سرتیپ
محمد اسمعیلخان میرآخور سراج الملک میرزا رضا قلیخان
مستوفی پیشکار میرزا نصیرخان سرتیپ دوم حکیمباشی
علیخان رئیس مدرسهٔ همایونی میرزا موسیخان ناظم
الاطباء

ارباب قلم
مستوفیان و اهل دفترخانه

میرزا حبیب الله خان مستوفی بنان الملک میرزا حسینخان
سررشته دار میرزا محمد حسین مستوفی میرزا علی مستوفی میرزا
زین العابدین میرزا رضا صاحبجمع خزانه میرزا جعفر مستوفی مخصوص

ارباب قلم مخصوص دربخانه حضرت والا

میرزا نصر الله خان مستوفی میرزا رضا حکیم منشی مخصوص
حاجی میرزا ابراهیم مستوفی میرزا حسنعلیخان منشی
میرزا نصیرخان منشی

مملکت فارس

نواب اشرف والا ظل السلطان فرمانفرمای مملکت فارس ادام الله
اقباله العالی نواب جلال الدوله نایب الایاله مملکت
فارس جناب صاحبدیوان کارگزار کل مملکت فارس
جناب قوام الملک حاجی نصیر الملک مؤید الملک

میرزا حسینخان محمد رضا خان بیگلربیگی حاجی میرزا آقا
خان وکیل بنان الملک جناب میرزا علی محمد ملا باشی
میرزا محمد حسین لله باشی میرزا علیمحمدخان منشی باشی
حاجی میرزا جعفر حکیمباشی

کرمانشهان و کردستان

نواب اشرف والا ظل السلطان فرمانفرما ادام الله اقباله العالی
جناب ناصر الملک حکمران کرمانشهان و کردستان جناب میرزا
محمد اقبال الملک نایب الایاله کردستان مصطفی قلیخان نایب
الحکومه کرمانشاهان

عربستان

نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران ادام الله اقباله العالی
شاهزاده احتشام السلطنه نایب الایاله عربستان شیخ مزعل
خان نایب الحکومه محمره آقا رضای مستوفی و سررشته دار

لرستان و بروجرد

نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی حکمران

لرستان

شاهزاده حشمة الدوله نایب الایاله لرستان شاهرخ میرزا نایب
الحکومه خرم آباد میرزا عبدالله منشی میرزا جعفر قلی
میرزا سید رضا مستوفی و سررشته دار

بروجرد

شاهزاده حشمة الدوله نایب الایاله بروجرد میرزا سید ابراهیم
سررشته دار

یزد

نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران ادام الله اقباله العالی
ابراهیم خلیل خان نایب الحکومه محمود آقا میرزا محمد مستوفی میرزا
ابو القاسم منشی

عراق و غیره

نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران ادام الله اقباله العالی
میرزا علی اکبر خان نایب الحکومه
میرزا اسدالله مستوفی و سررشته دار محمد صادقخان

کلپایگان و خوانسار و کمره

نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران ادام الله اقباله العالی

نایب الحکومهٔ کلپایکان نایب الحکومهٔ خوانسار نایب الحکومهٔ کمره

قشون و افواج جمعی نواب اشرف والا ظل السلطان

ادام الله اقباله العالی

افواج

افواج ثلثهٔ اصفهان افواج خمسهٔ عراق افواج اربعهٔ کرمانشاهان

فوج کمره فوج سیلاخور فوج کلپایکان فوج امرائی

فوج پشتکوهی

سواره

دو هزار و پانصد نفر

سوار بختیاری اصفهان پانصد نفر سوار ایلات فارس پانصد نفر

سواره ایلات بروجرد پانصد نفر سوار ایلات کرمانشاهان

پانصد نفر سواره لرستانی وغیره پانصد نفر

صاحب‌منصبان افواج

افواج ثلثهٔ اصفهان

فوج جلالی

حاجی میرزا عبدالوهاب‌خان سرتیپ نواب والا جلال الدوله

سرهنگ حاجی میرزا محمدعلی مشرف

فوج فریدن

حاجی مصطفی‌قلیخان سرتیپ میرزا احمدخان سرهنگ

میرزا سلیمان مشرف

فوج چهارمحالی

میرزا عبدالحسین‌خان سرهنگ

میرزا محسن مشرف

افواج خمسهٔ عراق

فوج برچلو

محمدخان سرتیپ میرزا محمدعلی مشرف

فوج خلج قم

میرزا محمدحسین مشرف

فوج کزازی

حاجی صمصام الملک سرتیپ ذوالفقارخان سرهنگ

میرزا فهمی مشرف

فوج سربندی

مصطفی‌خان سرهنگ میرزا فتح الله

مشرف

فوج فراهان

نواب ناصرالدوله سرتیپ محمدطاهرخان سرهنگ

میرزا اسمعیل مشرف

افواج اربعهٔ کرمانشاهان جز آن معین نشده است

افواج کمره وغیره

فوج کلپایکان باقرخان سرهنگ میرزا آقاجان مشرف

فوج کمره جزء ندارد

فوج سیلاخوری

رضاخان سرهنگ میرزا افضل الله مشرف

افواج لرستانی

فوج امرائی فوج پشتکوهی

ولایات و ایالاتیکه حکومت آنها در اداره

نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ ادام

الله اقباله العالی است

ایالت گیلان

جناب عبدالله‌خان والی حکمران گیلان و طوالش

میرزا سید تقی لشکرنویس پیشکار گیلان

ایالت دارالمرز مازندران

امیرالامراء العظام محمدابراهیم‌خان سهام الدوله سرتیپ

اول حکمران مازندران

استراباد و گرگان و ترکمان

امیرالامراء العظام ساعدالدوله امیرتومان حکمران

استراباد و گرگان وغیره

قم و ساوه و شاهسون بغدادی

جناب اعتضادالدوله حکمران قم و ساوه و شاهسون بغدادی

اجزای حکومت و معارف قم

امیرزاده عباس‌میرزا نایب الایاله نصرالله‌خان پیشکار

جناب صنولباشی جناب حاجی سید جواد مجتهد

اداره ساوه

علیخان نایب الحکومه حاجی میرزا احمد مجتهد

ادارهٔ شاهسون بغدادی

میرزا محمد حسین نایب الحکومه

ملایر و تویسرکان و نهاوند

نواب والا اعتضاد الدوله حکمران ملایر و تویسرکان و نهاوند

اسدالله خان نایب الحکومه نهاوند

دماوند

حاجی میرزا یحیی خان حکمران دماوند

فیروزکوه

میرزا فضل الله خان حاکم فیروزکوه

سایر ممالک و ولایات محروسهٔ ایران

مملکت خراسان و سیستان

نواب والا رکن الدوله فرمانفرمای مملکت خراسان و سیستان

نواب معین الدوله نایب التولیه نواب نیر الدوله میرزا امیرزاده علینقی میرزا نایب الحکومه جناب حاجی مستشار الملک مستوفی اول و پیشکار مملکت خراسان

مملکت کرمان و بلوچستان

نواب ناصر الدوله حکمران کرمان و بلوچستان میرزا سید کاظم مستوفی و پیشکار مالیات

قزوین

نواب والا ملک آرا حکمران قزوین و توابع

ولایات خمسه

نواب مؤید الدوله حکمران ولایات خمسه میرزا محمد حسین مستوفی و پیشکار

همدان

نواب والا اعزالدوله حکمران همدان امیرزاده حسینعلی میرزا نایب الحکومه میرزا احمد پیشکار همدان

کاشان

حاجی عباسقلیخان قاجار حکمران ولایت کاشان میرزا سید حسن پیشکار کاشان میرزا حسن سررشته دار

سمنان و دامغان

امیرزاده انوشیروان میرزا ضیاء الدوله حکمران سمنان و دامغان

شاهرود و بسطام

محمدخان نایب ایشیک آقاسی باشی حکمران شاهرود و بسطام

کروس

جناب حسنعلیخان سالار لشکر حاکم ارومی و سلماس و کروس وغیره

لطفعلیخان نایب الحکومه کروس

خرقانین

بحکومت امیر الامراء العظام اللهیار خان آجودان باشی امیر تومان

کنکاور

بحکومت رحمة الله خان ساری اصلان

استرآباد

بحکومت خانبابا خان سرتیپ امیر الامراء العظام سلیمانخان صاحب اختیار

نطنز

در جزو حکومت نواب مؤید الدوله و حاجی حسام السلطنه میرزا محمد تقی حکمران نطنز

جوشقان

بحکومت کاشنکان امیرزاده معز الدوله

طارم

آقا باقر نایب الحکومه طارم از جانب جناب امین السلطان

سوادکوه

حاجی ولیخان نایب الحکومه سوادکوه از جانب جناب امین السلطان

ممالک خارجه

ممالک خارجه

اروپ

دولت آستریه و مجارستان

امپراطور فرانسوا شارل ژزف در سنه ۱۲۴٦ هجری متولد شده
ولیعهد آرشی دوک رودلف فرانسوا شارل ژزف پای تخت وینه
صدر اعظم و وزیر دول خارجه کنت کالنکی مذهب دولتی کاتولیک
و پروتستان هم دارد جمعیت هفتاد کرور

دولت اسپانیا

پادشاه الفونس دوازدهم سنش بیست و شش سال وزیر اعظم
کانواس دل کاستیلو مذهب دولتی کاتولیک جمعیت سی و
سه کرور و سیصد سی و پنج هزار نفر پای تخت مادرید

دول معتبره المان

جمعیت کلیه هشتاد و چهار کرور مذهب دولتی پروتستان
و بعضی کاتولیک هستند

اولاً باد

فرمانفرما فردریک گیلیوم لوی سنش پنجاه و هفت سال
ولیعهد فردریک گیلیوم لوی پلااگوست سنش بیست و شش سال
پای تخت کارلسرو مذهب پروتستان

باویر

شاه لوی دویم اتن فردریک گیلیوم سنش سی و هشت سال
پای تخت مونیک مذهب کاتولیک

پروس

امپراطور المان و پادشاه پروس فردریک گیلیوم اول در سنه ۱۲۱۲
هجری متولد شده و در سنه ۱۲۸۸ با امپراطوری المان برقرار کردیده
و سنش هشتاد و شش سال است و لیعهد فردریک گیلیوم
نیکلا شارل سنش پنجاه و دو سال وزیر اعظم پرنس بیزمارک
مذهب دولتی پروتستان و بعضی هم کاتولیک هستند
پای تخت برلن

دولت ساکس

شاه آلبر فردریک اگوست آنتوان فردینان ژوزف شارل ماری
باتیست نپوموسن گیلیوم کزاویر ژرژ فیدل سنش پنجاه و پنج
سال پای تخت درزد مذهب دولتی پروتستان و
قدری کاتولیک

ورتمبرغ

شاه شارل اول فردریک الکساندر سنش شصت سال پای تخت
اشتوتکارت مذهب دولتی پروتستان و قدری کاتولیک

دولت انگلستان و ارلند و اسکاتلند

پادشاه ملکه ویکتوریا الکساندرین سنش شصت و سه سال ولیعهد
پرنس البرت ملقب به پرنس دوگال سنش چهل و دو سال وزیر
اعظم مسیو گلادستون پای تخت لندن جمعیت تمام این مملکت از
انگلیس و ارلند و اسکاتلند از قرار سنه ماضیه شصت و هفت کرور
و سیصد هزار نفر و جمعیت تمام ممالک متصرفی انگلیس از هندوستان
و غیره چهارصد و هفتاد و شش کرور مذهب دولتی پروتستان
و مذهب مملکت ارلند کاتولیک فرمانفرمای هندوستان
لرد اسپنسر

دولت ایطالیا

پادشاه هومبر اول سنش سی و هشت سال و لیعهد ویکتور
امانوئل پرنس ناپل سنش چهارده سال وزیر اعظم مسیو دپرتیس
مذهب کاتولیک جمعیت پنجاه و چهار کرور و چهارصد و هشتاد
و دو هزار نفر پای تخت رُم

دولت بلژیک

پادشاه لئوپلد دویم سنش چهل و هشت سال پای تخت بروکسل
جمعیت ده کرور و سیصد و سی و شش هزار نفر مذهب دولتی کاتولیک

دولت پرتوغال

پادشاه لوی فیلیپ ماری فردیناند پیر سنش چهل و پنج سال و لیعهد
شارل فردیناند لوی ماری وزیر اعظم رُد ریکس سامپایو پای تخت
لیزبن جمعیت دار وپ نه کرور و یکصد و هفتاد و دو هزار نفر
خارج از اروپ شش کرور و دویست و هشتاد و یک هزار نفر

دولت پی با

که هلاند نیز نامند

پادشاه گیلیوم سیم الکساندر پل فردریک لوی سنش شصت

وشش

ششم سال و لیعهد گیلیوم الکساندر شارل فردریک سنش سی و
پنج سال پای تخت لاهه جمعیت هفت کرور و سیصد و نه هزار نفر
مذهب ولتی پروتستان

دولت دانمارک

پادشاه کریستیان نهم سنش شصت و پنج سال ولیعهد کریستیان فردریک
گیلیوم شارل سنش سی و هشت سال وزیر اعظم یعنی رئیس
وزراء استروپ پای تخت کپنهاگ مذهب ولتی پروتستان
جمعیت سه کرور و چهارصد و سه هزار نفر

دولت روس

امپراطور روس الکساندر سیم سنش سی و هشت سال ولیعهد
گراندوک نیکلا الکساندرویچ سنش پانزده سال
مسیو دوگیرس وزیر خارجه
جمعیت صد و هفتاد و هفت کرور و
دویست هزار نفر مذهب ارتودکس یونانی و مذاهب متفرقه هم
دارد پای تخت سنت پطرزبورغ

دولت رومانی

پادشاه شارل اول سنش چهل و چهار سال پای تخت بخارست
وزیر اعظم اسپانا نیسکو جمعیت کرور و سیصد و هفتاد و
شش هزار نفر مذهب ارتودکس یونانی

دولت سربی

پادشاه میلان اول پای تخت بلگراد ولیعهد که سنش هشت سال است
پرنس الکساندر وزیر اعظم پرنس شانانس جمعیت سه کرور و
یکصد و هشتاد و دو هزار و پانصد نفر مذهب کاتولیک
و یونانی

دولت سوئیس

رئیس جمهوری مسیو کاپلر وزیر اول شیس پای تخت برن
مذهب نصف پروتستان و نصف کاتولیک جمعیت پنج
کرور و سیصد هزار نفر

دولت عثمانی

سلطان عبد الحمید خان سنش چهل سال ولیعهد
وزیر اول سعید پاشا پای تخت
اسلامبول مذهب ولتی مسلمان سنی عیسوی و غیره نیز دارد
جمعیت از قرار سنه ماضیه شرف تحقیقاً معلوم نیست

دولت فرانسه

رئیس جمهوری ژول گروی وزیر اعظم و وزیر امور خارجه مسیو
فرنی پای تخت پاریس مذهب ولتی کاتولیک جمعیت هفتاد
و دو کرور و صد و دو هزار نفر

ایالت مُنتنگرو

پرنس نیکلای اول سنش چهل و دو سال ولیعهد پرنس دنکا
سنش نوزده سال وزیر اول پتروویچ پای تخت ستینی جمعیت
یک کرور و سی و شش هزار نفر مذهب ارتودکس یونانی
کمی هم کاتولیک و مسلمان هم دارد

دولت یونان

پادشاه ژرژ اول سنش سی و هشت سال ولیعهد قسطنطین
پای تخت آتن جمعیت تقریباً سه کرور و چهارصد و شصت
هزار نفر مذهب عیسوی
یونانیست

آسیا

دولت چین

امپراطور گوانگ سو سنش دوازده سال وزیر اعظم شاهزاده
کنگ پای تخت پکن مذهب ولتی بودا مذهب هستند مسلمان
نیز هم دارد جمعیت کلیه هشتصد و شصت و هفت کرور
جمعیت رعیت هشتصد و نه کرور و چهارصد و چهل و شش
هزار و صد و چهار نفر جمعیتی که زیر حمایت هستند پنجاه و
هفت کرور

دولت ژاپن

امپراطور (میکادو) موتس هیتو سنش سی و یک سال ولیعهد
چکاشو نوشیمی نمیا وزیر اعظم سانجو پای تخت توکیو مذهب
بودا مذهب جمعیت شصت و شش کرور و صد و دو هزار نفر

دولت سیام

پادشاه

پادشاه سیان
وزیر اول نیا پوفرا یاسوریونگ سی

پای تخت بانکک مذهب بودا مذهب
جمعیت دوازده کرور و سیصد هزار نفر

افریقیه

ایالت تونس

والی سیدی علی بیک پای تخت تونس جمعیت چهار کرور

دولت حبشستان

امپراطور کرنگوس منیلک ... پای تخت گندار جمعیت دوازده کرور مذهب دولتی کاتولیک مسلمان وغیره هم دارد

دولت زنگبار

سلطان سید برکش بن سعید پای تخت شهر زنگبار جمعیت جزیرهٔ زنگبار صد هزار نفر اما تمام جمعیت آن مملکت مشخص نیست مذهب مسلمان

جزیرهٔ ماداکاسکار

پادشاه ملکه رانا والو دویم پای تخت تانانا ناف جمعیت پنج کرور

دولت مارق

سلطان ملا حسن پای تخت طانجه جمعیت دوازده کرور مذهب مسلمان

ایالت مصر که جزو سلطنت عثمانی است

خدیو توفیق پاشا پای تخت قاهره مذهب اسلام سنی جمعیت تمام مصر سی و شش کرور

امریکا

ینگی دنیای شمالی

جمهوری اتازونی

رئیس جمهوری آرتور پای تخت واشنگتون مذهب اغلب پروتستان وغیره جمعیت هفتاد و هفت کرور و سیصد هزار نفر

جمهوری مکسیک

رئیس جمهوری ... پای تخت مکزیک مذهب کاتولیک جمعیت هیجده کرور و دویست و هفتاد و شش هزار نفر

ینگی دنیای مرکزی

جمعیت کل پنج کرور و صد هزار نفر

جمهوری سان سالوادر

رئیس جمهوری ... پای تخت سان سالوادر جمعیت چهل هزار نفر

جمهوری کاستاریکا

رئیس جمهوری گواردیا پای تخت سان ژوزه جمعیت بیست و پنج هزار نفر

جمهوری گواتمالا

رئیس جمهوری ژوزه روفینو باریوس پای تخت گواتمالا

جمعیت سه کرور و صد هزار نفر مذهب کاتولیک

جمهوری نیکاراگوا

رئیس جمهوری دن ... پای تخت ماناگا

جمهوری اوندورا

رئیس جمهوری مرکوار بلا یوسنو پای تخت کومایاکا

ینگی دنیای جنوبی

جمهوری آرژانتین

رئیس جمهوری نیکلا اولاندا پای تخت بوینوس جمعیت دو کرور و سیصد هزار نفر

جمهوری اکواتر

رئیس جمهوری این سو ... پای تخت کیتو جمعیت یک کرور و چهل هزار و سیصد و هفتاد و یک نفر

جمهوری اوروگی

رئیس جمهوری ... پای تخت منتویدیو جمعیت چهار صد هزار نفر

برزیل

امپراطور پدرو دویم پای تخت ریوژانیرو جمعیت بیست

کرور

کرور و صد و هشت هزار نفر

جمهوری بولیوی

رئیس جمهوری دن توماز فریاس پای تخت چوکی ساکا جمعیت چهار کرور

جمهوری پاراکی

رئیس جمهوری اوژینو اوریارت پای تخت استمسیون جمعیت انفرار سنوات ماضیه دو کرور نفر

جمهوری پرو

رئیس جمهوری مسیگو رسباکا الدرن پای تخت لیما جمعیت پنج کرور مذهب کاتولیک

جمهوری شیلی از قرار سنهٔ ماضیه

رئیس جمهوری با آنیبال پنتو پای تخت سان یاکو جمعیت چهار کرور نفر چون جنک جمهوری شیلی با جمهوری پرو تمام نکردیده و هنوز کار شیلی بکطرف نشده است وضع و هیئت دولتی در سنهٔ نهار درینجا نش معلوم نیست

جمهوری دول متحده کولمبی

رئیس جمهوری تونیس پای تخت بگوتا جمعیت کل دول متحده کولمبی دوازده کرور

جمهوری ونزوئلا

رئیس جمهوری گوسمان بلانک پای تخت کاراکاس

جزایر

جزیره ساندویچ

پادشاه لنکالحالحا (خامس) (پنجم) پای تخت اونولو

جزیره سن دومنک

رئیس جمهوری گونزالس پای تخت سن دومنک جمعیت چهارده هزار نفر

جزیره هایتی

رئیس جمهوری سالومن پای تخت پرتاپرنس جمعیت هشتصد هزار نفر